

کتاب مجموعه مقالات

دانشگاه تهران

باجاری

بنیاد فرهنگی بین المللی مادر

۱۳۹۶ و ۱۳۹۷

دانشکده روانشناسی و علوم تربیتی دانشگاه تهران



دومین همایش ملی جایگاه و نقش مادر

2nd National Conference on the Status and the Role of Mother



مادر

دومین همایش ملی جایگاه و نقش

2nd National Conference on the Status and the Role of Mother

University of Tehran
Faculty of Psychology and Education

دانشگاه تهران
دانشکده روانشناسی و علوم تربیتی



دومین همایش ملی جایگاه و نقش مادر

2nd National Conference on the Status and the Role of Mother

فهرست مقالات

- ۸.....نیازسنجی آموزشی و حمایت اجتماعی مادران دارای فرزند با نشانگان داون
- ۱۷.....بررسی تطبیقی نقش و جایگاه مادر در بوستان و گلستان سعدی
- ۲۱.....ارائه مدل مفهومی عوامل موثر بر شادی زنان
- ۳۰.....بازتاب نقش و جایگاه مادر در منابع تاریخی دوره صفویه
- ۳۴.....بازتاب نقش و جایگاه ملکه های مادر در منابع تاریخی از انقراض حکومت صفویه تا برآمدن حکومت قاجاریه
- ۳۹.....آگاهی مادران نسبت به آسیب‌های کودکان و جلوگیری از آسیب در خانه در اثر توانمندسازی مادران
- ۴۷.....تبیین توانمندسازی زنان
- ۵۵.....وظایف زنان در قرن ۲۱
- ۶۴.....بررسی حمایت های قانون و حقوق اسلامی از مادران باردار
- ۷۰.....تعیین اثر موسیقی درمانی مشارکتی بر کاهش استرس و اضطراب مادران و کودکان کاشت حلزونی شنوایی
- ۷۵.....جایگاه تربیتی زن در خانواده از دیدگاه قرآن کریم
- ۸۸.....سلامت اجتماعی و معنوی مادر و حمایت از آن
- ۹۴.....پیش بینی اضطراب بارداری براساس باورهای فراشناختی و سلامت روانشناختی زنان باردار شهر تبریز
- ۱۰۲.....پیش بینی اضطراب بارداری بر اساس بهزیستی ذهنی و شادکامی در زنان باردار شهر تبریز
- ۱۱۰.....اشتغال و باروری: مطالعه ای در بین زنان شاغل در آموزش و پرورش شهر یزد
- ۱۲۱.....نقش پیش فرضهای معرفتی در رویکردهای متفاوت مادران به زندگی
- ۱۲۶.....بررسی مقایسه‌های پدران و مادران در عقلانیت نظری و عملی از نگاه قرآن
- ۱۳۱.....نقش شفقت به خود در کاهش استرس دوران بارداری
- ۱۳۸.....نقش مادر در مدیریت فضای خانه، مطالعه موردی: تاثیرات فضای مجازی در افزایش مهاجرت های غیرمعارف جوانان
- ۱۴۹.....تحلیل محتوای بازنمایی تصویر مادر در کتاب های هدیه آسمان و فارسی پایه اول تا ششم ابتدایی



دومین همایش ملی جایگاه و نقش مادر

2nd National Conference on the Status and the Role of Mother

- نقش سابقهٔ زایمان در عاطفهٔ مثبت، عاطفهٔ منفی و رضایت از زندگی مادران باردار ۱۵۳
- جایگاه و منزلت مادر از نگاه فقه ۱۵۹
- نقش مادر در پیدایش سواد کودکان ۱۶۳
- مادری در فیلم سینمایی لیلا ۱۷۲
- رابطه سبک والدینی مادران با شادکامی فرزندان آنها در بین دانش آموزان دختر ۱۷۸
- تبیین توانمندسازی مادران سرپرست خانوار با رویکرد بیمه‌های اجتماعی ۱۸۴
- بررسی اثرات اشتغال مادران بر تعارض های نقش خانوادگی آنان ۱۹۰
- نقش و جایگاه حیاتی اما در حال فراموشی مادر در تربیت فرزندان با تحلیل برنامه های درسی دوره ابتدایی آموزش و پرورش ۱۹۹
- حمایت حقوقی از مادران در قانون ششم توسعه؛ دستاوردها و چالش ها ۲۰۷
- تحلیل جامعه شناختی سیمای مادر با تاکید بر دیدگاه تفسیر المیزان ۲۱۳
- بررسی اثرات شاغل و یا غیر شاغل بودن مادران بر کودکان مهدکودکی ۲۱۹
- حمایت اجتماعی و تنیدگی روانی مادران دارای فرزند اوتیسم ۲۲۴
- بررسی چگونگی حضور زنان در جوامع انسانی مبتنی بر حفظ کرامت و سلامت اجتماعی ۲۳۱
- تبیین نقش باورهای دینی و فرهنگ فردگرایی بر مادری و تمایل به فرزندآوری ۲۳۹
- بررسی مفهوم مادری از دیدگاه دو نسل از زنان ۲۵۹
- واکاوی تجارب زیسته زنان شاغل از قوانین شیردهی در محیط کار ۲۷۱
- واکاوی نقش مادر در تربیت فرزند در دوران نوجوانی ۲۸۷
- سنتر پژوهی بازنمایی زنان در سینمای ایران ۲۹۲
- نقش و جایگاه ملکه‌های مادر در حرم‌سرای پادشاهان صفویه ۳۰۰
- تبیین چرایی (ضرورت، اهداف) اشتغال مادران با توجه به آموزه های تربیتی اسلام ۳۰۵
- واکاوی نقش مادران شاغل در تربیت فرزندان ۳۰۹
- واکاوی نقش مادران در آموزش به فرزندان: دوران بلوغ، تربیت جنسی و ازدواج ۳۱۵
- رابطه بین طرحواره‌های ناسازگار اولیه و خودکارآمدی والدگری مادران شاغل در شهر یزد ۳۲۲
- تحلیل محتوای کتاب های درسی دوره ی دبستان کشور جمهوری اسلامی ایران از منظر توجه به منزلت نقش مادر ۳۲۸



- ۳۳۳ دانشگاه و تامین سلامت اجتماعی مادران سالمند
- ۳۵۰ واکاوی نقش مادر در بهره مندی بهینه فرزندان از فضای مجازی با توجه به تعالیم اسلامی
- ۳۵۵ تاثیر اشتغال مادران بر تربیت فرزندان از دیدگاه مزلو
- ۳۶۲ بررسی تحولی تصویر مادر در کودکان ۸ تا ۱۲ ساله: با نگاهی بر تفاوت های جنسیتی
- ۳۷۰ تصویر مادر در ضرب المثل های فارسی: یک پژوهش کیفی
- ۳۷۷ نقش مادر در اندیشه ورزی کودک در جامعه ایران
- ۳۸۴ بررسی جایگاه و نقش مادر در دین صابئین مندائی
- ۳۹۰ خصایص ساختاری مادری سنتی و جدید: مبانی نظری و مولفه های تجربی
- ۴۰۸ تبیین نقش مادر در احساس امنیت و تعلق کودک با نگاه ویژه به دیدگاه آبراهام مزلو
- ۴۱۴ تجربه زیسته مادران تک فرزند
- ۴۲۰ نقش شیر دهی در سلامت روان مادر
- ۴۲۷ نقش مادر در رشد اجتماعی فرزند در سینمای دهه ی ۹۰ ایران با تکیه بر دو فیلم «دهلیز» و «ناهید»
- ۴۳۳ جایگاه مادر در شعر معاصر عربی
- ۴۴۰ بررسی مفهوم زمین-مادر در اساطیر ایرانی با بررسی موردی ایزدبانوی کیریریشه
- ۴۴۶ نقش و جایگاه مادر در تربیت فرزندان
- ۴۵۲ تبلور رهیافت های پیشگیرانه از رهگذر نقش مادر در جرم شناسی بالینی
- ۴۵۷ جستاری نقادانه از رویکرد برنامه ششم توسعه به امنیت قانونی مادران در برابر خشونت
- ۴۶۵ اخذ امکان نفقه آینده فرزند توسط مادر
- ۴۷۱ نقش تربیتی مادر در مراحل مختلف رشد از منظر اسلام و روان شناسی رشد
- ۴۸۸ اشتغال زنان و چالش های پیش رو
- ۴۹۷ خود تجربه گرایی مبنایی برای پرورش خلاقیت در خانواده
- ۵۰۴ اثربخشی برنامه والدگری ذهن آگاهانه بر استرس والدگری و خودکار آمدی والدینی در مادران نوجوانان با تعارض بالا



دومین همایش ملی جایگاه و نقش مادر

2nd National Conference on the Status and the Role of Mother

- ۵۱۸..... زنان و زنان سرپرست خانوار و کاهش بیکاری
- ۵۲۹..... راهکارهای توانمندسازی زنان در نقش دوگانه‌ی مادری و اشتغال
- ۵۳۵..... سیاست حمایت مالی از زن باردار در فقه و حقوق ایران
- ۵۴۴..... حمایت از مادران زندانی و فرزندان آنها در پرتو عملکرد نهادهای معاهداتی حقوق بشری نظام ملل متحد
- ۵۴۹..... شاخص ترین نقش مادران در نظام خانواده از چشم انداز اسلامی
- ۵۵۵..... منزلت مادر در نظام حقوقی اسلام
- ۵۶۱..... اسطوره مادری و پیامدهای اجتماعی و حقوقی آن در ایران
- ۵۷۱..... گونه شناسی اشتغال براساس جنسیت
- ۵۷۹..... مهارت‌های ارتباط صمیمانه راهبرد موثر بر اضطراب بارداری مادران
- ۵۸۵..... مادر و تربیت فرزند در اسلام
- ۵۹۵..... مادر: نمونه ی یک فرد خردمند از دیدگاه کودکان ۶ تا ۱۲ ساله
- ۶۰۲..... نقش مادران در ترویج سبک زندگی ایرانی - اسلامی
- ۶۰۹..... حمایت از مادران معلول در پرتو کنوانسیون سازمان ملل متحد در رابطه با حقوق افراد دارای معلولیت



سخن دبیر علمی همایش

اولین کلمه ای که پس از شنیدن واژه "مادر" در ذهن هر کدام از ما تداعی می شود، چیست؟ عشق، ایثار، آغوش همیشه باز.

بدون تردید، مادر مظهر عشق جاودانه و عاری از هر گونه خودخواهی است. مادر است که می تواند برای فرزندش از همه آرزوها، خواسته ها و نیازهایش بگذرد و خود را نبیند و این مفهوم را تنها کسی می تواند عمیقاً درک کند که خود، مادر باشد.

اما آیا مفهوم و مسئولیت مادری با مهر و عاطفه ای که هدیه الهی در قلب مادران است، خلاصه می شود یا باید برای "مادری" در جستجوی مفهومی ورای این مفاهیم عمیق بود. مادر در کنار مهرورزی اش به فرزند، می تواند زمینه رشد ابعاد عقلانی، اجتماعی و اخلاقی فرزندش را فراهم آورد و این زمانی میسر است که خود در این زمینه ها رشد یافته و توانمند باشد. جامعه ای که این فرصت را برای زنانش فراهم می آورد تا بتوانند در تمام زمینه ها از ظرفیت وجودی اشان بهره کافی برده و به رشد و تعالی برسند، می تواند به فردایی بهتر و جامعه ای سالم، شاداب، اخلاقی و رو به توسعه امیدوار باشد. لذا کرامت زن و مادر، فراهم نمودن بستر برای رشد آنان، مساوی با داشتن جامعه و فرهنگی رشد یافته، معنوی و توسعه یافته در همه ابعاد است.

در این همایش، تلاش می شود با نگاهی دوباره به مفهوم "مادری" و توجه به این مفهوم از زوایای کمتر دیده شده، به تقویت نگاه همه جانبه و عمیق به جایگاه مادر داشته و از این طریق، قدمی در مسیر رشد و تعالی جامعه امروز بردارد.

این همایش دارای ویژگی های خاص است؛ زیرا اعتقاد ما بر این است که برای مادر به عنوان یک فرد اثر گذار در جامعه جایگاه رفیعی باید قائل شویم. فردای جامعه ما در دست مادران است و مفهوم مادری از ابعاد مختلف جامعه شناختی، روانشناختی، حقوقی و مسائل دیگری که می تواند در ارتباط با مادر قرار گیرد، باید بررسی شود.

بر خود لازم می دانم از تلاش ها و زحمات کلیه عزیزانی که ما را در برگزاری هر چه بهتر این همایش یاری می کنند تشکر نمایم.

از آقای مهندس محمدی که برگزاری همایش با ایده و انگیزه ایشان برای بزرگداشت مادر شکل گرفته است. از آقای دکتر محمد جوادی پور دبیر اجرایی همایش و کمیته محترم اجرایی به جهت تلاش ها و پیگیری های مستمرشان در راستای انجام امور به نحو احسن و شایسته، کمال تشکر را دارم.

همچنین از تمامی اعضای کمیته علمی همایش که مساعدت عالمانه، مسئولانه و متعهدانه ایشان، سبب ارتقا سطح علمی همایش است، کمال تشکر و قدردانی را دارم.

بر خود لازم می دانم قدردانی ویژه از خانم انسبیه جلالوند داشته باشم که در تمام این مدت که نزدیک به یک سال است برای برگزاری هر چه بهتر این همایش تلاش می شود، همراه و همکار صمیمی و راستین من بوده است.

همچنین تشکر و قدردانی خود را از هیئت محترم داوران ابراز می کنم که با بردباری، دقت نظر و باریک بینی علمی به غنای علمی همایش بیش از پیش افزودند.

آرزوی توفیق، سلامتی روزافزون تمامی دست اندرکاران برگزاری دومین همایش ملی جایگاه و نقش مادر را از خداوند منان، مسئلت دارم.

دکتر افضل السادات حسینی

دبیر علمی دومین همایش ملی جایگاه و نقش مادر



بنام خدا

بنام مادر

سخن بنیانگذار بنیاد فرهنگی بین المللی مادر

خدای مهربان را شاکرم که با همدلی، همفکری و همکاری ریاست ارجمند و اساتید محترم و فرهیخته دانشکده علوم تربیتی و روانشناسی دانشگاه تهران دومین همایش جایگاه و نقش مادر در تاریخ ۱۶ و ۱۷ اسفند ماه ۹۶ در تهران برگزار شد.

بنیاد مادر ضمن احترام به سنتها و آموزه‌های فرهنگی و دینی، بر این باور است که در قرن حاضر بدون برخورداری از مزایای علم و دانش، هیچ پیشرفتی حاصل نخواهد شد، لذا دانشگاه و دانشجو جایگاه خاصی در بنیاد مادر داشته و خواهد داشت. با توجه به اهداف و منشور بنیاد فرهنگی بین المللی مادر و اعتقاد و ایمانی که نسبت به جایگاه و نقش مادر از لحاظ تربیتی، آموزشی و مسئولیتهای معنوی در خانواده و جامعه دارد، این همایش همه ساله جهت آشنا ساختن جامعه بخصوص قشر تحصیل کرده (اعم از دختر و پسر) با جایگاه و نقش قداست آمیز مادر، در یکی از دانشگاه‌های کشور برگزار می‌گردد.

اولین همایش ملی جایگاه و نقش مادر در سال ۹۵ با همکاری دانشکده علوم تربیتی و روانشناسی دانشگاه شیراز با موفقیت چشمگیری برگزار گردید، که در نتیجه ۱۵۶ مقاله علمی در راستای جایگاه و نقش مادر از سراسر کشور به دبیرخانه همایش رسید.

شایان ذکر است که با یاری خداوند متعال و پیگیری‌ها و برنامه ریزی‌های بنیاد مادر، شاهد برگزاری این همایش‌ها در سال ۱۳۹۸ در دانشگاه فردوسی مشهد، سال ۱۳۹۹ در دانشگاه شهید بهشتی تهران و سال ۱۴۰۰ در دانشگاه تبریز خواهیم بود.

امسال که این اتفاق مبارک و مقدس در بزرگترین دانشگاه کشور، دانشگاه تهران برگزار گردید، امیدواریم نتایج درخشان همدلی، همفکری، همکاری و تلاش کلیه دست اندرکاران همایش بخصوص جناب آقای دکتر خدایاری ریاست ارجمند دانشکده، جناب آقای دکتر جوادی پور معاونت محترم و دبیر اجرایی همایش، سرکار خانم دکتر حسینی دبیر کمیته علمی و سایر عزیزان و فرزندان بنیاد و بخش فرهنگی بنیاد مادر که کمک شایانی جهت برگزاری این رویداد معنوی و مقدس مبذول فرمودند، در راستای آشنا ساختن جامعه با ویژه نسل جوان با جایگاه و نقش مادر از هر لحاظ بخصوص (امور معنوی، حقوقی، آموزشی، تربیتی و خانوادگی) مؤثر واقع شود.

همچنین از جناب آقای دکتر به پژوه استاد فرهیخته که برآستی دل در گرو عشق مادر و خانواده دارند و همیشه یار و یاور و همدل و همراه بنیاد مادر بوده اند، صمیمانه سپاسگزارم.

با تمامی قلب از همه این بزرگواران سپاسگذاری کرده و آرزو دارم که دعای مادر همیشه همراهشان باشد.

غلامرضا محمدی

بنیانگذار بنیاد فرهنگی بین المللی مادر



نیازسنجی آموزشی و حمایت اجتماعی مادران دارای فرزند با نشانگان داون

احمد به‌پژوه؛ استاد روان‌شناسی دانشگاه تهران

behpajoo@ut.ac.ir

پرستو میرزایی؛ کارشناس ارشد روان‌شناسی و آموزش کودکان استثنایی، دانشگاه تهران

parastoomirzaei۶۵@gmail.com

عباس عبداللهی؛ دانشجوی پسادکتری دانشگاه الزهرا

Abdollahi.abbas۵۸@gmail.com

چکیده

هدف: آموزش خانواده‌های دارای فرزند با نشانگان داون و اجرای برنامه‌های حمایتی مناسب برای آنان، مستلزم سنجش نیازهای آموزشی و حمایتی آنان است. بررسی حاضر نیازهای مادران دارای فرزند با نشانگان داون به حمایت اجتماعی و آموزشی فرزندشان را مورد سنجش قرار داد. روش: پژوهش حاضر به صورت توصیفی-پیمایشی و جامعه آماری شامل تمامی مادران دانش‌آموزان دختر با نشانگان داون شاغل به تحصیل در سال تحصیلی ۹۵-۱۳۹۴ در مجتمع آموزشی شهید اصلانی وابسته به اداره آموزش و پرورش استثنایی شهر تهران بود. نمونه مورد مطالعه شامل سی نفر از مادران دارای دختر با نشانگان داون بودند که به شیوه نمونه‌گیری در دسترس انتخاب شدند. ابزار پژوهش، پرسشنامه نیازسنجی محقق ساخته بود که با استفاده از پرسشنامه نیازسنجی به‌پژوه و محمودی (۱۳۹۴)، طراحی و توسط مادران تکمیل شد. پرسشنامه شامل سه بخش بود: بخش اول اطلاعات جمعیت شناختی؛ بخش دوم سیزده سؤال تشریحی و بخش سوم بیست و هشت گویه چهارگزینه‌ای لیکرتی (خیلی زیاد، زیاد، کم و خیلی کم). یافته‌ها: یافته‌های به دست آمده نشان داد که این قبیل مادران به شدت نگران آینده فرزندانشان هستند و تمایل دارند بدانند که چه خدماتی در حال و آینده برای فرزندان آنها وجود دارد. مادران بر این باور بودند که بهتر است متخصصان با آنان صادقانه رفتار کنند و آنچه مهم است که والدین درباره آینده فرزندشان بدانند به آنها گفته شود. مادران درخواست کرده بودند که برنامه‌های آموزشی مناسب به خصوص در زمینه آموزش مهارت‌های زندگی مستقل برای فرزندانشان اجرا شود. نتیجه‌گیری: مادران کودکان با نشانگان داون نیاز بالایی به حمایت اجتماعی و آموزش دارند و این موضوع ضرورت طراحی، برنامه‌ریزی و اجرای برنامه‌های دانش افزایی برای این گونه خانواده‌ها را نشان می‌دهد.

واژه‌های کلیدی: نیازسنجی آموزشی، حمایت اجتماعی، نشانگان داون

مقدمه

ناتوانی هوشی به محدودیت قابل ملاحظه در کارکردهای هوشی و رفتار سازشی گفته می‌شود که بسیاری از مهارت‌های اجتماعی و عملی روزمره را تحت تأثیر قرار می‌دهد. این ناتوانی قبل از هجده سالگی ظاهر می‌شود (انجمن ناتوانی‌های هوشی و رشدی آمریکا، ۲۰۱۰، ترجمه به‌پژوه و دلاوریان، ۱۳۹۵). در واقع ناتوانی هوشی موجب می‌شود که کودک در زبان دریافتی، زبان بیانی، خواندن، نوشتن، مفاهیم پول، خودهدایتی، مهارت‌های بین‌فردی، مسوولیت‌پذیری، عزت نفس، پیروی از دستورات، اطاعت از قوانین، ممانعت از مورد سوء استفاده قرار گرفتن، فعالیت‌های زندگی روزمره از قبیل خوردن، جابه‌جایی، دست‌شویی، لباس پوشیدن و فعالیت‌های زندگی روزمره یعنی رفتارهای مرتبط با زندگی مستقل از قبیل آماده کردن غذا، خانه داری، حمل و نقل، مصرف درست دارو، مدیریت پول، استفاده از تلفن و مهارت‌های شغلی با مشکل روبرو شود (فورمن، ۲۰۰۹). در هر حال، ناتوانی هوشی رشد همه‌جانبه فرد مبتلا را محدود می‌سازد و والدین و سایر اعضای خانواده را تحت تأثیر قرار می‌دهد (همتی علمدارلو، ۱۳۹۲).

شایان ذکر است که تولد نوزاد با نیازهای ویژه، بر کارکردهای خانواده و رضایت زناشویی والدین تأثیر می‌گذارد و مسوولیت‌های جدیدی را برای والدین به همراه دارد (به‌پژوه، ۱۳۹۴). به طور طبیعی هر زوجی امیدوار است که کودکی سالم داشته باشد و تولد یک کودک با نیازهای ویژه تأثیر نامساعدی بر زندگی، هیجانات، افکار و رفتار اعضای خانواده می‌گذارد و به مثابه رویدادی نامطلوب و مشکل آفرین موجب ایجاد تنیدگی، سرخوردگی و نومیدی والدین می‌شود (زمبات و بیلدیز، ۲۰۱۰؛ تبسم و محسین، ۲۰۱۳).



شواهد متعددی نشان می‌دهد که والدین کودکان با نیازهای ویژه، به احتمال بیشتری با مشکلات اجتماعی، اقتصادی و هیجانی که غالباً ماهیت محدودکننده و فراگیر دارند، روبه‌رو می‌شوند (به‌پژوه، ۱۳۹۴؛ خمیس، ۲۰۰۷؛ دوگان، ۲۰۱۰) و کیفیت زندگی آنها نسبت به والدین کودکان عادی، پایین‌تر است (الایک و همکاران، ۲۰۰۶؛ تونا و آنالان، ۲۰۰۷).

در میان کودکان با ناتوانی هوشی، کودکان با نشانگان داون^۱ از متداول‌ترین اختلال‌های کروموزومی مادرزادی است که همواره درجه‌های مختلفی از ناتوانی هوشی را به همراه دارد. فراوانی این اختلال در همه کشورهای و در تمام اقوام و اقشار دنیا تقریباً یکسان است. تأثیرات جسمی، ذهنی و روانی ناشی از این اختلال را می‌توان در دوران رشد کودک مشاهده کرد. بی‌تردید خانواده و اطرافیان کودک نیز به روش‌های گوناگون از این پدیده متأثر می‌شوند. به طور معمول این اختلال ژنتیکی به دلیل وجود یک کروموزوم اضافی به وجود می‌آید. به بیان دیگر، در کودکان با نشانگان داون در هر سلول به جای ۴۶ کروموزوم ۴۷ کروموزوم وجود دارد. به همین دلیل نشانگان داون در علم ژنتیک به تریزومی^۲ نیز معروف است. این اختلال دارای نشانه‌های مختلف، از جمله ناهنجاری‌های عمده و یا خفیف در ساختار یا عملکرد اعضا است. وجود مشکلات یادگیری، محدودیت و تأخیر در رشد و نمو از جمله علائم زودرس این اختلال است که تقریباً در همه افراد با نشانگان داون مشاهده می‌شود (افروز، ۱۳۸۸).

یکی از مسائلی که منجر به افزایش سطح اضطراب و تنیدگی مادران کودکان با ناتوانی هوشی و به خصوص کودکان با نشانگان داون می‌شود، بروز مشکلات رفتاری در کودکان آنهاست (چو و ریچادل، ۲۰۰۹). مسئله دیگری که مادران این کودکان تجربه می‌کنند عدم توانمندی در مدیریت خود و کودک، عدم توانمندی در برقراری ارتباط اثربخش با کودک و دیگران (تنبیه بدنی، ملاحظه بیش از حد دیگران و منزوی کردن خود و کودک)، عدم استفاده از روش‌های حل مسئله در برخورد با مشکلات است (محمدخان کرمانشاهی و همکاران، ۱۳۸۵). همچنین تعاملات خانوادگی ضعیف شامل فرزندپروری بی‌ثبات و مبتنی بر تنبیه، نگرش فرزندپروری طرد کننده یا سرد، قوانین سخت و ناپایدار، نظارت ناکافی والدین، دلبستگی نایمن و فقدان ارتباط مثبت با او به عنوان عوامل پیش‌بینی کننده خطر در نظر گرفته می‌شوند (لنگوا، هونرادو و بوش، ۲۰۰۷).

طبق پیشینه پژوهشی موجود، یکی از عوامل موثر بر موفقیت مادران و پدران، کسب دانش‌ها و مهارت‌های لازم در زمینه فرزندپروری است. از این رو، به طور خاص نخستین اولویت خدمت‌رسانی به والدین دارای فرزند با ناتوانی هوشی ارائه حمایت‌های مناسب، اطلاع‌رسانی و آموزش است و به طور معمول آنان از افراد متخصص انتظار دارند تا در جهت توانمندسازی و افزایش مهارت‌هایشان کمک کنند تا قادر شوند شرایط دشوار خود را مدیریت کنند (هوبر و همکاران، ۲۰۰۵؛ جیمز، ۲۰۱۳).

هرچند والدین به عنوان یکی از منابع قابل اطمینان و مهم شناسایی توانمندی‌های بالقوه دانش‌آموزان ناتوانی هوشی در نظر گرفته می‌شوند، اما به طور سنتی همیشه خارج از دایره آموزش‌های رسمی و برنامه‌ریزی مربوط به فرزندانشان بوده‌اند (لیولی، ۱۹۹۸). والدین می‌توانند حلقه اتصال مناسبی میان برنامه‌های آموزشی و جامعه باشند و نظرسنجی‌ها و مصاحبه‌های انجام شده نشان داده است که آنان می‌توانند نقش فعال و مناسبی در جابجایی فرزندانشان در جامعه ایفا کنند. مادران و پدران این گونه دانش‌آموزان می‌توانند به عنوان داوطلب در برنامه‌های آموزش حرفه‌ای محله محور نیز نقش مهمی ایفا کنند (ورشینگ، گیلورد-راس و گیلورد-راس، ۱۹۸۶).

برای مثال، داشتن کودک اتیستیک، خود منبع بروز تنیدگی است (دوارت و همکاران، ۲۰۰۵). گفتنی است که میزان تنیدگی به عوامل گوناگونی، مانند نوع و شدت مشکل یا ناتوانی، جنسیت کودک، میزان حمایت‌های در دسترس خانواده، ویژگی‌های شخصیتی والدین و منابعی که برای کنار آمدن و مقابله با آن در دسترس دارند، بستگی دارد. از سوی دیگر میزان آسیب‌پذیری هر فرد در برابر تنیدگی، متأثر از مهارت‌های مقابله‌ای و حمایت‌های اجتماعی است که دریافت می‌کند (هرینگ و همکاران، ۲۰۰۶).

مادران با توجه به ساختار شخصیتی خود، بیشتر احساس مسئولیت و یا گاهی احساس گناه می‌کنند. از طرفی چون آنان بیشتر وقت و انرژی خود را صرف کودک می‌نمایند، بیشتر از پدران با همسایگان، اطرافیان و خویشاوندان ارتباط دارند و در معرض توضیح دادن وضعیت فرزند خود قرار می‌گیرند (حسینی و رضا زاده، ۱۳۸۱). فشار روانی وارده بر این مادران موجب مختل شدن سلامت جسمانی و روانی خودشان، سلامت و آسایش همسران و فرزندان و در سطحی وسیع‌تر سلامت روانی کل جامعه می‌شود (مک‌کانکی و همکاران، ۲۰۰۸؛ ملک‌پور و همکاران، ۱۳۸۵).

Down Syndrome. ۱

Trisomy. ۲



ولری و بیلی (۱۹۸۵)، دلایلی را مطرح می‌کنند که ضرورت عرضه خدمات تخصصی و آموزشی به والدین را مشخص می‌کنند. آنان معتقدند که والدین کودک با ناتوانی هوشی اغلب به آموزش‌های خاص، مانند شیوه غذا دادن و لباس پوشاندن به فرزندان نیاز دارند. از دیگر سو، نیازهای درمانی و آموزشی و کاهش منابع مالی، والدین را سخت درگیر می‌کند و ضرورت آموزش به این گونه خانواده‌ها را دو چندان می‌نماید. شایان ذکر است که مهم‌ترین قدم در آموزش خانواده، به ویژه خانواده‌های دارای کودک با نیازهای ویژه، مخاطب‌شناسی و ارزیابی جامعی از نیازهای خانواده و برنامه‌ریزی مبتنی بر نیازهاست (بیلی و سایمنسون، ۱۹۸۸). طبق نظر بنتوویم (۱۹۸۶) نیازسنجی از خانواده‌ها، در زمینه‌های زیر مفید است:

- شناسایی نیازهای کودک،
- شناسایی نیازهای اعضای خانواده (پدر، مادر، خواهران و برادران)،
- شناسایی بافت خانوادگی،
- شناسایی مداخله‌های ضروری برای رفع نیازهای مورد نظر،
- تشویق اعضای خانواده به مشارکت در برنامه‌های آموزشی و توان‌بخشی،

به‌پژوه (۱۳۹۴)، بیلی و سایمنسون (۱۹۸۸) و مگی و آلاندر (۱۹۸۱) بر این باور هستند که نیازسنجی نخستین و مهم‌ترین گام برنامه‌ریزی آموزشی به منظور شناسایی نیازها و رجحان‌ها محسوب می‌شود. از این رو، با توجه به اهمیت آموزش خانواده‌های دارای فرزند با نشانگان داون و حمایت اجتماعی از آنان، ضرورت شناسایی و طراحی برنامه‌های آموزشی و حمایتی برای این خانواده‌ها کاملاً احساس می‌شود و قبل از اجرای هر نوع برنامه‌ای، لازم است نیازهای آنان شناسایی شود. بنابراین، در پژوهش حاضر به نیازسنجی آموزشی و شناسایی حمایت‌های اجتماعی مورد نیاز مادران دارای فرزند با نشانگان داون پرداخته شد.

روش پژوهش

جامعه آماری و نمونه مورد مطالعه

این پژوهش از نظر هدف، کاربردی و از لحاظ روش، توصیفی-پیمایشی است. جامعه آماری پژوهش حاضر را کلیه مادران دارای دختر با نشانگان داون که در مجتمع آموزشی شهید اصلانی وابسته به اداره آموزش و پرورش استثنایی شهر تهران در سال تحصیلی ۹۵-۱۳۹۴ به تحصیل اشتغال داشتند، تشکیل می‌داد. نمونه مورد مطالعه در این پژوهش شامل ۴۰ نفر از مادران دارای فرزند با نشانگان داون بود که به شیوه تمام شماری انتخاب شدند.

شیوه اجرای پرسشنامه به این ترتیب بود که در اردیبهشت ماه سال ۱۳۹۵ و با همکاری مدیر مجتمع یاد شده، پرسشنامه‌های نیازسنجی بدون ذکر نام در اختیار یکایک مادران دارای دختر با نشانگان داون قرار گرفت که از میان چهل پرسشنامه توزیع شده، سی پرسشنامه تکمیل و عودت داده شد.

ابزار پژوهش

با توجه به پیشینه پژوهشی، تجربیات بالینی پژوهشگران و مصاحبه با چند مادر دارای فرزند با نشانگان داون و با استفاده از پرسشنامه نیازسنجی به‌پژوه (به‌پژوه، ۱۳۹۴؛ به‌پژوه و محمودی، ۱۳۹۴)، پرسشنامه نیازسنجی مورد نظر طراحی و تدوین و توسط مادران تکمیل شد. پرسشنامه شامل سه بخش بود: بخش اول شامل اطلاعات جمعیت شناختی در مورد والدین و فرزند با نشانگان داون بود. بخش دوم پرسشنامه را سیزده سؤال تشریحی (باز پاسخ) تشکیل می‌داد و بخش سوم پرسشنامه شامل بیست و هشت گویه چهارگزینه‌ای لیکرتی (خیلی زیاد، زیاد، کم و خیلی کم) بود. گفتنی است که پرسشنامه مورد نظر از روایی صوری و محتوایی مطلوبی برخوردار است و اعتبار آن با استفاده از آلفای کرونباخ ۰/۶۹ به دست آمد.



بخش اول: اطلاعات جمعیت‌شناختی

در بخش اول پرسشنامه که مربوط به ویژگی‌های جمعیت‌شناختی فرزند و والدین دارای فرزند با نشانگان داون بود، اطلاعات زیر به دست آمد.

جدول ۱. توزیع فراوانی مادران بر حسب سن

سن (بر حسب سال)	فراوانی	درصد
۳۹-۳۳	۷	۲۳,۳
۴۷-۴۰	۷	۲۳,۳
۵۶-۴۸	۱۲	۴۰
۶۷-۵۷	۴	۱۳,۳
جمع	۳۰	۱۰۰

همان‌طور که در جدول یک مشاهده می‌شود بیشترین درصد شرکت‌کنندگان در این پژوهش در دامنه سنی ۴۸ تا ۵۶ سال (۴۰ درصد)، قرار داشتند و میانگین سنی آنان حدود ۴۸ سال به دست آمد.

جدول ۲. توزیع فراوانی مادران بر حسب تحصیلات

میزان تحصیلات	فراوانی	درصد
زیر دیپلم	۱۰	۳۳,۳
دیپلم	۸	۲۶,۷
کاردانی	۵	۱۶,۷
کارشناسی	۶	۲۰
کارشناسی ارشد	۱	۳,۳
جمع	۳۰	۱۰۰

جدول دو نشان می‌دهد که در میان مادران شرکت‌کننده در پژوهش حاضر، بیشترین فراوانی میزان تحصیلات مربوط به زیر دیپلم بود که ۳۳,۳ درصد از مادران را تشکیل می‌داد. گفتنی است که اکثر مادران شرکت‌کننده در این پژوهش (۹۰ درصد)، خانه‌دار بودند.

جدول ۳. توزیع فراوانی فرزند با نشانگان داون بر حسب ترتیب تولد

ترتیب تولد	فراوانی	درصد
۱	۴	۱۳,۳
۲	۹	۳۰
۳	۶	۲۰
۴	۸	۱۶,۷
۵	۳	۱۰
جمع	۳۰	۱۰۰

همان‌طور که در جدول ۳ مشاهده می‌شود بیشترین فرزندان با نشانگان داون مادران شرکت‌کننده در این پژوهش فرزند دوم خانواده بودند (۳۰ درصد).

بخش دوم پرسشنامه: سوال‌های تشریحی

پرسش اول: شما چه زمانی متوجه شدید که فرزندتان دارای مشکل است؟

بیشتر مادران یعنی حدود نود درصد اظهار داشتند که از بدو تولد متوجه شدند که فرزندشان با نشانگان داون بوده است و فقط تعداد اندکی از مادران (ده درصد) بیان کردند که بعد از تولد نوزاد، متوجه مشکل فرزند خود شدند.



پرسش دوم: چگونه مطلع شدید؟ و چه کسی خبر داد؟

مادران شرکت کننده در این پژوهش بیشترین پاسخی که به این پرسش دادند این بود که از طریق پزشک زنان و زایمان در روز نخست تولد نوزاد متوجه مشکل فرزند خود شدند (حدود هشتاد درصد). عده‌ای هم اظهار داشتند که به دلیل وجود مشکلاتی که در ابتدای تولد فرزندشان به وجود آمد به پزشک اطفال مراجعه کردند و فقط ده درصد از مادران گزارش کردند که از طریق آزمایش ژنتیک قبل از تولد متوجه وجود مشکل فرزند خود شده بودند.

پرسش سوم: نخستین واکنش شما چه بود؟

مادران مورد مطالعه در پاسخ به این سؤال اظهار کردند که تقریباً اولین واکنش آنان گریه و شیون و زاری همراه با گذراندن یک دوره افسردگی بود. برخی از آنان گزارش کردند که وجود فرزند با نشانگان داون خود را انکار می‌کردند و دچار شوک خیلی شدید شده بودند که با مرور زمان توانسته بودند فرزند خود را با وجود مشکل بپذیرند.

پرسش چهارم: از زمانی که مطلع شدید فرزندتان مبتلا به نشانگان داون است، چه خدمات و حمایت‌هایی را دریافت کرده‌اید؟

پاسخ همه مادران به این پرسش، این بود که متأسفانه تا قبل از هفت سالگی، هیچ گونه حمایت و خدماتی را دریافت نکرده و مادران بدون دریافت هیچ گونه حمایت و راهنمایی، بعد از زایمان از بیمارستان ترخیص شده بودند.

پرسش پنجم: آیا شما تاکنون در برنامه آموزشی و مداخله‌ای شرکت کرده‌اید؟

نود درصد از مادران گزارش کردند که تا کنون در هیچ برنامه آموزشی و مداخله‌ای در مورد فرزند خود شرکت نکرده‌اند و فقط در برنامه‌های محدودی که توسط مدرسه برگزار می‌شود، شرکت می‌کنند.

پرسش ششم: چه امکاناتی در حال حاضر برای فرزند شما در دسترس می‌باشد؟

بیشترین پاسخی که مادران به این پرسش دادند این بود که به جز خدماتی که در مدرسه برای این گونه افراد ارائه می‌شود، مانند برگزاری کارگاه‌های قالبی بافی، خیاطی و سرمه‌دوزی، هیچ گونه امکاناتی در خارج از مدرسه برای آنها وجود ندارد.

پرسش هفتم: چگونه شرایط رشد یا وضعیت روانی فرزند خود را ارزیابی می‌کنید؟

اکثر مادران گزارش کردند که از طریق مدرسه و یا از طریق متخصص اطفال و یا روان‌پزشک به ارزیابی فرزند خود می‌پردازند.

پرسش هشتم: همسر شما نسبت به فرزند با نشانگان داون شما چه واکنش‌هایی دارد؟

بیشترین پاسخی که مادران به این پرسش دادند این بود که همسر آنان به عنوان یک پدر پذیرفته بودند که فرزندشان به نشانگان داون مبتلا است و مانند فرزندان عادی خود با او با محبت و منطقی رفتار می‌کنند. این در حالی است که تعداد اندکی از مادران (ده درصد) گزارش کردند که همسر آنان هنوز این واقعیت را به طور کامل نپذیرفته و تمام فشارها بر دوش آنهاست و از این بابت احساس تنهایی و خستگی می‌کردند.

پرسش نهم: فرزندان دیگر نسبت به فرزند با نشانگان داون شما چه واکنش‌هایی دارند؟

بیشترین پاسخی که مادران مورد مطالعه به این پرسش دادند این بود که فرزندان دیگر ابتدا از داشتن خواهر مبتلا به نشانگان داون، بسیار ناراحت بودند، اما به مرور زمان توانستند با این واقعیت کنار بیایند. با وجود این، مادران مورد مطالعه گزارش کردند که هنگام حضور در خیابان و نگاه ترحم‌آمیز مردم به این گونه افراد، دیگر فرزندانشان را به شدت آزار می‌دهد.

پرسش دهم: اقوام و آشنایان دیگر نسبت به فرزند با نشانگان داون شما چه واکنش‌هایی دارند؟

بیشترین پاسخی که مادران به این پرسش دادند این بود که از آن جایی که روابط اجتماعی افراد با نشانگان داون در مقایسه با دیگر افراد با ناتوانی هوشی بهتر است، اقوام و آشنایان با احترام و محبت با فرزند آنها برخورد می‌کنند. این در حالی است که برخی از مادران هم اعلام کردند که هیچ گاه اجازه واکنش منفی در مورد فرزند با نشانگان داون خود را به کسی نداده‌اند.

پرسش یازدهم: فرزند مورد نظر شما در حال حاضر با چه مسائل و مشکلاتی روبرو است؟

مادران شرکت کننده به ترتیب بیشترین مشکلات رفتاری فرزند خود را لجبازی، حساس و زود رنج بودن و پرخاشگری گزارش کردند.

پرسش دوازدهم: به نظر شما چه عواملی در پدید آمدن مسائل و مشکلات فرزندتان دخالت دارد؟

بیشترین پاسخی که مادران ذکر کردند این بود که محیط و جامعه هنوز نتوانسته افراد با نشانگان داون را مانند افراد عادی بپذیرد و همین امر باعث می‌شود که همواره از محیط اجتماعی که در آن همه افراد حضور دارند فاصله بگیرند و فقط در محیط خانوادگی خود منزوی باشند که در نتیجه موجب بروز مشکلاتی در آنها می‌شود. گروهی از مادران هم علت وجود مشکلات رفتاری فرزند با نشانگان داون خود را نداشتن اطلاعات کافی در مورد ویژگی‌های این گونه افراد و در نتیجه عدم برخورد صحیح با ناهنجاری‌های فرزندان خود می‌دانستند. پرسش سیزدهم: برای رفع مسائل و مشکلات فرزند خود تاکنون چه اقداماتی کرده‌اید و یا چه راه‌حلی را پیشنهاد می‌کنید؟ پاسخی که اکثر مادران به این



پرسش دادند این بود که در درجه اول باید جامعه این گونه افراد را مانند افراد عادی بپذیرد و همه امکاناتی که در اختیار افراد عادی قرار دارد از جمله امکانات ورزشی در اختیار این گونه افراد نیز قرار بگیرد و همچنین نکته‌ای که اکثر مادران به آن تاکید کردند این بود که باید مفاهیم و مهارت‌های زندگی روزمره به این گونه افراد آموزش داده شود تا بتوانند به طور مستقل و بدون کمک دیگران نیازهای خود را برطرف کنند. بخش سوم پرسشنامه: گویه‌های چند گزینه‌ای داده‌های به دست آمده در بخش سوم پرسشنامه، گزارش شده است. گفتنی است که این داده‌ها، در دو گروه تنظیم شده است: گروه اول، خیلی زیاد و زیاد و گروه دوم، کم و خیلی کم. بیش از هشتاد درصد مادران شرکت کننده به گویه‌های اول، دوم، سوم، دهم، یازدهم، بیست و دوم و بیست و پنجم پاسخ خیلی زیاد و زیاد داده‌اند. برای مثال، اکثر مادران مورد مطالعه اعلام کردند که نیاز دارند که خدمات توان‌بخشی ارائه شده به فرزندان آنان، به طور مستمر ادامه داشته باشد، نه فقط در زمان‌های بحرانی (گویه سوم). همچنین اعلام کردند که نیاز دارند که درباره مهارت‌های زندگی مستقل به فرزندان، به آنان آموزش داده شود (گویه بیست و پنجم). مادران مورد مطالعه در گویه‌های دهم و یازدهم، نیازهای بالایی را نیز گزارش کرده‌اند؛ به این معنا که نیاز دارند در زمینه مهارت‌های حل مسئله به آنان آموزش داده شود و نیز درباره فرایند رشد و تربیت فرزندان با نشانگان داون به آنان اطلاعات لازم داده شود. علاوه بر آن اکثر مادران در گویه‌های اول و دوم گزارش کردند که درباره خدماتی که در حال حاضر و در آینده برای فرزند آنها وجود دارد به اطلاعات نیاز دارند. در مقابل، بیش از پنجاه و شش درصد مادران شرکت کننده به گویه‌های سیزدهم، هفدهم و هجدهم پاسخ خیلی کم و کم داده بودند. برای مثال، حدود شصت و هفت درصد از مادران اظهار داشتند که خیلی کم نیاز دارند با سایر والدین دارای فرزند با نشانگان داون ملاقات کنند و به تبادل نظر بپردازند. همچنین حدود شصت و هفت درصد از مادران اظهار داشتند که خیلی کم به خدمات مشاوره‌ای برای همسرشان نیاز دارند و علاوه بر آن حدود پنجاه و هفت درصد از مادران اظهار داشتند که خیلی کم به مشاوره برای خودشان نیاز دارند.

بحث و نتیجه‌گیری

با توجه به یافته‌های به دست آمده، مبنی بر وجود مشکلات گسترده در خانواده‌های دارای فرزند با نشانگان داون، به نظر می‌رسد این مادران از حمایت‌های لازم برخوردار نیستند و در حیطه‌های وسیعی نیاز به آموزش دارند. برای مثال، نکته‌ای که از داده‌های به دست آمده استنباط می‌شود، نیاز این مادران به محترم شمرده شدن از سوی متخصصان و احترام گذاشتن به نظرات آنان است. افزون بر این، نیاز شدیدی به این امر نشان دادند که صادقانه درباره شرایط فرزندشان با آنها صحبت شود. با توجه به نکته اخیر به نظر می‌رسد که آموزش متخصصان (مانند، روان‌شناسان، روان‌پزشکان، مشاوران و کار درمانگران) نیز ضروری باشد که چگونه با این مادران برخورد کنند و بر حسب فهم و درکشان درباره فرزند و آینده وی با آنها صحبت کنند.

بدون تردید، سازگار شدن با اختلال فرزند، یک فرایند مستمر و مادام‌العمر برای خانواده‌های دارای فرزند با نشانگان داون محسوب می‌شود. از این رو، یافته‌های پژوهش حاضر نشان داد که مادران به شدت نگران آینده فرزندانشان هستند و تمایل دارند بدانند که چه خدماتی در حال و آینده برای فرزندان آنها وجود دارد. بهترین راه صادقانه رفتار کردن متخصصان با آنان است. آنچه مهم است که والدین درباره آینده فرزندشان بدانند باید به آنها گفته شود و در درجه دوم باید تا آنجا که می‌شود برنامه‌های آموزشی مناسب برای این گونه افراد و خانواده‌هایشان به خصوص آموزش مهارت‌های زندگی مستقل تدارک دید. در ضمن جلسات مشاوره‌ای نیز باید برای پدران و مادران و سایر اعضای خانواده در دسترس باشد تا بتوانند نگرانی‌ها، ترس‌ها و آرزوهای خود را بیان کنند و درباره مشکلات فرزندشان صحبت کنند و راه‌حل‌های کاربردی به آنها پیشنهاد شود. به این ترتیب این گونه اقدام‌ها علاوه بر اینکه به رشد فرد کمک می‌کند می‌تواند به بهبود روابط، عدم سردرگمی والدین در مقابل رفتارهای فرزندشان یاری رساند. همچنین می‌تواند کمک کند که این والدین فرصتی پیدا کنند تا بتوانند تنش‌های خود را ابراز کنند و در نتیجه به سلامت و بهداشت روان آنها نیز کمک کند. تمام یافته‌های پژوهش حاضر حکایت از آن دارد که مادران کودکان با نشانگان داون نیاز بالایی به حمایت اجتماعی و آموزش دارند و این موضوع ضرورت طراحی، برنامه‌ریزی و اجرای برنامه‌های دانش افزایی برای این گونه خانواده‌ها را نشان می‌دهد.

در مورد اهمیت و ضرورت آموزش خانواده‌های دارای فرزند با نیازهای ویژه مطالعات متعددی انجام شده است. برای مثال، لمب و میر (۱۹۹۱)، تأثیر آموزش خانواده را روی والدینی که در اثر داشتن کودک با ناتوانی ذهنی، احساس خستگی، ناامیدی، احساس گناه و فشار روانی داشتند، مورد بررسی قرار دادند. در پایان آموزش، این والدین احساس موفقیت کردند و مشکلات کمتر و توانایی بهتری را در تصمیم‌گیری از خود نشان دادند. همچنین بتشاو (۱۹۹۷)، معتقد است با استفاده از شیوه‌های شناختی برای حل مشکلات، متخصصان می‌توانند به خانواده‌های دارای کودکان با ناتوانی کمک کنند تا با فشار روانی، افسردگی، ناسازگاری و احساس تنهایی مقابله کنند، به ویژه هنگامی که این احساسات توانایی والدین را برای کمک و مراقبت از کودک تضعیف می‌سازد. شایان ذکر است که هرچه والدین در طراحی برنامه‌های آموزشی و توان‌بخشی فرزندشان مشارکت بیشتری داشته باشند، حمایت بیشتری را احساس خواهند داد و در نتیجه آن برنامه‌ها با



دومین همایش ملی جایگاه و نقش مادر

2nd National Conference on the Status and the Role of Mother

موفقیت بیشتری قرین خواهد شد. از این رو، باید مشارکت بیشتر والدین در طرح‌ریزی برنامه‌ها تشویق شود. والدینی که به عنوان همیاران یا شرکای آموزشی، در برنامه‌ها و فعالیت‌های آموزشی فرزندشان مشارکت می‌کنند، به بهترین شکل بر بهبود و ارتقای عملکرد رفتاری و آموزشی فرزندشان تأثیر گذار خواهند بود (به‌پژوه، ۱۳۹۴). در پایان لازم به ذکر است که مانند هر پژوهشی، پژوهش حاضر نیز با محدودیت‌هایی روبرو بوده است. برای مثال، مشخص نشد که هر یک از نیازهای مطرح شده از طرف مادران تا چه میزان برآورده شده است؟ همچنین محدود بودن جنسیت فرزندان (فقط دختران) و تعداد مادران مورد مطالعه به یک مرکز، امکان تعمیم پذیری نتایج را محدود می‌سازد. به همین دلیل پیشنهاد می‌شود این پژوهش در سطح وسیع‌تری از مادران دارای فرزندان با نشانگان داون انجام شود.



- افروز، غلامعلی (۱۳۸۸). مقدمه‌ای بر روان‌شناسی و توان‌بخشی کودکان با نشانگان داون (چاپ پنجم). تهران: انتشارات دانشگاه تهران.
- انجمن ناتوانی‌های هوشی و رشدی آمریکا (۲۰۱۰). ناتوانی هوشی: تعریف، طبقه‌بندی و نظام‌های حمایتی (ویرایش یازدهم). ترجمه احمد به‌پژوه و مونا دلاوریان (۱۳۹۵). تهران: انتشارات دانشگاه تهران.
- به‌پژوه، احمد (۱۳۹۴). خانواده و کودکان با نیازهای ویژه (چاپ دوم). تهران: انتشارات آوای نور.
- به‌پژوه، احمد و محمودی، مریم (۱۳۹۴). نیازسنجی حمایت اجتماعی مادران دارای فرزند اتیستیک. فصلنامه رویش روانشناسی، ۴، ۱۱، ۳-۲۲.
- حسینی، حمزه و رضازاده، حسین (۱۳۸۱). مقایسه نیازهای روانی-اجتماعی والدین دانش‌آموزان پسر عقب‌مانده ذهنی، تالاسمی و عادی مقطع ابتدایی در شهرستان ساری. مجله علمی-پژوهشی دانشگاه علوم پزشکی مازندران، ۳۷، ۲۸-۳۳.
- محمدخان کرمانشاهی، سیمای و نکلی، زهره؛ احمدی، فضل‌الله؛ آزاد فلاح، پرویز و کاظم نژاد، انوشیروان (۱۳۸۵). تجربیات مادران از داشتن کودک عقب‌مانده ذهنی. مجله توان‌بخشی، ۸، ۳، ۲۶-۳۳.
- ملک پور، مختار؛ فراهانی، حجت‌الله؛ آقایی، اصغر و بهرامی، علی (۱۳۸۵). تأثیر آموزش مهارت‌های زندگی بر کاهش فشار روانی مادران کودکان عقب‌مانده ذهنی و عادی. پژوهش در حیطه کودکان استثنایی، ۶، ۲، ۶۶۱-۶۷۶.
- همتی علمدارلو، قربان (۱۳۹۳). مقایسه سبک فرزندپروری مادران کودکان پیش‌دبستانی با و بدون کم‌توانی ذهنی. تحقیقات علوم رفتاری، ۱۲، ۱، ۱۲۲-۱۳۲.

- Allik, H.; Larsson, J. & Smedje, H. (۲۰۰۶). Health-related quality of life in parents of school-age children with Asperger syndrome or high functioning autism. *Health and Quality of Life Outcomes*, ۴(۱), ۶۴-۷۹.
- Bailey, D.B. & Simeonsson, R.J. (۱۹۸۸). Assessing needs of families with handicapped infants. *Journal of Special Education*, ۲۲, ۱, ۱۱۷-۱۲۷.
- Batshaw, M.L. (۱۹۹۷). *Children with Disabilities*. Baltimore: Paul. H. Brookes.
- Bentovim, A. (۱۹۸۶). Family therapy when the child is the referred patient. In S. Block (Ed), *An Introduction to the Psychotherapies*. Oxford, England: Oxford University Press.
- Chu, J & Richdale, A.L. (۲۰۰۹). Sleep quality and psychological wellbeing in mothers of children with developmental disabilities. *Research in Developmental Disabilities*, ۳۰, ۱۵۱۲-۱۵۲۲.
- Dogan, M. (۲۰۱۰). Comparison of parents of children with and without hearing loss in terms of stress, depression and trait anxiety. *International Journal of Early Childhood Special Education*, ۲ (۳): ۲۴۷-۲۵۲.
- Duarte, C.S; Bordin, I. A; Yazigi, L, & Mooney, J. (۲۰۰۵). Factors associated with stress in mothers of children with autism. *Autism*, ۹ (۴), ۴۱۶- ۴۲۷.
- Foreman, P. (۲۰۰۹). *Education of Students with an Intellectual Disability: Research and Practice*. New York: Information Age Publishing.
- Herring, S; Gray, K.; Taffe, J; Tonge, B.; Sweeney, D, & Einfeld, S. (۲۰۰۶). Behavior and emotional problems in toddlers with pervasive developmental disorders and developmentl delay: Associations with parental mental health and family functioning. *Journal of Intellectual Disability Research*, ۱۲, ۸۷۴- ۸۸۲.
- Huber, J.T; Dietrich, J.D; Cugini, E, & Burke, S. H. (۲۰۰۵). A community health information needs assessment of Texas families who have children with chronic illnesses and disabilities and their care providers. *Medical Library Association*, ۹۳ (۲), ۲۷۸- ۲۸۱.
- James, N. (۲۰۱۳). The formal support experiences of family carers of people with an intellectual disability who also display challenging behavior and/or mental health issues. *Journal of Intellectual Disabilities*, ۱۷ (۱), ۶-۲۳.
- Khamis, V. (۲۰۰۷). Psychological distress among parents of children with mental retardation in the United Arab Emirates. *Social Science & Medicine*, ۶۴, ۸۵۰-۸۵۷.
- Lamb, M, & Meyer, D. (۱۹۹۱). Families of children with special needs. In M, Seligman (Ed), *The Family with a Handicapped Child*. Boston: Allyn and Bacon.
- Lengua, L.J; Honorado, E, & Bush, N.R. (۲۰۰۷). Contextual risk and parenting as predictors of effortful control and social competence in preschool children. *Journal of Applied Developmental Psychology*, ۲۸ (۱), ۴۰-۵۵.
- Livelli, P. (۱۹۹۸). Community based vocational training for student with significant disabilities model: Leadership and initiation. *Journal of Vocational Rehabilitation*, ۱۳, ۴۵-۴۹.
- Magi, M, & Allander, E. (۱۹۸۱). Towards a theory of perceived and medically defined need. *Sociology of Health and Illness*, ۳(۱), ۴۹-۷۱.



- McConkey, R; Truesdale-Kennedy, M; Chang, M; Jarrah, S, & Shukri, R. (۲۰۰۷). The impact on mothers of bringing up a child with intellectual disabilities: A cross cultural study, *International Journal of Nursing Studies*, ۴۵, ۶۵-۷۴.
- Tabassum, R, & Mohsin, N. (۲۰۱۳). Depression and anxiety among parents of children with disabilities: A case study from developing world. *International Journal of Environment, Ecology, Family and Urban Studies*. ۳(۵), ۳۳-۴۰.
- Tuna, T, & Unalan, H. (۲۰۰۷). Quality of life of primary caregivers of children with cerebral palsy. *Developmental Medicine & Child Neurology*, ۴۶ (۹), ۶۴۷-۶۴۹.
- Wershing, A; Gaylord-Ross, C, & Gaylord-Ross, R. (۱۹۸۶). Implementing a community based vocational training model: a process for system change, *Education and Training of the Mentally Retarded*, ۲۱, ۱۳۰-۱۳۶.
- Wolery, M, & Baily, D. (۱۹۸۵). *Early Childhood Education of Handicapped Children*. West Virginia State University.
- Zembar, R, & Yildiz, D.A. (۲۰۱۰). Comparison of acceptance and hopelessness levels of disabled preschool children's mothers. *Procedia: Social and Behavioral Sciences*, ۲, ۱۴۵۷-۱۴۶۱.



بررسی تطبیقی نقش و جایگاه مادر در بوستان و گلستان سعدی

مُجیر مددی؛ دکترای زبان و ادبیات فارسی، استادیار

Mojir3909@gmail.com

زهرا سلیمانی؛ کارشناسی ارشد تاریخ تمدن و فرهنگ اسلامی، دبیر آموزش و پرورش

Zhsoleymani@yahoo.com

چکیده

بزرگان ادب و شعر و صاحبان ذوق و هنر پارسی در طول پیدایش ادبیات و خلق آثار و شاهکارهای ادبی شان در وصف مادر و جایگاه او بسیار سروده‌اند. سعدی شیرازی نیز همچون شاعران دیگر، سخنان پندآموزی را درباره‌ی مادر به زیور نگارش درآورده است. هدف اصلی این پژوهش؛ تبیین ارزش متعالی احترام به مادر به استناد بوستان و گلستان سعدی است که با استفاده از روش توصیفی از نوع کتابخانه‌ای با روش مستندنگاری ادبی و رجوع به منابع معتبر انجام شده است. بر اساس یافته‌های این مقاله می‌توان دریافت که سعدی ضمن بیان نقش مادر در سختی‌های عهد خردی، به اهمیت احترام به مادر و درستی نکردن در جهل جوانی تأکید می‌کند. در دیدگاه او سست‌مهری و فراموش‌عهدی دوران سالاری و اوج قدرت به شدت نکوهش شده است. احترام گذاشتن به مادر سرلوحه‌ی وصف سعدی درباره‌ی مادر است در این وصف، مادر سمبل فداکاری، ایثار، شکیبایی و عاطفه است.

واژه‌های کلیدی: مادر، سعدی، بوستان، گلستان

مقدمه

کتاب گلستان سعدی زیباترین کتاب نثر فارسی است و ویژگی‌هایی دارد که در هیچ کتاب دیگر نیست. نثری آمیخته به شعر است و تمام شعرهایی که به عنوان شاهد در ادامه‌ی هر نثر آمده است و معنی آن را می‌پرورد؛ همه از گفته‌های خود سعدی است که در نهایت فصاحت و ظرافت سروده شده است. گلستان مجموعه‌ای از حکایت‌های گفتنی و از ابتکارات سعدی است که از جنبه‌های تربیتی مورد توجه قرار گرفته است. یکی از ظرافت‌های کلام سعدی این است که معانی ارجمندی را در پس پرده‌ی رنگارنگ الفاظ نهان داشته است:

فروه‌شته بر عارضی دلفریب

نقاب‌ی است هر سطر من زین کتیب

چو در پرده معشوق و در میخ ماه

معانی اسست در زیر حرف سیاه

(سعدی، ۱۳۶۸، ص ۱۶۷)

شیخ شیراز با آگاهی از روحیات حاکمان شیوه‌ی تربیت غیرمستقیم را برگزیده است (حسنی جلیلیان، ۱۳۹۱) و حکایت‌هایی در سیرت پادشاهان، اخلاق درویشان، فضیلت قناعت، فوائد خاموشی، عشق و جوانی، ضعف و پیری، تأثیر تربیت و آداب صحبت را به زبانی شیوا در مجموعه‌ای به نام گلستان نوشته است.

از سویی در قصاید و غزلیات بی‌نظیری که از خود به جا گذاشته است فراخواندن به نیکی‌ها و زیبایی‌ها و بازداشتن از بدی‌ها را اصلی‌ترین مبحث اخلاقی شعر خود قرار داده است و با قلم فصیح و زیبا مجموعه‌ی بوستان را آفریده است. روشن است کسی که این‌گونه به مسائل مختلف تربیتی پرداخته است از جایگاه و نقش "مادر" غافل نخواهد بود. «شیوه‌ی اخلاق‌نگری او در قصاید، مدایح و حتی غزلیاتش به چشم می‌خورد؛



زیرا او شاعری اخلاقی است و نمی‌تواند در نظم و نثرش از این مقوله جدا باشد» (ساروی و دیگران، ۱۳۹۵، ص ۳۲). هدف اصلی در این پژوهش تبیین ارزش متعالی احترام به مادر به استناد بوستان و گلستان سعدی است. در اهمیت نقش مادر همین بس که در آیات مختلف قرآن کریم و احادیث ائمه اطهار، سفارش فراوان درباره‌ی احترام به مادر شده است که در یافته‌های پژوهش به آن اشاره خواهد شد. نویسندگان این مقاله در نظر دارند در یک بررسی تطبیقی نقش و جایگاه مادر را در بوستان و گلستان سعدی بررسی نمایند. تحلیل اشعار و حکایت‌های سعدی در این خصوص، می‌تواند دیدگاه وی را نسبت به جایگاه مادر تبیین نماید و به شناخت پیشینه‌ی جایگاه مادر در فرهنگ ایرانی - اسلامی کمک شایانی کند. باشد تا بهره‌گیری از سخنان بزرگان ادب و شعر پارسی، چراغ راه نسل امروز در راه شناخت نقش و جایگاه مادر و راهی برای رسیدن به سعادت دنیوی و اخروی باشد.

سوالات پژوهش

۱. آیا می‌توان نقش مادر و جایگاه او در بوستان و گلستان سعدی را به صورت تطبیقی بررسی کرد؟
۲. موارد تطبیقی نقش و جایگاه مادر در بوستان و گلستان سعدی کدام است؟

روش پژوهش

شیوه تحقیق؛ توصیفی از نوع کتابخانه‌ای با روش مستندنگاری ادبی و رجوع به منابع معتبر با استفاده از فیش‌های مطالعاتی می‌باشد.

پیشینه‌ی پژوهش

مقاله‌های بسیاری پیرامون نکات تربیتی کلیات سعدی نوشته شده است. به طور نمونه؛ اکبر صیادکوهی در مقاله‌ی خود شیوه‌های ترغیب و تحذیر را در گلستان سعدی بررسی کرده است، طبق یافته‌های وی، سعدی در این شیوه‌ها از استناد به گفته‌های بزرگان، استناد به قرآن و حدیث و معرفی الگو استفاده کرده است (صیادکوهی و دیگران، ۱۳۹۲). هم‌چنین «سعدی مصلحی نیک‌اندیش است که دردهای جامعه و به ویژه مشکلات رفتاری روزگار خویش را به خوبی دریافته و برای درمان آنها از هنر سخنوری خود بهره گرفته است» (حسینی جلیلیان و دیگران، ۱۳۹۱، ص ۱۶۹). از سویی درباره‌ی مادر مقاله‌های بسیاری نوشته شده است. در نخستین همایش نقش و جایگاه مادر که در سال ۱۳۹۵ توسط دانشکده علوم تربیتی و روان‌شناسی دانشگاه شیراز برگزار شد به موضوع مادر پرداخته شد. اما به جز مواردی که به صورت جداگانه در مورد مادر و هم‌چنین نکات تربیتی کلیات سعدی منتشر شده است کسی تا کنون به بررسی جامع بررسی تطبیقی نقش و جایگاه مادر، در بوستان و گلستان سعدی نپرداخته است.

یافته‌های پژوهش

نقش و جایگاه مادر در بوستان و گلستان سعدی به استناد قرآن

مادر واژه‌ی محبوب در همه‌ی زمان‌ها و مکان‌هاست. انسانی سلیم، صبور و فداکار که بدون طمع هیچ پاداشی، همه‌ی سختی‌های پرورش کودک را پذیرا می‌گردد و چه بسا که به خاطر سلامت و سعادت فرزند، خود را به خطر می‌اندازد. در جامعه‌ی عرب قبل از اسلام «مردم عرب به زنی احترام نمی‌گذاشتند مگر اینکه مادر باشد» (اندلسی، بی‌تا، ص ۲۶۴). پس از ظهور اسلام، آیات مختلفی در قرآن کریم، درباره‌ی اهمیت احترام به والدین و به ویژه مادر نازل شده‌است: «و پروردگارت فرمان داده: جز او را نپرستید؛ و به پدر و مادر نیکی کنید هرگاه یکی از آن دو یا هر دو، نزد تو به سن پیری رسند، کمترین اهانتی به آنها روا مدار؛ و بر آنها فریاد مزن و گفتار لطیف و سنجیده و بزرگوارانه به آنها بگو» (سوره اسراء، آیه ۲۳).

حضرت عیسی (ع) در گهواره چنین گفت: «و مرا نسبت به مادرم نیکو قرار داده و جبار و عصیانگر قرار نداده است» (سوره مریم، آیه ۳۲). آیات مختلفی به دوران جنینی و دشواری وضع حمل اشاره می‌کند: «ما به انسان توصیه کردیم که به پدر و مادرش نیکی کند، مادرش او را با ناراحتی حمل می‌کند و با ناراحتی وضع حمل می‌نماید؛ و دوران حمل و از شیر بازگرفتنش سی ماه است تا زمانی که به نیرومندی و کمال خود بالغ گردد و به چهل سالگی برسد می‌گوید: پروردگارا! مرا توفیق ده تا شکر نعمتی را که به من و پدر و مادرم دادی به جا آورم» (سوره احقاف، آیه ۱۵). «ما به انسان درباره‌ی پدر و مادرش سفارش کردیم. مادرش او را با ناتوانی روزافزون حمل کرد و دوران شیرخوارگی او در دو سال پایان می‌یابد؛ (آری به او توصیه کردم) که برای من و برای پدر و مادرت شکر به جا آور که بازگشت (همه‌ی شما) به سوی من است»



(سوره لقمان، آیه ۱۴). در این چهار سوره از قرآن کریم، خداوند بلافاصله پس از اهمیت پرورش خدا و یکتاپرستی، آیاتی درباره‌ی نیکی و احترام به مادر آورده‌است که این موضوع نشان‌دهنده‌ی تاکید ویژه‌ی اسلام به اهمیت جایگاه و نقش مادر است. از آنجایی که سعدی شاعر قرن هفتم و دوره‌ی اسلامی است «وارث فرهنگی آمیخته از اندیشه‌های ایرانی و اسلامی است» (سبزیان پور و دیگران، ۱۳۹۰، ص ۳۷) و به روشنی استناد به آیات قرآن در اشعار وی دیده می‌شود. «ترغیب‌ها و تحذیرها در دیدگاه سعدی همان مواردی هستند که پیش از او، بزرگان ایرانی چون غزالی، ابن‌سینا و خواجه نصیرالدین طوسی به آن پای‌بند بوده‌اند و احتمال می‌رود که وی در نگارش گلستان از آنها متأثر شده باشد، هم‌چنین در بسیاری از اشعارش به تأسی از قرآن و نهج‌البلاغه روی آورده است» (صیادکوهی و دیگران، ۱۳۹۲، ص ۱۲۷). این حکایت از باب ششم گلستان سعدی با عنوان ضعف و پیری برگزیده شده است. حکایت با وجود اختصار در بیان، نظر سعدی را درباره‌ی جایگاه مادر به روشنی بیان می‌کند.

وقتی به جهل جوانی بانگ بر مادر زدم، دل‌آزرده به کنجی نشست و گریان همی‌گفت: مگر خردی فراموش کردی که درشتی می‌کنی؟

چه خوش‌گفت زالی به فرزند خویش
گر از عهد خریدیست یاد آمدی
نکردی درین روز بر من جفا
چو دیدش پلنــــگ افکن و پیلتن
که بیچاره بودی در آغوش من
که تو شیــــمر مردی و من پیرزن

(سعدی، ۱۳۶۷، ص ۱۵۱)

جوانی سر از رای مادر بتافت
چو بیچاره شد پیشش آورد مهد
نه گریان و درماننده بودی و خرد
نه در مهد نیروی حالت نبود
تو آنی که از یک مگس رنج‌های
به حالی شوی باز در قعر گور
دگر دیده چون برفروزد چراغ
چو پوشیده چشمی بیینی که راه
تو گر شکر کردی که با دیده‌ای
معلم نیاموختت فهم و رای
گرت منع کردی دل حق نیوش
پس آشفستگی باشد و ابله‌ی
تأمل کن از بهر رفتار مرد
که بی‌گردش کعب و زانو و پای
از آن سجده بر آدمی سخت نیست
دو صد مهره بر یکدگر ساختست
رگ بر تنست ای پسندیده‌خوی
بصر در سر و رای و فکر و تمیز
بهایم برو اندر افتاده خوار
نگون کرده ایشان سر از بهر خور
نزیب ترا با دانه چنین سروری
به انعام خود دانه دادت نه کاه

دل دردمندش به آذر به تافت
که ای سست‌مهر فراموش‌عهد
که شبها ز دست تو خوابم نبرد؟
مگس‌راندن از خود مجالست نبود؟
که امروز سالار و سرپنجه‌ای
که نتوانی از خویش تن دفع مو
چو کرم لحد خورد پیسه دماغ؟
نداند همی وقت رفتن ز چاه
و گر نه تو هم چشم پوشیده‌ای
سرشت این صفت در نهادت خدای
حقت عین باطل نبودی به گوش
که انگشت بر حرف صنّعش نهی
که چند استخوان پی‌زد و وصل کرد
نشاید قدم برگرفتن ز جای
که در صلب او مهره یک لخت نیست
که گل مهره‌ای چون تو پرداختست
زمینی درو سیصد و شصت جوی
جوارح به دل، دل بدانش عزیز
تو همچون الف بر قدمها سوار
تو آری به عزت خورش پیش سر
که سر جز به طاعت فرود آوری
نکردت چو انعام سر در گیاه



دومین همایش ملی جایگاه و نقش مادر

2nd National Conference on the Status and the Role of Mother

فریبا مشو سیرت خوب گیر
 که کافر هم از روی صورت چو ماست
 اگر عاقلی در خلافتش مکوش
 مکن باری از جهل با دوست جنگ
 بدوزند نعمت به میخ سپاس

و لیکن بدین صورت دلپذیر
 ره راست باید نه بالای راست
 ترا آنکه چشم و دهان داد و گوش
 گرفتم که دشمن بکوبی به سنگ
 خردمند طبعان منت شناس

(سعدی، ۱۳۶۷، ص ۳۶۷-۳۶۶)

با مقایسه‌ی موضوعی درباره‌ی مادر، در آیات قرآن کریم و حکایت‌های کلیات سعدی به نکات مشابهی می‌توان دست یافت. در هر دو کتاب، مواردی چون دوران جنینی انسان و وضع حمل مادر، ناتوانی روزهای کودکی، اهمیت رعایت احترام به مادر و نیکی به او و شکر نعمت وجود مادر اشاره شده است.

نتیجه‌گیری

یکی از وجوه ارزشمند آثار سعدی جنبه‌ی تربیتی و آموزشی آنهاست و با توجه به اهمیت اخلاق در آثار نثر و نظم سعدی، می‌توان وی را مصلحی اجتماعی دانست. توجه ویژه‌ی او به مقام و نقش مادر به استناد آیات قرآن کریم و آموزه‌های ایرانی-اسلامی اوست. طبق نقش و جایگاه مادر در دیدگاه سعدی که در این مقاله بررسی شد او با انتخاب شیوه‌های غیرمستقیم تربیتی در دو حکایت به جزئی‌ترین مراحل رشد، تکامل فرزند و دشواری‌هایی که مادر در این راه، متحمل می‌شود اشاره کرده است. این حکایت‌ها با وجود اختصار بیان، دیدگاه سعدی نسبت به ضرورت احترام و تواضع به جایگاه مادر را به روشنی بیان می‌کند.



ارائه مدل مفهومی عوامل موثر بر شادی زنان

سیده فاطمه حبیبی

دانشجوی دکتری مدیریت آموزشی، دانشگاه آزاد اسلامی واحد مرودشت

habibifati۲۰۱۵@yahoo.com

مژگان امیریان زاده: استادیار گروه علوم تربیتی، واحد مرودشت، دانشگاه آزاد اسلامی، مرودشت، نویسنده مسئول

mamirianzadeh۱۵@gmail.com

چکیده

یکی از نیازهای طبیعی انسان که نقش مؤثری در تقویت اراده و تصمیم انسان دارد، نشاط است. شادی استقامت و پایداری را افزایش می‌دهد، از آنجا که مادر، عضو فعال خانواده است و نقش مهمی در رشد و شکوفایی اعضای خانواده و به همان نسبت، ظهور خانواده ای موفق در اجتماع دارد شاد بودن آن باعث می شود که از خانه بهشتی بسازد که تمام اعضای خانه در آن رشد و شکوفا شوند. نقش مادر در ساختار روانی اجتماع با مبنا قرار دادن اصل شادمانی نقشی غیر قابل انکار است. هدف از پژوهش حاضر تبیین مدل مفهومی عوامل موثر بر شادی زنان است. روش تحقیق با رویکرد کیفی با استفاده از سه سویه سازی، ابزار پژوهش با استفاده از مصاحبه نیمه ساختمند، گروه کانونی و بررسی اسناد، مبنای و پیشینه بوده است. نتایج نشان داد که عوامل فردی، عوامل خانوادگی و عوامل اجتماعی - محیطی بر ایجاد شادی در زنان تاثیر گذار می باشد.

واژه‌های کلیدی: شادی، نشاط، مادر، خانواده، فرزند

مقدمه

امروزه انسان ها به دلیل مشغله زیاد روحی و روانی نیاز به آرامش و شادی دارند که راه های شاد زیستن می تواند در این راه به این افراد کمک کند. جستجوی شادکامی هدفی مهم برای بسیاری از مردم است و سازمان سلامت جهانی تاکید بیشتری از پیش بر شادکامی به عنوان یک مولفه ی سلامت دارد. (لین، ۲۰۱۰، ص ۱۰۹۰). اجزای مربوط به خوشی و لذت شادی، به افزایش احساسات مثبت و کاهش احساسات منفی اشاره دارد؛ اما در زمینه مؤلفه شناختی شادی، ناهمگونی نسبی وجود دارد. این مؤلفه به دستیابی به هدف با تأکید بر رضایت از زندگی و مع نا در زندگی مربوط می شود. (گروپر، ۲۰۱۱، ص ۳۳۱). شادی علت بسیاری از تفکرات و رفتارهای تکامل زاست و شاد بودن هنری است که از عوارض موجود عصر صنعتی می کاهد، اما از دیدگاه علمی و آکادمیک کمتر بدان توجه شده است. شادی یک موقعیت یا یک وضعیت روانی توأم با خشنودی و رضایتمندی است، به طوری که این وضعیت روانی میتواند ناشی از ارضای نیازها و انتظارات باشد. به عبارت دیگر، شادی را می توان رضایتمندی اجتماعی، روانی، و جسمانی یا رضایتمندی از جریانات زندگی تعریف کرد. (اقلیمیا، ابراهیم نجف آبادی، ۱۳۹۰). ازینرو نقش مادران در شادی، تربیت و رشد کودکان بسیار موثر است، وقتی مادری شاد و پر انرژی در خانواده باشد فرزندی را تربیت می کند که آن ها زندگی موفق تر، شادتر، زیباتر و راحت تری را تجربه خواهند کرد. شادابی و نشاط به عنوان یکی از شاخص های مهم کیفیت زندگی، نقش پررنگی در کاهش آسیب های روانی و اجتماعی افراد دارد. مادران شاد قادرند خانواده سالم بسازند، خانواده ای که اعضا آن مکمل یکدیگرند، قدر یکدیگر را می دانند، الگوهای ارتباطی خوبی دارند، عقاید مذهبی قوی دارند و قادرند به نحوه مثبتی با بحران ها مقابله کنند (گلادینگ، ۲۰۱۰، ص ۱۷).

از طرفی بنیان یک جامعه به زن های آن جامعه و یا خانواده وابسته است زیرا تربیت نسل های آینده ای که جامعه را می سازند به دست زنان امروزی است و مشخص است جامعه ی شاد می تواند یک جامعه ایده آل و آرمانی را برای نسل های بعد یعنی فرزندانمان به وجود بیاورد. پس



می‌توان گفت شاد بودن یک مادر در شرایط سخت و ناگوار زندگی یک فداکاری بسیار بزرگ برای خانواده، فرزندان و آینده آنها می‌باشد. مسلم است که این فداکاری نباید از چشم دیگران (منظور همسر است) پنهان بماند یا نادیده گرفته شود، در واقع وقتی به اهمیت و نقش زن پی ببرند خود به خود در صدد جبران این فداکاری بر خواهند آمد و یا حداقل رفتار بهتر و دوستانه تری را شاهد خواهیم بود. وقتی زنان یک جامعه دچار افسردگی نباشند، در عوض شاد و پر انرژی باشند آینده آن جامعه فوق العاده آرمانی خواهد بود. برایانت^۱، استاد روان‌شناسی اجتماعی در دانشگاه «لویولا» در شیکاگو، معتقد است که شادبودن مهارتی است که بیشتر افراد از کسب آن باز می‌مانند و دلیل این شکست هم بسیار ساده است. تحقیقات انجام شده توسط «برایانت» نشان می‌دهد: سهمیم کردن دیگران در خاطرات و تجربه‌های شاد یا حتی فکر کردن به این موضوع، یکی از اثربخش‌ترین راه‌ها برای ماندگاری و بزرگ کردن شادی‌های زندگی است. این کار باعث نهادینه‌سازی احساسات مثبت می‌شود. احساساتی که در صورت ساده گذشتن و بی‌توجهی ناپدید و کمرنگ می‌شوند. تحکیم ارتباطات با دیگران نیز موجب در کنار هم ماندن آدم‌ها و حفظ دوستی‌ها می‌شود. پروفیسور رابرت پوتنام محقق و استاد دانشگاه هاروارد می‌گوید: یکی از موارد شاد بودن انسان داشتن روابط قوی اجتماعی و خانوادگی است. هر چه فرد از روابط بیشتر اجتماعی برخوردار باشد از سلامت قوی روحی و روانی برخوردار شده و بر شادی وی افزوده خواهد شد. به گفته این محقق انسان ذاتاً موجودی اجتماعی خلق شده که احساس درونی کمک به دیگران در او وجود دارد، بنابراین با داشتن چنین روابطی احساس سبکی و شاد بودن به فرد دست می‌دهد. همچنین وی افزود: بنابر تحقیق‌های به عمل آمده یکی دیگر از موارد داشتن جامعه شاد اعتماد به یکدیگر در جامعه است. شادی بعنوان یکی از عوامل مهم تندرستی و سلامت جسم به رسمیت شناخته شده است. سطح بالای شادکامی با پیامدهای سلامتی جمع می‌شود. (گراهام، ۲۰۱۰). برای اینکه زنان شادتری داشته باشیم و بازتاب‌های آن را در مسائل اجتماعی ببینیم. شادبودن رابطه‌ی مستقیمی با حس «امید به زندگی» دارد و از آن طرف هر چه تعداد افراد شاد در جامعه بیشتر باشد، تاثیر متقابل این شادی بر روحیه دیگران و ایجاد انگیزه شخصی و جمعی برای کار، فعالیت و زندگی بیشتر خواهد شد. به طور طبیعی این فعالیت مثبت انسان‌ها در جامعه، از بروز ناهنجاری‌های اخلاقی و رفتاری نیز جلوگیری می‌کند. (موسوی، ۱۳۹۳) بنابراین هر چه در خانواده و جامعه به نشاط زنان توجه داشته باشد، خانواده سالم و بانشاط تر و جامعه ای با آرامش روحی بالاتری خواهیم داشت. بنابراین محقق در صدد پاسخگویی به این سوال است که مدل مفهومی عوامل موثر بر شادی زنان چیست؟

مفهوم شادی

شادی رشته نسبتاً تازه در مطالعات روان‌شناسی می‌باشد (مانتیر، ۲۰۰۴، ص ۱۱۱). تعاریف متعددی درباره شادی توسط دانشمندان ارائه شده است، که در همه آنها به نوعی تجربه کردن احساسات مثبت به چشم می‌خورد. از آنجا که شادی یکی از هیجانات اساسی بشر است، لذا هر کس به فراخور خود آن را تجربه می‌نماید. اما تعریف شادی به سادگی تجربه آن نیست. شادی عبارت است از هیجان مثبتی که از دو بعد رفتارهای اجتماعی و رضایت درونی تشکیل شده و می‌تواند احساس نشاط فرد را نشان دهد. لی ان کچین مؤسس باشگاه شادی، شادی را این گونه تعریف کرده است: «شادی احساس بهزیستی درونی است که افراد را جهت سود بردن از تفکرات، هوش، خرد، آگاهی، حس مشترک و ارزش‌های معنوی توانا می‌سازد.» فرد شاد، فردی است که مکرراً احساسات مثبت را تجربه می‌کند. شادی یعنی احساسات مثبت زیاد، رضایت بالا از زندگی و احساسات منفی نادر. این سه فاکتور، سه عامل مهم در بهزیستی می‌باشند (لیوبرمیسکای، ۲۰۰۵) آرگایل (۲۰۰۱) معتقد است شادمانی دارای ۳ بعد است:

۱- بعد شناختی شادمانی که رضایت از زندگی نام دارد.

۲- بعد عاطفی شادمانی که احساس خوشی است.

۳- بعد سوم شادمانی که نداشتن عواطف منفی و افسردگی و اضطراب است

جدول (۱) نظریه‌های شادکامی	
دیدگاه	نتیجه
سلیگمن	تاکید این دیدگاه بر روی نوع ارتباط‌های بین فردی و میزان شادی می‌باشد
آرجیل و همکاران (۲۰۰۲)	شادکامی از دو جز اساسی (عاطفی و شناختی) تشکیل شده است



لازاروس و فلکمن (۱۹۸۴)	معتقدند که نیازها و خواسته های انسان همواره به آسانی ارضا نمی شود باید موانعی را از سر راه برداشت، دست به انتخاب زد و در برابر ناکامی ها م صائب صبر و شکیبایی نشان داد. لذا آنان معتقدند شادکامی و موفقیت مردم در رسیدن به هدف هایشان به راهبردهای مقابله ای آنان بستگی دارد.
رایس (۲۰۰۱)	شادکامی مبتنی بر ارزش، حاکی از معنی دار بودن زندگی است.
اریکسون (۲۰۰۳)	شادکامی را هدف نهایی زندگی و شادکامی واقعی را در پرتو معنی دار و ارزشمند زندگی می داند.

نظریه های شادکامی جدول (۱) نشان داده اند که افراد شادکام، دارای افکار و رفتارهای سازگارانه و کمک کننده هستند و با دیدگاهی روشن به امور می نگرند، به طور مستقیم برای حل مسائل تلاش می کنند و به موقع از دیگران کمک می طلبند و از طرف دیگر افراد غیر شادکام بدبینانه عمل می کنند و از کار کردن برای حل مشکلات اجتناب می ورزند. بنابراین تلاش برای ایجاد شادی زنان می تواند بسیار کمک کننده باشد و کنار آمدن و حل مشکلاتشان را آسان تر نماید (استورات و همکاران، ۲۰۱۰، ص ۸۴۵).

عوامل موثر بر شادی

به منظور افزایش سطح شادی باید اجزا شادی شناخته شوند. یکی از تازه ترین تحقیقات بیان می کند که شادی از سه جزء تشکیل شده است. سهم عوامل ژنتیکی تقریباً ۵۰٪، سهم شرایط محیطی تقریباً ۱۰٪ و سهم فعالیت های آگاهانه در حدود ۴۰٪ است (لیوبرمیسکای، ۲۰۰۵). این سه فاکتور اصلی روی سطح دائمی شادی اثر خواهند گذاشت، که عبارتند از نقطه ثابت، شرایط زندگی و فعالیت های آگاهانه. نقطه ثابت: بزرگترین سهم شادی در عوامل ژنتیکی است که این فاکتور را نقطه ثابت می نامند. یعنی سطح معین و ثابتی از شادی از والدین به ارث می رسد و موروثی می باشد (مانتیر، ۲۰۰۴، ص ۱۱۲).

جزء دوم شادی شرایط زندگی است که شامل عوامل ملیتی، جغرافیایی و فرهنگی منطقه ای است که فرد در آن زندگی می کند و همچنین شامل فاکتورهای جمعیت شناسی مانند سن، جنسیت و قومیت می باشد.

فعالیت های آگاهانه: شلدان این فاکتور را اینگونه تعریف می کند: این سطح دسته ی وسیعی از فعالیت هایی است که مردم انجام می دهند یا در فکر انجام آنها هستند. رفتارها و فعالیت های فراوانی وجود دارند که افراد برای انجام آنها انرژی صرف می کنند. این فعالیت های مجزا که افراد برای آنها وقت و انرژی صرف می کنند را فعالیت های آگاهانه می نامند. این فعالیت ها مستلزم صرف انرژی هستند یعنی خود به خود انجام نمی شوند در واقع تفاوت اصلی بین فاکتور شرایط زندگی و فعالیت های آگاهانه، اتفاقی بودن آن است فاکتورهای شرایط زندگی تقریباً تصادفی هستند اما این فاکتورهای آگاهانه در اختیار خود فرد می باشد (لیوبرمیسکای، ۲۰۰۵) این بعد خود به خود به سه حوزه تفکیک می شود.

- فعالیت های رفتاری: مانند ورزش منظم، محبت ورزیدن به دیگران، حضور در اجتماعات

- فعالیت های شناختی: شامل توجه به نعمت ها و موهبت ها، تفکر راجع به امور مثبت در زندگی و مثبت اندیشی.

- فعالیت های داوطلبانه: شامل تلاش های معنادار در زندگی و هم چنین تلاش جهت رسیدن به اهداف شخصی می باشد.

احساس مفید بودن می تواند در هر انسانی نشاط ایجاد کند. یکی از معصومان در تحف العقول می فرماید: «از تنبلی و تنگ حوصلگی دوری کن که سرآغاز هر بدی است. افرادی که با کارهای مختلف و مفید، مثل هنرهای خانگی، خود را مشغول می کنند، کم تر دچار افسردگی می شوند و زنان با مشغول کردن خود به کارهای مفید و مورد علاقه شان، می توانند انرژی مثبتی کسب کرده و نشاط لازم را در زندگی به دست آورند؛ زیرا افراد با تماشای دست رنج خود، بسیار لذت می برند. (انتصاری، ۱۳۹۳).

رابطه شادی با سلامت

سلامت با شادی ارتباط دارد. برخی از تحقیقات از جمله مطالعات علی پور، نور بالا و مطیعان (۱۳۷۸) بیانگر این نکته است که شادی دستگاه ایمنی را تقویت می کند و تقویت دستگاه ایمنی، سلامت فرد را بهبود می بخشد. سالوی، راتمن، اولر و استوارد (۲۰۰۱) نیز معتقدند که عواطف مثبت به خصوص شادی، فعالیت های قلبی و عروقی و سیستم ایمنی را بهبود می بخشد. برخی از صاحب نظران از جمله مایر (۱۹۹۲) معتقد است که وجود سلامت شرط اول شادکامی است. کلب و همکارانش (۱۹۹۱) اظهار می کنند که تمرینات بدنی از دو راه مستقیم در اصلاح خلق و خو تاثیر دارد. یکی رها شدن آندروفین و دوم کاهش سطوح کورتیزول (هورمونی که با فشار عصبی در خون ترشح می شود).



بر اساس نظر متخصصان فیزیولوژی بدن، آندورفین‌ها داروهای طبیعی درد هستند که سبب به وجود آمدن احساسات خوشایند می‌شوند. تمرینات ورزشی موجب افزایش سطوح ترشح آندورفین می‌شود.

از طرفی دیلورنزو (۱۹۹۹) و برخی محققان دیگر به این نتیجه رسیدند که تمرینات مناسب بدنی در افزایش سطوح سرتونین تاثیر به سزایی دارند. بنابراین به نظر می‌رسد تمرین کمک می‌کند آندورفین و سرتونین بیشتری به بدن برسد و برای مدت طولانی تری در طول تمرین حفظ شود.

فالکین و سیم (۱۹۸۱) معتقدند که تمرینات بی‌هوازی عامل موثری در رفع اضطراب و افسردگی و به طور کلی ناراحتی‌های روانی است. در فراتحلیلی که پلنت و رودین (۱۹۹۰) به منظور بررسی تاثیر ورزش بر سلامت روانی انجام دادند به این نتیجه رسیدند که تمرینات ورزشی موجب بهبود خلق و خو، سلامت روانی، افزایش خودباوری و عزت نفس افراد شرکت کننده می‌گردد.

کوپر و همکارانش (۱۹۹۱) نشان دادند که تمرینات ورزشی هوازی تاثیر معنی داری در افزایش میزان شادی و سلامت روانی افراد شرکت کننده در این گونه تمرینات دارد.

نورول و مارتین (۱۹۹۱) نیز تاثیر تمرینات هوازی را بر ویژگی‌های روانی افراد بررسی کردند و به این نتیجه رسیدند که کاهش زیادی در میزان افسردگی و افزایش قابل توجهی در میزان شادی و لذت از زندگی افراد شرکت کننده در تمرینات و فعالیت‌های هوازی به وجود می‌آید.

نتایج تحقیق ماهان (۱۹۹۴) در خصوص بهره‌رسانی تمرینات شدید، حاکی است که به دنبال این نوع تمرینات، تغییراتی نظیر کاهش اضطراب، تنش و افسردگی و افزایش عزت نفس در افراد شرکت کننده به وجود می‌آید. (ماتتیر، ۲۰۰۴، ص ۱۳۰).

نقش شادی در خانواده

چه سیاست‌های کلان ملی، سیاست‌های شادسازی را جدی بگیرند، و چه آنها که این حکایت را در اولویت نگذارند، خانواده‌ها باید برای ترقی و سلامت خود به این مقوله بیاندیشند. برای یک خانواده برآوردن کلیه نیازها که عوامل شادی هستند مهم اند. شادی، محیط خانواده را گرم و لذت بخش می‌نماید. مشاوران و روان‌شناسان خانواده دریافته‌اند که خانه‌هایی که در آن صدای خنده و شادی شنیده شود، فرزندان موفق و باهوشی خواهند داشت. محیط گرم و صمیمی، مانع از فرار جوانان از خانه می‌شود. فرزندان با خیال آسوده و اعصاب راحت، می‌توانند به وظیفه‌های اصلی خود که یکی از آن‌ها، درس خواندن است، رسیدگی نمایند. در این نوع خانواده‌ها، طلاق بر سر افراد خانواده نمی‌افتد و آسودگی و امنیت خاطر، در همه اعضای آن وجود دارد. مدیریت خانواده که معمولاً در اختیار خانم‌های محترم است در شرایط سخت اقتصادی بیشتر اهمیت می‌یابد. از دید کارشناسان علوم رفتاری بیشتر موقعیت‌های نامطبوع و ناراحت کننده زندگی با شادی و روح شوخ طبعی می‌توانند به موقعیت‌های قابل تحمل تبدیل شود. (پهلوان صادق، بختیار نصرآبادی، ۱۳۸۸). تجربه نشان داده بچه‌هایی که در خانواده‌های شاد بزرگ می‌شوند از هر نظر موفق‌ترند. در جهان سرور و شادمانی و غم و اندوه، مانند تاریکی و روشنی، شب و روز و سرما و گرما بدنبال یکدیگرند. لیکن شادی هرگز معدوم شدنی نیست. شادمانی احساسی است که همه ما آن را می‌خواهیم، اما تعداد کمی از ما به آن دست می‌یابیم. نشانه مشخصه چنین احساسی قدر دانی، آرامش درونی، احساس رضایت و علاقه به خود و دیگران است. عادی‌ترین حالت ذهنی ما حالت خشنودی و شادی است. دنیا پر از آدم‌های افسرده‌ای است که همه عمرشان را در غم و اندوه می‌گذرانند و برعکس گروهی، تمام زندگی را بدون هیچ دغدغه و با سرور و خوشحالی به سر می‌برند. پس این خود ما هستیم که بر کیفیت زندگی خویش تاثیر می‌گذاریم و بر اساس تصویری که در ذهن خود داریم شاد یا غمگین می‌شویم و بر حسب ارزش و اعتباری که برای خود قائلیم، سهم خود را از شادی‌ها و موفقیت‌ها می‌گیریم. تحقیقات نشان داده است که شادی، صرفنظر از چگونگی کسب آن می‌تواند سلامت جسمانی را بهبود بخشد. افرادی که شاد هستند احساس امنیت بیشتری می‌کنند، آسان‌تر تصمیم می‌گیرند، دارای روحیه مشارکتی بیشتری هستند و نسبت به کسانی که با آنها زندگی می‌کنند بیشتر احساس رضایت می‌کنند. شادی فعالیت فرد را بر می‌انگیزد، برآگاهی او می‌افزاید، خلاقیت وی را تقویت می‌کند و ایجاد روابط اجتماعی را تسهیل می‌کند. شادی همچنین مشارکت سیاسی را رونق می‌بخشد و موجب حفظ سلامتی و تا حدودی طول عمر افراد می‌شود. از سوی دیگر شادی نقطه مقابل افسردگی است. پژوهش‌های زیادی نشان داده



اند که افسردگی با ضعف سیستم ایمنی بدن ارتباط دارد. لذا فقدان افسردگی ضعف سیستم ایمنی بدن را از بین می برد و وجود خلق مثبت و نشاط بر عملکرد بهتر دستگاه ایمنی بدن می افزاید. شادی و نشاط در سلامت، پویایی و تحرک جامعه و مدارس نقشی خطیر و با اهمیت دارد زیرا از یک طرف در کاهش افسردگی و اضطراب دانش آموزان و از طرفی در علاقه مندی ایشان به مدرسه و تحصیل مؤثر است و از سوی دیگر، ضمن تقویت عزت نفس، احساس امنیت، کاهش ضعف ایمنی بدن و بهبود سلامت جسمانی و روانی فرد، فرایند تصمیم گیری را سرعت بخشیده و روحیه مشارکتی ایجاد می کند و احساس رضایت فرد از زندگی را افزایش می دهد. شادمانی حسد را از میان می برد و زندگی را دلپذیر تر می سازد. فقدان شادی و نشاط نیز در جامعه نتایج بسیاری به دنبال دارد که از آن جمله می توان به افسردگی، بدبینی، ارزیابی منفی رویدادها، بی علاقه‌گی به کار و فقدان وجدان کاری، اعتیاد به مواد مخدر، ناهنجاریهای اجتماعی، رواج خشونت و... گردد. (لیوبرمیسکای، ۲۰۰۵).

خصوصیات زنان شاد

تقریباً هیچ کسی را نمی توانید پیدا کنید که همیشه خوشحال و آرام باشد. این یک واقعیت است، اما متخصصان می گویند: یافتن لذت زندگی در لحظات و به زبان خودمانی دلخوشی های ساده، کلید شادمانی واقعی است. شادی را باید در لحظات جست و جو کرد محققان با بررسی و مطالعه عوامل شادی در زنان مختلف به این نتیجه رسیده اند که:

- ✓ زنان شاد می دانند کامل گرایی با کمال گرایی متفاوت است، بنابراین به دنبال واقعی نگاه کردن به خود و نقاط ضعف و قوت شان هستند و نگاه آرمانی و ایده آل گرایانه ندارند.
- ✓ زنان شاد می دانند ارزش آن ها بستگی به این ندارد که چه دارند و چگونه به نظر می رسند. برای آن ها مهم این است که از چه روابط موفق و سلامت احساسی برخوردارند.
- ✓ زنان شاد می دانند تنها خودشان هستند که می توانند کاری برای شاد بودن خود انجام دهند و نباید آن را به دیگری واگذار کنند و از دیگران انتظار داشته باشند.
- ✓ زنان شاد درک می کنند امروز تنها روزی است که می توانند از آن مطمئن باشند. آن ها می دانند که از این روز چگونه بیشترین استفاده را کنند.
- ✓ زنان شاد می دانند که با «نه گفتن» به دیگران فرصتی را پیدا می کنند که به خودشان «آری» بگویند
- ✓ زنان شاد می دانند که در هر مرحله از زندگی، چیزی را از دست خواهند داد اما در مقابل، چیزی را هم به دست می آورند.
- ✓ زنان شاد می دانند بخشی از هویت آن ها به شغل و کاری که انجام می دهند مربوط می شود، اما هرگز اجازه نمی دهند همه هویت شان را کارشان رقم بزند.
- ✓ زنان شاد می دانند که می توانند صاحب همه چیز شوند، اما لزوماً همه چیز را در یک زمان به دست نمی آورند.
- ✓ زنان شاد می دانند نگرش مثبت، روابط ارزشمند و زندگی پرمعنا اجزای تشکیل دهنده شادمانی و خوش بختی هستند.
- ✓ زنان شاد خود را باور دارند، قدر شناس و عامل هستند.
- ✓ زنان شاد مقایسه نمی کنند زیرا می دانند همیشه کسانی وجود دارند که بیش از آن ها دارند.
- ✓ زنان شاد می دانند اعتراف کردن به مسائلی که وجود دارد نخستین قدم برای تغییر دادن است.
- ✓ زنان شاد به هر قیمتی وارد یک رابطه عاطفی نمی شوند. آنها ترجیح می دهند عشق برابر و پایدار و با ثبات را تجربه کنند. (شهودست، ۱۳۹۶) زنان شاد به دنبال یادگیری و تغییر هستند و هیچ گاه قدرت خلاقیت خود را دست کم نمی گیرند.



نتیجه	پژوهشگر
بعد از تحقیقات خود اعلام داشتند که راه رسیدن به شادکامی و خوشبختی روانشناختی را در پرتو توجه به ارزش ها و هدف های معنوی، نیاز های بنیادی، معنادر بودن و هدفمندی زندگی، عشق و علائق دینی و الهی می دانند. به نظر آنها شواهد تجربی فراوانی وجود که حاکی از رابطه مثبت معنادار بین نگرش دینی و شادکامی می باشد.	مع مالتی، لوئیس و دی (۲۰۰۹)
با مطالعه نمونه ۱۲۷ نفر دانشجو نشان داد، از نظر بیشتر دانش جوانان، پول برای دستیابی به رؤیای امریکایی و شادی به عنوان حق مسلم افراد جامعه، بسیار حیاتی است .	موگیلنر (۲۰۱۰)
در پژوهشی تحت عنوان احساس بهزیستی ذهنی در اواخر عمر نشان داد که رضایت از زندگی می تواند سبب افزایش شادی و امید در سال های آخر عمر باشد. بنابراین بین امیدواری و رضایت از زندگی رابطه مثبت معنادار وجود دارد	جورج (۲۰۱۰)
تحقیقات او بیانگر ارتباط مثبت بین شادکامی و تعهد سازمانی عاطفی است. او در نهایت شادکامی را عاملی پیش بین برای تعهد سازمانی عاطفی می داند.	فیلد (۲۰۱۱)
با افزایش امید و شادکامی بر سطح رضایت زناشویی دانشجویان متاهل افزوده می شود. بنابراین با توجه به اهمیت رضایت زناشویی دانشجویان متاهل و تعیین نقش امیدواری و شادکامی در پیش بینی آن، لزوم توجه به آگاه کردن دانشجویان متاهل در رابطه با امیدواری و شادکامی مطلوب ضرورت می یابد.	سپهریان آذر و همکاران (۱۳۹۵)
افراد فعال در تمامی خرده مقیاس های شادکامی از جمله رضایت از زندگی، خوشی، عزت نفس، کنترل، کارآمدی، آرامش و به طور کلی شادکامی از افراد غیرفعال به طور معناداری نمره های بالاتری را کسب کردند. در حالی که اثر جنسیت و تعامل سطح فعالیت و جنسیت اثر معناداری بر شادکامی سالمندان نداشت. بنابراین می توان گفت یکی از عوامل مؤثر بر شادکامی افراد در دوران سالمندی روی آوردن به فعالیت بدنی است.	مکبریان و همکاران (۱۳۹۴)
یافته های تحقیق با استفاده از تحلیل رگرسیون چندگانه نشان داد که عزت نفس پیش بینی کننده مثبت و معنادار عاطفه مثبت می باشد. به عبارت دیگر زنانی که از عزت نفس بیشتری برخوردارند، عواطف مثبت بیشتری نیز تجربه می کنند. هم چنین نتایج پژوهش بیانگر آن است که روابط زناشویی، رضایت از زندگی و عاطفه منفی زنان را به صورت معناداری پیش بینی می کند. به این معنا که با افزایش روابط زناشویی، رضایت از زندگی زنان افزایش و عواطف منفی آن ها کاهش می یابد.	شیخ الاسلامی و همکاران (۱۳۹۰)

روش تحقیق

روش تحقیق با رویکرد کیفی با استفاده از سه سوپه سازی، ابزار پژوهش با استفاده از مصاحبه نیمه ساختمند، گروه کانونی و بررسی اسناد، مبنای و پیشینه بوده است.

یافته ها

طی تحقیقی که بر روی تعدادی از زنان استان فارس انجام شده است، نتایج حاصل از این پژوهش نشان داد که عوامل فردی، عوامل خانوادگی و عوامل اجتماعی - محیطی بر ایجاد شادی در زنان تاثیر گذار می باشد.

- عوامل فردی شامل: اعتماد بنفس، خودکارآمدی، عزت نفس، اهمیت دادن به سلامت جسمانی و تندرستی، اهمیت دادن به سلامت معنوی، عشق ورزی به دیگران، توجه به سلامت، اعتقاد به خدا و معاد، ویژگی ای شخصیتی مثبت، سلامت روان، سپاسگزار بودن، متوقع نبودن، اوقات را برای خود صرف کردن می تواند عاملی مؤثر بر افزایش شادمانی فرد باشد. در جهت تقویت بیشتر میزان شادی بواسطه عامل فردی می توان با ارائه آموزش در حیطه های شناختی و افزایش مهارت های خودکنترلی اثر عامل مذکور را در افزایش شادی فزاینده ساخت.



۲. عوامل خانوادگی که نشأت گرفته از شاخص های چون: داشتن صمیمیت در روابط خانواده، همدلی در خانواده، اهمیت دادن به والدین، حمایتگر بودن خانواده، پذیرش از سوی همسر و فرزندان می باشد باعث افزایش شادی در زنان می شود.
۳. عوامل اجتماعی و محیطی شامل: عضو گروه اجتماعی بودن، پذیرش تغییرات محیطی، فعال بودن در جامعه، کمک به موسسات عام المنفعه، وجود بستر مناسب برای ابراز شادی در جامعه می باشد، بنابراین توجه به این شاخص ها باعث شادی زنان در اجتماع و محیط های اداری که مشغول هستند میشود و فراهم کردن زمینه هایی برای شادی زنان راهی مؤثر و قابل اعتماد برای دستیابی به سلامت روان زنان است.

نتیجه گیری

در دانش روانشناسی تعریف های پراکنده ای از هیجان شادی شده است و در آنها شادی به عنوان ترکیبی از عاطفه مثبت بالا و عاطفه منفی پایین و احساس مثبتی که از حس ارضا و پیروزی ناشی می شود، معنی شده است. هنری مور می گوید: یکی از غریب ترین نشانه های مشخص عصر ما که کم تر قابل تفسیر است غفلت روانشناسان از موضوع شادی است یعنی همان حالت درونی که افلاطون و ارسطو و تقریباً تمام متفکران برجسته گذشته آن را بهترین متاعی دانسته اند که از راه فعالیت قابل حصول است. زن به عنوان محوریت در خانواده با شاد بودن خود می تواند خانواده را شاد کند و در نتیجه به شادی در جامعه مدد رساند. زن شاد، زنی ست که مکرراً احساسات مثبت را تجربه می کند. شادی یعنی احساسات مثبت زیاد، رضایت بالا از زندگی و احساسات منفی نادر. نتایج پژوهش نشان می دهد اگر به عوامل فردی، عوامل خانوادگی و عوامل اجتماعی - محیطی و شاخص های آنها که بر ایجاد شادی در زنان تاثیر گذار است، توجه شود؛ شاخص شادی در زنان بالا می رود در نتیجه سلامت روان زنان و به دنبال آن سلامت روان اعضای خانواده بالا می رود که این متضمن خوشبختی جامعه است. به طور کلی زنان شاد، خوش بین و سالم و راضی هستند. زندگی را با ارزش می دانند. سلامت جسمانی و روانی آنها بیشتر است، طول عمر بیشتری دارند و از نظر شغلی و اجتماعی، موفقیت های بیشتری کسب می کنند زنان شاد عزت نفس، حس کنترل و خوش بینی بیشتری دارند که این حالت از حس مقصود گرایی آنان که از داشتن هدف در زندگی مشتق می شود، بهره می گیرد.

راهکارهایی برای شاد بودن زنان

فضای اجتماعی باید به گونه ای باشد که زنان همانند مردان بتوانند از راه های صحیح و منطقی هیجانانگیز و احساسات درونی خود را ابراز کنند، یکی از مهم ترین راههای تحقق این امر مهم، اختصاص دادن فضاهایی عمومی مخصوص بانوان در جامعه و همچنین حذف تبعیض های و بی عدالتی های اجتماعی علیه زنان است که آنها با امنیت روانی بیشتر بتوانند به امر تفریح، ورزش و همچنین اقدامات گروهی دیگر بپردازند در زیر به برخی از راه هایی که منجر به شاد بودن زنان میشود اشاره شده است:

- خوش بین باشید
- از توانمندی های فردی تان استفاده کنید
- در زمان حال زندگی کنید
- شاکر باشید و از دیگران نیز تشکر کنید
- ورزش کنید
- روی کاری که همین الان در حال انجام آن هستید، تمرکز بیشتری کنید تا با رسیدن به موفقیت، احساس شادی در شما بیشتر شود
- نگرانی هایتان درباره آینده را روی یک کاغذ بنویسید، در یک پاکت نامه بگذارید و به معنای واقعی مهر و مومش کنید!
- در یک مهارت جدید، متخصص شوید. تشخیص اینکه چه مهارتی باشد به سلیقه و توانایی خودتان بستگی دارد.
- دولت باید با ایجاد فضای شاد و نشاط آور در ارتباطات و بهادادن به فعالیتهای خودانگیزخته در جهت پرورش عواطف مثبت شادی را در زنان تقویت کند.



دومین همایش ملی جایگاه و نقش مادر

2nd National Conference on the Status and the Role of Mother

➤ فراهم سازی زمینه های لازم برای تقویت روحیه و بالا بردن میزان شادی در میان خانواده



منابع

- انتصاری، آزاده. (۱۳۹۳). مادران شاد، خانواده را شاداب می‌کنند. ماهنامه فرهنگی اجتماعی زن، خانواده و سبک زندگی، ش ۲۷۶، پهلوان صادق، ارمان، بختیار نصرآبادی، حمید (۱۳۸۸). آموزش برنامه شادی فوردایس و تأثیر آن بر افزایش شادمانی خانوادگی شاهد و ایثارگر، دومهنامه علمی-پژوهشی دانشگاه شاهد، سال شانزدهم - شماره ۸۴
- شه دوست، نیلوفر (۱۳۹۶). خصوصیات زنان شاد چیست؟ <http://chetor.com>
- مصطفی اقلیما، ابراهیم نجف‌آبادی، اعظم (۱۳۹۰). بررسی تأثیر میزان سرمایه فرهنگی در میزان احساس شادی زنان جوان (۱۵ - ۲۴ ساله) در شهر اصفهان، دوره ۲، شماره ۱
- موسوی، مهدی (۱۳۹۳). نقش شادی و نشاط در رشد یک جوان و جامعه، وبلاگ کوپرنشین، <http://kavirneshin.ir/post>

- Montier, J. ۲۰۰۴. "Global equity strategy". Journal of the psychology of Happiness.
- Lyubomirsky, S., Sheldon, M. K. & Schkade, D. ۲۰۰۵, "Pursuing happiness: The architecture of sustainable change". Review of general psychology, Vol. ۹, no. ۲, pp. ۱۱۱-۱۳۱.
- Graham, D. (۲۰۱۰). *Psychopathology: research assessment and treatment in clinical psychology*. Published by the British psychological society and Blackwell publishing.
- Gladding, S. (۲۰۱۰). *Family fun coning and family pathology*. Psychiatric Annals, ۱۰, pp ۱۷-۳۷.
- Stewart M. E., Watson R, clark A, Ebmeier K. P, Deary I. J. (۲۰۱۰). *A hierarchy of happiness?* Mokken scaling analysis of the Oxford Happiness Inventory. Personality and Individual Differences ۴۸ (۲۰۱۰) ۸۴۵-۸۴۸.
- Lin J. D., & lin P. Y., & Wu C. L. (۲۰۱۰). *Wellbeing Perception of institutional caregivers Working for People With disabilities: Use of Subjective Happiness Scale and Satisfaction With Life Scale analyses*. Research in Developmental Disabilities ۳۱ (۲۰۱۰) ۱۰۸۳-۱۰۹۰.
- Mogilner, C (September ۲۰۱۰), *The Pursuit of Happiness Time, Money and Social Connection*, Psychological Science, Vol ۲۱(۹): ۱۳۴۸-۱۳۵۴.
- Gruber, Mauss, Tamir (۲۰۱۱), *A Dark Side of Happiness? How, When, and Why Happiness is Not Always Good, Perspectives on Psychological Science*, May, Vol. ۶, ۳: ۲۲-۲۳۳.
- George LK. *Still happy after all these years: Research frontiers on subjective well-being in later life*. Journal of Gerontology: Social sciences ۲۰۱۰, ۶۵(۳): ۳۳۱-۳۳۹
- Field, L. K. and J. H. Buitendach (۲۰۱۱). "*Happiness, work engagement and organizational commitment of support staff at a tertiary education institution in South Africa*". SA J of Industri Psycho, ۳۷(۱), ۱۰ pages



بازتاب نقش و جایگاه مادر در منابع تاریخی دوره صفویه

مهدی دهقانی؛ استادیار گروه تاریخ، دانشگاه جیرفت

چکیده

منابع تاریخی دوره صفویه بیشتر به تاریخ سیاسی- نظامی خاندان های حکومتگر و مدعیان سلطنت توجه کرده‌اند و به همین سبب، حجم اندکی را به تاریخ اجتماعی- فرهنگی جامعه اختصاص داده‌اند. با این وجود، منابع تاریخی پیرامون نقش و جایگاه مادران طبقات حاکمه حاوی اطلاعات ارزشمندی هستند که با توصیفات که بازدیدکنندگان اروپایی درباره اوضاع اجتماعی طبقات مختلف جامعه ارائه داده‌اند، تکمیل می‌شود. با توجه به این مسئله، در این مقاله درصدد یافتن پاسخ به این پرسش هست: مادران چه نقش و جایگاهی در منابع تاریخی دوره صفویه داشتند؟ به منظور پاسخ‌گویی به سوال مذکور، ضمن استفاده از شیوه تاریخی که همانا جمع‌آوری داده‌های کتابخانه‌ای (اسنادی) از منابع دست‌اول تاریخی است ضمن ترسیم نقش و جایگاه مادران در امور سیاسی و تربیتی طبقات حاکمه (از جمله در مذاکرات سیاسی)، وضعیت و شان اجتماعی آنان در میان سایر طبقات اجتماعی (از جمله پیرامون حدود و ثغور وظایف آنها در اموری مانند تربیت و ازدواج فرزندان) مشخص می‌شود.

واژگان کلیدی: مادر، تربیت فرزندان، نقش‌آفرینی سیاسی، تبار مادری، دوره صفویه

مقدمه

منابع تاریخی دوره صفویه را بر پایه میزان توجه به مادران می‌توان به دو دسته منابع تاریخی داخلی و سفرنامه نویسان بازدیدکنندگان اروپایی تقسیم نمود. در این راستا، مورخینی مانند اسکندر بیگ منشی ترکمان و واله‌ی اصفهانی، مقامات، اقدامات و مشاوره‌های سیاسی مادران طبقه حاکمه را در لابلای توصیف حوادث مختلف سیاسی- نظامی بیان داشته‌اند. با این همه، بازدیدکنندگان اروپایی به‌ویژه شاردن به نحو مشخص‌تری به عملکرد مادران در میان طبقات مختلف اجتماعی و حتی اقلیت‌های قومی- مذهبی مانند گرجیان و ارمنه پرداخته‌اند.

تاکنون، پژوهش مستقلی درباره نقش و جایگاه مادران در دوره صفویه صورت نگرفته ولی در خلال بررسی کلی منابع تاریخی توسط پژوهشگران مواردی مرتبط با مقاله حاضر وجود دارد. در این میان، گودرزی منفرد در پژوهشی می‌نویسد: زنان شاهنامه، از جمله الهه آناهیتا، حالتی از خدایانوبی و مادر سالاری را نشان می‌دهد ولی با گذشت زمان از این جایگاه والا کاسته شده و جایگاه مادر سالاری به افسانه‌های مذهبی پیوسته است. هانیه امینی نیز در مقاله خود که تا حدودی با پژوهش حاضر ارتباط موضوعی دارد: به نقش جان بیگم خاتون مادر شهزادگان پیربوداق و حسنعلی میرزا که علیه پدرشان جهانشاه قراقویونلو شورش کرده بودند، اشاره می‌کند. در این راستا، جان خاتون بیگم در نهایت توانست فرزندان را ترغیب به تبعیت از فرمانروا نماید. در ادامه، امینی به مذاکرات سیاسی ساراخاتون مادر اوزون حسن آق قویونلو در سال ۸۵۷ ق، به منظور برقراری صلح میان وی و برادرانش جهانگیر میرزا و اوپس پرداخته است.^۱ (گودرزی منفرد، ۱۳۸۴، ص ۶۴-۶۳؛ امینی، ۱۳۹۴، ص ۵۶-۵۵)

با این اوصاف، فرضیه پژوهش حاضر بر اساس یافته‌های تاریخی این است که مادران طبقه حاکمه در دوره صفویه، نقش مهمی در مذاکرات سیاسی و تا حدودی تربیتی فرزندان خود بر عهده داشتند. در عوض، مادران سایر طبقات اجتماعی نقش مهم‌تری در تربیت فرزندان و ازدواج آنان ایفا می‌کردند.

وظایف مادران

تربیت فرزند در طبقات معمولی جامعه در وهله نخست بر عهده مادران بود. به طوری که پیرامون بسیاری از منابع تاریخ‌نگاری دوره صفوی مشخص می‌شود: تربیت شیخ صفی‌الدین اردبیلی جد اعلای شاه اسماعیل اول بر عهده مادرش قرار داشت. در وهله بعدی، مادران معمولاً هر روز دو بار فرزندان خود را به مدرسه می‌فرستادند و پس از بازگشت به خانه، آنان را با شغلی که در آینده می‌بایست بدان اشتغال ورزند، آشنا



می‌کردند. باین همه، پدران و مادران طبقات متوسط و متمول جامعه چون بیم داشتند فرزندانشان در مدرسه بر اثر هم‌صحتی با بچه‌هایی که تربیت صحیح ندارند اخلاقشان فاسد شود، معلم سرخانه استخدام می‌کردند. (ترکمان، ۱۳۸۲، ج ۱، ص ۱۲-۱۱؛ شاردن، ۱۳۷۲، ج ۲، ص ۷۶۷) افزون بر آن، امور مربوط به خواستگاری و میزان جهیزه ایی که داماد می‌بایست پرداخت می‌کرد، تحت نظارت مادر عروس صورت می‌پذیرفت. در این رابطه، اعلام رضایت مادر عروس نقش مهمی در مراسم خواستگاری ایفا می‌کرد. چنانکه فیگوروا درباره مشاهدات خود می‌نویسد که یکی از نظامیان با پرداخت جهیزه ایی هنگفت موفق شد رضایت مادر عروس برای ازدواج را کسب نماید. در این راستا، مشاوره مادران به فرزندان در هنگام ازدواج نقش مهمی داشت؛ چنانکه، بنا به گفته شاردن: پسران با کمک خویشاوندان به‌ویژه مادر خود که قبلاً دختر دلخواه وی را از هر جهت مشاهده می‌کردند، می‌توانستند به‌واسطه گزارش‌های آنان از شکل و اندام و چگونگی خلیات وی آگاه شود. (فیگوروا، ۱۳۶۳، ص ۲۵۳-۲۵۲؛ شاردن، ۱۳۷۲، ج ۱، ص ۴۴۳)

در این دوره، مادران تلاش داشتند تا دختران خود را زودتر شوهر بدهند چرا که یکی از بزرگ‌ترین دغدغه‌های مادران در میان تمامی طبقات به‌ویژه اقلیت‌های قومی گرجی و ارمنی ترس از انتخاب فرزندشان توسط مباشران درباری برای همسری شاه بود. در این میان شاردن به یکی از موارد این واژه اشاره کرده است: هنگامی که یکی از مادران اشراف گرجی از تمایل شاه به ازدواج با دخترش مطلع شد، بلافاصله دختر خود را به ازدواج نامزدش در آورد و همگی شبانه پیش از رسیدن مأموران حکومتی به منطقه آکالزیکه گریختند.^۱ (شاردن، ۱۳۷۲، ج ۱، ص ۳۵۰)

افزون بر مشاوره در امر ازدواج که مادران در تمامی طبقات جامعه عهده‌دار آن بودند، مادران شاهزادگان و امیر زادگان نقش مهمی در کشمکش‌های جانشینی ایفا می‌کردند. در این راستا، فرزندان ذکور چه از زنان عقدی، صیغه‌ای و زر خرید قانونی محسوب می‌شدند و حق جانشینی و کسب ارث به‌صورت مساوی در میانشان تقسیم می‌شد. برای نمونه، در بستر مرگ شاه‌طهماسب اول، مادر شاهزاده حیدر میرزا که اصالتاً کنیزی گرجی بود و مرگ شاه را نزدیک می‌دید برای دستیابی به سلطنت، فرزندش را به ماندن در حرم‌سرا ترغیب کرد. والهی اصفهانی، در تحلیلی به نکوهش سخنان مادر شاهزاده پرداخته است؛ چرا که: نگهبانان دربار در آن شب از هواداران اسماعیل میرزا رقیب حیدر میرزا بودند. با هجوم نگهبانان دربار به حرم‌سرا، شاهزاده به قتل رسید.^۱ (واله‌ی اصفهانی، خلد برین، ۱۳۷۲، ص ۳۹۱-۳۹۰؛ ترکمان، ۱۳۸۲، ج ۱، ۱۹۵؛ تاورنیه، ۳۱۵)

مادران شاهزادگان صفوی با کمک و مشاوره ایی که در قالب نصیحت به فرزندان خود می‌کردند میزان نفوذ خود را نشان می‌دادند. آنان، در صورت به تخت‌نشینی فرزندان جوان و بی‌تجربه، در امور مملکت‌داری نیز دخالت می‌کردند. در این رابطه، می‌توان به آنا خانم مادر شاه‌عباس دوم اشاره کرد که به پشتیبانی ساروتقی صدراعظم قدرت و نفوذ فراوانی یافت. میزان قدرت و نفوذ وی به اندازه ایی بود که با: قتل صدراعظم توسط جانی خان قورچی باشی، توانست با اعدام قورچی باشی انتقام خود را بگیرد. نمونه دیگر آنکه، مادر شاه سلیمان که عنوان ملکه مادر یافته بود به گفته شاردن نسبت به فرزندش سزاواری بیشتری برای حکومت کردن داشت.

وی در هنگام وقوع حطی در مملکت به‌منظور ترمیم وضع خزانه کشور، امور مربوط به خزانه و درآمد و خرج را زیر نظر خویش گرفت و از بذل و بخشش‌های ناروای شاه جلوگیری کرد.^۱ (شاردن، ۱۳۷۲، ج ۴، ص ۱۴۱۳ و ج ۵، ص ۱۷۱۷)

نقش‌آفرینی سیاسی مادران

حکام مختلف کشور برای درخواست شفاعت از شاهان صفوی در هنگام محاصره و شکست، معمولاً مادران خود را در راس گروهی از مقامات حکومتی به دربار ارسال می‌کردند. برای نمونه: حاکم منطقه بیه پس در گیلان به سبب لشکرکشی زینل بیگ و دیو علی سرداران شاه‌طهماسب اول در سال ۹۷۰ ق، مادر و فرزند خود را به همراه پیش کشی لایق به‌منظور شفاعت به نزد شاه‌طهماسب اول فرستاد که وی در نهایت توانست رضایت شاه را جلب نماید. (لاهیجی، ۱۳۵۲، ص ۳۷۸-۳۷۹)

مادران حکام، افزون بر مذاکرات سیاسی گاهی در زمینه مذاکرات نظامی نیز تبحر خاصی نشان می‌دادند. در این رابطه، مادر سلطان مراد، شاهزاده عثمانی که به ایران تبعید شده بود، به‌منظور مقدمه‌چینی برای رویارویی با شاه اسماعیل اول: به نزد اسلمس بیگ و فرخشاد بیگ



که بزرگ‌ترین امرای ایلات بایندریه بودند، اعزام شد. در این ماموریت، مادر سلطان مراد با حسن تدبیری که داشت آن دو امیر را که همیشه دم از مخالفت می‌زدند به نزد پسر خود آورد. سایر امرای بایندریه نیز از آنها پیروی کردند و به اردوی سلطان مراد در حوالی همدان پیوستند. (حسینی، ۱۳۹۵، ص ۲۰). افزون بر شرکت مادران حکام مختلف در مذاکرات سیاسی- نظامی، آنان حتی در صورت مقتول شدن فرزندان خود در طی نبردهای خونین، خواهان پس‌گیری اجساد آنان از دشمن پیروز بودند. برای مثال، پس‌ازآنکه: جلال خان ازبک حاکم مرو توسط مرتضی‌قلی خان پرناک در ناحیه بند فریمان ولایت جام کشته شد، فرمانده پیروز مناره ایی مزین با سر جلال خان احداث کرد. مادر جلال خان در زمان حکومت مرشد قلی خان، هدایای گران‌بهایی عرضه داشت و با موفقیت استدعای سر فرزندش را نمود.^۱ (جنابدی، ۱۳۷۸، ص ۵۹۹-۵۹۸). علاوه بر مادران حکام، مادران اقشار پایین جامعه نیز هنگام قتل فرزندان خود تلاش می‌کردند با شفیع قرار دادن شاه، تقاضای برقراری عدالت و قصاص نمایند. برای نمونه، در زمان شاه‌عباس دوم: پیرزنی سر بریده دو پسر خود را به شاه نشان داد که بدون تقصیر توسط آقا طاهر تفنگچی آقاسی کشته شده بودند. شاه که کاملاً متأثر شده بود، مقامات حکومتی را مامور رسیدگی به جرایم آقا طاهر تفنگچی آقاسی نمود که در نهایت به قتل وی انجامید. (واله‌ی اصفهانی، ایران در زمان شاه‌صفی و شاه‌عباس دوم، ۱۳۸۲، ص ۴۰۵-۴۰۴) تبار مادری

مورخین در بسیاری از موارد افزون بر ذکر تبار پدری شاهان و بزرگان، معمولاً نسب مادری آنها را نیز ذکر کرده‌اند چرا که در صورت تبار عالی مادری، موجبات مباهات بیشتر شخص فراهم می‌شد. در این رابطه بیشتر مورخان برای ترویج مشروعیت خاندان صفوی، تبار مادری شاه اسماعیل اول را در مقدمه کتاب همواره ذکر کرده‌اند. برای مثال، اسکندر بیگ ترکمان، اجداد شاه اسماعیل اول مانند: سلطان صدرالدین موسی را از جانب مادر از تبار شیخ زاهد گیلانی عارف مشهور، دانسته‌اند. در همین خصوص، نویسنده تاریخ ایلچی نیز شاه اسماعیل اول را دخترزاده حسن بیگ، پادشاه آق‌قویونلو ذکر کرده است. (ترکمان، ۱۳۸۲، ج ۱، ص ۱۴؛ حسینی، ۱۳۹۵، ۸۲) در این راستا، سرزمین مادری شاهان صفوی همواره عنایت و توجه بیشتر حکومت را به خود اختصاص می‌داد. به طوری که فخر النساء بیگم مادر شاه عباس اول، شخصاً حکام ولایات به‌ویژه مازندران سرزمین اجدادی اش را منصوب می‌نمود. برای مثال، ملکه مادر پس‌ازآنکه: مادر خود را به همسری میرزا رئیس مازندرانی درآورد میرزا را به منصب وکالت منصوب کرد. در این راستا، شاه‌عباس اول نیز به سبب انتساب مادرش به ایالت مازندران به آبادان کردن آن‌جا توجه خاصی داشت و امیدوار بود با اسکان سی‌هزار خانواده ارمنی بر تعداد ساکنان آن منطقه بیافزاید. به غیر از دربار صفوی، سایر اشخاص عالی‌مقام نیز در صورت داشتن تبار عالی از جانب مادر خود بدان مباهات می‌کردند. به طوری که پهلوان درویش محمد از مشایخ درویش به نسب خود می‌بالید چرا که: از جانب مادر به خاندان عارف مشهور، سلطان ابوسعید ابوالخیر منتسب بود. (گیلانی، ۱۳۵۲، ص ۹۰؛ شاردن، ۱۳۷۲، ج ۲، ص ۶۹۴؛ واصفی، ۱۳۴۹، ج ۱، ص ۵۰۸)

نتیجه‌گیری

در دوره صفویه، مادران طبقات معمولی جامعه نقش مهمی در تربیت فرزندان خود ایفا می‌کردند که بازتاب آن در منابع تاریخی بخصوص پیرامون مراسم ازدواج فرزندانشان تبلور ویژه‌ای داشته است. با این وجود، منابع تاریخی نقش و جایگاه مادران شاهدگان صفوی و حکام مختلف را در مذاکرات سیاسی و کشمکش‌های جانشینی بخصوص در صورت جوان بودن فرزندان، ذکر کرده‌اند چرا که مادران در صورت فرمانروایی فرزندان می‌توانستند قدرت و نفوذ فراوانی در اداره امور کشور یا ایالت عهده‌دار شوند. در این راستا، مادران حکام ایالات شورشی اغلب در صورت محاصره و شکست فرزندان خود، قادر بودند طبق سنتی دیرینه برای درخواست شفاعت و بخشش، به دربار پادشاه صفوی رهسپار شوند. از دلایل دیگر جایگاه برجسته مادران، افتخار به تبار عالی مادری بود. در این خصوص، منابع تاریخی دوره صفویه، از اجداد مادری شاهان و سایر مقامات حکومتی که غالباً از بزرگان دین یا فرمانروایان مشهور بودند، یاد کرده‌اند. تبار مادری مذکور تا حدود فراوانی زمینه کسب مشروعیت حکومت صفوی را در نزد تمامی طبقات جامعه، فراهم می‌آورد.



- امینی، حایه. ۱۳۹۴. نقش سیاسی خاتونان دربار در عهد ترکمانان. تاریخ‌نامه خوارزمی. س ۲. (۷۹-۵۱).
- تاورنیه، ژان. ۱۳۸۲. سفرنامه، ترجمه حمید ارباب شیرانی. تهران: نیلوفر.
- ترکمان، اسکندر بیگ. ۱۳۸۲. تاریخ عالم‌آرای عباسی (چاپ سوم). تهران: امیرکبیر.
- جنابادی، میرزا بیگ. ۱۳۷۸. روضه الصفویه (چاپ اول). تهران: بنیاد موقوفات دکتر محمود افشار.
- حسینی، خورشاه بن قباد. ۱۳۷۹. تاریخ ایلچی (چاپ اول). تهران: انجمن آثار و مفاخر فرهنگی.
- خاتون‌آبادی، عبدالحسین. ۱۳۵۲. وقایع السنین و الاعوام (چاپ اول). تهران: کتاب‌فروشی اسلامیة.
- سیستانی، ملک شاه حسین. ۱۳۸۳. احیاء الملوک (چاپ دوم). تهران: انتشارات علمی و فرهنگی.
- شاردن، ژان. ۱۳۷۲. سفرنامه (چاپ اول). تهران: توس.
- فیگوریوا، دن گارسیا دسیلوا. ۱۳۶۳. سفرنامه (چاپ اول). تهران: نشر نو.
- قمی، احمد بن شرف‌الدین. ۱۳۸۳. خلاصه التواریخ (چاپ دوم). تهران: موسسه انتشارات و چاپ دانشگاه تهران.
- کارری، جملی. ۱۳۴۸. سفرنامه (چاپ اول). تبریز: اداره کل فرهنگ و هنر آذربایجان شرقی.
- گودرزی فرد، شهرزاد. ۱۳۸۴. تجلی مادر سالاری در شاهنامه. حافظ، ش ۲۲. (۶۳-۶۶).
- گیلانی، ملا شیخعلی، ۱۳۵۲. تاریخ مازندران (چاپ اول). تهران: بنیاد فرهنگ ایران.
- لاهیجی، علی بن شمس‌الدین. (۱۳۵۲). تاریخ خانی (چاپ اول). تهران: بنیاد فرهنگ ایران.
- مشهدی علی پور، مریم. ۱۳۹۱. بررسی تطبیقی جایگاه مادر در فرهنگ جاهلی و اسلامی. تاریخ در آینه پژوهش. س ۹. ش ۲. (۱۱۸-۹۹).
- واصفی، زین‌الدین محمود. ۱۳۴۹. بدایع الوقایع (چاپ اول). تهران: بنیاد فرهنگ ایران.
- واله اصفهانی، محمد یوسف. ۱۳۷۲. خلد برین (چاپ دوم). تهران: بنیاد موقوفات دکتر محمود افشار.
- ۱۳۸۲. ایران در زمان شاه‌صفی و شاه‌عباس دوم. (چاپ دوم). تهران: انجمن آثار و مفاخر فرهنگی.



بازتاب نقش و جایگاه ملکه های مادر در منابع تاریخی از انقراض حکومت صفویه تا برآمدن حکومت قاجاریه

مهدی دهقانی؛ استادیار گروه تاریخ، دانشگاه جیرفت

Mehdi.dh82@yahoo.com

چکیده

در لابلای منابع تاریخی از انقراض حکومت صفویه تا برآمدن حکومت قاجاریه که بویژه با حکومت های افشاریه و زندیه مشخص می شود، می توان پیرامون نقش و جایگاه ملکه های مادر خاندان حاکم اطلاعات ارزشمندی یافت که تا حدودی با توصیفات عده ایی از بازدیدکنندگان اروپایی درباره اوضاع اجتماعی طبقات مختلف جامعه، تکمیل می شود. با توجه به این مسئله، این مقاله درصدد یافتن پاسخ به این پرسش هست: مفهوم ملکه مادر، چه نقش و جایگاه اجتماعی در دوره انقراض حکومت صفویه تا برآمدن حکومت قاجاریه داشت؟ به منظور پاسخ گویی به سوال مذکور، ضمن استفاده از شیوه تاریخی که همانا جمع آوری داده های کتابخانه ای (اسنادی) از منابع دست اول تاریخی است ضمن ترسیم نقش و جایگاه ملکه های مادر در امور سیاسی به اهمیت اجتماعی - سیاسی تبار مادری شاهان دوره مذکور نیز پرداخته می شود. در این پژوهش مشخص می شود فرمانروایانی که ملکه های مادر آنان تبارشان به حکومت صفویه منتهی می شد، مشروعیت اجتماعی فراگیری در جامعه کسب می کردند.

واژگان کلیدی: ملکه مادر، تبار مادری، حکومت افشاریه، حکومت زندیه.

مقدمه

منابع تاریخی این دوره را می توان به دودسته منابع تاریخی سلسله ای و محلی تقسیم نمود. در این راستا، مورخینی مانند استرآبادی و موسوی اصفهانی، اقدامات و مشاوره های سیاسی مادران طبقه حاکمه را در لابلای توصیف حوادث مختلف سیاسی - نظامی بیان داشته اند. باین همه، نویسندگان تواریخ محلی و زندگی نامه ای از جمله هاشم میرزا و فسایی به نحو مشخص تری به عملکرد ملکه های مادر پرداخته اند. در خلال بررسی پژوهش های محققین تاریخی، مواردی مرتبط با مقاله حاضر وجود دارد. در این میان، گودرزی منفرد در پژوهش خود می نویسد: زنان شاهنامه، از جمله الهه آنهایتا، حالتی از خدابانویی و مادر سالاری را نشان می دهد ولی با گذشت زمان از این جایگاه والا کاسته شده و جایگاه مادر سالاری به افسانه های مذهبی پیوسته است.^۱ (گودرزی منفرد، ۱۳۸۴، ص ۶۴-۶۳)

در نهایت، هانیه امینی در مقاله خود که تا حدودی با پژوهش حاضر ارتباط موضوعی دارد، به نقش جان بیگم خاتون مادر شاهزادگان پیربوداق و حسنعلی میرزا که علیه پدرشان جهانشاه قراقویونلو شورش کرده بودند، اشاره می کند. در این راستا، جان خاتون بیگم در نهایت توانست: فرزندان را ترغیب به تبعیت از فرمانروا نماید. در ادامه، امینی به مذاکرات سیاسی ساراخاتون مادر اوزون حسن آق قویونلو در سال ۸۵۷ ق، به منظور برقراری صلح میان وی و برادرانش جهانگیر میرزا و اوپس پرداخته است. (امینی، ۱۳۹۴، ص ۵۶-۵۵)

با این اوصاف، فرضیه پژوهش حاضر بر اساس یافته های تاریخی این است که ملکه های مادر این دوره، تا حدود بسیاری وظایف و نقش همتایان خود در دوره صفویه را تداوم دادند؛ هر چند به واسطه آشوب های سیاسی - نظامی، جایگاه اجتماعی متزلزلی یافتند. باین همه، به واسطه جایگاه فرعی ملکه های مادر در منابع تاریخی دوره مذکور، دشواری های فراوانی برای ترسیم مناسب نقش آفرینی و جایگاه ممتاز آنان در جامعه وجود دارد.

ملکه مادر



تبار بسیاری از ملکه‌های مادر این دوره پراشوب به طبقات پایین جامعه باز می‌گشت. چنانکه در این خصوص می‌توان مادر محمود افغان را مثال زد که هنگام ورود به شهر اصفهان بدین صورت توصیف شده است: وی درحالی که لباسش کاملاً پاره شده و مشغول جویدن یک ترب بزرگ بود، به دروازه اصلی قصر وارد شد. ظاهر و اعمال وی بیشتر به یک جادوگر شباهت داشت تا به مادر پادشاهی بزرگ. در این راستا، مادر نادرشاه نیز که همسر یکی از افراد ایلیاتی افشار محسوب می‌شد در هنگام جوانی به مدت چهار سال اسیر طوایف ازبک بود. (ملکم، ۱۳۸۰، ج ۲، ص ۴۶۷؛ مینورسکی، ۱۳۸۷، ص ۲۲۹ و ۴۰۶)

با این وجود، ملکه‌های مادر بسیاری از شاهان صفوی نیز علی‌رغم داشتن تبار عالی به سبب سقوط دولت صفوی، ناگزیر سال‌هایی از حیات خویش را از اعضای طبقات پایین جامعه محسوب می‌شدند. برای نمونه هنگامی که: شاه طهماسب دوم پس از دستیابی به سلطنت، داخل حرم‌سرای سلطنتی شد مادرش را در لباس خدمتکاران، ملاحظه کرد که بواسطه قدرت‌یابی محمود افغان ناگزیر به مدت هفت سال در سلک کنیزان دربار زیسته بود. در همین خصوص، شهربانو بیگم مادر شاه سلیمان دوم قبل از پادشاهی فرزندش به همراه برادرزاده اش شاه طهماسب دوم مدتی را در شهر سبزوار در تبعید به سر می‌برد.^۱ (مینورسکی، ۱۳۸۷، ص ۲۲۵؛ ملک، ۱۳۸۰، ج ۲، ص ۴۶۲؛ هاشم میرزا، ۱۳۷۹، ص ۸۷-۸۶)

در دوره فترت سقوط حکومت صفوی، تبار مادری شاهزادگان صفوی اهمیت بسیاری در زمینه تحولات سیاسی- نظامی داشت. از این رو، مورخین تأکید بسیاری در شناسایی شجره انساب مدعیان سلطنت این دوره مبذول داشته‌اند. به همین جهت، ازدواج مدعیان سلطنت با شاهزاده خانمی صفوی اهمیت سیاسی فراوانی داشت. همین امر موجب شد تا نادرشاه دختر شاه سلطان حسین یعنی رضیه سلطان بیگم را به همسری فرزندش رضا قلی میرزا درآورد. در این راستا به واسطه آنکه: مادر شاهرخ میرزا، دختر شاه سلطان حسین صفوی محسوب می‌شد، مردم مایل به سلطنت او بودند؛ هر چند به سبب آشوب زمانه، میرزا سید محمد که او نیز از جانب مادر نسب به شاهان صفویه می‌رسانید، برای مدتی به فرمانروایی دست یافت. (مینورسکی، ۱۳۸۷، ص ۲۷۱-۲۷۰؛ ملک، ۱۳۸۰، ج ۲، ص ۵۱۱-۵۱۰)

اهمیت تبار مادری مدعیان سلطنتی که خود را از نسل شاهان صفوی قلمداد می‌کردند، به اندازه ایی رواج داشت که بسیاری از حکام نواحی مختلف، شاهان دروغینی مانند شاه سلطان حسین دوم را برای مشروعیت حکومتشان در اختیار گرفتند. در این راستا، مصطفی قلی خان بیگدلی شاملو و علی مردان خان بختیاری، شجره انساب دروغینی برای شاه سلطان حسین دوم به وجود آوردند و وی را فرزند شاه طهماسب دوم دانستند. روایت جعلی این بود که: مصطفی قلی خان بیگدلی شاملو، سفیر ایران در کشور عثمانی به واسطه تأیید صحت قبالة ازدواج مادر شاهزاده که به مهر شخص وی ثبت بود، حسین دوم را به عنوان شاه ایران خطاب نمود. (قزوینی، ۱۳۶۷، ص ۹۲)

با این همه، ملکه‌های مادر دوره مذکور زمانه پراشوبی را سپری می‌نمودند. چنانکه، ملک در کتاب تاریخ کامل ایران در این رابطه، می‌نویسد: مادر محمود افغان چون ملاحظه کرد که به ادامه حیات فرزندش امیدی نیست دستور داد تا محمود را خفه کنند تا از زحمت بیماری خلاص شود. پس از آن نیز اشرف افغان برای نکوهش اقدامات اواخر عمر محمود افغان دستور داد تا مادر محمود یک‌شب را در میدان نقش جهان با شاهزادگان مقتول صفوی به سر برد. اشرف افغان با انجام چنین اعمالی توانست محبوبیت فراوانی در میان مردم شهر اصفهان کسب نماید. (ملکم، ج ۲، ۱۳۸۰، ص ۴۴۹ و ۴۵۴؛ مینورسکی، ۱۳۸۷، ص ۲۱۳-۲۱۲ و ۲۱۸-۲۱۷)

به واسطه همین آشوب‌های سیاسی- نظامی که منجر به قتل پادشاهان پوشالی بسیاری می‌گردید، مادران تلاش داشتند تا فرزندان خود را از دردسره‌های سلطنت دور نگه دارند. با این وجود، نادر برای اعلام پادشاهی شاه عباس سوم، وی و مادرش را ناگزیر در برابر لشکریان حاضر کرد ولی مادر شاه را به جهت پوشیده بودن به چادر سلطنتی اعزام کرد. در همین رابطه، مادر شاه اسماعیل سوم نیز در ابتدا به مخالفت با پادشاهی پسرش پرداخت چرا که از مخاطرات سلطنت در دوره پراشوب کشور مطلع بود. وی تنها با اصرار علی مردان خان بختیاری: ناچار با پادشاهی فرزندش موافقت کرد. (بازن، ۱۳۴۰، ص ۷۲؛ گزارش کارملیت ها از ایران، ۱۳۸۱، ص ۳۲)

ملکه‌های مادر در نزد فرزندان تاج‌دار خود بسیار محترم بودند به طوری که رابطه مادر- فرزندی گاهی تأثیر مهمی در حیات سیاسی کشور ایفا می‌کرد. برای نمونه: مادر علی مراد خان که مادر جعفرخان زند جانشین وی نیز محسوب می‌شد، وی را از بیماری علی مراد خان مطلع و اعلام کرد که به معالجه وی امیدی نیست. جعفرخان نیز برای پیش‌دستی بر سایر مدعیان سلطنت آشکارا به مخالفت با علی مراد خان



پرداخت. علی مراد خان بعد از اطلاع از شورش برادر، با وجود بیماری و شدت سرما، از تهران عازم اصفهان شد ولی در منطقه مورچه‌خورت اصفهان وفات یافت. افزون بر چگونگی قدرت‌یابی جعفرخان زند، یکی از دلایل سقوط حکومت لطفعلی خان زند نیز اجابت خواسته مادرش برای اعدام میرزا مهدی لشکرنویس بود چرا که در مظان اهانت به جسد پدرش جعفرخان زند قرار داشت. لطفعلی خان که به واسطه شفاعت حاجی ابراهیم کلانتر، میرزا مهدی را بخشیده بود با سرزنش مادر خود مواجه شد. در نتیجه، فرمانروای زند پس از اعدام میرزا مهدی لشکرنویس با کینه و توطئه حاجی ابراهیم‌خان کلانتر، شهر شیراز پایتخت خود را از دست داد. (ملکم، ۱۳۸۰، ج ۲، ص ۵۵۸؛ فسایی، ۱۳۸۲، ج ۱، ص ۶۳۰ و ۶۴۶)

در همین خصوص، نادرشاه نیز با وجود خشونت طبیعی که داشت نسبت به مادر و نواده‌اش شاهرخ میرزا مهربان بود. باین وجود، فرمانروای افشار به درخواست‌های نامعقول اطرافیان و از جمله مادر خود در امور حکومتی توجه چندانی نداشت. برای نمونه، مادر نادرشاه پس از آنکه، شاه طهماسب دوم از سلطنت خلع شد از وی درخواست کرد که: شاه را دوباره به سلطنت برگرداند تا در عوض شاه، قانونی را به تصویب برساند که او را مادام‌العمر به سمت سپه‌سالاری خود برگزیند. در این راستا:

نادرشاه از مادرش پرسید که آیا واقعا این طور فکر می‌کنند؟ مادرش گفت آری. فرمانروای افشار درحالی که می‌خندید به وی گفت اگر من هم یک پیرزن بودم شاید این طور فکر می‌کردم و آرزو داشتم که خود را در مهلکه و در دسرهای سلطنت نیندازم. (مینورسکی، ۱۳۸۷، ص ۳۸۴؛ کروسینسکی، ۱۳۶۹، ص ۸۳)

عده ایی از مورخین بخصوص آنانی که تواریخ خاندانی را تالیف کرده‌اند به ذکر تبار مادری شاهان این دوره بخصوص از نسل شاهان صفوی نیز توجه داشته‌اند. افزون بر اقبال عمومی جامعه به خاندان صفوی که امنیت و رفاه کشور را به مدت بیش از دویست سال تداوم بخشیده بودند، بسیاری از مورخین این دوره که از اقشار دیوان‌سالار یا مذهبی محسوب می‌شدند از جنبه‌های خاندانی و فکری وامدار دوره صفوی بودند. همین امر اهمیت بازتاب تبار مادری شاهزادگان صفوی را نشان می‌دهد. برای نمونه: علت توجه مردم به شاهرخ نواده نادرشاه این بود که مادرش رضیه سلطان دختر شاه سلطان حسین محسوب می‌شد. در نتیجه، علیشاه که تمامی پسران و نوادگان نادرشاه را به قتل رسانیده بود، شاهرخ را نکشت زیرا از دل‌بستگی دیرپای مردم به خاندان صفوی اطلاع داشت. (هاشم میرزا، ۱۳۷۹، ص ۱۲)

پیوندهای تنگاتنگ بسیاری از مورخین با خاندان صفویه و اقبال عمومی موجب شد تا باوجود آنکه حکومت صفویه عملا منقرض شده بود، مادران بسیاری از شاهزادگان، القاب سلطنتی خود را حفظ نمایند. در این خصوص می‌توان به القاب سلطنتی شهربانو بیگم مادر شاه سلیمان دوم اشاره کرد. میرزا هاشم مولف کتاب زیور آل داود که خود فرزند شاه سلیمان دوم و نواده شهربانو بیگم بود، با القاب سلطنتی، جد پدری خود را معرفی کرده است، که عباراتی از آن نقل می‌شود:^۱

نواب مستطاب فلک جناب ملک حجاب قمر رکاب خورشید احتجاب قدسی القاب علیا حضرت زهرا فطرت مریم طینت حوا منزلت خدیجه مرتبت بلقیس سریرت آسیه حشمت رابعه همت فلک رفعت برجیس رتبت ناهید طلعت، نتیجه دودمان رفیع البیان صفوی، خلاصه اولاد عظیم الشان مصطفوی، شهربانو بیگم الحسینیة الموسویة السلیمانیة- طاب الله ثراه و جعل فی اعلیٰ علیین مثواه- دختر بزرگ شاه سلیمان بود. (هاشم میرزا، ۱۳۷۹، ص ۸۰-۷۹)

شهرت شهربانو بیگم افزون بر آنکه شاهزاده ایی صفوی محسوب می‌شد و فرزندش میرزا محمد به عنوان شاه سلیمان دوم مدتی را فرمانروایی کرد به واسطه سیاست و دلبری وی در حفظ جان فرزندش میرزا محمد در برابر نادرشاه نیز بود. در این خصوص، نادرشاه تصمیم داشت با تفویض صدارت کل ممالک ایران به‌علاوه تولیت حرم امام رضا، سید محمد میرزا را تحت نظارت خود در شهر مشهد داشته باشد.

باین‌همه، شهربانو بیگم به وی پیغام داد که: اگر خیال کشتن پسر من را داری مثل برادرزاده‌ام، نزد من او را به قتل برسان وگرنه من پیر شده‌ام و من را به فراق او دچار نکن. در نتیجه نادرشاه، آنها را دوباره به شهر اصفهان بازگرداند. حسن شهرت شهربانو بیگم موجب شد تا در این دوره، تنها ملکه مادری باشد که پس از وفاتش در ماه رمضان سال ۱۱۵۵ ق، شعرای دوره افشار، اشعاری پیرامون تاریخ وفاتش بسرایند که چند نمونه از این اشعار در ادامه، ذکر می‌شود: سمی زوجه شاه شهیدان/ که معمور این جهان ز آبی او شد/ چو لیبیک اجابت گفت حق را/ غریق بحر رحمت‌های او شد/ ولی از چشم مردم شد چو پنهان/ به مشهد بعد رحلت جای او شد/ شد از سال وفاتش عقل حیران/ که



«صافی» را زبان گویای او شد/ بگفتا با «حجاب» از بهر تاریخ/ بهشت جاودان مأوی او شد./ (مرعشی، ۱۳۶۲، ص ۶۳ و ۹۵-۹۴؛ هاشم میرزا، ۱۳۷۹، ص ۸۷-۸۶) در این راستا، عده ایی از شاهان از جمله نادرشاه افشار فاقد تبار مادری برجسته ایی بودند. این امر موجب می شد تا مورخین دیوانی برای مشروعیت بخشیدن به حکومت فرمانروایان ممدوح خود، توجیهات جالبی را ارائه بدهند. در این رابطه، استرآبادی به واسطه آنکه نادرشاه نسب پدری و مادری معتبری نداشت وی را فرزند «مادر زمانه» خود خطاب کرده که افتخار وی نه به نسب بلکه به واسطه جنگاوریش بوده است. نویسنده تاریخ جهانگشای نادری در ادامه می نویسد که نادرشاه: علی رغم نداشتن خاندانی معتبر، سایر خاندان های معتبری را که در ایالات مختلف کشور حکومت می کردند را تابع خود کرده است. (استرآبادی، ص ۱۳۴۱، ۲۶) منابع تاریخی دوره انقراض حکومت صفویه تا برآمدن حکومت قاجاریه، به تبعیت از سنن گذشته و آداب و رسوم زمانه در بسیاری از موارد به جای ذکر نام مادران طبقات حاکمه، از آنان به عنوان مادر فرمانروا یا حاکمان نواحی مختلف کشور نام برده اند. باین وجود مادران فرمانروایان به ویژه آنانی که تبار مادری شان به شاهان صفوی می رسید، از عنوان بیگم یا ملکه مادر همانند دوره صفویه ولی به صورت غیررسمی بهره می جستند. باین همه، مادران خاندان حاکمه این دوره، به سبب آشوب های مختلف سیاسی، نظامی و اجتماعی جایگاه ثابت و مطمئنی نداشتند. از دلایل دیگر جایگاه برجسته تعدادی از ملکه های مادر طبقه حاکمه، افتخار به تبار عالی مادری بود. در این خصوص، منابع تاریخی، پیرامون اجداد شاهان صفوی این دوره که مادرشان شاهزاده خانمی صفوی محسوب می شد، با عناوین اشرافی فراوانی یاد کرده اند. تبار مادری مذکور تا حدود بسیاری زمینه کسب مشروعیت حکومت بسیاری از پادشاهان صفوی از جمله شاه سلیمان دوم و شاه اسماعیل سوم را فراهم می آورد. باین همه، منابع تاریخی درباره بسیاری از فرمانروایان از جمله نادرشاه و کریم خان زند که تبار مادری برجسته ایی نداشتند، سکوت اختیار کرده اند. باین همه، عده ایی از مورخان مانند میرزا محمد مهدی خان استرآبادی که منشی الممالک نادرشاه محسوب می شد، فرمانروای افشار را با اصطلاح فرزند «مادر زمانه» مورد خطاب قرار داده تا بدین وسیله، مشروعیت فرمانروا را به واسطه جنگاوری و استیلای نظامی برجسته نماید.



منابع

- استرآبادی، محمدمهدی. ۱۳۴۱. *جهانگشای نادری*. چاپ اول. تهران: انجمن آثار ملی.
- امینی، حانیه. ۱۳۹۴. *نقش سیاسی خاتونان دربار در عهد ترکمانان*. تاریخ‌نامه خوارزمی. س ۲. (۷۹-۵۱).
- بازن، پادری. ۱۳۴۰. *نامه‌های طیب نادرشاه*. چاپ اول. تهران: مجله ادبی یغما.
- بی‌نام، ۱۳۸۱، *گزارش کارملیت‌ها از ایران*. چاپ اول. تهران: نی.
- خاتون‌آبادی، عبدالحسین. ۱۳۵۲. *وقایع‌السنین و الاعوام*. چاپ اول. تهران: کتاب‌فروشی اسلامیه.
- فسایی، میرزا حسن حسینی. ۱۳۸۲. *فارس‌نامه ناصری*. چاپ اول. تهران: امیرکبیر.
- قزوینی، ابوالحسن. ۱۳۶۷. *فوائد/الصفویه*. چاپ اول. تهران: موسسه مطالعات و تحقیقات فرهنگی.
- کروسینسکی، یوداش تادوش. ۱۳۶۹. *ده سفرنامه*. چاپ اول. تهران: انتشارات وحید.
- گودرزی فرد، شهرزاد. (۱۳۸۴). *تجلی مادر سالاری در شاهنامه*. حافظ. ش ۲۲. (۶۶-۶۳).
- مرعشی، میرزا محمدخلیل. ۱۳۶۲. *مجمع‌التواریخ*. چاپ اول. تهران: کتابخانه طهوری و سنایی.
- مشهدی علی پور، مریم. ۱۳۹۱. *بررسی تطبیقی جایگاه مادر در فرهنگ جاهلی و اسلامی*. تاریخ در آینه پژوهش. س ۹. ش ۲. (۱۱۸-۹۹).
- ملکم، جان. ۱۳۸۰. *تاریخ کامل ایران*. چاپ اول. تهران: افسون.
- مینورسکی، ولادیمیر. ۱۳۸۷. *ایران در زمان نادرشاه*. چاپ پنجم. تهران: دنیای کتاب.
- هاشم میرزا. ۱۳۷۹. *زبور آل داود*. چاپ اول. تهران: میراث مکتوب.



آگاهی مادران نسبت به آسیب‌های کودکان و جلوگیری از آسیب در خانه در اثر توانمندسازی مادران

شیرین عزیزی؛ دانشجوی کارشناسی ارشد رشته مشاوره و راهنمایی

azizi.shirin92@gmail.com

چکیده

بیشتر آسیب‌های کودکان خرد سال در خانه رخ می‌دهد. بنابراین، مطالعه حاضر با هدف بررسی تاثیر ارائه اطلاعات فردی به مادران در رابطه با آسیب‌های کودکان در خانه و اقدامات پیشگیرانه احتمالی بر آگاهی آنان از این مساله صورت پذیرفت. روش: نوع پژوهش، مداخله‌ای شبه آزمایشی با گروه گواه بود که در آن از رویکرد اطلاعات فردی جهت توانمندسازی مادران استفاده شد. یافته‌ها: نود و نه مادر دارای کودک زیر ۷ ماه در مطالعه شرکت داشتند. پرسشنامه‌ای با داده‌های جامعه شناختی و سوالاتی در رابطه با آگاهی از پیشگیری به کار گرفته شد. سطح آگاهی از وقوع آسیب‌های جسمی در خانه در بین مادرانی که در معرض مداخله قرار گرفتند، در مقایسه با مادران گروه گواه افزایش یافت. با این حال، بهبود معناداری در آگاهی نسبت به پیشگیری مشاهده نشد و هیچ ارتباطی با نمرات احساس انسجام درونی (SOC) مادران نداشت. نتیجه: نتایج نشان داد که این مداخله تأثیر مثبت بر آگاهی مادران نسبت به این وقوع آسیب‌های کودکان در خانه دارد اما آگاهی مادران نسبت به پیشگیری از آسیب‌های کودک را افزایش نمی‌دهد. کلیدواژه‌ها: آسیب‌های کودکان، مداخله، آگاهی، پیشگیری، احساس انسجام درونی،

مقدمه

آسیب و مرگ و میر کودکان در ایران بیش از متوسط جهانی است و انواع مختلف آسیب‌های فیزیکی عامل اصلی مرگ و میر کودکان در ایران در بین کودکان زیر ۱۴ سال است و بیشتر آسیب‌های کودکان از بدو تولد تا ۳ سالگی در خانه رخ می‌دهد (سازمان بهداشت جهانی، ۲۰۱۴). بیشترین مبتلایان به سوختگی با آب جوش و یا آتش، پسران ۱ تا ۲ ساله هستند (کارلسون، ۲۰۰۶). جلوگیری از سوانح سوختگی به علت درمان دردناک و بهبود دراز مدت آن حایز اهمیت است (راماکیر شانو همکاران، ۲۰۰۷). بیشتر آسیب‌ها در حضور بزرگسالان و به علت عدم نظارت و یا اقدامات پیشگیرانه رخ می‌دهند (دراگو، ۲۰۰۵). مطالعه ولادتین^۱ و همکاران (۲۰۰۶) نشان داد که آگاهی مادران نسبت به پیشگیری از آسیب‌های کودکان در بین مادران دارای چند فرزند در مقایسه با مادرانی که دارای یک فرزند هستند، محتمل‌تر است. علاوه بر این، پژوهش بر این حقیقت استوار است که یک سوم از همه آسیب‌های تصادفی در میان کودکان در ایالات متحده آمریکا قابل پیشگیری است (فیلیپاکیس، ۲۰۰۴) و کارگاه‌های آموزشی همراه با بازدید از خانه می‌تواند اقدامات پیشگیرانه مادران در برابر آسیب‌های کودکان را بهبود بخشد (کارلسون و همکاران، ۲۰۱۱). در اغلب کشورهای توسعه یافته تقریباً تمام مادران دارای کودک زیر ۶ سال در برنامه مراقبت بهداشتی کودکان با تمرکز بر پیشگیری از بیماریها شرکت می‌کنند و این اقدام برای والدین دارای کودک ۸ ماهه با تمرکز بیشتری بر افزایش دانش والدین در مورد اقدامات پیشگیرانه در خانه باید انجام شود. این اطلاعات یکباره ارائه شده و شامل آسیب‌های فیزیکی از قبیل خفگی، سوختگی، سقوط از بلندی و ایمن‌سازی مواد شیمیایی، داروها و کیسه‌های پلاستیکی است. منطبق این اقدام نیز آن افزایش تحرک فیزیکی کودکان (خزیدن و راه رفتن) از این سن است (انجمن بین المللی بهداشت و رفاه، ۲۰۱۰). تنگلدن (۲۰۰۷) تاکید دارد که متخصصان ارتقای مراقبت‌های بهداشتی، نباید دیدگاه کنترلی یا پدران داشته باشند. خود-توانمندسازی می‌تواند از طریق آموزش و پرورش حاصل شود چرا که می‌تواند فرد را به ابزارهایی برای سبک زندگی سالم تر تجهیز نماید (لاوراک، ۲۰۰۴). سبک زندگی ناسالم شامل اختلالات تغذیه (اعم از سوء تغذیه و پر خوری)، مصرف دخانیات و مصرف الکل، مصرف مواد مخدر، رفتارهای جنسی پرخطر، استرس، اختلالات شایع روانی و بروز همه انواع جراحات است (سونیتا و گوراج، ۲۰۰۳).



نیروی درونی انسان تحت تأثیر خود-توانمندسازی قرار می‌گیرد و این نیرو از منظر آنتونوفسکی^۱ (۱۹۸۷) با مفهوم «حس انسجام درونی (SOC) تعریف می‌شود که خود شامل سه مفهوم اصلی است: قابل درک، قابل کنترل و معنی دار و البته نوع جهان بینی می‌گردد. SOC قویتر نشان‌دهنده ظرفیت بهتر برای مقابله با شرایط دشوار است. فرضیه این پژوهش این بود که SOC قوی باعث آگاهی والدین از خطرات و ترغیب آنها به اقدامات پیشگیرانه در برابر آسیبهای احتمالی کودک می‌شود.

گزارش‌های متعدد حاکی از کاهش آسیبهای کودکان در اثر مداخله از طریق اجرای برنامه‌های آموزش خانواده و ... است (کندریکو همکاران، ۲۰۰۸). مستندات حاکی از آن است که وضعیت اقتصادی-اجتماعی پایین، عامل بالقوه مخاطرات و ایراد جراحات برای کودکان در خانه محسوب می‌شود (لافلامو همکاران، ۲۰۱۰). علاوه بر این، سطح تحصیلات پایین والدین باعث افزایش خطر ابتلای به آسیب در خانه می‌شود، زیرا اقدامات پیشگیرانه کمتری توسط این قبیل والدین صورت می‌گیرد. برای افزایش آگاهی مادران در خصوص پیشگیری از حوادث، تمرکز بر نیازهای اختصاصی خانواده ضروری است (کریوت و واری، ۲۰۰۳). لذا هدف این مطالعه بررسی تأثیر افزایش اطلاعات فردی (در اثر توانمندسازی) بر آگاهی مادران در مورد آسیبهای جسمی کودکان در خانه و اقدامات پیشگیرانه و احیاناً تأثیر احساس یکپارچگی بر این مقوله بود که در قالب سه سوال باز پاسخ پژوهش (که پاسخهای آن متاثر از مداخله بود) به شرح زیر مورد بررسی قرار گرفت: آیا مادران به حد کافی از آسیبهای متعددی که برای کودکان در خانه رخ می‌دهد مطلع هستند؟ آیا مادران دانش لازم را در خصوص اقدامات پیشگیرانه برای کاهش آسیبهای کودکان در خانه دارند؟ آیا مادران اقدامات پیشگیرانه کافی برای کاهش آسیبهای کودکان در خانه صورت داده‌اند؟

روش تحقیق

این تحقیق نوعی مداخله شبه آزمایشی با گروه گواه است که جامعه آن متشکل از دو ناحیه مجزا در شهر زنجان با تأکید بر خانواده‌های دارای سطح تحصیلات پایین بوده است. با توجه به احتمال اثر هائورن (پایلوت و بک، ۲۰۱۱) در یک کارآزمایی تصادفی کنترل شده، که در آن مادران گروه گواه ممکن است تحت تأثیر مادران گروه آزمایشی از همان محله قرار گیرند، یک طرح دیگر انتخاب شد، یعنی یک گروه گواه استراتژیک از یک محله مشابه که در هر دو منطقه تنها ۱۸ درصد از ساکنان آموزش عالی یا تحصیلات دانشگاهی داشتند. همچنین سطح شغلی جمعیت در دو مناطق شباهتهایی داشت اعم از اینکه در یکی ۳۸ درصد و در دیگری ۳۹ درصد اشتغال به کار تمام و یا پاره‌وقت داشتند و اکثریت ساکنین آنها در آپارتمانهای ارزان قیمت اجاره‌ای زندگی می‌کردند. تعداد ساکنان متولد زنجان در دو محل به ترتیب ۵۲ و ۶۰ درصد بود. ساکنان مهاجر اغلب در روستاهای اطراف و یا شهر میانه و تکاب متولد شده بودند. دو مرکز بهداشت این مناطق انتخاب شدند، یکی به عنوان گروه آزمایشی (IG) و یکی به عنوان گروه گواه (CG). پرسنل دو مرکز مذکور در مورد هدف مطالعه مطلع شدند، اما در خصوص انتصاب هر محل به گروه آزمایشی یا گواه اطلاعاتی به آنها داده نشد.

نمونه‌ای ۱۰۰ نفره از مادران مراجعه کننده به مراکز بهداشت محلات مذکور به صورت سرشماری انتخاب شد و از آنجا که یکی از مادران دو بار به پرسشنامه پاسخ داده بود، تعداد نمونه به ۹۹ کاهش یافت. همه مادران رضایت کتبی خود را برای شرکت در این برنامه ارائه دادند. ۵۰ مادر در یک محله به عنوان گروه آزمایشی ثبت شد و ۴۹ مادر دیگر در محله دیگر به عنوان گروه گواه ثبت شدند. همه مادران با نوزادان ۴-۷ ماهه در یک دوره ۶ ماهه در محله خود شرکت کردند و دعوت‌نامه‌ای برای شرکت در این مطالعه دریافت کردند (۱۸۴ نفر). سه یادآوری ارسال شد. همه خانواده‌ها اطلاعات استاندارد در مورد پیشگیری از آسیب‌های کودکان در خانه به ویژه در رابطه با جلوگیری از سوختگی، خطر سقوط از بلندی، مسمومیت و خفگی دریافت کردند.

یک طرح پایلوت دارای روایی صوری شامل سوالات زمینه‌ای مانند آگاهی مادر در مورد آسیبهای کودکان و پیشگیری از آن در خانه به منظور تست پرسشنامه بر روی ۹ مادر انجام شد. بر این مبنا هیچ تغییری در پرسشنامه ضروری تشخیص داده نشد. تجزیه و تحلیل داده‌ها شامل داده‌های آزمایشی طرح پایلوت نبود.

پنج سوال مربوط به اطلاعات دموگرافیک، مشتمل بر سطح تحصیلات، اصلیت، سکونت کمتر از ۴ سال در زنجان، دارا بودن دو فرزند یا بیشتر و تجربه قبلی از آسیبهای کودکان در خانه بود. علاوه بر این، سه سوال باز پاسخ در قالب اظهار نظر در مورد آسیبهای کودک و آگاهی مادران نسبت به پیشگیری در منزل (نمرات از ۰-۱۰) نیز گنجانده شد (جدول ۱).



جدول ۱: مقایسه آگاهی اولیه مادران نسبت به آسیبهای کودکان و پیشگیری از آسیب در خانه

مقدار p معنی داری کمتر از ۰۰۵ (Mann-Whitney)	عدم آسیب	آسیب کودکان	سطح آگاهی	متغیر (مفقود: ۴)
	(n) %	(n) %	میانگین (۰-۱۰)	دیدگاه
NS	۳۴,۲ (۲۶)	۳۵,۰ (۷)	۵,۰۰	آسیبهای متعددی برای کودکان در خانه رخ داده است
NS	۵۰,۰ (۳۸)	۴۵,۰ (۹)	۸,۰۰	دانش کافی در خصوص اقدامات پیشگیرانه برای کاهش آسیب در خانه دارم
NS	۴۵,۳ (۳۴)	۳۵,۰ (۷)	۸,۰۰	اقدامات پیشگیرانه کافی برای کاهش آسیب در خانه انجام داده ام

در کنار این از ابزار حس انسجام درونی آنتونوفسکی (۱۹۸۷) استفاده شد. بررسی سیستماتیک ابزار در مطالعات مختلف نشان داد که این ابزار اعتبار و پایایی مناسبی دارد (آلفای کرونباخ بالاتر از ۰,۷) (اریکسون و لیندستروم، ۲۰۰۵). از آنجا که نسخه اصلی SOC به زبان انگلیسی است، به زبان فارسی ترجمه شد و سپس توسط یک مترجم دیگر نیز صحت و اعتبار ترجمه بررسی شد.

مداخله

مداخله شامل دو بخش، اعم از یک کارگاه آموزشی و یک دیدار در خانه بود. مادران IG برای شرکت در یک کارگاه آموزشی که بین ۳۰ تا ۶۰ دقیقه طول کشید دعوت شدند. این روش را کارلسون^۱ و همکاران (۲۰۱۱) نیز قبلاً ارائه نموده اند. دو بهیار در کارگاهها فعالیت داشتند و هر کارگاه شامل ۳ تا ۶ مادر شرکت کننده بود.

اطلاعات تکمیلی به تناسب هر یک از مادران با تمرکز بر پیشگیری از آسیبهای کودکان در خانه، در طی ملاقات در خانه ارائه شد و اطلاعات مربوط به اقدامات پیشگیرانه در خانه از مادران جمع آوری شد. از مادران نیز خواسته شد آگاهی خود را از نیاز به اقدامات پیشگیرانه منعکس سازند. به منظور افزایش آگاهی مادران در مورد پیشگیری از آسیبها، رویکرد آموزش با روش توانمند سازی مورد استفاده قرار گرفت که در آن محتوای مباحث صورت گرفته در طی مداخله توسط خود مادران تعیین می گردد.

به منظور الهام بخشیدن به مادران برای مشارکت فعال در خصوص پیشگیری از آسیب، هدف از مداخله، تعیین سطح آگاهی اولیه مادران در رابطه با آسیبهای کودکان در خانه و سپس افزایش دانش آنها در این رابطه اعلام شد. مادران با مشاوره بهیاران، مشکلات و الزامات خود را برای یافتن راه حلها و اجرای اقدامات پیشگیرانه مناسب عنوان کردند. حضور در خانه به عنوان بخشی از مداخله در مطالعات دیگر (بابول^۱ و همکاران، ۲۰۰۷ و کندریک و همکاران، ۲۰۰۷) نیز مورد استفاده قرار گرفته است.

پیگیری مراجعات، زمانی که کودکان هر دو گروه IG و CG، ۹ ماهه شده بودند صورت گرفت. بهیاران برای بررسی هرگونه اقدامات پیشگیرانه ایمنی که در خانه هر یک از مادران مشارکت کننده انجام شده بود وارد عمل شدند و اقداماتی از قبیل نصب صحن و ایمن اجاق گاز، ایجاد حفاظ برای چراغ خوراک پزی و اجاق، وجود صندلی مناسب برای گرفتن بچهها بر روی آن در هنگام کار مادر در آشپزخانه و دور از دسترس بودن وسایل الکتریکی اعم از قهوه جوش، کتری برقی، و اطو را چک کردند. سپس مادران دوباره به پرسشنامه اولیه پاسخ دادند.

متغیر مستقل شامل اطلاعات تکمیلی منحصر به فرد و متغیر وابسته، عبارت از آگاهی مادر از آسیبهای کودکان در خانه و اقدامات پیشگیرانه بود. روش من ویتنی^۱ و خی دو^۱ برای ارزیابی پاسخها و مقایسه بین گروهها قبل و بعد از مداخله استفاده شد. اسپس اس اس ۱۶ برای تحلیل آماری استفاده شد. تحلیل بی پاسخی نشان داد تفاوت معناداری در ویژگیهای پس زمینه مادران در IG و CG وجود ندارد.

یافته ها



متغیرهای زمینه‌ای جمع آوری شده مطابقت نزدیکی در هر دو گروه داشتند. اختلاف معنی داری بین گروه‌های مذکور در خصوص سابقه آسیب‌های کودکان بین دو گروه وجود داشت. فرزندان مادران گروه آزمایشی به طور معنی داری سابقه آسیب‌های بیشتری ($n = 17$) نسبت به گروه گواه ($n = 3$) داشتند ($p < 0,001$).

کودکان هر دو گروه که سابقه آسیب در خانه داشتند، ۵۰٪ (۱۰ نفر)، آسیب‌های ناشی از سوختگی در اثر تماس با جسم داغ، آتش و یا مایعات در حال جوش داشتند، در حالی که ۳۰٪ ($n = 6$) سابقه سقوط از بلندی مثل میل و صندلی داشتند و ۲۰٪ ($n = 4$) از ناحیه چشم یا سر مصدوم شده و یا دچار مسمومیت دارویی شده بودند.

در خصوص آگاهی مادران از آسیب‌های کودکان و پیشگیری از آسیب در خانه و یا در بین مادران با یا بدون سابقه آسیب‌های جسمی کودک در خانه تفاوت معناداری مشاهده نشد (جدول ۱).

در مقایسه رابطه میزان آگاهی و نمره SOC اندازه‌گیری شده، هیچ رابطه معناداری در پیگیری‌های صورت گرفته مشاهده نشد. لذا انتساب نمره SOC به آگاهی مادران از آسیب‌های کودک و پیشگیری از آن در خانه مورد تایید قرار نگرفت و این امر در مقایسه IG و CG در پیگیری‌ها نیز تایید نشد (جدول ۲).

جدول ۲: مقایسه رابطه بین نمره SOC با آگاهی مادران از آسیب‌های کودکان و پیشگیری از آن خانه در بین گروه‌های مداخله و مقایسه

متغیر	میانگین آگاهی	$SOC \geq 65^c$	$SOC \leq 64^c$	گروه آزمایشی در قیاس با مقایسه
آگاهی	۵,۰۰	(n) % ^a	(n) % ^a	p value* (۰,۰۵)
آسیب‌های متعددی برای کودکان در خانه رخ داده‌است	۸,۰۰	(۲۰) ۴۴,۴	(۲۵) ۵۵,۶	NS
دانش کافی در خصوص اقدامات پیشگیرانه برای کاهش آسیب در خانه دارم	۸,۰۰	(۲۰) ۵۴,۱	(۱۷) ۴۵,۹	NS
اقدامات پیشگیرانه کافی برای کاهش آسیب در خانه انجام داده‌ام	۵,۰۰	(۲۰) ۵۱,۳	(۱۹) ۴۸,۷	NS

با این حال، در مورد موضوع؛ " آسیب‌های متعددی برای کودکان در خانه رخ داده‌است " آگاهی در IG بعد از مداخله به طور معنی داری نسبت به مرحله ابتدایی بهبود یافت. ($p < 0,025$) مقایسه بین کسانی که در IG و CG شرکت کردند، نشان داد که مادران IG میزان آگاهی خود را به میزان بیشتری افزایش داده‌اند

[OR ۲,۳, CI ۱,۳-۴,۳]. گروه آزمایشی به عنوان گروه مرجع استفاده شد [OR ۱,۰].



بحث و نتیجه‌گیری

این مطالعه نشان داد که مداخله با افزایش اطلاعات فردی در مورد پیشگیری از آسیب‌های کودک در خانه و بازدید از وضعیت خانه تاثیر مثبتی بر آگاهی مادران نسبت به آسیب‌های کودکان دارد. از آنجا که تحقیقات نشان داده‌اند می‌توان تا حدود ۳۰ درصد از جراحات غیرعمدی کودکان پیشگیری کرد (فیلیپاکیس، ۲۰۰۴) لذا مطالعاتی که بر روی این موضوع تمرکز دارند از اهمیت ویژه‌ای برخوردارند. در ایران، آسیب‌پذیرترین گروه‌ها پسران زیر دو سال هستند که در معرض خطر سقوط و سوختگی و زخم‌های ناشی از اجسام برنده قرار دارند (کارلسون، ۲۰۰۶).

فرا تحلیل تحقیقات در این رابطه حاکی از تاثیر به‌سزای مداخله والدین است (کندریک، ۲۰۰۸) و شواهد زیادی نیز مبنی بر تاثیر بازدید از خانه (و کنترل اعمال حفاظ و ...) بر کاهش تعداد آسیب‌های کودکان وجود دارد (بول^۱ و همکاران، ۲۰۰۸). بابل و همکاران (۲۰۰۷) در تحقیق خود نشان دادند که رفتار پیشگیرانه والدین پس از مداخله افزایش می‌یابد، اما بر اساس گزارش‌های والدین، میزان آسیب‌های کودکان کاهش قابل توجهی نداشته است. مطالعه ما نشان داد که آگاهی مادر از آسیب‌های کودکان افزایش یافته است، اگرچه در ارتقای اقدامات پیشگیرانه توفیق چندانی حاصل نشده است. لیکن با تمام این احوال، این مداخله باید مهم تلقی شده و توسعه یابد.

در مجموع، ۲۹ درصد از مادران در پیگیری ریزش داشتند، اما در در بین مادرانی که این مطالعه را اتمام رساندند، واریانس پاسخها کم بود و تفاوت معنی داری یافت نشد. این مطالعه نشان داد که آگاهی مادران نسبت به آسیب‌های جسمی و پیشگیری از آنها تحت تاثیر نمرات SOC نیست، اما احتمال این نیز وجود دارد که حجم کم نمونه در مطالعه حاضر مانع ایجاد ارتباط بین متغیرها شده باشد. ویژگی‌های اولیه مادران در IG و CG به جز سابقه آسیب‌های قبلی که به تعداد بیشتری در کودکان IG اتفاق افتاده بود، مشابه بودند. این امر میتواند توجهی برای افزایش اطلاعات IG در رابطه با رخداد آسیب در خانه باشد اما با این حال مداخله تاثیر معناداری بر آگاهی از اقدامات پیشگیرانه در IG نداشت. این امر در راستای نتایج پژوهش ولادتین و همکارانش (۲۰۰۸) است که نشان می‌دهد تجربیات قبلی والدین تاثیر آگاهی ناشی از آموزش آنها را کاهش می‌دهد، زیرا رفتار آنها بیش از هر چیز تحت تاثیر تجربیات و اثرات مورد انتظار آنها قرار می‌گیرد.

علاوه بر این از محدودیت‌های این مطالعه این است که مادران دارای سابقه آسیب فرزند(ان) شان تمایل بیشتری به افزایش آگاهی در این رابطه نسبت به مادرانی دارند که چنین تجربه‌ای نداشته‌اند. میانگین نمرات بالاتر به سوالاتی تعلق گرفت که مستلزم دانش کافی مادران و اقدامات پیشگیرانه سطح بالاتر بود و این امر میتواند ناشی از مطالعه دقیق پرسشنامه توسط مادران هر دو گروه باشد. بازتاب آگاهی نسبت به پیشگیری از آسیب‌های کودکان در خانه می‌تواند باعث شود مادران تمایل به آگاهی بیشتری از خود نشان دهند. شاید گزینه‌های پاسخ «کافی» و «خوب» طراحی مطلوب نداشتند و این امر باعث گمراه شدن مادران شده است. دلیل دیگر برای عدم کفایت دو گزینه مذکور عبارت است از امکان بالا بودن اطلاعات مادران قبل از انجام آموزش. البته تعدادی از مادران نیز عنوان نموده اند که دانش کافی تا قبل از دریافت اطلاعات نداشته‌اند و این امر می‌تواند موید تاثیر آموزش بر افزایش میانگین سوالات باشد. علاوه بر این کارگاهها ممکن است باعث افزایش درک مادران از سطح دانش خود شده باشد که به نوبه خود منجر به درک صحیحتر از سطح دانش اولیه آنها گردیده است. بخشی از مداخله شامل بازدیدهای خانگی نیز بود که توانمندسازی از طریق افزایش اطلاعات منحصر به فرد هر شرکت‌کننده را در بر داشت. برای جلوگیری از سوگیری در این رابطه تمام مداخلات توسط یک نفر انجام شد.

امکان تشخیص اینکه کدام بخش مداخله باعث افزایش آگاهی مادران از احتمال رخداد آسیب‌های کودکان در خانه شده است در این مطالعه مقدور نیست. سازمان بهداشت جهانی و یونسف توصیه می‌کنند که بازدید از خانه و ملاقاتهای آموزشی در هفته اول تولد نوزاد صورت گیرند (سازمان بهداشت جهانی و یونسف، ۲۰۱۴). تحقیقات متعددی در رابطه با تاثیر بازدیدهای خانگی بر کاهش خطر آسیب‌های کودکان در خانه و ترغیب والدین به اقدامات پیشگیرانه تاکید دارند (بول، ۲۰۰۴ و کرامر و همکاران، ۲۰۰۳). این مطالعه نشان داد مداخله تاثیر مثبت بر آگاهی مادران از این واقعیت دارد که بسیاری از آسیب‌های کودکان در خانه رخ می‌دهد اما موجب افزایش آگاهی مادران نسبت به پیشگیری از آسیب‌های کودکان نمی‌گردد. با این حال، این واقعیتی انکارناپذیر است که برای ارتقای آگاهی



مادران در خصوص پیشگیری از آسیبهای کودکان در خانه باید ابتدا آنها را از وجود این مشکل در خانه‌ها آگاه ساخت. لذا افزایش آگاهی مادران در خصوص رخداد حوادث و آسیبهای کودکان در خانه برای حفظ سلامت کودکان و پیشگیری از بخش اعظمی از آسیبها بسیار مهم و مفید می‌نماید.

این مطالعه نشان داد که مداخله تأثیر مثبت بر آگاهی مادران نسبت به این واقعیت دارد که بسیاری از آسیبهای کودکان در خانه اتفاق می‌افتد؛ اما آگاهی مادران نسبت به پیشگیری از این آسیبها را افزایش نمی‌دهد. پیامد بالینی ضمنی این پژوهش نیز این است که اقدام به مداخله برای پیشگیری از آسیبهای جسمی کودکان و ایجاد آگاهی در مادران در خصوص اهمیت پیشگیری از آن، کماکان یک چالش بزرگ و پر ابهام باقی خواهد ماند.



- Antonovsky A. (۱۹۸۷) Unraveling the mystery of health: how people manage stress and stay well. San Francisco: Jossey-Bass.
- Babul S, Olsen L, Janssen P, McIntee P, Raina P. (۲۰۰۷) A randomized trial to assess the effectiveness of an infant home safety programme. *Int J Inj Control Safety Promotion*; ۱۴(۲):۱۰۹-۱۷.
- Bull J, McCormick, Swano C, Mulvihill, C. (۲۰۰۴) Ante- and Post-natal Home-visiting Programmes: a review of reviews. Health Development Agency.
- Carlsson A, Bramhagen AC, Jansson AK, Dykes AK. (۲۰۱۱) Precautions taken by mothers to prevent burn and scald injuries to young children at home: an intervention study. *Scand J Public Health*; ۳۹:۴۷۱-۸.
- Carlsson A, Udén G, Håkansson A, Dejin Karlsson E. (۲۰۰۶) Burn injuries in small children, a population-based study in Sweden. *J Clin Nurs*; ۱۵:۱۲۹-۳۴.
- Cramer K, Crumley E, Klassen TP. (۲۰۰۳) Are home visiting programs more effective than the standard of care at preventing injury in children who are at risk of injury? *Paediatr Child Health*; ۸(۴):۲۲۷-۸.
- Drago DA. (۲۰۰۵) Kitchen scalds and thermal burns in children five years and younger. *Paediatrics*. ۱۱۵:۱۰-۶.
- Eriksson M, Lindström B. (۲۰۰۵) Validity of Antonovsky's sense of coherence scale: a systematic review. *J Epidemiol Commun Health*. ۵۹(۴۶۰-۴۶۶):۲۲.
- Kendrick D, Barlow J, Hampshire A, StewartBrown S, Polnay L. (۲۰۰۸) Parenting interventions and the prevention of unintentional injuries in childhood: systematic review and meta-analysis. *Child Care Health Dev*. ۳۴(۵):۶۸۲-۹۵.
- Kendrick D, Coupland C, Mulvaney C, Simpson J, Smith SJ, Sutton A, Watson M, Woods A. (۲۰۰۷) Home safety education and provision of safety equipment for injury prevention. *Cochrane Database Syst Rev*. ۲۴(۱):CD۰۰۵۰۱۴.
- Kreute MW, Wray RJ. (۲۰۰۳) Tailored and targeted health communication: strategies for enhancing information relevance. *Am J Health Beh*. ۲۷(suppl):۲۲۷-۳۲
- Laflamme L, Hasselberg M, Burrows S. (۲۰۱۰) ۲۰ Years of research on socioeconomic inequality and children's—unintentional injuries understanding the cause-specific evidence at hand. *Int J Pediatr*. doi:۱۰.۱۱۵۵/۲۰۱۰/۸۱۹۶۸۷.
- Laverack G. (۲۰۰۴) Health promotion practice Power and empowerment. London: Sage.
- Malmö City (۲۰۱۴) District facts on Malmö, ۲۰۰۸ [Områdesfakta ۲۰۰۸]. The city office [Stadskontoret], Malmö. [In Swedish]. <http://www.malmo.se/>. Accessed ۲۰ Aug ۲۰۱۴.
- National Board of Health and Welfare (۱۹۹۱). Health Examinations within Child Health Care [Hälsoundersökningar inom barnhälsovården], Report ۱۹۹۱:۸. Stockholm: Socialstyrelsen [In Swedish]
- Philippakis A, Hemenway D, Alexe D, Dessypris N, Spyridopoulos T, Petridou E. (۲۰۰۴) A quantification of preventable unintentional childhood injury mortality in the United States. *Inj Prev*. ۱۰(۲):۷۹-۸۲.



- Polit DF, Beck CT. (۲۰۱۱) Nursing research: generating and assessing evidence for nursing practice. ۹th ed. Philadelphia: Lippincott Williams & Wilkins.
- Ramakrishnan KM, Andal A, Sankar J, Jayaraman V. (۲۰۰۷) Facially disfigured children-dedicated approach and rehabilitation. Dev Neurorehabil. ۱۰(۲):۹۹-۱۰۴.
- Sunitha S, Gururaj G. (۲۰۱۴) Health behaviours and problems among young people in India: cause for concern and call for action. Indian J Med Res. ۱۴۰(۲):۱۸۵-۲۰۸.
- Tengland PA. (۲۰۰۷) Empowerment: a Conceptual Discussion. Health Care Anal. New York: Springer Science Business Media, LLC.
- Vladutin CJ, Nansel TR, Weaver NL, Jacobsen HA, Kreuter MW.(۲۰۰۶) Differential strength of association of child injury prevention awareness and beliefs on practices: a case for audience segmentation. Inj Prev. ۲۰۰۶;۱۲(۱):۳۵-۴۰.
- WHO/UNICEF. (۲۰۱۴) Joint Statement. Home visits for the new born child: a strategy to improve survival. ۲۰۰۹.http://www.who.int/maternal_child_adolescent/documents/who. Accessed ۲۵ July ۲۰۱۴.
- WorldHealthOrganisation(۲۰۱۴). http://www.who.int/whosis/database/core/core_select_process.cfm. Accessed ۲۵ July ۲۰۱۴.



تبیین توانمندسازی زنان

فاطمه استواری؛ دانشجوی کارشناسی ارشد مدیریت آموزشی، دانشگاه آزاد اسلامی واحد مرودشت

سیده فاطمه حبیبی؛ دانشجوی دکتری مدیریت آموزشی، دانشگاه آزاد اسلامی واحد مرودشت

habibifati۰۱۵@yahoo.com

مژگان امیریان زاده؛ استادیار گروه علوم تربیتی، واحد مرودشت، دانشگاه آزاد اسلامی مرودشت، نویسنده مسئول

mamirianzadeh۱۵@gmail.com

چکیده

کنترل ادراک شده بر محیط اطراف یک فرد به عنوان یکی از مفاهیم روانشناختی به حوزه مربوط به قدرت توانایی برآورد کردن مناسب و مقتضی تقاضا هاست. احساس غنی شده و پرورش یافته از خود باوری یا شایستگی مورد انتظار نیز یک بخش از تجربه توانمند سازی است. توانمندسازی فرایندی است که طی آن زنان از نیازها و خواسته های درونی خود آگاه می شوند، جرات دستیابی به هدف را در خود تقویت می کنند و از توانایی لازم برای عملی ساختن خواسته های خود برخوردار می شوند. زنان زمانی که توانایی ایفای تمام نقش های متنوع خود را که از بایدها و اجبارهای خانواده مایه گرفته است دارا باشند، خود را سالم می دانند، بدین گونه وضع بیمار- سالم را به عنوان سلامتی پذیرفته اند. هدف از مقاله حاضر تبیین توانمندسازی زنان است. روش حاضر کتابخانه ای با استفاده از بررسی اسناد معتبر بوده است. طبق نتایج بدست آمده اگر زنان در سه عرصه اقتصادی، سیاسی و اجتماعی توانمند شوند و زمینه حضور، فعالیت و اشتغال آنها در جامعه فراهم شود استعداد های بالقوه ایشان بالفعل در می آید و نه تنها در کسب درآمد و رفاه خانواده موثر واقع میشوند بلکه یک منبع سرمایه گذاری برای کشورشان نیز خواهند بود.

واژه های کلیدی: توانمندسازی، زنان، خانواده، خودباوری، اجتماعی

مقدمه

مطالعات صاحب نظران اجتماعی نشان داده است که دستیابی به توسعه پایدار بدون مشارکت فعال زنان در تمامی عرصه ها اعم از خانوادگی، اقتصادی و اجتماعی امکان پذیر نیست. در بسیاری از کشورهای جهان سوم، راهبردهایی برای مشارکت عملی زنان در توسعه و بر طرف شدن موانع اتخاذ شد. یکی از این راهبردها توانمند سازی زنان با تاکید بر این نکته است که مشارکت زنان صرفا به مفهوم بهره مندی آنان از مزایا و نتایج برنامه های توسعه نیست بلکه آنان باید در اجرای برنامه ها و طرح های توسعه مشارکت فعالانه داشته باشند. توانمند سازی برای هر گروه، فرد یا جامعه ای که به دنبال فعالیت های نظامدار یا راه اندازی مؤسسات است، هدف مناسبی است. این در حالی است که جامعه می گوید که زنان انسان هستند، اما از طرف دیگر هیچ فرصتی برای تهیه انسانیت که به وسیله زنان و به طور کلیشه ای غالب بندی شده و استانداردهای غیر قابل دسترس وجود ندارد. از آنجائیکه توانمندی زنان یک پدیده اجتماعی است و پدیده های اجتماعی تک علتی نیستند، توانمند شدن زنان به عوامل درونی و بیرونی متعددی بستگی دارد. از طرفی عواملی درونی چون وضعیت جسمانی، روانی، وضعیت اقتصادی خانواده بر توانمندی فرد نقش تعیین کننده ای دارد. از طرف دیگر ساختارهای موجود اجتماعی در این مورد میتواند نقش تعیین کننده ای داشته باشد. یکی از عواملی که میتواند در توانمندی افراد نقش داشته باشد، تاثیر حمایت اجتماعی بر توانمندی آنان است.

در سازمان های نوین و مدرن، انسان ها توانمند می شوند تا خود تصمیم بگیرند و امور را اداره کنند. (سوسان و همکاران، ۲۰۱۴، ص ۶۰۸).



توانمندسازی را می‌توان زمینه‌ای برای افزایش دیالوگ‌ها، تفکر انتقادی و فعالیت در گروه‌های کوچک تعریف کرد که اجازه دادن به فعالیتهای جهت حرکت به فراسوی تسهیم، تقسیم و پالایش تجربیات، تفکر، دیدن و گفتگو از اجزای اصلی آن هستند. (لی، ۲۰۰۱، ص ۵۶). در تحقیقی که توسط محمود کتابی و همکاران (۱۳۸۲) بر روی عوامل مؤثر بر توانمندسازی زنان صورت گرفت، نشان داده شده است که افزایش سطح تحصیلات، بهبود وضع سلامت، برخورداری از حق مالکیت قانونی، رفع تبعیض از بازار کار و حذف باورهای سنتی در افزایش توانمندی زنان نقش مؤثر دارد. زنان به عنوان عامل مؤثر در امور مختلف کشاورزی و اقتصادی و اجتماعی و از نظر مشارکت نیروی انسانی مورد نیاز در جامعه بیشترین سهم را دارند، به گونه‌ای که بدون کمک و مشارکت آنان، رسیدن به توسعه اقتصادی امری ناممکن است. مولف معتقد است، در طراحی راهبردهای توانمندسازی زنان باید به مواردی از جمله تعیین چگونگی استفاده زنان از قدرت، تعیین نحوه مشارکت زنان در قدرت، تأکید بر عدم استفاده زنان از قدرت برای سلطه‌گری و تأکید بر استفاده زنان از قدرت برای افزایش برابری و استقلال توجه کرد (شهبازی، ۱۳۸۳). توانمندسازی زنان از جمله مولف‌های مهم در توسعه پایدار است. زنان قربانیان اصلی در مواردی چون فقر، خشونت و عدم برخورداری از تغذیه و بهداشت مناسب هستند، از این رو توجه به بهبود موقعیت زنان نفع همگانی را در بر دارد علاوه بر این در ایران مانند بسیاری از کشورهای جهان سوم حضور زنان را در بسیاری از مشاغل، مؤثر و مفید نمی‌دانند. این بینش دوری منفی از آنجا شکل می‌گیرد که عده‌ای اذعان دارند، زنان بهر حال دارای نقش همسری و مادری هستند، بنابراین در ترکیب هر دو نقش خود در خانه و بیرون از خانه معمولاً موفق نیستند. این باور تا آنجا ادامه دارد که امروزه مهارت و تخصص با جنسیت عجین شده است، معادله مرد- ماهر و زن - ناماهر تا آنجا از درجه صحت و اعتبار برخوردار است که یک شغل با بودن زن در آن تضمین می‌کند، محتوای شغل از نظر مهارت و تخصص در درجه پایین‌تری است. در واقع جنسیت کسانی که کار می‌کنند بیش از محتوای کارشان، نشان‌دهنده آن است که تا چه اندازه کار تخصصی یا غیر تخصصی است. توانمندی زنان نه تنها دارای بعد اقتصادی بلکه دارای ابعاد سیاسی، اجتماعی و روانی نیز است. در نتیجه، توانمندسازی زنان مستلزم برخوردی جامع‌تر و عمیق‌تر و همانگونه که اسکاپ (۲۰۰۳) تأکید می‌کند مستلزم برداشتن موانع و تحول در کلیه نهادهایی است که زنان را از بدست آوردن توانمندی‌های خود بازمی‌دارند. همچنین از این جهت که زنان گروه متجانسی را تشکیل نمی‌دهند و لزوماً زیر یک گروه واحد قرار نمی‌گیرند قابلیت‌ها و ویژگی‌های زمینه‌ای و عاملیت زنان، در فرآیند توانمندسازی نقش بسزایی ایفا می‌کنند. (مقتدایی، ۱۳۹۶) تحصیلات و اشتغال و فرهنگ نقش مهمی در توانمندسازی زنان دارند. توانمندسازی زنان یکی از راه‌کارهای جدید، آموزش و یادگیری در طول عمر است که بسیار مؤثر می‌باشد؛ بنابراین بیشتر مؤسسات برای موضوع تأکید دارند که زنان باید متفکر باشند تا قادر به تغییر توانائی خود، خانواده و جامعه‌شان به واسطه‌ی هوشیاریشان باشند. بنابراین محقق در صدد پاسخگویی به این سوال است که توانمندسازی زنان چگونه است؟

مفهوم توانمندسازی

اسمیت (۲۰۱۰) توانمندسازی را به عنوان آماده‌سازی افراد برای استفاده از ابزار مورد نیاز به طوری که آن را درک کند و بداند که برای پیشرفت لازم هستند، می‌داند (اسمیت، ۲۰۱۰). توانمندسازی افراد عموماً ممکن است به عنوان یک فرآیند مشارکت تعریف شود که ظرفیت کامل کارکنان را به کارگیرد و فرآیندها طوری شوند که تقویت تعهد کارکنان نسبت به موفقیت سازمانی را موجب شود (بودریاس و همکاران، ۲۰۱۰: ۲۰۱).

توانمندسازی دارای معنای عام و خاص و تعبیرهای بیشماری است و این تنوع تعریفها و رویکردها، انسجام و یکپارچگی را از این مفهوم با مشکل روبه‌رو ساخته است، به گونه‌ای که در تعریفها توانمندسازی عواملی، چون: انگیزش درونی، ادراک و تعهد، ساختار شغل، انتقال قدرت یا اختیار و تسهیم منابع و اطلاعات به کار رفته است. (رابینز، ۲۰۰۲، ص ۳۷۴). توانمندسازی در حقیقت فرآیند مستمر و دائمی است و در محیط پویا در سطوح متفاوت مورد تجزیه و تحلیل قرار می‌گیرد. توانمندسازی به موضوعات انگیزشی یا روان‌شناسی، تغییرات ساختاری،



عناصر فرهنگی، تاریخی و ارزشها و نگرشهای موجود در بافت سازمانی اشاره دارد. توانمندسازی عبارت است از مجموعه سیستم ها، روش ها و اقداماتی که از راه توسعه قابلیت و شایستگی افراد در جهت بهبود و افزایش بهره وری، بالندگی و رشد و شکوفایی سازمان و نیروی انسانی با توجه به هدفهای سازمان به کار گرفته می شوند (کارتر، ۲۰۰۱). برخی توانمندسازی را شکلی از عدم تمرکز که مستلزم واگذاری اختیار تصمیم گیری های اساسی به زیر دستان است، تعریف کرده اند (ریو و بایرز، ۲۰۰۳، ص ۱۵۰). فرای^۱ توانمندسازی را توزیع قدرت تصمیم گیری به افرادی که آن را ندارند، تعریف کرده است (فرای، ۲۰۰۵، ص ۸۳۵) هانکوکول، جادسن و هفتر^۱ با بهره گیری از تعاریف فوق ابراز داشتند که توانمندسازی عبارت است از مسئولیت پذیری برای اتخاذ تصمیم در زمینه فعالیت های کاری که فعلاً در حال انجام اند (هانکر، ۲۰۰۵، ص ۳۴۰-۳۷۳).

مفهوم توانمندسازی زنان

توانمندسازی زنان، که توانمندسازی جنسیتی نیز نامیده می شود، تبدیل به یکی از موضوعات مهم مورد بحث در دو زمینه توسعه و اقتصاد شده است. تمامی جوامع، مشاغل، انجمن ها و احزاب از پیاده سازی برنامه ها و سیاست هایی که نظریه توانمندسازی زنان را اتخاذ می کنند منفعت می برند. در پرداختن به مسائل حقوق بشر و توسعه، یکی از دغدغه های اصلی این روند توانایی بخشی یا قدرت دهی است. «رویکرد توسعه و قابلیت های بشری»، «اهداف توسعه هزاره» و دیگر رویکردها/اهداف معتبر همگی به توانایی بخشی و مشارکت به عنوان قدمی ضروری اشاره می کنند که به یک کشور اجازه می دهد بر موانع مرتبط با فقر و توسعه فائق آید. ماهاتلر توانمندسازی زنان را فرایندی تعریف میکند که به وسیله آن زنان برای سازماندهی خودشان توانمند میشوند و اعتماد به نفس خود را افزایش میدهند و از حقوق خود برای انتخاب مستقل و کنترل بر منابع، که منجر به از بین رفتن جایگاه فرودستی ایشان میگردد؛ دفاع می کنند. توانمندسازی زنان را فرایندی تعریف می کنند که به وسیله آن زنان برای سازماندهی خودشان توانمند می شوند و اعتماد به نفس خود را افزایش می دهند و از حقوق خود برای انتخاب مستقل و کنترل بر منابع که منجر به از بین رفتن جایگاه فرودستی ایشان می گردد دفاع می کنند (مالهاترا، ۲۰۰۲). توانمندسازی زنان به معنای کسب قدرت تفکر و اقدام آزادانه، توسعه احساس خودارزشمندی، اعتقاد به توانایی ایجاد تغییرات مطلوب در خود، حق کنترل زندگی خود، حق انتخاب، قدرت چانه زنی، بالفعل نمودن همه پتانسیل های زنان و برابری در جامعه است. به طور کلی توانمندسازی زنان کنترل آنها بر زندگی خودشان در هر فرآیند و فعالیتی است (قلی پور، رحیمیان، ۱۳۸۷، ص ۱۱۳). فارست توانمندسازی را به معنای به چالش کشیدن مناسبات سنتی قدرت بین زن و مرد و تلاشی برای باز توزیع قدرت و منابع جهت یاری به فقرا تعریف می کند (فارست، ۱۹۹۱، ص ۳۶۴).

نظریه توانمندسازی زنان

لانگه، یکی از نظریه پردازان در امور زنان، که معتقد است برای توانمندسازی زنان باید پنج مرحله را که به ترتیب شامل رفاه، دسترسی، آگاهی، مشارکت و کنترل می باشد، طی کرد. در مرحله رفاه، رفاه مادی زنان مانند تغذیه و درآمد بررسی می شود. در این مرحله از توانمندسازی، رفع تبعیض بین زنان و مردان مد نظر قرار می گیرد. در مرحله دسترسی، زنان باید به عوامل تولید (زمین، کار، سرمایه)، کارهای مولد درآمد، خدمات آموزش های مهارت زا که استخدام و تولید را ممکن می سازد و حتی محصول و دسترنج خود دسترسی داشته باشند. در مرحله آگاهی، زنان باید تشخیص دهند که مشکلات آن ها ناشی از کمبودهای شخصی شان نیست، بلکه نشأت گرفته از نقش های جنسیتی مربوط به فرهنگ بوده و لذا قابل تغییر است. آگاهی در این مفهوم به معنای باور داشتن برابری است. در مرحله مشارکت، زنان در تمام برنامه های مربوط به خود شرکت می کنند. مشارکت آن ها باید با تعداد و شمار آن ها در جامعه متناسب باشد. در نهایت، برابری در کنترل به معنی توازن قدرت میان زنان و مردان است (لانگه، ۱۳۷۲، ص ۱۸).

پیامدهای توانمندسازی

✓ توانمندسازی می تواند دارای پیامدهای نگرشی و رفتاری باشد.



✓ پیامدهای نگرش ناشی از توانمندسازی می تواند منجر به افزایش رضایت شغلی و کاهش استرس در افراد گردد.

۱. رضایت شغلی: توماس و ولتهووس در تحقیقات خود دریافتند که سطح بالای معنادر بودن و احساس شایستگی (کفایت نفس) از طریق ایجاد علاقه در افراد نسبت به مشاغل شان باعث افزایش رضایت شغلی خواهد شد. همچنین، آن ها دریافتند که آزادی عمل در شغل (حق تعیین سرنوشت) از جمله عوامل انگیزاننده مورد نظر هرزبرگ بوده و نوعی پاداش درونی محسوب می شود. از سوی دیگر، افزایش رضایت شغلی منجر به تعهد سازمانی قوی تر در افراد خواهد گردید و از آنجا که افزایش رضایت شغلی در ارتباط مستقیم با کاهش جابجایی کارکنان است بنابراین انتظار می رود که توانمندی کارکنان منتج به کاهش جابجایی آنان گردد.

۲. کاهش استرس: توانمندسازی می تواند از طریق افزایش معنادر بودن، شایستگی و آزادی عمل (حق تعیین سرنوشت) باعث کاهش استرس شغلی گردد. گاردل^۱ در تحقیقات خود دریافت که کارهای غیر چالشی و یکنواخت که فاقد ویژگی «معنادر بودن» هستند، استرس را می باشند. توماس و تایموون^۱ پی بردند که احساس شایستگی و اعتقاد فرد به کفایت نفس اش، کاهش استرس را در پی خواهد داشت. (اسپریتز و کیزیولس، ۱۹۹۷، ص ۶۸۲).

پیامدهای رفتاری^۱:

✓ توانمندسازی می تواند پیامدهای رفتاری مهمی در پی داشته باشد. به عنوان مثال، گیکاس^۱ دریافت که احساس شایستگی منجر به ابتکار عمل، تلاش و پشتکار در برابر موقعیت های چالشی می گردد. بر طبق تحقیقات دسی و ریان^۱ آزادی عمل کارکنان در شغل شان منجر به واکنش سریع آنان در برابر موانع و مشکلات خواهد شد. (اسپریتز و کیزیولس، ۱۹۹۷، ص ۴۸۲-۴۸۰)، ارتباط آزادی عمل شغلی با اثربخشی (بهبود عملکرد) از جنبه های شناختی و انگیزشی مورد تایید واقع شده است.

روش شناسی :

روش تحقیق حاضر مطالعه کتابخانه ای است. ابزار گردآوری داده ها شامل بررسی منابع و اسناد از جمله کتب معتبر اسلامی، بصورت فیش برداری است. تحلیل داده ها به صورت توصیفی - تفسیری می باشد.

یافته های تحقیق :

زنان این نیروی عظیم که انواع مختلف کارها را چه به طور رسمی و چه غیررسمی انجام میدهند، توانمند شدن زنان به عوامل درونی و بیرونی متعددی بستگی دارد عوامل درونی چون وضعیت جسمانی، روانی، وضعیت اقتصادی خانواده و عوامل بیرونی حمایت اجتماعی است. طبق نتایج بدست آمده اگر زنان در سه عرصه اقتصادی، سیاسی و اجتماعی توانمند شوند و زمینه حضور، فعالیت و اشتغال آنها در جامعه فراهم شود استعدادهای بالقوه ایشان بالفعل در میآید و نه تنها درکسب درآمد و رفاه خانواده موثر واقع میشوند بلکه یک منبع سرمایه گذاری برای کشورشان نیز خواهند بود.



توانمندسازی زنان در عرصه اقتصاد

توانمندسازی زنان به خصوص در عرصه فعالیت‌های اقتصادی از چند جهت دارای اهمیت می‌باشد: اول، نابرابری اقتصادی بین زنان و مردان، بستر ساز نابرابری‌های اجتماعی و سیاسی است. زنان معمولاً به لحاظ اقتصادی در موقعیت فرودست‌تری قرار دارند و این مسئله باعث می‌شود که آن‌ها به لحاظ موقعیت اجتماعی و میزان تأثیرگذاری سیاسی نظر به مردان در موقعیت پایین‌تری قرار بگیرند. به عبارت دیگر، میزان نقش‌آفرینی زنان و مشارکت آنان در فرآیندهای تصمیم‌گیری در درون اجتماع، تا حد زیادی به میزان استقلالیت اقتصادی زنان وابسته است. هرگاه دسترسی زنان به فرصت‌های اقتصادی افزایش یابد، آزادی‌های زنان مانند: حق کار کردن در بیرون، آزادی تحصیل و داشتن حق مالکیت افزایش می‌یابد که در نتیجه، قدرت زنان افزایش یافته و آن‌ها به میزان استقلالیت اقتصادی بیشتری دست می‌یابند. این مسئله، به صورت خودکار میزان تأثیرگذاری و نقش‌آفرینی زنان را در تصمیم‌گیری‌های اجتماعی نیز افزایش می‌دهد. (فرزاد، ۱۳۹۳) مشارکت اقتصادی زنان، نقش آن‌ها را در تصمیم‌گیری در ابعاد فردی (شامل: خودکفایی، دسترسی به درآمد فردی، افزایش عزت نفس، کاهش فشارهای روحی و روانی، بهبود رفاه فردی، مالکیت منابع مادی) در بعد خانوادگی (شامل: نظارت بر منابع اقتصادی خانواده، نظارت بر دخل و خرج امور خانواده، افزایش سطح درآمد و بهبود وضعیت اقتصادی خانواده، تصمیم‌گیری در مورد دخل و خرج خانواده) و در بعد اجتماعی (کار و ورود به بازار، تجارت و اشتغال، کسب اعتبار مالی و اجتماعی، حضور فعال در تصمیم‌گیری‌های اقتصادی در سطح اجتماعی) را افزایش می‌دهد از اینرو مهم‌ترین مزیت این نوع توانمندسازی، بهبود وضعیت اقتصادی خانواده و رهایی از فقر می‌باشد.

توانمندسازی زنان در عرصه سیاسی

مشارکت سیاسی از معیارهای اساسی در ارزیابی سطح توسعه در جامعه است. مشارکت سیاسی زنان در تقویت و یا تضعف نظام سیاسی اثر قاطع دارد. مشارکت سیاسی زنان به اشکال مختلفی مانند تشکیل جمعیت‌ها، انجمن‌ها و گروه‌های مختلف، چه گروه‌هایی که به طور مستقیم به دنبال اهداف سیاسی و به دست آوردن قدرت هستند و چه گروه‌هایی که به صورت پنهان فعالیت می‌کنند صورت می‌پذیرد. زنان در پروسه توانمندسازی نقشی دو وجهی ایفا می‌کنند. از یک طرف آنان نیمی از منابع انسانی کشور محسوب می‌شوند و از طرف دیگر آنان عامل اساسی مشارکت سیاسی و توسعه هستند (کاظمی پور، ۱۳۸۶). بر این اساس، زنان قادرند تا با آگاهی از تأثیر و اهمیت نقش خود در روند تصمیم‌گیری ملی و بین‌المللی، مدیریت توانمندی را با استفاده از مشارکت سیاسی، جهت تحقق هدف‌های توسعه سیاسی برعهده گیرند. حضور زنان در ابعاد مختلف سیاسی بنوان نیمی از نیروهای انسانی در جوامع بشری از پیش نیازهای توسعه یافتگی سیاسی بشمار میرود. از اینرو تقریباً تمامی کشورها بر بکارگیری نیروی زنان در اداره امور سیاسی برای نیل به اهداف توسعه تأکید دارند. (خسروی، ۱۳۸۶) لذا لحاظ توانمندی و پتانسیل‌های بلقوه زنان و بهره‌وری و به فعلیت درآوردن آن، نه تنها برای حفظ مصالح زنان مفید خواهد بود که مهمتر و حیاتی‌تر از آن حفظ مصالح جامعه است. بنابراین حضور فکری زنان متفکر و خالق سبب رشد امور اقتصادی و اجتماعی جامعه میگردد. حضور زنان در عرصه اقتصادی برای بهبود و بهره‌وری، افزایش اثربخشی و تقویت جایگاه رقابتی میتواند موثر واقع شوند و اجتماع را هر چه بیشتر به یک توسعه اقتصادی پایدار میرساند.

توانمندسازی زنان در عرصه اجتماعی

اگر جامعه ای بخواهد سعادت‌مند باشد و با مشکلات روبرو نشود باید سرمایه‌گذاری مناسبی در رشد و توسعه اجتماعی و فرهنگی زنان پیاده نماید رشد و توسعه فرهنگی و اجتماعی زنان در سایه بالبردن آگاهی‌های آنان بنماید. حضور فکری زنان متفکر و خلاق سبب رشد امور اجتماعی جامعه میگردد. (غیائی، ۱۳۸۵) حضور فعال در عرصه‌های مشارکت مردمی نقش مهمی در روند توسعه خواهند داشت و چنانچه به هر دلیل زمینه‌های لازم برای مشارکت آنها در امر توسعه فراهم نشود، جامعه نیمی از عامل انسانی را از دست خواهد داد. از طرف دیگر با توجه به نقش تربیتی زنان در محیط خانواده، به جرأت میتوان گفت که آموزش زنان در حکم آموزش خانواده است و ارتقاء



سطح آگاهی و توانمندی زنان سبب افزایش سطح آگاهی جامعه در زمینه های مختلف از جمله امر مشارکت خواهد شد و این موضوع اهمیت نقش زنان در تحقق امر مشارکت مردمی را برجسته تر مینماید. (حلم سرشت، دل پیشه، ۱۳۸۵). بنابراین زنان به عنوان نیمی از جمعیت جوامع می توانند در توسعه اجتماعی و فرهنگی نقش موثر و مفیدی داشته باشند و با افزایش آگاهی ها و تغییر باورها و توانمند کردن آنها می توان جایگاه نازلی که جامعه در اثر باورها و نظام های نهادی نادرست به زنان تحمیل کرده، بهبود بخشید و بستر مناسب برای ارتقاء جایگاه اقتصادی، اجتماعی و سیاسی زنان فراهم کرد.

نتیجه گیری

زنان این نیروی عظیم که انواع مختلف کارها را چه به طور رسمی و چه غیررسمی انجام میدهند، چنانچه زمینه حضور، فعالیت و اشتغال آنها در جامعه فراهم شود استعدادهای بالقوه ایشان بالفعل در میآید و نه تنها در کسب درآمد و رفاه خانواده موثر واقع میشوند بلکه یک منبع سرمایه گذاری برای کشورشان نیز خواهند بود. در زمینه توانمند سازی زنان، دانشمندان چون سارالانگه و فیتز من و غیره معتقدند که با تواناسازی زنان از طریق ترویج افکار بدیع، آموزش های مهارتی برای فعالیت در بخش های اقتصادی، ارتقای آگاهی همه ی اعضای جامعه از نقش های زنان (به خصوص زنان سرپرست خانوار) و بهبود سطح رفاه آنها، پایه های استواری برای اقدامات بعدی در تأمین نیازهای راهبردی و در همه ی عرصه ها فراهم شود. با توجه به این که هدف نهایی توانمند سازی، منجر به فقر زدایی می شود. یکی از شیوه های اصلی توانمندسازی اقتصادی زنان است که به آنان اطمینان مورد نیاز برای مقابله با نابرابری های جنسیتی را می دهد. با توانمند شدن زنان در عرصه اقتصادی توانایی اثبات خود را در ابعاد گوناگون زندگی شان به دست می آورند؛ چه در بیرون و چه در درون خانه. توانمندی اقتصادی راهی برای دیده شدن زنان همچون اعضای برابر جامعه است. از این طریق، زنان با مشارکت شان در جامعه عزت نفس و اطمینان بیشتری کسب می کنند. توانمند سازی زنان در عرصه اجتماعی و به حساب آوردن زنان به عنوان بخشی از جامعه می تواند تاثیرات مثبت فراگیری داشته باشد. همچنین توانمندسازی آنان در عرصه سیاسی و مشارکت های سیاسی، به شکل داشتن اجازه رای یا اعلام نظر سیاسی، یا توانایی نامزدی برای احراز مقام با داشتن شانس عادلانه برای انتخاب شدن، نقش بزرگی در توانمندسازی زنان بازی می کند. بنابراین هنگامی که زنان قدرت برآوردن خواسته های شان را داشته باشند، تساوی بیشتری میان آنان و مردان برقرار می شود. مشاغل خرد نیز از راه های توانمندسازی زنان شناخته می شوند.

پیشنهادات ارائه شده در خصوص توانمندسازی زنان :

- ✓ فرهنگ سازی برای حضور زنان در عرصه های اجتماعی و تلاش در مشارکت دادن هر چه بیشتر آنان در فعالیت های اجتماعی
- ✓ اتخاذ تدابیر لازم جهت هدایت تحصیلی دختران در انتخاب رشته های تحصیلی، متناسب با مسئولیت های خانوادگی و آینده شغلی آنان .
- ✓ برنامه ریزی و اتخاذ تدابیر لازم جهت توسعه آموزش عالی زنان در کلیه سطوح علمی دانشگاه ها و مراکز آموزش عالی
- ✓ ایجاد فرصت عادلانه با تأکید بر اصل تعهد و تخصص و شایسته سالاری در جذب و بهره گیری از توانمندی های زنان متخصص در نظام مدیریتی.



منابع

- حلم سرشت، پ، دل پیشه، (۱۳۸۵)، بهداشت کار، تهران: انتشارات چهر، چاپ چهارم.
- خسروی، محمد. (۱۳۸۶). مشارکت سیاسی زنان و توسعه سیاسی". فصلنامه علوم سیاسی و روابط بین الملل. سال اول. شماره ۴.
- رایینز، الف (۱۳۸۵). مدیریت رفتار سازمانی، فرزاد امیدواران و دیگران، تهران، کتاب مهریان نشر، چاپ اول، ص ۳۷۴
- غیاثی، پ؛ (۱۳۸۵). نقش زنان در توسعه اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی، مجموعه مقالات همایش ملی زن، اسلام و پژوهش، انتشارات دانشگاه آزاد اسلامیا واحد الرستان، صص ۳۲-۳۳.
- کاظمی پور، ش. (۱۳۸۶). مجموعه مقالات زنان و آموزش عالی. تهران: پژوهشکده مطالعات فرهنگی و اجتماعی.
- فرزاد، رضا (۱۳۹۳). توانایی و تنهایی "ویژه زنان. روزنامه اطلاعات روز
- قلیپور، آ، رحیمیان، آ، میزمانی، (۱۳۸۷). نقش تحصیلات رسمی و اشتغال سازمانی در توانمندسازی زنان، پژوهش زنان، دوره ۶، شماره ۳، ۱۳۲-۱۱۳
- لانگه، س (۱۳۸۲) معیارهایی برای تواناسازی زنان، تهران: روشنگران
- [مقتدایی، ز \(۱۳۹۶\)](http://rasekhoon.net/article/show). گامی مؤثر در جهت افزایش سهم نقش زنان در جامعه <http://rasekhoon.net/article/show> (۱)
- Carter Mcnamard, (۲۰۰۱), *Strategic planning (in nonprofit or for profit organizations)*, <http://www.Strategic planning.com>
- Boudrias, J. and brunet, L; Savoie, A. and Plunier, P, (۲۰۱۰), *Empowering Employees: The moderating role of perceived organizational climate and justice*, Canadian Journal of Behavioural science, Vol. ۴۲, No. ۴, ۲۰۱۰, pp.۲۰۱-۲۱۱.
- Fry, L.W. Vitucci,S. & Cedillo,M. (۲۰۰۵). Spiritual leadership and army transformation. *The leadership quarterly*, vol. ۱۶.
- Foster-Fishman, P.G. and Keys. C. B.(۱۹۹۵) "The Inserted Pyramid: How a Well Meaning Attempt to Initiate Employee Empowerment Ran Afoul of the Culture",Public Bureaucracy Academy of Management Journal Best Paper Proceeding, ۳۶۴-۳۶۸.
- Spritzer,G.M. & Kiziols,M.A.& Nason,S.W.(۱۹۹۷). a dimensional Analysis of the Relationship between Psychological Empowerment and Effectiveness, Satisfaction and Strain. *Journal of Management*,vol. ۲۳,no.۵.
- Hancer, M. George,R.T. Kim,B. (۲۰۰۵). An examination of dimensions of Psychological Empowerment scale for service employee. *Psychological Reports*, vol. ۹۷ no. ۲.
- Lai, M.C. & et al. (۲۰۰۷). Information behavior and value creation potential of information capital: mediating role of organizational learning. *Expert system with applications*, doi: ۱۰.۱۰۱۶/g.eswa.۲۰۰۷.۰۹.۰۴۳



- Smith, W. (2010), “Empowerment and Behavioral Education”, Journal of world of management, vol. 11(100).
- Susan M. Broniarczyk, Jill G. Griffin, (2014), *Decision Difficulty in the Age of Consumer Empowerment*, Journal of Consumer Psychology, Volume 24, Issue 4, October 2014, Pages 608-625.
- Malhatra, S., R. Schuler and C. Boender (2002) *Measuring Womens Empowerment as a Variable in International Development*, <http://site.sources.worldbank.org>



وظایف زنان در قرن ۲۱

سیده فاطمه حبیبی؛ دانشجوی دکتری مدیریت آموزشی، دانشگاه آزاد اسلامی واحد مرودشت

habibifativ@yahoo.com

مژگان امیریان زاده؛ استادیار گروه علوم تربیتی، واحد مرودشت، دانشگاه آزاد اسلامی، مرودشت، نویسنده مسئول مقاله

mamirianzadeh@gmail.com

فاطمه استواری؛ دانشجوی کارشناسی ارشد مدیریت آموزشی، دانشگاه آزاد اسلامی واحد مرودشت

چکیده

خانواده، هسته نخستین جامعه و از عوامل اصلی انتقال فرهنگ، اندیشه، اخلاق و سنت‌ها و عواطف به نسلی پس از نسل دیگر و مقدس‌ترین و اولین و مهمترین محیط تعلیم و تربیت برای فرزندان است و تربیت، باغبانی وجود انسان است. شکوفایی و رشد هماهنگ و متعالی شکوفه‌های زندگی، در گروه وجود باغبان دلسوز و تواناست. تربیت، اساس انسانیت و بواسطه‌ی تربیت زندگی زیبا و زیبایی مفهوم می‌یابد. بر پای‌بست همین نگرش، بارزترین و والاترین نقشی که در کلام وحیانی قرآن، برای زنان ترسیم و مورد ستایش قرار گرفته شده نقش مادری و عهده‌داری تربیت فرزندان از سوی آنان است. هدف از مقاله حاضر تدوین وظایف مادر در قرن ۲۱ است. روش حاضر کتابخانه‌ای، مروری با استفاده از بررسی اسناد معتبر بوده است. یافته‌ها نشان دادند: وظایف تربیتی مادران در پژوهش شامل تربیت جسمانی، تربیت دینی، تربیت عاطفی، تربیت اخلاقی، تربیت عقلانی، تربیت جنسی، تربیت سیاسی، تربیت اجتماعی، تربیت فکری، تربیت هوش، تربیت خلاقیت، تربیت شهودی، تربیت اقتصادی است.

واژه‌های کلیدی: مادر، وظایف، خانواده، فرزند، تربیت

مقدمه

مادر قلب خانه و مظهر مهر و عاطفه، عشق و احساس، محبت و صفا است و در پی ریزی سعادت کودکان سهم فوق‌العاده دارد و می‌تواند اعضای خانواده را سعادتمند و بهشتی کند و یا خدای ناکرده زمینه تباهی و فساد را در آنان بوجود بیاورد. زن در نظام اسلامی فردی است که از لحاظ گوهر هستی و اصل مبدأ، همتای مرد است و همانند مرد به تناسب طبیعت و ماهیت شخصی خود دارای حقوق، وظایف و مسئولیت‌هایی است. یکی از مهم‌ترین، سازنده‌ترین و ارزشمندترین نقش‌هایی که زن می‌تواند ایفا کند، نقش مادری است. در آموزه‌های دینی، مادری یک ارزش به‌شمار می‌آید که به دلیل ویژگی‌های زیستی و روانی، بر عهده‌ی زنان نهاده شده است. نقش مادری تنها در وضع حمل و شیر دادن خلاصه نمی‌شود، بلکه یک سلسله مسئولیت‌های پرورشی و تربیتی بر عهده‌ی مادر گذاشته شده است که ثمره‌ی آن در هدایت کل جامعه‌ی بشری خود را نمایان می‌کند. همان‌گونه که لقمه و غذا و شیر مادر در تربیت فرزند تأثیر مستقیم دارد، اندیشه و تربیت و رفتار مادر نیز در روح فرزند تأثیرات غیرقابل انکاری دارد که مسئولیت زنان را در این بُعد بسیار والا و بزرگ می‌نماید. در آموزه‌های دینی، مادری یک ارزش به‌شمار می‌آید که به دلیل ویژگی‌های زیستی و روانی، بر عهده‌ی زنان نهاده شده است. نقش مادری تنها در وضع حمل و شیر دادن خلاصه نمی‌شود، بلکه یک سلسله مسئولیت‌های پرورشی و تربیتی بر عهده‌ی مادر گذاشته شده است که ثمره‌ی آن در هدایت کل جامعه‌ی بشری خود را نمایان می‌کند. یکی از مهم‌ترین وظایفی که در داخل خانه و خانواده به عهده‌ی زنان است، مسئله‌ی تربیت فرزند است. بهترین روش تربیت فرزند انسان، این است که در آغوش مادر و با استفاده از مهر و محبت او پرورش پیدا کند (مظاهری، ۱۳۹۱، ص ۱۹). دامن زن بهترین و بالاترین مکتب و مدرسه است برای تربیت اولاد و زن به بزرگ‌ترین و مهم‌ترین شغل عالم که تربیت و بزرگ کردن کودک و تحویل او به جامعه است، اشتغال دارد. قرآن مجید هنگامی که احترام به پدر و مادر را بازگو می‌کند، برای گرامیداشت مقام زن و اهمیت نقش



تربیت او، نام مادر را جداگانه و مستقل مطرح می کند؛ لکن با همه حق شناسی ها و تجلیل های مشترک پدر و مادر هنگامی که می خواهد از زحمات پدر و مادر یاد کند، از زحمت مادر سخن می گوید و نه از زحمت پدر. پی ریزی شیوه زندگی در خانواده با آگاهی، نگرش و عملکرد مادر انجام می شود. زندگی با شیوه و رفتارهای سالم از همان ابتدای کودکی باید شروع شود تا بتوان از فواید و اثرات مثبت آن در بزرگسالی بهره مند شد. در واقع نقش تربیتی زن در جامعه بالاتر از نقش مرد است؛ زیرا زنان علاوه بر این که خود یک قشر فعال در همه ابعاد هستند، انسان های فعال اعم از مرد یا زن را در دامن خود تربیت می کنند و پرورش می دهند. زن در مقام تربیت همانند معلمی است که دو وظیفه اساسی دارد: یکی اصلاح خود و دیگری اصلاح فرزندان و متعلمان خویش؛ زیرا مادر به دلیل نزدیکی تنگاتنگ با کودک در دوران جنینی و در سال های مهم و اولیه شکل گیری شخصیت، بر جسم و جان و افکار و اندیشه ها و ارزش های کودک به عنوان نخستین الگو تأثیر می گذارد و برای تأثیر گذاری مثبت و مطلوب مادر بر کودک، خود باید آراسته به کمال، تقوا، تهذیب نفس، اخلاق نیکو و عمل ثواب باشد در این شرایط است که به تعبیر امام مبداء همه سعادت ها از دامن زن بر می خیزد. (چراغ چشم، ۱۳۹۱). نقش مادر در تربیت فرزند یک نقش انسانی، شریف، الهی و انسان ساز است. مادران با نوع عملکرد و روش تربیتی که در محیط خانه از آن استفاده می نمایند، به گونه ای تأثیری مستقیم در نوع رفتار، اعتقادات و باورهای تربیتی فرزندان بر جای می گذارند بنابراین محقق در صدد پاسخگویی به این سوال است که وظایف مادر در قرن ۲۱ چیست؟

مفهوم تربیت

بعضی ها گفته اند تربیت از ربو است و به معنی رشد و زیادی، چنان که لسان العرب می آورد: (موسوی همدانی، ۱۳۸۹). متفکرین و دانشمندان علوم تربیتی برای تربیت تعریف های گوناگونی ارائه داده اند. به نظر می رسد دلیل این اختلاف ها مبانی و یا اصول و اهداف آن ها باشد. بهترین تعریف تعریفی است که دارای جامعیت و مانعیت باشد. برخی گفته اند دلیل این اختلاف ها این است که هرکس از تربیت آن گونه که مایل به فهم آن است دفاع می کند و تعریفش از تربیت نیز مسبوق به چنین تمایلی است. (قطب، ۱۳۸۹). بعضی از متفکرین نیز ناامید از تعریف تربیت شده اند. اکثر تعاریف مطرح شده، تربیت را به معنای رشد طبیعی و تدریجی و به فعلیت رساندن استعداد های متربی دانسته اند (سلطان الفزایی، ۱۳۸۴). مشکل عمده این تعاریف، عدم جامعیت لازم و عدم توجه به اهداف تربیتی است. به نظر ما بهترین تعریفی که برای تربیت شده است و دارای جامعیت لازم است این تعریف می باشد: تربیت در اصطلاح به معنی برانگیختن و فراهم آوردن موجبات رشد و پرورش و شکوفایی تمامی استعدادها، توانایی ها و قابلیت های انسان به منظور رسیدن به کمال و سعادت مطلوب. (طریحی، ۱۳۷۵). در این تعریف، اشاره به تربیت پذیری و تربیت ویژه (مقصود انسان) و هدف از تربیت (کمال و سعادت) و برنامه تربیتی شده است. تربیت، کوشش و تلاش آگاهانه انسان برای ایجاد تغییر مطلوب است که معنی مطلوب و طرز برداشت آن از جامعه به جامعه دیگر فرق می کند. «باید توجه داشت که تربیت فقط اختصاص به انسان ندارد و هر موجودی که قابلیت رشد داشته باشد صادق است و هر گاه در مورد انسان به کار رود کلیه ابعاد وجودی وی را شامل می شود». برای این تربیت برای انسان ضروری است که تربیت یکی از ضروریات حیات انسان است آن کسی که تربیت نیافتد نه تنها خود را تلف کرده بلکه از لحاظ اجتماعی زیان عظیمی از او متوجه مردم نیز خواهد شد فرزند چون گیاهی است که برای رشد به امکانات گوناگون نیاز دارد تربیت بر این اساس دارای اهمیت زیادی است (قائمی، ۱۳۹۰ ص ۱۳-۱۴) تربیت مجموعه رفتارهایی است که روابط ما را شکل می دهد پیترز عقیده دارد که تربیت مستلزم:

• انتقال ارزشهایی است که افرادی آنها را پذیرفته اند و می خواهند به دیگران منتقل نمایند

• شناخت و معرفت مؤثر است

• کاربرد روشهای خاص برای انتقال معرفت و ارزش است

در واقع پیترز تربیت را فرایندی می داند که دارای محتوی و روش است. (اکبری، ۱۳۸۹)



انواع تربیت :

از دودیدگاه قابل بررسی است:

(الف) تعمدی: تربیت از این دیدگاه بر دو نوع است:

(۱) تربیت عمدی: فرد یا افراد تربیت کننده شیوه ی خاصی از تربیت را درباره ی

فردی اعمال می کنند و برای تربیت خود طرح و برنامه ای دارند به عنوان مثال مادر دست کودک را گرفته و به او راه رفتن را می آموزد.

(۲) تربیت غیرعمدی: این نوع تربیت بدون اراده، طرح و برنامه ی قبلی صورت می گیرد یعنی کودک همه ی کارهای بزرگترها، دوستان و... را می بیند و از آن ها تقلید می کند به عنوان مثال: کودک نزاع و درگیری را

می بیند و پرخاشگری را یاد می گیرد. (عالیشوندی، ۱۳۹۴)

تربیت پذیری انسان

اندیشمند فرزانه احمد بن مسکویه پس از تعریف خلق و تقسیم آن به دو قسم: طبیعی و مستفاد (یا اکتسابی) به اختلاف آرای پیشینیان در مورد امکان تغییر خلق و تربیت آدمی اشاره نموده و نظریه امکان تغییر خلق و تربیت پذیری انسان را اختیار می کند و می گوید: این دیدگاه که اخلاق آدمی قابل تغییر نیست، خط بطلانی است بر نیروی تمیز و تعقل، و کنار گذاشتن شیوه های تربیتی و رها کردن مردم به حال خود و این که در مورد آنان هیچ گونه تعلیم و تربیتی صورت نگیرد و این، کاری است که زشتی آن بسیار آشکار است. اساساً از خصوصیات آدمی «تحول و تطور پذیری» و قابلیت شکل گیری های گوناگون شخصیت است. انسان به گونه ای آفریده شده است که می تواند با آگاهی و آزادی در محدوده ای نسبتاً گسترده راه خویش را برگزیند: «انا هدیناه السبیل اما شاکرا و اما کفورا» (انسان / ۳) و در همان راه منتخب خود، شخصیت و هویت فکری، اخلاقی و فرهنگی خویش را شکل بخشد. اگر تکامل پذیری و قابلیت تغییر در طبیعت و گهرو وجود آدمی نبود، علم اخلاق و علوم تربیتی و مکاتب تربیتی همه بی معنا بود. (راسخون، ۱۳۸۸). مختار بودن انسان، نخستین اصل از اصول موضوعه و مبادی نظام اخلاق اسلامی است و این اصل از نظر تربیتی، اهمیتی فراوان دارد و آدمی را از سستی و تنبلی و این که خود را محکوم عوامل جبری از قبیل جبر محیط یا جبر تاریخ یا قانون وراثت بداند و از خود سلب مسؤولیت کند، دور می سازد. از این رو در بررسی نظام اخلاقی اسلام، بیش از هر چیز باید بر اختیار انسان تکیه کنیم و در فهم معارف اسلام از قبیل توحید، قضا و قدر و دیگر معارف که سهل انگاری در آنها ممکن است خسارت بار و انحراف آور باشد، کاملاً توجه داشته باشیم که مختار بودن انسان از بدیهی ترین اصول اخلاقی اسلام و از محکم ترین معارف اسلامی است، چرا که سراسر قرآن شهادت می دهد که با انسان به عنوان موجودی مختار سر و کار دارد. اصولاً خودسازی و تزکیه و تهذیب اخلاق وقتی برای انسان میسر است که معتقد به توانایی خود در به دست آوردن کمالات و ارزش ها باشد. (مصباح یزدی، ۱۳۹۱)

روش شناسی :

روش تحقیق حاضر مطالعه کتابخانه ای، مروری است. ابزار گردآوری داده ها شامل بررسی منابع و اسناد از جمله کتب معتبر اسلامی، بصورت فیش برداری است. تحلیل داده ها به صورت توصیفی - تفسیری می باشد.



یافته های پژوهش:

وظایف مادر در قرن ۲۱

آنچه بر همگان هویداست اینکه یک زن در تربیت انسان نقشی بسیار والاتر و ارزشمند تر از دیگر افراد و عوامل جامعه بر عهده دارد. انسانی که یک انسان دیگر را تربیت می کند و تربیت که نقشی مهم در شکل گیری شخصیت یک انسان ایفا می کند هر دو حائز اهمیت و قابل تعمق هستند به طوری که اگر یک مادر با خصوصیات اخلاقی پسندیده و الهی به تربیت فرزندش بپردازد یقیناً فرزندی مشابه به خلق و خوی خویش پرورش داده و فردی مفید به جامعه ارائه خواهد داد مگر مواردی که استثنا بوده و افراد تحت تاثیر عوامل محیطی و اجتماعی در مسیر نا صحیح قرار گرفته و تربیت خانواده تاثیر خود را از دست بدهد یافته ها نشان داد وظایف تربیتی مادران در پژوهش شامل تربیت جسمانی، تربیت دینی، تربیت عاطفی، تربیت اخلاقی، تربیت عقلانی، تربیت جنسی، تربیت سیاسی، تربیت اجتماعی، تربیت فکری، تربیت هوش، تربیت خلاقیت، تربیت شهودی، تربیت اقتصادی است که در زیر به آنها اشاره شده است.

۱) تربیت جسمانی

وجود فرزند در روایات به «گل» تشبیه شده است. پیامبر اکرم (صلی الله علیه و آله) فرمود: «الولد الصالح ریحانه من ریاحین الجنّة»؛ «فرزند صالح گلی است از گل های بهشت.» وجه تشبیه فرزند به گل این است که فرزند در سال های نخست زندگی، مخصوصاً نوزادی از نظر ظاهری و جسمانی همانند گل بهاری، جسمی دارد بس لطیف و نازک و روحی دارد با عاطفه و طراوت که نیاز شدیدی به حفظ و نگه داری دارد و اگر از او مواظبت نشود هر لحظه ممکن است لطافت و جذابیت خود را از دست داده به پژمردگی و زردی بگراید. همان گونه که در جهان متمدن امروز شاهد از بین رفتن بسیاری از کودکان هستیم که بر اثر بی توجهی والدین و نرسیدن به آن ها، رشد کمی و کیفی خود را از دست داده، دچار نارسایی جسمی و روانی می شوند. از این رو، هم از نظر وجدان و شرع و هم بر اساس عرف مردم، توجه جدی به تربیت فرزند و تأمین نیازهای او در این شرایط حساس ضروری می نماید. در قرآن نیرومندی جسمانی به عنوان امتیاز به شمار رفته است. (بهشتی و منطقی، ۱۳۹۰). تنها کسی که در دوره کودکی می تواند به نیازهای جسمی و روحی کودک به صورت مناسب پاسخ دهد، مادر است؛ چرا که مادر از هر کس دیگری آشناتر به شرایط زیستی و روانی کودک است و اوست که با مهر و رأفت و محبت می تواند از او حفاظت کند و از آلودگی ها و نا پاکی ها شست و شو دهد و به رفع احتیاجاتش بپردازد.

۲) تربیت دینی

تربیت دینی از نظر اسلام و قرآن از اهمیت فوق العاده ای برخوردار است و از آغاز زندگی فرزند باید بدان توجه کرد. نقش مادر در پرورش دینی و مذهبی فرزند روشن است. مادر هم پیش از تولد می تواند ایفای نقش کند و هم پس از آن در دوره های کودکی، نوجوانی و جوانی. (احسانی، ۱۳۸۶) تربیت دینی به معنای به کارگیری توانایی های آدمی برای نیل به قرب الهی و جهت گیری به سمت اهداف متعالی است. (امینی، ۱۳۸۰، ص ۱۵۲) روش کلی تربیت دینی فرزندان چیزی جز انس و عادت دادن کودک به داشتن صفات و رفتار پسندیده و رفع علاقه نسبت به رفتار ناپسند و صفات زشت نیست.

۳) تربیت عاطفی

مادر به لحاظ روانی - عاطفی سرشار از مهر و محبت و صفا و صمیمیت است. چون ساختار وجودی مادر به گونه ای آفریده شده که قدرت جذب و انجذاب فوق العاده ای دارد و در ابراز احساسات و عواطف از توان بالایی برخوردار است. قدرت گیرایی مادران در سطح بسیار عالی قرار دارد که اگر درست استفاده شود در ایجاد پیوند خانوادگی و چگونگی شکل گیری روابط اجتماعی و تربیت اولاد نقش سازنده ای خواهند داشت. مادر می تواند با رعایت اصول و قوانین اسلامی در سامان دهی امور خانواده و پرورش فرزند نقش مهمی ایفا نماید؛ چرا که ویژگی عاطفی زنان بستر مناسبی است برای ایفای نقش مادری و تربیت اولاد و مهم ترین نقشی که از یک مادر انتظار می رود چیزی جز نقش تربیتی او نمی تواند باشد. یکی از جنبه های مهم نقش تربیتی مادر، نقش وی در پرورش عواطف فرزند است که آثار آن در اعمال و رفتار وی به زودی نمایان می گردد.

۴) تربیت اخلاقی



نقش مادر در تربیت اخلاقی فرزند بر همگان روشن است و چندان نیازی به تبیین ندارد؛ چرا که مادر الگوی رفتاری و اخلاقی برای فرزند است، هر کار ریز و درشتی که انجام دهد در منش و نحوه رفتار او با دیگران تأثیر می‌گذارد. تربیت اخلاقی ناظر بر پرورش استعداد های روحی و اخلاقی است که مشتمل بر اصلاح درون و تهذیب نفس است. این نوع تربیت معمولاً مقدم بر آموزش های فکری محسوب می‌شود. (اخوی، ۱۳۹۰). مادر با رفتار الگویی خود انسان می‌پروراند، فرزند را از عالم نا پاکی ها، حسدها، کینه ها و رذائل اخلاقی دور می‌سازد و در دلش مهر و صفا و خیر اندیشی نسبت به هموعان پدید می‌آورد. مادر، سرچشمه فضیلت ها و خوبی هاست، او در محیط خانه می‌تواند درس تقوا و خداترسی به فرزند دهد و از کودکی ضعیف و ناتوان شخصیت بزرگ علمی و اخلاقی بسازد و تحویل جامعه دهد.

۵) تربیت عقلانی

عقل از ابعاد مهم وجود انسان است که اگر شکوفا گردد، توان آن را دارد که خوب را از بد و خیر را از شر تشخیص دهد و صاحبش را به سعادت و خوش بختی برساند. تربیت این بخش از نیروی درونی انسان وظیفه اولیا و مربیان است که باید بدان توجه کنند و در درجه اول اهمیت قرار دهند. انبیاء الهی همه برای تربیت عقلانی آمدند و در این مسیر حرکت کردند و تا آن جا که توانستند به وظیفه شان عمل نمودند. مادران، در تربیت عقلانی فرزندان شان نقشی بسزا دارند. آن چه مهم است، شیوه اجرای فرایند تربیت عقلانی است که باید مورد توجه مادران قرار گیرد. اتخاذ روش مناسب در شکوفا سازی نیروی اندیشه و تعقل فرزندان بسیار اثر گذار می‌باشد. پرسش و پاسخ، طرح مسابقات همراه با تشویق، تفریح و گردش و بازدید از باغ و بوستان و گل ها و شکوفه های رنگارنگ و توجه دادن فرزندان به آفریدگار جهان از روش های مؤثر در پرورش عقل و اندیشه آنان است. (شعاری نژاد، ۱۳۷۲، ص ۱۹۳) چنانچه آدمی از سنین کودکی بر مبنای تذکرات عقلی و فطری تربیت شود، در بزرگسالی به انتخاب های عقل مدارانه و حق گرایانه تمایل بیشتری نشان خواهد داد.

۶) تربیت جنسی

تربیت جنسی عبارت است از فراهم آوردن زمینه رشد متناسب غریزه جنسی همراه با رشد دیگر جنبه های جسمی و معنوی انسان و نیز پیشگیری از انحرافات و لغزش های مربوط به آن. طبیعی است که پرورش درست فرد در حیطه گرایش های جنسی مستلزم آموزش و ارائه اطلاعات کافی در این زمینه می‌باشد. چون رفتار جنسی انسان مبتنی بر آگاهی ها و نگرش هایی است که وی در حوزه رفتاری مربوطه دارد، بر این اساس مربیان باید شرایط فردی و اجتماعی را به گونه ای فراهم آورند که ضمن رشد و نمو متعادل و طبیعی امیال جنسی بر معلومات متربی در این مورد افزوده گردد و او به انتخاب خود از خطاهای جنسی اجتناب نماید. وظیفه مادر نسبت به تربیت فرزند، به ویژه تربیت جنسی او بسیار سنگین است؛ چرا که از کودکی اگر مواظبت های جنسی و آموزش هایی در مورد آن داده نشود، ممکن است با فرا رسیدن دوران بلوغ کار از کار بگذرد و توصیه های تربیتی دیگر اثری بر او نداشته باشد.

مادر از همان آغاز باید به این امر توجه داشته باشد و فضای خانه را به گونه ای آماده سازد که کمترین نشانه ای از تحریکات جنسی در آن مشاهده نگردد. (ثابت، ۱۳۷۹، ص ۵۹۵) البته در قدم اول باید رفتار مادر کاملاً حساب شده باشد و بدون لباس، به صورت نیمه عریان در برابر پسری که به سن بلوغ نزدیک است ظاهر نشود. هم چنین اتاق خواب پسران و دختران تا جایی که امکان دارد از هم جدا و یا حداقل در یک بستر نباشد. روشن است که مادر در این مسائل نقش اساسی دارد.

۷) تربیت سیاسی

تربیت سیاسی تربیت مهمی است که در تحقق هدف های مادی و معنوی جامعه نقش اساسی دارد. هر ملتی بر اساس اصول و معیارهای مورد قبول خود، از زندگی، یک سلسله هدف هایی در نظر می‌گیرد و در تحقق آن ها می‌کوشد. اما دست یابی به این اهداف، تأمین نیازها و پیشرفت جامعه در همه ابعاد، مستلزم وجود فرهنگ سیاسی قدرتمندی است که متناسب با اوضاع و احوال سیاسی - اجتماعی روز باشد. تربیت سیاسی فرایندی است فراگیر که زمان و مکان معین ندارد و در هر محیط و شرایطی قابل اجراست. (احسانی، ۱۳۸۶) شاید مناسب ترین مکان آموزش و پرورش نیروهای سیاسی همان فضای خانه های کوچک و محقر مردم باشد که سیاست مداران بزرگ از آن جا بیرون می‌آیند و تحولی در جامعه ایجاد می‌کنند.



۸) تربیت اجتماعی

برای تربیت اجتماعی نیز بهترین دوران، دوران کودکی است. زیرا این دوران زمان و فرصتی بسیار مناسب برای انواع یادگیری های اجتماعی است و روند اجتماعی شدن در سال های کودکی از سرعت بیشتری برخوردار است. اسلام به عنوان دین کامل و اکمل، آیین الهی زندگی انسان هاست که از آموزه های آن می توان به عنوان منبعی ارزشمند و کارآمد برای استخراج و تبیین مفاهیم و روش های تربیت استفاده نمود. (رمضانی، حیدری، ۱۳۹۱). تربیت اجتماعی ایجاد آمادگی برای انطباق با محیط اجتماعی است که کودک ناگزیر در آن قرار دارد. این به معنای آشنا کردن کودک با هنجارهای اجتماعی است، هنجارهایی که بخش مهمی از فرهنگ اسلامی را تشکیل می دهد. (کیان، ۱۳۹۴). انسان از این نظر که موجودی اجتماعی است، می تواند در این بعد رشد یابد. فرزند باید به آن اندازه در این بعد پیش برود که قادر باشد بهترین روابط را با نوع انسان داشته باشد. همزیستی مسالمت آمیز، همکاری و هم دردی نمونه ایی از رشد تربیتی است.

۹) تربیت فکری

تفکر، عمل به قوه ی فکر است. فکر یک توانایی است اما متأسفانه بسیاری از افراد از آن استفاده نمی کنند و به زبان ساده نمی توانند فایده ببرند زیرا آن را رشد نداده اند. معیار رشد فکری، ایستادگی و اعتماد به نفس فرد در حل مشکلات شخصی است. مشکل گشایی نوعی رشد فکری است.

۱۰) تربیت هوش

توانایی هوش در افراد بدون شک موثرترین بعد در یادگیری های انسانی است. افرادی که در تربیت فرزندان خود به آن توجه ندارند، آن ها را از آن محروم می کنند. نمونه ای از رشد هوش مربوط به میزان سازگاری افراد با محیط می گردد. انهایی که با تغییر وضعیت، نظام زندگی خود را از دست رفته می یابند، رشد کافی نداشته اند. لطفاً به کتاب مراحل تربیت دکتر شکوهی و نیز کتاب داستان های تربیتی بنده مراجعه نمایید.

۱۱) تربیت خلاقیت

ممکن است که بعضی آن را همان رشد هوشی بدانند اما منظور از خلاقیت تنها کاربرد آن در اختراعات نیست. نظریه پردازی، دادن راه و شیوه های مناسب در میان افراد نوعی رشد خلاقیتی است. والدین با دادن مشورت های لازم و استفاده از نظریات فرزندان، به رشد آن ها کمک می کنند. یکی از مهم ترین کارها برای پرورش خلاقیت کودکان نیز بازی کردن با آن هاست. بازی کودکان با والدین علاوه بر تقویت پیوند محبت آمیز بین آن ها باعث افزایش اعتماد به نفس و خلاقیت در کودکان می شود.

۱۲) تربیت شهودی

شهودی قدرت رسیدن به آگاهی هایی است که از درون نشات می گیرند. انسان ها می توانند با انتخاب شیوه های مناسب به آن دست یابند. بعضی آن را با اصطلاح "حس ششم" نام گذاری می کنند. شهود یک توانایی درونی است که قابلیت رشد را داراست. پیش بینی افراد در باره ی حوادث نوعی رشد شهودی است.



رشد در زمینه های اقتصادی خصوصا در زمان به کارگیری امکانات و دخل و خرج نیز در تربیت مطرح است. فرزندی که در مدرسه می داند چگونه از پول توجیبی استفاده کند و یا دست به پس انداز می زند، نوعی رشد در حد خود داشته است. افراد ولخرج و خسیس در این بعد رشد کافی نداشته اند. (دیناروند، ۱۳۹۲). مادر باید در فرایند تربیت برای هر بعد برنامه داشته باشند. شاید به همین دلیل باشد که گفته می شود "تربیت نمودن کاری فوق العاده سخت و طاقت فرساست."

وظایف زنان در عصر انتظار

جامعه منتظر با شاخصه های خدا محوری، عدالت محوری، دین محوری، و در یک کلام، معنویت محوری، از جوامع دیگر متمایز می شود. در جامعه منتظر، برای اجرایی شدن شاخصه های فوق، همه آحاد مردم، اعم از زن و مرد، رسالت خطیری دارند؛ زیرا هر چه، جامعه منتظر، خود را در راستای جامعه منتظر قرار دهد، بیشتر به مقصود و هدف، نزدیک می شود. در این میان، نقش زنان که پنجاه درصد جمعیت بشر را به خود اختصاص داده اند، نقشی مهم و تأثیرگذار است، زیرا زنان منتظر، علاوه بر این که نسبت به خویشن مسئولیت دارند و باید خود را جزء منتظران واقعی قرار دهند، هم چنین باید به دیگرسازی، یعنی تربیت و تعالی نسل منتظر نیز همت گمارند. با توجه به آیات و روایات فراوانی که به جایگاه و مقام زن پرداخته است، به ارزش زن در اسلام پی می بریم و می فهمیم که اسلام از زن به منزله یک انسان، توقع پیشرفت فردی و اجتماعی دارد و از او به عنوان یک مکلف در جامعه، انتظار مسئولیت پذیری دارد. (آملی، ۱۳۸۳). در جامعه کنونی، که جامعه ای منتظر است می خواهد خود را برای آمدن منتظر و حکومت جهانی او آماده کند؛ بنابراین وظایف خطیر و سنگینی دارد، که با توکل به خداوند و با تلاش و همت خود می تواند به انجام آن بپردازد. از جمله مسئولیت های زنان، وظایف فردی و اجتماعی است که به ترتیب به شرح آن پرداخته می شود:

۱- پاک سازی درون از صفات پلید و زیور دادن آن به اخلاق نیک؛ این امر در هر زمان واجب است، اما در زمان غیبت حضرت ولی عصر عجل الله تعالی فرجه الشریف بیشتر مورد توجه قرار می گیرد؛ چون درک فضیلت و قرار گرفتن در عداد اصحاب آن حضرت، بستگی به این خصوصیات اخلاقی (خودسازی) دارد.

۲- آمادگی؛ آمادگی همیشگی، جوهر اصلی انتظار و وظیفه حتمی منتظران است. کسی که منتظر ظهور مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف است، باید آمادگی داشته باشد، نظیر: پیراستگی و پاک زندگی کردن، صادق بودن در اعتقاد و عمل، توانایی روحی و جسمی برای جهاد و مبارزه در رکاب مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف. کسی که بخواهد جزء یاران مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف باشد، باید روح جهاد و مبارزه با باطل را در زمان غیبت تجربه کند.

۳- دین داری؛ پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلم فرمودند: ای علی بدان که شگفت انگیزترین مردم از جهت ایمان و عظیم ترین آنها از روی یقین مردمی اند که در آخرالزمان خواهند بود. پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم را ندیده اند و محبت امام عجل الله تعالی فرجه الشریف نیز از آنان محبوب است، اما به سیاهی که بر سفیدی رقم خورده است، ایمان آورده اند.

۴- معرفت به امام زمان عجل الله تعالی فرجه الشریف؛ آشکار است که اقبال قلبی، از شناخت و احساس محبت، مایه می گیرد؛ از این رو مهم ترین وظیفه ای که هر شیعه منتظری بر عهده دارد، کسب معرفت نسبت به وجود مقدس امام و حجت زمان خویش است. و در روایات تأکید فراوانی شده است که باید معرفت امام را جدی گرفت.

۵- محبت به امام زمان عجل الله تعالی فرجه الشریف؛ محبت، حالتی است، میان محب و محبوب که سرچشمه آن، قلب و درون است، لکن نمود آن، در ظاهر و در افعال و اعمال محب، به روشنی پیداست؛ محبتی که جلوه عینی پیدا می کند و به محب جهت می بخشد؛ محبت، امری طرفینی است، محب می سوزد و محبوب جذب می کند. محب، تمنا می کند و محبوب، دامان خویش را



برای تمنای محب می گستراند.

۶- اخلاق اسلامی؛ خلق، عبارت است از سیمای باطنی و هیئت راسخ نفسانی که به موجب آن، افعال نیک و بد، اختیاری و بدون تکلف و تأمل از انسان صادر می شود که این حالت بر اثر تعلیم و تربیت و تمرین برای نفس پدید می آید؛ به گونه ای که رفتارهای پسندیده و یا ناپسند به طور طبیعی و بدون آن که به فکر کردن، نیاز باشد از انسان سر میزند. (مجلسی، ۱۳۷۷، ص ۵۹۷)

زنی که مایل است فرزندان خود را نور دیده و گنجینه آینده خویش ببیند باید در راه تربیت فرزندان شبها را زنده نگه دارد مراقب رفتار آنان باشد و خصلتهای نیکو و صفات پسندیده را در روح و جانسان بیوراند، هر رفتار نیکی را برای آنان با ارزش جلوه دهد و آنان را با منابع ارزشمند این رفتارها آشنا سازد و با تمام توان فرزندان خود را به داشتن چنین رفتارهایی تشویق کند. آنان را از هر کار زشت یا خوی ناپسند باز دارد و نسبت به سرانجام هر کاری که با ادب اجتماعی سازگاری ندارد بیمشان دهد.

نتیجه گیری

نقش مادری یک نقش مقدس و در عین مقدس بودن سنگین و دشوار است. مادران کسانی هستند که امر پرورش فرزندان را در دوران حمل و پس از آن بر عهده دارند و به همین خاطر است که باید با اصول تربیتی کودک آشنا باشند تا راهکارهای مناسب تربیتی را برای تربیت کودک خود به کار گیرند. چراکه این مادران هستند که آنها را تربیت می کنند و در واقع آنها سازندگان واقعی جامعه هستند و اگر در این مورد مادران نکات تربیتی را رعایت کنند ما می توانیم جامعه ای عاری از هرگونه مشکلات داشته باشیم و دیگری اینکه مادران باید در تربیت کودک خود برنامه و هدف داشته باشند زیرا بدون این مورد نمی توانند کودک خود را درست و صحیح تربیت کنند و مادران باید در رفتار خود با کودک حد اعتدال را رعایت کنند نه تفریط و نه افراط، و در تربیت کودک خود بدون هیچ چشم داشت مادی و معنوی کوشا باشند، و خانم هایی که آمادگی لازم را برای مادر شدن ندارند تا زمانی که این آمادگی را کسب نکرده اند، مادر نشوند.

در محیط خانه و اجتماع برجسته ترین نقش مادر نقش تربیتی است. اهمیت این نقش از آن جا روشن می شود که کودک نخستین بار در آغوش مادر قرار می گیرد و آداب و رسوم اجتماعی را از او می آموزد. کودک از دامن مادر یاد می گیرد که چگونه با دیگران رفتار نماید و چگونه با آنان برخورد داشته باشد. چگونگی رفتار مادر با کودک در شکل دهی ساختار شخصیتی او تأثیری چشم گیر دارد. وظایف تربیتی آنان شامل تربیت جسمانی، تربیت دینی، تربیت عاطفی، تربیت اخلاقی، تربیت عقلانی، تربیت جنسی، تربیت سیاسی است. همچنین مادر باید به تربیت و تعالی نسل منتظر نیز همت گمارند.



منابع

- امینی، ابراهیم (۱۳۸۰)، *اسلام و تعلیم و تربیت*، ج ۲، تهران: انتشارات اولیا و مربیان جمهوری اسلامی ایران
- اخوی، اصغر (۱۳۹۰)، *روش های تربیت اخلاقی از دیدگاه اسلام*، راه تربیت، ش ۴۹
- احسانی، محمد (۱۳۸۶) *مادر معمار تربیت، به انگیزه روز مادر*، مجله شمیم یاس ، شماره ۵۱
- اکبری، احمد (۱۳۸۹) *تربیت چیست؟* ۹ <http://ahmadakbari۱۸۰.persianblog.ir>
- بهشتی، سعید، منطقی، یگانه (۱۳۹۰)، *بررسی نقش بازی در تربیت کودک از دیدگاه قرآن و سنت معصومین (ع)*، فصلنامه علمی پژوهشی اندیشه های نوین تربیتی، دوره ۷، ش ۳
- ثابت، حمید (۱۳۷۹)، *تربیت اسلامی (کتاب چهارم)*، مقاله: *تربیت جنسی در نهج البلاغه*، مرکز مطالعات تربیت اسلامی، قم، ص ۵۹۵.
- جوادی آملی، عبدالله، (۱۳۸۳). *زن در آئینه جلال و جمال*، مرکز نشر فرهنگی رجا، تهران
- چراغ چشم، علی، (۱۳۹۱). *جایگاه زن در خانواده و جامعه از دیدگاه حضرت امام خمینی «رهمجله شمیم یاس»*، ش ۴۴
- دیناروند، ج واد (۱۳۹۲). *تربیت فرزند (ابعاد شناسی تربیت)* <http://educationph.blogfa.com>
- راسخون (۱۳۸۸) *کلیات و مفهوم تعلیم و تربیت*، <http://rasekhoon.net>
- رضائی، ف، حیدری، م (۱۳۹۱). *روش های تربیت اجتماعی کودک بر اساس قرآن و نهج البلاغه*، پژوهش در برنامه ریزی درسی (دانش و پژوهش در علوم تربیتی- برنامه ریزی درسی) ، دوره ۹، شماره ۳۳
- سلطان القرایی، خ (۱۳۸۴)، *فلسفه تعلیم و تربیت و آرای تربیتی*، انتشارات دانشگاه تبریز.
- شعاری نژاد، ع (۱۳۷۲)، *روان شناسی رشد*، تهران، انتشارات اطلاعات، چاپ دهم، ص ۱۹۳.
- طریحی، ف (۱۳۷۵) *مجمع البحرین*، ج ۲، نشر: مکتبه المرتضویه، تهران
- عالیشوندی، ر. (۱۳۹۴) *تربیت و انواع آن*، روزنامه بین المللی نیم نگاه، شماره ۵۲۱۳
- کیان، م. (۱۳۹۴)، *تبیین ابعاد تربیت کودک در نظام خانواده از دیدگاه اسلام*، فصلنامه علمی-ترویجی اخلاق، س ۵، ش ۱۸
- قائمی، ع. (۱۳۹۰) *سازندگی و تربیت دختران*، ص ۲۸۱، نشر: انجمن اولیاء و مربیان
- قطب، م (۱۳۸۹) *روش های تربیتی اسلام*، مترجم: محمود ابراهیمی ، ناشر: آراس: پیرانشهر
- مجلسی، محمد، (۱۴۰۳). *بحار الانوار*، بیروت، مؤسسه الوفاء، چاپ سوم، ص ۵۹۷
- مصباح یزدی، محمدتقی (۱۳۹۱)، *اخلاق در قرآن (ج ۱)*؛ تحقیق و نگارش: محمدحسین اسکندری. قم: انتشارات مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی (قدس سره)
- موسوی همدانی، م. (۱۳۸۹) *تفسیر انوار*، درخشان، ج ۴
- مظاهری، حمید (۱۳۹۱). *اندیشه های ناب: سیمای زن در اسلام*، مؤسسه فرهنگی مطالعاتی الزهراء، ص ۱۹.



بررسی حمایت های قانون و حقوق اسلامی از مادران باردار

فراست محمدی بلبان آباد؛ دانشجوی دکتری دانشگاه سیستان و بلوچستان

f.muhamadi@gmail.com

چکیده

تحقیق حاضر با رویکر توصیف-تحلیلی به بررسی حمایت های قانون و حقوق اسلامی از مادران باردار پرداخته است، مادران در دوران بارداری در قوانین مدنی چندان مورد بحث قرار نگرفته اند و تنها در برخی موارد از مزایایی برخوردار شده اند، در قوانین جزایی نیز حمایت از مادران باردار بیشتر معطوف به حمایت از جنین است و نسبت به خود مادر چندان توجهی صورت نگرفته است، البته قانون حمایت دولت از مادران در دوران بارداری و شیردهی در سال ۱۳۷۴ به تصویب مجلس شورای اسلامی رسید و تسهیلاتی برای مادران در زمان حمل و شیردهی لحاظ نموده است. در قوانین و احکام اسلامی نیز حمایت ها و تخفیف های عبادی و احکامی برای مادران در زمان حمل صورت گرفته است، با استناد به آیه ۱۸۵ سوره بقره و قاعده عسر و حرج مادران باردار از اجرای برخی احکام عبادی و قضایی معاف هستند و برخی حمایت های ویژه مانند نفقه دوران حمل بعد از طلاق نسبت به آن ها اعمال شده است.

کلید واژه: مادر، بارداری، قوانین حقوقی، احکام

مقدمه

مادر به عنوان نقشی کلیدی در جامعه و خانواده از اهمیت ویژه ای برخوردار است و نیازمند این است که همواره در کانون توجه قرار گرفته و برای اجرای هر چه بهتر این نقش مورد حمایت قرار بگیرد. از جمله حالات حساس و نیازمند توجه این نقش زمانی است که مادر در دوران حاملگی بسر می برد. با بررسی قوانین موضوعه و اسلامی می بینیم که در قوانین جزایی حمایت از زنان باردار در بحث سقط جنین، بیشتر معطوف به حمایت از جنین است و همچنین در مواردی که عدم سقط جنین منجر به تهدید جان مادر شود باز هم جنین در محور قرار دارد. البته قانون حمایت دولت از مادران در دوران بارداری و شیردهی به تصویب مجلس شورای اسلامی رسیده است. طبق قانون فوق الذکر دستگاه های دولتی و وابسته به دولت و کارگاه های مشمول قانون کار موظفند تسهیلات لازم و مناسب را برای تغذیه شیرخوارگان با شیر مادر در جوار محل کار کارکنان زن به صورتی که مسأله تغذیه شیرخوارگان به سهولت کامل انجام پذیرد را ایجاد نمایند. ولی حمایت هایی که لازمه این نقش هست به این امور ختم نمی شود و احقاق حق مادر و حمل حمایت هایی بیش از این را می طلبد. هدف از این تحقیق بررسی حمایت هایی است که در قوانین و حقوق اسلامی برای مادران باردار لحاظ شده است. و پاسخگویی به این سوال است که آیا مادران باردار در حقوق اسلامی مورد توجه بوده اند و در صورت توجه چه حقوق و تسهیلاتی برای آن ها لحاظ شده است. برای پاسخگویی به سوالات وجود چنین تحقیقاتی لازم و ضروری است تا اگر مورد توجه نبوده در میان قوانین بازبایی و مورد استفاده قرار گیرند و اگر هم موجود نیستند در تصویب و تدوین آن ها کوشش شود. در این زمینه تحقیقات منسجم و پیوسته ای در دست نیست و گاهی در لابه لای متون حقوقی به برخی حقوق اشاره شده است.

مادر

مادر. [دَ] (۱) ترجمه ُ «ام» که والده باشد، زنی که یک یا چند بچه بدنیا آورده باشد. (ناظم الاطباء). ام . والده . ماما. مام . ماد. مار. (لغت نامه دهخدا واژه مادر)

مادری نقشی است که تنها از عهده جنس مؤنث برمی آید. نقشی که زنان به عنوان همسر و مادر به عهده می گیرند در میان همه نقش های اجتماعی و غیراجتماعی دیگر برجسته است؛ زیرا هر نقش دیگری را مردها نیز می توانند به عهده گیرند، اما نقش مادری به معنای خاص آن تنها نقش ارزشمند و حیاتی است که یک زن می تواند به عهده گیرد. تجربه مادری برای زن نه تنها یک ارزش بلکه کمال است و زنی که تجربه مادری را نداشته باشد فاقد کمالی است که نمی توان آن را از راه دیگری به دست آورد، مادری با بوجود آمدن جنین و از همان ابتدای حمل تحقق می یابد.



بارداری یا حاملگی، به وضعیتی گفته می‌شود که زن در رحم خود دارای رویان یا جنین باشد. به دوران بارداری «دورهٔ آبستنی» نیز گفته می‌شود؛ این دوره با به دنیا آمدن نوزاد (زایمان) به پایان می‌رسد.

در انسان دورهٔ بارداری طبیعی حدود ۳۸ هفته از زمان بارور شدن طول می‌کشد. اگر طول این دوره از آخرین قاعدگی فرد باردار محاسبه شود، مقدار طبیعی آن تقریباً ۴۰ هفته خواهد بود. نطفه در حال رشد انسان در هفته‌های اول بارداری رویان و پس از این دوره، تا پایان بارداری، جنین نامیده می‌شود انسان در هر بار بارداری معمولاً فقط یک جنین در رحم دارد، اگرچه موارد چندقلویی نیز چندان نادر نیست. سازمان بهداشت جهانی مدت عادی حمل را بین ۳۷ تا ۴۲ هفته معین می‌کند. (معین ۱۳۷۵: ۷۶، کانیکهام ۲۰۱۴: ۱۵۱/۱، جمعی از نویسندگان ۱۳۸۵: ۷)

حمایت در حقوق موضوعه

زنان در دوران بارداری و شیردهی، در قوانین مدنی چندان مورد بحث قرار نگرفته‌اند و در قوانین خاصی مانند کار، از مرخصی و مزایایی برخوردار شده‌اند. میثاق بین المللی حقوق اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی که ایران در سال ۱۳۵۴ آن را پذیرفته در بند ۲ ماده ۱۰ بیان می‌کند: «مادران در مدت معقولی پیش از زایمان و پس از آن باید از حمایت خاص برخوردار گردند. در آن مدت مادران کارگر باید از مرخصی با استفاده از حقوق یا مرخصی با مزایای تأمین اجتماعی کافی برخوردار شوند». در قوانین جزایی نیز حمایت از زنان باردار در بحث سقط جنین، بیشتر معطوف به حمایت از جنین است و در مواردی که عدم سقط جنین منجر به تهدید جان مادر شود بحث تعارض حق‌ها به میان می‌آید، اما در موردی مانند ماده ۷۲۱ قانون مجازات، حال مادر هم مورد توجه قرار گرفته و رعایت شده است. این ماده می‌گوید: «هرگاه در اثر جنایت یا صدمه، چیزی از زن سقط شود که به تشخیص کارشناس مورد وثوق، منشأ انسان بودن آن ثابت نگردد، دیه و ارش ندارد لکن اگر در اثر آن، صدمه ای بر مادر وارد شود، حسب مورد دیه یا ارش تعیین می‌شود». علاوه بر این، در قانون مجازات اسلامی حد قتل و رجم در مورد زنان باردار اجرا نمی‌شود و پس از وضع حمل هم اگر نوزاد کفیل نداشته باشد حد بر او جاری نمی‌شود. حد جلد نیز بر زن باردار و شیرده زمانی که بیم ضرر برای حمل یا نوزاد شیرخوار باشد به تأخیر می‌افتد. ماده ۴۳۷ قانون مجازات در مورد قصاص زن باردار هم می‌گوید: «زن حامله که محکوم به قصاص نفس است، نباید پیش از وضع حمل قصاص شود. اگر پس از وضع حمل نیز بیم تلف طفل باشد، تا زمانی که حیات طفل محفوظ بماند، قصاص به تأخیر می‌افتد.»

طبق ماده ۴۴۳ قانون مجازات اسلامی در مورد قصاص عضو هم همین حکم جاری است و اگر زن حامله، محکوم به قصاص عضو از اعضایش باشد و پیش یا پس از وضع حمل، بیم تلف یا آسیب طفل برود، قصاص تا زمانی که این بیم برطرف شود به تأخیر می‌افتد. میثاق حقوق مدنی و سیاسی که دولت ایران آن را هم در سال ۱۳۵۴ به تصویب رسانده، در بند ۵ ماده ۶ می‌گوید: «حکم اعدام در مورد جرایم ارتكابی اشخاص کمتر از ۱۸ سال صادر نمی‌شود و در مورد زنان باردار قابل اجرا نیست.» عدم اجرای چنین احکامی در مورد زنان باردار در قوانین ایران یا اسناد جهانی بیشتر در جهت رعایت حال جنین یا نوزاد است. به نظر می‌رسد قوانین اسلامی و قوانین بین‌المللی هر دو فلسفه مشترکی دارند و آن از بین نبردن دو نفس برای ارتکاب یک مجازات و رعایت حق حیات جنین است.

قانون حمایت دولت از مادران در دوران بارداری و شیردهی در سال ۱۳۷۴ به تصویب مجلس شورای اسلامی رسیده است. طبق قانون فوق‌الذکر دستگاه‌های دولتی و وابسته به دولت و کارگاه‌های مشمول قانون کار موظفند تسهیلات لازم و مناسب را برای تغذیه شیرخوارگان با شیر مادر در جوار محل کار کارکنان زن به صورتی که مسأله تغذیه شیرخوارگان به سهولت کامل انجام پذیرد را ایجاد نمایند که با توجه به صراحت قانونی و به کار بردن کلماتی چون: دستگاهها موظف هستند، تسهیلات لازم و مناسب، قرار گرفتن مکان مناسب جهت شیردهی فرزندان در جوار محل کار به صورتی که تغذیه شیرخوارگان به سهولت و بدون ایجاد مشکلاتی برای مادر انجام پذیرد و همچنین تکلیفی بودن این عمل توسط دستگاه‌های دولتی و غیردولتی همه و همه حکایت از اهمیت این موضوع داشته و قانونگذار به خاطر رفاه حال فرزندان و مادران این اجازه را نیز به مادران داده است که روزی یک ساعت از وقت اداری خود را به این امر اختصاص داده که این وقت جزو اوقات



کار آنها محسوب می شود و نیازی به اخذ مرخصی نیز نخواهد بود و حتی در صورت تمایل مادر می تواند مرخصی مزبور را تا ۳ نوبت در روز استفاده کنند.

بر طبق ماده ۷۸ قانون کار در کارگاههایی که دارای کارکنان زن هستند کارفرمایان مکلف هستند به مادران شیرده تا پایان دوسالگی کودک پس از هر سه ساعت، نیم ساعت فرصت شیردادن بدهند. این فرصت جزو ساعات کار آنان محسوب می شود و همچنین کارفرمایان مکلف هستند متناسب با تعداد کودکان و با در نظر گرفتن گروه سنی آنها مراکز مربوط به نگهداری کودکان از قبیل شیرخوارگاه و مهدکودک و آمادگی را ایجاد نمایند.

طبق تبصره ماده فوق الذکر ضوابط تأسیس و اداره شیرخوارگاه و مهدکودک توسط سازمان بهزیستی کل کشور تهیه و به تصویب وزیر کار و امور اجتماعی به مرحله اجرا گذاشته شده است. طبق ماده ۱ این آیین نامه مرکز نگهداری این دسته از کودکان مؤسسه ای است آموزشی، پرورش و رفاهی که کودکان را برای شیرخوارگاه تا ۲ سالگی و مهدکودک از ۲ سالگی تا ۵ سالگی و آمادگی قبل از ورود به دبستان را شامل می شود. طبق تبصره ۴ این آیین نامه کارگاهها موظفند که برای بانوانی که حتی در نوبت دوم نیز در محل کار به کار مشغولند خدمات خود را در این رابطه نیز ارائه کنند.

طبق ماده ۴ آیین نامه مربوطه نمایندگان وزارت کار و امور اجتماعی، وزارت بهداشت و درمان و همچنین سازمان بهزیستی کشور بر این مراکز نظارت خواهند نمود تا کارفرمایان برخلاف مقررات مقرر در این قانون اقدام ننمایند. بدیهی است مسؤولیت رسیدگی به تخلفات و شکایات مراکز نگهداری کودکان با شورای نظارت بر مراکز نگهداری کودکان خواهد بود و حضور افراد عضو در شورای مرکزی نظارت الزامی است علاوه بر این طبق این آیین نامه مدیران این مراکز باید از بین بانوان دارای تحصیلات لیسانس و بالاتر در رشته های علوم تربیتی، روانشناسی، مددکاری اجتماعی، مشاوره و یا مدیریت آموزشی با داشتن حداقل یک سال تجربه کار آموزشی در ارتباط با کودک باشد و یا دارا بودن دیپلم با حداقل ۵ سال تجربه کار آموزشی و تربیتی در ارتباط با کودک بوده این مدیر در برابر ضرر و زیان مادی و معنوی و آسیبهای احتمالی وارده به کودکان مسؤولیت داشت و باید پاسخگو باشد و در صورت بروز حادثه در اثر کمبود امکانات کارفرما و مدیر مؤسسه مسؤول خواهد بود.

در لایحه اصلاح قوانین تنظیم جمعیت و خانواده ۱۳۷۲/۲/۲۶ تاکید شده است مرخصی زایمان مادران ۹ ماه است و همسر آنان نیز از دو هفته مرخصی اجباری (تشویقی) برخوردار می شوند. در حال حاضر اجرای این مقررات با چالش هایی روبه رو شده است. همان طور که گفته شد این مصوبه با مخالفت شورای نگهبان روبه رو شد. با توجه به اینکه زمان مرخصی زایمان در قانون ترویج تغذیه با شیر مادر و حمایت از مادران در دوران شیردهی، ۶ ماه است دولت فقط از طریق پیشنهاد لایحه برای تصویب قانون و بعد از تصویب مجلس شورای اسلامی قادر خواهد بود که مدت مرخصی زایمان را افزایش دهد.

مرخصی زنان کارگر

یکی از قوانینی که توجه ویژه به حقوق مادران داشته است قانون کار جمهوری اسلامی ایران است. این حقوقدان در بررسی مقررات این قانون در خصوص بارداری و زایمان توضیح می دهد: ماده ۷۶ قانون کار که در سال ۱۳۶۹ و بعد از قانون تأمین اجتماعی به تصویب رسیده است، نه تنها مدت مرخصی زایمان کارگران زن را از ۸۴ روز به ۹۰ روز افزایش داده است بلکه برای زایمان توامان که در قانون تأمین اجتماعی برای آن ضوابط خاصی پیش بینی نشده بود، ۱۴ روز به این مدت (جمعا ۱۰۴) اضافه کرده است. البته روشن است که این ماده تنها در خصوص کارگران زن لازم الاجرا است و سایر مشمولان قانون تأمین اجتماعی را در بر نمی گیرد. بنابراین، می توان قائل به این شد که ماده ۷۶ قانون کار در خصوص مدت مرخصی زایمان زنان کارگر مختص ماده ۶۷ قانون تأمین اجتماعی است. ماده ۳ قانون ترویج تغذیه با شیر مادر و تبصره ماده ۳ آیین نامه اجرایی قانون ترویج تغذیه با شیر مادر و الحاقی ۱۳۸۱/۶/۲۶ می گوید: بانوانی که در دوران بارداری با تأیید پزشک معالج از مرخصی استعلاجی استفاده می کنند از حداکثر مرخصی زایمان برخوردار خواهند بود و مدت مرخصی استعلاجی از مرخصی زایمان کسر نخواهد شد. این امر در مواقعی پیش می آید که بارداری غیرطبیعی باشد و بنا به تشخیص پزشک بیمه شده زن احتیاج به استراحت داشته باشد. اما، به



نظر می‌رسد، اگر بیمه‌شده در زمانی که پس از وضع حمل از مرخصی زایمان استفاده می‌کند به دلیل بیماری نیاز به استراحت داشته باشد، نمی‌تواند با گرفتن گواهی پزشک از مرخصی استعلاجی استفاده کند و مرخصی زایمان را برای بعد از مدت مرخصی استعلاجی ذخیره کند، زیرا مرخصی استعلاجی به کسی تعلق می‌گیرد که در حین اشتغال به خاطر بیماری توانایی کار کردن را نداشته باشد. علاوه بر این، مانند مرخصی استعلاجی، یکی از اهداف مرخصی زایمان هم تأمین نیاز مادر به استراحت است. پس مرخصی زایمان پس از وضع حمل لازم است به صورت مستمر و بلا انقطاع مورد استفاده قرار گیرد. رویه عملی هم همین است.

برای اطلاع از حمایت‌هایی که برای زنان در دوران بارداری وجود دارد می‌توان دو قانون را به‌عنوان مرجع معرفی کرد. یکی از این قوانین، قانون استخدام کشوری است و دیگری قانون تأمین اجتماعی. البته قانون کار نیز در این خصوص حمایت‌هایی را در نظر گرفته است.

در این میان باید به این نکته نیز توجه کرد که این قوانین و مواردی مانند آن در راستای افزایش جمعیت پیش‌بینی شده است اما انتقادهایی را نیز به آن وارد کرده‌اند. مثلاً برخی از اعضای کمیسیون اجتماعی معتقدند که باید منشاء ایجاد عدالت اجتماعی در جامعه و بین همه اقشار ملت باشد نه این که فقط برخی از حقوق‌بگیران از آن بهره‌مند شوند. یعنی باید طرح‌های مختلف در کشور به گونه‌ای باشد که غیر حقوق‌بگیران هم از این طرح فایده ببرند و امکاناتی که بار مالی آن بر روی دوش نظام است فقط مشمول حقوق‌بگیران نباشد. این را نیز باید در نظر گرفت که هیچ قانونی عطف به ماسبق نمی‌شود مگر اینکه در متن قانون تصریح شده باشد و در آن قانون خاص به صراحت بیان شده باشد در غیر این صورت به آن میزانی که در قانون تصریح می‌شود عطف به ماسبق می‌شود، در این قانون این موضوع لحاظ شده است و عطف به ماسبق می‌شود و اگر هیچ چیزی ذکر نشده باشد اصل بر عطف به ما سبق نشدن است. (سلامت نیوز ۱۳۹۲)

حمایت های قوانین و احکام اسلامی

در **دین اسلام** احکامی مخصوص زن باردار است که در ذیل ذکر می‌شود:

زن باردار که **زایمان** او نزدیک است (الحاملُ الْمُقْرَبُ)، در صورتی که از **روزه** گرفتن زیان ببیند یا **خوف** زیان بر خود یا جنین را داشته باشد، **افطار** روزه **ماه رمضان** بر او **جایز** و چه بسا **واجب** است (إِنَّ هَذَا الْإِفْطَارُ...عَزِيمَةٌ لِرُخْصَةِ) مستند این **حکم** را، علاوه بر **روایات**، قاعده **لَا حَرَجَ وَ لَا ضَرَرَ وَ عُمُومِيَّةٌ** آیه «يُرِيدُ اللَّهُ بِكُمُ الْيُسْرَ وَ لَا يُرِيدُ بِكُمُ الْعُسْرَ» (بقره/سوره ۲، آیه ۱۸۵) دانسته اند. ما نسبت به وجوب قضای این روزه و پرداخت **فدیه** اتفاق نظر وجود ندارد. بیشتر **فقهایی شیعه** بر وجوب **قضا** به‌طور کلی و **وجوب** پرداخت فدیه (یک مد طعام) در صورتی که خوف ضرر فقط نسبت به جنین باشد **فتوا** داده‌اند و برخی به وجوب مطلق فدیه قایل شده اند. (نجفی ۱۹۸۱، ۱۷/۱۵۱-۱۵۴، حکیم ۱۴۰۶-۴۵۱/۸) فتوای **شافعیان** و **حنبلیان** مانند فتوای مشهور **امامیه** است. مالکیان و حنفیان فقط قضا را واجب می‌دانند. (زحیلی ۲/۴۴۶-۴۴۷-۶۸۸ جزیری ۱۴۲۴: ۵۷۳/۱-۵۷۴) زن بارداری که از همسر خود جدا شده، هر چند این جدایی به **طلاق بائن** بوده باشد، همسر او تا هنگام زایمان باید به او جای دهد و نفقه اش را بپردازد. این **حکم** به دلیل **آیه** ۶ سوره طلاق (فَأَنْفِقُوا عَلَيْهِنَّ حَتَّىٰ يَضَعْنَ حَمْلَهُنَّ) مورد اتفاق است، هر چند در این که آیا وجوب پرداخت نفقه برای خود او یا برای جنین است میان فقهایی امامیه و همچنین میان **مذاهب اهل سنت**، اختلاف وجود دارد که متفرعاتی نیز بر آن جاری است. (نجفی ۱۹۸۱؛ ۳۱/۳۲۰-۳۲۵، ابن قدامه، ۷/۶۰۶-۶۱۰، زحیلی ۱۴۰۴؛ ۷/۸۱۶-۸۱۷، بحرانی ۱۴۱۰: ۲۵/۱۲۷-۱۳۰) فقهایی اهل سنت همچنین حکم مزبور را در جدایی ناشی از **فسخ عقد ازدواج** (بِأَنَّ بَسْخَ) جاری می‌دانند (المعنی، ج ۷، ص ۴۷۴) اما فقهایی امامی در این مسئله اختلاف دارند و البته، در صورت تعلق نفقه به جنین، همه **فقه** فتوا به وجوب می‌دهند. (نجفی ۱۹۸۱؛ ۳۱/۳۲۰-۳۲۵) در مورد **زن بارداری** که همسر او در گذشته باشد نیز از نظر وجوب پرداخت نفقه همه فقها یکسان نظر نداده اند؛ ولی فتوای مشهور و چه بسا متفق علیه فقهایی امامی و اهل سنت بر عدم وجوب است. (ابن قدامه، ۷/۶۰۸، نجفی ۱۹۸۱؛ ۳۱/۳۲۵-۳۲۷، زحیلی ۱۴۰۴: ۷/۸۱۶). اجرای حد و هرگونه **قصاص** نسبت به زن باردار هر چند پیش از بارداری مرتکب جنایت شده و حتی از راه نامشروع باردار شده باشد، تا هنگام زایمان و رفع عوارض آن **جایز** نیست و پس از زایمان نیز در صورتی حد **قصاص** جاری می‌شود که کسی عهده دار



شیردادن به **کودک** شود. بعلاوه چنانچه حیات کودک به نحوی از انحاء به حیات مادر بستگی داشته باشد، اجرای حکم تا برطرف شدن کامل مانع، به تعویق می‌افتد (ابن قدامه، ۱۷۱/۷ - ۱۷۲، نجفی ۴۱:۱۹۸۱/ ۳۳۷ - ۳۳۹). همچنین اگر بعد از قصاص معلوم شود که زن باردار بوده، در صورت **سقط جنین**، پرداخت **دیه**، به حسب مورد، واجب و به مقتضای اوضاع بر عهده حاکم یا مجری حکم خواهد بود. (نجفی ۴۲:۱۹۸۱/ ۳۲۲ - ۳۲۵، ابن قدامه، ۷۳۲/۷ - ۷۳۳) دیگر این که اگر زن باردار برای **اجرای حد** یا **بازپرسی** نزد حاکم فراخوانده شود و از روی ترس سقط جنین کند (فَأَجْهَضَتْ خَوْفًا) دیه جنین باید پرداخت شود. (نجفی ۴۱:۱۹۸۱/ ۴۷۲ - ۴۷۳، ابن قدامه، ۷۳۲/۷، زحیلی ۶:۱۴۰۴/ ۲۵۶ - ۲۵۸) در حقوق موضوعه ایران توجه چندانی به مادران باردار صورت نگرفته است و تنها در چند سال اخیر قوانینی در رابطه با مادران باردار و مرخصی کاری و فراهم آوردن شرایط محیطی مناسب برای مسئله شیردهی صورت گرفته است اما به طور کامل به اجرا در نیامده است و در قوانین اسلامی و فقه اسلامی در مورد مادری که باردار است احکام خاصی صادر شده است که به تناسب مادر و یا فرزند این احکام صادر شده است و حمایت‌هایی صورت گرفته است، این حمایت‌ها حتی به بعد از طلاق هم سرایت نموده است اما به نظر می‌رسد این حمایت‌ها بیشتر متوجه حمل باشد نه مادر.



منابع

۱. ابن قدامه، المغنی، ج ۷، چاپ محمد خلیل هراسی، نشر مکتبه القاهره قاهره (بی تا).
۲. بحرانی، یوسف بن احمد، الحدائق الناضره فی احکام العتره الطاهره، ج ۲۵، نشر جماعه المدرسین فی الحوزه العلمیه قم ۱۴۱۰ ق
۳. جزیری، عبدالرحمن، الفقه علی المذاهب الاربعه، ج ۱، نشر دار الکتب العلمیه، بیروت ۱۴۲۴ ق
۴. حکیم، محسن، مستمسک العروه الوثقی، ج ۸، نشر دارالتفسیر قم ۱۴۰۶ ق
۵. زحیلی، وهبه مصطفی، الفقه الاسلامی وادلته، ج ۲، دار الکتب العلمیه، بیروت ۱۴۰۴ م
۶. حقوق زنان در دوران بارداری و زایمان، سلامت نیوز ۱۳۹۲/۰۸/۰۱ - ۱۰:۴۰ - کد خبر: ۸۵۲۰۶
۷. لایحه اصلاح قوانین تنظیم جمعیت و خانواده ۱۳۷۲/۲/۲۶
۸. لایحه شماره ۵۶۲۱ مورخ ۱۳۷۴/۴/۱۱ دولت در خصوص حمایت و ترویج تغذیه با شیر مادر
۹. قوانین مرخصی زایمان و مرخصی استعلاجی سایت تابناک کد خبر ۷۳۷۲۳۴۳، ۱۸ مهر ۱۳۹۶
۱۰. بخشنامه ای به شماره ۴۹۵۱۷ مورخ ۱۹ خرداد سال ۹۳، روابط کار و جبران خدمت وزارت تعاون، کار و رفاه اجتماعی
۱۱. جمعی از نویسندگان، سلامت مادران، نشر وزارت بهداشت درمان و آموزش پزشکی ۱۳۸۵ ش
۱۲. کانیکهام، گاری، پلوم، اسپانگ، هافن، کیسی، شفلید، بارداری و زایمان ویلیامز، ترجمه: بهرام قاضی جهانی/ملک منصور اقصی، نشر گلبن ۲۰۱۴ م
۱۳. ساولانی، اسماعیل، قانون مجازات اسلامی، انتشارات مشاهیر دادآفرین ۱۳۹۲ ش
۱۴. معین، محمد، فرهنگ نامه فارسی (جلد اول). چاپ نهم. تهران: موسسه انتشارات امیرکبیر، ۱۳۷۵.
۱۵. نجفی، محمدحسن، جواهر الکلام فی شرح شرائع الاسلام، ج ۱۷، دار الفکر بیروت ۱۹۸۱ م



تعیین اثر موسیقی درمانی مشارکتی بر کاهش استرس و اضطراب مادران و کودکان کاشت حلزونی شنوایی

سحاب تربتی؛ دکتری روانشناسی - هنر

محمد اجل لوییان؛ جراح متخصص گوش و حلق و بینی

سپیده ربیعی؛ آسیب شناس گفتار و زبان

مقدمه

اضطراب یک احساس منتشر، بسیار ناخوشایند و اغلب یک دلواپسی مبهم است که غالباً با علائم دستگاه اتونوم از جمله تنگی قفسه سینه، تپش قلب، تعریق، سردرد، ناراحتی مختصر معده و بی‌قراری که با عدم توانایی برای نشستن یا ایستادن همراه می‌گردد. در واقع اضطراب را همه انسان‌ها تجربه می‌کنند. نشان داده شده است که شروع و سیر آن‌ها به متغیرهای مختلف زیست‌شناختی، محیطی، سابقه بیماری و عوامل روانی-اجتماعی مربوط می‌شود. از میان این متغیرها به مواردی چون اختلال در کارکرد نوروترانسمیترها، سابقه افسردگی یا الکلیسم در خانواده، از دست دادن والدین در دوران کودکی یا مورد بی‌توجهی آنان قرارگرفتن، رویدادهای منفی اخیر در زندگی، داشتن همسر عیب‌جو یا متخاصم، فقدان ارتباط نزدیک و اطمینان بخش، فقدان حمایت اجتماعی مناسب و فقدان دراز مدت احساس ارزشمندی می‌توان اشاره کرد.

در سال‌های اخیر ثابت شده است که در بهترین شرایط، داروهای ضد اضطراب به نتایج موقتی و ضعیف منجر می‌شوند. امروزه تمایل به استفاده از روش‌های غیر دارویی جهت تسکین اضطراب و سایر بیماری‌های روانی رو به ازدیاد است. یکی از این روش‌ها، استفاده از محرکات صوتی خوشایند تحت عنوان موسیقی درمانی است. موسیقی درمانی به عنوان یک فرایند سیستماتیک مداخله که در آن درمانگر به مراجع برای دستیابی به سلامت از طریق تجربیات موسیقایی کمک می‌کند و به عنوان توسعه‌دهنده نیروهای رشد درونی تعریف شده است.

از دیدگاه خانوادگی، کم‌شنوایی پیچیده‌ترین ضایعه حسی است. با شناسایی کم‌شنوایی کودک، خانواده با یکسری بحرانها روبرو می‌کند. مادران کودکان ناشنوا درجات متفاوتی از اضطراب و استرس را تجربه می‌کنند که در ارتباط با انتظاراتی است که از نقش والدگری آنها می‌رود. این استرس‌ها منجر به مشکلاتی در والدگری می‌شود. در مورد کم‌شنوایی این والد با مشکلات ویژه‌ای روبرو است چرا که بیش از ۹۰٪ از فرزندان ناشنوا از والدین شنوا متولد می‌شوند. اضطراب و افسردگی از ناتوان‌کننده‌ترین اختلالات روانشناختی که عملکرد مادران را تا حد زیادی متاثر می‌کنند. تحقیقاتی که بر روی اضطراب والدین در مراکز کاشت حلزونی شنوایی ایران انجام شده، از هر ۴ والد، دو نفر واجد ملاک‌های حداقل یک نوع اختلال اضطرابی است و میزان شیوع ۱۲ ماهه آن، ۱۷/۷ درصد است.

مبانی نظری و مرور پیشینه‌ها:

اگر باور داشته باشیم که موسیقی زبان فطرت انسان است، آنگاه برایمان آسان خواهد بود تا تأثیر موسیقی را بر روح و روان، عواطف و به طور کلی زندگی بشر درک کنیم. موسیقی، انسان را در رؤیاهای و آرزوهای و احساساتش فرو می‌برد. موسیقی به طور گسترده‌ای در طول تاریخ به عنوان یک نیروی شفا دهنده برای کاهش بیماری و پریشانی استفاده شده است (بونت، ۲۰۱۴). موسیقی با ساختارهای عمیق مغز که آن‌ها نیز با پردازش هیجانی در ارتباط هستند، مرتبط است و نقش محوری را در خودتنظیمی هیجانات روزمره دارد (پونکنان، ارلو و الیکا، ۲۰۱۱).

ماهیت فیزیکی موسیقی باعث برانگیختن هیجانات از طریق برانگیختگی بدنی می‌شود و موسیقی با توجه به پارامترهایی چون دینامیک، سرعت، ریتم و فرم می‌تواند منجر به مهار تجربه هیجانی شود (پل و ادلر میلر، ۲۰۱۱). موسیقی درمانی به عنوان یک فرایند سیستماتیک مداخله که در آن درمانگر به مراجع برای دستیابی به سلامت از طریق تجربیات موسیقایی کمک می‌کند و به عنوان توسعه‌دهنده نیروهای



رشد درونی تعریف شده است. پژوهشگران طی یک تحقیق کشف کردند که موسیقی می‌تواند به عنوان یک عامل منحرف کننده حواس به کار گرفته شود و بر روی افرادی که به آسانی غرق در کنش‌های شناختی می‌شوند، عامل تاثیرگذاری باشد. موسیقی شکلی از هنر است که احساس، عاطفه، ادراک و شناخت انسان را بدون نیاز به تکلم و زبان منتقل می‌کند. غایت و هدف عالی موسیقی تقویت حس زیبایی، ظرافت طبع و تخیل فعال و خلاق است، به گونه‌ای که خیال و اندیشه را لطافت و مهارت‌های ذهن را قوت می‌بخشد (زاده محمد، ۱۳۸۹). در همین راستا، استفاده از موسیقی با ریتم ملایم و آرام بخش می‌تواند در کاهش ریشه‌های افسردگی مثل خشم، ناکامی، غمگینی و اضطراب کمک کند و در بهبود الگوهای رفتاری نقش داشته باشد. شافل طی پژوهشی دریافت که موسیقی کلاسیک اثر مثبتی بر کاهش استرس و افزایش آرام‌سازی و سطح تمرکز دارد. در پژوهشی دیگر، لایی و سو به این نتیجه رسیدند که موسیقی درمانی به طور معنی داری استرس و افسردگی زنان و مردان را کاهش می‌دهد. دانشمندان مستندات یافته‌اند که نشان می‌دهد گوش کردن به موسیقی می‌تواند در کاهش درد افراد مبتلا به اضطراب شدید کارساز باشد. یک یافته غیرمنتظره در تحقیقات مختلف نشان داد که موسیقی برای آزمودنی‌هایی که میزان بالایی از اضطراب نسبت به درد نشان می‌دادند، بیشتر موثر بود تا برای کسانی که چندان نگران درد نبودند. در این پژوهش، تعیین اثر موسیقی درمانی مشارکتی بر کاهش استرس و اضطراب مادران و کودکان کاشت حلزونی شنوایی بررسی می‌کنیم.

روش شناسی مطالعه:

جامعه آماری:

روش این مطالعه از نوع نیمه تجربی بوده، از طرح پیش‌آزمون و پس‌آزمون با گروه کنترل استفاده شده است. جامعه آماری از بین مادران کودکان کاشت حلزونی شنوایی مرکز کاشت حلزونی شنوایی بقیه‌الله (عج) تهران که کودکان آنها ۴ تا ۶ ساله بوده و به مدت ۶ ماه در سال ۹۴-۹۵ در این مرکز از خدمات درمانی استفاده می‌کردند برای گروه‌های آزمایش و کنترل انتخاب شدند. جهت همگن‌سازی این گروه شرایط زیر برای هر مادر الزامی بود.

شنوایی طبیعی داشته باشد.

آشنایی تخصصی با موسیقی نداشته باشند.

تنها یک فرزند داشته باشند.

از این افراد ۲۰ نفر با استفاده از روش نمونه‌گیری تصادفی انتخاب و در دو گروه ۱۰ نفره‌ی یک گروه آزمایش و یک گروه کنترل قرار داده شدند. هر مادر فرم پرسشنامه شخصی و پرسشنامه اضطراب بک را تکمیل نمودند.

روش کار

گروه آزمایش (گروه ۱۰ نفره‌ی کودکان همراه مادران) و گروه کنترل (گروه ۱۰ نفره‌ی کودکان) به مدت ۴ ماه هر هفته یک جلسه و هر جلسه به مدت ۶۰ دقیقه به صورت گروهی در اتاق آزمایش در موسسه علوم و فنون هنر درمانی سبحان و آموزشگاه آزاد هنری افتتاح قرار می‌گرفتند.

گروه آزمایش که گروه ۱۰ نفره‌ی مادران همراه کودکان بودند جلسات موسیقی درمانی و نواختن فلوت را با هم و در کنار هم می‌گذراندند. گروه کنترل گروه ۱۰ نفره‌ی مادران هستند که در زمان جلسات موسیقی درمانی و نواختن فلوت کودکان در اتاق انتظار منتظر هستند.

گروه آزمایش و گروه کنترل به مدت ۴ ماه هر هفته یک جلسه و هر جلسه به مدت ۶۰ دقیقه به صورت گروهی در اتاق آزمایش در جلسات موسیقی درمانی فعال و غیر فعال شرکت می‌کردند.

برای گروه آزمودنی در هر جلسه موسیقی درمانگر ۳۰ دقیقه برای موسیقی درمانی در نظر گرفته بود که شامل ۳ بخش بود. در هر جلسه پس از گرم کردن گروهی ۵ دقیقه‌ی ابتدایی هر جلسه موسیقی کلاسیک بدون کلام برای برقراری ارتباط و کسب آرامش و بهبودی پخش می‌شود و بلافاصله بدون مکث ۵ دقیقه موسیقی سنتی در دستگاه همایون بدون کلام پخش می‌شود. ۵ دقیقه سکوت و ۵ دقیقه برای



گفتگو قرار داده می شد. ۱۰ دقیقه ی سوم که مربوط به موسیقی درمانی فعال بود، برای هر جلسه برنامه ای ویژه و خاصی در نظر گرفته شده بود که شامل نواختن، حرکات موزون، خواندن، پخش آهنگهای نوستالژیک می شد. برنامه ی این قسمت از قبل اعلام نمی شد. در این ۳۰ دقیقه درمانگر فقط ناظر بود و آزمودنی با توجه به امکانات و شرایط محیط آزمایش می توانست به صورت آزادانه برخورد کند. در ۳۰ دقیقه دوم درمانگر فقط ناظر بود و آزمودنی با توجه به امکانات و شرایط محیط آزمایش می توانست به صورت آزادانه برخورد کند. برای گروه کنترل هم در هر جلسه موسیقی درمانگر ۳۰ دقیقه برای موسیقی درمانی در نظر گرفته بود که شامل ۳ بخش بود. در هر جلسه پس از گرم کردن گروهی ۵ دقیقه ی ابتدایی هر جلسه موسیقی کلاسیک بدون کلام برای برقراری ارتباط و کسب آرامش و بهبودی پخش می شود و بلافاصله بدون مکث ۵ دقیقه موسیقی سنتی در دستگاه همایون بدون کلام پخش می شد. ۵ دقیقه سکوت و ۵ دقیقه برای گفتگو قرار داده می شد. ۱۰ دقیقه ی سوم که مربوط به موسیقی درمانی فعال بود، برای هر جلسه برنامه ای ویژه و خاصی در نظر گرفته شده بود که شامل نواختن، حرکات موزون، خواندن، پخش آهنگهای نوستالژیک می شد. برنامه ی این قسمت از قبل اعلام نمی شد. در این ۳۰ دقیقه درمانگر فقط ناظر بود و آزمودنی با توجه به امکانات و شرایط محیط آزمایش می توانست به صورت آزادانه برخورد کند. در ۳۰ دقیقه دوم کلاس نواختن فلوت برای کودک انجام می شد و مادر در اتاق انتظار منتظر می ماند. در پایان این ۴ ماه، دوباره میزان اضطراب همه آزمودنی ها - اعم از دو گروه کنترل و گروه آزمایش - سنجیده شد. پس از یک ماه بعد از اتمام آخرین جلسه، دوباره میزان اضطراب آزمودنی های هر سه گروه سنجیده می شود، این کار برای سنجش پایداری میزان اثربخشی موسیقی درمانی صورت می گیرد.

ابزار مورد استفاده:

موسیقی کلاسیک:

موسیقی کلاسیک در واقع آثار هنرمندان و آهنگسازانی همچون بتهوون، باخ، موزارت و شوپن را در بر می گیرد. ساختار موسیقی کلاسیک بسیار پیچیده تر از انواع دیگر موسیقی است. موسیقی کلاسیک بواسطه ریتم و ملودی بر روی ساختار و تواناییهای مغز تاثیر گذار است. ریتم نسبت به افزایش سطح سروتونین تولیدی در مغز کمک میکند. سروتونین به عنوان یک هورمون عصبی عامل انتقال پالسهای اعصاب جهت تداوم حفظ حس شادمانی و سرور است. هنگامی که مغز به تولید سروتونین میپردازد موجب انبساط خاطر میگردد، در حقیقت افسردگی فرآیند ناشی از کمبود ترشح این هورمون میباشد. سروتونین زمانی شروع به ترشح مینماید که مغز در معرض شوک مثبتی قرار گیرد به عنوان مثال اگر ما به نقاشی زیبایی نگاه کنیم، رایحه ی دلپذیری به مشام ما برسد، حس فوق العاده ای را تجربه کنیم، غذای مطبوعی بخوریم یا به موسیقی مسحور کننده ای گوش فرا دهیم، مغز اجازه آزاد سازی مقدار معینی از سروتونین که باعث تحریک و به اوج رسیدن احساسات دلپذیر میشود را خواهد داد. ریتم موسیقی همچنین میتواند موجب تحریک سایر ضربانات طبیعی بدن مانند ضربان قلب یا امواج آلفای مغز شود، و همین تاثیر گذاری یکی از راههای مقابله با گسترش افسردگی و معالجه بالینی است. موسیقی سنتی:

سازهای سنتی حالت معنوی و الهی در انسان ایجاد می کند و به این علت، اثر موسیقی اصیل که تمام وجود انسان ها را تحت تأثیر قرار می دهد، آرامشی به انسان می بخشد که بی نظیر است. بر این اساس در این تحقیق از موسیقی سنتی در دستگاه همایون استفاده می شود. دستگاه همایون، حالت عرفانی ویژه ای دارد. صلابت، قدرت، تفکر، پند و اندرز و خلاصه ویژگی های یک انسان کامل در دستگاه همایون نهفته است. این دستگاه به تناسب نام خود، حالتی شاهانه، اشرافی و باوقار دارد، ولی با این حال زمینه اجرای بسیاری از لالاییها و زمزمه های متداول در نقاط مختلف ایران است. همچنین از نغمه های این دستگاه در موسیقی زورخانه نیز استفاده می شود.

و موسیقی درمانگر برای بهبودی بخشیدن به شرایط کودک یعنی افزایش و اصلاح مهارتهای حرکتی و تثبیت برتری طرفی اندام ها، یک سری فعالیتهای به دقت برنامه ریزی شده موسیقایی را تجویز می کرد. این فعالیتهای شامل موسیقی درمانی فعال از نوع آواز خواندن، نواختن ساز، آهنگ سازی و انجام حرکاتی ورزشی یا رقص همراه با شنیدن موسیقی، بودند. این جلسات توسط دو تسهیلگر و دو گفتار درمانگر زیر نظر موسیقی درمانگر تشکیل شد.



پرسشنامه اضطراب بک:

پرسشنامه اضطراب بک (BAI) در سال ۱۹۹۰ توسط آرون بک و همکارانش ساخته شد که به طور اختصاصی شدت علائم اضطراب بالینی را در افراد می‌سنجد. این پرسشنامه شامل ۲۱ گزینه است که علائم شایع اضطراب را در بر می‌گیرد. آزمودنی‌ها جهت پاسخگویی، میزان رنجش خود در هفته گذشته را در ستون مقابل آن علامت می‌زنند. شیوه امتیازدهی پاسخ‌ها به صورت اصلا (+) خفیف (۱)، متوسط (۲) و شدید (۳) است. در پژوهشی که در ایران توسط حسین کاویانی و همکارانش صورت گرفت، ضریب روایی ($r=0.72$) و ($p<0.001$) و ضریب پایایی ($r=0.83$) و ($p<0.001$) گزارش شد؛ همچنین برای تعیین ثبات یا همبستگی درونی آیتم‌های BAI از محاسبه آلفای کرونباخ استفاده شد که نتایج حاکی از ثبات بالایی بود.

یافته‌ها :

نتایج نشان داد که موسیقی درمانی فعال و غیر فعال، اضطراب را در مادران کاهش می‌دهد. اما یادگیری موسیقی توسط مادر و همراه کودک در گروه آزمایش تاثیر چشمگیری در کاهش اضطراب داشت .

در گروه کنترل الف ۴/۴ درصد کاهش اضطراب دیده می‌شد .

در گروه آزمایش کاهش اضطراب ۳/۸۳ کاهش اضطراب دیده می‌شد . آزمون آماری بین دو گروه آزمون و شاهد ارتباط معنی داری را نشان داد ($P < 0.01$).

بحث و نتیجه گیری :

خمیرمایه مولفه‌های اصلی شخصیت متعادل و پویا یا متزلزل و آسیب پذیر کودکان و نوجوانان در کانون خانواده و در سایه تعامل مطلوب با والدین، به ویژه مادر، شکل می‌گیرد. نتایج نشان داد راهکارهای موسیقی درمانی تاثیر بسیار شگرفی بر کاهش اضطراب این مادران داشته و همراهی جلسات موسیقی و موسیقی درمانی مادران در کنار جلسات توانبخشی کودکان کاشت حلزونی شنوایی به عنوان بخش مهمی از درمان نقش به سزایی به دنبال دارد لذا با توجه به آنکه کودکان کاشت حلزونی شنوایی نیاز مداوم به حمایت خانواده در سالهای ابتدایی پس از عمل دارند ، هر چه استرس و اضطراب در مادران کمتر باشد ، پیشرفت در این کودکان مطلوب تر بوده لذا برگزاری دوره های موسیقی درمانی مادران در کنار خدمات درمانی این کودکان الزامی می باشد .



- سادوک، روانپزشکی کاپلان. ترجمه نصرت... پورافکاری. تهران: شهرآب، ج ۲.
- هاوتون، ک؛ کیس، پ؛ کرک، ج؛ کلارک، د. رفتار درمانی شناختی. ترجمه حبیب... قاسم زاده. تهران: ارجمند، ۱۳۹۱، ج ۱.
- شیبانی تذرجی، ف؛ پاکدامن، ش؛ دادخواه، ا؛ حسن زاده توکلی، م. تاثیر موسیقی درمانی بر میزان افسردگی و تنهایی سالمندان. مجله سالمندی ایران، سال پنجم، ش ۱۶ (تابستان ۱۳۸۹): ۵۴-۶۰
- مسگرانی، م؛ شفیعی، ش؛ کیانی، ن؛ صادقی خراشاد، م. بررسی همه گیرشناسی اختلالات روانی در دانشجویان جدیدالورود دانشگاه علوم پزشکی زاهدان. مجله طب و تزکیه، ش ۵۳ (تابستان ۱۳۸۳): ۸۴-۸۸
- کنرلی، ه. اختلالات اضطرابی. سبروس مبینی. تهران: رشد، ۱۳۸۴.
- رفعیان، ز؛ آذربزین، م؛ صفاری فرد، س. تعیین تاثیر موسیقی درمانی بر میزان اضطراب، درد، تهوع و علائم حیاتی بیماران تحت جراحی سزارین در بیمارستان دکتر شریعتی اصفهان در سال ۱۳۸۵. مجله علوم پزشکی دانشگاه آزاد اسلامی، دوره ۱۹، ش ۱ (بهار ۱۳۸۸): ۳۳-۳۸
- زارع، م؛ افخم ابراهیمی، ع؛ بیرشک، ب. بررسی اثر موسیقی درمانی بر کاهش بی قراری در مبتلایان به آلزایمر ساکن در خانه های سالمندان شهرستان شهریار. مجله تازه های علوم شناختی، سال ۱۱، ش ۲ (۱۳۸۸): ۵۵-۶۲
- زاده محمدی ع. دیدگاه های نوین بر ردیف موسیقی ایرانی. تهران: سرو؛ ۱۳۷۹.
- رجبی، غ. ویژگی های روانسنجی ماده های فرم کوتاه پرسشنامه افسردگی بک. فصلنامه روان شناسان ایرانی، سال اول، شماره ۴ (تابستان ۱۳۸۴): ۲۹۱-۲۹۸
- کاوایی، ه؛ موسوی، اس. ویژگی های روان سنجی پرسشنامه اضطراب بک در طبقات سنی و جنسی جمعیت ایرانی. مجله دانشکده پزشکی دانشگاه علوم پزشکی تهران، دوره ۶۶، ش ۲ (اردیبهشت ۱۳۸۷): ۱۳۶-۱۴۰

Lai HL, Hwang MJ, Chen CJ, Chang KF, Peng TC, Chang FM: Randomised controlled trial of music on state anxiety and physiological indices in patients undergoing root canal treatment. J Clin Nurs ۲۰۰۸; ۱۷:۲۶۵۴-۲۶۶۰

Allred, K.D, Byers, J.F., & Sole, M.L. The effect of music on postoperative pain and anxiety. Pain Management Nursing Journal, (۲۰۱۰). ۱۱(۱), ۵-۱۶

Marko P, Tuomas E, Jaakko E. Biased emotional recognition in depression: Perception of emotions in music by depressed patients. Journal of Affective Disorders. ۲۰۱۱ (۱۳۰): ۱۱۸-۲۶

Jonathan P, Helen OM. Aggression in music therapy and its role in creativity with reference to personality disorder. The Arts in Psychotherapy. ۲۰۱۱ (۳۸): ۱۹۶-۲۷.

Fahri S. The psychological impact of Ney music. The Arts in Psychotherapy. ۲۰۱۲ (۳۹): ۴۲۳-۷.

Brown GW. Social origins of depression: a study of psychiatric disorder in women. London: Tavistock publication; ۱۹۷۸.

Lader M, Marks IM. Clinical anxiety. London: Heinman; ۱۹۷۱



جایگاه تربیتی زن در خانواده از دیدگاه قرآن کریم

سوسن کشاورز؛ دانشیار دانشگاه خوارزمی

ss.keshavarz@yahoo.com

چکیده

از آن جایی که خانواده مهم ترین نقش را در زمینه سازی رشد و تحول فرزندان بر عهده دارد؛ لذا در دیدگاه اسلامی بر جایگاه خانواده در فرایند تربیت تاکید می شود. هدف از این مقاله تبیین جایگاه تربیتی زنان در خانواده می باشد که محور اصلی تربیت فرزندان محسوب می گردند. جهت تحقق این هدف، سوال اصلی مقاله آن است که رویکرد مطلوب در عرصه مطالعات زنان متناظر با آیات قرآن کریم؛ چه رویکردی است و متناظر با این رویکرد، چه دیدگاه هایی در حوزه زنان وجود دارد. متناظر با رویکرد و دیدگاه های انتخاب گردیده، جایگاه تربیتی زنان در خانواده چگونه تبیین می گردد. برای تبیین این جایگاه ابتدا نقش زن در سه عرصه مادری، همسری و دختری متناظر با آیات قرآنی مورد بررسی و سپس متناظر با هر یک از این نقش ها، جایگاه تربیتی زن در خانواده مورد بحث قرار گرفته است. روش مورد استفاده در این مقاله؛ روش تحلیلی کیفی می باشد و ابزار گردآوری اطلاعات مجموعه مستندات مرتبط در متن کتاب تربیتی قرآن کریم است. نتایج بیانگر آن است که رویکرد تمدن سازی رویکرد سازگار با این آموزه ها در عرصه مطالعات زنان می باشد. یکی از محورهای مورد تاکید در این رویکرد ضرورت تدوین الگوی جامع شخصیت و جایگاه تربیتی زن مسلمان و پی ریزی تمدن نوین اسلامی بر اساس آن می باشد.

کلید واژگان: جایگاه تربیتی، زن، خانواده، قرآن کریم

مقدمه

تربیت شایسته فرزندان در موقعیت تربیتی خانواده در راستای دستیابی به حیات طیبه نیازمند توانمند سازی و حمایت جدی این رکن تربیت می باشد با توجه به آنکه در اسناد تحولی نظام تعلیم و تربیت رسمی عمومی جمهوری اسلامی ایران نیز خانواده به عنوان یکی از ارکان تربیت در نظر گرفته شده است (مبانی نظری تحول بنیادین در نظام تعلیم و تربیت رسمی عمومی، ۱۳۹۰: ۳۰۶) و در کانون خانواده نیز زنان نقش محوری در امر تربیت فرزندان دارند، بنابراین برای دستیابی به اهداف مورد نظر در امر تربیت فرزندان؛ نیازمند آن هستیم که این جایگاه به درستی نبیین گردد.

در دهه های اخیر در بین اندیشمندان مسلمان سه رویکرد عمده در حوزه مطالعات زنان مطرح شده است. این رویکردها، عبارتند از: رویکرد تجددگرا، رویکرد شریعت گرا و رویکرد تمدن سازی که در نگاه به مدرنیته و جایگاه دین در عرصه زندگی و نسبت سنت و مدرنیته تفاوت دارند. (سبحانی، ۱۳۸۲) اندیشمندان طرفدار رویکرد «شریعت گرایی»، راه حل مسایل اجتماعی مسلمین را اجرای احکام فقهی بدون نیاز به پردازش الگوهای عینی و تجربی می دانند. اندیشه های این گروه حول پنج محور اصول گرایی، آئین گرایی و تکلیف مداری، اجتهاد گرایی و روش مندی در فهم دین، التقاط ستیزی و گذشته گرایی می چرخد. اندیشمندان طرفدار «تجدد گرایی اسلامی»، چاره ی حل مسایل مسلمانان را، در تن دادن به اصول و چهارچوب مدرنیته می دانند. البته آن ها تلاش بلیغی می نمایند تا این چهارچوب را با اسلام منطبق، یا به تعبیری، اسلام را با این چهارچوب سازگار سازند. پنج محور اساسی دیدگاه آن ها از این قرار است: نگرش انسان مدارانه، علم گرایی و تأکید بر خرد ابزاری، توسعه گرایی، تاریخت و نسبت فهم و آینده گرایی. بر این پایه است که تجدد گرایی اسلامی راه حل مسایل زنان را در به کارگیری علوم جدید می داند و کارشناسی برای ریشه یابی و راه حل مسایل را از علوم اجتماعی می خواهد بی آنکه نتایج این علوم را با ارزش های اخلاقی و دینی در تعارض ببیند (همان: ۳۰).

هیچ یک از دو رویکرد نام برده شده با مبانی دینی و منظومه معارف اسلامی سازگار نیست. شریعت گرایی به رغم تأکید بر نصوص و حقایق وحیانی از ارائه طرحی برای حضور اسلام در صحنه حیات اجتماعی بشر ناتوان است و در واقع بقای دین را در عزلت و انزوا می جوید. تجدد گرایی با آنکه بر ضرورت حضور و پویایی دین در فرایند تحولات زمان اصرار دارد اما این پویایی را به قیمت استحاله ارزش ها و احکام اسلام می خواهد به عبارت دیگر دو عنصر پایایی و پویایی دین که هر دو از لوازم اعتقاد به خاتمیت و جاودانگی دین اسلام است در دو رویکرد نام



برده شده به دست نمی آید. شریعت گرایی، پویایی اسلام را به پویایی آن معامله می کند و تجددگرایی برای حفظ پویایی اسلام از پویایی و استمرار شریعت هزینه می کند. لذا سوال اصلی مقاله آن است که رویکرد مطلوب در عرصه مطالعات زنان متناظر با آیات قرآن کریم؛ چه رویکردی است و متناظر با این رویکرد، چه دیدگاه هایی در حوزه زنان وجود دارد و چه جایگاه تربیتی را می توان برای زنان در خانواده تبیین نمود.

روش تحقیق

در این بررسی روش انتخاب شده، روش تحلیل محتوای کیفی است. تحلیل محتوا، شناخت و برجسته کردن محورها و خطوط اصلی هر متن یا متون مکتوب با هدف فراهم آوردن تحلیلی توصیفی است (ساروخانی، ۱۳۷۸: ۸۲) همچنین تحلیل محتوای کیفی را می توان روش پژوهشی برای تفسیر ذهنی محتوایی داده های متنی از طریق فرایندهای طبقه بندی نظام مند، کد بندی و تم سازی یا طراحی الگوهای شناخته شده دانست. بنابراین روش تحلیل محتوای کیفی، روشی برای جستجوی ارتباط میان مفاهیم مختلف و بازنمایی روابط و شبکه های مفهومی است. همچنین یکی از ویژگیهای بنیادین پژوهشهای کیفی نظریه پردازی به جای آزمون نظریه است. (ایمان، ۱۳۹۰: ۱۷۲) چون محقق در این پژوهش با منابع مکتوب آیات قرآنی و دسته بندی جملات و مضامین مرتبط با موضوع زن و خانواده سر و کار دارد، روش پژوهش، تحلیل محتوای کیفی است.

یافته های تحقیق

در رویکرد «تمدن سازی»، جایگاه ویژه ای برای عقل در نظر گرفته می شود. دین صرفاً در قلمرو و محدوده زندگی فردی قرار ندارد بلکه برنامه جامع زندگی تلقی می شود و در عرصه های مختلف اجتماعی حضور اساسی دارد. دین در عرصه های مذکور اصول کلی و در مواردی اصول و قوانین جزئی دارد و در عرصه هایی نیز به مثابه منطقه الفراغ وارد نشده است. از این رو در عرصه اخیر، استفاده از عقل و دانش متراکم بشری و توسعه آن ها در چهارچوب مبانی و ارزش های دینی، جایگاه ارزشمندی دارد. بر اساس این رویکرد، مسلمانان می توانند و باید بر مبنای تفسیر کتاب و سنت و اجتهاد روشمند و پویا، در جامعه اسلامی، متناسب با مقتضیات زمان و مکان به سوی پی ریزی تمدن نوین اسلامی گام بردارند. از منظر رویکرد تمدن سازی اجرای همه جانبه اسلام، تنها در قالب فرآیند نوسازی جامعه به سوی یک الگوی مطلوب اسلامی و تأسیس نهادها و سازوکارهای متناسب با آن ها میسر است. لذا این رویکرد برای پی ریزی تمدن نوین اسلامی بر ضرورت تدوین الگوهای اجتماعی تأکید دارد. این رویکرد در حوزه مسایل زنان بر این عقیده است که تنها راه برون رفت از معضلات کنونی در جوامع اسلامی حرکت به سمت ایجاد تمدن نوینی است که توسعه و تحولات اجتماعی را در راستای تحقق همه جانبه ارزش های اسلامی هدایت کند. پنج محور مورد تأکید در این رویکرد در حوزه مسایل زنان عبارت است از نگرش نظام مند به مسایل زنان، اصول گرایی در حوزه فهم دین، توسعه گرایی در حوزه تحقق دین، تکامل در روش اجتهاد و تجدید نظر در روش علوم، ضرورت تدوین الگوی جامع شخصیت زن مسلمان و پی ریزی تمدن نوین اسلامی (سبحانی، ۱۳۸۲: ۴۳). با نظر به تحلیل متن آیات قرآنی به نظر این رویکرد سازگار با این آموزه ها در عرصه مطالعات زنان می باشد که به تفصیل در ادامه دیدگاه های اساسی سازگار با این رویکرد مورد بحث قرار خواهد گرفت.

سه دیدگاه اساسی مطرح در حوزه زنان به عنوان مریبان اصلی خانواده متناظر با آیات قرآنی

لازم به ذکر می باشد برای تبیین جایگاه تربیتی زن در خانواده ضرورت دارد ابتدا دیدگاه های مختلف زن در خانواده در ابعاد مختلف متناظر با آیات قرآنی تبیین گردد سپس از منظر تربیتی جایگاه زن در خانواده مورد بحث قرار گیرد. از این رو سه دیدگاه مورد نظر شامل عرصه تکامل و رشد معنوی خود زن، دوم، عرصه فعالیت های اجتماعی زن و سوم جایگاه و نقش زن در خانواده در ادامه مورد بحث قرار خواهد گرفت. در دیدگاه اول یعنی عرصه تکامل و رشد معنوی؛ زن و مرد در این بخش، هیچ تفاوتی در میدان رشد و تکامل معنوی ندارند. یعنی مرد می تواند به عالیترین مقامات از لحاظ معنوی برسد؛ زن هم می تواند به بالاترین مقامات از لحاظ معنوی برسد. بدین خاطر، قرآن کریم، وقتی می خواهد نمونه ای برای انسانهای با ایمان ذکر کند، آن را از میان مردان ذکر نمی کند؛ از میان زنان ذکر می کند: «و ضرب الله مثلاً



لذین امنوا امراه فرعون». (تحریم: ۱۱)، خدای متعال در این جا، دو زن را به عنوان دو نمونه از انسانهای برجسته و مؤمن - نه از زنان برجسته - ذکر می کند. یکی از آن دو زن، زن فرعون است. «أذ قالت رب ابن لی عندک بیتاً فی الجنة» (همان)؛ زن دیگر، مریم مادر عیسی و دختر عمران است. در نتیجه، در عرصه اول - یعنی عرصه رشد معنوی و تعالی روحی انسان - میان زن و مرد فرقی نیست؛ زن مثل مرد، مرد هم مثل زن هر دو می توانند مدارج عالی معنویّت و قرب به خدا را طی کنند. لذا در قرآن می فرماید: «ان المسلمین والمسلمات و المؤمنین و المؤمنات و القانتین و القانتات و الصادقین و الصادقات و الصّابرین و الصّابرات و الخاشعین و الخاشعات و المتصدّقین و المتصدّقات و الصّائمین و الصّائمات و الحافظین فروعهم و الحافظات و الذاکرین لله کثیراً و الذاکرات». (احزاب: ۳۵)، همه جا، مرد و زن در کنار هم قرار دارند. (مقام معظم رهبری، ۱۳۷۵)

جوادی آملی در این خصوص می فرماید: پاسخ به این سوال که زن در قرآن از چه پایگاهی برخوردار است مبتنی بر این است که انسان در قرآن چه پایگاهی دارد، چون قرآن کریم هرگز برای هدایت مرد نیامده است بلکه برای هدایت انسان آمده است، لذا وقتی هدف رسالت را تشریح می کند می فرماید: "شهر رمضان الذی انزل فیہ القرآن هدی للناس" (بقره: ۱۸۵) کلمه ناس که به عنوان هدایت انسان در قرآن مطرح است صنف مخصوص یا گروه خاصی را در نظر ندارد بلکه شامل زن و مرد به طور یکسان می شود. قرآن برای تعلیم و تزکیه جان و روح آدمی است و روح از آن جهت که موجودی مجرد است، نه مذکر است نه مؤنث. (جوادی آملی، ۱۳۷۴: ۶۵). قرآن کریم وقتی مسئله زن و مرد را مطرح می کند می گوید این دو را از چهره ذکورت و انوئت شناسید، بلکه از چهره انسانیت شناسید و حقیقت انسان را روح او تشکیل می دهد نه بدن او. انسانیت انسان را جان او تامین می کند نه جسم او و نه مجموع جسم و جان. (همان: ۶۷)، مساوی بودن یا متمایز بودن زن و مرد در این است که ببینیم آنچه در آموزه های دینی اسلام مایه ارزش و فضیلت است چیست؟ در قرآن کریم آیاتی که در خصوص ارزش ها و ضد ارزشها سخن گفته شده است هیچکدام از این اوصاف نه مذکرند و نه مؤنث؛ زیرا موصوف این اوصاف هرگز بدن نیست بلکه روح است. اگر اسلام می گوید زن و مرد تفاوت ندارند یعنی سالبه به انتفاء موضوع است اگر ما در مسائل علمی که معیار ارزش است هیچ سخنی از مذکر و مؤنث نداریم یقیناً موصوف آنها مذکر و مؤنث نیست این از باب تبعیت است چه اینکه اگر در موصوف هم که روح است هیچ نشانه ای از مذکر و مؤنث نیافتیم یقیناً موصوف او هم منزه از ذکورت و انوئت است (همان: ۷۱). در کلام وحی، آیات فراوانی از خلقت ممتاز انسان سخن می گوید و معلوم است که در این دسته از آیات محور انسان است چه زن و چه مرد باشد، مانند: سوره اسراء آیه ۷۰ که می فرماید: "و نفس و ما سویها، فالهمها فجورها و تقواها، قد افلح من زکاهها و قد خاب من دسیها" همچنین آیاتی که در آنها دستیابی به فضیلت مورد سخن قرار گرفته است مانند: آیه ۱۳ سوره حجرات؛ آیه ۷۹ سوره نحل؛ آیه ۴۰ سوره مومن؛ همه بیانگر آن است که هر انسانی چه مرد چه زن دارای فضیلت باشد در محضر الهی از منزلت شایسته برخوردار است و تنها ایمان و عمل شایسته، ملاک سعادت انسان اعم از مرد و زن می باشد و هنگامی هم که خداوند در کلام الهی می خواهد از الگوهای شایسته و ناشایست سخن بگوید مانند آیه ۹-۱۲ سوره تحریم، نمونه هایی هم از مردان و هم از زنان در هر دو گروه معرفی می دارد. قرآن کریم می فرماید: "انی لا اذیب عمل عامل منکم من ذکر او انثی بعضکم من بعض" (ال عمران: ۱۹۵)، آیه فوق، زن و مرد را در وصول به مقامات معنوی در شرایط مشابه، یکسان می شمارد و هرگز اختلاف جنسیت و تفاوت ساختمان جسمانی و به دنبال آن پاره ای از تفاوت ها در مسئولیت های اجتماعی را دلیل بر تفاوت میان این دو از نظر به دست آوردن تکامل انسانی نمی شمارد (مکارم شیرازی، ۱۳۵۴، ص ۲۸۷).

با توجه به شواهد قرآنی می توان بیان داشت در آن بخش اساسی که موضوع تکامل است ذکورت و انوئت اصلاً راه ندارد آنجا که خدای سبحان در قرآن کریم می فرماید: "یا ایها الانسان انک کادح الی ربک کدحاً فملاقیه" (انشقاق: ۶) این خطاب به انسانیت است و در انسانیت ذکورت و انوئت نقش ندارد آنچه مهم است این است که انسان بالاخره به لقاء الله می رسد و یا به لقاء جمال الهی راه می یابد و یا به لقاء جلال الهی، و در این راه زن و مرد همتای یکدیگرند. (جوادی آملی، ۱۳۷۴، ص ۳۲۷). اسلام تشخیص می دهد که انسانیت یک نوع واحد ممتاز است و مرد و زن هر دو انسانند و در عین حال که از جهت نری و مادگی متفاوتند از جهت انسانیت هیچگونه فرقی با هم ندارند (علامه طباطبایی، بی تا، ص ۲۴).



دیدگاه دوم، عرصه فعالیت های اجتماعی زن است؛ اعم از فعالیت اقتصادی، فعالیت سیاسی، فعالیت اجتماعی به معنای خاص، فعالیت علمی، درس خواندن، درس گفتن، تلاش کردن در راه خدا، مجاهدت کردن و همه میدان های زندگی در صحن جامعه. در این جا هم میان مرد و زن در اجازه فعالیت های متنوع در همه میدان ها، هیچ تفاوتی از نظر اسلام نیست. از نظر اسلام، در همه این فعالیت های مربوط به جامعه بشری و فعالیت های زندگی، زن و مرد دارای اجازه مشترک و همسان هستند. (مقام معظم رهبری، ۱۳۷۵)، البته بعضی از کارها هست که باب زنان نیست؛ چون با ترکیب جسمانی آنها تطبیق نمی کند. بعضی از کارها هم هست که باب مردان نیست؛ چون با وضع اخلاقی و جسمی آنها تطبیق نمی کند. این موضوع ربطی به این ندارد که زن می تواند در میدان فعالیت های اجتماعی باشد یا نه. تقسیم کار، بر حسب امکانات و شوق و زمینه های اقتضای این کار است. البته در عرصه این فعالیت ها، اسلام حدودی را معین کرده است که این حدود، مربوط به زن و اجازه داشتن او برای فعالیت نیست؛ مربوط به اختلاط زن و مرد است که اسلام روی این مسأله حساسیت دارد. در سوره نحل آیه ۹۷ خداوند می فرماید: "من عمل صالحا من ذکر او انثی و هو مومن فلنحیینه حیات طیبه و لنجزینهم اجرهم باحسن ما کانوا یعملون" به این ترتیب معیار تنها ایمان و اعمال صالح زاینده آن است و دیگر هیچ قید و شرطی نه از نظر سن و سال، نه از نظر نژاد، نه از نظر جنسیت و نه از نظر پایه و رتبه اجتماعی در کار نیست. (مکارم شیرازی، ۱۳۶۰، ص ۴۲۲)، بی شک، زن و مرد تفاوت هایی از نظر جسم و روح دارند و به همین دلیل، در احراز پست های اجتماعی متفاوتند و هر کاری از کسی ساخته است ولی هیچ یک از اینها دلیل بر تفاوت شخصیت انسانی آنها و یا تفاوت مقامشان در پیشگاه خداوند نیست و از این نظر هر دو کاملا برابرند. (همان، ص ۴۲۴) قرآن کریم می فرماید: "انی لا اذیع عمل عامل منکم من ذکر او انثی بعضکم من بعض" (آل عمران: ۱۹۵)، روی همین اصل شرع اسلام، زن را نیز مانند مرد جزء کامل جامعه انسانی قرار داده و هر دو را به طور تساوی جزء متشاکر شناخته و برای زن نیز آزادی اراده و عمل تشریح فرموده چنانکه در مرد همین حق را جعل کرده است ولی البته لازمه جزء کامل بودن فردی از جامعه این نیست که هر حقی را که هر جزء دیگر جامعه دارا است و از هر مزیتی که فردی برخوردار است آن خود نیز دارا و برخوردار بوده باشد. (علامه طباطبایی، همان، ص ۲۵)

باید توجه داشت دیدگاه دوم مطرح گردیده در خصوص عرصه فعالیت اجتماعی زن؛ در واقع در خصوص اساس صحت این نوع نگاه می باشد که به نظر با آموزه های دینی اسلام تعارضی ندارد اما قاعدتا این دیدگاه دارای حد و حدود و مشروط به شرایط مختلفی می باشد که عدم توجه به آنها می تواند به اصل دیدگاه آسیب رساند و موجب بروز تعارضاتی در انجام تکالیف اساسی زنان گردد، به ترتیبی که ایفای نقش در این عرصه در ایفای نقش زن در دو عرصه دیگر اختلال وارد کند. زیرا به دلیل وجود تفاوت های جسمانی، روانی، عقلانی و عاطفی بین زن و مرد که بنابر حکمت الهی در راستای ایفای نقش مکملیت وجود دارد قطعا چگونگی و کمیت و کیفیت فعالیت های اجتماعی بین این دو جنس متفاوت خواهد بود و همچنین با توجه به تکالیف و مسئولیت های تعریف گردیده برای زن و مرد در خانواده و ضرورت های مطرح در جامعه و توانمندی های افراد و مهم تر از همه وجود تفاهم بین همسران یعنی مرد و زن در خانواده در این موضوع، این دیدگاه می تواند از گستردگی یا محدودیت یا اولویت و اعتبار برخوردار باشد. چنان که برخی از آیات قرآن کریم به این تفاوت ها اشاره دارند. در سوره بقره آیه ۲۲۸ خداوند می فرماید: "و لهن مثل الذی علیهن بالمعروف و للرجال علیهن درجه و الله عزیز حکیم" و یا در سوره نساء آیه ۳۲ آمده است: "ولا تمنوا ما فضل الله به بعضکم علی بعض للرجال نصیب مما کتسبوا و للنساء نصیب مما کتسبن و اسالوا الله من فضله ان الله کان بکل شی علیما". در هر دو آیه خداوند می فرماید در مسایل مالی و حقوق مادی مرد و زن مساوی هستند یعنی هر کدام هر چه را کسب کرده اند از آن خودشان است و اگر بر یکی مسئولیتی هست در برابر آن نیز حقی هست ولی در عین حال برای مردان (یا شوهران) نوعی درجه نسبت به زنان است. (حسینی زاده، ۱۳۹۳، ص ۱۵۸). مراد از آیه طبق نظر علامه طباطبایی صرف برتری های مالی که خود فرد از راه کسب و فعالیت به دست می آورد نیست بلکه برتری های تکوینی و تشریحی خدادادی مراد است زیرا اگر تنها برتری (فزونی) اکتسابی مراد باشد ارتباط آیه با آیات قبل قطع می شود. (طباطبایی، ۱۴۱۷، ص ۴، ص ۳۳۷ به نقل از حسینی زاده).

نتیجه این که اصل تفاوت و فزونی در قرآن کریم پذیرفته شده است و این تفاوت ها برخی تکوینی و برخی تشریحی است. (حسینی زاده، ۱۳۹۳، ص ۱۵۹) همچنین علامه ذیل آیه ۲۲۸ سوره بقره بیان می دارد: با وجود عوامل مشترک بین زن و مرد، زنان با مردان از جهت



دیگری متفاوت اند و آن اینکه زنان با مردان در صفاتی از قبیل مغز، قلب، رگ، اعصاب، قد و وزن تفاوت دارند و این سبب لطیف شدن جسم، رقت قلب و تمایل به زیبایی و زینت در آنها شده است؛ چنان که جسم مرد خشن تر و تعقل در او بر زنان غلبه دارد. پس زندگی زنان احساسی تر و زندگی مردان عقلانی تر است و از این رو اسلام بین وظایف و تکالیف مرد و زن فرق گذاشته است و ولایت، قضاوت و جنگ را که نیاز به تعقل دارد به مردان واگذار کرده است و تربیت و امور منزل را به زنان واگذار کرده است. (طباطبایی، ۱۴۱۷، ج ۲، ص ۲۷۵، به نقل از حسینی زاده)

دیدگاه سوم، عرصه حضور زن در خانواده است. یعنی زن به عنوان یک دختر، همسر یا یک مادر. یکی از وظایف مهم زن، عبارت از این است که با بهره گیری از تعالیم ارزشمند اسلام و آخرین تجربیات و دستاوردهای معتبر علمی تلاش نماید عالمانه، فرزندان را آماده دستیابی به مراتبی از حیات طیبه در ابعاد فردی و اجتماعی بنماید.

تبیین دیدگاه سوم: عرصه حضور زن در خانواده

با توجه به سه دیدگاه اساسی مطرح در حوزه زنان به عنوان مربیان اصلی خانواده، محور سوم به دلیل اهمیت اساسی آن در تحکیم بنیان خانواده و وجه بسیار اثرگذار آن در تربیت آحاد انسانی؛ به طور میسوط در این قسمت مورد بحث قرار می گیرد.

از آن جایی که یک خانواده از سه رکن پدر، مادر و فرزند تشکیل یافته است. بنابراین زن در خانواده می تواند دارای یکی از سه نقش ذیل باشد:

نقش دختری زن در خانواده

با تحلیل آیات قرآنی در خواهیم یافت، سخن قرآن کریم از زن در نقش دختر خانواده، از سه منظر قابل بررسی می باشد: یک: دفاع از منزلت انسانی دختران و زنان؛ قرآن در آیات و شیوه‌های بیانی مختلف، نگاه فرودستانه به دختران و زنان را نکوهش کرده است:

«و لا تقتلوا اولادکم خشیه إِملاق نحن نرزقهم و ایاکم إن قتلهم کان خطاً کبیراً» (اسراء: ۳۱)

«و اذا الموووده سئلت بأی ذنب قتلت» (تکویر: ۸ و ۹)

دوم: تأیید ویژگی‌های شخصیتی و روان شناختی دختران. قرآن کریم در یک مورد از شعور بالا، دقت، دریافت واقع‌نگر و

شخصیت‌شناسی درست دختران، سخن گفته است و آن قضاوت و شناختی است که دختران شعیب علیه السلام پس از دیدار کوتاه با موسی علیه السلام به هنگام آب‌دادن گوسفندان بدان رسیدند و هنگامی که به خانه برگشتند آن دریافت را به پدر ابراز داشتند:

«قالت احدهما یا ابت استأجره إن خیر من استأجرت القوی الامین» (قصص: ۲۶)

بیان این فراز حکایت موسی و دختران شعیب از سوی قرآن، نوعی تأیید ذکاوت، تیزهوشی و روانشناسی قوی برای دختران است.

سوم: توانمندی دختران در عرصه‌های کسب خبرمی باشد. در داستان حضرت موسی علیه السلام، خواهر موسی به عنوان گماشته مادر، در تعقیب و ردیابی برادرش موسی توانست وظیفه و مسئولیت محول شده به خود را به شایستگی انجام دهد و ضمن ورود به کاخ فرعون، زمینه بازگشت موسی به آغوش مادر را سامان دهد و به فرجام دل خواه برساند.

«و قالت لاخته قصیه فیصرت به عن جنب و هم لا یسعرون. و حرّمنا علیه المراضع من قبل فقالت هل أدلکم علی اهل بیت یکفلونه لکم و

هم له ناصحون. فرددناه إلی امّه کی تقرّ عینها و لا تحزن...» (قصص: ۱۳-۱۱)

نقش همسری زن در خانواده

تامل در آیات قرآنی نشانگر آن است که زن در جایگاه همسری از منظر قرآن، نقش‌های ذیل را بر عهده دارد:

۱- کامل‌کننده و تمامیت بخش وجود و هستی مرد

قرآن کریم در مواردی چند از زوج‌آفرینی موجودات از جمله انسان (یعنی زن و مرد) سخن گفته است؛ این مفهوم گذشته از بار معنایی همانندی تمام جانبه زن و مرد در ابعاد اساسی و اصول انسانی همچون، ارزش‌ها، کمال‌یابی و هویت انسانی، کامل‌کنندگی هر یک برای دیگری را نیز می‌رساند؛ چه هر زوجی به تنهایی نمی‌تواند آثار وجودی مترتب بر خود، مانند گسترش و تکثیر نسل را بروز دهد مگر آن‌گاه



که زوج او نیز وجود و در کنار او حضور - متناسب با آن چیز - داشته باشد. که اگر غیر این باشد، عنوان زوجیت صدق نمی‌کند و گذشته از آن وجود و اطلاق عنوان زوج بودن، لغو و بی‌ثمر خواهد بود:

"والله جعل لکم من انفسکم ازواجاً" (نحل: ۷۲)

"خداوند همسران شما را از جنس شما قرار داد."

«یا ایها الناس اتقوا ربکم الذی خلقکم من نفسٍ واحده و خلق منها زوجها...» (نساء : ۱)

۲- تداوم بخشیدن نسل آدمی

در همان آیه شریفه پیش گفته، پس از آن که خداوند از زوج‌آفرینی انسان و یگانگی آن دو در منشأ و گوهرآفرینش یاد می‌کند، می‌افزاید:

«...و بثّ منهما رجلاً کثیراً و نساءً...» (نساء : ۱)

آیه شریفه، نقش مشترک و همانند برای زن و مرد در تکثیر و گسترش نسل آدمیان، قائل می‌شود. و برای زنان سهمی به اندازه مردان در این زمینه می‌دهد.

۳- عامل آرامش همسر، برآورنده نیازهای روحی و روانی او

«و من آیاته أن خلق لکم من انفسکم أزواجاً لتسکنوا إلیها و جعل بینکم موده و رحمه...» (روم : ۲۱)

"هو الذی خلقکم من نفس واحد و جعل منها زوجها لیسکن الیها" (اعراف: ۱۸۹)

این آرامش از اینجا ناشی می‌شود که هر دو جنس مرد و زن مکمل یکدیگر و مایه شکوفایی و نشاط و پرورش یکدیگر می‌باشند به طوری که هر یک بدون دیگری ناقص است و طبیعی است که میان یک موجود و مکمل وجود او، چنین جاذبه نیرومندی وجود داشته باشد. (مکارم شیرازی، ۱۳۶۲، ص ۴۱۲)

۴- پوشاننده عیب‌ها و برآورنده نیازها و کاستی‌های شوهران

در نگاه قرآنی مردان و زنان کارکرد لباس و پوشش نسبت به یکدیگر را دارند:

«هنّ لباس لکم و انتم لباس لهنّ...» (بقره : ۱۸۷)

تعبیر لباس از زن و مرد در نقش همسری، می‌رساند که از فواید و کارکردهای همسری، مصونیت بخشی، حفظ وقار و آراستگی هر یک از همسران نسبت به دیگری است.

لباس از یک سو انسان را از سرما و گرما و خطر برخورد اشیاء به بدن حفظ می‌کند و از سوی دیگر عیوب او را می‌پوشاند و از سوی سوم زینتی است برای تن آدمی. این تشبیه که در آیه فوق آمده اشاره به همه این نکات است. (مکارم شیرازی، ۱۳۶۱، ص ۷۳۲). این تعبیر نهایت ارتباط معنوی زن و مرد و نزدیکی آنها به یکدیگر و نیز مساوات آنها را در این زمینه کاملاً روشن می‌سازد زیرا همان تعبیر که در آیه مردان آمده بدون هیچ تغییر در باره زنان هم آمده است. (همان)

۵- مشاور همسر در امور خانواده

خداوند در دو سوره از قرآن، زنان را مشاور همسرانشان معرفی کرده است:

«والوالدات یرضعن اولادهنّ حولین کاملین... فان اراد فصلاً عن تراضٍ منهما و تشاورٍ فلا جناح علیهما...» (بقره : ۲۳۳)

«وأتمروا بینکم بمعروف...» (طلاق : ۶)

۶- پاسخ‌دهی به نیازهای طبیعی همسری

«نساء کم حرث لکم فأتوا حرثکم أنى شئتم...» (بقره : ۲۲۳)

نقش مادری زن در خانواده

محیط خانواده نخستین و مهم‌ترین مهد پرورش کودک است و ساختار شخصیتی فرد در این کانون پی‌نهاد می‌شود. صراحت متون مقدس و معتبر اسلامی در توجه به نقش والدین در تربیت، هم‌چنین تنوع فراوان آن‌چه در روایات در باره وظایف تربیتی خانواده آمده است،



اجماعی کلی در باره مسئولیت والدین نسبت به تربیت فرزندان پدید آورده است. در قرآن کریم برخی آیات به صراحت بر مسئولیت تربیتی زن در خانواده تأکید دارد :

نخست آیه «یا ایها الذین آمنوا قُوا انفسکم و اهلکم ناراً و قودها الناس و الحجاره» (تحریم: ۶) است .

در این آیه سخن از نگهداری خویش به ترک معاصی و عدم تسلیم در برابر شهوات سرکش است و نگهداری خانواده به تعلیم و تربیت ، امر به معروف و نهی از منکر و فراهم ساختن محیطی پاک و خالی از هر گونه آلودگی در فضای خانه و خانواده است. این برنامه ای است که باید از نخستین سنگ بنای خانواده ، یعنی از مقدمات ازدواج و سپس نخستین لحظه تولد فرزند آغاز گردد و در تمام مراحل با برنامه ریزی صحیح و با نهایت دقت تعقیب شود. (مکارم شیرازی، ۱۳۶۵، ص ۲۹۹) و مسئولیت آن بر عهده پدر و مادر هر دو می باشد.

دوم آیه «والوالدات یرضعن اولادهن حولین کاملین لمن اراد ان یتیم الرضاعه و علی المولود له رزقهن و کسوتهن بالمعروف لا تکلف نفس الا وسعها لا تضارّ والده بولدها و لا مولوداً له بولده» (بقره: ۲۳۳) است. بنا بر این خانواده باید در بارگاه الهی نسبت به انجام تکلیف های تربیتی خود پاسخگو باشد . در خانواده ، نقش مادر در تربیت فرزندان بسیار مهم است . پیامبر اکرم (ص) می فرماید: « اعظم الناس حقا علی المراه زوجها و اعظم الناس حقا علی الرجل امه» (کنز العمال : ۴۴۷۷۱) از این رو در اسلام نقش مادر بیشتر نافذ به بعد تربیتی بوده و در صورتی که زن بتواند بهترین نقش همسری را برای شوهرش و بهترین نقش مادری را برای فرزندانش ایفا کند هم به وظیفه خود عمل کرده و هم موجبات استحکام پایه های خانواده را فراهم می آورد که تاثیرگذار در تعالی جامعه است و هم موجب رضای خداوند متعال می شود . بر اساس آیه ۲۳۳ سوره بقره که بیان می دارد والوالدات یرضعن اولادهن حولین کاملین ، حق شیر دادن در دو سال شیرخوارگی به مادر داده شده و اوست که می تواند در این مدت از فرزند خود نگهداری کند و به اصطلاح حق حضانت در این مدت از آن مادر است هر چند ولایت بر اطفال صغیر به عهده پدر گذاشته شده است اما از آنجا که تغذیه جسم و جان نوزاد در این مدت با شیر و عواطف مادر پیوند ناگسستنی دارد این حق به مادر داده شده علاوه بر این عواطف مادر نیز باید رعایت شود بنابراین قرار دادن حق حضانت و نگهداری و شیر دادن برای مادر حق دو جانبه است که هم برای رعایت حال فرزند است و هم مادر . (مکارم شیرازی ، ۱۳۷۵، ص ۲۲۲) ، در آیه ۱۴ سوره لقمان ، خداوند نخست در باره پدر و مادر سفارش می کند آن گاه به زحمات فوق العاده مادر اشاره کرده و می گوید مادرش او را حمل کرد در حالی که هر روز ضعف و سستی تازه ای بر ضعف او افزوده می شد. به هر حال مادر در دوران حمل و شیر خوارگی فرزند خود بزرگترین فداکاری را هم از نظر روحی و عاطفی و هم از نظر جسمی و هم از جهت خدمات در مورد فرزندش انجام می دهد. (مکارم شیرازی ، ۱۳۶۲، ص ۵۱)

از سوی دیگر در آیات قرآن کریم از مادران نمونه به عنوان الگو در امر تربیت فرزندان صالح یاد شده است. مانند : همسر عمران مادر

مریم، مریم زن نمونه و بانویی است که در قرآن کریم ستایش افزون شده و زن برگزیده از میان عالمیان معرفی شده است :

«واذ قالت الملائکه یا مریم ان الله اصطفاک و طهرک و اصطفاک علی نساء العالمین» (آل عمران : ۴۲)

قداست و برگزیدگی مریم ، مهربون تربیت وی در دامان مادری چون همسر عمران با شایستگی ها، باور، اخلاص و ایمان خاص می باشد.

زیرا قرآن قبل از تکریم مریم، به ارائه ویژگی هایی از مادر او پرداخته است :

«ربّ ائی نذرت لک ما فی بطنی محرراً فتقبّل منی انک انت السّميع العليم» (آل عمران : ۳۵)

بی تردید زنی با این خداآوری و نیت الهی و معنوی، دوره بارداری خویش را در کمال پروا پیشگی و بندگی خالصانه به سر برده و مراقب

طهارت ظاهری، باطنی و دوری از آرایش های تأثیرگذار بر کودک خویش بوده است.

مادر مریم، در نخستین لحظه های تولد فرزندش در اندیشه پایبندی به عهدی است که با خدا بسته است و زمانی که می بیند برخلاف تصور

او دختری به دنیا آورده که نمی تواند بر اساس رسوم آن جامعه در شمار خدمت کاران خانه خدا درآید، اما این رویداد خلاف تصور، چیزی از

ایمان وی، نمی کاهد و نوزادش را «مریم» (عبادت کننده خداوند) نام می نهد و با سپردن او، و نسلش به خداوند، خواهان امداد الهی در

تربیت وی می گردد:

« فلما وضعتها قالت ربّ ائی وضعتها انثی و الله اعلم بما وضعت و لیس الذکر کالانثی و ائی سميتها مریم و ائی اعیذها بک و ذریتها من



الشيطان الرجيم» (آل عمران : ۳۶)

واژه «عوذ» به معنای پناه بردن، پناه دادن و تمسک به غیر است. عوذ مریم به خدا، یعنی به تمام و کمال سپردن او به خداوند. مادر مریم در تربیت شایسته او از هیچ کوششی فروگذار نکرد و خداوند به دست او و در دامن او، مریم را به رشد و کمالی بس نیک و شایسته رسانید. «و انبتها نباتا حسنا» بیانگر رشد، تربیت و پرورش بایسته و مطلوب مریم است. نمونه دیگر، مریم مادر عیسی علیه السلام می باشد. مقام مریم در عبودیت و بندگی خداوند به مرتبه‌ای رسید که برگزیده خداوند شد. مائده آسمانی بر او فرود می آمد و مورد غبطه پیامبر الهی (زکریا) قرار گرفت و داشتن چنان فرزندی را از خداوند درخواست کرد. مریم از زنان مورد ستایش قرآن است از آن جهت که پاک و پاکدامنی خود را به شدت پاس داشته است و تا آنجا پیش رفته که شایستگی دریافت نفخه الهی شده است.

«و مریم ابنت عمران الّتی أحصنت فرجها فنفخنا فیہ من روحنا و صدقت بکلمات ربّها و کتبه و کانت من القانتین» (تحریم : ۱۲)
 «و اذ قالت الملائکة یا مریم انّ الله اصطفاک و طهرک علی نساء العالمین. یا مریم اقتنی لربک و اسجدی و ارکعی مع الرّاکعین» (آل عمران : ۴۲ و ۴۳)

از مجموع آیات مربوط به توصیف حالات خلقی مریم، سکنی گزینی او در عبادتگاه پروردگار و بهره‌وری از نعمت‌های بهشتی، چند مطلب قابل دریافت است :

یک : پاکدامنی و بندگی خالصانه مریم، سبب شد که مولود بزرگواری چون عیسی مسیح (ع) در دامن او زاده شود؛ دو : تولد فرزندی چون عیسی از مادری چون مریم سزا است و این به صورت آشکار نقش مادر در تربیت فرزندان در مراحل جنینی و پس از آن و نیز تأثیر حالات روحی، اخلاق و ایمان مادران بر خلق و خوی و حالات و رفتار فرزندان را می‌رساند.
 سه : گویی تمام عظمت و تقدیس مریم در نقش مادری او به عیسی و زادن و پروردن او خلاصه می‌شود. کثرت آیات ناظر بر مادری مریم برای عیسی از همین منظر قابل فهم است.

چهار : مادری مریم، برای عیسی علیه السلام را نمی‌توان بسان گذرگاه و ظرفی بدون نقش و تأثیر برای مظلوف و شخصیت مسیح انگاشت که اگر چنین می‌بود، یاد آوری آن همه توصیف از پروای اخلاقی، خداواری مریم و جای گرفتن وی در مقدس‌ترین مکان، پرداختن به پرستش شبانه‌روزی خداوند و تغذیه از پاک‌ترین غذاها، در دوره پیش از تولد فرزند، ضرورت و توجیه درخور فهم و عقلائی نمی‌یافت.
 افزون بر این، بشارت تولد عیسی علیه السلام را فرشتگان به مریم دادند و آن نوزاد را با لقب «فرزند مریم» معرفی کردند و این یعنی که او سهمی به سزا در تحقق اراده الهی و تولد فرزندی چون عیسی از دامن او داشته است :
 «اذ قالت الملائکة یا مریم انّ الله یشرک بکلمة منه اسمہ المسیح عیسی ابن مریم و جیها فی الدنيا و الاخرة و من المقربین» (آل عمران : ۴۵)

یکی از آیاتی که به گونه صریح تأثیر نقش تربیتی مریم در تکوین شخصیت عیسی (ع) را باز می‌گوید، آیه هفتاد و پنجم سوره مبارکه مائده است:

«ما المسیح ابن مریم إلا رسولٌ قد خلت من قبله الرّسل و امه صدیقه کانا یا کلان الطعام» (المائده : ۷۵)

یکی از جنبه‌های تأکید خداوند بر «صدیقه» بودن مریم آن است که بگوید، پاره‌ای از خصوصیات و صفات منحصر به فرد و استثنایی عیسی (ع) ره آورد صفت صدیق بودن مادر او، مریم است و گرنه او انسانی بسان سایر انسان‌ها است.
 سومین مورد از زنان نمونه در قرآن کریم، مادر موسی (ع) است. موسی (ع) در روزگاری به دنیا آمد که فرعون، فرزندان پسر بنی اسرائیل را سر می‌برد تا سلطنت وی زوال نیابد. در این هنگام بود که مادر موسی علیه السلام از سوی خدا راهنمایی شد :
 «و اوحینا الی امّ موسی انّ أرضعیه فاذا خفت علیه فالقیه فی الیم و لا تخافی و لاتحزنی انّا رادّوه الیک و جاعلوه من المرسلین. فالتقطه آل فرعون لیكون لهم عدواً و حزناً» (قصص : ۷ و ۸)

در این ماجرا چند موضوع قابل توجه است :



یک: وحی الهی به مادر موسی علیه السلام چه به معنای الهام باشد و یا شنیدن صدا و یا هر مکانیسم دیگر، آن چه مهم می‌نماید و منزلت مادر موسی علیه السلام را به عنوان مادر بسی والایی می‌بخشد، این واقعیت است که می‌بینیم، تمامی تدبیرهای وحیانی خداوند به صورت مدبرانه از سوی مادر موسی فراگرفته و اجرا می‌شود و خداوند از ایمان، تعهد و اجرای دقیق دستورات خود به وسیله مادر موسی علیه السلام با لحن ستایش گزارش می‌کند.

دو: راز بازگشت دوباره موسی به آغوش مادر، تسکین قلب مادر موسی، زدودن اندوه از وی و اثبات حقانیت وعده خداوند دانسته شده است: «فرددناه إلی امّه کی تقرّ عینها و لا تحزن ولتعلّم أنّ وعدالله حق...» (قصص: ۱۳)

اما این واقعیت که از میان تمامی راه‌های ممکن خداوند، راهکار امتناع او از پذیرش و مکیدن پستان زنان دیگر را عامل بازگشت موسی به مادر، تقدیر و پیش‌بینی می‌کند، نشانگر این مطلب می‌تواند باشد که کار تربیت موسی (ع) باید که به وسیله زنی چون مادر خود وی انجام پذیرد و نه هر زن شیرده دیگر، و این به معنای برجسته کردن اهمیت نقش تربیتی مادران است.

محور پایانی بحث در این قسمت، موضوع ایفای نقش مربیگری مادران است. در آموزه‌های دینی اسلام، تمامی کسانی که دارای نقش و کارکرد تربیتی هستند، از ارج و منزلتی بیش از سایرین برخوردار می‌باشند، ربوبیت از صفات کمالیه الهی و خداوند «رب» تربیت‌کننده مطلق جهانیان است: «الحمد لله رب العالمین»

پیامبران الهی از جمله صفات و رسالت‌هایشان، مربیگری است: «هوآلذی بعث فی الاممیین رسولا منهم یتلوا علیهم آیاته و یزکیهم و یعلّمهم الكتاب و الحکمه و ان کانوا من قبل لفی ضلال مبین» (جمعه: ۲)

از این رو مهم‌ترین مواردی که قرآن به نقش قابل‌تحسین مادران پرداخته، مواردی است که به جنبه مربیگری آنان نظر داشته است. از آن جمله:

۱- حق بیشتر مادران بر فرزندان، نیکی و احسان به والدین در هفت سوره قرآن، سفارش شده و همواره پس از ایمان به خدا و یکتاپرستی که سنگ‌بنای سازواره اندیشه اسلامی را تشکیل می‌دهد، قرار گرفته است. در دو سوره از این سوره‌ها بر روی واژه مادر «ام» جداگانه تکیه شده و زحمتهایی که برای تربیت فرزند خود در هنگام بارداری، شیردهی، متحمل گشته است، یادآور شده و بدین‌سان منزلت مادری را ارج بیشتر از پدر بودن نهاده و حقوق بیشتر او بر فرزندان را گوشزد کرده است:

«و وصینا الانسان بوالدیه حملته امّه وهنأ علی وهن وفضاله فی عامین ان اشکرلی ولوالدیک» (لقمان: ۱۵)

«و وصینا الانسان بوالدیه إحساناً حملته امه کرهأ و وضعته کرهأ و حمله و فضاله ثلاثون شهراً...» (احقاف: ۱۵)

۲- قرآن در سوره اسراء، احسان و نیکی به والدین را در شمار احکامی که الزامی و بایستی است قرار می‌دهد و نمونه‌های از رفتار و برخورد نیکو را نیز یادآور می‌شود و در آخر می‌افزاید که فرزندان باید، در خلوتگه راز و نیایش با خداوند، از نقش تربیتی والدین یاد کنند:

«... و قل ربّ ارحمهما کما ربینی صغیراً» (اسراء: ۲۴)

جایگاه تربیتی زن در خانواده

با نظر به آیات قرآنی قبلی مطرح گردیده در خصوص نقش‌های مختلف زنان در خانواده، در ادامه جایگاه تربیتی زن متناظر با هر یک از نقش‌ها، مورد بحث قرار خواهد گرفت.

نقش مادری زن در خانواده

تحقق ایفای نقش مادری زنان، نیازمند تحقق مطلوب دو نقش آنان در عرصه وظایف دختری و همسری می‌باشد. قطعاً یک دختری که دقیقاً با ابعاد مختلف وظایف دختری و همسری خویش آشنا باشد و توانمند سازی او در عمل نیز به خوبی زیر نظر خانواده و با بهره‌گیری از کارگاه‌های آموزشی برگزار شده توسط نهادهای متولی امر خانواده و زنان و مطالعه منابع مفید دینی و علمی صورت گرفته باشد، در آینده نیز به خوبی از عهده وظایف مادری خویش بر خواهد بود و خواهد توانست زمینه‌های لازم را برای دستیابی به یک خانواده صالح و جامعه صالح محقق سازد. در این عرصه یکی از نقش‌های تربیتی زنان آن است که حداقل سی ماه مسئولیت‌هایی دارند که مرد ندارد و خدای سبحان با زن در طی این سی ماه سخن می‌گوید که آن سخن را با مرد ندارد. (جوادی آملی، ۱۳۷۴، ص ۲۲۲)، وظایفی ظرف سی ماه برای



زن مقرر شده است ، در این سی ماه که مستقیماً کودک از مادر تغذیه می کند مادر مسئول حفظ دو نفر است و دو تکلیف دارد یکی برای خود و دیگری برای کودک . پدر در اصل نطفه موظف است حلال بخورد و اگر بعداً مبتلا به حرام شد ارتباط تنگاتنگی با پرورش کودک ندارد ، زیرا غذای حرام پدر در جهاز گوارشی پدر هضم می شود اما غذای مادر در دستگاه گوارشی او به صورت شیر تبدیل می شود و کودک تغذیه می کند. او موظف است به کودک حلال بدهد و خود حلال بخورد اینها مربوط به غذاهای جسمانی می شود اما در غذاهای روحانی نیز چنین است اگر مرد خاطره بدی، خیال و هوس بدی در سر بپروراند خود را می سوزاند اما خیال باطل و حرام و اندیشه گناه برای زن علیه دو نفر خواهد بود. در واقع زن دو مسئولیت عظیم تربیتی در این دوران بر عهده دارد یکی اصلاح خود و دیگری اصلاح فرزند خود. لذا در قرآن کریم در عین حال که به انسان ها می گوید به پدر و مادر خود احترام نمایید ، مکرر نام مادر را می برد برای این که او سی ماه با تمام وجود مراقب تربیت جسمانی ، معنوی، اخلاقی و عاطفی فرزند خویش بوده است و این دوران نقش اثر گذار در چگونگی تربیت فرد در دوران بعدی زندگی خواهد داشت. بعد از گذشت این دوران نیز با نظر به احساسات و عواطف قوی ای که خداوند به دلیل ایفای نقش مادری در زن قرار داده است مادر همچنان پی گیر تربیت فرزندان در ابعاد مختلف شئون وجودی آنان با مشارکت همسر خویش می باشد .

نقش همسری زن در خانواده

با نظر به نقش همسری زن در ابعاد مختلف مورد نظر تحت عنوان کامل کننده و تمامیت بخش وجود و هستی مرد؛ تداوم بخش نسل آدمی ؛ عامل آرامش همسر، برآورنده نیازهای روحی و روانی او؛ پوشاننده عیبها و برآورنده نیازها و کاستیهای شوهران ؛ مشاور همسر در امور خانواده و پاسخدهی به نیازهای طبیعی همسری که قبلاً در ذیل آیات قرآنی مورد بحث قرار گرفت، می توان گفت تحقق محورهای مورد تاکید در قرآن کریم نیازمند آن است که دختران در خانواده از تربیت صحیحی برخوردار باشند و به خوبی توانمندی انجام نقش هایی را داشته باشند که در آینده باید مسئولیت آنها را در عرصه تربیتی بر عهده بگیرند. نقش های تربیتی زنان در این زمینه عبارت است از فراهم سازی موقعیت های تربیتی مناسب در خانواده برای برآوردن نیازهای روحی و روانی مرد و ایجاد آرامش همسر، این آرامش از اینجا ناشی می شود که هر دو جنس مرد و زن مکمل یکدیگر و مایه شکوفایی و نشاط و پرورش یکدیگر می باشند به طوری که هر یک بدون دیگری ناقص است و طبیعی است که میان یک موجود و مکمل وجود او ، چنین جاذبه نیرومندی وجود داشته باشد. (مکارم شیرازی ، ۱۳۶۲، ص ۴۱۲)

- دیگر آن که زمینه سازی های تربیتی لازم انجام دهد برای آن که پوشاننده عیبها و برآورنده نیازها و کاستیهای شوهرش باشد چرا که لباس از یک سو انسان را از سرما و گرما و خطر برخورد اشیاء به بدن حفظ می کند و از سوی دیگر عیوب او را می پوشاند و از سوی سوم زینتی است برای تن آدمی .

این تشبیه که در آیه فوق آمده اشاره به همه این نکات است. (مکارم شیرازی، ۱۳۶۱، ص ۷۳۲). این تعبیر نهایت ارتباط معنوی زن و مرد و نزدیکی آنها به یکدیگر و نیز مساوات آنها را در این زمینه کاملاً روشن می سازد زیرا همان تعبیر که در باره مردان آمده بدون هیچ تغییر در باره زنان هم آمده است. (همان) البته باید توجه داشت که این جایگاه تربیتی دو طرفه می باشد و تحقق مطلوب آن نیازمند تعامل دو جانبه زن و مرد است.

دیگر آن که از نظر تربیتی زن باید موقعیت های لازم و مناسبی را برای بهره گیری از لذت های حلالی که خداوند در قالب خانواده برای همسران مقرر فرموده است فراهم سازد که نتیجه آن دستیابی زن و مرد به سکینه و آرامش خواهد بود که وجود این آرامش در چگونگی انجام سایر وظایف تربیتی مشخص شده برای زن و مرد در کانون تربیتی خانواده تاثیر گذار خواهد بود. همچنین زن به عنوان مادر و نقش تاثیر گذاری که دارد فضایی تربیتی در خانواده فراهم آورد که با بهره گیری از اصل تربیتی مشاوره که بارها در آیات قرآنی مورد تاکید قرار گرفته است، مسائل درونی و بیرونی خانواده در ارتباط با خود و فرزندان و خویشان ، در این فضای تعاملی و دوستانه مورد گفتگو و بررسی قرار گیرد و با فراهم سازی محیطی آرام در مدیریت خانواده به همسر خویش مدد رساند تا کانون خانواده، موقعیت تربیتی آرام ، بهجت زا و امن برای طرح مسایل و حل و فصل امور باشد. تحقق این امر منوط به آن است که زمینه های تربیتی درست دختران تحت مدیریت مادران و پدرانی توانمند در خانواده قبل از ازدواج آنان پایه ریزی گردد و نهادهای متولی امر خانواده، و زنان؛ برنامه ریزی های لازم را



برای تقویت بنیان های معرفتی خانواده ها به ویژه دختران در هنگام تشکیل خانواده ، زنان و مادران در سطح نظر و عمل مرتبط با مباحث مطرح گردیده داشته باشند.

نقش دختری زن در خانواده

با نظر به این نقش ، جایگاه تربیتی را از دو منظر می توان مورد بحث قرار داد. یکی از منظر پدر و مادران در خانواده که باید زمینه سازی های لازم را به عمل آورند تا دختران بتوانند به خوبی این جایگاه را محقق سازند چرا که فراهم نبودن مقدمات و مقتضیات توسط مربیان می تواند موانع جدی در این فرایند ایجاد نماید. به همین منظور نیز در مجموعه آموزه های دینی اسلام، تاکیدات خاصی به والدین نسبت به چگونگی محبت ورزی به فرزندان دختر و توجه به ویژگی ها و خصوصیات آنان در نحوه برقراری ارتباط شده است که قطعاً توجه به این موارد، نقش تربیتی تاثیر گذار در زندگی دختران به عنوان مادران آینده خواهد داشت.

تحقق چنین هدفی نیازمند آن است که خانواده ها قبل از تولد فرزند و یا در زمان فرزنددار شدن از آموزش های لازم تربیتی در جهت عهده داری این مسئولیت سنگین برخوردار گردند و موضوع توانمند سازی دختران و پسران قبل از تشکیل خانواده یکی از مباحث جدی در امر سیاستگذاری در حوزه خانواده قرار گیرد تا آنان در آینده بتوانند زمینه سازی های لازم را جهت دستیابی دختران به معرفت های لازم در راستای چگونگی ایفای درست نقش های خود در وضعیت حال و آینده فراهم آورند و بدین ترتیب با توجه به تاثیرگذاری دختران در تربیت نسل آینده ؛ زمینه های مطلوبی نیز برای تربیت یک نسل فرهیخته فراهم گردد. از منظر دیگر نقش های تربیتی خود دختران در خانواده است که باید به آن توجه داشت که این نقش ابعاد مختلف دارد یکی شناخت ویژگی ها و ابعاد رشدی ، رغبت ها و محدودیت ها و در واقع تکالیف تربیتی در ارتباط با شناخت خود می باشد که در این عرصه دختران با نظر به آموزه های دینی اسلام و اساس خلقت وجودی خویش و همچنین با نظر به مطالعات علمی روانشناختی و جامعه شناختی دارای تفاوت های جسمی، روانی، بینشی و نگرشی می باشند. بنابراین توجه به تفاوت های روحی، روانی دختران و پسران نشانگر آن است که والدین باید در فرایند زمینه سازی برای فرزندان دختر خویش به این تفاوت ها توجه داشته و متناظر با این ویژگی ها مسئولیت و وظایف و انتظارات تعریف گردد ، همچنین خود دختران با شناخت دقیقی که از خلیات خویش از طریق مربیان و با مطالعه منابع سودمند دریافت می کنند تلاش نمایند در راستای تکوین و تعالی هویت خویش برای دستیابی به حد نصابی از شایستگی در عرصه ساحت های مختلف تربیتی مرتبط با نقش های مختلفی که بر عهده دارند ، بر نامه ریزی نمایند.

بحث و نتیجه گیری

در این مقاله تلاش گردید با بهره گیری از روش تحلیل کیفی و با استناد به آیات قرآن کریم ، پس از طرح رویکردهای مختلف در حوزه مطالعات زنان شامل شریعت گرایی، تجددگرایی و تمدن سازی با نظر به رویکرد منتخب تمدن سازی، سه دیدگاه مطرح در حوزه زنان شامل دیدگاه فردی و معنوی به زن ، دیدگاه اجتماعی به زن و دیدگاه خانوادگی به زن مورد بحث قرار گیرد و از بین سه دیدگاه اساسی مورد نظر در عرصه زنان به دلیل اهمیت دیدگاه سوم در تحکیم بنیان خانواده ، جایگاه تربیتی این دیدگاه به طور مبسوط از سه منظر نقش دختری زن ، نقش همسری زن و نقش مادری زن در خانواده تبیین گردد. سپس با نظر به نقش تبیین گردیده ، جایگاه تربیتی زن در خانواده مورد بحث قرار گیرد.

با نظر به مباحث تحلیلی بیان گردیده ، می توان اذعان داشت که تحقق نقش تربیتی زنان در خانواده ، امری چند لایه همراه با ارتباطات تعاملی کاملاً در هم تنیده می باشد که دستیابی به نتیجه ، منوط به آن است که به تمامی لایه ها به موقع و در ارتباط با یکدیگر توجه گردد یعنی نقش دختری زنان در نقش همسری آنان تاثیر گذار است و نقش همسری زنان در چگونگی نقش مادری آنان تاثیر گذار خواهد بود . بنابراین برای دستیابی به نتایج مطلوب مورد نظر در امر تربیت فرزندان یعنی دختران و پسران آینده و یا زنان و مردان آینده و به عبارتی مادران و پدران آینده ؛ متناظر با آیات قرآنی ، نیازمند یک مدیریت هوشمندانه و هدف گذاری عالمانه هستیم که می باید مورد نظر تمامی نهادهای سیاستگذار در عرصه خانواده و زنان و همچنین رکن تاثیر گذار تربیت یعنی خانواده ها قرار گیرد. همچنین به دلیل وضعیت کنونی جامعه و تغییر نقش هایی که متأسفانه در خصوص جایگاه زنان رخ داده است، نیازمند ایجاد یک تحول اساسی در عرصه سیاستگذاری های



دومین همایش ملی جایگاه و نقش مادر

2nd National Conference on the Status and the Role of Mother

زنان متناظر با نقش های تعریف گردیده برای آنان در آموزه های دینی اسلام می باشیم تا این سرمایه های ارزشمند انسانی بتوانند جایگاه تربیتی خود را در ابعاد مختلف دختری ، همسری و مادری به نحو مطلوب در نهاد خانواده و جامعه ایفا نمایند .



- قرآن کریم(۱۳۸۴).ترجمه آیه الله مکارم شیرازی.قم : نگین.
- ایمان، محمدتقی .(۱۳۹۰) مبانی پارادایمی روشهای تحقیق کمی و کیفی در علوم انسانی .تهران :انتشارات حوزه و دانشگاه.
- جوادی آملی، عبدالله(۱۳۷۴). زن در آینه جلال و جمال.چ چهارم. قم : مرکز نشر فرهنگی رجاء.
- حسینی زاده،سیدعلی(۱۳۹۳).جنسیت و تربیت از منظر اسلام و فمینیسم لیبرال.قم:پژوهشگاه حوزه و دانشگاه.
- ساروخانی، باقر .(۱۳۷۸) روشهای تحقیق در علوم اجتماعی .تهران :پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی.
- سبحانی،محمد تقی (۱۳۸۲). الگوی جامع شخصیت زن مسلمان .قم : دفتر مطالعات و تحقیقات زنان.
- صحیفه نور،سید روح الله الخمینی (۱۳۷۰). تهران: وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی ، مجلدات ۵،۶،۷،۸،۲۲.
- طباطبایی،محمد حسین(بی تا). زن در اسلام. قم : نشر محمد.
- کنز العمال، علی الممتقی ابن حسام الدین هندی(۱۳۶۴ق). بعاصمه حیدر آباد :دائرة المعارف العثمانیه.
- مبانی نظری تحول بنیادین در نظام تعلیم و تربیت رسمی عمومی جمهوری اسلامی ایران،(۱۳۹۰).تهران:شورای عالی انقلاب فرهنگی.
- مقام معظم رهبری (۱۳۷۵). بیانات ارائه گردیده در اجتماع زنان خوزستان. برگرفته از پایگاه اطلاع رسانی مقام معظم رهبری.
- مکارم شیرازی با همکاری جمعی از نویسندگان (۱۳۷۵). تفسیر نمونه.تهران:دارالکتب الاسلامیه، جلد دوم.
- ----- (۱۳۶۰). -----، جلد یازدهم.
- ----- (۱۳۶۱). -----، جلد اول.
- ----- (۱۳۶۲). -----، جلد شانزدهم.
- ----- (۱۳۶۵). -----، جلد بیست و چهارم.



سلامت اجتماعی و معنوی مادر و حمایت از آن

نرگس نجرابادی؛ کارشناس روانشناسی

Mina.nasrabadi@gmail.com

چکیده؛

حکمت و مصلحت خداوند متعال چنین است که در سرشت مادر نیز انگیزه ای فطری به وجود آورد که او را برای انجام رسالت مهم خویش به منظور بقای نوع، آماده کند. چون مادر، سختی دوران بارداری و زایمان را از روی رغبت تحمل می کند پس از تولد فرزند نیز وظیفه شیردادن و نگهداری و مهربانی نسبت به او را انجام می دهد تا وقتی که کودک رشد کند و خود بتواند کارهایش را انجام دهد. ارتباط بین فردی فرآیندی است که به وسیله آن و متناسب با جهان بینی و ارزشهای اخلاقی و اعتقادی، اطلاعات و احساسات خود را از طریق هماهنگی و پیام هایی با دیگران مطرح می شود و نتیجه آن در نوعی احساس رضایت مشاهده می شود. این توانایی موجب تقویت و توسعه رابطه ی سالم و سازنده و صمیمی با دیگران می شود در این مقاله سلامت اجتماعی و معنوی مادر و حمایت از آن مورد بررسی قرار داده است. و نتیجه این تحقیق بطوری که سلامت روانی و اجتماعی و همگرایی مطلوب را بیش از پیش فراهم نموده و به قطع روابط مخرب و بی حاصلی که نتیجه ای جز انحطاط، انزوا، واگرایی اجتماعی و آزردهی روحی ندارد منجر خواهد شد می رسد.

واژگان؛ مادر، معنوی، سلامت اجتماعی، حمایت اجتماعی

مقدمه

بنا به تعریف مرکز سلامت میکینلی، در دانشگاه ایلینوی، سلامتی کامل: حالتی از تن درستی در حد کمال است که در جهت افزایش حداکثری توان بالقوه ی فرد پیش می رود. فرایندی است به سوی بالا بردن سطح مطلوبیت سلامت محیطی، معنوی، اجتماعی، هیجانی، هوشی، و جسمانی در تمام طول عمر. بنزلی (۱۹۹۱)، متخصص سلامت، سلامت را به منزله هماهنگی ابعاد گوناگون کارکرد انسان که شامل بعد اجتماعی، روانی، عاطفی و معنوی می شود، تشریح می کند. اما این هماهنگی چگونه ایجاد می شود؟ بعد معنوی عنصر ذاتی کارکردی انسان است و اعمال او را با دیگر عناصر هماهنگ می کند، بعد معنوی است که هماهنگی معنویت انسان را با دیگر ابعاد زندگی او ممکن می سازد بنابراین به حداکثر رساندن استعداد رشد و خود شکوفایی محسوب می شود. امروزه سلامت بهینه را کارکردی منسجم و پویا می دانند که مسئولیت فرد را در قبال خویش تا جایی که ممکن است افزایش می دهد و نتیجه آن طول عمر با نشاط و پربخت، آرامش، شادکامی و برخورداری از معنویت، کارآمدی و روابط اجتماعی سالم و سازنده است (گلزاری، ۱۳۹۵). نقش همسری و مادری در هویت بسیاری از زنان در دوران بزرگسالی اهمیت دارد. پژوهش ها نشان می دهد که اگرچه ازدواج و اشتغال هر دو با سازگاری مثبت در زنان همراه است مادر بودن به طور کلی با ناراحتی روانشناختی بیشتری همراه است.

تنهایی، کار مداوم و تکراری، استرس های فرزندپروری، نبود تضمین مالی، برآورده نشدن انتظارات از ازدواج، در دسترس نبودن فرصت های شغلی یا تحصیلی و موضوعاتی از این دست، مادران را در معرض انواع بیماری های روحی و روانی قرار می دهد. مادر شدن، پدیده ای با تغییرات فیزیکی، روانی، اجتماعی برای زنان اتفاق می افتد. حمایت اجتماعی تأثیر مثبتی در تجربه ی این رویداد برای زنان به شمار می رود، به طوری که حمایت اجتماعی را به عنوان عاملی محافظتی برای جلوگیری از افسردگی پس از زایمان در نظر می گیرند. مطالعات نشان داده است که حمایت اجتماعی در دوران بارداری، با سلامت روان بهتر و کاهش احتمال ابتلا به افسردگی پس از زایمان همراه است (بیکن و دیگران، ۲۰۰۷: ۳۰۱). زنان به دلیل حساسیت های روحی و عاطفی بیشتر از مردان در معرض آسیب های روانی قرار دارند. زنان اگر چه



نسبت به مردان طول عمر بیشتری دارند اما در مقایسه با مردان طول عمر بیشتری دارند. اما در مقایسه با مردان بیشتر در معرض خطر اختلالات روانی از جمله افسردگی، اضطراب، نگرانی و اختلالات اشتها... هستند. کودکانی که از مادران دارای اختلالات روانی به دنیا می آیند بیشتر در معرض اختلالات روانی از جمله افسردگی هستند و احتمال عدم موفقیت تحصیلی در این افراد بیشتر است (هرن و دیگران، ۲۰۰۷: ۱۰۲). سلامت روان، شخصیت و چگونگی مقابله با استرس در مادران به نحو چشمگیری بر روی جنین اثر می گذارد با توجه به افزایش روز افزون فشارهای روانی و حضور فعال زنان در اجتماع و استرس هایی که به خاطر دو گانگی نقش بر آنان وارد می شود این موضوع پیش می آید که آیا زمانی که در این شرایط حامله می شوند توانایی کنار آمدن با فشارهای روانی را خواهند داشت. (خدارجمی، ۱۳۷۷). مراقبت از سلامت مادر در دوران حاملگی و جلوگیری از نگرانی ها، اضطرابها و فشارهای روانی او و آموزش برای آشنا ساختن آنان با مکانیزم های سازگاری، زبان های جبران ناپذیری را که ممکن است در نتیجه کوچک ترین احوال در این دوره بوجود آید، کاهش می دهد (کرامت بخش ور، ۱۳۸۸). حمایت اجتماعی در زنان با وضعیت خلقی مثبت، کیفیت زندگی مطلوب، خود کارآمدی، خود ارزشی، عزت نفس مناسب و احساس ارتباطات میان فردی مثبت، رابطه دارد که همه این عوامل با بهزیستی روان شناختی مرتبط می باشند (کاپیر و دیگران، ۲۰۱۱). چنانچه حمایت از زنان در مراحل اولیه مادر شدن باشد، نگرش اجتماعی او را تقویت کرده و سلامت زن را در مدت زمان طولانی تر در دوره ی پس از زایمان یا سقط، خواسته و ناخواسته، تضمین می کند (حسینی، ۱۳۹۵). حمایت اجتماعی بر در دسترس بودن و کیفیت روابط با افرادی که منابع حمایتی را در مواقع مورد نیاز فراهم می کنند تأکید دارد، دوستان، آشنایان و خانواده، خدمات عینی و اطلاعاتی را فراهم می کنند که موجب می شود یک فرد احساس مراقبت، دوست داشته شدن، عزت نفس و ارزشمند بودن کند و خود را جزیی از شبکه ارتباطی بداند (تقی پور و حسینی حاجی بکنده، ۱۳۸۹: ۱۴۵). افرادی که حمایت اجتماعی مناسبی دریافت می کنند، توانایی سازگاری بهتری در مقابل مشکلات دارند و از سازگاری روان شناختی مطلوبی برخوردار هستند. از حمایت اجتماعی به عنوان عامل کاهش ریسک پذیری در برابر رشد اختلالات روانی نام برده شده است. مطالعات نشان داده اند که حمایت اجتماعی ارتباط منفی با نشانه های اضطراب و افسردگی در افراد بهنجار و بالینی دارد (وینگ و دیگران، ۲۰۱۴: ۳۱۳).

عملکرد حمایت اجتماعی در استرس

راتوس (۱۹۸۹)، عقیده دارد که حمایت اجتماعی از طریق فرایندهای زیر فشارهای روانی را تعدیل می کند:

- ۱- توجه عاطفی شامل: گوش دادن به مشکلات فرد و ابراز احساس همدلی، مراقبت، فهم و قوت قلب دادن.
- ۲- یاری رسانی یعنی ارائه حمایت و یاری که به رفتار انطباقی می انجامد.
- ۳- اطلاعات: ارائه راهنمایی و توصیه جهت افزایش توانایی مقابله ای افراد.
- ۴- ارزیابی: ارائه پس خوراند از طرف دیگران در زمینه عملکرد منجر به تصحیح عملکرد.
- ۵- جامعه پذیری: دریافت حمایت اجتماعی معمولاً به واسطه جامعه پذیری به دست می آید در نتیجه نتایج سودمندی به دنبال می آورد (بخشی پور رودسری و همکاران، ۱۳۸۴: ۱۴۷).

از منظر راتوس می توان چنین استدلال نمود که حمایت اجتماعی با کاهش منابع فشار و تعدیل آنها به مثابه یک عامل بازدارنده در برابر آسیب های اجتماعی عمل می کند (دلپسند و همکاران، ۱۳۹۱: ۱۲).

به اعتقاد سالیوان^۲: وجود آدمی وابسته به ارتباط با دیگران است. ولی گر چه وراثت و رشد را زیر بنای شخصیت و پایه گذار استعدادها و تمایلات اصلی آدمی می داند، با وجود این، روابط و تعاملات را وجهه ی مشخصه آدمی ذکر می کند. وی معتقد است که عوامل ذهنی تحت الشعاع عوامل اجتماعی قرار دارد و آدمی طی فرایند معاشرت با هموعان توانائی های لازم را برای برآوردن نیازها و مرتفع نمودن تنیدگی کسب می کند (سیاسی، ۱۳۷۹).

امام علی (ع) می فرماید: فرمودند: «ای مردم! انسان هر قدر هم ثروتمند باشد، از خویشاوندان خود بی نیاز نیست که از او با زبان و دست دفاع کنند. خویشاوندان انسان، بزرگ ترین گروهی هستند که از او حمایت می کنند و اضطراب و ناراحتی او را می زدایند؛ و در هنگام مصیبت ها نسبت به او، پرعاطفه ترین مردم می باشند.» (نهج البلاغه/۶۹).



برخی از آثار بهداشتی و روان شناختی برقراری ارتباط با دیگران

(الف) امنیت روانی و مادی فرد را تأمین می کند

(ب) احساس نیاز به محبت ورزیدن و مورد محبت واقع شدن را تأمین می نماید

(ج) موجب سلامت جسمانی و در نتیجه، طول عمر می شود.

(د) به زندگی فرد، نشاط و احساس ارزشمندی می بخشد.

(و) پایگاه اجتماعی فرد را تقویت می کند و از این رو، اعتماد و اطمینان خاطر برای شخص به ارمغان می آورد. شلدون کاشدان^۱ در این خصوص می گوید: گاهی الگوی آینده بر اعتماد مردم به همدیگر که موجب رابطه آنان است تأکید می کند و به همین دلیل است که می گوئیم گاهی برخی از مفاهیم مانند رابطه مستحکم، تبادل افکار و احساس تعهد، در نهایت جایگزین مفاهیمی همچون من برتر، دگماتیسم، نورز و اختلال عقلی می شود. الگوی آینده، گاهی حتی متضمن مفهومی جدید همچون مفهوم محبت است (ترجمه سلامه و نجاتی، ۱۹۷۷:۲۶۶) سلامت معنوی می تواند اثری مثبت بر سلامت روانی و جسمی داشته باشد. معنویت از دو طریق روی سلامت جسمی، روانی و اجتماعی تأثیر می گذارد؛ (الف) رفتارهای بهداشتی: تعهد دینی و معنویت موجب فعال سازی مسئولیت پذیری شخص در زمینه اصول و باورهای مندرج شده در دین می شود که اثرات جسمانی و روانی را نیز به خود اضافه می کند مانند رفتارهای تغذیه ای توصیه شده در ادیان. و همین طور معنویت از طریق تأثیر بر چهار حوزه شناخت، هیجان، رفتار و تعالی، منجر به مقابله مؤثر با فشارهای روانی می شود.

در واقع معنویت با فراهم نمودن یک دیدگاه اسنادی و معنای زندگی منجر به بهزیستی روان شناختی می شود. (ب) حمایت اجتماعی: انجام مناسک دینی و معنوی توصیه شده در دین موجب افزایش حمایت اجتماعی شده که مؤلفه اخیر یکی از تعیین کننده های اجتماعی سلامت شناخته شده است. دین تعاملات اجتماعی را افزایش داده و حمایت اجتماعی را به عنوان یک منبع ارتقای سلامت فراهم می آورد. نقش حمایت اجتماعی در کاهش واکنش پذیری قلبی و عروقی، تسهیل بهبودی پس از حمله قلبی و کاهش سایر عوامل خطر و از جمله کاهش استرس ثابت شده است. حمایت اجتماعی با افزایش میزان جان به در بردن از انواع مختلف سرطان رابطه دارد. معنویت با آداب و رسوم خاص خود مانند عبادت، اعمال مذهبی و خواندن متون مذهبی همیشه با اضطراب و افسردگی کمتر ارتباط داشته است.

(هنریچ و دیگران، ۲۰۰۸: ۳۰۲). جانسون^۱ و همکاران (۲۰۰۸) در پژوهش خود به این نتیجه رسیدند که معنویت تأثیر عظیمی بر سلامت روانی افراد دارد. این پژوهشگران همچنین دریافتند که سطح افسردگی افراد معنوی پایین تر است. تجربیات معنوی روزانه و بخشودگی، با سطح پایین افسردگی در افراد همراه است. افراد معنوی از امیدواری بیشتری برخوردارند و با معنی و هدفی که برای خود می بینند در برابر آسیب های روان شناختی تاب آوری بهتری از خود نشان داده و از نشانه های اضطراب و افسردگی کمتری نیز دارند (بونلی و دیگران، ۲۰۱۲: ۱۰۶). سلامتی روحی و معنوی، ناشی از اعتقادات است، ناشی از ارتباط انسان با خالق خود می باشد، ارتباط با قدرتی که کاملاً فراتر از قدرت های شناخته شده مادی است. این ارتباط در ادبیات دینی ما به خوبی در الفاظ توکل و توسل و تسلیم معنی شده است، این معنویت معرف «هدف» و «معنی» در زندگی انسان ها است. در تحقیقی که دانشگاه مک گیل کانادا برای کیفیت زندگی انجام شده است، مهم ترین عوامل مؤثر در آن را ابعاد جسمی، روانی، اجتماعی، جنسی شناخته است، اما موضوع معنویت را به عنوان زمینه اصلی در همه این ابعاد مؤثر قلمداد کرده است و آن را پیش زمینه کیفیت زندگی مناسب شناخته است.

سلامت معنوی می تواند برای بهبود کیفیت زندگی مشترک زن و مرد و دوستی و روابط کاری متفاوت است. در همه جوامع، روابط زوجی ارزش زیادی دارند؛ همین عامل باعث می شود که بیشتر از ۸۰٪ از افراد طلاق گرفته دوباره ازدواج کنند (نظری، ۱۳۸۶). در رابطه زوجی، هر یک از دو عضو زوج می توانند عمیق ترین احساس صمیمیت را تجربه کند، مشکلاتشان را مورد بحث قرار داده و حل نمایند. این رابطه در عین حال که می تواند صمیمانه ترین و راحت ترین رابطه ممکن باشد، می تواند شدیدترین صدمات ممکن را به اعضاء وارد کند. تقریباً همه زوجینی که ازدواج می کنند در ابتدای ارتباطشان سطح بالایی از رضایت زناشویی را گزارش می کنند (مارکمن وها لوگ، ۱۹۹۳: ۱۰) و این در حالی است که رضایت از رابطه در طی زمان و در میان خیلی از زوجین کاهش می یابد (نظری، ۱۳۸۶). علاوه بر آن ارتباط نامؤثر موجب فاصله بین فردی عمیقی می گردد که در همه ی جنبه های زندگی تجربه می شود. پیامد فروپاشی ارتباط در اغلب موارد



تنهایی، مشکلات خانوادگی، عدم صلاحیت و نارضایتی شغلی و فشار روانی، بیماری جسمی و حتی مرگ خواهد بود. متأسفانه اکنون، شدیدترین نوع تنهایی در خانواده دیده می شود (بولتون، ترجمه سهرابی، ۱۳۹۱). زنان در دوران بارداری به حمایت بیشتری احتیاج دارند و همسر شما بهترین شخصی است که می تواند در دوران بارداری از شما حمایت کند. بارداری تغییرهای زیادی در بدن و احساس های زنان ایجاد می کند. در این مدت زنان نیاز دارند که آرامش بیشتر و استراحت کافی داشته باشند. بروک و برنارد، شرایط و وضعیت های ارتباطی بهینه ی یک خانواده را مشخص کرده اند؛ آنها می گویند در بهترین شرایط، ارتباطات گسترده ای بین اعضای خانواده برقرار است که از الگوهای همدم طلبی و در غم و شادی یکدیگر سهیم بودن، پیروی می کند. پیام هایی که بین اعضای خانواده رد و بدل می شدند روشن و همخوان هستند. در خانواده های سالم به جای آن که سکوت برقرار باشد. درباره موضوعات مختلف و زیادی صحبت می شود. هنگام بروز اختلافات و مناقشه چنین خانواده هایی سعی می کنند که مورد اختلاف را با گفتگو حل و فصل کنند. اعضای خانواده خواهان حل مشکل می باشند و لحن کلام ایشان هنگام برقراری ارتباط لفظی مثبت است (گلادنیگ، ترجمه، بهاری و همکاران، ۱۳۸۲). اگر بتوانید با کسی مثلاً یکی از افراد فامیل، همسر، با یک دوست، روابط نزدیک و اعتماد و اطمینان دو جانبه ایجاد کنید، در جهت حفاظت خویش در برابر افسردگی، در مواقع بروز حوادث ناگوار، گام بسیار بزرگی برداشته اید. اگر تاکنون رابطه ای با کسی برقرار نکرده اید که در آن بتوانید احساس خود را به راحتی به طرف مقابل ابراز یا افشا کنید و با یکدیگر در مورد مشکلاتتان مشورت نمایید، از هم اکنون برای ایجاد چنین رابطه ای یا یکی از افرادی که از نظر حسی و فکری، بالغ و بصیر و معتمد به نظر می رسند، تلاش کنید. ایجاد یک رابطه ایده آل برای حمایت یکدیگر در مواقع ناخوشی، نیاز به وقت و تلاش دارد. این مقصود یک شبه به دست نمی آید (باتلر و هوپ، ترجمه کریمی و طاری، ۱۳۸۱). راهکارهای ارتقای اعتقادات جهت سلامتی در زمینه اعتقادات فردی جهت حفظ، تامین و ارتقاء بهداشت روان به خاطر داشتن این نکات کمک کننده است. بهترین شیوه از امام علی علیه السلام به فرزندش آمده است که: ای فرزند، خود را در آنچه میان تو و دیگران است، ترازویی پندار. پس برای دیگران دوست بدار آنچه برای خود دوست می داری و برای دیگران مخواه آنچه برای خود نمی خواهی و به کس ستم مکن همان گونه که نخواهی که بر تو ستم کنند. به دیگران نیکی کن، همان گونه که می خواهی که به تو نیکی کنند. آنچه را که از دیگران زشت می داری از خود نیز زشت بدار. آنچه از مردم به تو می رسد و خشنودت می کند، سزاوار است که از تو نیز به مردم همان رسد. آنچه نمی دانی مگوی، هر چند که آنچه می دانی ناچیز باشد. آنچه نمی پسندی که به تو بگویند، تو نیز بر زبان نیاور و بدان که خودپسندی، خلاف راه صواب و آفت خرد آدمی است. سخت بکوش، ولی گنجور دیگران مباش. چون راه خویش یافتی، به پیشگاه پروردگارت بیشتر خاشع باش (نامه ۳۱ نهج البلاغه)

نتیجه گیری

دیل کارنگی، روان شناس معروف امریکایی می نویسد: « هنگامی که کارهای سنگین قوای ما را از بین می برد و اندوهها هر نوع اراده ای را از ما سلب می کند و بیشتر اوقات، که درهای امید به روی ما بسته می شود، به سوی خدا روی می آوریم، ولی اصلاً چرا بگذاریم روح یأس و ناامیدی بر ما چیره شود؟ چرا همه روزه به وسیله خواندن نماز و دعا و بجا آوردن حمد الهی، قوای خود را تجدید نکنیم (راشدی، ۱۳۷۷، ج ۲ : ۶۷). در مورد زنان سرزمین مانبه خصوص مادران یکی از مهم ترین چالش های پیش رو شیوع زیاد اختلالات روانی است. این امر می تواند دلایل متعددی داشته باشد؛ خطاهای تشخیصی، علل بیولوژیکی شناختی، بروز برخی افسردگی ها به دلیل هورمون های زنانه، بروز برخی اختلالات روانی به دلیل بلوغ جسمی و جنسی، پایین تر بودن سن بلوغ، بارداری، زایمان و شیردهی و در مجموع تجربه استرس بیشتر باعث می شود زنان بیش از مردان انواع اختلالات روانی را تجربه کنند. به همه این عوامل می توان وقوع یائسگی که همراه با استرس است، پاسخ دهی کمتر زنان به دروهای ضدافسردگی، سوءرفتارهای جسمی و جنسی و تبعات روانی طلاق را اضافه کرد شکی وجود ندارد یکی از مسائلی که سلامت روان زنان را به شدت تحت تاثیر قرار می دهد، مسئولیت های متعدد آن ها در خانواده و در اجتماع است. ساعات کاری طولانی، تبعیض های جنسیتی حاکم بر فضاهای مردانه در اجتماع، دریافت نکردن حقوق مناسب با کار، تداخل وظایف زندگی خانوادگی و زناشویی با وظایف کاری، نبود حمایت های اقتصادی، شغلی و روانی از مهم ترین چالش هایی است که زنان شاغل را درگیر خود کرده است با این همه به گفته یک روان شناس و مشاور آن چه سلامت روان زنان را تهدید می کند نه حضور در اجتماع، بلکه همکاری نکردن



مناسب مردان با همسرانشان و برخی نگاه های جنسیتی است که آنان را آزار می دهد. بنابراین برنامه ریزی ها و سیاست گذاری ها باید به نحوی باشد که زنان نه در منزل و نه در محیط کار تحت فشار قرار نگیرند. نکته این جاست که برخی معتقدند زنان شاغل از سلامت روان بیشتری برخوردارند زیرا پویاتر و فعال تر هستند و بهره بیشتری از زمان خود می برند. بنابراین کاهش ساعات کاری و اعطای تسهیلات مناسب به علاوه حمایت های مورد نیاز در دوران بارداری و شیردهی و افزایش مرخصی پس از زایمان در ارتقای سلامت روان بسیاری از زنان نقش چشمگیری دارد. واقعیت این است که زنان دار ایرانی از مجموعه مشکلات و معضلاتی رنج می برند که حاصل ساختار و بافت فرهنگی - اجتماعی جامعه ماست. متأسفانه مطالعات جدی و پر دامنه ای در این حوزه انجام نشده است اما آن چه از مطالعات پراکنده انجام شده بر می آید این است که نداشتن هویت اقتصادی، وابستگی شدید به فرزندان پس از فوت همسر، کم ارزش جلوه دادن خدمات و فعالیت های زنان خانه دار و نبود زمینه برای مشارکت های اجتماعی گسترده مهم ترین دغدغه هایی است که این زنان دارند و همین مسائل سلامت روان آن ها را تحت تاثیر قرار می دهد. اولین گام برای ارتقای سلامت روان زنان خانه دار این است که برای این زنان همانند مردان حق و حقوق عادلانه قائل شویم و به آن احترام بگذاریم، دکتر شریفی با بیان این مطلب به خراسان می افزاید: به جز این یادگیری مهارت هایی که بتوان در محیط منزل به امر تولید پرداخت، به نحوی که به ایجاد هویت مستقل بی انجامد، می تواند برای بسیاری از زنان خانه دار کمک کننده باشد. کسب استقلال اقتصادی با وجود حضور در منزل و غنی شدن ساعات فراغت برای کاهش فشارهای روانی ناشی از انجام کارهای روزمره، می تواند اولین دستاوردهای این امر باشد. از طرف دیگر می توانند بین فعالیت های اقتصادی و فعالیت های اجتماعی مرزی قرار دهند. حضور در انجمن ها، خیریه ها، سازمان های مردم نهاد و به خصوصی می تواند انگیزه و هدفمندی به زندگی زنان دهد و آن ها را از رخوت و احساس بی ثمری نجات دهد. حضور بیشتر زنان در انجمن های اولیا و مربیان در مدارس نسبت به مردان نشانه خوبی است که اگر فضاهای مناسبی در اختیار زنان خانه دار قرار داشته باشد، آنها فعالانه و با پشتکار فراوان از آن استقبال می کنند. از آن جا که بسیاری از زنان تحصیل کرده جامعه ما خانه داری می کنند، می توان به آن ها نیز توصیه کرد، ارتباط خود را با رشته ای که در آن تحصیل کرده اند از طریق مطالعه، تحقیق، نگارش و هر آنچه در توان دارند، حفظ کنند.



۱. باتلر، گیلیان؛ هوپ، تونی. (۱۳۸۱). درمان افسردگی. ترجمه کوشیار کریمی و کریم طاری. تهران، انتشارات نسل نواندیش
۲. بخشی پور رودسری، عباس، پیروی، حمید، عابدیان، احمد (۱۳۸۴). بررسی رابطه میان رضایت از زندگی و حمایت اجتماعی با سلامت روان در دانشجویان. فصلنامه اصول بهداشت روانی، شماره ۲۷-۲۸
۳. بولتون، رابرت. (۱۳۹۱). روانشناسی روابط انسانی. ترجمه سهرابی، حمید رضا. تهران، انتشارات رشد
۴. تقی پور، ملیحه، حسینی حاجی بکنده، سید احمد (۱۳۸۹). بررسی تأثیر حمایت اجتماعی بر سلامت اجتماعی زنان سرپرست خانوار. نشریه پژوهش اجتماعی، شماره ۷، دوره ۳ تابستان
۵. حسینی، بیتا. (۱۳۹۵). زمینه زوج درمانی. تهران، انتشارات جنگل
۶. سیاسی، علی اکبر. (۱۳۷۹). نظریه های شخصیت. تهران، انتشارات دانشگاه تهران
۷. شلدوان، کاشدان. (۱۹۷۷). علی نفس الشواذ. ترجمه سلامه، احمد عبدالعزیز و با همکاری، نجاتی، محمد عثمان. کویت، دارالقلم.
۸. گلادنیگ، ساموئل (۱۳۸۲). خانواده درمانی (تاریخچه، نظریه، کاربرد). ترجمه فرشاد بهاری، مصطفی تبریزی، بدری السادات بهرامی، سوسن سیف. تهران انتشارات تزکیه.
۹. گلزاری، محمود. (۱۳۹۵). روان درمانی و معنویت. گفتگو با بابایی، علی. ماهنامه اطلاعات حکمت و معرفت، سال یازدهم شماره ۱۰. دی ۱۳۹۵.
۱۰. نظری، علی محمد. (۱۳۹۴). مبانی زوج درمانی و خانواده درمانی. تهران، انتشارات نشرعلم.

۱. Bacon J , Mann JR, McKeown RE , Vesselinov R, Bush F. Religiosity, spirituality, and depressive symptoms in pregnant women. The International Journal of Psychiatry in Medicine ۲۰۰۷; ۳۷(۳):۳۰۱-۱۳.
۲. Wang Y, Lau Y, Wong DFK, Wang Y, Kwong DHK. The roles of social support in helping chinese women with antenatal depressive and anxiety symptoms cope with perceived stress. Archives of psychiatric nursing ۲۰۱۴; ۲۸(۵):۳۰۵-۱۳
۳. Kuiper NA , Ibarra- Rovillard MS. Social support and social negativity findings in depression: perceived responsiveness to basic psychological needs. Clinical psychology review ۲۰۱۱; ۳۱(۳):۳۴۲-۵۲.
۴. Henrich CC, Pérez JE, Little TD. Spirituality and depressive symptoms in a school-based sample of adolescents: A longitudinal examination of mediated and moderated effects. Journal of Adolescent Health ۲۰۰۹; ۴۴(۴):۳۸۰-۶.
۵. Heron J ,Douki S, Francomb H. Women 'smental Health in the Muslim world: Cultural, religious,and social issues.Journalof affective disorders.۲۰۰۷,۱۰۲(۱-۳):۱۷۷-۱۸۹.



پیش بینی اضطراب بارداری براساس باورهای فراشناختی و سلامت روانشناختی زنان باردار شهر تبریز

فریده نصیری کناری؛ کارشناس ارشد روانشناسی بالینی، دانشگاه علوم و تحقیقات واحد تبریز

faridehnik@gmail.com

مهدی رهنورد بخشایش؛ کارشناس ارشد روانشناسی بالینی، دانشگاه علوم و تحقیقات واحد تبریز

mehdihani1019@gmail.com

چکیده

این تحقیق با هدف بررسی رابطه ی باورهای فراشناختی و سلامت روانشناختی با اضطراب زنان باردار شهر تبریز انجام گرفته است. طرح تحقیق حاضر در چهارچوب طرح های توصیفی از نوع همبستگی قرار دارد. با توجه به طرح تحقیق و جامعه ی آماری، ۱۰۰ نفر زن باردار با استفاده از روش نمونه گیری در دسترس برای این تحقیق در نظر گرفته شدند. در فرآیند گردآوری داده ها، از پرسشنامه های سلامت عمومی کلبگ، اضطراب بک و باورهای فراشناختی و استفاده گردید. با استفاده از روش تجزیه و تحلیل آماری پیرسون و رگرسیون چندگانه ($p < 0.05$)، نتایج نشانگر رابطه ی معنادار مثبت بین سلامت روانشناختی و اضطراب بارداری؛ و باورهای فراشناختی و اضطراب بارداری بود. همچنین، در خصوص فرضیه ی اصلی تحقیق، یافته حاکی از آن بود که ترکیب متغیرهای سلامت روانشناختی و باورهای فراشناختی بطور معنی داری توانستند اضطراب بارداری را تبیین کنند؛ در حالیکه متغیر سلامت روانشناختی به تنهایی توانسته بود ۳۵ درصد از واریانس اضطراب بارداری را در این مدل تبیین نماید؛ باورهای فراشناختی نیز ۲۴ درصد از واریانس اضطراب بارداری را در این مدل توانست تبیین نماید. بر این اساس، نتایج پژوهش حاضر می تواند در راستای ارتقای دانش علمی و کاربردی برای متخصصان زنان زایمان و روانشناسان، اطلاعات مفیدی را فراهم آورد.

واژه های کلیدی: باورهای فراشناختی، سلامت روانشناختی، اضطراب بارداری

مقدمه

بارداری نوعی تجربه جدید، زیبا و البته نا آشنا برای بسیاری از زنان به شمار می رود. در فرآیند این نوع تجربه نا آشنا، زنان به دلایل گوناگون با نوعی اضطراب که نتیجه موقعیت های غیر آشنا و تهدید کننده است، مواجه هستند. اگرچه آمار دقیقی در دست نمی باشد؛ ولی بر اساس تحقیق های انجام شده، شیوع اختلالات اضطرابی در دوران بارداری، بالاتر از ۳۰ درصد گزارش شده است (بونویسیوس و سیسنایت، ۲۰۰۷). در ایران نیز، شیوع اختلالات اضطرابی در بارداری بالا و به ۶۴ درصد می رسد (شاه حسینی، عابدیان و عظیمی، ۲۰۰۸). تجربه ی اضطراب در دوران بارداری می تواند با نابسامانی و فروریختگی های روانی و رفتاری هم برای مادر و هم جنین و یا نوزاد همراه باشد (هیدی و همکاران، ۲۰۱۴). این امر در تحقیق های اخیرتر با رویکردهای جدید نیز به چشم می خورد. به عنوان مثال، نتایج پژوهش های مدل های ایمنی شناسی مغز و اعصاب نشان داده است که تنیدگی دوره ی بارداری، بهداشت روانی مادر و رشد جنین را تحت تاثیر قرار می دهد و می تواند منجر به تولد زودرس نوزاد شود (کریستین، ۲۰۱۲).

همچنین، پژوهش ها حاکی از آن است که اضطراب بارداری و زایمان می تواند در ابتدای کودک به اختلال های عاطفی (اُکان، ۲۰۰۰)، ابتلا به درخود ماندگی (کینی^۱ و همکاران، ۲۰۰۸)، فزون کنشی (وندنبرگ^۱ و همکاران، ۲۰۰۵) نقش داشته باشد. علاوه، متخصصان به رابطه مستقیم بین اضطراب مادر و ناهنجاری های تحول مغز جنین (اُکانر و همکاران، ۲۰۰۲) و پریشانی جنین (بحقوانانی^۱ و همکاران، ۱۹۹۷) توجه نموده اند؛ بطوریکه این اضطراب در نهایت می تواند با کاهش تکامل ذهن در دو سالگی همراه باشد (سلجانی^۱، ۲۰۰۰). از



طرفی، به اعتقاد اکائر و همکاران (اکائر^۱ و همکاران، ۲۰۰۵)، اضطراب قبل از زایمان مادر در بدخواهی نوزادان نیز تاثیر منفی دارد (بحری بینابج^۱، ۲۰۰۱؛ پرورز، ون بار و پاپ^۱، ۲۰۰۱).

بعلاوه، سطوح بالای اضطراب در طول بارداری نه تنها باعث افزایش خطر افسردگی، اضطراب و کاهش تولید و ترشح شیر مادر در طول دوره ی نفاس شده، بلکه در نوزاد نیز منجر به تحریک پذیری، گریه بیشتر، وضعیت ناپایدارتر و حتی کاهش رشد ذهنی کودک در سن دو سالگی می شود (همان منبع). با پررنگ تر شدن عواقب جسمانی و روانی این نوع اضطراب، متخصصان امر در جستجوی مسیرهای احتمالی برای بهبود و ارتقای سلامت روانی این گروه آسیب پذیر بوده اند. در بررسی ادبیات مربوط به رویارویی با این نوع مشکلات روانی، روانشناسی با نوعی دیدگاه جدید روبه رو است. در قرن بیست و یکم روانشناسی متوجه این امر شده است که انسان باید انرژی عقلانی خود را صرف جنبه های مثبت تجربه اش کند (سلیگمن و سیگزنت میهالی^۱، ۲۰۰۰). یکی از مفاهیم اساسی دنیای پیچیده انسان مفهوم سلامتی است. سلامت روانشناختی به عنوان یکی از این جنبه های مثبت به شمار می رود. سازمان بهداشت جهانی سلامتی را حالت بهزیستی کامل جسمانی، روانی و اجتماعی و نه فقط فقدان بیماری یا ناتوانی می داند (باباپور خیرالدین و همکاران، ۱۳۸۲). در تعریف دیگر دان (به نقل از ادلین^۱ و همکاران، ۱۹۹۹) سلامتی را یک روش کنش وری وحدت یافته می داند که هدفش به حداکثر رساندن توان فرد است (اراسموس^۱، ۱۹۹۷). در مدل سلامت روانشناختی که در سال های ۱۹۷۰ متولد شد بطور تصریحی بر نقش جنبه های زیستی، روانشناختی و اجتماعی در موضوع سلامت روان و یا نابهنجاری تاکید گردیده است. در همین ارتباط جورج اینگلدنر سال ۱۹۷۷ مدعی گردید که سلامت و بیماری نتیجه دخالت همزمان عوامل بیولوژیکی، روانشناختی و اجتماعی است (جاگر، ۲۰۰۱) در دیدگاه روانشناسی مثبت نگر معتقدند که بهزیستی و اختلال روانی را نباید دو سوی یک پیوستار دانست. آنان در همین زمینه معتقدند که بهزیستی می تواند عاملی محافظتی در برابر اختلال روانی و شرطی برای دستیابی به سلامت روانشناختی باشد (ساینگتون، ۱۳۷۹). همچنین سلامت روانشناختی متأثر از عوامل مختلفی است که این عوامل می توانند به صورت مستقیم یا غیر مستقیم، به صورت مثبت یا منفی بر آن اثر بگذارند. (هارینگوپال^۱، ۱۹۹۵).

فلاول^۱ (۱۹۹۷) فراشناخت را به عنوان آگاهی از اینکه فرد چگونه یاد می گیرد، آگاهی از چگونگی استفاده از اطلاعات موجود برای رسیدن به یک هدف، توانایی قضاوت درباره فرآیندهای شناختی در یک تکلیف خاص، آگاهی از اینکه چه راهبردهایی را برای چه هدف هایی مورد استفاده قرار دهد و ارزیابی پیشرفت خود در حین عملکرد تعریف کرده است (فلاول و میلر^۱، ۱۹۹۸). فلاول درباره دانش فراشناختی به سه مولفه اشاره کرده است: ۱- اطلاع فرد از نظام شناختی خود: اطلاع از توانایی های حافظه و برآورد درست این توانایی ها می تواند به فرد در اکتساب، نگهداری و استفاده درست از آنچه یاد گرفته است، کمک کند (سواسون، ۱۹۹۰). ۲- اطلاع فرد از تکلیف: اطلاع فرد از تکلیف شامل دانش درباره ی ماهیت تکلیف، نوع، کیفیت و چگونگی تکلیفی است که قرار است فرد با آن درگیر شود. (کار و جویس^۱، ۱۹۹۸). ۳- اطلاع فرد از راهبردها: این مولفه به آگاهی از راهبردهای شناختی و فراشناختی و اینکه فرد بداند چه وقت و کجا، از چه راهبردی می تواند استفاده کند، اشاره دارد. (کدیور، ۱۳۸۳). کارترایت - هاتون و ولز^۱ جهت ارزیابی روان سنجی افکار و باورهای فراشناختی پرسشنامه ی فراشناختی خود را در ۵ بعد طراحی کرده اند (پاپاجورجیو و ولز^۱، ۲۰۰۳). ۱- باورهای مثبت درباره ی نگرانی. ۲- باورهای منفی درباره ی نگرانی که تمرکزشان بر غیرقابل کنترل بودن و خطرناک بودن نگرانی است. ۳- اطمینان شناختی کم. ۴- باورهای منفی در مورد افکار. ۵- وقوف شناختی. هر کدام از این عوامل رابطه ی معنی داری با میزان آسیب پذیری هیجانی دارند و به لحاظ مفهومی به ساختارهایی مثل خودآگاهی و شکست شناختی مرتبط می شوند و بر ابعاد واقعی و خصوصیات حقیقی تاکید دارند.

مطالعات اخیر نشان می دهد باورهای فراشناختی پیش بینی کننده ی احساسات منفی مانند اضطراب و افسردگی هستند (ساعتد، پور احسان و اکبری، ۲۰۱۱؛ یلماز، جنکاس و ولز^۱، ۲۰۱۱). در واقع بین باورهای فراشناختی و علائم افسردگی، اضطراب و افسردگی رابطه ی معنادار وجود دارد (پورنامداریان، ۱۳۹۱). بر این اساس، قابل ذکر است که تجربه ی اضطراب در دوران بارداری، موضوعی است بین رشته ای، که توجه به آن می تواند اطلاعات مفید به فایده ای را برای هر دو گروه متخصصان زنان زایمان و روانشناسان در پی داشته باشد. یکی از دلایل این اهمیت، به تاثیر این نوع تجربه ی منفی در سلامت جسمانی و روانی زنان باردار مربوط می باشد همچنین، اهمیت پرداختن به سلامت روانشناختی در موقعیت های هیجانی، شناختی و اجتماعی و باورهای فراشناختی در مطالعات گوناگون نشان داده شده است. بنابراین،



با توجه به این امر که مادران باردار به علت شرایط نا آشنا و خطیری که تجربه می کنند؛ در معرض اضطراب و استرس بالاتری قرار دارند؛ شناخت عوامل و متغیرهای درگیر در این دوران می تواند برای متخصصان امر بسیار راه گشا باشد بر این اساس، با عنایت به این امر که تحقیق های اندکی در حوزه ی مسایل روانشناختی زنان باردار انجام گرفته است؛ تحقیق حاضر بر آن است تا به بررسی رابطه ی اضطراب بارداری با متغیرهای باورهای فراشناختی و سلامت روانشناختی زنان باردار بپردازد.

روش تحقیق

پژوهش حاضر بر پایه ی تحقیق های توصیفی از نوع همبستگی استوار می باشد؛ چراکه محقق بر آن بود تا به بررسی روابط بین متغیرهای بهزیستی ذهنی و شادکامی (متغیرهای پیش بین) با اضطراب بارداری (متغیر ملاک) در زنان باردار شهر تبریز بپردازد. جامعه پژوهش حاضر کلیه ی زنان باردار مراجعه کننده به مراکز پزشکی زنان زایمان شهر تبریز بود. بر اساس اطلاعات کسب شده در طی انجام این پژوهش حدود ۱۲۰۰۰ زن باردار به این مراکز جهت دریافت خدمات مراجعه کردند که همگی دارای پرونده ی پزشکی بودند. بر اساس دستورالعمل پیشنهادی آنوگوزی و کالینز (۲۰۰۷)، حجم نمونه در مطالعات ای همبستگی با فرضیه دو طرفه حداقل ۸۲ شرکت کننده برای اندازه اثرمتوسط با توان آماری ۰/۸۰ و سطح معنی داری ۰/۰۵ پیشنهاد شده است. بر این اساس، و برای بالا بردن روایی بیرونی، تعداد ۱۰۰ نفر به عنوان نمونه تحقیق حاضر از دو بیمارستان امام علی و شهرداری تبریز به روش تصادفی انتخاب شدند. . بعلاوه، از آنجاییکه امکان دسترسی به تک تک اعضای جامعه وجود نداشت (زنان باردار در زمان های مشخص و براساس برنامه برای دریافت خدمات به مرکز مراجعه نمی کردند)؛ لذا از نمونه گیری در دسترس برای انتخاب نمونه تحقیق استفاده شد. و برای جمع آوری داده ها از پرسشنامه های زیر استفاده شد.

پرسشنامه فراشناخت ولز (۳۰-MCQ): یک مقیاس ۳۰ گویه ای خود گزارشی است که باورهای افراد درباره ی تفکراتشان را می سنجد. پاسخ ها در این مقیاس بر اساس مقیاس چهار درجه ای لیکرت (۱- موافق نیستم تا ۴- خیلی زیاد موافقم) محاسبه می شود. این مقیاس دارای پنج خرده مقیاس ۱- کنترل ناپذیری و خطر افکار که روی غیرقابل کنترل بودن و خطرناک بودن نگرانی ها تاکید می کند. ۲- باورهای مثبت درباره ی نگرانی. ۳- وقوف شناختی. ۴- اطمینان شناختی و ۵- نیاز به کنترل افکار است. این پرسشنامه توسط کارترایت - هاتن و ولز در ۱۹۹۷ ساخته شده است و توسط شیرین زاده برای جمعیت ایرانی ترجمه و آماده شده است. ضریب آلفای کرونباخ کل مقیاس در نمونه ایرانی ۰/۹۱ گزارش شده است و برای خرده مقیاسهای کنترل ناپذیری، باورهای مثبت، وقوف شناختی، اطمینان شناختی و نیاز به کنترل افکار به ترتیب در نمونه ایرانی ۰/۸۷، ۰/۸۶، ۰/۸۱، ۰/۸۰ و ۰/۷۱ گزارش شده است (تقوی، ۲۰۰۱).

پرسشنامه سلامت عمومی: این پرسشنامه توسط گلدبرگ (۱۹۷۲) ساخته شد و یک پرسشنامه سرندی، مبتنی بر خود گزارش دهی است که در مجموعه های بالینی با هدف ردیابی کسانی که دارای یک اختلال روانی هستند مورد استفاده قرار می گیرد (استورا، ۱۹۹۹). در این پژوهش از فرم ۲۸ سوالی آن استفاده شده است که نمره گذاری آن با استفاده از مقیاس لیکرت ۴ درجه ای (۰ = اصلاً ای ۳ = به مراتب بیشتر از حد معمول) صورت می گیرد. نوربالا و همکاران (۱۳۷۸) همسانی درونی زیر مقیاس های GHQ را با استفاده از آلفای کرونباخ برای علایم جسمانی ۰/۸۵، علایم اضطراب و بیخوابی ۰/۸۷، اختلال در عملکرد اجتماعی ۰/۷۹، علایم افسردگی و خیم ۰/۹۱ و برای کل مقیاس سلامت عمومی ۰/۸۳ بیان کرده است.

پرسشنامه اضطراب بک^۱: توسط آرون تی بک و همکارانش در سال ۱۹۸۸ ساخته شد (فتحی آشتیانی، ۱۳۸۸). این پرسشنامه دارای ۲۱ گویه است که علایم اضطراب را فهرست کرده است و بیشتر به چک لیست شباهت دارد. پرسشنامه اضطراب بک برای اندازه گیری اضطراب در نوجوانان و بزرگسالان ساخته شده است و هر یک از ماده های آن یکی از علایم شایع اضطراب یعنی علایم ذهنی، علایم بدنی و هراس را می سنجد (فتحی آشتیانی، ۲۰۰۹). پایایی آزمون - بازآزمون پرسشنامه پس از یک هفته ۰/۷۵ محاسبه گردید. روایی همگرایی این پرسشنامه با مقیاس درجه بندی اضطراب همیلتون (HDRS) ۰/۵۱ به دست آمد که میزان متوسطی است. در نمونه ایرانی نیز آلفای کرونباخ ۰/۹۲، آزمون دو نیمه سازی اسپیرمن ۰/۹۵ و پایایی آزمون - بازآزمون ۰/۷۷ برای این پرسشنامه گزارش شده است. همچنین، ضریب پایایی این مقیاس در نمونه ی مورد تحقیق بر اساس ضریب آلفای کرونباخ ۰/۷۰ بدست آمد



در راستای انجام تحقیق حاضر، محقق به مرکز پزشکی زنان زایمان بیمارستان امام علی و شهریار مراجعه کرده؛ و بعد از طی مراحل اداری و مشخص نمودن تعداد افراد مراجعه کننده به مراکز جهت اخذ خدمات بارداری، تعداد ۱۰۰ نفر با استفاده از روش نمونه گیری در دسترس برای انجام تحقیق حاضر انتخاب شدند. سپس هر سه پرسشنامه با جلب رضایت نمونه ها در بین آن ها پخش و از آن ها خواسته شد که با دقت پرسشنامه ها را بخوانند و به سوالات جواب دهند.

یافته های تحقیق

جدول شماره ۱: میانگین، انحراف استاندارد و همبستگی بین متغیرها

متغیرها	M	SD	۱	۲	۳
۱. اضطراب بارداری	۱۹/۱۳	۴/۴۶	۱		
۲. سلامت روانشناختی	۲۰/۶	۴/۳۲	۰/۴۳۲	۱	
۳. باورهای فراشناختی	۴۳/۸	۳/۹۸	۰/۳۵۴	۰/۲۵۶	۱

نخست پیش فرض های نرمال بودن توزیع داده ها و هم خطی چندگانه برای رگرسیون چندگانه مورد بررسی قرار گرفت. نتایج بدست آمده از تحلیل شاخص های چولگی و کشیدگی نشان داد که توزیع نمرات متغیرها (باورهای فراشناختی، سلامت روانشناختی و اضطراب بارداری)، در یک بازه قابل قبول چولگی و کشیدگی یعنی ۱- الی ۱+ قرار دارند. بنابراین، پیش فرض نرمال بودن توزیع داده ها برای متغیرهای فوق الذکر مفروض گردید. تشخیص هم خطی چندگانه نشان داد که برای ارتباط خطی بین باورهای فراشناختی و سلامت روانشناختی با اضطراب بارداری هم شاخص تلرانس (Tolerance) و هم عامل تورم واریانس (VIF) به ترتیب بیشتر از ۰/۱۰ و کمتر از ۱۰ بود. این نتایج حاکی از عدم وجود ارتباط هم خطی بین باورهای فراشناختی و سلامت روانشناختی با اضطراب بارداری بود.

همانطوریکه در جدول ذیل آمده، ضریب استاندارد شده ی رگرسیون برای سلامت روانشناختی برابر ۰/۳۵ = بتا و معنی دار می باشد (۳/۸۵؛ $p=0/000$). و همچنین، ضریب استاندارد شده ی رگرسیون برای باورهای فراشناختی برابر ۰/۲۴ = بتا و معنی دار می باشد (۲/۶۵؛ $p=0/009$). بدین سان، سلامت روانشناختی (۳۵ درصد) در مقایسه با باورهای فراشناختی (۲۴ درصد)، بهترین پیش بین برای اضطراب بارداری است.

جدول شماره ۲: ضریب استاندارد شده ی رگرسیون برای اضطراب بارداری

مدل	ضرایب استاندارد نشده		ضرایب استاندارد شده		سطح معناداری*
	B	خطای معیار	بتا	t	
(ثابت)	-۳/۹۸	۴/۳۸		-۰/۹۰	۰/۳۶۶
سلامت روانشناختی	۰/۲۱۷	۰/۰۵۶	۰/۳۵	۳/۸۵	۰/۰۰۰
باورهای فراشناختی	۰/۲۱۷	۰/۰۸۶	۰/۲۴	۲/۶۵	۰/۰۰۹

* سطح معناداری $p < 0/05$

بحث و نتیجه گیری

با توجه به اثرات منفی جسمانی و روانی اضطراب در دوران بارداری، متخصصان در پی یافتن متغیرهای درگیر در تجربه این نوع اضطراب می باشند. در تحقیق حاضر که به این منظور انجام گرفته بود، رابطه ی بین باورهای فراشناختی و سلامت روانشناختی با اضطراب بارداری مورد بررسی قرار گرفت؛ و نتایج حاکی از وجود رابطه ی هر دو متغیر پیش بین بطور جداگانه با اضطراب بارداری بود. و در مدل بررسی شده، هر دو متغیر قادر به پیش بینی متغیر ملاک بودند که سهم سلامت روانشناختی به مراتب بیشتر از باورهای فراشناختی می باشد. در خصوص مقایسه نتایج تحقیق حاضر با یافته های دیگر پژوهش های مرتبط، یافته اول تحقیق (بین باورهای فراشناختی و اضطراب بارداری رابطه وجود دارد)؛ با نتایج پژوهش هایی همچون انهاری و همکاران (۲۰۱۶)؛ حکیم جوادی و همکاران (۱۳۹۰)؛ پورنامداریان و همکاران (۱۳۹۱)؛ قاسمی و همکاران (۱۳۹۰)؛ والرث (۲۰۰۶)؛ پویترا و چاندراشینکار (۲۰۰۸)؛ گوپتا و بخشی (۲۰۰۹)؛ خسروانی (۱۳۸۴)؛ ابراهیمی (۱۳۸۴)؛



محمد امینی (۱۳۸۶)؛ عاشوری و همکاران (۱۳۸۸)؛ پیرخالقی (۱۳۹۱)؛ ساعد، پور احسان و اکبری (۲۰۱۱)؛ یلماز، جنکاس و ولز، (۲۰۱۱) و صالحی و همکاران (۱۳۹۴) همسو می باشد.

در روانشناسی امروزه، باور و دیدگاه جدیدی به تعریف سلامت روان و نداشتن بیماری روانی ایجاد شده است. در این دیدگاه، بجای پررنگ نمودن بدکنشی و آشفتگی های روانی، به داشته های سالم و مثبت انسان ها توجه می شود. پرواضح است که تجربه ی اضطراب در دوران خطیر بارداری امری اجتناب ناپذیر و غیرقابل انکار می باشد؛ موضوعی که مطالعات انجام شده در این حوزه، بر تاثیر این نوع اضطراب در جسم و روان جنین و کودک صحه می گذارد. بر این اساس، توجه به متغیرهای دخیل در اضطراب بارداری با نگاه جدید روانشناسی مثبت، امری ضروری می نماید. در این راستا، یکی از مقوله های بااهمیت در نگاه روانشناسی مثبت نگر، سلامت روانشناختی است؛ که یکی از بزرگترین حوزه های پرچالش دنیای علمی بشر به شمار می رود. سلامت روانشناختی مستلزم درک چالشهای وجودی زندگی بوده؛ و به شدت بر توسعه انسانی تاکید دارد. به عنوان مثال، شادابی، نشاط، لذت بردن از زندگی و هدفمندی مستلزم داشتن شخصیت سالم است.

از طرفی دیگر وجود باورهای فراشناختی مثبت در مادران باردار میزان تحمل آنها را در برابر ناملایمات افزایش می دهد و به دنبال آن از میزان اضطراب در این دوران کاسته می شود. براساس نظر فلاول (۱۹۷۹ و ۱۹۸۷)، فراشناخت هم شامل فرآیندهای شناختی و هم شامل تجارب یا تنظیم شناختی است. دانش فراشناختی به اکتساب دانش پیرامون فرآیندهای شناختی و دانش درباره ی نحوه ی استفاده از فرآیندهای کنترل شناختی اشاره دارد (وست وود، ۱۹۹۳، به نقل از لوینگ استون، ۱۹۹۷). با توجه به این تعریف و این که فراشناخت راهبردهای کنترل فرد را تقویت می کند پس مادران باردار به راحتی می توانند در مقابل فشارهای روانی حاصل از بارداری و تولد فرزند و پذیرش عضو جدید و مشکلاتی که به دنبال آن رخ خواهد داد، راهکارهای موثر را به کار گیرند. استفاده از این راهکارها به نوبه ی خود کاهش اضطراب را در زنان باردار در پی خواهد داشت و آنها از سلامت روان بالایی برخوردار خواهند بود.



ابراهیمی، احترام. (۱۳۸۴). بررسی و مقایسه رابطه بین سبک های مقابله ای با فشار روانی، خلاقیت هیجانی و سلامت روانی در دختران دانشجوی ورزشکار و غیر ورزشکار دانشاه تربیت معلم تهران. پایان نامه کارشناسی ارشد روانشناسی. دانشکده روانشناسی و علوم تربیتی دانشگاه تربیت معلم تهران.

باباپور خیرالدین، جلیل، ر سولزاده، طباطبائی، سید کاظم؛ اژه ای، جواد؛ فتحی آشتیانی، علی. (۱۳۸۲). بررسی رابطه بین شیوه های حل مساله و سلامت روانشناختی دانشجویان. *مجله روانشناسی*. سال هفتم، شماره ۱. ۳ الی ۱۸.

پورنامداریان، سپیده؛ بیرشک، بهروز و اصغر نژاد فرید، علی اصغر. (۱۳۹۱). تبیین سهم باورهای فراشناختی در پیش بینی علایم افسردگی، اضطراب و استرس در پرستاران. *دانش و پژوهش در روانشناسی کاربردی*. سال سیزدهم، شماره ۳ (پیاپی ۴۹). ۸۶-۹۴.

پیرخالقی، علیرضا. (۱۳۹۱). ارتباط مولفه های فراشناختی خلاقیت با سلامت روان در دانشجویان. *دوفصلنامه علمی - پژوهشی شناخت اجتماعی*. سال اول و شماره ۲. پاییز و زمستان. ۱۱۲-۱۰۱.

حکیم جوادی، منصور؛ غلامعلی لوا سانی، م سعود و حقیقت و، مرجان. (۱۳۹۰). رابطه فرا شناخت، اضطراب و افسردگی در مادران دانش آموزان ناشنوا و عادی دوره پیش دبستانی و دبستانی شهرستان رشت. *تازه های علوم شناختی*. سال ۱۳، شماره ۲. ۳۵-۴۶.

خسروانی، سولماز. (۱۳۸۴). *رابطه خلاقیت با ۵ عامل شخصیت و سلامت روان*. پایان نامه کارشناسی ارشد روانشناسی. دانشکده روانشناسی و علوم تربیتی دانشگاه تهران.

ساینگتون، ا. (۱۳۷۹). *بهداشت روانی*. ترجمه حسین شاهی، ح. تهران: انتشارات: فرا روان.

صالحی، صدیقه؛ موسوی، سید علی محمد؛ یاریچلو، محمد ابراهیم و قافله باشی، سید حسن. (۱۳۹۴). بررسی باورهای فراشناختی و ویژگی های شخصیتی بیماران وسواسی. *مجله دانشگاه علوم پزشکی سبزوار*. دوره ۲۳، شماره ۱. ۳۰-۲۱.

عاشوری، احمد؛ کیلی، یعقوب؛ بن سعید، سارا و نوعی، زهرا. (۱۳۸۸). باورهای فراشناختی و سلامت عمومی در دانشجویان. *مجله علمی پژوهشی اصول بهداشت روانی*. سال یازدهم، شماره ۱. (پیاپی ۴۱). ۲۰-۱۵.

فتحی آشتیانی، علی. (۱۳۸۸). *آزمون های روانشناختی: ارزیابی شخصیت و بهزیستی ذهنی*. تهران: انتشارات: بهمن.

قاسمی، نظام الدین؛ کجباف، محمد باقر و ربیعی، مهدی. (۱۳۹۰) و اثربخشی روه درمانی مبتنی بر کیفیت زندگی بر بهزیستی ذهنی و سلامت روان. *فصلنامه ی روانشناسی بالینی*. ۳(۲): ۲۱-۱۳.

کدیور، پروین. (۱۳۸۳). *روانشناسی تربیتی*. تهران: انتشارات سمت. چاپ هشتم.

محمد امینی، زرا. (۱۳۸۶). بررسی رابطه باورهای فراشناختی با سلامت روانی و پیشرفت تحصیلی دانش آموزان پسر شهرستان اشنویه. *فصلنامه نوآوری های آموزشی*. شماره ۱۹. سال ششم. بهار. ۱۵۴-۱۴۱.

Anhari, S., Alivandi Vafa, M., Jafari, A. (۲۰۱۶). *A Comparative Study of Spritual Intelligence, Happiness and Life Satisfaction in Women with High and Low Pregnancy Anxiety*. M.A. Thesis, Department of Psychology, Islamic Azad University, Tabriz branch. (Persian).

Bahribinabaj N. (۲۰۰۱). *Effects of psychological support, physical training during labor on pain severity in nulliparous women*. Thsis in Persian. Mashhad: Mashhad School of Nursing and Midwifery. (Persian).

Bhagwanani , S. G., Seagraves, K., Leroy, J., Dierker, M., & Lax, M. (۱۹۹۷). Relationship between prenatal anxiety & prenatal outcome in nulliparous woman: A prospective study. *Journal of the National Medical Association*. ۸۹ (۲), ۹۳-۹۸.

Brouwers EP, van Baar A. & Pop VJ. (۲۰۰۱). Maternal anxiety during pregnancy and subsequent infant development. *J Infant Behav Dev*. ۲۴(۱):۹۵-۱۰۶.



- Bunevicius A, Cesnaite E. (۲۰۰۷). Antenatal Maternal Mental State and Anthropometric Characteristics of the Neonates: Impact of Symptoms of Depression and Anxiety. *Biologinė Psichiatrija*. ۹۱(۱): ۳-۶.
- Carr, M., Joyce, A. (۱۹۹۸). Where Gifted Children do and do not excel on metacognitive task. *Canadian Journal of Psychology*. (۱۸), ۲۱۲-۲۳۵.
- Cartwright-Hatton, S. & Wells, A. (۱۹۹۷). Beliefs about worry and intrusion: The Metacognitions Questionnaire. *Journal of Anxiety Disorder*. (۱۱), ۲۷۹-۳۱۵.
- Christian, L.M. (۲۰۱۲). Psychon-euroimmunology in pregnancy: Immune pathways linking stress with maternal health, adverse birth outcomes, and fetal development – *Neuroscience & Biobehavioral Reviews*. ۳۶(۱), ۳۵-۳۶۱.
- Cookson, H., Granell, R., Joinson, C., Ben, S. Y., & Henderson, A. J. (۲۰۰۹). Mothers' anxiety during pregnancy is associated with asthma in their children. *Journal of Allergy and Clinical Immunology*. ۱۲۳(۴), ۸۴۷-۵۳.
- Edlin, G., Golanty, E., & Brown, K. M. (۱۹۹۹). *Health and wellness: Web enhanced sixth edition*. Sudbury, MA: Jones and Bartlett Publishers. Retrieved February ۹, ۲۰۰۱, from <http://emedialibrary.com/api-b.nfo&record={AE}&softpage=Document>.
- Erasmmsus , R.V. (۱۹۹۷). Advances in Understanding Happiness. *Revue Quebecoise de Psychologie*. (۱۸), ۲۹-۷۹.
- Estora L. [Stress]. Dadsetan P. (۱۹۹۹). (translator). ۱st ed. Tehran: *Roshd*. ۱۷۹-۸۵. (Persian)
- Flavell JH. (۱۹۷۹). Metacognition and cognitive monitoring: A new area of cognitive -developmental inquiry. *Am Psychol*. ۳۴: ۹۰۶-۱۱.
- Flavell, J. H., & Miller, P. (۱۹۹۸). Social cognition. In W. Doman (Series Ed.) & D. Kuhn & R. Siegler (Vol. Eds.), *Handbook of child psychology: Vol. ۲. Cognition. Perception and language* (۵th ed. ۹۵۱-۸۹۸). New York: Wiley.
- Gupta, G. & Bakhshi.D.K. (۲۰۰۹). *Effect of gender and creativity on mental health of adolescents*. Social Science Research Network.
- Harigopal , K. (۱۹۹۵). *Conflict Management (Menaging Interpersonal Conflict)*. Oxford and IBH Publishing Co. Pvt. Ltd.
- Heidi, S. KC, Christine, D. SC, Laura, M. GC, Calvin, J. HC, & Curt, A. S. (۲۰۱۴). Pregnancy anxiety and prenatal cortisol trajectories. *Biological Psychology*. (۱۰۰), ۱۳-۱۹.
- Homan HA. (۱۹۹۹). [Psychometric properties of general health questionnaire on student of Tarbiat Moallem University]. *Student counseling Tehran University research*. ۱۲-۵. (Persian).
- Kinney, D. K., Munir, K. M., Cowley, D. J., & Miller, A. M. (۲۰۰۸). Prenatal stress and risk for autism. *Neuroscience and Biobehavioral Reviews*. ۳۲(۸), ۱۵۱۹-۱۵۳۲.
- O'Connor, T.G., Ben Shlomo, Y., Heron, J., Golding, J., Adams, D., & Glover, V. (۲۰۰۵). Prenatal anxiety predicts individual differences in cortisol in pre-adolescent children. *Biological Psychiatry*. ۵۸(۳), ۲۱۱-۲۱۷.



- O'Connor, T. G., Heron, J., Golding, J., Beveridge, M., & Glover, V. (۲۰۰۲). Maternal antenatal anxiety and children's behavioral/emotional problems at ۴ years: Report from the Avon longitudinal study of parents and children. *British Journal of Psychiatry*. (۱۸۰), ۵۰۲-۵۰۸.
- Okeane, V. (۲۰۰۰). Evolving model of depression as an expression of multiple interacting risk factors. *British Journal of Psychiatry*. (۱۷۷), ۴۸۲-۴۸۳.
- Papageorgiou C, Wells A. (۲۰۰۳). An empirical test of a clinical metacognitive model of rumination and depression. *Cognit Ther Res*. (۲۷), ۲۶۱-۲۷۳.
- Pavitra, K.S. & Chandrashekar. (۲۰۰۸). Creativity and mental health: A profile of writers and musicians department of psychiatry. NIMHANS.bangalore.India.
- Saeed, O., Purehsan, S., Akbari, S. (۲۰۱۰). "Correlation among meta cognitive beliefs and anxiety-depression symptoms". *Procedia Social and Behavioral Sciences*. (۵), ۱۶۸۵-۱۶۸۹. (Persian).
- Seligman, M. E. P., & Csikszentmihalyi. (۲۰۰۰). M.Positivepsychology:An introduction. *American Psychologist*. (۵۵), ۵-۱۴.
- Sewanson, C. (۱۹۹۰). What is metacognition? *Journal of Educational Psycholog*. (۲۱۱), ۱۱۴-۱۲۳.
- Shahhosseini Z, Abedian K, Azimi H. (۲۰۰۸). Role of anxiety during pregnancy in preterm delivery. Article in Persian. *J Zanjan Univ Med Sci*. ۱۶(۶۳), ۸۵-۹۲. (Persian).
- Solchany, J. E. (۲۰۰۰). *Promoting maternal mental health during pregnancy: Theory, practice & intervention*. Washington: NCAST Publication..
- Taghavi M. (۲۰۰۱).[Investigating reliability and validity of general health questionnaire]. *Journal of psychology*. (۲۰), ۳۸۱-۹۸. (Persian)
- Urizar GG Jr, Munoz RF. (۲۰۱۱). Impact of a prenatal cognitive-behavioral stress management intervention on salivary cortisol levels in low-income mothers and their infants. *Psychoneuroendocrinology*. ۳۶(۱۰), ۱۴۸۰- ۹۴.
- Vandenberg, B.R., Mulder, E. J., Mennes, M., & Glover, V. (۲۰۰۵). Antenatal maternal anxiety and stress and the neurobehavioural development of the fetus and child: Links and possible mechanisms. *Neuroscience & Biobehavioral Reviews*. ۲۹(۲), ۲۳۷-۲۵۸.
- Vollrath, M.E. (۲۰۰۶). Handbook of personality and health. John wiley and sons.LTD.
- Yilmaz, E.A., Gencoze, T., & Wells, A. (۲۰۱۱) "The temporal precedence of metacognition in the development of anxiety and depression symptoms in the context oflifestress: A prospective study." *Journal of Anxiety Disorder*. (۲۵), ۳۸۹-۳۹۶.



پیش بینی اضطراب بارداری بر اساس بهزیستی ذهنی و شادکامی در زنان باردار شهر تبریز

فریده نصیری کناری؛ کارشناس ارشد روانشناسی بالینی، دانشگاه علوم و تحقیقات واحد تبریز

faridehmk@gmail.com

مهدی رهنورد بخشایش؛ کارشناس ارشد روانشناسی بالینی، دانشگاه علوم و تحقیقات واحد تبریز

mehdihani1019@gmail.com

چکیده

این تحقیق با هدف بررسی رابطه ی بهزیستی ذهنی و شادکامی با اضطراب بارداری زنان باردار شهر تبریز انجام گرفته است. طرح تحقیق حاضر در چهارچوب طرح های توصیفی از نوع همبستگی قرار دارد. با توجه به طرح تحقیق و جامعه ی آماری، ۹۷ نفر زن باردار با استفاده از روش نمونه گیری در دسترس برای این تحقیق در نظر گرفته شدند. در فرآیند گردآوری داده ها، از پرسشنامه های شادکامی آکسفورد، اضطراب بک و بهزیستی ذهنی کی یز و ماگیارمو استفاده گردید. تجزیه و تحلیل داده ها با استفاده از نرم افزار SPSS۲۳ و با به کارگیری آزمون همبستگی پیرسون و رگرسیون چندگانه استفاده شد. با استفاده از روش تجزیه و تحلیل آماری پیرسون و رگرسیون چندگانه ($p < 0.05$)، نتایج نشانگر رابطه ی معنادار منفی بین بهزیستی ذهنی و اضطراب بارداری؛ و شادکامی و اضطراب بارداری بود. همچنین، در خصوص فرضیه ی اصلی تحقیق، یافته ها حاکی از آن بود که ترکیب متغیرهای بهزیستی ذهنی و شادکامی به طور معنی داری توانستند اضطراب بارداری را تبیین کنند و در حالی که متغیر بهزیستی ذهنی به تنهایی توانسته بود ۳۵ درصد از واریانس اضطراب بارداری را در این مدل تبیین نماید؛ شادکامی سهمی در تبیین مدل ایفا نکرد. بر این اساس، نتایج پژوهش حاضر نشان می دهد بهزیستی ذهنی و شادکامی به عنوان دو سازه مثبت در کاهش اضطراب مؤثر می باشند و از نتایج این پژوهش متخص صان زنان و زایمان و روان شنا سان می توانند استفاده نمایند.

واژه های کلیدی: بهزیستی ذهنی، شادکامی، اضطراب بارداری

مقدمه

پرواضح است که بارداری نوعی تجربه ی جدید، زیبا و البته ناآشنا برای بسیاری از زنان بشمار می رود. در فرایند این نوع تجربه ی ناآشنا، زنان به دلایل گوناگون با نوعی اضطراب که نتیجه ی موقعیت های غیرآشنا و تهدید کننده است، مواجه هستند. اگرچه در بررسی های بالینی و روانشناختی، تجربه ی اضطراب در اکثر بیماری های روانی بیچشم می خورد؛ ولی تجربه آن در هر دوران، مخصوصاً در دوران بارداری بسیار بااهمیت است. اگرچه آمار دقیقی در دست نمی باشد؛ ولی بر اساس تحقیق های انجام شده، شیوع اختلالات اضطرابی در دوران بارداری، بالاتر از ۳۰ درصد گزارش شده است (بونوبیسوس و سیسنایت^۱، ۲۰۰۷). در ایران نیز، شیوع اختلالات اضطرابی در بارداری بالا و به ۶۴ درصد می رسد (شاه حسینی، عابدیان و عظیمی، ۲۰۰۸).

ادبیات مربوط نشان از این امر دارد که دایره ی تجربه ی اضطراب چنان وسیع می باشد که می تواند از نگرانی های بی دلیل تا آشفتگی های درونی را شامل گردد؛ تجربه ای که در نهایت می تواند بطور معنی داری سلامت و تعادل روانی فرد را مختل سازد (احمدی و بنی جمالی، ۱۳۷۵).



ناگفته پیداست که تجربه ی اضطراب در دوران بارداری می تواند با نابسامانی و فروریختگی های روانی و رفتاری هم برای مادر و هم جنین و یا نوزاد همراه باشد. متخصصان بر این باورند که اضطراب بارداری عامل نیرومندی در پیش بینی پیامدهای منفی هنگام تولد و نوزاد است (هیدی، کریستین و همکاران، ۲۰۱۴). این امر در تحقیقهای اخیرتر با رویکردهای جدید نیز بچشم می خورد. بعنوان مثال، نتایج پژوهش های مدل های ایمنی شناسی مغز و اعصاب نشان داده است که تنیدگی دوره ی بارداری، بهداشت روانی مادر و رشد جنین را تحت تاثیر قرار می دهد و می تواند منجر به تولد زودرس نوزاد شود (کریستین، ۲۰۱۲). همچنین، پژوهش ها حاکی از آن است که اضطراب بارداری و زایمان می تواند در ابتلای کودک به اختلال های عاطفی (اوکین، ۲۰۰۰)، ابتلا به درخود ماندگی (کینی و همکاران، ۲۰۰۸)، فزون کنشی (وندنبرگ و همکاران، ۲۰۰۵) و تنگی تنفسی در دوره ی نوزادی (کوکسان و همکاران، ۲۰۰۹) نقش داشته باشد. بعلاوه، اضطراب در بارداری باعث ایجاد عوارض مختلف و جبران ناپذیر تهوع و استفراغ شدید در اوایل بارداری، بروز مسمومیت بارداری، محدودیت رشد جنین، شکاف کام، لب شکری و حتی افزایش میزان زایمان زودرس، مرده زایی و مرگ نوزاد می شود (بحری بیناباج^۱، ۲۰۰۱؛ برورز، ون بار و پاپ^۱، ۲۰۰۱). فرلند و همکاران (۲۰۱۱)، به این نکته ی مهم در بهداشت روانی دوران بارداری تاکید دارند که ریشه دل بستگی ضعیف والد - کودک به هنگام افسردگی پس از زایمان، در چگونگی سیر دوره ی بارداری نهفته است. بعلاوه، سطوح بالای اضطراب در طول بارداری نه تنها باعث افزایش خطر افسردگی، اضطراب و کاهش تولید و ترشح شیر مادر در طول دوره ی نفاس شده، بلکه در نوزاد نیز منجر به تحریک پذیری، گریه بیشتر، وضعیت ناپایدارتر و حتی کاهش رشد ذهنی کودک در سن دو سالگی می شود (بحری بیناباج، ۲۰۰۱ و برورز، ون بار و پاپ، ۲۰۰۱).

با پررنگ تر شدن عواقب جسمانی و روانی این نوع اضطراب، متخصصان امر در جستجوی مسیرهای احتمالی برای بهبود و ارتقای سلامت روانی این گروه آسیب پذیر بوده اند. در بررسی ادبیات مربوط به رویارویی با این نوع مشکلات روانی، روانشناسی با نوعی دیدگاه جدید روبه رو است. در قرن بیست و یکم روانشناسی متوجه این امر شده است که انسان باید انرژی عقلانی خود را صرف جنبه های مثبت تجربه اش کند (سلیگمن و سیکزنت میهالی، ۲۰۰۰). امروزه پژوهش درباره ی توانمندی های انسانی و روانشناسی مثبت به طور روز افزون در حال رشد است (کاشدن^۱، ۲۰۰۴). یکی از موضوع های مهم در نگاه روانشناسی مثبت نگر، به مقوله ی بهزیستی ذهنی اشاره دارد. بهزیستی ذهنی یک ساختار مهم در پژوهش های مربوط به تفسیر شخصیت بوده و به عنوان ارزیابی مثبت از زندگی شناخته می شود (واکر و شیمک، ۲۰۰۷). به باور فریش (۲۰۰۶)، توجه و کاویدن بهزیستی در یک چارچوب ذهنی، یکی از چالش برانگیزترین و مهمترین دغدغه های بشر در دنیای کنونی است. اصطلاح بهزیستی ذهنی گاه بنظر می رسد که با شادکامی معادل قرار داده می شود؛ در حالیکه متغیر بهزیستی ذهنی آستن مفاهیم و سازه های گوناگون و گسترده تری است (مرادی، جعفری و عابدی، ۲۰۰۵). در اصل، بهزیستی ذهنی نوعی تجربه ی سلامتی در ابعاد مختلف روانشناختی، اجتماعی و هیجانی می باشد؛ که به ارزیابی فرد از زندگی خود دلالت دارد (کی یز، مارگیامو و جیانا، ۲۰۰۳؛ داینر و همکاران، ۱۹۹۷). از طرفی، توجه به بعد شناختی بهزیستی به این معنی نیست که بعد هیجانی بهزیستی دارای قدرت کمتری می باشد. به اعتقاد کامینز (۲۰۰۰)، بهزیستی ذهنی؛ خود اساساً دارای بعد هیجانی قویتری نیز می باشد. در این راستا، نتایج تحقیق اسلامی و علیوندی وفا (۱۳۹۵) نشان داد که بین متغیرهای هیجانی چون هوش هیجانی و ناگویی هیجانی با اضطراب بارداری رابطه ای معنی دار وجود دارد. همچنین، مایرز و داینر (۱۹۹۵) نیز با مطالعه بهزیستی ذهنی به این نتیجه رسیدند که داشتن احساس بهزیستی بالا باعث تجربه هیجانانگیز مثبت شده؛ و نقص این نوع دارایی می تواند فرد را مستعد تجربه ی هیجانانگیز منفی نظیر اضطراب، افسردگی و خشم نماید. از نگاه نظری روان تحلیلی، آدلر (۱۹۲۶) چنین ادعان می دارد که فرد دارای سلامت در ابعاد روانی به رخدادهای زندگی خوش بین بوده و هدفمند و غایت مدار حرکت می کنند؛ به بیانی دیگر، او این گونه افراد را خالق عواطف خود بر می شمرد.

بر اساس دیدگاه روانشناسی مثبت گرا، تجربه های روانشناختی منفی در دوران بارداری می تواند با ضد خود، یعنی تجربه ی شادکامی قابل توجیه باشد؛ بطوریکه داشتن تجربه ی شادی می تواند راه را برای تجربه های منفی مسدود نماید. بررسی ها نشان می دهد که افراد راضی و خوشنود، هیجانانگیز مثبت بیشتری را تجربه می کنند و از رویدادهای پیرامون خود ارزیابی های مثبت تری دارند (اوسایتر، مارکیندز، بلک و گودوین^۱، ۲۰۰۰)؛ احساس مهار و کنترل بالاتری داشته و رضایت از زندگی بیشتری تجربه می کنند (وانسا، بوردوین و هوینر^۱، ۲۰۱۰)؛ اضطراب و ارتباط والد فرزندی با کیفیت تری داشته (پورسینا، احمدی، خدابخش و شفیع آبادی، ۱۳۹۲)؛ نظام ایمنی سالم تر و خلاقیت



بالاتری نشان میدهند (داینر و سلیگمن^۱، ۲۰۰۳)؛ و در موقعیت های مختلف زندگی همچون ازدواج، شغل، درآمد و سلامتی موفقتر عمل می کنند (لیوبومیرسکی، کینگ و داینر، ۲۰۰۵؛ سائول و سائول، ۱۹۹۰؛ لیوبومیرسکی و راس، ۱۹۹۷). بر اساس ادبیات موجود، اهمیت شادکامی و عوامل موثر و مرتبط با آن در حوزه های مختلف فعالیت انسان نمود شفاف تری پیدا کرده؛ بطوریکه در سالهای اخیر تعداد کثیری از نوشته های محققان را بخود اختصاص داده است. یکی از دلایل این نوع نگاه، به اهمیت این متغیر در سلامت جسمانی و روانی بشر دیروز و امروز مربوط می باشد (باس، ۲۰۰۰؛ تسو و تی یو، ۲۰۰۱؛ لیوبومیرسکی و همکاران، ۲۰۰۵).

بر این اساس، قابل ذکر است که تجربه ی اضطراب در دوران بارداری، موضوعی است بین رشته ای، که توجه به آن می تواند اطلاعات مفید به فایده ای را برای هر دو گروه متخصصان زنان زایمان و روانشناسان در پی داشته باشد. یکی از دلایل این اهمیت، به تاثیر این نوع تجربه منفی در سلامت جسمانی و روانی زنان باردار مربوط می باشد همچنین، اهمیت پرداختن به بهزیستی ذهنی در موقعیتهای هیجانی، شناختی و اجتماعی و شادکامی در مطالعات گوناگون نشان داده شده است. بنابراین، با توجه به این امر که مادران باردار به علت شرایط ناآشنا و خطیری که تجربه می کنند؛ در معرض اضطراب و استرس بالاتری قرار دارند؛ شناخت عوامل و متغیرهای درگیر در این دوران می تواند برای متخصصان امر بسیار راه گشا باشد؛ چراکه انجام تحقیق هایی که به رابطه ی متغیرها می پردازد، می تواند در نهایت راه را برای انجام پژوهش های مداخله ای و پیشگیرانه هموار سازد. لذا، نتایج تحقیق حاضر می تواند در راستای پژوهش های انجام شده و ادعاهای علمی ارایه شده، داده های جدید را ارایه نماید؛ که در نهایت همسو بودن یا نبودن آن با یافته های قبلی، راهگشای مسیرهای فکری جدیدی خواهد بود.

روش تحقیق

پژوهش حاضر بر پایه ی تحقیق های توصیفی از نوع همبستگی استوار می باشد؛ چراکه محقق بر آن بود تا به بررسی روابط بین متغیرهای بهزیستی ذهنی و شادکامی (متغیرهای پیش بین) با اضطراب بارداری (متغیر ملاک) در زنان باردار شهر تبریز بپردازد. جامعه پژوهش حاضر کلیه ی زنان باردار مراجعه کننده به مراکز پزشکی زنان زایمان شهر تبریز بود. بر اساس اطلاعات کسب شده در طی انجام این پژوهش حدود ۱۲۰۰۰ زن باردار به این مراکز جهت دریافت خدمات مراجعه کردند که همگی دارای پرونده ی پزشکی بودند. بر اساس دستورالعمل پیشنهادی آنوگیزی و کالینز (۲۰۰۷)، حجم نمونه در مطالعات ای همبستگی با فرضیه دو طرفه حداقل ۸۲ شرکت کننده برای اندازه اثر متوسط با توان آماری ۰/۸۰ و سطح معنی داری ۰/۰۵ پیشنهاد شده است. بر این اساس، و برای بالا بردن روایی بیرونی، تعداد ۱۰۰ نفر به عنوان نمونه تحقیق حاضر از دو بیمارستان امام علی و شهرداری تبریز به روش تصادفی انتخاب شدند. بعلاوه، از آنجاییکه امکان دسترسی به تک تک اعضای جامعه وجود نداشت (زنان باردار در زمان های مشخص و براساس برنامه برای دریافت خدمات به مرکز مراجعه نمی کردند)؛ لذا از نمونه گیری در دسترس برای انتخاب نمونه تحقیق استفاده شد. و برای جمع آوری داده ها از پرسشنامه های زیر استفاده شد. پرسشنامه شادکامی آکسفورد که شامل ۲۹ عبارت چهار گزینه ای است که نمره گذاری گزینه های هر عبارت به ترتیب عبارت است از: الف: ۰ تا د: ۳. بدین ترتیب بالاترین نمره ای که آزمودنی می تواند در این مقیاس کسب کند، ۸۷ است که بیانگر بالاترین حد شادکامی بوده؛ و کمترین نمره این مقیاس ۰ است که موید ناراضی بودن آزمودنی از زندگی و افسردگی فرد است. آرگایل، مارتین و لو (۱۹۹۵)، پایایی پرسشنامه آکسفورد را به کمک ضریب آلفای کرونباخ ۰/۹۰ و پایایی باز آزمایی آن را طی هفت هفته ۰/۷۸ گزارش کرده اند.

در ضمن، لازم به ذکر است که ضریب پایایی این مقیاس در نمونه مورد تحقیق بر اساس ضریب آلفای کرونباخ ۰/۷۴ بدست آمد. مقیاس بهزیستی ذهنی توسط کی یز، ماگیارمو و جیانا (۲۰۰۳) برای سنجش بهزیستی هیجانی (با طیف لیکرتی ۵ درجه ای)، بهزیستی روانشناختی (با طیف لیکرتی ۷ درجه ای) و بهزیستی اجتماعی (با طیف لیکرتی ۷ درجه ای) بکار می رود که از ۴۵ سوال تشکیل شده است. در مطالعه کی یز، ماگیارمو و جیانا (۲۰۰۳) برای بررسی روایی این مقیاس از روایی عاملی استفاده شده است. نتایج تحلیل عاملی تاییدی ساختار سه عاملی این مقیاس را تایید کرده است. در تحقیق گلستانی بخت (۱۳۸۶)، پایایی مقیاس بهزیستی ذهنی و زیر مقیاسهای بهزیستی هیجانی، روانشناختی و اجتماعی به ترتیب ۰/۷۵، ۰/۷۶، ۰/۶۴ و ۰/۷۶ گزارش شده است. در تحقیق حاضر نیز، ضریب آلفای کرونباخ برای بهزیستی ذهنی ۰/۸۱ بدست آمد.



پرسشنامه اضطراب بک (BAI) توسط آرون تی بک و همکارانش در سال ۱۹۸۸ ساخته شد (بک و همکاران، ۱۹۸۸). این پرسشنامه دارای ۲۱ گویه است که علایم اضطراب را فهرست کرده است و بیشتر به چک لیست شباهت دارد. پرسشنامه اضطراب بک برای اندازه گیری اضطراب در نوجوانان و بزرگسالان ساخته شده است و هر یک از ماده های آن یکی از علایم شایع اضطراب یعنی علایم ذهنی، علایم بدنی و هراس را می سنجد (فتحی آشتیانی، ۱۳۸۸). در پژوهشی که بک و همکاران (۱۹۸۸) برای ارزیابی این پرسشنامه انجام دادند آلفای کرونباخ پرسشنامه ۰/۹۲ به دست آمد. همچنین، پایایی آزمون - بازآزمون پرسشنامه پس از یک هفته ۰/۷۵ محاسبه گردید. در نمونه ایرانی نیز آلفای کرونباخ ۰/۹۲، آزمون دو نیمه سازی اسپیرمن ۰/۹۵ و پایایی آزمون-بازآزمون ۰/۷۷ برای این پرسشنامه گزارش شده است. همچنین، ضریب پایایی این مقیاس در نمونه مورد تحقیق بر اساس ضریب آلفای کرونباخ ۰/۷۰ بدست آمد.

در راستای انجام تحقیق حاضر، محقق به مرکز پزشکی زنان زایمان بیمارستان امام علی و شهرداری مراجعه کرده؛ و بعد از طی مراحل اداری و مشخص نمودن تعداد افراد مراجعه کننده به مراکز جهت اخذ خدمات بارداری، تعداد ۱۰۰ نفر با استفاده از روش نمونه گیری در دسترس برای انجام تحقیق حاضر انتخاب شدند. سپس هر سه پرسشنامه با جلب رضایت نمونه ها در بین آن ها پخش و از آن ها خواسته شد که با دقت پرسشنامه ها را بخوانند و به سوالات جواب دهند. لازم به ذکر است که تعداد ۳ مورد از پرسشنامه ها مخدوش بودند؛ لذا تعداد ۹۷ عدد پرسشنامه برای کار آماری در نظر گرفته شد.

یافته های تحقیق

به منظور آزمون فرضیات این تحقیق آمار استنباطی پیرسون و رگرسیون چندگانه متناسب در نظر گرفته شد. نخست پیش فرض های نرمال بودن توزیع داده ها و هم خطی چندگانه برای رگرسیون چندگانه مورد بررسی قرار گرفت. نتایج بدست آمده از تحلیل شاخص های چولگی و کشیدگی نشان داد که توزیع نمرات متغیرها (بهزیستی ذهنی، شادکامی و اضطراب بارداری)، در یک بازه قابل قبول چولگی و کشیدگی یعنی -۱ الی +۱ قرار دارند. بنابراین، پیش فرض نرمال بودن توزیع داده ها برای متغیرهای فوق الذکر مفروض گردید. تشخیص هم خطی چندگانه نشان داد که برای ارتباط خطی بین بهزیستی ذهنی و شادکامی با اضطراب بارداری هم شاخص تolerانس (Tolerance) و هم عامل تورم واریانس (VIF) به ترتیب بیشتر از ۱/۱۰ و کمتر از ۱۰ بود. این نتایج حاکی از عدم وجود ارتباط هم خطی بین شادکامی و شادکامی با اضطراب بارداری بود.

در فرضیه ی اول مبنی بر اینکه "بین بهزیستی ذهنی و اضطراب بارداری زنان باردار شهر تبریز رابطه وجود دارد؛ نتایج آزمون همبستگی پیرسون نشان داد که شاخص همبستگی به دست آمده برابر است با $(r = -0/392)$ که در سطح آلفای ۰/۰۵ معنی دار می باشد. بنابراین با رد فرض صفر؛ فرض تحقیق مورد تایید قرار می گیرد.

جدول شماره ۱: نتایج ضریب همبستگی پیرسون برای بهزیستی ذهنی و اضطراب بارداری

متغیر	بهزیستی ذهنی	اضطراب بارداری
ضریب پیرسون	۱	-۰/۳۹۲
سطح معنی داری		۰/۰۰۰
تعداد	۹۷	۹۷
اضطراب بارداری	-۰/۳۹۲	۱
سطح معنی داری	۰/۰۰۰	
تعداد	۹۷	۹۷

در فرضیه ی دوم مبنی بر اینکه "بین شادکامی و اضطراب بارداری زنان باردار شهر تبریز رابطه وجود دارد؛" نتایج آزمون همبستگی پیرسون نشان داد که شاخص همبستگی به دست آمده برابر است با $(r = -0/26)$ که در سطح آلفای ۰/۰۵ معنی دار می باشد. بنابراین، با رد فرض صفر، فرض تحقیق تایید می شود.



متغیر	اضطراب بارداری	شادکامی
اضطراب بارداری	ضریب پیرسون	۰/۲۶۲-
	سطح معنی داری	۰/۰۱۰
	تعداد	۹۷
شادکامی	ضریب پیرسون	۰/۲۶۲-
	سطح معنی داری	۰/۰۱۰
	تعداد	۹۷

در فرضیه ی سوم (اصلی) تحقیق حاضر که بیان می کرد که "بهزیستی ذهنی و شادکامی می تواند اضطراب بارداری زنان باردار شهر تبریز را پیش بینی نماید"؛ مقدار مجذور R برابر است با ۰/۱۵۷ که نشان دهنده ی میزان واریانس تبیین شده توسط مدل پیشنهادی می باشد. مقدار مجذور R حاکی از آن است که حدود ۱۶ درصد واریانس در متغیر اضطراب بارداری به علت متغیرهای پیش بین بهزیستی ذهنی و شادکامی میباشد.

جدول شماره ۳: تحلیل رگرسیون نمرات متغیر اضطراب بارداری بر نمرات بهزیستی ذهنی و شادکامی

مدل رگرسیون	R	مجذور R	مجذور R اصلاح شده	خطای معیار تخمین	F	P
کلی	۰/۳۹۶	۰/۱۵۷	۰/۱۳۹	۷/۹۰۳	۸/۷۳۵	۰/۰۰

با توجه به معنی داری رگرسیون ($F=۸/۷۳۵$ ؛ $p=۰/۰۰$)، فرضیه سوم تحقیق مورد تایید قرار گرفت. همانطوریکه در جدول ذیل آمده، ضریب استاندارد شده ی رگرسیون برای بهزیستی ذهنی برابر $-۰/۳۵$ = بتا و معنی دار می باشد ($t=-۳/۱۳$ ؛ $p=۰/۰۰$). این در حالی است که، ضریب استاندارد شده ی رگرسیون برای شادکامی معنی دار نبود ($p=۰/۵۸$). بدین سان، بهزیستی ذهنی (۳۵ درصد) در مقایسه با شادکامی، بهترین پیش بین برای اضطراب بارداری است.

جدول شماره ۴: ضریب استاندارد شده ی رگرسیون برای اضطراب بارداری

سطح معناداری*	t	ضرایب استاندارد نشده		مدل
		ضرایب استاندارد شده	خطای معیار	
		بتا	B	(ثابت)
۰/۰۰	۵/۳۷		۵۸/۹۷	
۰/۰۰	-۳/۱۳	-۰/۳۵	۰/۰۶	بهزیستی ذهنی
۰/۵۸	-۰/۵۴	-۰/۰۶	۰/۰۵	شادکامی

* سطح معنا داری $p < ۰/۰۵$



با توجه به اثرات منفی جسمانی و روانی اضطراب در دوران بارداری، متخصصان در پی یافتن متغیرهای درگیر در تجربه‌ی این نوع اضطراب می‌باشند. در تحقیق حاضر که به این منظور انجام گرفته بود، رابطه‌ی بین بهزیستی ذهنی و شادکامی با اضطراب بارداری مورد بررسی قرار گرفت؛ و نتایج حاکی از وجود رابطه‌ی هر دو متغیر پیش بین بطور جداگانه با اضطراب بارداری بود. ولی در مدل بررسی شده، فقط متغیر بهزیستی ذهنی قادر به پیش بین متغیر ملاک بود. در خصوص مقایسه‌ی نتایج تحقیق حاضر با یافته‌های دیگر پژوهش‌های مرتبط، یافته‌های تحقیق حاضر، در کل، با نتایج پژوهش‌هایی همچون قاسمی و همکاران (۱۳۹۰)؛ اسلامی و علیوندی وفا (۱۳۹۵) و انج و همکاران (۲۰۰۵)؛ اوسایترو و همکاران (۲۰۰۰)؛ لیوبومیرسکی و همکاران (۲۰۰۵)؛ انهاری و همکاران (۱۳۹۵)؛ باس (۲۰۰۰)؛ داینر و سلیگمن (۲۰۰۳)؛ و تسو و تی یو (۲۰۰۱) همسو می‌باشد.

در روانشناسی امروزه، باور و دیدگاه جدیدی به تعریف سلامت روان و نداشتن بیماری روانی ایجاد شده است. در این دیدگاه، بجای پررنگ نمودن بدکنشی و آشفتگی‌های روانی، به داشته‌های سالم و مثبت انسان‌ها توجه می‌شود. پرواضح است که تجربه‌ی اضطراب در دوران خطیر بارداری امری اجتناب ناپذیر و غیرقابل انکار می‌باشد؛ موضوعی که مطالعات انجام شده در این حوزه، بر تاثیر این نوع اضطراب در جسم و روان جنین و کودک صحنه می‌گذارد. بر این اساس، توجه به متغیرهای دخیل در اضطراب بارداری با نگاه جدید روانشناسی مثبت، امری ضروری مینماید. در این راستا، یکی از مقوله‌های بااهمیت در نگاه روانشناسی مثبت نگر، بهزیستی ذهنی است؛ مقوله‌ای که به باور فریش (۲۰۰۶)، یکی از بزرگترین حوزه‌های پرچالش دنیای علمی بشر بشمار می‌رود. بهزیستی ذهنی مستلزم درک چالش‌های وجودی زندگی بوده؛ و به شدت بر توسعه انسانی تاکید دارد. به عنوان مثال، دنبال نمودن اهداف معنادار، تحول و پیشرفت به عنوان یک فرد و برقراری روابط کیفی سازنده با دیگران، از نمونه اهداف این دیدگاه در نظر گرفته می‌شود. در واقع، بهزیستی ذهنی نوعی داشتن سلامتی در ابعاد روانشناختی، اجتماعی و هیجانی می‌باشد که به چگونگی ارزیابی کردن کل چارچوب زندگی دلالت دارد (بعنوان مثال، کی یز و همکاران، ۲۰۰۳).

با توجه به بحث‌های ارایه شده‌ی فوق می‌باید اذعان نمود که اضطراب جزء لاینفک شرایط ناآشنا و تهدیدکننده می‌باشد؛ و بارداری به دلیل شرایط ویژه‌ای که دارد از اضطراب فراوانی برخوردار می‌باشد که باید از میزان آن کاسته شود. همچنانکه بیان گشت شادکامی و بهزیستی ذهنی به عنوان سازه‌های مثبتی هستند که از نیازهای مهم زندگی بشر شمرده می‌شوند و از درون روانشناسی مثبت نگر که هدف آن شناسایی سازه‌ها و شیوه‌هایی است که بهزیستی انسان را فراهم می‌کند، بیرون می‌آیند. این دو سازه به انسان کمک می‌کنند تا عواطف منفی خود را پشت سر بگذارد و با تمرکز بر عواطف مثبت زندگی خود را بهبود بخشند. وجود شادکامی و بهزیستی ذهنی در انسان توانایی‌های او را در درک مسائل و حل مسائل افزایش می‌دهد و به دنبال آن رشد و شکوفایی زندگی انسان مهیا گردد. با توجه به ویژگی‌های ذکر شده وجود این سازه‌ها در مادران باردار توانایی آن‌ها را در زندگی افزایش و قدرت مقابله با ناسازگاری‌ها، نامالایمات و ورود به شرایط جدید را برای آن‌ها مهیا می‌سازد.

از طرفی، از آنجاییکه اضطراب در دوران بارداری نوعی متفاوت از اضطراب می‌باشد و دارای جنس متفاوتی بوده و عوامل گوناگونی را در خود به همراه دارد؛ لذا هیجان‌های عاطفی مثبت گذرا نمی‌تواند به تنهایی در کاهش اضطراب در این دوران خطیر نقش مهمی بازی نماید؛ و نیاز به توجه به ابعاد وسیعتر جسمانی، شناختی، هیجانی و اجتماعی است. بعلاوه، علیرغم نتایج مشابه کسب شده در این تحقیق، مطالعه‌ی ادبیات مربوط نشان از این واقعیت داشت که متغیر شادکامی از زمان یونان باستان تا کنون، متغیری سخت سازه و مبهم است؛ لذا، انجام تحقیقات عمیق تر مفهومی در بافت‌های فرهنگی و اجتماعی متفاوت می‌تواند مسیر شناخت این متغیر مهم را بیش از پیش شفاف تر سازد. امید است که بتوان با فهم درست این متغیر، از پتانسیل فطری آن در امور مداخله‌ای و درمانی استفاده نمود.



- احمدی ، حسن و بنی جمالی ، شکوه السادات. (۱۳۷۵) . *روان شناسی رشد مفاهیم بنیادی در روانشناسی کودک* . تهران: نشر جیحون .
- اسلامی، شکیبیا؛ و علیوندی وفا، مر ضیه. (۱۳۹۵). پیش بینی اضطراب بارداری بر اساس هوش هیجانی، تنظیم شناختی هیجان و ناگویی هیجان در زنان باردار شهر تبریز. پایاننامه کارشناسی ارشد. گروه روانشناسی، دانشکده علوم انسانی و روانشناسی، دانشگاه آزاد اسلامی تبریز.
- انهاری، سولماز؛ علیوندی وفا، مر ضیه؛ و جعفری، (۱۳۹۵). بررسی مقایسه ای هوش معنوی، شادکامی و رضایت از زندگی در زنان باردار با اضطراب بارداری بالا و پایین. پایاننامه کارشناسی ارشد. گروه روانشناسی، دانشکده علوم انسانی و روانشناسی، دانشگاه آزاد اسلامی تبریز.
- پور سینا، مریم؛ احمدی، خدابخش و شفیق آبادی، عبدالله. (۱۳۹۲). اثربخشی شادکامی بر اضطراب، پیشرفت تحصیلی و ارتباط والد فرزندی در دانش آموزان دختر. *مجله ی خانواده و پژوهش* . ۴۱-۵۴ (۳):۱۰ .
- فتحی آشتیانی، علی. (۱۳۸۸) . *آزمون های روانشناختی: ارزیابی شخصیت و بهزیستی ذهنی* . تهران، انتشارات: بهمن.
- قاسمی، نظام الدین؛ کججاف، محمد باقر و ربیعی، مهدی. (۱۳۹۰) و اثربخشی روه درمانی مبتنی بر کیفیت زندگی بر بهزیستی ذهنی و سلامت روان. *فصلنامه ی روانشناسی بالینی* . ۱۳-۲۱ : (۲)۳ .
- گلستانی بخت، طاهره . (۱۳۸۶). ارائه الگوی بهزیستی ذهنی و شادمانی در جمعیت شهر تهران. رساله دکتری روانشناسی بالینی، دانشگاه الزهرا.
- Adler. A. (۱۹۲۶). *The Neurotic Constitution*. New York: Dood, Mead.
- Argyle, M. (۲۰۰۱). *The psychology of happiness*. London: Routledge, ۲nd. Ed.
- Argyle, M., Martin, M., LU, L. (۱۹۹۵). *Testing for stress and happiness: The role of social and cognitive factors*; INC.
- Bahribinabaj N . (۲۰۰۱) . *Effects of psychological support, physical training during labor on pain severity in nulliparous women* . Thsis in Persian. Mashhad:Mashhad School of Nursing and Midwifery.
- Brouwers EP, van Baar A. & Pop VJ . (۲۰۰۱) Maternal anxiety during pregnancy and subsequent infant development. *J Infant Behav Dev* . ۲۴(۱):۹۵-۱۰۶.
- Bunevicius A, Cesnaite E . (۲۰۰۷) . Antenatal Maternal Mental State and Anthropometric Characteristics of the Neonates: Impact of Symptoms of Depression and Anxiety. *Biologinè Psichiatrija*. ۹۱(۱): ۳-۶
- Buss, D. M. (۲۰۰۰). The Evolution of Happiness. *American Psychologist*, ۵۵, ۱۵۵-۳۰.
- Cookson, H., Granell, R., Joinson, C., Ben, S. Y., & Henderson, A. J. (۲۰۰۹). Mothers' anxiety during pregnancy is associated with asthma in their children. *Journal of Allergy and Clinical Immunology*, ۱۲۳(۴), ۸۴۷-۵۳.
- Christian, L. M . (۲۰۱۲). Psychon-euroimmunology in pregnancy: Immune pathways linking stress with maternal health, adverse birth outcomes, and fetal development - *Neuroscience & Biobehavioral Reviews*, ۳۶(۱), ۳۵۰- ۳۶۱.
- Eng, W., Coles, M. E., Heimberg, R. G., & Safren, S. A . (۲۰۰۵). Domains of life satisfaction in social anxiety disorder: Relation to symptoms and response to cognitive-behavioral therapy. *Journal of Anxiety Disorders*, ۱۹: ۱۴۳ – ۱۵۶.
- Farland, J. M., Salisbury, A. L., Cynthia, L. B, Hawes, K. K., Halloran, K., & Lester, B. M . (۲۰۱۱). Major depressive disorder during pregnancy and emotional attachment to the fetus. *Archive of Women 's Mental Health*, ۱۴(۵), ۴۲۵-۴۳۴.
- Frisch M.B. (۲۰۰۶). *Quality of life therapy: Applying a Life Satisfaction Approach to Positive Psychology and Cognitive Therap*. New York, N.Y.: John Wiley & Sons.
- Heidi, S. KC, Christine, D. SC, Laura, M. GC, Calvin, J. HC, & Curt, A. S . (۲۰۱۴). Pregnancy anxiety and prenatal cortisol trajectories. *Biological Psychology*, ۱۰۰, ۱۳-۱۹.



- Kashdan, T. B . (۲۰۰۴). The assessment of subjective wellbeing (issues vanished by the Oxford Happiness Questionnaire). *Personality and Individual Differences* ۳۶, ۱۲۲۵-۱۲۳۲.
- Keyes, C. L. M. & Magyar-Moe. Jeana.L. (۲۰۰۳).The measurment and utility of adult subjective well_being .p.۴۱۱-۴۲۵ in positive psychological assessment:Handbook of models and measures ,edited by S.J.Lopez and .R. Snyder.Washington, DC: American Psychological Association.
- Kinney, D. K., Munir, K. M., Cowley, D. J., & Miller, A. M . (۲۰۰۸). Prenatal stress and risk for autism. *Neuroscience and Biobehavioral Reviews*, ۳۲(۸), ۱۵۱۹-۱۵۳۲.
- Lyubomirsky S, Ross L . (۱۹۹۷) . Hedonic consequences of social comparison: a contrast of happy and unhappy people. *J Pers Soc Psychol*.۷۳(۶):۱۱۴۱-۵۷.
- Lyubomirsky, S., King, L., & Diener, E . (۲۰۰۵). The benefits of frequent positive affect: Does happiness lead to success? *Psychological Bulletin*, ۱۳۱, ۸۰۳-۸۵۵.
- Myers, D. G. & Diener . E . (۱۹۹۵) “Who is Happy?” *Psychological Science*, ۶: ۱۰-۱۹.
- Moradi M, Jafari SE, Abedi MR. (۲۰۰۵). Happiness and Personality: A Review Study]. *Advances in Cognition Science*; ۷(۲):۶۰-۷۱.
- Okeane, V. (۲۰۰۰). Evolving model of depression as an expression of multiple interacting risk factors. *Brithish Journal of Psychiatry*, ۱۷۷, ۴۸۲-۴۸۳.
- Ositer GR, Markindes KS, Black SA, Goodwin JS . (۲۰۰۰) . Emotional Wellbeing predicts subsequent Functional independence and survival. *J Am Great Soc* (۴۸):۴۷۳-۴۷۸.
- Saul S, Saul SR. (۱۹۹۰) . The application of joy in group psychotherapy for the elderly. *Int J Group Psychother*.۴۰(۳):۳۵۳-۶۳.
- Seligman, M. E. P., & Csikszentmihalyi, M . (۲۰۰۰). Positive psychology: An introduction. *American Psychologist*, ۵۵, ۵-۱۴.
- Shahhosseini Z, Abedian K, Azimi H . (۲۰۰۸) . Role of anxiety during pregnancy in preterm delivery . Article in Persian. *J Zanzan Univ Med Sci* ,۱۶(۶۳):۸۵-۹۲.
- Tsow, M. & Tiu, J. (۲۰۰۱). Happiness and Domain Satisfaction in Taiwan. *Journal of Happiness Studies*. ۲, ۲۶۹-۲۸۸
- Vandenberg, B. R., Mulder, E. J., Mennes, M., & Glover, V . (۲۰۰۵). Antenatal maternal anxiety and stress and the neurobehavioural development of the fetus and child: Links and possible mechanisms. *Neuroscience & Biobehavioral Reviews*, ۲۹ (۲), ۲۳۷-۲۵۸.
- Vanessa C, Bordwine E, & Hubebner SE . (۲۰۱۰) . The Role of coping in mediating the relationship between positive affect and school satisfaction in adolescents. *Child Individ Res* (۳): ۳۴۹-۳۶۶.



اشتغال و باروری: مطالعه ای در بین زنان شاغل در آموزش و پرورش شهر یزد

ملیحه علی مندگاری؛ استادیار جمعیت شناسی و عضو هیئت علمی دانشکده علوم اجتماعی دانشگاه یزد

m.alimondegari@yazd.ac.ir

علی محمدی پور ندوشن؛ کارشناس ارشد جمعیت شناسی دانشکده علوم اجتماعی دانشگاه یزد

Alimohammadipoor1356@gmail.com

چکیده

مشارکت زنان در فعالیتهای اقتصادی در جامعه امروزی از اهمیت بسزایی برخوردار است و از سوی دیگر سیاستهای جمعیتی اخیر نقش زنان را در این زمینه دوچندان کرده است. به نظر می رسد مشارکت در فعالیتهای اقتصادی باعث حضور کمتر در خانه و مانعی بر سر راه فرزندآوریست و داشتن فرزند زیاد نیز مانعی برای مشارکت زنان در عرصه های اقتصادی جامعه است. با توجه به اینکه درصد زیادی از نیروهای شاغل در بخشهای مختلف آموزش و پرورش را زنان تشکیل می دهند، در این تحقیق تلاش می شود الگوی فرزندآوری زنان شاغل ازدواج کرده در آموزش و پرورش شهر یزد در سال ۱۳۹۳ بررسی شود. یافته ها نشان می دهد متغیرهای طول دوره زناشویی، سن ازدواج، سن به هنگام تولد اولین فرزند، ایده آل های باروری، تعارض شغلی فرزندآوری و استقلال زنان به ترتیب مهمترین متغیرهای تبیین کننده رفتار باروری هستند. زنان شاغل در این پژوهش، دارای هر نوع پایگاه اقتصادی اجتماعی و یا هر درجه از استقلال در خانواده، فرزندان کمی به دنیا آورده اند و بسته های تشویقی دولت نیز نتوانسته تأثیری در کاهش هزینه ها و یا افزایش منافع فرزندان داشته باشد. واژه های کلیدی: پایگاه اقتصادی_اجتماعی، استقلال زنان، زنان شاغل، ایده آل های باروری، شهر یزد.

مقدمه

امروزه توجه به زنان و نقش آنان در جامعه اجتناب ناپذیر است. زیرا نگرش جامعه نسبت به زن و جایگاه او نسبت به گذشته تغییر کرده است. در گذشته نقش زنان فقط در خانه و پرورش فرزندان محدود می شد، اما امروزه جامعه پذیرفته است که زنان نیز می توانند در خارج از خانه، همانند مردان در رشد و تعالی جامعه مؤثر باشند. در این راستا توجه به رابطه میان مشارکت زنان در بازار کار به عنوان یکی از عوامل مهم و اثرگذار در رشد اقتصادی و نرخ های باروری به عنوان عاملی مؤثر در رشد جمعیت و همچنین اثر هر دو متغیر در موقعیت و جایگاه زنان از مهمترین و جذابترین موضوعات مطرح در حوزه علوم اجتماعی است (موسایی و همکاران، ۱۳۸۹).

ایران در سه دهه اخیر کاهش باروری را تجربه کرده است و میزان باروری کل از ۷ تولد برای هر زن در سال ۱۳۵۸ به ۱/۸ تولد در سال ۱۳۹۰ کاهش یافته است (عباسی شوازی و حسینی چاووشی ۱۳۹۰). در فاصله زمانی سه دهه گذشته فرآیند کاهش باروری در ایران متناسب با تحولاتی بوده است که در نقش زن در خانواده به عنوان مهمترین عامل تعیین کننده در رفتار باروری به وقوع پیوسته است. توسعه اقتصادی-اجتماعی، گسترش آموزش، شهرنشینی و به طور کلی تحولاتی که در جوامع امروزی واقع شده، به دگرگونی کار زنان و نقش آنان در جامعه منجر شده است و زنان در بسیاری از بخشهای صنعتی و اداری کشور به کار گرفته شده و به فعالیتهای اقتصادی و اجتماعی پرداخته اند؛ تا جایی که در مباحث توسعه، مشارکت زنان و نحوه ایفای نقش آنان در ساختار اقتصادی یکی از شاخص های نو سازی و توسعه اقتصادی قلمداد شده است و به عنوان الزام اقتصادی-اجتماعی پیشرفت جوامع از آنان یاد می شود. بررسی ها نشان داده که نرخ مشارکت زنان در نیروی کار از میزان ۱۱ درصد در سال ۱۳۷۵ به ۱۶/۵ درصد در سال ۱۳۹۰ رسیده و ساختارهای اقتصادی، اجتماعی، و فرهنگی کشور شاهد افزایش مشارکت زنان در عرصه های اقتصادی بوده است (قاضی طباطبایی و مهری، ۱۳۹۲).



مشارکت در فعالیتهای اقتصادی در جامعه امروزی از اهمیت بسزایی برخوردار است و از طرف دیگر سیاست های افزایش جمعیت که در چند سال اخیر مورد توجه مسئولین قرار گرفته؛ نقش زنان را دو چندان کرده است و آنان پل ارتباطی بین این دو ضرورت مهم در جامعه هستند. برآوردن هر کدام از این نقش ها با دیگری در تناقض است. از یک طرف مشارکت در فعالیت های اقتصادی ممکن است باعث حضور کمتر در خانه و مانعی بر سر راه فرزند آوری باشد و از طرف دیگر ممکن است داشتن فرزند زیاد مانعی برای مشارکت زنان در عرصه های اقتصادی جامعه باشد. البته در مطالعات صورت گرفته در زمینه اشتغال زنان و رفتار باروری رابطه کاملاً مشخصی مشاهده نشده و مطالعات مختلف رابطه مبهمی را بین وضعیت شغلی و باروری نشان داده اند. در مطالعات صورت گرفته در این زمینه شواهدی بدست آمد که نشان دهنده رابطه منفی بین استخدام زنان و باروری است (ججی بوی، ۱۹۹۵، محمود، ۲۰۰۲). در صورتیکه دسته ای دیگر از مطالعات، هیچ رابطه ای را بین این دو متغیر نشان نمی دهند (آبادیان، ۱۹۹۶).

شواهدی وجود دارد که اشتغال مدرن باعث کاهش باروری می شود ولی بیشتر شغل های سنتی - کشاورزی و بخش خدمات - چنین تأثیری را بر باروری ندارند، از اینرو الگوی روابط بین اشتغال و باروری بر حسب منطقه و سطح توسعه یافتگی آن جامعه در طول زمان متفاوت است. در تحلیل این نتایج متناقض می توان گفت که اشتغال صرف باعث کاهش باروری نمی شود بلکه آنچه در رابطه و وضعیت شغلی و باروری تعیین کننده است، علاوه بر نوع شغل و بخش شغلی که زن در آن شاغل است نوع جامعه و هنجارهای حاکم بر آن در مورد اشتغال بیرون از منزل برای زن می باشد (هیندین، ۲۰۰۰، ۲۶۰).

در این تحقیق تلاش می شود، با توجه به سیاست های کلان جامعه در توجه به کیفیت و کمیت جمعیت، و تعالی خانواده در سالهای اخیر و همچنین این موضوع که درصد بسیار بالایی از نیروهای شاغل در آموزش و پرورش چه در بخش های مدیریتی، تدریس و اداری را زنان تشکیل می دهند؛ الگوی فرزندآوری زنان شاغل در آموزش و پرورش شهر یزد بررسی شود. در استان یزد که میدان تحقیق حاضر در آن واقع شده است، میزان باروری همسو با تحولات صورت گرفته در کشور می باشد میزان باروری کل از ۶/۴ فرزند در سال ۱۳۶۵ به ۲،۳ فرزند در سال ۱۳۷۵ و ۲/۱۷ در سال ۱۳۷۹ کاهش یافته است. از این زمان به بعد باروری این استان کاهش اندکی داشته است و در سال ۱۳۹۰ به ۲/۱۱ رسیده است (عباسی شوازی و حسینی چاووشی ۱۳۹۰) که بالاتر از سطح کشوری می باشد. از لحاظ وضعیت اشتغال نیز استان یزد، با میزان بیکاری ۷/۸ درصد، نرخ بیکاری پایینی نسبت به بسیاری از استانها دارد (مرکز آمار ایران، ۱۳۹۰). در مقاله پیش رو علاوه بر بررسی الگوی فرزندآوری زنان شاغل در آموزش و پرورش، تاثیر استقلال زنان شاغل در این بخش بر رفتار باروری و همچنین تاثیر احتمالی تعارضات شغلی - فرزندآوری بر تعداد فرزندان نیز مورد توجه قرار گرفته است.

چارچوب نظری پژوهش

بخش عمده ای از تلاش جمعیت شناسان همواره بر توسعه مدل های نظری و تبیینی و نظریه پردازی در مورد تأثیر تحولات اجتماعی بر تفاوت ها و تغییرات باروری صرف شده است. بکر (۱۹۶۰) در تبیین عوامل مؤثر بر باروری به متغیرهایی مثل سطح درآمد خانواده و میزان دستمزد زنان اشاره کرده است. وی معتقد است که افزایش دستمزدهای زنان تأثیر منفی بر تقاضا برای فرزندان دارد. همچنین موقعیت اقتصادی اجتماعی زنان و استقلال زنان، به عنوان عوامل مداخله گر شناخته می شوند. هر چه موقعیت اقتصادی و اجتماعی و استقلال زنان افزایش یابد، قدرت آنها در تصمیم گیری در خانواده افزایش می یابد و در نتیجه تعداد موالید کاهش می یابد.

دیویس (۱۹۶۳) معتقد است که یکی از راههای جامعه برای کنترل موالید، تأخیر در ازدواج است و بین متغیر سن ازدواج و تعداد موالید رابطه معکوسی برقرار است. لیبنشتاین^۱ به منافع فرزندان برای والدین در انجام کار یا فعالیت در آینده برای آنها اشاره می کند. هرچه میزان درآمد والدین افزایش یابد هزینه نگهداری فرزندان کاهش می یابد و تعداد موالید افزایش می یابد (اندروکا، ۱۹۷۸). استرلین^۱ (۱۹۷۵)، متغیرهایی مانند درآمد و ثروت و همچنین ایده آل های باروری (تقاضا برای فرزندان) را به عنوان عوامل تعیین کننده باروری می داند؛ درآمد و ثروت باعث می شود تا والدین به کیفیت فرزندان بیش از کمیت آنان فکر کنند و با افزایش درآمد، از تعداد فرزندان کاسته می شود.



کالدول (۱۹۷۶) افزایش سطح تحصیلات، بویژه تحصیلات زنان را نیروی نهفته در پس گذار باروری می داند. وی معتقد است در جریان گذار باروری با افزایش سطح تحصیلات زنان، سطوح باروری نیز کاهش می یابد و بین این دو رابطه معکوس وجود دارد. مک نیکل (۱۹۸۰)، به تغییر شکل اقتصادی خانواده، بهبود و پیشرفت وضعیت و موقعیت زنان و اقتصاد جامعه، اشاره می کند و متغیرهای پایگاه اقتصادی-اجتماعی زنان، استقلال زنان، درآمد زنان و تحصیلات را در باروری مؤثر می داند. تودارو (۱۳۷۰) بر این فرض است که تقاضا برای سه فرزند اول مسلم و قطعی است و اغلب بوسیله عوامل فرهنگی تبیین می شود ولی در مورد فرزند چهارم به بعد تابع عوامل اقتصادی است. به نظر می رسد بین پایگاه اجتماعی-اقتصادی، سن ازدواج، طول مدت زناشوئی، استقلال زنان و تعداد فرزندان آنان رابطه وجود داشته باشد. همچنین نوع نگرش نسبت به هزینه فرزندان و بسته های تشویقی دولت و شاخصهای ارجحیت جنسی، نابرابری جنسیتی و تعارض شغلی-فرزندآوری با تعداد فرزندان زنان شاغل در ارتباط است.

روش پژوهش

روش تحقیق در این پژوهش، پیمایشی و جامعه آماری آن کلیه زنان شاغل در آموزش و پرورش شهر یزد می باشند، که طبق لیست حقوقی آبان ماه ۱۳۹۳، در ناحیه یک ۲۰۳۵ نفر، ناحیه دو ۲۰۸۳ نفر و اداره کل ۳۰ نفر شاغل بوده اند. از تعداد کل ۴۱۴۸ نفر زن شاغل، ۴۸٪ در مقطع ابتدایی، ۱۸٪ در مقطع راهنمایی (متوسطه دوره اول)، ۲۲٪ در مقطع متوسطه (متوسطه دوره دوم)، ۱۰٪ در هنرستان ها، و ۲٪ نیز در ادارات آموزش و پرورش مشغول به کار بودند. از این میان ۳۵۱ نفر به صورت نمونه گیری خوشه ای چند مرحله ای و به صورت تصادفی سیستماتیک انتخاب شده است.

متغیر وابسته در این پژوهش «تعداد فرزندان زنده به دنیا آمده هر فرد» است که در سطح سنجش فاصله ای اندازه گیری شد. متغیرهای مستقل این پژوهش، استقلال زنان، پایگاه اقتصادی-اجتماعی زنان، نابرابری جنسیتی، تعارض شغلی-فرزندآوری، گرایش به ترجیح جنسی، نگرش نسبت به هزینه فرزندان، نگرش نسبت به بسته های تشویقی دولت برای افزایش مولید، ایده آل های باروری، مقطع تحصیلی، سن ازدواج، طول مدت زناشوئی و نوع استخدام هستند. از این میان، پایگاه اقتصادی-اجتماعی زنان، نابرابری جنسیتی، استقلال زنان و نگرش نسبت به هزینه فرزندان و بسته های تشویقی دولت سازه هستند که در جدول ۱ توصیف این مقیاسهای نگرشی به همراه شاخص همسانی درونی (آلفای کرونباخ) آنها که در محله پیش آزمون مورد بررسی قرار گرفت، ارائه شده است.



جدول ۱. توصیف مقیاسهای نگرشی مورد استفاده در پژوهش و میزان همسانی درونی آنها

مقیاس نگرشی	سوالات	سؤال یا گویه	طیف پاسخگویی	آلفای کرونباخ
استقلال زنان	جایجایی سؤال ۵	۱. میزان آزادی و اختیار عمل زن برای رفتن به منزل بستگان و دوستان ۲. میزان آزادی و اختیار عمل زن برای رفتن به مراسم مذهبی، مسجد و حسینیه ۳. میزان آزادی و اختیار عمل زن برای رفتن به مراسم جشن و عروسی ۴. میزان آزادی و اختیار عمل زن برای رفتن به مطب پزشک یا مراکز بهداشتی ۵. میزان آزادی و اختیار عمل زن برای مسافرت به روستا یا شهر مجاور	طیف پاسخی ۱. اجازه از شوهر و با همراهی یکی از اعضای خانواده ۲. اجازه از شوهر و بدون همراهی دیگران ۳. بدون اجازه شوهر و به تنهایی	۰/۷۶۰
	تصمیم گیری سؤال ۸	در جنبه های مهم زندگی در زمینه رفتارهای جمعیتی	عدم استقلال: عدم قدرت تصمیم گیری در هیچیک از رفتارهای مذکور استقلال نسبی: تصمیم گیری زن با شوهرش در همه زمینه ها استقلال کامل: تصمیم گیری زن به تنهایی در همه زمینه ها	۰/۷۱۵ ۰/۷۸۴
نگرش نسبت به هزینه فرزندان	اطلاعاتی سؤال ۳	زمینه های دستیابی زنان به اطلاعات: میزان تحصیلات میزان مطالعه مجله و روزنامه میزان تماشای تلویزیون یا ماهواره یا گوش دادن به برنامه های رادیو	طیف پاسخی طول سالهای تحصیل چند ساعت در هفته چند ساعت در روز	۰/۷۰۱
	سؤال ۳	۱. تمایل افراد به فرزندآوری بیشتر در صورت افزایش درآمد ۲. فرزند زیاد والدین بخصوص مادر را از انجام کارهای مورد علاقه باز می دارد ۳. بچه ها مایه دردسر والدین هستند. ۴. هزینه ای که بچه دارند از منفعتی که به خانواده می رسانند بیشتر است. ۵. فرزندان به برادر و خواهر احتیاج دارند	طیف پاسخی ۱. کاملاً مخالف تا ۵. کاملاً موافق	۰/۷۶۸
بسته های تشویقی افزایش مولید	سؤال ۳	۱. تمایل به فرزندآوری بیشتر در صورت افزایش تسهیلات دولت برای مادران شاغل ۲. تمایل به فرزندآوری مجدد در صورت تشویق مالی دولت برای تولد فرزند بعدی ۳. تمایل به فرزندآوری مجدد، بدون توجه به بسته های تشویقی و با خواست و نیاز فردی	طیف پاسخی ۱. موافق ۲. مخالف	۰/۷۹۰



یافته های پژوهش

جدول ۲ توزیع نسبی پاسخگویان (زنان ۶۰-۱۵ ساله شاغل در آموزش و پرورش شهر یزد) را براساس برخی از متغیرهای مستقل نشان می دهد. یافته ها نشان می دهد که ۳/۴۲ درصد زنان شاغل بدون فرزند هستند. بیشترین تعداد پاسخگویان (۴۷/۸۶٪) دارای دو فرزند هستند و متوسط تعداد فرزندان زنده به دنیا آمده برای هر زن نیز ۲/۱ فرزند است. ۱۹/۰۷ درصد از زنان شاغل دارای سطح تحصیلات زیر لیسانس و ۸۰/۹۳ درصد دارای تحصیلات لیسانس و بالاتر هستند.

بیشترین درصد پاسخگویان به ترتیب در گروههای سنی ۴۰-۴۴ سال (۲۷/۴٪) و گروه سنی ۳۹-۳۵ سال (۲۴/۵٪) و کمترین تعداد در گروه سنی ۲۰-۲۴ سال قرار دارند که این وضعیت نشان دهنده عدم استخدام جدید در سال های اخیر است. میانگین سن زنان در زمان بررسی ۳۷/۹۵ سال است. اکثریت زنان (۶۹/۶٪)، از استقلال نسبی در خانواده برخوردارند و تنها ۱۱/۵ درصد پاسخگویان، از عدم استقلال برخوردارند. اکثر پاسخگویان (۶۸/۸٪) معتقدند که فرزندان برای والدین هزینه متوسط دارند. ۵۹/۸ درصد از زنان شاغل، دارای تعارض نسبی فرزندآوری با شغلشان هستند. میانگین تعداد فرزندان ایده آلی که پاسخگویان اعلام کرده اند، ۲/۶۹ فرزند است. یکی از راهکارهای دولت برای افزایش موالید، توزیع بسته های تشویقی است. نتایج نشان می دهد که بسته های تشویقی دولت جهت افزایش موالید، در مورد اکثریت زنان مورد مطالعه (۵۳/۳ درصد) تأثیری ندارد. از دلایل این امر می توان به این نکته اشاره کرد که نزدیک به ۷۰ درصد پاسخگویان بیشتر از ۳۵ سال سن دارند و میانه سنی آنها ۳۷/۱ سال است و آنها طول دوره مفید باروری خود را به پایان رسانده و تعداد فرزندان دلخواه خود را به دنیا آورده اند. در نتیجه هر چقدر هم که بسته های تشویقی منفعت داشته باشند، تأثیری در نگرش اکثر زنان مورد مطالعه نداشته است.

جدول ۱. توزیع نسبی پاسخگویان براساس برخی از متغیرهای مستقل پژوهش

تعداد فرزندان زنده بدنیآ آمده	سطح تحصیلات	گرایش نسبت به ترجیح جنسی
بدون فرزند	دیپلم و کمتر	عدم ارجحیت
۱	فوق دیپلم	ارجحیت نسبی
۲	لیسانس	ارجحیت زیاد
۳ فرزند و بیشتر	فوق لیسانس و بالاتر	میانگین
طول مدت ازدواج	استقلال زنان	تعارض شغلی-فرزندآوری
کمتر از ۵ سال	عدم استقلال	عدم تعارض
۵-۹	استقلال نسبی	تعارض نسبی
۱۰-۱۴	استقلال کامل	تعارض کامل
۱۵ و بالاتر	میانگین	میانگین
تعداد فرزندان ایده آل	نگرش نسبت به هزینه فرزندان	نگرش به بسته های تشویقی دولت
بدون فرزند	هزینه کم	عدم تأثیر
۱	هزینه متوسط	تأثیر نسبی
۲	هزینه زیاد	تأثیر زیاد
۳ فرزند و بیشتر	میانگین	میانگین



جدول ۲، رابطه بین متغیرهای مستقل و تعداد فرزندان را نشان می دهد. نتایج آزمون رابطه معنی داری بین پایگاه اقتصادی-اجتماعی زنان و تعداد فرزندان را نشان نمی دهد. با توجه به اینکه میانگین تعداد فرزندان زنده به دنیا آمده زنان مورد مطالعه ۱/۲۱ است و اکثریت آنان (۴۷/۸۶ درصد) دارای ۲ فرزند هستند. در نتیجه زنان مورد مطالعه دارای هر نوع پایگاه اقتصادی و اجتماعی، باروری یکسان و پایینی دارند. از جمله متغیرهای مهم و تأثیرگذار بر باروری زنان، میزان تحصیلات آنان است و همواره انتظار بر این است که با افزایش تحصیلات، باروری کاهش یابد. در این پژوهش رابطه معکوس بین سطح تحصیلات و تعداد فرزندان تأیید شد این یافته ها با نظریه های کالدول (۱۹۷۶)، مکدونالد (۲۰۰۰)، مک نیکل (۱۹۸۰) همخوانی دارد. همچنین با بررسی های اکین (۲۰۰۵)، شیری و بیداریان (۱۳۸۸) همسوست.

انتظار می رود که بین دو متغیر استقلال زنان و تعداد فرزندان رابطه معکوس وجود داشته باشد که آزمون ضریب همبستگی پیرسون این فرضیه را رد کرد. در توضیح این وضعیت می توان به همبستگی بالای بین اشتغال زنان و سطوح باروری اشاره کرد. اشتغال زنان خود یکی از عوامل مهم در کاهش باروری است. با توجه به اینکه کلیه افراد جامعه آماری در این تحقیق شاغل هستند و همچنین ۴۷/۸۶ درصد آنان دارای دو فرزند هستند، در نتیجه متغیر مورد مطالعه (استقلال زنان) نمی تواند تأثیر زیادی در تعداد موالید داشته باشد.

همواره تصور می شود میان سطح درآمد زنان و تعداد فرزندان رابطه مستقیم وجود دارد. یعنی با افزایش سطح درآمد، تعداد فرزندان نیز افزایش یابد، که آزمون ضریب همبستگی پیرسون وجود این رابطه مستقیم را تأیید کرد. از جمله دلایل این امر نیز این است که، با افزایش میزان درآمد، افراد توانایی بیشتری برای پرداخت هزینه های فرزندان را دارند. همچنین به لحاظ روانی نیز آسودگی خاطر بیشتری جهت روبرو شدن با هزینه های فرزندان دارند. این یافته با تئوری لیبنشتاین (۱۹۷۸) و تودارو (۱۳۷۰) همخوانی دارد. انتظار می رود که بین، طول مدت زناشویی و تعداد فرزندان رابطه وجود داشته باشد. داده های جدول ۲، رابطه مستقیم بین طول مدت زناشویی و تعداد فرزندان را تأیید می کند بدین معنی که با افزایش طول مدت زناشویی، تعداد فرزندان نیز افزایش می یابد. فرضیه تأیید شده بعدی رابطه معکوس بین سازه تعارض شغلی- فرزندآوری و تعداد فرزندان زنان شاغل در آموزش و پرورش شهر یزد است بدین معنی که با افزایش تعارض بین اشتغال زنان و فرزندآوری، تعداد موالید کاهش می یابد.

جدول ۲. توزیع نسبی پاسخگویان براساس برخی از متغیرهای مستقل پژوهش

متغیر مستقل	ضریب پیرسون	Sig	متغیر مستقل	ضریب پیرسون	Sig
پایگاه اقتصادی-اجتماعی	۰/۰۵۸	۰/۳۰۸	تعارض شغلی فرزندآوری	-۰/۱۹۱	۰/۰۰۱
سطح تحصیلات	-۰/۱۹۶	۰/۰۰۰	نابرابری جنسیتی	۰/۱۰۷	۰/۰۵۱
درآمد زنان	۰/۱۴۹	۰/۰۰۶	گرایش به ترجیح جنسی	۰/۰۶۰	۰/۲۸۲
طول مدت زناشویی	۰/۰۰۰	۰/۶۰۱	نگرش به هزینه فرزندان	-۰/۰۸۰	۰/۱۵۱
استقلال زنان	-۰/۰۷۹	۰/۱۶۶	نگرش به بسته های	-۰/۱۵۲	۰/۰۰۵
طول مدت زناشویی	۰/۶۰۱	۰/۰۰۰	تشویقی دولت		

به نظر می رسد که نابرابری جنسیتی در خانواده و در محیط کار به کاهش تعداد موالید منجر می شود که آزمون ضریب همبستگی پیرسون وجود هیچ گونه رابطه معنی داری بین این دو متغیر را تأیید نمی کند. آزمون فرضیات، هیچ گونه رابطه معنی داری را بین تمایل برای فرزند بیشتر و ترکیب جنسی فرزندان موجود این دو متغیر نشان نمی دهد. در این پژوهش ۲۵۱ نفر از زنان متأهل (۷۴/۷ درصد)، حداقل یک فرزند پسر دارند. با توجه به متوسط ۲ فرزند در نمونه حاضر، اکثر زنان مورد مطالعه، خیلی زود صاحب فرزند پسر شده اند و این خود عاملی است که باعث شده تا ارجحیت جنسی برای فرزندان پسر، نتواند باعث بوجود آوردن سطوح بالای باروری، برای پاسخگویان شود. فرضیه بعدی وجود رابطه معکوس بین نگرش نسبت به هزینه فرزندان و تعداد موالید است که آزمون روابط هیچ گونه رابطه معنی داری بین



این دو متغیر را نشان نمی دهد که شاید بدین علت باشد که تعداد فرزندان زنان مورد مطالعه آنقدر زیاد نیست که بتواند هزینه زیادی را بر دوش خانواده تحمیل کند. فرض دیگر این پژوهش وجود رابطه مستقیم بین نوع نگرش نسبت به بسته های تشویقی دولت برای فرزندآوری و تعداد موالید است، که آزمون فرضیه، برخلاف انتظار وجود رابطه معکوس بین این دو متغیر را نشان می دهد.

با توجه به اینکه استفاده از تحلیل های دو متغیره، این شبهه را بوجود می آورد که رابطه آنها خطی در نظر گرفته شده و نقش عوامل دیگر نادیده گرفته می شود در این پژوهش از تکنیک رگرسیون چندمتغیره استفاده شده است. نتایج آزمون رگرسیونی (جدول ۳) نشان می دهد که، متغیر طول دوره زناشویی، بیشترین تأثیر را بر متغیر وابسته دارد و این رابطه بصورت مستقیم است.

متغیر های دیگر مثل ایده آل های باروری، سن ازدواج، نیز به طور مستقیم بر متغیر وابسته تأثیر گذاشته اند. متغیر های سن در تولد اولین فرزند و تعارض شغلی-فرزند آوری نیز تأثیر معکوس بر متغیر وابسته دارند، یعنی با افزایش آنها، تعداد فرزندان کاهش می یابد. این نتایج با نتایج لیبنشتاین و گری بکر (۱۹۶۰) همخوانی دارد. همچنین با مطالعات مک گینیتی و راسل (۲۰۰۸)، قاضی طباطبایی و مهری (۱۳۹۲) و جاراللهی (۱۳۷۲) همسو است. دیگر متغیر های مستقل در این پژوهش، به جهت معنی دار نشدن از مدل حذف شدند.

جدول ۳. تحلیل چند متغیره تأثیر متغیر های مستقل بر تعداد فرزندان

متغیر های مستقل	Beta	T-Value	Sig
طول دوره زناشویی	۰/۵۶۳	۱۰/۱۸۱	۰/۰۰۰
ایده آل های باروری	۰/۱۷۲	۳/۵۹۹	۰/۰۰۰
سن در تولد اولین فرزند	-۰/۳۳۶	-۴/۱۹۴	۰/۰۰۰
سن ازدواج	۰/۳۹۶	۳/۵۵۳	۰/۰۰۰
تعارض شغلی-فرزندآوری	-۰/۱۲۷	-۲/۵۸۱	۰/۰۰۰
استقلال زنان	-۰/۱۰۷	-۲/۲۱۹	۰/۰۲۷
Sig: ۰/۰۲۷ Adj. R ² : ۰/۴۴۵ R ² : ۰/۴۵۹ R: ۰/۶۷۷			

مقدار ضریب همبستگی ۰/۶۷۷ بین متغیرها، نشان دهنده همبستگی قوی بین متغیر های مستقل با متغیر وابسته است. ضریب تبیین تعدیل شده نیز نشان می دهد که در مجموع متغیر های مستقل در مدل، ۴۴/۵ درصد از تغییرات متغیر وابسته (تعداد فرزندان) را تبیین می کنند. در جدول ۴ تأثیرات مستقیم و غیر مستقیم و کل متغیر های مستقل بر تعداد فرزندان که از مدل تحلیل مسیر بدست آمده، نشان داده شده است. بر این اساس متغیر های پایگاه اقتصادی-اجتماعی و نگرش نسبت به بسته های تشویقی، تأثیر مستقیم بر متغیر وابسته ندارند.

متغیر طول دوره زنا شویی بیشترین تأثیر مستقیم بر متغیر وابسته دارد. در حالی که، سن ازدواج، بیشترین تأثیر غیر مستقیم را بر متغیر وابسته دارد. اما در بررسی تأثیر کل، که شامل تأثیر مستقیم و غیر مستقیم می شود، متغیر های طول دوره زناشویی، سن در تولد اولین فرزند، سن ازدواج، ایده آل های باروری، تعارض شغلی-فرزندآوری، استقلال زنان، پایگاه اقتصادی اجتماعی و نگرش نسبت به بسته های تشویقی دولت به ترتیب بیشترین تأثیر را داشته اند.



جدول ۴. تأثیرات مستقیم و غیر مستقیم و کل متغیرهای مستقل بر تعداد فرزندان

متغیرهای مستقل	تأثیر مستقیم	تأثیر غیرمستقیم	تأثیر کل
طول دوره زناشویی	۰/۵۶۳	---	۰/۵۶۳
سن در تولد اولین فرزند	-۰/۳۳۶	---	-۰/۳۳۶
سن ازدواج	۰/۲۹۶	-۰/۵۵۲	-۰/۲۵۶
ایده آل های باروری	۰/۱۷۲	---	۰/۱۷۲
تعارض شغلی-فرزندآوری	-۰/۱۲۷	-۰/۰۲۱	-۰/۱۰۶
استقلال زنان	-۰/۱۰۷	-۰/۰۱۶	-۰/۰۹۱
پایگاه اقتصادی-اجتماعی	---	-۰/۰۷۴	-۰/۰۷۴
نگرش نسبت به بسته های تشویقی	---	۰/۰۲۶	۰/۰۲۶

آزمون تحلیل رگرسیون در بخش تبیین و تحلیل چند متغیره داده‌ها، نشان داد که همبستگی قوی بین متغیرهای مستقل با متغیر وابسته (مقدار ضریب همبستگی ۰/۶۷۷) وجود دارد. ضریب تبیین تعدیل شده نیز نشان می‌دهد که در مجموع متغیرهای مستقل در مدل، ۴۴/۵ درصد از تغییرات متغیر وابسته (تعداد فرزندان) را تبیین می‌کنند. متغیرهای طول دوره زناشویی با ضریب تأثیر (۰/۵۶۳)، سن در اولین تولد (-۰/۳۳۶)، سن ازدواج (۰/۲۹۶)، ایده آل های باروری (۰/۱۷۲)، تعارض شغلی فرزندآوری (-۰/۱۲۷) و استقلال زنان (-۰/۱۰۷) به ترتیب مهمترین متغیرهای تبیین کننده رفتار باروری زنان بوده‌اند. از یافته های پژوهش چنین برمی آید که ویژگیهای فردی مؤثر بر باروری زنان مورد مطالعه در این پژوهش نظیر؛ سن ازدواج، طول دوره زنا شویی، سن هنگام اولین تولد فرزند و ایده آلهای باروری، بیشترین تأثیر را بر رفتار باروری دارند، ولی سایر متغیرهای تحقیق نتوانستند بخوبی رفتار باروری زنان را تبیین کنند.

آزمون تحلیل رگرسیون در بخش تبیین و تحلیل چند متغیره داده‌ها، نشان داد که همبستگی قوی بین متغیرهای مستقل با متغیر وابسته (مقدار ضریب همبستگی ۰/۶۷۷) وجود دارد. ضریب تبیین تعدیل شده نیز نشان می‌دهد که در مجموع متغیرهای مستقل در مدل، ۴۴/۵ درصد از تغییرات متغیر وابسته (تعداد فرزندان) را تبیین می‌کنند. متغیرهای طول دوره زنا شویی با ضریب تأثیر (۰/۵۶۳)، سن در اولین تولد (-۰/۳۳۶)، سن ازدواج (۰/۲۹۶)، ایده آل های باروری (۰/۱۷۲)، تعارض شغلی فرزندآوری (-۰/۱۲۷) و استقلال زنان (-۰/۱۰۷) به ترتیب مهمترین متغیرهای تبیین کننده رفتار باروری زنان بوده‌اند. از یافته های پژوهش چنین برمی آید که ویژگیهای فردی مؤثر بر باروری زنان مورد مطالعه در این پژوهش نظیر؛ سن ازدواج، طول دوره زناشویی، سن هنگام اولین تولد فرزند و ایده آلهای باروری، بیشترین تأثیر را بر رفتار باروری دارند، ولی سایر متغیرهای تحقیق نتوانستند بخوبی رفتار باروری زنان را تبیین کنند. در توجه این وضعیت می‌توان به این نکته اشاره کرد که افراد مورد مطالعه به لحاظ ویژگیهای مشترکشان از قبیل موقعیت شغلی، درآمد، پایگاه اقتصادی-اجتماعی بسیار به هم شبیه هستند و یا به تعبیر دیگر، اشتغال در آموزش و پرورش، باعث شده تا نوعی همسانی و همگونی بین آنها ایجاد شود، به همین علت ارتباط معناداری بین ویژگیهای فوق و رفتار باروری مشاهده نشد. همچنین، عامل اشتغال باعث شده تا رفتار باروری آنها نیز بسیار همگون و یکنواخت باشد. یعنی همبستگی زیاد بین اشتغال و رفتار باروری آنان باعث شده تا تعداد فرزندان آنها کم باشد.



بحث و نتیجه گیری

ر رسیدن باروری در ایران به زیر سطح جانشینی به دلیل تأثیراتش بر جامعه در سطح کلان، کاهش باروری و پیامدهای آن نه تنها مورد توجه محققان جمعیتی و اندیشمندان علوم اجتماعی قرار گرفته، بلکه یکی از دغدغه های اساسی سیاستگذاران نیز شده است. در حال حاضر همه جمعیت شناسان و سیاستمداران بر این تأکید دارند که بایستی سیاستهای جمعیتی موجود در کشور بازنگری و سیاست مناسب جهت افزایش سطح باروری به سطح جانشینی اتخاذ شود. بازنگری و یا تدوین و اجرای موفق هرگونه سیاست جمعیتی جهت افزایش سطح باروری مستلزم افزایش شناخت ما از علل کاهش باروری و شناسایی زیر گروههای جمعیتی با باروری پایین است. مرور مطالعات در حوزه باروری پایین حکایت از تاثیر مستقیم اشتغال زنان بر باروری دارد.

در پایان دوره گذار جمعیتی اول، سطوح بالای باروری کاهش می یابد که بر اثر فرایندی از نو سازی در اثر صنعتی شدن و شهرنشینی آغاز می شود. صنعتی شدن و شهرنشینی یک شیوه زندگی ایجاد می کند که داشتن تعداد فرزند زیاد را نامطلوب می سازد. صنعتی شدن همچنین از طریق کاهش مرگ و میر، تعداد فرزندان را که زنده می ماند را افزایش می دهد. در نتیجه والدین خیلی زود به تعداد فرزندان مطلوب می رسند و به فکر تنظیم خانواده و کاهش بعد خانوار می افتند. خلاصه کلام اینکه بسیاری از عوامل از قبیل بسته های تشویقی دولت، استقلال زنان، پایگاه اقتصادی- اجتماعی، ارجحیت جنسی، نابرابری جنسیتی و ... نمی تواند تأثیر زیادی بر افزایش یا کاهش سطوح باروری بخصوص در میان زنان شاغل داشته باشد.

زنان شاغل دارای حداقلی از استقلال هستند، همچنین به لحاظ پایگاه اقتصادی اجتماعی نسبت به زنان غیر شاغل وضعیت بهتری دارند. آنان نابرابری جنسیتی کمتری را نسبت به زنان غیر شاغل خود درک می کنند و مهمتر از همه اینکه آنان یک ویژگی مشترک دارند یعنی شاغل هستند. اشتغال باعث می شود تا یک زن با در نظر گرفتن هزینه ها و منافع فرزندان، تعداد موالید خود را کاهش دهد. لذا زن شاغل دارای هر نوع پایگاه اقتصادی اجتماعی و یا هر درجه از استقلال در خانواده فرزندان کمی به دنیا می آورد. بسته های تشویقی دولت (سویا اینکه آیا دولت به وعده های خود عمل می کند یا نه) نمی تواند تأثیری در هزینه ها یا منافع فرزندان داشته باشد. در نظر گرفتن همین هزینه هاست که بسیاری از باورهای رایج مثل ارجحیت جنسی نیز نمی تواند تأثیری بر باروری آنان داشته باشد. کاهش تعداد فرزندان دلخواه، شاید بخشی از هزینه هایی است که زنان شاغل باید در مقابل اشتغال خود بپردازند.

پس مطابق با نظریه تعارض نقش و مطالعات ریندفوس و بروستر^۱ (۱۹۹۶) تا جایی که اشتغال زنان به منزله محدود کننده باروری به شمار می رود، انتظار داریم که با هر تغییر مثبت و تسهیل گری در شرایط کار زنان، و یا تغییر در مسوولیت های خانه، تعارض مادری و اشتغال کاهش یابد؛ تغییر در شرایط استخدامی مادران شاغل، ایجاد امکان های مراقبتی برای نوزادان و فرزندان زیر ۷ سال با در نظر گرفتن سوبسیدهایی برای زنان شاغل، ساعت های کاری منعطف و کارهای پاره وقت برای زنان و همکاری و مشارکت بیشتر همسران در امور خانه، می تواند در کاهش تعارض کار خانواده موثر باشد. اتخاذ سیاست هایی که تعارض کار و مادری را برای زنان شاغل کاهش دهد هم در تشویق زنان شاغل برای فرزندآوری مهم است و هم سایر زنان شاغل را به ازدواج و فرزندآوری ترغیب می کند (رازقی نصرآباد و علی مندگاری، ۱۳۹۴). پژوهش حاضر، به مطالعه ی بررسی رابطه اشتغال با باروری زنان شاغل در آموزش و پرورش شهر یزد پرداخت و برخی از عوامل تعیین کننده ی آن را بررسی نمود. با این حال نتایج قابل تعمیم به سایر گروه های شغلی نیست، زیرا علل و عوامل تعیین کننده ی رفتارهای باروری در هر گروه شغلی می تواند متفاوت باشد. لذا اتخاذ راهکارهای سیاستی در زمینه باروری برای زنان شاغل همچنان نیازمند مطالعات بیشتری است.



- تودارو، مایکل (۱۳۷۰). *توسعه اقتصادی در جهان سوم*، (ترجمه غلامعلی فرجادی)، جلد اول، چاپ پنجم، تهران: انتشارات سازمان برنامه و بودجه.
- جاراللهی، عذرا (۱۳۷۲). *اثر اشتغال زنان کارگر بر تعداد فرزندان*، مجله مطالعات جامعه شناختی، شماره ۷، صص ۳۰۲-۲۸۵.
- رازقی نصرآباد، حجه بی بی و ملیحه علی مندگاری (۱۳۹۴)، "بررسی بررسی تعارض کار-خانواده و رابطه آن با رفتار باروری (مطالعه ای در بین زنان شاغل در اداره آموزش و پرورش شهر یزد)"، *نامه انجمن جمعیت شناسی ایران*، شماره ۱۹، صص ۱۹۳-۱۶۵.
- شیری، طهمورث و سهیلا بیداریان (۱۳۸۸). *بررسی عوامل اقتصادی جمعیتی مؤثر بر باروری زنان ۴۹-۵ ساله شاغل در آموزش و پرورش منطقه ۳ تهران*، پژوهش نامه علوم اجتماعی، سال سوم، شماره ۳.
- عباسی شوازی، محمد جلال و میمنت حسینی چاووشی (۱۳۹۲). *تحولات باروری در ایران در چهار دهه اخیر*، مرکز آمار ایران
- قاضی طباطبایی، محمود و نادر مهری (۱۳۹۲). *سنجش تأثیر مسئولیت زنان شاغل بر باروری در ایران، زن در توسعه و سیاست*، شماره ۴، از ۲۹ تا ۴۴.
- کریمی، حامد (۱۳۹۳). *عوامل تعیین کننده ی ایدهآل های باروری زنان گُرد شهر سنندج: مطالعه ی تطبیقی زنان شاغل و غیر شاغل*، پایان نامه کارشناسی ارشد رشته جمعیت شناسی، به راهنمایی دکتر عباس عسکری ندوشن و دکتر حاتم حسینی، دانشگاه یزد.
- مرکز آمار ایران. *نتایج سرشماری نفوس و مسکن ۱۳۹۰*.
- موسایی، میثم و همکاران (۱۳۸۹). *نرخ باروری و میزان مشارکت زنان در نیروی کار: مطالعه موردی کشورهای خاورمیانه و شمال آفریقا*، زن در توسعه سیاست، دوره ۸، شماره ۲.
- Abadian, S. (۱۹۹۶) "Women's Autonomy and It's Impact on Fertility", *World Development*, ۲۴(۱۲): pp ۱۷۹۳-۱۸۰۹.
- Akin, M. S. (۲۰۰۵). *Education and Fertility: a panel data abalysis for Middle Eastern Countries*, Journal of Developing Areas, Vol.۳۹, No. ۱: pp.۳۹: ۵۵-۶۹.
- Andorka, R. (۱۹۷۸). *Determinants of Fertility in Advanced Societies*, Methuen and Co Ltd, London.
- Becker, Gary. (۱۹۶۰). *An Economic Analysis of Fertility; In Demographic and Economic Change in Devloped Countries*, ed National Bureau of Economic Research, Princeton University Press.
- Caldwell, J.C. (۱۹۷۶). "Towards a restatement of demographic transition theory", *Population and Development Review*, ۲ (۳/۴): ۳۲۱-۳۶۶.
- Davis, K. (۱۹۶۳) *The Theory of Change and Response in Modern Demographic History Annual of the American Academy of Political and Social Science*, ۲۷۳:۱-۱۱.
- Easterlin, R.A (۱۹۷۵). *An Economic Framework for Fertility Analysis*, Studies in Family Planning.۳, pp. ۵۴-۶۳.
- Hindin. M. J (۲۰۰۰) "Women's autonomy, Women's status and Fertility – related Behavior in Zimbabwe", *Population Research and Policy Review*, ۱۹: ۲۵۵-۲۸۳.
- Jejeebhoy, S. J. (۱۹۹۵) *Women's Education, Autonomy and Reproductive Behavior: Experience from Developing Countries*, New York. Oxford University Press.
- Mahmood, N, (۲۰۰۲) "Women's role in Domestic Decision-making in Pakistan, Implication for Reproductive Behavior", *The Pakistan Development Review*, ۴۱(۲), pp ۱۲۱-۱۴۸.
- Mcdonald, P (۲۰۰۰). *Gender Equity in Theories of Fertility Transition*, population and development reviw, ۲۶(۳۰): ۴۲۷-۴۳۹.



McGinnity, F. and Russell, H (۲۰۰۸). *Gender Inequality in Time Use: The Distribution of Caring, Housework and Employment among Woman and Men in Ireland*. Ireland, Brunswick Press.

McNicoll, G. (۱۹۸۰). *Institutional Determinants of Fertility Change*, population and development review, ۶(۳):۴۴۱-۴۶۲.

Rindfuss RR, K.L. Brewster (۱۹۹۶). "Childrearing and Fertility", *Population and Development Review*: ۲۲ (Supplement: *Fertility in the United States: New Patterns, New Theories*): ۲۵۸-۸۹.

Salvini,S and S. Drovandi, (۲۰۰۳) "Women's autonomy and demographic behavior" Department of Statistics, University of Florence, Italy. pp ۳۴-۶۶.

Weller, R. H. (۱۹۶۹). *Role Conflict and Fertility*, Social and Economic Studies, Vol. ۱۸, No. ۳, p ۲۶۳-۲۷۲.



نقش پیش فرض‌های معرفتی در رویکردهای متفاوت مادران به زندگی

مرتضی امامی؛ عضو هیأت علمی گروه معارف اسلامی دانشگاه کاشان

emami@kashanu.ac.ir

چکیده

در اغلب جوامع انسانی می‌توان سه رویکرد متفاوت را در حوزه‌ی خانواده و نقش افراد در آن و سبک زندگی آنان جستجو نمود؛ رویکرد اول دیدگاهی مبتنی بر "سلطه" است که در اشکال مختلفی نظیر؛ مادر سالاری، پدر سالاری یا فرزند سالاری می‌توان از آن به یاد کرد، رویکرد دوم مبتنی بر "سود متوازن" است. این دیدگاه، منصفانه و تأمین کننده منافع همه افراد خانواده، بر اساس منافع مشترک است، و دیدگاه سوم رویکرد "اثرگراییانه" است که مبتنی بر آموزه‌های دینی - وحیانی است و متأثر از اسوه‌های برجسته‌ی دینی نظیر فاطمه زهرا(س) می‌باشد که آموزگار مکتب "الجار ثم الدار" است. مادران چه به لحاظ گرایش‌های فطری، و چه به جهت ویژگی‌های ممتازی که در گرایش‌های عاطفی و امتیازی که نسبت به مردان در عقل عملی و باورها و شناخت‌های معرفتی و شهودی دارند، همواره رفتارهای ممتاز و اثرگرانه‌ای دارند که در اغلب موارد موجب حفاظت و صیانت از خانواده و فرزندان و حتی همسران ایشان گردیده، و آنان را از دو گروه اول و دوم ممتاز نموده است. این مقاله با روشی تحلیلی - توصیفی به بررسی پیش‌فرض‌های معرفتی در دیدگاه سوم و مقایسه آن با دو دیدگاه دیگر پرداخته و در پایان به آثار و نتایج تربیتی و اجتماعی دیدگاه آخر اشاراتی نموده است.

کلید واژه‌ها: معارف نظری؛ معارف عملی؛ مادران؛ عشق؛ ایثار

مقدمه

زنان و مادران به عنوان بنیادی‌ترین عناصر جامعه، نقش بسزایی در شکل‌گیری، و هویت و رفتار افراد خانواده و در نهایت جامعه دارند. سلامت روحی و روانی کودکان، رابطه انکارناپذیری با سلامت مادران و نیز نوع نگرش آنان به جهان و زندگی دارد. کودکان در زمینه‌های عاطفی - تربیتی فراهم آمده توسط مادران رشد می‌کنند و نقش‌های فردی و اجتماعی خود را بر اساس نوع شخصیت و هویت تکون یافته در کانون خانواده ایفا می‌کنند. نوزادی که همواره از تغذیه‌ای مناسب، محیطی آرام و آغوش گرم و پر مهر مادر برخوردار بوده؛ در نتیجه ساختار ذهنی و روانی او متناسب با این شرایط رشد کرده است، او محیط زندگی، دنیا و انسان‌های پیرامون خود را امن و دوست داشتنی باور نموده و "شخصیتی خوشبین" در نفس وی شکل گرفته است و بالعکس.

بینش الهی و پیش‌فرض‌های معرفتی مادران مسلمان نظیر؛ درک هویت الهی - انسانی از خود و نیز درک قابلیت‌ها و توانمندی خویش، در ایفای نقش خطیر تعلیم و پرورش فرزندان در زندگی بسیار تأثیرگذار است. همچنین نگرش ابزاری آنان به زندگی مادی و جستجوی حیات طیبه و پایدار در آخرت، هویت آنان را از دیگر زنان و مادران به کلی متمایز نموده است. خانواده، همانند بسیاری دیگر از پدیده‌ها در هستی، از دو بُعد سخت و نرم تشکیل شده که مردان بعد سخت (عقل نظری) و زنان بعد نرم (عقل عملی) آن را بر عهده دارند. عقل عملی کارش عزم و اراده، انگیزه و نیت، گرایش و ایمان، عاطفه و احساس، انرژی و شور، احساس و اخلاص و مانند آن است و عقل نظری که باید ادراکات صحیح داشته و نتایج منطقی بگیرد، کارش جزم و قطع و یقین است. آیت‌الله جوادی آملی می‌گوید: «"عقل عملی"، همه‌ی تصمیم‌گیری‌های گرایشی انسان را بر عهده دارد. (جوادی آملی، ۱۳۷۸، ص ۱۳۸).

عدم شناخت هویت واقعی زنان و مادران و نقش و جایگاه آنان و یا غفلت و فراموشی از آن می‌تواند آسیب‌های جبران ناپذیری بر خانواده و جامعه وارد نماید چنانچه تاکنون وارد ساخته است. این مقاله با رویکردی توصیفی - تحلیلی به بررسی پیش‌فرض‌های معرفتی و تأثیرات آن بر نوع نگرش‌ها و گرایش‌های مادران در رویکردهای متفاوت آنان به زندگی و نیز ایفای نقش اساسی آنان در خانواده می‌پردازد.

جهان‌بینی مادران مسلمان



نوع نگاه مادران به خانواده تابعی از نوع نگاه آنان به جهان و جهان‌بینی ایشان است. روشن است که معیارها و ارزش‌ها و نیز نوع نگاه به زندگی در دو دیدگاه مادی و الهی کاملاً با یکدیگر متفاوت است. خداجویی، نوعی جاذبه‌ی معنوی میان دل (فطرت) از یک طرف و مبدأ آفرینش از طرف دیگر است زیرا روح انسان که هویت اصیل اوست پیوندی تکوینی و اشراقی با روح الهی دارد. در نگرش الهی مادران مسلمان؛ خداوند حکیم، نعمت‌ها را بی‌جهت نمی‌دهد و بی‌جهت نمی‌گیرد، داده‌ها و نداده‌ها را ملاک برتری یا تحقیر کسی نمی‌شمارد؛ داده‌های او به هر میزان که باشد بازدهی می‌خواهد و در این بازگردانی، به میزان سعی و کوشش، درجات انسان‌ها تحقق می‌یابد.

رویکرد مادران مسلمان به ازدواج، تشکیل خانواده و فرزندآوری، نه صرفاً برای عیش و کامرانی (که در زندگی آمیخته با رنج این مسئله امکان پذیر نیست)، و نه نوعی رفتار غریزی، طبیعی و تکوینی که او را با دیگر مادران و رویکردهای آنان مشابه نموده، و زندگی را صرفاً به نوعی اشتغال و سرگرمی مبدل ساخته، بلکه به منظور رشد و تکامل و تولید نسل صالح و آفرینش خلیفه خداوند در اجتماع است. در این دیدگاه مدیریت روابط خانواده بر اساس قراردهای پنهان و آشکار شکل نمی‌گیرد و هر کدام از اعضای خانواده تنها به میزان سود و فایده‌ای که برای هم دارند خود را نسبت به دیگری مسئول و متعهد نمی‌شناسند؛ روابط این افراد مانند سایر روابط تجاری بر مبنای سود و منافع متقابل (رویکرد دوم) نیست و در این نوع از روابط جملاتی نظیر؛ چه سودی برای من دارد...؟! به چه درد من می‌خورد...؟! شنیده نمی‌شود. مادران مسلمان به راحتی زیر بار تعهد و مسئولیت می‌روند و حتی در بسیاری موارد، ارتباطات به ظاهر کم فایده نیز از نظر آنان سودمند است و به سادگی قطع نمی‌شود؛ در این نوع از روابط، نگاهشان به دیگر اعضای خانواده گاهی استقلالی نیست بلکه دیدگاهی آلی و ابزاری است که برای نیل به اهداف و آرمان‌های متعالی خویش دارند.

ادراکات فطری مادرانی که نگرش‌ها و گرایش‌های الهی دارند چنین است که اصولاً هدف از خلقت، ازدواج و فرزندآوری، رشد و تقرب به خداوند است و این رشد به میزان سعی و تلاش هر کس میسر است؛ "وَأَنْ لَيْسَ لِلْإِنْسَانِ إِلَّا مَا سَعَى. وَ أَنْ سَعِيَهُ سَوْفَ يَرَى." (نجم: ۵۳-۴۰-۳۹). در این دیدگاه انسان مسئول آفریده شده و بایستی در انجام مسئولیت‌های خطیر خود به خوبی نقش‌آفرینی کند؛ آنگاه به قدر سعی و تلاش خویش به درجات ایمان دست می‌یابد و پاداش می‌گیرد. از نگاه او تمامی امکانات و داشته‌ها، نعمت‌های الهی هستند که نه در تملک و سلطه، بلکه به امانت به انسان سپرده شده‌اند و نقش انسان در این میانه، امانت‌داری است. همچنین یکی از مشکلات در روابط خانوادگی سطح بالای توقعات است که در این دیدگاه به شدت کاهش می‌یابد. در این نگرش همسر و فرزندان، بندگان، هدایا و امانت‌های الهی هستند و به همین جهت کاستی‌ها و ضعف‌ها و حتی خطاهای آنان تا سطح بالایی قابل پذیرش و تحمل است. این نگرش موجب اشتیاق‌های حقیقی، بهره‌گذاری، رعایت‌ها و تحمل رنج‌ها در دیگران بدون هیچ انتظاری می‌گردد و احساس قدردانی و شکرگذاری در اعضای خانواده به شدت افزایش می‌یابد. صاحبان این نگرش همچون چشمه‌اند نه مرداب!

هویت حقیقی مادران

زندگی به معنای حیات داشتن است و هر موجودی که حیات دارد، نیازمند روحی است که بر کالبد سخت و خشن آن جان بخشیده و موجب شادابی و زیبایی آن گردد که آن همانا "عشق" است، عشقی که بدون آن، زندگی جسم بی روح است. این کیمیای سعادت موجب نشاط، امید، شور و حرارت دل‌ها گردیده و می‌توان با آن هر گره بسته‌ای را گشود و هر خاری را به گل، هر تلخی را به شیرینی، هر مسی به زر، و هر سرکه‌ای را به مَل تبدیل نمود و بی آن، هیچ نتوان کرد!

طفیل هستی عشق‌اند آدمی و پری ارادتی بنما تا سعادت بی‌ری (حافظ، ۱۳۷۷ش، غزل ۴۵۲)

قرآن می‌فرماید: «و از نشانه‌های او اینکه از نوع خودتان همسرانی برای شما آفرید تا بدان‌ها آرام گیرید، و درمیانتان دوستی و رحمت نهاد.» (روم: ۲۱:۳۰) و به فرموده پیامبر (ص): «بهترین زنان، زنی است که هر وقت به او نگاه کنی ترا مسرور کند.» و نیز فرمود: «در باره زنان خدا را در نظر داشته باشید، زیرا آنان یاوران شمایند.» (متقی، ۱۴۱۹ق، ج ۱۶، ص ۴۰۸).

زنانی که هویت اساسی و انسانی خود را شناخته‌اند، با درک تفاوت‌های ماهوی در خلقت و طبیعت میان زن و مرد، و به دلیل امتیازات و ویژگی‌هایی که نسبت به مردان دارند، همواره به زن بودن خویش افتخار می‌کنند. اختصاص سوره‌ای در قرآن به نام زنان و نیز طوافی در حج، نشان از جای‌گاه ویژه آنان دارد. "زن" آیین و تجلی جمال الهی است و عارفان و شاعران نامدار اسلامی نیز هرگاه خواسته‌اند حکایتی از



جمال معبود نمایند، سخن از زلف و خال و گیسوی و دیگر اوصاف زنانه نموده و هیچگاه جمال خداوندی را به اعضا و نشانه‌های مردانه تشبیه نکرده‌اند. همچنین وجود اسوه‌هایی از فضیلت و طهارت در میان زنان در طول تاریخ، نشان از شأن و منزلت و نقش برجسته آنان دارد. همچنین جمله معروف پیامبر (ص) در شأن فاطمه (س) که فرمود: فاطمه سرور زنان دو عالم است، خود گویای جایگاه ارزشمند زنان است. امام علی (ع) در نامه‌ای که به فرزندش نوشت فرمود: "زن ریحانه است نه قهرمان". (کلینی، ج ۵ ص ۵۱۰ ح ۳). شهید مطهری در این زمینه می‌نویسد: «زن در مرد تأثیر فراوان داشته است. تأثیر زن در مرد از تأثیر مرد در زن بیشتر بوده است. مرد بسیاری از هنرهای و شجاعت‌ها و دل‌آوری‌ها و نبوغ‌ها و شخصیت‌های خود را مدیون زن و خودداری‌های ظریفانه زن است، مدیون حیاء و عفاف زن است، مدیون «شیرین فروشی» زن است. زن همیشه مرد را می‌ساخته و مرد اجتماع را. آنگاه که حیاء و عفاف و خودداری زن از میان برود و زن بخواهد در نقش مرد ظاهر شود، اول به زن مهر باطله می‌خورد و بعد مرد مردانگی خود را فراموش می‌کند و سپس اجتماع مهندم می‌گردد.» (مطهری، ۱۳۵۹ ش، ص ۱۸۵).

امام خمینی (ره) نیز در این خصوص فرمود: «عواطفی که در بانوان هست مخصوص خودشان است و در مردها این عواطف نیست و لهذا آن چیزی که در پشت جبهه از روی عواطف از بانوان صادر می‌شود بیشتر و بالاتر و ارزنده تر است از آن چیزی که از مردها صادر می‌شود.» (امام خمینی (ره)، ۱۳۷۲ ش، ج ۱۴، ص ۲۳۰). بر اساس پیش فرض‌های معرفتی، مادران مسلمان، علاوه بر آنکه در "سیر الی الحق"، برای خویش حیثیتی فردگرایانه قائلند و بر این اعتقادند که "هر کس در گرو اعمال خویش است؛ (مدثر (۷۴): ۳۸)، و در قیامت "کسی بار کسی را بر دوش نخواهد کشید": (فاطر (۳۵): ۱۸)، اما در "سیر مع الحق الی الخلق"، هویت آنان هویت ایثارگرایانه‌ای است که در نقش‌های مادری و همسری، جلوه‌های هنری باشکوهی از خویش را به نمایش می‌گذارند.

خودآگاهی مادران

خودآگاهی عبارت است از شناخت خود با استفاده از دریافت‌های وجدانی (فطرت دل) و براهین ساده‌ی عقلی (بدیهیات اولیه) و استفاده از روشن‌ترین بینش‌ها و کشش‌هایی که در وجود مادران نهادینه شده است. شناخت و آگاهی صحیح مادران از "خود" و شناخت "جایگاه و نقش خود" و در نهایت "غایت و هدف از زندگی خود" از جمله مهمترین موضوعات و ارکان خودآگاهی است که نقش موثری در تکون و شکل‌گیری "هویت مادری" دارد.

در رویکرد ایثارگرایانه، مادران با درک این واقعیت که سهم بیشتری در برخورداری از عواطف و احساسات در مقایسه با پدران دارند، نقش خطیر مادری را که به شدت نیازمند محبت، رقت قلب و عطف است را خود بر عهده می‌گیرند. این ویژگی، نتایج مطلوبی را به همراه دارد؛ آنان تصدی کارهایی را که نیازمند احساسات و ملایمت است نظیر؛ بچه‌داری، تغذیه، مراقبت و پاسخگویی به نیازهای عاطفی کودکان را خود بر عهده می‌گیرند. بیستون‌ها را مادران کردند و شهرتش را پدران بردند.

زنان و مادران مسلمان با درک تفاوت‌های طبیعی زن و مرد، خلقت و آفرینش خویش را ناقص و ضعیف نمی‌دانند و همواره به زن بودن و نقش مادری خویش می‌بالند. زنان با فضیلتی که، جمال و زیبایی را در عبودیت و بندگی خدا و در زیبایی‌های روحی و معنوی یافته‌اند، آنان ملاک برتری را در شاخص‌های معرفتی، ایمان، تقوی و دیگر سجایای اخلاقی دانسته و همواره خویش را آینه تجلی جمال الهی می‌دانند. آنان خانواده را کلاس و کارگاهی برای سیر مراحل کمال خویش می‌شناسند و معتقداند که طی مراحل کمال و گذر از هفت شهر عشق، بدون گذران از این گارگاه ممکن نیست. آنان به طور فطری دریافته‌اند که آفریده عشق‌اند و باید عشق‌بورزند و آموزگار مکتب عشق شوند. از نگاه باطنی آنان، انسان دارای حرمت و کرامت است، زنان و مردان غلیبرغم تفاوت‌ها و ویژگی‌های خاص، با یکدیگر ارزشی برابر دارند، احساس خودبتریبینی ندارند، از خود و خانواده‌ای که به آن تعلق دارند احساس رضایتمندی می‌کنند و هرگز احساس شرم ندارند. همواره در نفس خود، کمال و عزت و سرور زائدالوصفی را درک می‌کنند.

آرمان‌گرایی مادران

مادران مسلمان ایثارگر، بر این باورند که بایستی تمام سرمایه‌های وجودی خویش نظیر جوانی، عمر و غیره را بارور نمایند و در آخر بهره‌ی بیآورند و بهره‌مند شوند. آنان معتقدند در فاصله تولد و مرگ، این سرمایه‌ها را از دست می‌دهند؛ مگر آنکه اینها را در جایی به ثبت رسانیده



و در جایگاه مناسبی مصرف نمایند. این سرمایه‌ها اگر در مسیر خواهش‌ها و هوس‌ها و خودخواهی‌ها مصرف شوند، هرگز سودی نمی‌افزایند. باید سرمایه‌ها را در راه حق و در مسیر درست به کار انداخت و گرنه اسراف و زیانکاری است و این همان درس پر معنای قرآن است که می‌فرماید: "ما برای خدا هستیم و به سوی او باز می‌گردیم" (بقره ۲/۱۵۶)، و داده‌ها را در راه او مصرف می‌کنیم. از نگاه آنان دنیا، بستری برای ساختن خانه آخرت است. تربیت فرزندان و مراقبت از اعضای خانواده، مصالحی است که بنای آخرت آنان را آباد می‌سازد.

این دسته از مادران عموماً از نقش و رسالت انسانی- الهی خود غافل نشده و چنانچه علاوه بر خانه‌داری و اداره‌ی عاطفی خانواده شغلی هم در جامعه داشته باشند، هرگز نقش خطیر خویش را تابع شغل خود قرار نمی‌دهند و معتقداند رسالت اصلی آنان ایفای نقشی است که متناسب با آن، واجد استعدادها شده و در برابر آن توانمندی‌ها، مسئولیت یافته‌اند، چنین مادرانی اولاً در جستجوی نقش (سازندگی) خویش در خانواده‌اند و ثانیاً شغل را متناسب با آن نقش را اختیار می‌کنند و گاهی حتی به خاطر ایفای نقش حساس و برتر خویش، شغل خود را، اگر چه درآمد بیشتری هم دارد، تغییر می‌دهند.

معنای زندگی مادران مسلمان

زندگی انسان در دنیا چه در یک جامعه و تمدن مادی و چه در جامعه و فرهنگی الهی، هیچگاه خالی از مشکلات نیست. با هر رویکردی به زندگی، رنج و درد، مصیبت و بلا و گرفتاری با تار و پود زندگی مادی آمیخته شده است. سایه‌ی مرگ و نیستی و زندگی کوتاه مدت روح را افسرده و روان را پریشان و مضطرب می‌گرداند. در این میان اگر انسان نتواند معنای روشنی برای زندگی خود پیدا کند قهراً در گرداب حوادث تلخ زندگی احساس بی‌هودگی و افسردگی و ناامیدی خواهد نمود، حل مشکلاتی نظیر مرگ و رنج و مصیبت‌ها و غیره را تنها و تنها معنای روشنی در زندگی می‌تواند بر عهده بگیرد. ویکتور فرانکل روانشناس اتریشی که خود از شاگردان فروید است معتقد است که «معنا جویی نه تنها نمایانگر انسانیت بشر است، بلکه همان‌طور که تئودور کوچن ثابت کرده، معیاری برای بهداشت روان نیز به‌شمار می‌رود. این نظریه از جانب جیمز کرامباف و خواهرش رافائل و ریموند شرادر تأیید شده است.» (فرانکل، ۱۳۷۶، ص ۲۹). فرانکل می‌گوید: «بنا بر اصول لوگوتراپی (معدرمانی)، تلاش برای جستن معنایی در زندگی، اولین نیروی محرکه و انگیزه هر فرد است. من با مقایسه لذت خواهی که پایه روانکاوی فروید است و نیرو خواهی که پایه روانشناسی آدلر است، به این تئوری، معنی خواهی نام داده‌ام. (همو، ۱۳۷۵، ص ۶۶). فرانکل معتقد است که "عشق" تنها راهی است که با آن می‌توان ژرفنای وجود دیگری (معشوق) را دریافت. به وسیله این گرایش روحانی فرد خواهد توانست صفات و ویژگی‌های محبوب را به خوبی درک نماید. (همان، ص ۷۶).

در فرهنگ قرآن، از عشق که همان شدیدترین علاقه‌ها و علقه‌هاست به ایمان تعبیر آمده است؛ "...وَالَّذِينَ آمَنُوا أَشَدُّ حُبًّا لِلَّهِ..." (بقره ۲/۱۶۵). و مادران با ایمان و فداکار، عاشقان صادقی هستند که زیباترین معنای زندگی آنان جلب خرسندی معشوق و آموزگاری عشق و عاشقی کردن است. و از دیدگاه فطرت آنان، تنها اکسیر عشق است که می‌تواند معنای روشنی به زندگی ببخشد، رنج‌های آن را تفسیر نماید، و مسئله هیولای مرگ را نیز در خود ذوب نماید و اساساً آن را تبدیل به کیمیای "وصال" نماید. مادران عقل و حکمت را در ظرایف هنر ارائه می‌دهند آنان به معارف شهودی و الهی قلبا و باطنا آگاه‌اند و قابلیت آن را دارند که در نقش مادری مهربان، حتی فرزندان‌شان را به جهاد و جنگ روانه کنند و عقل عملی خود را در قالب‌ها و قاب‌هایی از ایمان و عاطفه به نمایش بگذارند و اندیشه وزین عقلی خود را در عشق و اشتیاق نشان دهند بگونه‌ای که این ظرایف هنری برای مردان به سادگی زنان میسر نخواهد بود. (جوادی آملی، ۱۳۷۸، ص ۲۰).

طفیل هستی عشق‌اند آدمی و پری ارادتی بنما تا سعادت بیبری (حافظ، ۱۳۷۷، ش، غزل ۴۵۲)



به جز قرآن

۱. جوادی آملی، عبدالله، زن در آیینه جمال، قم - ایران، ناشر، دارالهدی، ۱۳۷۸ ش.
۲. حافظ، شمس‌الدین، محمد، دیوان حافظ، تهران - ایران، ناشر: اسلامیه، ۱۳۷۷ ش.
۳. خمینی(ره)، روح‌الله، صحیفه نور، تهران - ایران، مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی، ۱۳۷۲ ش.
۴. فرانکل، ویکتور، انسان در جستجوی معنا، ترجمه اکبر معارفی، تهران - ایران، دانشگاه تهران، ش ۱۵۰۹، ۱۳۷۵ ش.
۵. فرانکل، ویکتور، فریاد ناشنیده برای معنا، ترجمه مصطفی تبریزی و علی علوی نیا، فراروان، چاپ اول، ۱۳۷۶ ش.
۶. کلینی، محمدبن یعقوب، فروع کافی، گروه مترجمان، قم - ایران، انتشارات قدس، ۱۳۸۸ ش.
۷. متقی، علی بن حسام الدین، کنز العمال، تحقیق؛ دمیاطی، محمود عمر، بیروت - لبنان، ناشر: دارالکتب العلمیه، ۱۴۱۹ ق.
۸. مطهری، مرتضی؛ نظام حقوق زن در اسلام، چاپ ۹، قم، جامعه مدرسین، ۱۳۵۹ ش.
۹. مطهری، مرتضی، مجموعه آثار، ج ۱، تهران. انتشارات صدرا، ۱۳۷۸ ش.



بررسی مقایسه ای پدران و مادران در عقلانیت نظری و عملی از نگاه قرآن

تضی امامی؛ عضو هیأت علمی گروه معارف اسلامی دانشگاه کاشان

emami@kashanu.ac.ir

چکیده

تفاوت میان تفکر و تعقل در انسان و نیز تفاوت در عملکرد عقل نظری و عملی در مردان و زنان موجب می‌گردد که مادران و پدران نگرش‌ها، گرایش‌ها و عملکردهای متفاوت در ارتباط با تعامل با فرزند و تربیت وی با یکدیگر داشته باشند. با بررسی شواهد اجتماعی و تاریخی مادران علیرغم عشق وافر که به فرزندان خویش داشته‌اند همواره در رفتارهایی که ناشی از عقل عملی و معارف شهودی آنان است، نظیر؛ ایمان‌آوری به انبیاء و اولیای الهی، حمایت از نهضت‌ها و قیام‌ها و انقلاب‌ها علیرغم وجود مشکلات و تهدیدات مادی و جانی و یا اعزام فرزندان خود به جبهه‌های نبرد با ظلم و ستم بر پدران پیشی گرفته‌اند. در تعامل و تربیت با فرزندان نیز مادران غالباً با مهر و عاطفه و پدران با جدیت و آمریت به این مهم اهتمام می‌ورزند. این دو طبیعت متفاوت که در مادران نماد شور و عاطفه و در پدران نماد شعور و قدرت و صلابت است، موجب می‌گردد که تربیت و رشد عواطف و عقلانیت فرزندان متعادل‌تر و کامل‌تر صورت گیرد. این مقاله با روشی تحلیلی - توصیفی به بررسی مقایسه‌ای این تفاوت‌های بنیادین پرداخته و در پایان به آثار، نتایج تربیتی و اجتماعی آن اشاراتی نموده است.

کلید واژه‌ها؛ عقل نظری، عقل عملی، معارف شهودی، مادران، عشق

مقدمه:

آیات متعددی به تفاوت‌های تشریحی در مردان و زنان و در نهایت پدران و مادران اشاره دارد، همچون تمایز در وظایف و تکالیف نظیر؛ "چشم-های خود را (از نگاه هوس‌آلود) فروگیرند، و دامان خویش را حفظ کنند و (اطراف) روسری‌های خود را بر سینه افکنند و زینت‌های خویش را آشکار نسازند و..." (نور: ۲۴: ۳۱) و نیز؛ "عده آنان سه ماه است و عده زنان باردار این است که بار خود را بر زمین بگذارند...؛ (طلاق) ۶۵: ۴-۳؛ و آیات بسیار دیگر. علاوه بر آن، زنان و مردان تفاوت‌های تکوینی دیگری نیز با یکدیگر دارند که از جمله این تفاوت‌ها، اختلاف در نوع و شدت و ضعف قوای ادراکی (عقل نظری و عقل عملی) هر کدام از آنان است. این تفاوت‌های طبیعی که هم‌آهنگ با نظام آفرینش بوده، ناشی از هدفمندی خالق حکیم و به‌منظور تدبیر در نظام خانواده و جامعه است.

نادیده انگاشتن این تفاوت‌ها و بی‌توجهی به نقش متفاوت و پر اهمیت مادران موجب می‌گردد که آنان در ایفای نقش مادری و همسری، موفقیت‌های کمتری به دست‌آورند. کودکان امروز سازندگان جامعه فردا هستند که در زمینه‌های تربیتی فراهم آمده توسط مادران به رشد و شکوفایی رسیده و نقش‌های اجتماعی و فردی خود را به شایستگی بر می‌گزینند. تحقیقات و بررسی‌های روانشناختی نیز تأییدکننده این نکته است که سلامت روان کودکان رابطه نزدیکی با سلامت مادران آنها دارد. احساس حقارت نسبت به نقش برجسته مادری در برخی از مادران موجب گردیده تا این نقش به اکراه پذیرفته شود؛ آنان وجود فرزند را موضوعی تحمیلی و مخل آزادی و آسایش خود تلقی می‌کنند و به شکلی برای رهایی از این قید تلاش می‌کنند و حتی اگر چنانچه قهراً در موقعیت مادری قرار بگیرند در این امر خطیر سهل‌انگاری نموده و در ایفای رسالت اصلی خود ناتوان‌اند.

این مسئله گاهی به دلایلی نظیر؛ عدم شناخت درست از خود به عنوان یک زن، عدم درک مناسب از توانایی‌ها و استعداد‌های ذاتی خویش، رفتارهای تبعیض‌آمیز علیه آنان به دلیل تفاوت‌های جنسیتی، نبود آموزش صحیح به دختران در زمینه مهارت‌های زندگی و خودشناسی، وقوع می‌پذیرد که البته عدم آگاهی مردان نسبت به تأثیر نقش خود در تأمین سلامت روان و آسایش مادران نیز در این مسئله بی‌تأثیر نبوده است. همچنین ارزیابی ناصواب از نقش زنان در جامعه و خانواده و توانایی‌های آنان توسط مسئولین اجتماع، از دیگر عوامل تأثیرگذار است؛ علی (ع) می‌فرماید: «امور فوق توان و استعداد را به زن وامگذار، زن چون گلی لطیف است، نه آن که به هر کاری مباشرت کند. (حرعاملی، ۱۳۷۲: ۱۳۷۲، ش»



ج ۲۰، ص ۱۷۰). این مقاله بر آن است تا با رویکردی تحلیلی و توصیفی و نگاهی قرآنی به بررسی این تفاوت‌ها و ویژگی‌ها که عمدتاً در نوع و شدت و ضعف قوای ادراکی (عقل نظری و عقل عملی) هر کدام از مادران و پدران است بپردازد.

تعقل و تفکر

در علم منطقی، تفکر شامل گردش اندیشه در مقدمات و معلومات مرتبط با موضوع و حرکت از آن معلومات به سوی نتیجه است. عمل اندیشیدن که به وسیله‌ی "دستگاه مغز" صورت می‌گیرد و به میزان هوش و اطلاعات ذخیره در حافظه وابسته است، گاهی نامش "تفکر" و گاهی "تعقل" است و این دو در بسیاری موارد با یکدیگر تفاوت دارند. علی (ع) می‌فرماید: «عقل هدایت می‌کند و نجات می‌بخشد» و امام صادق (ع) در پاسخ کسی که معنای عقل را از ایشان پرسید؛ فرمودند: «عقل چیزی است که به وسیله آن خدا پرستیده شود و بهشت به دست آید». (کلینی، ۱۳۷۵، ج ۱، ص ۱۱).

عقل بنا بر آنچه از متون دینی استفاده می‌شود یکی از منابع راهنما و هدایتگر بشر است، همیشه مثبت است و هیچگاه پلید و زشت نیست. به همین خاطر از آن به رسول باطنی تعبیر شده است. مرحوم علامه جعفری معتقد است: «عقل یک نیرو و یا یک فعالیت روانی است که در راه وصول به هدف‌های منطقی در زندگی ایده‌آل مادی و معنوی از آن بهره‌برداری می‌گردد». از دیدگاه علامه، عقل شعاعی از پرتوی لایزال الهی است و شوق و عشق فراوانی به بازگشت به سوی آن پرتو دارد. می‌توانیم با تقوی و واقع‌بینی، نورانیتی به دست بیاوریم که قیافه اصلی و الهی عقل را به ما نشان بدهد. (جعفری، ۱۳۶۳، ج ۷، ص ۲۴۲).

جهد کن تا پیر عقل و دین شوی تا چو عقل کل، تو باطن بین شوی

از عدم چون عقل زیبا رو گشاد خلعتش داد و هزارش نام داد. (مولوی، بی‌تا، دفتر چهارم)

بنابراین عقل، گوهر وجودی هر انسان است و تمام فضایل اعتقادی، نظری، گفتاری و رفتاری را می‌توان به کمک آن کسب نمود. در حالی که تفکر لزوماً این‌گونه نیست و گاهی حتی ضد ارزش و پلید است. خداوند درباره چنین تفکرات و متفکرانی به پیامبر (ص) فرمود: «او اهل فکر و برنامه بود، مرگ بر او! چه فکر باطلی کرد! و دوباره فرمود: مرگ بر چنین متفکر!» (مدثر: ۷۴، ۲۰-۱۹).

عقل نظری و عقل عملی

درک کلیه مفاهیم و معانی (تصورات و تصدیقات) و معلومات نظری بوسیله قوه‌ای به نام "عقل نظری" صورت می‌گیرد، اما "عقل عملی" قوه عامله‌ای است که انسان را به رفتارهای صحیح و ادا می‌کند. اینها دو قوه کاملاً مستقل برای نفس هستند. (سبزواری، ۱۳۶۹، ص ۳۱۰). آیت‌الله جوادی آملی معتقد است: عقل نظری و عقل عملی، دو شأن اساسی در انسان است که با یکی می‌فهمد و با شان دیگر کار انجام می‌دهد؛ یقین، جزم، مظنه، وهم، خیال و مانند آن جزو شوون و شعب عقل نظری است، اما نیت، عزم، اخلاص، اراده، محبت، تولی، تبری، تقوا، عدل و مانند آن جزو شوونات عقل عملی است و همین‌ها معیار فضیلت است. (جوادی آملی، ۱۳۷۸، ص ۱۳۸). کانت نیز معتقد است: عقل نظری تنها درک کننده و منفعل است اما عقل عملی واضع و ایجاد کننده قوانین اخلاقی و حکم کننده است. (کاپلسون، ۱۳۷۵، ج ۶، ص ۳۱۸)؛ بنابراین میان فهم و عمل، تفاوت است؛ عقل نظری فهمیدن را به عهده دارد، ولی عقل عملی عمل کردن را؛ از این رو، ممکن است انسان با عقل نظری مطلبی را بفهمد، ولی عقل عملی، آن را به کار نیندازد. (جوادی آملی، ۱۳۹۳، ج ۲۰، ص ۴۱۴).

معارف الهی را می‌توان هم از راه "عقل" و هم راه "قلب" به دست آورد. راه دل برای همه پاکدلان مقدور است و دوره و سن و سال خاصی ندارد، راهی است که از گهواره تا گور ادامه دارد، راه موعظه، ذکر، مناجات و عمل صالح است. انسان با عمل صالح و تقوی، خیلی از چیزها را می‌فهمد؛ "وَأَعْبُدْ رَبَّكَ حَتَّىٰ يَأْتِيَكَ الْيَقِينُ" (حجر: ۱۵، ۹۹).

مادران، تجسم طرایف عقلی

برخی معتقداند که زنان و مردان در برخورداری از قدرت تعقل یکسان‌اند و اگر چنانچه در مواردی اختلافی مشاهده می‌شود، مربوط به شرایط دیگری نظیر محیط، وراثت، فرهنگ، جامعه و... است. (قاسم امین، ۱۹۸۹، ص ۱۷). عده‌ای نیز بر این اعتقادند که اساساً سهم زنان و مردان از برخورداری قوه عقل یکسان نیست و مردان در این خصوص قویتر از زنان‌اند. (طباطبائی، ۱۴۱۷، ج ۴، ص ۳۴۳)



برخی دیگر بر این عقیده‌اند که زنان و مردان اگرچه در تعقل (عقل نظری)، در پتانسیل و ساختار این قوا، برابرند اما در عملکرد این قوه که همانا (محاسبه‌گری، مآل‌اندیشی، عاقبت‌سنجی، مصلحت‌اندیشی و...) به دلیل وجود برخی موانع و مزاحمت‌ها، با یکدیگر برابر نیستند. زنان علیرغم آنکه قادر به محاسبه و سنجش‌های عقلانی هستند، اما غالباً در مواجهه با محرک‌های مزاحم گوناگونی که احساس برانگیز هست، آنچه را برمی‌گزینند که با احساسات و عواطف آنان تناسب بیشتری دارد. (مصباح‌یزدی، ۱۳۸۵ ص ۲۸۰) و برخی دیگر بر این عقیده‌اند که زنان در عقل عملی قوی‌تر از مردان‌اند. آیت‌الله جوادی آملی می‌گوید: معلوم نیست در راه عرفان و قلب و موعظه، مرد قوی‌تر از زن باشد بلکه در این راه زن قوی‌تر از مرد است و مناجات و موعظه در زن بیش از مرد اثر می‌گذارد و این راهی است مؤثرتر و با کاربردی وسیع‌تر. مادران عقل و حکمت را در ظرایف هنر ارائه می‌دهند آنان به معارف شهودی و الهی قلبا و باطنا آگاه‌اند و قابلیت آن را دارند که در نقش مادری مهربان، حتی فرزندان‌شان را به جهاد و جنگ روانه کنند و عقل عملی خود را در قالب‌ها و قاب‌هایی از ایمان و عاطفه به نمایش بگذارند و اندیشه‌وزین عقلی خود را در عشق و اشتیاق نشان دهند بگونه‌ای که این ظرایف هنری برای مردان به سادگی زنان میسر نخواهد بود. (جوادی آملی، ۱۳۷۸، ص ۲۰).

امام خمینی (ره) می‌فرماید: «ما نهضت خودمان را مدیون زن‌ها می‌دانیم، مردها به تبع زن‌ها در خیابان‌ها می‌ریختند، تشویق می‌کردند زن‌ها مردان را، و خودشان در صف‌های جلو بودند. (امام‌خمینی (ره)، ۱۳۷۲، ج ۶، ص ۱۸۶).

زنان با ایمان در صدر اسلام، همچون خدیجه (س) و سمیه آل‌یاسر (ره) و غیره، پیشگامانی بودند که با زبان قلب سلیم خویش گفتند: "پروردگارا! ما صدای منادی (تو) را شنیدیم که می‌گفت: «به پروردگار خود، ایمان بیاورید!» و ما ایمان آوردیم؛..." (آل‌عمران (۳): ۱۹۳) و در شرایطی که بسیاری از مردها در تشخیص حقانیت پیامبر (ص) مردد بودند، آنان علاوه بر درک حقیقت اسلام توسط عقل عملی، شهامت گرایش بدان را نیز داشتند، شکنجه‌های توان فرسا را تحمل کردند و از نثار جان و مال دریغ نوزیدند. علامه طباطبایی به نقل از صاحب مجمع‌البیان می‌گوید آیه‌ی: "إِلَّا مَنْ أُرِهُ وَقَلْبُهُ مُطْمَئِنٌّ بِالْإِيمَانِ" (نحل (۱۶): ۱۰۶)، در باره کسانی نازل شده که مشرکین آنها را مجبور نموده بودند که از دین اسلام برگردند؛ اینان عمار و پدرش یاسر و مادرش سمیه بوده‌اند. (طباطبایی، ۱۴۱۷، ج ۱۲ ص ۳۵۹). مالک بن انس نیز روایت نموده که در صدر اسلام عده‌ای از زنان در حالی اسلام آوردند که شوهران آنها کافر بوده‌اند؛ مانند دختر ولید بن مغیره و دختر حارث بن هشام که شوهرش عکرمه بن ابی جهل بود، (ر.ک: مالک بن انس، ۱۴۲۰ ق.۱)؛ ام حکیم که پیش از شوهرش به پیامبر (ص) ایمان آورده بود، پس از فتح مکه نزد رسول خدا رفت تا برای شوهرش امان بگیرد، سپس به سرعت به دنبال شوهر فراریش رفت و قبل از آن که سوار کشتی شود، او را در سواحل تهامه یافت؛ صدایش زد و گفت: از طرف بخشنده‌ترین مردم آمده‌ام و برایت امان خواستم! او توانست بذره‌های ایمان را در دل همسرش بکارد و او را نزد رسول خدا و آغوش اسلام برگرداند. (ر.ک: محمود مهدی، ۱۳۸۲ ش)

قرآن زنان با ایمان زیادی از این دست را به عنوان الگوهای شخصیتی معرفی نموده است؛ وقتی به ملکه سبا نامه‌ای از سلیمان (ع) رسید؛ گفت: "ای اشراف! نامه‌ی پرارزشی به سوی من افکنده شده! این نامه از سلیمان و چنین است؛ به نام خداوند بخشنده‌ی مهربان... به‌سوی من آید در حالی که تسلیم حق هستید!" (نمل (۲۷): ۳۱-۲۹)، علامه طباطبایی معتقد است علت کریم بودن نامه نزد ملکه سبا به دلیل آیه بعد (این نامه از ناحیه سلیمان است)، می‌باشد؛ چون او از جبروت سلیمان خبر داشت و به درباریان خود گفت: من قبلاً از شوکت سلیمان خبر داشتم و تسلیم او بودم. (طباطبایی، ۱۴۱۷، ج ۱۵، ص ۳۵۸) ملکه سبا در حالی که قدرتش از دیگر سلاطین کمتر نبود اما عاقل‌تر از دیگر سلاطین مرد بود و به سرعت برای پذیرش حق آماده شد.

خدای متعال در توصیف زنان با ایمان می‌فرماید: "فَالصَّالِحَاتُ قَانِتَاتٌ حَافِظَاتٌ لِّلْغَيْبِ بِمَا حَفِظَ اللَّهُ" (نساء (۴): ۳۴). واژه صلاح در این آیه به لیاقت و شخصیت تعبیر می‌شود، و کلمه (قنوت) نیز عبارت از دوام طاعت و خضوع در ایشان است. (طباطبایی، ۱۴۱۷، ج ۴ ص ۳۴۳). بنابراین زنان به لحاظ ساختار وجودی و شخصیتی، چنان‌اند که اهل عمل صالح و بندگی خداوند هستند. و در میان زنان که شامل همسران و دختران و خواهران و مادران‌اند؛ مادران جایگاه ویژه‌ای دارند و از همین روی بود که پیامبر (ص)، دختر گرامی خود را به لقب پر افتخار "ام‌ابیها" (مادر پدرش) مفتخر نمود. همچنین به گفته مرحوم شریعتی: فاطمه یک «زن» بود آن چنان که اسلام می‌خواهد که «زن» باشد. وی در همه ابعاد



گوناگون «زن بودن» نمونه شده بود. مظهر یک «دختر» در برابر پدرش. مظهر یک «همسر» در برابر شوهرش. مظهر یک زن «مبارز و مسؤول» در برابر زمانش و سرنوشت جامعه‌اش. وی خود یک امام است. عمان سامانی نیز در وصف حضرت زینب(س) چنین سروده است:

زن مگو مرد آفرین روزگار زن مگو بنت الجلال اخت الوقار

زن مگو خاک درش نقش جبین زن مگو، دست خدا در آستین(عمان سامانی، ۱۳۷۱، بخش ۳۲)

کانون گرم خانواده، محلی برای آرامش است و در این زمینه قرآن می‌فرماید: "از نشانه‌های او این است که همسرانی از جنس خودتان برای شما آفرید تا در کنار آنان آرامش یابید، و در میانتان مودت و رحمت قرار داد؛ در این، نشانه‌هایی است برای گروهی که تفکر می‌کنند!" (روم(۳۰):۲۱). روایات نیز شهادت می‌دهند که سهم زنان در آرامش بخشی، بیش از مردان می‌باشد زیرا به تعبیر شهید مطهری، خلقت هدفمند، مرد را مظهر طلب و عشق، و زن را مظهر محبوبیت و معشوقیت قرار داده است. (مطهری، ۱۳۷۸، ج ۱۹ ص ۵۲). همچنین مادران به دلیل داشتن شور و عواطف بیشتری که از جلوه‌های عقل عملی آنان است، می‌توانند عقل و اندیشه انسانی خویش را در ظرافت عاطفه و زیبایی گفتار و رفتار و کیفیت محاوره و نحوه برخورد و نظائر آن ارائه دهند و نیازهای روحی و عاطفی دیگر اعضای خانواده را از قبیل؛ نیاز به محبت و نوازش، تقدیر و پذیرش و تحسین، امنیت و آرامش، حمایت و تشویق، تکریم و احترام، آزادی و استقلال، عدالت و عدم تبعیض، روابط عاطفی و مؤثر با دیگران، خودشکوفایی و اعتماد به نفس، آگاهی بخشی و افزایش توان کانون‌های شناختی نظری و عملی، اقتدار و انضباط، شناساندن استعدادها و نقش‌ها و قابلیت‌ها و مهارت ایفای این نقش‌ها، تأمین نمایند و در یک عبارت، مادران در تعلیم و تربیت انسان، نقش مؤثرتری از مردان دارند. امام خمینی(ره) خطاب به زنان می‌فرماید: «شما خانم‌ها شرافت مادری دارید که در این شرف از مردها جلو هستید و مسئولیت تربیت بچه در دامن خودتان را دارید. اول مدرسه‌ای که بچه دارد، دامن مادر است. (امام خمینی(ره)، ۱۳۷۲، ج ۶ ص ۱۵۷) حضرت امام(ره)، همچنین شغل مادری را شغل انبیا و در راستای تربیت انسان معرفی می‌کند. ایشان در تبیین شرافت مادری که در جایگاه زن و علو مقام انسانی او نقش دارد، تأکید می‌کند: زن مظهر تحقق آمال بشر است... از دامن زن، مرد به معراج می‌رود». (همان، ج ۶ ص ۱۹۴). ایشان معتقد است؛ شخصیت زن اگر بالاتر از مرد نباشد، دست کم برابر است و مردان هیچ برتری و منزلتی بر زنان ندارند. تاریخ اسلام گواه احترامات بی‌حد رسول خدا صلی الله علیه و آله به این مولود شریف(حضرت زهرا علیهاالسلام) است تا نشان دهد که زن، بزرگی ویژه‌ای در جامعه دارد. (همان، ج ۱۴، ص ۲۰۱). گوش عشق، آری زبان خواهد ز عشق فهم عشق، آری بیان خواهد ز عشق(عمان سامانی، ۱۳۷۱، بخش ۳۳)



۱. امین، محمدقاسم، تحریرالمرثه قاسم امین، الاعمال الکامله، قاهره، دارالشرق، ۱۹۸۹م.
۲. جوادی آملی، عبدالله، تسنیم، قم - ایران، انتشارات اسراء، ۱۳۹۳ش.
۳. جوادی آملی، عبدالله، زن در آئینه جمال، قم - ایران، ناشر، دارالهدی، ۱۳۷۸ش.
۴. جعفری، محمد تقی، تفسیر و نقد و تحلیل مثنوی. تهران - ایران، انتشارات اسلامی، ۱۳۶۳ش.
۵. حر عاملی، محمد بن حسن، وسایل الشیعه، مصحح؛ ربانی شیرازی، عبدالرحیم، تهران - ایران، ناشر؛ اسلامی، ۱۳۷۲ش.
۶. خمینی(ره)، روح الله، صحیفه نور، تهران - ایران، مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی، ۱۳۷۲ش.
۷. سبزواری، هادی بن محمد، شارح حسن زاده آملی، حسن، تهران - ایران، نشر ناب، ۱۳۶۹ش.
۸. طباطبایی، محمد حسین، المیزان فی تفسیرالقرآن، ج ۵، ۲۰ ج، قم: دفتر انتشارات اسلامی. ۱۴۱۷ق.
۹. کاپلستون، فردریک، تاریخ فلسفه، ترجمه اسماعیل سعادت و منوچهر بزرگمهر، تهران: شرکت انتشارات علمی و فرهنگی و سروش، ۱۳۷۵ش.
۱۰. کلینی، محمد بن یعقوب، اصول کافی، مترجم؛ کمره ای، محمد باقر، قم - ایران، ناشر؛ اسوه، ۱۳۷۵ش.
۱۱. گرت، تونی؛ زن بودن، ترجمه فروزان گنجی زاده، تهران، ورجاوند، ۱۳۸۱ش.
۱۲. مالک بن انس، الموطأ، تحقیق اخضری ابو عبدالرحمن اخضر، بیروت - لبنان؛ ناشر؛ دارالیمامه؛ ۱۴۲۰ق.
۱۳. محمود مهدی استانبولی، مصطفی ابوالنصر الشلبی، مترجم؛ دلبری، شهربانو، زنان پیرامون پیامبر(ص) مشهد - ایران، ناشر؛ سخن گستر، ۱۳۸۲ش.
۱۴. مطهری، مرتضی، مجموعه آثار، ج ۱۳، تهران. انتشارات صدرا، ۱۳۷۸ش.
۱۵. مطهری، مرتضی؛ نظام حقوق زن در اسلام، چاپ ۹، قم، جامعه مدرسین، ۱۳۵۹.



نقش شفقت به خود در کاهش استرس دوران بارداری

نگار حسینی بافقی؛ دانشجوی ارشد گروه علوم تربیتی دانشگاه یزد

h.hosseini۶۸۶۸@gmail.com

کاظمبرزگر بفرویی؛ استادیار دانشکده روانشناسی و علوم تربیتی، پردیس علوم انسانی و اجتماعی دانشگاه یزد

K.barzegar@yazd.ac.ir

چکیده

استرس جزء لاینفک زندگی است. همه انسان‌ها استرس را در زندگی روزانه خود تجربه می‌کنند. استرس جهت ادامه زندگی ضروری و سازنده است و موجبات تغییر، رشد و شکوفایی فرد را فراهم می‌سازد. اما در بعضی موارد باعث ایجاد مشکلات روحی و روانی در فرد می‌شود. در این میان، بارداری یکی از حساسترین دوره‌های زندگی زنان است که استرس در این دوران موجب آسیب به سلامت روانی مادران می‌شود. نگرانی، افسردگی و اضطراب از عوامل ریسک‌پذیر در ایجاد نتایج نامطلوب برای کودکان و مادران در هنگام بارداری است. یکی از مولفه‌هایی که رابطه مثبت با سلامت روان دارد، شفقت به خود است. شفقت به خود به معنای توانایی توجه کردن به خود و شفقت ورزیدن به خود در هنگام مواجهه با مشکلات و موقعیت‌های مبهم است که می‌تواند نقش مهمی را در کاهش استرس دوران بارداری ایفا کند. نتایج حاصل از این پژوهش کتابخانه‌ای نشان می‌دهد که آموزش شفقت به خود، نقش اساسی در درمان بسیاری از اختلالات روان تنی از قبیل افسردگی، خودانتقادگری، خجالت، اختلال‌های خوردن، آسیب به خود و روان‌پریشی دارد. لذا ارتقای توانایی‌های مادران باردار در حوزه‌ی شفقت به خود و آموزش تکنیک‌های ذهن‌آگاهی، تحمل‌پریشانی و تصویرسازی مشفقانه می‌تواند در کاهش استرس دوران بارداری نقش موثری داشته باشد. هدف مطالعه حاضر بررسی نقش شفقت به خود در کاهش استرس دوران بارداری است.

واژه‌های کلیدی: شفقت به خود، بارداری، استرس.

مقدمه

استرس، بخشی از تجارب روزمره انسان‌ها و از اجزای مهم اضطراب است که به صورت پیش‌بینی وقایع ناخوشایند در آینده شکل می‌گیرد. بارداری به سبب ایجاد وظایف تکاملی جدید مثل مادر شدن به عنوان یک دوره بحرانی برای زنان به شمار می‌رود و شاید بتوان گفت بزرگترین استرس در زندگی هر زن، حاملگی است (سادوک^۱ و همکاران، ۲۰۰۷). حاملگی برای زن باردار و خانواده‌اش، رخداد ویژه می‌باشد. در این دوران، زن باردار با تغییرات جسمی و روانی زیادی روبرو می‌گردد و در صورتی که خود را با این تغییرات منطبق ننماید، استرس زیادی به او وارد می‌شود. لوپن دانکل اسکتر (تالگ^۱ و همکاران، ۲۰۰۷؛ دانکل^۱، ۲۰۱۱)، تعریف مفهومی و عملیاتی استرس دوران بارداری مادر را که مبتنی بر آثار و کارهای اولیه لازاروس^۱ (۱۹۸۴) بود، معرفی کرده‌اند.

آنها مطرح کرده‌اند که استرس از رویدادها یا موقعیت‌های استرس‌زا، ادراکات و ارزیابی‌های مربوط به عوامل استرس‌زا و واکنش‌ها در برابر استرس مانند واکنش‌های هیجانی تشکیل شده است. بارداری به وسیله تغییرات جسمانی، اجتماعی و هیجانی و همچنین مسائل مربوط به فرزندپروری و دغدغه‌های مالی مشخص می‌شود که تماماً منابع بالقوه استرس هستند (یالی و لوبل^۱، ۲۰۰۵). نگرانی و استرس بالا در طی دوران بارداری می‌تواند پیامدهای درازمدت برای جنین داشته باشد. تنش درون‌رحمی موجب نارسایی و زایمان زودرس و بیماری‌های کرونری در بزرگسالان می‌شود (سولچانی^۱، ۲۰۰۳). سطح بالای استرس مادر در اواخر دوران بارداری با کاهش تکامل ذهنی در ۲ سالگی همراه است



(گرین^۱ و همکاران، ۲۰۰۳). بر طبق مطالعات فروزنده و همکارانش در سال ۱۳۸۲ بر روی زنان باردار، میزان شیوع اختلالات روانی در سه ماهه اول ۲۹٪، سه ماهه دوم ۲۸٪ و سه ماهه سوم ۳۹٪ گزارش شده است و همچنین بین اختلالات روانی دوران بارداری و رابطه این اختلالات با عوامل فردی، اجتماعی و اقتصادی به صورت معناداری نشان داده شده است. همچنین بین استرس مادر در دوران بارداری و احتمال سزارین برنامه‌ریزی نشده و مشکلات حین زایمان، رابطه وجود دارد (داکاستا^۱ و همکاران، ۱۹۹۹) و پیامدهای این استرس می‌تواند مشکلات بلندمدت شناختی و هیجانی برای کودک به وجود آورد که گاهی اثرات آن تا نوجوانی نیز پایدار هستند (منس^۱ و همکاران، ۲۰۰۶). در صورتی که زنان در مدت حاملگی دچار استرس هیجانی شدید شوند، کودکان آنها در معرض انواع مشکلات قرار می‌گیرند. استرس شدید با میزان سقط زودرس، کم‌وزنی هنگام تولد و بیماری تنفسی نوزاد ارتباط دارد. براساس نتایج مک‌کی^۱ و همکاران، زنان حامله افسرده و دارای استرس بالا، دارای عملکرد پایین‌تری نسبت به زنان غیرافسرده هستند. تاریخ روانشناسی، سرشار از مفاهیمی است که در راستای افزایش سلامت روان، بهبود روش‌های پردازش هیجانی و فکری و ارتقای سیستم‌های روان درمانی مطرح شده‌اند؛ همگام با گسترش پژوهش‌ها در این زمینه، سازه‌های جدید با عنوان "شفقت به خود"^۱ در روانشناسی مطرح شد. نف^۱ (۲۰۰۳)، شفقت به خود را به عنوان سازه‌ای سه مؤلفه‌ای شامل مهربانی با خود در مقابل قضاوت کردن خود، اشتراکات انسانی در مقابل انزوا و ذهن آگاهی در مقابل همانندسازی افراطی تعریف کرده است. افراد دارای شفقت، نگرش حمایت‌گرانه نسبت به خود دارند و داشتن این نگرش نسبت به خود، با بسیاری از پیامدهای روانشناختی مثبت مانند انگیزه بیشتر برای حل تعارض‌های شخصی و بین شخصی، حل مسأله سازنده و ثبات زندگی ارتباط دارد (باکر و مک‌نولتی^۱، ۲۰۱۱).

اصول پایه در درمان مبتنی بر شفقت به این موضوع اشاره می‌کند که افکار، عوامل، تصاویر و رفتارهای تسکین‌بخش بیرونی باید درونی شوند و در این مدت، ذهن انسان همانگونه که نسبت به عوامل بیرونی واکنش نشان می‌دهد، در مواجهه با این درد پنهان نیز آرام می‌شود (قربانی و همکاران). خودشفقت‌ورزی شامل مراقبت کردن و دلسوزی کردن نسبت به خود در مواجهه با سختی‌ها و یا نارسای‌های ادراک شده است (نف، کرک پاتریک و رود^۱، ۲۰۰۷). خودشفقت‌ورزی بالا با بهزیستی روانشناختی همراه است و از افراد در مقابل استرس حمایت می‌کند (نف و همکاران، ۲۰۰۷) و به معنای پذیرش احساسات آسیب‌پذیر، مراقبت و مهربانی نسبت به خود، نگرش غیرارزیابانه نسبت به نارسای‌ها و شکست‌های خویش و بازشناسی تجربیات فرد تعریف می‌شود (راس^۱، ۲۰۱۰). هدف از درمان مبتنی بر شفقت‌ورزی^۱، تسهیل تغییر عاطفی به منظور مراقبت بیشتر و حمایت از خود است که حمله به خود را تضعیف کرده، پذیرش خود را بیشتر و آشفته‌گی عاطفی را کاهش می‌دهد. بنابراین فرد را قادر می‌سازد که بیشتر خود را تسکین داده و کنترل کند (گیلبرت^۱، ۲۰۰۵).

شواهد نشان می‌دهد افرادی که از خودشفقت‌ورزی بالاتری برخوردارند، افسردگی، اضطراب و نشخوارگری کمتری را در موقعیت‌های اجتماعی چالش‌انگیز تجربه می‌کنند و از رضایت بیشتری برخوردار هستند (راس، ۲۰۱۰). گیلبرت و پروکتر (۲۰۰۶)، در یک رویکرد درمان گروهی نشان دادند که آموزش خودشفقت‌ورزی برای افراد دارای خودانتقادی و شرم بالا مؤثر است (سعیدی، قربانی، سرافراز و شریفیان، ۱۳۹۲) و نتایج کاهش معناداری را در افسردگی، اضطراب، خودانتقادی، شرم، خودکم‌بینی و رفتارهای سلطه‌پذیر نشان داد. با توجه به نکات ذکر شده و از آنجا که شفقت به خود و فراتر از آن، درمان مبتنی بر شفقت، سازه‌های نوپا در روانشناسی است. پژوهش حاضر به مطالعه نقش شفقت به خود در کاهش استرس دوران بارداری می‌پردازد.

تاریخچه درمان متمرکز بر شفقت

درمان متمرکز بر شفقت در اوایل قرن ۲۱ توسط پائول گیلبرت ایجاد شد. در سال ۲۰۰۶، گیلبرت بنیاد ذهن مشفق را در دانشگاه دربی انگلستان پایه‌گذاری کرد. او در سال ۲۰۱۰ کتابی را با عنوان "ذهن مشفق: رویکردی جدید به چالش‌های زندگی" منتشر کرد و از نظام سلطنتی انگلستان (OBE) به دلیل انتشار این کتاب در زمینه مراقبت از سلامت روان، جایزه دریافت نمود. این رویکرد تلفیقی از نظریه‌ها، اصول و تکنیک‌هایی از مکاتب مختلف روانشناسی، درمان‌های مختلف و مذهب است. هدف درمان متمرکز بر شفقت، کمک به بهبود هیجانی و روانی افراد به وسیله تشویق کردن آنها به مشفق بودن با خودشان و دیگران است. بسیاری از افراد معتقدند که شفقت، چه با خود



و چه با دیگران، یک پاسخ هیجانی است و جنبه مهمی از بهزیستی را تشکیل می‌دهد. مزیت ارتقای شفقت، افزایش سلامت هیجانی و روانی است. این رویکرد از معروفترین روان درمانی موسوم به موج سوم رفتار درمانی است که تکنیک‌هایی را از رفتار درمانی شناختی به همراه ایده‌هایی از روانشناسی تکامل، روانشناسی اجتماعی، روانشناسی رشد، روانشناسی بودیستی و علوم اعصاب را یکپارچه کرده است. این رویکرد را می‌توان از جمله روان درمان‌های یکپارچه‌نگری دانست که سعی کرده است تا پلی بر شکاف سنتی مابین هیجان و شناخت در حوزه رفتار درمانی شناختی بزند.

شفقت به خود

شفقت به خود یا خودشفقت‌ورزی اگرچه در روانشناسی غربی مفهوم جدیدی است، اما قرن‌هاست که در فلسفه شرق وجود دارد (نوربالا، ۱۳۹۱). خودشفقت‌ورزی به معنای تجربه‌پذیری و تحت تأثیر قرار گرفتن از رنج دیگران، به گونه‌ای که فرد، مشکلات و رنج‌های خود را قابل تحمل تر نماید، تعریف شده است. همچنین این مفهوم به معنای صبور و مهربان بودن نسبت به دیگران و داشتن درک غیرقضاوت‌گرانه در رابطه با آنها است. علاوه بر این، دانستن این امر که تجارب و مشکلات زندگی فرد، جزئی از مسائلی است که سایر افراد نیز آن را تجربه می‌کنند. خودشفقت‌ورزی با احساس دوست داشتن خود و نگرانی و مراقبت در مورد دیگران مرتبط است، اما به معنای خودمحوری یا ترجیح نیازهای خود به دیگران نیست (نف، ۲۰۱۱). خودشفقت‌ورزی در بردارنده سه جزء اساسی است:

۱. داشتن مهربانی و درک صحیح نسبت به خود بدون داشتن دیدگاه قضاوتی و خودانتقادگر؛ ۲. داشتن این دیدگاه که تجارب فرد جزئی از تجارب همه انسان‌هاست و به عبارت دیگر، سایرین نیز چنین تجاربی را در زندگی خود دارند بدون داشتن احساس دور بودن و متمایز بودن از دیگران؛ ۳. تجارب و احساسات خود را به گونه‌های متعادل نگریده، بدون اینکه آنها را بزرگنمایی کند. این جنبه‌های خودشفقت‌ورزی با یکدیگر متفاوت بوده و به طور متفاوتی تجربه می‌شوند، اما به نظر می‌رسد که به گونه‌ای، مکمل و در برگیرنده یکدیگر نیز هستند. برای مثال، حالت پذیرا و باز بودن ذهن آگاهی، باعث کاهش قضاوت در مورد خود می‌شود (نف، ۲۰۱۱).

پل گیلبرت، سه سیستم هیجانی کلیدی را در مغز انسان توصیف کرده است: ۱. سیستم خطر و محافظت از خود. این سیستم به ما کمک می‌کند که مواظب خطرهای باشیم و متذکر می‌شود که امنیت بهتر از تأسف است. هیجان‌هایی که به ما هشدار خطر می‌دهند عبارتند از خشم، ترس و انزجار. ۲. سیستم جستجوی منابع. این سیستم به ما کمک می‌کند به دنبال غذا، شریک جنسی و دوستان باشیم. هیجان‌های مفید این سیستم شامل هیجان، لذت و شادی است. ۳. سیستم آرامشگر. این سیستم به ما کمک می‌کند که خرسند و آرام بوده و احساس امنیت داشته باشیم. تمام این سیستم‌ها مهم هستند، اما سیستم خطر ما بسیار پیشرفته است. در واقع، این سیستم به ما کمک می‌کند که زنده بمانیم. ما به یک سیستم هشداردهنده‌ای نیاز داریم که در مواقع خطر، سیستم‌های دیگر را نیز فعال کند و تمام توجه ما را به خود اختصاص دهد. در بسیاری از افرادی که با اختلال‌های روانشناختی درگیر هستند، سیستم تهدید و محافظت از خود، به نوعی پرکاری شدید دچار است که نتیجه، سطوح بالای استرس و نگرانی در این افراد خواهد بود. از طرف دیگر، سیستم رضایت و تسکین نیز در این افراد، سطح رشدیافتگی پایینتری دارد، زیرا آنها هرگز فرصت تحول این سیستم را نداشته‌اند.

درمان مبتنی بر شفقت برای این افراد مانند فیزیوتراپی عمل می‌کند. یعنی با تحریک سیستم آرامشگر، زمینه تحول آن را فراهم می‌کند و با تحول این سیستم، تاب‌آوری در برابر اضطراب و افسردگی را بالا می‌برد. اهمیت این موضوع در این است: اگرچه هیجان‌های ترس و اضطراب، خیلی خوشایند نیستند، اما وجود آنها تقصیر و خطای ما نیست، بلکه مغز ما این گونه تکامل پیدا کرده است تا آنها را تولید کند. همچنین نباید خود را سرزنش کنیم که هیجان‌های دردناکی داریم. ما مسئول هستیم روش‌هایی را یاد بگیریم که آنها را برطرف کنیم. بنابراین، خودشفقت‌ورزی می‌تواند از راه‌های مختلف به عنوان یک راهبرد تنظیم هیجان در نظر گرفته شود که در آن، از تجربه هیجان‌های آزاردهنده و نامطلوب جلوگیری نمی‌شود، بلکه تلاش می‌شود تا احساسات به صورتی مهربانانه مورد پذیرش واقع شوند. بنابراین، احساسات منفی به احساسات مثبت تغییر می‌کنند و فرد، راه‌های جدیدی برای مقابله پیدا می‌کند (نف، ۲۰۱۱). افرادی که خودشفقت‌ورز هستند، سلامت



روانی بیشتری را نسبت به افرادی که خودشفقت‌ورزی کمتری دارند، تجربه می‌کنند، زیرا تجربه درد و شکست از طریق خودمحکوم‌سازی، احساس انزوا، بزرگنمایی، افکار و احساسات تقویت می‌شود (راس، ۲۰۱۰). همچنین داشتن احساس خودشفقت‌ورزی، دلالت بر این دارد که فرد تلاش می‌کند که از تجربه درد جلوگیری نماید. این امر منجر به بروز سبک‌های مقابله فعال در جهت ارتقا و حفظ سلامت روانی می‌شود. افراد خودشفقت‌ورز، درد و نقص کمتری را نسبت به سایرین تجربه می‌کنند و دیدگاه حمایت‌گرانه نسبت به خود دارند که باعث کمتر شدن احساس افسردگی و اضطراب و افزایش رضایت آنها از زندگی می‌شود (آلپک و سدیکیدز، ۲۰۰۹). فردی که خودشفقت‌ورز است، در قدم اول تلاش می‌کند تا خود را از تجربه رنج محافظت کند. بنابراین، خودشفقت‌ورزی باعث بروز رفتارهای سازش‌یافته در جهت حفظ و ارتقای سلامت روانی می‌شود. همچنین خودشفقت‌ورزی با خودتنظیم‌گری مؤثر برای مقابله با استرس رابطه دارد. راهبردهای مقابله‌ای که افراد برای مواجهه با استرس به کار می‌برند، عمدتاً هیجان‌محور هستند و افراد از راهبردهای مسأله‌محور به میزان کمتری استفاده می‌کنند. خودشفقت‌ورزی بیشتر، مواجه شدن با هیجان را مدّ نظر قرار می‌دهد تا اجتناب کردن از آن. در نتیجه، افراد خودشفقت‌ورز، اجتناب کمتری دارند و بیشتر از راهبردهای مسأله‌محور استفاده می‌کنند که این امر، در کاهش تجربه اضطراب و افسردگی بسیار بااهمیت است (نف، ۲۰۱۱).

درمان متمرکز بر شفقت چگونه عمل می‌کند؟

براساس نظریه درمان متمرکز بر شفقت، سیستم‌های تهدید، سائق و رضایت، ریشه در تاریخچه تکاملی انسان در جهت بقا دارد. انسان‌های اولیه تمایل داشتند از تهدیدها اجتناب کنند یا بر آنها غلبه کنند، دنبال منابع غذا یا صمیمیت بودند و از اینکه بخشی از یک جامعه اجتماعی باشند، لذت می‌بردند. طرفداران درمان متمرکز بر شفقت، معتقدند که این سیستم‌ها، هنوز فعال هستند و بر باورها، فعالیت‌ها و هیجانات انسان امروزی اثر می‌گذارند. کارکرد سیستم سائق، هدایت افراد به سمت اهداف و منابع مهمی است که احساس‌های لذت را ایجاد می‌کنند. افرادی که سیستم سائق بیش فعالی دارند، احتمالاً به فعالیت‌هایی با ریسک بالا می‌پردازند. سیستم رضایت مربوط به احساسات شادی نیست. این احساس‌ها با جستجوی لذت و همچنین، نبود تهدید ارتباطی ندارند، بلکه این حالت آرامش مثبت، معمولاً با ارتباط‌های اجتماعی، مراقب بودن و امنیت مرتبط است. سیستم تسکین‌دهنده به عنوان یک تنظیم‌کننده برای هر دو سیستم تهدید و سائق عمل می‌کند. بر این اساس، خودشفقت‌ورزی یکی از جنبه‌های هوش هیجانی است که در بردارنده توانایی برای ثبت هیجان‌ها و استفاده از اطلاعات برای هدایت افکار و اعمال است (لوتس^۱ و همکاران، ۲۰۰۸).

تکنیک‌ها و تمرین‌های درمان متمرکز بر شفقت

نخستین تکنیک درمانی در درمان متمرکز بر شفقت، پرورش ذهن مشفق است. این درمان به راهبردهایی اشاره دارد که معمولاً به افراد کمک می‌کند تا شفقت را تجربه کرده و جنبه‌های مختلف آن را برای خود و دیگران ایجاد کنند. هدف، ایجاد انگیزه، همدردی، حساسیت و تحمل پریشانی به شیوه‌ای مشفقانه و از طریق به کار بردن تمرین‌های خاص است. این تمرین‌ها به افراد کمک می‌کنند تا دیدگاهی غیرقضاوتی و بدون ارزش را پرورش دهند. افراد در درمان، موارد زیر را یاد می‌گیرند:

- تمرین‌ها و فعالیت‌های قدردانی: بر فعالیت‌ها و مواردی که افراد از آن لذت می‌برند، تأکید می‌کند. این تمرین‌ها عبارتند از تهیه فهرستی از علاقه‌مندی‌ها، صرف کردن زمان برای لذت بردن وقتی که چیز لذت‌بخشی وجود دارد و سایر رفتارهای پاداش‌دهنده.

- ذهن آگاهی: داشتن نگرش مشفقانه نسبت به خود که باعث متعادل شدن دیدگاه ذهنی فرد می‌گردد، ذهن آگاهی خوانده می‌شود (بیرنی، اسپکا و کارلسون^۱، ۲۰۱۰). ذهن آگاهی به معنای داشتن نگرش غیرقضاوت‌گرانه و پذیرنده نسبت به خود است، به گونه‌ای که فرد، افکار و احساسات خود را به گونه‌ای مشاهده می‌کند که نیازی به تغییر یا کنار گذاشتن آنها نباشد. برای اینکه افراد کاملاً خودشفقت‌ورزی را تجربه کنند، لازم است دیدگاه ذهن آگاهانه اتخاذ نمایند. به عبارتی، آنها بایستی از تجربه احساسات دردناک اجتناب نکنند، زیرا برای شناخت احساسات خود به منظور داشتن احساس خودشفقت‌ورزی لازم است (جرمر^۱، ۲۰۰۹).

- تمرین‌های تصویرسازی مشفقانه: کاربرد حافظه هدایت شده و فانتزی‌ها که در ابتدا، ذهن و سپس سیستم‌های فیزیولوژیکی را تحریک می‌کند. هدف تمرین‌های تصویرسازی مشفقانه، ایجاد تصویری ارتباطی است که سیستم تسکین‌دهنده را تحریک می‌کند.



شفقت به خود و کاهش استرس دوران بارداری

شفقت به خود، نه تنها احساس خوبی دارد، بلکه دارای اثرات مثبت و چشمگیری است که برای گذراندن دوران حاملگی زنان باردار ضروری است. این بدان معنی است که زنان باردار می‌توانند ذهن خود را از فراز و نشب‌های دوران بارداری، آرام کنند و روحیه خود را تقویت کنند تا واقعا از لحظات خاص در طول دوران حاملگی خود لذت ببرند. علاوه بر این، ایجاد یک عادت شفقت به خود به شدت وابسته به توانایی موثر در مقابله با استرس است (علوم روانشناسی، ۲۰۱۲). شفقت به خود به زنان باردار این اجازه را می‌دهد که در مورد چگونگی عواقب و پیش‌آگاهی بارداری خود انعطاف‌پذیری بیشتری نشان دهند و در چرخه‌ای از افکار مشابه باقی نمانند. این برای مادران بارداری که در حال مقابله با دانستن اینکه در طول دوران حاملگی چه اتفاقاتی می‌افتد بسیار مهم است. به طور کلی، شفقت به خود باعث می‌شود آنها احساس امنیت بیشتری کنند و احساس انزوای خود را کاهش دهند، به طوری که توازن عاطفی بیشتری را در طول دوران استرس‌زای بارداری خود به دست آورند. برای تمرین شفقت به خود در دوران بارداری، ابتدا باید متوجه شوید که شفقت به خود به معنای اجتناب از احساسات منفی نیست. برعکس، سرکوب استرس تنها موجب می‌شود که استرس با شدت بیشتری بازگشت کند تا زمانی که شما به آن رسیدگی کنید، کاری که بهتر است انجام دهید این است که تجربه خود را تأیید کنید. هنگامی که احساس استرس می‌کنید و احساس آن را تشخیص دهید و بدون قضاوت آن را بپذیرید. "بایدها" و "نبایدها" را از واژگان خود حذف کنید و آنها را با افکار پذیرش جایگزین کنید. سپس، در مورد واقعیت‌ها فکر کنید. در حال حاضر چه اتفاقی افتاده است که باعث می‌شود که این احساس را درک کنید؟ از قضاوت بیش از حد و یا از به حداقل رساندن وضعیت اجتناب کنید و فقط حقایق را بیان کنید. تصور کنید آنچه را که به بهترین دوست خود می‌گویید، اگر او فقط به شما گفته باشد در مورد احساسش در یک مورد خاص و اینکه چه اتفاقی افتاده است. دست‌های خود را بر روی قلب خود قرار دهید، نفس عمیقی بکشید و دقیقا به آنچه که دوست دارید به دوستان بگویید، به خودتان بگویید. به عنوان نمونه: "من می‌دانم که شما احساس اضطراب می‌کنید. من اینجا هستم در کنار تو، تو تنها نیستی." به جای اینکه از خودتان ناراحت شوید و به خودتان بگویید که شکست خورده‌اید یا این که این کار را به اندازه کافی خوب انجام نداده‌اید، به خودتان همان شفقت را که در برابر دوستان برای آرام کردنشان نشان می‌دهید، نشان دهید. به جای تلاش برای رفتن به حالت حل مسئله و نادیده گرفتن احساساتتان، به خودتان محبتی را ابراز کنید همان گونه که با افرادی که دوستشان دارید رفتار می‌کنید. با انجام این تمرین، می‌توانید استرس خود را در زمان بارداری خود کاهش دهید.

نتیجه‌گیری

چنانچه در این مطالعه ملاحظه شد، شفقت به خود و تکنیک‌های درمانی آن در کاهش استرس و اضطراب زنان باردار اثرگذار است که با نتایج دیگر پژوهش‌ها همخوانی دارد (سربندی فراهانی و همکاران، ۱۳۹۲؛ ویتین و آستین، ۲۰۰۸؛ دانکن و باراداک، ۲۰۱۰؛ جوآردینو و همکاران، ۲۰۱۴). در تبیین احتمالی این نتیجه می‌توان گفت که از دیدگاه خودشفقت‌ورزی که یکی از مؤلفه‌های مهم سلامت روانی است، یکی از اهداف اصلی تمرین تکنیک‌های شفقت به خود به زنان باردار این است که کمک می‌کند تا شادکامی و بهزیستی روانشناختی را کسب کنند، با رویدادهای منفی زندگی خود مواجه شوند، نسبت به هر نوع احساس استرس و اضطرابی که در بدن و ذهنشان وجود دارد، آگاه شوند و به آنها اجازه بدهند که "باشند" و به صورت مؤثرتری سلامت خود را حفظ کنند. ملاحظات مبتنی بر شفقت‌ورزی، می‌تواند به زنان باردار آموزش دهد تا نسبت به فرآیند بارداری و زایمان، رویکرد همدلانه، بدون قضاوت و توأم با پذیرش بیشتری داشته باشند و توانایی مقابله با استرس این دوران انتقالی در زندگی را آموزش می‌دهد و آنها می‌توانند عملکرد انطباقی بیشتری را با توجه به عواطف منفی و مثبتشان از خود نشان دهند. این سازگاری مثبت بر پاسخ‌های استرس‌تأثیر می‌گذارد و این مسأله در درازمدت بر سلامت روانی و جسمی والدین و فرزندان اثر خواهد گذاشت. در این راستا، می‌توان با ایجاد نهادها و مؤسسات حمایت از زنان باردار و یا با ایجاد دوره‌های آموزشی متمرکز بر تکنیک‌های شفقت به خود به زنان بارداری که به مراکز بهداشتی مراجعه می‌کنند، کمک کنند تا این رخداد استرس‌زای زندگیشان را با موفقیت طی کنند.



منابع

۱. برقمی، ن؛ نقی پور، ع و لطیف نژاد، د. (۱۳۹۶). تعیین راهبردهای مادران باردار در مدیریت دل نگرانی‌های دوران بارداری، مجله دانشکده پرستاری و مامایی دانشگاه علوم پزشکی تهران (حیات)، ۲۳ (۲)، ۱۰۶-۱۲۵.
۲. برقمی، ز؛ بگپان، م و بخشی، م. (۱۳۹۵). اثربخشی درمان شناختی مبتنی بر ذهن شفقت‌ورز بر تعدیل روانسازدهای ناسازگار و کاهش عواطف منفی دانش‌آموزان مبتلا به اختلال ریاضی، روانشناسی معاصر، ۱۱ (۱)، ۱۱۷-۱۰۳.
۳. سعیدی، ض؛ قربانی، ن؛ سرافراز، م. ر و شریفیان، م. ج. (۱۳۹۲). اثر القای شفقت به خود و حرمت خود بر میزان تجربه شرم و گناه، روانشناسی معاصر، ۸، ۱۰۲-۹۱.
۴. نوربالا، ف؛ برجلی، ا و نوربالا، ا. (۱۳۹۲). اثر تعاملی "شفقت به خود" و نسخوار فکری بیماران افسرده در "درمان مبتنی بر شفقت"، دو ماهنامه علمی - پژوهشی دانشکده پزشکی، ۲۰ (۱۰۴)، ۸۴-۷۷.

۵. Alicke, M. D., & Sedikides, C. (۲۰۰۹). Self enhancement and self-protection: What they are and what they do. *European Review of Social Psychology*. ۲۰, ۱-۴۸.

Birnie, K., Speca. M., & Carlson, L. (۲۰۱۰). E. Exploring self-compassion and empathy in the context of mindfulness based Stress Reduction (MBSR). *Stress and Health*. ۱, ۱-۱۱.

۶. Duncan L.G., Baradacke, N. (۲۰۱۰) Mindfulness – Based childbirth and parenting Education: promoting family Mindfulness During the perinatal period. *Journal of child and family studies*, ۱۹: ۱۹۰-۲۰۲.

۷. Dunkel Schetter C. (۲۰۱۱). Psychological science on pregnancy: stress processes, biopsychosocial models, and emerging research issues. *Annu Rev Psychol*; ۶۲:۵۳۱-۵۸.

۸. Da Costa D, Larouche J, Dritsa M, Brender W. (۱۹۹۹). Variations in stress Levels over the course of pregnancy: factors associated with elevated hassles, state anxiety and pregnancy – specific stress. *J Psychosom Res*; ۴۷: ۶۰۹-۲۱.

۹. Germer, C. K. (۲۰۰۹). *The mindful path to self-compassion*. New York: Guilford Press.

۱۰. Gilbert, P. (۲۰۰۵). Compassion and cruelty: A biopsychosocial approach. In P. Gilbert (ED.), *Compassion: Conceptualizations research and use in psychotherapy* (pp. ۹-۷۴).

۱۱. Gilbert, P., & Procter, S. (۲۰۰۶). Compassionate mind training for people with high shame and self-criticism. *Clinical Psychology and Psychotherapy*, ۱۳, ۳۳۵-۳۷۹.

۱۲. Ghorbani N, Watson PJ, Chen Z, Norballa F. (۲۰۱۲). Self-compassion in Iranian Muslims: relationships with integrative self-knowledge, mental health, and religious orientation. *In Psychology Religion*. ۲۲: ۱۰۶-۱۱۸.

۱۳. Green JM, Kafetsios K, Statham HE, Snowdon CM. (۲۰۰۳). Factor structure, validity and reliability of the Cambridge worry scale in pregnant population. *Journal of Health Psychology*. ۸: ۷۵۳-۷۶۴.



۱۴. Guardino, C.M., Dunkel Schetter, C., Bower, J.E. Lu, M.C., Smalley, S.L. (۲۰۱۴). Randomised controlled pilot trial of Mindfulness training for stress reduction during pregnancy. *Psychology & Health*, ۲۹: ۳۳۴-۴۹.
۱۵. Lazarus, R.S., & Folkman, S. (۱۹۸۴). stress, appraisal. and coping. New York: springer.
۱۶. Lutz, A., Slagter, H. A., Dunne, J. D., & Davidson, R. J. (۲۰۰۳). Attention regulation and monitoring in meditation. *Trends in Cognitive Sciences*. ۱۲, ۱۶۳-۱۶۹.
۱۷. Mennes M, Stiers P, Lagae L, Van den Bergh B. (۲۰۰۶). Long – term cognitive sequelae of antenatal maternal anxiety: involvement of the orbitofrontal cortex. *Neurosis Biobehav Rev*; ۳۰:۱۰۷۸-۸۶.
۱۸. McKee MD, Cunningham M, Jankowski KR, Zayas L. (۲۰۰۱). Health related functional status in pregnancy: relationship to depression and social support in a multi ethnic population. *Obs Gyn*. ۹۷(۶): ۹۸۸-۹۳.
۱۹. Neff, K. D., Kirkpatrick, K. L., & Rude, S. S. (۲۰۰۷). Self-compassion and adaptive psychological functioning. *Journal of Research in Personality*, ۴۱, ۱۳۹-۱۵۴.
۲۰. Neff KD. Self-compassion: An alternative conceptualization of a healthy attitude toward oneself. *Self and Identity* ۲۰۰۳; ۲: ۸۵-۱۰۲.
۲۱. Neff, K. D., & McGeehee, P. (۲۰۱۰). Self-compassion and psychological resilience among adolescents and young adults. *Self and Identity*. ۹, ۲۲۵-۲۴۰.
۲۲. Raes, F. (۲۰۱۰). Rumination and worry as mediators of the relationship between self-compassion and depression and anxiety. *Journal of Personality and Individual Differences*, ۴۸, ۷۵۷-۷۶۱.
۲۳. Saduck B, Sadock VL, Ruiz P.. (۲۰۰۷). Kaplan and Sadock's comprehensive textbook of psychiatry. ۱۰th ed. Philadelphia : Lippincott Williams and Wilkins. ۳۴۵-۶.
۲۴. Solchany JE. Promoting maternal mental health during pregnancy. (۲۰۰۳). *Theory, practice & intervention*. Washington: NCAST-AVENUW Publication Seattle.
۲۵. Talge NM, Neal C, Glover V. (۲۰۰۷). Early Stress, Translational Research and Prevention Science Network: Fetal and Neonatal Experience on Child and Adolescent Mental Health. Antenatal maternal stress and long - term effects on child neurodevelopment: how and why? *Child Psycho Psychiatry*; ۴۸: ۲۴۵-۶۱.
۲۶. Vieten, C., Astin, J. (۲۰۰۸). Effects of a mindfulness – based & intervention during pregnancy on parental stress and mood: Result of a pilot study. *Archives of Women's Mental Health*, ۱۱, ۶۷-۷۴.
۲۷. Yali AM, Lobel M. (۲۰۰۲). Stress-resistance resources and coping in pregnancy. *Anxiety Stress Coping*; ۱۵:۲۸۹-۳۰۹.



نقش مادر در مدیریت فضای خانه، مطالعه موردی: تاثیرات فضای مجازی در افزایش مهاجرت های غیرمتعارف جوانان

سعیده سعیدی

مرکز پژوهش های علمی و مطالعات استراتژیک خاور میانه

saidi.university@gmail.com

چکیده

مهاجرت به عنوان مولفه سوم تغییرات جمعیتی بعد از باروری و مرگ و میر از اهمیت بالایی برخوردار است که فرصت ها و تهدیدهای متعددی را برای کشورهای مبدأ، تزانزیت و میزبان ایجاد می نماید. روند مهاجرت در سالهای اخیر به صورت پرشتابی افزایش یافته است. جمهوری اسلامی ایران به عنوان یکی از مهمترین کشورهای مهاجر پذیر در دنیا میزبان میلیون ها تبعه افغان و عراقی در طی ۴ دهه گذشته بوده است و هم چنین با داشتن بیش از ۴ میلیون مهاجر در دنیا در زمره کشورهای مهاجر فرست نیز محسوب می شود. مهاجرت های متعارف در کنار مهاجرت های غیرمتعارف و استفاده از باندهای شبکه های قاجاق انسان برای مهاجرت به کشورهای اروپائی و استرالیا در سالهای اخیر آسیب های فراوانی را به کانون خانواده وارد ساخته است. این گرایش به برون کوچی^۱ در میان نوجوانان و جوانان ایرانی و افغان ساکن در ایران در سالهای اخیر به صورت تدریجی به بروز نوعی تقابل بین فرزندان و والدین منجر شده است. فضای مجازی به عنوان یکی از مهمترین دریچه های تبلیغی، تشویقی و انگیزشی در جهت ترغیب نوجوانان و جوانان به اقدام برای مهاجرت بوده که متغیر مهم و بستر سازی در افزایش تمایل فرزندان به ترک موطن خویش می باشد. به صورت سنتی مادر به عنوان ستون اصلی خانه و کسی که مدیریت امور داخل خانه را به عهده دارد نقش مهمی در آموزش اصول تربیتی نحوه درست استفاده از فضای مجازی و استفاده بهینه از داده های منتشر شده در این عرصه را دارد.

این مقاله با روشی اتنوگرافیک و با نگاهی آسیب شناسانه در جهت واکاوی نقش والدین با تاکید بر مادر در جهت مدیریت آسیب های ناشی از فضای مجازی با تاکید بر تاثیرات این حوزه در تشویق فرزندان به مهاجرت به ویژه مهاجرت های غیرمتعارف می باشد. نوع پژوهش کیفی و روش آن توصیفی-اسنادی بوده و مطالعه میدانی داده ها بر مبنای مصاحبه نیمه ساختاریافته با ۳۸ مادر می باشد. داده های پژوهش بین مهر ۱۳۹۵ تا مرداد ۱۳۹۶ در شهر تهران جمع آوری شده است و در انتخاب مصاحبه شوندگان از روش نمونه گیری هدفمند و گلوله برفی به منظور دسترسی به افرادی که حداقل یکی از آشنایان تجربه مهاجرت به ویژه در قالب درخواست پناهندگی را داشته اند استفاده شده است. همچنین به منظور شناخت جامع تر ۱۱ مصاحبه نیمه ساختاریافته با پناهجویان کودک بدون همراه^۱ در دو کشور ترکیه و یونان صورت گرفته است تا به بررسی دو متغیر نقش خانواده و به ویژه مادران و همچنین تاثیرات فضای مجازی در اتخاذ تصمیم این افراد به مهاجرت مورد بررسی میدانی قرار گیرد.

عوامل دافعه داخلی و جاذبه خارجی به مهاجرت های متعارف و غیر متعارف می انجامد و ایران به عنوان یک کشور با جمعیتی جوان که هر روزه از طریق وسائل ارتباط جمعی با کشورهای توسعه یافته در ارتباط هستند و نقشی که فضای مجازی در ایجاد تصویری خیالی و غیرواقعی از "بهشت موعود" در ذهن مهاجران به ویژه نسل جدید دارد، پتانسیل بالائی برای تبدیل شدن مسئله پناهجویی جوانان به آسیب های جدی را دارد.

واژگان کلیدی: بحران مهاجرت و پناهجویی، شکاف بین نسلی، نقش تربیتی مادر، فضای مجازی، تغییر ذهنیت جوانان



با گسترش شبکه های ارتباطی مجازی و ابررسانه ها در عصر جدید حجم انبوهی از اطلاعات در کوتاهترین زمان ممکن منتقل می شود. ظهور تکنولوژی های نوین ارتباطی به همراه تحولاتی که در فضای مجازی بوجود آمده بسیاری از کارکردهای خانواده را دچار اختلال کرده است. انقلاب اطلاعات و جهانی شدن رسانه ها از قبیل تلویزیون، شبکه های ماهواره ای، اینترنت، شبکه های اجتماعی و وبلاگ علاوه بر بسط دانش در راستای بهبود کیفیت زندگی، نقطه عطفی در ایجاد و گسترش آسیب های اجتماعی نیز شده است. اگرچه نمی توان به هیچ وجه از نقش آگاهی بخش رسانه های مجازی در گسترش قلمرو دانش چشم پوشی نمود اما به دلیل سهولت دسترسی و گمنامی افراد، فضای مجازی محیط مناسبی برای گسترش آسیب های اجتماعی و تولید و ترویج اطلاعات بعضا مبهم و غلط است و کنترل های رایج در خصوص سایر رسانه ها، در مورد اینترنت موثر نیست. با ورود گسترده اینترنت در فضای زندگی انسان، علیرغم تمام محاسن و مزایای آن، دغدغه ها و نگرانی های فراوانی بر خانواده ها تحمیل شده است. با گسترش فضای مجازی، حوزه رابطه فرزندان و والدین با تغییرات متعددی از جمله شکاف نسلی به دلیل رشد تکنولوژی و کاهش نقش والدین به عنوان مرجع مواجه شده است. به دلیل ویژگی های خاص فضای مجازی و نو بودن این پدیده، بسیاری از والدین فرصت، امکان و یا دانش کافی برای شناخت دقیق این فضا و کاربردهای آن را به دست نیآورده اند.

نقش مادر در تربیت فرزندان به عنوان پایه اصلی نهاد خانواده و جامعه می باشد. وظیفه مادری به عنوان فضیلتی ملکوتی در دین اسلام بارها در آیات قرآن کریم و احادیث متعددی مورد تاکید قرار گرفته است. نقش مادر در تاثیرپذیری بر ساختار رفتار خلقی کودک، در فرهنگ پرورشی، در کارکرد حمایتگری در قبال فرزندان و همچنین در درونی سازی و شکل دهی نگرش های فرزندان از اصول بنیادین فرهنگ ایرانی اسلامی است. مادر نه فقط در قاموس نقش ارگانیک و فرزندزایی بلکه در سلسله مسئولیت های پرورشی تربیتی فرزندان نیز نقشی مهم در رشد و شکوفایی جامعه بشری می گذارد. مادری، کیفیتی روحی و روانی و مبتنی بر نوعی ارتباط چند بعدیست که بخش زیستی تنها جزئی از آن محسوب می شود. مواجهه مادر در برابر فضای مجازی تاثیر مهمی در نحوه تربیت فرزندان دارد.

رسانه های جمعی به عنوان یکی از ابزارهای اصلی انتقال و گسترش ارزش های فرهنگی و اجتماعی، در تغییرات رفتاری کودکان و نوجوان نقش کلیدی دارد (سعید و فراهانی^۱ ۱۳۹۱). دهه گذشته به عنوان دروازه ورود به دوره جدیدی از تاریخ رسانه با توجه به گسترش چشمگیر تکنولوژی های ارتباطی و افزایش دسترسی افراد به شبکه های مجازی رسانه های جمعی و مجازی نقش بسیار مهمی در بازتولید الگوهای فرهنگی در جوامع مختلف داشته اند. استفاده از شبکه های ماهواره ای، تلفن های هوشمند با دسترسی سهل به اینترنت، تکنولوژی های نوین ارتباطی مانند تلگرام، ایمو، واتس اپ، اینستاگرام در سال های اخیر به شدت در میان خانواده های ایرانی گسترش یافته است.

تحقیقات متعددی به نقش دوگانه "فرصت-تهدید" فضای مجازی بر نهاد خانواده از زوایای مختلف اشاره داشته اند (همایون والا و دیگران ۱۳۹۳). دسترسی راحت و امکان تعامل آسان با فضای مجازی باعث افزایش آسیب پذیری گروه سنی کودکان و نوجوانان بوده که نگرانی های فزاینده ای را برای والدین و نهادهای مربوطه ایجاد نموده است. آشنایی با دنیای بیرون از مرزهای ملی، ارائه تصویر فانتزی و انتزاعی به ویژه از دنیای غرب، افزایش آگاهی و حجم اطلاعات افراد در زمینه های مختلف با هزینه کم و دسترسی راحت تر، خلط واقعیت و مجاز، بازنمایی الگوهای متفاوت از نقش هائی چون زنانگی، جوانی، مادری، همسری از طریق فضای مجازی از جمله نقاط مثبت و منفی کارکرد فضای مجازی بر افراد جامعه است که در نحوه واکنش افراد در خصوص چالش های روزمره در جامعه و در نتیجه سوق دادن آنها به سمت تصمیم به مهاجرت تاثیرات عمیقی می گذارد.

مهاجرت به عنوان مولفه سوم تغییرات جمعیتی در کنار باروری و مرگ و میر تاثیرات گسترده ای بر جوامع مختلف می گذارد و با تحولات سال های آغازین قرن ۲۱ روندی فزاینده داشته و به یکی از مهمترین چالش های جامعه جهانی تبدیل شده است. به طور کلی طبق اصول و قوانین پذیرفته شده حقوق بشر بین المللی از جمله منشور حقوق بشر، کنوانسیون پناهندگان ۱۹۵۱ و کنوانسیون حقوق بشر اروپایی، هر فرد بشر حق دارد کشور خود را ترک کند.

مجموعه عوامل متعددی مانند فقر، منازعات داخلی و بین المللی، بحران های محیط زیستی مانند سیل یا خشکسالی، چالش های مذهبی، سیاسی و اجتماعی منجر به شکل گیری انگیزه های مهاجراتی در افراد به ویژه نسل جوان می گردد. امروزه مهاجرت به عنوان یک مسئله



جهانی مطرح می باشد و سالانه جمعیت کثیری از افراد به دلایل متنوعی به مهاجرت درون مرزی و یا برون مرزی مبادرت می ورزند. طبق جدیدترین گزارش سازمان ملل متحد بیش از ۲۴۴ میلیون نفر افراد در جهان مهاجر^۱ هستند. در نتیجه گسترش جنگ های داخلی و بین المللی حدود ۶۳٫۵ میلیون نفر به عنوان مهاجرین اجباری در سطح جهان شناخته شدند که از این تعداد، ۱۶ میلیون نفر پناهنده^۲، سه میلیون نفر پناهجو^۳ و حدود ۴۱ میلیون نفر آواره داخلی بودند (گزارش سازمان ملل متحد^۱ ۲۰۱۶). امروزه با گسترش وسایل ارتباط جمعی و دسترسی آسان افراد به داده ها در اقصی نقاط جهان روند جابجایی انسان از سرعت و سهولت بالایی برخوردار گردیده است. طبق اعلام سازمان ملل متحد، مهاجرت های بین المللی در سال ۲۰۱۵ بسیار "نامن" گردیده است، چرا که میلیون ها انسان به علت فقر و ترس از اخراج، به طرق غیرمترعارف^۴ و عمدتا از روش های سنتی مبادرت به مهاجرت می نمایند. در نتیجه منازعات داخلی در خاور میانه و بسیاری از کشورهای آفریقایی میلیون ها مرد، زن و کودک آواره، وطن خویش را رها می کنند و راهی مسیری بس مخاطره آمیز و بی بازگشت می گردند.

تمرکز اصلی بیشتر تحقیقات صورت گرفته بر مهاجرت های داوطلبانه است که در آن، افراد به منظور دستیابی به زندگی بهتر و با اختیار به مهاجرت مبادرت می ورزند (کستلز و میلر^۱ ۱۳۹۶، کوثر^۱ ۲۰۱۶). پژوهش پیش رو در صدد مطالعه نوع دیگری از برون کوچی در قالب مهاجرت های اجباری و عمدتا غیرمترعارف است. در این چارچوب فرد با دلایلی چون فشارهای اجتماعی، ناامنی، احساس طرد اجتماعی، یا ترس از نزاع و ... به هر قیمت ممکن درصدد خروج از کشور می باشد و برای این تصمیم هزینه های مالی، جانی و خانوادگی فراوانی را متقبل می شود. این افراد بدون شناسنامه، گذرنامه و مدارک رسمی، بدون آگاهی و بعضا به اجبار سرزمین خودشان را ترک نموده و در دنیایی تاریک و با ناامیدی به سوی مقصدی نامعلوم حرکت می کنند. وضعیت این افراد به گونه ای است که حتی از جان خودشان نیز می گذرند و سختی مسیرهای صعب در کوهستان و یا مسیرهای دریایی با قایق های فرسوده را متحمل می شوند. پیچیدگی دریافت اجازه ورود قانونی، اتخاذ مکانیسم های سخت گیرانه و کنترل فرایند مهاجرت متعارف توأم با افزایش عدم ثبات و خشونت در مناطق مختلف جغرافیایی جهان موج بیشتری از مهاجران را در قالب پناهندگی و آوارگان روانه کشورهای اروپایی و یا استرالیا کرده است.

در این پژوهش رفتارهای نوجوانان و جوانان ایرانی و افغان در برابر فضای مجازی با محوریت موضوع قاچاق انسان مورد توجه قرار گرفته است. با توجه به اهمیت نهاد خانواده در فرهنگ ایرانی و افغان والدین به ویژه مادر نقش مهمی بر ساخت شخصیت فرزندان می گذارد. مدیریت خانه در کلیه ارکان از مهمترین مسئولیت های مادر تلقی می شود و نحوه مواجهه خانواده با فضای مجازی، آسیب های احتمالی در برخورد با رسانه های جمعی و مدیریت اطلاعات منتقل شده به فرزندان از جمله مهمترین وظایف والدین می باشد. با توجه به اهمیت بیشتر نقش مادر در تربیت فرزندان در قالب الگوهای تربیتی مختلف استراتژی های مختلفی برای کنترل داده های منتقل شده از سوی فضای مجازی در کانون خانواده توسط مادران اتخاذ می شود.

اهداف پژوهش

براساس مطالب بیان شده، این پژوهش با بررسی های میدانی صورت گرفته درصدد نیل به اهداف زیر می باشد:

- بررسی نوع واکنش مادران در قبال مواجهه فرزندان با اطلاعات تشویقی منتقل شده توسط فضای مجازی در حوزه مهاجرت های غیرمترعارف
- بررسی تاثیر فضای مجازی در شکل گیری ذهنیت مثبت فرزندان از دنیای خارج از مرزهای کشور با تاکید بر سوق دادن آنها به مهاجرت های غیرمترعارف

پیشینه پژوهش

در زمینه نقش والدین با تاکید بر مادر در نحوه تربیت فرزندان تحقیقاتی صورت پذیرفته است (سفیری و دیگران^۱ ۱۳۹۲، کوبی و دیگران^۱ ۲۰۰۱، کلوند و دیگران^۱ ۲۰۱۰) که به صورت کیفی و کمی با مطالعه گروه های سنی متفاوت همگی بر تاثیرات مستقیم و غیر مستقیم رفتار والدین بر سلامت جسمی و روانی فرزندان تاکید داشته اند. یاسمی نژاد و دیگران^۱ (۱۳۹۱) ضمن تاکید بر نقش قدرتمند اینترنت در عرصه اطلاع رسانی در عصر انفجار اطلاعات با تاکید بر ابزارهایی مانند کامپیوتر و اینترنت به تشریح آسیب های ناشی از گسترش بدون کنترل فضای مجازی در افزایش جرایم اجتماعی و به چالش کشیدن امنیت اجتماعی می پردازند. دسوزا^۱ (۲۰۰۴) در پژوهش خود به ارتباط تنگاتنگ



مادری و مهاجرت می پردازد. مادری نه تنها در فرایند تصمیم به مهاجرت در کشور مبدأ^۱ از اهمیت بالایی برخوردار است بلکه در جامعه میزبان^۱ هم با توجه به ارزش های متفاوت جامعه جدید، مفهوم مادری مورد تغییرات زیادی قرار می گیرد. مادر به عنوان عنصر موثر در فرایند الگوپذیری رفتار اجتماعی فرزندان در کنار عواملی همچون برنامه های آموزشی مدارس، آموزه های گروه همسالان و گروه های مرجع در کنار نقش رسانه های جمعی و فضای مجازی نقش بسیار مهمی در شکل گیری شخصیت فرزندان دارد (پوریوسفی و دیگران^۱ ۱۳۸۸، دوراگر و لیوینگستون^۱ ۲۰۱۲، همایون والا و دیگران^۱). تا کنون هیچ گونه تحقیق مستقلی که به نقش والدین با تاکید بر مادر در مواجهه فرزندان با فضای مجازی در فرایند تصمیم گیری به مهاجرت های غیرمتعارف صورت نگرفته است و این پژوهش به عنوان اولین کار میدانی در این حوزه می باشد.

روش پژوهش

با توجه به اهداف پژوهش، در این مطالعه از روش کیفی و اتنوگرافی با نگاهی آسیب شناسانه استفاده شده است. پژوهش های کیفی این امکان را به پژوهشگر می دهند تا کنش های روزانه افراد را براساس تعریف خود کنشگران دریافت و تحلیل کند. تکنیک های گردآوری داده ها مصاحبه تعاملی و نیمه ساختار یافته^۱، مشاهده مشارکتی^۱ و بررسی های اسنادی در میان واحد تحلیل (خانواده ایرانی یا افغان با داشتن حداقل یک فرد مهاجر) می باشد. در واقع در این پژوهش واحد اجتماعی^۱ و عنصر بسیط، خانواده و سطح مشاهده^۱، فرد می باشد. به دلیل حساسیت موضوع مهاجرت های غیرمتعارف و استفاده از شبکه های قاچاق انسان برای خروج از کشور نمونه گیری گلوله برفی به عنوان مهمترین تکنیک جمع آوری داده مورد استفاده قرار گرفته است. برای جمع آوری بهتر داده ها دسترسی به افراد از طریق آشنایی اولیه با نمونه ها بوده و به تدریج خانواده های مشارکت کننده بر مبنای اهداف تحقیق مورد شناسایی قرار گرفته اند. بعد از انجام هر مصاحبه از مشارکت کنندگان درخواست شد که با توجه به شناخت خود از اهداف و موضوع پژوهش، افراد دیگری را معرفی نمایند و این زنجیره مانند گلوله برفی که در مسیر خود و در طول زمان بزرگ تر می شود به گروه گسترده ای از پاسخگویان مبدل می گردد (هندکوک و گیل^۱ ۲۰۱۱، گودمن^۱ ۱۹۶۱، بریمان^۱ ۲۰۱۶). همچنین نمونه گیری هدفمند نیز در جریان گردآوری داده ها مورد استفاده قرار گرفته است چرا که به منظور نگاهی جامع تر به نحوه ارتباط میان مادر و فرزندگی که به دنبال خروج از کشور به هر قیمتی است در انتخاب مشارکت کنندگان معیارهای مختلفی مانند سن، جنسیت، تحصیلات، میزان و روش های استفاده از فضای مجازی و داشتن تجربه های فردی در امر مهاجرت لحاظ گردیده است.

از آنجا که حجم نمونه در تحقیقات کیفی با سطح اشباع داده ها^۱ ارتباط دارد، حجم نمونه تحقیق کاملاً مشخص و از پیش تعیین شده نبود. با لحاظ کردن اشباع نظری مصاحبه ها تا رسیدن به تکرار مفاهیم ادامه یافت سپس تحلیل بر روی داده ها آغاز گردید. در این راستا ۳۸ مصاحبه نیمه ساختاریافته با مادرانی که حداقل یکی از فرزندان یا آشنایان آنها تمایل به خروج غیرمتعارف از ایران را داشته اند صورت گرفت. داده های پژوهش بین مهر ۱۳۹۵ تا مرداد ۱۳۹۶ در شهر تهران جمع آوری شده است. بیشتر مصاحبه ها در درون خانه افراد انجام گرفت. همچنین از فضاهای عمومی مانند کافه، پارک، آرایشگاه و دانشگاه نیز به عنوان محل مصاحبه استفاده گردید.

همچنین به منظور تحلیلی جامع تر، ۱۱ مصاحبه نیمه ساختاریافته با پناهجویان کودک بدون همراه^۱ در کشور ترکیه صورت گرفته است تا به بررسی دو متغیر نقش خانواده و به ویژه مادران و همچنین تاثیرات فضای مجازی در اتخاذ تصمیم این افراد به مهاجرت مورد بررسی میدانی قرار گیرد. مصاحبه ها در مناطق اصلی تجمع پناهجویان در آکسارای (که به محله ایرانیان معروف شده است) و لال علی انجام شده است.

مصاحبه نیمه ساختار یافته به علت دارا بودن خاصیت تعاملی و انعطاف پذیر و هم چنین عمیق بودن ساختار پرسش ها برای پژوهش های کیفی مناسب می باشد. میانگین زمان مصاحبه ها ۲ ساعت بود. به دلیل معذوریت های شخصی مصاحبه شوندهگان و حساسیت های امنیتی موضوع (ترس افراد از بازداشت شدن و یا امکان شناسایی باندهای قاچاق) امکان ضبط مصاحبه ها وجود نداشت و جملات مصاحبه در حین



گفت و گو یادداشت گردید. به منظور رعایت نمودن اخلاق^۱ در پژوهش کلیه مصاحبه ها با رضایت آگاهانه، حفظ گمنامی، محرمانه بودن داده ها، تغییر اسامی و حق کناره گیری در هر زمان از جریان مشارکت در تحقیق به تایید کتبی مشارکت کنندگان رسیده است. پس از اتمام مصاحبه و اجرای روش های تکمیلی سنجش صحت یافته ها، مقبولیت^۱ و عینیت پذیری^۱ داده ها با استفاده از روش های مختلفی چون بازنگری مشارکت کنندگان^۱ برای تایید و اصلاح کدها، بررسی مکرر^۱ رعایت حداکثر گوناگونی^۱ در نمونه ها و لحاظ نمودن زمان مناسب برای جمع آوری داده ها مورد استفاده قرار گرفته است. سپس برای تحلیل مصاحبه ها و داده های به دست آمده از کدگذاری باز و محوری و هم چنین روش تحلیل تماتیک (موضوعی)^۱ استفاده گردید. در تحلیل موضوعی، داده ها به واحدهای قابل تحلیل تبدیل شده و با استفاده از مفاهیم نظری تحلیل می شوند. در این فرایند محقق با رفت و برگشت مداوم بین مجموعه داده ها، مفاهیم، مقولات و تجزیه و تحلیل به استنتاج علمی دست می یابد. به اعتقاد سیلورمن^۱ (۱۹۹۳) برای تحلیلی جامع باید داده ها را اوراق^۱ نمود و با اجزا آن مانند تصویرها، کلمات، عبارات، جملات و پاراگراف ها و سایر پاره ها کار کرد. محقق با مرور کدهای اولیه (مفاهیم) به دست آمده، سعی در گروه بندی کردن انتزاعی تر مفاهیم مشترک در غالب مقولات دارد که منجر به افزایش قدرت تحلیل می گردد (کرپیندورف^۱ ۲۰۰۴). در مرحله بعد، تجزیه و تحلیل داده ها با تلفیق همه کدهای مرتبط به چند مقوله^۱ دسته بندی شده ادامه می یابد و محقق به توضیح مقولات به دست آمده می پردازد.

داده ها و یافته ها

یافته های توصیفی پژوهش		
۸	۲۵-۳۹	توزیع سنی
۲۱	۴۰-۵۰	
۹	بالای ۵۰ سال	
۳	۱	تعداد فرزندان
۹	۲	
۱۳	۳	
۸	۴	
۷	۵ به بالا	
۸	زیر دیپلم	تحصیلات
۹	دیپلم	
۶	فوق دیپلم	
۱۲	لیسانس	
۳	فوق لیسانس و بالاتر	
۱۴	اصلا	تسلط به زبان های خارجی
۱۰	مبتدی	
۱۰	متوسط	
۴	پیشرفته	
۲۴	شاغل	اشتغال
۱۴	غیر شاغل	
۲۷	تلگرام	نحوه آشنایی فرزندان با شبکه های قاجاق
۲۹	اینستاگرام	
۳۰	شبکه های ماهواره ای	
۳۲	دوستان و فامیل	
۶	آژانس های مسافرتی	



اگرچه بر مبنای نظریه دافعه-جاذبه اورت لی (زنجانی^۱ ۱۳۹۴) وجود شرایط نامساعد در داخل کشور در حوزه های اشتغال، دسترسی به منابع، آموزش و رفاه از جمله مهمترین دلایل انگیزاننده افراد در تصمیم به مهاجرت می باشد اما در سال های اخیر و ورود و گسترش رسانه های جمعی و فضای مجازی در خانواده ها به ترسیم فضای انتزاعی از یک زندگی ایدال از طریق فضای مجازی به عنوان یکی از مهمترین عوامل تاثیرگذار بر ذهن جوانان و ترغیب به تصمیم به برون کوچی تبدیل شده است. با توجه به شرایط اقتصادی و فشارهای محیطی در داخل کشور، عدم دسترسی آسان به اشتغال و درآمد متناسب شکاف عمیقی میان خواسته ها و انتظارات افراد با واقعیت های زندگی روزمره ایجاد می شود. تصویر ترسیم شده توسط فضای مجازی به نوعی نقش محرک در اتخاذ تصمیم به خروج از کشور را ایفا می نماید. مهاجرت های غیرمتعارف به عنوان راهی آسان تر با هزینه های کمتر به عنوان یکی از مسیرهای این تصمیم می باشد.

منزلت ارزشمند مادر به عنوان یکی از اصلی ترین ارکان ثبات، استحکام و استمرار بنیان خانواده در جامعه امروز است. بر مبنای یافته های این پژوهش سه الگوی رفتاری از سوی مادران در موضوع مواجهه نسل جوان با فضای مجازی با تاکید بر شبکه های مهاجرتی غیرمتعارف قابل ذکر می باشد:

۱. الگوی مادر کنترل گر-محدود کننده

اگرچه گسترش تکنولوژی و تلفن های همراه هوشمند در سطح جامعه به افزایش دسترسی کلیه اعضای خانواده به فضای مجازی و مخاطب قرار گرفتن در قبال رسانه های مجازی منجر شده است ولی مصرف رسانه ای فرزندان با والدین خود متفاوت است، در نتیجه شیوه های نظارت بر مصرف رسانه ای آنها نیز با نسل قبل از خود متفاوت خواهد بود. نظارت والدین مجموعه ای از رفتارهای والدین شامل آگاهی، گفتگو، حمایت و پیگیری رفتار فرزندان را شامل می شود. همچنین نظارت والدین با کیفیت روابط والدین با نوجوانان و سبک والدگری آنان نیز مرتبط است که به صورت غیرمستقیم بر رفتار فرزندان تاثیر می گذارد. علامه طباطبایی در کتاب تفسیر المیزان بیان داشته اند که به دلیل پررنگ تر بودن حیات عاطفی زن، تربیت فرزند در اسلام به زن سپرده شده است (طباطبایی^۱ ۱۳۷۴) و نقش مادر در نظارت بر مصرف رسانه ای مهم تر و پر رنگ تر است. زمان بیشتر حضور در خانه، نفوذ اخلاقی و رفتاری بیشتر مادر نقش آموزشی عمیق تر مادر (همدانیان و دیگران^۱ ۱۳۹۰)، و جایگاه معرفتی مادر به عنوان ستون خانه (اسماعیلی^۱ ۱۳۸۱) وزن بیشتری به نقش نظارتی و کنترل گرانه مادر در قبال نحوه مواجهه فرزندان با فضای مجازی می دهد.

طبق مصاحبه های انجام شده در این پژوهش استراتژی ۲۲ نفر از مادران، نظارت مستقیم بر میزان، محتوا و مراودات فرزندان در فضای مجازی بوده است. از منظر این مادران فضای مجازی دارای کارکردهای نامطلوب بوده که زمینه ساز آسیب های جدی در خانواده تلقی شده است.

مادرانی که در این دسته طبقه بندی شده اند از طریق مهاجرت یکی از فرزندان یا آشنایان با مسئله مهاجرت غیرمتعارف و تبعات آن مواجه شده بودند و به نوعی درصدد تقلیل آسیب ها در فضای خانه برای سایر فرزندان و یا اطرافیان بودند. فضای مجازی از منظر مادران کنترل گر زمینه ساز آسیب های شخصیتی و فرهنگی در میان فرزندان می باشد. افزایش زمان استفاده از رسانه های مجازی به معنای کاهش دامنه روابط افراد در جهان واقعی است که احتمال لطمه دیدن عملکرد آموزشی فرزندان نیز افزایش می یابد (سمسون و کین^۱ ۲۰۰۵). بر مبنای مصاحبه های صورت گرفته، الگوی رفتاری برخی از والدین به ویژه مادران به صورت کنترل گرانه و به صورت حضور و نظارت بوده است. به این صورت که مادر از سواد رسانه ای (منتظر قائم و حاجی کاظم طهرانی^۱ ۱۳۹۳) مقبولی برخوردار است، مهارت های دیجیتالی اش افزایش یافته است، درباره اینترنت با فرزندش صحبت می کند، با شناخت از آسیب های مهاجرت های غیرمتعارف اطلاعات روشنی از فضای واقعی مسیر در اختیار فرزندش قرار می دهد و تصویر انتزاعی و بعضاً غیر واقعی ترسیم شده از فرایند مهاجرت های غیرمتعارف را در ذهن فرزندش به چالش می کشد، وقتی آنلاین است در کنارش می نشیند، با تنظیم برنامه های کاری اش نظارتی مدون بر استفاده از فضای مجازی در خانه اعمال می کند، نسبت به فرصت های مثبت و آسیب های منفی فضای مجازی مطلع بوده و به فرزند خود داده منتقل می کنند.



پسر یکی از دوستان خانوادگی ما به دنبال خروج از کشور از طریق قاچاقبر بود. در یکی از مهمانی های مشترک در موردش صحبت کرد. من و همسرم بسیار نگران تاثیر منفی این تصمیم بر پسر خودمان بودیم. تا حدی مرادفات خانوادگیمان را کم کردیم. سعی کردم اوقات فراغت پسر را با کلاس های ورزشی و موسیقی پر کنم تا سرش گرم شود و کمتر فرصت استفاده از فضای مجازی را داشته باشد. مدتی به دنبال اطلاعات در خصوص مشکلات پیش روی افراد بودیم. و با گوشزد کردن رخدادهای تلخی که برای نمونه های مشابه در مسیر افتاده بود سعی کردیم بر ذهن فرزندانمان تا حدی تاثیر بگذاریم. محدود کردن میزان استفاده از شبکه های ماهواره ای و اعمال محدودیت در زمان استفاده از تلگرام و اینستاگرام هم به نوعی توانست موثر باشد. بعد از پرس و جوهایی که انجام دادم فهمیدم بین وضعیت پناهجویی و پناهندگی تفاوت های زیادی است و شرایط سختی برای به دست آوردن خدمات حمایتی سازمان های بین المللی وجود دارد و سعی کردم ذهن پسر را در این زمینه روشن کنم. من از فضای مجازی استفاده بهینه می کردم و اخبار مربوط به مشکلات پناهجویان مثل غرق شدن قایقشان در دریای مدیترانه و یا دستگیری در بازرسی های مرزی، زندگی سخت در اقامتگاه های ترکیه را دائم از طریق تلگرام برای پسر می فرستادم تا در جریان چالش های مسیر قرار بگیرد. متأسفانه فضای مجازی صرفاً نقاط مثبت و ایدآل دنیای بیرون مرزهای کشور را ترسیم میکند که برای نوجوانان اغوا کننده است. (زهره، مادر ایرانی، ۴۳ ساله)

شناخت مناسب از تعاریف واژگان و ابعاد حقوقی آنها (نک. بخش مقدمه) یکی از مهمترین راه های کاهش فرایند قاچاق انسان است. یکی از مهمترین اشتباهات محاسباتی جوانان در فرایند تصمیم به مهاجرت غیرمتعارف عدم توجه به بار حقوقی مفاهیم در حوزه مهاجرت های بین المللی است. فضای مجازی با ترسیم افقی کلی و انتزاعی عملاً راه را برای شناخت دقیق مسیر و چالش های پیش رو به مخاطب نمیدهد. در حالیکه حمایت های بین المللی در قبال فرد پناهنده صورت میگیرد یک تعریف قانونی و مشخصی دارد و درصد بالایی از مهاجران شرایط احراز این موقعیت را نداشته و ممکن است سالها در مرحله پناهجویی باقی بمانند. بسیاری از پناهجویان بدون داشتن ایده و آگاهی نسبت به تعارف و دسته بندی های حقوقی وضعیت های پناهندگی به این کار مبادرت می ورزند در حالیکه هر کدام از این وضعیت ها حقوق و تعهدات خاص خود را دارد و شرایط احراز آنها متفاوت و زمانبر است. طبق مصاحبه های صورت گرفته از پناهجویان در کشورهای ترانزیت درصد بالایی از افراد از معنای حقوقی وضعیت های مختلف و تعهدات و شرایطی که در هر وضعیت متوجه افراد می شود خبر نداشتند و با یک ایده کلی و در خیلی از موارد غیرواقع بینانه قدم در این مسیر می گذارند که منجر به ایجاد هزینه های مالی و جانی زیادی برای افراد و خانواده های درگیر می شود. رسانه ها و فضای مجازی در ساخته شدن این ایده انتزاعی و خیالی که در بسیاری از موارد امکانی در واقعیت نداشت نقش اول را داشته اند.

در این پژوهش ۱۴ مادر بدون برنامه ریزی صرفاً به عنوان والد کنترل گر و محدود کننده به تحدید دسترسی فرزندان به فضای مجازی مبادرت ورزیدند. این افراد فاقد تحصیلات دانشگاهی بوده و آگاهی چندانی نسبت به مقوله مهاجرت غیرمتعارف نداشتند. استراتژی تحدیدی آنها صرفاً بر اساس ترس و نگرانی از به چالش کشیده شدن ارزش های مذهبی، خانوادگی و شخصیتی فرزندانشان است. سایر مادران کنترل گر با شناخت نسبت به علایق و ظرفیت های فرزندان خود و همچنین آگاهی از نقاط مثبت و منفی فضای مجازی، اعمال محدودیت متعادل در معرض رسانه ها را با برنامه ریزی در خصوص جایگزین کردن بهینه بر منبای علایق فرزندان و منابع خانواده انجام می دهند که منجر به نارضایتی در میان فرزندان نگردد. کلیه مادران این گروه دارای تحصیلات دانشگاهی بوده، در سطح متوسطی از دانش زبانی و مجازی برخوردار بوده اند که در جهت اطلاع یابی از چالش های مهاجرت غیرمتعارف تلاش نموده اند. مادران کنترل گر با شناخت از فضای مجازی در حوزه مهاجرت های غیرمتعارف، با برشمردن چالش ها و مشکلات متعدد مسیر، تأکید بر هزینه های مالی تصمیم، تأکید بر اعتبار و آبروی خانواده، توجه دادن فرزند به ارزش های خانواده نقشی کنترل گرانه و سلبی در این تصمیم خواهند داشت. کاهش ساعات استفاده از فضای مجازی، نظارت شدیدتر، توجه به بیشتر به گروه همسالان و مرادفات فرزندان به ویژه در مدرسه و گروه های فامیلی از جمله استراتژی های بیان شده توسط مصاحبه شوندهگان بوده است.

در مورد متغیر سن، الگوی مشاهده شده در میان مادران مصاحبه شده به این شکل بود که هر چه سن مادر جوانتر باشد استراتژی های نظارتی اش در فرایند حمایت و همکاری با فرزندان موثرتر خواهد بود. با بالاتر رفتن سن مادر میزان اثربخشی نقش کنترل گرانه آنان کاهش



یافته است. عدم آشنایی با شبکه های مجازی جدید و روند به روز شدن بسیار سریع فضای مجازی عملا مادران با سن بالاتر و تحصیلات کمتر را به حاشیه می راند و میزان قدرت آنها را در فضای خانه با چالش مواجه می کند.

میزان استفاده فرزندان از شبکه های اجتماعی مانند فیس بوک، تلگرام و اینستاگرام به طور متوسط بین ۲ تا ۷ ساعت در شبانه روز متغیر بود. البته ۲۸ نفر از مادران مورد مصاحبه بیان داشته اند که با افزایش سن فرزندان میزان مقاومت آنها افزایش می یابد و روش های کنترل گرایانه با چالش مواجه می شود به عنوان مثال محدودیت زمانی و محدود سازی دسترسی فرزندان به شبکه های ماهواره و یا استفاده از موبایل و اینترنت و یا نظارت بر محتوای دیده شده و خوانده شده توسط فرزندان تغییر در استراتژی های مادران را طلب می نماید. همچنین روش های نظارتی والدین در مورد اینترنت در مقایسه با سایر رسانه های جمعی مانند شبکه های ماهواره ای متفاوت بوده و در بسیاری از موارد به قدر کافی کاربرد ندارد. در حالیکه در مورد رسانه های جمعی در سطوح فردی، خانوادگی و در سطح دولت قابلیت اعمال نظارت های مختلف وجود دارد که در مورد اینترنت و شبکه های مجازی به ویژه از طریق اتصال با تلفن های هوشمند این امکان کمتر می شود.

۲. الگوی مادر مشوق

دسته ای دیگر از مادران مهاجرت و برون کوچی را به عنوان مهمترین اولویت زندگی خانوادگی دانسته و نقشی مشوق در زمینه جمع آوری داده توسط فرزندان از فضای مجازی در خصوص آشنایی با مسیرهای خروج از کشور، نرخ قاچاقبران، محل اسکان در کشورهای ترانزیت ایفا می کنند. این الگوی مادری، با توجه به عدم رضایت اجتماعی از شرایط زندگی در میان مهاجران افغان بیشتر دیده شده و در راستای "استراتژی معیشت" قابل بررسی است. دسترسی محدود به آموزش، اشتغال، بهداشت به عنوان مهمترین چالش های زیستن در قالب مهاجر توسط مصاحبه شوندهگان افغان بیان شد. در نتیجه مادران به عنوان یکی از مشوقان اصلی فرزندان در جهت اطلاع یابی از فرایند خروج از کشور در جستجوی زندگی بهتر و آینده ای مطمئن به هر روش ممکن هستند.

اغلب اقوام ما در اروپا زندگی می کنند و همیشه ما را به رفتن ترغیب می کنند. عدم دسترسی به خدمات بهداشتی و آموزشی و نداشتن کار مناسب، تحقیر شدن دائمی توسط همسایگان و جامعه خیلی برای فرزندانم سخت است. همیشه از طریق اینترنت با هم در ارتباط هستیم و عکس هایی که از زندگیشان در غرب میفرستند نشان میدهد که زندگی با رفاه و آرامی دارند که ما را تشویق به رفتن می کند.

پسر بزرگم توانایی خوبی برای استفاده از اینترنت دارد و تا حدی هم زبان انگلیسی می داند. خیلی از کانال هائی که در اینترنت عضو هستیم تبلیغ می کنند که کشورهای اروپائی به بچه های زیر ۱۸ سال زودتر پناهنده می دهد. برنامه ی ما این است که توسط قاچاقبر او را از مرز خارج کنیم تا در کشوری مثل آلمان، اتریش یا سوئد درخواست بدهد و بعد ما را هم با خود ببرد. (زکیه، مادر افغان، ۴۸ ساله)

طبق جدیدترین آمار کمیساریای عالی پناهندگان سازمان ملل متحد، در سال ۲۰۱۵ بیش از ۹۰ درصد از کودکان بدون همراه مهاجر "پسر" عمدتا بین ۱۶ تا ۱۷ سال بوده اند. این مسیله با ساختار سنتی خانواده در فرهنگ ایران و افغان ارتباط دارد چرا که با توجه به مسیر پرخطر قاچاق و هم چنین تفاوت های بنیادین در مورد جایگاه زن در جوامع سنتی و غربی، تعداد دختران پناهجوی بدون همراه بسیار پایین می باشد و این افراد عموما توسط یکی از اعضای مذکر خانواده همراهی می شوند. در نحوه برخورد مادر در قبال فرزندان، متغیر جنسیت عاملی تاثیرگذار در تغییر نتایج به دست آمده بود چرا که والدین آزادی عمل بیشتری را به پسران برای قدم گذاشتن در مسیر مهاجرت غیرمتعارف، انتخاب مسیر و شبکه قاچاق می دادند در حالیکه نقش نظارت کننده و محدود کننده شدیدتری را در قبال دختران لحاظ می نمودند. هیچ کدام از مادران مصاحبه شونده ای که نگاهی مثبت و پذیرا نسبت به اطلاعات ارائه شده توسط شبکه های مجازی در عرصه مهاجرت داشتند به دختران خود اجازه اقدام انفرادی برای این مسئله را نمی دادند و به مهاجرت دختران از طرق متعارف و متداول تمایل داشتند و حرکت در مسیر مهاجرت غیرمتعارف را صرفا امری مختص به پسران خانواده می دانستند. ترس از سختی مسیر، جلوگیری از بدنامی، نگرانی از آزارهای جنسی و تجاوز در طول مسیر از جمله مهمترین دلایل مادران در این زمینه بوده است.

اینکه پسر خانواده توسط قاچاقبر از مرز خارج شود در میان آشنایان ما پذیرفته شده است ولی به هیچ عنوان این اجازه را به دخترم نخواهم داد چراکه او ناموس خانواده است و نمی توانم قبول کنم در این مسیر سخت بخواهد از مرز رد شود. برادر بزرگترش دو ماه قبل این مسیر را



طی کرد و همیشه از چالش های مسیر و سختی هایش برایمان می گوید که به هیچ عنوان حاضر نیستم دخترم در این مسیر فرار بگیرد. (شیوا، مادر ایرانی، ۵۱ ساله)

جامعه اجازه و فرصت برخی تجربه ها را به دختران نمی دهد به ویژه در جوامع کوچکتر و محلی این محدودیت ها تشدید می شود. در نتیجه در بسیاری از مواردی که دختر خانواده امکان مهاجرت متعارف از راه های مختلفی چون تحصیلی، ازدواج یا کار را داشت فشار برای اقدام در جهت مهاجرت غیرمتعارف و استفاده از شبکه های قاچاق بر دوش پسر خانواده (عمدتا پسر ارشد) گذاشته شده با این تصور که پسر خانواده با موفقیت در طی مسیر و رسیدن به مقصد درخواست الحاق خانواده^۱ می دهد و سایر اعضای خانواده می توانند بصورت متعارف به مقصد برسند. این مسئله خود، به عنوان یک آسیب جدی برای فرد مهاجر تلقی می شود به ویژه اگر زیر ۱۸ سال باشد که در ملاحظات حقوق بین الملل به عنوان "کودکان بدون همراه" دسته بندی می شوند. فرستادن کودکان بصورت انفرادی در غالب پناهجو، به یک مکانیسم گروهی در بین خانواده های افغان تبدیل گشته است. این تصمیم با این امید که کشورهای مقصد از انعطاف بیشتری برای تصمیم در مورد درخواست پناهجویی کودکان برخوردارند و در نتیجه با پذیرش پرونده پناهجویی کودک، شانس سایر اعضای خانواده به منظور ورود به کشور میزبان تحت قانون "الحاق"^۲ افزایش می باید.

در سال ۲۰۱۵ تعداد کودکان بدون همراه پناهجو در اروپا با افزایش بی سابقه ای به بیش از ۹۰ هزار درخواست رسمی رسیده است. از مجموع کل پناهجویان زیر ۱۸ سال بدون همراه، پناهجویان افغان بیش از ۵۱ درصد را به خود اختصاص داده اند که این آمار نگرانی های بین المللی را در مورد آینده نامشخص این کودکان به همراه داشته است. لازم به ذکر است یکی از مهمترین عوامل بالا بودن تعداد کودکان بدون همراه افغان در میان پناهجویان، وجود شبکه های اجتماعی قوی^۱ مهاجران افغان در کشورهای مقصد می باشد و حضور یکی از اقوام نزدیک، دوست خانوادگی و یا فردی آشنا با خانواده خویش را به عنوان تکیه گاه عاطفی و مالی این سفر پرمخاطره اعلام داشته اند.

در نتیجه در سال های اخیر فشار فزاینده ای بر پسران افغان از سمت جامعه و خانواده به منظور تلاش برای رساندن خود به "منطقه امن"^۲ ایجاد شده است. از بعد روحی این فشارها باعث گردیده که بسیاری از پسران افغان بدون تمایل شخصی، صرفا برای "ناامید نکردن" خانواده قدم در این مسیر می گذارند و طبق بررسی های میدانی صورت گرفته توسط نگارنده، بسیاری از این کودکان بعد از استقرار در کشور میزبان و مواجه با واقعیات فرایند پیچیده قانونی و دشوار پناهجویی رویه درون گریانه ای را در پیش گرفته و از وضعیت سخت خود، اطلاعی به خانواده در کشور مبدا نمی دهند که این مسئله منجر به تشدید حس انزوا، فشارهای روحی و روانی و افسردگی و پرخاش در میان این کودکان می گردد (سعیدی^۱ ۱۳۹۵). این افراد هم چنین مجموعه مشترکی از مشکلات از جمله بازداشت در مسیر و اجبار به زیستن در "مراکز مراقبتی"^۳ در کنار بزرگسالان و در نتیجه مواجهه با خشونت های کلامی و جنسی، مورد شکنجه قرار گرفتن توسط "آدم پران"^۴، عدم دسترسی مناسب به غذا و آب و هم چنین سختی مسیر را بیان داشته اند. فرایند ادغام اجتماعی و فرهنگی برای همه مهاجران از جمله تجربه های پر چالش بوده است و این مسئله برای کودکان بدون همراه با توجه به ضعف زبان، نداشتن مدرک تحصیلی و آموزشی مناسب، پایین بودن مهارت های حرفه ای، و نداشتن حمایت مالی و عاطفی از سمت والدین و دوستان باعث تشدید بحران های روحی، جسمی و اجتماعی می گردد.

۳. الگوی مادر عامل

مهاجرت، همانند هر فرایند اجتماعی دیگر، یک فرایند جنسیتی است و امروزه افزایش کمی و کیفی حضور زنان در عرصه مهاجرت به موضوع زنانه شدن مهاجرت و جایابی انجامیده است. یعنی زنان دیگر صرفا مهاجران تبعی نیستند بلکه خود دارای نقشی فعال و مستقل در این عرصه هستند. الگوهای سنتی مهاجرت بیشتر مردگزين بوده و زنان در بیشتر موارد مهاجران تبعی و پيرو همسر یا پدر خود بوده اند. این الگو در سالهای اخیر با تغییر مواجه شده است و با افزایش عاملیت^۱ زنان به تدریج از تابعان مهاجرت به عاملان مهاجرت مبدل شده اند. افزایش تحرک مکانی زنان در سال های اخیر از زوایای مختلفی مورد مطالعه قرار گرفته است (سیفی^۱ ۱۳۹۶، بوید^۱ ۲۰۰۶، سعیدی^۱ ۲۰۱۸). میزان مهاجرت زنان از ۴۶٫۷ درصد در سال ۱۹۶۰ به ۴۹٫۶ درصد در سال ۲۰۱۳ افزایش یافته که به «زنانه شدن مهاجرت»^۲ انجامیده است. افزایش سطح تحصیلات، افزایش میزان استقلال زنان و نقش آنها در ساختار خانواده به افزایش مهاجرت زنان به صورت انفرادی انجامیده است.



مهاجرت "مادران تنها" در سالهای اخیر به عنوان یکی از مسایل چالش برانگیز در عرصه مطالعات پناهندگان قلمداد می گردد. در سال های اخیر روند جدید از مهاجرت غیرمترعارف در میان مادران در حال شکل گیریست. در نتیجه آشنایی بیشتر زنان به فضای مجازی، افزایش دسترسی به اطلاعات، گسترش شبکه های اجتماعی، زنان در مسیر پر خطر پناهجویی به اقصی نقاط جهان گسیل میگردند که این مسیله خطرات، جانی، مالی، روحی و جسمی دراز مدتی را در زندگی این افراد می گذارد. در این دسته بندی، مادران در مواجهه با آگاهی های جدید در نتیجه ارتباط با اینترنت و آشنا شدن با دنیای جدید، از ابزار های جدید فضای مجازی استفاده کرده و در صدد مهاجرت غیرمترعارف می گردند. همچنین در موارد متعددی با توجه به بالاتر بودن سرعت و مهارت فرزندان در کسب داده از فضای مجازی و اینترنت، مادران از فرزندان خود در جهت به دست آوردن اطلاعات استفاده می نمودند. این افراد خود به عنوان پناهجو از طریق بهره گیری از شبکه های مجازی راهی مسیر مهاجرت شده و با این امید که بعد از دریافت حق پناهندگی در کشورهای مقصد فرزندان خود را به کشور جدید بیاورند. یکی از مهمترین نتایج محتمل در این گروه، افزایش نرخ طلاق در میان زوجین بوده چرا که این مسئله یک چالش بنیادین برای بافت سنتی حاکم بر خانواده ایرانی است. این الگوی کنش اگرچه در مراحل ابتدائی و کم دامنه می باشد اما باید به عنوان یک مسئله جدید اجتماعی مورد توجه قرار گیرد تا به آسیب تبدیل نگردد. از سوی دیگر آسیب ها و مخاطرات مسیر، در قبال مادران تنها نیز منجر به تاثیرات دراز مدت بر جسم و روح آنها می گردد، جدایی از فرزندان و شبکه های خویشاوندی، مواجه شدن با فشارهای جسمی و روحی مواجه با قاچاقبران انسان و ندانستن زبان کشورهای ترانزیت و مقصد درجه بالایی از افسردگی، نشانه های ناهنجاری های استرسی بعد از بحران (پی تی اس دی) و خشونت های جنسی و تمایل به خودکشی در میان این قشر را نسبت به سایر گروه های مهاجران و پناهجویان به صورت تصاعدی افزایش می دهد. آسیب های جسمی و روانی متعدد و افزایش موارد تن فروشی به علت تامین حداقل معاش در طول مسیر تاثیرات فراوانی بر هویت زانی که به صورت غیرمترعارف درصدد مهاجرت هستند می گذارد.

در نتیجه طولانی بودن روند بررسی پرونده های پناهجویی در کشورهای ترانزیت مانند ترکیه و یونان بین یک ماه تا چندین سال طول میکشد که به مقصد اصلی و قول داده شده برسند که با توجه به عدم دسترسی به آموزش و فرصت های کاری مناسب آسیب های حدی متوجه زنان پناهجو می باشد. آزارهای جنسی توسط قاچاقبران و یا سایر پناهجویان، تغییر مقصد توافق شده (کونز) (۱۹۸۱)، مشکلات مالی در طول مسیر و رها شدن در نیمه راه توسط قاچاقبران، راه های صعب عبور، وضعیت فرزندان جامانده^۱ در کشور مبدا از جمله مهمترین چالش های زنان این دسته می باشد.

نتیجه گیری

بررسی میدانی مورد مطالعه، نشان می دهد که فضای مجازی از طریق شبکه های مختلف در میان افراد خانواده تاثیرات عمیقی در ابعاد مختلف می گذارند و نقشی مهم در فرایند تصمیم گیری جوانان به مهاجرت های غیرمترعارف دارند. شبکه های اجتماعی مجازی زمینه ساز نگرشی نوین در تعامل و ارتباطات انسانی شده اند و با از بین بردن فاصله های زمانی و مکانی ارتباط افراد را در تمام نقاط دنیا برقرار ساخته اند. ارتباطات در فضای مجازی با هویت های مجازی و ساختگی یکی از مهمترین دلایل محبوبیت آن در نزد افرادیست که به دنبال تامین غیرقانونی منافع خود هستند.

والدین با تاکید بر مادران، واکنش های مختلفی در قبال ورود حضور مستقیم و غیرمستقیم رسانه های مجازی در کانون خانواده دارند که بر مبنای مصاحبه های صورت گرفته در این پژوهش سه الگوی کنترل گرانه، تشویقی و عامل استخراج گردید. ایده کنترل فضای مجازی به عنوان یک رویکرد غالب در میان و برخی از والدین رایج بوده، کنترلی که نوک پیکانش را به سمت خود فضای مجازی و نه محتوای درون آن گرفته است و تاکیدش بر میزان استفاده کمی از این فضاست. با افزایش آگاهی جمعی نسبت به تبعات مهاجرت های غیرمترعارف و رهسپار شدن نوجوانان و جوانان با باندهای قاچاق انسان به سمت مرزهای غربی کشور، به نوعی به افزایش سطح سواد رسانه ای والدین گام بر خواهیم داشت. نظارت و کنترل گری کیفی مادران در قبال فضای مجازی تنها از طریق افزایش اطلاعات والدین نسبت به مخاطرات مهاجرت های غیرمترعارف امکان پذیر می باشد که به نوعی نقش واکنش پذیر فرزندان را در قبال داده های بعضا نادرست رسانه های مجازی دارد. اطلاع



دومین همایش ملی جایگاه و نقش مادر

2nd National Conference on the Status and the Role of Mother

از چالش‌های مسیر برای کودکان و زنان بدون همراه، آگاهی از سخت‌گیری‌های حقوقی و مرزی در میان کشورهای ترانزیت و مقصد، هزینه‌های مالی و جانی در مسیر، تغییر مقصد توسط باندهای قاچاق، طولانی بودن روند بررسی پرونده‌های پناهندگی از جمله نکاتی است که باید در سطح رسانه‌های جمعی داخل کشور مورد توجه قرار گیرد و در میان خانواده‌ها بازپخش شود تا بهشت موعودی که توسط فضای مجازی در این موضوع در ذهن جوانان ساخته شده است شکسته شده و به واقعیت نزدیک شود. در این راستا فعالیت‌های آگاه‌کننده و اطلاع‌رسانی و انتشار مطالب مکتوب با زبان غیر فنی و قابل فهم برای توده جامعه از طریق سازمان‌های مردم‌نهاد، مراکز دانشگاهی، رسانه‌های جمعی و مدارس می‌تواند بخش بزرگی از افراد با پتانسیل حرکت به سمت مهاجرت‌های غیرمتراراف را نسبت به تصمیم پرخطرشان آگاه نماید.



تحلیل محتوای بازنمایی تصویر مادر در کتاب های هدیه آسمان و فارسی پایه اول تا ششم ابتدایی

کیمیا مهدیخانی؛ دانشجوی کارشناسی دانشگاه پردیس ایت اله کمالوند

kimiamkh96@gmail.com

چکیده

هدف پژوهش حاضر بررسی و تحلیل میزان توجه به مادر، نقش او، ویژگیها و نحوه ی برخورد با او در کتابهای درسی دوره ی ابتدایی است. روش پژوهش از نوع توصیفی- تحلیلی بوده که با استفاده از تکنیک های مشاهده و مطالعات کتابخانه ای تصاویر و متن صورت گرفته است. جامعه پژوهش، کتابهای هدیه آسمان و فارسی پایه اول تا ششم ابتدایی در سال ۹۵ با مجموعاً ۱۱ جلد می باشند. بررسی ها نشانگر این است که در پایه های اول تا سوم به تعداد دفعات بیشتر و به تفصیل بیشتر به مادر پرداخته شده است. درحالی که در پایه های بالاتر این موضوع کم رنگ و کم رنگ تر شده تا جایی که در کتاب های فارسی پنجم و ششم تنها ۱ مرتبه و بسیار مختصر به مادر توجه شده است. مادر و اهمیت او باید در تمام مراحل زندگی به ویژه دوره ی ابتدایی و برای دانش آموزان نمایانده شود و این قضیه مختص به دانش آموزان پایه های پایین تر نیست. کلمات کلیدی: تحلیل محتوا، مادر، هدیه آسمان، فارسی، اول، ششم

مقدمه

مادر در لغت به معنای مام،والده و زن فرزند دار آورده شده است که به آن الفاظ "مادر"، "مار"، "ماما" هم اطلاق می شود،ولی در اصطلاح مادر کسی است که پرورش فرزندان را در دوران بارداری و پس از آن بر عهده دارد و در انجام این وظیفه ،بدون هیچ چشم داشت مادی یا معنوی کوشاست .

اولین مدرسه انسان، کانون «خانواده» و اولین آموزگار و مربی و پرورش دهنده «مادر» است. خانواده به معنای محدود آن عبارت است از یک واحد اجتماعی ناشی از ازدواج یک زن و مرد که فرزندان آن را تکمیل می کنند ،که در تحلیل جایگاه خانوادا مادر نقش اول را داراست.او به طور فطری و طبیعی و بر اساس سرشت الهی خود در اوج عشق و علاقه و با میل و شوق تمام و در حالی که زیباترین جلوه های ایثار و فداکاری، رأفت و شفقت، مهربندی و محبت، رنج و مشقت و تلاش و کوشش مدام و وقفه ناپذیر در مراحل مختلف رشد و پرورش فرزند را به تجلی می آورد، بهشت سالم و جامع کودکان و نوجوانان را پایه گذاری نماید و به استحکام بنیان های سلامت جامعه اهتمام می ورزد. بی شک مادر از هر جهت مقام ارزشمند و والایی در همه ادیان داشته و دارد و همگان با دید احترام به او می نگرند و به عظمت و بزرگی از وی یاد می کنند ولی اسلام بیش از دیگر ادیان به این مسئله توجه نموده و به مادر عظمت بخشیده است. در قرآن کریم (کلمه ی مادر) به اشکال مختلف به صورت مفرد و جمع مانند «أم» «والدتی»، «أم موسی»، «والدات» و «امهات» و امثال آن فراوان آمده است همچنین مادر و پدر به هیئت آن «والدین» و «آبوی» مکرر در کتاب آسمانی به کار گرفته شده است.

اگر با دقت در این موارد نگاه کنیم، می بینیم که خداوند در هر یک از آیات مورد بحث، با عظمت و بزرگی از مادر یاد کرده و به نوعی از مقام او تمجید نموده است. وحی و الهام مستقیم خدا به مادر موسی، اظهار ارادت و نیکویی عیسی به مادر، بیان زحمات و رنج های مادر در قرآن کریم و همچنین دستور حق تعالی به احسان و نیکی به پدر و مادر، همه گواه بر رفعت جایگاه مادر است. (میرعظیمی، ۱۳۶۹؛ ۲۲۶).

خدای تعالی در سوره های لقمان و احقاف پس از توصیه احسان به والدین، تحول رنج و زحمت های مادر را بیان می کند و می فرماید: حمله أمه كرهاً وضعته كرهاً و حملُهُ و فصاله ثلاثون شهيداً حتى اذا بلغ أشده و بلغ اربعين سنه..... (مادرش او را با ناراحتی حمل می کند و با ناراحتی بر زمین می گذارد و دوران حمل و از شیر باز گرفتنش سی ماه است، تا زمانی که به کمال و رشد برسد و به چهل سالگی بالغ گردد).



(سوره احقاف، ۱۵)، بیان رنج و تلاش مادر با اینکه پدر نیز در اغلب سختی های تربیت فرزند شریک است، خود دلیل بر اهمیت و ارزش مادر و کار اوست. روشن است کسی نزد حق تعالی مقام بالاتری دارد که کار ارزشمندتری انجام دهد. در احادیث هم مقام مادر گرامی داشته شده است. پیامبر اکرم (ص) در تبیین مقام مادر می فرماید «الحججه تحت اقدام الأمهات» (بهشت زیر پای مادران است). این حدیث حاکی از این است که بدون رضایت مادر نمی توان به بهشت و نعمت های بهشتی دست یافت و اگر کسی بخواهد به درجات عالییه جنت و رضوان نایل شود، باید به مادر احترام بگذارد و به او حرمت کند).

مادر در فرهنگ مردم ایران نیز جایگاه رفیعی دارد. پس از پدر، مادر است که کانون گرم خانواده با احساسات و عواطف ظریف مادرانه خود نسبت به فرزندان مسئولیت اداره امور زندگی و پرورش و تربیت فرزندان را عهده دار است و اوست که شادی های زندگی را تنها در شادابی چهره پدر خانواده و فرزندان دلبنده خویش لمس می کند و در مشکلات و دشواری های زندگی بار همه ی اندوه و مصائب را به جان و دل می خرد تا باز هم نقش شادابی را در چهره آنان مجسم نماید.

از آنجا که کتاب درسی، در نظام آموزشی متمرکز ایران از اهمیت ویژه ای برخوردار است* به طوری که اغلب فعالیت های آموزشی-پرورشی در چارچوب کتاب درسی و محتوای آن انجام می شود، گنجاندن محتوای مناسب و مربوط در این زمینه (مادر) می تواند مؤثر واقع گردد.

در محتوای کتاب های فارسی و هدیه آسمانی دوره ی ابتدایی به مفاهیمی همچون بهداشت، دانایی و هوشیاری، وطن دوستی، اصول دین، احکام و سنت به خوبی پرداخته شده است و در همین راستا بررسی هایی نیز بر روی کتب این دوره صورت گرفته است که از جمله ی آنها می توان تحلیل محتوای کتاب های هدیه آسمانی و فارسی مقطع ابتدایی از نظر توجه به مهدویت نوشته ی دکتر محمد امینی، تحلیل محتوای کتاب های درسی دوره ی ابتدایی از منظر توجه به دیگری نوشته ی (بهبود یاری حتی، سید احمد حسینی، صادق صبادی، ۱۳/۱۰/۱۳۹۵) اشاره کرد.

این در حالی است که تا به حال بررسی و تحلیل خاصی روی محتوای کتاب های ابتدایی از منظر توجه به مادر و اهمیت او صورت نگرفته است.

در پژوهش حاضر به دنبال بررسی این موضوع هستیم که:

- در محتوای کتابهای درسی دوره ی ابتدایی (به ویژه کتابهای فارسی و هدیه آسمان) به چه میزان به مادر و اهمیت والای او توجه شده است؟

- آیا این مقدار پرداختن به مادر کفایت می کند؟

روش و یافته ها

بدین منظور کتابهای فارسی و هدیه آسمان پایه های اول تا ششم ابتدایی با روش تحلیل محتوای کمی و رویکردی تحلیلی-اکتشافی مورد بررسی قرار گرفت و در آنها تعداد دفعاتی که به مادر، نقش او، حفظ حرمت او و ... اشاره یا پرداخته شده است، شمرده شد.

شرح ساخته ها به صورت زیر است:

مجموع	فارسی	هدیه آسمان	پایه
۱۳	۱۳	*	اول
۲۸	۱۴	۱۴	دوم
۲۰	۵	۱۵	سوم
۱۴	۴	۱۰	چهارم
۷	۱	۶	پنجم
۶	۱	۵	ششم

تعداد دفعاتی که در کتابهای هدیه آسمان و فارسی هر پایه به مادر اشاره شده



همانطور که در جدول مشاهده می شود، توجه به مادر در کتابهای درسی دوره ی ابتدایی به صورت مکفی، متوازن و یکسان دنبال شده است و در پایه های بالاتر میزان پرداختن به این موضوع روند کاهشی دارد، تا جایی که در کتاب های پایه ششم تنها ۶ مرتبه آن هم به صورت حد جزو سطحی ناشی از مادر برده شده است.

*در مجموعه کتابهای اول ابتدایی کتابی تحت عنوان هدیه آسمان در نظر گرفته نشده است

بحث و نتیجه گیری

ارج و منزلت والایی که در فرهنگ جهان، اسلام و ایران به مادر نهاده شده است که حاکی از اهمیت و جایگاه و نقش اساسی مادر در زندگی و جامعه است، این امر باید از سنین کودکی و به شیوه ی درست برای دانش آموزان درونی شود و یکی از موثرترین راه های آن، گنجاندن این مفهوم در محتوای کتابهای دوره ی ابتدایی است. بررسی ها نشان می دهد که در کتاب های هدیه آسمان دوره ی ابتدایی در مجموع ۵۰ مرتبه و در کتابهای فارسی این دوره ۳۸ مرتبه به مادر و جایگاه او توجه شده است، این در حالی است که میزان توجه به مادر در دوره ی دوم (پایه ی چهارم تا ششم دبستان) بسیار کمتر از دوره ی اول (پایه اول تا سوم) بوده و سیر نزولی دارد.

بدین منظور پیشنهاد می شود که چه در کتابهای هدیه آسمانی و چه در کتابهای فارسی محتوای بیشتری در ارتباط با مادر گنجانده شود مثلاً می توان از آیات، احادیث، اشعار و داستانهای مختلفی که به بیان ویژگی های مادر و منزلت او و نحوه ی رفتار با او می پردازند استفاده کرد. و یا اینکه دروسی را به مادر تخصیص داد. مادر در اشعار شاعران ایرانی بازتاب وسیعی یافته است. هر چند بیشتر شاعران ابیاتی در مقام مادر دارند، اما در میان شاعران معاصر «ایرج میرزا» بیشترین و زیباترین اشعار را در مورد مادر سروده است: «پسر ارج و قدر مادر دان که دائم، کشد رنج پسر بیچاره مادر، برد بیش از پدر خواهش که خواهد، تو را بیش از پدر بیچاره مادر و ...» علاوه بر آن در شاهنامه و رامایانا مادر نیز جایگاه ویژه ای دارد که می توان از این منابع بهره جست.



منابع

- قران کریم
- جعفری هرنندی، رضا، بررسی محتوای کتابهای درسی دوره آموزش عمومی، اصفهان، شورای تحقیقات سازمان آموزش و پرورش،
- صافی، احمد، سازمان و اداره امور مدارس، تهران، انتشارات رشد، ۱۳۸۸ ش
- کتابهای فارسی اول تا ششم ابتدایی چاپ ۹۵
- کتابهای هدیه آسمانی اول تا ششم ابتدایی چاپ ۹۵
- خلعتبری کیمیایی، مصطفی، جایگاه مادر در فرهنگ عامه، فرهنگ شماره ۱۴



نقش سابقه‌ی زایمان در عاطفه مثبت، عاطفه منفی و رضایت از زندگی مادران باردار

سیده فاطمه موسوی؛ دانشیار گروه روان‌شناسی پژوهشکده زنان، دانشگاه الزهراء(س)

f.mousavi@alzahra.ac.ir

چکیده

مطالعه حاضر با هدف بررسی نقش تجربه‌ی زایمان قبلی در عاطفه مثبت، عاطفه منفی و رضایت از زندگی مادران باردار مراجعه‌کننده به بیمارستان‌های شهر تهران انجام شد. روش پژوهش توصیفی و از نوع علی-مقایسه‌ای است. بدین منظور ۱۷۵ نفر از مادران باردار مراجعه‌کننده به بیمارستان‌های شهر تهران به روش نمونه‌گیری در دسترس انتخاب شده و به پرسشنامه‌های عاطفه مثبت، عاطفه منفی واتسون و همکاران (۱۹۸۸) و مقیاس رضایت از زندگی داینر و همکاران (۱۹۸۵) پاسخ دادند. مقایسه میانگین‌های دو گروه با استفاده از آزمون t گروه‌های مستقل نشان داد که مادران باردار با تجربه‌ی قبلی زایمان با مادران باردار بدون سابقه‌ی زایمان از حیث عاطفه مثبت و عاطفه منفی با یکدیگر تفاوت معنادار و از حیث میانگین رضایت از زندگی تفاوتی با یکدیگر ندارند. مادران باردار دارای سابقه‌ی قبلی زایمان، از عاطفه منفی پایین‌تر و عاطفه مثبت بالاتری نسبت به مادران باردار بدون سابقه‌ی زایمان برخوردار بودند. تجربه‌ی بارداری قبلی در مادران و آشنایی با فرآیند این دوره پر مخاطره می‌تواند عواطف منفی و نگرانی‌های ناشی از گذران این دوره را کاهش داده و عواطف و پیامدهای مثبت را در مادران به همراه داشته باشد.

واژه‌های کلیدی: عاطفه مثبت، عاطفه منفی، رضایت از زندگی، سابقه‌ی زایمان

مقدمه

دوران بارداری یکی از شادترین و مهیج‌ترین دوران زندگی زوجین محسوب می‌شود. بدن مادر در این دوران مشغول انجام وظیفه خطیری است. تغییرات هورمونی رخ داده در این زمان، موجب دگرگونی‌های زیست‌شناختی و روان‌شناسی قابل‌ملاحظه‌ای در سازگاری با بارداری شده و به شکل مثبت یا منفی بر خلق مادر اثر می‌گذارد. حساسیت عاطفی، ناخرسندی، کج خلقی و بی‌حوصلگی می‌تواند نشانه‌هایی از تغییرات هورمونی باشد که مستلزم درک و کنار آمدن اطرافیان با آن شرایط است، از این رو، این دوران با تمام شور و اشتیاقی که برای مادر دارد، برای اکثر زنان تنش‌زاست (خرسندی، وکیلان و نصیرزاده ماسوله، ۱۳۹۳). مادرانی که بارداری را با ترس و اضطراب نسبت به زایمان سپری می‌کنند، احتیاج به حمایت ویژه دارند، به‌گونه‌ای که نوع و روند زایمان آن‌ها متأثر از تمایل‌شان برای نوع زایمان است (مرکز هسین‌برگ، ۱۹۹۸). در مطالعه‌ی سایستو، سالما-آرو، نورمی و هالمسمکی^۱ (۲۰۰۱) رابطه‌ی بین روان‌رنجورخویی، افسردگی، عزت نفس پایین، نارضایتی زناشویی و فقدان حمایت اجتماعی با خلق منفی حین بارداری تأیید شد.

ارزیابی فرد از زندگی مشتمل بر خشنودی یا عاطفه خوشایند، رضایت از زندگی و فقدان عاطفه ناخوشایند و یا به عبارتی واکنش‌های هیجانی وی به رویدادها، خلق و روحیه خود و قضاوتی است که وی درباره‌ی رضایت از زندگی، تحقق خود و نیز رضایت از حیطه‌هایی چون ازدواج و شغل دارد (داینر، لوکاس و اویشی^۱، ۲۰۰۲)، مفهومی که بر ابعاد بهزیستی ذهنی دلالت دارد. این ابعاد عبارتند از: الف) رضایت از زندگی؛ به عنوان بخش شناختی و مبتنی بر نگرش‌ها و باورهای ارزیابانه فرد درباره زندگی خود است. ب) عاطفه مثبت: بخش هیجانی مشتمل بر میزان احساسات خوشایند تجربه‌شده فرد در زندگی است و ج) عاطفه منفی: بخش هیجانی مشتمل بر میزان احساسات ناخوشایند تجربه‌شده فرد در زندگی است (داینر، ۱۹۸۴). نظریه‌های روان‌شناختی در این حوزه را می‌توان براساس تأکید بر اثرات پایین به بالا (بیرونی



یا موقعیتی) یا اثرات بالا به پایین (ویژگی‌ها و فرایندهای درونی) از یکدیگر متمایز کرد. در رویکرد بالا به پایین، بهزیستی محصول صفات درونی و فرایندهای روان‌شناختی، از قبیل حالات خلقی، اهداف، سبک‌های مقابله‌ای و فرایندهای انطباقی (داینر، سو، لوکاس و اسمیت، ۱۹۹۹) و مشتمل بر سه مؤلفه مجزا و در عین حال مرتبط با یکدیگر حضور نسبی هیجانات مثبت، فقدان و عدم حضور هیجانات منفی و رضایت‌مندی از زندگی است (شاهپوندی و میردریکوند، ۱۳۹۳). عاطفه مثبت نشان می‌دهد که یک شخص تا چه میزان شور و شوق به زندگی و احساس فاعلیت و هوشیاری دارد. عاطفه منفی حاکی از ناراحتی درونی و اشتغال ناخوشایند و حالات خلقی ناخوشایندی چون خشم، نفرت، بی‌زاری، گناه، ترس و عصبیت است. پژوهش‌ها نشان داده‌اند افراد در شرایط درد مزمن، در مقایسه با افرادی که از دردهای مزمن رنج نمی‌برند، خلق منفی بیش‌تری چون افسردگی، اضطراب و ترس را تجربه کرده و متعاقباً حساسیت بیش‌تری نسبت به محرک‌های دردآور از خود نشان می‌دهند. طبق یافته‌های مطالعات پیشین، میزان بالای اضطراب قبل از زایمان پیش‌بینی‌کننده قوی برای افسردگی پس از زایمان است. در این پژوهش‌ها، به ارزش‌های فرامادی، به خصوص داشتن عاطفه مثبت و سرزندگی در افراد توجه شده است (دلاورقوام و علیزاده-گورادل، ۱۳۹۳).

مطالعات نشان می‌دهد افراد دارای ویژگی‌های مثبت گویای بهزیستی روانی در مقایسه با گروهی که فاقد بهزیستی روانشناختی‌اند از آسیب‌های روانی مثل استرس و ترس و... بیش‌تر فاصله می‌گیرند، به طور عمده‌ای هیجانات مثبت را تجربه کرده، ارزیابی مثبتی از حوادث و وقایع پیرامون خود داشته، هیجانات منفی نظیر اضطراب، افسردگی و خشم را کمتر تجربه کرده (مایرز و داینر، ۱۹۹۵؛ به نقل از شاهپوندی و میردریکوند، ۱۳۹۳) و بنابراین، شرایط بحرانی چون زایمان را بهتر مدیریت می‌کنند (صادقی، ۱۳۸۸). ترس از ناشناخته‌ها، تمایل به بی‌دردی، آرامش جسمی و روانی، ویژگی‌های شخصیتی مادر، زمینه‌ی ژنتیکی که فرد را در مقابل تنش آسیب‌پذیر می‌کند، تجارب نامطلوب و تشویق دیگران، نگرانی از عوارض نامطلوب برای مادر، احساس مرگ و تنهایی، نگرانی در مورد سلامت نوزاد و فقدان حمایت‌های اجتماعی کافی همگی از عوامل روان‌شناختی و اجتماعی موثر در مادران باردار برای برخورداری از عاطفه مثبت و گذراندن سیر طبیعی بارداری و در نهایت گرایش مادر به زایمان طبیعی به جای ترجیح سزارین است (اخلاقی، مخبر، شاکری و شمس، ۱۳۹۱). مادرانی که در دوران بارداری از خلق منفی برخوردارند، پس از زایمان در معرض خطر بی‌تعادلی هیجانی قرار می‌گیرند، این حالات عاطفی و اضطراب با تأثیر بر دستگاه عصبی مادر سبب آزادشدن برخی موادشیمیایی مثل استیل‌کولین و اپی‌نفرین و انتقال به جنین، افزایش حرکات جنین و اثرات سوء بر خلق وی در آینده می‌شود. مزمن شدن فشار و اضطراب مادر، حرکات جنین را شدت داده موجب سقط جنین یا تولد زودتر از موعد با عوارضی چون کم‌خونی، بیش‌فعالی، تحریک‌پذیری زیاد، الگوهای غیرطبیعی در ضربان قلب جنین، نمره آپگار پایین، افزایش مرگ و میر حوالی تولد و همچنین تولد نوزاد با وزن کم، به دنبال افزایش مقاومت شریان رحمی در اثر اضطراب مادر است (اخلاقی، مخبر، شاکری و شمس، ۱۳۹۱). مطالعات نشان می‌دهد زنانی که برای بار اول بارداری را تجربه می‌کنند به دلیل نداشتن تجربه قبلی، سطح بالاتری از اضطراب، ترس از درد و سطح تحمل پایین درد، فقدان حمایت اجتماعی یا نارضایتی زناشویی، ترس از پیامدهای جسمانی زایمان، ترس از مرگ حین زایمان، از دست‌دادن کنترل و یا ترس از ابراز رفتارهای احمقانه در طول عمل زایمان را تجربه می‌کنند. سطح متوسط تا شدید این نوع ترس، با برخی اختلالات اضطرابی از قبیل هراس مرتبط است. این تحقیقات نشان دادند که داشتن خلق منفی با گرایش مادران به سزارین و اجتناب از زایمان طبیعی رابطه مستقیم دارد (سایستو و همکاران، ۲۰۰۱؛ نصیری و شریفی، ۱۳۹۲؛ اخلاقی و همکاران، ۱۳۹۱). نتایج پژوهش خرسندی و همکاران (۱۳۸۷) نیز گویای اهمیت آموزش مهارت‌های آرامش‌آموزش در کاهش ترس‌ها و اضطراب‌های پیش از بارداری در زنان نخست‌زا و افزایش احتمال زایمان طبیعی در زایمان‌های بعدی است. یا توجه به آنچه گفته شد مطالعه حاضر با هدف بررسی نقش تجربه زایمان در عاطفه مثبت، عاطفه منفی و رضایت از زندگی مادران باردار مراجعه‌کننده به درمانگاه‌های شهر تهران در پی پاسخ‌گویی به این پرسش است که بین دو گروه بدون سابقه زایمان و با تجربه زایمان قبلی از حیث میزان عاطفه مثبت، منفی و رضایت از زندگی تفاوت معناداری وجود دارد؟



روش پژوهش از نوع علی-مقایسه‌ای (پس رویدادی) است که در آن تجربه زایمان قبلی به عنوان متغیر مستقل و متغیرهای عاطفه مثبت، عاطفه منفی و رضایت از زندگی متغیرهای وابسته محسوب می‌شود. جامعه آماری پژوهش کلیه مادران باردار مراجعه‌کننده به بیمارستان‌های شهر تهران بودند که تعداد ۱۷۵ نفر به روش نمونه‌گیری دردسترس از مراجعه‌کنندگان به چند بیمارستان دولتی واقع در مناطق ۱۱ و ۱۶ تهران با میانگین سنی ۲۹/۵۹ و انحراف استاندارد ۶/۲۴، میانگین سن ازدواج ۲۲/۵۱ و انحراف استاندارد ۴/۱۵ و میانگین طول مدت ازدواج ۶/۹۷ و انحراف استاندارد ۵/۷۴ انتخاب شدند.

ابزار سنجش

ابزارهای پژوهش عبارتند از:

الف) مقیاس عاطفه مثبت و منفی^۱ با ۲۰ گویه است که توسط واتسون، کلارک و تلگن^۱ (۱۹۸۸) برای ارزیابی دو بُعد عاطفه مثبت و عاطفه منفی در طیف لیکرت ۵ درجه‌ای (بسیار کم تا بسیار زیاد) ساخته شده است. دامنه نمرات برای هر بعد بین ۵۰-۱۰ است، ضرایب پایایی آن برای عاطفه مثبت، ۰/۸۸ و عاطفه منفی، ۰/۸۷ گزارش شده است. در پژوهش حاضر ضریب پایایی آن با استفاده از آلفای کرونباخ برای عاطفه مثبت و عاطفه منفی به ترتیب ۰/۹۳ و ۰/۷۱ محاسبه شده است.

ب) مقیاس رضایت از زندگی^۱ که با هدف اندازه‌گیری سطح رضایت از زندگی کلی افراد در ۵ سوال با طیف لیکرت ۷ درجه‌ای (کاملاً موافقم تا کاملاً مخالفم) ساخته شده است. ضرایب پایایی همسانی درونی و بازآزمایی مقیاس در بین دانشجویان به ترتیب ۰/۸۷ و ۰/۸۲ گزارش شده است (داینر، امونس، لارسن و گریفین^۱، ۱۹۸۵). در پژوهش حاضر، پایایی مقیاس با استفاده از آلفای کرونباخ ۰/۷۳ بدست آمد.

شرکت‌کنندگان داوطلبانه و با اطلاع از محرمانه‌بودن پاسخ‌ها به سؤال‌های پرسشنامه پاسخ دادند، داده‌های به‌دست آمده با استفاده از آزمون t مستقل با نرم‌افزار SPSS۲۰ مورد تحلیل قرار گرفت.

یافته‌ها

جدول ۱: میانگین دو گروه با تجربه زایمان قبلی و بدون تجربه در عاطفه مثبت، عاطفه منفی و رضایت از زندگی

متغیرها	بدون تجربه زایمان			با تجربه زایمان			کل	
	N	SD	M	N	SD	M	N	SD
عاطفه منفی	۶۵	۷/۱۹	۲۵/۶۵	۱۰۳	۶/۱۸	۲۳/۲۲	۱۶۸	۶/۷۰
عاطفه مثبت	۶۷	۸/۰۷	۳۳/۷۵	۱۰۶	۹/۳۳	۴۱/۳۲	۱۷۳	۹/۴۲
رضایت از زندگی	۶۵	۶/۹۱	۲۴/۴۱	۱۰۷	۷/۷۴	۲۴/۷۷	۱۷۲	۵/۱۶

جدول ۱ میانگین و انحراف استاندارد دو گروه از مادران باردار با سابقه و بدون سابقه زایمان قبلی را نشان می‌دهد. برای بررسی معنی‌داری تفاوت بین دو گروه از آزمون t مستقل در جدول ۲ استفاده شده است.

جدول ۲: تفاوت مادران با تجربه زایمان قبلی و بدون تجربه در عاطفه مثبت، عاطفه منفی و رضایت از زندگی

متغیرها	T	df	p
عاطفه منفی	-۲/۳۴	۱۶۶	۰/۰۲
عاطفه مثبت	۶/۱۸	۱۷۱	۰/۰۰۰
رضایت از زندگی	۰/۸۷	۱۷۰	۰/۳۸

مقدار t بدست آمده در جدول ۲ نشان می دهد که مادران باردار با تجربه قبلی زایمان با مادران باردار بدون سابقه زایمان از حیث عاطفه منفی $[t(۱۶۶) = -۲/۳۴, P < ۰/۰۲]$ و عاطفه مثبت $[t(۱۷۱) = ۶/۱۸, P < ۰/۰۰۰]$ تفاوت معناداری با یکدیگر دارند، در حالی که دو گروه از حیث میزان رضایت از زندگی تفاوت معناداری با یکدیگر ندارند. مقایسه میانگین های دو گروه در جدول ۱ نشان می دهد که مادران باردار دارای سابقه قبلی زایمان از عاطفه منفی پایین تر و عاطفه مثبت بالاتری نسبت به مادران باردار بدون سابقه زایمان برخوردارند.

بحث و نتیجه گیری

پژوهش حاضر با هدف بررسی نقش سابقه زایمان در عاطفه مثبت، عاطفه منفی و رضایت از زندگی مادران باردار مراجعه کننده به درمانگاه های دولتی شهر تهران صورت گرفت. در پاسخ به سوال پژوهش، یافته ها نشان داد که مادران باردار با سابقه قبلی زایمان از عاطفه منفی پایین تر و عاطفه مثبت بالاتری نسبت به مادران باردار بدون سابقه زایمان برخوردار بودند و از نظر میانگین رضایت زندگی تفاوت معناداری با هم نداشتند. عاطفه منفی شامل افکار و احساسات منفی نسبت به شرایط فعلی فرد و آنچه ممکن است در آینده اتفاق بیافتد است که درجه و میزان شدت آن در افراد در دوران بارداری و پس از آن متفاوت است و حالاتی چون افسردگی، اضطراب، ترس، ناامیدی و ... را شامل می شود. ۱۰ تا ۱۵ درصد مادران در دوران بارداری دچار افسردگی می شوند که عامل پیش بین افسردگی پس از زایمان نیز به شمار رفته، همراه با پیامدهای ضعیف مادری و جنینی است. خلق منفی در دوران بارداری موجب پیامدهای منفی و عملکرد ضعیف در مادر شده، زایمان زودرس را به میزان ۳ برابر افزایش می دهد، در اواخر دوران بارداری همراه با افزایش میزان بی حسی اپی دورال، زایمان های بامداخله جراحی و سزارین می شود. افزایش خلق منفی در زمان بارداری مادران را در معرض خطر زیادی، از رنجش جزئی تا اختلالات احساسی شدید قرار می دهد. از این رو، داشتن عاطفه مثبت به آنان در سپری کردن دوران بارداری سالم کمک نموده و بعد از زایمان نیز پیش بینی کننده بهزیستی در آن هاست. در مادرانی که بارداری های متعددی را تجربه کرده اند داشتن تصویری واقعی از زایمان و حوادث پس از آن، در کاهش خلق منفی نسبت به زایمان و احساس مثبت به تجربه مجدد تولد فرزند یاری دهنده است، به عکس در مادرانی که برای بار اول بارداری را تجربه می کنند، ترس از ازدست دادن کنترل حین زایمان، اضطراب ناشی از تردید در توانایی سپری کردن بارداری به سلامت، دغدغه های فکری مربوط به سلامت جنین و.. می تواند خود موجبات افسردگی و ناکامی در مادران را فراهم نماید. این نتایج با یافته های مطالعات رایدن، وایرفلت، وانگبرگ، اسجوگرم و ادمان^۱ (۲۰۰۷) و خرسندی و همکاران (۱۳۸۷) همسوست. این مطالعات نشان دادند که تجربه قبلی زایمان قادر است هیجانات و عواطف منفی را در مادران باردار پیش گویی کند و انجام مداخلاتی برای کاهش اضطراب و خلق منفی قادر است آمادگی آن ها را برای زایمان طبیعی افزایش دهد. یافته های تیتالی، هانتر، دیبی و هیوود^۱ (۲۰۱۰)، موراون (۲۰۰۸)، لودریک (۲۰۰۳) و مصطفی زاده، مشعوفی و رستم نژاد (۱۳۸۳) نشان داد عاطفه مثبت یا به طور کلی نداشتن خلق منفی پیامدهای خوشایند و مثبتی برای مادران به دنبال دارد.

در عدم معناداری تفاوت این دو گروه در میانگین رضایت از زندگی، باید گفت رضایت از زندگی مفهومی گسترده مشتمل بر نگرش فرد نسبت به گستره زندگی با ابعاد مختلف رضایت زناشویی، رضایت از حیطة شغلی، رضایت از زمان سپری شده در امور اداره منزل، رضایت از فرزندپروری و... است. از این رو، چنین نگرشی که حاکی از باورهای شناختی فرد نسبت به ابعاد گوناگون زندگی است، در گستره زمان کم تر دستخوش مسائل به وجود آمده در گذار زندگی فرد می شود. مادران با سابقه زایمان و مادران بدون سابقه زایمان از حیث رضایت از زندگی



دومین همایش ملی جایگاه و نقش مادر

2nd National Conference on the Status and the Role of Mother

تفاوت معناداری نداشتند، چه بسا تفاوت این دو گروه در خلق منفی و عاطف مثبت ناشی از مسائل خاص دوران بارداری و بی تجربگی در زایمان باشد، از آنجایی که رضایت از زندگی می‌تواند متأثر از سای عوامل درون فردی یا بین فردی در ابعاد مختلف زندگی باشد، ناشی از تجربه زایمان تفاوتی معنادار بین دو گروه به وجود نیاورده است.

این پژوهش در جامعه زنان باردار مراجعه کننده به درمانگاه‌های شهر تهران به روش نمونه‌گیری دردسترس انجام گرفته، از این رو، تعمیم‌پذیری نتایج را با محدودیت مواجه می‌سازد، از این رو، پیشنهاد می‌شود تحقیقات آتی با روش کیفی مورد مطالعه قرار گیرد تا چگونگی گذار مادران باردار از دوران بارداری به وضوح ترسیم شود.



منابع

- اخلاقی، فریده؛ مخبر، نغمه؛ شاکری، محمدتقی؛ شمس، فاطمه (۱۳۹۱). رابطه افسردگی، اضطراب، عزت نفس، رضایت زناشویی و عوامل جمعیت‌شناختی با ترس از زایمان در زنان نخست‌زا. *مجله اصول بهداشت روانی*، ۱۴(۲):۱۲۲-۱۳۱.
- خرسندی، محبوبه؛ غفرانی‌پور، فضل‌الله؛ پوروحیدرینیا، علی‌رضا؛ فقیه‌زاده، سقراط؛ وفايي، مریم؛ روستا، فیروزه؛ فرخنده، امین (۱۳۸۷). تاثیر تن‌آرامی بر کاهش ترس و انجام زایمان طبیعی در زنان نخست‌زا. *مجله دانشگاه علوم پزشکی اراک*، ۱۱(۳):۲۹-۳۶.
- خرسندی، محبوبه؛ وکیلان، کتابون؛ نصیرزاده ماسوله، منا (۱۳۹۳). بررسی دلایل و عوامل مرتبط با ترس از زایمان طبیعی در زنان باردار شهر اراک. *دانشگاه علوم پزشکی فسا*، ۴(۲):۱۶۱-۱۶۷.
- دلاورقوام، سیما و عزیززاده گوردل، جابر (۱۳۹۳). نقش باورهای فراشناختی و عاطفه مثبت و منفی در ترس از زایمان زنان باردار نخست‌زا. *پژوهش پرستاری*، ۳(۳۴):۸-۱۰.
- شاهپوندی، هوشیار؛ میردیکوند، فضل‌الله (۱۳۹۳). بررسی رابطه عزت‌نفس و سلامت روانی با بهزیستی روان‌شناختی والدین کودکان عادی و کودکان مرزی ۷-۱۲ ساله در شهرستان نورآباد دلفان. *کنفرانس بین‌المللی علوم انسانی و مطالعات رفتاری*، تهران.
- صادقی، سمیه (۱۳۸۸). بررسی ارتباط خوشبینی با بهزیستی روان‌شناختی و سبک‌های مقابله‌ای در دانشجویان. پایان‌نامه کارشناسی ارشد. دانشگاه آزاد اسلامی.
- مصطفی‌زاده، فریده؛ مشعوفی، مهرناز؛ رستم‌نژاد، معصومه (۱۳۸۳). بررسی نگرش پرسنل بهداشتی و زنان باردار نسبت به دو روش زایمان سزارین و طبیعی در سال ۱۳۸۳ در شهر اردبیل. *مجله علمی پژوهشی دانشگاه علوم پزشکی اردبیل*، ۶(۴):۴۰۸-۴۰۳.
- باردار. *مجله زنان مامایی و نازایی ایران*. ۱۶(۶۶): ۲۵-۱۸. زنان در شخصیتی تپ و زایمان از ترس نصیری، فرزاد و شریفی، شکوفه (۱۳۹۲). ارتباط
- Deiner, E., Lucas, R. E., & Oishi, S. (۲۰۰۲). *Subjective well-being*. *Journal of Clinical Psychology*, ۲۴, ۲۵-۴۱.
- Diener, E. (۱۹۸۴). *Subjective well-being*. *Psychological Bulletin*, ۹۵, ۵۴۲-۵۷۵.
- Diener, E. D., Emmons, R. A., Larsen, R. J., & Griffin, S. (۱۹۸۵). The satisfaction with life scale. *Journal of personality assessment*, ۴۹(۱), ۷۱-۷۵.
- Diener, E., Suh, E. M., Lucas, R. E., & Smith, H. L. (۱۹۹۹). Subjective well-being: Three decades of progress. *Psychological Bulletin*, ۱۲۵, ۲۷۶-۳۰۲.
- Ryding, E. L., Wirfelt, E., WÄNGBORG, I. B., Sjögren, B., & Edman, G. (۲۰۰۷). Personality and fear of childbirth. *Acta obstetrica et gynecologica Scandinavica*, ۸۶(۷), ۸۱۴-۸۲۰.
- Saisto, T., Salmela-Aro, K., Nurmi, J. E., & Halmesmaki, E. (۲۰۰۱). Psychosocial characteristics of women and their partners fearing vaginal childbirth. *BJOG: An International Journal of Obstetrics & Gynaecology*, ۱۰۸(۵), ۴۹۲-۴۹۸.
- Titaley, C. R., Hunter, C. L., Dibley, M. J., & Heywood, P. (۲۰۱۰). Why do some women still prefer traditional birth attendants and home delivery?: a qualitative study on delivery care services in West Java Province, Indonesia. *BMC pregnancy and childbirth*, ۱۰(۱), ۴۳.
- Watson, D., Clark, L. A., & Tellegen, A. (۱۹۸۸). Development and validation of brief measures of positive and negative affect: the PANAS scales. *Journal of personality and social psychology*, ۵۴(۶), ۱۰۶۳.



جایگاه و منزلت مادر از نگاه فقه

حسن فریدی

hasanfariditakmaran@yahoo.com

حدیثه شجاع ثانی

hadiseshojasani@gmail.com

معصومه فرهادی

hasanfariditakmara@yahoo.com

چکیده

مادر نقش بسزایی در تعلیم و تربیت و رشد کودک دارد و وجود وی برای فرزند ضروری و حیاتیست؛ چنانکه عشق و محبت مادر غذای روح کودک است و او سرشار از ترحم و مهربانیست و همین عطفوت وی او را در مقامی قرار داده که آیات و احادیث زیادی به صراحت حق مادر را بیش از پدر دانسته اند و آن را بر پدر مقدم شمرده اند.

خداوند شأن و منزلت مادر را این چنین بیان می کند که رضای مادر رضای من و خشم مادر خشم من است و در چند سوره بعد از توحید و پرستش خود احسان به پدر و مادر را امر می کند. بنابراین با این شناخت از حق و حقوق والدین، انجام وظایفی چون نیکی کردن به پدر و مادر احترام گذاشتن به آنها و جلب رضایت آن بر فرزندان واجب می شود. چراکه با جلب رضایت مادر هدیه های ارزشمندی چون رضایت خداوند، سعادت دنیوی و اخروی و همچنین دعای خیر مادر نصیب فرزند می شود.

قصد داریم در این نوشتار به جایگاه والای مادر از نگاه فقه و شرع مقدس اسلام بپردازیم و نقش مادر در تحکیم بنیان خانواده و توجه اسلام به این جایگاه را تبیین نماییم.

کلیدواژه ها: مادر، والدین، اسلام، منزلت، فرزند

مقدمه

حقوق از ریشه حق به معنی هر کار و سخنی است که برحسب واقع آنطور که واجب است.

حقوق پدر و مادر بر فرزند چیست؟ جایگاه منزلت مادر چگونه است؟ مادر چه نقشی در تربیت و رشد کودک دارد؟ منزلت مادر نزد امام سجاد چگونه است؟ با تکریم والدین به چه چیزهایی دست خواهیم یافت؟

اسلام از حقوق زن در تمام زمینه ها دفاع کرده است و ارزش او را بالا برده است درحالی که در دوران قبل از اسلام که دوران جاهلیت بود چنین نبود و بی رحمانه ترین رفتار را در آن زمان با زنان و دختران داشتند اما اسلام برای زنان ارزش و اهمیت قائل بود و زیباترین و والاترین جایگاه را در نقش مادر به زن عطا کرد. مادر کلمه ایست مقدس که هر کس با شنیدن آن یاد ایثار، فداکاری، لطافت و مهربانی میافتد آنچه مسلم است این که در قبال عشق و محبت و پاکی که مادر نثار فرزند خود می کند انسان از قدردانی وی عاجز و ناتوان است و بی تردید همین ناتوانی انسان در ارج نهادن به ارزش و مقام مادر بود که بهشت را زیرپای مادران قرار داد خداوند در دفاع از حقوق مادران می فرماید برای زنان همانند وظایفی که بر دوش آنهاست حقوق شایسته ای قرار داده شده است چنان که از پیامبر اکرم (ص) مکرر سوال می شد چه کسی بزرگترین حق را بر فرد دارد فرمودند: مادر و سپس پدر. ایشان همیشه حق مادر را بیش از پدر بیان میکردند. امام خمینی (ره) در مورد اهمیت و شرافت مادر فرمودند: حقوق مادر را نمی توان شمرد و نمی توان به حق ادا کرد یک شب نسبت مادر نسبت به فرزندش از سالها عمر پدر متعهد ارزنده تر است بدون تردید مادر یکی از نعمت های گرانبها و بزرگ الهی است که به انسان ها ارزانی شده است مادری که با وجود او انسان همواره در زندگی احساس خوشبختی و آرامش میکند و از برکت دعایش قدمها را بلندافتخار یکی پی از دیگری می پیمایم.

تعریف حقوق



حقوق جمع حق است که حق از ریشه حقیق به معنی هر کار و سختی است که بر حسب واقع آنطور که واجب است و به اندازه هایی که واجب است و در زمانی که واجب است انجام شود (راغب اصفهانی، مفردات الفاظ قرآن، تفسیر لغوی و ادبی ترجمه و تحقیق دکتر سیدغلامرضا خسروی حینی تهران و مرتضوی، ۱۳۵۷).

حقوق پدر و مادر

لا تعبدون آلا الله و بالوالدین احساناً. جز خدای یگانه را عبادت نکنید و به پدر و مادر احسان نمایید (بقره، آیه ۳).

رسول اکرم (صلی الله علیه و آله) می فرمایند: «نیکی و احسان به پدر و مادر از نماز و روزه و حج و عمره و جهاد در راه خدا افضل و برتر و ثوابش بیشتر است (طاهری، ۱۳۷۲، ص ۲۵۹ نقل از جامع السادات، ج ۲، ص ۹۱).

امام صادق می فرمایند: فرزند ۳ وظیفه در قبال پدر و مادر دارند شکرگزاری آنها در همه حال اطاعت آنها در آنچه امر و نهی میکنند غیر از معصیت الهی و خیرخواهی آنها آشکارا و نهان (سپهری، محمد، شرح رساله الحقوق امام سجاده (ع) قم، دارالعلم، ۱۳۷۵). خداوند می فرماید: جز او نپرستید هیچکس را و درباره پدر و مادر نیکویی کنید چنانکه هر دو یا یکی از آنها پیر و سالخورده شدند، به آنها اف نگویند و آنها را از خود مران و با ایشان با اکرام و احترام سخن گو و همیشه بال تواضع و تکریم را با کمال و مهربانی برای آنها بگستران (قرآن کریم، سوره ی بنی اسرائیل، آیات ۲۳ و ۲۴).

امام رضا (علیه السلام) می فرمایند: خداوند عزوجل ... به سپاسگزاری از خود پدر و مادر فرمان داده است پس هر کس که از پدر و مادرش سپاسگزاری نکند، از خداوند سپاسگزاری نکرده است (میزان الحکمه، ج ۱۴، ص ۷۰۹۰، ح ۲۲۶۷۸).

امام ادق (علیه السلام) در مقام والدین فرمودند: هنگامی که یعقوب (علیه السلام) بر یوسف (علیه السلام) وارد شد، عزت پادشاهی موجب شد تا از تخت پایین نیاید و از پدر احترام کند در این هنگام جبرئیل نازل شد و گفت: ای یوسف دستت را باز کن و او هنگامی که دستش را باز کرد نوری از آن خارج شد و بطرف آسمان ها رفت یوسف گفت این چه بود که از دستم برآمد جبرئیل گفت آن نور نبوت بود چون برای یعقوب از تخت پایین نیامدی رفت و از فرزندان تو کسی به نبوت نمی رسد (گنجینه ی معارف، محمد رحمتی، شهرضا، ص ۲۰۱، به نقل از مستدرک الوسائل، ج ۱۵، ص ۱۹۴).

رسول اکرم (ص) می فرمایند: هیاهات هیاهات که بتوانی حق مادرت را ادا کنی هر آینه اگر به اندازه ریگهای بیابان و دامنه های باران به مادر خدمت کنی و از وی قدردانی کنی و بنده وار در پیش او بایستی این همه خدمات تو به اندازه ی زحمات وی در هنگامی که در رحم او بودی و سنگینی تو را تحمل میکرد نخواهد بود (مستدرک الوسائل، ج ۱۵، ص ۴۰).

مقام و منزلت مادر

در حدیثی آمده که جوانی برای شرکت در جهاد (آنجا که جهاد واجب عینی نبود) نزد پیامبر (صلی الله علیه و آله) آمد و حضرت فرمود: آیا مادری داری؟ عرض کرد «آری» فرمود: در خدمت مادرت باش که بهشت زیرپای مادران است (جامع السادات، ج ۲، ص ۱۶۵). مرد نزد رسول خدا آمد و گفت: یا رسول الله هیچ کار زشتی نبوده مگر که کرده ام آیا برای من توبه باشد؟ رسول خدا (صلی الله علیه و آله) فرمودند: آیا پدر و مادرت زنده هستند؟ گفت: پدرن زنده است فرمودند: برو و به او نیکی کن چون مرد روبرگرداند، رسول خدا (ص) فرمود: کاش مادرش زنده بود (میزان الحکمه، ج ۱۴، ص ۷۰۹۶، ح ۲۲۷۰۰).

رسول اکرم می فرمایند: اگر مشغول خواندن نماز مستحبی هستی و پدرت تو را صدا بزند حق نداری نمازت را قطع کنی؛ اما اگر مادرت تو را صدا می زند موظفی نماز مستحبی را شکسته و او را اجابت کنی (سیری در رساله امام سجاده (ع)، ج ۲، ص ۲۰۶ به نقل از مستدرک الوسائل).

اویس قرن شتربانی بود که مادر پیر و نایبانی داشت و او از راه شتربانی مخارج مادر را می پرداخت واز وی نگهداری و به او خدمت می کرد او علاقه زیادی به پیامبر داشت و همیشه آرزوی دیدارش را می کرد روزی از مادرش اجازه گرفت تا به مدینه برود و پیامبر را زیارت نماید و مادرش هم نصف روز را به اویس اجازه داد او راهی مدینه شد ولی هنگامی که به منزل پیامبر رسید ایشان حضور نداشتند اویس بسیار ناراحت شد و چون فرصت نداشت راهی یمن شد و پس از مدتی پیامبر به خانه بازگشتند فرمودند: آیا کسی اینجا بوده گفتند بله شتربانی از یمن به



نام اویس فرمودند: آری این نور اویس است که در خانه ما به یادگار گذاشته است و سپس فرمودند: نسیم بهشت از سوی منطقه قرن می وزد آه! چه قدر به دیدار تو مشتاقم ای اولین قرنی هر کس او را دید سلام مرا به او برساند (بحارالانوار، ج ۷۱، ص ۷۲).

آری اینست پاداش مؤمنانی که در خدمت والدین باشند چراکه با محبت و نیکی به آنها می توان به درجاتی والا از انسانیت، شرافت و بندگی خدا نائل شد چراکه خداوند می فرماید رضای من در رضای مادر است.

حقوق و منزلت مادر در نزد امام سجاد (علیه السلام)

امام سجاد (علیه السلام) می فرمایند: حق مادرت این است که بدانی او به گونه ای تو را حمل کرده است که هیچ کس چنین لطفی به دیگری نمی کند و او تو را حفظ و نگهداری کند و بیم آنداشته که خود گرسنه باشد و تو را سیر سازد و خود تشنه باشد و تو را سیراب سازد و خود برهنه باشد و تو را بپوشاند و خود در معرض تابش شدید آفتاب قرار گیرد ولی برای تو سایه هایی از محبت ایجاد کند و خود رنج بیداری کشد ولی آسایش تو را فراهم سازد و تو را از سرما و گرما حفظ کرد تا از آن او باشی پس هر آینه توان سپاسگزاری او را نداری مگر به خدا مدد رسانی او (محمد سپهری، ترجمه و شرح رساله الحقوق امام سجاد قم دارالعلم، ۱۳۷۵، ص ۱۳۹).

امام سجاد بامادرشان در یک ظرف غذا نمی خوردند شخصی علت را جویا شد ایشان فرمودند: «می ترسم برای لقمه ای دست دراز کنم که مادرم نیز میل آن لقمه را داشته باشد و با این عمل کوتاهی در حق مادرم کرده باشم». (بحارالانوار، ج ۹۶، ص ۹۳).

امام سجاد در حق والدینشان چنین دعا فرمودند: «پروردگارا مرا آنچنان بساز که از پدر و مادر هراس داشته باشم و نسبت به آنها نهایت احسان و گذشت و نیکی را داشته باشم و آن گونه که مادران مهربان عطف به فرزندان خود. خدایا چنان کن که اطاعت من از پدرم و مادرم و محبت و نیکی من در حق آنها به دیدگانم خوشتر و لذت بخش تر از خوابزده باشد و در قلبم گوارتر از آب سردی که به کام تشنه ای ریخته شود تا آنجا که خواست آنها را بر خواست خود ترجیح دهم و رضای و خشنودی آنها را بر رضا و خوشحالی خود مقدم بخدایا نیکی های آنها را در حق من به دیدگانم بزرگ و زیاد جلوه بده اگر چه کم باشد و نیکی های مرا در حق آنها به چشم من ناچیز کوچک نما گر چه بسیار باشد (صحیفه سجادیه به نقل از مغنیه، ۱۳۹۱ هـ.ق، ص ۱۴۱ و ۱۴۲).

نقش مادر در تعلیم و تربیت و رشد فرزند

خانواده کوچک ترین مجموعه سازنده ی جامعه است قرآن کریم نهاد خانواده را کانون رشد و تعالی و تربیت فرزندان می داند رسول خدا می فرماید: «از رحمت خداوند است که چون کودک قدرت برخاستن و غذا خوردن ندارد، این نیرو را در بدن مادرش قرار داده و او را برای تربیت و نگهداریش، ملاحظت و مهربانی بخشیده و اگر قلب مادری سخت شود تربیت و نگهداری از کودک بر سایر مؤمنان واجب خواهد بود» (علامه مجلسی، بحارالانوار، ج ۹۲، داراحیاء التراث العربی، بیروت، ۱۴۰۳ ص ۲۴۸). هیچ بنایی نزد خداوند دوست داشتنی تر از نهاد خانواده نیست و در تحلیل جایگاه خانواده مادر نقش اول را دارد. نقش مادر در تربیت فرزندان به دو دلیل از اهمیت بالایی برخوردار است: یکی اینکه فرزند سال های اولیه کودکی خود را که به لحاظ یادگیری و شکل گیری شخصیت که حائز اهمیت است را با مادر می گذراند و به او وابسته است و دوم سایه ی مهر مادر آرامش فرزند را تأمین می کند و فرزندان در این صورت است که آرامش خاطر خواهند داشت چراکه آنها امنیت شان را در آغوش گرم مادر جستجو می کنند .

قرآن کریم در مورد وظایف والدین برای فرزند چنین می فرماید: «مادران فرزندان خود را دو سال تمام شیر می دهند (این) برای کسی است که بخواهد دوران شیرخوارگی را تکمیل کند و بر آن کس که فرزند برای او متولد شده (پدر) لازم است خوراک و پوشاک مادر را به طور شایسته (در مدت شیر دادن بپردازد) هیچ کس موظف به بیش از توانای خود نیست نه مادر (به خاطر اختلاف با پدر) حق ضرر زدن به کودک را دارد نه پدر (سوره ی بقره، آیه ۲۳۳).

اگر مادری باتقوا، فرزندی صالح و دیندار تحویل جامعه بدهد، درواقع همان کار بزرگ انبیاء را انجام می دهد.



معنی تربیت

تربیت از واژه «ربو»ست و گفته اند اصلش، یعنی «رب» است به این صورت که یک حرف مضاعف «حرف باء» برای تخفیف به «یاء» تبدیل شده است. مثل «تظننت» که برای تخفیف به «تظنیت» تبدیل شده است (راغب اصفهانی، مفردات الفاظ قرآن، ص ۳۴). «رب» در اصل به معنای تربیت است و معنای آن ایجاد چیزی یا حالتی، به تدریج در مراحل مختلف است تا به حد کمال - تام خود برسد. (راغب اصفهانی، مفردات الفاظ قرآن، ص ۳۳۶). باتوجه به این معنا تربیت یعنی پرورش توانایی های انسان یعنی فراهم شدن زمینه ای برای شکوفاسازی تدریجی استعدادهای انسان تا به نهایت و کمال خود برسد در نهج البلاغه نیز این واژه به همین معنای رشد دادن و پرورش آمده است امام عل (ع) در ستایش از انصار، آنان را پروراننده و رشد دهنده اسلام معرفی می کند (مصطفی دلشاد تهرانی، موانع و مقتضیات تربیت در نهج البلاغه، تهران، مزرعه مهر، بیتا، ص ۴۳).

علی (علیه السلام) می فرماید: به خدا آنان اسلام را پروراندند چنان که کره اسب از شیر گرفته را پروراند با توانگری و دستهای بخشنده و زبان های برنده. (سیدرضی، نهج البلاغه، ترجمه سیدجعفر شهیدی، حکمت ۴۶۵، ص ۵۵۷).

دعا و طلب آموزش برای والدین

طلب مغفرت برای والدین یکی از وظایف مهم فرزند در قبال پدر و مادر است چنان که در حدیث زیر می خوانیم که پیامبر فرمودند: «سرور نیکان در روز قیامت مردی است که بعد از مرگ پدر و مادرش به آنان نیکی کرده باشند (مجلسی، محمدباقر، بحارالانوار، ج ۷۱، ص ۸۶). چه بسا پدر و مادر در حیاتش از فرزندانشان راضی بودند ولی پس از مرگ به خاطر فراموش کردن و از یاد بردن آنها مورد غضب پدر و مادر قرار گرفته و عاق والدین می شوند (طاهری، ۱۳۷۲، ص ۹۹). حضرت ابراهیم (علیه السلام) برای پدر و مادرش چنین دعا می کند (ربنا اغفر لی و لوالدی و للمؤمنین یوم یقوم الحساب) (پروردگارا! من و پدرم و مادرم و همه ی مؤمنان را در آن روز که حساب برپا می شود ببامرز) (سوره ابراهیم، آیه ۴۱).

و حضرت نوح نیز چنین دعا می فرماید (رب اغفر لی و لوالدی و لمن دخل بیتی مومنا) بارالها مرا و پدر و مادر من و هر که با ایمان به خانه من داخل شود و همه مومنان (سوره ی نوح، ۲۸) از پیامبر سوال شد آیا پس از مرگ هم احسانی برای والدین هست؟ فرمود: آری، از راه نماز خواندن برای آنان و استغفار برایشان و وفا به تعهداتشان و پرداخت بدهی هایشان و احترام به دوستانشان (تفسیر نور، ج ۷، ص ۳۹ به نقل از تفسیر مع البیان).

اهمیت رضایت مادر

از رسول اکرم (ص) نقل شده است که فرمودند: «رضی الرب فی رضی الوالدین و سخط الرب فی سخط الوالدین» رضایت خدا در سایه رضایت والدین و خشم خدا در سایه خشم والدین است. (سیری در رساله حقوق امام سجاده (ع)، ج ۲، ص ۲۱۲ به نقل از مستدرک الوسائل، ج ۱۵، ص ۱۷۴، ح ۱۷۹۰۸).

پسامبر اکرم (ص) می فرماید: «دعاء الوالده کدعاء النبی الامم» داعی که پدر برای فرزند کند، همانند داعی است که پیامبری برای امت خود نماید (نهج الفصاحه، ح ۱۵۶۵). زمان رسول خدا (ص) مردی از دنیا رفت و او را بردند دفن کنند زمین او را قبول نکرد، خبر به پیغمبر دادند فرمودند: «مادرش از او راضی نیست، فرستادن پیش مادرش از او راضی شد زمین او را قبول کرد» (ثمرات الحیات، سیدالواعظین تالیف سیدمحمد امامی اصفهانی ویرایش محمد ملکی، ج ۱، ص ۵۳).

بنابراین همانگونه که پیامبر گرامی (ص) فرمودند: رضایت خدا در رضایت مادر است، با نیکی و احسان به پدر و مادر می توان در مرحله اول بزرگترین هدیه یعنی رضایت خداوند و در مرحله بعد زندگی با سعادت و عاقبت به خیر شدن را نصیب خود کرد.



نقش مادر در پیدایش سواد کودکان

عظیمه جعفری صدر

بخش مطالعات علوم انسانی، دانشکده روانشناسی، دانشگاه آزاد اسلامی، کرمان

ایمان محمدی

مرکز تحقیقاتی و آموزشی ماهان، کرمان

چکیده

هدف مطالعه حاضر بررسی رابطه میان تعامل مادر-کودک و پیدایش سواد در کودکان ایران بوده است. یافته‌های این تحقیق بر اساس داده‌هایی بوده است که از ۹۰ کودک سه تا چهار ساله و مادران آنها جمع‌آوری شده است. داده‌ها با استفاده از پرسشنامه‌ها، مشاهده و مصاحبه رودرو جمع‌آوری شده‌اند. از تعاملات میان مادر و کودک فیلمبرداری شد. در این تحقیق تحلیل همبستگی پیرسون برای بررسی رابطه بین متغیر وابسته (پیدایش سواد) و متغیر مستقل (تعامل مادر-کودک) بکار گرفته شد. نتایج مطالعه حاضر حاکی از آن است که رابطه مثبت و معناداری میان تعامل مادر-کودک و پیدایش سواد وجود دارد. کودکانی که مادر آنها در تعامل مادر-کودک به لحاظ سبک خوانش کتاب داستان نمره بالاتری گرفته بودند، مهارت‌های سوادآموزی بیشتری را نشان دادند. انتظار می‌رود یافته‌های این مطالعه در حمایت از توسعه سوادآموزی کودکان قبل از شروع آموزش رسمی، نمایانگر مفاهیم ذهنی مهم برای ترویج و ترغیب عناصر فیزیکی، شناختی، اجتماعی و رفتاری باشد.

کلمات کلیدی: کودکان، تعامل مادر-کودک، پیدایش سواد

مقدمه

توسعه سوادآموزی به شدت بر زندگی کودکان تاثیر می‌گذارد و نقش و شرایط آینده آنها را در دنیای پیچیده که فناوری‌های مدرن در آن پیشرفت می‌کنند و با سرعت زیادی گسترش می‌یابند، تعیین می‌کند (یونسکو، ۲۰۰۵). اگر اهمیت سواد را در نظر بگیریم، بدین ترتیب حذف بی‌سوادی بزرگترین دغدغه است و این امر نمی‌تواند بدون ارتقا و توسعه‌ی استاندارد آموزش کودکان حاصل شود. یادگیری حق بنیادین بشر است که هر کودکی در هر کشوری حق دارد بدان دست یابد (یونسکو، ۲۰۰۸)؛ به ویژه هنگامی که سواد ابزاری قدرتمند است که پایه‌ای قوی برای دستاوردهای تحصیلی، رشد فکری و شخصی است. دریافته‌ایم که والدین، به ویژه مادران، باید با آموزش خواندن به فرزندان خود در سنین کم کمک کنند تا عادت به خواندن را در آنها نهادینه کنند و به سمت دستیابی به مهارت‌های سوادآموزی سوق دهند؛ پیش از آنکه کودکان به مدرسه بروند (اهری و رابرتس، ۲۰۰۶).

به عقیده لانیگان و شانانان (۲۰۱۰) پیدایش سواد به فرایندی مستمر اطلاق می‌شود که در آن کودکان مهارت‌های سواد اولیه را کسب می‌کنند. این فرایند می‌تواند از بدو تولد آغاز شود و تا اواسط دوران کودکی پیش رود. محققان مختلف (جاستیتس و ازل، ۲۰۰۴؛ وایت هرست و لانیگان، ۱۹۹۸) بر این عقیده‌اند که مهارت‌های سوادآموزی از سنین اولیه آغاز می‌شود. شکست در کسب موفقیت‌آمیز مهارت‌های سوادآموزی ممکن است موجب مشکلات آموزشی و ناامیدی در آینده شود (تورگسن، ۲۰۰۲). پیدایش سواد که می‌تواند در منزل توسعه یابد، شمایلی مثبت به رابطه والدین-کودک می‌بخشد و آنها را بدان ترغیب می‌کند. فعالیت‌هایی چون خواندن کتاب کودک پیوند عاطفی میان والدین و فرزند را محکم می‌کند (وو، ۲۰۰۷). مطالعه حاضر با هدف بررسی رابطه میان تعامل مادران و فرزندان و پیدایش سواد در میان کودکان کرمان (ایران) انجام شده است.



۱. توصیف سطح تعامل مادر-کودک در پیدایش سواد در میان پاسخ‌دهندگان این مطالعه.

۲. تعیین رابطه میان تعامل مادر-کودک و پیدایش سواد.

فرضیه پژوهش

بر اساس اهداف این مطالعه، فرضیات آن به شرح زیر است:

هدف: تعیین رابطه میان تعامل مادر-کودک و پیدایش سواد در بین کودکان سنین پایین.

فرضیه: کودکانی که مادرانشان در زمینه تعامل مادر-کودک امتیاز بیشتری دارند، از مهارت‌های سواد بیشتری برخوردارند.

نظریه توسعه اجتماعی-فرهنگی لو ویگوتسکی (۱۹۷۸) یکی از بهترین نظریه‌های شناخته شده روانشناسی است. یکی از اصلی‌ترین مفاهیم نظریه ویگوتسکی سکوسازی است. سکوسازی روشی آموزشی است که هنگامی به وقوع می‌پیوندد که فرد بزرگسال در یک موقعیت تعاملی دوسویه به کودک کمک کند. مفهوم دیگری که در نظریه ویگوتسکی وجود دارد، منطقه توسعه پروگزیمال (ZPD) است که مشخصه‌ی آن توانایی بالقوه کودک در هنگامی است که از جانب فردی بزرگسال یا همسطح به او به طور مناسب کمک می‌شود (ویگوتسکی، ۱۹۷۸). در نتیجه، نظریه ویگوتسکی بر اهمیت تعامل اجتماعی در یادگیری سواد توسط کودک تاکید می‌کند. با حمایت مادر (یعنی سکوسازی) در تعاملی دیالکتیک، کودک می‌تواند به پتانسیل توسعه (یعنی منطقه توسعه پروگزیمال) دست یابد. وایت هرست و لانیگان (۱۹۹۸) ادعان داشتند که پیدایش سواد متشکل از مهارت‌هایی است که شامل خارج-داخل و داخل-خارج نیز می‌شود (استورچ و وایت هرست، ۲۰۰۱؛ زیل و رسنیک، ۲۰۰۶).

تعامل مادر-کودک و پیدایش سواد

هنگامی که والدین از طریق خواندن با مشارکت کودک به وی آموزش می‌دهند، این امر منجر به این می‌شود که کودکان نه تنها واژگان و گفتار را فراگیرند، بلکه آنها را ترغیب می‌کند و به فرایند یادگیری علاقمندتر می‌شوند. این امر موجب ایجاد آرامش بیشتری میان کودکان و والدین می‌شود و بدین ترتیب فضای مطلوبی به وجود می‌آید که در آن کودکان می‌توانند سواد و دانش خود را ارتقا دهند. بنابراین، والدین موثرترین نقش را در کمک به یادگیری کودکانشان دارند. آنها می‌توانند پلی را بین دانش موجود و دانش جدید کودکان ایجاد کنند (باس، ۲۰۰۱؛ کورات، باچار، و اسنایپر، ۲۰۰۳؛ روسکوس و نیومان، ۲۰۰۵). کورات و همکاران (۲۰۰۳) در مورد دلایل و اهمیت حفظ محیط سوادآموزی رو به پیشرفت توسط والدین در منزل بحث کردند که بدین وسیله آنها می‌توانند کودکان را به خواندن علاقمند کنند؛ با این امید که سواد کودکان افزایش خواهد یافت. کورات و همکاران (۲۰۰۳) توضیح دادند که خصوصاً مادران می‌توانند در یادگیری کودکانشان فوق‌العاده کمک کنند. این امر با بازی کردن توام با خواندن میسر است. آنها همچنین می‌توانند موقعیت‌هایی را در جهان واقع معرفی کنند و آن را برای کودکانشان توضیح دهند یا به دنیای تخیلات کودک پیوند بزنند. مادران می‌توانند به کودکان در دستیابی به راه‌حل مشکلات و طرق پیچیده‌تر تفکر و استدلال کمک کنند. این امر با سکوسازی فرایندهای آموزش و یادگیری، با به چالش کشیدن کودکان در تلاش برای اقدامات جدید و ترغیب تلاش آنها به کسب سواد (کورات و همکاران، ۲۰۰۳، استریکلند و مارو، ۱۹۹۰، تیل و سالزی، ۱۹۸۶، یادن، روو و مک گیلوری، ۲۰۰۰) صورت می‌گیرد. برونر (۲۰۱۱) بیان داشت که اگر مادران وقت بیشتری را صرف خواندن برای کودکان کنند، آنها بهتر می‌آموزند و سواد را به طور موثرتری کسب می‌کنند.

هنگامی که والدین با کودکان خود بخوانند، این امر موجب پیدایش فرصت‌هایی برای آنها می‌شود تا اطلاعات را ارزیابی کنند و در محیطی اجتماعی با هم یاد بگیرند. مشاهده شده که خواندن با مشارکت هم، رابطه میان والدین و کودکان را به شدت افزایش می‌دهد و در عین حال منجر به نتایجی بهتر در زمینه بهبود پیدایش سواد می‌شود (باس، وان ایجنزندورن و پلگرینو، ۱۹۹۵؛ آرام و شاپیرا، ۲۰۱۲؛ وان دن برگ و باس، ۲۰۱۴).



دودیسسی، دراپر و پیترسون در سال ۲۰۰۳ به مطالعه رابطه میان والدین و کودکان و فعالیت‌های یادگیری آنها پرداختند. آنها به انواع فعالیت‌ها و میزان زمانی که با کودکانشان می‌گذرانند توجه کردند و دریافته‌اند که ما می‌توانیم موفقیت سوادآموزی را با اطمینان پیش‌بینی کنیم. اما کمیت زمانی که صرف خواندن می‌شود ممکن است به اندازه کیفیت زمان فعالیت‌هایی که با مشارکت یکدیگر انجام می‌شود نباشد.

در مطالعه‌ای دیگر، کانر، موریسون و اسلومینسکی (۲۰۰۶) بر این موضوع تاکید کردند که خواندن کتاب داستان در پیدایش سواد در کودکان ضروری است چرا که به آنها در ارتقاء مهارت‌های بعدی وی در مدرسه کمک می‌کند. متأسفانه، مشاهده شده است که برخی از خانواده‌ها علاقه کمتری دارند و به ندرت در خواندن به صورت مشترک شرکت می‌کنند. این امر پیامدهای وخیمی دارد که بر موفقیت سواد چینی کودکانی تاثیرگذار است. وو (۲۰۰۷) در مورد راهبردهای تعاملی مادران تایوانی توضیح داد. او نشان داد که مادران تایوانی از راهبردهای تعاملی از جمله اشاره، پرسش سوالات متقارب، برچسب زدن و توصیف و پرسش سوالات متداول استفاده کردند. وو (۲۰۰۷) دریافت که میان استفاده مادران از راهبرد تعاملی و پیدایش سواد در کودک رابطه‌ای منفی وجود دارد. کودکانی که تجربیات حاصل از خواندن را غیرجذاب بیابند به احتمال بیشتری تمرکز خود را از دست می‌دهند و حین فرایند خواندن مشارکتی مادر-کودک برمی‌خیزند و به اطراف حرکت می‌کنند.

اخیراً، وانگ (۲۰۱۴) اذعان داشت که خواندن کتاب به صورت مشترک به شدت با سطحی بالاتر از تعامل مادرانه در حین این فعالیت ارتباط دارد. این موضوع که مادران در حین خواندن کتاب داستان از تعامل با کیفیت بالاتری استفاده کنند، رابطه نزدیکی با مهارت‌های سوادآموزی پیشرفته‌تر در کودکان دارد. بنابراین، خواندن کتاب به صورت مشترک عموماً فعالیتی مهم و مطلوب تلقی می‌شود که هدف از آن ترغیب کودکان کم سن و سال به ارتقاء مهارت‌های سوادآموزی است.

روش پژوهش

در این مطالعه برای بررسی رابطه میان متغیر وابسته (پیدایش سواد) و متغیر مستقل (تعامل مادر-کودک) از طرح پژوهش توصیفی-همبستگی استفاده شده است.

جامعه آماری و نمونه مطالعه

این مطالعه در کرمان انجام شد. کرمان در جنوب شرقی ایران واقع شده است، و جمعیت آن ۶۲۱,۳۷۴ نفر است (مرکز آمار ایران، ۱۳۹۰). نمونه این مطالعه متشکل از کودکان سنین ۳ تا ۴ سال است. بر اساس سرشماری شهر کرمان (۱۳۹۰)، تعداد کودکان تازه متولد شده تا ۴ ساله ۱۰۷,۸۸۵ نفر بود که تنها ۸۵۸۹ نفر از آنان به مهدکودک می‌روند (اداره سازمان رفاه ایران، ۱۳۹۰).

مراحل تحقیق

مجموع تعداد کودکان در این تحقیق ۲۱۴۶ و سن آنها بین ۳ تا ۴ سال بوده است. در مرحله اول، با استفاده از روش خوشه‌ای ۱۴ مهدکودک از میان ۴ ناحیه انتخاب شد. رضایت‌نامه‌ای برای ۲۸۳ والد ارسال شد که تنها ۱۸۸ والد با شرکت در این تحقیق موافقت کردند. ۹۶ خانواده از ۱۸۸ زوج به صورت تصادفی انتخاب شده بودند که ۶ خانواده از ۹۶ خانواده به دلیل محدوده سنی نامتناسب حذف شدند.

محل انجام مطالعه

این پژوهش در کرمان، واقع در جنوب شرقی ایران، انجام شد. این شهر طبق اعلام مرکز آمار ایران در سال ۱۳۹۰ دارای ۶۲۱۳۷۴ نفر جمعیت ساکن است. نمونه این مطالعه متشکل از کودکان با محدوده سنی ۳ تا چهار سال و مادران آنها می‌باشد. بر طبق ثبت صورت گرفته توسط سرشماری کرمان در سال ۱۳۹۰، تعداد کل کودکان ۰ تا ۴ ساله ۱۰۷۸۸۵ نفر بود. طبق اداره سازمان رفاه در سال ۱۳۹۰، تنها ۸۵۸۹ کودک در مراکز پیش‌دبستانی ثبت نام و به این مراکز فرستاده شدند و این تعداد کمتر از یک دهم کل است.

در این مطالعه از نمونه‌گیری تصادفی استفاده شد. نمونه به صورت تصادفی از ۱۶ مهدکودک در ۴ منطقه کرمان (جدول ۳، ۲) انتخاب شد. نمونه‌گیری تصادفی شامل انتخاب تعداد نسبتاً زیادی از واحدهای برگرفته از جمعیت یا گروه‌های فرعی خاصی از جمعیت به روش تصادفی است (تدلی و تشکری، ۲۰۰۹).

در این مطالعه، شانزده (N=۱۶) مهدکودک در شهر کرمان از طریق نمونه‌گیری تصادفی انتخاب شدند. پس از انتخاب مهدکودک‌ها، محقق با مدیران ملاقات کرد و نامه‌های مرتبط با اطلاعات پژوهش را فراهم آورد. نامه‌هایی که مراحل پژوهش و اهداف در آنها توضیح داده شده



بود از سوی مدیران پیش‌دبستانی به ۲۸۳ والد فرستاده شد. پس از آنکه مادران کودکان ۳ تا چهار ساله نامه‌های اطلاعاتی را خواندند، آنها برای شرکت داوطلبانه در این مطالعه رضایت داشتند، نامه اطلاعات را برای تماس برگرداندند که در آن اطلاعاتی نظیر نام، تلفن و آدرس برای امکان تماس بیشتر محقق با آنها ذکر شده بود. این بدان معناست که تعداد مجموع داوطلبان (۱۹۲ والد) که به صورت داوطلبانه برای شرکت در مطالعه حاضر رضایت داده بودند ۱۹۲ والد بود. از این تعداد، نود و شش والد برای تحقیق به شیوه نمونه‌گیری تصادفی سیستماتیک انتخاب شدند. نود و شش خانواده با پاسخگویی به پرسشنامه، حضور در فرایند ارزیابی با فیلمبرداری و همکاری‌شان در این تحقیق شرکت کردند.

ارزیابی پیدایش سواد

در ارزیابی سوادآموزی در این تحقیق از ارزیابی زبان و سوادآموزی (LELA؛ کانینگهام، هیکس و ویلیامز، ۲۰۰۲) استفاده شده است. این ابزار شامل پنج خرده مقیاس است: شناخت الفبا، دانش کتابی، زبان بیانی، صداهای آغازین و آگاهی واج‌شناختی. آزمون‌های مرتبط با دستاوردهای ادبی و زبان با حضور معلم مدرسه انجام می‌شود و کودک در اتاق بازی یا کلاسی خصوصی در مهدکودک می‌نشیند. تمام پاسخ‌های کودکان به این تکالیف رمزگذاری می‌شوند. حدود ۱۵ تا ۲۰ دقیقه زمان صرف امور مرتبط با زبان و سوادآموزی می‌شود. تمام کودکان برای انجام این تکالیف ماندند و از دستورالعمل‌های محقق به خوبی پیروی کردند.

تعامل مادر-کودک از طریق خواندن کتاب داستان

برای انجام این ارزیابی نظارت بر مادران در خانه‌هایشان در حالیکه کتابی (هایپو هاپو) را می‌خواندند که برایشان ناآشنا بود، از طریق فیلمبرداری انجام شد. اریک گوردون هیل این کتاب را در سال ۱۹۹۶ نوشت. شیخی در سال ۲۰۰۹ آن را ترجمه و انتشارات افق آن را چاپ کرد. رفتارهای پاسخ‌دهندگان از طریق مشاهده واکنش‌های آنان در حین خواندن کتاب داستان بررسی شد. کدهای رفتاری تعامل مادر و کودک از تحقیق وو (۲۰۰۷) برگرفته شده است که شامل ۵ شاخص برجه بندی خواندن دقیق متن، دادن اطلاعات لازم در مورد کتاب به کودک، استفاده از تن صدا (زیر و بم صدا)، استفاده از صدای دلنشین و دوست داشتنی بدون توجه به متن داستان، منتظر ماندن برای دریافت پاسخ از جانب کودک است. مکان‌های مصاحبه و جاهایی که مادران و کودکانشان دوست داشتند در آن بنشینند توسط خود آنان انتخاب شد. دوربین‌های فیلمبرداری و جایی که پاسخگویان قرار بود در آنجا بنشینند، جوری تنظیم شد که متناسب با پس‌زمینه باشد. کتاب داستان و اسباب‌بازی به عنوان جایزه شرکت در این پژوهش به کودکان داده شد. ملاقات‌ها در خانه هر کدام تقریباً به مدت یک ساعت به طول انجامید.

یافته‌ها

هدف: توصیف میزان پیدایش سواد، تعامل مادر-کودک در میان پاسخ‌دهندگان این مطالعه

تحلیل توصیفی پیرامون تعامل مادر-کودک و پیدایش سواد انجام شد. مادرانی که در تعامل مادران-کودکان از پنجاه درصد امتیاز بالایی گرفتند، با توجه به پیدایش سواد، ۵۲٫۲٪ از کودکان امتیاز پائینی را کسب کردند.

جدول ۱. تعامل مادر-کودک و امتیازات پیدایش سواد در پاسخ‌دهندگان

متغیر	N	%	حداقل	حداکثر	میانگین	انحراف معیار
مجموع تعامل مادر-کودک			۶	۲۰	۱۴٫۱۸	۳٫۲۶۲
کم (امتیازات $\geq 14,18$)	۴۵	۵۰				
زیاد (امتیازات $< 14,18$)	۴۵	۵۰				
مجموع پیدایش سواد			۶	۲۹	۱۹٫۳۶	۴٫۹۱۸
کم (امتیازات $\geq 19,36$)	۴۷	۵۳٫۲				
زیاد (امتیازات $< 19,36$)	۴۳	۴۶٫۸				

نکته: کم: امتیازات کمتر از حد متوسط



زیاد: امتیازات بیشتر از حد متوسط

Ha: پاسخ‌دهندگانی که مادران آن‌ها دارای امتیازات «تعامل مادر-کودک» بالایی هستند، عموماً مهارت‌های سوادآموزی بالایی دارند.

برای بررسی رابطه میان تعامل مادر-کودک و مهارت‌های سوادآموزی از همبستگی پیرسون استفاده شد. نتیجه جدول ۲ نشان داد که میان تعامل مادر-کودک و سوادآموزی رابطه معناداری وجود دارد ($r=0.44, p \leq 0.1$). بنابراین H_a مورد تأیید است. نتیجه مطالعه حاضر با نتایج مطالعات پیشین (بیلز و همکاران ۱۹۹۴، پورسل گیتس ۱۹۹۶، اسنو و گریفین ۱۹۹۸، هاف ۲۰۰۳، کانر، موریسون، اسکات اشنايدر، توست، لوندبلوم، کرو و فیشرمن، ۲۰۱۱) مطابقت دارد. هنگامی که مادران کودکان امتیاز بالاتری از تعاملات بین مادر-کودک کسب می‌کنند، کودکان نیز در ارزیابی سواد امتیاز بالاتری به دست می‌آورند. برخی از توجیهات احتمالی ممکن است به ما در فهم این یافته کمک کند.

جدول ۲. رابطه میان تعامل مادر-کودک و پیدایش سواد

متغیر	r
تعامل مادر-کودک	۰.۴۴*

نکته: * همبستگی در سطح ۰.۵ معنادار است (تک دامنه)

** همبستگی در سطح ۰.۱ معنادار است (تک دامنه)

دباریش، بایندر و بوئل (۲۰۰۰) دریافتند که طرز تفکر مادران و پدران در خصوص ارتقاء مهارت‌های سواد در کودکانشان با یکدیگر متفاوت است. رادریگوئز، هامر و لورنس (۲۰۰۹) بدین موضوع پی بردند که ایده‌های والدین با فعالیت‌های سوادآموزی موردعلاقه کودکان در خانه متناسب است. علیرغم وجود تفاوت‌ها در زمینه فرهنگی، بدین موضوع پی برده شد که نقش مادران در اینکه اولین معلم کودکان خود باشند، نقشی حیاتی است و نیز اینکه آنها بر سواد اولیه کودکان خود تأثیرگذارند (باس، لسمان، کولتجس، ۲۰۰۰؛ دتمپل، ۲۰۰۱؛ بیکر، سرپل و سوننشاین، ۲۰۰۱؛ لوین و باس، ۲۰۰۳؛ سیگل و مک‌گیلکادی دلیسی، ۲۰۰۲؛ رسی، کاکس، هارت و مک‌آنالی، ۲۰۰۳؛ روبل، مارتین و برنوم، ۲۰۰۶).

بحث و نتیجه گیری

این مطالعه دریافت که راهبرد تعاملی مادر پیش‌بینی‌کننده‌ی مهارت‌های سوادآموزی کودک بود و اینکه در طی تعامل مادر-کودک، مادر ممکن است از راهبردهایی استفاده کند که برای کودک تجارب خواندن جذابی را به وجود آورد. با سکوسازی در آموزش مهارت‌ها به کودکان، مادران ذهن آنها را به چالش می‌کشند و آنها را به یادگیری بازی‌ها و دانش جدید در محیط خانه تشویق می‌کنند. این مطلبی است که در کورات و همکاران (۲۰۰۳) و مطالعات تیل و سالزی (۱۹۸۶)؛ استریکلند و مارو (۱۹۹۰)؛ یادن، رو و مک‌گیلوری (۲۰۰۰) و نیز استریکلند، مارو، نیومان، راسکوس، اسکیکداز و ووکلیچ (۲۰۰۴) بیان شده است. در نتیجه، کتاب خواندن به عنوان فعالیتی مشارکتی هنگامی که بزرگسالان مثلاً مادران کودکان را در ماهیت تعاملی عمل خواندن دخیل می‌کردند، بسیار مفید بود. بنابراین، عقاید والدین به ویژه مادران در مورد عمل خواندن می‌تواند بر ارتقاء مهارت‌های سوادآموزی کودکان تأثیر بگذارد. راهنمایی آنان نیز به کودکان در ایجاد ارتباط میان دانش کنونی‌شان و دانش جدید کمک کرد (راسکوس و نیومان ۲۰۰۵، باس ۲۰۰۱، کورات و همکاران ۲۰۰۳، آرام ۲۰۰۶). مادران می‌توانند به کودکان در پرسش سوال کمک کنند و فرایندها را بیابند (جانسون، بل و دیتنر، ۲۰۰۸). ممکن است مادران چالش‌هایی را برای کودکان ایجاد کنند، از آنها حمایت کنند و موجب تقویت خودتنظیمی با فعالیت‌های آنها شوند (کورات و همکاران، ۲۰۰۳؛ استریکلند و مارو، ۱۹۹۰؛ تیل و سالزی، ۱۹۸۶؛ یادن، رو و مک‌گیلوری، ۲۰۰۰). همچنین، خواندن توسط مادر و با مشارکت کودک فواید زیادی دارد. این امر برای کودک این امکان را فراهم می‌آورد تا ماهیت کتاب را بفهمد و همچنان که داستان را دنبال می‌کند، در مورد نقاشی‌ها و تصاویر نیز صحبت کند و سعی کند که به معانی‌ای که واژگان نوشته و خوانده شده را به هم پیوند می‌دهد، پی ببرد (دیکسون و مک‌کیب، ۲۰۰۱؛ استریکلند و مارو، ۱۹۹۰؛ وایت‌هرست و لانیگان، ۲۰۰۱؛ استو، ۲۰۰۷). این کتاب خواندن مشارکتی به کودکان این امکان را می‌دهد که به معانی واژگان پی ببرند و ایده‌های ذهنی در مغز آنها شکل گیرد و با خواندن مکرر به معانی پی ببرند و از تصاویر برای پرسش و تفسیر داستان استفاده کنند



دومین همایش ملی جایگاه و نقش مادر

2nd National Conference on the Status and the Role of Mother

(دتمپل، ۲۰۰۱). در نتیجه این برای توسعه سواد مفید است. بنابراین، خواندن کتاب داستان توسط مادران برای کودکانشان می تواند در نتیجه ی بدست آمده از مهارت های سوادآموزی کودکان تغییر بزرگی ایجاد کند.



منابع

- Aram, D. (۲۰۰۶). Early literacy interventions: The relative roles of storybook reading, alphabetic activities, and their combination. *Reading and Writing*, ۱۹(۵): ۴۸۹-۵۱۵.
- Aram, D., and Shapira, R. (۲۰۱۲). Parent-child shared book reading and children's language, literacy, and empathy development. *Rivista Italiana di Educazione Familiare*, ۷(۲): ۵۵-۶۵.
- Baker, L., Mackler, K., Sonnenschein, S., and Serpell, R. (۲۰۰۱). Parents' interactions with their first-grade children during storybook reading and relations with subsequent home reading activity and reading achievement. *Journal of School Psychology*, ۳۹(۵): ۴۱۵-۴۳۸.
- Blewitt, P., Rump, K. M., Shealy, S. E., and Cook, S. A. (۲۰۰۹). Shared book reading: When and how questions affect young children's word learning. *Journal of Educational Psychology*, ۱۰۱(۲): ۲۹۴.
- Bruner, I. (۲۰۱۱). ۳ Some theorems on instruction. *Readings in educational psychology*, ۶۶: ۱۱۲-۱۱۶.
- Bureau of Welfare Organization Iran (۲۰۱۱). <http://www.behzisti.ir/>
- Bus, A. G. (۲۰۰۱). Joint caregiver-child storybook reading: A route to literacy development. *Handbook of Early Literacy Research*, ۱: ۱۷۹-۱۹۱.
- Bus, A. G., Leseman, P. P., and Keultjes, P. (۲۰۰۰). Joint book reading across cultures: A comparison of Surinamese-Dutch, Turkish-Dutch, and Dutch parent-child dyads. *Journal of Literacy Research*, ۳۲(۱): ۵۳-۷۶.
- Census of Kerman Province (۲۰۱۱), Retrieved ۲۰۱۰. <http://www.amar.kr.ir/>
- Connor, C. M., Morrison, F. J., and Slominski, L. (۲۰۰۶). Preschool instruction and children's emergent literacy growth. *Journal of Educational Psychology*, ۹۸(۴): ۶۶۵.
- Connor, C. M., Morrison, F. J., Schatschneider, C., Toste, J. R., Lundblom, E., Crowe, E. C., and Fishman, B. (۲۰۱۱). Effective classroom instruction: implications of child characteristics by reading instruction interactions on first graders' word reading achievement. *Journal of Research on Educational Effectiveness*, ۴(۳): ۱۷۳-۲۰۷.
- Cunningham, G., Hicks, D., and Williams, G. (۲۰۰۲). *Language and Emergent Literacy Assessment (LELA)*.
- DeBaryshe, B. D., Binder, J. C., and Buell, M. J. (۲۰۰۰). Mothers' implicit theories of early literacy instruction: Implications for children's reading and writing. *Early Child Development and Care*, ۱۶۰(۱): ۱۱۹-۱۳۱.
- DeTemple, J. M. (۲۰۰۱). Parents and children reading books together. *Beginning Literacy with Language*, ۲(۱): ۳۱-۵۱.
- Dickinson, D. K., and McCabe, A. (۲۰۰۱). Bringing it all together: The multiple origins, skills, and environmental supports of early literacy. *Learning Disabilities Research and Practice*, ۱۶(۴): ۱۸۶-۲۰۲.
- Dodici, B. J., Draper, D. C., and Peterson, C. A. (۲۰۰۳). Early parent-child interactions and early literacy development. *Topics in Early Childhood Special Education*, ۲۳(۳): ۱۲۴-۱۳۶.
- Ehri, L. C., and Roberts, T. A. (۲۰۰۶). The roots of learning to read and write: Acquisition of letters and phonemic awareness. *Handbook of Early Literacy Research*, ۲: ۱۱۳-۱۳۱.
- Hoff, E. (۲۰۰۳). The specificity of environmental influence: Socioeconomic status affects early vocabulary development via maternal speech. *Child Development*, ۷۴(۵): ۱۳۶۸-۱۳۷۸.
- Iran census Bureau, (۲۰۱۱). <http://www.amar.org.ir>
- Johanson, J., Bell, C., and Daytner, K. (۲۰۰۸). Evaluating the effectiveness of a technology-based preschool literacy project: A final report of the littech outreach project. The Center for Best Practices in Early Childhood.



- Justice, L. M., and Ezell, H. K. (۲۰۰۴). Print referencing: An emergent literacy enhancement strategy and its clinical applications. *Language, Speech, and Hearing Services in Schools*, ۳۵(۲): ۱۸۵-۱۹۳.
- Korat, O., Bachar, E., and Snapir, M. (۲۰۰۳). Functional-social and cognitive aspects in emergent literacy: Relations to SES and to reading-writing acquisition in first grade. *Megamoth*, ۴۲: ۱۹۵-۲۱۸.
- Levin, I., and Bus, A. G. (۲۰۰۳). How is emergent writing based on drawing? Analyses of children's products and their sorting by children and mothers. *Developmental Psychology*, ۳۹(۵): ۸۹۱-۹۰۵.
- Lonigan, C. J., and Shanahan, T. (۲۰۱۰). Developing early literacy skills things we know we know and things we know we don't know. *Educational Researcher*, ۳۹(۴): ۳۴۰-۳۴۶.
- Purcell-Gates, V. (۱۹۹۶). Stories, coupons, and the TV Guide: Relationships between home literacy experiences and emergent literacy knowledge. *Reading Research Quarterly*, ۳۱(۴): ۴۰۶-۴۲۸.
- Ragfar, H., Khoshdast, F., and Yazdanpanah, M. (۲۰۱۲). Measurement of income inequality in Iran, ۱۹۸۴-۲۰۱۰. *Social Welfare Quarterly*, ۱۲(۴۵): ۲۷۵-۳۰۵.
- Reese, E., Cox, A., Harte, D., and McAnally, H. (۲۰۰۳). Diversity in adults' styles of reading books to children. *On Reading Books to Children: Parents and Teachers*, ۳۷-۵۷.
- Roberts, J., Jurgens, J., and Burchinal, M. (۲۰۰۵). The role of home literacy practices in preschool children's language and emergent literacy skills. *Journal of Speech, Language and Hearing Research*, ۴۸(۲): ۳۴۵-۳۵۹.
- Rodríguez, B. L., Hammer, C. S., and Lawrence, F. R. (۲۰۰۹). Parent reading belief inventory: reliability and validity with a sample of Mexican American mothers. *Early Education and Development*, ۲۰(۵): ۸۲۶-۸۴۴.
- Roskos, K. A., and Neuman, S. B. (۲۰۰۵). Whatever happened to developmentally appropriate practice in early literacy? *Young Children*, ۶۰(۴): ۲۲-۲۶.
- Ruble, D. N., Martin, C. L., and Berenbaum, S. A. (۲۰۰۶). Gender development. *Handbook of child psychology*. New York, NY: Wiley
- Sénéchal, M., and LeFevre, J. A. (۲۰۰۲). Parental involvement in the development of children's reading skill: A five-year longitudinal study. *Child Development*, ۷۳(۲): ۴۴۵-۴۶۰.
- Sigel, I. E., and McGillicuddy-De Lisi, A. V. (۲۰۰۲). *Handbook of parenting: Vol. ۳. Being and becoming a parent*. Mahwah, NJ: Lawrence Erlbaum Mahwah.
- Snow, C. E., Burns, M. S., and Griffin, P. (Eds.). (۱۹۹۸). *Preventing reading difficulties in young children*. Massachusetts, MA: National Academies Press.
- Storch, S. A., and Whitehurst, G. J. (۲۰۰۱). The Role of family and home in the literacy development of children from low-income backgrounds. *New Directions for Child and Adolescent Development*, ۹۲ (۲): ۵۳-۷۲.
- Stowe, R. (۲۰۰۷). *Home literacy experiences of low-income, urban, Mexican American kindergarten students*. MI: ProQuest.
- Strickland, D. S., and Morrow, L. M. (۱۹۹۰). Sharing big books (emerging readers and writers). *Reading Teacher*, ۴۳(۴): ۳۴۲-۴۳.
- Strickland, D. S., Morrow, L. M., Neuman, S. B., Roskos, K., Schickedanz, J. A., and Vukelich, C. (۲۰۰۴). The role of literacy in early childhood education. *Reading Teacher*, ۵۸(۱): ۸۶-۱۰۳.
- Teale, W. H., and Sulzby, E. (۱۹۸۶). *Emergent literacy: Writing and reading*. Writing research: Multidisciplinary inquiries into the nature of writing series. Norwood: Ablex Publishing Corporation.



- Teddlie, C., and Tashakkori, A. (۲۰۰۹). Foundations of mixed methods research. Thousand Oaks, CA: Sage.
- Torgesen, J. K. (۲۰۰۲). The prevention of reading difficulties. *Journal of School Psychology*, ۴۰(۱), ۷-۲۶.
- United Nations Educational, Scientific and Cultural Organization (۲۰۰۸). Retrieved ۲۰۱۲; <http://stats.uis.unesco.org>
- United Nations Educational, Scientific and Cultural Organization (۲۰۰۵) Retrieved ۲۰۱۲; <https://en.unesco.org/>
- United Nations Educational, Scientific and Cultural Organization (۲۰۱۲). Retrieved ۲۰۱۲; <https://en.unesco.org/>
- Van den Berg, H., and Bus, A. G. (۲۰۱۴). Beneficial effects of BookStart in temperamentally highly reactive infants. *Learning and Individual Differences*, ۳۶: ۶۹-۷۵.
- Vygotsky, L. S. (۱۹۷۸). *Mind in Society: The Development of Higher Psychological Processes*. Massachusetts, MA: Harvard University Press.
- Wang, H. H. (۲۰۱۴). Home Literacy Environment, the Quality of Mother-Child Book Reading Interactions, and Taiwanese Children's Early Literacy Development. Doctoral dissertation. Syracuse University, USA.
- Whitehurst, G. J., and Lonigan, C. J. (۱۹۹۸). Child development and emergent literacy. *Child Development*, ۶۹(۳):۸۴۸-۸۷۲.
- Whitehurst, G. J., and Lonigan, C. J. (۲۰۰۱). Emergent literacy: Development from prereaders to readers. *Handbook of Early Literacy Research*, ۱: ۱۱-۲۹.
- Whitehurst, G. J., Epstein, J. N., Angell, A. L., Payne, A. C., Crone, D. A., and Fischel, J. E. (۱۹۹۴). Outcomes of an emergent literacy intervention in Head Start. *Journal of Educational Psychology*, ۸۶(۴): ۵۴۲-۵۵۵.
- Wu, C. C. (۲۰۰۷). Reading Beliefs and Strategies of Taiwanese Mothers with Preschoolers in Relation to the Children's Emergent Literacy. Doctoral dissertation. Syracuse University, USA.
- Yaden, D. B., Rowe, D. W., and MacGillivray, L. (۲۰۰۰). A polyphony of perspectives. Retrieved January, ۱۴(۲): ۱۰۰۰-۱۰۰۵.
- Zill, N., and Resnick, G. (۲۰۰۶). Emergent literacy of low-income children in Head Start: Relationships with child and family characteristics, program factors, and classroom quality. *Handbook of Early Literacy Research*, ۲: ۳۴۷-۳۷۱.



مادری در فیلم سینمایی لیلا

(تحلیل روایت بر مبنای سه رویکرد سنت‌محور، مدرن/فمینیستی و اسلامی)

حمیده طائب؛ دانشجوی دکتری

hamta1982@yahoo.com

طوبی شاکری گلپایگانی؛ عضو هیئت علمی دانشگاه تربیت مدرس

t.shakeri@modares.ac.ir

محمد رضایی؛ مدیر گروه مطالعات فرهنگی دانشگاه علم و فرهنگ

rezaeim@modares.ac.ir

محسن ایمانی؛ عضو هیئت علمی دانشگاه تربیت مدرس

eimanim@modares.ac.ir

چکیده

مقاله حاضر به تحلیل روایت مادری در سینمای ایران با بررسی فیلم سینمایی لیلا ساخته داریوش مهرجویی پرداخته است. به این منظور، ادبیات مفهومی در حوزه مادری در قالب سه رویکرد سنت‌محور، مدرن/فمینیستی و اسلامی مطرح و بر اساس آن، فیلم تحلیل شده است. نتیجه این که در فیلم لیلا زن و مادری در رویکرد اسلامی مورد توجه قرار نگرفته و تقابل سنت و مدرنیته و پیامدهای آن بر زن و مادری مدنظر قرار گرفته است. بنابراین مادر متناسب با رویکرد اسلامی در این فیلم معرفی نشده و زن و مادری زیستی به صورت جداگانه مدنظر است.

واژگان کلیدی: مادری زیستی، مادری اجتماعی، سنت‌محور، مدرن/فمینیستی، اسلام.

مقدمه

تاکنون تحلیل فیلم‌ها از منظرهای متعددی چون منظر تاریخی، بر اساس فناوری‌های بی‌ثبات تولید، به مثابه شکلی از هنر، بر اساس شهرت فیلم‌ها، بازیگران و کارگردانان؛ به مثابه صنعت فرهنگ‌سازی و حوزه اصلی تولید ذهنیت فردی و هویت ملی ارائه شده است (استوری، ۱۳۸۵: ۱۴۳). از سویی، سینما از دیدگاه بنیانگذار جمهوری اسلامی ایران "یکی از مظاهر تمدن است که باید در خدمت تربیت این مردم باشد..." (خمینی، ۱۳۵۷ الف: ۱۵) و یک راه تربیتی است که باید اخلاقی (خمینی، ۱۳۵۷ ب: ۳۵)، مفید برای ملت و رشد آنان (خمینی، ۱۳۵۷ پ: ۵۴)، آموزنده و خلاف فساد باشد (خمینی، ۱۳۵۷ ت: ۴۲۷) که مطابق شدن آن با اخلاق انسانی-اسلامی نیازمند صرف وقت و زحمت است؛ زیرا افکار به این طرز تفکر عادت کرده و باور دارا بودن خود از یک فرهنگ بزرگ انسانی با ارزش‌های اسلامی مستلزم زحمت طولانی مدت است (خمینی، ۱۳۶۲: ۲۱۷-۲۱۶). از دیدگاه مقام معظم رهبری، هنر از جمله سینما با این که نسبت به قبل انقلاب، خیلی خوب شده اما نسبت به آن‌چه باید باشد، عقب است و کاستی‌های زیادی دارد که این عرصه نیز مستلزم نمود خودباوری و نمایش شاخصه بزرگی ملت ایران و انقلاب آن است (خامنه‌ای، ۱۳۷۷ ب: ۲۱۸). به علاوه، ایشان از هنر به عنوان وسیله، ابزار و رسانه‌ای بسیار مهم یاد می‌کنند (خامنه‌ای، ۱۳۸۳: ۲۶) که سینما به عنوان هنر بسیار پیچیده، برجسته، ضرورت و نیاز برای کشور (خامنه‌ای، ۱۳۸۵: ۵۲) و به مثابه یک رسانه از سلاح، موشک و بمب اتم نیز تأثیر بیشتری دارد و مهم‌ترین ابزار جنگ بین قدرت‌ها در دنیاست (خامنه‌ای، ۱۳۸۳: ۲۶-۲۵). ایشان که افق دیدشان را ملت‌های دنیا می‌دانند، با اشاره به لزوم به کارگیری هنر در راستای معرفی معارف قرآن و ارزش‌های الهی و اسلامی به عنوان احتیاج دنیا (خامنه‌ای، ۱۳۷۰: ۲۳۵)، هنر را قابل نفوذ در نهایی‌ترین لایه‌های ذهن انسان، ماندگار و سازنده عنوان می‌کنند (خامنه‌ای، ۱۳۷۷ الف: ۶۹) و در خصوص زن در کارهای هنری از جمله سینما چنین می‌فرمایند:

...امروز... در انواع کارهای هنری... ببینید با چه دیدی به زن نگریده می‌شود؟... آیا آن عواطف رقیق، آن مهربانی و خوی مهرآمیزی که خدای متعال در زن به ودیعه گذاشته است: خوی مادری، روحیه نگهداری از فرزند و تربیت فرزند مورد توجه است یا جنبه‌های شهوانی و به تعبیر



آن‌ها عشقی؟ (که این تعبیر غلط و نادرستی است. این شهوت است نه عشق!) زن را این‌گونه خواستند پرورش و عادت دهند: به‌عنوان یک موجود... مصرف‌کننده دست‌ودلباز و کارگر کم‌توقع و کم‌طلب و ارزان. اسلام این‌ها را برای زن ارزش نمی‌داند... (خامنه‌ای، ۱۳۷۱: ۱۲۹)

در این راستا، نقش مادری به‌جای کلیتی به نام زن برای مقاله حاضر انتخاب شد، زیرا اولاً تحقیقات موجود، تاکنون به این نقش زنان در سینما از منظر اسلامی به‌طور مستقل نپرداخته‌اند. ثانیاً در قرآن، تربیت انسان مطرح است و جنسیت، شاخصه بررسی میزان ارزشمندی او نیست. به‌عبارتی، انسان‌ها در هر نقش و جایگاهی که قرار دارند باید تقوای الهی را رعایت کرده و مسیر تکاملی خود را طی نمایند (قرآن کریم، حجرات، ۱۳). بنابراین «مادری» به‌عنوان یکی از نقش‌هایی که زنان می‌توانند ایفا کنند، قابلیت بررسی از دیدگاه اسلام را دارد. ثالثاً نظر به ضرورت تکثیر نسل که در سال‌های اخیر مورد تأکید رهبری نظام قرار گرفته است (خامنه‌ای، ۱۳۹۲)، توجه به مادر را به‌عنوان یکی از عوامل مهم و مؤثر برای تحقق آن، به همراه دارد. انتخاب سینما نیز از آن جهت است که یکی از رسانه‌های پرمخاطب بوده و علاوه بر بازنمایی فرهنگ موجود جامعه، فرهنگ‌سازی می‌نماید. هرچند که نظریه‌پردازی‌های اخیر در خصوص اثرهای ارتباط جمعی، حاکی از آن است که بیشتر آثار این رسانه‌ها به‌صورت کلی رخ نمی‌دهند بلکه به متغیرهای دیگر بستگی دارد (سورین و تانکار، ۱۳۸۴: ۴۱۷)؛ اما نمی‌توان منکر آثار نسبی آن گردید. بنابراین روایت فیلم لیلا از مادری با توجه به سه رویکرد سنت‌محور، مدرن/فمینیستی و اسلامی مورد تحلیل قرار می‌گیرد.

مرور پیشینه‌ها

در حوزه تحقیقات خارجی، مقاله‌ای در خصوص آنجلینا جولی و مادری در قرن بیست و یکم منتشر گردید (پیت، ۲۰۰۸) که در آن به گفتمان اجتماعی غربی در اوایل قرن ۲۱ یعنی جمع پرتناقض و دور از واقعیت وظایف مادری، اشتغال و جذابیت جنسی با تأکید بر بدن اشاره شده است. در سطح تحقیقات داخلی نیز در قالب بررسی نقش والدین در سینمای ایران (شاه‌آبادی، ۱۳۹۱)، مادری مورد توجه قرار گرفته است که به‌علت مبنا قرار دادن ولایت مرد بر زن در خانواده و عدم ذکر ادله قرآنی و یا روایی برای آن، از اعتبار لازم برخوردار نیست. در تحقیق دیگری به نقش مادر در سه نمایشنامه پرداخته شده (جباری‌آذربایجانی، ۲۰۱۲) و با تأکید بر تکثرگرایی پست‌مدرن، بر عدم شاخص واحد برای مادری خوب اشاره می‌کند و در صدد است نشان دهد تعریف مستقلی از واژه مادر خوب (زیستی)، ممکن نیست و انتخاب مادران درباره فرزندانشان بستگی به شرایط و بزنگاه‌های زندگی آن‌ها دارد. همچنین در تحقیقی که به تحلیل گفتمان خانواده مبتنی بر جهانی شدن و دین‌مداری (مدرنیته و سنت) در فیلم‌های سینمایی می‌پردازد (دیندار، ۱۳۹۱)، به جدال دو گفتمان مدرنیته و سنت در خانواده و غلبه مدرنیته در اکثر موارد اشاره دارد؛ اما این خطای مبنایی را دارد که دین اسلام را ذیل گفتمان سنت قرار می‌دهد، در حالی که اسلام برخلاف دین تحریفی یهودیت و مسیحیت، ذیل سنت قرار نمی‌گیرد و خود، گفتمان جداگانه‌ای را تشکیل می‌دهد. اما نزدیک‌ترین تحقیق به موضوع مقاله حاضر، پژوهشی درباره بازنمایی زن به‌عنوان مادر در فیلم‌های بالیوودی است (دادجوی، ۲۰۱۲) که در آن با استفاده از نظریه بازنمایی هال و روش نشانه‌شناسی بارت به این نتیجه رسیده که فداکاری و ایثار مادر برای نگهداری فرزند که همواره پسر است، همراه با غم جدایی از او در فیلم‌های هندی بوده است و عدم ازدواج مادر بعد از فقدان شوهر و خلاصه کردن تمام زندگی خود برای فرزند، شاخصه اوست. اما در مقاله حاضر، فیلم لیلا بر اساس سه رویکرد سنت‌محور، مدرن/فمینیستی و اسلامی بررسی می‌شود که در تمام تحقیقات انجام شده، فقط مادری زیستی مورد توجه قرار گرفته و جای مفهوم مادری از منظر رویکرد اسلامی در آن‌ها خالی است.

روش شناسی

با توجه به این‌که تاکنون هیچ روشی که مستقیماً برای تفسیر داده‌های بصری به‌کار رود، وجود ندارد و فیلم‌ها به منزله متون بصری تلقی می‌شوند که از طریق پیاده کردن گفت‌وگوهای فیلم یا بازگویی داستان آن به‌مثابه متن، مورد تحلیل واقع می‌شوند (فلیک، ۱۳۹۲: ۲۶۸)؛ فیلم‌های سینمایی بر اساس روش تحلیل محتوای کیفی و تحلیل روایت بررسی شده است. همچنین با توجه به این‌که فیلم به‌مثابه یک روایت، هم یک شیوه استدلال و هم یک شیوه بازنمایی است (برگر، ۱۳۸۰: ۲۴)؛ الگوی تحلیل موضوعی^۱ روایت برای استخراج مفهوم مادری در سینما اتخاذ می‌شود (غلامرضاکاشی، ۱۳۹۳: ۴۹۷-۴۹۳). بنابراین، شخصیت مادر با توجه به ادبیات مفهومی تحقیق، در فیلم لیلا طی این مراحل مورد بررسی قرار گرفت:

فیلم به‌مثابه یک کل در نظر گرفته شد و حین تماشا، شخصیت‌ها، برداشت‌ها، سؤال‌ها و شبکه‌های معنایی آشکار یادداشت گردید (فلیک، ۱۳۹۲: ۲۶۷).

گفتگوها، موقعیت‌ها، کنش‌ها و واکنش‌های موجود در هر سکانس از ابتدا تا انتهای فیلم نوشته شد و حین آن، نکاتی که از شخصیت‌ها و رمزگان ایدئولوژیک و اجتماعی به ذهن می‌رسید افزوده شد که این کار معمولاً مستلزم بارها و بارها دیدن هر سکانس بود.



سكانس‌ها بر اساس حضور شخصیت‌ها در آن که مستلزم چینش مجدد سكانس‌های مرتبط با هر شخصیت در کنار هم بود تفکیک شد و چه‌بسا یک سكانس با توجه به حضور چند شخصیت، ذیل هر شخصیت حاضر در آن بازنویسی گردید.

سكانس‌های حاوی هر شخصیت برای نیل به تحلیل آن شخصیت، مطالعه شد.

فیلم برای رفع ابهامات موجود در تحلیل شخصیت‌ها و پاسخ‌گویی به سؤال‌های تحقیق، مکرراً تماشا و یادداشت‌برداری گردید.

برای قرار دادن خود در موقعیت هر شخصیت جهت درک هر چه بیشتر او تلاش شد و این معمولاً مستلزم چند روز صرف وقت برای هر شخصیت به‌ویژه شخصیت اصلی یعنی زن و مادر بود.

تحلیل فیلم با توجه به سؤال تحقیق نوشته شد.

ادبیات مفهومی

ادبیات مفهومی موجود در خصوص مادری را می‌توان در قالب سه رویکرد زیر مطرح نمود:

رویکرد سنت‌محور:

در این رویکرد، یک نوع همسویی بین وضعیت زن و مادری زیستی در عرف جامعه سنتی، دیدگاه فلاسفه و دین یهود و مسیحیت (کتاب مقدس، سفر تکوین، فصل دوم، آیه ۲۴-۲۲؛ فصل سوم، ۱۲، ۱۶، ۱۷) دیده می‌شود که همگی شاخصه هویتی زن را به تولید نسل الصاق کرده‌اند. نکته در خور تأمل، تناقض موجود درباره زن و مادری است؛ از یک‌سو، زن و مادری زیستی کاملاً در هم تنیده‌اند و اساساً شاخصه هویتی زن به باروری اوست؛ از سوی زن از منزلت بسیار پایین و کمتر از انسان برخوردار است (ارسطو، ۲۰۱۵: جلد ۲، ۵؛ جلد ۱، ۲۰؛ ارسطو، ۱۳۶۴: ۱۱) و در عین حال، مادری مقدس قلمداد می‌شود! این تناقض را می‌توان چنین تبیین نمود که جنس زن برای همگان مادون انسانی است و فقط برای فرزندش مقدس و محترم است.

رویکرد مدرن/فمینیستی:

در این رویکرد، دین به‌عنوان عامل مؤثر در زندگی و پیوندش با رویکرد سنت‌محور، به‌حاشیه رانده شد و شاهد تنوع نظریات و دیدگاه‌های فمینیستی در حوزه مادری و در تقابل با رویکرد سنت‌محور هستیم. ماحصل مباحث زنان در رویکرد مدرن/فمینیستی بیانگر آن است که مقوله زن از مادری جدا شده و برخلاف دوران سنتی، زن و مادری دو روی یک سکه محسوب نمی‌شوند. تلاش فمینیست‌ها این بود که هویت زن را جدای از مادری تعریف کنند و زن نه در ارتباط با فرزند، بلکه به‌خاطر انسان بودنش، هویت مستقل و شخصی پیدا کند و به دلیل این که مادری، وجه تمایز بارز زنان با مردان بود، زنان با حذف مادری و یا به‌حاشیه راندن آن، درصدد هرچه شبیه‌تر شدن به مردها شدند. فمینیست‌های جدید، مادری را امری ضروری برای کشف خود و نه کشف تمام و کمالی معرفی کردند که زنان از طریق آن به کشف پیچیدگی تجربه زنانه‌ای که با شادی و رنج عجین است، می‌پردازند (طاهری، ۱۳۸۶: ۷۹).

هرچند که کاهش مولید قبل از به‌وجود آمدن وسایل ضد بارداری و ابتدا در مجامع پیشرفته مادی و خانواده‌های مرفه صورت گرفت که این، فرضیه کاهش مولید به خاطر مشکلات اقتصادی و یا ظهور وسایل ضد بارداری را رد می‌کند (میس^۱، ۲۰۰۸) و به فرهنگی بودن این مفهوم دلالت دارد. بدین ترتیب، در دوران مدرن، مادری یک تجربه مشترک جهانی نیست و شاهد گفتمان مادری هستیم (پیت، ۲۰۰۸) و مادری قابل تقسیم به مادری زیستی و مادری اجتماعی است. مادری زیستی شامل مادری ژنتیک (صاحب تخمک) و مادری بیولوژیک (صاحب رحم) می‌شود (امیرمظاهری، ۱۳۹۰) و مادری اجتماعی به‌عنوان عرف مادری یا نهاد مادری نیز یاد می‌شود.

رویکرد اسلامی:

برای بیان مادری اسلامی و دیدگاه اسلام درباره زن در دوره معاصر، با مشکلات و دشواری‌هایی مواجهیم؛ زیرا از یک‌سو، برخی از آثار دینی و اسلامی در نگاه نخست، متفاوت و مخالف با یک‌دیگر به‌نظر می‌آیند و از سوی دیگر، برخی عادات ملل اسلامی، با تعالیم اصیل اسلامی به‌گونه‌ای آمیخته شده که پژوهشگر تصور می‌نماید این‌ها همه از اسلام است. بنابراین، محقق باید ابتدا بین تعالیم دینی مستقیم و مستند، با عادات موروثی تمایز قائل شود و سپس بین متون دینی مستند، این دو بخش را تفکیک نماید: بخشی درباره زن و شئون او که مربوط به مرحله‌ای معین از تاریخ است و بخش دیگری که مبتنی بر تعالیم بنیادین و جاودان است (صدر، ۱۳۹۱: ۱۴-۱۳). بنابراین، برای تبیین مفهوم زن و مادری در رویکرد اسلامی، باید به کتاب آسمانی قرآن مراجعه کرد که با حفاظت الهی، مصون از تحریفات بوده و اصلی‌ترین منبع شناسایی دین مبین اسلام است. مطالب مربوط به زن در قرآن را می‌توان در قالب دو دسته، مطرح نمود: اول، زن به‌عنوان انسان که در این حوزه، زن و مرد از زمان آفرینش و هبوط و حقوق و تکالیف با هم برابرند؛ که بیشتر آیات قرآن مربوط به این حوزه است. دوم، زن به‌عنوان انسانی که مرد نیست و در نتیجه، حقوق و تکالیف متفاوتی نسبت به مرد دارد؛ همان‌طوری که مرد نیز به سبب تفاوت‌هایش با جنس زن، دارای حقوق و تکالیف متفاوت است. آیاتی که در این گروه قرار می‌گیرند، معدود بوده که از جمله آن‌ها آیات مربوط به مادری است. مادری



در قرآن به سه شاخه مادری زیستی، مادری شبیری (قرآن کریم، نساء، ۲۳) و مادری اجتماعی (قرآن کریم، احزاب، ۶) تقسیم می‌شود و مادری زیستی شامل حال همه زنان نمی‌شود (قرآن کریم، شوری، ۴۹ و ۵۰).

یافته‌ها

زنان در فیلم لیلا شامل لیلا و مادر رضا به مثابه دو شخصیت اصلی و مادر لیلا، گیتی همسر دوم رضا، مهری همسر برادر لیلا؛ خواهران، خاله و عمه رضا؛ نازگل خواهر لیلا و پزشک لیلا می‌شود. در مجموع، زنان در فیلم لیلا، به جز مادر لیلا که خنثی در جریان فیلم است، دارای شأن مادری اجتماعی با اثرگذاری منفی بر روند خانواده هستند. به تعبیر امام (ع) که زنان را مبدأ مفاسد و مصالح می‌دانند (خمینی، ۱۳۶۱: ۱۹۲)، زنان این فیلم معمولاً منشأ مشکلات و در مواردی موجب مفاسدند و در مقابل آنان، مردانی ضعیف و تحت سلطه قرار دارند که قادر به مقابله با زنان نبوده و شخصیت اصلی مرد یعنی رضا، مهره دست دو زن در جایگاه مادری اجتماعی یعنی مادر و همسرش قرار دارد که البته سایر زنان اعم از خاله، عمه، خواهران و حتی پزشک معالج نیز بر رویکرد او و انتخاب‌های نادرستش مؤثرند. اما مادری زیستی هم در این فیلم اغلب به صورت منفی است؛ یعنی مادر رضا در نقش مادر سلطه‌گر، خودخواه و مخرب زندگی فرزند؛ لیلا به‌عنوان نامادری بی‌تدبیر، بدقول، ضعیف و بی‌توجه به فرزند؛ گیتی به‌عنوان مادر رحمی، رها کننده فرزند و بی‌محبت به او و مهری به‌عنوان مادری که به دیده تحقیر و با گلایه از فرزندان یاد می‌کند، دیده می‌شوند که هیچ‌یک در رویکرد اسلامی قرار نمی‌گیرند (خمینی، ۱۳۶۳: ۴۷۱؛ خمینی، ۱۳۵۷: ۴۱۴؛ خمینی، ۱۳۵۸: ۴۴۵-۴۴۴) و تنها می‌توان از مادر لیلا به‌عنوان نزدیک‌ترین شخصیت به مادری اسلامی یاد نمود که به‌خاطر عدم ظلم، عدم دخالت در زندگی فرزندان، خوش‌رویی، مهربانی و حلقه اتصال اعضای خانواده بودن، نزدیک به مادر اسلامی است (خمینی، ۱۳۸۵: ۳۶۰). هرچند که به علت کمبود ویژگی‌های فعالانه (خمینی، ۱۳۵۷: ۲۹۴)، شاید بیشتر در قالب مادر سنتی-اسلامی قابل تعریف باشد. بنابراین، زن و مادری در فیلم لیلا تلفیقی از الگوهای سنتی و مدرن/فمینیستی است و نمی‌توان مادری اسلامی را از آن استنباط نمود. ضمن این‌که مادری زیستی و مادری اجتماعی در این فیلم از هم تفکیک شده‌اند و لیلا به‌عنوان مادر اجتماعی در جایگاه معشوق قرار دارد که مادری زیستی نیست و در عین حال، مادری زیستی فرزند شوهرش را گیتی بر عهده دارد که او نیز معشوق مردی دیگر است و در حد رحم اجاره‌ای و مادر زایا برای فرزندش بدون روابط مادرانه است.

نتیجه‌گیری

در فیلم لیلا، از یک سو با توجه به رویکرد مدرن/فمینیستی، زن به‌عنوان مظهر عشق و با اولویت همسری مورد نظر است و مادری او به حاشیه رانده شده؛ از سوی هونز باور رویکرد سنت‌محور مبنی بر اولویت مادری به همسری در ازدواج، ظهور و بروز قوی دارد و زوجین در تعارض این دو لبه قیچی قرار می‌گیرند که نهایتاً منجر به پاشیدگی نهاد خانواده می‌شود.

از منظر مطالعات زنان، این فیلم به معضل ناباروری و واکنش مدرنیته و سنت با آن می‌پردازد. راهکار علم و سبک زندگی مدرن، پیگیری راه‌های درمانی و در صورت عدم موفقیت، پذیرش فرزندخوانده از پرورشگاه است؛ اما راهکار سنتی برای مرد نابارور، طلاق و برای زن نابارور، تعدد زوجات است که از منظر برخی زنان، معادل طلاق محسوب می‌شود و فروپاشی نهاد خانواده، از بین رفتن روابط عاطفی و آسیب دیدن فرزندان را به همراه دارد. اما با توجه به اصل عدالت و عدم ظلم در رویکرد اسلامی، حفظ خانواده در اولویت اول است و با توجه به بیان قرآن درباره ناباروری برخی زوجین (قرآن کریم، شوری، ۵۰)، باید به‌عنوان حقیقت پذیرفته شود و زوجین با آن کنار بیایند، نه این‌که کانون خانواده را به‌خاطر آن نابود نمایند و دل یک‌دیگر را به‌خاطر موضوعی که اختیاری در آن ندارند، بشکنند و نهایتاً با تعدد زوجات، فرزندی را وارد دنیایی کنند که عاطفه والدینی در انتظارش نیست و به‌خاطر او دل دو زن شکسته شده و دو نهاد خانواده پاشیده شده است.

هم‌چنین رویکرد مدرن/فمینیستی در این فیلم به‌گونه‌ای است که زن‌سالاری در بستر خانواده سنتی، ترکیب جدیدی از سلطه‌گری زنانه را به‌وجود آورده و مردها و نهایتاً خانواده را قربانی کرده است.^۱ به‌علاوه، با تفکیک مادری زیستی از همسری، گویی همسری در مقام معشوقه در ازدواج، اولویت اول است و مادری زیستی، خودش موضوعیت ندارد و در خدمت زوج عاشق قرار می‌گیرد تا به‌وسیله فرزندش و ما به ازای دریافت پول، رونق‌بخش زندگی آنان شود. در نتیجه، مادری زیستی و فرزند او قربانی سلطه نفسانیات و مدیریت زنانه می‌شوند. به‌علاوه، انفعال و ضعف زوج جوان در برابر مادر سلطه‌گر، بیان‌گر سلطه مادرسالاری و سنت‌ها در زندگی موجود است و گویی، مادر در درجه اول و سپس همسر که مهره دست مادر است، مبدأ تمام گرفتاری‌های موجود می‌شوند. اما این‌که این زن‌سالاری در تقابل با مردسالاری قرار گیرد، نکته‌ای است که شاید از طریق برقراری تقابلی‌های دوتایی تحلیل‌گفتمانی و روابط جانشینی حاصل شود، اما آنچه از محتوای روایت و مبنا قرار دادن دیدگاه امام خمینی حاصل می‌شود، مردسالاری و زن‌سالاری مطرود بوده و هر دو در تقابل با خداسالاری قرار می‌گیرند. بنابراین، مادری در فیلم لیلا در قالب رویکرد اسلامی قرار نمی‌گیرد، هرچند که به سبب رعایت عفاف و حجاب به این رویکرد نزدیک شده است؛ اما معضلات ناشی از تقابل دو رویکرد سنت‌محور و مدرن/فمینیستی در این فیلم مشاهده می‌شود.



- قرآن کریم.
- ارسطو. (۱۳۶۴). سیاست، ترجمه حمید عنایت، چاپ چهارم، تهران، چاپخانه سپهر.
- استوری، جان. (۱۳۸۶). مطالعات فرهنگی درباره فرهنگ عامه، ترجمه حسین پاینده، تهران، آگه.
- امیرمظاهری، امیرمسعود؛ شریفی، منصوره. (۱۳۹۰). «بررسی جامعه‌شناختی ورود زیست‌فناوری‌های باروری به مقوله مادری»، مطالعات جامعه‌شناسی، پاییز: ۹۱-۱۰۶، ۱۲.
- برگر، آرتور آسا. (۱۳۸۰). روایت در فرهنگ عامیانه، رسانه و زندگی روزمره، ترجمه محمدرضا لیراوی، تهران، سروش.
- خامنه‌ای، علی. (۱۳۷۰). سخنرانی در دیدار با گروهی از خانواده‌های شهدا و [مستولان و دانشجویان دانشگاه هنر در تاریخ ۱۳۷۰/۸/۱، نقل در نرم‌افزار حدیث ولایت.
- خامنه‌ای، علی. (۱۳۷۱). بیانات در دیدار گروهی از زنان، به مناسبت فرخنده میلاد حضرت زهرا(س) و «روز زن» در تاریخ ۱۳۷۱/۹/۲۵، نقل در نرم‌افزار حدیث ولایت.
- خامنه‌ای، علی. (۱۳۷۷ الف). دیدار با مسئولان کانون پرورش فکری کودکان و نوجوانان در تاریخ ۱۳۷۷/۲/۲۳، نقل در نرم‌افزار حدیث ولایت.
- خامنه‌ای، علی. (۱۳۷۷ ب). بیانات در دومین روز از دهه‌ی مبارکه‌ی فجر (روز انقلاب اسلامی و جوانان) در تاریخ ۱۳۷۷/۱۱/۱۳، نقل در نرم‌افزار حدیث ولایت.
- خامنه‌ای، علی. (۱۳۸۳). بیانات در جمع کارکنان سازمان صداوسیما در تاریخ ۱۳۸۳/۲/۲۸، نقل در نرم‌افزار حدیث ولایت.
- خامنه‌ای، علی. (۱۳۸۵). بیانات رهبر معظم انقلاب اسلامی در دیدار جمعی از کارگردانان سینما و تلویزیون در تاریخ ۱۳۸۵/۳/۲۳، نقل در نرم‌افزار حدیث ولایت.
- خامنه‌ای، علی. (۱۳۹۲). بیانات در دیدار اعضای همایش ملی «تغییرات جمعیتی و نقش آن در تحولات مختلف جامعه»، تاریخ بازدید: ۱۳۹۳/۸/۱۳، برگرفته از www.khamenei.ir.
- خمینی، روح‌اله. (۱۳۵۷ الف). سخنرانی در بهشت زهرا در تاریخ ۱۳۵۷/۱۱/۱۲، نقل در نرم‌افزار مجموعه آثار امام خمینی(ره). صحیفه امام: ج ۶
- خمینی، روح‌اله. (۱۳۵۷ ب). سخنرانی در جمع ایرانیان مقیم خارج درباره جمعیت اسلام در تاریخ ۱۳۵۷/۷/۲۴، نقل در صحیفه امام: ج ۴ نرم‌افزار مجموعه آثار امام خمینی(ره).
- خمینی، روح‌اله. (۱۳۵۷ پ). سخنرانی در جمع ایرانیان مقیم خارج درباره تبیین انگیزه‌ها و اهداف قیام در جمع ایرانیان مقیم خارج درباره الهی بودن قیام ملت ایران در تاریخ ۱۳۵۷/۸/۲۹، نقل در صحیفه امام: ج ۵ نرم‌افزار مجموعه آثار امام خمینی(ره).
- خمینی، روح‌اله. (۱۳۵۷ ت). سخنرانی در جمع ایرانیان مقیم خارج (شاه، مجرم واقعی است) در تاریخ ۱۳۵۷/۸/۱۸، نقل در صحیفه امام: ج ۴ نرم‌افزار مجموعه آثار امام خمینی(ره).
- خمینی، روح‌اله. (۱۳۵۷ ث). مصاحبه با مجله هفتگی «آمستردام نیوروی هلند» درباره حکومت اسلامی در تاریخ ۱۳۵۷/۸/۱۸. نقل در صحیفه امام: ج ۴، قم: کتابخانه دیجیتالی نور.
- خمینی، روح‌اله. (۱۳۵۷ ج). مصاحبه با کرکرفت درباره اسلام در تاریخ ۱۳۵۷/۱۰/۷. نقل در صحیفه امام: ج ۵، قم: کتابخانه دیجیتالی نور.
- خمینی، روح‌اله. (۱۳۵۸). سخنرانی در جمع پرسنل مخابرات (نقش پهلوی در انحطاط فکری - رسالت مادری) در تاریخ ۱۳۵۸/۳/۲. نقل در صحیفه امام: ج ۷، قم: کتابخانه دیجیتالی نور.
- خمینی، روح‌اله. (۱۳۶۱). پیام به ملت ایران به مناسبت روز زن (جایگاه زن در فرهنگ اسلامی) در تاریخ ۱۳۶۱/۱/۲۵. نقل در صحیفه امام: ج ۱۶، قم: کتابخانه دیجیتالی نور.
- خمینی، روح‌اله. (۱۳۶۲). سخنرانی در جمع مسئولان وزارت فرهنگ و ارشاد (جایگزینی فرهنگ اسلامی) در تاریخ ۱۳۶۲/۸/۱۷، نقل در صحیفه امام: ج ۱۸ نرم‌افزار مجموعه آثار امام خمینی(ره).
- خمینی، روح‌اله. (۱۳۶۳). پیام به نمایندگان مجلس به مناسبت گشایش دومین دوره مجلس (تعیین اولویت‌ها) در تاریخ ۱۳۶۳/۳/۷. نقل در صحیفه امام: ج ۱۸، قم: کتابخانه دیجیتالی نور.



- خمینی، روح‌اله. (۱۳۸۵). رساله نجاه العباد. چاپ دوم، تهران: موسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی(س). نقل در نرم افزار مجموعه آثار امام خمینی(ره). قم: کتابخانه دیجیتالی نور.
- دیندار، مرتضی. (۱۳۹۱). «تحلیل گفتمان خانواده مبتنی بر جهانی شدن و دین‌مداری (مدرنیته و سنت) (با تحلیل فیلم‌های پرمخاطب سینمای خانواده دو دهه اخیر)»، پایان‌نامه کارشناسی‌ارشد روان-شناسی خانواده‌درمانی، پژوهشکده خانواده، دانشگاه شهید بهشتی.
- سورین، ورنر؛ تانکاره، جیمز. (۱۳۸۴). نظریه‌های ارتباطات، ترجمه علیرضا دهقان، تهران، دانشگاه تهران.
- شاه‌آبادی، محمدحسین. (۱۳۹۱). «سینما و یادگیری اجتماعی: ارزیابی نقش والدین در سینمای ایران (۱۳۸۹-۱۳۵۹) بر اساس معیارهای یادگیری اسلامی»، پایان‌نامه کارشناسی‌ارشد مطالعات سیاست‌گذاری، دانشکده معارف اسلامی و فرهنگ و ارتباطات، دانشگاه امام صادق(ع).
- صدر، موسی. (۱۳۹۱). زهرا(س) فصلی از کتاب رسالت، ترجمه علی حجتی کرمانی، چاپ سوم، تهران، مؤسسه نشر شهر.
- طاهری، نفیسه. (۱۳۸۶). «بررسی چگونگی بازنمایی زنان در سینمای بعد از انقلاب با رویکردی فمینیستی و مطالعه موردی فیلم‌های دنیا-شوکران»، پایان‌نامه کارشناسی‌ارشد مطالعات زنان، دانشکده علوم اجتماعی، دانشگاه علامه طباطبائی.
- غلامرضا کاشی، محمدجواد. (۱۳۹۳). «روش‌شناسی تحلیل روایت و مطالعات فرهنگی»، در حسین میرزایی. درآمدی بر روش‌شناسی مطالعات فرهنگی (مجموعه مقالات)، تهران، پژوهشکده مطالعات فرهنگی و اجتماعی، ص ۴۷۵-۵۰۹.
- فلیک، اووه. (۱۳۹۲). درآمدی بر تحقیق کیفی، ترجمه هادی جلیلی، تهران، نشر نی.
- کتاب مقدس: عهد عتیق و عهد جدید. (۱۳۸۳). ترجمه فاضل خان‌همدانی، ویلیام گلن، هنری مرتن. چاپ دوم، تهران، اساطیر.
- Aristotle. (۲۰۱۵). *On the Generation of Animals* [online], Translated by Arthur Platt. ۱&۲, South Australia: The University of Adelaide Library. <https://ebooks.adelaide.edu.au/a/aristotle/generation/index.html> , Last updated Sunday, March ۲۷, ۲۰۱۶ at ۱۱:۵۰.
- Dadjouy, N. (۲۰۱۲). *Representation of Woman as a Mother in Bollywood Popular Films (Famity and Social Films) in ۱۹۵۰'s and ۲۰۰۰'s*. M.A; University of Tehran; Faculty of World Studies, Department of Indian Studies.
- Jabary Azarbajani, F. (۲۰۱۲). *Women & the Idea of Motherhood; Beliefs & Contradictions Based on the Character of Nora in Henrik Ibsen's A Doll's House, Sara in Daryoush Mehrjoyee's Sara & Marlene in Caryl Churchill's Top Girls*. M.A; University of Tehran; Kish International Campus; Department of English Language and Literature.
- Mace, R. (۲۰۰۸). "Reproducing in Cities". *SCIENCE*, [online] ۳۱۹, pp. ۷۶۴-۷۶۶. Available from: <http://www.sciencemag.org/>. [Accessed ۶ June ۲۰۱۵].
- Pitt, N. (۲۰۰۸). "'Yummy Mummies': Angelina Jolie and Early ۲۱st Century Representations of Mothering". The Australian Sociological Association (TASA), [online] pp. ۱-۱۳. Available from: <https://www.tasa.org.au/>. [Accessed ۶ June ۲۰۱۵].



رابطه سبک والدینی مادران با شادکامی فرزندان آنها در بین دانش آموزان دختر

اعظم محمد بیگی ابهری؛ کارشناسی ارشد

azammohammadbigi@gmail.com

کامران گنجی؛ دکترا، استاد یار

ganjikamran@yahoo.com

فروغ جعفری؛ دکترا، استاد یار

Forugh_jafary@yahoo.com

چکیده:

سبک والدینی، عاملی تعیین کننده واثرگذار است که نقش مهمی را در آسیب شناسی روانی و رشد کودکان ایفا می کند و کیفیت رابطه والد - کودک اثر معناداری روی شادکامی و بهزیستی افراد دارد. هدف این پژوهش، تعیین رابطه بین سبک والدینی مادران با شادکامی دانش آموزان بود. روش پژوهش حاضر همبستگی و جامعه آماری پژوهش شامل کلیه دانش آموزان دختر مقطع متوسطه منطقه ۹ تهران به همراه مادران آنها بود که در سال تحصیلی ۹۷-۱۳۹۶ مشغول به تحصیل بودند. نمونه نهایی پژوهش ۶۴۰ نفر از دانش آموزان و مادران بود (۳۲۰ نفر دانش آموز دختر و ۳۲۰ نفر مادر) که به روش نمونه گیری خوشه ای چند مرحله ای انتخاب شدند. به منظور گردآوری داده ها از پرسشنامه های فرزند پروری بامریند و آزمون شادکامی آکسفورد استفاده شد. تجزیه و تحلیل داده های پژوهش نیز با استفاده از آزمون کولموگروف - اسمیروف، آزمون همبستگی پیرسون و تحلیل رگرسیون انجام شد. نتایج پژوهش نشان داد که بین سبک فرزند پروری استبدادی مادران با شادکامی دانش آموزان رابطه منفی معنادار وجود داشت. همچنین بین سبک فرزند پروری مقتدرانه مادران با شادکامی دانش آموزان رابطه مثبت و معنادار وجود داشت. ولی سبک فرزند پروری آزاد منشانه مادران با شادکامی دانش آموزان معنادار نبود. در مجموع، نتایج تحقیق نشان داد که شیوه فرزند پروری استبدادی مادران به طور منفی شادکامی را در دانش آموزان پیش بینی می کند. همچنین شیوه فرزند پروری مقتدرانه مادران می تواند به طور مثبت شادکامی را در دانش آموزان تبیین کند

مقدمه

روانشناسی مثبت به عنوان روی آورد تازه در روانشناسی با بررسی بهزیستی روانی، شادکامی و سلامت روانی، هیجانهای مثبت، ویژگی های شخصیتی مثبت و نهادهای سالم همچون خانواده را مد نظر قرار می دهد. یکی از مهم ترین هیجانهای مثبت که افزایش آگاهی فرد نسبت به شرایط جسمانی و محیطی را در پی دارد، شادکامی است. از نظر سیلیگمن^۱ (۲۰۰۲) احساس شادکامی به عنوان یک پدیده هیجانی مثبت برای انسان ضروری است و به زندگی او معنا می بخشد. آرگایل، مارتین و لولو^۱ (۱۹۹۵) شادکامی را ترکیبی از وجود عاطفه مثبت، فقدان عاطفه منفی و رضایت از زندگی می دانند. از آن جا که شادکامی نمودی از بهزیستی روانشناختی است و بر کیفیت زندگی تاثیر دارد و با توجه به اینکه یکی از اهداف تعلیم و تربیت، پرورش افرادی هست که از سلامت روانی برخوردار باشند، توجه به عوامل تاثیر گذار بر شادکامی حایز اهمیت است.

از جمله این عوامل می توان به سبک های فرزند پروری اشاره کرد (فورنهایم و چنگ^۱ (۱۹۹۹ و ۲۰۰۰)) سبک های فرزند پروری ترکیبی از رفتارهای والدین هستند که در موقعیتهای گسترده ای روی میدهند و جو فرزند پروری بادوامی را پدید می آورند (برک لورا^۱، ۴۸۰: ۱۳۸۷) بامریند در مطالعات خود سه ویژگی را آشکار می سازد. این سه ویژگی عبارتند از: ۱) پذیرش و روابط نزدیک ۲) کنترل ۳) استقلال دادن. از تعامل این سه ویژگی، سه سبک فرزند پروری مشخص می شود: مقتدرانه، مستبدانه و سهل گیرانه. هرز و گولون^۱ (۱۹۹۹) معتقدند که سبک فرزند پروری و کیفیت رابطه والد - کودک اثر معناداری روی عزت نفس، شادکامی و بهزیستی افراد دارد و شیوه های فرزند پروری عاملی تعیین کننده و اثر



گذار است که نقش مهمی را در آسیب شناسی روانی و رشد کودکان ایفا می‌کند. این که والدین کدام یک از انواع سبک‌های مختلف تربیتی را در خانواده اتخاذ کنند، تاثیر مهمی بر ابعاد مختلف زندگی فرد می‌گذارد (استینبرگ^۱ و همکاران، ۱۹۹۴).

اغلب تحقیقات انجام شده در گذشته روی پیامدهای منفی سبک‌های فرزند پروری تاکید داشتند اما مسیرودر واقع تاکید این مطالعه بیشتر پیامدهای مثبت سبک‌های فرزند پروری یعنی شادکامی است. فورنهام و چنگ (۲۰۰۰) در تعیین شادکامی سبک‌های فرزند پروری، جنسیت، شخصیت و عزت نفس را مورد تاکید قرار داده اند. تاثیر رفتار والدین در شکل گیری رفتار کودکان بسیار مهم و اساسی است. بسیاری از شخصیت‌های بزرگ رابطه دوستانه و پسندیده با والدین خود داشته اند. رابطه مطلوب میان والدین و فرزندان موجب شادمانی و کمترین حد نگرانی در کودکان می‌شود (به نقل از یوسفی ۱۳۸۶). اگرچه رابطه نامطلوب میان والدین و فرزندان به طور کلی تاثیرات منفی در پی دارد، تاثیرات رابطه نامطلوب با مادر بیش از تاثیرات ناشی از وجود این گونه روابط پایدار است؛ زیرا کودکان زمان بیشتری را با مادر می‌گذرانند و در نتیجه تاثیر بیشتری از وی می‌پذیرند می‌توان گفت رفتار اجتماعی کودکان بیشتر متأثر از رفتاری است که از مادر خود مشاهده می‌کنند (به نقل از برک ۲۰۰۷ ص ۳۴۵) راجرز معتقد است که شیوه‌های خاصی که سبب تکامل تصویر خود کودک می‌شود به شدت تحت تاثیر مادر است (شولتز، ترجمه خوشدل، ۱۳۶۲)

دائمی و جان بزرگی در سال ۲۰۱۱ به بررسی تاثیر سبک والدینی و روان بنه های ناسازگار اولیه مادران بر حرمت خود کودکان پرداخته اند. نتایج نشان داد که حرمت خود کودکان، میتواند تحت تاثیر سبک های والدینی و روان بنه های مادران آنها باشد. دبیری و همکاران در سال ۱۳۹۰ به بررسی نقش پیش بینی کننده سبک فرزند پروری و حرمت خود در شادکامی دانشجویان پرداختند. نتایج نشان داد سبک فرزند پروری قاطع با حرمت خود و شادکامی رابطه معنادار دارد. بیشتر مطالعات انجام شده در مورد شادکامی به بررسی ارتباط ساده دو یا چند متغیر پرداخته‌اند و در مجموع مطالعات اندکی درباره اثرات سبک‌های فرزند پروری روی شادکامی خصوصا در کشور ما انجام شده است. شاخه جدید علم روانشناسی و دیدگاه نوینش تحت عنوان رویکرد روانشناسی مثبت نگرد در صد بررسی ظرفیت‌ها و قدرتهای روانشناختی به جای آسیب شناسی روانی است. اعتقاد اساسی در دیدگاه جدید این است که ویژگی‌های مثبت قابل اندازه گیری می‌توانند به عنوان سپری از افراد در برابر حوادث خطرناک محافظت نماید (سلیگمن و سیکسزنت^۱ میهانی، ۲۰۰۰). از اهداف این رویکرد شناسایی و تعریف مفاهیمی است که به تامین سلامتی و شادکامی افراد و بهره مندی آنها از یک زندگی سالم کمک کند. تاثیر عمیق شادکامی بر شخصیت و روابط اجتماعی و به تبع آن سلامت روانی، دلمشغولیهای پژوهش کنونی را رقم زده، و بدین خاطر به واری ارتباط شادکامی با سبک والدینی مادران پرداخته ایم. با توجه به پژوهش های مطرح شده سوال پژوهش حاضر عبارت است از اینکه آیا بین سبک های فرزند پروری مادران با شادکامی فرزندان آنها رابطه وجود دارد؟

روش پژوهش

در این پژوهش هدف بررسی رابطه سبک والدینی مادران با شادکامی فرزندان آنها بود این پژوهش در قالب طرح‌های توصیفی از نوع طرح‌های همبستگی انجام شد. جامعه آماری در این پژوهش، شامل کلیه دانش‌آموزان دختر دبیرستانهای منطقه ۹ تهران که در سال ۱۳۹۵-۱۳۹۶ مشغول به تحصیل بودند به همراه مادران آنها که تعداد کل آنها حدود ۶۰۰۰ نفر بودند را شامل می‌شود. حجم نمونه با استفاده از جدول نمونه گیری مورگان ۶۴۰ نفر تعیین گردید (۳۲۰ نفر دانش آموز و ۳۲۰ نفر مادر) که از میان دانش‌آموزان دبیرستانهای منطقه ۹ تهران به روش خوشه‌ای چند مرحله‌ای انتخاب شدند. به این ترتیب که ابتدا لیستی از مدارس منطقه ۹ آموزش و پرورش تهران تهیه شد، سپس ۵ مدرسه واز هر مدرسه در هر پایه یک کلاس واز هر کلاس ۱۰ نفر دانش آموز به همراه مادران آنها به شیوه تصادفی انتخاب شدند.

بعد از اخذ مجوزهای لازم از آموزش و پرورش به مدارس انتخاب شده رفته و پرسشنامه شادکامی آکسفورد توسط دانش‌آموزان دختر دبیرستانی تکمیل شد و سپس از مادران این دانش‌آموزان دعوت شد به مدرسه آمدند و پس از آشنایی مادران با اهداف پژوهش و کسب اطمینان در خصوص محرمانه ماندن اطلاعات و اعلام رضایت وارد پژوهش شدند. و پرسشنامه شیوه‌های فرزند پروری بامریند در اختیار آنها قرار گرفت. بعد از جمع آوری داده‌ها از ضریب همبستگی پیرسون و تحلیل رگرسیون دو و چند متغییری جهت آزمودن فرضیه‌ها و سنجش



روابط بین متغیرها استفاده گردید. و در تجزیه و تحلیل داده‌ها از نرم افزار Spss استفاده شد. ابزارهای مورد استفاده در این پژوهش عبارتند از:

+ ابزارهای مورد استفاده در این پژوهش عبارتند از:

- پرسشنامه شادکامی آکسفورد

- پرسشنامه شیوه‌های فرزند پروری

پرسشنامه شادکامی آکسفورد (OHI)

این پرسشنامه در سال ۱۹۸۹ توسط آرچیل، مارتین و کراسلند ساخته شد دارای ۲۹ گویه است که هر گویه شامل ۴ عبارت است که عبارت اول نمره صفر، عبارت دوم نمره ۱، عبارت سوم نمره ۲ و عبارت چهارم نمره ۳ می‌گیرد. در نهایت فرد نمره‌ای بین ۰ تا ۸۷ به دست می‌آورد که نمره بالاتر نشانه شادکامی است. آرگایل و همکاران پایایی پرسشنامه آکسفورد را به کمک ضریب آلفای کرونباخ ۰.۹۰ و پایایی بازآزمون آن را طی ۷ هفته ۷۸٪ گزارش کردند.

- پرسشنامه شیوه فرزند پروری با مریند

این ابزار اکتباسی است از نظریه اقتدار والدین که بر اساس نظریه (بامریند) از سه الگوی آزاد گذاری، استبدادی و اقتدار منطقی والدین جهت بررسی الگوهای نفوذ و شیوه‌های فرزند پروری ساخته شده است. این پرسشنامه دارای ۳۰ ماده است که ۱۰ ماده آن به شیوه آزاد گذاری مطلق، ۱۰ ماده به شیوه استبدادی و ۱۰ ماده دیگر به شیوه اقتدار منطقی والدین در امر پرورش فرزند مربوط می‌شود. نمره گذاری آزمون براساس راهنمای خلاصه شده شیوه فرزند پروری با مریند که توسط بامریند در سال (۱۹۹۱) تالیف گردیده است انجام گرفت. که ۱۰ جمله آن به شیوه آزاد گذاری (۱-۱۰-۱۳-۱۴-۱۷-۱۹-۲۱-۲۴-۲۸) و ۱۰ جمله آن به شیوه استبدادی (۲-۳-۷-۹-۱۲-۱۶-۱۸-۲۵-۲۶-۲۹) و ۱۰ جمله دیگر به شیوه اقتدار طلب (۴-۵-۸-۱۱-۱۵-۲۰-۲۲-۲۳-۲۷-۳۰) مربوط می‌شود.

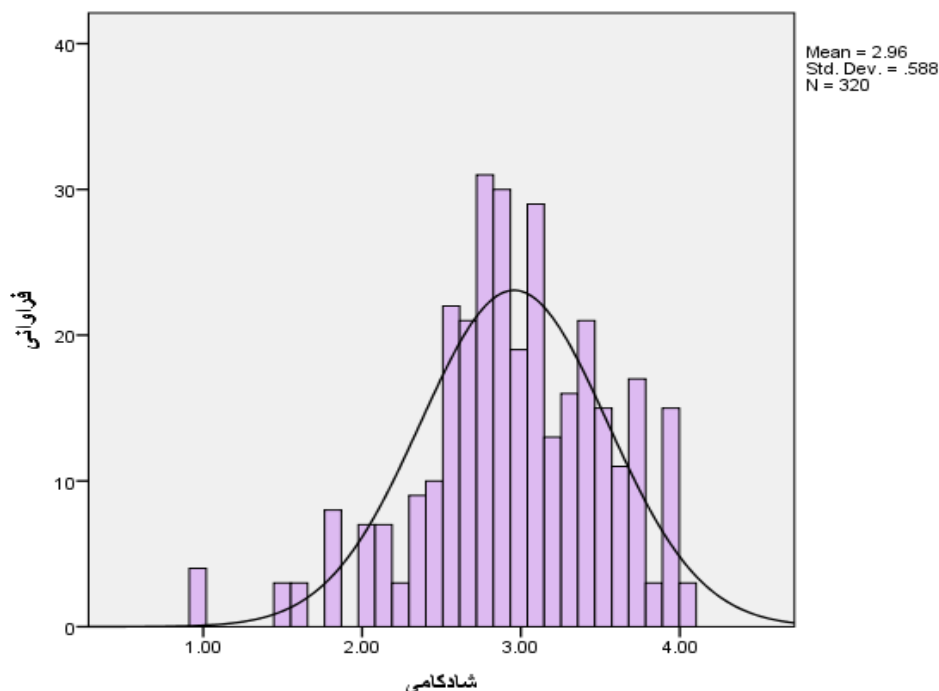
و در مقابل هر عبارت ۵ ستون با عناوین کاملاً " موافقم، موافقم، تقریباً " مخالفم، مخالفم و کاملاً" مخالفم قرار دارد. این پرسشنامه قبلاً توسط اسفندیاری (۱۳۷۴) و بینم (۱۳۷۹) مورد استفاده قرار گرفته است. اسفندیاری پایایی باز آزمایی این پرسشنامه را برای سهل گیرانه ۶۹٪، برای استبدادی ۷۷٪، و اقتدار منطقی ۷۳٪ گزارش کرده است. میزان پایایی این پرسشنامه به روش باز آزمایی ۸۱٪، برای سهل گیر، ۸۵٪، برای استبدادی ۹۲٪، و برای اقتدار منطقی پدران گزارش شده است (بوری، ۱۹۹۱).

یافته های پژوهش:

توصیف شادکامی دانش آموزان

جدول (۱): میانگین و انحراف استاندارد شادکامی در دانش آموزان

متغیر	میانگین	انحراف استاندارد	حداقل	حداکثر
شادکامی	۶۲/۹	۰/۵۸۸	۰/۹۷	۴/۰۷



باتوجه به جدول ونمودار فوق میانگین شادکامی در دانش آموزان ۲/۹۶ بود. چون سوالهای پرسشنامه به صورت طیف چهار درجه ای از ۱ تا ۴ نمره گذاری میشود. عدد وسط طیف چهار درجه ای ۲/۵ می شود. می توان گفت میانگین شادکامی در دانش آموزان بیشتر از حد متوسط بود.

جدول (۲) : ضریب همبستگی برای رابطه سبک والدینی با شادکامی فرزندان

شادکامی فرزندان			سبکهای والدینی
سطح معناداری	مجذور همبستگی	همبستگی	
۰/۰۶۱	۰/۰۱۱	-۰/۱۰۷	آزاد گذاری
۰/۰۰۱	۰/۱۱۳	-۰/۳۳۶	استبدادی
۰/۰۰۱	۰/۳۳۶	۰/۵۸۰	اقتدار منطقی

نتیجه ضریب همبستگی پیرسون در جدول فوق نشان می دهد که،

- ۱- رابطه سبک آزاد گذاری والدین با شادکامی فرزندان منفی بود ولی معنادار نبود ($P > ۰/۰۵$).
- ۲- رابطه سبک استبدادی والدین با شادکامی فرزندان منفی و معنادار بود ($P < ۰/۰۵$). میزان اثر سبک استبدادی والدین بر شادکامی فرزندان ۱۱/۳ درصد بود.
- ۳- رابطه سبک اقتدار منطقی والدین با شادکامی فرزندان مثبت و معنادار بود ($P < ۰/۰۵$). میزان اثر سبک اقتدار منطقی والدین بر شادکامی فرزندان ۳۳/۶ درصد بود.



متغیر	ضرایب	خطا	ضرایب استاندارد	t	سطح معناداری
ثابت	۴/۰۹۸	۰/۰۹۷		۴۲/۲۹۶	۰/۰۰۱
استبدادی	-۰/۱۰۱	۰/۰۳۷	-۰/۱۱۳	-۲/۹۰۲	۰/۰۳۸
اقتدار منطقی	۰/۳۹۲	۰/۰۳۲	۰/۴۷۵	۵/۸۳۹	۰/۰۰۱

نتایج در جدول فوق نشان می‌دهد که، سبک فرزند پروری استبدادی و اقتدار منطقی مادران بر شادکامی فرزندان اثر معنادار داشت ولی اثر سبک فرزند پروری آزاد گذاری بر شادکامی در دانش‌آموزان معنادار نبود.

بحث و نتیجه گیری :

نتیجه ضریب همبستگی پیرسون، رابطه سبک آزاد گذاری مادران با شادکامی فرزندان منفی بود ولی معنادار نبود، رابطه سبک استبدادی مادران با شادکامی فرزندان منفی و معنادار بود و رابطه سبک اقتدار منطقی با شادکامی فرزندان مثبت و معنادار نشان داد. همبستگی مثبت بیانگر آن است که سبک اقتدار منطقی پیش بینی کننده شادکامی می باشد. این یافته ها با پژوهش های فورنهام و چنگ (۲۰۰۰)، چنگ و فورنهام (۲۰۰۴)، و بلوچ تریکو (۲۰۰۸)، دهقانی (۱۳۸۹)، دبیری و همکاران (۱۳۹۰)، جعفرزاده و همکاران (۹۴) دهقانی و همکاران (۱۳۸۹) همخوانی دارد چنان و کو (۲۰۰۹) و کریس و وزیر مسکی (۲۰۰۹) نیز در تحقیقات خود دریافتند که نوع فرزند پروری با طیف وسیعی از رفتارها از جمله بهزیستی ذهنی و بهزیستی روان شناختی رابطه دارد. در خصوص تبیین ارتباط مثبت شیوه فرزند پروری مقتدرانه والدین با شادکامی دانش آموزان و همچنین ارتباط منفی شیوه مستبدانه با شادکامی باید گفت بر پایه پژوهش های انجام شده، شیوه فرزند پروری قاطع با پیامدها تحولی مثبت همچون روابط بهتر با همتایان رابطه دارد (استینبرگ و همکاران ۱۹۹۴) در مطالعه ای مشخص شد نوجوانانی که والدین خود را به عنوان مقتدر طبقه بندی کرده بودند بالاترین نمره را در مقیاس کفایت اجتماعی و کمترین نمره را در مقیاس اختلال روانشناختی و رفتاری کسب کردند (لمبورن، مونتس، استینبرگ و دور نباش ۱۹۹۹) یافته های بامریند نشان داد که فرزندان والدین مقتدر، بسیار خوب پرورش می یابند و شاد و سرحال هستند. (دبیری و همکاران، ۱۳۹۱) مادرانی که دارای سبک والدینی مستبدانه هستند می کوشند رفتارها و نگرش های فرزندان خود را بر اساس مجموعه ای از معیارها که به وسیله حالت سلطه مدار، هدایت می شود، شکل داده و کنترل کنند و فرزندان آنها نمی توانند عقاید و نظرات خود را آزادانه بیان کنند و روابط گرم و صمیمانه ای با والدین خود داشته باشند. لذا شادکامی آنها به سطح بهینه ای نخواهد رسید. سبک مقتدرانه نتیجه محبت و کنترل به صورت توامان است و شاید علت پیامدهای مثبت سبک مقتدرانه این باشد که فرزندان کنترل بالا همراه با محبت بالا را نشانه اهمیت و رسیدگی والدین می دانند (سیموس و کانجر ۲۰۰۷) ترجمه (دبیری و همکاران). نمونه حاضر محدود به دانش آموزان دختر منطقه ۹ تهران میباشد و هر چند از تعداد مناسبی برخوردار بوده اما تعمیم آن به نمونه پسران دانش آموز و سنین و شهرهای دیگر باید با احتیاط صورت گیرد. در پژوهش حاضر صرفاً سبک فرزند پروری مادر بررسی شده است، با توجه به اینکه پدران و مادران در گستره وسیعی از ویژگیهای فرزند پروری متفاوتند، بهتر است تعمیم نتایج آن با احتیاط صورت بگیرد. پیشنهاد می شود در پژوهش های بعدی بر سبک فرزند پروری پدر و تعامل روش های فرزندپروری پدر و مادر و اثرات این تعامل بر فرزندان تمرکز شود. همچنین نقش متغیرهای دیگر نیز در شادکامی مورد بررسی قرار گیرد. پیشنهاد می شود در زمینه آموزش روش های فرزند پروری مثبت به مادران کوشش هایی از طرف دست اندرکاران آموزش و پرورش و سایر نهادهای ذیربط صورت گیرد، تا از عواقب بعدی شیوه های فرزند پروری ناسالم جلوگیری شود. این امر به نوبه خود می تواند در شکل گیری زمینه شادکامی فرزندان نیز موثر باشد.



منابع

- آرگایل، مایکل (۲۰۰۱)، *روانشناسی شادی*، ترجمه گوهری انارکی، مسعود، طاهر نشاط دوست، حمید، پالاهنگ، حسن، بهرامی، فاطمه)، اصفهان: جهاد دانشگاهی
- احمدپور، مژگان (۱۳۸۹) بررسی رابطه شیوه‌های فرزندپروری و سبک‌های دل‌بستگی با رشد اجتماعی کودکان پیش دبستانی، پایان نامه ارشد، دانشگاه تربیت مدرس
- برک، لوران (۱۳۸۷)، *روانشناسی رشد (از لقاح تا کودکی)*، (مترجم یحیی سید محمدی)، تهران: ارسبیا
- جاهدی، سهیلا، رفاهی، ژاله، شریفی، رجایی، سهیلا (۱۳۹۲)، تعیین قدرت پیش بینی کنندگی انسجام و انعطاف پذیری خانواده بر عزت نفس و شادکامی فرزندان، *مجله ارمغان دانش دوره ۱۸، شماره ۱۱، اسفند ۱۳۹۲*
- جوکار، بهرام، رحیمی، مهدی (۱۳۸۶) تاثیر الگوهای ارتباطی خانواده بر شادی در گروهی از دانش‌آموزان دبیرستان شهر شیراز، *مجله روانپزشکی و روانشناسی بالینی ایران، دوره ۱۳، شماره ۳، سال ۱۳۸۶*
- دائمی، فاطمه جان بزرگی، مسعود (۱۳۹۰) تاثیر سبک والدینی و روان بنه‌های ناسازگار اولیه مادران بر حرمت خود کودکان، *مجله علوم رفتاری، دوره ۵، شماره ۲، تابستان ۱۳۹۰*
- دبیری سولماز، دلاور علی، صرامی غلامرضا (۱۳۹۰)، نقش پیش بینی کننده سبک‌های فرزند پروری و حرمت خود در شادکامی دانشجویان، *فصلنامه روانشناسی تربیتی - شماره بیستم، سال هفتم، بهار و تابستان ۱۳۹۰*
- فرخی، الهام، سبزی، ندا (۱۳۹۴) شادکامی و ادراک الگوهای ارتباطی خانواده نقش واسطه‌ای سرمایه‌ی روان شناختی، *مجله روان شناسی تحولی، دوره یازدهم، شماره ۴۳، بهار ۱۳۹۴*
- کشاورز امیر، فایبان محبوبه (۱۳۸۶)، *بررسی عوامل تاثیر گذار بر میزان شادکامی، روانشناسی کاربردی، دوره دوم، شماره ۵، پاییزه ۱۳۸۶*
- میرزاخانی، مهین (۱۳۸۸). *رابطه حمایت ادراک شده در اوایل زندگی، عزت نفس و هوش هیجانی با شادکامی دانشجویان*. پایان نامه ارشد دانشگاه تربیت مدرس

Bloch-Torricco, G (۲۰۰۸) changes in parenting to or Form changes in adolescent well-being? A transactional perspective. Dissertation, Concordia University .

Cheng, H. & Furonham, A (۲۰۰۴) , Percived parental Rearing style, self Esteem and self-criticism as predictor of Happiness journal of happiness studies ۵ (۱) , ۱-۲۱ .

Diaz, Y (۲۰۰۵), Association between parenting and child between problems among Latiro Mothers and children unpublished master thers, university of Mary Land .

Headey, B., Muffel,R. ,&Wagner,G,G. (۲۰۱۴). Parents transmit happiness along with associated values and behaviors to their children: A lifelong happiness dividend? Social indicators research .

Lopez, M (۲۰۰۵), parenting styles and self-esteem clarifying the role of ethnicity presented at the ۸۵th Annula western psychological Association invention, Portland.



تبیین توانمندسازی مادران سرپرست خانوار با رویکرد بیمه‌های اجتماعی

زینب عصمتی؛ عضو هیات علمی دانشکده حقوق و علوم سیاسی دانشگاه آزاد اسلامی واحد کرج

esmati_tehranbar@yahoo.com

محمد مهدی حسینمردی؛ هیئت علمی دانشگاه پیام نور

phd_mardi@yahoo.com

چکیده

رشد قابل توجه جمعیت مادران سرپرست خانوار در جوامع امروزی که از نمودهای تحولات جمعیت‌شناسی جامعه ایران نیز می‌باشد جوامع را با معضل و گاه ابر چالشی جدی در بخش امنیت اجتماعی مواجه نموده تا آنجا که نمی‌توان نسبت به چنین گسسه‌های اجتماعی، فرهنگی، اقتصادی و به چالش کشیدن نظام اخلاق عمومی اغماض روا داشت. امروزه، این مهم نگاه دستگاه‌های اجرایی و تقنینی را در جهت شناخت راهکارهای مربوط به کاهش آسیب‌های اجتماعی ناشی از این پدیده نوظهور و اتخاذ تدابیر قانونی برای اعمال مسئولیت حمایت اجتماعی را به خود معطوف نموده است از این رو هدف اصلی این پژوهش نیز تبیین توانمندسازی مادران سرپرست خانوار در پرتو بیمه‌های اجتماعی و واکاوی قوانین موجود با تاکید بر بیمه‌های اجتماعی و ارائه راهکارهایی براساس الزامات قانونی می‌باشد. این پژوهش توصیفی و تحلیلی است که بصورت کتابخانه‌ای انجام می‌شود. نتایج حاصل از این پژوهش نشان می‌دهد که در ایران حمایت‌های بیمه‌ای به اعتبار اشتغال بوده و مادران سرپرست خانواری که به خانه‌داری می‌پردازند از لحاظ اقتصادی به عنوان جمعیت غیرفعال محسوب شده و از تأمین آینده‌ای مناسب برخوردار نیستند و یا اگر به تبع شوهر شاغل، تحت پوشش برخی از حمایت‌های نظام بیمه‌ای مانند درمان و مستمری بازماندگان قرار گیرند ممکن است به هر دلیلی مانند طلاق و یا مرگ شوهر از شمول بیمه خارج شوند از این رو در حال حاضر احساس ناامنی، نداشتن تکیه‌گاه اجتماعی ناشی از کاهش درآمد، مشکلات تأمین زندگی و همچنین ضعف قوانین، محدودیت‌های حقوقی موجود و وجود مراکز متعدد تصمیم‌گیری در خصوص مادران سرپرست خانوار، عرصه زندگی را برای آنها تنگ کرده است. همچنین نتایج حاصل از این پژوهش نشان می‌دهد که توانمندسازی، شاخص کارآمدی برای ارزیابی وضعیت مادی مادران سرپرست خانوار بوده و تعمیم خدمات بیمه‌های اجتماعی نظیر بازنشستگی، ازکارافتادگی، بیکاری و خدمات درمانی به مادران سرپرست خانوار می‌تواند نقش موثری در کاهش و پیشگیری از آسیب‌های جدی اجتماعی آنها داشته باشد.

واژگان کلیدی: مادران سرپرست خانوار، توانمندسازی اقتصادی، بیمه‌های اجتماعی، قوانین و مقررات

مقدمه

مادران سرپرست خانوار یکی از گروه‌های آسیب‌پذیر اجتماعی به شمار می‌آیند که با مشکلات و موانع زیادی مواجه‌اند. آسیب‌پذیری این گروه باعث بسیاری از مشکلات و آسیب زدن به جامعه نیز می‌گردد. حمایت از مادران سرپرست خانوار به عنوان یکی از گروه‌های آسیب‌پذیر جامعه و در عین حال گروهی که در پایداری توسعه، نقش مهمی دارند نیازمند اتخاذ رویکرد توانمندسازی است. بر این اساس تقویت بعد اقتصادی و ارتقا توان و قابلیت‌های این گروه به عنوان یکی از مولفه‌های اساسی توانمندسازی شناخته شده و در چارچوب آن، خوداتکایی یا خودکفایی اقتصاد خانوار به عنوان یک هدف بنیادین دنبال می‌شود. (منصورآبادی و کرمی، ۱۳۸۵، ص ۱۰۷). در واقع هدف این رویکرد آن است تا گروه‌هایی که در جریان توسعه کنار گذاشته شده‌اند به چرخه اقتصاد رسمی (نظام پرداخت‌ها و بیمه‌های اجتماعی) وارد شوند. گاه‌ا مادران سرپرست خانوار به دلیل نداشتن مهارت، تحصیلات و آگاهی‌های کافی و در نتیجه نداشتن شغل مناسب، درآمد کمی دارند و برای تأمین اقتصاد خانوار با مشکلات و استرس‌ها و تضادهای شخصیتی مواجه می‌باشند. توانمندی اقتصادی به مفهوم توانایی تأمین نیازهای اساسی به صورت پایدار است.



امروزه پدیده خانوارهای «مادر سرپرست» به دلایل مختلف در تمام دنیا رو به فزونی است این گروه از مادران اغلب با عوامل آسیب‌زایی مواجه می‌باشند که در صورت فقدان مکانیسم‌هایی برای اجرای حقوق حمایتی همه جانبه هزینه‌های هنگفتی به جامعه تحمیل خواهند نمود. لذا کنشگری نهادهای دولتی و عمومی غیردولتی از جمله نظام تأمین اجتماعی مخصوصاً بیمه‌های اجتماعی حائز اهمیت است زیرا بیمه تأمین اجتماعی از جمله مهم‌ترین دغدغه‌های مادران سرپرست خانوار است که اعلامیه جهانی حقوق بشر نیز بدان می‌پردازد (Giten&östlin, ۲۰۰۷, P۵) همزمان با روند تطور سازمانی حقوق رفاهی، اراده‌ای فراگیر و برخاسته از تمنیات محلی، ملی و جهانی بر آن گردید تا با رویکرد بیمه‌ای به حقوق اجتماعی مادران و خانواده‌های تحت سرپرستی آنها در پرتو کنوانسیون‌های تخصصی حقوق بین‌الملل و تبدیل آن به الزامات قانونی برای دولت‌ها در قالب تعهدات حقوق اساسی بر اساس اصل توانمندسازی و حمایت از مادران اهتمام نموده و زمینه دسترسی آنها را به سطح مطلوبی از حقوق اقتصادی و اجتماعی حول عدالت اجتماعی مهیا کند. یکی از مکانیسم‌های مهم اجرایی در ایفای مسئولیت حمایتی پیش‌گفته بیمه‌های اجتماعی است. صنعت بیمه با داشتن بیش از سه قرن سابقه فعالیت، بجاست تا علاوه بر خدمت رسانی، مترصد نقش آفرینی بیشتری در ارائه مساعدت‌های اجتماعی برای خانوارهای تحت سرپرستی مادران باشد. با توجه به مطالب گفته شده اینک این سؤال به ذهن متبادر می‌شود که به راستی بیمه‌های اجتماعی چگونه می‌توانند موجبات توانمندسازی مادران سرپرست خانوار را فراهم سازند؟

ادبیات پژوهش

تعاریف خانوار، سرپرست خانوار و مادران سرپرست خانوار در جدول ۱ ارائه می‌گردد:

جدول ۱: تعاریف خانوار، سرپرست خانوار و مادران سرپرست خانوار

منبع	تعاریف
بهنام، ۱۳۵۰، ص ۱۳	خانوار: خانوار از چند نفر تشکیل می‌شود که با هم در یک اقامتگاه زندگی می‌کنند، با یکدیگر هم خرج هستند و معمولاً با هم غذا می‌خورند به این ترتیب فردی هم که به تنهایی زندگی می‌کند، خانوار محسوب می‌گردد.
MC.Gowan, ۱۹۹۰	سرپرست خانوار: به کسی اطلاق می‌شود که قدرت قابل ملاحظه‌ای بر سایر اعضای خانواده دارد و معمولاً مسن‌ترین فرد خانواده است و مسئولیت اقتصادی خانواده به عهده اوست.
بهنام، ۱۳۵۰، ص ۱۳	سرپرست خانوار: یکی از اعضای خانوار است که در خانوار به این عنوان شناخته می‌شود در صورتیکه اعضای خانواده قادر به تعیین سرنوشت خود نباشد مسن‌ترین عضو خانوار به عنوان سرپرست خانوار تلقی می‌گردد در خانوارهای یک نفره، همان شخص، سرپرست خانوار است.
سازمان بهزیستی، ۱۳۸۰ cf.Buvinic, Yous sef&Lm, ۱۹۷۸	مادران سرپرست خانوار: مادرانی هستند که عهده دار تأمین معاش مادی و معنوی خود و اعضای خانوارند. مادران سرپرست خانوار: مادرانی هستند که بدون حضور منظم یا حمایت یک فرد بزرگسال، سرپرستی خانواده را به عهده دارند.

بیمه‌های اجتماعی

بیمه اجتماعی یک نوع ضمانت اقتصادی و تأمینی از جانب جامعه بوده که برای افراد تحت پوشش فراهم شده است. ویژگی این راهبرد آن است که افراد تحت حمایت به صورت یک جامعه بیمه‌ای با اهداف خاص سازماندهی گردیده، مشارکت افراد جامعه تحت حمایت متضمن پرداخت حق بیمه بوده و افراد مزبور بر اساس پرداخت‌های مربوطه در صورت بروز حادثه یا تحقق شرایط موضوع بیمه (بیکاری، بیماری، از کارافتادگی و سالمندی) طبق قوانین و مقررات، استحقاق خاص دریافت حمایت‌های نقدی و غیر نقدی از سازمان بیمه‌ای را خواهند داشت. سیستم بیمه‌های اجتماعی عمدتاً شامل افراد شاغل به کار در جامعه می‌گردد. (پناهی، ۱۳۷۸، ص ۹۷). نظام‌های بیمه اجتماعی فارغ از تنوع و دسته بندی، فلسفه وجودی‌شان بر اساس موقعیت‌های پر مخاطره‌ای بنا نهاد شده که بیش از توان مالی افراد بوده (شرایطی همچون بیکاری و عدم بضاعت معیشتی) که در صورت عدم رسیدگی به آنها می‌تواند حوزه امنیت اجتماعی آنها را دچار چالش نماید. بیمه‌های اجتماعی به لحاظ حقوق هنجاری در خدمت ایجاد همبستگی عمومی توأم با مسئولیت حمایت اجتماعی از افرادی تنگدست بوده که به



تقویت حس برابری متناظر بر عدالت جنسیتی در جامعه کمک می‌نماید. بیمه‌های اجتماعی سازوکاری برای تعهد به وسیله حاکمیت‌ها در راستای همگانی ساختن حقوق رفاهی بشر بوده و بخش جدانشدنی از حقوق اساسی به حساب می‌آید. (L.walker, ۲۰۰۵, p۷۷)

توانمندسازی مادران سرپرست خانوار در آیین قوانین و مقررات با تاکید بر بیمه‌های اجتماعی در برنامه‌ریزی‌های کلان کشورها بایستی به مادران به عنوان منابع انسانی توسعه، جدی نگریسته شود و از بروز زمینه‌های آسیب‌پذیری و آسیب‌دیدگی آنان پیشگیری شود. مادران به شرط عدم اشتغال رسمی و استقلال مالی، بایستی از منابع مادی مناسب و مالکیت رسمی به عنوان پشتوانه برخوردار باشند. ماده ۹ میثاق حقوق اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی از بیمه‌های اجتماعی بصورت تمثیلی و در پرتو حق برتامین اجتماعی یاد کرده و ماده ۳۷ قانون برنامه سوم توسعه جمهوری اسلامی ایران و ماده ۹۳ منشور حقوق شهروندی مصوب سال ۱۳۹۵ نیز بترتیب بدان تحت عنوان روش‌های مقابله با مخاطرات از طریق همبستگی اجتماعی و حقوق حمایتی یاد کرده است. از جمله اقدامات سازمان بهزیستی ایران نیز، اجرای طرحی موسوم به طرح توانمندسازی مادران سرپرست خانوار می‌باشد که یکی از خدمات مورد نظر در این طرح خدمات بیمه‌ای بوده است. گسترش بیمه‌های اجتماعی و حمایت‌های همه جانبه از مادران سرپرست خانوار موجب خواهد شد که این افراد به توانمندی در جامعه برسند و بتوانند بدون حمایت دستگاه‌های حمایتی زندگی خود را ادامه دهند. همچنین مادران سرپرست خانوار ایرانی به تدوین و اجرای برنامه‌های آموزش حرفه‌ای کوتاه‌مدت نیاز دارند تا بتوانند در صورت لزوم در بازار کار به نام نیروی ماهر وارد شده و کسب درآمد و تأمین آتیه کنند؛ این قبیل برنامه‌ها در صورتی جواب می‌دهد که در هر محله مراکز آموزش حرفه‌ای تأسیس شود و مادران داوطلب حرفه‌آموزی را بپذیرد. در ادامه قوانینی که در این راستا مصوب شده است در جدول ۲ آمده است:

جدول ۲) قوانین مصوب شده جهت توانمندسازی مادران سرپرست خانوار

ردیف	عنوان قانون	توضیحات
۱	مقدمه اساسنامه سازمان بین‌المللی کار، مصوب ۱۹۴۴	-
۲	اعلامیه جهانی حقوق بشر، مصوب ۱۹۴۸	در بند ۲ ماده ۲۵ این اعلامیه بر ضرورت حمایت از حقوق اجتماعی زنان (مادران) تاکید شده است.
۳	قانون اساسی	برابر اصل ۲۱ قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران، دولت مکلف است حقوق زنان (مادران) را در تمام جهات با رعایت موازین اسلامی تضمین نماید و بند ۴ آن اشاره به ایجاد بیمه خاص زنان (مادران) بی‌سرپرست نموده و وظایف دولت را در ارتباط با تأمین اجتماعی زنان (مادران) و جایگاه آن در سیاست‌های حمایتی به روشنی تبیین نموده است.
۴	بیمه درمانی مادران سرپرست خانوار	بیمه‌های اجتماعی در حال حاضر با بیمه نمودن مادران سرپرست خانوار شهری در حال پیگیری است.
۵	طرح بیمه اجتماعی مادران روستایی و عشایر سرپرست خانوار	در این طرح کلیه مددجویان سرپرست خانوار تحت حمایت کمیته امداد امام خمینی (ره) که ساکن روستا یا از عشایر کشور بوده و در سن ۲۰-۵۵ سال می‌باشند از مزایای بیمه استفاده می‌نمایند
۶	بیمه اجتماعی مجریان طرح‌های اشتغال مادران سرپرست خانوار	کمیته امداد امام خمینی (ره) از سال ۱۳۸۶ بانگیزه راهبردی ساختن سند چشم‌انداز بیست ساله به بیمه نمودن طرح‌های مشاغل زنان (مادران) سرپرست خانوار نزد سازمان تأمین اجتماعی اقدام نمود
۷	بیمه اجتماعی زنان (مادران) خانوار شهری زیر ۵۰ سال	در اجرای بند پ ماده ۱۱ آیین‌نامه اجرایی ماده ۷ قانون هدفمندسازی یارانه‌ها و در راستای گسترش پوشش بیمه‌ای به گروه‌های خاص جامعه، شامل مددجویان و زنان (مادران) سرپرست خانوار تحت حمایت کمیته امداد خمینی (ره) و سازمان بهزیستی کشور، بیمه مذکور با مساعدت از محل منابع حاصله از هدفمندی یارانه‌ها از اوایل سال ۱۳۹۰ شروع شد.
۸	بیمه مادران خانه دار ^۱	عبارت است از بیمه اجتماعی برای تمامی مادرانی که شاغل نیستند و خانه‌دار محسوب می‌شوند. ^۱
۹	قانون تأمین مادران و کودکان بی‌سرپرست ^۱ مصوب ۱۳۷۱/۸/۲۴	مادران بیوه، مادران پیر و سالخورده، مادران، دختران و کودکان بی‌سرپرست مشمول این قانون شده‌اند و در آن مادران و کودکان بی‌سرپرستی که تحت پوشش قوانین حمایتی دیگری نیستند از حمایت‌های مقرر در این قانون بهره‌مند می‌شوند.
۱۰	آیین‌نامه اجرایی قانون تأمین مادران و کودکان بی‌سرپرست مشتمل بر ۱۴ ماده مصوب ۱۳۷۴/۵/۱۱	طبق ماده ۱، محور و اساس حمایت‌ها و اقدامات اجرایی موضوع این آیین‌نامه ایجاد امنیت اجتماعی و اقتصادی و فراهم کردن زمینه‌ها و موجبات عادی‌سازی زندگی مادران و کودکان بی‌سرپرست می‌باشد



نتایج حاصل از این پژوهش نشان می‌دهد که در ایران حمایت‌های بیمه‌ای به اعتبار اشتغال بوده و مادران سرپرست خانواری که به خانه‌داری می‌پردازند از لحاظ اقتصادی به عنوان جمعیت غیرفعال محسوب شده و از تأمین آینده‌ای مناسب برخوردار نیستند و یا اگر به تبع شوهر شاغل، تحت پوشش برخی از حمایت‌های نظام بیمه‌ای مانند درمان و مستمری بازماندگان قرار گیرند ممکن است به هر دلیلی مانند طلاق و یا مرگ شوهر از شمول بیمه خارج شوند. همچنین علیرغم وجود قوانین و مقررات در موضوع حمایت از زنان سرپرست خانوار که شرح آن رفت اما با گذشت سالها از تصویب این قوانین تنها بخش اندکی از این مادران تحت حمایت‌های مالی بوده و این گواه بر ناکارآمدی قوانین موجود متناسب با نیازهای واقعی مادران سرپرست خانوار است از این رو قوانین مورد بحث به دلایل مندرج در جدول ۴ کارآمد نیستند:

جدول ۴) دلایل ناکارآمدی قوانین حمایت از مادران سرپرست خانوار

ردیف	دلایل ناکارآمدی قوانین
۱	مادران سرپرست خانوار را به عنوان جمعیت غیرفعال می‌دانند لذا این قوانین نیازهای اساسی گروه اخیر را مورد حمایت قرار نمی‌دهد
۲	حسب موازین حقوق کار، اشتغال را به معنای وجود رابطه میان فرد حقوق‌بگیر و حقوق‌دهنده تعریف می‌کنند ^۱
۳	تکثر نظام بوروکراتیک در ایران همانند کمیته امداد امام خمینی (ره) به عنوان ارگانی انتقالی و حاکمیتی از یکسو و سازمان بهزیستی و سازمان تامین اجتماعی بعنوان نهاد عمومی غیردولتی از سوی دیگر در تشت آرا و پراکندگی تمهیدات حمایتی و ناهمسانی در طراحی سیاست‌های اجتماعی برای مقابله با فقر پنهان مادران سرپرست خانوار مزید بر علت بوده بویژه مادران خانه‌داری که مستقیماً مورد حمایت قرار نمی‌گیرند

قوانین حاکم بر خانواده با توجه به شرایط اجتماعی در ایران بیانگر عدم امنیت مادران در دوران بیوگی، سالخوردگی، بیماری و از کارافتادگی است. این در حالی است که مادران مطلقه وضع بسیار بدی دارند زیرا حتی اگر شوهرانشان بیمه باشند پس از طلاق به علت اینکه به تبع همسر بیمه بوده‌اند با قطع رابطه زوجیت به علت طلاق، بیمه و مزایای آن نیز قطع می‌شود. لذا حتی این شکل تأمین اجتماعی، پشتوانه قابل قبولی امنیتی برای مادران خانه‌دار را به همراه ندارد. این گروه از مادران خود نیز توان مالی لازم را ندارند که از خدمات بیمه خویش‌فرما بهره‌مند شوند و امنیتی نسبی را برای خود فراهم سازند لذا در شرایط حاضر که تأمین اجتماعی با پوشش سنتی، کارایی خود را از دست داده است تنها چاره کار این است که سیاست‌های حمایتی تأمین اجتماعی، مادران خانه‌دار را مورد توجه خاص قرار دهند. مادران سرپرست خانوار و افراد تحت تکفل آنان از زمره گروه‌های جمعیتی هستند که در وضع معیشتی نامناسبی قرار گرفته‌اند و کمک‌های موردی و پراکنده سازمان‌های حمایتی جوابگوی مشکلات و نیازهای آنها نیست. در حال حاضر احساس ناامنی، نداشتن تکیه‌گاه اجتماعی ناشی از کاهش درآمد، مشکلات تامین زندگی و همچنین ضعف قوانین و محدودیت‌های حقوقی موجود، عرصه زندگی را برای مادران سرپرست خانوار تنگ کرده است.

همچنین وجود مراکز متعدد تصمیم‌گیری در مورد این قشر از مادران موجب گردیده تا سیاست‌های یکسانی به کار گرفته نشود و خدمات رسانی به این افراد یکسان نشود و حتی در بعضی از موارد دوباره کاری صورت گرفته تا خانوارهای نیازمند واقعی تحت پوشش هیچ نهادی قرار نگیرند. بطور کلی حمایت‌های اجتماعی منسجم و قوانین کارآمد در این زمینه ضعیف عمل کرده و توان حل مشکلات را ندارند. همچنین این خانوارها به طور کامل بیمه نبوده لذا مستمری قابل قبولی ندارند. از طرف دیگر عدم سیاست‌های مدون و قوانین کارآمد در این زمینه مشکلات خاصی را برای این قشر از مادران به وجود می‌آورد. در مواردی که این مادران ارتباطات و تعاملات خود را با نزدیکان و شبکه حمایتی از دست می‌دهند. فرزندشان از نظر تربیتی دچار مشکل می‌شوند.



روان و روح انسان زمانی می‌تواند درجات کمال و ارتقاء را به لحاظ کیفی طی کند که نیازهای زیستی نظیر خوراک، پوشاک، مسکن و ارضاء شده باشد. بنابراین توانمندسازی می‌باید با موضوع بیمه‌های اجتماعی و رفاه اقتصادی آغاز شود تا نهایتاً فرد را به لحاظ روانی تامین نماید. در ادامه به منظور بهبود وضعیت زندگی مادران سرپرست خانوار، پیشنهاداتی کاربردی در قالب جدول ۵ ارائه می‌گردد:

جدول ۵) پیشنهاداتی کاربردی

ردیف	پیشنهاد کاربردی
۱	«خانه‌دار بودن» مادران سرپرست خانوار بعنوان یک شغل رسمیت یافته و آن دسته از مادران سرپرست خانواری که تابع نظام بیمه‌ای نیستند از طریق نظام بیمه اجباری یا بیمه حرف و مشاغل آزاد مورد حمایت قرار گرفته و دولت نیز بخشی از حق بیمه را پرداخت نماید.
۲	تدوین و اجرای برنامه‌های آموزش حرفه‌ای کوتاه‌مدت در مراکز آموزش حرفه‌ای محلی برای مادران سرپرست خانوار
۳	بیمه نمودن مادران روستائی و عشایر سرپرست خانوار
۴	اختصاص هزینه عائله‌مندی به مادران سرپرست خانوار
۵	نظای ۵ سال خدمت جهت بازنشستگی مادران سرپرست خانوار با ۲۵ سال کار و سی روز حقوق



- ۱- بهنام، جمشید، (۱۳۵۰)، ساختارهای خانواده و خویشاوندی در ایران، تهران، انتشارات خوارزمی، ۱۳۵۰.
- ۲- پناهی، بهرام، (۱۳۷۸)، فرایند عملیاتی نظام تامین اجتماعی، فصلنامه تامین اجتماعی، شماره اول، تابستان ۱۳۷۸
- ۳- سایت مجمع تشخیص مصلحت نظام، ۱۳۸۵/۱۰/۲۴
- ۴- ----- کارنامه سازمان بهزیستی کشور در سال ۱۳۷۹
- ۵- قانون اساسی
- ۶- قانون تامین اجتماعی
- ۷- قانون تأمین مادران و کودکان بی سرپرست، مصوب ۱۳۷۱/۸/۲۴
- ۸- منصور آبادی افسانه و عزت اله کرمی، (۱۳۸۵)، پیامدهای توسعه بر وضعیت اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی مادران روستایی: مطالعه موردی در استان فارس. فصلنامه علوم اجتماعی و انسانی دانشگاه شیراز، ۲۴(۲)، ۱۳۸۵.
- ۹- Buvinic, M. & Youssef, N. (۱۹۷۹). Women-Headed Households: The Ignored Factor in development Planning. Agency for International development. Washington, D.C.: International Center for Research on Women
- ۱۰- Mc.Gowan, L. (۱۹۹۰). The determinate and consequences of female-headed households. population council and international center for research on women.
- ۱۱- L. walker, Robert (۲۰۰۵). Social security and welfare, Open university press, New York.
- ۱۲- Sen, Giten, öslin, prisoka (۲۰۰۷). women and Gender equity knowledge network, Karolina instituet, Sweden.
- ۱۳- United Nations Division for the Advancement of Women (۲۰۰۱). Empowerment of Women Throughout the Life Cycle as a Transformative Strategy for Poverty Eradication, EGM/POV/۲۰۰۱/Report of the Expert Group Meeting, Department of Economic and Social Affairs, New Delhi.



بررسی اثرات اشتغال مادران بر تعارض های نقش خانوادگی آنان

زهرا باقری؛ دانشجوی دکتری مطالعات زنان دانشگاه ادیان و مذاهب

mighat188@gmail.com.

زهرا فیضی؛ نویسنده مسئول، دانشجوی دکتری دین پژوهی (جامعه شناسی دین) دانشگاه ادیان و مذاهب

feizi.z.58@gmail.com

چکیده

کارکردن زن در خارج خانه، نقش هایی جدید را برای او رغم زده است که خواه و ناخواه با نقش های قبلی آن در تعارض به سر می برد. زنی که هم مسئول زندگی خانگی و نقش های آن اعم از مادری و همسری بود، اکنون عهده دار نقش هایی همچون کارمند، مدیر، معلم و ... است که هر کدام وظایف و مسئولیت متفاوتی برای آن تعریف شده است به گونه ای که امکان تداخل این نقش ها بسیار و ایجاد کننده تعارض نقش است. هدف اصلی این تحقیق بررسی اثرات اشتغال زنان بر تعارض های نقش خانوادگی آنان می باشد. جامعه آماری تحقیق حاضر زنان متأهل و شاغل دانشگاه جامع علمی کاربردی می باشد که از میان آنها به شیوه تصادفی نمونه گیری شده و از میان کل زنان این دانشگاه ۱۵۰ نفر به عنوان نمونه این تحقیق انتخاب شده اند که به وسیله پرسشنامه مورد بررسی قرار گرفته اند. نتایج این تحقیق که با آزمون ضریب همبستگی کندال تی سنجیده شده، نشان می دهد که میان تعارض شغلی و خانه داری زنان با حمایت همسرانشان، درگیری خانوادگی (تمایل به انجام کار خانه)، انعطاف پذیری کاری زنان رابطه معنی دار و در جهت معکوس وجود دارد. در حالیکه میان تعارض شغلی و خانه داری زنان با مسئولیت کاری زن، تعداد سالهای ازدواج، روزهای کاری زن، روزهای کاری همسر، رابطه مستقیم و معنا داری وجود دارد. از سویی این تحقیق نشان می دهد که میان تعارض نقش شغلی - خانه داری زنان با نوع مسئولیت کاری همسرانشان هیچ رابطه ای معناداری وجود ندارد.

کلید واژه : انعطاف پذیری زمان بندی کاری، حمایت شوهر، حمایت عاطفی، درگیری خانوادگی زوجین، تعارض نقش

مقدمه

کار کردن زن خارج از خانه از جمله مسائلی است که به خصوص در کشورهای در حال توسعه از اهمیت خاصی برخوردار است در این جوامع وظایف زن و مرد بر طبق آداب و رسوم و سنن رایج که قوی ترین عامل تعیین کننده و کنترل کننده افراد است، شکل رسمی می گیرد، بنابراین مسئله ای هم به نام اشتغال زنان وجود ندارد (شادی طلب، ۱۳۸۱، ص ۶). در پی انقلاب صنعتی در قرن هجدهم، کارکردهای خانواده دگرگون شده و نقش های اقتصادی زنان و مردان تغییراتی یافت (سفیری، ۱۳۷۷، ص ۶۵). قرن نوزدهم را می توان قرن حضور نظامند زنان در مشاغل تعریف شده دولتی و خصوصی نامید. با آغاز انقلاب صنعتی و افزایش ظرفیت های شغلی، زنان وارد عرصه های کار و اقتصاد شدند (فرهمنده، ۱۳۸۸، ص ۱۳۲). اشتغال زنان و دستیابی آنان به منابع اقتصادی حاصل از کار در خارج از خانه ساختار چندساله خانواده را تغییر داده و نقش های جدیدی را به آنها اضافه و تعدد نقش ها فشار دوجندانی را بر جسم و روح زنان تحمیل کرده است (بختیاری، ۱۳۸۸، ص ۱۶۵). این تعدد نقش در جامعه های در حال گذار بیشتر حالت تعارض نقش را به خود گرفته است و به دودلیل مورد توجه قرار می گیرد: نخست فشارهای ناشی از دشواری نقش های چندگانه به ویژه در خانواده های دوگانه شغلی (مارتین سگالن، ۱۳۷۰، ص ۲۵۵) و دوم اختلال و تضاد هنجاری موجود در تعریف نقش ها و موقعیت های اجتماعی که از پدیده های عام تاخر فرهنگی متأثر است (چلبی، ۱۳۷۵، ص ۱۱۲). در مورد عوامل موثر بر ایجاد و تشدید تعارض نقش های زنان به نظر می رسد یکی از اثرگذارترین عوامل نظام فرهنگی، اجتماعی، سیاسی، اقتصادی و شخصیتی خود آنان باشد. زنان به واسطه نقش های محول خود انتظاراتی را باید پاسخگو باشند که از طریق جامعه پذیری در خانواده و مدرسه فراگرفته اند (فاطمی صدر، ۱۳۸۰، ص ۴).

پارسونز وقتی ساخت نقش های زن و مرد را در گروه خانوادگی توصیف می کند نقش ها را نه تنها به ارزش ها و هنجارها بلکه به وظایفشان درباره نظام خانوادگی مربوط می داند (پارسونز به نقل از مافی، ۱۳۸۴، ص ۲۸). الیزابت بات در کتاب مشهور خود «خانواده و شبکه اجتماعی»



به وجود دو الگوی تقسیم نقش در خانواده اشاره می‌کند. الگوی اول خانواده‌هایی بودند که زن و شوهر هر یک به تنهایی و بدون کمک دیگری وظایف خود را انجام می‌دادند (اعزازی، ۱۳۸۹، ص ۱۲۱) بات این روابط خانوادگی را «مناسبات تفکیکی نقش‌های زناشویی» نامیده است. در الگوی دوم تقسیم نقش زن و شوهر در اکثر فعالیت‌ها به صورت مشترک با هم همکاری داشتند و فعالیت‌های خانگی بین زن و شوهر تقسیم شده بود. او این الگو را «مناسبات اشتراکی نقش‌های زناشویی» نامید (بات، ۱۳۷۳، ص ۲۵۳).

رابرت و رونارپوپورت، در فرضیه خانواده دوگانه شغلی فشارهایی را که این خانواده‌ها هنگام انطباق با دگرگونی اجتماعی تجربه می‌کنند را که بر تمثیل اقتصادی سود و زیان مبتنی است تحلیل می‌کند و ۵ سنخ از تنش‌ها را که در مسیر این خانواده‌ها قرار دارند را به شرح زیر بیان می‌کند: ۱. کسب مزایای دو شغل به بهانه بروز نقش‌های مازاد تمام می‌شود. ۲. هنجارهای متعارفی که برخی حاوی پذیرش پدیده اشتغال زنان هستند و پاره‌ای از آن انتقاد می‌کنند به بروز تنش‌ها منجر می‌شود. ۳. اگر زن و شوهر هر دو دارای نقش‌های یکسان باشند دشوار می‌توانند هویت‌های ویژه خود را حفظ کنند. ۴. هنگامی که بین زن و شوهر رقابت وجود داشته باشد، ارتباط با شبکه خود چه سود و زبانی را در پی دارد؟ ۵. زوجین هر دو در سه نظام نقش درگیر هستند، نظام حرفه‌ای مربوط به همسرش و نظام خانوادگی که هر دو نفر در آن مشارکت دارند (سگالان، ۱۳۸۸، ص ۲۵۳). تحقیقاتی نیز در این زمینه صورت گرفته است. گوهری موسوی آباد (۱۳۸۸) در تحقیقی با هدف شناسایی رابطه تعارض نقش‌های شغلی و خانوادگی، غنی‌سازی نقش‌های شغلی و خانوادگی با سلامت روانی که در میان ۴۰۰ نفر از فرهنگیان زن شاغل در دوره ابتدایی شهر تهران انجام شد نتایج نشان داد که تعارض شغلی - خانوادگی با تمام مولفه‌های سلامت روان همبستگی منفی دارد. در مقابل غنی‌سازی نقش‌های شغلی - خانوادگی با مولفه‌های سلامت روان به صورت مثبت همبستگی دارد. سفیری و زارع (۱۳۸۶) تحقیقی را با هدف شناسایی ارتباط کلیشه‌های جنسیتی و تضاد نقش‌های زناشویی در زوج‌های جوان انجام داده که نتایج به دست آمده نشان داد که پابندی به کلیشه‌های جنسیتی از میزان تضاد نقش می‌کاهد؛ همچنین زنان با سطح تحصیلات و آگاهی بالاتر، موقعیت بالاتر به لحاظ طبقه اجتماعی خانواده خود و همسر و میزان درآمد بیشتر تضاد نقش کمتری را احساس می‌کنند. این در حالی است که با افزایش ساعات کاری و تنوع نقش‌ها در زنان میزان تضاد نقش آن‌ها افزایش می‌یابد. با بررسی تحقیقات انجام شده در حیطه اشتغال زنان و تعارض نقش، به خوبی دیده می‌شود، تاکنونی تحقیقات به جنبه تعارض نقش در میان زنانی دانشجو، کارمند و متاهل باشند نپرداخته است، این در حالی است که هر کدام از نقش‌های مورد نظر دارای وظایفی است، زن متاهل، علاوه بر رسیدگی به خانواده و فرزندان باید بتواند مدیریت خانه را نیز داشته باشد، علاوه بر آن همین زن به دنبال انجام فعالیت‌های بیرون از خانه است و گاهی وظایف بیرون از خانه با وظایف خانه تداخل ایجاد می‌کند و زنان نقش‌های متفاوتی را خواهند داشت، با این همه تحقیقی به صراحت به بررسی این تعارض نپرداخته و در نتیجه نیاز است تا تحقیقی در این زمینه صورت پذیرد. مقاله حاضر به دنبال انجام تحقیقی با هدف بررسی اثرات اشتغال بر تعارض‌های نقش خانوادگی آنان انجام دهد و با توجه به تحقیقات پیشین و نظریه‌های «مرتون، کارلسون و پرو» در خصوص زنان و فعالیت‌های آنان، فرضیات زیر را ارائه داده است: ۱. میان اثر حمایت شوهر در خانه و میزان تعارض نقش شغلی - خانه‌داری زن رابطه معکوس وجود دارد. ۲. میان درگیری خانوادگی (علاقه زن به انجام کارهای خانه) و میزان تعارض نقش شغلی - خانه‌داری زن رابطه معکوس وجود دارد. ۳. میان تعداد سال‌های زندگی مشترک و میزان تعارض نقش شغلی - خانه‌داری زن رابطه معکوس وجود دارد. ۴. میان اثر روزهای کاری زن و میزان تعارض نقش شغلی - خانه‌داری زن رابطه مستقیم وجود دارد. ۵. میان اثر روزهای کاری مرد و میزان تعارض نقش شغلی - خانه‌داری زن رابطه مستقیم وجود دارد. ۶. میان اثر مسئولیت شغلی همسر و میزان تعارض نقش شغلی - خانه‌داری زن رابطه مستقیم وجود دارد. ۷. میان اثر مسئولیت شغلی زن و میزان تعارض نقش شغلی - خانه‌داری زن رابطه مستقیم وجود دارد. ۸. میان انعطاف‌پذیری کار زن و میزان تعارض نقش شغلی - خانه‌داری زن رابطه معکوس وجود دارد.



روش

روش اصلی این پژوهش با توجه به موضوع تحقیق، گستردگی جمعیت مورد مطالعه و ... روش تحقیق پیمایشی است. پیمایش یکی از روش‌های گردآوری و تنظیم و تحلیل داده‌هاست که داده‌های مربوط را می‌توان از طریق فنون متعدد گردآوری می‌گردد. این روش تحقیق روشی برای گردآوری داده‌هاست که در آن از گروه‌های معینی از افراد خواسته می‌شود به تعدادی پرسش مشخص که برای افراد یکسان است پاسخ دهند. این پاسخ‌ها مجموعه اطلاعات تحقیق را تشکیل می‌دهد. تحقیق پیمایشی در واقع عام‌ترین نوع تحقیقات اجتماعی است (بیکر، ۱۳۸۶: ۱۹۹). جامعه آماری در این تحقیق، زنان شاغل دانشگاه جامع علمی کاربردی بودند که به شیوه نمونه‌گیری تصادفی انتخاب شده و بر اساس فرمول کوکران ۱۲۵ نفر از آنان به دست آمده و بررسی شده‌اند. در روش پیمایشی می‌توان از تکنیک‌های مختلف از جمله مصاحبه عمیق مشاهده، پرسشنامه و تکنیک‌های دیگر استفاده کرد (رفیع پور، ۱۳۸۴: ۳۲۹) در این تحقیق از تکنیک پرسشنامه محقق ساخته که پس از به دست آوردن اعتبار روایی آن با روش آلفای کرونباخ، معادل ۰٫۷ مورد تایید بوده و سپس به اجرا در آمده است. برای توصیف متغیرها از شاخص‌های آماری میانه، میانگین، نما، مینی موم، ماکزیموم و جهت تحلیل رابطه سیستماتیک بین متغیرها و نشان دادن شدت یا ضعف این رابطه از آزمون تای کندال و ضرایب همبستگی متناسب با سطوح سنجش متغیرها استفاده شده است. همچنین تعریف مفاهیم به شرح زیر است:

انعطاف پذیری زمان بندی کاری و مسئولیت کاری: ساعات کار هفتگی زن و شوهر و مسئولیت شغلی آن‌ها، از جمله مواردی است که به نظر می‌رسد در تعارض نقش زنان شاغل موثر باشد (آری‌ای به نقل از رستگار خالد، ۱۳۸۵: ۱۳۳). حمایت شوهر در خانه: کوب (۱۹۷۶) حمایت اجتماعی را به مثابه اطلاعاتی که شخص را به این اعتقاد می‌رساند که در یک شبکه ارتباطی مورد توجه و علاقه دیگران است و از سوی آن‌ها با ارزش و محترم شمرده می‌شود (مافی، ۱۳۸۴: ۶۴). حمایت عاطفی: در برگیرنده آن دست از رفتارها و یا نگرش‌های اعضاء خانواده است که فرد شاغل را با تشویق، درک، توجه و نگاه مثبت و راهنمایی برای حل مشکل همراه می‌کند (king and atel، ۱۹۹۵: ۳۳۷). درگیری خانوادگی زوجین (دل بستگی به نقش‌های خانوادگی): برخی از محققان نظیر استانیزولوبل (۱۹۹۵) درگیری خانوادگی را با ارجاع آن به نگرش‌های ذهنی و رفتارهای عینی که به دل بستگی اشخاص به نقش‌های خانوادگی شان پیوستگی دارد تعریف می‌کنند. (رستگار خالد، ۱۳۸۲: ۶۵). تعارض نقش: نتیجه انتظارات رفتاری متعارض یا متناقضی است که نقش یا نقش‌های فرد ایجاب می‌کند (کوئن، ۱۳۸۴: ۸۷-۸۸) یافته‌ها

برای بررسی رابطه فرضیه‌های تحقیق از آزمون تای کندال و ضریب همبستگی متناسب با سطوح سنجش متغیر استفاده گردید که جداول و نتایج میان فرضیات در ادامه آمده است.

جدول شماره ۱. رابطه حمایت همسر با تعارض نقش زن

حمایت تعارض نقش	خیلی کم	کم	تا حدودی	زیاد	خیلی زیاد	جمع
خیلی کم	۰	۱	۶	۱۰	۱	۱۸
کم	۱	۰	۱	۹	۵	۱۶
تا حدودی	۷	۲	۳	۳	۴	۱۹
زیاد	۱۷	۱۳	۹	۸	۳	۵۰
خیلی زیاد	۸	۱۵	۶	۱۰	۸	۴۷
جمع	۳۳	۳۱	۲۵	۴۰	۲۱	۱۵۰

جدول شماره ۱ نشان می دهد که هر چه میزان حمایت همسر افزایش می یابد میزان تعارض نقش نیز بیشتر است و آماره تحلیلی نیز معکوس بودن رابطه این دو متغیر را نیز نشان داده است.

Approx. T(b)	Asymp. Std. Error(a)	Approx. Sig.	Value	
.۰۱۵	-۲,۴۴۳	.۰۶۱	-.۱۵۱	Kendall's tau-b

بر اساس جدول ۱، ضریب همبستگی کندال t نشان می دهد که در فاصله اطمینان ۹۵٪، بین دو متغیر رابطه وجود دارد و این رابطه منفی است.

جدول شماره ۲، رابطه حمایت همسر در صورت داشتن فرزند با تعارض نقش زن

جمع	خیلی زیاد	زیاد	تا حدودی	کم	خیلی کم	حمایت تعارض نقش
۱۳	۳	۴	۵	۰	۱	خیلی کم
۱۲	۷	۴	۱	۰	۰	کم
۱۵	۱	۳	۵	۰	۶	تا حدودی
۴۲	۰	۰	۵	۱۴	۲۳	زیاد
۳۲	۳	۰	۸	۸	۱۲	خیلی زیاد
۱۱۴	۱۴	۱۱	۲۴	۲۲	۴۳	جمع

جدول شماره ۲ نشان می دهد که حمایت همسر در صورت وجود فرزند، هرچه افزایش یابد میزان تعارض نیز بسیار کم می شود.

Approx. T(b)	Asymp. Std. Error(a)	Approx. Sig.	Value	
.۰۰۰	-۴,۴۵۵	.۰۷۵	-.۳۴۹	Kendall's tau-b

بر اساس جدول ۲، ضریب همبستگی کندال t در فاصله اطمینان ۹۵٪، نشان می دهد که بین دومتغیر رابطه معنادار و معکوسی برقرار است

جدول شماره ۳، رابطه تمایل به نقش خانگی زنان با تعارض نقش زن

جمع	خیلی زیاد	زیاد	تا حدودی	کم	خیلی کم	نقش خانگی تعارض نقش
۱۸	۱۰	۳	۵	۰	۰	خیلی کم
۱۶	۵	۷	۴	۰	۰	کم
۱۹	۳	۴	۵	۶	۱	تا حدودی
۵۰	۰	۱	۹	۱۷	۲۳	زیاد
۴۷	۰	۰	۱۶	۱۶	۱۵	خیلی زیاد
۱۵۰	۱۸	۱۵	۳۹	۳۹	۳۹	جمع

جدول شماره ۳، نشان می دهد که هر چه تمایل به نقش خانگی زنان بیشتر می شود میزان تعارض نقش در آنها کمتر می شود.

Approx. T(b)	Asymp. Std. Error(a)	Approx. Sig.	Value	
.۰۰۰	-۸,۲۲۶	.۰۵۲	-.۴۷۱	Kendall's tau-b

بر اساس جدول ۳، ضریب همبستگی کندال t نشان می دهد که در فاصله اطمینان ۹۵٪، بین دومتغیر رابطه وجود دارد و این رابطه معکوس است.



جدول شماره ۴. رابطه تعداد سال های ازدواج با تعارض نقش

سال ازدواج تعارض نقش	کمتر از یکسال و یکسال	۲-۷	۸-۱۳	۱۹-۱۴	۲۵-۲۰	۳۱-۲۶	جمع
خیلی کم	۵	۱۱	۱	۰	۰	۰	۱۷
کم	۳	۷	۳	۱	۲	۰	۱۶
تا حدودی	۴	۱۱	۳	۱	۰	۰	۱۹
زیاد	۱۰	۲۴	۷	۵	۳	۱	۵۰
خیلی زیاد	۷	۲۱	۹	۴	۴	۱	۴۶
جمع	۲۹	۷۴	۲۳	۱۱	۹	۲	۱۵۰

جدول شماره ۴ نشان می دهد که در میان سال های ازدواج ۲ الی ۷ سال بالاترین میزان تعارض نقش و در بیشترین سالهای ازدواج کمترین تعارض نقش دیده می شود.

Approx. T(b)	Asymp. Std. Error(a)	Approx. Sig.	Value	
.۰۰۵	۲,۷۸۱	.۰۶۰	.۱۶۷	Kendall's tau-b

بر اساس جدول ۴، ضریب همبستگی کندال t در فاصله اطمینان ۹۵٪ نشان می دهد که رابطه معنادار وجود دارد و این رابطه مستقیم است.

جدول شماره ۵. رابطه تعارض روزهای کاری زن با نقش زن

تعارض نقش	دو روز در هفته	سه روز در هفته	چهار روز در هفته	پنج روز در هفته	شش روز در هفته	جمع
خیلی کم	۵	۱۳	۰	۰	۰	۰
کم	۶	۹	۰	۰	۱	۰
تا حدودی	۰	۰	۶	۳	۶	۴
زیاد	۱	۰	۱۳	۱	۱۶	۱۹
خیلی زیاد	۰	۱	۲	۱۰	۱۸	۱۶
جمع	۱۲	۲۳	۲۱	۱۴	۴۱	۳۹

بر طبق جدول شماره ۵، زنانی که شش روز کاری، مشغول هستند تعارض نقش بیشتر و کسانی که دو روز هفته مشغول به کار هستند کمترین تعارض را دارند.

Approx. T(b)	Asymp. Std. Error(a)	Approx. Sig.	Value	
۸,۳۹۹	.۰۵۴	.۰۰۰	.۴۸۸	Kendall's tau-b

بر اساس داده های جدول ۵، ضریب همبستگی کندال t نشان می دهد که در فاصله اطمینان ۹۵٪، بین دو متغیر رابطه معناداری وجود دارد و این رابطه مستقیم است.



جدول شماره ۶. رابطه روزهای کاری همسر با تعارض نقش زن

تعارض نقش	روزهای کاری شوهر	دوروز در هفته	سه روز در هفته	چهار روز در هفته	پنج روز در هفته	شش روز در هفته	هفت روز در هفته	جمع
خیلی کم	۱۴	۲	۲	۰	۰	۰	۰	۱۸
کم	۷	۵	۳	۱	۰	۰	۰	۱۶
تا حدودی	۶	۸	۴	۱	۰	۰	۰	۱۹
زیاد	۰	۰	۰	۸	۲۴	۱۸	۵۰	۵۰
خیلی زیاد	۰	۰	۰	۳	۲۳	۲۱	۴۷	۴۷
جمع	۲۷	۱۵	۹	۱۳	۴۷	۳۹	۱۵۰	۱۵۰

جدول شماره ۶ نشان می دهد که زنانی که شوهران آنها هفت روز هفته مشغول به کار هستند بیشترین تعارض نقش و آنانی که سه روز هفته مشغول به کار هستند، کمترین تعارض را دارند.

Value	Approx. Sig.	Asymp. Std. Error(a)	Approx. T(b)
.۶۶۴	.۰۳۷	۱۴,۸۳۵	.۰۰۰

بر اساس جدول ۶، ضریب همبستگی کندال t نشان می دهد که در فاصله اطمینان ۹۵٪، بین دو متغیر رابطه معناداری وجود دارد و این رابطه مستقیم است.

جدول شماره ۷. رابطه تعارض نقش زن با نوع شغل همسر

تعارض نقش	کارمند	مشاوره	مدیر	کار آزاد (صاحب کار)	کار آزاد (زیر دست)	جمع
خیلی کم	۹	۱	۰	۴	۴	۱۸
کم	۷	۳	۱	۲	۳	۱۶
تا حدودی	۶	۲	۱	۷	۳	۱۹
زیاد	۲	۰	۴۸	۰	۰	۵۰
خیلی زیاد	۰	۰	۴۷	۰	۰	۴۷
جمع	۲۴	۶	۹۷	۱۳	۱۰	۱۵۰

جدول شماره ۷ نشان می دهد که در میان زنانی که شغل همسران آنان مدیر است میزان تعارض بیشتر و کسانی که شغل همسرشان مشاوره بوده کمتر می باشد رابطه بین این دو متغیر در آماره های تحلیلی به شرح زیر است:

Value	Asymp. Sig. (۲-sided)	Asymp. Std. Error(a)	Approx. T(b)
۱۴۶,۲۱۳(a)	.۰۰۰۰		
.۰۸۲	.۴۱۰	.۰۹۹	.۸۲۵

بر طبق جدول، مقدار بدست آمده (۱۴۶/۲۱۳) از مقدار استاندارد (۱۷۰/۴۸۷) کوچکتر است، پس فرضیه تایید شده و بین دو متغیر رابطه وجود دارد. ضریب همبستگی کندال t نشان می دهد که بین دو متغیر رابطه معناداری وجود ندارد. یعنی رابطه اینقدر ضعیف است که می توان گفت رابطه ای وجود ندارد.



جدول شماره ۸. رابطه میان نوع شغل زن و تعارض نقش آن

شغل زن تعارض نقش	کارمند	مشاوره	مدیر	کار آزاد (صاحب کار)	کار آزاد (زیر دست)	جمع
خیلی کم	۱۴	۲	۰	۰	۲	۱۸
کم	۷	۸	۰	۰	۱	۱۶
تا حدودی	۱۸	۰	۰	۰	۱	۱۹
زیاد	۲۹	۵	۱۳	۰	۳	۵۰
خیلی زیاد	۱۴	۲	۲۷	۲	۲	۴۷
جمع	۸۲	۱۷	۴۰	۲	۹	۱۵۰

جدول شماره ۸ نشان می دهد که بیشترین میزان تعارض نقش در میان زنان با شغل مدیریت و کمترین میزان تعارض در میان زنانی که شغل آزاد (صاحب کار) دیده می شود. بر این اساس برای به دست آوردن میزان رابطه میان نوع شغل زنان و تعارض نقش آنان از تای کندال و همبستگی استفاده شده که نتایج آن در جدول زیر آمده است.

Value	Asymp. Sig. (۲-sided)	Asymp. Std. Error(a)	Approx. T(b)
۷۴,۷۹۳(a)	.۰۰۱		
.۳۱۶	.۰۰۰	.۰۰۶۵	۴,۸۶۳

بر طبق جدول، مقدار بدست آمده (۷۴/۷۹۳) از مقدار استاندارد (۷۷/۸۱۶) کوچکتر است، پس فرضیه تایید شده و بین دو متغیر رابطه وجود دارد. ضریب همبستگی کندال t نشان می دهد که در فاصله اطمینان ۹۵ درصد، رابطه بین دومتغیر تایید شده و این رابطه مستقیم است.

جدول شماره ۹. رابطه انعطاف پذیری زمان کاری زن با تعارض نقش زن

انعطاف پذیری تعارض نقش	خیلی کم	کم	تا حدودی	زیاد	خیلی زیاد	جمع
خیلی کم	۲	۰	۴	۵	۷	۱۸
کم	۱	۱	۱	۷	۶	۱۶
تا حدودی	۱	۶	۲	۷	۳	۱۹
زیاد	۱۹	۲۲	۹	۰	۰	۵۰
خیلی زیاد	۱۸	۱۸	۱۰	۰	۱	۴۷
جمع	۴۱	۴۷	۲۶	۱۹	۱۷	۱۵۰

جدول شماره ۹ نشان می دهد که هر چه تعداد زمان کار کمتر باشد، میزان تعارض نقش زن افزایش یافته است. وضعیت این تعارض در آماره تحلیلی نیز به صورت معکوس به دست آمده است.

Value	Approx. Sig.	Asymp. Std. Error(a)	Approx. T(b)
-.۴۵۱	.۰۵۸	-۷,۳۴۹	.۰۰۰

بر اساس جدول ۹، ضریب همبستگی کندال t نشان می دهد که در فاصله اطمینان ۹۵٪، بین دو متغیر رابطه وجود دارد و این رابطه معکوس است.



بحث و نتیجه گیری

نتایج به دست آمده از آزمون فرضیات نشان می دهد که میان اثر حمایت شوهر در خانه و میزان تعارض نقش شغلی - خانه داری زن رابطه معکوس وجود دارد. به این ترتیب که بین حمایت شوهر از زن و میزان تعارض نقش شغلی - خانه داری رابطه وجود دارد ولیکن این رابطه معکوس می باشد یعنی هر چه میزان حمایت شوهر از زن افزایش یابد میزان تعارض نقش شغلی - خانه داری در این جامعه کاهش می یابد. همچنین در خصوص فرضیه دوم نشان می دهد که میان تعداد سال های زندگی مشترک و میزان تعارض نقش شغلی - خانه داری زن رابطه معکوس وجود دارد. یعنی هر چه میزان تعداد سال های ازدواج بیشتر شود تعارض میان زنان و مردان بیشتر می شود. در نتیجه این فرضیه در جهت معکوس تایید می شود. نتایج تحقیق نشان داد که میان اثر روزهای کاری زن و میزان تعارض نقش شغلی - خانه داری زن رابطه مستقیم وجود دارد. یعنی هر چه تعداد روزهای کاری زن افزایش یابد به همان میزان تعارض نقش زن نیز افزایش می یابد و از سویی میان اثر روزهای کاری مرد و میزان تعارض نقش شغلی - خانه داری زن رابطه مستقیم وجود دارد. به این معنی که هر چه میزان ساعات کاری همسر افزایش می یابد به همان میزان تعارض نقش زن نیز بیشتر خواهد شد. در خصوص فرضیه دیگر مبنی رابطه مسئولی شغلی همسر و میزان تعارض، رابطه مستقیم وجود دارد. هر چند ارزش داده شده نشان می دهد رابطه وجود دارد ولیکن چون بیشتر از ۵ درصد قرار دارد در نتیجه این رابطه معنی دار نیست یعنی آنقدر ضعیف است که نمی توان آن را در نظر گرفت. در نتیجه بین مسئولیت شغلی همسر و تعارض نقش زن بر اساس داده های این تحقیق رابطه ای وجود ندارد. علاوه بر آن، میان اثر مسئولیت شغلی زن و میزان تعارض نقش شغلی - خانه داری زن رابطه مستقیم وجود دارد. یعنی هر چه فرد دارای مسئولیت شغلی بالاتر باشد میزان تعارض نقش هم در آن بیشتر است. بر این اساس فرضیه مورد نظر تایید شده است و همچنین میان انعطاف پذیری کار زن و میزان تعارض نقش شغلی - خانه داری زن رابطه معکوس وجود دارد. بین دو متغیر انعطاف پذیری کاری زن و تعارض نقش شغلی - خانه داری رابطه معکوسی وجود دارد. یعنی هر چه میزان انعطاف پذیری کاری زن افزایش یابد به همان میزان تعارض نقش زن کاهش می یابد.

باتوجه به اهمیتی که خانواده در پیشبرد اهداف جامعه دارد و از سویی زنان به عنوان نیمی از جامعه و سهمی که در پیشبرد منافع اقتصادی جامعه می توانند ایفا کنند به نظر می رسد باید روند کار به گونه ای تعریف شود که زنان بتوانند این تعارض نقش میان کار و خانه را به حداقل برسانند، چراکه اگر تعارض در هر کدام از این نقش ها وجود داشته باشد، بر هر دو نقش زنان تاثیر مخربی خواهد گذاشت. از سوی دیگر با توجه به اعتقادات مذهبی و فرهنگ سنتی جامعه ایران و نقش اساسی ای که در تربیت نسل دارد، راه حل این تناقض و تعارض به دست سیاستگذاران و برنامه ریزان است. بخشی از مسئولیت هایی که ممکن است پیامدهای تعارض نقش زنان را کاهش دهد برعهده نهادهای اجتماعی، قسمتی مربوط به مراکز اشتغال و گروهی هم مربوط به خود فرد است:

۱. وضع قوانین کار: قوانین کار و امور استخدامی در زمینه اشتغال زنان و مادران در مراکز دولتی و غیردولتی باید به گونه ای وضع شود که زنان از فرصت های بیشتری برای حضور در خانواده برخوردار شوند، و موانع قانونی نیز شناخته و برطرف گردد. ۲. اصلاحات فرهنگی به منظور برجسته شدن و کارآمدی نقش همسری و مادری، که در این زمینه می توان به اهمیت رسانه ها و مطبوعات در خصوص توجه دادن زنان به نقش اصلی خود در خانواده و در ارتباط با فرزندان اشاره کرد. ۳. تشویق زنان به حضور در عرصه های متناسب با ویژگی های جنسیتی آنان در قالب طرح های حمایتی خاص که در این زمینه می توان به حضور در فعالیتهای گروهی غیر دولتی مانند امور خیریه، پژوهش و هنر اشاره کرد. ۴. پیشنهاد به متولیان امور اجتماعی و دولتی، برای دادن امتیازاتی به زنان خانه دار و در نظر گرفتن تسهیلاتی برای زنان شاغل. ۵. فراهم ساختن امکانات آموزشی و روان شناختی ضمن خدمت، در خصوص کاهش تعارض ها و ایجاد حس اعتماد به نفس در زنان، به منظور برقراری تعادلی مطلوب میان اشتغال و مسئولیتهای خانوادگی. ۶. تاسیس مراکز نگهداری کودکان در اداراتی که مادران در آن ها مشغول به کار هستند. ۷. خود زنان نیز در نقش خود در نقش مادری در خانواده، پیشنهاد می شود که مثبت، علاقه مند، عاطفی و حمایت کننده باشند و در قبال نقش مادرانه ای خود در خانواده مسئولانه رفتار کنند تا احساس تعارض نقش شان کاسته شود و این تاثیرش بسیار بیشتر از حضور تمام وقت اما منفی، پر خاش جوع انتقادگر و طرد کننده، خشک و غیر صمیمی باشد. ۷. همسر نیز می تواند در غیاب مادر نقش موثری داشته باشد. از سوی دیگر در خانواده هایی که هنوز دارای فرزند نیستند، نقش حمایتی همسر همچنان مشهود است.



- اعزازی، شهلا (۱۳۸۹)، جامعه‌شناسی خانواده، چاپ هفتم، تهران: روشنگران و مطالعات زنان.
- بات، الیزابت (۱۳۷۶)، نقش‌های زناشویی و شبکه‌های اجتماعی، جامعه‌شناسی مدرن ترجمه حسن پویان، تهران: نشر چاپ پخش.
- چلبی، مسعود (۱۳۸۴)، جامعه‌شناسی نظم: تشریح و تحلیل نظری نظم اجتماعی، تهران: نشر نی.
- سفیری، خدیجه و سارا ایمانیان (۱۳۸۸)، جامعه‌شناسی جنسیت، تهران: جامعه‌شناسان.
- سفیری، خدیجه و زهرا زارع (۱۳۸۶)، بررسی ارتباط کلیشه‌های جنسیتی و تضاد نقش‌های زناشویی در زوج‌های جوان، پژوهشنامه علوم انسانی، شماره ۵۳.
- سگالن، مارتین (۱۳۸۸)، جامعه‌شناسی خانواده، ترجمه حمید الیاسی، تهران: سروش.
- شادی طلب، ژاله (۱۳۸۰)، زنان ایران، مطالبات و انتظارات، نامه علوم اجتماعی، شماره ۱۸.
- گوهری موسوی آباد، بی‌بی‌آمنه (۱۳۸۸) رابطه تعارض نقش‌های شغلی و خانوادگی، غنی‌سازی نقش‌های شغلی و خانوادگی با سلامت روانی، کارشناسی ارشد روانشناسی عمومی، راهنما: ماریا آگیلار و مشاور محسن ایمانی نائینی، دانشگاه تربیت مدرس.
- مافی، مهتاب (۱۳۸۴)، بررسی عوامل خانوادگی موثر بر تعارض نقش شغلی - خانوادگی زنان شاغل، مقطع کارشناسی ارشد، دانشگاه علامه طباطبائی.
- Barnett, R. C., & Gareis, K. C. (۲۰۰۰). Reduced-hours employment: The relationship between difficulty of trade-offs and quality of life. *Work and occupations*, ۲۷(۲), ۱۶۸-۱۸۷.
- Hyde, J. S., DeLamater, J. D., & Hewitt, E. C. (۱۹۹۸). Sexuality and the dual-earner couple: Multiple roles and sexual functioning. *Journal of Family Psychology*, ۱۲(۳), ۳۵۴.
- Swanson, V., Power, K. G., & Simpson, R. J. (۱۹۹۸). Occupational stress and family life: A comparison of male and female doctors. *Journal of Occupational and Organizational Psychology*, ۷۱(۳), ۲۳۷-۲۶۰.
- King, L. A., Mattimore, L. K., King, D. W., & Adams, G. A. (۱۹۹۵). Family support inventory for workers: A new measure of perceived social support from family members. *Journal of Organizational Behavior*, ۱۶(۳), ۲۳۵-۲۵۸.



نقش و جایگاه حیاتی اما در حال فراموشی مادر در تربیت فرزندان با تحلیل برنامه های درسی دوره ابتدایی آموزش و پرورش

سعید مذبوچی؛ دکتری علوم تربیتی: دانشگاه علامه طباطبایی

smazbohi@gmail.com

هدایت الله تقی زاده؛ دکتری ادبیات عربی: دانشگاه فرهنگیان

taghizadeh@cfu.ac.ir

امین باقری کراچی؛ دکتری علوم تربیتی: دانشگاه فرهنگیان

bagherikerachi@gmail.com

چکیده

در مطالعات با سنت تاریخ نگارانه نشان می دهد در تمام تاریخ جامعه ایرانی اسلامی خانواده به طور عام و مادر به طور خاص نقش مهم و حیاتی در آموزش و تربیت فرزندان داشته است. از گروههای غارنشین ابتدایی تا ایران باستان و ایران پس از اسلام، خانواده و مادر مهمترین سهم و زمان را برای تربیت اخلاقی، معنوی و حرفه ای فرزندان اختصاص می دادند و جایگاه مادر رفیع و غیرقابل حذف بوده است. اما با تغییر و تحولات جوامع غربی و گذر از سنت و اقتصاد کشاورزی به سمت مدرنیته و صنعت، نقش مادران هم دستخوش تغییر و تحول شده است و مادران از منظومه تربیتی خانواده به طور کامل حذف و یا کم رنگ و کم اثر شده اند. جامعه ایران هم در یک دهه اخیر به طرز شتابنده ای مسیر جوامع غربی و شرقی را دنبال کرده است و جایگاه مادران در خانواده حذف و یا متزلزل شده است. البته وقتی با نگاه آسیب شناسانه و هزینه - فایده به این تغییرات و تحولات نقش مادر در خانواده می پردازیم، در می یابیم که هزینه هایی که خانواده و جوامع در ابعاد تربیتی، عاطفی و اجتماعی به دلیل منافع اقتصادی ناشی از اشتغال مادران در بیرون خانواده می پردازند بیشتر و غیرقابل بازگشت می باشد. از منظری دیگر، تحلیل محتوای کتاب های درسی در دوره ابتدایی نشان می دهد که پردازش سهم، نقش و اهمیت مادر به خوبی تبیین نشده است و مورد غفلت واقع شده است و نیازمند بازسازی و باز طراحی موشکافانه نقش مادر در کتاب های درسی و تجلی این باز تعریف نقش مادری در خانواده و جامعه هستیم. نوشتار حاضر به روش تحلیلی - استنباطی و با مرور مبانی نظری و تحلیل محتوای کتب درسی دوره ابتدایی، نقش و جایگاه مادر در نظام تربیتی رسمی و برنامه های درسی را بررسی و تحلیل می نماید.

واژه های کلیدی: مادر، تربیت فرزندان، برنامه های درسی



قرآن کریم در مورد احترام به والدین آن قدر تأکید کرده است که در کمتر مسأله ای دیده می شود. در چهار سوره، نیکی به والدین بلافاصله بعد از مسأله توحید قرار گرفته است. این هم ردیف بودن دو مسأله، بیانگر این است که اسلام تا چه حد برای پدر و مادر احترام قائل است. اهمیت این موضوع تا آن پایه است که قرآن و روایات، توصیه می کنند که حتی اگر پدر و مادر کافر باشند، رعایت احترامشان لازم است (سوره عنکبوت: ۸ و تفسیر نمونه، ۱۲ / ۷۸)

پیامبر اکرم (ص) در تبیین مقام مادر می فرماید: «الجنة تحت اقدام الامهات؛ بهشت زیر پای مادران است. امام صادق (علیه السلام) هم می فرماید: جوانی خدمت پیامبر اکرم (ص) رسید، عرض کرد: یا رسول الله! به چه کسی نیکی کنم؟ فرمود: به مادرت. دوباره سوال کرد، فرمود: به مادرت. مرتبه سوم پرسید. فرمود: به مادرت. مرتبه چهارم سوال نمود پس از آن به کی نیکی کنم؟ فرمود به پدرت (ری شهری). امام سجاد (علیه السلام) در باب حق مادر و عظمت و منزلت او می فرماید: «حق مادر بر تو این است که بدانی او تو را حمل نمود، آن گونه که هیچ کس، دیگری را حمل نمی کند واز میوه قلبش به تو داد که احدی به دیگری نمی دهد؛ تو را با جمیع اعضا و جوارحش در آغوش گرفت و ... و خواب را به خاطر تو ترک نمود و تو را از سرما و گرما محافظت نمود و تو در برابر این همه خدمت، کجا می توانی شکر گزار او باشی، مگر به کمک و یاری و توفیق پروردگار (شیخ صدوق).

بنابراین در اندیشه پیامبر امین و امامان دین اسلام، بهشت با آن همه عظمت و جذابیت، تنها فرش زیر پای مادران می باشد و عظمت و تقدیس نقش مادر فراتر از بهشت با آن همه توصیف و جذابیت معنوی می باشد و رضایت و خشنودی خداوند در رضایت و خشنودی مادر می باشد که در حقیقت بالاترین مرتبه برای ارج نهادن به مقام مادر می باشد و این توصیف از مادر در مکتب و دین اسلام و در بیان پیامبر اکرم بی بدیل و فراتر از زندگی مادی انسانها و دست نیافتنی می باشد.

نقش و جایگاه مادر در ادبیات فارسی

تمام جوامع و همه افراد در ارج نهادن به مقام شامخ مادر، متفق القول هستند؛ گرچه معیارهای ارزش گذاری به لحاظ تفاوت مبانی فکری و عقیدتی، شاید اندکی متفاوت باشد؛ اما متون تاریخی بر این حقیقت یک‌زبانند که جوامع ابتدایی، جوامع مادر سالار یا مادر شاه بوده‌اند و با گذشت زمان گرچه از نفوذ اجتماعی مادر کاسته شد، اما ارزش مقام مادر همواره بر ادبیات ملل مختلف سنگینی کرده و می کند.

سیر پرداختن به موضوع مادر را می توان از شاهنامه شروع کرد. فردوسی پاکزاد برای زن و مادر، جایگاهی فراتر از پرورش فرزند و عشق به همسر قائل است و آن، احترام به خرد مادر است. در شاهنامه ذکر مادر همواره به خاطر انجام کاری در نهان بوده است. مادران در شاهنامه مادرانی خردمند و دنیا دیده اند. و در آنجا مادر نماد خردمندی است، مثل داستان اسکندر که همواره چاره‌جویی را از مادر می طلبید یا مثل خود سیمرغ که مادر، پرورنده ی زال است و همواره چاره‌جوی و حافظ او و خانواده‌اش در همه ی شاهنامه است.

نظر ناصر خسرو را درباره مادر باید به طور غیرمستقیم و از لابلای صور خیال و زبان شعری اش بیرون کشید. مثلاً باید دید "مادر"، استعاره یا مشبه به برای چه مفاهیمی قرار گرفته است. اگر آن مفاهیم مثبت باشند، نشان دهنده نگاه مثبت شاعر است و بالعکس. هنگامی که وی "دین" را به مادر تشبیه می کند و "قرآن" را به شیر وی، می گوید هرکس شیر مادر دین را رد کند، شیر مادر دنیا یعنی؛ نعمت های این جهانی از او گرفته می شود، (زادالمسافرین، ص ۳۹۹) این سخن متضمن ارزشمندی شیر مادر و لزوم قدردانی و حق شناسی در برابر آن و تناسب میان مادر و آنچه به فرزند می بخشد، است و نیز آثار آن را یادآوری می کند. یا وقتی که می گوید "جان مادر تن است و علم مادر جان"، تلویحاً به برتر بودن ارزش مادر، از فرزندی که می زاید و نیز وابستگی فرزند به همان ارزش های مادر، اشاره می کند:

تن به جان زنده ست و جان زنده به علم سوی دانا ای برادر! همچنانک

دانش اندر کان جانت گوهرست جان تنت را، علم جان را مادرست . (دیوان، ص ۳۳)

در دوره سعدی، مادر بیشتر نقش آموزشی و پرورشی می گیرد. در این دوره نقش مادر تحت تأثیر جنگاوری‌های پدرسالارانه کاسته می شود و این نکته در نوشته‌های منثور این دوره نیز آشکار است. در این دوره معمولاً حضور اجتماعی زنان کم‌رنگ می شود و مادران نقش پررنگ خردمندان ی خویش را از دست می دهند.



سعدی می‌سراید:

نشاید کآدمی چون کره ی خر چو سیر آمد نگردد گرد مادر
 شیخ اجل در کتاب بوستان نیز از ستایش مقام مادر غافل نبوده و از آزردن دل مادران شکوه می‌کند:
 جوانی سر از رای مادر بتافت دل دردمندش به آذر بتافت (همان، ص ۲۶۳)
 در دیوان حافظ کلمه مادر دو مرتبه در ترکیب (شیر مادر) و دو مرتبه در ترکیب (مادر دهر و مادر گیتی) و یک مرتبه در ترکیب (ام الخبائث) به معنی شراب آمده است و به صورت جدا و معنی خود مادر هیچگاه نیامده است. در حالی که پدر به همین مفهوم چهار مرتبه آمده است:
 گوهر بخت مرا هیچ منجم نشناخت یارب از مادر گیتی به چه طالع زادم (دیوان حافظ، غزل ۳۱۷)
 مادر در تصور شاعران دوره جامی، سخت‌دل می‌شود مانند آنچه در کلام جامی می‌آید:
 چو از لب بگذرد سیل خطرمنند نهد مادر به زیر پای، فرزند (هفت اورنگ، اورنگ ۵)
 امیرخسرو دهلوی که مانند بسیاری از شاعران فارسی زبان، شعرهای زیادی در ستایش مادر دارد، از تعصب خشک و بی‌جای مردم زمان خود به‌دور نمانده و مانند مردم دوران جاهلیت، داشتن دختر را ننگ و عار می‌شمارد و سرانجام از روی ناچاری، تسلیم قانون طبیعت می‌شود و حقیقت داشتن دختر را می‌پذیرد. تسلیم و رضای او را در برابر امری ناخواسته در این چند بیت می‌توان دید:

ای ز عفت فکنده برفق تور
 کاش ماه توهم به چه بودی
 لیک چون داده‌ی خدایی راست
 من پذیرفتم آن چه یزدان داد
 پدرم هم ز مادر است، آخر
 هم عقیفه به‌نام و هم مستور
 در رحم طفل هشت‌ماهه بودی
 با خدادادگان ستیزه خطاست
 کان چه او داد باز نتوان داد

مادرم نیز دختر است، آخر (ماهنامه "اندیشه آزاد"، شماره ۱۳، بهار ۱۳۶۹)

در شعر معاصر- چون دیدگاه نسبت به زنان عوض شد- مادر موجودی بسیار ارجمند است و ما به همان نقش باستانی و داستانی مادر می‌رسیم. و بسیاری از شاعران معاصر در اشعار خود به ستایش و قدردانی از او پرداخته‌اند. یکی از زیباترین شعرها، شعر مشهور ایرج میرزا است که از شاهکارهای ادبی او به حساب می‌آید. او شعری در وصف و ستایش مادر، با بکار بردن زیاد واژه "آموخت" دارد که دغدغه مادر را همواره آموختن رسم زندگی به فرزند می‌داند و در آخر هستی خود را از هستی مادر می‌داند.:

گویند مرا چو زاد مادر
 شب‌ها بر گاهواره من
 لبخند نهاد بر لب من
 دستم بگرفت و پا به پا برد
 یک حرف و دو حرف بر زبانم
 پس هستی من ز هستی اوست
 پستان به دهان گرفتن آموخت
 بیدار نشست و خفتن آموخت
 بر غنچه گل شکفتن آموخت



تا شیوهی راه رفتن آموخت

الفاظ نهاد و گفتن آموخت

تا هستم و هست دارمش دوست (دیوان، ص ۱۴۷)

شهریار، در شعری که به سوگ مادرش سروده است به حضور مسلط و محافظ او در زندگی اشاره می کند:

او مرده است و باز پرستار حال ماست در زندگی ما همه جا وول می خورد

هر کنج خانه صحنه ای از داستان اوست در ختم خویش هم بسر کار خویش بود

و در شعر زیر، وی زیرکانه پرده دری و بی حرمتی برخی افراد را به ندیدن محبت مادرانه در کودکی شان نسبت می دهد:

اغلب کسان که پرده حرمت دریده اند در کودکی محبت مادر ندیده اند

وی مادر را موجودی مقدس معرفی می کند که مهد مهر و عطوفت و کوه صبر و بردباری، شمع محفل خانواده و کانون تمام دل بستگی های فرزندان است:

طفل را هر لحظه خوفی هست کان تسکین نیابد ز به زیر بال مهر و نازش و تیمار مادر. (دیوان، ص ۵۱۸)

شهریار، مادر را چون فرشته ای می داند که آهنگ لالایی او پیامی خدایی است:

مادر فرشته ایست کش آهنگ لالیلی جز کودک یتیم چه داند که در جهان دریای مهد مادری از شهریار پرس

قدسی ترین پیام خدا و پیمبر است بی مادری چه فاجعه یی رقت آور است

کو سینه اش سفینه غواص گوهر است (دیوان، ص ۴۷۳)

پروین اعتصامی - بانوی شعر پارسی - نیز در اشعار خود نسبت به مقام و منزلت مادر نیک می نگرد و بزرگی مردان را همواره مرهون و مدیون دامن مادران از خود گذشته می داند:

به گاهواره مادر به کودکی بس خفت سپس به مکتب حکمت، حکیم شد لقمان

وی تاکید دارد که مادر مظهر فداکاری، گذشت، عشق و محبت و بهترین مربی برای فرزندان است:

دامن مادر نخست آموزگار کودک است طفل دانشور کجا پرورده، نادان مادری (دیوان، ص ۲۹۸)

به اعتقاد پروین، شایسته است تا مقام دختران نیز که مادران فردا هستند، ارزشمند دانسته شود زیرا مسئولیت آنها بسیار بزرگ است:

همیشه دختر امروز، مادر فرداست ز مادر است میسر بزرگی پسران (دیوان، ص ۵۱۸)

از شعر نو، می توان به شعر سهراب اشاره کرد؛ سهراب سپهری و عالم شاعرانه اش که در آن عالم مادر نیز نقشی اسطوره ای برای خلق زیبایی ایفا می کند:

مادرم ریحان می چیند نان و ریحان و پنیر آسمانی بی ابر اطلسی هایی تر رستگاری نزدیک، لای گل های حیاط

نور در کاسه ی مس چه نوازش ها می ریزد.

لالایی مادر در شعر معاصر فراوان یافت می شود. لالایی مادر آرامشی وصف ناشدنی دارد که هرگاه انسان به یادش می افتد به آسودگی کودکی دست می یابد.

دل آشنای حدیثی، که دایه می داند حدیث "غول بیابان" کودک آزار است

ترنم خوش لالای مادران جوان سرود "کوه سیاه" است و "گرگ خونخوار" است. (آتشی، گزینه ی اشعار، ص ۵۸)

گاهی شاعر برای فرار از دنیای غم گرفته ی خود، به گذشته برمی گردد و بوی مادر و خاطره های با او بودن را سبب آرامش خود می داند.

خط زعفرانی مادر نقش ساز کاسه ی چینی هفت سین هفت سلامش یک سبد ز سوسن و سنبل

عید سیمای سعادت داستان "شرلی کوچک"

من روانه در پی مادر پیش چشم نازی و لادن (بهبهانی، خطی ز سرعت و آتش، ص ۸۲)

و گاهی در شعر معاصر، مادر بخششی است که نازل خواهد شد:



مادر تمام روز دعا می خواند مادر گناهکار طبیعست
و فوت می کند به تمام گلها و فوت می کند به تمام ماهیها
و فوت می کند به خودش مادر در انتظار ظهور است
و بخششی که نازل خواهد شد... (دیوان، ص ۳۳۵)
فریدون مشیری، لذت یک لحظه مادر داشتن را از همه لذت ها گواراتر می داند و توضیح می دهد همه زیبایی ها و دارایی های قابل تصور
و غیرقابل تصور جهان و ...

بر تو ارزانی که ما را خوشتر است لذت یک لحظه مادر داشتن
مهدی سهیلی- شاعر معاصر - نگاه مادر را برتر و ارزشمندتر از دولت عالم می داند:
مرا گر دولت عالم ببخشند برابر با نگاه مادرم نیست
و یا پناهگاهی برای جان خسته و بیمار فرزند می داند که:
مادر من از کشاکش این عمر رنج زای بیمار و خسته جان به پناه تو امدم (اشک مهتاب، ص ۶۳)
بررسی و تحلیل واژگانی معنا و مفهوم مادر در کتب درسی دوره ابتدایی

در کتاب فارسی پایه ششم دوره ابتدایی تحلیل و بررسی محتوای انتخابی نشان می دهد شعری از ابوالقاسم حالت با عنوان «ای مادر عزیز»
فرزندی در ستایش مادر او را ستایش می کند و تمام زندگی خود را از وجود مادر می بیند. در این بخش از کتاب از دانش آموزان
خواسته شده که این شعر را حفظ نمایند. عنوان شعر مورد نظر این گونه می باشد:

ای مادر عزیز که جانم فدای تو قربان مهربانی و لطف و صفای تو
هرگز نشد محبت یاران و دوستان همپایه ی محبت و مهر و وفای تو
مهرت، برون نمیرود از سینه ام که هست این خانه، خانه ی تو و این دل، سرای تو
ای مادر عزیز که جان داده ای مرا سهل است اگر که جان دهم اکنون برای تو
خشنودی تو مایه خشنودی من است زیرا بود رضای خدا در رضای تو
گر بود اختیار جهانی به دست من می ریختم تمام جهان را به پای تو
در این شعر به زیبایی مادر نماد و مظهر عشق، محبت، لطف، صفا، مهربانی و وفا می باشد که قابل مقایسه با هیچ کدام از افراد و گروه های
انسانی نزدیک به فرد نمی باشد و جایگاه مادر در قلب و جان انسان می باشد و رضایت و خشنودی مادر را ضامن رضایت و خشنودی خداوند
می داند که تمام جهان معادل وجود و نعمت وجودی مادر نخواهد شد. البته می توان فراتر از حفظ کردن شعر فوق به وسیله دانش
آموزان پایه مذکور از آنها خواست تا در وصف مادر داستان و انشائی بنویسند و در مورد فداکاری و مهربانی مادران در کلاس بحث و گفتگو
بین دانش آموزان انجام شود و با حضور مادران در کلاس درس از آنها تجلیل و قدردانی شود.

در کتاب تفکر و پژوهش پایه ششم، تحلیل و بررسی محتوای این کتاب نشان می دهد که در مفهوم مادر چالشی مطرح شده است که همه
انسان ها اهداف، آرزوها، خواسته های زیادی دارند ولی بالاجبار به انتخاب بین آنها دست می زند و در چنین شرایطی ابتدا باید هدفها را
فهرست نماید و استدلالات موثق مشخص شود که کدام از اولویتهای بالاتری برخوردار است. در نظر گرفتن اولویت های یکی از جنبه های تصمیم
گیری می باشد. در این مبحث با تماشای فیلمی با عنوان «بوی خوش مدینه» در باره آرزوی اویس قرنی می پردازد که اویس قرنی با وجود
داشتن آرزوی دیدن پیامبر (ص)، مادری سالخورده و بیمار دارد که نمی تواند او را تنها بگذارد و مادر از او قول می گیرد که به زودی
برگردد. اویس پس از طی مسیری به مدینه می رود ولی موفق به دیدار پیامبر نمی گردد و در این حال چون مادرش بیمار است و قبول
بازگشت به مادر داده، به یمن برمی گردد. این داستان از اویس قرنی و تشکر پیامبر (ص) از اویس قرنی به دلیل احترام و منزلتی که به مقام



مادر داشته است او ایس قرن را برترین فرد می خواند، جایگاه مادر، به خوبی بیان شده است. و مهم ترین مساله این است که در درس تفکر دانش آموزان را به تفکر و انتخاب تشویق نموده است که مفهوم مادر و جایگاه و مقام و موقعیت وی در زندگی فرد والا و مقدس می باشد. بنابراین بررسی و تامل در محتوای دروس پایه ششم ابتدایی نشان می دهد که نقش و جایگاه معنا و مفهوم مادر در درس هدیه های آسمانی مغفول واقع شده است در حالیکه می تواند در این درس معنا و مفهوم مادر در قالب داستان و قصص قرانی و از زبان و کلام بزرگان دین اسلام، پیامبران و امامان آورده شود و با اینکه در درس علوم، جایگاه، محتوا و یا فعالیتی برای آموزش مفهوم مادر و نقش آن به عنوان کسی که راهنمای و یاری دهنده فرزندش و همیار دانش آموز در کاوشگری باشد در نظر گرفته شود. و جای خالی توجه به مفهوم مادر در اغلب کتب این پایه احساس و ادراک می شود.

بررسی و تحلیل محتوای درس فارسی پایه پنجم ابتدایی در زمینه توجه به معنا و مفهوم مادر هم نشان می دهد که در قالب داستانی از ابوعلی سینا بیان می شود که مادرش در بستر بیماری می باشد و در همان ایام او باید از مادر دور شود این دوری از مادر برای ابوعلی سینا سخت و دشوار می نماید ایشان می خواهد که در محضر مادر بماند و از طیب مادرش می پرسد که علت بیماری مادرش چیست؟ طیب پاسخ می گوید که برای شناختن بیماری ها و درمان آنها باید خوب ببیند و بشنود این انگیزه ای می شود برای ابوعلی سینا تا یادگیری علوم پزشکی و طبابت را پیشه نماید و آنها یادگیری و آموختن دانش و معرفت جدید به قصد خدمت به مادر می تواند او را از مادر جدا نماید و دوری از ایشان را تحمل نماید.

نتیجه گیری و ارائه پیشنهادها

مادر و تمام مفاهیم و مصادیق وابسته به آن در تاریخ زندگی انسان ها از آغاز تا اکنون مقام و جایگاه مقدس و والا مرتبه ای داشته است. در ادبیات فارسی و دین و آیین ایرانی و اسلامی هم توجه به نقش و جایگاه رفیع مادر در عشق و محبت و ورزی به اعضای خانواده قابل تقدیر و تحسین می باشد و تجسم و تصویر عطوفت، رافت و محبت در سیمای مادر تصویر و تجسم رب العالمین می باشد و از همین رو می باشد که بهشت را جایگاه حقیقی مادر می داند و آن را فرش زیر پای مادران می بیند و خشنودی و رضای خداوند را در خشنودی و جلب رضایت مادر می داند. هرچند بررسی تاریخی و ادبی احادیث و روایات و اشعار نشان می دهد جایگاه و نقش مادر در خانواده و در اجتماع و تربیت فرزندان و پذیرش و آموزش نقش ها و جامعه پذیری فرزندان سازنده و حیاتی بوده است و همه مسائل عاطفی و اجتماعی خانواده با حضور و همفکری مادر صورت می گرفته است و به عنوان منبع و مصدر مهرورزی، محبت و عطوفت مطرح بوده است اما در جامعه امروز ایران، نقش و جایگاه مادری دستخوش تغییر و تنزل شده است تا جایی که بیشتر وقت وانرژی مادر برای تامین هزینه های مادی و اقتصادی در خارج از منزل و خانواده سپری می گردد و از نقش اصلی خویش که تربیت و جامعه پذیری فرزندان و تامین نیازهای عاطفی سایر اعضای خانواده می باشد غافل شده اند که البته این مساله با پدیده صنعتی و ماشینی شدن جوامع مرتبط می باشد.

در بسیاری از خانواده های ایرانی مشاهده می شود که مادر به عنوان منبع عشق، عطوفت و مهرورزی الهی و معنوی در سنین پیری و سالخوردگی که نیازمند توجه و جبران ذره ای از محبت دریای وجودی خویش برای فرزندان می باشد مورد بی مهری فرزندان قرار می گیرد و درسرای سالمندان و در کنج عزلت و تنهایی و بیماری آخرین روزهای زندگی خویش را به نظاره می نشیند که لزوم فرهنگ سازی و توجه فرزندان و خانواده در نگهداری و پرستاری مادر در خانواده و استفاده از تجربه و محبت مادر برای تربیت فرزندان و برکت خانواده می تواند از این فرهنگ در حال تکثیر و ترویج جوامع غربی در جامعه ایران جلوگیری کرد. از منظری دیگر کتاب های درسی به ویژه در دوره ابتدایی که محل بازی نقش ها و شکل گیری شخصیت فرزندان و به ویژه دانش آموزان دختر می باشد به ندرت به مفهوم نقش مادر و اهمیت آن در خانواده و جامعه پرداخته شده است. و تحلیل و بررسی محتوای کتب دوره ابتدایی نشان می دهد در قالب چند شعر در کتب فارسی و هدیه در دو پایه تحصیلی بقیه کتب و پایه ها از پرداختن به نقش و جایگاه مادر و اشنایی، اهمیت، اثرگذاری و آموزش نقش مادری غفلت شده است. بنابراین پیشنهاد می گردد:

در همه کتب فارسی و هدیه های آسمانی و مطالعات اجتماعی شش پایه ابتدایی دروس مختلف در قالب شعر، داستان، فعالیت های کلاسی و خارج از کلاس درس به مادر و تاثیر و کارکردهای آن در خانواده و جامعه توجه شود.



در سایر دروس و پایه های اول تا ششم ابتدایی هم به شکل مستقیم و غیر مستقیم به معنا و مفهوم مادری توجه شود.

در قالب کارگاه، مسابقه و سایر فعالیت های فوق برنامه به اهمیت و تاثیرگذاری نقش مادر در خانواده و جامعه توجه شود.

در قالب روز و هفته مادر از مادران برای حضور و ارتباط با مدرسه دعوت به عمل آید و این روز در قالب جشنواره مورد تقدیر و تحسین قرار گیرد.

از کتاب های داستانی و قصص با موضوع مادر در کتابخانه مدرسه و کلاس درس برای آشنایی دانش آموزان و تشویق آنان استفاده شود.

در رسانه های مختلف دیداری و شنیداری، رادیو تلویزیون اهمیت نقش مادر مورد توجه و تاکید سیاست گذاران کلان قرار گیرد و انعکاس این سیاست ها در نظام آموزشی مورد تحلیل و بررسی قرار گیرد.

معلمان، انجمن اولیا و مربیان، مشاوران و مدیران آموزش و پرورش در جریان تاثیرگذاری نقش مادر در خانواده و اجتماع قرار بگیرند و آنان هم به این موضوع در نظام آموزشی و کلاس درس توجه جدی مبذول داشته باشند.

بازدید از مراکز نگهداری و سرای سالمندان و توجه به نقش مادری در زندگی واقعی اجتماعی، تهیه فیلم، کلیپ و سایر محتوای دیداری و شنیداری.

برگزاری شب شعر با عنوان مادر در مراکز فرهنگی، آموزشی و سرای محله و شهرداری ها به مانند رسالت همایش فعلی سالانه مادر که نقش خود را به خوبی در منظومه علمی و دانشگاهی ایفا کرده است و به دنبال شناخت دلایل عدم توجه به مفهوم و معنای مادری در ادبیات و شعر معاصر و کتابهای درسی می باشد.



دومین همایش ملی جایگاه و نقش مادر

2nd National Conference on the Status and the Role of Mother

منابع

اعتصامی، پروین (۱۳۶۸)، دیوان، با مقدمه منوچهر مظفریان، تهران، انتشارات علمی.

ایرج میرزا، (۱۳۵۳)، دیوان، تهران، نشر اندیشه، چاپ سوم.

آتشی، منوچهر (۱۳۶۹)، گزینۀ اشعار، تهران، انتشارات مروارید، چاپ دوم.

بهبهانی، سیمین (۱۳۷۴)، خطی ز سرعت و آتش، تهران، انتشارات زوار، چاپ دوم.

بهبهانی، سیمین (۱۳۸۲)، مجموعه اشعار، تهران، انتشارات نگاه.

حافظ، شمس‌الدین محمد (۱۳۷۰)، دیوان، ناشر: ابراهیم هاشمی.

سپهیلی، مهدی (۱۳۴۷)، اشک مهتاب، انتشارات سنایی.

شهریار، محمد حسین (۱۳۸۳)، دیوان اشعار، تهران، انتشارات نگاه، چاپ بیست و سوم.

شیخ صدوق (۱۴۱)، من لا یحضره الفقیه، بیروت، دار الاضواء، الطبعة الثانية، ج ۲، ص ۴۶۰ - ۴۶۱.

قبادیانی، ناصر خسرو (۱۳۶۵)، دیوان، تصحیح مجتبی مینوی و مهدی محقق، تهران، انتشارات دانشگاه تهران، چاپ دوم.

قبادیانی، ناصر خسرو (۱۳۰۳)، زادالمسافرین، تصحیح محمد بذل الرحمن، نشر کاویانی.

ماهنامه ی "اندیشه آزاد"، شماره ی ۱۳، بهار ۱۳۶۹، سوئد.

محمدی ری شهری، محمد (۱۴۲۲)، منتخب میزان الحکمه، قم، دار الحدیث، ص ۵۵۲.

مذبوحی، سعید (۱۳۹۶)، مبانی و مفاهیم نوپدید برنامه درسی دوره ابتدایی، تهران، آوای نور

مکارم شیرازی، ناصر (۱۳۸۵)، تفسیر نمونه، دارالکتب الاسلامیه.

وزین پور، نادر (۱۳۶۹)، هفت اورنگ جامی، انتشارات امیرکبیر.



حمایت حقوقی از مادران در قانون برنامه ششم توسعه؛ دستاوردها و چالش‌ها

ریحانه اشرف؛ دانشجوی کارشناسی ارشد دانشگاه رفاه

reyhaneashraf@yahoo.com

چکیده

امروزه برنامه افزایش جمعیت و اهمیت فرزندآوری، یکی از مسائل مهم هر کشوری است که تاثیر اساسی در برنامه های امنیتی-اقتصادی و سیاسی آن کشور در دراز مدت خواهد داشت. اهمیت این موضوع باعث می شود دولتها در پی تدوین قوانین متناسب با ساختارها و نیازهای آن کشور برآیند، تا بتوان هم از طرفی خانواده ها را به فرزندآوری تشویق نمود و هم بتوان از این ازدیاد جمعیت حمایت کرد؛ از این رو می طلبد که از مادر به عنوان یکی از دو رکن اصلی خانواده که نقش فرزندآوری و پرورش فرزند را به عهده دارد، حمایت های ویژه ای در مباحث حقوقی صورت بگیرد. از آنجا که برنامه های توسعه اهداف مهم و اساسی کشور طی پنجسال آینده را تبیین می نماید، در این مقاله کوشش می گردد با بررسی برنامه ششم توسعه کشور ضمن تحلیل جنبه های حمایتی از مادران در قانون برنامه ششم توسعه، چالش های اجرایی-تقنینی این حمایت ها مشخص گردد.

واژگان کلیدی: حمایت حقوقی-مادر-برنامه ششم توسعه-محدودیت ها

مقدمه

در اصل بیستم قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران مصوب ۱۳۵۸، موضوع یکسانی زن و مرد طبق اسلام بیان و اضافه شده است: همه افراد ملت اعم از زن و مرد، یکسان در حمایت قانون قرار دارند. در قوانین جمهوری اسلامی ایران، حقوق زنان از جایگاه مهمی برخوردار است. بعد از پیروزی انقلاب اسلامی، برای مشارکت زنان در عرصه های مختلف قوانین بسیاری تدوین شده که نمود عینی این قوانین را میتوان در حضور پررنگ زنان در جامعه به خوبی مشاهده کرد. همچنین در قانون اساسی، طی اصول و بندهای مختلف به حقوق زنان اشاره شده که این قوانین حکایت از اهمیت زنان برای قانونگذار اساسی دارد.

اصل سوم قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران، دولت را موظف می کند برای نیل به اهدافی نظیر عدالت، کرامت و ارزش والای انسان و آزادی توأم با مسئولیت، همه امکانات خود را برای امور خاصی به کار ببرد که در بند ۱۴ این اصل آمده است: تأمین حقوق همه جانبه افراد از زن و مرد و ایجاد امنیت قضایی عادلانه برای همه و تساوی عموم در برابر قانون.

در اصل دهم قانون اساسی با اشاره به جایگاه رفیع نهاد خانواده در جامعه اسلامی آمده است: از آنجا که خانواده واحد بنیادی جامعه اسلامی است، همه قوانین، مقررات و برنامه ریزیهای مربوطه، باید در جهت آسان کردن تشکیل خانواده، پاسداری از قداست آن و استواری روابط خانوادگی بر پایه حقوق و اخلاق اسلامی باشد.

در اصل بیستم قانون اساسی موضوع یکسانی زن و مرد طبق اسلام بیان و اضافه شده است: همه افراد ملت اعم از زن و مرد، یکسان در حمایت قانون قرار دارند و از همه حقوق انسانی، سیاسی، اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی با رعایت موازین اسلام برخوردارند. اصل بیست و یکم قانون اساسی حقوق زنان را در پنج بند توضیح میدهد و طبق این اصل، دولت موظف است حقوق زن را در تمام جهات با رعایت موازین اسلامی تضمین و امور زیر را انجام دهد:

۱- ایجاد زمینه های مساعد برای رشد شخصیت زن و احیای حقوق مادی و معنوی او



۲- حمایت مادران، بالخصوص در دوران بارداری و حضانت فرزند و حمایت از کودکان بی سرپرست

۳- ایجاد دادگاه صالح برای حفظ کیان و بقای خانواده.

۴- ایجاد بیمه خاص بیوگان و زنان سالخورده و بی سرپرست.

۵- اعطای قیمومیت فرزندان به مادران شایسته در جهت غبطه آنها در صورت نبودن ولی شرعی.

در کشور ما برای رسیدن به رشد و توسعه پایدار برنامه های پنجساله توسعه تصویب می گردد که این قوانین براساس اسناد بالادستی همچون قانون اساسی و سند چشم انداز بیست ساله طراحی و تدوین می گردد. برنامه های توسعه بر مبنای واقعیت های کنونی هر دوران مسیر دستیابی به اهداف سند چشم انداز کشور را فراهم می کند. قانون برنامه ششم توسعه که سومین برنامه ای است که در زمان اجرا و به منظور تحقق اهداف آن سند تهیه شده است. این برنامه که با فراز و نشیب های فراوانی در مراحل تصویب روبرو بود، بالاخره با یکسال تاخیر در سال ۱۳۹۵ به تصویب مجلس شورای اسلامی رسید تا دورنمای پنجساله ای از شرایط کشور را برای دستگاه های اجرایی و تقنینی و قضایی ترسیم نماید. این برنامه که در برهه زمانی پس از برنامه جامع اقدام مشترک-برجام- به تصویب رسید، حایز نکته و اهمیت قابل توجهی نسبت به برنامه های توسعه قبلی است و ان حجم منابع مالی زیاد برای اجرای برنامه است که به نظر می رسد ناشی از امیدواری دولت از اجرای برجام و افزایش منابع مالی کشور باشد.

نقطه قوت برنامه ششم که بسیار مهم و اثرگذار است، توجه به بخشهای مختلف و اولویت دادن به موضوعاتی است که در حوزه های مختلف تعریف و بیان شده و قاعدتاً براساس این رویکرد دولت باید به اجرای اولویت ها در بخش های مختلف مکلف باشد. یکی از بخشهای مورد توجه در این قانون، مسئله زنان و عدالت جنسیتی در خصوص موضوعات مورد ابتلا جامعه است. زنان به عنوان نیمی از افراد جامعه با توجه به وظایف متعدد و متفاوت و نقش تاثیرگذار در جامعه و خانواده، یکی از گروه های مورد توجه در برنامه ششم توسعه می باشند و مادر به عنوان یکی از اقشار مهم جامعه زنان، از گروه های مورد اهمیت اجتماعی می باشد که در میان کنش های جامعه، می تواند با رشد و تاثیر گذاری نهادینه خود، به ارتقا و اثر بخشی هدفمند ساختارهای موجود و طراحی بایسته آینده پیشرو کمک شایانی نماید. در این مقاله با تقسیم بندی انواع حمایت های بیان شده در این قانون و چالش های فراوری آن، به دنبال رهنمود دادن به مقنن می باشد تا بتواند برنامه هدفمندی را به اجرا در بیاورد؛ از این رو مقاله فوق در دو قسمت ارائه می گردد. گفتار اول انواع حمایت های بهداشتی و مراقبتی و گفتار دوم حمایت های ضغلی و اجتماعی و گفتار سوم حمایت های حقوقی و قضایی.

گفتار اول : حمایت های بهداشتی و مراقبتی :

حق سلامت مادران، به معنای برخورداری از سلامت جسمی، روانی، اجتماعی و معنوی در زندگی فردی، خانوادگی و اجتماعی با توجه به ویژگی های آنان در مراحل مختلف زندگی است.

این حمایت در مواد ۱۰۲، ۷۶ (بندهای ت، ح، د) این قانون بیان شده است. در ماده ۷۶ قانونگذار با بیان تکلیف دولت به ارتقای شاخص های سلامت مادر و کودک و کاهش مرگ و میر نوزادان و مادران، اهداف کمی و دقیقی را برای سالهای اجرای برنامه اعلام نموده است. بند سوم سیاست های کلی جمعیت مصوب رهبر انقلاب در سال ۱۳۹۳، مبنای نگارش این ماده می باشد تا بتواند در سلسله مراتب تقنینی، اهداف مورد نظر را محقق نماید. همچنین در بند ت ماده ۱۰۲ این قانون، اشاره به زمینه سازی جهت افزایش نرخ باروری به میزان هر زن حداقل ۲/۵ فرزند شده است که به نظر می رسد مستنبط از ماده ۱ سیاست های صدر اشاره می باشد. در بند ح همین ماده اشاره به اختصاص بودجه سنواری برای تسهیلات افزایش سلامت ازدواج و درمان ناباروری شده است که با بند سوم سیاست های کلی جمعیت نیز مرتبط می باشد؛ این تسهیلات را می توان از طریق پوشش بیمه ای و تقویت نهادها و موسسات حمایتی تامین نمود. البته ابراهام موجود در قانون برنامه، عدم تعیین شدن نهادها و موسسات حمایتی مربوط می باشد؛ چرا که عمل به این ماده مستلزم صرف منابع مالی گسترده و اعطای اختیارات مشخص



قانونی به آن نهادها می باشد. در حالی که در عمل می بینیم اکثر مراکز ناباروری تحت هیچ پوشش بیمه ای و کمک های دولتی یارانه محور نیستند و درمان در این مراکز با هزینه های سرسام آوری صورت می پذیرد.

با نگاهی بر روند بین المللی و آمارهای ارائه شده جهانی از طرف صندوق جمعیت ملل متحد، دقیق تر می توان به این مطلب نگریست. تعداد مرگ و میر مادران به حدی غیر قابل قبول زیاد است؛ اطلاعات جدید نشانه هایی از پیشرفت در امر بهبود بهداشت مادران - بهداشت زنان در طول حاملگی و زایمان - را با دستیابی بعضی از کشورها به کاهش چشمگیر در نسبت های مرگ و میر مادران نشان می دهد. اما پیشرفت هنوز کاملاً کمتر از ۵/۵ درصد کاهش سالانه لازم برای تحقق هدف مورد نظر آرمان توسعه هزاره یعنی رساندن نسبت مرگ و میر مادران تا سه چهارم تا ۲۰۱۵ است. از بیشتر مرگ های مادران می توان اجتناب کرد. علت بیش از ۸۰ درصد مرگ های مادران خونریزی، عفونت، سقط جنین نا امن، بروز مشکل در هنگام زایمان، و عوارض پر فشاری خون در دوران حاملگی است. بیشتر این مرگ ها، اگر خدمات کافی بهداشت باروری، تجهیزات، وسایل و پرسنل ماهر و مراقبت های بهداشتی لازم در دسترس باشند، قابل پیشگیری هستند.

زنان بیشتری از مراقبت پیش از زایمان و کمک پرسنل ماهر در جریان زایمان برخوردار می شوند. در زمینه ارائه مراقبت های پیش از زایمان به زنان حامله در همه مناطق پیشرفت هایی در جریان است. ۶۳ درصد زایمان ها در دنیای در حال توسعه در ۲۰۰۸، در مقایسه با ۵۳ درصد در ۱۹۹۰، با حضور پرسنل بهداشتی ماهر انجام شد. در همه مناطق پیشرفت حاصل شد اما پیشرفت در شمال آفریقا و جنوب شرقی آسیا به ترتیب با ۷۴ و ۶۳ درصد، افزایش به ویژه چشمگیر بود.

نابرابری ها و تفاوت های بزرگ هنوز در زمینه ارائه مراقبت های پیش از زایمان به زنان حامله و یاری پرسنل با تجربه در جریان زایمان وجود دارد. احتمال اینکه زنان فقیر در نواحی دور افتاده از مراقبت بهداشتی کافی برخوردار شوند کمتر است. این امر به ویژه در مناطقی واقعیت دارد که تعداد پرسنل بهداشتی ماهر در آنجا همچنان کم و مرگ و میر مادران زیاد است به ویژه در منطقه جنوب صحرائی آفریقا، جنوب آسیا و اقیانوسیه؛ آ.ج. وی نیز از عوامل بازدارنده پیشرفت است و به حد چشمگیری در مرگ و میر مادران در بعضی از کشورها تاثیر می گذارد.

خطر مرگ و میر ناشی از حاملگی و زایمان برای دختران نوجوان بیشتر است و با هر حاملگی افزایش می یابد با این حال پیشرفت در امر تنظیم خانواده متوقف شده و سرعت افزایش تامین اعتبار برای آن با سرعت تقاضا هماهنگ نبوده است. استفاده از وسایل پیشگیری طی دهه گذشته افزایش یافته است. تا ۲۰۰۷، ۶۲ درصد زنان متاهل از نوعی از این وسایل استفاده می کردند اما افزایش این موارد کمتر از سال های دهه ۱۹۹۰ است.

گفتار دوم: حمایت های شغلی و اجتماعی: حمایت های شغلی - خانوادگی برای زنان شاغل عامل مهمی در جهت تثبیت نقش های اجتماعی آن ها محسوب می شود و بدون آن برای این گروه از زنان بهره مندی از و مقابله با فشارهای روانی - اجتماعی ناشی از نظام گسترش یافته نقش ها، به ندرت میسر است.

فواید این حمایت در مواد ۸۰ (بندت)، ماده ۱۰۱، ماده ۱۰۲ (بند ب) و ماده ۱۰۳ (بند ب) این قانون بیان شده است. در ماده ۸۰، دولت مکلف شده است تا با تهیه و اجرای کامل طرح جامع توانمند سازی زنان سرپرست خانوار بر اساس مصوبات شورای اجتماعی زنان اقدام نماید. در متن سیاست های کلی خانواده ۱۳۹۵ ابلاغی از طرف رهبری که پس از مشورت با مجمع تشخیص مصلحت نظام به تصویب رسیده است، در بند آمده است: حمایت حقوقی، اقتصادی و فرهنگی از خانواده های با سرپرستی زنان و تشویق و تسهیل ازدواج آنان.

در ماده ۱۰۱ اما کلیه دستگاه های اجرایی مکلف شده اند مبتنی بر قانون اساسی، سند چشم انداز بست ساله، سیاست های کلی برنامه ششم توسعه و سیاست های کلی خانواده، جایگاه سازمانی امور زنان و خانواده را بهبود بخشیده و عدالت جنسیتی را به عنوان یکی از شاخص های مهم و مبنایی حقوق بشر مورد توجه قرار دهند. در بند دوم سیاست های خانواده، این عبارت بیان شده است: محور قرار گرفتن خانواده در قوانین و مقررات، برنامه ها، سیاست های اجرایی و تمام نظامات آموزشی، فرهنگی، اجتماعی و اقتصادی.



در ماده ۱۰۲ اما بحث حمایت و پشتیبانی و ارتقای معیشت و اقتصاد خانواده از طریق توسعه مشاغل خانگی، بنگاه های زودبازده اقتصادی و تعاونی های تولیدی روستایی و خانواده محور، مورد توجه قرار گرفته است که این مهم نیز در سیاست های کلی اقتصاد مقاومتی ۱۳۹۲ در بند اول با عنوان تسهیل و تشویق همکاری های جمعی و تاکید بر ارتقاء درآمد و نقش طبقات متوسط و کم درآمد بیان گردیده است .

ماده ۱۰۳ برای نخستین بار وظیفه بیمه اجتماعی زنان خانه دار دارای حداقل سه فرزند را بر عهده وزارت رفاه قرار داده است. این ماده به نوعی ترجمان دیگری از اصل بیست و یکم قانون اساسی می باشد که در آن به بیمه کردن زنان سرپرست خانوار اشاره گردیده است و هر ساله نهادهای حمایتی مثل کمیته امداد امام خمینی(ره) و سازمان بهزیستی به این امر اقدام می نمایند.

گفتار سوم: حمایت های حقوقی و قضایی : مبتنی بر اصول قانون اساسی، قانون منع خشونت علیه زن، قانون مدنی، قانون مبارزه با قاچاق انسان و سایر قوانین عادی کشور، دولت مکلف به اتخاذ و حمایت تدابیر مؤثر جهت مبارزه با تبعیض و خشونت علیه تمام شهروندان به خصوص زنان کشور است. اعلامیه جهانی حقوق بشر، کنوانسیون بین المللی رفع کلیه تبعیضات علیه زن، میثاق بین المللی حقوق اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی، میثاق بین المللی حقوق مدنی و سیاسی، قطعنامه ۱۳۲۵ که در نشست ۴۲۱۳ - مورخ ۳۱ اکتبر سال ۲۰۰۰ شورای امنیت صادر گردیده است، عهدنامه ی بین المللی حقوق سیاسی زنان و برخی دیگر از اسناد بین المللی حقوق بشر در مجموع به مبارزه علیه تبعیض و خشونت علیه زنان تأکید داشته و دولت های عضو را مکلف به طرح و عملی نمودن برنامه های نموده است که بتوانند به عنوان راهکارهای مبارزه علیه تبعیض و خشونت علیه زنان مؤثر واقع گردد.

خوشبختانه دولت ایران تا کنون تعدادی زیادی از این اسناد بین المللی حقوق بشر تصویب یا امضاء نموده و عملاً مکلف به اجرای آنها است . تلاش مدافعین حقوق زنان همواره بر این بوده است که هیچ زنی به دلیل جنسیت خود از دستیابی به حقوقش بازماند. زن بودن در آموزه های دین مبین اسلام برخلاف تفکرات رایج غربیان در سده های گذشته، هیچ گاه به معنای جنس درجه دوم بودن نبوده است و تمام تفاوت هایی که در احکام شرعی و قواعد فقهی برای زنان تعیین شده است، متناسب با ویژگی های روحی و مقتضیات جنس زن است. در این میان در تدوین قوانین ایران که برگرفته از فقه اسلامی است، همواره تلاش شده است تا حقوق واقعی زنان در نظر گرفته شود.

این نکته قابل تأمل است که بررسی سیاست های حقوقی حاکی از به رسمیت شناخته شدن تدریجی تحولات نهاد خانواده است؛ یافته ای که استقلال نسبی حوزه حقوقی از حوزه اقدام دولتی را نشان می دهد و می توان آن را نتیجه ارتباط مستمر حیطه حقوقی با مسائل عینی و انضمامی خانواده های امروزی در ایران دانست. شکل گیری چالش های حقوقی میان واقعیات اجتماعی موجود با الگوهای حفظ اشکال سنتی نهاد خانواده ناکارآمدی برخی از این قوانین و عدم تناسب آنها با واقعیات جامعه را نشان می دهد.

در سیاست های کلی خانواده بیان شده است : بازنگری، اصلاح و تکمیل نظام حقوقی و رویه های قضایی در حوزه خانواده متناسب با نیازها و مقتضیات جدید و حل و فصل دعاوی در مراحل اولیه توسط حکمیت و تأمین عدالت و امنیت در تمامی مراحل انتظامی، دادرسی و اجرای احکام در دعاوی خانواده با هدف تثبیت و تحکیم خانواده. به نظر می رسد این بند سیاست های کلی خانواده بتواند با چند ماده در ارتباط باشد. نخست ماده ۱۰۲ که در بند (خ) این عبارت را مدنظر قرار داده است: تمهیدات لازم جهت بهره مندی از قضات و وکلای مجرب با اولویت وکلای متاهل با ارائه آموزش های لازم در جهت تشویق صلح و سازش زوجها در پرونده های دعاوی خانواده و ایجاد مشوقه های لازم نسبت به پرونده های مختومه؛ همچنین در ماده ۱۰۴ بند الف سازمات بهزیستی را مکلف کرده است تا با مراکز مشاوره خود باعث پیشگیری از بروز طلاق و رشد این آسیب اجتماعی گردد. همین زمان در ماده ۱۱۳ بند الف تکلیف دارد تا رد راستای تحکیم نهاد خانواده نسبت به ارائه خدمات مشاوره ای رایگان برای فاقد تمکن مالی اقدام نماید.



نتیجه گیری

با مروری اجمالی بر برنامه ششم توسعه و اسناد بالادستی آن مثل قانون اساسی، سند چشم انداز، سیاست های کلی برنامه ششم، سیاست های کلی جمعیت و سیاست های کلی خانواده به خوبی می توان اراده قانونگذار در شناسایی انواع مختلف حمایت از بانوان به خصوص مادران را به نظاره نشست. در این اسناد با تکیه بر قانون برنامه ششم توسعه به موارد متعددی از حمایت های سلامیت و بهداشتی، شغلی و اجتماعی و حقوقی و قضایی اشاره شده است که باید رد سالهای پیش روی برنامه، از طریق خود مجلس شورای اسلامی، شورای فرهنگی اجتماعی زنان، شورای عالی انقلاب فرهنگی و ستاد ملی زن و خانواده در سطوح مختلف تقنینی به تصویب رسیده و توسط دستگاه های مربوط مورد اجرا قرار گیرند. این مقاله با مطالعه این حمایت ها و مبانی حقوقی آنها، به عنوان نتیجه، ضمن بیان تعارض برخی از حمایت ها از قشر مادران با برخی دیگر از اسناد مصوب، لزوم هم افزایی نهادها در این حمایت ها و پرهیز از دوباره کاری و نیز عدم تکافوی صرف تصویب قوانین حجیم بدون در نظر گرفتن بار مالی آن را از عمده ترین اشکالات نظام تقنینی و اجرایی می داند که باید به نحو شایسته برای حمایت از مادران ایرانی مورد مذاقه قرار گیرد.



منابع

- ۱- قانون برنامه ششم توسعه ۱۳۹۵/۱۲/۲۱
- ۲- سیاست های کلی خانواده ۱۳۹۵/۰۶/۱۲
- ۳- سیاست های کلی جمعیت ۱۳۹۳/۲/۳۰
- ۴- سیاست های کلی برنامه ششم توسعه ۱۳۹۴/۰۴/۰۹
- ۵- سند چشم انداز بیست ساله کشور ۱۳۸۲۶/۸/۱۳-
- ۶- بررسی قوانین و سیاست‌های حمایت از خانواده در دوران پس از انقلاب اسلامی ایران؛ سید حسن حسینیو مینا عزیزی، مجله مطالعات زن و خانواده، دانشگاه الزهراء، ش ۷، تابستان ۱۳۹۵
- ۷- شاپور راسخ، «اثر توسعه اقتصادی و صنعتی در تغییر شکل و وظائف خانواده ایرانی»، ج ۱، اداره کل نگارش وزارت فرهنگ و هنر، ۱۳۵۳ ش.
- ۸- سیاست های شورای اروپا در حمایت از خانواده، سایت مهرخانه ۱۳۹۲/۹/۱۰
- ۹- ارگان های ملل متحد و خانواده، فاطمه شفیق، ۱۳۹۲، منتشر شده در سایت مهرخانه



تحلیل جامعه‌شناختی سیمای مادر با تاکید بر دیدگاه تفسیر المیزان

یوسف فتحی؛ استادیار و عضو هیات علمی دانشگاه زنجان

fathi@znu.ac.ir

چکیده

خانواده کوچکترین واحد اجتماعی است. قرآن کریم، نیکی به والدین را تالی توحید و عقوب آنها را در رتبه شرک قرار داده و به جایگاه خاص مادر تاکید می‌کند. مقاله حاضر به تحلیل جامعه‌شناختی این رابطه از حیث چرایی و چگونگی آن از دیدگاه علامه طباطبایی پرداخته است. با مطالعه آیات مربوطه در تفسیر المیزان، روشن می‌شود که تاسیس و تداوم جامعه، بستگی به محبت و روابط عاطفی نسلیها دارد. مرکز این محبت و رابطه قوی، خانواده است. پایداری خانواده با وجود محبت و عاطفه میان والدین و فرزندان است. فرزندان به رأفت والدین همراه با اشتاق آنها و والدین به فرزندان موقع پیری و ناتوانی همراه با اکراه آنها احتیاج دارند. بی توجهی اولاد نسبت به آنان و هنجار شدن آن، عواطف تولید و تربیت نسل را از بین می‌برد. افراد از تشکیل کوچکترین واحد جامعه، استنکاف می‌ورزند. جامعه‌ی بدون رابطه خویشاوندی به سرعت رو به انقراض می‌گذارد و هیچ سنتی فساد روی آورده را جبران نمی‌کند. با توجه به یافته‌های تحقیق نتیجه می‌گیریم که سعادت دنیوی و اخروی انسان، وابسته به جامعه انسانی سالم و جامعه سالم وابسته به خانواده مبتی بر محبت و علائق عاطفی است. مرکز این علاقه، مادر است.

واژه‌های کلیدی: توحید، والدین، مادر، فرزند، محبت، جامعه

مقدمه

خانواده به عنوان کوچکترین واحد اجتماعی، ابعاد زیستی، فرهنگی، اجتماعی، اقتصادی و تربیتی و کارکردهای تولید فرزند، تامین نیازهای متقابل زیستی، روانی و اجتماعی دارد که بر اساس پیوند یک مرد و زن شکل می‌گیرد و با تولد فرزند مفهوم پدر و مادر در درون خانواده و جامعه ایجاد می‌شود. از نگاه قرآن، خانواده زیستگاه و محل زایش نیست بلکه راهبر است. خانواده زیستی مسئولیتی جز والد و والده بودن و تولید نسل ندارد، لیکن، خانواده راهیاب یا راهبر، مسئولیت راهبری، اجتماعی شدن و فرهنگ پذیری فرزندان را بعهده دارد (ساروخانی، ۱۳۷۰: ۲۵۸). قرآن کریم، دوگانه‌های نگرشی، اخلاقی و رفتاری زیادی را مطرح می‌کند و مردم را از جهت اعتقادی و جهان بینی به «باورمندان» و «نا باوران» (بقره: ۳-۶) و از جهت اخلاقی و رفتاری به «نیکوکاران» و «ستمگران»^۱ و از جهت عاقبت اندیشی به «بازگشت کنندگان به راه راست» و «ماندگان در را انحرافی»^۱ تقسیم می‌کند. گروه‌های نخست، خداگرا، تسلیم به دستورات الهی، اهل مسرت، عمل نیک، بخشیده شده از سوی خداوند، اهل بهشت، شکر بر نعمتهای خدا، نیکی به والدین و شکر به نعمت وجودشان، عمل صالح و اصلاح نسل و دسته دیگر، خدا ناباوران، زبان کاران، محزونان و همراه باسرنوشت ترسناک، مشرک عملی، عاق والدین، غیر مومن به روز جزاء هستند. گروه کانونی طایفه اول، فرزندان مومن به خدا و صالح نسبت به والدین بویژه مادر و طایفه دوم، فرزندان نا صالح نسبت به والدین، هستند. حال سؤال اساسی این است که کدامیک از عناصر خانواده نقش اساسی در فرایند تربیتی فرزندان دارد و بالتبع حق بیشتری، متوجه او است؟ مقاله پیش روی، با روش استنادی و مراجعه به آیات مربوطه و برخی کتب تفسیری و با تاکید بر تفسیر المیزان علامه طباطبایی، نقش مادر را اساسی دانسته و او را عنصر مهمی مطرح می‌کند. این مقاله در ذیل چهار عنوان: خدا و والدین، خدا، والدین و مردم، مفهوم مادر و جایگاه مادر تنظیم شده است.

۱. خدا و والدین



قرآن کریم رابطه خدا و والدین را از پنج جهت توحید عملی و احسان به والدین، شرک عملی و عاق والدین، اطاعت خدا و اطاعت والدین، شکر خدا و والدین و جایگاه مادر، مورد توجه قرار داده است.

۱-۱. توحید عملی و احسان به والدین

دسته ای از آیات احسان به پدر و مادر را در ردیف توحید عملی خدا قرار داده و احسان به والدین را یک پیمان الهی می شمارند. هر جا به نیکی والدین امر شده قبل از آن به توحید و ترک شرک امر شده است. این نوع آیات از نظر اعتقادی، توحید و از نظر اجتماعی، احسان و نیکی به والدین را در طول هم قرار داده اند. آیه ۲۳ سوره اسراء و آیه ۱۴ سوره لقمان و آیاتی دیگر، عقوق والدین را بعد از شرک، در شمار بزرگترین گناهان، قرار داده اند. ایمان و خانواده دو عنصر حیاتی جامعه انسانی هستند. اساس ایمان و خانواده، محبت است. محبت تولید و بقای نسل را تضمین می کند و سرچشمه‌ی ارتباطات اجتماعی است، مرکز این رابطه خانواده است. قوام خانواده از یک طرف به پدر و مادر و از طرف دیگر به فرزندان است. علاقه والدین بویژه مادر به فرزندان از روی رحمت، اشتیاق و رأفت است نه از روی احتیاج. والدین هرگز فرزند خود را به دلیل بی نیازی، رها نمی کنند به همین دلیل در متون دینی کمتر به احسان والدین به فرزندان توصیه شده است، لیکن فرزندان ممکن است در زمان پیری و نیازمندی والدین به آنها، جفا نموده و آنها را رها کنند و به همین دلیل قرآن کریم بیشترین تاکید را بر احسان به والدین می کند. جفای اولاد نسبت به والدین و متعارف شدن این جفا کاری در جامعه باعث می شود عواطف تولید و تربیت به کلی از جامعه رخت بسته و کسی رغبت به تناسل و تربیت فرزند نداشته باشد و افراد از تشکیل جامعه کوچک و خانواده، استنکاف ورزد. به نظر علامه طباطبایی، چنین جامعه‌ای به سرعت رو به انقراض گذاشته دیگر هیچ قانونی این فساد را جبران نمی کند، و سعادت دنیا و آخرت از آنان سلب می شود (طباطبایی، ۱۳۷۴، ج ۷: ۵۱۵-۵۱۶). در عین حال نیاز فرزندان از حیث وجود، بقا و تربیت به والدین بسیار بنیادین است. از نظر جامعه شناسان، مفهوم نسل با مفهوم تربیت گره خورده است و به همین دلیل در حیوانات پست تر، نسل معنی ندارد (گیدنز، ۱۳۷۴: ۶۷). قرآن یک انگاره درست می کند که انگاره بنیان صحیح اعتقادی را توحید و انگاره بنیان صحیح تعاملات اجتماعی را نیکی به والدین می داند (بقره: ۸۳، نساء: ۳۶، انعام: ۱۵۱ و اسراء: ۲۳). انگار قرآن تبیین می کند که اعتقاد و باوردینی که خدا در آن جایگاهی نداشته باشد، این باور اساس ندارد، همانطوری که جامعه ای که در آن والدین در آن حرمت و احترام نداشته باشند، چنین جامعه ای اساس مستحکمی ندارد.

۱-۲. شرک عملی و عاق والدین

شرک و عاق والدین از گناهان کبیره هستند (انعام: ۱۵۱، نساء: ۳۶). برخی روایات گناهان را در سه دسته، گناهان قابل بخشش، گناهان غیر قابل بخشش و گناهان قابل بخشش با عوض و جبران قرار می دهند. گناهان نوع اول، گناهان بین انسان و خدا، گناهان نوع دوم، شرک به خدا و گناهان نوع سوم، حق الناس هستند که فقط از طریق جبران قابل بخشش هستند. قرآن کریم عاق والدین را از یک جهت در مرتبه شرک به خدا و از طرف دیگر در مرتبه حق الناس قرار داده است.

۱-۳. اطاعت خدا و والدین

نوع سوم آیات، توصیه خداوند به احسان به والدین است (عنکبوت: ۸) که مفسران، توصیه را در مقام امر تلقی کرده و حکم وجوب استنباط کرده اند (طباطبایی، ۱۳۷۴، ج ۱۶: ۱۵۳). مقام توصیه از مقام امر بالاتر باشد. ادامه آیه مرز اطاعت از پدر و مادر را عدم تضاد با اوامر و نواهی خداوند می داند. این آیات بین احسان فرزندان به والدین و اطاعت از دستورات والدین، تمایز قائل اند. احسان به والدین، هیچ شرطی از قبیل ایمان و کفر، بد اخلاق و خوش اخلاق ندارد، مطلقاً فرزند موظف به نیکوکاری به والدین است، اما اطاعت از دستورات والدین مشروط است. هیچ مخلوقی حتی والدین در معصیت الهی اطاعت نمی شود. عبارت «وَإِنْ جَاهِدَاكَ لِتُشْرِكَ بِي» ادامه توصیه ابتدای آیه است. آیه از یک طرف انسان را امر به نیکی کرده و از طرف دیگر او را نهی کرده که پدر و مادر را در شرک به خدا، اطاعت کند (طباطبایی، ۱۳۷۴، ج ۱۶: ۱۵۴). چون توصیه قبلی در معنای امر است و ممکن است کسی خیال کند که اطاعت دستور پدر و مادر حتی در صورت دعوت فرزند به شرک واجب است، لذا در ادامه بیان می کند که در صورت اصرار والدین به شرک ورزیدن، اطاعت نکنید (طباطبایی، ۱۳۷۴، ج ۱۶: ۳۲۴).

۱-۴. شکر خدا و والدین



نکات تربیتی مهمی از آیه ۱۵ سوره احقاف قابل استنباط است. نخست اینکه، سن بلوغ عقلانی و رشد فکری انسان، در چهل سالگی تکمیل می شود. سعدی در حکایت ۱۱ گلستان می گوید: «وگر چل ساله را عقل و ادب نیست - به تحقیقش نشاید آدمی خواند». چهل سالگی اوج تکامل زیستی، روانی، فکری و اجتماعی انسان می تواند باشد. دوم اینکه، سن چهل که مرحله تکامل، عقل انسان است، مرحله فهم صاحبان نعمت نیز است لذا انسان از خدا می خواهد که وی را موفق به شکر او و شکر والدین کند. سوم اینکه، عمل صالح انسان با تکامل عقل معنی می یابد. چهارم و نکته مهم تر اینکه، شکر خدا هم ردیف شکر والدین است. آیه شریفه شکر والدین را عین شکر خدا می داند (طباطبایی، ۱۳۷۴، ج ۱۶: ۳۲۲).

۲. خدا، والدین و مردم

سیاق آیات ۱۳ و ۱۴ سوره مریم^۱ به سه نوع ارتباط مهم اشاره دارد. عبارت «وَكَانَ تَقِيًّا» رابطه او با پروردگارش، جمله «وَبَرًّا بِوَالِدَيْهِ» رابطه او با پدر و مادرش و جمله «وَلَمْ يَكُنْ جَبَّارًا عَصِيًّا» رابطه او با سایر مردم را شرح می دهد (طباطبایی، ۱۳۷۴، ج ۱۴: ۲۵). رابطه صحیح انسان با خدا براساس تقوی، رابطه صحیح انسان با والدین و خویشان بر اساس احسان و رابطه صحیح شهروندان با یکدیگر براساس عدم جباریت، استبداد، استکبار و رعایت حقوق همدیگر تنظیم می شود. این سه نسبت، ارتباط تنگاتنگی باهم دارند. بخشی از دستورات الهی، نیکی و رابطه خوب داشتن با دیگران است و بخشی از منهیات الهی پرهیز از عاق والدین و ایذاء و اذیت دیگران است.

در بخش فوق به جایگاه پدر و مادر تاکید شده است. هیچ انسانی به جز والدین در قرآن کریم دیده نمی شود که نیکی به ایشان و شکر او در ردیف بندگی و شکر الهی و ظلم به او در ردیف ظلم به خداوند یعنی شرک تلقی شده باشد. در ادامه به مفهوم و جایگاه ویژه مادر اشاره می کنم.

۳. مفهوم مادر

قرآن درباره مادر دو عبارت «امهات»^۱ و «والدات»^۱ بکار برده است. بین دو عبارت تفاوت عمده وجود دارد. والده یا والدات، مادران خونی و واقعی انسان هستند. در بطن معنای «والده» مفهوم تولید مثل نهفته است (آذرنوش، ۱۳۸۸، ذیل ماده ولد). ولی امهات، مادران واقعی و خونی ممکن است نباشند بلکه به کسانی که حق مادری برگردن انسان دارند، هم «ام» اطلاق می شود، مانند آیه شش سوره احزات که زنان پیامبر (ص) را مادران مومن خطاب می کند^۱، «ام» ممکن به معانی دیگر غیر از انسان هم بکار رود مانند «ام المسائل»، «ام الاکتاب»، «امهات الحوادث» و «امهات الفضائل» (آذرنوش، ۱۳۸۸: ذیل ماده ام). معمولاً عبارت «امهات» همراه با قرینه بکار می رود^۱. چهار صفت برای والده در قرآن می توان بر شمرد: نخست، همسر پدر انسان است. دوم، از پدر انسان حامل است. سوم، شش تا نه ماه با عشق فرزند را در شکم خود حمل می کند و از شیر جانش او تغذیه می کند. چهارم، دو سال با علاقه و رحیمانه به او شیر می دهد و در آغوش خود تربیت می کند (طباطبایی، ۱۳۷۴، ج ۲: ۳۵۹). حضرت علی ع این علاقه را شعبه ای از رحمت خداوند می داند که چون کودک قدرت برخاستن و غذا خوردن ندارد، این نیرو را در بدن مادر قرار داده و او را برای تربیت و نگهداری، ملاحظت و مهربانی بخشیده است (مجلسی، ۱۴۰۳، ج ۹۲: ۲). از این روی، عبارت «والده» فقط بر کسی اطلاق می شود که فرد را زبیده است.

۴. جایگاه مادر

نوع پنجم آیات (لقمان: ۱۴^۱ و احقاف: ۱۵) به پاره ای از ویژگی های مادر به خصوص مشقات و اذیت های مادر از جانب فرزند در دوره حمل، شیرخوارگی و پس از آن اشاره می کنند تا شنونده را به شکر او دارد (طباطبایی، ۱۳۷۴، ج ۱۶: ۳۲۲).

مادران، اولاد خود را به عاطفه طبیعی و غریزی شیر میدهند که تار و پود طفل از آن تکون می یابد و منشأ عواطف او است. آهنگ ها و نگاه های مهر آمیز مادر جسم و جان طفل را می پروراند و آثاری از مهر، رحمت و شعور را در درون کودک بودیه میگذارد و با گذشت زمان و در سنین رشد این آثار ظاهر میشود. در دو سال دوران شیرخوارگی، انس و الفت کودک به طور کامل با مادر است و شخصیت کودک در این دوره بنیان گذاری می شود. کودکانی از مادر محروم شوند از ثبات شخصیت برخوردار نخواهند بود (سید بن قطب، ۱۴۱۲ق، ج ۶: ۳۲۶)



را از نظر روانی سالم تربیت می کند. بسیاری مفسده‌های جامعه، از افراد عقده ای واقع می شوند. مبدأ یک عقده بزرگ، جدا کردن بچه از مادر است. فرزند، به محبت مادر نیاز دارد.(صحیفه امام، ج ۸، ص: ۹۱).

نتیجه گیری

از مباحث مقاله معلوم می‌شود که مساله احسان به والدین بعد از مساله توحید از ضروریات دینی و اجتماعی و مساله حقوق بعد از شرک از بزرگترین گناهان کبیره است. از این جهت مساله احسان بعد از مساله توحید و قبل از سایر احکام مطرح شده است، این نکته در آیات متعدد یادآوری شده است. رابطه عاطفی میان پدر و مادر از یک طرف و میان فرزندان و والدین از طرف دیگر، عمیق ترین رابطه عاطفی و اجتماعی است. استواری جامعه انسانی به همین روابط عمیق وابسته است. رابطه عاطفی میان زن، شوهر، فرزندان و والدین، خانواده را به حال اجتماع نگهداشته و نمی‌گذارد از هم جدا شود. کانون اصلی رابطه عاطفی و محبت در خانواده، مادر و بار اصلی خانواده از جهات مختلف به عهده او است. همسر داری، یک وظیفه بسیار سنگین است. فرزند داری و گرم نگهداشتن کانون خانواده، وظیفه سنگین است. احسان و نیکی به والدین بویژه مادر از این سنت اجتماعی و فطری، نشات می‌گیرد. زیرا عدم جریان این حکم در اجتماع و معامله بیگانه با والدین قطعاً آن عاطفه را از بین برده و شیرازه اجتماع به کلی از هم گسیخته می‌گردد. از توصیه سه گانه پیامبر ص در یک روایتی به نیکی مادر و یک بار به نیکی به پدر، برداشت می‌شود که وزن نیکی به مادر سه چهارم وزن نیکی به پدر است. پیشنهاد اصلی مقاله این است که اگر قرار است در جهت اصلاح خانواده و جامعه قدمی برداشته شود، ضروری جایگاه مادران در جامعه و خانواده احیاء گردد.



- آذرنوش، آذرتاش، ۱۳۸۸، فرهنگ معاصر عربی- فارسی، تهران، نشر نی، چاپ دهم
- خمینی(امام)، روح الله، ۱۳۸۹، صحیفه امام، دوره ۲۲ جلدی، تهران، موسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی
- ساروخانی، باقر، ۱۳۷۰، درآمدی بر دایره المعارف علوم اجتماعی، تهران، سازمان انتشارات کیهان
- سید بن قطب بن ابراهیم شاذلی، ۱۴۱۲ق، فی ظلال القرآن، بیروت - قاهره، دارالشروق، چاپ هفدهم
- سیوطی، عبدالرحمن بن ابی بکر، ۱۴۰۴، الدر المنثور فی تفسیر المأثور، قم، کتابخانه آیه الله مرعشی نجفی، چاپ اول
- طالقانی سید محمود، ۱۳۶۲، پرتوی از قرآن، تهران، شرکت سهامی انتشار، چاپ چهارم
- طباطبایی، سید محمد حسین، ۱۳۷۴، ترجمه تفسیر المیزان، دوره ۲۰ جلدی، مترجم سید محمد باقر موسوی همدانی، قم، دفتر انتشارات اسلامی جامعه‌ی مدرسین حوزه علمیه قم، چاپ پنجم
- طباطبایی، سید محمد حسین، ۱۴۱۷ق، المیزان فی تفسیر القرآن، دوره ۲۰ جلدی، قم، دفتر انتشارات اسلامی جامعه‌ی مدرسین حوزه علمیه قم، چاپ پنجم
- فخر رازی، محمد بن عمر، ۱۴۲۰ق، مفاتیح الغیب، بیروت، دار احیاء التراث العربی، چاپ سوم
- مجلسی، محمد باقر، ۱۴۰۳، بحار الانوار، ج ۹۲، بیروت، دار احیاء التراث العربی.
- مکارم شیرازی، ناصر، ۱۳۷۴، تفسیر نمونه، تهران، دار الکتب الإسلامیة، چاپ اول



بررسی اثرات شاغل و یا غیر شاغل بودن مادران بر کودکان مهدکودکی

طیبه فردوسی؛ استادیار و عضو هیئت علمی دانشکده روانشناسی و علوم تربیتی دانشگاه تهران

feredowski110@yahoo.com

میینا قاسمی؛ دانشجوی کارشناسی ارشد دانشکده روانشناسی و علوم تربیتی دانشگاه تهران

mk.ghasemi22@gmail.com

چکیده

اکثر صاحب نظران و دانشمندان بر نقش حساس و سرنوشت ساز مادر در دوران اولیه رشد اذعان دارند. در این مقاله هدف بررسی اثرات شاغل یا غیر شاغل بودن مادران کودکان مهدکودکی در ابعاد شناختی، عاطفی، رفتاری و اجتماعی است. بدین منظور با روش تحقیق علی-مقایسه ای به کند و کاو پرداخته شد. نمونه گیری با شیوه خوشه ای تصادفی ساده (قرعه کشی) صورت گرفت. ابزار این تحقیق در بعد شناختی، آزمون ریون، در بعد اجتماعی، آزمون وایلند، در بعد عاطفی، آزمون رندولف و در بعد رفتاری، پرسش نامه مشکلات رفتاری محقق ساخت بود که مورد استفاده قرار گرفت.

نتایج نشان داد که تفاوت نمرات در هیچ یک از آزمون های هوش، دلبستگی و رشد اجتماعی در کودکان مادران شاغل و غیر شاغل (خانه دار) که هر دو در مهد کودک نگهداری می شوند معنا دار نشده است، اما فقط در مشکلات رفتاری معنا دار شده است. به عبارت دیگر اشتغال و عدم اشتغال مادر ارتباطی با رشد شناختی، سازگاری و رشد اجتماعی، میزان و نوع دلبستگی کودکان ندارد لیکن کودکان مادران شاغل مشکلات رفتاری بیشتری را نسبت به کودکان مادران خانه دار نشان داده اند.

کلید واژه ها: مادر شاغل، مادر غیر شاغل، کودکان مهدکودکی، ابعاد شناختی، عاطفی، رفتاری و اجتماعی

مقدمه

خانواده یکی از اساسی ترین و ابتدایی ترین نهادهای اجتماعی است که فرد در آن پا به عرصه وجود می گذارد، رشد می کند و خود را برای حضور در جامعه و آغاز زندگی اجتماعی آماده می نماید. زن به عنوان یکی از دو رکن اساسی خانواده از نظر سنتی دارای دو نقش اصلی همسری و مادری می باشد که این دو نقش با توجه به ویژگی های فیزیکی و روانی زن، وظایفی را بر دوش او می گذارد. مدیریت خانه و خانواده، نگهداری و تربیت فرزند و ایجاد محیط عاطفی گرم در خانواده از وظایف زن محسوب می شود و او در صورت فراهم بودن سایر شرایط و امکانات، می تواند فرزندان سالم و موفق را تربیت نموده و بدین ترتیب سلامت جامعه را تضمین نماید (فدایی، ۱۳۸۸، ص ۶۹). در عصر جدید یکی از عرصه های تحول زندگی اجتماعی، تغییرات و تحولات در زندگی زنان است که این تحولات اهمیت و نقش ویژه ای دارد. گسترش اشتغال زنان و مشارکت بیشتر آنان در امور اجتماعی از جمله نمودهای کنونی نهاد خانواده در ایران است که شناخت هرچه بیشتر تاثیرات آن بر روابط خانوادگی، مسائل اقتصادی، کیفیت روابط عاطفی و... چشم انداز روشن تری نسبت به آینده خانواده، در اختیار ما قرار می دهد. (اژدم روشن، ۱۳۹۵: ۹۱). هرچه رضایت مادر از زندگی و وضعیت اشتغال وی بالاتر باشد، احتمال تعامل بهتر وی با خانواده بیشتر است. همچنین زنی که از خانه داری خود رضایت داشته باشد به اندازه زنان شاغل احساس خوشبختی می کند. طبق برخی از تحقیقات انجام شده، مادران شاغل به طور کلی شاد هستند، بر فواید اشتغال اصرار دارند و عواطف مثبت خود را به فرزندان نیز منتقل می سازند. مقایسه بین مادران شاغل و مادران خانه دار نیز نشان داده است که مادران شاغل غالباً اظهار رضایت بیشتری از زندگی خود می کنند. با این وجود، برخی شواهد نتایج دیگری داشته اند. در پژوهشی ونگ^۱ و کنی^۱ نشان دادند که اغلب زنان شاغل، بین نقش های کاری و خانوادگی و فرزندپروری در تعارض هستند که بر کیفیت زندگی و رضایت از زندگی آنان تأثیرگذار است و این زنان به علت مشغله زیاد، وقت کمتری را با خانواده و خویشاوندان می گذرانند. شاغل بودن زنان و رضایت از زندگی در آنان منجر می شود که فرزندان نیز دارای رضایت از زندگی بیشتری در مقایسه با دیگران باشند (تقوایی نیا و دیگران، ۱۳۹۵، ص ۳۲۰).

برخی نظریه های علوم اجتماعی پیشنهادات گوناگونی را در رابطه با پیامدهای احتمالی اشتغال مادران برای کودکان جوان نشان می دهد. دیدگاه های اقتصاد و توسعه ای نشان می دهد که اشتغال مادری ممکن است مضر باشد چرا که زمان و انرژی مادران برای اختصاص دادن



به فرزندپروری را محدود می کند و مانع بودن در کنار فرزند می شود و یا منجر به استفاده از مراقبت های جایگزین می شود که کمتر برای رشد کودکان مفید است. با این حال، این مدل ها همچنین نشان می دهد که اشتغال مادران، منابع اقتصادی و اجتماعی را برای خانواده ها به ارمغان می آورد که باید برای رشد کودکان مفید باشد (مک فران، ۲۰۱۷، ص ۲۶۴). تحقیقات زیادی در مورد تأثیرات شغل مادران بر فرزندانشان و فرضیه محرومیت مادری صورت گرفته است و در این بررسی ها بیشتر بر تفاوت های رفتاری کودکانی که مادران شاغل دارند و کودکانی که مادرانشان شاغل نیستند تمرکز شده است. تأثیر شاغل بودن مادر بر کودک بستگی دارد به الف) ماهیت و کیفیت تجارب شغلی (مثبت یا منفی) ب) نوع ارزیابی رفتار کودک- پ: جنسیت کودک (بارلینگ و انبارت، ۱۹۸۴). برای تأمین سلامت نوزاد یا کودک خردسال برقراری مناسبات صمیمانه، گرم و دائمی بین او و مادرش (یا کسی که بتواند جانشین مادر بوده و نقش او را بطور شایسته ایفا کند) ضرورت دارد. (دهقان طراز جانی، ۱۳۷۶ به نقل از کلیری نوتاش، ۱۳۸۴). از طرفی به نظر والن رابطه ای که کودک با دیگران برقرار میکند نیز بسیار مهم است. چه نخستین و مهمترین تجربه های کودک با اشخاص است و نه با اشیاء. تحول روانی با اشکال متوالی روابط کودک با محیط چه انسانی و چه فیزیکی پیوندی تنگاتنگ دارد (شریفی، ۱۳۸۰).

شواهد از یک فراتحلیل از ۶۸ مطالعه منتشر شده بین سال های ۱۹۶۰ تا ۲۰۰۵ نشان می دهد که کودکانی که مادران آن ها تمام وقت کار می کنند، نتایج شناختی ضعیف تری از فرزندان مادرانی است که بخشی از زمان را کار می کنند. با توجه به مسائل ناهمگون بین مطالعات، فراتحلیل اثرات رشد کودکان را وقتی که مادران خانه دار را با مادران شاغل مقایسه کرد، نامعلوم یافت (هیلند و همکاران، ۲۰۱۷، ص ۵۵). در برخی پژوهشها نیز به نقش سازنده و پویای مادران در بیرون از محیط خانه اشاره کرده اند. این دسته از پژوهشها به بررسی تأثیرات اشتغال مادران در سنین نوجوانی (گلد ۱۹۷۹) پرداخته اند و نتایج آنها نشان می دهد که نوجوانان دارای مادر شاغل از احساس خود ارزشمندی، سازگاری اجتماعی، احساس تعلق داشتن و حمایت اجتماعی بیشتری برخوردار هستند (تقوی، ۱۳۸۱). یافته های برخی مطالعات نیز حاکی از آن است که نقش نظارتی مادر شاغل، بر روی ابعاد مختلفی از زندگی کودک کاهش می یابد و به واسطه این نظارت کمتر و تفاوت در سبک های فرزندپروری، احتمال افزایش مشکلات رفتاری بیش تر می شود. اشتغال مادران به طور غیرمستقیم از طریق روش های فرزندپروری و نگرش های تربیتی بر رفتار و رشد فرزندان تأثیر دارد. هم چنین اشتغال تمام وقت مادران، بهداشت روانی خانواده را کاهش می دهد. ضمن آنکه مشاغل پاره وقت مادران نه تنها می تواند تعادلی بین پرداختن به کار و خانواده برقرار کند، بلکه با بالا بردن روحیه مثبت در مادران باعث افزایش بهداشت روانی افراد خانواده می گردد (علی پور و دیگران، ۱۳۹۵، ص ۵۷). در مطالعه دیگری که اون^۱ و همکاران (۱۹۸۷) به نقل از همتی، (۱۳۸۵) انجام دادند تأثیر اشتغال مادر را بر وابستگی کودک - مادر بررسی کردند. ارتباطی بین وضعیت کار مادر و کیفیت وابستگی کودک به مادر به دست نیامد. تحقیقات نشان میدهد که عواطف و شخصیت زیر بنایی مادر پیش بینی کننده صحیح تری برای ایجاد ثبات در الگوهای وابستگی ایمن است تا مشخصات مراقبت کودک. به طور اتفاقی نتایج نشان داده که مادران اطفالی که نا ایمن بودند مبنای رفتارشان عصبانیت بوده است (همتی، ۱۳۸۵).

حسین میرزا جانی نیز در سال ۱۳۶۸ به مطالعه اختلالهای رفتاری در فرزندان مادران خانه دار و فرزندان مادران شاغل پرداخته است. نتایج مطالعه وی نشان داد که اختلالهای رفتاری در فرزندان مادران خانه دار (۶۶/۶۷٪) بیشتر از اختلالهای رفتاری در فرزندان مادران شاغل (۳۳/۳۴٪) بوده است. از طرف دیگر محققینی چون بارگلو (۱۹۸۷) اثرات منفی اشتغال مادر را بر رشد نا سازگاری کودکان مطرح کرده است. درحالی که گلود و آندوس (۱۹۷۸) نشان داده اند مادران شاغل نسبت به خانه دار کودکان سازگار تری داشته اند.

نظر به اینکه تأثیر دوری مادر از فرزندان در ابعاد مختلف روانشناختی در ایران به طور همه جانبه و در یک پژوهش مورد بررسی قرار نگرفته است در مقاله حاضر این فرضیه مورد بررسی قرار می گیرد که تأثیر اشتغال و عدم اشتغال مادر در ابعاد شناختی، عاطفی، رفتاری و اجتماعی در کودکان مهدکودکی متفاوت است.

روش تحقیق

در این تحقیق با توجه به موضوع مورد پژوهش که « بررسی اثرات دوری از مادر شاغل و غیر شاغل (خانه دار) در کودکان مهدکودکی » است، از روش پس رویدادی و یا علی مقایسه ای استفاده شده است. در مقایسه تعداد ۴۳ نفر از کودکان مهدکودکی بعنوان گروه ملاک یا آزمایشی با ۳۱ نفر (گروه همتای آنها) بعنوان گروه کنترل با روش پس رویدادی و روشهای آماری توصیفی و استنباطی از جمله فراوانی، درصد، میانگین، انحراف استاندارد، تحلیل واریانس یک طرفه، آلفای گرونیباخ و آزمون t مورد استفاده و مقایسه قرار گرفت. از مجموع ۷۱ نفر گروه نمونه (شامل گروه ملاک و کنترل). که به این سؤال پاسخ داده اند ۵۶ نفر مربوط به گروه مادران خانه دار و ۱۵ نفر مربوط به گروه



مادران شاغل بوده اند. از بین گروه مادران خانه دار ۳۰ نفر (۵۳/۶ درصد) در گروه ملاک یا آزمایش و ۲۶ نفر (۴۶/۴ درصد) در گروه کنترل بودند. در مقابل از گروه مادران شاغل ۱۳ نفر (۸۶/۷ درصد) در گروه ملاک یا آزمایش و ۲ نفر (۱۳/۳ درصد) در گروه کنترل بودند. همانطور که از نتایج جدول نیز معلوم است نسبت گروه ملاک یا آزمایش در دو گروه مادران شاغل و خانه دار بالاتر بوده است. علاوه بر این نتایج جدول فوق نشان دهنده آن است که اکثر مادران گروه ملاک یا آزمایش و کنترل (۳۰ و ۲۶ نفر) خانه دار بوده اند.

جدول ۱- مقایسه میانگین های نمرات کودکان مادران شاغل و غیر شاغل (خانه دار) در ابعاد شناختی، دلبستگی، مشکلات رفتاری و رشد اجتماعی

میانگینها	انحراف استاندارد		درجه آزادی	تفاوت میانگینها	مقدار t	سطح معناداری
	شاغل	خانه دار				
وضعیت شناختی	۱۸/۶۷	۱۹/۱۷	۵/۷۳	۶/۳۴	۱۶۲	۰/۵۰
وضعیت دلبستگی	۶۸/۷	۶۹/۹۶	۵۷/۴۷	۵۰/۹۹	۱۵۸	۰/۸۹
مشکلات رفتاری	۱۱۵/۵۴	۱۲۱/۹۲	۱۷/۲۶	۱۴/۷۵	۱۷۱	۰/۰۱
رشد اجتماعی	۶۳/۶۷	۵۷/۵۲	۳۴/۱۸	۶/۳۷	۱۵۷	۰/۱۶

بین اثرات شناختی، عاطفی، رفتاری و اجتماعی دوری از مادر در کودکان مهد کودکی مادران شاغل و غیر شاغل (خانه دار) تفاوت وجود دارد. جدول ۱ بررسی فرضیه های پژوهش نشان می دهد مقدار t مستقل برای بررسی تفاوت نمرات هوشی کودکان دو گروه از زنان شاغل و غیر شاغل (خانه دار) ۰/۵۲، برای نمرات دلبستگی ۰/۱۳، برای مشکلات رفتاری ۲/۵۱ و برای رشد اجتماعی ۱/۳۸ بوده است که این مقادیر (غیر از مشکلات رفتاری) به لحاظ آماری معنادار نمی باشند. بنابراین وضعیت اشتغال مادران (شاغل و غیر شاغل (خانه دار)) اثر معناداری را بر وضعیت شناختی (نمرات آزمون ریون)، وضعیت دلبستگی و رشد اجتماعی کودکان نداشته است، ولی اثر معناداری بر مشکلات رفتاری کودکان داشته است. با مقایسه میانگین دو گروه مشخص می شود که کودکان مادران شاغل در مقایسه با مادران خانه دار به صورت معناداری مشکلات رفتاری بیشتری را نشان داده اند.

بحث و نتیجه گیری

در جدول شماره ۱، نتایج فرضیه پژوهش را به صورت کلی منعکس می سازد. براساس نتایج آزمون t مستقل تفاوت نمرات هوش، دلبستگی و رشد اجتماعی در کودکان مادران شاغل و غیر شاغل (خانه دار) معنادار نشده است اما در مشکلات رفتاری معنا دار شده است. به معنای دیگر بین کودکان مهد کودکی که مادران آن ها شاغل یا غیر شاغل (خانه دار) می باشد در ابعاد شناختی و عاطفی و اجتماعی تفاوتی وجود ندارد اما در زمینه مشکلات رفتاری، فرزندان مادران شاغل بیش از مادران غیر شاغل دچار مشکلات رفتاری هستند.

بررسی بیشتر ادبیات تحقیق نشان می دهد که تاثیر اشتغال مثبت و یا منفی می باشد. چنانکه نتایج تحقیق رضایی (۱۳۸۲) نشان داد که کودکان مادران شاغل نسبت به غیر شاغل از لحاظ درسی ضعیف تر و همچنین نتایج مطالعات تقوی (۱۳۸۱) و محمودی (۱۳۷۶) اثرات منفی اشتغال مادر را در پیشرفت تحصیلی دانش آموزان نشان داد. این در حالی است که تحقیق حاضر تفاوت معناداری را در این رابطه نشان نداده است. لکن نتایج این پژوهش با پژوهش قوامی (۱۳۹۵) که رابطه ی معناداری بین نوع شغل مادر (دولتی یا آزاد) و عملکرد تحصیلی دانش آموزان، وجود نداشت، تاحدودی همخوانی دارد.

همچنین با توجه به نتایج بدست آمده در جدول ۱، مقایسه تفاوت میانگین در رشد اجتماعی کودکان مادران شاغل و خانه دار معنادار نشده است به عبارت دیگر اشتغال و عدم اشتغال مادر ارتباطی با سازگاری و رشد اجتماعی بهتر کودکان ندارد.

نتایج پژوهش دورباطی (۱۳۸۰) که اشتغال مادر را در رشد سازگاری موثر نمی دانست، با نتیجه این پژوهش هماهنگ بود. اما پژوهشهای بیرشک (۱۳۸۲)، بارو و فارن (۱۹۸۰)، کالامبوس و لرنر (۱۹۸۷) و هوستون (۱۹۸۷) به نقل از کریمی، ملهپیش (۱۹۹۰) که اثرات مثبت اشتغال مادر را بر روی رشد و سازگاری اجتماعی کودکان مورد تأیید قرار می دادند هماهنگ نیست.

حضور کودک در مهد کودک برای رشد اجتماعی کودکان چه مادر وی خانه دار باشد و چه شاغل، مؤثر است. لذا در این بُعد ممکن است که فارغ از اثرات مثبتی که مهد کودک در رشد اجتماعی کودکان می تواند داشته باشد. در پژوهش حاضر فقط اینکه مادران آنها شاغل یا غیر شاغل (خانه دار) باشد تفاوت و تأثیری در کودکان مهد کودکی نداشته است.



نتایج جدول ۲، نشان می‌دهد که از لحاظ وضعیت دل‌بستگی بین مادران شاغل و غیرشاغل (خانه‌دار) تفاوت معناداری وجود ندارد. به عبارت دیگر با توجه به این نتایج، میزان و نوع دل‌بستگی کودکان مادران شاغل به گونه‌ای است که تفاوتی بین کودکان مادران شاغل و غیرشاغل (خانه‌دار) وجود ندارد.

بررسی پژوهش‌ها نشان داد که نتیجه مقایسه این دو فاکتور تا حدودی با پژوهش مله‌پیش (۱۹۹۰) و هافمن (۱۹۷۹) به نقل از تقوی همخوانی دارد زیرا براساس نظر هافمن رسیدگی عاطفی مادران شاغل و غیرشاغل به کودکان خود یکسان است.

شاید عدم معناداری تفاوت این دو گروه از کودکان بیانگر تلاش مادران شاغل در جبران خلاء‌های عاطفی کودکان از نظر کمی و کیفی بوده و یا عوامل دیگری مؤثر است که باید محور پژوهش‌های بعدی قرار گیرد. ضمن آنکه هر دو گروه این کودکان در مهد کودک نگهداری می‌شوند.

نتایج جدول شماره ۱ نیز نشان داد که در مقایسه مشکلات رفتاری کودکان مادران شاغل، بیشتر از کودکان مادران غیرشاغل بود. با بررسی ادبیات تحقیق معلوم گردید که نتایج این پژوهش با تحقیقات نقدی دور باطی (۱۳۸۰) و همتی (۱۳۸۴) همسانی نداشته لکن با پژوهش پیتر بارگلو و همکارانش (۱۹۹۸) و میرزا جانی (۱۳۶۸) همخوانی نشان داده است.

به سادگی می‌توان فرض کرد که هر قدر مادر وقت بیشتری را صرف پرداختن به کودک کند کمک بیشتری به بهداشت روانی کودک کرده است (هافمن، ۱۹۷۹ به نقل از تقوی ۱۳۸۱). با توجه به جدایی منظم و خستگی مادران شاغل، کودکان ممکن است کمتر مورد توجه قرار بگیرند و به نیازهای آن‌ها توجه نداشته باشند. ساعت کار طولانی، حجم کار سنگین و یا برنامه‌های کاری غیرمعتاد با استرس مادران و مشکلات سلامت روانی آن‌ها همراه است و تأثیرات نامطلوبی بر پیامدهای رشد کودکان دارد. (کوهیرت، کلاین ۲۰۱۷، ص ۲)

در مجموع می‌توان گفت مادران شاغل و خانه‌دار اگر نتوانند از وقت خود به طور صحیح در جهت برقراری ارتباط مناسب با فرزندان خود استفاده کنند هر دو می‌توانند تأثیر نامطلوبی در رشد کودک به ویژه رشد عاطفی او برجای گذارند. از یک سو اشتغال تمام وقت مادران، ساعات کار زیاد و دور بودن طولانی آن‌ها از فرزندان می‌تواند باعث ایجاد مشکل در رشد عاطفی، روانی، اجتماعی کودک گردد. و از طرفی خانه‌داری مادران نیز هنگامی می‌تواند روش تضمین شده‌ای برای تربیت سالم و شایسته کودک به حساب آید که مادران در محیط خانه رابطه خویش را با کودک حفظ کنند و نسبت به امور تربیتی آن‌ها اهتمام ورزد (لطف آبادی، ۱۳۷۵ به نقل از کریمی، ۱۳۸۲). با توجه به اینکه کودکان هر دو گروه در مهد به سر می‌برند، حضور مادر در خانه و یا بیرون از خانه (اشتغال) هر یک دارای محاسن و معایبی است که باید ابعاد جزئی‌تر آن با توجه به شرایط بومی و فرهنگی جامعه اسلامی دقیق‌تر مورد بررسی و نتیجه‌گیری قرار گیرد، اگر چه حضور کیفی مادر کنار فرزند بیشتر معنادار است تا صرفاً حضور یا عدم حضور فیزیکی وی.

مادران شاغل باید سعی کنند که کیفیت رسیدگی را در زمانی که در خانه هستند بیشتر کنند و برای جبران ساعات دوری از فرزند تلاش نمایند و هنگامی که در منزل هستند اوقات بیشتری را با فرزندانشان سپری کنند تا بتوانند سلامت همه جانبه‌ای را در فرزند خود تضمین نمایند.



- ۱- اژدم روشن، غ. (۱۳۹۵). بررسی رابطه اشتغال مادر و سلامت روانی کودکان. فصلنامه مطالعات روان شناسی و علوم تربیتی. شماره چهارم. صص ۱۰۲-۸۹.
- ۲- بیرشک، ب. (۱۳۸۲). بررسی رابطه آموزشهای پیش دبستانی با سازگاری اجتماعی. آموزش و پرورش استان تهران.
- ۳- تقوایی نیا، ع. رحیمیان بوگر، ا. معاضدیان، آ. (۱۳۹۵) نقش رضایت از زندگی و شاغل بودن مادر در پیشبینی افسردگی دانش آموزان دختر دوره متوسطه. دوره سوم. شماره ۴. صفحات ۳۱۹ تا ۳۲۹.
- ۴- تقوی، ح. (۱۳۸۱). تأثیر اشتغال مادر و ویژگیهای شخصیتی، پیشرفت تحصیلی و خلاقیت فرزندان در بین دانش آموزان دبیرستانهای مناطق ۲، ۵، ۹ شهر تهران. دانشگاه تربیت معلم.
- ۵- دهقان طرازجانی، ن. (۱۳۷۶). بررسی کیفیت دلبستگی کودک و مادر و ارتباط آن با رشد مهارتهای اجتماعی (تعامل با همسالان) در کودکان پیش دبستانی شهر تهران. دانشکده روانشناسی و علوم تربیتی دانشگاه تهران.
- ۶- دورباطی، ف. (۱۳۸۰). بررسی تأثیر اشتغال مادران بر سازگاری اجتماعی پسران مقطع راهنمایی شهرستان شهریار. پایان نامه.
- ۷- رضایی، ف. (۱۳۸۲). اثرات منفی اشتغال مادران بر رشد کودک. نشریه اعتماد.
- ۸- شریفی درآمدی، پ. (۱۳۸۰). مفاهیم کاربست و ارزیابی نظریه های روانشناسی تحولی از کودکی تا بزرگسالی. انتشارات خوشنواز.



حمایت اجتماعی و تنیدگی روانی مادران دارای فرزند اوتیسم

سید حامد دست یافته؛ کارشناس ارشد روان‌شناسی عمومی دانشگاه آزاد اسلامی رودهن

hamedhorr@gmail.com

چکیده

اوتیسم یکی از اختلالاتی است که در پنجمین راهنمای تشخیصی و آماری اختلالات روانی در طبقه اختلال‌های عصبی-رشدی قرار می‌گیرد. آسیب در مهارت‌های ارتباطی و تعامل‌های اجتماعی و الگوهای رفتاری، علایق و فعالیت‌های کلیشه‌ای، تکراری و محدود از مهم‌ترین ویژگی‌های این اختلال است. پژوهش‌های زیادی نشان داده‌اند که مادران دارای فرزند اوتیسم از فشار روانی زیادی رنج می‌برند. این مقاله ابتدا به تفاوت داشتن فرزند سالم و فرزند بیمار و بعد به تنیدگی روانی مادران دارای فرزند اوتیسم اشاره کرده است. در ادامه به طور مفصل به خود اختلال اوتیسم و نشانه‌های آن پرداخته شده است و در نهایت نقش حمایت اجتماعی در کاهش تنیدگی روانی این مادران ذکر شده است. با توجه به یافته‌های عده‌ای از محققین مشخص شد که حمایت اجتماعی می‌تواند تنیدگی روانی مادران دارای فرزند اوتیسم را کاهش دهد و به عنوان ضربه‌گیر در برابر تنیدگی روانی این مادران عمل کند.

کلیدواژه: اوتیسم، حمایت اجتماعی، تنیدگی روانی

مقدمه

تولد نوزاد سبب تغییر ساختار خانواده می‌شود و مسئولیت‌های تازه‌ای را برای والدین به همراه دارد. به طور طبیعی هر زوجی امیدوار است که کودکی سالم داشته باشد و تولد یک کودک ناتوان تأثیر نامساعدی بر زندگی، هیجانات، افکار و رفتار اعضای خانواده می‌گذارد و به مثابه رویدادی نامطلوب و مشکل‌آفرین موجب ایجاد تنیدگی، سرخوردگی و نومیدی می‌شود (گذار (زمبات و یلدز، ۲۰۱۰، تبسم و محسن، ۱۳۸۹). شواهد متعددی نشان می‌دهد که والدین کودکان ناتوان، به احتمال بیشتری با مشکلات اجتماعی اقتصادی و هیجانی که غالباً ماهیت محدود کننده، مخرب و فراگیر دارند روبه‌رو می‌شوند (خمیس، ۲۰۰۷، دوگان، ۲۰۱۰) و کیفیت زندگی آنها نسبت به والدین کودکان سالم، پایین‌تر است (آلیک و لارسون، ۲۰۰۶، تونا و یونالان، ۲۰۰۷). مطالعات پیشین نشان داده‌اند که داشتن یک کودک ناتوان به طور معنی‌داری بر وضعیت روان‌شناختی والدین تأثیر می‌گذارد و باعث ایجاد استرس در خانواده به ویژه والدین می‌شود (زمبات و یلدز، ۲۰۱۰). اگر چه داشتن کودک ناتوان خود منبع تنیدگی است (دوآرت^۱ و همکاران، ۲۰۰۵) اما اثر ناتوان‌کنندگی و آسیب‌رسان حضور کودک ناتوان بر خانواده و به ویژه مادر به عوامل مختلفی مانند نوع و شدت مشکل، جنسیت کودک، میزان حمایت‌های در دسترس خانواده، ویژگی شخصیتی افراد درگیر، نوع ارزیابی آنها از مشکل، منابعی که برای کنار آمدن و مقابله با آن در دسترس دارند و حمایت‌های اجتماعی بستگی دارد (هرینگ^۱ و همکاران، ۲۰۰۶). مادران با توجه به ساختار شخصیتی خود بیشتر احساس مسئولیت و یا گاهی احساس گناه می‌کنند. از طرفی چون آنها بیشتر وقت و انرژی خود را صرف کودک می‌نمایند، بیشتر از پدران با همسایگان، اطرافیان و فامیل ارتباط دارند و در معرض توضیح دادن وضعیت کودک قرار می‌گیرند (حسینی و رضازاده، ۱۳۸۱). فشار روانی وارد بر این مادران به دلیل استمرار، علاوه بر سلامت جسمی و روحی خودشان، سلامت و آسایش همسران، فرزندان ناتوان دیگر و نیز فرزندان سالم و در سطحی وسیع‌تر سلامت و بهداشت روانی کل جامعه را متأثر خواهد کرد (مک کانکی^۱ و همکاران، ۲۰۰۷).

برای نمونه بررسی‌های (نریمانی، آقا محمدیان و رجبی، ۱۳۸۵) نشان داد که مادران دارای فرزندان کم‌توان ذهنی در مقایسه با مادران کودکان عادی، اضطراب و افسردگی بیشتر و سطح سلامت عمومی و روان‌شناختی پایین‌تری دارند. همچنین والدین کودکان اوتیستیک، شرایط پر تنش را در خانواده خود گزارش کرده‌اند (بنسون، ۲۰۰۶). آنها نسبت به والدین سایر کودکانی که نیازهای ویژه دارند کیفیت زندگی پایین



تری دارند (خرم آبادی و همکاران، ۱۳۸۸) و افسردگی و اضطراب بیشتری را تجربه می کنند (هستینگ^۱ و همکاران، ۲۰۰۵، بنسون، ۲۰۰۶) و به طور کلی میزان پائین تری از شادی و بهزیستی را گزارش می کنند (اکاس، ویتمن و شیورز، ۲۰۰۹).
اختلال اوتیسم:

اوتیسم یکی از اختلالاتی است که در پنجمین راهنمای تشخیصی و آماری اختلالات روانی در طبقه اختلال‌های عصبی — رشدی قرار می‌گیرد (ابراهیمی، ۱۳۹۳). آسیب در مهارت‌های ارتباطی و تعامل‌های اجتماعی و الگوهای رفتاری، علایق و فعالیت‌های کلیشه‌ای، تکراری و محدود از مهم‌ترین ویژگی‌های این اختلال است. شناسایی زود هنگام و مداخله به هنگام یکی از کلیدی‌ترین مولفه‌ها جهت بازتوانی این کودکان می‌باشد. آمار قابل توجه کودکان با اختلالات طیف اوتیسم، اهمیت شنا سایی و مداخله و ارجاع را برجسته می‌سازد. انعطاف پذیری مغز، دوران حساس رشد و امکان فراهم آوردن تجربیات محیطی و غنی سازی آموزشی و به کارگیری مداخلات تخصصی، نیازمند شناسایی هر چه سریعتر برای استفاده از این فرصت‌ها است. اوتیسم از ریشه یونانی اتوس به معنای خود یا در خود گرفته شده است. رایج‌ترین تعریف اوتیسم در متن تجدید نظر شده پنجمین راهنمای تشخیصی و آماری اختلالات روانی (DSM-۵) از سوی انجمن روان پزشکی آمریکا ارائه شده است. اوتیسم به عنوان یک اختلال رشدی عمیق دسته بندی شده است و دو ویژگی اصلی دارد که همگی باید پیش از ۳ سالگی در کودک ظاهر شوند که عبارتند از: نارسایی در عملکرد ارتباطی و تعامل اجتماعی و محدودیت در فعالیت‌ها و علایق. اختلال اوتیسم در سنین پیش دبستانی یعنی هنگامی که آسیب‌های زبان و شناخت قابل شناسایی هستند، تشخیص داده می‌شود. نشانه‌های اوتیسم را می‌توان در دو سال اول زندگی مشاهده کرد. مهارت‌های اجتماعی، ارتباطی و مراقبت از خود معمولاً با افزایش سن، افزایش می‌یابد ولی در مقایسه با کودکان بهنجار همواره تأخیر وجود دارد. گاهی ممکن است این پیشرفت تا بزرگسالی ادامه یابد و با رفتارهای پرخاشگرانه، اضطراب و افسردگی و رفتارهای نامناسب جنسی همراه شود. تعداد معدودی از کودکان دارای اختلال اوتیسم می‌توانند زندگی مستقلی داشته باشند. رفتارهای کودکان دارای اوتیسم، اغلب برای والدین و درمانگران مشکل آفرین و ناراحت کننده است. این رفتارها ممکن است نامناسب، تکراری، تهاجمی و خطرناک باشد. رفتارهای دیگر، ممکن است شامل تکان دادن مکرر دست‌ها، حرکت مداوم انگشتان، تکان دادن بدن به جلو و عقب، گذاشتن اشیاء در دهان و یا کوبیدن سر به اشیاء باشد. کودکان دارای اوتیسم ممکن است به رفتارهای خود آسیب زنی مانند آسیب زدن به چشم‌ها و یا گاز گرفتن دست‌های خود عادت داشته باشند. همچنین ممکن است نسبت به درد و سوختگی هیچگونه عکس‌العملی نشان ندهند. دلایل بروز این رفتارها در کودکان دارای اوتیسم هنوز به طور دقیق مشخص نیست و بسیار پیچیده می‌باشد، ولی برخی از متخصصان معتقدند که اختلال در حواس پنجگانه کودک می‌تواند باعث بروز این رفتارها شود و کودک با انجام چنین رفتارهایی می‌خواهد نیازهای حسی خود را ارضاء کند. کودکان دارای اختلال اوتیسم در مهارت‌های ارتباطی نیز (هم کلامی و هم نوشتاری) مشکل دارند. آنها نمی‌دانند که ارتباط، چگونه برقرار می‌شود و چه اهمیتی دارد. همچنین، آنها غالباً در شروع ارتباط و برقراری ارتباط متقابل مشکل دارند. بسیاری از آنها نیز واجد مشکلات گفتاری هستند و ممکن است هیچگاه در طول زندگی خود صحبت نکنند و یا در سخن گفتن، تأخیر داشته باشند. بعضی از این کودکان ممکن است از توانایی کلامی به نحو نادرست استفاده کنند مثلاً هر کلمه و یا جمله‌ای را که به آنها گفته می‌شود تکرار می‌کنند (تکرار طوطی وار) و یا فقط از کلمات یکنواخت برای برقراری ارتباط استفاده کنند. البته باید یادآور شد که مشکلات ارتباطی می‌تواند باعث بروز ناهنجاری‌های رفتاری شوند، مثلاً کودکی که قادر نیست نیاز خود را بیان کند ممکن است شروع به فریاد کشیدن و یا خود آسیب زنی نماید. در اغلب مواقع، متخصصان روانشناس، گفتار درمانگر و کار درمانگر برای رفع نقایص ارتباطی، رفتاری، اجتماعی و آموزشی به این کودکان و والدین خدمات ارائه می‌دهند.

متخصصان در اولین مرحله کودکان را مورد ارزیابی قرار می‌دهند و برای ارزیابی توانایی‌های ارتباطی آنها ناگزیرند با آنها ارتباط برقرار کنند. مشکل اصلی نیز از همین نقطه آغاز می‌گردد زیرا برای برقراری ارتباط با این کودکان باید تدابیری در نظر گرفت. از سوی دیگر، در بحث ارتباط باید به زمینه‌های اجتماعی — شناختی رفتارهای این کودکان توجه نمود و باید کودک از قوانین اجتماعی و شناختی حاکم بر ارتباط اطلاع داشته باشد. انجمن روانپزشکی آمریکا فراوانی اوتیسم را کمتر از یک در ۱۵۰ تولد تخمین زده است و به نظر می‌رسد این آمار رو به افزایش است و طبق آخرین ویرایش منتشر شده توسط این انجمن، شیوع اوتیسم در حدود یک درصد جمعیت می‌باشد و میزان ابتلا به آن



در پسران ۴ تا ۵ برابر بیشتر از دختران است. از هر ۱۰ کودک یا بزرگسال مبتلا به اختلال اوتیسم ۷ نفر دچار کم توانی ذهنی و مشکلات مربوط به عملکرد و واکنش‌های مغز هستند. افزایش شیوع این اختلال موجب شده است که از سال ۲۰۰۹ به بعد، روز دوم آپریل به عنوان روز اطلاع رسانی اوتیسم در نظر گرفته شود. تجربه‌های بالینی در ایران نشان می‌دهد که میزان شیوع این اختلال در کشور ما در سال‌های اخیر روبه افزایش است، لذا شناخت نشانه‌ها و فراهم آوردن اطلاعاتی برای والدین و مربیان و همچنین فراهم ساختن مداخلات به هنگام، بیش از پیش ضرورت می‌یابد.

فشار روانی مادران دارای فرزند اوتیسم:

طیف اختلالات اوتیسم تأثیرات شدیدی بر زندگی خانوادگی می‌گذارد. سطوح بالای اضطراب، استرس، انزوا و بلا تکلیفی در والدین و هم شیران کودک مبتلا به اوتیسم با چالش‌های فراوانی روبه‌رو هستند. دیده شده که این والدین نسبت به والدین سایر کودکان با نیازهای ویژه، استرس بالا تری را تجربه می‌کنند. یکی از بزرگترین نگرانی‌های آنها در مورد آینده کودک است این که کودک دیگر هیچ وقت کاملاً نرمال نخواهد بود و این که اطرافیان شرایط کودک را درک نکنند و نسبت به کودک و والدینش واکنش‌های منفی بروز دهند. در واقع استرس‌زا ترین عاملی که والدین اوتیسم آن را تجربه می‌کنند پذیرش کم جامعه نسبت به رفتارهای اوتیستیک و شکست در گرفتن حمایت‌های اجتماعی است. شارپلی^۱ و همکاران (۱۹۹۷) بیان می‌کنند که مادران این کودکان معمولاً فشار روانی بیشتری را نسبت به پدران خواهند داشت و برخی از پدران فشارهای روانی ناشی از همسر را تهدید کننده تر از مشکلات کودک تلقی می‌کنند و آن را تهدیدی برای خانواده می‌دانند. اکثر مادران به هنگام تشخیص اختلالات اوتیسم دچار واکنش انکار، سردرگمی، خشم و افسردگی می‌شوند. آنها طیف گسترده‌ای از هیجانات مانند: خشم، غمگینی، گریه و سوگ را نشان خواهند داد و نگران واکنش‌های جامعه بستگان و نزدیکان به این مشکل هستند و گاهی فکر می‌کنند که احتمالاً راه حلی وجود دارد که به تمام مصائب آنها در این زمینه پایان بدهد. آن‌ها انرژی روانی و مادی زیادی را صرف اجرای فرض و گمان‌های خود می‌کنند و در نتیجه وقت زیادی را که باید صرف پذیرش حقیقی کودک درمان‌ناپذیر می‌شد از دست می‌دهند. افشاری و همکاران (۱۳۸۵) با بررسی مادران کودکان مبتلا به اختلال اوتیسم، ۲۷/۵ درصد آن‌ها را دارای علائم روانی دانستند. وجود این کودکان باعث محدود شدن تعاملات و فعالیت‌های اجتماعی خانواده می‌شود و در روابط بین فردی آن‌ها تأثیر می‌گذارد و بر شغل مادر تأثیر منفی دارد زیرا باعث عدم پیشرفت در کار به دلیل وقت و انرژی کم می‌شود و در مواردی باعث رها کردن کار توسط مادر به دلیل مسئولیت‌های زیاد در خانه که به خاطر مراقبت از فرزند اوتیسم افزایش می‌یابد، می‌گردد در این خانواده‌ها زندگی پیرامون کودک اوتیسم می‌چرخد. داشتن کودکان مبتلا به اختلال اوتیسم باعث افسردگی، نگرانی، استرس، شرمندگی و خجالت در والدین آنها می‌شود و در مواردی باعث تأثیر منفی بر روابط زناشویی شده چرا که باعث بحث بیشتر بین زن و شوهر درباره کودک اوتیسم، درمان، مراقبت از او و در نتیجه فاصله بیشتر بین آنها می‌گردد. سطوح بالای استرس والدین باعث می‌شود که آنها گرایش بیشتری به استفاده از شیوه‌های انعطاف‌ناپذیر تهدید آمیز و پرخاشگرانه والدگری داشته باشند و کمتر از برنامه‌های درمانی و خدمات ارائه شده برای کودکان بهره‌برند. بنا بر این تصمیم‌گیری ممکن است درباره استفاده از مناسب‌ترین راهبرد‌های درمانی برای کودک شکست بخورند. این امر تأثیرات منفی بر رشد کودک گذاشته و رفتارهای مخرب بیشتری را منجر می‌شود. کازدین و ویتلی^۱ (۲۰۰۳) دریافتند که استرس والدین، روش‌های تنبیهی والدین را تحت تأثیر قرار می‌دهد، به طوری که مستقیماً رفتار مقابله‌ای و پرخاشگرانه کودک را افزایش می‌دهد.

با در نظر گرفتن این حقیقت که استرس بالای والدین تأثیر قابل توجهی بر روند رشد کودک می‌گذارد پیش‌بینی می‌شود مداخله‌های زود هنگام برای حمایت موثر از کودکان و خانواده‌های آنان از پیامدهای منفی این اختلالات جلوگیری و انرژی سرشار خانواده را پیش از سرکوب شدن در مسیری صحیح هدایت کند. کودکان با ناتوانی‌های مختلف، سطوح متفاوتی از استرس و اضطراب را در مادرانشان ایجاد می‌کنند (اوسکان و گاندوگار^۱، ۲۰۱۰). این میزان از استرس والد نسبت به سایر جمعیت‌ها از جمله مادران کودکان نشانگان داوان، ناتوانی‌های یادگیری و عقب‌ماندگی ذهنی نیز بالا تر گزارش شده است (گوپتا و کار^۱، ۲۰۱۰) و دارای سطوح بالاتری از اضطراب و افسردگی هستند (مانوال^۱ و همکاران، ۲۰۰۳، بارلو^۱ و همکاران، ۲۰۰۶). والدین کودکان مبتلا به نشانگان داوان در مقایسه با والدین کودکان با دیگر ناتوانی‌ها از جمله اختلالات طیف اوتیسم، افسردگی و بدبینی کمتری دارند (فیدلر، هوداپ و دایکن^۱، ۲۰۰۰) و به طور کلی از شادی و بهزیستی



روانشناختی بیشتری برخوردارند (هوداپ^۱، ۲۰۰۲). ماهیت مبهم اختلال اتیسم، ویژگی های کودک، نگرانی در مورد تداوم شرایط کودک، پذیرش کم جامعه و حتی سایر اعضای خانواده نسبت به رفتار های کودک در خود مانده و نیز در شکست دریافت حمایت اجتماعی در بروز این استرس موثر است (خرم آبادی و همکاران، ۱۳۸۸).

حمایت اجتماعی و نقش آن بر کاهش تنیدگی روانی مادران دارای فرزند اوتیسم

حمایت اجتماعی، میزان برخورداری از محبت، همراهی، مراقبت، احترام، توجه و کمکی است که فرد از افراد و گروه های دیگر و افراد مهم دخیل در زندگی دریافت می کند. منابع حمایت اجتماعی ارتباط های اجتماعی رسمی و غیر رسمی است، اما اعضای خانواده و دوستان منابع اصلی حمایت اجتماعی به شمار می روند. پژوهشگران، حمایت اجتماعی را یکی از مهم ترین عوامل پیش بینی کننده سلامت جسمانی و روان شناختی افراد از کودکی تا بزرگسالی می دانند (دوگان، ۲۰۱۰). به علاوه مشخص شده است که سطوح بالا تر حمایت اجتماعی با سطوح پائین تر افسردگی و اضطراب مرتبط است و تصور می شود که حمایت اجتماعی به عنوان سپری ضربه گیر در برابر استرس عمل می کند (لاندمن و کارلین، ۲۰۰۵). نتایج پژوهش های مختلف نشان داده است که برخورداری از حمایت اجتماعی بر سلامت روانی (قائدی و همکاران، ۱۳۸۸) و سلامت عمومی (دل و لاندروز، ۲۰۰۵) افراد تاثیر گذار است. حمایت اجتماعی عامل مهمی است که تاثیرات روانشناختی نامطلوب پرورش یک کودک ناتوان را کاهش می دهد (هاسال، رز و دونالد، ۲۰۰۵). یافته های ویتمن (به نقل از جدیدی فیقان و همکاران، ۱۳۸۸) نشان داد که حمایت اجتماعی جزء جدایی ناپذیر سازگاری در خانواده های دارای کودک دارای مبتلا به اتیسم است و مشخص شده است که خوش بینی و حمایت اجتماعی نیز در افزایش بهزیستی، رضایت از زندگی، عاطفه مثبت و کاهش استرس و افسردگی در این مادران سودمند است. حمایت اجتماعی می تواند یکی از عوامل موثر در سلامت روان والدین کودکان استثنایی باشد. افرادی که حمایت اجتماعی بالاتری دارند، از سلامت بهتری نیز برخوردارند (بوویر، چاموت و پرنگر، ۲۰۰۴). همچنین رابطه ی معکوسی بین حمایت اجتماعی و تنیدگی روانی در والدین کودکان با نیازهای ویژه وجود دارد (لدبرگ و گولباچ، ۲۰۰۲). حمایت اجتماعی نیز نقش مهمی را در توانایی والدین برای مقابله با استرس بازی می کند (هینترمایر، ۲۰۰۰). همچنین مشخص شده است که بین مادران کودکان با نیازهای خاص و مادران کودکان عادی در اضطراب اجتماعی و حمایت اجتماعی تفاوت معنی داری وجود دارد. علاوه بر این مقایسه ی گروه ها نشان داده است که مادرانی که فرزند اوتیسم دارند بیش از مادرانی که مبتلا به سندروم داون یا فلج مغزی دارند اضطراب اجتماعی را تجربه می کنند. در نهایت، مادران کودکان مبتلا به اتیسم در مقایسه با سایر مادران، بیشترین سطح اضطراب اجتماعی را تجربه می کنند (جدیدی فیقان و همکاران، ۱۳۸۸).



منابع

۱. ابراهیمی، ع.ا. (۱۳۹۳). راهنمای والدین و مربیان، برای تشخیص کودک دارای اوتیسم، اصفهان، انتشارات سام آرام، چاپ اول.
۲. افشاری، ر، خوشابی، ک، پورا اعتماد، ح.ر و مرادی، ش. (۱۳۸۵). بررسی راهبردهای مقابله ای و سلامت روان در مادران کودکان اوتیستیک، خانواده پژوهی، سال دوم، شماره ۷.
۳. بحری، س.ل، دهقان منشادی، م و دهقان منشادی، ز. (۱۳۹۳). بررسی نقش پیش بین کنندگی تای آوری و حمایت اجتماعی در سلامت روانی والدین کودکان نابینا و ناشنوا، تعلیم و تربیت کودکان استثنایی، (۱۲۳)، ۵-۱۲.
۴. جدیدی فیقان، م، صفری، س، فرامرزی، س، جمالی پاقلعه، س، جدیدی فیقان، م. (۱۳۹۴). مقایسه اضطراب اجتماعی و حمایت اجتماعی مادران کودکان با نیازهای خاص و مادران کودکان سالم، دوره ۱۶، شماره ۴۳، ۲-۵۲.
۵. حسینی، س.ح و رضازاده، ح (۱۳۸۱). مقایسه ی نیازهای روانی اجتماعی والدین دانش آموزان پسر عقب مانده ی ذهنی، تالاسمی و عادی مقطع ابتدایی در شهرستان ساری، مجله ی علمی پژوهشی دانشگاه علوم پزشکی مازندران، ۱۲(۳۷)، ۴۱-۳۷.
۶. خرم آبادی، ر، پور اعتماد، ح، طهماسبیان، ک، چیمه، ن. (۱۳۸۸). مقایسه ی استرس والدگری در مادران کودکان مبتلا به اختلال اوتیسم با مادران کودکان بهنجار، خانواده پژوهی، دوره ۵، شماره ۵، ۱۹-۳۹۹.
۷. قائدی، غ.ح؛ یعقوبی، ح؛ امیدی، ع؛ ظفر، م؛ شهربانو، ب (۱۳۸۷). مقایسه سلامت روان، مکانیزم های مقابله ای، برخورداری از حمایت اجتماعی و احتمال خودکشی و سوء مصرف مواد در دانشجویان ورودی جدید مقطع کارشناسی و کارشناسی ارشد دانشگاه شاهد در سال ۱۳۸۶، چهارمین سمینار بهداشت روانی دانشجویان.
۸. نریمانی، م؛ آقا محمدیان، ح.ر؛ رجبی، س؛ (۱۳۸۶). مقایسه سلامت روانی مادران کودکان استثنایی با سلامت روانی مادران کودکان عادی، اصول بهداشت روانی - شماره ۳۳ و ۳۴ - از ۱۵ تا ۲۴.
۹. Alike H., Larsson J. (۲۰۰۶). *Health- related quality of life in parents of school-age children with Asperger syndrome or high functioning autism*. Health Qual Life Outcomes; ۴(۱): ۶۴-۷۹.
۱۰. Barlow, J.H., Cullen-Powell, L.A., & Cheshire, A. (۲۰۰۶). *Psychological well-being among mothers of children with cerebral palsy*. Early Child Development and Care; ۱۷۶(۳&۴): ۴۲۱-۴۲۸.
۱۱. Benson, P.R. , (۲۰۰۶). *The impact of child symptom severity on depressed mood among parents of children with ASD: The mediating role of stress proliferation*. Journal of Autism and Developmental Disorders, ۳۶, ۶۸۵-۶۹۵.
۱۲. Bovier, P. A., Chamot, E., & Perneger, T. V. (۲۰۰۴). *Perceived stress, internal resources, and social support as determinants of mental health among young adults*. Quality of Life Research, ۱۳, ۱۶۱-۱۷۰.
۱۳. Dehle, C., Landers, J.E. (۲۰۰۵). *You cant always get what you want but can you get what you need? Personality traits and social support in marriage*. Journal of social and clinican psychology. ۲۴(۷), ۱۰۵۱-۱۰۷۶.
۱۴. Dogan, M. (۲۰۱۰). *Comparison of Parents of Children with and without Hearing Loss in Terms of Stress, Depression and Trait Anxiety*. International Journal of Early Childhood Special Education; ۲(۳): ۲۴۷-۲۵۲.
۱۵. Duarte CS, Bordin IA, Yazigi L, Mooney J. (۲۰۰۵) *Factors associated with stress in mothers of children with autism*. Autism; ۹(۴): ۴۱۶-۲۷.
۱۶. Ekas, N.V., Whitman, T.L., & Shivers, C. , (۲۰۰۹). *Religiosity, spirituality, and socioemotional functioning in mothers of children with autism spectrum disorder*. Journal of Autism and Developmental Disorders, ۳۹, ۷۰۶-۷۱۹.



۱۷. Fidler, D.J., Hodapp, R.M. & Dykens, E.M. (۲۰۰۰). *Stress in families of young children with Down syndrome, Williams syndrome, and Smith-Magenis syndrome*. Early Education and Development ۱۱, ۳۹۵-۴۰۶.
۱۸. Gupta, R.K. & Kaur, H. (۲۰۱۰). *Stress among Parents of Children with Intellectual Disability*. Asia Y Pacific Disability Rehabilitation Journal; ۲۱(۲): ۱۱۸-۱۲۶.
۱۹. Hasting RP, Kovshoff H, Ward NJ, Espinosa F, Brown T. (۲۰۰۵) *System analysis of stress and positive perceptions in mothers and fathers of pre school children with autism*. J Autism Dev Dis.; ۳۵:۳۵-۴۴.
۲۰. Hassall, R., Rose, J., & McDonald, J. , (۲۰۰۵). *Parenting stress in mothers of children with an intellectual disability: The effects of parental cognitions in relation to child characteristics and family support*. Journal of Intellectual Disability Research. ۴۹, ۴۰۵-۴۱۸.
۲۱. Herring, S., Gary, J., Taffe, K., Sweeney, D. & Einfeld, S. (۲۰۰۶). *Behaviour and emotional problems in toddlers with pervasive developmental delay: associations with parental mental health and family functioning*. Journal of Intellectual Disability Research,. ۱۲, ۸۷۴- ۸۸۲.
۲۲. Hodapp, R.M. (۲۰۰۲). *Parenting children with mental retardation*. In: Handbook of Parenting, ۲nd edn. Vol. ۱: Children and Parenting (ed. M.H. Bornstein), pp. ۳۵۵-۸۱. Erlbaum, Mahwah, NJ.
۲۳. Hintermair, M. (۲۰۰۰). *Children who are hearing impaired with additional disabilities and related aspects of parental stress*. Exceptional Children,. ۶۶, ۳۲۷-۳۳۲.
۲۴. Khamis, V. (۲۰۰۷). *Psychological distress among parents of children with mental retardation in the United Arab Emirates*. Social Science & Medicine, , ۶۴, ۸۵-۸۵۷.
۲۵. Kazdin AE, Whitley MK. (۲۰۰۳). *Treatment of parental stress to enhance therapeutic change among children referred for aggressive and antisocial behavior*. J Consult Clin Psychol; ۷۱:۳۵۰-۴۱۵.
۲۶. Landman-Peters, Karlien M.C. (۲۰۰۵). *Gender differences in the relation between social support, problems in parent-offspring communication, and depression and anxiety*, Social Sciences & Medicine; ۶۰: ۲۵۴۹-۵۹.
۲۷. Lederberg, A. R. & Golbach, T. , (۲۰۰۲). *Parenting stress and social support in hearing mothers of deaf and hearing children: A longitudinal study*. Journal of Deaf Studies and Deaf Education. ۷, (۴), ۳۳۰-۳۴۵
۲۸. Manuel, J., Naughton, MJ., Balkrishnan, R., Smith, BP., Koman, LA. (۲۰۰۳). *Stress and adaptation in mothers of children with cerebral palsy*. J Pediatr Psychol; ۲۸: ۱۹۷- ۲۰۱.
۲۹. McConkey, R., Truesdale-Kennedy, M., Chang, M., Jarrah, S., & Shukri, R., (۲۰۰۷). *The impact on mothers of bringing up a child with intellectual disabilities: A crosscultural study*. International Journal of Nursing Studies (in syndrome, fragile x syndrome, and schizophrenia. Journal of Autism & Developmental Disorders,. ۳۴, ۴۱-۴۸.
۳۰. Sharpley CF, Bitsika V, Efremidis B. (۱۹۹۷) *Influence of gender, parental health, and perceived expertise of assistance upon stress, anxiety and depression among parents of children with autism*. J Intell Dev Disabil: ۲۲(۱): ۱۹-۲۸.



۳۱. Tabassum, R., & Mohsin, N. (۲۰۱۳) . *Depression and anxiety among parevts of children with disabilities: a case study from developing world*. International Journal of Environment, Ecology, Family and Urban Studies (IJEEFUS);,۳(۴): ۳۳-۴۰.
۳۲. Tuna, T., Unalan, H. (۲۰۰۷). *Quality of life of primary caregivers of children with cerebral palsy*. Deve Med Child Neurol. ۴۶(۹): ۶۴۷-۶۴۹.
۳۳. Uskun, E., & Gundogar, D. , (۲۰۱۰).The levels of stress, depression and anxiety of parents of disabled children in Turkey. Disability and Rehabilitation. ۳۲(۲۳): ۱۹۱۷-۲۷.
۳۴. Zembat, R., & Yildiz, D. (۲۰۱۰) *A comparison of acceptance and hopelessness levels of disabled preschool children's mothers*. Procedia Social and Behavioral Sciences, ۲: ۱۴۵۷-۱۴۶۱.



بررسی چگونگی حضور زنان در جوامع انسانی مبتنی بر حفظ کرامت و سلامت اجتماعی

امید قاسمی؛ دانشجوی کارشناسی ارشد، رشته مدیریت

omid.ghasemi@ut.ac.ir

چکیده

از نظر قرآن و سنت حضور زنان باید حضوری سالم باشد و همواره دین اسلام به تکریم انسان علی خصوص زن اهمیت داده است. از این رو جهت حفظ کرامت زن و حضور او در اجتماع و تعامل او با سایر مردم من جمله مردان ضوابط و چهار چوب هایی را تدوین نموده است. هدف از این چهارچوب ها حفظ سلامت اجتماعی و کرامت زنان می باشد. آنها می توانند ضمن اینکه از گزند انحرافات و مفاسد اجتماعی سالم بمانند، جایگاه و شأنشان نیز مورد تکریم واقع شود. زنان می توانند با حفظ کارکرد های اجتماعی خویش با رعایت موازین شرعی و آداب اجتماعی و در سایه احکام اسلامی حضوری اثر بخش و فعال در محیط اجتماعی داشته باشند و به عنوان عضوی محوری در نهاد خانواده، نقشی اثر بخش در بالندگی تمدنی ایفا نمایند. چرا که تعالی نسل بعدی به عنوان مهم ترین سرمایه یک تمدن، یعنی سرمایه انسانی و نسل های آینده متأثر از میزان تکامل مادران آن سرزمین می باشد.

واژه های کلیدی: کرامت، زن، اجتماع، خانواده، سلامت اجتماعی

مقدمه

اگر بخواهیم پیرامون کرامت زن در شرایط کنونی سخن به میان آوریم متأسفانه باید به این نکته اشاره نماییم که علی رغم تبلیغات وسیعی که امروزه پیرامون تکریم زن در جهان شرق و غرب و در دنیایی متمدن و غیر متمدن صورت می گیرد، آنچنان خبری از تکریم زن نبوده و حتی در برخی از دوره های زمانی برخوردی غیر انسانی با زن صورت گرفته است. در بسیاری از جوامع مدرن حضور اجتماعی زن کارکردی ابزاری در جهت اهداف نظام سرمایه داری و تحقق منافع افراد، سوء استفاده می شود. در مقابل این تفکر و ایدئولوژی می توانیم دیدگاه و نگرش اسلام را نسبت به کرامت زن و حفظ آن در اجتماع مطرح نماییم. اسلام عزیز بر حضور فعالانه و تاثیر گزار زن در جامعه بارویکرد حفظ تکریم توأم با تأمین امنیت و سلامت اجتماعی و تحکیم و عدم تزلزل در بنیان خانواده تأکید می نماید. همچنین برای احیای شخصیت زن در اجتماع تمام همت خود را به کرامت بخشیدن به او به کار می گیرد چرا که هر چه زن کرامت یابد، شخصیت واقعی زن بهتر احیاء می گردد.

اگر به طور اجمال نگاهی به تاریخ حضور اجتماعی زنان داشته باشیم، می توانیم این حضور را در چند محور تقسیم بندی نماییم. این محورها در عرصه های گوناگون سیاسی، مذهبی، فرهنگی و علمی-آموزشی پدیدار می شود. اینکه زنان از چه تاریخی و با چه انگیزه هایی وارد عرصه های اجتماع شدند، پاسخ دقیقی ندارد. برخی ورود پررنگ و فعال زنان به عرصه اجتماع را به پس از انقلاب صنعتی و دوران مدرنیته نسبت می دهند. در کشورمان ایران نیز حضور زنان در قالب مشاغلی همچون قابلیت و یا در سایر مشاغل، علی الخصوص مشاغل روستایی، همراه و یا در کنار مردان قابل مشاهده بوده است.

اگر بخواهیم بدون ارزش گذاری و دادن نمره مثبت و منفی در مورد تاریخ حضور زنان در جوامع اظهار نظر نماییم، باید بگوییم آشنایی با فرهنگ غرب تغییراتی را در سبک زندگی افراد و به تبع آن شیوه ی تفکر آنها نسبت به زنان به وجود آورده بود.

درست در زمانی که مزمه هایی از آزادیخواهی در جامعه شنیده می شد. در این زمان یکی از مسائلی که مورد توجه قرار گرفت، تعلیم و تربیت به شیوه های جدید بود. یکی از نظریات قابل تامل در این وادی بحث انقلاب صنعتی و رنسانس در غرب می باشد عده ای قائل به این نظر هستند که با انقلاب صنعتی در اروپا و نیاز روزافزون به نیروی کار، تولیدکنندگان به تشویق هر چه بیشتر زنان به کار در کارخانه ها



و شرکت های تولیدی و صنعتی پرداختند که در واقع با تکیه به این دیدگاه و این رویداد بود که بحث حضور بانوان در مشاغل اجتماعی شکل گرفت.

این موضوع مخالفان و موافقان خود را داشت که هر یک برای ادعای خود استدلال خاص داشتند. در این زمان عده ای نیز دایه دار مکتب فکری بودند که در آن از بحث لزوم تربیت دختران بود و حتی آموزش آن ها را از آموزش مردان نیز مهم تر می دانستند. چرا که بر این باور بودند که سلامت جامعه به طور ویژه ای با سلامت خانواده ارتباط دارد و زنان نیز نقش محوری را در تحقق سلامت خانواده ایفا می کنند. ورود زنان به عرصه های اجتماعی نه پدیده ای ناگهانی بلکه نتیجه ی تلاش بی وقفه و مستمری بود که ابتدا از سوی مردان آغاز شد و سپس برخی زنان آنرا دنبال کردند. این حرکت ابتدا با آگاه کردن مردان و زنان به لزوم تربیت زنان آغاز شد. سپس مسئله حقوق زن مطرح گردید و در نهایت گروه هایی از زنان شکل گرفتند که نه تنها کم و بیش به حقوق خود واقف بودند بلکه برای اعاده حقوق سایر زنان و به ویژه زنان محروم طبقات پایین تلاش می کردند. (نزهت احمدی، ۱۳۸۵)

روش پژوهش: این پژوهش از نوع کیفی و توصیفی می باشد.

سلامت اجتماعی، ضرورت و حوزه های اثرگذاری و اثر پذیری

بر اساس تعریف سازمان بهداشت جهانی "سلامت" حالت و وضعیتی از تکامل جنبه های سلامت جسمی، روانی، اجتماعی و صرفاً فقدان بیماری یا معلولیت نمی باشد. (۲۰۱۷) Constitution of WHO: principles

سلامت جسمی نیز توانایی "آلوستسیس" (حفظ شرایط پایدار و ثابت در محیط داخلی ارگانیسم در مواجهه با محیط بیرونی) می باشد. در هنگام مواجهه با یک استرس جسمی، جهت کاهش ظرفیت های آسیب رسانی، و بازگشت به تعادل تطبیقی، بدن می تواند جهت حفاظت از خود واکنش نشان دهد. اگر این استراتژی مقابله فیزیولوژیکی موفق نباشد، آسیب (یا "تحرك آلوستاتیک") باقی می ماند که ممکن است در نهایت منجر به بیماری شود. (Machteld Huber, ۲۰۱۱)

سلامت روانی نیز در یک مفهوم کلی "اساس یکپارچگی و انسجام" تعریف گشته است. به عنوان یک عامل که به یک ظرفیت موفق برای مقابله، بهبودی ناشی از استرس روانی قوی و جلوگیری از اختلالات پس از ضربه استرس عنوان میگردد. حس یکپارچگی شامل مهارت های ذهنی است که باعث افزایش ادراک، مدیریت، و فهم از یک وضعیت دشوار می شود. توانایی تقویت شده برای انطباق و مدیریت خود اغلب سلامت ذهنی را بهبود می بخشد و ممکن است منجر به تعامل مثبت بین ذهن و بدن شود. (Machteld Huber, ۲۰۱۱) توجه به تعریف صورت پذیرفته در ابتدای پاراگراف، سلامت اجتماعی جزئی از سلامت فرد می باشد که البته سازمان بهداشت جهانی نیز بر روی آن تاکید می نماید و متأسفانه از این حیث در بسیاری از موضوعات آن طور که باید مورد توجه قرار نگرفته است. (Wallace R, Kohatsu N) این نکته نیز باید مد نظر باشد که در تعریف مفهوم سلامت اجتماعی، رویکرد واحدی وجود ندارد اما بررسی های صورت پذیرفته نشان می دهد که اکثر تعاریف حول سه محور زیر می باشد: ۱- سلامت اجتماعی افراد در نهایت سلامت اجتماعی جامعه را رقم میزند ۲- سلامت اجتماعی جزئی از تعریف سلامت می باشد ۳- سلامت اجتماعی هنگامی محقق می گردد که سلامت جسمی و روحی افراد جامعه توأمان حاصل گردد. (Rafeiey H, ۲۰۱۱)

سلامت اجتماعی در ارتباط تنگاتنگی با سلامت روحی می باشد. تحقیقات بسیاری در این حوزه صورت پذیرفته که نشانگر این تاثیر متقابل است (Jordan A. Carlson-۲۰۱۱).

نتایج نشان می دهد در صورتی که موفق به درمان بیماری های روحی افراد شویم، اثر فزاینده آن سلامت اجتماعی خواهد بود. اگر بخواهیم با نگرش سیستمی به مقوله فوق بنگریم، نوعی هم افزایی یا سینرژی اتفاق خواهد افتاد. در بحث از تئوری سیستم ها با ویژگی مواجهیم به نام سینرژی. کنش (اثر) دو یا چند ماده بر یکدیگر که نتیجه آن از جمع اثرات یکا یک آن مواد بیشتر باشد، را هم افزایی یا سینرژی (synergy) می گویند. (علی پارسائیان و سید محمد اعرابی، ۱۳۸۱) حال اگر کوچک ترین واحد جامعه را فرد در نظر بگیریم، نقش افراد در تشکیل خانواده و ایجاد و حفظ وحدت و یکپارچگی و انسجام خانواده، غیر قابل چشم پوشی است. پدر نقش های مختلفی را در



خانواده دارد اما یک نقش مهم که بیشتر بر عهده پدر می باشد، تامین امنیت (از جنبه های مختلف) و همچنین مدیریت مسایل خانواده می باشد. مادر نیز نقش مهم سلامت روحی و روانی افراد خانواده را برعهده دارد. اثر این نقش ها بر روی دیگری متقابل می باشد بدین نحو که سلامت روحی مادر و پدر بر روی عملکرد و نقش هریک و دیگری تاثیر می گذارد و به همین ترتیب سوء مدیریت پدر نیز بر روی عملکرد مادر و سایر فرزندان موثر است. در یک نگاه کلی تر می توان این طور فرض نمود که در صورت تحقق سلامت روحی تک تک افراد جامعه، علی الخصوص مادران، شاهدان فراگیری بیشتر سلامت اجتماعی در جامعه خواهیم بود.

در بیان کرامت انسانی

در منظومه فکری دین اسلام جایگاه ویژه ای برای انسان به عنوان مهمترین مخلوق خداوند ترسیم گشته است. این جایگاه واجد ویژگی هایی نظیر کرامت و حرمت می باشد. این حرمت و کرامت ناشی از حق و منزلت ویژه ای است که خداوند برای انسان قرار داده است. خداوند تمام ملائکه را دستور می دهد به این که به انسان سجده نمایند. خداوند در این آیه می فرماید: « وَ نَفَخْتُ فِيهِ مِنْ رُوْحِي فَقَعُوا لَهُ سَاجِدِينَ » (الحجر: ۲۹) به این معنی که: « و از روح خود در او دمیدم، برای او به سجده افتید! ». یکی از دلایلی که منجر به این گشت که انسان این ویژگی را کسب نمایند این است که خداوند همانطور که در معنی آیه فوق آمده است از روح خودش در انسان دمیده است. در آیه دیگر خداوند انسان را جانشین خود قرار می دهد و می فرماید: « وَ اِذْ قَالَ رَبُّكَ لِلْمَلٰٓئِكَةِ اِنِّيْ جَاعِلٌ فِي الْاَرْضِ خَلِيْفَةً » (بقره، ۳۰) به این معنی که: « (به یاد آر) هنگامی که پروردگارت به فرشتگان گفت: همانا من در روی زمین جانشینی قرار خواهم داد» این مقام را خداوند به انسان عطا می فرماید و در آیه دیگر خداوند می فرماید: « وَلَقَدْ كَرَّمْنَا بَنِي اٰدَمَ » (الإسراء ۷۰) « و همانا فرزندان آدم را گرامی داشتیم »

برخی کرامت را بزرگی و وزیدن می دانند (فرهنگ دهخدا) بر خی دیگر سخاوت و جوانمردی و بخشندگی معنی می نمایند (فرهنگ فارسی معین)

خلیل فراهیدی کرامت را به شرافت و شریف بودن معنا کرده است (فراهیدی، ۱۴۱۰ ه.ق) راغب اصفهانی نیز در مفردات خویش کرامت را به: «بخشش و نعمت دادن، هرگاه انسان با واژه کرم وصف شود، در آن صورت اسمی است برای اخلاق و افعال پسندیده ای که از انسان ظاهر می شود. واژه کریم تا وقتیکه آن اخلاق و رفتار از کسی ظاهر نشود، اطلاق نمی شود. وی با اشاره به آیه « اِنْ اَكْرَمَكُمْ عِنْدَ اللّٰهِ اَتْقٰكُمْ » بیان میدارد که این نیز به همین معناست، چه اینکه کرم کارهای پسندیده است و اکرم و اشرف کارها، کاری است که رضای خدا در آن قصد شده باشد (راغب اصفهانی، ۱۴۰۴)

«در اصطلاح علم کلام، کارهای خارق العاده ای که از پیامبران برای اثبات نبوت صادر می گردد با نام معجزه خوانده می شود، و همین گونه کارها از غیر پیامبران، با نام کرامت ذکر می شود. بنابراین کرامت اصطلاحی در گفتار متکلمین به علم کلام، همان معجزه ای است که درباره امور خارق العاده غیر پیامبران، از اولیاء خداوند و امامان (ع) استعمال می شود. چرا که نشانه عظمت و بزرگواری آنها در پیشگاه خداوند است، بر همین اساس امام صادق (ع) فرمود: «المعجزة علامة الله لا يعطيها الا انبيائه و رسله و حججه ليعرف به صدق الصادق من كذب الكاذب؛ معجزه نشانه ای برای خداست که خداوند آن را به کسی جز پیامبران و رسولان و حجّت هایش عطا نمی کند، و هدف از آن این است که به وسیله آن راستگویی راستگو از دروغگویی دروغگو شناخته شود.» (مجلسی، محمد باقر، بحار الانوار)

برخی از قرآن پژوهان و مفسران معاصر نیز در باب کرامت اینگونه اظهار نظر نموده اند: «کرامت همان نزاهت از پستی و فرومایگی است. کریم غیر از کبیر و عظیم است. کریم معنایی دارد که شاید در فارسی معادل بسط نداشتن باشد. خدای سبحان محدوده عالم طبیعت و اعتبارات آن را در برابر کرامت دانست و از آن به عنوان دنیا تعبیر کرد، چون دناوت در برابر کرامت و دنی در مقابل کریم است» (جوادی آملی، ۱۳۶۶)

کرامت از حیث اینکه ذاتی باشد یا اکتسابی خود متفاوت می باشد بدین نحو که خداوند در قرآن براساس آیه ی « وَلَقَدْ كَرَّمْنَا بَنِي اٰدَمَ وَحَمَلْنَاھُمْ فِي الْبَرِّ وَالْبَحْرِ وَرَزَقْنٰھُمْ مِنَ الطَّيِّبٰتِ وَفَضَّلْنٰھُمْ عَلٰی كَثِيْرٍ مِّمَّنْ خَلَقْنَا تَفْضِيْلًا » (آیه ۷۰ سوره اسرا) بیان می دارد که نه تنها حضرت آدم، بلکه نسل انسان مورد کرامت و برتری و گرامیداشت است. این کرامت ذاتی می باشد.



با توجه به آیات فوق این طور می توان نتیجه گرفت که خداوند هم برای زنان و هم برای مردان کرامت قائل است و به میزانی که هر یک مرد و زن در مسیر طاعت و بندگی خداوند قرار بگیرند کرامت آنها نیز حفظ می ماند. خداوند در سوره نسا آیه اول بر این موضوع تاکید می نماید که انسان هاز حیث انسانی با همدیگر برابر هستند. فلذا باید هریک، اعم از زنان و مردان بر حفظ کرامت خویش اهتمام بورزند. عوامل موثر بر سلامت اجتماعی زنان

هرگاه بنا به هر دلیلی از جمله طلاق رسمی و غیر رسمی (عاطفی) و یا فوت پدر خانواده و یا مهاجرت سرپرست خانواده یا فقدان و عدم کارکرد فردی که در جایگاه سرپرست اقتصادی خانواده بوده است، نقش مادر در خانواده متزلزل و یا کم رنگ گردد، زمینه ظهور و بروز آسیب های فردی و اجتماعی فراهم می گردد. هنگامی که پدری که مسئولیت تصمیم گیری و مدیریت خانواده از حیث اقتصادی و امنیتی و سایر جنبه های اجتماعی و فرهنگی و تربیتی را برعهده دارد، خانواده را ترک می نماید، معمولاً مسئولیت هریک از جنبه های فوق بر روی دوش مادر خانواده قرار می گیرد؛ نقش مادر در خانواده، ذاتاً از جنس مقولات عاطفی و احساسی و از همه مهم تر تربیتی می باشد؛ در صورتی که هریک از نقش های پدر خانواده در نبود وی بر عهده مادر قرار گیرد، نتیجه ی آن چیزی جز بازماندن مادر از سایر نقش های کلیدی اش نخواهد بود و این کارکرد اصلی نقش مادر در نهاد خانواده را ضعیف می نماید (مرضیه شعبانی همدان، ۱۳۹۴)

فرهنگ سازی قرآن کریم در باب تکریم زن و حضور او در اجتماع

قرآن همواره بر تکریم شخصیت بانوان تاکید داشته و به عنوان مثال وقتی مسئله زن مطرح شده است از واژه ی معروف نیز صحبت به میان آمده است. وقتی جایی که از طلاق صحبت می کند، می فرماید با زنان برخورد کریمانه و شایسته انجام دهید. در واقع در اکثر آیات قرآن واژه معروف به تکریم مقام زن دلالت دارد.

عملکرد قرآنی رسول اکرم (صلی الله علیه و آله)

پیامبر گرامی اسلام جهاد زنان را خوب شوهرداری کردن می دانست و فرموده اند: هر زنی که به منظور اصلاح امور خانه و خانواده، چیزی را از جایی بردارد و در جای دیگر بگذارد خدا نظر مرحمت به او خواهد کرد و هر کس که مورد نظر خدا واقع شود به عذاب الهی گرفتار نخواهد شد. ۳

ایشان همچنین یک جزء دیگر از کرامت زن را نقش مادری وی در خانواده می داند و جایگاه ویژه ای برای آن قائل است. ایشان در پاسخ به کسی که پرسید: یا رسول الله (ص) نیکی داشتن چه کسی شایسته تر است؟ فرمودند: مادرت. این سوال چهار بار تکرار شد و حضرت در بار دوم و سوم فرمودند، مادرت و در تکرار سوال برای بار چهارم پاسخ دادند: به پدرت نیکی کن.

کرامت زن در پوشیدگی و حجاب و عفت

از دلایلی که ذکر گردیده است که آدم و حوا برهنه شدند، عدم اطاعت خداوند متعال بود. به عبارت دیگر عدم اطاعت دستور خداوند منجر به نزول از درجه کرامت و شرافت گردید. و نتیجه ای که می توان گرفت این است که برهنگی و بی عفتی نشانه نزول شان و فرو کاست کرامت و عزت است.

امام خمینی (ره) می فرماید: «همان طوری که مرد در همه شئون دخالت دارد، زن هم دخالت دارد... زن ها مقام کرامت دارند، زن ها اختیار دارند، همان طور که مردها اختیار دارند، خداوند شما را با کرامت خلق کرده است (موسوی خمینی، ج ۱۱)

نقش زن در تکامل حیات اجتماعی

بین حضور اجتماعی زن و حفظ کرامت و سلامت وی منافاتی ندارد و زن می تواند با حضور در عرصه های اجتماعی در چهار چوب قواعد شرع و عرف، شایستگی خود را دو چندان نیز نشان بدهد.

حضور زن در عرصه های اجتماعی و اقتصادی

به طور قطعی هدف اسلام این نبوده است که امتیازی را برای زن قائل شود. بلکه همواره فطرت و ذات زن را در نظر گرفته است. اینکه فرزندان باید در دامن زن و به دور از هرگونه دغدغه رشد و پرورش یابند. شاید بتوان گفت هر جا که حقی در نظر گرفته شده است تکلیف نیز به تبع آن به وجود آمده است. لذا همواره سهم زن در رشد و پرورش خانواده و تربیت فرزندان بیشتر از مرد بوده است. لذا اسلام توضیح



داده است و به عبارتی بهتر مرد را مکلف به تامین مالی خانواده نموده است تا زن بدون هیچگونه مشکل و نگرانی در باب مسایل مالی، اقدام به پرورش خانواده و تعالی کانون آن نماید.

مرزهای حضور اجتماعی زنان

اسلام حضور اجتماعی زنان را به سه دسته تقسیم می کند: ۱- ممنوع ۲- واجب ۳- مباح

۱- اموری است که اسلام زنان را از شرکت و حضور در آن منع کرده است چرا که با فطرت و سرشت و ذات آن ها سازگار نیست همچون: قضاوت، جنگ و کارهای سنگین و طاقت فرسای دیگر

۲- اموری که اسلام نه تنها منع نکرده، بلکه حتی حضور زنان با رعایت حجاب و حق خانواده (در صورت نیاز و ضرورت اجتماع) را واجب نیز کرده است. همچون تحصیل علوم و معارف الهی، تعلیم و تعلم، پرستاری از بیماران و مجروحان، پزشکی مخصوص زنان، آموزش و پرورش مخصوص دختران و تمام کارهای خاص زنانه و هر یک از ضرورت های اجتماعی دیگر. اسلام نه تنها با کار کردن زنان مخالف نیست، بلکه آنان را به کار کردن نیز تشویق نموده است. اما این کار از نوع کاری است که با فطرت و روحیه زن سازگار است. پیامبر اکرم (ص) فعالیت (سالم) اقتصادی زنان را در ردیف شریف ترین کارها دانسته است.

۳- کارهایی که گرچه حضور زنان در آن ها ممنوع نیست، اما زنان به حضور در آن ها تشویق نشده اند. در واقع اگر احساس ضرورت و نیاز نباشد، اولویت با امور خانواده و پرورش و تعالی محیط خانواده و فرزندان است.

حضرت زهرا (س) فرمودند: "نزدیک ترین حالات زن به خدا، آن است که ملازم خانه خود باشد و بیرون از خانه نرود"

حضرت علی (ع) نیز می فرماید: "جهاد زن، خوش شوهر داری کردن است".

آثار زیان بار حضور بی حد و حصر زنان در اجتماع

در این بین تعدادی از آثار زیان بار حضور بی حد و حصر زنان در جامعه که به قولی دیگر بدون رعایت حدود احکام و ضوابط اسلامی حاصل میشود، ذکر گردیده است.

۱- بحران های روحی و روانی (عدم آرامش)

۲- پیری زود هنگام و شکست روحی و جسمی

۳- بالا رفتن سن ازدواج

۴- فساد اخلاقی و فحشا

۵- افزایش ترک تحصیل پسران

۶- افت تربیت فرزندان

۷- رقابت بی جا در تجمل گرایی

۸- به خطر افتادن سلامت اجتماعی بانوان

در باب فواید و فلسفه پوشش در فعالیت اجتماعی نکاتی حایز اهمیت است. اینکه حضور با پوشش اسلامی زن در جامعه منجر به الف) محفوظ ماندن زن از ناامنی اجتماعی ب) محفوظ ماندن حریم خانواده و از همه مهم تر ج) احترام به زن و حفظ حرمت او د) جواز حضور در جامعه و اجتماع خواهد بود. بحث پیرامون هر یک از موارد فوق در حوصله ی این مقاله نیست اما از این موضوع نباید غافل شد که برای پوشش زنان نیز حدود و ثغوری وجود دارد که در گنجایش این بحث نیست.



نتیجه گیری:

حاصل سخن آن که در راستای حضور سالم زن در اجتماع و شیوه های حضور و چگونگی و نوع پوشش و نوع فرهنگ و ... صحبت های زیادی به میان آمده است. آن چه شایسته است این است که اسلام حضور زنان را در اجتماع پذیرفته است و بلکه در مقاطعی و در شرایطی و با حفظ ضوابطی، ضروری نیز دانسته است. اسلام خواهان آن است که به زن در اجتماع با بعد جنسی آن دیده نشود بلکه به زن به عنوان یک انسان که خلیفه الهی است نگریسته شود و لذا برای اینکه ارتباط زن و مرد از حدود انسانی خارج نگردد و کرامت هیچیک مورد آسیب و لطمه واقع نشود، آدابی نیز در نظر گرفته شده است.

اگر ارتباط زن و مرد بر محور "زن" و "مرد" بودن باشد و زنانگی و مردانگی خود را به اجتماع بکشانند، امری مذموم و ناپسند است. در غرب نیز مشکلاتی که نتیجه حضور بی حد و حصر زنان در جامعه بود گریبان جامعه را گرفته است. ویل دورانت، فیلسوف و نویسنده معروف تاریخ تمدن می گوید: "... بزرگ ترین حادثه قرن بیستم، دگرگونی وضع زنان بوده است. تاریخ چنین تغییر تکان دهنده ای در مدتی به این کوتاهی، کمتر دیده است. خانه ی مقدس که پایه نظم اجتماعی ما بود، شیوه ی زناشویی که مانع شهوت رانی و ناپایداری وضع انسان بود، قانون اخلاقی که ما را از "توحش" به "تمدن" و آداب معاشرت رسانده بود، همه آشکارا در این انتقال پر آشوبی که همه رسوم و اشکال زندگی و تفکر ما را فرا گرفته است؛ گرفتار شده!

هنوز هم ناله متفکران غربی از به هم خوردن نظم خانوادگی و سست شدن پایه ازدواج، از شانه خالی کردن جوانان از قبول مسئولیت ازدواج، از منفر شدن حس مادری، از کاهش علاقه پدر و مادر، خصوصاً مادر نسبت به فرزندان! از ابتذال زن در دنیای امروز و جانشین شدن هوس های سطحی به جای عشق (محبت و مودت)، از افزایش روز افزون طلاق و ... به گوش می رسد."

در جامعه حال حاضر ما برای زنانی که در مشاغل سخت مخصوص مردان مشغول به کار هستند ارزش گذاری می شود. به عنوان مثال تلاش صورت می گیرد که زنانی که به اموری همچون معدن کاری و رانندگی وسایط نقلیه سنگین و ... مشغول به فعالیت هستند، به عنوان زن نمونه و الگو مطرح شوند و همواره زنان ما باید با ترفندهای گروه های فیمینیستی آشنا باشند و در راستای حفظ کرامت هر چه بیشتر خود در عین حضور در جامعه بپردازند.



منابع

قرآن کریم

رضایان، علی، تجزیه و تحلیل و طراحی سیستم‌ها، انتشارات سمت

ملک زاده، مهدی، تاریخ انقلاب مشروطیت ایران - جلد ۱ - کتاب سوم، تهران، علمی، ۱۳۶۳

بحار الانوار، ج ۱۰۳، صفحه ۲۴۷

مستدرک الوسائل، ج ۲، ص ۶۲۸

روزنامه جمهوری اسلامی، ۷۳/۷/۲۱

صحیفه نور، ۱۰۳/۴

روزنامه جمهوری، ۶۳/۱۲/۲۲

همان، ۶۹/۱۰/۱۷

خانواده به سبک ساخت یک جلسه مطول مطوی در محضر مقام معظم رهبری / سخنران: سید علی خامنه ای / ناشر کتاب: موسسه ایمان

جهادی/۱۳۹۳

همان ص ۵۲

تفسیر المیزان، ج ۲، ص ۳۸۶

منتهی الامال، ص ۱۳۴

بحار الانوار، ج ۱۰۳، ص ۲۲۸

نظام حقوق زن در اسلام، شهید مطهری، ص ۴ و ۵ (با کمی تلخیص و تغییر)

بحار الانوار، ج ۱۰۳، صفحه ۲۴۷

مستدرک الوسائل، ج ۲، ص ۶۲۸

دکتر حسین یحیی زاده، محمود رمضانی، (۱۳۹۴)، سلامت اجتماعی و عوامل اجتماعی مؤثر بر آن، مطالعه موردی: زنان سرپرست خانوار شهر قروه

حسین مرادی مقدم، روح اله خادمی، (۱۳۹۶)، فناوری اطلاعات و سلامت اجتماعی: مروری نظری و پژوهشی، فصلنامه سلامت اجتماعی و اعتیاد، سال ۴، شماره ۴۴، تابستان ۴۹

دکتر مهناز صلحی، مرضیه شعبانی همدان (۱۳۹۴)، بررسی کیفیت زندگی زنان سرپرست خانوار بهزیستی استان تهران، مجله ره آورد سلامت، دوره ۱، شماره ۱، پاییز ۱۹

علی جلائیان اکبرنیا، محمد رضا محمدی، (۱۳۹۴) حرمت و کرامت زن در خانواده از نگاه امام رضا (ع)، فرهنگ رضوی، سال سوم شماره دوازدهم، زمستان ۱۳۹۴

پاسداری از حریم خانواده در اسلام: وظایف زن در اداره خانواده از دیدگاه اسلام / نویسنده: غفرانی، محمد / نشریه مکتب امام / شماره ۱۰۹

کرامت زن در اندیشه های قرآنی پیامبر اعظم (ص) / نویسنده: بانکی پور فرد، امیر حسین / مجله کوثر / شماره ۲۰

کرامت زن در قرآن و سخن امام خمینی / نویسنده: غزنوی نایینی، نهله / مجله بینات شماره ۵۳

احکام پوشش در حضور اجتماعی زنان / نویسنده: رستگار مقدم، لیلا / مجله: طهورا شماره ۱۳

هویت و کرامت انسانی زن در قرآن / نویسنده: جودوی، امیر؛ هادوی، سارا / مجله: بینات شماره ۵

شهید مطهری و حقوق زن در اسلام / نویسنده: شرفی، حسین / مجله: پژوهش های قرآنی / - شماره ۱۷ و ۱۸

پایگاه اجتماعی زن در نهج البلاغه / نویسنده: ثقفی، سید محمد / مجله: جامعه شناسی / شماره ۶

زن در اسلام / نویسنده: بیضون، لیب / مجله: پژوهشهای نهج البلاغه / شماره ۹ و ۱۰



مبانی شخصیت زن از دیدگاه اسلام/ نویسنده: مهدوی راد، محمد علی؛ فتاحی زاده، فتحیه/ مجله: علوم انسانی دانشگاه الزهراء(س) شماره ۴۰ (علمی-پژوهشی)

پیش درآمدهایی بر حضور اجتماعی زنان/ نویسنده: احمدی، نزهت/ مجله: زمانه « سال پنجم، شماره ۴۸

مرزهای حضور اجتماعی زنان/ نویسنده: خسروی سجادی، سید جواد/ مجله: فرهنگ کوثر / شماره ۵۴

مشارکت اجتماعی زنان؛ رویکردی اسلامی/ نویسنده: عیوضی، محمد رحیم کریمی، غلامرضا/ مجله: دانش سیاسی پاییز و زمستان ۱۳۹۰، سال هفتم- شماره ۱۴ (علمی-پژوهشی) / (ISC)

مشارکت اجتماعی زنان از دیدگاه کتاب، سنت و فقه اسلامی/ نویسنده: احمدی، سید مهدی، سیدی جربندی، سیده رقیه؛

مجله: زن و جامعه " بهار ۱۳۹۰- سال دوم، شماره اول

زن و کیفیت حضور او در اجتماع از منظر قرآن/ نویسنده: طاهری نیا، احمد؛/ مجله: معرفت شماره ۱۰۷

WHO _ Constitution of WHO_ principles.

HEALTHIER FAIRER SAFER THE GLOBAL HEALTH JOURNEY ۲۰۰۷-۲۰۱۷ ،World Health Organization ۲۰۱۷

Closing the gap in a Generation Health equity through action on the social determinants of health .World Health Organization ۲۰۰۸

Helen Herrman .Shekhar Saxena .Rob MoodieA .Report of the World Health Organization, Department of Mental Health and Substance Abuse in collaboration with the Victorian Health Promotion Foundation and The University of Melbourne .World Health Organization ۲۰۰۵

Jordan A. Carlson • Andrew J. Sarkin Ashley E. Levack • Marisa Sklar • Steven R. Tally • Todd P. Gilmer • Erik J. roessl Evaluating a Measure of Social Health Derived from Two Mental Health Recovery Measures: The California Quality of Life (CA-QOL) and Mental Health Statistics Improvement Program Consumer Survey (MHSIP) Community Ment Health J (۲۰۱۱) ۴۷:۴۵۴-۴۶۲

Shahin Tohidi , Farkhondeh Jamshidi, Zahra Khalili, Neda Alimohammadi, Arezoo Shayan, Assessing the Relationship between Nursing Occupational Prestige and Social Health, Iranian Journal of Nursing Research (IJNR), November-December ۲۰۱۷, Volume ۱۲, Issue ۴

Paakkari, L., & Paakkari, O. (۲۰۱۲). Health literacy as a learning outcome in schools. Health Education, ۱۱۲(۲), ۱۳۳-۱۵۲.



تبیین نقش باورهای دینی و فرهنگ فردگرایی بر مادری و تمایل به فرزندآوری

سعیده الهی دوست؛ کارشناس ارشد دانشگاه پیام نور گز

saide.elahidoost@gmail.com

نجمه محمدی فشارکی، کارشناس ارشد دانشگاه الزهرا "س"

mohamadifesharaki@gmail.com

چکیده

ظهور فرهنگ مدرن در جوامع امروزی باعث تغییراتی مثل تغییرات در ساختار خانواده نقش ها، تمایل به برابری خواهی های جنسیتی، تغییر ارزشها و باورها و ... شده است. این تغییرات باعث تغییرات نگرشی نسبت به نقش مادری شده است. این مقاله به تبیین نقش باورهای دینی و فرهنگ فردگرایی بر مادری و تمایل به فرزندآوری و پرداخته است.

در این پژوهش شیوه ی گردآوری اطلاعات به صورت مصاحبه عمیق و نیمه ساختار یافته با ۳۰ نفر از مادران می باشد. پس از آن مصاحبه ها به صورت کلمه به کلمه پیاده شد. در مرحله اول ۲۵۶ کد اولیه به دست آمد. پس از چند مرحله تقلیل، ۳ کد محوری (فردگرایی و مادری، خانواده محوری و مادری و باورهای دینی و مادری) حول محور نقش مادری و تمایل به فرزندآوری شکل گرفت.

بر اساس یافته های به دست آمده نقش مادری و تمایل به فرزندآوری همچنان در بین اکثریت زنان ایرانی وجود دارد. زنان مهمترین مولفه مادری را فداکاری می دانند که برگرفته از آموزه های دینی و مذهبی می باشد. اما در بعضی موارد در مادران نسل دومی، نقش مادری را مانعی در رسیدن به اهداف اجتماعی خود بر می شمردند. از طرفی وجود اعتقادات و باورهای مذهبی باعث می شود که تمایل به فرزندآوری و مادری افزایش یابد.

واژگان کلیدی: مادری، فردگرایی، فرزندآوری، باورهای دینی، اشتغال زنان

مقدمه و طرح مسئله

باروری به عنوان یکی از اجزای اصلی رشد جمعیت موضوعی است که همواره مورد توجه قرار گرفته و تحقیقات گسترده و دامنه داری در زمینه شناخت عوامل موثر بر آن در ایران و خارج از ایران صورت گرفته است. بدین لحاظ اندازه گیری و شناخت سطح باروری در هر طبقه نه تنها در پیش بینی های جمعیتی که اساس و زیربنای برنامه ریزی های اقتصادی، اجتماعی و جمعیتی برای امر توسعه لازم است. بلکه در ارزیابی شرایط اقتصادی، اجتماعی جامعه مورد مطالعه نیز از شاخص های کلان و مهم به شمار می آید. در حدود ۲۰۰ سال پیش بیشتر زنان فرزندان زیادی را به دنیا می آوردند برای مثال در میانه قرن ۱۹ در کشورهای آمریکا و استرالیا نزدیک به ۵۰ درصد زنان تا پایان دوره باروری خود ۹ فرزند و بیشتر داشتند. حد متوسط زایمان های هر زن ۶ فرزند بوده است. در حالی که امروزه در این کشورها متوسط تعداد فرزندان کمتر از ۲ فرزند برای هر زن می باشد. (مک دونالد، ۱۹۹۳: ۱). کاهش باروری در اروپا آغاز شد اولین بار در نیمه اول قرن ۱۹ در فرانسه مشاهده گردید و بعداً در نیمه دوم قرن ۱۹ در ایالات متحده و دیگر کشورهای اروپایی و سپس کانادا استرالیا و نیوزیلند گزارش شد. (هکر، ۲۰۰۳: ۱) هم اکنون این کاهش در آسیا به ویژه آسیای شرقی و جنوب شرقی صورت گرفته است. توسعه این تغییرات در آسیا به خصوص در ایران با توجه به بافت اجتماعی و اقتصادی خاص، فرصتی است تا با بررسی آن، نظریه های مربوط به کاهش باروری در جوامع غیر اروپایی به آزمون گذاشته شود. نقش باروری به عنوان مهم ترین پدی ده تعیین کننده نوسانات جمعیتی سبب شده که مطالعات مربوط به آن نسبت به سایر پدی ده های جمعیتی از اهمی ت قابل توجه بیبرخوردار باشد. بررسی عوامل مختلف اقتصادی، اجتماعی، فرهنگی مؤثر بر آن سهم بزرگی از پرورش جمعیتی را به خود اختصاص می دهد. (آقا، ۱۳۶۴: ۱)



مطالعات مختلف موید این واقعیت است که میزان باروری در ارتباط، عوامل اقتصادی و اجتماعی و فرهنگی است، از این رو شناخت دقیق این عوامل ضرورت دارد. نگارنده بر این باور است که پس از پذیرش رسمی برنامه‌ها و کنترل جمعیت و محدود نمودن مولید از سوی دولت بایستی به دنبال راهکارهایی بود که مشکل دستیابی به اهداف تنظیم خانواده و کنترل جمعیت را ممکن سازد. هر چند که در زمینه باروری، عوامل اقتصادی، اجتماعی، فرهنگی مؤثر بر آن تحقیقات راهگشای، ذیل به موفقیت در مورد کاهش مولید نبوده بلکه توسعه امکانات زیربنای و ارتقاء شاخص‌های توسعه انسان‌ها از جمله باسواد، آگاهی‌ها و اجتماعی بهداشت و درمان سال‌های امید به زندگی و به خصوص گسترش سواد و سطح آموزش زنان و واکسیناسیون یا طب پیشگیری نقش بسیار زیادی در این میان ایفا کرده است. (علیزاده و دیگران، ۱۳۷۷: ۹)

در فرآیند توسعه و تغییرات اجتماعی در جهان امروز، تحولات مختلف در سطوح مادی و غیر مادی فرهنگ‌های جوامع رخ می‌دهد. در اغلب جوامع دستخوش تغییر، ابتدا تحولات در جنبه‌های تکنولوژیک، مادی و ملموس تمدنی پدید می‌آید. تحول ارزش‌ها به عنوان وجه غیر مادی و انتزاعی فرهنگ، اغلب با تأخیر نسبت به وجه مادی به وقوع می‌پیوندد. یکی از حیطه‌های دستخوش تغییر در حوزه ارزش‌ها و هنجارها، تغییرات مربوط به دیدگاه‌های فردگرایانه

زنان می‌باشد که پیامدهای متعددی دارد که از جمله‌ی این پیامدها در حیطه جمعیتی، تأثیر در نگرش و رفتار باروری زنان است. (قدرتی، ۱۳۹۲)

برخی استدلال کرده‌اند که نرخ بسیار پایین باروری در کشورهای پیشرفته‌ی امروزی، حاصل سطوح پایین‌تر برابری جنسیتی در نهادهای خانواده محور نسبت به سطوح بالای برابری جنسیتی در نهادهای فردمحور است. (مک دونالد، ۲۰۰۰)

در ایران، باروری در دو دهه قبل به طور قابل توجهی کاهش یافته و اکنون به سطح جایگزینی رسیده است. حتی، در برخی استان‌ها باروری به زیر سطح جایگزینی رسیده است. (عباسی شوازی، مک دونالد و حسینی، ۲۰۰۹: ۵۷)

به علاوه، با توجه به نفوذ روزافزون ارزش‌های برابری خواهانه‌ی جنسیتی در میان زنان ایران و سهم بیشتر دختران در ورود به دانشگاه‌ها، می‌توان استدلال کرد که در خارج از نهاد خانواده و به ویژه نهاد فرد محوری هم چون دانشگاه، برابری جنسیتی در سطح بالاتری نسبت به خانواده، قرار دارد. از سوی دیگر چنانچه در نهاد خانواده، به خاطر سلطه ساختارهای مردسالارانه، برابری جنسیتی در سطح پایینی باشد و زنان در زندگی زناشویی خود در خانواده، مورد تبعیض از طرف همسر واقع شوند، بنابر نظریه‌ی مکدونالد بیم آن می‌رود که زنان برای تحقق خواسته‌های خود، از فرزندآوری خود بکاهند و سطح باروری در ایران از وضعیت فعلی نیز پایین‌تر رود. (قدرتی، ۱۳۹۲)

امروزه جهانی شدن باعث تغییر در تمامی ساختارهای کلان فرهنگی و اجتماعی شده از جمله تأثیرات آن بر ساحت فرهنگ می‌توان اشاره کرد. به طوری که با اشاعه‌ی فرهنگ لیبرالیسم و پیشرفت در حوزه‌ی فناوری داده‌ها و استفاده از وسایل ارتباط جمعی، جوانب گوناگون زندگی فرهنگی افراد را دچار تحول کرده است. این امر باعث رشد دنیا گرایی و کاهش نفوذ نیروهای سنتی شده است. (Giddens, ۲۰۰۱) در نتیجه‌ی این تغییرات می‌توان گفت، نگرش و گرایش به فرزندآوری نیز دچار تحول می‌شود. به طوری که ساختار جمعیت جهان نیز به تبع آن در حال تغییر شکل است. پیش‌بینی می‌شود که در آینده‌ی الگوی باروری پایین، جهانی شود. (عباسی شوازی، مک دونالد و حسینی، ۲۰۰۹: ۵۷)

از طرفی استفاده از رسانه‌ها آگاهی و شناخت مصرف‌کنندگان رسانه‌ای را ارتقا داده و این رشد آگاهی منجر به بالا رفتن توقعات افراد و انتظار رفاه بیشتر شده است. در نتیجه خانواده‌ها تمایل کمتری به داشتن فرزند پیدا کرده و تعداد بیشتر کودک را مانعی در رسیدن به سطح بالاتر رفاه می‌دانند. از طرفی تمایل به فرزندآوری در تمامی جوامع بشری وجود داشته و خواهد داشت. اما آن چه این موضوع را امروزه تبدیل به یک مسئله اجتماعی نموده، این است که در عصر جهانی شدن، عوامل نوسازی از راه دگرگون کردن روش اندیشه مردمان، خانواده‌گرایی و گرایش به فرزند را کم ارزش و آینده‌نگری فردی و گرایش به زندگی مادی را که در آن آسایش و شادکامی از برتری بیشتری برخوردار است، نیرومند و پرتوان ساخته است. (عنایت، ۱۳۹۲: ۱۱۱)



بنابراین امروزه کاهش گرایش به فرزندآوری به فهرست مسائل اجتماعی تبدیل شده است. که می بایست مورد بررسی قرار گرفته و راه حلی برای آن پیدا شود. چرا که کاهش سطح باروری تاثیر قاطعی بر میزان رشد، ترکیب و ساختار جمعیتی و تعدیل شتاب افزایش تعداد جمعیت خواهد داشت. در نتیجه توجه به این پدیده و اندازه گیری و تبیین آن بیش از پیش از اهمیت قابل توجهی برخوردار است. (عنایت، ۱۳۹۲: ۱۱۱)

در نیم قرن اخیر تغییرات بینادی در شکل و ویژگی های خانواده، انتقال خانواده از گسترده به هسته و به تبع آن کاهش سطح زاد و ولد و باروری در کشور محسوس بوده است. طی سال های اخیر باروری به گونه ای بی سابقه کاهش یافته است به طوری که در قاعده ی هرم سنی فرورفتگی ایجاد شده است. (Zanjani, ۲۰۰۴) این کاهش باروری به گونه ای هم زماندر تمام مناطق جغرافیایی و گروه های سنی تولید مثل صورت گرفت. ایران کشوری است که جمعیت جوان آن حدود ۶۰ درصد جامعه را تشکیل می دهند (Kalantari & Hasani, ۲۰۰۸) در این بین چون زنان جوان در مقایسه با گروهها و قشرهای دیگر، با مظاهر و وسایل تجدد و نوسازی، جانی شدن و هم چنین اندیشه های جدید، آشنایی و برخورد بیشتری دارند، بیش از دیگران در معرض تغییرات قرار گرفته اند. بنابراین مطالعه حاضر به تبیین فرهنگ فرد گرایی و تاثیر آن بر گرایش به فرزندآوری و مادری پرداخته است.

خانواده جایگاه آسایش و آرامش و اولین نهاد اجتماعی و بنیان جامعه است. در فرهنگ اسلامی، خانواده نهادی مقدس است که بیشترین مسئولیت را در تربیت، تعالی و سعادت انسان بر عهده دارد. (شعاع کاظمی، ۱۳۸۴: ۴۳)

قرآن خانواده را آیت بزرگ خداوند می داند که مرکز پیدایی و پرورش آرامش، مودت و رحمت است، در خانواده بالنده که دارای این ویژگی است و نیز نقش های هر یک از اعضای خانواده در آن مشخص و منسجم است، همسران و فرزندان، اندوه زدا و سرور آفرین هم دیگر می شوند و به رهبری و پیشوایی پارسایان و شایستگان روزگار می رسند. اما از میان نقش های تعریف شده در خانواده، زنان تاثیر بیشتر و عمیق تری در امر تربیت و تعالی را دارا هستند.

از میان نقش هایی که زنان در خانواده بر دوش دارند نیز این مادران هستند که در مسیر تعالی و سعادت خانواده و انسان در متن خانواده با توجه به خصیصه هایی چون؛ گذشت و فداکاری مورد توجه و دقت نظر قرار داشته و دارند. حس مادری با شروع بارداری شکل گرفته و با احساس مسئولیتی جدید در مراحل رشد کودک هویت می یابد (علاسوند، ۱۳۹۰)

در دوران اخیر هویت و نقش مادری و مجموعه ی وظایفی که بر عهده ی این نقش متصور بوده ایم دستخوش فهم های جدید و تفاسیر و تعاریف متفاوت گشته و این امر خود موجب بروز تعارض های رفتاری و هویتی در مادران گردیده است.

علاوه بر این تعارض ها، تصویر ذهنی درونی خانواده و جامعه نیز دارای فهمی در حال تغییر از مفهوم مادری است. به طوری که در محیط خانواده و جامعه نیز انتظار از زن با توجه به اقتضائات ماهیتی و تحولات مفهومی، هنجاری و کارکردی زن و به معنی اخص مادر این تعارض ها را افزایش می دهد. برای مثال در مواردی که زن در تعارض کارکردی و هنجاری با نقش مادری قرار می گیرد، خواه ناخواه تمایلات کودک خود را بر تمایلات خود ترجیح می دهد، این مساله ای فطری است، اما این ترجیح گاهی از طرف خانواده ها و جامعه به عنوان وظیفه ای صرف تلقی می گردد و موجب حمل معانی و ملزومات جدید و بعضا متناقضی بر مفهوم مادری می گردد که با مفهوم حقیقی مادری از نگاه مطلوب و دینی، مغایر است.

با توجه به فرهنگ و هویت جامعه ی ایرانی و با مطالعه ی تغییر و تحولات صورت گرفته در فرهنگ زیست خانوادگی در ایران، مادری و مادر بودن فصل مشترک و نقطه ی تمرکز مناسبی برای مطالعه ی عمده ی آسیب های فرهنگی امروز فرهنگ خانواده ی ایرانی است. تغییر و تحولی که اگر به صورت شایسته و مناسب برای کاستن از آسیب های آن تدبیر نشود، در بلند مدت جامعه ی ایرانی را دچار بحران های فرهنگی، اخلاقی و حتی هویتی خواهد نمود.

آمار و ارقام مربوط به، افزایش میزان مهدهای کودک و ثبت نام در آن ها، افزایش سن بارداری، افزایش فاصله ازدواج تا اولین بارداری، کاهش میزان تولدها، افزایش خانواده های بی فرزند و تک فرزند، افزایش میزان زایمان به روش سزارین، که همگی از مجموعه وظایف و به تعبیر



تقلیل یافته‌تر؛ از کلیشه‌های رفتاری و جنسیتی زنان در جامعه‌ی ما قلمداد می‌شده‌است، نگاهی بیاندازیم شاهد این سیر تطور در مفهوم و حتی کارکردها و کارویژه‌های مادران در خانواده خواهیم بود. همچنین افزایش نرخ اشتغال زنان، افزایش نرخ رشد زنان تحصیلکرده، افزایش نرخ طلاق و... به طور غیر مستقیم خارج‌شدن مادری از اولویت زنان را نشان می‌دهد.

شهر گرای با پدیده‌هایی همچون از خودبیگانگی فردی، عقلانی شدن کنش فردی، کاهش انسجام اجتماعی، افزایش فردگرایی و کاهش پیوند عاطفی در بین زنان همراه است. (موسوی و پاک خصال، ۱۳۹۱) فرد گرایی به عنوان مفهومی مدرن در مقابل جمع گرایی جامعه سنتی قرار می‌گیرد. در جمع گرایی بر یکپارچگی و اطاعت از گروه تاکید می‌شود. و دستورات اجتماعی را به عنوان هنجاری پذیرفته تلقی می‌کند و در همین راستا دینداری سنتی را بدون چون و چرا می‌پذیرد. (اعظم آزاده، ۱۳۸۶) اما در فردگرایی افراد بجای اولویت دادن به خواست‌ها و علایق جمعی، سنتی و خانوادگی به ارزشها و خواست‌های فردی خود اولویت می‌دهند. و همه قوانین و احکام جمعی بر حسب احکام فردی، انگیزه، قدرت، اعتقاد تعریف می‌شوند. (سرایبی، ۱۳۹۲)

برخی از پژوهش‌های صورت گرفته نشان می‌دهد که فردگرایی با تمایل به فرزند آوری و مادر شدن رابطه منفی دارد. (عنایت، ۱۳۹۲) وقتی بنیان نهاد خانواده دچار تزلزل شود، بنیان‌های اخلاقی و اجتماعی کل نظام اجتماعی متزلزل شده و جامعه به سوی مشکلات گوناگون سوق داده می‌شود؛ از این رو بررسی مسائل و معضله‌های مبتلا به خانواده از اهمیت و ضرورت خاصی برخوردار است.

بنابراین از آنجا که خانواده مهم‌ترین نهاد جامعه است و منشاء جامعه سالم، خانواده سالم است، وارد شدن هر آفت و زوالی به این نهاد و کارکردهای آن، از امور مهم و شایسته کنکاش می‌باشد. با عنایت به آنچه بیان شد، پژوهش حاضر قصد دارد تا به تبیین نقش باورهای دینی و فردگرایی بر الگوهای مادری بپردازد.

اهمیت و اهداف تحقیق

زن امروز در حالت کشمکش و حیرانی است. با جامعه‌ای روبروست که تجمل و اشرافی گرایی رواج پیدا کرده، ارتباطات توسعه یافته و کودک با افراد و محیط‌های مختلفی مرتبط است. رسانه‌ها توسعه پیدا کرده و به سمت ایجاد فرهنگی یکسان در حرکت است. سبک زندگی مردم تغییر کرده است و فردگرایی رشد یافته است. امکانات تحصیل و اشتغال زنان افزایش پیدا کرده و زن تحصیلکرده سودای ادامه تحصیل و اشتغال دارد. از طرفی جامعه اسلامی برای بقا و رشد خود نیاز به زنان و مادرانی توانمند برای تربیت نسلی مسلمان و توانا دارد. از این رو در صورتی که زنان و مادران جامعه دارای اندیشه‌های دینی و اسلامی باشند، در عمل نیز نسلی فهیم و مسلمان در جهت تحقق آرمان‌های انقلاب اسلامی تربیت خواهند نمود. در این مقاله در پاسخ به پرسش‌های زیر می‌باشیم:

- معنای مادری نزد زنان مسلمان ایرانی چیست و آن را با چه تعبیری بیان می‌کنند؟
- باورهای دینی و مذهبی مادر چه تاثیری بر الگوهای مادری دارد؟
- گرایش‌های فردگرایانه چه تاثیری بر الگوهای مادری دارد؟



مروری بر رویکردهای نظری

در این بخش با توجه به اینکه تحقیق حاضر از لحاظ روشی ملزم به اتخاذ مبنای نظری مشخصی نیست، بیشتر با اشاره به نظریه‌های موجود سعی بر آن است تا چارچوب نظری و حوزه‌ی مفهومی که مطالعه حاضر پیرامون آن شکل گرفته‌است را معرفی نماییم. نظریه‌های مادری در حوزه نظریات اسلامی :

جایگاه مادری در قرآن و روایات

مادر در لغت عربی به «أم» و مادری به «أمومة» ترجمه می‌شود. نیز به هر چیز که اصل وجود یک چیز یا منشأ تربیت و اصلاح آن، یا نقطه آغاز امری باشد، أم می‌گویند. در قرآن کریم بخشی از آیه‌ها أم الکتاب نامیده شده‌اند؛ آیاتی که آیه‌های دیگر به آن‌ها ارجاع داده شده‌اند و در سایه‌ی آن‌ها درک می‌شوند. مادران نیز ریشه‌ی فرزندان‌اند. فرزندان پیوسته در پی مادران خویش‌اند و هنگام سختی‌ها به آن‌ها پناه می‌برند.

مادری انجام سلسله‌ای از فعالیت‌ها برای پرورش فرزندان است. بنابراین مادری با فرزنددار شدن معنا می‌یابد. مادران هم‌زمان با بارداری در خود احساس مسئولیت ویژه‌ای می‌یابند. این احساس با زایمان و در مراحل رشد کودک گسترش می‌یابد. مراقبت، حمایت، محبت، بازی و تربیت، سلسله‌اموری‌اند که مادران در ارتباط با فرزندان خویش انجام می‌دهند. همه‌ی این کارها در بستر رفتارهای اخلاقی مانند گذشت، بردباری و مدارا، گاهی با مهربانی و گاهی با سخت‌گیری انجام می‌گیرند. (علاسوند، ۱۳۹۰)

در قرآن کریم واژه‌ی «أم» به مناسبت‌ها و دلایل گوناگون به کار رفته‌است. گاهی به محبت مادری و وابستگی عمیق مادران به فرزندان اشاره شده‌است:

وَأَصْبَحَ فُؤَادُ أُمِّ مُوسَىٰ فَارِعًا ۚ إِن كَادَتْ لَتُبْدِي بِهِ لَوْلَا أَن رَّبَّنَا عَلَي قَلْبِهَا لَنُكَونَ مِنَ الْمُؤْمِنِينَ؛ «و دل مادر موسی [از ترس و اندوه] تهی شد و نزدیک بود راز را فاش کند، اگر قلبش را محکم نکرده بودیم تا از مؤمنان باشد».

فَرَجَعْنَاكَ إِلَىٰ أُمِّكَ كَيْ تَقَرَّ عَيْنُهَا وَلَا تَحْزَنَ؛ «پس ما تو را به مادرت بازگردانیدیم تا چشمش روشن شود و اندوه نخورد».

و گاهی به سختی‌های مادری در دوران بارداری و زایمان و شیردهی اشاره شده‌است:

وَ وَصَّيْنَا الْإِنسَانَ بِوَالِدَيْهِ حَمَلَتْهُ أُمُّهُ وَهْنًا عَلَيَّ وَهْنٍ وَفِصَالَهُ فِي عَامَيْنِ أَنِ اشْكُرْ لِي وَلِوَالِدَيْكَ ۖ إِلَيَّ الْمَصِيرُ؛ «ما به انسان [درباره] پدر و مادرش سفارش کردیم. مادرش هنگام بارداری او را حمل کرد با سستی بر سستی [همواره بر ضعف او افزوده شد] و در دوسال به او شیر داد. [سفارش کردیم] که مرا سپاس گذار و پدر و مادرت را بازگشت به سوی من است».

وَ وَصَّيْنَا الْإِنسَانَ بِوَالِدَيْهِ إِحْسَانًا حَمَلَتْهُ أُمُّهُ كَرْهًا وَوَضَعَتْهُ كَرْهًا؛ «و به انسان درباره نیکی به پدر و مادرش سفارش کردیم، [به ویژه مادرش] که او را حمل کرد با مشقت زایید او را با مشقت».

و گاهی نیز از مادران به منزله محور و موضوع محرمیت یاد شده‌است:

حُرِّمَتْ عَلَيْكُمْ أُمَّهَاتُكُمْ وَبَنَاتُكُمْ وَأَخْوَاتُكُمْ وَعَمَّاتُكُمْ وَخَالَاتُكُمْ وَبَنَاتُ الْأَخِ وَبَنَاتُ الْأُخْتِ وَأُمَّهَاتُكُمُ اللَّائِي أَرْضَعْنَكُمْ وَأَخْوَاتُكُم مِّن الرِّضَاعَةِ...؛ «بر شما حرام شده‌اند مادرانتان و دخترانتان و خواهرانتان و مادرانی که به شما شیر داده‌اند و خواهران رضاعیتان...».

واژه معادل دیگری که در قرآن به کار رفته والده‌است. در آیه ۳۲ سوره مریم نیکی به مادر در ردیف نخستین پیام‌های عیسی پیامبر (علیه السلام) به امتش مطرح شده‌است:

وَبِرًّا بِوَالِدَتِي وَلَمْ يَجْعَلْنِي جَبَّارًا شَقِيًّا؛ «و مقرر داشته که با مادرم نیکوکار باشم و مرا زورگو و پندناپذیر قرار نداده‌است».

تأکید قرآن کریم بر مادران و مادری، به ویژه احسان به آنان به سبب مشقت‌هایی که در سه دوره بارداری، زایمان و شیردهی متحمل می‌شوند، از جایگاه ویژه مادران حکایت دارد.

در روایات اسلامی نیز بر اهمیت موقعیت مادری تأکید شده‌است. روایت‌های ذیل از پیامبر اکرم (صلی ... علیه و آله و سلم) نقل شده‌است: الْجَنَّةُ تَحْتَ أَقْدَامِ الْأُمَّهَاتِ؛ «بهشت زیر پای مادران است».



إِذَا كُنْتَ فِي صَلَاةِ التَّطَوُّعِ فَإِنَّ دَعَاكَ وَالِدَكَ فَلَا تَقْطَعْهَا وَإِنْ دَعَتْكَ وَالِدَتُكَ فَاقْطَعْهَا؛ «زمانی که در نماز نافله بودی، اگر پدرت تو را خواند نمازت را قطع نکن، ولی اگر مادرت تو را صدا کرد نمازت را قطع کن».

در روایت دیگری از امام صادق علیه السلام آمده است:

کسی نزد رسول خدا (ص) آمد و پرسید: ای رسول خدا، به چه کسی نیکی کنم؟ حضرت فرمود: «مادرت». سپس پرسید: «پس از او؟» حضرت فرمود: «مادرت». دیگر بار پرسید: «پس از او؟» فرمود: «مادرت». آن گاه پرسید: «پس از مادرم؟» فرمود: «پدرت».

در سیره معصومان علیهم السلام مادران جایگاهی ویژه داشته‌اند. پیامبر اکرم (ص) که در کودکی از لطف وجود مادر محروم شدند، همواره به کسانی که پس از آمنه (ع) برای ایشان مادری کرده بودند محبت فراوان می‌کردند. ام یمن یکی از این اشخاص بود که پیامبر در حق او فرمود: هی أم بهد أُمی؛ «او پس از مادرم، مادرم بود».

خداوند سختی‌های سه‌گانه (بارداری، زایمان و شیردهی) و سپس شکیبایی در راه بزرگ کردن فرزند را پاس داشته است. در روایت‌ها برای همه این زحمات ثواب‌های بی‌پایان بازگو شده است. برای مثال، زن باردار به سان انسان روزه‌دار، شب‌زنده‌دار و مجاهد در راه خدا معرفی شده که وقتی حمل خود را بر زمین می‌گذارد اجری درک‌ناشدنی دریافت می‌کند. هنگامی که فرزند خود را شیر می‌دهد نیز در ازای هر مکش، ثواب آزاد کردن بنده‌ای از اولاد اسماعیل نبی (ع) را به دست می‌آورد. بیماری فرزند نیز کفاره گناه و تحمل آزارهای کودکان موجب استغفار برای مادر است، و اگر پدر نیز با مادر همراهی کند از همین برکت برخوردار می‌شود. بنابراین تشویق، سپاسگذاری و قراردادن ثواب فراوان برای انجام وظایف مادری، راهی برای تقویت آن است. چه این که تحقیر نقش مادری به تضعیف آن و رویگردانی از نقش می‌انجامد، زیرا هر انسانی باید از انجام نقش خود احساس رضامندی کند. تحقیر، این احساس رضایت را مخدوش می‌سازد.

رویکرد دیگر، توصیه اکید به فرزندان مبنی بر احترام به والدین است. در این باره متون فراوانی در دست است، ولی روایت ذیل به بهترین شکل این مسئله را بیان می‌کند. امام رضا (ع) می‌فرماید: خداوند عقوق (و آزار) والدین را حرام کرد؛ زیرا آزارسانی به والدین موجب کمی نسل و حتی انقطاع آن می‌شود. عقوق والدین به بی‌احترامی به جایگاه آنان و بی‌رغبتی آنان به فرزندار شدن و ترک تربیت فرزند می‌انجامد. بسا که [احتمال می‌دهند] فرزند به آنان بی‌احترامی خواهد کرد. بنابراین برای آن که فرزندآوری و مادری (و به طور عام‌تر والدگری) ترک نشود، دین فرزندان را به احترام به ایشان واداشته است.

مسئله‌ی دیگر تأمین مالی زنان است که بر دوش شوهران آنان نهاده شده است. در قرآن کریم، به ویژه بر تأمین مالی آنان در دوران شیردهی تأکید شده است: وَالْوَالِدَاتُ يُرْضِعْنَ أَوْلَادَهُنَّ حَوْلَيْنِ كَامِلَيْنِ لِمَنْ أَرَادَ أَنْ يُتِمَّ الرَّضَاعَةَ وَعَلَى الْمَوْلُودِ لَهُ رِزْقُهُنَّ وَكِسْوَتُهُنَّ بِالْمَعْرُوفِ؛ «و مادران فرزندان خود را دو سال تمام شیر می‌دهند. این حکم برای کسی است که بخواهد دوران شیر خوراک را تکمیل کند و خوراک و پوشاک مادران در حد متعارف بر دوش پدر کودک است». این حکم مادران را آسوده‌تر می‌سازد تا وظایف خود را در رابطه با فرزند بهتر انجام دهند. همچنین در کنار وظیفه شرعی پدران در تأمین مالی فرزندان، به تحکیم جایگاه مادری می‌انجامد.

بخشی از روایت‌ها نیز توجه پیامبر (ص) به رابطه مادران و فرزندان و مسائل میان آنان حکایت دارند. از امام صادق (ع) روایت شده است: روزی رسول خدا دو رکعت پایانی نماز ظهر را سریع‌تر و با آداب کمتری به جای آوردند تا نماز زودتر تمام شود. پس از نماز، اصحاب پرسیدند: «آیا پیشامدی رخ داده که دو رکعت پایانی را سریع‌تر برگزار کردید؟» رسول خدا (ص) فرمودند: «آیا شما صدای ضجه کودک را نشنیدید؟» این مسئله اگر چه از رحم و دلسوزی پیامبر (ص) در قبال کودکان حکایت می‌کند، نشان از توجه پیامبر به مراقبت از کودک و نگرانی‌های مادر برای فرزندی که چنین می‌گرید نیز دارد. (علاسوند، ۱۳۹۰)



مادری و دیگر نقش‌های زنان

مادری، خانه‌داری و همسری، نقش‌هایی‌اند که زنان در حوزه خانواده‌گی بر دوش می‌گیرند. گاهی به این نقش‌ها، نقش‌های اجتماعی نیز افزوده می‌شود. انجام همه این کارها با هم، گرانبار و نیازمند صرف انرژی فراوان و مدیریت شایسته است. در موارد بسیاری انجام آن‌ها با یکدیگر تداخل می‌کند و موجب تعارض‌های گوناگون در زندگی زنان می‌شود. بنابراین باید دانست که آیا میان این نقش‌ها رتبه‌بندی و اولویت وجود دارد یا خیر.

البته در فقه اسلامی شپردادن به فرزند، انجام کارهای منزل و ایفای بسیاری نقش‌های اجتماعی، از جمله درآمدزایی بر زنان واجب نیست. تنها تمکین از شوهر در امور زناشویی و انجام برخی نقش‌های اجتماعی مانند حفاظت از کبان نظام اسلامی هنگام لزوم، دفاع از اسلام در صورت نیاز و تصدی برخی مشاغل مانند درمان زنان بیمار - وقتی مستلزم لمس و نظر باشد - بر زنان واجب است.

درباره مراقبت از کودک نیز باید دانست اگر مادر حضانت فرزند را پذیرفت، مراقبت از او به طور طبیعی لازم است؛ زیرا حفظ جان یک کودک واجب کفایی است که در صورت وجود والدین به دیگران نوبت نمی‌رسد.

در صورت تعدد نقش‌ها، گاهی تکلیف شرعی زنان معلوم است. مثل آن که زنان نمی‌توانند از فرصت شغلی‌ای استفاده کنند که با حقوق زناشویی شوهرانشان منافات داشته باشد؛ یا آن که در موقعیت‌های ویژه، دفاع از اسلام بر نقش‌های خانگی زنان مقدم می‌شود، یا اگر زن کسی را نداشته باشد که نیازهای ابتدایی زندگی او و فرزندش را تأمین کند، کسب و کار برای سیر کردن شکم خود و فرزندش بر او لازم می‌شود. این کار برای او، حتی از نشستن در خانه و مادری کردن لازم‌تر است. اما در وضعیت عادی که فرد می‌تواند به اختیار خودش نقش‌های متفاوتی را بپذیرد و اجرا کند، باید دانست کدام نقش برای یک زن مهم‌تر است.

عقد ازدواج کارکردها و اهداف گوناگونی دارد که همسری و برقراری روابط زناشویی یکی از کارکردهای اصلی و فرزندآوری مهم‌ترین مقصد طبیعی آن است. بنابراین همسری و مادری برای زنان دو نقش اصلی و اولویت‌دار برای زنان‌اند.

به حکم طبیعت، زنان پس از به دنیا آوردن فرزند بهترین گزینه برای مراقبت از او به شمار می‌آیند. شیر مادران بهترین غذا و شکیبایی حاصل از رابطه عمیق عاطفی آنان با کودکی که به دنیا آورده‌اند، بهترین ظرفیت برای تیمار کردن فرزندان‌شان است. در سیره حضرت فاطمه (س) آمده است: هرگاه کسی می‌خواست در انجام امور منزل به ایشان کمک کند، حضرت کار پخت و پز را به او می‌سپردند و خود به فرزندان رسیدگی می‌کردند و می‌فرمودند: «من به حال فرزندانم مدارای بیشتری دارم و مهربان‌ترم». تجربه نیز نشان داده است، اغلب کودکانی که در دامان مادران خود بارور شده‌اند، به مراتب بهتر و سالم‌تر از کودکانی‌اند که در مهدکودک‌ها رشد کرده و بزرگ شده‌اند.

انجام نقش خانه‌داری، به‌ویژه با توجه به سیره معصومانة حضرت زهرا (س) در به کار گرفتن خدمتکار و حتی وجوب استخدام خادم - در صورتی که شأن زن اقتضای آن را داشته باشد - اولویت ندارد؛ اگرچه فعالیت زن در امور خانه‌داری که موجب نشاط خانه و خانواده می‌شود، مسئله‌ای پسندیده است و ثواب فراوان دارد. ورود در عرصه اجتماع و کسب و کار نیز هر چند برای زنان مباح است، در برابر شأن مادری اولویت ندارد. در رویکرد اسلامی، زنان وظیفه‌ای جهت درآمدزایی برای خانواده بر دوش ندارند و به جز در موارد استثنایی، از ایفای فعالیت‌های اجتماعی - اقتصادی معاف‌اند. (علاسوند، ۱۳۹۰)

مادری و مراقبت از کودک

آشکار است که رابطه طبیعی‌ای که میان مادر و فرزند در اثر بارداری، زایمان و شیردهی رخ می‌دهد تجربه‌ای منحصر به زنان است؛ رابطه میان آنان و فرزندان ارتباطی عمیق و متفاوت از ارتباط فرزندان با پدران‌شان ایجاد می‌کند.

این ارتباط طبیعی با آن چه در سیره حضرت زهرا (س) درباره توجه دقیق ایشان به نگهداری از فرزندان دیده می‌شود تحکیم می‌گردد. از القاب آن حضرت حانیه است که زن دلسوز و مشفق معنا می‌شود. روایت‌های اسلامی از کوشش بی‌دریغ آن بانو در انجام وظایف گوناگون مادری در قبال فرزندان - مانند غذا خوراندن به دو کودک در آن واحد و بازی دادن آنان، کوشش برای اجرای عدالت در رفتار با آنان و حتی تلاش در راه آرام کردن فرزندان گرسنه‌ای که دو روز غذا نخورده بودند - خیر می‌دهند.



دقت و توجه کامل در جهت انجام وظایف گوناگون مادری به واقع کار آسانی نیست. ثواب های فراوان اخروی و پاداش های روانی دنیوی، به ویژه احساس رضایت، انگیزه قوی مادران برای ایفای بهتر این نقش است. (علاسوند، ۱۳۹۰)

اگر مادری را موقعیتی وابسته به بارداری، زایمان و مراقبت از فرزند بدانیم، ویژگی های مادرانه در هر دو جنبه زیست‌شناختی و روان‌شناختی با نخستین بارداری پدید می‌آیند. در پژوهش های پزشکی استروژن و اوکسی توسین، هورمون‌هایی شناخته‌می‌شوند که موجب بروز رفتارهای مادرانه می‌شوند. «سطح این هورمون‌ها در طول زایمان و پس از آن در مادران افزایش می‌یابد. هورمون پرولاکتین نیز برای همه جنبه‌های شیردهی لازم است. هورمون پروژسترون نیز که هورمونی زنانه به شمار می‌آید، در پیدایش احساس صلح و آرامش زنان باردار نقش دارد.» (علاسوند، ۱۳۹۰)

در همه گونه‌های حیوانات پستاندار، ماده‌ها زمان بیشتری را برای فرزندان صرف می‌کنند، اما انسان‌ها در مقایسه با گونه‌های دیگر، وضعیتی متفاوت دارند. در بخشی از روایت معروف مفضل از امام صادق (ع) آمده‌است: نگاه کن به چهارپایان که چگونه مستقلاً به دنبال مادرانشان حرکت می‌کنند و نیازی به تربیت و نگهداری — آن گونه که فرزندان انسان نیازمند به آن هستند — ندارند. این به آن خاطر است که مادران حیوانات مانند مادران انسان‌ها دارای ملایمت، دانش تربیت، و توانایی تیمارداری فرزندان به وسیله ساختمان دست‌ها و انگشتان نیستند. برای همین برپا ایستادن و استقلال به خود آن‌ها واگذار شده‌است.

در همه دنیا زنان زمان بیشتری را برای مراقبت از نوزادان و کودکان (در آغوش گرفتن، ارتباط کلامی، آرامش بخشیدن و تربیت) صرف می‌کنند. هورمون پرولاکتین را هورمون محبت مادری می‌نامند. بر اثر آن، زن قدرت لازم را برای هر گونه فداکاری درباره فرزندش به دست می‌آورد. (همان)

از نظر برخی عصب‌شناسان، زنان به غم در چهره مردان حساس‌ترند و از این راه متوجه احساسات درونی آنان می‌شوند. شناخت حالات چهره و درک احساسات درونی افراد از آن، افزون بر آن که زنان را در همسرمداری موفق‌تر می‌سازد، موجب می‌شود آنان هر لحظه از اطلاعات حیاتی مربوط به سلامت کودک آگاه شوند و از او مراقبت کنند. (علاسوند، ۱۳۹۰)

ویژگی‌ها و مولفه‌های مادری

مادران در قیاس با غیرمادران شخصیت تکامل یافته‌تری دارند. دلیل این مسئله نیز توانایی های اخلاقی‌ای است که در خلال مراقبت یک انسان، از دوره بارداری تا دوره‌های بالاتر، به دست می‌آورند. (علاسوند، ۱۳۹۰)

حلم و بردباری یکی از این ویژگی‌هاست. «کنار آمدن با وضعیت بارداری، آن هم با افزایش روحیه نشاط و محبت‌گریزی فراتر از تحمل است. تحمل آدمی را می‌فرساید، ولی بردباری، رفتاری فعال است که انسان را هر لحظه در موقعیتی برتر قرار می‌دهد. شخص بردبار در واقع اختیار وضعیت را در دست می‌گیرد و با پذیرش آن — همان‌گونه که هست — موقعیت را برای پیشرفت و گام بعدی فراهم می‌کند. در همه موقعیت‌ها این مادر است که باید خود را با وضعیت جنین، بارداری، زایمان و مسائل پس از آن و نوزاد پیش‌بینی ناپذیرش هماهنگ کند.» از این‌جا است که ویژگی‌های بعدی پیدا می‌شوند. انعطاف‌پذیری یکی دیگر از آن مولفه‌هاست. «هر انسان برای زندگی در فضای خانواده و اجتماع به حدی از انعطاف‌پذیری نیازمند است. انعطاف‌پذیری ناشی از واقع‌بینی، نتیجه‌های فراوانی دارد. مادری این صفت را به طور طبیعی برای زنان ایجاد می‌کنند.» (همان)

ویژگی دیگر بخشش است. «توانایی بخشش از عالی‌ترین ویژگی‌های انسانی و الهی است. مادران با کودکانی که پیوسته در حال ارتکاب اشتباه‌اند، این فضیلت را تمرین می‌کنند. هر چه آدمی بیشتر ببخشد، اندوه انباشته شده کمتری خواهدداشت و ضریب خشونت وی پایین می‌آید. البته به آن شرط که بخشش با رضامندی همراه باشد. این گونه از بخشش همان است که در رویارویی با کودک رخ می‌دهد.» (علاسوند، ۱۳۹۰)

ویژگی دیگری که زنان از مادری خود درمی‌یابند، دسترسی به راه حل‌های فوری حل مشکلات است. این ویژگی موجب می‌شود مادران همیشه میانجی خوبی در خانواده باشند. میانجی‌گری از ویژگی‌های مثبت در جامعه انسانی است؛ به ویژه زمانی که شخص در پی حل اختلاف اعضای خانواده یا گروه خویشاوندان باشد.



این ویژگی‌ها همواره برای مادران ارزش معنوی داشته‌اند. به تعبیر دیگر «شاید زنان در موقعیت مادری و فیزیکی در شرایط ستم‌دیدگی قرار داشتند، ولی از نظر متافیزیکی و معنوی جایگاه برتری داشتند. این وضعیت برتر به آن‌ها احساس رضایت می‌داد که علیه موقعیت مادری نشورند». (علاسوند، ۱۳۹۰)

توضیحات	ابعاد و مسائل مادری
به کار بردن کلمه ام، روایت بهشت زیر پای مادران است، سفارش قرآن به نیکی به پدر و مادر، لزوم نیکی به مادر در روایات	ارزش مادری
اشاره قرآن به سختی‌های دوران بارداری و شیردهی، برشمردن ثواب اخروی برای مادر باردار و شیرده در روایات	مادری طبیعی
اشاره به محبت مادری در داستان موسی (ع)، پرورش صفات اخلاقی همچون بردباری، انعطاف‌پذیری، بخشندگی، میانجی‌گری و ... در مادران	ارزش‌های اخلاقی همراه با مادری
تامین مالی زنان به عهده همسر، حمایت معنوی و برشمردن ارزش معنوی مادری	حمایت از مادران
اولویت با مادری و همسری بر اساس روایات	مادری و تعدد وظایف

- تئوری اجتماعی، فرهنگی باروری: ارزش‌ها و هنجارهای فرهنگی نقش به‌سزایی در انتقال جمعیت در کشورها دارند و فرهنگ می‌تواند عامل تعیین‌کننده انتقال جمعیت به‌شمار آید. در واقع متغیرهای فرهنگی عامل تعیین‌کننده سطوح باروری نکاحی می‌باشد. از این رو پیشنهادهایی برای رسیدن به آستانه غیر قابل بازگشت باروری ارائه شده:
 - ۱- باروری همراه با یک حسابگری و انتخاب آگاهانه باشد.
 - ۲- کاهش باروری باید سودمند باشد. در شرایط اقتصادی و اجتماعی مشخص، بایستی روند کاهش باروری به‌عنوان یک روند سودمند برای زوجین درک شده باشد.
 - ۳- روش‌های موثر بر کاهش باروری باید در دسترس باشند. بایستی روش‌ها شناخته شده و ارتباطات کافی بین زوجین برقرار و از پایداری کافی برخوردار باشد تا اینکه آن‌ها بتوانند به‌گونه موفقیت‌آمیزی آن روش‌ها را به‌کار گیرند. (عنایت، ۹۲: ۱۱۵)
- نظریه فرهنگ در جمعیت‌شناسی: هامل (Hammel, ۲۰۰۹) با توصیفی متحول از فرهنگ به‌استفاده از این مفهوم در شکل دادن باروری‌ها می‌پردازد. در هر جامعه‌ای شرایط اجتماعی خاصی وجود دارند که با تعیین کمینه‌ها و بیشینه‌های مطلوب، رفتار باروری را تنظیم می‌کنند. هم‌چنین شرایط اجتماعی با طرح یک کمینه می‌تواند، مانع کاهش باروری در سطوح پایین‌تر از آن کف مشخص شده شود. از نظر کالدول جوامع در هر سطحی از فرآیند توسعه با توجه به ملاحظات اقتصادی و غیر اقتصادی، رفتار باروری آنان عقلانی است. (Kalantari et al, ۲۰۰۶).
- نظریه نوگرایی: بر اساس این نظریه نوسازی و مدرن‌شدن سبک زندگی و تفکرات افراد، باعث رشد تفکرات آینده‌نگر و داشتن زندگی مرفه‌تر می‌شود، که باعث می‌گردد توجه انسان به خانواده ضعیف‌تر گردد. پدیده نوگرایی عبارت است از مجموعه‌ای از نظام ارزش‌ها و رفتارها که در جوامع کنونی، گسترش فراوان یافته است. شهرنشینی و صنعتی‌شدن باعث ایجاد سبکی از زندگی می‌شود که پرورش بچه‌ها را هزینه‌آور می‌سازد و به تدریج ارزش‌های مربوط به داشتن فرزند زیاد را از بین می‌برد. شرط اساسی این نظریه این است که باروری نتیجه مستقیم نوسازی و صنعتی‌شدن است. (United nation, ۱۹۹۰)
- نظریه تغییر و پاسخ: بر اساس این نظریه آگاهی از وسایل پیشگیری از بارداری و استفاده از وسایل ارتباط جمعی در کنترل رفتار باروری و شکل‌دهی ویژه به نوبت زایمان موثر است. فرآیند کنترل باروری به‌شدت به صنعت ارتباطات وابسته است. وقتی یک گروه رفتار نوینی را اخذ می‌کنند یا ابزار جدیدی را به‌کار می‌برند، اگر با موفقیت همراه شد، دیگران نیز به‌سرعت مطابق با آن گروه عمل می‌کنند و این فرآیند تبعیت و تکرار به‌حدی ادامه می‌یابد که یک موقعیت اشباع در جامعه ملاحظه شود. از این رو، فناوری پیشرفته کنترل باروری در قالب سقط جنین، عقیم‌سازی و ... در جامعه انتشار یافته و مورد استقبال همگان قرار می‌گیرد. (Khoshnevis, ۲۰۰۱).



نظریه های روان شناختی و ذهنی: لستاقه بر این باور است که دستیابی فرد به اهداف فردی، رفتار باروری را تبیین می کنند. لیبنشتاین نیز بر این باور است که والدین سبک سنگین می کنند که داشتن فرزند چقدر هزینه یا منفعت می تواند داشته باشد. رفتار باروری ناشی از یک رفتار اقتصادی- عقلانی است. تقاضا برای فرزند تابعی از میزان نفع شخصی حاصل از فرزندآوری، سلاقی و علایق خانواده و فرد (مادر) است.

تئوری ارتقاء اجتماعی: بر اساس این نظریه رفتار باروری مبتنی بر انگیزه های فردی- روانی زوجین است و فرآیندهای شناختی کمتر شده، رابط بین گرایش- رفتار می باشند. بر اساس این نظریه افزایش جمعیت در یک ملت نسبت معکوس با پیشرفت فردگرایی دارد این تئوری که شعور اجتماعی نامیده می شود، بیان می کند که علت مهم باروری بالا، دوری از مراکز شهری است. در حقیقت در مراکز شهری و مدرن باروری، به خاطر شعور اجتماعی بالا در سطح ایمن است زیرا ثروت، زندگی تجملاتی و رقابت رو افزون باعث شده است که والدین احساس مسئولیت کمتری در رابطه با فرزندان داشته باشند. (Shirastova, ۱۹۹۴).

جهانی شدن فرهنگی به واسطه ی وسایل ارتباط جمعی نوینی که در اختیار دارد، نظام های ارزشی، نظام های معنایی و شیوه ها و سبک زندگی جوامع را دگرگون کرده است که از جمله می توان به تغییر نوع نگاه به فرزندآوری اشاره کرد. در اوضاع و احوال کنونی گرایش های جهانی ساز نهادهای مدرن پا به پای تحولات و دگرگونی های متعدد در حوزه های گوناگون زندگی و زمره اجتماعی حرکت کرده و در نهایت، حتی بر حوزه فعالیت های شخصی و خصوص افراد نیز تاثیر عمیقی بر جای می گذارند. در گذشته مردم در جوامع کشاورزی، فرزند زیاد و فامیل گسترده را افتخاری بر خود می دانستند اما در جهان مدرن امروزی، زنان با کسب آگاهی در زمینه های تنظیم خانواده و شیوه های پیشگیری از بارداری، به دنبال ایده آل های زندگی رفاه بیشتر و در نتیجه فرزند کمتر هستند. گیدنز در این رابطه از اصطلاح " تجربه واسطه ای " استفاده می کند. که منظور از آن فناوری های مدرن پیام رسانی مانند، تلفن و رایانه شبکه دار شده و رسانه های جمعی چون روزنامه، سینما، رادیو، تلویزیون و نظایر آن هاست. (Giddens, ۲۰۰۶) در سایه سپهر اطلاعاتی یاد شده ارزش هایی چون رفاه فردگرایانه، سودجویی، طمع و آسایش خودخواهانه در بین زنان و دختران سرتاسر جهان تبلیغ می شود. در نتیجه این امر نوعی گفتگو بین فرهنگ ها شکل گرفته و در نهایت، با استفاده از همین آگاهی مشترک، زنان دارای ایده ها، الگوهای رفتاری و شیوه های واحد پیشگیری از باروری نیز می شوند. گیدنز در این راستا بر این باور است که خانواده امروز دچار دگرگونی هایی شده است که در کشورهای غربی و صنعتی این دگرگونی های پیشروی کرده اند و به مرور زمان در جال جهانی شدن هستند؛ وی باور دارد که امروزه داشتن فرزند یک هزینه بزرگ اقتصادی است. به همین دلیل تعداد فرزندان هر خانواده به طور میانگین به ۱/۲ کاهش یافته که کمترین میانگین در طول تاریخ بشری است. از نظر وی امروز داشتن فرزند نسبت که گذشته، بیشتر تصمیمی عاطفی است و ما در عصری زندگی می کنیم که می توان آن را عصر طلایی فرزند یا عصر فرزند عزیز نامید. این در حالی است که در گذشته، فرزندان به عنوان اعضای اصلی اقتصاد خانواده مطرح بودند و فرزند زیاد به ویژه داشتن فرزند پسر، به منظور کسب در آمد بیشتر و یا دفاع از خانواده در تعارضات و تنازعات قدیمی و قبیله ای یک ارزش به شمار می رفت. (Sheikhi, ۲۰۰۱)

همچنین نگرش نقش جنسیتی زن و مرد به ترتیب خانه داری و نان آوری بوده تغییر کرده است و زن بودن و مرد بودن از نظر وظایف و هویت هایی که ایجاب می کند، معنای روشن و مشخص ندارد و امروزه زنان و مردان در چارچوب سرنوشتی که به واسطه ی نقش آن ها از پیش تعیین شده است، زندگی نمی کنند. هم چنین موقعیت زنان و روابط میان دو جنس هر چه بیشتر مساوات طلب تر شده است. (Giddens, ۲۰۰۶) امروزه زنان چندان خود را مکلف به فرزندآوری و تربیت آن نمی بینند و برای خود نقش ها و وظایف جدیدی قائل اند که در راستای توسعه و پیشرفت فردی آنان می باشد. به عبارتی امروزه زنان فراتر از حوزه خصوصی و نقش مادری و همسری نقش بر عهده می گیرند و منابع هویت ساز آنان گوناگون شده است. (عنایت، ۹۲: ۱۱۹)

به طور کل کاهش باروری به طور عمده بازتابی از نظم اخلاقی در حال تغییر در جامعه است. امروزه مفاهیمی همچون فردگرایی و خودشکوفایی، آزادی انتخاب، پیشرفت فردی و سبک زندگی متغیرهایی هستند که رفتار باروری را تبیین می کنند. در واقع زوج ها و افراد تنها به این دلیل دارای بچه می شوند یا نمی شوند که نیازهای خصوصی و شخصی خود را برآورده سازند. (Khoshnevis, ۲۰۰۱) زندگی



مدرن ، باعث افزایش نیازهای مادی و اجتماعی افراد شده و تمایل به فردگرایی و ارتقاء سطح زندگی و داشتن رفاه بیشتر ، با داشتن فرزند زیاد سازگاری ندارد. این ارزش های فرهنگی از راه تحولات فناوری و رسانه ای، در عرصه جهانی انتشار می یابند و به واسطه آن نوعی آگاهی جهانی در حوزه وسایل پیشگیری از بارداری، فردگرایی و نگرش جدید نقش جنسیتی ایجاد می شود. و می توان پیش بینی نمود زمانی که زنان احساس کنند که با حضور فرزند، هویت و فردیت و آرزوها و امیال شخصی شان به خطر می افتد، گرایش به فرزندآوری در آنان کاهش می یابد.

مروری بر ادبیات تجربی

مریم میرزائاد (۱۳۸۸) در تحقیق خود به بررسی تجربه مادری در میان زنان جوان (مطالعه موردی شهرستان جویبارپرداخته است. روش این رساله نظریه‌ی مبنایی بوده. و نمونه که با مصاحبه با ۳۰ زن جوان بین ۲۰ تا ۳۵ سال انجام شد که از طریق مصاحبه عمیق انجام شده و عدم مشارکت پدر، عدم حمایت دولت از زنان شاغل مادر شده و عدم آموزش مورد نیاز زنان باردار و فرزنددار منجر به نگاه منفی مادران به تجربه مادری شده است و به نحوی که نارضایتی آنان از مادری خود را نشان می‌دهد. علاوه بر این شعاری بودن قداست مادری و عدم بیان شدن این قداست در عرصه عمل عامل دیگری از نارضایتی زنان نسبت به فرزندآوری بوده است.

پروانه زاهدی (۱۳۸۴) در تحقیق خود به بررسی تأثیر مادری بر هویت جنسی، حضور زنان در جامعه، اولویت وظایف مادری و پایگاه اجتماعی زنان می‌پردازد. روش این بررسی پیمایش و جامعه‌ی آماری آن زنان دارای حداقل یک فرزند زیر ۱۰ سال شهر تهران در سال ۸۵ و ۸۴ است. نتایج این پژوهش نشان می‌دهد که با تقسیم وظایف زن به سه دسته وظایف مربوط به حوزه خصوصی و وظایف مربوط به حوزه عمومی (شغل و تحصیل) وظایف شخصی و بررسی رابطه آن با مادری، مادران به وظایف خانگی در مقابل سایر نقش‌ها اولویت دهند که باعث به حاشیه راندن وظایف اجتماعی و شخصی آنان می‌شود. در این پژوهش همچنین مطرح شد که مادری با مجموعه‌ای از تقابل‌های دوگانه شکل گرفته است به طوری که در فرهنگ، ضرب المثل‌ها و اذهان بسیار لطیف و دلپذیر و در واقعیت بسیار سخت و طاقت فرسا است.

آن اکل (۱۹۷۴) اولین محققی بود که به مسئله‌ی مادری و کار خانه توجه نشان داد. او پژوهش میدانی در انگلستان انجام داد و با ۱۷۸ مادر در ۴ مرحله مصاحبه عمیق انجام داد. پژوهش او به بررسی تأثیر نظام پزشکی بر دوران بارداری، زایمان و اسطوره‌سازی مادری در نظام مردسالاری پرداخت. پژوهش اکل نشان داد که مادری کردن کاری دشوار است - کودکان به توجه و مراقبت دایم نیاز دارند و این کار عموماً در تنهایی انجام می‌شود. تصور آرمانی زن و مادر که در ذهن ما نقش بسته مادر بودن را پیشه‌ی تمام وقت معرفی می‌کند. هویت اصلی زنان در مقام همسری و مادری است، مشغولیتی که به آنان این امکان را می‌دهد تا نیازهای عاطفی خود را برآورده کنند (oakly: ۱۹۸۱).

هافنانگ (۱۹۸۴) در یک بررسی نشان می‌دهد، ارزش‌های مهم جامعه، پول، قدرت و پیشرفت است و هیچکدام از این‌ها ارتباطی به مراقبت از فرزندان ندارد. برعکس، واقعیت امر آن است که مادران نوزادان تازه تولد یافته، انواع فشارهای روانی را تحمل می‌کنند. در این‌جا به پاره‌ای از این موارد اشاره می‌شود: هرچند پدران، مادران را در پرورش فرزندان یاری می‌کنند، ولی مسئولیت اصل نگهداری کودک با مادر است. مراقبت از کودک خسته‌کننده، همیشگی و شبانه‌روزی است و مادران جوان اغلب جز مراقبت از کودک نمی‌توانند کار دیگری انجام دهند. مادران جوان به ندرت برای ایفای نقش مادری و انجام وظایف و تکالیف مربوط به آن آموزش می‌بینند و در نتیجه اغلب احساس بی‌کفایتی می‌کنند. انجام وظایف مادری در خانه انجام می‌گیرد، و زنان در طول روز ارتباط اندکی با دیگران دارند، در نتیجه از پشتیبانی‌های عاطفی اندکی برخوردار می‌شوند (هافنانگ به نقل از نوابی نژاد: ۴۴).

روش شناسی تحقیق

در این پژوهش از روش کیفی و نظریه مبنایی استفاده شده است. نظریه مبنایی نظریه‌ای است که از تحلیل داده ها به طور استقرایی حاصل شده است. نظریه مبنایی یک روش تحقیقی کیفی است که می‌کوشد با به کارگیری یک سلسله رویه‌های سیستماتیک، نظریه‌ای مبتنی بر استقرار درباره پدیده‌ای ایجاد کند. یافته‌های آن نیز شامل یک تنظیم نظری از واقعیت تحت بررسی است، نه یک سلسله ارقام یا مجموعه‌ای از مطالب که به یکدیگر وصل شده باشند. در این روش نه تنها مفاهیم و رابطه بین آن‌ها ایجاد می‌شوند، که به طور موقتی مورد آزمایش نیز واقع می‌شوند (استراس و کوربین، ۱۳۸۵: ۲۴-۲۳). نظریه مبنایی به دنبال تولید نظریه با استفاده از تحلیل داده ها می باشد.



جامعه هدف پژوهش حاضر، زنان متأهل هستند اعم از صاحب فرزند یا فاقد فرزند، که متعلق به دو نسل می‌باشند. از آنجایی که محقق به دنبال بررسی مفهوم مادری در بین زنان بوده، زنان فاقد فرزند نیز داخل نمونه گنجانده می‌شوند.

در پژوهش حاضر برای انتخاب افراد از روش نمونه‌گیری هدفمند استفاده شده است. ابتدا بر اساس نمونه‌گیری طبقه‌ای نمونه‌ها را بر اساس دو نسل تقسیم بندی کرده و در مرحله بعد بر اساس نمونه‌گیری تصادفی و گلوله برفی به انتخاب نمونه‌ها از هر دو نسل پرداخته شده است.

حجم نمونه برخلاف تحقیقات کمی، در روش نظریه‌مبنایی نمی‌توان پیش از ورود به میدان تحقیق حجم نمونه را تعیین کرد، بدین معنی که مادام که نمونه‌های اضافی اطلاعات مفید و مرتبطی را درخصوص مسئله مورد مطالعه در اختیار محقق قرار دهند، فرآیند نمونه‌گیری ادامه می‌یابد. معیار قضاوت در این زمینه که چه وقت نمونه‌گیری نظری به پایان می‌رسد "اشباع نظری" مقوله یا نظریه حاصل است. پس از انتخاب نمونه اول، بر اساس تحلیلی که از آن نمونه به عمل می‌آید و طبعاً نظریه‌ای که به تدریج ظاهر می‌شود، نمونه‌های بعدی انتخاب می‌شوند. (ذکایی، ۱۳۸۱: ۵۹-۵۸).

در تحقیق کیفی محقق الزاما از ابتدا از وجود بیش‌تر مفاهیمی که از دید نظری مربوط و مناسب‌اند اطلاع ندارد، بلکه می‌خواهد آن‌ها را کشف کند، اما بر مبنای مطالعات و تجربیات خود حدس‌هایی می‌زند و بر مبنای حدس‌های خود، سوالاتی را طرح می‌کند (محمدی، ۱۳۸۷: ۶۷).

یافته‌های تحقیق

در این پژوهش شیوه‌ی گردآوری اطلاعات به صورت مصاحبه عمیق و نیمه ساختار یافته می‌باشد. با ۳۰ نفر از مادران متعلق به دو نسل متفاوت در فضایی صمیمی، مصاحبه عمیق صورت گرفت و پس از آن مصاحبه‌ها به صورت کلمه به کلمه پیاده شد. ابتدا طی مرحله کدگذاری باز مفاهیم اولیه از متن هر مصاحبه استخراج شده است و با مقایسه و دسته‌بندی مفاهیم، مقوله‌ها مشخص شده‌اند. سپس در مرحله کدگذاری محوری، مفاهیم و مقوله‌هایی که در مرحله‌ی کدگذاری باز تجزیه شده‌اند، در ترکیبی تازه به یکدیگر متصل شده‌اند. در مرحله بعد کدگذاری انتخابی با ترکیب مقولات، به شکل‌گیری و استخراج نظریه‌ی نهایی تحقیق از متن داده‌ها کمک خواهد نمود. با مقایسه و دسته‌بندی مفاهیم، مقولات به دست آمد. استفاده از کدگذاری باز و محوی در تحلیل مصاحبه‌ها سعی در فهم مفهوم مادری از دیدگاه زنان داشت. آنچه یافته‌ها نشان دادند حاکی از آن بود که تمام زنان مادری را در سطح انتزاع به طور یکسان تعریف می‌کنند و این تعاریف یکسان را با واژگانی مشترک بیان می‌کنند. و این تعاریف مشترک زنان از مادری گاهی برخاسته از حس غریزی و درونی تمام زنان می‌باشد و گاهی برخاسته از نگاه فرهنگی مشترک آنان به این مسئله بوده است.

یافته‌های تحقیق نشان داد زنان مادری را در ده دسته مفهوم مشترک بیان داشتند. مانند: فداکاری، پرورش، رشد، نیاز، هویت، رنج، رسالت، فضیلت، گذر از فردیت، محدودیت‌های فردی، لذت و معنا
مادری به مثابه رنج

آنچه از اظهارات زنان به دست آمد این بود که اکثر بانوان مادری را با رنجی تعریف می‌کردند، که گاهی این رنج را با رضایت و گاهی توأم با فشار بیان می‌داشتند. که در رنج توأم با لذت، زنان به بیان سختی‌های مادری پرداختند که البته در ادامه بیان می‌داشتند تمام این رنج‌ها برایشان لذت داشته و هم اکنون فراموش کرده‌اند. این رنج‌ها مانند بیداری‌های تا صبح، مانند رنج بیماری فرزند، مانند خستگی‌های روزمره و... است.

در رنج توأم با فشار نیز، سه دسته فشار بیان شده بود. گاهی زنان به جهت تعارض نقش‌های همسری و مادری متحمل فشار می‌شدند، که به بیان خودشان به مرور زمان و با همکاری همسر می‌توان بر آن فائق آمد و گاهی فشار به جهت مسئولیت بوده است. قسم سوم فشار به جهت فشار جسمانی می‌باشد که زنان در بازروایی و بیان تجربه بارداری و نگهداری از فرزندشان به بیان سختی‌ها و مشکلات جسمی حاصل از بارداری و... پرداختند. باورهای دینی باعث می‌شود که مادران راحت‌تر بتوانند سختی‌های ناشی از مادرشدن را بپذیرند. مادری در بیان رنج‌ها و سختی‌هایش چنین می‌گوید:



شبهه به یک کسی هستم که برای کنکور درس خوانده، خب سختی هم کشیده اما احساس سختی نمی‌کنه بعد دانشگاه قبول میشه و احساس میکنه به چقدر خوب بود. چه سختی‌های ارزشمندی بود. تمام سختی‌ها برای لذت بخش بود. چون اصلا کلا نگاهم به سختی نگاه ارزشمندی بود. (الهه- ۵۳ ساله- دو فرزند)

مادری به مثابه رشد

برخی مادری را عاملی برای رشد زنان می‌دانند. نمونه‌هایی از این رشد که زنان برشمرده‌اند شامل رشد فکری، رشد روحی و رشد فضایل اخلاقی می‌باشد. زنان پس از بیان سختی‌هایی که در فرایند مادری متوجهشان شده‌است، اذعان می‌کنند که تمام این سختی‌ها برایشان منجر به رشد گشته. حتی برخی از زنان این رشد و خودسازی برخاسته از مادری را علت اصلی مادرشدن خود بیان کرده‌اند. باورهای دینی و خدا محوری از جمله عواملی است که مادران را به نقش مادری در رشد شخصیت آنان توجه می‌دهد. مادری چنین می‌گوید:

«- بالاخره طبیعت و همین سختی‌ها، چرا انسان باید سختی ببیند، چرا خدا که مهربان تر از همه به ماست ما را با سختی‌ها در ذات دنیایی آفریده؟ چون این سختی‌ها خودشان فی نفسه اثر تربیتی برای روح ما داشته و اینها لطف هستند و سختی‌های بارداری در نگاه من همین بود و این سختی‌ها مفید بود و همه ی اینها به من کمک می‌کنند و من را رشد می‌دهند و این خودبینی قبل از مادر شدن من چی شد از بین رفت و خیلی کمتر شد و به خاطر همیت سختی‌ها بود دردهای زایمان باعث رشد شد و ظرفیت وجودی ام را اضافه کرد. «
(فاطمه- ۲۷ ساله- دو فرزند)

مادری به مثابه نیاز

آنچه در متن مصاحبه‌ها مشاهده شد حاکی از آن بود که برخی از تعاریف و بیانات زنان از مادری برخاسته از یک نیاز درونی و غریزی می‌باشد که گاهی مستقیم و گاهی غیرمستقیم آن را بیان داشته‌اند. زنان نیازهایی از جمله نیاز به آرامش، نیاز به امنیت، نیاز به دستگیری در دوران پیری، نیاز به تعادل روحی و روانی، نیاز به سرگرمی را در میان نیازهای خود برشمرده‌اند که مادری را پاسخ مناسب و دقیقی به این نیاز خود می‌دانستند. مادرانی که گرایش‌های فرد گرایی در آن‌ها بیشتر بود، کمتر به نیاز فطری خود توجه داشت و بیشتر نیازها را معطوف به نیازهای فردی خود می‌کردند. از طرفی متون دینی مادران را به سمت توجه به این نیز فطری سوق می‌دهد. مادری نیاز خود را چنین بیان می‌کند:

« بچه برا تعادل روحی پدر و مادرش خیلی خوبه. آدمایی که بچه ندارند به حالت افسردگی هم دارند. دچار زود پیری میشند. اما وقتی بچه باشه آدم احساس جوونی میکنه. تجربه نشون داده آدمایی که بچه ندارند بچه هاشون رو از اونا قایلیم میکنند که به وقت اون دلش نخواد. حس مادرانه ست دیگه. بعد خب اینا غصه داره دیگه. « (فرزانه- ۵۱ ساله- چهار فرزند)

« ... با سالمندا که مصاحبه می‌کردم برام یک تلنگر بود که من و احسان پیر شویم. اما همسرم کلاً می‌گه نه. ترس از تنهایی، من اگر تضمین داشته باشم که با هم هستیم و با هم بمیریم احتیاج به بچه نداریم. (رها- ۲۸ ساله - بدون فرزند)

مادری به مثابه رسالت و هویت - ماموریت

برخی از زنان مادری را رسالت و کارویژه‌ی زنان معرفی کرده‌اند و معتقدند که استعداد و توانمندی مادری در بطن زنان به صورت عام موجود است. آن‌ها این رسالت را با واژه‌هایی مانند مسئولیت تعریف می‌کردند. که در پی این مسئولیت وظایفی متوجه زنان می‌شود که موظف به انجام آن می‌باشند. برخی از این وظایف را شرع و برخی را عرف بر آنان مفروض کرده‌است. در اکثر موارد باورهای دینی و مذهبی باعث می‌شود، زنان مادری را رسالت اصلی زن دانسته و نقش‌های دیگر را غیر اصلی قلمداد کنند. در صورتی که گرایش‌های فردگرایانه باعث می‌شود که زنان توجه خود را بیشتر به نقش‌های اجتماعی معطوف نمایند.

« به نظر من بزرگترین رسالت یک زن همون مادربودنش. یعنی تربیت نسل. تربیت یک کسی که خودش باز دوباره میشه تربیت کننده ی یک نسل دیگه. حالا تحصیلات عالی، فعالیت‌های مختلف، بودن تو جایگاه‌های مختلف اجتماعی و ...، جای خودش، ولی هیچکدوم از اینها رسالت زن نیست. یعنی واقعا خدا هدفش از خلقت زن مادری بوده بعلاوه اینها. نه اینها بعلاوه مادری. چیزی که نباید فراموشش کنیم همین مادریه. تربیت فرزند بیشتر روی دوش مادرشه تا پدر. « (محبوبه- ۵۰ ساله- چهار فرزند)



مادری و معنا

برخی از زنان هدف اصلی زندگی زناشویی را بچه‌دار شدن می‌دانند و معتقدند بچه‌دار شدن در بطن ازدواج نهفته است. برخی دیگر از زنان بیان داشته‌اند به جهت علاقه‌ی عمیقی که بین آنان و فرزندانشان نهفته است تنها هدف و علت زندگی آن‌ها فرزندانشان است. برخی دیگر معتقدند زندگی نیاز به یک هدفی دارد هدفی که برای آن تلاش می‌کنند تا زندگیشان معنا پیدا کند و از رخوت رها شوند. متون دینی زنان را به سمت مادر بودن رسالت اصلی زنان، سوق می‌دهد. همین امر باعث شده تا مادران در پاره‌ای از موارد زندگی شان را با وجود فرزندانشان معنا بخشند.

« آدم که بچه داره انگار داره یه هدفی رو دنبال میکنه. انتظار میکشه تا بچه اش بزرگ بشه. ازدواج کنه. مشغولیشش رو داره. حالا در صورتیکه وقتی پیشش باشه که بهتره. اما چون داره هدفش رو سیر میکنه و امر خدا رو انجام میده میخاد ازدواج این هم به ثمر برسه. خب اینکه بهتره. تو یه هدفی داره سیر میکنه. بچه برای زندگی هدف میاره.» (فرزانه- ۵۱ ساله- چهار فرزند)

مادری به مثابه فضیلت (امر قدسی)

یافته‌ها نشان داد که برخی زنان مادری را امری قدسی و ماورایی می‌پندارند. وظیفه‌ای که از جانب پروردگارش بر دوش آنان گذارده شده است. این زنان با بارداری احساس نزدیکی بیشتری با خدا می‌کنند و دوران بارداری را معنوی‌ترین دوران زندگی خود می‌دانند و در زندگی برای تمام تلاش‌هایشان در جهت فرزندپروری با خداوند معامله می‌کنند. عده‌ای نیز تولد فرزند را امری الهی می‌دانند و معتقدند تولد برابر با خلق موجودی است توسط پروردگار، و خود را صرفاً مجرای برای تحقق امر خدا می‌دانند. و البته گاهی اینطور به نظر می‌رسد که زنان به خصوص در نسل اول مادری را با واژه‌هایی دینی که در ذهنشان موجود است تعریف می‌کنند مانند باقیات و صالحات دانستن فرزند. « ... و مرتب از خدا میخواستم اگه دارم میدوم اگه دارم اذیت میشم اگه دارم پادویی میکنم حداقل خدا از من راضی باشه و خودم و بچه هام توی مسیر درستی باشیم. مشکلات خیلی زیاده ولی در سایه ی توکل حل میشه. اینکه مرتب برای رضای خدا کار کنی. اینکه مثلاً بگی من توی خونمم برای رضای خدا از فرزندم نگهداری میکنم برای رضای خدا، از فلان برنامه میزنم برای بچه هام برای رضای خدا » (محبوبه- ۵۰ ساله- چهار فرزند)

« به لحاظ معنوی هم دوران حاملگی خیلی خوب بود زیباترین دوران یک مادره. لحظه لحظه ش غنیمته خیلی آدم احساس میکنه یک لطف و عنایت خاصی بهش هست به واسطه ی اون بچه ی پاک و بیگناهی که توی شکمشه. مادرای امروز ما خیلی به این توجه نمیکنند که خدا یک امانت داده بهشون تا اون رو رشد بدهند.» (منصوره- ۳۱ ساله- سه فرزند)

مادری به مثابه لذت

یکی دیگر از برداشت‌های محقق از متن مصاحبه‌ها این است که برخی از زنان در تعریف مادری به بیان لذت‌های بیشمار تجربه مادری می‌پردازند. بدون اینکه رنج یا سختی‌ای را بیان کنند. باورهای دینی در مادران باعث می‌شود که لذت‌های مادری با لذات معنوی همراه شود و طی مسیر بارداری برای مادر آسان تر شود.

« حس خیلی خوبی داره. آدم خیلی امیدواره و خوشحال که یه بچه تو شکمشه و خیلی با بچه احساس نزدیکی می‌کنه. نمیشه خیلی توصیفش کرد. مثلاً امروز که رفته بودم بهداشت میدیدم بچه هاشون نوزادان حسرت می‌خوردم این احساس مادرانس خیلی قابل توصیف نیست. واقعا لذت داره. خیلی.» (سعیده- ۲۸ ساله- یک فرزند)

مادری به مثابه فداکاری

آنچه در مصاحبه‌ها مشاهده شد آن بود که تمام زنان مادری را با فداکاری تعریف کرده‌اند و بدون استثناء در تعریف مادری مستقیماً سراغ همین واژه رفته‌اند. این مفهوم به قدری نهادینه شده است که تمام زنان با هر سن و سلیقه‌ای مادری را فداکاری تعریف می‌کنند. مفهوم بیان شده یکسان است اما برداشت‌ها و تعریف فداکاری در بین آن‌ها متفاوت است. باورهای دینی و فردگرایی نقشی اساسی در تعریف مادران از فداکاری دارد. اعتقاد به مجاهد بودن مادر باردار، باعث می‌شود که مادر هر گونه فداکاری در حفاظت از کودک خود بنماید. اما فردگرایی مادر را به ترجیح نیازهای خود بر فرزندش سوق می‌دهد. مادری چنین می‌گوید :



« بچه که بیاد معنی ایثار و ... با بچه درست می شه. آدم تا وقتی بچه نداره نه ایثار را میفهمه و نه تمرین می کنه و نه هیچی. بچه باعث می شه آدم خیلی ایثار پیدا کنه تا قبلش که اینجوری نیست. اما بچه باعث می شه آدم از خیلی چیزای خودش بگذره. گذشت کردن یک چیز خوبیه. آدم از خواب شبش می گذره به خاطر بچه. از استراحتش می گذره به خاطر بچه. از خودخواهی هاش دور می شه دیگه. چه چیزی میتونه آدم اینقدر تمرین بده؟» (صدیقه - ۵۱ ساله - دو فرزند)

مادری و محدودیت‌های فردی

یکی دیگر از مقولاتی که در متن مصاحبه‌ها به دست آمد، گذر از فردیت بود. برخی از زنان مادری را شامل از بین رفتن خودی و خودخواهی و فردیت در خود می‌دانند و برخی دیگر گذر از فردیت را از ملزومات مادری می‌دانند که بدون تحقق آن مادر شدن غیر ممکن است.

برخی فردیت خود را کامل از بین می‌برند و برخی دیگر تا حدی. باورهای دینی و مذهبی مادران نقشی تعیین کننده در ترجیح فرزند بر خود و فداکاری دارد. از طرفی در مصاحبه با زنانی که تا کنون مادری را تجربه نکرده‌اند مشاهده شده برخی از آن‌ها تنها به جهت گرایش‌های فردگرایی، تن به مادری نداده‌اند.

« سعی کنم که بچه‌ها هیچ وقت احساس کمبود نکنند. مثلاً اگه فشار اقتصادی توی خونه بود سعی می‌کردیم منو همسرم خودمون این فشار رو متحمل بشیم تا بچه‌ها متوجه نشوند مثلاً وقتی که گوشت کوپنی بود و گوشت آزاد خیلی گرون بود ما هم بودجه‌مون خیلی محدود بود. مقدار کمی گوشت خوب می‌خریدیم مخصوص پخت و پز غذای بچه‌ها. خودمون گوشت کوپنی مصرف می‌کردیم. » (الهه - ۵۳ ساله - دو فرزند)

« خودم را انتخاب می کردم هر چیزی که آینده حرفه ای من را به خطر می اندازد، نمی توانم قبول کنم هم بچه هم فعال ما که در زمان درس خواندن مادرم بودیم با برادرم که زمان کار مادرم بود فرق داریم. ما بهتر تربیت شدیم. من دارم بین رفاه خودم، قید و بند خودم و بچه انتخاب می کنم. » (رها - ۲۸ ساله - بدون فرزند)

مادری به مثابه پرورش و تربیت

یافته‌های برخاسته از مصاحبه‌ها نشان داده که اکثریت قریب به اتفاق زنان، اعم از دارای فرزند و فاقد فرزند، مادری را با پرورش تعریف می‌کنند. این پرورش اعم از پرورش فکری، پرورش روحی، پرورش جسمی می‌باشد. که البته پرورش به معنای تربیت در مصاحبه‌ها بیشتر بوده است.

تمام زنان کارویژه و مهمترین وظیفه مادر را تربیت می‌دانستند. که نیازمند وقت‌گذاری و صرف انرژی زیادی می‌باشد. هر کدام از زنان تربیت را به سبک خودشان تعریف می‌کنند. برخی تربیت را معادل تربیت دینی می‌دانستند، برخی تربیت را معادل آموزش آداب اجتماعی و راه و رسم زندگی می‌دانستند و برخی دیگر تربیت را به معنای پرورش استعدادها و توانمندی‌های فکری می‌دانستند که البته بیشتر زنان تلفیق هر سه مورد را مد نظر داشتند.

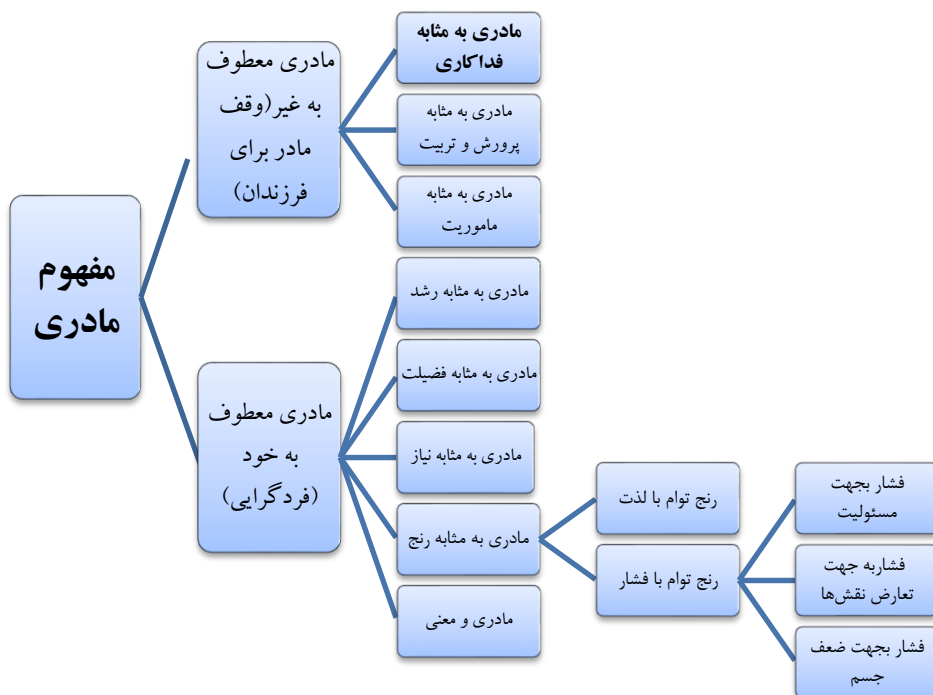
« اول از نظر روحی باید آمادگی مادر شدن داشته باشه و قبل از آمادگی روحی باید از نظر دینی این آمادگی را داشته باشه. چون این مادر می‌خواد بچشا تربیت کنه حالا اگه خودش هنوز بلغزد یا هنوز یه جای تثبیت شده ای از دین نباشه چطور ممکنه یک بچه ای را هدایت کنه؟ مادر باید اینقدر عقیدش تثبیت شده باشه که بتونه یک فرد دیگرا هم تثبیت کنه. تربیت کنه. » (مطهره - ۵۵ ساله - سه فرزند)

« مادری یعنی سپردن رشد یک آدم به توست رشدش، تعالیش. » (سمانه - ۲۸ ساله - بدون فرزند)

در کدگذاری انتخابی، کدگذاری محوری در سطحی انتزاعی‌تر ادامه یافته است، و تحلیل از سطح توصیفی فراتر می‌رود. در این مرحله، در رابطه با هر یک از مقوله‌های محوری ارتباطی با مقوله‌ی اصلی ملاحظه شده و با توجه به داده‌های مستخرج از متن مفهوم محوری انتخاب می‌گردد. با این ملاحظه مفهوم محوری پژوهش حاضر «ایثار و فداکاری» شناسایی گردید. بر این اساس تقریباً تمامی مادرانی که مورد مصاحبه قرار گرفته بودند مفهوم فداکاری را از مولفه‌های اصلی مفهوم مادری می‌انگاشتند. لکن در این میان در مواجهه با مادری و در پیاده‌سازی فداکاری رفتارها و راهبردهای متفاوتی از خود بروز می‌دادند.

. با توجه به آن چه گفته شد، در مجموع با در نظر گرفتن کدگذاری‌های انجام شده می‌توان مدل نظری ذیل را ارائه نمود.

شکل ۴-۱ مدل نظری



بحث و نتیجه گیری

طی سالهای اخیر تغییراتی در زندگی اجتماعی و خانوادگی زنان ایرانی به وجود آمده است. از جمله افزایش نرخ طلاق زنان، افزایش اشتغال زنان، تغییرات رفتار ظاهری زنان، افزایش سن ازدواج، افزایش سن اولین بارداری، کاهش تعداد فرزندان و چنین تغییراتی در ظاهر به معنای تغییر در مفاهیم و بازنمودهای جمعی آن مفاهیم است که زندگی اجتماعی را سامان می‌دهند. چنان چه در خانواده اسلامی برای مادر نقش اصلی در نظر گرفته شده، بقای خانواده وابسته به مفهوم مادری می‌باشد. در آیات و روایات نیز بر اهمیت موقعیت و جایگاه مادری تاکید شده و بر لزوم احسان به مادران به سبب مشقت‌هایی که در دوران بارداری، زایمان و شیردهی تحمل نموده اند، تاکید کرده است. از این رو به منظور تحکیم خانواده‌ها بایستی به نقش مادر توجه ویژه ای داشت. چرا که بازسازی هویت مادر می‌تواند نقشی تعیین کننده در تربیت نسل آینده و جامعه داشته باشد.

یافته‌های این پژوهش نشان می‌دهد که مفهوم مادری تقریباً در تمامی نمونه‌ها در اظهارات خود به مفاهیم محوری چون ایثار، نیاز، رسالت، فضیلت، تربیت و رشد به نوعی اشاره داشته‌اند. از این میان مفهوم از خودگذشتگی و تعبیر وقف نمودن خود برای فرزندان در تقابل با مفهوم فردگرایی استخوان‌بندی اصلی مفهومی نزد زنان مورد مطالعه را تشکیل می‌دهد. نکته دیگر اینست که منجر به دستیابی به نوعی تیپولوژی مادری نیز گردید. به دیگر سخن باید گفت پس از مصاحبه عمیق با این زنان دریافتیم که تعریف زنان از مفهوم مادری در سطح انتزاع در هر سنی و در هر شرایط و با هر ویژگی یکسان می‌باشد و در تعریف مادری از تعابیر مشترک شناخته شده و بین‌الذهانی استفاده می‌کنند. اما در سطح رفتار رفتارهای متفاوتی را از خود بروز داده و نوع برخوردشان در عمل متفاوت است.

تعاریف مشترک زنان از مادری گاهی برخاسته از حس غریزی و درونی تمام زنان می‌باشد و گاهی برخاسته از نگاه فرهنگی مشترک آنان به این مسئله بوده‌است و اینکه فرهنگ عمومی این مفهوم را در تمام زمان‌ها به طور یکسان نهادینه می‌کنند. یافته‌های تحقیق نشان داد زنان مادری را در ده دسته مفهوم مشترک بیان داشتند. مانند: فداکاری، پرورش، رشد، نیاز، هویت، رنج، رسالت، فضیلت، گذر از فردیت، و هدف.



در قرآن کریم به سختی های مادران در دوران بارداری، و زایمان و شیردهی اشاره نموده: «وَصَيَّنَّا الْإِنْسَانَ بَوْلَادَيْهِ حَمَلَتُهُ أُمُّهُ وَهَنًا عَلَيَّ وَهْنٍ وَفَصَّالَهُ فِي عَامَيْنِ أَنْ اشْكُرَ لِي وَلِوَالِدَيْكَ أَلَى الْمَصِيرِ؛ «ما به انسان [درباره] پدر و مادرش سفارش کردیم. مادرش هنگام بارداری او را حمل کرد با سستی بر سستی [همواره بر ضعف او افزوده شد] و در دوسال به او شیر داد. [سفارش کردیم] که مرا سپاس گذار و پدر و مادرت را بازگشت به سوی من است».

وَصَيَّنَّا الْإِنْسَانَ بَوْلَادَيْهِ إِحْسَانًا حَمَلَتُهُ أُمُّهُ كَرِهًا وَوَضَعَتْهُ كَرِهًا؛ «و به انسان درباره نیکی به پدر و مادرش سفارش کردیم، [به ویژه مادرش] که او را حمل کرد با مشقت زایید او را با مشقت».

در همه دنیا زنان زمان بیشتری را برای مراقبت از نوزادان و کودکان (در آغوش گرفتن، ارتباط کلامی، آرامش بخشیدن و تربیت) صرف می کنند. هورمون پرولاکتین را هورمون محبت مادری می نامند. بر اثر آن، زن قدرت لازم را برای هر گونه فداکاری درباره فرزندش به دست می آورد. (علاسوند، ۱۳۹۰)

چنان چه یافته های تحقیق نشان می داد، مفهوم محوری مادری که بین همه ی مادران مشترک بود، فداکاری مادرانه بود. از آن جایی که در متون دینی (قرآن و روایات) به فداکاری های مادر و لزوم پاسداشت آن توجه می نماید، باورهای دینی و مذهبی مادران باعث می شود که مادری را به طور ویژه با فداکاری و گذر از فردیت توصیف نماید. و این در حالی ست که در دوران امروز و رواج تفکرات فمینیست و اومانیست، باعث می شود تا در پاره ای از موارد گرایشات فردگرایی در زنان باعث می شود تا آنان تمایلی به فرزندآوری و مادر شدن نداشته باشند. از نظر فمینیست های فردگرا هیچ مادری ملزم به بارداری به مدت نه ماه برای حفظ حیات جنین نمی باشد. (میرزاده، ۱۳۹۲: ۱۲۰)

همچنین در روایتی زنان باردار به سان مجاهد در راه خدا تعبیر شده اند. هنگامی که فرزند خود را شیر می دهد نیز در ازای هر مکش، ثواب آزادکردن بندهای از اولاد اسماعیل نبی (ع) را به دست می آورد. به کار بردن چنین تعبیری در مورد مادران، راهی برای تقویت مادران در ادامه ی راه و بیان جایگاه ویژه مادران است. به کار بردن تعبیر مجاهد در راه خدا، حکایت از رنجی دارد که مادر در این راه می برد و نیز ماموریتی که خدا بر دوش وی گذاشته است. در عین حال مجاهد در راه خدا به سبب احساس نزدیکی به خداوند، از لذت های معنوی بهره می برد. مجاهد در راه خدا با گام نهادن در مسیر الهی، زندگی اش معنای ویژه ای می یابد.

اکثریت مشارکت کنندگان به اولویت نقش مادری بر دیگر نقش ها اشاره نموده اند. و در مقایسه با دیگر نقش های اجتماعی، نقش مهمتری برای آن قائل شده اند.

در فقه اسلامی عقد ازدواج کارکردها و اهداف گوناگونی دارد که همسری و برقراری روابط زناشویی یکی از کارکردهای اصلی و فرزندآوری مهم ترین مقصد طبیعی آن است. بنابراین همسری و مادری برای زنان دو نقش اصلی و اولویت دار برای زنان اند. (علاسوند، ۱۳۹۰)

باورهای دینی در مادران باعث می شود تا مادری را بر نقش های دیگر ترجیح داده. از طرفی با تاییدات وارد شده از جانب خداوند مادران این مسئولیت را به حمایت و همراه با لذت بیشتری انجام می دهند. در حالی که گرایشات فرد گرایی باعث شده تا زنان اولویت های شخصی را در نظر آورده و با توجه به پژوهش های صورت گرفته در این زمینه فردگرایی باعث کاهش تمایل به فرزندآوری می شود. (عنایت و پرنیان، ۱۳۹۲: ۱۳۱)

اکثر مادران مصاحبه شونده به نقش مادر در پرورش و تربیت کودک تاکید داشته اند و حتی مادرانی که تمایل به فرزندآوری نداشته یکی از دلایل خود را به خاطر احساس مسئولیت و تربیت فرزند خود بر می شمردند. در بخشی از روایت معروف مفضل از امام صادق (ع) آمده است: نگاه کن به چهارپایان که چگونه مستقلاً به دنبال مادرانشان حرکت می کنند و نیازی به تربیت و نگهداری — آن گونه که فرزندان انسان نیازمند به آن هستند — ندارند. مفهوم دیگری که برخی از مادران در تعریف خود از مادری به کار می بردند، فضیلت یا امر قدسی بود که وجود فرزند باعث رشد فضیلت های اخلاقی در آنان شده است. حلم و بردباری، انعطاف پذیری، بخشش، دسترسی به راه حل های فوری حل مشکلات و از جمله صفاتی است که مادران در جریان بارداری و شیردهی آن را به دست می آورند. این ویژگی ها همواره برای مادران ارزش معنوی داشته اند. به تعبیر دیگر «شاید زنان در موقعیت مادری و فیزیکی در شرایط ستم دیدگی قرار داشتند، ولی از نظر



دومین همایش ملی جایگاه و نقش مادر

2nd National Conference on the Status and the Role of Mother

متافیزیکی و معنوی جایگاه برتری داشتند. این وضعیت برتر به آن‌ها احساس رضایت می‌داد که علیه موقعیت مادری نشورند». (علاسوند، ۱۳۹۰) از آنجایی که در متون اسلامی بر نقش مادر بسیار تاکید شده، باورهای دینی باعث شده تا مادری را یک فضیلت تلقی نموده که فضیلت‌های معنوی با آن همراه است. بر اساس مصاحبه‌ها و یافته‌های به دست آمده در این مطالعه، مادران ایرانی در فرهنگ ایرانی و اسلامی خود، مهمترین مولفه مادری را فداکاری می‌دانند که برگرفته از آموزه‌های دینی و مذهبی می‌باشد. در هر دو نسل این معنی به وضوح دیده می‌شد. اما در بعضی موارد در مادران نسل دومی، گرایش به فردگرایی و فردیت قوی تر بوده و وجود فرزند را مانعی در رسیدن به اهداف اجتماعی خود بر می‌شمردند. به طور کلی اعتقادات و باورهای مذهبی و گرایش‌های فردگرایانه نقشی تعیین کننده در تعیین الگوهای مادری دارد.



منابع

- آبوت، پاملا و والاس، کلر، (۱۳۸۰)، جامعه‌شناسی زنان، ترجمه: منیژه نجم عراقی، تهران: نشر نی.
- آقا، هما (۱۳۶۴) بررسی باروری در ایران و رابطه آن با شاخص های اقتصادی اجتماعی، مرکز آمار ایران، شیراز، دانشگاه مراکز جمعیت شناسی.
- آیت‌اللهی، زهرا، (۱۳۸۹)، مهارت‌های زندگی خانوادگی در آیین‌های آیات و روایات، تهران: نشر معارف.
- ادیب حاج باقری، محسن، و پرویزی، سرور، و صلصالی، مهوش. (۱۳۸۶). روش‌های تحقیق کیفی. تهران: بشری.
- استراس، آنسلم، و کوربین، جولیت. (۱۳۸۵). اصول روش تحقیق کیفی: نظریه‌ی مبنایی، رویه‌ها و شیوه‌ها. (بیوک محمدی، مترجم). تهران: پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی.
- اعزازی، شهلا. (۱۳۸۷). جامعه‌شناسی خانواده. تهران: روشنگران و مطالعات زنان.
- اعظم آزاده، منصوره. توکلی، عاصفه (۱۳۸۶) فردگرایی، جمع‌گرایی و دینداری، فصلنامه انجمن ایرانی مطالعات فرهنگی و ارتباطات، ش ۹، ص: ۱۲۵-۱۰۱.
- اُکلی، آن، (۱۳۸۴)، "مصاحبه با زنان: یک تناقض‌گویی"، ترجمه: آوید نهاوندی، فصل‌نامه زنان، شماره ۵ تهران: انتشارات روشنگران و مطالعات زنان.
- بستان، حسین، (۱۳۹۰)، جامعه‌شناسی خانواده با نگاهی به منابع اسلامی، قم: پژوهشگاه حوزه و دانشگاه.
- بکائی، آزاده، (۱۳۸۵)، نگرش زنان شهر شیراز نسبت به سقط‌جنین، استاد راهنما عذرا جاراللهی، مطالعات زنان، دانشگاه علوم پزشکی.
- توکل، محمد و مریم قاضی‌نژاد (۱۳۸۵). شکاف نسلی در رویکردهای کلان جامعه‌شناختی: بررسی و نقد رهیافت‌های نسل تاریخی و تضاد با تاکید بر نظرات مانهایم و بوردیو، نامی علوم اجتماعی، شماره ۲۷، بهار ۱۳۸۵: ۹۵-۱۲۴.
- جمعی از نویسندگان، (۱۳۹۰)، مجموعه مقالات سومین نشست اندیشه‌های راهبردی زن و خانواده، جلد دوم، تهران: دبیرخانه‌ی نشست اندیشه‌های راهبردی.
- چراغی کوتیانی، اسماعیل، (۱۳۸۹)، خانواده، اسلام و فمینیسم، قم: انتشارات موسسه‌ی امام خمینی (ره).
- حق‌شناس، سید جعفر، (۱۳۸۸)، آسیب‌شناسی خانواده، تهران: دفتر مطالعات و تحقیقات زنان.
- دمارنف، دافنه، (۱۳۸۸)، غریزه‌ی مادری، ترجمه: آزاده وجدانی، تهران: نشر معارف.
- ذکایی، محمد سعید. (۱۳۸۱). نظریه و روش در تحقیقات کیفی. فصلنامه علوم اجتماعی، شماره ۱۷، ۶۹-۴۱.
- زاهدی، پروانه (۱۳۸۴) «بررسی تاثیر مادری بر هویت جنسی زنان (مطالعه موردی شهر تهران)» راهنما شهلا اعزازی، دانشکده علوم اجتماعی، دانشگاه علامه طباطبایی.
- ساروخانی، باقر. (۱۳۷۵). مقدمه‌ای بر جامعه‌شناسی خانواده. تهران: سروش.
- سالاری‌فر، محمدرضا، (۱۳۸۹)، خانواده در نگرش اسلام و روانشناسی، تهران: سازمان مطالعه و تدوین کتب درسی (سمت).
- سفیری، خدیجه، (۱۳۸۶)، روش تحقیق کیفی، تهران: پیام پویا.
- سیاح، مونس و حسینی مجرد، اکرم، (۱۳۹۰)، بررسی بحران مادری در جهان غرب و تاثیرات آن بر جامعه‌ی ایران، فصلنامه مطالعات راهبردی زنان، شماره ۵۳.
- شرفی، محمدرضا. (۱۳۸۳). خانواده متعادل. تهران: انجمن اولیاء و مربیان.
- شعاع کاظمی، مهرانگیز. (۱۳۸۴). خانواده و آسیب‌های روانی موجود در آن. معرفت، ۹۴، ۴۳-۴۷.
- طاهرزاده، اصغر، (۱۳۸۷)، زن آنگونه که باید باشد، چاپ دوم، اصفهان: انتشارات لب‌المیزان.
- علاسوند، فریبا، (۱۳۹۰)، زن در اسلام، تهران: دفتر مطالعات و تحقیقات زنان، نشر هاجر.
- علیزاده، محمد، و دیگران (۱۳۷۷) بررسی اثرات متقابل شاخص‌ها و متغیرهای جمعیتی بر الگوی برنامه‌های دوم توسعه ایران، مرکز مطالعات و پژوهش‌های جمعیتی آسیا و اقیانوسیه، تهران
- عنایت، حلیمه، پرنیان، لیلا (۱۳۹۲) مطالعه رابطه جهانی شدن فرهنگی و گرایش به فرزندآوری، فصلنامه علمی- پژوهشی زن و جامعه، سال چهارم، شماره ۲: ۱۳۸-۱۰۹.
- فلیک، اووه. (۱۳۸۷). درآمدی بر تحقیق کیفی. (هادی جلیلی، مترجم). تهران: نشر نی.



- قائمى، على، (۱۳۷۲)، نقش مادر در تربیت، تهران، انتشارات امیرى.
- قدرتى، حسین (۱۳۹۲) بررسی رابطه جنسیتی در خانواده و باروری زنان، مطالعات جغرافیایی مناطق خشک، سال سوم، شماره ۱۱: ۹۲-۷۶.
- گاردنر، ویلیام، (۱۳۸۷)، جنگ علیه خانواده، ترجمه: معصومه محمدی، تهران: دفتر مطالعات و تحقیقات زنان.
- محمدی، بیوک. (۱۳۸۷). درآمدی بر روش تحقیق کیفی. تهران: پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی.
- موسوی، یعقوب. پاک خصال، اعظم. (۱۳۹۱) تحلیل جامعه شناختی رفتار شهرگرایی زنان شهر تهران، نشریه زندر توسعه و سیاست، دوره ۱۰، شماره ۱: ۶۱-۸۲
- میرزاده، افسانه (۱۳۹۲) سقط جنین؛ فردگرایی و جامعه گرایی، فصلنامه اخلاق پزشکی، سال هفتم، شماره ۲۴: ۱۳۸-۱۱۳.
- یزدانی، عباس، (۱۳۸۲)، مجموعه مقالات فمینیسم و دانش‌های فمینیستی، مترجمان: عباس یزدانی و بهروز جندقی، تهران: دفتر مطالعات و تحقیقات زنان.
- Abbasi-Shavazi, M. J, Mc Donald, P and M. Hosseini-Chavoshi. (۲۰۰۹): The Fertility Transition in Iran: Revolution and Reproduction, London: Springer.
- AFshar- Hale (۱۹۹۸). Islam and feminism: an Iranian case study, new York: st. martinperes
- Cain L. (۱۹۸۷). "Alternative perspectives on the phenomena of human aging: Age stratification and status". The Journal of Applied Behavioral Science Vol.۲۳ No. ۲ ۲۷۷-۲۹۴.
- Egri Carolyn. P. & David. A. Ralston (۲۰۰۴). "Generation cohorts and personal values: A comparison of china and the U.S. ". Organization Science Vol. ۱۵ No. ۲ ۲۱۰-۲۲۰.
- Giddens, A. (۲۰۰۱). The consequences of modernization, Translated by M. Salasi, Tehran: Markaz Publication. (In Persian).
- Hellevik O. (۲۰۰۲). "Age differences in value orientation-life cycle or cohort effects?". International Journal of Opinion Reaserch Vol. ۱۴ No. ۳ . ۲۸۶-۳۰۲.
- Kalantari, A. & Hasani, H. (۲۰۰۸). "The new media and ordinary life, the effect of mobile phone on identity and the youth's lifestyle", Media, ۱۹th year, No.۴, ۱۱۹-۱۳۵. (In Persian)
- Khoshnevis, A. (۲۰۰۱). Sexual preferences and married woman's tendency to fertility behavior in Tehran city, MA thesis of Demographic Discipline, Shiraz University. (In Persian).
- Mc Donald, Peter. (۲۰۰۰)B: "Gender Equity, Social Institutions and the Future of Fertility", Journal of Population Research, Vol.۱۷, No.۱. pp:۱-۱۵.
- Oakly, A (۱۹۸۱) Form here to maternity Becoming amother, Harmonds worth: pengvin.
- Reeves T. C. & Oh E. (۲۰۰۶). Generational differences . Department of Educational Psychology and Instructional Technology (EDIT).
- Riley M. T. (۱۹۸۷). "On the significance of age in sociology". American Sociological Reviw Vol. ۵۲ ۱-۱۴.
- Sheikhi, M.T. (۲۰۰۱). Family and women's sociology, Tehran: Enteshar Joint-Stock Company. (In Persian).
- Shirastova, O.S. (۱۹۹۴). Demography and population studies, Vikas publishing house, PRT, LTD, New Delhi.
- tong, RoZmaris(۱۹۹۷). Feminism theory and politics of difference, Belak well: Oxford.
- United nation (۱۹۹۰). Socio – economic development and fertility, Vol.۱۰۲, PP: ۳-۸.
- Zanjani, H. (۲۰۰۴). The analysis of demography, Tehran: Samt. (In Persian).



بررسی مفهوم مادری از دیدگاه دو نسل از زنان

سوسن باستانی؛ دانشیار دانشگاه الزهرا "س"

bastani_susan@yahoo.com

محسن گودرزی

mgodarzi@gmail.com

نجمه محمدی فشارکی؛ کارشناس ارشد دانشگاه الزهرا "س"

mohamadifesharaki@gmail.com

چکیده

پژوهش حاضر با هدف بررسی مفهوم مادری از دید دو نسل از زنان متأهل ایرانی انجام شده است. این پژوهش در پی این پرسش شکل گرفته است؛ که زنان چگونه مادری را معنا می کنند، چه درکی از این مفهوم دارند و چگونه درک افراد از این مفهوم، تحت تاثیر زمینه های اجتماعی وسیع تر و یا موقعیتهای خاص تجربه های زیسته ی آنها شکل می گیرد.

مقاله حاضر نتیجه پژوهشی است که به روش نظریه مبنایی صورت گرفته است. اطلاعات از طریق مصاحبه عمیق با سی تن از زنان متأهل (اعم از صاحب فرزند و فاقد فرزند) که متعلق به دو نسل بودند جمع آوری شده است. نسل اول متولدین سال های ۱۳۳۷ تا ۱۳۴۸ و نسل دوم متولدین سال های ۱۳۵۷ تا ۱۳۶۷ هستند. هر کدام از این دو نسل از شاخصه های هویتی ویژه ای برخوردارند. مصاحبه ها پس از پیاده سازی با استفاده از کدگذاری نظری تحلیل شده است.

نتایج حاصل از این مطالعه نشان داد، تعریف زنان از مفهوم مادری در میان دو نسل به صورت یکسان میباشد و زنان در تعریف مادری از مفاهیم مشترک استفاده میکنند. زنان مورد مطالعه در تعریف خود به مفاهیم محوری چون ایثار، نیاز، رسالت، فضیلت، تربیت و رشد اشاره داشته اند. اما آنها در مواجهه با واقعیت مادری استراتژی های متفاوتی چون تغییر، ترجیح، تحدید، تعویق و انصراف را برگزیده اند.

واژگان کلیدی: مادری، فداکاری، نظریه مبنایی، نسل

مقدمه و طرح مساله

صاحب نظران معتقدند خانواده از نخستین نظام های نهادی عمومی و جهانی است که برای رفع نیازمندی های حیاتی و عاطفی انسان و بقای جامعه ضرورت تام دارد (شرفی، ۱۳۸۳: ۳۷). روابط مناسب در جامعه بر اساس روابط مناسب در خانواده شکل می گیرد و هر اندازه روابط درون خانواده مناسب تر باشد، خانواده و به تبع آن جامعه از ثبات و استحکام بیشتری برخوردار است (اعزاز، ۱۳۸۷: ۱۲). بنابراین از آنجا که خانواده مهم ترین نهاد جامعه است، وارد شدن هر آفت و زوالی به این نهاد و کارکردهای آن، از امور مهم و شایسته کنکاش می باشد.

خانواده مهم ترین رکن ترقی و تکامل یک جامعه است و چنان که خانواده ای در مسیر صحیح تربیت اسلامی و در چارچوب برنامه های ارائه شده از سوی قرآن و سنت باشد می تواند سهم بزرگی در پیشرفت و ترقی جامعه ی خویش داشته باشد (بیگی، ۱۳۸۹: ۳۵۵). اگر بر این حقایق نقش تربیتی پدر و مادر در ایفای این اهداف را بیافزاییم و کمی در انتظارات از نقش مادری و نقش پدری و همچنین رسالت های متمایز پدر و مادر در این مسیر بیندیشیم، در خواهیم یافت که مادر به واسطه ی حضور و میزان ارتباط با کودکان در تحقق این امر نقشی ویژه و برجسته دارد. بنابراین می توان همانطور که خانواده را به عنوان اساسی ترین عامل انتقال ارزش ها در نظر می گیریم، مادر را نیز به عنوان مهمترین عامل این انتقال و مهمترین عامل تربیت فرزندان بدانیم. چرا که اگر مادر در تربیت فرزند پایبند به اصول و ارزش ها بود نتیجه ی آن داشتن جامعه ای صالح خواهد بود، توقع یک جامعه ی صالح بدون اصلاح نظام خانواده کاملاً نادرست و خلاف حقیقت است (انصاریان، ۱۳۸۰، ص ۴).



مادری یکی از نقش‌های محوری در خانواده می‌باشد که تاثیر عمیقی بر روابط بین اعضا و ترسیم مطلوبیت‌های حال و آینده‌ی فرزندان دارد. علاوه بر این، مادری نقشی است که از جنسیت زن قابل تفکیک نبوده و زن ماهیتاً با این نقش پیوند دارد، بر این اساس سخن از مطلوبیت این نقش برای زن نمی‌تواند محل مناقشه باشد اما اینکه زنان در پذیرش این نقش با چه مسائلی روبرو هستند، خود جای بحث و بررسی دقیق دارد.

مجموعه شواهد و قرائن موجود نشان‌دهنده‌ی تفاوت‌هایی در فهم از مادری، کارکرد مادری و مسائل مرتبط با این کارکرد، در میان نسل‌های مادران جامعه امروز ایران است. آمار افزایش سن ازدواج در ایران نشانگر تأخیر در واقع‌ی ازدواج است که امر مادری را به تأخیر انداخته و طول باروری را کاهش داده و در یک نگاه ظرفیت مادری در کشور را کاهش می‌دهد. میانگین سن در اولین ازدواج برای مردان از ۲۴،۱ سال در سال ۱۳۵۵ به ۲۶،۷ سال در سال ۱۳۹۰ و برای زنان از ۱۹،۷ سال به ۲۳،۴ سال طی این دوره رسیده است.^۱

برخی معتقدند عدم تمایل به ازدواج و انتخاب زندگی مجردی رو به افزایش است و زنگ خطری برای کانون خانواده می‌باشد. (سیاح و حسینی، ۱۳۹۰) ۱۱ میلیون و ۲۴۰ هزار جوان در کشور در سن ازدواج قرار دارند و مجرد قطعی در کمین ۳۲۰ هزار مرد و ۹۸۰ هزار زن است.^۱ این امر می‌تواند در تغییر نقش مادری موثر باشد.

در دو دهه‌ی اخیر سیاست‌های تنظیم خانواده موجب روند کاهش میزان باروری شده ظرفیت‌های مادری در نسل‌ها را کاهش داده است. به گزارش مرکز مطالعات و پژوهش‌های آسیا و اقیانوسیه اقدام جدی ایران در تنظیم خانواده درده‌های ۷۰ و ۸۰، به کاهش سریع میزان باروری انجامید، متوسط تعداد فرزندان برای هر زن قبل از انقلاب حدود ۶/۷ بوده که این رقم بعد از انقلاب به حدود ۷ رسید و مجدداً در سال ۷۲ به ۴ و در سال ۸۵ به ۱/۸ و در سال ۹۰ به ۱/۶ نفر کاهش یافته‌است. (مرکز مطالعات و پژوهش‌های جمعیتی آسیا و اقیانوسیه، ۱۳۹۰)

ارتقاء سطح و تنوع تحصیلات و تخصص‌های علمی و فنی زنان، آثار و تبعات متعددی بر نظام ارزش‌ها و هنجارهای فرهنگی، الگوی توزیع و تخصیص نقش‌ها در خانواده و جامعه، شکل‌گیری روابط اجتماعی و نیز ساختارهای اجتماعی همچون خانواده، روابط زناشویی و تعامل با خویشاوندان باقی‌گذارده‌است. (رستگار خالد، به نقل از سیاح و حسینی، ۱۳۹۰) افزایش نسبت شرکت زنان در کنکور سال‌های اخیر، تغییراتی جدی در خانواده‌های ایرانی را در پی داشته و این میزان تغییر می‌بایست با اهتمام و توجه سیاست‌گذاران در خدمت خانواده جهت بهبود وضعیت مادران برای آموزش و تربیت بهتر نسل به‌کار برده‌شود و پیامدهایی مانند عدم پذیرش نقش‌های سنتی، مورد توجه و تحت کنترل قرار گیرد. (اعظم‌آزاده، به نقل از سیاح و حسینی، ۱۳۹۰) ارتقاء تحصیلات زنان، به دلیل عدم هماهنگی و همراهی دیگر عوامل از جمله نبود امکان نگهداری فرزند در دانشگاه‌ها، عدم انعطاف نظام آموزشی در دانشگاه‌ها برای مادران کودکان شیرخوار و غیر شیرخوار و... می‌تواند محدودیت‌هایی را برای ایفای نقش مادری فراهم آورد.

آمار و ارقام مربوط به افزایش میزان مهدهای کودک و ثبت‌نام در آن‌ها، به نوعی نشان‌دهنده‌ی تفویض بخشی از نقش‌ها و کارکردهای تربیتی مادران به مهدهای کودک است. در فاصله‌ی سال‌های ۸۰ تا ۸۸ علاوه بر مهدکودک‌های دولتی، تعداد مهدکودک‌های غیردولتی از ۲۴۴۷ مرکز در سال ۱۳۸۰ به ۱۴۰۰۸ در سال ۱۳۸۸ رسیده و طی این دوره تعداد مهدکودک‌ها ۵/۱ برابر شده‌است. تعداد کودکان استفاده‌کننده از این مهدها نیز ۳/۶ برابر شده‌است.^۱

افزایش فاصله تا اولین بارداری افزایش خانواده‌های بی‌فرزند و تک‌فرزند، افزایش میزان زایمان به روش سزارین، و... از دیگر مفروضات موثر در مطالعه‌ی تطورات مفهوم مادری در میان زنان امروز جامعه ایران است، که البته خود نیازمند کاوش و ارائه‌ی آمار تکمیلی و پژوهش‌های دقیق است.

فارغ از میزان علاقه زنان دو نسل به مادری، ما شاهد دو فضای پیرامونی و دو تجربه‌ی زیسته کاملاً متفاوت برای این دو نسل هستیم. شرایطی که مستقیم یا غیر مستقیم بر فرزند دارشدن دو نسل موثر بوده‌است. به طور مثال مادران نسل اول که تجربه‌ی مادری آن‌ها به دوران پیروزی انقلاب اسلامی و دفاع مقدس و در شرایط سخت اقتصادی و شرایط فرهنگی خاص آن زمان برمی‌گردد، ارزش‌های اجتماعی



متفاوتی چون ساده‌زیستی و قناعت در معیشت و اقتصاد خانواده را تجربه کرده‌اند، و از سویی ارزش‌های عرفی جامعه‌ی زمان آن‌ها کار را در امر مادری برایشان ساده‌تر می‌ساخته‌است.

اما زن امروز در حالت کشمکش و حیرانی است. با جامعه‌ای روبه‌روست که ارزش‌های جدیدی را تجربه می‌کند. ارتباطات فرهنگی و اجتماعی و رسانه‌های جمعی، تنوع و توسعه‌یافته و فرزندآوری و تربیت فرزند پیچیدگی‌های فراوانی یافته‌است. الگوی تربیتی رسانه‌ها و سبک‌زندگی مردم تغییر کرده و فردگرایی رشد یافته‌است. امکانات تحصیل و اشتغال زنان چنان که پیش از این گذشت افزایش یافته و زن تحصیل‌کرده در فکر ادامه تحصیل و اشتغال است. با همه‌ی این ملاحظات مسئله‌ی اصلی پژوهش حاضر را می‌توان کشف و تبیین تفاوت دیدگاه، فهم و تعریف مادران از مفهوم مادری در سال‌های ابتدای انقلاب اسلامی و مادران نسل‌های پس از آن عنوان کرد. لذا در راستای فهم این تطورات مفهومی از مادری به این پرسش‌ها پاسخ خواهیم داد؛ معنای مادری نزد زنان ایرانی چیست و آن را با چه مجموعه‌ی واژگانی و یا با چه ادبیات و تعبیری بیان می‌کنند؟ آیا می‌توان تمایزی بین معانی مادری در میان زنان یافت و آیا درک افراد از «مادری» یکسان است؟ چنین تمایزی حول چه مفاهیم اصلی شکل گرفته‌است؟

روش تحقیق

پژوهش حاضر به لحاظ روش تحقیق در زمره‌ی تحقیقات کیفی و از نوع نظریه‌ی مبنایی- میباشد. نظریه‌ی مبنایی نظریه‌ای است که از تحلیل داده‌ها به طور استقرایی حاصل می‌شود. روش نظریه‌ی مبنایی می‌کوشد با به‌کارگیری یک سلسله رویه‌های نظام‌مند، نظریه‌ای مبتنی بر استقرا درباره پدیده‌ی مورد مطالعه ایجاد کند. یافته‌های آن نیز شامل یک تنظیم نظری از واقعیت تحت بررسی است. (استراس و کوربین، ۱۳۸۵: ۲۴-۲۳). نظریه مبنایی به دنبال تولید نظریه با استفاده از تحلیل داده‌ها می‌باشد.

جامعه مورد مطالعه‌ی پژوهش حاضر، زنان متأهل هستند. اعم از صاحب فرزند یا فاقد فرزند، که متعلق به دو نسل می‌باشند. از آنجایی که محقق به دنبال واکاوی مفهوم مادری در بین زنان بوده و نه بررسی تجربه زیسته‌ی آنان، زنان فاقد فرزند نیز در نمونه، گنجانده شده‌اند. به اعتبار تعاریف مفهومی نسل و با لحاظ معیارهای بیولوژیکی (سن)، دوره‌ی اصلی جامعه‌پذیری و شکل‌گیری دیدگاه‌های متمایز (۱۴ تا ۲۵ سالگی)، و با ارجاع به حوادث تاریخی مهم سه دهه‌ی اخیر در ایران، یعنی انقلاب اسلامی و جنگ تحمیلی و حوادث بعد از انقلاب اسلامی و جنگ و همزمانی گروه‌های سنی مختلف با این حوادث، تعریف عملیاتی دو نسل مورد نظر در این پژوهش به شرح زیر صورت گرفته‌است:

۱- نسلی که در جریان انقلاب اسلامی موجد و نقش‌آفرین اصلی انقلاب اسلامی بوده‌است و سپس جنگ تحمیلی را اداره کرده‌است و در تحقیق حاضر نسل انقلاب و جنگ نام دارد.

۲- نسلی که فرایند جامعه‌پذیری آن‌ها به سال‌های بعد از انقلاب اسلامی و به‌طور خاص سال‌های پس از جنگ تحمیلی بازمی‌گردد. گروه‌های سنی مرتبط با این دو نسل در پژوهش به صورت زیر طبقه‌بندی شدند:

جدول شماره ۱. نسل‌ها در تحقیق حاضر

سن در زمان مطالعه	سال تولد	نسل
۴۴ - ۵۵	۱۳۳۷ - ۱۳۴۸	نسل انقلاب و جنگ (نسل بزرگسال)
۲۵ - ۳۷	۱۳۵۵ - ۱۳۶۷	نسل پس از جنگ (نسل جوان)

نمونه مورد مطالعه

برخلاف تحقیقات کمی، در روش نظریه‌ی مبنایی نمی‌توان پیش از ورود به میدان تحقیق حجم نمونه را تعیین کرد، بدین معنی که چون در این روش انتخاب نمونه با هدف رسیدن به گزاره‌ها و روابطی صورت می‌گیرد که مستند به داده‌های تجربی است، نه با هدف تعمیم آماری، مادام که نمونه‌های اضافی اطلاعات مفید و مرتبطی را درخصوص مسئله مورد مطالعه در اختیار محقق قرار دهند، فرآیند نمونه‌گیری ادامه می‌یابد. معیار قضاوت در این زمینه که چه وقت نمونه‌گیری نظری به پایان می‌رسد "اشباع نظری" مقوله یا نظریه حاصل است.



به طور کلی روال بر این است که مقولات محوری تحقیق که بیشترین قدرت تبیینی را دارند حتی المقدور اشباع شوند. پس از انتخاب نمونه اول، بر اساس تحلیلی که از آن نمونه به عمل می‌آید و طبعاً نظریه‌ای که به تدریج ظاهر می‌شود، نمونه‌های بعدی انتخاب می‌شوند (ذکایی، ۱۳۸۱: ۵۹-۵۸).

در این تحقیق در مجموع با ۳۰ نفر از زنان دو نسل مصاحبه‌های عمیق نیمه‌ساختارمند انجام شد. ۱۶ تن از مصاحبه شونده‌گان به نسل انقلاب و جنگ (بزرگسالان) و ۱۴ تن به نسل پس از جنگ (جوانان) تعلق داشته‌اند. فراوانی و مشخصات مربوط به سن و تعداد فرزندان زنان مورد مطالعه در جداول ۲ و ۳ مشاهده می‌شود.

جدول شماره ۲. طبقه‌بندی سنی مادران مورد مطالعه

سن	۲۵-۳۰	۳۱-۳۵	۳۶-۴۰	۴۱-۴۵	۴۶-۵۰	۵۱-۵۵	جمع
تعداد	۹	۵	۱	۲	۷	۶	۳۰

جدول شماره ۳. تعداد فرزندان زنان مورد مطالعه

تعداد فرزند	۰	۱	۲	۳	۴
تعداد	۷	۴	۹	۶	۴

تحلیل داده‌ها

نظریه مبنایی دارای سه رکن اصلی؛ مفاهیم، مقوله‌ها و قضیه‌ها است. مفاهیم، واحدهای بنیادی تحلیل هستند زیرا نظریه از طریق مفهوم‌سازی داده‌ها شکل می‌گیرد و نه داده‌های عینی. مقوله‌ها نسبت به آنچه مفاهیم نشان می‌دهند، تجریدی‌تر و در سطح بالاتری قرار دارند یعنی ترکیب یا کنار هم قرار گرفتن چند مفهوم تشکیل یک مقوله یا طبقه می‌دهند و برای شکل‌گیری، همان فرآیند تحلیلی مقایسه‌ای را طی می‌کنند تا شباهت‌ها و تفاوت‌هایی را که برای ایجاد مفاهیم سطح پایین‌تر استفاده می‌شود، برجسته‌سازند (گلیسر و استراس، ۱۹۶۷، به نقل از فلیک، ۱۳۸۷: ۱۳۸).

مقوله‌ها شالوده‌های تدوین نظریه‌اند و ابزاری را فراهم می‌آورند که بدان وسیله نظریه می‌تواند انسجام پیدا کند. قضیه‌ها اما، بیانگر روابط تعمیم‌یافته بین یک مقوله و مفاهیم اولیه آن است. تولید و خلق مفاهیم، مقوله‌ها و قضیه‌ها، فرآیندی چرخه‌ای-تکراری است. اولین گام ساخت نظریه طرح پژوهش و مسئله است. گام بعدی، انتخاب نخستین نمونه است. این مهم همانگونه که در شیوه‌ی نمونه‌گیری اشاره شد صورت گرفت. نمونه‌ها را باید مطابق با اصل نمونه‌گیری نظری انتخاب کرد. نمونه‌گیری نظری فرایند جمع‌آوری داده‌ها برای ساخت نظریه است که از طریق آن تحلیل‌گر هم‌زمان به گردآوری، کدگذاری و تحلیل داده‌های خود می‌پردازد و برای تدوین نظریه در حین شکل‌گیری خود تصمیم می‌گیرد در مرحله بعد چه داده‌هایی را جمع‌آوری و آن‌ها را کجا پیدا کند (همان: ۱۳۸).

پس از مرتب‌کردن داده‌های جمع‌آوری‌شده تحلیل داده‌ها که در قلب پژوهش کیفی جای دارد و نقشی محوری در رسیدن به نظریه ایفا می‌کند آغاز می‌شود. (فلیک، ۱۳۸۷: ۳۲۹). استراس و کوربین از سه نوع کدگذاری با عناوین کدگذاری باز^۱، کدگذاری محوری^۱ و کدگذاری انتخابی^۱ نام می‌برند.

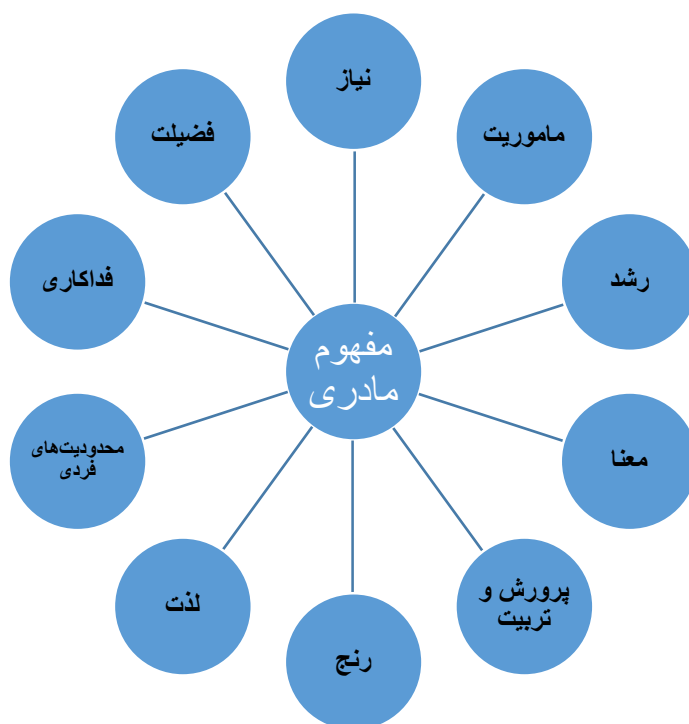
کدگذاری باز روند خرد کردن، مقایسه‌کردن، مفهوم‌پردازی کردن و مقوله‌بندی کردن داده‌هاست. (استراس و کوربین، ۱۳۸۵: ۶۲). متن مصاحبه‌ها در جدولی سه ستونی وارد؛ ستون اول متن کامل، ستون دوم مفاهیم حاصل از کدگذاری باز و در ستون سوم با کدگذاری محوری مقوله‌های حاصل از تحلیل مفاهیم یادداشت شد.

برای مثال در کدگذاری محوری که شامل تعیین الگوهای موجود در داده‌هاست، ده مقوله محوری از میان مفاهیم کدگذاری شده‌ی باز استخراج شد. یکی از این مقوله‌های محوری ده‌گانه، که مادری به‌مثابه رنج عنوان شد، خود مبتنی بر مفاهیمی مانند بیداری‌ها، رنج بیماری فرزند، خستگی‌های روزمره و... بود. در کدگذاری انتخابی اما، مقولاتی که برای ساختن چهارچوب نظری اولیه تنظیم شده‌اند، با یکدیگر ترکیب و نظریه‌ای کامل ساخته و پرداخته شد.

در مرحله‌ی کدگذاری انتخابی تحلیلی از سطح توصیفی فراتر رفت و یک مفهوم که همان مفهوم فداکاری بود به پدیده‌ی اصلی داستان نسبت داده شده و با سایر مقوله‌ها مرتبط شد، به این ترتیب با انتخاب مقوله محوری به همراه مقولات فرعی، چهارچوب نظری اولیه شکل گرفت و راهبردها و گونه‌شناسی منحصر به تحقیق حاضر در مفهوم مادری ارائه شد.

یافته‌های پژوهش

با کدگذاری باز و محوری در تحلیل مصاحبه‌ها سعی در فهم مفهوم مادری از دیدگاه زنان در دو نسل داشتیم. یافته‌ها حاکی از آن است که تمام زنان مادری را در سطح انتزاعی به طور یکسان تعریف می‌کنند و این تعاریف یکسان را با واژگانی مشترک بیان می‌کنند. این تعاریف مشترک زنان از مادری گاهی برخاسته از حس غریزی و درونی زنان و گاهی برخاسته از نگاه فرهنگی مشترک آنان به این مسئله بوده است و می‌توان گفت فرهنگ عمومی این مفهوم را در تمام زمان‌ها به طور یکسان نهادینه کرده است. زنان مورد مطالعه مادری را در ده دسته‌ی مفهومی مشترک بیان داشته‌اند (نمودار شماره ۱):



نمودار شماره ۱. مقوله‌های ده‌گانه‌ی استخراج شده

۱- مادری به مثابه رنج

اکثر زنان مورد مطالعه مادری را با رنجی همراه می‌دانستند، این رنج گاه با رضایت و گاهی توأم با فشار بیان می‌شد. در رنج توأم با لذت، زنان به بیان سختی‌های مادری می‌پرداختند و البته در ادامه بیان می‌داشتند که تمام این رنج‌ها برای ایشان لذت‌بخش بوده است و هم‌اکنون فراموش شده است.

«شبی به یک کسی هستم که برای کنکور درس خونده، خب سختی هم کشیده بعد دانشگاه قبول میشه و احساس میکنه به چقدر خوب بود... تمام سختی‌ها برایم لذت بخش بود. (الهه- ۵۳ ساله- دو فرزند)

در رنج توأم با فشار، سه نوع فشار مطرح شده است. گاهی زنان به جهت تعارض نقش‌های همسری و مادری متحمل فشار می‌شوند، که به بیان خودشان به مرور زمان و با همکاری همسر بر آن فائق آمده‌اند و گاهی فشار به جهت مسئولیت بوده است. زنان مادری را مسئولیتی سنگین و توأم با نگرانی بیان داشته‌اند که بخاطر این مسئولیت، فشار و استرس زیادی را متحمل می‌شوند.



«با بچه‌دار شدن مسئولیت گردنمون افتاد. فشار زندگی بهرحال روم زیاد می‌شد. چون خیلی هم روی تربیتشون حساس بودم... تعارض پیدا شده بین یک همسر خوب بودن برای شوهرم و یک مادر خوب بودن. نمیگم نمیشه ولی چون بچه‌ها یک سری توقعاتی دارن که شاید از دید باباشون قابل درک نباشه ولی من چون مادرم احساس می‌کنم باید تا یک حدودی بهشون بها داده بشه... (صبا- ۳۷ ساله- دو فرزند)»
 نوع سوم فشار، فشار جسمانی است که زنان در بیان تجربه بارداری و زایمان و شیردهی به بیان سختی‌ها و مشکلات جسمی حاصل از بارداری و... می‌پرداختند.

«بچه من تمام ۲ سال فقط شیر می‌خورد. دوست دارم مستقل باشد، این قدر وابستگی خیلی زیاد است... وابستگی زیاد توقع ایجاد می‌کند بچه زجر می‌کشد. رابطه شوهر من خیلی کم شده... اما چون جزو زندگی می‌دانیم سخت نیست... سختی‌هایی هم دارد، بدنم تحلیل رفته، هیچی برام نمانده، امیرحسین همه آهن و کلسیم من را گرفت، بچه دومم هم همینطور، شیر خوردنش هم هست. هنوز سرگیجه‌های شیر خوردن امیرحسین حل نشده. (مرضیه- ۲۹ ساله- دو فرزند)»

۲- مادری به مثابه رشد

برخی مادری را عاملی برای رشد زنان می‌دانند که شامل رشد فکری، رشد روحی و رشد فضایل اخلاقی است. زنان پس از بیان سختی‌هایی که در فرایند مادری متوجهشان شده‌است، اذعان می‌کنند که تمام این سختی‌ها منجر به رشدشان شده‌است. حتی برخی از زنان این امر را علت اصلی مادرشدن خود بیان کرده‌اند.

«از نظر من بچه‌دار شدن باعث رشد آدم میشه، هر اشکالی شما داشته‌باشی بچه هم همون اشکال را داره برای همین مجبوری اول خودت رو درست کنی... این خیلی خودسازی می‌خواد. (صدیقه- ۵۱ ساله- دو فرزند)»

«بالاخره طبیعت و همین سختی‌ها، چرا انسان باید سختی ببیند، چرا خدا که مهربان‌تر از همه به ماست ما را با سختی‌ها در ذات دنیایی آفریده؟ چون این سختی‌ها خودشون فی‌نفسه اثر تربیتی برای روح ما داشته... و همه‌ی اینها من را رشد می‌دهند و این خودبینی قبل از مادر شدن من از بین رفت... دردهای زایمان باعث رشدم شد و ظرفیت وجودی‌ام را اضافه کرد. (فاطمه- ۲۷ ساله- دو فرزند)»

۳- مادری به مثابه نیاز

برخی از تعاریف و بیانات زنان از مادری برخاسته از یک نیاز درونی و غریزی است که گاهی مستقیم و گاهی غیرمستقیم آن را بیان داشته‌اند. زنان نیازهایی از جمله نیاز به آرامش، نیاز به امنیت، نیاز به دستگیری در دوران پیری، نیاز به تعادل روحی و روانی، نیاز به سرگرمی را در میان نیازهای خود برشمرده‌اند که مادری را پاسخ مناسب و دقیقی به این نیاز خود می‌دانند.

«به نظر من اون موقعی که زنها پیر می‌شوند از دیدن اینکه بچه‌هایی دارند که بهشون رسیدگی می‌کنند، محبت می‌کنند، مراقبت می‌کنند ازشون، یک لذتی داره براشون. مطمئنا پیری شادتری رو تجربه می‌کنند. (الهه- ۵۳ ساله- دو فرزند)»

«بالاخره یک نیاز مادری هست تو وجود زنان. وقتی آدم بچه کم بیاره انگار اون نیازش پاسخ داده نمیشه... بچه داشتن یک نیازه. خدا این را در وجودش قرار داده. (صدیقه- ۵۱ ساله- دو فرزند)»

۴- مادری به مثابه فداکاری

تمام زنان مادری را با فداکاری تعریف کرده‌اند و بدون استثناء در تعریف مادری مستقیماً سراغ همین واژه رفته‌اند. تمام البته برداشت‌ها و تعریف فداکاری در بین آن‌ها متفاوت است. برخی فداکاری را وقف صد در صدی خود برای فرزند می‌دانند:

«مادری یعنی با تمام وجود ایثار کردن برای بچه. من هرکاری برای بچه‌ها می‌کنم تا تمام وجودم عشق دارم. (الحان- ۵۴ ساله- چهار فرزند)»

برخی دیگر معتقدند فداکاری برای فرزندشان دارند اما فداکاری صددرصدی را قبول ندارند و اثرات آن را در تربیت مخرب می‌دانند عده‌ای دیگر از زنان ضمن اعتقاد به فداکاری در مساله‌ی مادری، این نوع فداکاری را غیرعقلانه می‌دانند و معتقدند مادران به جهت محبت عمیقشان به فرزند، فداکاری و از خودگذشتگی غیرعقلایی دارند.



«اصلا شاید فداکاری یک مادر همین باشه. ضمن اینکه عموماً کسانی که به یک جایی رسیدند اکثراً مادرهاشون کس خاصی نبودند. (منصوره-۳۱ ساله- سه فرزند)»

«من از طرف خودم به مادرم ۲۰ می‌دهم، اما خودم اصلاً مثل مادرم رفتار و عمل نمی‌کنم. چون اول خودش را حروم کرد. هنوز فداکاری‌هایی می‌کند که ما عاقلانه نمی‌دانیم بین برادر هفتادی من و پدر انقلابی من تعارض‌هایی است که مادرم جمع می‌کند. خودش رو نابود کرد. (رها- ۲۸ساله- بدون فرزند)»

۵- مادری به مثابه ماموریت

برخی از زنان مادری را رسالت و کارویژه‌ی زنان معرفی کرده‌اند و معتقدند که استعداد و توانمندی مادری در بطن زنان به صورت عام موجود است. آن‌ها این رسالت را با واژه‌هایی مانند مسئولیت تعریف می‌کردند. که در پی این مسئولیت وظایفی متوجه زنان می‌شود که موظف به انجام آن می‌باشند. برخی از این وظایف را شرع و برخی را عرف بر آنان فرض کرده‌است. این عرف به قدری قدرت دارد که عدم انجام این وظایف توأم با عذاب وجدانی در زنان می‌باشد.

از زنان نیز مادری را هویت اصلی جنس زن می‌دانند که آنان را از مردان متمایز ساخته‌است آنان معتقدند مادری بخشی از وجود زن است و به تبع آن استعداد آن در وجودشان نهفته‌است. این زنان نابرابری را نقص و کمبود می‌دانند.

تمام زنان مورد مطالعه تمایل باطنی به مادری دارند و از نابرابری هراس دارند، به‌گونه‌ای که حتی زنانی که ابراز داشته‌اند که قصد بچه‌دار شدن ندارند و تمایلی هم به این موضوع ندارند، خود را تحت نظارت پزشکان قرارداده‌اند تا از امکان بارداری خود مطمئن شوند. این دسته نیز ابراز کرده‌اند که هرگز دوست ندارند ناباور باشند.

«به نظر من بزرگترین رسالت یک زن همون مادربودنشه. یعنی تربیت نسل... حالا تحصیلات عالی، فعالیت‌های مختلف، بودن تو جایگاه‌های مختلف اجتماعی و...، جای خودش، ولی هیچکدوم از اینها رسالت زن نیست. یعنی واقعا خدا هدفش از خلقت زن مادری بوده بعلاوه اینها. نه اینها بعلاوه مادری... (محبوبه-۵۰ ساله- چهار فرزند)»

«نه دوست ندارم نازا باشم. اوایل برام مهم نبود ناباور باشم یکی از دلایلی خودمم، چون دوست دارم بچه داشته باشم و دلیل دیگه اینکه اگر بچه‌دار نشویم جواب خانواده شوهر را چطور باید بدهیم چون خیلی برایشان مهم است. اما واقعیتش یک سری بیماری‌ها جورواجور هست که آدم نگران می‌شه که توی خیلی‌ها می‌بینم که وقتی زیاد می‌گذره دچار مشکل می‌شوند و حالا حالاها نمی‌تونند بچه‌دار شوند. نه اینکه بخاطر حرف آن‌ها بخواهیم بچه بیاریم ولی احساس می‌کنم... (الهام-۳۰ ساله- بدون فرزند)»

۶- مادری و معنا

برخی از زنان هدف اصلی زندگی زناشویی را بچه‌دار شدن می‌دانند و معتقدند بچه‌دار شدن در بطن ازدواج نهفته‌است. برخی دیگر از زنان بیان داشته‌اند به جهت علاقه‌ی عمیقی که بین آنان و فرزندان‌شان نهفته‌است تنها هدف و علت زندگی آن‌ها فرزندان‌شان هستند. برخی دیگر معتقدند زندگی نیاز به یک هدفی دارد هدفی که برای آن تلاش می‌کنند تا زندگیشان معنا پیدا کند و از رخوت رها شوند. آن‌ها معتقدند فرزند و تلاش برای فرزند هدفشان در زندگی است. هدفی که تمام عمر برای به ثمر نشستن آن تلاش می‌کنند.

«توی عقد رابطه خوبی با همسرم نداشتم... هر موقع ناراحت می‌شدم تو زندگی می‌گفتم خب جدا می‌شم. اما وقتی که بچه‌دار شدم مواقع ناراحتی از خدا می‌خواستم که مرگم بده. اما بلافاصله یاد بچه‌ام می‌افتادم و حرفمو پس می‌گرفتم... الان بچه‌ام شده تنها دلیل زنده بودنم. (مهديه-۲۹ ساله- یک فرزند)»

۷- مادری به مثابه فضیلت (امر قدسی)

در میان مصاحبه‌شوندگان بعضی مادری را امری قدسی و ماورایی می‌پندارند. وظیفه‌ای که از جانب پروردگارشان بر دوش آنان گذارده شده‌است. این زنان با بارداری احساس نزدیکی بیشتری با خدا می‌کنند و دوران بارداری را معنوی‌ترین دوران زندگی خود می‌دانند و در زندگی برای تمام تلاش‌هایشان در جهت فرزندپروری با خداوند معامله می‌کنند.

«به لحاظ معنوی هم دوران حاملگی خیلی خوب بود زیباترین دوران یک مادرم... آدم احساس می‌کنه یک لطف و عنایت خاصی بهش هست به واسطه‌ی اون بچه‌ی پاک و بیگناهی که توی شکمشه. مادرای امروز ما خیلی به این توجه نمی‌کنند که خدا یک امانت داده بهشون



تا اون رو رشد بدهند... اصلا خدا با مادری کردن به زن ارزش می‌دهد... تو سختی‌های سومی گاهی گریه می‌کردم تو بارداری بعد که با خدا درد و دل می‌کردم که خدایا من فقط برای رضای تو... بچه دارشدم خیلی آروم تر می‌شدم. (منصوره- ۳۱ ساله- سه فرزند)»
 عده‌ای نیز تولد فرزند را امری الهی می‌دانند و معتقدند تولد برابر با خلق موجودی است توسط پروردگار، و خود را صرفاً مجرای برای تحقق امر خدا می‌دانند. و البته گاهی اینطور به نظر می‌رسد که زنان به خصوص در نسل اول مادری را با واژه‌هایی دینی تعریف می‌کنند مانند باقیات الصالحات دانستن فرزند.

«اگر هم آدم بچه رو خیلی خوب تربیت کنه باقیات الصالحاتش می‌شه. (فرزانه- ۵۱ ساله- چهار فرزند)»
 «خدا داره یه انسان خلق می‌کنه و خلقت این انسان به اندازه‌ی انسان نخستین عظمت و حکمت دارد و معنا دارد (فاطمه- ۲۷ ساله- دوفرزند)»

۸- مادری به مثابه لذت

زنان در تعریف مادری به بیان لذت‌های بیشمار تجربه مادری می‌پردازند.
 «حس خیلی خوبی داره. آدم خیلی امیدواره و خوشحال که یه بچه تو شکمشه و خیلی با بچه احساس نزدیکی می‌کنه. نمی‌شه خیلی توصیفش کرد. (سعیده- ۲۸ ساله- یک فرزند)»

۹- مادری و محدودیت‌های فردی

برخی از زنان مادری را از بین رفتن خودخواهی می‌دانند و برخی دیگر گذر از فردیت را از ملزومات مادری می‌دانند که بدون تحقق آن مادر شدن غیر ممکن است. این گذر از فردیت در زنان به فراخور شرایط و سلیقه‌شان میزان متفاوتی دارد. برخی فردیت خود را کامل از بین می‌برند و برخی دیگر تا حدی این کار را انجام می‌دهند.
 «...اگه فشار اقتصادی توی خونه بود سعی می‌کردیم منو همسرم خودمون این فشار رو متحمل بشیم تا بچه‌هامون متوجه نشوند مثلاً وقتی که گوشت کوپنی بود و گوشت آزاد خیلی گرون بود... مقدار کمی گوشت خوب می‌خریدیم مخصوص پخت و پز غذای بچه‌ها. خودمون گوشت کوپنی مصرف می‌کردیم... (الهه- ۵۳ ساله- دو فرزند)»

«هیچ نقشی چون مادری در شخصیت آدم تأثیر نمی‌گذارد و اینکه از خود چشم‌پوشیم به خاطر نفر دیگر و این در مادری تا این حد اتفاق می‌افتد. اما این فدا شدن نیست... اما اینکه آدم توی تمام تعاملاتش که با تمام انسان‌ها داره فقط توی تعاملاتش با یک نفر هست که اون رو اولویت می‌ده. اون هم بچه‌اش است. حتی تو رابطه‌ی با همسرش هم آدم بیشتر خودش رو می‌بینه (فاطمه- ۲۷ ساله- دو فرزند)»
 دسته دوم معتقدند باید برای خود نیز حریم خصوصی و حیطة شخصی ایجاد کنند. در مصاحبه با زنانی که تا کنون مادری را تجربه نکرده‌اند مشاهده شده برخی از آن‌ها تنها به جهت عدم تمایل به ترجیح دیگری بر خود، تن به مادری نداده‌اند. این گذر از فردیت پیوندی نیز با فداکاری دارد. این گذشتن از خود برای دیگری را از مصداق‌های فداکاری نیز برشمرده‌اند.
 «خودم را انتخاب می‌کردم هر چیزی که آینده حرفه‌ای من را به خطر می‌اندازد، نمی‌تونم قبول کنم... من دارم بین رفاه خودم، قید و بند خودم و بچه انتخاب می‌کنم... نمی‌خوام برایش وقت بگذارم مهمترین چیزی که مهمه، وقته. مال خودمه می‌خوام آزاد باشم دوست دارم تا ظهر تو رختخواب باشم یا برم کوه، به بچم همه چیز می‌تونم بدم الا وقت. (رها- ۲۸ ساله- بدون فرزند)»

۱۰- مادری به مثابه پرورش و تربیت

اکثریت قریب به اتفاق زنان، اعم از دارای فرزند و فاقد فرزند، مادری را با پرورش تعریف می‌کنند. این پرورش اعم از پرورش فکری، پرورش روحی، پرورش جسمی می‌باشد. که البته وزن پرورش به معنای تربیت در مصاحبه‌ها بیشتر بوده‌است. تمام زنان کار ویژه و مهمترین وظیفه مادر را تربیت می‌دانستند. که نیازمند وقت‌گذاری و صرف انرژی زیادی می‌باشد. هر کدام از زنان تربیت را به سبک خودشان تعریف می‌کنند. برخی تربیت را معادل تربیت دینی می‌دانستند، برخی تربیت را معادل آموزش آداب اجتماعی و راه و رسم زندگی می‌دانستند و برخی دیگر تربیت را به معنای پرورش استعدادها و توانمندی‌های فکری می‌دانستند که البته بیشتر زنان تلفیق هر سه مورد را مد نظر داشتند.



«در شقاوت و سعادت بچه مادر نقش داره. مهم‌ترین وظیفه مادر تربیته... بهترین مادر کسی که اول خودش تربیت شده باشه تا بعد بتونه بچه‌های خوبی تربیت کنه. (صدیقه-۵۱ ساله-دو فرزند)»

«پیامبر میگن: زن زمین زراعت مرده... رابطه زناشویی هم همینه دیگه. مرد بذرشو تو رحم زن می‌کاره. اگه خاک اون زمین خوب نباشه بذر خوب رشد نمی‌کنه. بچه‌ی خوبی تربیت نمی‌شه... تربیت بچه در ارتباط با روحیات و ایمان مادرشه. (خاطره-۳۲ ساله-بدون فرزند)»
مفهوم کلیدی

در کدگذاری انتخابی، کدگذاری محوری در سطحی انتزاعی‌تر ادامه می‌یابد و تحلیل از سطح توصیفی فراتر می‌رود. در این مرحله، رابطه‌ی هر یک از مقوله‌های محوری با مقوله‌ی اصلی ملاحظه شده و با توجه به داده‌های مستخرج از متن، مفهوم محوری انتخاب می‌گردد. با این ملاحظه مفهوم محوری پژوهش حاضر «ایثار و فداکاری» شناسایی شد. بر این اساس تقریباً تمامی مادرانی که مورد مصاحبه قرار گرفته بودند مفهوم فداکاری را از مولفه‌های اصلی مفهوم مادری می‌انگاشتند. لکن در این میان در مواجهه با مادری و در پیاده‌سازی فداکاری رفتارها و راهبردهای متفاوتی از خود بروز می‌دادند، که بر این مبنا می‌توان دو تیپ مادری را شناسایی کرد:

تیپ اول مادری معطوف به خود می‌باشد که در آن تعاریفی همچون رشد و فضیلت و نیاز و رنج و معنا وزن بیشتری نسبت به دیگر دسته‌های مفهومی داشت. تیپ دوم مادری معطوف به غیر است که در آن وزن تعاریف تربیت، ایثار، ماموریت بیشتر است. در تیپ اول زن در مواجهه با مساله مادری و دیگر ابعاد زندگی توجه بیشتری به خود و منافع خود می‌کند حال آنکه در تیپ دوم زن دیگری را بر خود ترجیح می‌دهد و در مواجهات با ابعاد مختلف دست به وقف خود و منافعش می‌زند. با دقت بیشتر در ویژگی‌های زنان مورد مطالعه، به این نتیجه رسیدیم که زنانی که تیپ مادری فردمحور دارند غالباً زنان متعلق به نسل کنونی هستند و زنانی که تیپ مادری وقف‌محور دارند غالباً متعلق به نسل انقلاب و جنگ و دارای پایه‌ها و اعتقادات مذهبی محکم‌تری هستند. آنچه از بررسی مصاحبه‌ها به دست می‌آید این است که فردگرایی در نسل جدید بیشتر است و در ابعاد مختلف زندگی ایشان بیشتر قابل مشاهده است.

زنان متعلق به دوره‌ی انقلاب و جنگ در فضای گفتمانی انقلابی زیست می‌کرده‌اند. در این دوره ارزش‌های جمعی رنگ و بوی بیشتری داشته و از خودگذشتگی و ایثار نیز ارزش برتر آن دوران بوده‌است حال آنکه هرچه می‌گذرد سبک زندگی افراد فردگراتر و منفعت‌طلبانه‌تر شده‌است و این خود می‌تواند عاملی برای تغییر استراتژی‌های زنان در مواجهه با مساله‌ی مادری باشد.

نکته‌ی اساسی این است که در واقعیت زندگی، عموماً نوع زن در تعارضی بین نقش‌های مختلف قرار می‌گیرد و این تعارض او را دچار سردرگمی می‌کند. زن مجبور است در بین نقش‌های مادری، همسری، و دیگر نقش‌های اجتماعی و غیراجتماعی خود به توازنی دست یابد تا ایفای نقش‌هایش میسر شود. برای رسیدن به این توازن زنان سیاست یا راهبردی را برمی‌گزینند و بر اساس آن سیاست و راهبرد عمل می‌کنند.

استراتژی‌های زنان در مواجهه با مادری

بر اساس یافته‌های پژوهش، استراتژی‌های زنان در مواجهه با مسائل مربوط به مادری عبارتند از:

۱- انصراف ۲- تعویق ۳- تغییر ۴- تحدید ۵- ترجیح

از این پنج استراتژی، انصراف و تعویق در قالب استراتژی‌های هم‌نوا با ارزش‌های فردی قرار می‌گیرند. ترجیح و تحدید نیز در قالب استراتژی‌های هم‌نوا با ارزش‌های جمعی قرار می‌گیرند و تغییر نیز سعی در سازگاری میان ارزش‌های فردی و جمعی دارد. مادران نسل گذشته بیشتر از استراتژی‌های هم‌نوا با ارزش‌های جمعی استفاده می‌کنند اما استراتژی مادران نسل جدید عموماً شامل استراتژی‌های هم‌نوا با ارزش‌های فردی است.

در ادامه نمونه‌هایی از متن مصاحبه‌ها برای اشاره به این استراتژی‌ها بیان می‌شود.

انصراف

برخی از زنان با در نظر گرفتن منافع شخصی و شرایط موجود زندگی‌شان تصمیم به انصراف از مادری در زندگی خود گرفته‌اند. این زنان تصمیمی به بچه‌دار شدن ندارند و اصلاً ازدواج را برابر با مادر شدن نمی‌دانند.



«... من هنوز نیازی به بچه توی زندگی من احساس نکردم. و احساس می‌کنم همه چیز زندگی خوبه. هم اینکه میگم توی این دنیا و این زومنه که شرایط خیلی سخت شده به خودم میگم چرا اون بچه را بیارم توی این فضا. فقط مشکلات رو بهش هدیه بدم؟ آلودگی صوتی آلودگی هوا... این برای من خیلی مهم نیست که نسل من ادامه پیدا کنه... (مریم-۳۱ ساله- بدون فرزند)»

«در زندگی خالایی نداریم که بچه بخواد پرش کنه، خالایی نیست. شوهرم می‌گه سری که درد نمی‌کنه دستمال نمی‌بندن. (رها-۲۸ ساله- بدون فرزند)»

تعویق

برخی از زنان با توجه به شرایط زندگی خود جهت توازن وظایف اجتماعی و دیگر وظایف خانوادگیشان مادر شدن خود را به تعویق انداخته‌اند. از دیگر دلایل و شروطی که زنان برای برگزیدن سیاست تعویق مادری خود برشمرده‌اند مهیا شدن شرایط اقتصادی و شرایط خانوادگی... در آینده بوده‌است.

«من خودم تجربه‌ی خیلی مثبتم دارم در مورد مادری و نگاهم از همان اول خیلی مثبت بود و اینکه چند سال تأخیر انداختیم چون داشتم لیسانس را می‌خواندم... و در ترم آخر لیسانسم باردار شدم و با ارشد خیلی راحت‌تر بود جمع کردنش و ارشد کلا ۳۵ واحد... و خدا رو شکر که پیش رفتیم. (فاطمه-۲۷ ساله- دو فرزند)»

تغییر

تغییر سبک یکی دیگر از راه‌حل‌ها و استراتژی‌های زنان در مواجهه با تعارضات بین نقش‌هایشان بوده‌است. زنان با خلاقیت و توانمندی خود برای انجام و ادامه‌ی فعالیت‌هایشان همراه با فرزندان، سبک حضور و فعالیت‌هایشان را تغییر داده‌اند تا مادری کردنشان ممکن باشد.

«من اولین بچه‌ام که به دنیا اومدم... دوران زایمانم تدریس‌هام رو توی خونه انجام می‌دادم. بعد هم برا درس خوندم بچه‌ام را می‌بردم دنبال خودم به حوزه. می‌گذاشتمش اطاق بغل کلاس. بعد از کلاس می‌رفتم سرش. مباحثه‌هایمان هم اینطوری بود که بچه‌ها می‌اومدند خونه ما. توی فضای خونه بودم بچه‌ها هم کنارم بودند. تا زمانی که مریم به دنیا اومد. با به دنیا اومدن مریم تدریس رو گذاشتم کنار. کلا تو این مدت هم بچه داری می‌کردم هم درس می‌خوندم (الهه-۵۳ ساله-دو فرزند)»

تحدید

برخی از زنان جهت توازن و سازگاری بین نقش مادری و دیگر نقش‌هایشان در زندگی به محدود کردن دیگر نقش‌ها جهت رسیدگی و ایفای بهتر نقش مادری پرداختند.

«دورانی که بچه‌ها کوچیک بودند یک مقدار فعالیت اجتماعی‌ام را محدود کردم. تقریباً تا ۲-۳ سالگی بچه‌ها. به‌اضافه اینکه سعی می‌کردم فعالیت‌های اجتماعی‌ای رو داشته باشم که نیاز نداشته باشه خیلی بیرون از خونه باشم. (الهه-۵۳ ساله-دو فرزند)»

ترجیح

این زنان در تعارض نقش و فعالیت اجتماعی با زندگی شخصی و نقش مادری، فرزندان خود را ترجیح داده و تصمیم به ترک یا حذف فعالیت و نقش خود گرفته‌اند.

«من اصلاً فکرش رو هم نمی‌کردم که بچه داشتن مانع درس خوندم بشه... اما خب بعد که بچه‌دار شدیم دیدم اگه واقعا بخوام خوب به بچه‌ها برسم نمی‌توانم وقت زیادی برای درس خواندن بگذارم. خب دوست نداشتم بچه رو از همون اول بگذارم مهد. احساس می‌کنم بچه تا سه چهار سالگی حتماً باید پیش مادرش بزرگ بشه... دانشگاه مجازی هم که باید آن‌لاین پای کامپیوتر سه چهار ساعت بشینم. دیدم اینجوری باید از محمدرضا کم بگذارم. بخاطر همین ره‌اش کردم. الان هم فکر میکنم که ضرر نکردم که برای بچه‌ها وقت گذاشتم. (منصوره-۳۱ ساله-سه فرزند)»

بحث و نتیجه‌گیری

شناخت نهادهایی چون مادری و تغییرات مفهومی آن در گرو شناخت، درک و برداشت افراد از این مفاهیم و چگونگی معنای آن است. باید بدانیم اعضای یک جامعه چه تصویری از مادری در ذهن دارند و چگونه مفهوم مادری را درک می‌کنند و در چارچوب این درک، چگونه به



تجربه‌ی خود از مادری معنا می‌بخشند. نتایج حاصل از این مطالعه نشان داد، تعریف زنان از مفهوم مادری در سطح انتزاع در هر سنی و در هر شرایط و با هر ویژگی یکسان می‌باشد و در تعریف مادری از تعابیر مشترک شناخته‌شده و بین‌الذهانی استفاده می‌کنند. اما در سطح رفتار رفتارهای متفاوتی را از خود بروز داده و نوع برخوردشان در عمل متفاوت است. بر اساس یافته‌ها، نسل زنانی که دوره انقلاب و جنگ را از سر گذرانده‌اند، در بیان تجربه‌های خود از مادری از ادبیات و مفاهیم آن دوران استفاده می‌کنند و با ارجاع به ارزش‌های آن دوره، تلاش می‌کنند مادری و تجربه خود از مادری را معنا کنند. این تفاوت تنها تفاوت زبانی نیست بلکه تفاوت تجربه زیست در جهان ارزشی متفاوتی است. انقلاب اسلامی الگوهای خود را در ابعاد گوناگون برای مردمان آن زمان تبیین و نهادینه کرده‌بوده و زن و مرد این ارزش‌ها را با عمق جان پذیرفته‌بودند. اما در نسل‌های جدید، زبان دیگری برای بیان تجربه مادری و معنای آن به کار گرفته می‌شود، که متفاوت از زبان نسل انقلاب و جنگ است. در زبان این نسل، نشانگان و نمادهای زنان نسل انقلاب و جنگ کمتر به کار گرفته می‌شود و تجربه‌شان بیشتر در قالب رفتارهای منبعث از ارزش‌های فردگرایانه است. زنانی که عاملیت بیشتری به دستورات دینی و علقه‌های بیشتری به فرهنگ دینی داشتند در انتخاب استراتژی مادری، گرایششان به دیگری بیشتر بوده‌است و در عمل بیشتر از سیاست‌های ترجیح و تحدید و نهایتاً تغییر استفاده می‌کنند. اما گرایشات فردمحور بیشتر در میان زنان نسل پس از جنگ مشاهده می‌شود به‌طوری که در انتخاب‌های خود به سمت استراتژی‌های هم‌نوا با ارزش‌های فردی گرایش دارند. بی‌ثباتی شرایط اقتصادی و اشتغال و... نیز در گرایش زنان به استراتژی‌های انصراف و تعویق بی‌تاثیر نبوده‌است.



منابع

- آبوت، پاملا. والاس، کلر (۱۳۸۵)، جامعه‌شناسی زنان، ترجمه: منیژه نجم عراقی، تهران، نشر نی.
- ادیب حاج‌باقری، محسن، و پرویزی، سرور، و صلصالی، مهوش. (۱۳۸۶). روش‌های تحقیق کیفی. تهران: بشری.
- استراس، آنسلم، و کوربین، جولیت. (۱۳۸۵). اصول روش تحقیق کیفی: نظریه‌مبنایی، رویه‌ها و شیوه‌ها. ترجمه: بیوک محمدی، تهران: پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی.
- اعزازی، شهلا. (۱۳۸۷). جامعه‌شناسی خانواده. تهران: روشنگران و مطالعات زنان.
- جمعی از نویسندگان، (۱۳۹۰)، مجموعه مقالات سومین نشست اندیشه‌های راهبردی زن و خانواده، جلد دوم، تهران: دبیرخانه‌ی نشست اندیشه‌های راهبردی.
- چراغی کوتیانی، اسماعیل، (۱۳۸۹)، خانواده، اسلام و فمینیسم، قم: انتشارات موسسه‌ی امام خمینی (ره).
- حق‌شناس، سید جعفر، (۱۳۸۸)، آسیب‌شناسی خانواده، تهران: دفتر مطالعات و تحقیقات زنان.
- دمارنف، دافنه، (۱۳۸۸)، غریزه‌ی مادری، ترجمه: آزاده وجدانی، تهران: نشر معارف.
- ذکایی، محمد سعید. (۱۳۸۱). نظریه و روش در تحقیقات کیفی. فصلنامه علوم اجتماعی، شماره ۱۷، ۴۹-۴۱.
- رستگار خالد، امیر، و دلاری، مژده. (۱۳۹۲) تحول نگرش دختران نسبت به نقش مادری، مجموعه مقالات مادری.
- سفیری، خدیجه. (۱۳۸۷). روش‌های پژوهش کیفی در علوم اجتماعی. تهران: پیام پویا.
- شرفی، محمدرضا. (۱۳۸۳). خانواده متعادل. تهران: انجمن اولیاء و مربیان.
- شعاع کاظمی، مهرانگیز. (۱۳۸۴). خانواده و آسیب‌های روانی موجود در آن. معرفت، ۹۴، ۴۷-۴۳.
- فلیک، اووه. (۱۳۸۷). درآمدی بر تحقیق کیفی. مترجم: هادی جلیلی، تهران: نی.
- محمدپور، احمد (۱۳۸۹) ضدروش: منطق و طرح در روش‌شناسی کیفی، ج ۱، تهران: نشر جامعه‌شناسان
- محمدی، بیوک. (۱۳۸۷). درآمدی بر روش تحقیق کیفی. تهران: پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی.
- مک کارتی، جین ریبنز و ادواردز، روزالیند، (۱۳۹۰)، مفاهیم کلیدی در مطالعات خانواده، ترجمه: محمد مهدی لیبی، تهران: نشر علم.
- توکل، محمد و مریم قاضی‌نژاد (۱۳۸۵). شکاف نسلی در رویکردهای کلان جامعه‌شناختی: بررسی و نقد رهیافت‌های نسل تاریخی و تضاد با تاکید بر نظرات مانهایم و بوردیو، نامه‌ی علوم اجتماعی، شماره ۲۷، بهار ۱۳۸۵: ۱۲۴-۹۵.
- سیاح، مونس و حسینی مجرد، اکرم، (۱۳۹۰)، بررسی بحران مادری در جهان غرب و تاثیرات آن بر جامعه‌ی ایران، فصلنامه مطالعات راهبردی زنان، شماره ۵۳.
- میرزائزاد، مریم، (۱۳۸۸)، بررسی تجربه مادری در میان زنان جوان (مطالعه موردی شهرستان جویبار) استاد راهنما: شهلا اعزازی. دانشکده‌ی علوم اجتماعی، دانشگاه علامه طباطبایی.
- نیکزاد، محمود. (۱۳۷۵). کلیات فلسفه تعلیم و تربیت، تهران، کیهان، ۱۳۷۵.
- انصاریان، حسین. (۱۳۸۰). نظام خانواده در اسلام. چاپ شانزدهم. قم، ام ابیها.
- بیگی، روح‌الله. (۱۳۸۹). ارزش‌های اجتماعی در قرآن، قم، اسوه، ۱۳۸۹.

سایت‌های رسمی:

- <http://www.amar.org.ir>
- <https://www.sabteahval.ir>

- سالنامه آماری کشور، ۱۳۸۱، مرکز آمار ایران.

- سالنامه آماری کشور، ۱۳۹۱، مرکز آمار ایران.



واکاوی تجارب زیسته زنان شاغل از قوانین شیردهی در محیط کار

سعیده الهی دوست؛ کارشناس ارشد مطالعات زنان دانشگاه اصفهان

saide.elahidoost@gmail.com

سعیده یراقی؛ کارشناس ارشد مطالعات زنان دانشگاه اصفهان

علی ربانی؛ دانشیار، گروه علوم اجتماعی، دانشکده ادبیات و علوم انسانی، دانشگاه اصفهان

a.rabbani@ltr.ui

چکیده

این مقاله بر آن است که به واکاوی تجارب زیسته زنان شاغل از قوانین شیردهی بپردازد. روش به کار گرفته شده در این پژوهش به صورت کیفی و به شیوه ی پدیدارشناسی می باشد و مبتنی بر نمونه گیری هدفمند ۱۶ نفر از زنان شاغل متاهل دارای فرزند بوده که تجربیات خود را از شیردهی خود در محیط کار بیان نموده و مورد مصاحبه عمیق قرار گرفتند.

یافته های این پژوهش در قالب ۶ کد تبیینی - که حاصل استخراج و مقوله بندی داده در ۲۵۶ کد توصیفی، ۲۳ کد تفسیری است - عبارتند از: نقش خانواده، الگوهای شغلی، الگوهای شخصیتی، تفویض نقش، تعارض کار- خانواده، محیط کار غیر حمایتگر. تجارب شرکت کنندگان در این مطالعه نشان میدهد که اشتغال زنان بر روی شیردهی آنان موثر است به طوری که اکثریت مصاحبه شوندگان به سختی ها و مشکلات خود در شیردهی اذعان داشتند همچنین قوانین حمایت از تغذیه با شیر مادر به درستی رعایت نمی گردد. به طوری که اکثریت مادران از پاس شیر نمی توانند استفاده نمایند. و در پاره ای از موارد مادران علی رغم میل درونی مجبور به استفاده از شیر خشک می شوند.

کلمات کلیدی: اشتغال زنان، تغذیه با شیر مادر، تعارض کار- خانواده، روش کیفی، نقش مادری، قوانین شیردهی

مقدمه و بیان مسئله

خانواده به عنوان گروه نخستین، و مادر به عنوان محوری ترین عضو خانواده، نقشی اساسی در سلامت اعضای خانواده به عهده دارد. حراست از فرزندان به طور غریزی هم زمان با ولادت هر کودک، فرض مسلمی در اولویت های هر خانواده محسوب می شود. (ساروخانی، ۱۳۹۳) تغذیه با شیر مادر یکی از عوامل مهم ارتباطی بین مادر و کودک در بدو تولد و پس از آن می باشد. و می تواند شالوده مناسبی برای سلامتی جسمی و روحی کودک در آینده باشد. (محمدیگی، ۱۳۸۷؛ مجلی ۱۳۸۸؛ فریمانی، ۱۳۸۱؛ چرکزی، ۱۳۸۹؛ کلیشادی، ۱۳۸۴؛ وفا، ۱۳۸۷؛ رضا سلطانی، ۱۳۸۹؛ کلاتری، ۱۳۸۸؛ اسماعیلزاده، ۱۳۹۰؛ نیک پور، ۱۳۸۸)

با توسعه ی شهرنشینی و تحول زندگی اجتماعی، مشارکت زنان در فعالیت های اقتصادی و اجتماعی رو به رشد می باشد. بسیاری بر این عقیده اند که اشتغال زنان با اخلاق جامعه تنافی داشته و موجبات رقابت آنان را با مردان فراهم می سازد و اشتغال زنان موجب بیکاری مردان می شود. بعضی نیز براین اندیشه اند که اشتغال زنان موجب می شود که آنان به وظایف همسری کمتر توجه نمایند و باعث افزایش طلاق می شود یا آنکه به وظایف مادری توجه کمتری می نمایند و نسل آینده از آن آسیب می بیند. (ساروخانی، ۱۳۷۰: ۸۵۹)

بخش عمده ای از زنان شاغل به دلیل جدایی کار از خانواده، نمی توانند همزمان و توأم وظایف و فعالیت های شغلی و خانوادگی را انجام دهند. تقریباً تمام پژوهش هایی که در حوزه رابطه متقابل کار-خانواده انجام گرفته متفق القولند که تعارض کار-خانواده می تواند برای خانواده ها و سازمانها، آثار زیانبار و نامناسبی بر جای گذارد. در این پژوهش ها نشان داده شده که تعارض مذکور می تواند بر کیفیت زندگی شغلی و خانوادگی تاثیر منفی بگذارد، میزان رضایت فرد از زندگی را پایین بیاورد، پربشانی های خانوادگی و شغلی را سبب شود و در کل به افسردگی و ضعف سلامتی شخص منجر گردد. (رستگارخالد، ۱۳۸۵: ۳۵ و سفیری، ۱۳۸۵: ۵۰) اما در برخی از مطالعات انجام گرفته بر اهمیت تکرر نقش ها و تاثیر مثبت آن در ارتقای وضعیت روحی و جسمانی زنان تاکید شده است. (احمدنیا، ۱۳۸۶: ۱۵۰)

مطالعات نشان داده که زنانی که در طی سال اول تولد فرزندشان به کار باز می گردند، شیر دادنشان زودتر از آنها که کار بیرون از منزل ندارند متوقف می شود. یکی از بزرگترین موانع شیردهی، کار بیرون از منزل مادران است. مطالعات نشان می دهد، مادرانی که خارج از



منزل کار می کنند تا زمانی که هنوز به کار برنگشته اند، شیردهی شان با مادران خانه دار برابر است، اما پس از برگشت به کار شیر دادنشان به طور فاحشی کاهش می یابد. (قطبی، ۱۳۸۷)

بر اساس دستور العمل وزارت بهداشت و خدمات انسانی ایالات متحده آمریکا اشتغال زنان در سنین باروری هم اکنون در ایالات متحده ی یک امر رایج و هنجار به شمار می رود. زنان شاغل تمایل کمتری برای تغذیه با شیر مادر در بدو تولد داشته و مدت زمان کوتاه تری نسبت به زنان غیرشاغل کودکان شان را با شیر مادر تغذیه می کنند. اغلب زنان شاغلی که شیر می دهند بایستی شیر و امکانات لازم در ارتباط با آن را در محیط کار برای کودک خود فراهم نمایند. مادران بایستی در کنار محیط کار خود یک مکان بهداشتی برای تغذیه با شیر مادر داشته و ساعات استراحت برای پرستاری از کودک با نیازهای رایج آنها مطابق بوده . همچنین بایستی از مادر حمایت کافی صورت گیرد. (U.S. Department of Health and Human Services, ۲۰۱۱)

تغذیه با شیر مادر نقشی تعیین کننده در تکامل جسمی و روحی کودک بر عهده دارد. از این رو ترویج تغذیه با شیر مادر می تواند باعث کاهش بیماریها و افزایش سلامت افراد در آینده شود. از طرفی امروزه مادران زیادی به کار بیرون از خانه اشتغال دارند. اگر چه در محیط کار قوانین حمایتی از تغذیه با شیر مادر وضع شده است، اما خروج زنان از منزل بر شیردهی آن ها تاثیر گذار است. از این رو در این پژوهش بر آن شدیم تا به واکاوی تجارب زیسته زنان شاغل از قوانین حمایتی شیردهی در محیط کار آنان بپردازیم.

مروری بر رویکردهای نظری

در این بخش از مقاله به برخی از نظریه های مطرح در حوزه ی مادری، خانواده، فمینیست، آسیب شناسی روانی و فشار و تعارض نقش پرداخته می شود . با توجه به اینکه تحقیق حاضر به روش پدیدارشناسی انجام می شود، لذا از این نظریه ها می توان به عنوان راهنمای نظری جهت تفسیر و تبیین بیشتر ابعاد موضوع مورد مطالعه یا به عبارت دیگر ارتقای حساسیت نظری (استراوس و کوربین ۱۹۹۸) در تحقیق استفاده شده است. در این تحقیق برخی از مهمترین نظریه های مرتبط برای رهنمون سازی اهداف تحقیق آورده شده اند :

• نظریه های مادری و فمینیست

مادری انجام سلسله ای از کارها برای فرزندان است. بنابراین مادری با فرزنددار شدن معنا می یابد. مادران همزمان با بارداری خود احساس مسئولیت ویژه ای می یابند. این احساس با زایمان و در مراحل رشد کودک گسترش می یابد. مراقبت، حمایت، محبت، بازی و تربیت، سلسله اموری اند که مادران در ارتباط با فرزندان خویش انجام می دهند. زمانی که مادر فرزند خود را شیر می دهد، از غریزه ی مادری، محبت آمیخته با آن و برکات تماس بدنی نیز فرزندش را بهره مند می سازد. برای همین در روایات آمده است که هر شیری که فرزند نوشانده شود از شیر مادرش با برکت تر نیست. بنابراین هم از نظر ویژگی های روانی و هم از نظر قوای بدنی، زنان برای مادری آماده اند. احساس مادرانه ی پرورش و مراقبت از کودکان در همه ی زنان به ودیعه نهاده شده است. هورمون پرولاکتین را هورمون محبت مادری می نامند. بر اثر آن، زن قدرت لازم را برای هرگونه فداکاری درباره ی فرزندش به دست می آورد. بنابراین همدلی کردن و شیوه ی مادری زنان امری ذاتی است . از طرفی وضعیت برتری اخلاقی زنان به آنها احساس رضایت می داد که علیه موقعیت مادری نشورند. در متون دینی اسلامی فرزندآوری یکی از مهمترین اهداف ازدواج می باشد . از این رو همسری و مادری برای زنان دو نقش اصلی و اولویت دار برای زنان اند. (علاسوند، ۱۳۹۰ : ۱۱۲-۹۷)

فمینیست ها خاطر نشان کرده اند که باید بین قابلیت طبیعی بچه دار شدن و نقش طبیعی اجتماعی مادر تمایز قائل شد. مادر شدن نه تنها مفهومی ساخته و پرداخته اجتماع است بلکه از نظر تاریخی نیز مفهومی خاص دارد. به این معنا که هویت اصلی و مشغولیت عمده زنان پنداشته شده است . (آبوت، ۱۳۸۰ : ۱۳۱)

• نظریه آسیب شناسی روانی

تعارض های و انتظارات نقش جنسی معمولا حس خود کاذب به بار می آورد. از زنان انتظار می رود همیشه خانم باشند؛ هرگز ناسزا نگویند و یا عصبانی نشوند، مردان را خشنود کنند و آنان را شکست ندهند. بعد از سالها زندگی در چنین شرایطی، خشم و ناکامی در زنان متراکم شده و اغلب به صورت رفتارهای خود ویرانگر بروز می کند. (پروچسکا، ۱۳۸۹ : ۴۹۶)



• نظریات نقش

از لحاظ تفاوت‌های جنسی، نقش‌هایی که به زنان و مردان در جوامع مختلف سپرده می‌شود متفاوت است. نتایج مطالعه کوماروفسکی نشان می‌دهد که میان دو نقشی که در آن واحد به دختران محول شده است تعارض آشکاری وجود دارد. نقش نخستین که نقش زنان نامیده می‌شود زنان را ناگزیر می‌سازد حساس تر از مردان باشند و سلطه جویی و ستیزه جویی آنها کمتر باشد و پیش مردان خود را دلربا جلوه دهند و به زناشویی و کودکان علاقه مند باشند نقش دوم که نقش جدید نامیده می‌شود از زن صفات و شیوه رفتاری توقع دارد که تقریباً شبیه صفات و شیوه رفتار مردان است. این وضع در زندگی بسیاری از زنان مسائل مهمی را به وجود می‌آورد. (اتوکلاینبرگ، ۱۳۸۶: ۴۲۹)

• نظریات فرهنگ

جهانی شدن فرهنگی به واسطه ی وسایل ارتباط جمعی نوینی که در اختیار دارد، نظام های ارزشی، نظام های معنایی و شیوه ها و سبک زندگی جوامع را دگرگون کرده است که از جمله می توان به تغییر نوع نگاه به فرزندآوری اشاره کرد. در اوضاع و احوال کنونی گرایش های جهانی ساز نهادهای مدرن پا به پای تحولات و دگرگونی های متعدد در حوزه های گوناگون زندگی و زمره اجتماعی حرکت کرده و در نهایت، حتی بر حوزه فعالیت های شخصی و خصوص افراد نیز تاثیر عمیقی بر جای می گذارند. در گذشته مردم در جوامع کشاورزی، فرزند زیاد و فامیل گسترده را افتخاری بر خود می دانستند اما در جهان مدرن امروزی، زنان با کسب آگاهی در زمینه های تنظیم خانواده و شیوه های پیشگیری از بارداری، به دنبال ایده آل های زندگی رفاه بیشتر و در نتیجه فرزند کمتر هستند. گیدنز در این رابطه از اصطلاح " تجربه واسطه ای " استفاده می کند. که منظور از آن فناوری های مدرن پیام رسانی مانند، تلفن و رایانه شبکه دار شده و رسانه های جمعی چون روزنامه، سینما، رادیو، تلویزیون و نظایر آن هاست. در سایه سپهر اطلاعاتی یاد شده ارزش هایی چون رفاه فردگرایانه، سودجویی، طمع و آسایش خودخواهانه در بین زنان و دختران سرتاسر جهان تبلیغ می شود. (Giddens, ۲۰۰۶)

پرسشهای پژوهش:

این پژوهش درصدد فهم عمیق تجارب زیسته زنان شاغل از قوانین حمایتی شیردهی در محیط کار می باشد. که در این راستا پرسش های ذیل مطرح می گردد:

- ۱- تجارب مادران شاغل از تغذیه با شیرمادر چیست؟
- ۲- مشکلات مادران شاغل در رابطه با تغذیه با شیر مادر چیست؟
- ۳- به چه میزان محیط کار از تغذیه با شیر مادر حمایت می کند؟
- ۴- آیا قوانین شیردهی در محیط کار به خوبی رعایت می شود؟

روش پدیدارشناسی به عنوان روش مطالعه

در این مطالعه از روش پدیدار شناسی که یکی از انواع روش کیفی است، استفاده شده است. هدف اساسی پدیدارشناسی کاهش تجربیات فردی به پدیده ای است که توصیف ماهوی آن به لحاظ جهانی و عمومی امکان پذیر شود. در واقع در روش پدیدارشناسی، محقق به دنبال جمع آوری اطلاعات از اشخاصی است که یک پدیده ای را تجربه نموده اند تا بتوانند بر اساس آن اطلاعات، به یک توصیف مرکب از ماهیت آن تجربه از نظر آن افراد برسند. (ایمان، ۱۳۸۸: ۲۷۷-۲۷۵) روش پدیدارشناسی در صدد درک لایه های عمیق معنایی تجربه زیسته برخی افراد درباره یک مفهوم یا پدیده است. این روش به بررسی ساختار آگاهی در تجربه های انسانی می پردازد. (محمد پور، ۱۳۹۰: ۸۶)

در این مطالعه محققین به دنبال مطالعه ی تجربیات مادران شاغل از شیردهی می باشد.

جامعه ی مورد مطالعه و روش نمونه گیری

در اغلب مطالعات پدیده شناسی نمونه کمتر از ده نفر بوده است. (حاج باقری، ۱۳۸۵: ۳۱) در تحقیق حاضر نمونه مشتمل بر ۱۶ نفر از زنان متأهل و شاغل بوده که حداقل یک فرزند داشته. روش نمونه گیری هدفمند و با روش گلوله برفی بود. استفاده از این تکنیک نمونه گیری



در مواردی رواج دارد که می‌خواهیم افراد نمونه خود را با کمک کسانی که در ابتدا با آنان آشنایی داریم، انتخاب کنیم. (محمدپور، ۱۳۹۰: ۴۴) بنابراین مصاحبه خود را با کسانی از جمعیت آماری که می‌شناسیم آغاز کرده و سپس با معرفی و هدایت آنان به سراغ سایر اعضای این جمعیت می‌رویم. لذا در این روش استفاده از کسانی که به تعداد بیشتری از افراد جمعیت مورد تحقیق دسترسی دارند، از اولویت بیشتری برخوردار است.

که در طی این روش ۱۶ زن شاغل متأهل جهت رسیدن به حد اشباع اطلاعات مورد مصاحبه قرار گرفتند. معیار رسیدن به اشباع داده‌ها عدم دستیابی به اطلاعات بیشتر و غیر تکراری در مصاحبه‌های بعدی بود.

ابزار مطالعه

شیوه‌ی گردآوری داده‌ها در این مطالعه مصاحبه‌ی عمیق بوده و مصاحبه‌ها به صورت نیمه ساختار یافته صورت گرفت. چک لیستی از موارد مصاحبه در اختیار محققان قرار داشت تا فرآیند مصاحبه به طور پیوسته کنترل شود. مصاحبه‌ها بین ۲۵ تا ۴۰ دقیقه به طول انجامید و مکالمات با استفاده از دستگاه ضبط صوت، ضبط و سپس لغت به لغت روی کاغذ پیاده شد.

جهت قابلیت اعتبار اظهارات شرکت‌کنندگان پس از تجزیه و تحلیل هر مصاحبه، پژوهشگر مجدداً به آنان مراجعه نمود و صحت مطالب با نظر آنان بررسی شد و در برخی موارد اصلاحات انجام شد. قابلیت اطمینان: منظور آن است که وقایع ثبت شده همان باشد که واقعاً رخ داده باشد. بدین منظور یافته‌های مطالعه از جمله کدها و مفاهیم با اساتید راهنما، مورد مشورت قرار گرفت. همچنین مطابقت با عینیت داشتن با کنار گذاری عقاید پیشین و پیش داورى‌ها صورت گرفت علاوه بر این صحت یافته‌ها مورد تایید شرکت‌کنندگان نیز قرار گرفت. روش تجزیه و تحلیل داده‌ها

در این مطالعه داده‌ها با استفاده از روش ۷ مرحله‌ای کولیزی (استرابرت، ۱۳۸۹: ۸۹. محمدپور، ۱۳۸۹: ۲۸۰) مورد تجزیه و تحلیل قرار گرفتند. ابتدا متون کلیه‌ی مصاحبه‌های انجام گرفته با دقت مورد مطالعه قرار گرفت تا فهم کاملی از عقاید، تجارب و اظهار نظر شرکت‌کنندگان فراهم شود. در دومین گام جملات و عبارات اصلی استخراج گردید. در مرحله‌ی سوم تلاش گردید تا معانی هر جمله درک و فرموله و دسته‌بندی شود و به صورت مجموعه‌ای از مفاهیم و معانی درون خوشه‌هایی دسته‌بندی شود.

بر این اساس پس از دسته‌بندی و تلفیق کدهای تکراری و تشکیل دسته‌بندیهای جدید ۴۵۶ کد استخراج گردید این معانی فرموله شده به صورت خوشه‌هایی از موضوعات، دسته‌بندی شدند که در این تحقیق به عنوان مفاهیم (کدهای توصیفی) یا کدهایی که بیشتر به اصطلاحات مورد استفاده در مصاحبه نزدیک است شناخته می‌شوند. پس از این مرحله تمامی ایده‌های حاصله در قالب یک توصیف بسیار مفصل از پدیده تحت مطالعه، ذیل عنوان کدهای تفسیری مجتمع گردید. این کدها مشتمل بر معانی است که به کدهای توصیفی داده شده است. در این مرحله زیر کد تفسیری استخراج گردید که پس از ادغام آنها ۲۳ کد تفسیری حاصل گردید. نهایتاً در آخرین مرحله کدهای تفسیری به ۶ کد تبیینی تقلیل یافت.

یافته‌ها

در این پژوهش بعد از جمع‌آوری عبارات به دست آمده از مصاحبه، آنها تحت کد گذاری توصیفی و تفسیری قرار گرفتند و در مرحله آخر ۶ کد تبیینی به دست آمد. کدهای تبیینی شامل نقش خانواده، الگوهای شغلی، الگوهای شخصیتی، تفویض نقش، تعارض کار-خانواده، محیط کار غیر حمایتگر.

۱- نقش خانواده

این کد تبیینی نشان دهنده جایگاه ارزشمند خانواده در جامعه و کارکرد حمایتی آن می‌باشد. این مضمون دارای ۴ کد تفسیری می‌باشد که عبارتند از: «محبت و صمیمیت در محیط خانواده، همسر حمایت‌گر، نقش حمایتی مادر بزرگ و اعتیاد همسر» که در ادامه به تبیین این موارد می‌پردازیم.



محبت و صمیمیت در محیط خانواده: یکی از مهم ترین عملکردهای مهم خانواده ارضای نیاز عاطفی اعضای آن است. داشتن آگاهی و توانمندی مدیریت در این خصوص یکی از ویژه ترین وظایف اعضای خانواده است. منصوره کارشناسی ارشد بیان می کند:

« در رابطه با همسر بیشتر از لحاظ عاطفی برایش مهمه. رابطه عاطفی برایش مهمه. خیلی باهم صحبت می کنیم. اون تایمهایی که با هم هستیم با هم صحبت می کنیم.»

نقش حمایتی مادر بزرگ: در سالهای اخیر به دلیل تغییر در بافت اجتماعی و استقلال بیشتر زوجینی که تازه ازدواج کرده اند و به تبع آن جدایی محل زندگی والدین از فرزندان و از طرفی افزایش اشتغال زنان بیرون از خانه، نقش مراقبتی و حمایتی مادر بزرگ و پدر بزرگ نسبت به نوه ها کمتر شده است. اما به نظر میرسد برای زنان شاغلی که دارای فرزند هستند، به خصوص در سالهای اولیه ی رشد کودک نیاز به حمایت مادر بزرگ ها بیشتر احساس می شود. این حس اعتماد و آرامشی که مادر از نحوه ی نگهداری فرزندش در موقع اشتغال در او ایجاد می شود در کاهش خستگی های روحی او بسیار مؤثر است. در این رابطه خانم منصوره کارشناسی ارشد بیان می کند:

« وقتی سر کارم فرزندم پیش مادرم است. به نظر من بهترین کسی که می تونست از بچه ام نگهداری کنه، مامانم بودند. اگه مامانم نبود، سرکار نمی رفتم. یعنی بچه ام را مهد نمی گذاشتم.»

همسر حمایت گر: همسر نقش بسیار مهمی در حمایت جسمی و روانی از مادر داشته و با حمایت های خود از شیردهی، نگهداری و حتی اشتغال زن، می تواند باعث تداوم شیردهی شود. خانم الهام کارشناس ارشد ابراز می دارد که:

« همسر تقریباً خیلی زیاد همکاری با من دارند وقتی خسته از سر کار بر می گردم. پذیرش گرمی دارند. حالا در کارهای خانه بهم کمک بکنند. الان در نگهداری بچه هر کاری از دست شان بر بیاید. در رفت و آمد بیایند ببرند. تا حد امکان کاری که از دستشان برآمده برام انجام داده اند.»

اعتیاد همسر: یکی از مسائلی که باعث می شود زن به اشتغال روی آورد بدسرپرستی است که مثال بسیار عینی آن در جامعه ی امروز اعتیاد شوهر است. چنین زنانی با مشکلات زیادی دست و پنجه نرم می کنند. بسیاری از این زنان به دلیل مشکلات اخلاقی همسر نمی توانند از همراهی شوهر خود برای نگهداری فرزند استفاده کنند و توان پرداخت هزینه های مهد کودک را هم ندارند. از طرفی تأمین شیر خشک هم برای آنها بسیار دشوار است. این زنان فشار جسمی و روانی فراوانی را متحمل می شوند.

۲- الگوهای شغلی

یکی از تجربیات زیسته ی مصاحبه شونده ها که در روند زندگی خانوادگی زنان شاغل تأثیر زیادی داشت الگوهای شغلی بود. این کد تبیینی، دارای ۵ کد تفسیری می باشد که شامل این موارد است: « مشاغل نیمه وقت و خانگی، انگیزه های شغلی، وابستگی شغلی، نگرش مثبت به اشتغال زنان و رضایت شغلی» است. در زیر به توضیح این موارد پرداخته می شود.

مشاغل نیمه وقت و خانگی: در گذشته فعالیت های شغلی زنان محدود به فضای خانه و اغلب بدون مزد برای شخص خود زن می بود، زنان از جمله کسانی بودند که تمایل به کار خارج از خانه و با دستمزدی هرچند اندک را داشتند. این مسئله باعث شد که از نقش همسری و مادری خود فاصله بگیرند که خود آسیب هایی را به دنبال داشت. از جمله تأخیر در ازدواج و فرزند آوری. اعظم ۳۲ ساله در این خصوص بیان می کند: «... ما هیچ وقت زنی نداشتیم که بیکار باشه که کارش فقط پخت و پز و تمیز کردن خونه و شستن بچه ها باشه... یه زن باید چند بعدی باشه، هم باید بتونه کمک شوهرش باشه، هم بتونه مادر خوبی باشه، خودش رشد پیدا کنه، ... الان یه اتفاق بدی افتاده که زنی ما یا می رند در یه محیطی مشغول کار میشند یا در خونه می موندن و فسیل میشند. که هر دوی اینا اشتباهه. به نظر من باید یه تداخل کاری صورت بگیره که هم زن بتونه یه فرصت اشتغال داشته باشه هم به تربیت فرزند بپردازه.»

انگیزه های شغلی: آنچه از تجربه زیسته مصاحبه شوندگان در خصوص انگیزه های اشتغال بدست آمد، شامل استقلال مالی و انگیزه های غیر مالی می باشد. انگیزه های غیر مالی شامل: علاقه به فعالیت های اجتماعی، پویایی و حرکت و خنثی نبودن، متفاوت شدن با زنان خانه دار، احساس مفید بودن، ثبات شخصیتی و احساس وظیفه نسبت به جامعه.



اعظم ۲۸ ساله کارشناس می گوید:

«من آدمی که در جمع باشم به کاری بیرون از خونه داشته باشم و احساس کنه برای جامعه مفیده را فکر می کنم خیلی بهتره تا این ک فقط به یه کار خونه پخت و پز و یه جارو کردن داشته باشم»

وابستگی شغلی: یکی از مسائلی که باعث می شود زنان علی رغم سختی ها و زحمات اشتغال بیرون از خانه باز آن را ترک نکنند یک وابستگی روانی به بیرون از خانه بودن است. این مسئله در خصوص دختران جوانی که در زمان باروری هستند ولی به دلیل عدم امنیت شغلی نمی توانند باردار شوند زیرا شغل خود را از دست می دهند بسیار حائز اهمیت است. سپیده ۳۴ ساله کارشناس ارشد می گوید:

خیلی سخته واقعاً سخته . به نظر من خانم باید کار داشته باشه حتی اگه پاره وقت باشه. چون اگه بخواد به خونه محدود بشه من خودم افسردگی می گیرم.

نگرش مثبت به اشتغال زنان: به دلیل تغییرات بنیادی در فرهنگ جامعه، امروزه اشتغال زنان یک امر پذیرفته شده از طرف افراد جامعه است. نرگس ۲۸ ساله بیان می کند:

«با اشتغال احساس مفید بودن دارم.»

۳- تعارض کار- خانواده

یکی از مسائلی که در خصوص اشتغال زنان در تحقیقات اجتماعی و روانشناختی مطرح شده است تعارض کار-خانواده است. در این پژوهش این کد تبیینی دارای ۴ کد تفسیری می باشد: « احساس گناه، زن حیران، محدودیت شغلی، لذت از خانه داری»

احساس گناه: زنان شاغل به خصوص زنانی که در شغل های غیر منقطع مشغول به کار هستند در بیشتر موارد با پدیده ای مواجه هستند به نام احساس گناه. احساس گناه زمانی به وجود می آید که فرد کاری بر خلاف ارزش ها و باورهای خود انجام داده باشد. این حس در زنان شاغل یک نگرانی است که در اثر نبودن در کنار فرزندشان در آنها ایجاد می شود. زینب دندانپزشک متخصص بیان می کند:

«احساس گناه دارم و پیش روانشناسی رفتم به شدت برای این موضوع نگران بودم از اینکه دخترم باید تمام هفته را دور از پدر باشه. عصر تاشب باهاش بازی می کردم که میاد دچار کمبود بشه اخه اون هیچ کس را به جز من نداشت.»

این احساس گناه می تواند باعث ایجاد اضطراب در زنان شاغل شود که هم در کیفیت کار آنها تأثیر منفی می گذارد وهم این که در مواجهه با فرزندشان مسیر صحیح را برای تربیت در پیش نگیرند. یکی از مسائلی که این مسئله را تحت الشعاع خود قرار می دهد سن فرزند است. مواقعی که فرزند شیرخواره است نیاز جسمی او به مادر زیادتر بوده و از آنجا که مادر احساس گرسنگی فرزند خود را هرچند در مکانی دیگر باشد به خوبی درک می کند این امر اضطراب او را بیشتر می کند. از طرفی در سنین مدرسه هم اگرچه نیاز جسمی به مادر کاهش می یابد اما همچنان به وجود مادر نیازمند است. مریم ۳۹ ساله کارشناس چنین بیان می کند:

« اصلاً این یک بحرانه که وقتی مادر سر کاره بچه اش از مدرسه بیاد و در خونه تنها باشه و شما بالای سر این بچه نیستی و در سن بالا نمی تونی کنترلش کنی تو کوچو و خیابان، خبر نداری این بچه اومد خونه نیومد خونه، این یک بحرانه و حداقل در کارهای دولتی کاهش ساعت کار باید باشه.»

زن حیران: از آن جایی که در فرهنگ اسلامی ایران بر اهمیت نقش مادری به عنوان یک نقش حیاتی و غیر قابل جایگزین تأکید می شود، این تعارضات و فشارهای ناشی از نقش های متضاد خانه و کار بیشتر به چشم می خورد. سارا ۳۹ ساله لیسانس بیان می کند:

«در خصوص تداخل بین کار و وظایف خانه و مادری اختلالی ایجاد نشده بیشتر خودمو خسته می کنه، البته یاری خدا بوده، اما دارم فشار زیادی را روی خودم تحمل می کنم.»

محدودیت شغلی: در این پژوهش با توجه به مشکلاتی که زنان شاغل با آن مواجه بودند، مفاهیم دیگری به دست آمد که زنان را علی رغم توانمندی هایی که در عرصه ی عمومی دارند با محدودیت مواجه می کند. این مسئله وقتی بیشتر حاد می شود که زنانی بدسرپرست و یا بی



سرپرست نمی توانند فرزندان خود را مهد ببرند، درعین حال محیط کار پذیرای فرزند آنها نیست و این زنان مجبورند برخی از شرایط خوب کاری را ازدست بدهند درحالی که مجبورند هزینه های زندگی را پرداخت نمایند. خانم سمیه در این خصوص بیان کردند:

« بیرون از خانه کاری نکردم همه کارهای من توی خونه بوده ... چون هیچ جا قبول نمی کردند بچه را ببرم می گفتند بچه نباید باشه.. در حالی که به سختی گذران زندگی می کردم و به شغل نیاز داشتم. ...»

لذت خانه داری: در این پژوهش علاقه مندی به فعالیت های منزل در بین زنان شاغل در دوطیف قرار داشت. برخی علاقه مند به این فعالیت ها بودند ولی بیان می کردند که وقت و انرژی کافی برای انجام آنها را ندارند و برخی اظهار بی علاقه ای برای این نوع فعالیت ها داشتند و آن را فعالیتی بیپوده می دانستند. نرگس ۲۸ ساله بیان می کند:

« انجام کارهای خانه اگه وقت داشته باشم، خیلی دوست دارم تمییز باشه از آشپزی هم لذت می برم، اما وقت و انرژی کافی ندارم. .

ریحانه پزشک متخصص بیان می کند:

« قبلاً انجام کارهای خانه برام یک حدودی لذت داشت ولی الان اصلاً نمی تونم واقعاً نمی تونم. برام سخته ظرف بشورم، احساس می کنم دارم وقت تلف می کنم، احساس می کنم کسی دیگری می تونه این خدمت پایین تر را انجام بده من یک قسمت بالاتر را انجام بدم»

۴-الگوهای شخصیتی

یکی از کدهای تبیینی که در این پژوهش از تجربه ی زیسته ی زنان شاغل به دست آمد الگوهای شخصیتی زنان شاغل است که این از جمله مواردی است که جنبه ی شخصیتی زن شاغل را مطرح نموده و بر اساس آن نسبت بین زن و اشتغال او را می تواند تعریف کند. بدین معنا که زن بتواند با توجه به جنبه های مختلف شخصیتی خود و مسائل و مشکلات دنیای اشتغال بیرون از خانه به تعادلی برسد. این مضمون دارای ۵ کد تفسیری است: « انعطاف پذیری و سازگاری با محیط، باور مادر نسبت به شیر مادر ، باور مادر نسبت به شیر خشک، تجربیات مادری و مسؤلیت پذیری بالای مادر» می شود.

انعطاف پذیری و سازگاری با محیط: شخصیت های سازگار می توانند با شرایط محیطی کنار آمده و به یک تعادل روحی-روانی با آن برسند. این چنین افرادی در شرایط مختلف زندگی انعطاف پذیری زیادی از خود نشان می دهند. یکی از مواردی که به مادران کمک می کند که بتوانند به اشتغال بیرون از خانه بپردازند این است که خود از شخصیتی منعطف و سازگار برخوردار باشند. این امر هم به آرامش آنها در محیط کار کمک می کند و هم زمینه ی مدیریتی بهتری را برای فعالیت های منزل برای آنها فراهم می سازد. زنان شاغلی که با همکاران خود در محیط کار سازگاری و سازش بهتری داشته باشند می توانند از همکاری کردن آنها در مراقبت از فرزندانشان بهره ببرند. مریم دکتر داروساز بیان می کند:

«اون موقع هایی که ۳ ساعت سر کار بودم برای شیر دهی بچه ام را همراه خودم می بردم و در محل کار شیر می دادم و خودم و همسرم و همکارانم هم همکاری می کردند و اونجا بچه ام را نگه میداشتم».

باور مادر نسبت به شیر مادر: باورها و عقاید مادر نسبت به تغذیه با شیرمادر باعث می شود تا مادران علی رغم سختی ها تغذیه با شیر مادر را انتخاب نمایند. نرگس ۲۸ ساله بیان می کند:

« دلیم برای شیرمادر به خاطر این که هم وزن خودم برگردم بعدش اون فوایدی که برای بچه داره، رابطه عاطفی که با بچه برقرار می کنی ، بنیه اش خوب می شه و استخوان بندیش، مریض نمی شه ، تب نمی کنه. شیر مادر را خودم انتخاب کردم...»

اعظم ۲۸ ساله بیان می کند:

«من خودم شیر خشک خوردم و احساس می کنم سیستم ایمنی بدنم اون جوریه که باید باشه نیست برای همین تصمیم گرفتم شیرخودمو بدم».

باور مادر نسبت به شیر خشک: علی رغم اهمیت شیر مادر ولی به دلیل عدم آموزش صحیح در این خصوص گاهی با باورهای غلطی در این زمینه مواجه هستیم. زینب داندانپزشک بیان می کند:



«به نظر من زنان شاغل به خصوص در صنف خودمون از شیر خشک استفاده می کنند. دلیلش یکی راحتیش که زمان زیادی بیرون از خونه باشند یکی هم به خاطر همون استایل بدن که فکر می کنند با شیر دادن به هم میریزه و یکی هم راحتیش که زمان زیادی بیرون از خونه باشند.»

تجربیات مادری: تجربه از جمله مواردی است که در مدیریت بهتر هر موضوعی می تواند راهگشای انسان باشد. تجربه ی زیسته ی مادرانی که بیش از یک فرزند داشتند نشان می داد که برخی حساسیت ها در نگهداری از فرزند دوم نسبت به فرزند اول کاهش یافته بود و نگرانی های مادر کمتر شده بود. سارا ۳۹ ساله لیسانس بیان می کند:

« شیرم خیلی کم شده ولی نگرانش نیستم چون تجربه دختر اولم را داشتم که کوچکتتر بود ۴ ماهه بود که اومدم سر کارم...»

این تجربیات مادری در چگونگی استفاده از شیر مادر در نبود وی ونحوه ی نگهداری از شیر و دادن آن به شیرخوار کمک کننده است. منصوره کارشناسی ارشد بیان می کند:

«من خودم اگه به بار دیگه تجربه داشته باشم برای بچه دوم ام تنها چیزی که اگه بازهم قرار باشه در دوران شیردهی سرکار برم، از همون روزهای اول به شیشه عادتش می دم... اما نه اینکه شیر خشکش بدم. با همان شیر خودم تا شیشه را بخوره. چون می خوام توی اون تایمی که سرکارم بتونه حداقل شیر بخوره. اگه شیشه نخوره نمی تونم این کار را بکنم.»

مسئولیت پذیری بالای مادر: قطعاً مادری وظیفه ای بسیار سنگین و مهم است. این از جمله وظایفی است که هیچ کس غیر از مادر شایسته ی انجام آن نیست. گاهی در نقش یک مادر بودن ایجاب می کند که مادر حتی از کنار برخی از خواسته های خود رد شود و برای مدتی که فرزند نیاز بیشتری به او دارد در کنارش باشد. الهام کارشناس ارشد بیان می کند:

«اگه مجبور بشم نرم سر کار ، خوب اگه مجبور باشم... چون در درجه اول زندگی و بچه ام برام مهمه. یک مدتی برام همین اتفاق برام افتاد. باوجود اینکه پذیرفته شده بودم، سرکار نرفتم. قلباً ناراضیم اما شرایطی هست که علیرغم میلش باید انجام دهد. دیدم فعلاً پیش بچه ام بمونم بهتره. گفتم توکل به خدا انشالله موقعیت کاری بهتری برام پیش بیاد که این موقعیت برام پیش اومد.»

۵- تفویض نقش

این مضمون بیان گر کمک گرفتن مادر از افراد دیگر برای مراقبت از فرزند در ساعت های اشتغال مادر است؛ که شامل بستگان، دوستان، پدر فرزند، پرستار و مهد کودک می شود. لازم به ذکر است که گاهی علی رغم میل مادر به دلیل اجبار اشتغال و نبودن شرایط مساعد کاری مادر مجبور است از برخی از این موارد تفویض نقشی استفاده کند. در این پژوهش این مضمون دارای ۲ کدتفسیری می باشد که شامل: «مراقب جانشین و مهد کودک» می شود.

مراقب جانشین: زمانی که مرخصی زایمان به پایان می رسد (البته در مشاغل رسمی و گرنه در مشاغل غیر رسمی که این مرخصی هم به مادر داده نمی شود) و مادر مجبور است به کار خود برگردد باید بتواند فرزندش را در ساعت های اشتغال به فردی مطمئن بسپارد. در این پژوهش تجربه ی زیسته ی مادران شاغل نشان داد که بیشترین افراد جایگزین برای مراقبت از فرزند شامل پدر، مادر بزرگ و پرستار بوده است. مهد کودک: امروزه با افزایش اشتغال مادران و از طرفی به دلیل موج روبه افزایش آموزش های رسمی مهد کودک ها رو به فزونی گذاشته است. اعظم ۳۲ ساله بیان می کند:

«هر دوی آنها پیش مادرم هستند. مهد نمی گنارم هرچند به مدت به خاطر اینکه مادرم اذیت نشه گذاشتم ولی راضی نبودم و الان پیش مادرم هستند چون اعتقاد دارم بچه ها باید از الان بچگی کنند اگه زود آموزش ها شروع بشه در سن یادگیری دیگه یاد نمی گیره همچنین فضای مهد با روحیات من سازگار نبود.»

۶- محیط کار غیر حمایتگر

این کدتیبینی بیان کننده مجموعه شرایط نامساعدی است که زنان و مادران شاغل با آن مواجه هستند. در واقع نشان دهنده ی عدم دستیابی به منابع و نیروهایی است که بتواند به زنان شاغل در اجرای بهتر وظایف مربوط به همسری و مادری و همچنین شغلی آنها کمک رساند. این



مضمون در این پژوهش دارای ۶ تفسیری می باشد که عبارتند از « اجرای نادرست قوانین شیردهی، وجود فاصله ی فیزیکی زیاد بین مادر و کودک، کوتاه بودن مدت مرخصی زایمان، کاهش شیر مادر شاغل، ناچاری در استفاده از شیر خشک و فرسودگی زنان شاغل » می باشد. اجرای نادرست قوانین شیردهی: در زمینه ی زنان شاغل شیرده قواینی در مجلس شورای اسلامی به تصویب رسیده است. ولی موضوع مهم در هر قانون، یکی این است که آن قانون متناسب با نیاز مخاطب خود باشد و دیگری ضمانت اجرای آن قانون است. زینب دندانپزشک بیان می کند:

« در محیط کار هیچ چه حمایتی از شیر دهی همیشه من یک اشتباهی که اول کردم این بود که من بروز دادم که بچه دارم به محض این که بفهمند بچه داری فوکوس می کنند روی تو، تا تو تایم ها را زیادتر بمونی نخواهی کم بذاری و بیان می کنند که تو این ضعف را داری و حساس میشوند.»

الهام کارشناس ارشد بیان می کند:

«در پرستاری پاس شیر به خانم های شیرده می دادند ولی اون هم با اما و اگره بستگی داره حمایت محیط کار خیلی نه، حتی گاهی توقعات را بیشتر می کرد. بعضی دیدشان این بود که چرا این خانم باید پاس شیر داشته باشه ... در هر صورت شغل من این طوری بود که مقداری همکاران مقاومت می کردند در مقابل پاس شیر. کافیه بگی به خاطر بچه ام می خوام این کار را انجام بدم. تازه جبهه می گیرند جلوت و می خواند مقاومت کنند. یا کارهای دیگر را بهت محول کنند که نتونی انجام بدی دادم ولی یکی از همکارام بارها واقعا اشکش در می آمد به خاطر اینکه نمی داشتند از پاس شیر استفاده کنه. عملا اوج کاری که خانم باید می رفت پاس شیر به کاری بهش محول می کردند که نمی تونست انجام نده..»

وجود فاصله ی فیزیکی زیاد بین مادر و کودک: یکی از محدودیت هایی که قانون مرخصی برای شیردهی در زنان شاغل ایجاد کرده این است که زنان نمی توانند عملاً محیط کار را رها کنند؛ زیرا فاصله ای که بین محیط کار با جایی که فرزندشان در آنجا است ساعت زیادی را می گیرد تا مادر به محیط کار برگردد و بدین نحو از ساعت مرخصی بیشتر می شود. همچنین گاهی وظایف شغلی مادر این چنین ایجاب می کند که مادر نتواند کارش را رها کند. سارا ۳۹ ساله بیان می کند:

«حمایت در محیط کار همان یک ساعتی که پاس شیردهی که برامون در نظر گرفتند تا ۲ سالگی که من به جای اینکه ساعت ۳ برم ساعت ۲ میرم. ولی ایجوری هم نیست که اگر کسی بچه اش در مهد باشه بتونه بره و بیاد. چون از وسط کار نمی تونه بره..»

کوتاه بودن مدت مرخصی زایمان: یکی از مواردی که زنان شاغل در تجربه ی زیسته ی خود به آن اشاره می کنند این است که مدت مرخصی زایمان (اگر اجرا شود) ۹ ماه کم است و حداقل اگر تا یک سال برسد مشکلات کمتری ایجاد می شود. چرا که هم کودک بزرگتر شده وهم این که تا یک سال حداقل شیر کافی خورده باشد. منصوره کارشناس ارشد بیان می کند:

«حمایت از زنان شاغل اینه که بهترین کار همان مرخصی زایمان بیشتر بشه به نظر من نه ماه بازهم کمه . چون معمولاً شیر مادر یک سال اول خیلی مهمه بعد از یک سال می گند وابستگی به شیر مادر باید کمتر بشه. به نظر من جاشه که ۱۲ ماه کامل باشه. یعنی تا یکسال را بچه شیر خورده باشه.»

کاهش شیر مادر شاغل: یکی از مسائلی که زنان شاغل را نگران می کند کاهش شیر آنان است. زیرا وقتی در زمان اشتغال شیر تخلیه نشود رو به کاهش می رود. از طرفی خود استرس کار و نقش مادری و کاهش تغذیه ی مادر به سبب مشغولیت های زیاد روی کاهش شیر تأثیر دارد و این قضیه یک دور معیوبی را به سمت کاهش شیردهی ایجاد می کند. نرگس ۲۸ ساله می گوید:

«به نظر من مادران شاغل ممکن خیلی ها شیر خشک بدهند چون پیش پرستار می گذارند و پاس شیر هم مگه چه قدره مجبور می شوند که شیر خشک بدهند و یکی هم ترشح شیر وقتی ۱۰ ساعت شیر ندی کم میشه.»

ناچاری در استفاده از شیر خشک: علی رغم میل باطنی بسیاری از زنان شاغل ولی به دلیل اشتغال مجبور به استفاده از شیر خشک می شوند. این درحالی است که بسیاری از آنها واقف به مضرات شیر خشک هم هستند و این قضیه آنها را بیشتر دچار نگرانی و ناراحتی می کند. اعظم ۲۸ ساله می گوید:

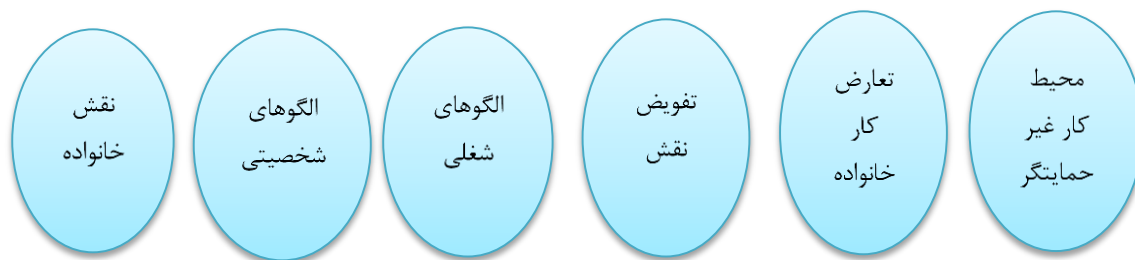


«به نظر من اشتغال با شیردهی تداخل داره. از این که شیر خشک می دهم بله ناراحت می ولی واقعاً چاره ای هم ندارم.»

فرسودگی زنان شاغل: این مضمون بیانگر کاهش نیروی جسمی و روانی مادر شاغل در اثر کم توجهی به نیازهای خویش است. همچنین تحمل فشار کاری زیاد می تواند قوای فرد را تحلیل برد. همچنین اکثر زنان شاغل به دلیل فشار کاری مجبورند از بسیاری از تفریحات مورد علاقه ی خود بزنند. سارا ۳۹ ساله بیان می کند:

«من فکر می کنم از صبح زود که بیدار می شم تا ۱۲ شب که می خوابم یک سره دارم کار می کنم. رُدر خصوص تداخل بین کار و وظایف خانه { تداخلی ایجاد نشده بیشتر خودمو خسته می کنه ،البته یاری خدا بوده، اما دارم فشار زیادی را روی خودم تحمل می کنم.»

نمودار شماره ۱. نمودار محقق ساخته تجربه ی زیسته مادران شاغل از قوانین حمایتی اشتغال





بحث و نتیجه گیری:

این پژوهش کیفی با هدف واکاوی تجارب زیسته زنان شاغل از قوانین شیردهی در محیط کار انجام شد. روش مورد استفاده پدیدارشناسی بود که به روش تحلیل کیفی عناوین بدست آمده از تجربه ی زیسته ی مادران مورد کدگذاری قرار گرفتند و در مجموع ۶ کد تبیینی اصلی به دست آمد. کدهای تبیینی شامل نقش خانواده، الگوهای شغلی، الگوهای شخصیتی، تفویض نقش، تعارض کار- خانواده، محیط کار غیر حمایتگر می باشد.

آنچه از انگیزه های اشتغال زنان در این پژوهش به دست آمد در ۳ نکته قابل بحث است:

الف) در خصوص انگیزه های استقلال مالی برای اشتغال به نظر می رسد که اگر موقع ازدواج؛ اولاً مهریه های متعارف تعریف شود و در ثانی این مهریه به موقع ازدواج قابل دریافت توسط زنان باشد، تا حد زیادی این نیاز به استقلال مالی را در زن بر طرف می کند. این امر می تواند زمینه ای مثبت برای فرزندآوری فراهم کند.

ب) در خصوص انگیزه های غیر مالی که می توان به نوعی همه ی آنها را در « مفید بودن » خلاصه کرد، نیاز به یک برنامه ریزی فرهنگی عمیق و متناسب با دختران نوجوان و جوان داریم که اولاً تعریف آنها از مفید بودن چیست؟ و ثانیاً بتوان نقش بسیار مهم و حساس مادری را که خالق هستی بر عهده ی زنان گذاشته برای اقشار مختلف جامعه تبیین کرد که جایگاه تربیتی مادری دوباره در نگرش جوانان احیاء شود. این تفکر که در خانه ماندن منجر به بیهودگی و غیر مفید بودن است باید اصلاح شود.

ج) کوپر^۱ منبع بزرگ اضطراب زنان شاغل را تعارض و فشار روحی برآمده از اداره ی همزمان خانه و کار می داند. او این مفهوم را « زن حیران » نامیده و معتقد است زنان به مراتب بیش از مردان دچار تعارض تعیین اولویت های خانه و کار می شوند (کرد و دیگران ۱۳۹۱). تعارض نقش زمانی رخ می دهد که فرد باید به الزام های متضاد یک یا چند نقش پاسخ دهد (کوئن ۱۳۷۲، ۷۸). خود این تعارض نقش منجر به فشار نقش می شود. فشار نقش^۱ وضعیتی است که در آن فرد در انجام دادن نقشی که از او انتظار می رود دچار مشکل شود. از طرفی با توجه به مشکلاتی که اشتغال تمام وقت برای مادران به همراه دارد می توان در گسترش و بهبود شرایط برای ایجاد اشتغال نیمه وقت ویا اشتغال خانگی تلاش کرد. در صورت حمایت از این چنین مشاغلی انگیزه های غیر مالی زنان از اشتغال که شامل حضور اجتماعی و داشتن پایگاه اجتماعی مشخص هم می باشد مرتفع می گردد. در این صورت فشار و خستگی های مضاعف اشتغال از روی زنان برداشته می شود و در نقش مادری آنها هم خلیل ایجاد نمی شود.

قوانین مربوط به مرخصی زایمان و شیردهی، لایحه ی اصلاحی به منظور ترویج تغذیه با شیر مادر و حمایت از مادران در دوران شیردهی به صورت پیشنهاد مشترک مرکز امور زنان و خانواده و وزارت بهداشت، درمان و آموزش پزشکی وقت تدوین و به هیئت دولت ارائه شد. در این لایحه خلأهای موجود در قانون مصوب سال ۷۴ شناسایی و اصلاح شده بود. مدت مرخصی زایمان و شیردهی در این لایحه ۹ ماه و برای وضع حمل دوقلوها یا بیشتر ۱۲ ماه در نظر گرفته شده و پدران می توانند پس از تولد فرزند خود از ۱۰ روز مرخصی (بدون احتساب تعطیلات) به منظور مشارکت در مراقبت از نوزاد استفاده کنند که این مدت در صورت داشتن فرزند دوقلو، یک ماه خواهد بود. از سوی دیگر، در این لایحه پیش بینی شده بود ساعت شیردهی برای مادرانی که نوزادشان هنوز یک ساله نشده است، ۲ ساعت و برای کودکان بالای یک سال تا ۲ سال، ۱ ساعت در نظر گرفته شود. همچنین در این لایحه به لزوم حمایت سازمان های بیمه گر از مادران شاغل بخش خصوصی در بحث تغذیه با شیر مادر توجه شده و مواردی مانند مرخصی زایمان، موارد مربوط به رحم اجاره ای، مادرانی که کودکانی را به فرزند می پذیرند و بحث مهدکودک های نزدیک محل کار کارکنان زن نیز لحاظ شده است. اما سؤال اساسی این است که آیا این قانون بر اساس نیازسنجی بوده است یا خیر؟ و دوم این که متولی نظارت بر این قانون چه مرجعی است و این قانون چگونه به اجرا در می آید؟

اگرچه در سال های اخیر در جهت ترویج تغذیه با شیر مادر فعالیت های فراوانی صورت گرفته، اما همچنان قوانین حمایت از تغذیه با شیر مادر به درستی اجرا نمی گردد. آنچه در این پژوهش به دست آمد نشان داد که تجربه ی زیسته ی مادران شاغل نشان از این دارد که این قانون اولاً دارای نقص هایی است و ثانیاً در همه جا اجرا نمی شود. علی رغم این مسئله که وزارت بهداشت و درمان و آموزش کشور متولی



اصلی ترویج تغذیه با شیر مادر می باشد، اما همچنان در ادارات، بیمارستان ها و کلینیک های وابسته به این وزارتخانه قوانین شیردهی به درستی اجرا نمی گردد. به طوری که کمترین زمان مرخصی زایمان به دانشجویان دکترای تخصصی تعلق دارد که فقط ۴۵ روز می باشد. از طرفی پاس شیر برای مادران کودکان کمتر از ۲ سال به درستی اجرا نمی گردد.

از این رو زنان در مواجهه با عدم رعایت قوانین حمایتی از زنان شاغل به دو گونه عمل می کنند:

الف) محیط کار را ترک می کنند که اگر این عمل یا در اثر اجبار باشد، منجر به ناکامی و افسردگی در زنان می شود. این مسئله در صورتی که با شناخت و بصیرت و انتخاب آگاهانه همراه باشد که یک مادر وظیفه ی تربیت و رشد فرزند را فراتر از یک فعالیت اجتماعی بداند مسئله ای را ایجاد نمی کند اما در صورتی که با فشار و اجبار همراه باشد می تواند ایجاد سرخوردگی و بی فایده ای کند. فارل (۱۹۹۰) در پژوهشی نشان داد که کودکان مادرانی که شاغل نبودند اما اشتغال بیرون از منزل را ترجیح می دادند (زنان خانه دار ناراضی) دارای مشکلات رفتاری بیشتری بودند (خانجانی، ۱۳۹۲).

ب) زنانی که به دلیل تحصیلات بالاتر و یا اجبار تحصیلی و کاری (مانند پزشکان) و یا به دلیل مشکلات خانوادگی و معیشتی نمی توانند محیط کار را ترک کنند و ناچار به استفاده از شیر خشک می شوند. در این صورت هم خیلی مواقع مادران دچار عذاب وجدان شده و مرتب خود را سرزنش می کنند. در این حالت مادران دچار احساس گناه می شوند. به خصوص اگر مادر در گروه های شخصیتی با مسؤلیت بالا قرار داشته باشد. همچنین این مادران اتفاقاً به دلیل همین شرایط نامساعد حمایتی و به دلیل فشار نقشی دچار خستگی جسمی و روحی می شوند که در این امر در روابط خانوادگی و در نهایت در سلامت جامعه تأثیر منفی زیادی دارد.

پیشنهادات و راهکارها

تغییرات جهانی و به دنبال آن تغییرات در زندگی فردی و خانوادگی، زنان را با مسائل و نقش های جدیدی مواجه کرده است. هم اکنون قشر وسیعی از زنان جامعه تحصیل کرده و خواستار اشتغال تمام وقت و نیمه وقت می باشند. از طرفی خانواده مثل گذشته از انسجام کافی برخوردار نیست و خانواده ها از شکل گسترده به هسته ای تغییر یافته اند. مردان به دلیل مشغله ی کار، مسکن و... وقت کمتری را با خانواده ی خود می گذرانند. اشتغال زنان در بیرون از خانه و تغییر ساختار خانواده و به دنبال آن کاهش ارتباطات و حمایت از جمله عواملی است که بر روی شیردهی مادران تأثیر گذار است. زندگی مدرن و کاهش ارتباطات و حمایت های خانوادگی نیز زنان را مستعد انواع بیماری های روانی و افزایش استرس می نماید و در نتیجه زنان را با مشکلات شیردهی مواجه می کند. مطالعه ی حاضر بر اساس یافته های به دست آمده مجموعه راهکارهایی در زمینه های مختلف جهت ارتقا تغذیه با شیر مادر در زنان شاغل ارائه می دهد:

۱) زمینه فردی : با تغییرات به وجود آمده در زندگی جدید و ایجاد نقش های جدید برای زنان، زندگی آنان نسبت به گذشته تغییرات اساسی پیدا کرده است. وظایف شغلی و اشتغال بیرون از خانه و به دنبال آن فشار و تعارض نقش ها، مادران را مستعد بیماری های روانی کرده است. از این رو آماده سازی مادران شاغل در دوران بارداری و حتی قبل از بارداری در ابعاد کنترل استرس، روش های آرام سازی، برنامه ریزی فردی و نحوه ی شیردهی، حائز اهمیت می باشد.

۲) زمینه خانوادگی : خانواده اولین بستر شکل گیری رفتارهای اعضای جامعه می باشد به طوری که در برنامه ریزی های کلان هر جامعه به منظور تغییر رفتار افراد بایستی از خانواده ها آغاز نمود. از این رو بایستی به منظور تقویت رفتار شیردهی مادران شاغل، در جهت افزایش آگاهی اعضای خانواده به ویژه همسران تلاش نمود. در این راستا برگزاری جلسات آموزشی و افزایش آگاهی آنان نسبت به شیر مادر و نقش حمایتی آنان، ضروری می باشد.

۳) زمینه جامعه : اگر چه در طی دو دهه گذشته تلاش های فراوانی در جهت ارتقاء تغذیه با شیر مادر صورت گرفته است، اما با توجه به تغییرات به وجود آمده در زندگی مردم، نیاز فراوانی جهت بهبود وضعیت تغذیه با شیر مادر وجود دارد. رسانه ها از جمله تلویزیون، رادیو، مجلات و ... در این زمینه می توانند نقشی تعیین کننده بر عهده گیرند. اگر چه در طی سالهای اخیر قوانین افزایش مرخصی زایمان به تصویب رسیده است، اما این قوانین در همه ی ادارات توسط کارفرمایان به اجرا در نمی آید. همچنین در طول روز امکان دسترسی به کودک و استفاده از پاس شیر به منظور شیردهی برای مادران شاغل وجود ندارد. از این رو ایجاد تسهیلات



لازم برای زنان شاغل جهت شیردهی آسان مثل قرار دادن اتاق شیردهی در ادارات، قرار دادن شیردوش برقی در ادارات، ملزم کردن کارفرمایان جهت همکاری با مادران به منظور استفاده درست و به جا از پاس شیر و مدت مرخصی زایمان به مدت ۹ ماه، ضروری به نظر می رسد.

- همچنین بایستی کارفرمایان وارگان های مسؤل در امر اشتغال، در گسترش اشتغال خانگی وبا دستمزد برای زنان مبادرت ورزند تا هم نیاز زنان برای استقلال مالی برطرف شود وهم از نقش مادری خود فاصله نگیرند. به خصوص برای زنانی که دارای بدسرپرست ویا بی سرپرست بوده وامکان بهره مندی از مراکز نگهداری از کودک را هم به دلیل هزینه های بالا ندارند ودر عین حال نیازمند داشتن درآمد برای گذران زندگی هستند. از آن جایی که امنیت شغلی به معنای پایداری در آن شغل برای مادران باردار و شیرده وجود ندارد، به نظر می رسد بایستی با فرهنگ سازی صحیح و یا با فعالیت های خانگی این مسئله جبران شده تا زمان بهینه ی باروری زنان از دست نرود.



- ابوالقاسمی، ناریا. مراقاتی خوبی، عفت. (۱۳۹۰) شناسایی تعیین کننده های ترویج تغذیه با شیر مادر از دیدگاه پرسنل بهداشتی درمانی، مجله دانشکده بهداشت و انستیتو تحقیقات بهداشتی، سال نهم، شماره ۴، ص: ۴۲-۳۳.
- احمدی فراز، م. عابدی، حیدرعلی. آذربیزین، م. (۱۳۹۳) تبیین تجارب زنان شاغل پیرامون نقش مادری: یک پژوهش کیفی پدیدارشناسی. مجله تحقیقات کیفی در علوم سلامت. شماره ۳(۲)، ص: ۱۴۸-۱۳۷.
- ایمان، محمدتقی. (۱۳۸۸) روش شناسی تحقیقات کیفی. نشر پژوهشگاه حوزه و دانشگاه، قم، چاپ اول ص: ۲۷۷-۲۷۵
- بستان، حسین (۱۳۹۰). جامعه شناسی خانواده با نگاهی به منابع اسلامی. قم: پژوهشگاه حوزه ودانشگاه.
- پاینده، ابوالقاسم (۱۳۸۲). نهج الفصاحه (مجموعه کلمات قصار حضرت رسول(ص)). تهران: دنیای دانش.
- چرکزی، عبدالرحمن. میرآئیز، زینب. رزاق نژاد، آتنا. (۱۳۸۹) وضعیت تغذیه با شیر مادر تا پایان دو سالگی و عوامل موثر بر آن از طریق سازه های مدل بزنف در شهر اصفهان، مجله تحقیقات نظام سلامت، سال ششم (شماره دوم)، ص: ۲۳۶-۲۲۶.
- خانجانی، زینب؛ محمودزاده، رقیه (۱۳۹۲). «مقایسه شیوه های فرزندپروری و اختلالات رفتاری کودکان مادران شاغل و غیرشاغل». فصلنامه علمی پژوهشی زن و فرهنگ. سال چهارم، شماره ۱۶، ص: ۵۲ تا ۳۷.
- خیاطی، فریبا. (۱۳۸۶) علل قطع زود هنگام شیردهی و انتظارات مادران شیرده از خانواده و جامعه در سندج، مجله علمی دانشگاه علوم پزشکی قزوین، سال یازدهم (شماره ۳)، ص: ۳۱-۲۵.
- رخشانی، فاطمه. انصاری مقدم، علیرضا. محمدی، مهدی. (۱۳۸۳) میزان تداوم تغذیه با شیر مادر و عوامل مرتبط با آن در کودکان ۶-۲ سال تحت پوشش مراکز بهداشتی درمانی زاهدان، مجله پژوهشی دانشگاه علوم پزشکی شهید بهشتی، سال ۹ (شماره ۴۲)، ص: ۳۵۴-۳۴۹.
- رستگار خالد، امیر. دلاری، مزده. (۱۳۹۲) تحول نگرش دختران نسبت به نقش مادری، مجموعه مقالات مادری.
- رستگار خالد، امیر. (۱۳۸۵) اشتغال زنان و ضرورت کنترل فشار های ناشی از کارخانگی، دومانه علمی-پژوهشی دانشگاه شاهد، دوره سیزدهم، شماره ۱۹، ص: ۵۰-۳۳.
- ساروخانی، باقر. (۱۳۷۰) جامعه شناسی خانواده. تهران، انتشارات سروش، ص: ۲۴۵-۲۳۳.
- ساروخانی، باقر، قریب، مینا. (۱۳۹۳) ساختار خانواده و تاثیر آن بر جایگاه سالمندان، مجله مطالعات توسعه اجتماعی ایران، تهران، تابستان، سال ششم، شماره ۳، ص: ۳۲-۲۱.
- سفیری، خدیجه. زارع، ز. (۱۳۸۵) احساس ناسازگاری میان نقش های اجتماعی و خانوادگی در زنان، مجله مطالعات زنان؛ سال چهارم، شماره ۲، ص: ۷۰-۴۷.
- علاسوند، فریبا (۱۳۹۰). زن در اسلام. ج ۲، قم: مرکز نشر هاجر.
- قطبی، فاطمه. (۱۳۸۷) مقایسه الگوی شیردهی در مادران شاغل و خانه دار. مجله دانشکده پزشکی، دوره ۳۲(۲)، ص: ۱۶۴-۱۵۹.
- کرده، مزگان و دیگران (۱۳۹۱). «بررسی تجربه ی دبیران زن از ایفای هم زمان نقش کار-خانواده و تأثیر آن بر چگونگی تدریس آنها». فصلنامه علمی پشی مطالعات اجتماعی روانشناسی زنان. سال ۱۰، شماره ۱، ص: ۱۲۵ تا ۱۴۸.
- کلانتری، ناصر. شناور، رضیه. رشیدخانی، بهرام. (۱۳۸۹) ارتباط چاقی و اضافه وزن کودکان اول دبستان شهر شیراز با الگوی تغذیه با شیر مادر، وزن هنگام تولد و وضعیت اقتصادی- اجتماعی، مجله علوم تغذیه و صنایع غذایی ایران، سال پنجم (شماره ۳)، ص: ۲۸-۱۹.
- کلیشادی، رویا. هاشمی پور، مهین. فاموری، فاطمه. (۱۳۸۴) نقش تغذیه با شیر مادر در پیشگیری از چاقی کودکان، مجله علمی دانشگاه علوم پزشکی قزوین، شماره ۳۵، ص: ۹۵-۸۷.
- کوئن، بروس (۱۳۷۲). مبانی جامعه شناسی، ترجمه غلام عباس توسلی و رضا فاضل، تهران: سمت.
- مجلی، محمد. بصیری مقدم، مهدی. شمشیری، محمود. (۱۳۸۸) تاثیر محیط آموزشی و عوامل مرتبط بر عملکرد شیردهی مادران، فصلنامه دانشگاه علوم پزشکی گناباد، دوره ۱۶ (شماره ۱)، ص: ۶۵-۵۹.
- محمدپور، احمد. (۱۳۸۹) ضدروش: منطق و طرح در روش شناسی کیفی، ج ۱، تهران: نشر جامعه شناسان، تهران، چاپ اول. ص: ۲۸۰



- Abdulwadud O, Elizabeth M.(۲۰۰۷) Interventions in the workplace to support breastfeeding for women in employment. *Cochrane Database Syst Rev*;۳:CD۰۰۶۱۷۷
- Afoakwah G, Smyth R, Lavender D.(۲۰۱۳) Women's experiences of breastfeeding: A narrative review of qualitative studies. *AFRICAN Journal of Midwifery and Women's Health*; ۷(۲) : ۶۹-۷۷.
- Baker M, Milligan K.(۲۰۰۸) Maternal employment, breastfeeding, and health: Evidence from maternity leave mandates, *Journal of Health Economics*, ۲۷: ۸۷۱-۸۸۷
- Belintxon-Martín M, Zaragüeta M. C, Adrián M. C, López-Dicastillo O.(۲۰۱۱) Initiating breastfeeding: experiences of first-time mothers. *An Sist Sanit Navar*, ۳۴:۳.
- Clifford, J. and McIntyre, E., (۲۰۰۸). Who supports breastfeeding? Breastfeeding review : professional publication of the Nursing Mothers' Association of Australia, ۱۶, pp. ۹-۱۹.
- Cooklin A, Donath S, Amir L. Maternal employment and breastfeeding: results from the longitudinal study of Australian children. *Acta Paediatrica* , ۲۰۰۸; ۹۷ : ۶۲۰-۶۲۳.
- Farymany M.(۲۰۰۲) : The relationship between kind of delivery and success in breastfeeding . *Hamadan University of Medical Sciences J*; ۱: ۴۷.
- Mohamad- Beigy A , Mohamadsalhy N, Bayati A.(۲۰۰۸) : Pattern of exclusive breast feeding in infants referred to health centers of Arak. *Gilan University of Medical Sciences Journal*; ۷۰: ۱۷.
- Murphy CB.(۲۰۱۰) Breastfeeding experiences of black women in Oregon : a phenomenological approach. <http://digitalcommons.ohsu.edu>.
- U.S. Department of Health and Human Services, ۲۰۱۱.
- Ogbuanu Ch, Glover S, Probst J.(۲۰۱۱) The Effect of Maternity Leave Length and Time of Return to Work on Breastfeeding. *Pediatrics*, ۱۲۷(۶) : e۱۴۱۴-e۱۴۲۷.
- PALME´ L, Molberg M.(۲۰۱۰) Breastfeeding: An existential challenge women's lived experiences of initiating breastfeeding within the context of early home discharge in Sweden. *Int J Qualitative Stud Health Well-being*, ۵: ۵۳۹۷.
- PALME´ L, Molberg M.(۲۰۱۲) Severe breastfeeding difficulties: Existential lostness asa motherWomen's lived experiences of initiating breastfeeding under severe difficulties. *J Qualitative Stud Health Well-being*, ۷: ۱۰۸۴۶ - DOI: ۱۰,۳۴۰۲.
- Pillittery A.(۲۰۰۷) : Maternal and child health nursing: Care of the childbearing and childrearing family. ۵th ed. Philadelphia: Lippincott Williams and Wilkins.; ۸۷۶-۸۹۰.
- RichardWilliamson I, Sacranie SM.(۲۰۱۲) Nourishing body and spirit: exploring British Muslim mothers' constructions andexperiences of breastfeeding. *Diversity and Equality in Health and Care*,۹:۱۱۳-۲۳
- Rippeyoung Ph, Noonan M.(۲۰۱۲) Is Breastfeeding Truly Cost Free? Income Consequences of Breastfeeding for Women. *American Sociological Review*, ۷۷: ۲۴۴.
- Skafida V.(۲۰۱۱) Juggling Work and Motherhood: The Impact of Employment and Maternity Leave on Breastfeeding Duration: A Survival Analysis on Growing Up in Scotland Data. *Matern Child Health J*, DOI ۱۰,۱۰۰۷/س۱۰۹۹۵-۰۱۱-۰۷۴۳.
- Stewart-Glenn J.(۲۰۱۲) "I'VE ACCOMPLISHED SOMETHING HERE" THE LIVED EXPERIENCE OF EMPLOYED BREASTFEEDING MOTHERS: A PHENOMENOLOGICAL ANALYSIS. *Nursing publications other works*, , p: ۵.



- Spencer R, Greatrex-White S, Fraser DM.(۲۰۱۴) 'I was meant to be able to do this': a phenomenological study of women's experiences of breastfeeding. Evidence Based Midwifery, ۱۲(۳): ۸۳-۸۸.
- Spencer R, Greatrex Sh.(, ۲۰۱۴) 'I thought it would keep them all quiet'. Women's experiences of breastfeeding as illusions of compliance: an interpretive phenomenological study. . Journal of Advanced Nursing; ۷۱(۵) : ۱۰۷۶-۱۰۸۶.
- Streubert speziale H, carpeter D.(۲۰۰۳) Qualitative Research in Nursing. Lippincott Williams, wilking.
- Sweet L.(۲۰۰۸) Expressed breast milk as 'connection' and its influence on the construction of 'motherhood' for mothers of preterm infants: a qualitative study. International Breastfeeding Journal,; ۳:۳۰.
- Tarmy T(۲۰۰۷). BREASTFEEDING EXPERIENCES OF TEENAGE MOTHERS IN VERMON.; ۶-۱۰.
- Zafar N, Gavino M.(۲۰۰۸) Breastfeeding and working full time Experiences of nurse mothers in Karachi, Pakistan. International Journal of Caring Sciences, ۱(۳):۱۳۲-۱۳۹.
- Zareai M. Obrien M. Fallon A.(۲۰۰۷) : Creating abreastfeeding Culture : A Comparison of Breastfeeding Practice in Australia and Iran.
- Wilson DR, Cooper C, Plunk K.(۲۰۱۲) Overcoming Breastfeeding Challenges: A Qualitative Inquiry. Clinical Lactation, Vol. ۳-۴: ۱۵۵-۱۶۰۴.



واکاوی نقش مادر در تربیت فرزند در دوران نوجوانی

مرضیه دهقانی؛ استادیار دانشکده روانشناسی و علوم تربیتی دانشگاه تهران

مهديه غنيمي نيا؛ دانشجوی کارشناسی ارشد

m_ghanimi@yahoo.com

چکیده

مقاله حاضر نقش مادر در تربیت فرزندان در دوران نوجوانی را بررسی کرده است. سعی شده به این سوال مهم و اساسی پاسخ داده شود که مادر در تربیت فرزندان به ویژه در دوران نوجوانی چه نقش‌هایی دارد؟ نقش مادری، موهبتی است که در وجود زن نهاده شده است که غفلت از آن موجب فساد و تباهی جامعه می‌شود و مراقبت از آن جامعه‌ای خیرخواه و تکامل یافته پدید می‌آورد. در این پژوهش که از روش تحلیلی-توصیفی استفاده شده است، تلاش گردیده تا رفتارهایی مانند قدردانی، دلگرم کردن، صمیمیت، ارتباط مثبت، هدایت، مسئولیت پذیری، عدالت‌ورزی، نظارت، کنترل و الگو بودن به عنوان عناصر مفید در تربیت فرزندان به ویژه در دوران نوجوانی که از مهمترین و حساس ترین دوره های زندگی انسان محسوب می شود، بررسی و تحلیل گردند. در این تحلیل روشن شد که اطلاع مادران از ویژگی های این دوره خاص و همچنین برقراری روابط دوستانه با نوجوانان در جهت ایفای نقش مادری بسیار مهم می‌نماید. چنانچه مادران با بهره‌گیری از دستورات الهی و رعایت این رفتارها و بکارگیری آنها می‌توانند این رفتارها را به فرزندان خود نیز آموزش دهند. رفتارهای ذکر شده در طیف گسترده‌ای قرار دارند که مادران با بهره‌گیری متعادل از آنها و برقراری روابط درست در بکارگیری آنها می‌توانند نوجوان سالم، تربیت نمایند. امید است مطالب ذکر شده بتواند برای خانواده‌ها و مادران در این زمینه کمک نماید.

کلید واژه ها

نقش تربیتی مادر- تربیت فرزندان-سبک های فرزند پروری- دوران نوجوانی

مقدمه

نخستین کانون رشد و آرامش بشری خانواده است (جوادی آملی، ۱۳۹۱) پدر و مادر هر دو در تربیت فرزند نقش دارند اما از آنجایی که از دوران کودکی وابستگی کودک به مادر بیش از پدر است طبیعی است که مادر بیشترین نقش و سهم را در تربیت فرزندان دارد. واژه مادر مترادف با کلماتی مثل مراقب فرزندان و تامین کننده نیازهای عاطفی و اجتماعی اعضای خانواده به خصوص فرزندان است. والدین به خصوص مادران مسئول اصلی پرورش اخلاق و عاطفه در فرزندان به خصوص نوجوانان می باشند. زیرا شخصیت نوجوان در خانواده شکل می گیرد و تعامل نوجوان با والدینش در سلامت روانش تاثیر بسزایی دارد.

نوجوانی دوره ای است همراه با تغییرات جسمی، عاطفی، شناختی و اجتماعی. که از ۱۲ سالگی شروع و تا ۱۸ سالگی ادامه دارد. دوره ای پویا و هیجانی است. این دوره شامل افزایش توان تفکر، شروع بلوغ، تغییر در روابط خانواده، علاقه به همسالان، تعهد و مسئولیت پذیری و ... نوجوانی یک مرحله مهم است. نوجوانی اساس آینده است. نوجوانی یک دوره تغییر، یک مرحله دشوار و یک مرحله آرمان گرایی است. نیازهای دوران نوجوانی عبارتند از: نیاز به محبت متقابل، احساس امنیت، پذیرفتگی و ارزشمندی موفقیت، احساس تعلق داشتن و مورد قبول گروه همسالان واقع شدن، استقلال، داشتن هدفی مشخص در زندگی، همدردی.

از مهم ترین و جدی ترین مشکلاتی که در سنین نوجوانی پیش می آید مسائل جنسی است. در دوران نوجوانی، انسان در هیچ زمینه ای تا این اندازه آسیب پذیر نیست. و باید برای جلوگیری از انحرافات جنسی اقداماتی را انجام داد تا نوجوان در این مسیر نیفتد. سهم عمده در پرورش عاطفی فرزندان، از آن مادر است و او است که باید در پرتو عواطف ملکوتی خود بذر عاطفه را درون فرزندان خود بپروراند. از جمله راه های برخورد عاطفی با نوجوان در نظر گرفتن نقطه های مثبت رفتار هاست و همچنین اختصاص زمان و فرصت مناسب برای ارتباط با آنان است.



مادر تشویق کننده برای نوجوان، او را همان طور که هست می پذیرد. و همچنین با انتظارات منفی خود نوجوان را زیر فشار نمی گذارد. از جمله راه های اطمینان داشتن به توانمندی نوجوان، ارج گذاشتن به تلاش ها و پیشرفت ها، توجه به نقاط قوت اوست. بنابراین با توجه به نظرات مختلف درخصوص نقش مادر در تربیت فرزند هدف از این مقاله بررسی و واکاوی نقش مادر در تربیت فرزند به ویژه در دوران نوجوانی می باشد. برای پاسخگویی به این موضوع ابتدایه نقش مادران سپس به تربیت فرزندان، سبک های تربیتی و ویژگی های دوره نوجوانی پرداخته شده است.

نقش تربیتی مادر

در محیط خانه و اجتماع برجسته ترین نقش مادر نقش تربیتی است. کودک از دامن مادر یاد می گیرد که چگونه با دیگران رفتار نماید و چگونه با آنان برخورد داشته باشد. این رو، کارشناسان مسائل تربیتی بر نقش مادر در تربیت فرزند همواره تأکید داشته و دارند. نقش مادری یک نقش مقدس و در عین مقدس بودن سنگین و دشوار است. مادران کسانی هستند که امر پرورش فرزندان را در دوران حمل و پس از آن بر عهده دارند، در واقع آنها سازندگان واقعی جامعه هستند و اگر در این مورد مادران نکات تربیتی را رعایت کنند ما می توانیم جامعه ای عاری از هرگونه مشکلات داشته باشیم. خمیرمایه مولفه های اصلی شخصیت متعادل و پویا یا متزلزل و آسیب پذیر کودکان و نوجوانان در کانون خانواده و در سایه تعامل مطلوب با والدین، به ویژه مادر، شکل می گیرد. همچنین مادر باید در تمام رفتارهای خود اعتدال داشته باشد. والدین به خصوص مادران باید به رشد همه جانبه فرزندشان توجه داشته باشند. برای والد ۷ نقش در نظر گرفته می شود ۱- مراقبت کننده ۲- منبع عاطفه بودن ۳- مربی بودن ۴- منبع اقتصادی بودن ۵- پشتیبانی ۶- ارتقاء دهنده سلامت ۷- انتقال دهنده آیین ها است.

تربیت فرزندان

برقراری ارتباط مناسب با فرزندان مهارتی تربیتی است. تربیت کردن فرزندان در صورتی که ارتباط مناسبی بین والدین و فرزندان ایجاد شود، امری موثر و لذت بخش است. برقراری ارتباط مناسب یکی از عوامل افزایش اعتماد به نفس و احترام دو طرفه است. مادرانی که به هویت ثابتی در ابعاد مختلف دست یافته اند می توانند فرزندان خود را به بهترین روش تربیت نمایند. هدف اساسی و مهم والد تربیت و پرورش فرزند است. یعنی رسیدن فرزند به موفقیت، خود کنترلی، خودمختاری و در مجموع هدف والای تربیت، دستیابی فرزندان به خصوص نوجوانان به جنبه های مثبت روانشناختی است.

سبکهای فرزند پروری

والدین به سبک ها و روش های گوناگون فرزندان خود را تربیت می نمایند که هر کدام از این شیوه ها در شکل گیری شخصیت فرزندان موثر است. برخی از والدین مقتدر هستند با فرزندان با اقتدار رفتار می کنند ولی به آنها اجازه اعتراض نیز می دهند یعنی فرزند خود را هم کنترل می کنند و هم به وی محبت می نمایند. سبک برخی دیگر مستبدانه است یعنی فرزندان دارای محدودیت هستند و آزادی برخوردار نیستند. گروه دیگر آسان گیر هستند یعنی از خطای فرزندان چشم پوشی می کنند و فرزندان آزادی کامل دارند. گروه آخر والدین بی توجه هستند بفعالیت فرزندان نظارت ندارند و روابط سرد است.

دوران نوجوانی

نوجوانی اغلب به دوره ای بین کودکی و بزرگسالی اطلاق می شود. این واژه، برچسب مناسبی جهت دوره ای از زندگی فرد (تقریباً سنین ۱۲ - ۲۰ سالگی) است و چنین استعمالی، هیچ گونه قید و تعریفی درباره ی خصوصیات رشد نوجوان ها یا علل اختصاصی نوجوانی ندارد. هر دوره ای از زندگی را می توان بر مبنای پاره ای از مسائل رشدی، نظیر: مسائل بیولوژیکی، روانی و اجتماعی دسته بندی کرد. از جمله آنها که به طور مشخص، ولی نه الزاماً در طی دهه دوم زندگی، اتفاق می افتد ارتباط با جنس مخالف، آگاهی های شغلی، رشد ارزشها و خود محوری های مسئولانه و باز شدن گره های عاطفی با والدین است. دوره نوجوانی را باید یک مرحله بسیار مهم از زندگی تلقی کرد.

در این دوره، نوجوان نه دیگر کودک به حساب می آید و نه هنوز به درستی بالغ شده است. وی در مرز بین این دو مرحله یعنی کودکی و بزرگسالی قرار دارد و با انتظارات خاص هر دو دوره روبرو است. اگر کاری کودکانه کند، او را ملامت می کنند که بزرگ شده و این کار در شأن او نیست، از سوی دیگر نیز در زمره بزرگسالان محسوب نمی شود.



بنابراین با ورود نوجوان به دوره دبیرستان، خانواده در موقعیت جدیدی قرار می‌گیرد. به همین جهت نقش و مسوولیت خانواده نیز متحول می‌شود و ابعاد گسترده تری می‌یابد. از این رو باید توانایی مادران و پدران در امر تعلیم و تربیت فرزندان افزایش پیدا کند و این امکان را بیابند که هرچه بیشتر با نحوه تربیت فرزندان خویش آشنا شوند.

کودکان با ورود به نوجوانی در صورتی که مراحل قبلی رشد شناخت را به درستی باشند وارد مرحله هوش انتزاعی می‌شوند. در این مرحله، واقعیت‌های ذهنی و آرمانی به تفکر او شکل می‌دهند. در این مرحله از رشد هوش، نوجوان می‌تواند به فرضیه‌سازی، انتزاع‌گری و تخیلات هدفمند دست بزند و بنابراین چه بس وضعیت‌های رایج و حاکم بر خانواده خود را نپسندد و گونه‌های متفاوت و نه لزوماً بهتری را در ذهن مجسم کند. این حالت منجر به پیدایش اصطکاک‌های تکرار شونده‌ای بین پدر و نوجوان یا مادر و نوجوان می‌شود. بسیاری از والدین این نوع اصطکاک‌ها را غیر عادی ارزیابی می‌کنند و فرزندان خود را متهم به سرکشی، لجبازی یا هنجار شکنی می‌کنند (پوررضائیان، ۱۳۹۰).

نیازهای روانی نوجوانان

به اعتقاد پژوهشگران تعلیم و تربیت و روان‌شناسان رشد، مهم‌ترین نیازهای روانی نوجوانان عبارتند از:

- * با ایشان مانند بزرگسالان رفتار شود.
- * توسط گروه همسالان، بدون قید و شرط پذیرفته شوند.
- * با اولیای آموزشی و دبیران ارتباط دوستانه برقرار نمایند.
- * از وجود رابطه صمیمانه بین والدینشان و اولیای آموزشی اطمینان حاصل نمایند.
- * نسبت به نظرات ایشان احترام گذاشته شود.
- * حداقل یک مهارت فنی - حرفه‌ای را یاد بگیرند.
- * به سلامت جسمی و تناسب اندام ایشان توجه شود.
- * از حقوق شهروندی به طور عینی آگاهی کسب نمایند.
- * رموز یک خانواده موفق را کشف نمایند.
- * درباره کسب و کار و شرایط اقتصادی جامعه مطالعه نمایند و آگاه شوند.
- * از فرصت‌ها و امکانات دولتی و غیر دولتی جهت پرورش استعدادهای هنری، ادبی و ... استفاده نمایند.
- عدم ارضا یا برآورده نشدن هر یک از نیازهای فوق باعث اختلال در تکوین و تکامل شخصیت نوجوان می‌شود و او را برای ابتلا به بیماری‌های روانی یا ناسازگاری با ارزش‌های اجتماعی آماده می‌کند (پوررضائیان، ۱۳۹۰).

عناصر مفید در تربیت نوجوان

قدردانی شامل تشویق و تحسین نوجوان و تشکر از وی محبت و احترام به نوجوان است. که انجام این رفتار تاثیر مثبتی در تربیت نوجوان دارد. دلگرم کردن یعنی به علایق و نیازهای نوجوان پاسخ دادن و توجه و همدردی با نوجوان در مواجهه با مشکلات، اعتماد به او و اهمیت به حس استقلال طلبی. صمیمیت یعنی برقراری رابطه صمیمانه با نوجوان، پذیرش احساسات او و ... ارتباط مثبت شامل هم‌کلام شدن با نوجوان، بحث و تبادل نظر با نوجوان، انعطاف‌پذیری در برخورد با نوجوان و ... هدایت شامل راهنمایی و آگاهی دادن به نوجوان از طریق آموزش مستقیم و غیرمستقیم، بالا بردن وسعت دید نوجوان مسؤلیت یعنی مشارکت دادن نوجوان در امور داخل و خارج منزل، آشنا نمودن نوجوان با فضای کسب و کار و آینده عدالت، داشتن رفتار عادلانه بین فرزندان و پرهیز از هر نوع تبعیض بین ایشان و توجه به تفاوت‌های فردی نشان دهنده عدالت است. که این مسئله در سلامت روان نوجوان موثر است.

نظارت هم به صورت مستقیم و هم به صورت غیر مستقیم باید وجود داشته باشد. والدین به ویژه مادران باید نسبت به روابط نوجوان با دوستانش حساس باشند و بر آن نظارت داشته باشند تا زمینه انحرافات اخلاقی فراهم نشود.



کنترل یعنی تعیین چارچوب برای کلیه فعالیتها و رفتارهای نوجوان البته این کنترل خیلی خشک و غیر قابل تغییر نباشد زیرا تبعات منفی بر رفتار نوجوان خواهد داشت. اما وجود یک چارچوب باعث می شود تا نوجوان همواره مراقب رفتارهایش باشد.

نتیجه گیری

چنانچه روشن است و در این مقاله به آن اشاره شد سبک تربیتی والدین به ویژه مادران و نحوه ارتباط با نوجوانان در شکل گیری شخصیت و موفقیت فرزندان بسیار موثر است. همسو با نظر دکتر رضائیان، در دوران نوجوانی بهتر است والدین به ویژه مادران با فرزندشان ارتباط دوستانه و صمیمانه برقرار کنند تا نوجوان به وی اعتماد کند و مسائل و مشکلات خود را به راحتی با ایشان در میان بگذارد. و از خشونت، امر و نهی، مسخره کردن، انتقاد یا مقایسه و سرزنش به کلی پرهیز کنند. والدین باید فرض کنند چنین روش ها و رفتارهایی اصلا وجود ندارد. زیرا این روشها نه تنها سازنده نیستند، بلکه ممکن است مخرب نیز باشند. بدیهی است که تغییر اخلاق و رفتار و شخصیت نوجوان در این دوره گاهی واقعا غیر قابل تحمل است، ولی این امر هم بدیهی است که بیمار روانی شدن یا فرار او از خانه هم غیر قابل تحمل است. پذیرش و تلاش والدین به ویژه مادران برای نزدیک شدن بیشتر به نوجوان در این دوره، بهترین راه چاره است. همچنین کنترل نامحسوس بر رفتار نوجوان از جانب مادر لازم است زیرا از این طریق مادر با روحیات و دوستان فرزندش آشنا می شود و هر جا لازم باشد تذکرات لازم را به صورت صمیمانه به نوجوان ارائه می دهد. با توجه به اینکه نوجوان، استقلال طلبی را دوست دارد بهتر است والدین به خصوص مادران فرصت انتخاب های بیشتری را در اختیار وی قرار دهند. در تصمیم گیری ها به نوجوان مشاوره و راهنمایی بدهند ولی در نهایت او خود تصمیم بگیرد. محیط خانه، محیط امنی باشد که این امنیت با حضور مادر و پدر قوت خواهد گرفت. جو حاکم بر خانه، عاری از هر تنش و بحث و اختلافات باشد تا نوجوان از خانه گریزان نشود و برای فرار از خانه وارد اجتماعی شود که قطعاً دچار آسیب هایی خواهد شد. همچنین والدین به ویژه مادرانی که توانایی حل مسئله را دارند به راحتی آن را به فرزند نوجوان خود آموزش می دهند و نوجوان در حل مسائل زندگی کمتر دچار بحران می شود. لازم به ذکر است پدر و مادر هر دو در تربیت فرزند به خصوص نوجوان نقش موثری دارند فقط لازم است هم جهت و هم سو باشند تا فرزندان دچار سردرگمی نشوند.



دومین همایش ملی جایگاه و نقش مادر

2nd National Conference on the Status and the Role of Mother

منابع

اسدی، م؛ منصوریان، ی؛ نظری، ع. (۱۳۹۳). تبیین شاخص های والد گیری موفق در دوره نوجوانی در نمونه هایی از خانواده های ایرانی : یک مطالعه کیفی، فصلنامه علمی-پژوهشی آموزش بهداشت و ارتقای سلامت دوره سوم / شماره سوم / پاییز ۱۳۹۴، شکوهی یکتا، م؛ پرند، اکرم؛ آموزش روش حل مسئله به مادران و تاثیر آن بر روابط خانوادگی، فصلنامه خانواده پژوهی / سال چهارم / شماره ۱۳ / بهار ۱۳۸۷ / ۶ ،



سنتز پژوهی بازنمایی زنان در سینمای ایران

لیلا شاهرخ؛ دانشجوی دکتری علوم ارتباطات دانشگاه آزاد اسلامی واحد میبد

l.sh.f.r5v@gmail.com

شهناز هاشمی؛ دانشیار علوم ارتباطات، دانشگاه آزاد اسلامی واحد تهران مرکز

چکیده

چگونگی تصویرسازی زنان در سینما تابع پذیرش اجتماعی و مقبولیت عام است. با استفاده از رویکرد برساخت‌گرایی، خوانشی از مطالعات انجام شده در مجلات معتبر علمی-پژوهشی با شیوه سنتزپژوهی انجام گرفت. به همین دلیل با دو متغیر «مدیریت بدن» و «بازنمایی زنان در سینما» در مجموع ۶۳ مقاله مورد ارزیابی قرار گرفت و در نهایت ۴۰ مقاله برای خوانش مجدد کدگذاری و شاخص‌ها و مفاهیم آنان استخراج شد. بعد از کدگذاری مجدد، نتایج مطالعه تلفیقی در چهار دسته «اولویت بخشی به مفاهیم زن مدرن صرفاً به مثابه ویتیرین توسعه و پیشرفت جامعه مدرن»، «بدن مدیریت شده نمادی از زن عصیانگر و غیرفرمان‌بر»، «شی‌انگاری زنان برای جلب رضایت از نظام مردسالار» و «مدیریت بدن به مثابه ابزار مطیع ساز زن در پذیرش اجتماعی» تقسیم‌بندی شد و با استناد به مصادیق نحوه برساخت زن در سینمای ایران هویدا شد. نتایج پژوهش حاکی از آن است که نگاه فرادستی فرودستی بر هویت زنانه در سینمای ایران (قبل و بعد از انقلاب) وجود داشته و زن به مثابه کالایی برای برجسته‌سازی بیشتر مرد به تصویر کشیده شده است. مدیریت بدن زنان و ظاهر مدرن نیز به واسطه حضور مردانی که زن مدرن را این‌گونه مطلوب ارزیابی می‌کنند، بیان شده که در صورت تصمیم مردان، قابلیت حذف و جایگزینی توسط زنان سنتی و مطیع را به سهولت داراست. بدن زن به مثابه ابزاری برای پذیرش اجتماعی و تایید جامعه مردان بازنمایی شده و به همین دلیل این نگاه زیباشناختی بر بدن زن نیز حاکی از سلطه مردان بر نقش و برساخت هویت زنان در جامعه ارزیابی می‌گردد. واژه‌های کلیدی: زنان، برساخت اجتماعی، مدیریت بدن، سینما، پذیرش اجتماعی.

مقدمه

سینما به مثابه یک رسانه با قدرت بالایی که در بین مخاطبان دارد، ظرفیت تغییر در ذائقه و سلیقه آن‌ها را دارد. این تغییر که به صورت نرم و بسیار نامحسوس صورت می‌گیرد، در طولانی مدت موجب تفاوت فرهنگی دو نسل بین یکدیگر می‌شود. سینما با خوانش‌های متفاوت از الگوی نقش جنسی و تغییر در مفاهیم زنانگی و مردانگی، جهت رفتاری جامعه را دستخوش دگرگونی می‌کند. الگوهای رفتاری از طریق روایت‌های جذاب در رسانه‌هایی چون سینما و تلویزیون به مخاطب انتقال داده شد و به طور ضمنی شیوه پذیرش اجتماعی به عنوان فرد موفق و مطلوب در جامعه در زندگی بازیگران اصلی نمایش داده شد. سینما و تلویزیون با قدرتی که در جهت‌دهی به مخاطب دارند، توان بازسازی تیپ ایده‌آل از جنسیت و همچنین تحدید مرزهای زیبایی را دارند. سوژگی بدن در ذیل همین سوژه‌سازی سینما از زن و مرد، معنای مضاعف یافت و همچنین پیش‌برد فرهنگ مصرف‌گرایانه با این روش نهادینه شد. بدن به عنوان یک مقوله قابل تغییر در پروژه شبیه‌سازی و یکسان‌سازی سلاقی در الگوهای سینمایی زنانه ترویج داده شد.

واضح و مبرهن است که روایت‌گری از زن و مفهوم زن در سینما بازنمایی آنچه در بطن جامعه وجود دارد، نیست بلکه در بسیاری مواقع برساخت واقعیت دلخواه از زن و سوق دادن افکار عمومی به مفهوم زن مطلوب در چارچوب مورد نظر نظام فرهنگی مسلط بر جامعه است. به این ترتیب بود که سینما توانست تیپ ایده‌آلی از زیبایی و بدن مناسب را برای زنان به تصویر بکشد که به مرور به مثابه زیبایی اصیل و مطلوب در بین مخاطبان به خصوص زنان رسوب کرد. شاخص موفقیت و پذیرش اجتماعی یک زن در فیلم‌های سینمایی ما بدون قرار



گرفتن در قالب بدن مطلوب به تصویر کشیده نشده است و در نهایت کارکرد بدن، به مثابه ابزاری در پروژه موفقیت یک زن به نمایش گذاشته شد.

در این نوشتار با توجه به مطالعات انجام شده، رویکرد برساخت‌گرایی^۱ انتخاب گردید. این رویکرد واقعیت را نه امری ذاتی بلکه پدیده‌ای حاصل برهم کنش کنشگران در زمان و مکان مشخص می‌داند. ساخت‌گرایی بر این اعتقاد است که معرفت طی فرایند مبادله اجتماعی بر ساخته می‌شود. ساخت‌گرایی به لحاظ مباحث فرانظری در «میان» طیف طبیعت‌گرایان/اثبات‌گرایان و پسا‌ساختارگرایان قرار می‌گیرد. در رابطه بین ساخت و عاملیت ساخت‌گرایان به تعامل بین ساختار و کارکرد هستند و ساختارهای اجتماعی را نتیجه پیامدهای خواسته‌ناخواسته کنش و رفتار انسانی می‌دانند. (بیلیس و اسمیت، ۱۳۸۳: ۵۴۶)

تاکید زیاد ساخت‌گرایان بر بر سازی جمعی را می‌توان اینگونه تلقی کرد که آنان به معنای جمعی بیش از ساختار اهمیت قائل‌اند. به عبارت بسیار ساده می‌توان گفت که حقیقت در این دیدگاه صرفاً نه واقعیت عینی و نه واقعیت تجربی است بلکه به طور اجتماعی برساخته می‌شود و مورد توافق جمعی است که در مشارکت همگانی در زمینه فرهنگی و اجتماعی تولید می‌شود؛ حقیقت در نهایت محصول موقعیت اجتماعی خود است. ساخت‌گرایی به این دلیل که بر تفسیر فرد اهمیت قائل می‌شود، از بنیان‌های روش کیفی و نظریات فمینیستی محسوب می‌شود. روش کیفی نیز بر تفسیر داده‌های انسانی استوار است نه اندازه‌گیری کمی داده‌ها. (محمدپور، ۱۳۸۹: ۳۳۴)

ساخت‌گرایان به چگونگی شکل دادن جهان مادی به کنش در رفتار انسانی توجه می‌کنند که این امر نتیجه تفسیر هنجاری و معرفت‌شناسی از جهان مادی توسط افراد است. شناخت ما از واقعیت اجتماعی ساخته علم اجتماعی است؛ بدین معنا که معرفت اجتماعی علمی، معرفت بازتابی است که موضوع خود را می‌سازد. بازنمایی زنان در سینما نیز بر ساخته‌ای از تجربیات مشترک یک دوره نسلی و بر پایه‌های آموزه‌های نظام سرمایه‌داری است.

روش پژوهش

سنتزپژوهی که گاهی معادل فراتحلیل کیفی به کار می‌رود، ترکیب مشخصه‌های خاص مجموعه ادبیات تحقیق است. هدف سنتزپژوهی این است که تحقیقات تجربی را به منظور خلق تعمیم‌ها، ترکیب کند. (عبدلی و محمدسنی، ۱۳۹۴) تعمیم‌هایی که در آن، حد و مرزهای تعمیم نیز مشخص می‌شود. سنتزپژوهی به نظریه‌های مربوط توجه دارد، تحقیقی را که پوشش می‌دهد به طور منتقدانه تحلیل می‌کند و سعی دارد که تعارضات موجود در ادبیات را حل و موضوعات اصلی را برای تحقیقات آینده مشخص نماید. (کوپر و هدگز، ۲۰۰۹: ۴)

به عبارت دیگر، در این روش دانسته‌های مطالعات مختلف و شاید پراکنده که می‌توانند با نیازهای خاص میدان عمل مرتبط باشند، گردآوری می‌شوند؛ سپس این دانسته‌ها با هم پیوند یافته و کل مجموعه دانش حاصله در قالبی متناسب با نیازهای کنونی، مورد ارزیابی، سازماندهی مجدد و تفسیر قرار می‌گیرند. از این رو در این روش صرف کنار هم قرار دادن دانش‌های قبلی مدنظر نیست بلکه بر ترکیب یافته‌های گوناگون در چارچوبی مشخص که روابطی جدید را در پی دارد، مورد تاکید است. (شورت، ۱۳۸۷)

در این پژوهش صرفاً از تحقیقات داخلی در پایگاه‌های مطالعاتی معتبر و مقالات علمی-پژوهشی در بازه زمانی سال ۸۳ تا ۹۵ (شامل کلیه مقالات علمی - پژوهشی در زمینه بازنمایی زنان و بدن زنانه در سینمای ایران) استفاده شده است. انتخاب این دوره زمانی به دلیل این بود که بنا به پژوهش‌های مختلف، آمار عمل‌های جراحی زیبایی و استفاده از رژیم‌های مختلف غذایی بین زنان در حال افزایش ارزیابی شده است.

کلیدواژه‌های به کاربرده شامل زنان، مدیریت بدن و قدرت سینما در برسازای بود. نگاه به مقالات با رویکرد برساخت اجتماعی مفهوم زیبایی صورت گرفت. به همین دلیل دو متغیر اصلی زن در سینما و مدیریت بدن زنان برای پژوهش انتخاب شد. با کلیدواژگان مذکور در کل ۶۳ مقاله انتخاب و چکیده یا متن کامل مورد ارزیابی قرار گرفت و با توجه به چارچوب و مسئله پژوهش، در مجموع ۴۰ مقاله به صورت



هدفمند انتخاب شد. مقالات منتخب در دسته‌های مختلف مورد مطالعه قرار گرفتند تا شاخص‌های مورد بررسی با دقت بیشتری نمایان شود؛ دسته‌ها به قرار زیر است:

- بازنمایی زنان در سینما (۱۱ مقاله)
- هویت زنان (۱۳ مقاله)
- مدیریت بدن (۱۶ مقاله)

یافته‌های پژوهش

در این پژوهش به دنبال فهم مدیریت بدن و نحوه بازنمایی بدن زن مطلوب در سینمای ایران بودیم. تقابل نقش سنتی و فردگرایی در به تصویر کشیدن زنان در سینما تابع پذیرش اجتماعی و مقبولیت عام است. این بازخوانی و تلفیق پژوهش‌های انجام شده در پاسخ به این سوال اصلی که چگونه سینما زنان را وادار به مدیریت بدن برای پذیرش اجتماعی می‌کند، صورت گرفته است. با کدگذاری مفاهیم و دسته‌بندی‌های انجام شده، مقالات در قالب مضامین زیر ارزیابی شد:

- اولویت بخشی به مفاهیم زن مدرن صرفاً به مثابه ویتترین توسعه و پیشرفت جامعه مدرن (زن با بدن مطلوب) - طبق مطالعات انجام شده، ویژگی مستقل بودن به زن مدرن نسبت داده شده است اما موفقیت چندان حاصل این گونه زنان نمی‌شود و مصرف تظاهری از تحصیلات، اشتغال و فردیت مستقل به تنهایی و طرد آنان منتهی می‌گردد. این زنان که اغلب ظاهری آرایش و پوششی متفاوت از زن سنتی دارند، به عنوان الگوی زیبایی و بدن تایید شده در چارچوب نظام مرد سالار نمایانده می‌شود اما حضور و اوج گرفتن آنان موقت است و به سرعت توسط زنان سنتی جایگزین می‌شوند. جذابیت ظاهری تنها برای درخشش کوتاهی در فرایند فیلم دیده شده و تاثیر آن بر زنان جوان در مطالعات متعددی مورد ارزیابی قرار گرفته است. از دید پژوهشگران، زنان مدرن از بدن خود برای نمایش موفقیت و استقلال‌شان بهره می‌برند و شکست و ناکامی آنان با تخریب بدن و برهم ریختگی ظاهر نمایان می‌شود. به همین دلیل استفاده از آرایش و پیرایش ظاهر برای جذابیت و میل به زیبا تلقی شدن، در این زنان به وضوح به تصویر کشیده شده است؛ زنانی که نماینده زن مدرن و مستقل هستند، تلاش زیادی برای مدیریت بدن و مطلوبیت آن در جامعه داشته است تا توسط هنجارهای محیط پیرامون، مثبت و توانمند ارزیابی شود. زنانی که در مقالات در جامعه به تصویر کشیده شده‌اند، در عین حال که به استقلال خود اهمیت می‌دهند، میزان پذیرش اجتماعی و مقبولیت در محیط پیرامون برایشان اهمیت دارد. به عبارت دیگر، زنان در کنار تلاش برای مهارت، استقلال مالی و فکری و دستیابی به آزادی‌های مشابه مردان، الزام به داشتن بدن مطلوب، آراسته و پیراسته شده و متناسب دارند.

بدن مدیریت شده نمادی از زن عصیانگر و غیرفرمان‌بر

- زنان عصیان‌گر در سینمای ایران با ظاهر و پوششی پیراسته و آراسته نمایان می‌شوند. با این همه این رفتار تمایزجویانه ناشی از تحصیلات، اشتغال و استقلال مالی که ظاهراً به بر ساخت مفهوم زن مدرن منجر شده است، نتوانسته بر فردیت و استقلال خواهی زن را در عرصه‌های مختلف زندگی تاثیرگذار باشد در مقالات مورد ارزیابی در حوزه بازنمایی زن در سینمای ایران، این موارد به کرات تاکید شده است.

- به عبارت دیگر چرخش داستان فیلم‌های سینمایی بر حضور نمایشی زن مدرن و تاکید بر الگوی زن سنتی، خانواده محور و مطیع همسر یا مردان دیگر بود است. این مسئله در اغلب پژوهش‌ها به وضوح دیده می‌شود و تمام تلاش زن مدرن برای کسب هویت مستقل را عامل شکست و ناخشنودی وی دانسته‌اند؛ زنان در نقش‌های سنتی و به دور از اهمیت بدن و مدیریت بدن، بازنمایی مثبت دارند و بدن مدیریت شده به مثابه ابزاری برای لذت، تطمیع و گذر موقت زنان در اجتماع و فضای اشتغال به تصویر کشیده شده است. تقابل فرودست و فرادست در جایگاه زن و مرد در سینمای ایران به گونه‌ای است که تنها به زنان تذکر می‌دهد که جامعه مرد سالار ایران، تاب عصیان‌گری در برابر سنت‌های مقبول و هنجارها را ندارد؛ زنان هر چند با هویت مستقل خود در پی کسب معنایی تازه برای مفهوم زن باشند، باز نیازمند تایید مردان هستند. مدیریت زنانه بدن در برابر نگاه مردانه و تایید وی قرار می‌گیرد و این عصیان و خروج از اندرونی خانه تنها برای مدت کوتاهی برای مردان فیلم جذاب بوده و بازگشت و مطلوبیت باز با زنان در نقش‌های سنتی و در درون محیط خانه و خانواده است. رشد



فکری زنان تنها در مدیریت بدن به نمایش در می‌آید و شاید این بازنمایی به نوعی هشدار در برابر این رفتار تبعیض آمیز باشد و از درون رسانه سینما بهتر و واضح‌تر این تعارضات زندگی زنان در جامعه نمایانده شود.

• شی‌انگاری زنان برای جلب رضایت از نظام مردسالار

به استناد پژوهش‌های مورد ارزیابی، بدن به مثابه ابزاری برای ورود به جامعه‌ای است که چندان به زنان تعلق ندارد. تعارض بدن زنانه مدیریت شده و رفتار مستقل و انتقاد کننده مردانه، در بسیاری از مقالات مورد مطالعه درباره زنان داستان به نوعی بیان شده است. با این همه، زنان در هر سطح و طبقه‌ای به صورت آشکار یا پنهان در صدد جلب رضایت از سوی نظام مردسالاری که بعضاً از آن فرار کرده‌اند، هستند. در این جدال پنهانی، فردگرایی و تلاش زنان برای آزادی و استقلال عمل، در نهایت به حلقه کسب رضایت مردان ختم شده است. در اغلب فیلم‌های بررسی شده در این مقالات، زنان فردگرا و خودمختار که خواهان آزادی و استقلال هستند، علیرغم مدیریت مطلوب بدن و نمایش ویتترین گونه از بدن خود، به تایید نظام هنجاری سنتی (بر پایه زن مطیع و فرمان‌بر) نرسیده و سرکشی آنان، موجب اختلال در نظم موجود تلقی شده است؛ این رویه در سینمای قبل از انقلاب نیز وجود داشته و پژوهش‌هایی در این خصوص انجام شده است. وجه اشتراک زن مدرن در قبل و بعد از انقلاب، همان شکست و ناکامی در کسب فردیت و هویت مستقل از مردان در جامعه ایران است. به زعم مطالعات انجام شده، این مسائل در بین کارگردانان زن و مرد به یک شیوه به تصویر کشیده شده است. زن در نهایت موجودی ضعیف، وابسته و بدون تدبیر و عقل آینده‌نگر برسازی شده است.

• مدیریت بدن به مثابه ابزار مطیع‌ساز زن در پذیرش اجتماعی

بدن زنانه عنصری برای موفقیت و دستیابی به اهداف زنان در سینما بوده است. همواره موفقیت یک زن در گرو داشتن مطلوبیت فیزیکی و قرار گرفتن در چارچوب مورد نظر نظام مردسالار قرار گرفته است. اغلب عدم موفقیت وی به دلیل کنش نامعقول و عدم آینده‌نگری و موفقیت و پذیرش اجتماعی نیز حاصل عقب‌نشینی مقبول و تایید شدن توسط جامعه مردسالار و سنت‌ها و هنجارهای محیط اجتماعی است. این مصداق در پژوهش‌های مورد مطالعه بسیار دیده شده است و قرار گرفتن در این فرایند تایید شدن را نشانه درایت زنان به تصویر کشیده‌اند؛ پژوهش‌هایی که به موضوع بازنمایی زنان و هویت زنانه نیز پرداخته‌اند، به تاثیر ظاهر و فیزیک زن مدرن و میزان نزدیکی و قربت آن با چارچوب پذیرفته شده زنی سنتی پرداخته‌اند.

و تاکید بر مسئله مصرف رسانه‌ای در افزایش یا کاهش این میل دیده شده است. فرایند شبیه‌سازی ظاهری برای دستیابی به موفقیت در بین زنان به گونه‌ای به نمایش درآمده است که گویی جز ظاهر و نوع پوشش متفاوت با پارچوب زن سنتی، عامل دیگری در نظام مردسالار جامعه نقشی در این موفقیت نداشته است. در هر حال پذیرش زنان و موفقیت آنان در چارچوب مطلوب جامعه به گونه‌ای بوده است که اگر تبعیت از فرهنگ مردسالار در روند داستان از سوی زنان صورت نگیرد، نه تنها پذیرش حاصل نمی‌شود بلکه روایت داستان، موجب حذف شخصیت زن را فراهم می‌کند.

بحث و نتیجه‌گیری

زمانی مصرف رسانه‌ای پدیده‌ای مخصوص جوامع پیشرفته صنعتی و غرب بود اما امروزه به مدد گسترش این رسانه‌های ارتباط جمعی که در بیشتر جوامع در جهت منافع نظام سرمایه‌داری فعالیت می‌کنند، اکنون صنعت فرهنگی جز لاینفک رسانه‌ها گشته است. ارتباط جمعی امروزه نقش مهمی در شکل‌دادن به ارزش‌ها، نگرش‌ها و تمایلات مردم در جامعه معاصر دارند. به عبارت دیگر باید گفت که پیام‌های رسانه‌ای می‌توانند ارزش‌های جدیدی را ایجاد و تبلیغ کنند، کاربردهای آن را به نحو اغراق آمیز نشان دهند و محیطی فرهنگی را برای به کارگیری آن توسط افراد جامعه ایجاد کنند.

یک برداشت ساده از این دیدگاه این است که ارزش‌هایی که توسط رسانه‌ها بر ساخته می‌شوند، ارزش‌های سرمایه‌داری هستند و روندی که شکل می‌گیرد، از آنجا که آگاهانه و به عمد و به طور نظام‌مند، کشورهای کوچک و در حال توسعه را تحت سلطه قدرت‌های بزرگ سرمایه‌داری مسلط قرار می‌دهد، امپریالیستی است. این رویه در سینمای داخلی ما نیز وارد شده است و بحث فروتر- فراتر در بحث‌های



مربوط به جنسیت بیش از پیش نمایان گردیده است. گذر از نقش زن سنتی به زن مدرن به تبعیت از سوژه سازی بدن زن در رسانه‌های سرمایه‌داری، به مدیریت بدن و پذیرش اجتماعی منجر شد.

بازنمایی، تولید معنا از طریق چارچوب‌های مفهومی و گفتمانی است. به این معنی که معنا از طریق نشانه‌ها، به ویژه زبان تولید می‌شود. زبان سازنده معنا برای اشیای مادی و رویه‌های اجتماعی است و صرفاً واسطه‌ای خنثی و بی‌طرف برای صورت‌بندی معانی و معرفت درباره جهان نیست. واقعیت به واسطه فرهنگ مسلط و ارزش‌های مطلوب آن بازتولید و برساخته می‌شود. به همین دلیل زنان در سینمای ایران، تنها در شکل ظاهری به نقش‌هایی مشابه مردان دست یافته‌اند. در حالی که در اصل تنها سینما به مثابه یک رسانه واسطه به شکل‌دهی به بدن زنان و جلب رضایت نظام مردسالار کمک رسانده است. به استناد تلفیق یافته‌های پژوهش‌های مورد مطالعه، زنان حتی اگر در محور اصلی داستان نیز قرار گرفته باشند، باز دارای قدرت عقلانی روشن‌گر و تصمیم‌ساز نیستند و سرکشی آنان برای جذابیت بخشیدن به فرایند داستان یا تهییج مرد داستان به کارهای ابرقهرمانانه است. زن در نهایت یک کالای لوکس که از طریق بدن و ظاهر به تصویر کشیده شده است، برساخته می‌شود و تلقی از زن مدرن از این مجرا و با این عناصر و ویژگی‌ها صورت می‌گیرد.

نفوذ فرهنگی امپریالیسم فرهنگی بر زن در سینمای ایران نیز مشهود است. زن کالا و ابزاری برای موفقیت بیشتر و برجسته سازی نقش مردان است. مدیریت بدن نیز در همین راستا فهم و درک می‌شود. این مسئله در هر یک از مطالعات انجام شده از زاویه‌ای مورد ارزیابی و بحث قرار گرفته است اما نگاه کلی که سایه امپریالیسم فرهنگی و سلطه نظام سرمایه‌داری بر سرکوب زنان و کالایی شدن بیشتر بدن زنانه است، بیان نگردید.

برای پژوهش‌های آتی، نیاز به یک فراتحلیل برای شناسایی خالاهای موجود در مطالعات انجام شده احساس می‌شود؛ اغلب مطالعات انجام شده نگاه یکسانی به بازنمایی زن و مدیریت بدن در سینمای ایران داشت.



۱. احمدنیا، شیرین (۱۳۸۵)، «جامعه‌شناسی بدن و بدن زنان»، فصل‌نامه کتاب زنان، سال هشتم، شماره ۵.
۲. احمدی، عزت‌الله، عدلی‌پور، صمد، افشار، سیمین و بنیاد، لیلی (۱۳۹۵)، «تبیین جامعه‌شناختی مدیریت بدن و ارتباط آن با عوامل اجتماعی و فرهنگی در میان دختران و زنان شهر تبریز»، مجله نامه زنان، صص ۲۹-۵۰.
۳. ادیبی، مهدی و کوهی، کمال (۱۳۹۰)، «تبیین جامعه‌شناختی مدیریت بدن در میان زنان» فصل‌نامه مطالعات اجتماعی-روانشناختی زنان، سال نهم، شماره ۳.
۴. آزاد ارمکی، نقی و چوشیان، حسن (۱۳۸۱)، «بدن به مثابه رسانه هویت» مجله جامعه‌شناسی ایران، سال چهارم، شماره ۴.
۵. آقابابایی، احسان، خادم‌الفقرا، مهوش (۱۳۹۵) «بازنمایی روابط درونی خانواده در پنج فیلم سینمای دهه ۱۳۸۰ ایران»، زن در فرهنگ و هنر، دوره ۸، شماره ۲، صص ۱۷۱-۱۹۲.
۶. بابایی فرد، اسدالله، منصوریان راوندی، فاطمه، ذوالفقاری، نفیسه (۱۳۹۵) «عوامل اجتماعی - فرهنگی مؤثر در مدیریت بدن در میان زنان شهر کاشان»، فصلنامه مطالعات راهبردی زنان، دوره ۱۸، صفحه ۵۹-۸۳.
۷. باهنر، ناصر و علم‌الهدی، سیدالرسول (۱۳۹۲)، «هنجارهای عفاف و حجاب اسلامی در سیما و سینما: تحلیل تطبیقی سیاست‌ها»، مجله مطالعات فرهنگ ارتباطات، شماره ۱۴، صص ۵۵-۹۲.
۸. براتلو، فاطمه، خودی، مرجان (۱۳۹۴)، «عوامل مؤثر فردی بر نگرش زنان نسبت به مدیریت بدن»، مجله مدیریت فرهنگی، شماره ۲۸، صص ۱۲۳-۱۱۳.
۹. برگر، پیترو، ال و لاکمن، توماس (۱۳۷۵) ساخت اجتماعی واقعیت، تهران: انتشارات علمی و فرهنگی.
۱۰. بشیر، حسین و اسکندری، علی (۱۳۹۲) «بازنمایی خانواده ایرانی در فیلم سینمایی یه جبهه قند»، فصلنامه تحقیقات اجتماعی ایران، شماره ۲، صص ۱۶۱-۱۴۳.
۱۱. بلالی، اسماعیل، افشارکهن، جواد (۱۳۸۹)، «زیبایی و پول: آرایش و جراحی»، مجله مطالعات راهبردی زنان، شماره ۴۷، صص ۹۹-۱۴۰.
۱۲. بنی‌اسدی، حسن (۱۳۹۱)، «تاثیر جراحی زیبایی بینی بر تصور تن زنان»، مجله پوست و زیبایی، شماره ۴، صص ۲۰۱-۱۹۴.
۱۳. بهار، مه‌ری، وکیلی قاضی جهانی (۱۳۹۰) «تحلیل گفتمان جراحی‌های زیبایی صورت»، فصلنامه زن در توسعه و سیاست، شماره ۱، صص ۶۳-۹۲.
۱۴. بیلیس، جان و استیو اسمیت (۱۳۸۳) جهانی شدن سیاست: روابط بین الملل در عصر نوین. تهران: ابرار معاصر.
۱۵. تاجیک، محمد رضا (۱۳۸۴) روایت غیریت و هویت در میان ایرانیان، تهران: مرکز بررسی‌های استراتژیک ریاست جمهوری.
۱۶. حاتمی، محمدرضا و مذهبی، سارویه (۱۳۹۰) «رسانه و نگرش زنان به هویت جنسیتی خود» فصلنامه تحقیقات اجتماعی ایران، شماره ۲، صص ۲۰۹-۱۸۵.
۱۷. حسن‌پور، آرش و یزدخواستی، بهجت (۱۳۹۴) «پروبلماتیک زن بودگی: نمایش جنسیت و بر ساخت کلیشه‌های اخلاقی زنانه در سینمای ایران» مجله فرهنگ ارتباطات، شماره ۳۲، صص ۳۳-۶۸.
۱۸. حیدرخانی، هابیل، حاجی‌آقایی، لیل، رحمانی، غلامعباس (۱۳۹۲) «رابطه ابعاد سرمایه فرهنگی و مدیریت بدن در زنان»، فصلنامه علمی-پژوهشی زن و فرهنگ، سال پنجم، شماره ۱۸، صص ۴۹-۵۵.
۱۹. خالقی‌پناه، کمال، رضایی، مرضیه (۱۳۹۳)، «عاملیت غیرجنسی زنانه در میانه تقابل‌های ساختاری: بر ساخت زنانگی در سینمای رخشان بنی‌اعتماد»، مجله جامعه‌شناسی هنر و ادبیات، شماره ۱، صص ۹۱-۱۱۳.
۲۰. خانیکی، هادی؛ گوهریان، الهام؛ رهبر، مصطفی (۱۳۹۲)، «تصویر ستاره در سینمای ایران (مطالعه موردی ستاره زن نیمه دوم دهه ۷۰»، مجله مطالعات فرهنگی و ارتباطات، سال ۹، شماره ۳۳، صص ۳۱-۵۶.



۲۱. خواجه‌نوری، بیژن، روحانی، علی و هاشمی، سمیه (۱۳۹۰)، «رابطه بین سبک زندگی و تصور از بدن: مطالعه موردی زنان شهر شیراز»، فصلنامه تحقیقات فرهنگی، شماره ۱، صص ۱۰۳-۷۹.
۲۲. دادگران، سیدمحمد؛ جلیلیان، شهین (۱۳۹۰) «بررسی جایگاه اجتماعی زن در آثار فیلمسازان زن و مرد (کافه ترانزیت و زیر پوست شهر)»، مجله مطالعات رسانه، شماره ۲۶، صص ۸۴-۵۹.
۲۳. داودآبادی، مهدی؛ احمدی، فاطمه (۱۳۹۵)، «بازنمایی نقش زن در سینمای دفاع مقدس؛ از واقعیت تا نمایش»، فصلنامه معرفت فرهنگی اجتماعی، شماره ۲۷، صص ۱۱۶-۹۵.
۲۴. دلانتی، گراد (۱۳۸۴) علم اجتماعی: فراسوی تعبیرگرایی و واقع گرایی، محمد عزیز بختیاری (مترجم)، تهران: دانش و اندیشه معاصر.
۲۵. دکایی، محمد سعید، قاراخانی، معصومه (۱۳۸۶)، « دختران جوان و ارزش‌های زنانگی»، فصلنامه مطالعات فرهنگی و ارتباطات، شماره ۹، صص ۱۰۰-۷۳.
۲۶. رادور، اعظم، زندی، مسعود (۱۳۸۵)، «تغییرات نقش زن در سینمای ایران»، مجله مطالعات جهانی رسانه، شماره ۲، صص ۲۸-۱.
۲۷. رادورد، اعظم و الهی‌فر، کبری (۱۳۹۲)، « تماشاگری زن و لذت زنانه در سینما: خوانشی زنانه از فیلم تلما و لویس و واکنش پنجم»، مجله زن در فرهنگ و هنر، شماره ۳، صص ۳۰۶-۲۸۳.
۲۸. رستگار خالد، امیر، مهدی، کاوه (۱۳۹۲) «زنان و پروژه زیبایی»، فصلنامه زن در توسعه و سیاست، شماره ۴، صص ۴۷۸-۴۵۳.
۲۹. رفعت‌جاه، مریم و هومن، نیلوفر (۱۳۹۴)، « تحلیل روایی و نشانه‌شناختی تصویر زن مطلقه در سینمای ایران»، زن در فرهنگ و هنر، دوره ۷، شماره ۴، صص ۴۲۱-۴۳۶.
۳۰. رفعت‌جاه، مریم، رهبری، لادن (۱۳۹۳)، « گونه‌شناسی اکتشافی برداشت از مفهوم زنانگی»، مجله مطالعات و تحقیقات اجتماعی در ایران، شماره ۲، صص ۳۳۴-۳۱۱.
۳۱. سراج زاده حسین، غلامرضا کاشی محمدجواد، هلالی ستوده مینا (۱۳۹۱)، «گفتمان جامعه پاک: شالوده شکنی سیاست نمایش بدن زنانه در دوره پهلوی»، مجله مطالعات فرهنگی و ارتباطات، شماره ۲۶، صص ۵۰-۲۷.
۳۲. سفیری، خدیجه، گلبهاری، ندا (۱۳۹۲)، «رابطه بین سرمایه فرهنگی و مدیریت بدن (در بین زنان و مردان ۲۰ تا ۵۹ سال ساکن تهران)»، دوره ۲۰، شماره ۱، صص ۳۹-۶۵.
۳۳. سلطانی گرد فرامرزی، مهدی (۱۳۸۵)، «نمایش جنسیت در سینمای ایران»، مجله زن در توسعه و سیاست، شماره ۱۴، صص ۹۲-۶۱.
۳۴. سلطانی گردفرامرزی مهدی (۱۳۸۳)، « زنان در سینمای ایران»، مجله هنرهای زیبا، شماره ۱۸، صص ۹۸-۸۷.
۳۵. شاهنوشی، مجتبی؛ تاکی، علی (۱۳۹۰)، «تحلیل محتوای سه گانه مهرجویی (لیلا، سارا و بانو) پیرامون نقش زن در خانواده»، مجله فرهنگ و رسانه، شماره ۲۲۱، صص ۸۷-۱۰۸.
۳۶. شعاع، محسن، نیازی، محسن (۱۳۹۵)، «فرا تحلیلی بر ارتباط سرمایه فرهنگی و مدیریت بدن»، فصلنامه تحقیقات فرهنگی ایران، شماره ۱، صص ۸۱-۶۱.
۳۷. شورت، ادموند سی (۱۳۸۷) روش‌شناسی مطالعات برنامه درسی، محمود مهرمحمدی و همکاران (مترجمان) تهران: سمت.
۳۸. شهبابی، محمود و اعطاف، وحید (۱۳۹۳)، « مطالعه پدیدارشناسانه نگرانی مردان از ابژه‌سازی و خود ابژه‌سازی زنان»، مجله جامعه‌شناسی ایران، شماره ۲، صص ۱۵۲-۱۲۶.
۳۹. صادقی فسایی، سهیلا، پروایی، شیوا (۱۳۹۵) «نحوه بازنمایی زن در زیست جهان مدرن در فیلم‌های اصغر فرهادی: مطالعه موردی چهارشنبه سوری، درباره الی و جدایی نادر از سیمین»



۴۰. عبدالخانی، لنا و نصرآبادی، محمد (۱۳۹۰) «بازنمایی نقش زنان در سینما: سیاست‌گذاری‌های فرهنگی در سینمای قبل و پس از انقلاب اسلامی»، فصلنامه زن و فرهنگ، شماره ۱۰، صص ۹۶-۸۷.
۴۱. عبدلی، سمانه و محمدحسینی، نشرین (۱۳۹۴)، «سنتز پژوهی مولفه‌ها، ابزارها و روش‌های به کار رفته در ارزشیابی یادگیری الکترونیکی و ارائه الگویی جامع برای از شییبایی آموزش الکترونیکی» فصلنامه مطالعات اندازه‌گیری و ارزشیابی آموزشی، سال پنجم، شماره ۹، صص ۱۵۳-۱۷۹.
۴۲. عموزاده، محمد، اسفندیاری، نسیم (۱۳۹۱)، «بازنمودن هویت اجتماعی در رسانه: بررسی روند تغییرات هویت اجتماعی زنان در سینمای پس از انقلاب»، زن در فرهنگ و هنر، دوره ۴، شماره ۳، صص ۱۱۹-۱۳۸.
۴۳. فاتحی، ابوالقاسم، اخلاصی، ابراهیم (۱۳۸۷)، «مدیریت بدن و رابطه آن با پذیرش اجتماعی بدن»، مطالعات راهبردی زنان، دوره ۱۱، شماره ۴۱، صص ۹-۴۲.
۴۴. فیلک، اووه (۱۳۸۸) درآمدی بر تحقیق کیفی، هادی جلیلی (مترجم)، تهران: نشر نی.
۴۵. قادرزاده، امید، قادرزاده، هیرش، حسن‌پناه، حسین (۱۳۹۱)، «تأثیر مصرف رسانه‌های جمعی بر مدیریت بدن زنان»، فصلنامه زن و جامعه، شماره ۱۱، صص ۱۵۴-۱۲۵.
۴۶. قادری، طاهره، سیفی، مریم (۱۳۹۲)، «عوامل مرتبط با مدیریت نمایشی بدن»، فصلنامه برنامه ریزی، رفاه و توسعه اجتماعی، دوره ۵، شماره ۱۷، صفحه ۶۹-۱۰۴.
۴۷. کاویانی، حسن و نصر، احمدرضا (۱۳۹۵)، «سنتز پژوهی چالش‌های برنامه‌های درسی آموزش عالی کشور در دهه اخیر و راهکارهای پیش‌رو»، فصلنامه مطالعات برنامه درسی آموزش عالی، سال هفتم، شماره ۱۳.
۴۸. کرمی، محمدتقی (۱۳۹۵)، «بازنمایی زن دوم در سینمای ایران»، مجله مطالعات رسانه‌های نوین، شماره ۶، صص ۲۰۷-۱۶۳.
۴۹. کولایی، الهه؛ بهبهانی، سیمین (۱۳۹۰)، «زنان و توسعه فرهنگی، پس از انقلاب اسلامی - با تأکید بر سینما»، مجله جهانی رسانه، شماره ۱۱، صص ۶۳-۴۸.
۵۰. مارش، کالین جی (۱۳۸۷) پژوهش تلفیقی: سنتز پژوهی در روش‌شناسی مطالعات برنامه درسی، محمود مهرمحمدی و همکاران (مترجمان) تهران: سمت.
۵۱. محمد پور، احمد (۱۳۸۹) روش در روش، تهران: انتشارات جامعه‌شناسان.
۵۲. مرادی، علیرضا، زمانی، طوبی و کاظمی، علی (۱۳۹۱)، «سینما و تفاوت: بررسی نشانه‌شناختی فیلم عروس آتش»، فصلنامه مطالعات و تحقیقات اجتماعی در ایران، شماره ۴، صص ۱۵۳-۱۳۱.
۵۳. معینی علمداری، جهانگیر (۱۳۷۸) سیاست نشانه‌ها: نشانه‌شناسی و بازسازی نظریه سیاسی، دانشگاه تهران.
۵۴. مهدیزاده، مهدی (۱۳۷۸) بولتن مرجع فمینیسم، تهران: انتشارات بین‌المللی الهدی.
۵۵. مهدی زاده، شراره، رضایی فاطمه (۱۳۹۳)، «نقش متغیرهای میانجی در تأثیر گذاری تلویزیون‌های ماهواره‌ای بر مدیریت بدن دختران و زنان جوان»، مجله مطالعات توسعه اجتماعی- فرهنگی، شماره ۲، صص ۲۰۵-۱۸۵.
۵۶. والتر، فریتز (۱۳۷۶) واقع‌گرایی سازنده. سهیل بیگدلی و پروانه خسروی زاده (مترجمان)، قم: دارالتحقیق بیگدلی.

۵۷. Jackson, G.B., Methods for integrative reviews. Review of educational research, Vol. ۵۰, (۱۹۸۰), pp. ۴۶۰-۴۳۸

۵۸. Creswell, J., Educational research: Planning conducting, and evaluating quantitative and qualitative research. Boston, MA: Pearson Education, Inc, (۲۰۱۲).



نقش و جایگاه ملکه‌های مادر در حرم‌سرای پادشاهان صفویه

مهدی دهقانی؛ استادیار گروه تاریخ، دانشگاه جیرفت

Mehdi.dh@yaho.com

چکیده

منابع تاریخی دوره صفویه بیشتر به تاریخ سیاسی- نظامی خاندان‌های حکومتگر و مدعیان مختلف سلطنت توجه کرده‌اند و حجم اندکی را به تاریخ اجتماعی- فرهنگی جامعه اختصاص داده‌اند ولی با این وجود، پیرامون نقش و جایگاه ملکه‌های مادر حاوی اطلاعات ارزشمندی هستند که با توصیفاتی که بازدیدکنندگان اروپایی درباره اوضاع اجتماعی ارائه داده‌اند، تکمیل می‌شود. با توجه به این مسئله، این مقاله درصدد یافتن پاسخ به این پرسش هست: ملکه‌های مادر چه نقش و جایگاهی در حرم‌سرای پادشاهان صفویه ایفا می‌کردند؟ به منظور پاسخ‌گویی به سوال مذکور، ضمن استفاده از شیوه تاریخی که همانا جمع‌آوری داده‌های کتابخانه‌ای (اسنادی) از منابع دست‌اول تاریخی است، ضمن ترسیم نقش و جایگاه ملکه‌های مادر در امور سیاسی، عمرانی و تربیتی خاندان حاکم (از جمله در جابجایی‌های قدرت سیاسی و امور عمرانی)، وضعیت و شان اجتماعی آنان در میان سایر زنان حرم‌سرا مشخص می‌شود. در این پژوهش مشخص می‌شود ملکه‌های مادر پادشاهان صفویه ضمن حاکمیت مطلق بر همسران شاه و فرزندان آنها، منابع مالی و سیاسی مستقل و قدرتمندی در خارج از حرم‌سرا داشتند که به آنها قدرت فراوانی در پیشبرد منافع شان اعطا می‌کرد.

واژگان کلیدی: مادر، ملکه مادر، ماما، دایه، دوره صفویه.

مقدمه

منابع تاریخی دوره صفویه را بر پایه میزان توجه به ملکه‌های مادر می‌توان به دودسته منابع تاریخی داخلی و سفرنامه نویسان بازدیدکنندگان اروپایی تقسیم نمود. در این راستا، مورخینی مانند اسکندر بیگ منشی ترکمان و واله‌ی اصفهانی، عناوین، اقدامات و مشاوره‌های سیاسی ملکه‌های مادر را در لابلای توصیف حوادث مختلف سیاسی- نظامی بیان داشته‌اند. با این همه، بازدیدکنندگان اروپایی به‌ویژه شاردن به نحو مشخص‌تری به عملکرد ملکه‌های مادر در امور اجتماعی و عمرانی پرداخته‌اند.

تاکنون، پژوهش مستقلی درباره نقش و جایگاه ملکه‌های مادر در دوره صفویه صورت نگرفته ولی در خلال بررسی کلی منابع تاریخی توسط پژوهشگران مواردی مرتبط با مقاله حاضر وجود دارد. در این میان، گودرزی منفرد در پژوهشی می‌نویسد: زنان شاهنامه، از جمله الهه آناهیتا، حالتی از خدایانوبی و مادر سالاری را نشان می‌دهد ولی با گذشت زمان از این جایگاه والا کاسته شده و جایگاه مادر سالاری به افسانه‌های مذهبی پیوسته است. هانیه امینی نیز در مقاله خود که تا حدودی با پژوهش حاضر ارتباط موضوعی دارد: به نقش جان بیگم خاتون مادر شاهزادگان پیربوداق و حسنعلی میرزا که علیه پدرشان جهانشاه قراقویونلو شورش کرده بودند، اشاره می‌کند. در این راستا، جان خاتون بیگم در نهایت توانست فرزندان را ترغیب به تبعیت از فرمانروا نماید. در ادامه، امینی به مذاکرات سیاسی سارا خاتون مادر اوزون حسن آق قویونلو در سال ۸۵۷ ق، به منظور برقراری صلح میان وی و برادرانش جهانگیر میرزا و اویس پرداخته است.^۱ (گودرزی منفرد، ۱۳۸۴، ص ۶۴-۶۳؛ امینی، ۱۳۹۴، ص ۵۶-۵۵)

با این اوصاف، فرضیه پژوهش حاضر بر اساس یافته‌های تاریخی این است که در میان عناوین مختلف زنان و همسران متعدد شاهان صفوی در حرم‌سرا، فقط ملکه‌های مادر می‌توانستند نقش مهمی در مذاکرات سیاسی، اقدامات عمرانی و تا حدودی تربیتی فرزندان خود ایفا نمایند. حرم‌سرا و ملکه مادر

در دوره صفویه، برای زنان گاهی از عناوین حکومتی مانند سلطان که مختص مردان است، استفاده می‌شد. چنانکه ملک شاه حسین برای بی‌بی مریم مادر خود لقب سلطان را ذکر کرده است. از ویژگی‌های دیگر تاریخ‌نگاری دوره صفویه که بازتابی از آداب‌ورسوم اجتماعی زمانه



بود، ذکر اندک اسامی مادران است چراکه آنان بیشتر به‌عنوان خواهر یا مادر اشخاص ذکر شده‌اند. چنانکه یکی از همسران شاه‌طهماسب اول به‌عنوان: خواهر زال بیگ گرجی که از بزرگ‌زادگان گرجستان و مادر یکی دو نفر از شاهزادگان بود، نامیده شده است. وی به فرمان شاه، وظیفه سرحمامی وی را انجام می‌داد که از مناصب افتخاری حرم‌سرا قلمداد می‌شد.^۱ (سیستانی، ۱۳۸۳، ص ۱۷۹؛ واله‌ی اصفهانی، ۱۳۷۲، ص ۳۸۵)

از عناوین افتخاری دربار صفویه که توسط شاهانی همچون شاه‌عباس اول اعطا می‌شد، عنوان «نگی» یا مادری بود. متصدی این عنوان نفوذ فراوانی در میان زنان حرم‌سرا و مقامات دولتی داشت، در این راستا: دختر مراد بیگ بایندر ترکمان که همسر علی‌قلی خان شاملو حاکم هرات و مقام لاهگی و اتالیقی شاه‌عباس اول در دوره کودکی را عهده‌دار بود به‌واسطه تربیت شاه، مقام ننگی یعنی مادری و کدبانویی داشت. در نتیجه وی محرم و محل اعتماد خاص شاه بود. منزلت والای وی موجب شد تا شاه‌عباس اول در هنگام وفاتش نعش وی را به کربلا بفرستد تا در آنجا مدفون شود.^۱ (ترکمان، ۱۳۸۲، ج ۳، ص ۱۰۰۹)

مهم‌ترین عنوان اشرافی زنان در دوره صفویه، عنوان بیگم یا ملکه مادر بود که برخلاف دوره‌های قبلی که مختص همسران شاه بود، در دوره شاه‌عباس اول به عمه‌هایش اختصاص یافت. فیگوروا در رابطه با عنوان بیگم می‌نویسد که: دقیقاً به معنی مادر خانواده یا خاتون خانه شاه و در ایران بسیار محترم و مورد توجه بود. در دوره حکومت شاه‌عباس اول این مقام به عمه‌هایش زینت بیگم و پری خان خانم اختصاص داشت. (فیگوروا، ۱۳۶۳، ص ۲۷۸)

متصدی عنوان بیگم یا ملکه مادر معمولاً اقدامات ارزشمندی در زمینه وقف، عمران و آبادانی انجام می‌داد که در طول نسل‌های مختلف به یادگار می‌ماند. چنانکه شاردن در وصف آثار عام‌المنفعه زینت بیگم ملکه مادر شاه‌عباس اول از جمله کاروانسرای باشکوه کیخسرو می‌نویسد: از ضمایم آن دو باغ، دو آب‌انبار، یک گرمابه و یک جویبار بود. ملکه مادر برای آبادانی و نگهداریش موقوفات ارزشمندی به جا نهاد و چهار هزار تومان خرج ساختن این بنا کرد. افزون بر این کاروانسرا، در گوشه و کنار ایران این بانوی نیکوکار ده‌ها کاروانسرا، پل، مسافرخانه و راه شوسه ساخته که در مجموع صد هزار تومان خرج آنها شده است.^۱ (شاردن، ۱۳۷۲، ج ۲، ص ۵۱۵-۵۱۴)

مهم‌ترین عاملی که موجب می‌شد تا ملکه مادر به‌تنهایی بتواند اقدامات عمرانی خود را به ثمر برساند به‌واسطه تقرب به شاه بود چراکه وی افزون بر خویشاوندی، معمولاً از صندوقچه حاوی مهر سلطنتی نگهداری می‌کرد. با این اوصاف، ملکه مادر دارای شخصی فوق‌العاده‌ای داشت که در قالب ملک، وقف و جواهرات تجلی می‌یافت چنانکه درآمد سرشار منطقه جلفای اصفهان تیول شخصی ملکه مادر بود. در این راستا، زینت بیگم ملکه مادر شاه‌عباس اول ثروت و جواهرات شخصی فراوانی داشت که شاردن به فروش نمونه‌ای از آن توسط مقام خوان‌سالار به ارامنه جلفا اشاره کرده است. وی در این رابطه می‌نویسد: این الماس پنجاه‌وسه قیراط وزن داشت که به اقساط هجده‌ماهه و مبلغ صد هزار فرانک به انجمن بازرگانان ارامنه فروخته شد. (شاردن، ۱۳۷۲، ج ۲، ص ۶۶۶؛ ج ۳، ص ۱۲۷۸ و ج ۴، ص ۱۴۱۳)

در بسیاری از موارد، نفوذ و قدرت مقامات حکومتی مانند ناظران و فرقه‌های مذهبی مسیحیت به‌واسطه هدایای فراوان و گران‌بهای که به وزیران، معشوقه‌های شاه و مخصوصاً به ملکه مادر واگذار می‌شد، به دست می‌آمد. برای نمونه: شخصی به نام «اتین ورتاییه» یکی از وعاظ ارمنی در حدود سه هزار تومان جمع کرد و به رسم هدیه به مادر شاه و چند تن از وزرای منتفذ تقدیم داشت. وی بدین‌وسیله، فرمانی علیه تبلیغات کاتولیک‌های اصفهان کسب کرد.

در همین راستا، مادران حکام مناطق مختلف کشور نیز بر پایه منابع درآمد اختصاصی که داشتند، گاهی اقدامات عمرانی عام‌المنفعه‌ای انجام می‌دادند. برای نمونه: سلطان مریم ترکان خاتون مادر سلطان قطب‌الدین حاکم یزد قناتی در قصبه مهریچرد جاری نمود و آب آن را به حومه شهر آورد. وی روستایی به نام مریم‌آباد احداث کرد که در اوایل دوره قاجار به مریباد شهرت داشت. (کارری، ۱۳۴۸، ص ۷۲-۷۱؛ مستوفی بافقی، ۱۳۸۵، ج ۱، ص ۸۸)

برخلاف ملکه مادر، همسران شاهان صفوی به‌واسطه کثرت تعداد، قدرت، ثروت و نفوذ چندانی نداشتند حتی اگر فرزند ذکوری برای ولیعهدی شاه به دنیا می‌آوردند. بدین سبب که شاه صفوی همواره از توطئه فرزندان خود توسط مقامات حکومتی واهمه داشت. این امر موجب می‌شد تا کودکان خاندان سلطنتی از جمله صفی میرزا فرزند شاه‌عباس دوم در انزوا زیر نظر مادر و دایه‌اش پرورش یابند. چنانکه در دوره صفویه،



به‌ویژه از دوره حکومت شاه‌عباس اول رسم بود که: وقتی پادشاه برادر یا پسری به سن بلوغ داشت عمارتی در حرم به او بدهد تا در آنجا همانند تبعیدشدگان با همسران، خدمتکاران و مادر خود زندگی کند. آنان حق نداشتند جز با اجازه شاه از عمارتی که در اختیارشان نهاده شده بود یا بیرون نهند. در مورد دختران پادشاه وقتی به سن عروسی می‌رسیدند مادران تا حدودی نفوذ خویش را برای جلب موافقت شاه برای ازدواج آنها به کار می‌برد. این امر بستگی بسیار به محبوبیت دختر و نفوذ مادرش داشت. (شاردن، ۱۳۷۲، ج ۳، ص ۱۱۶۴-۱۱۶۲ و ج ۴، ص ۱۳۱۴، ۱۶۰۸-۱۶۰۹؛ کروسینسکی، ۱۳۶۳، ص ۲۰-۱۹)

ملکه مادر حاکمیت مطلقه در حرم‌سرا داشت و بسته به عنایتش به مادران حرم‌سرا از نفوذ خویش در جهت ازدواج مجدد آنان و دخترانشان استفاده می‌کرد. بدین‌صورت که بنا به گفته شاردن: هر کدام از مادرانی که فرزند ذکور داشتند در این وحشت بود که فرزندش به امر شاه کور یا کشته شود. خواه این طفل بچه یا برادر شاه باشد. افزون بر آن، ملکه مادر با بیشتر وزیران و بزرگان دربار به نسبت اهلیت و سزواری‌شان گفتگوهای نهانی داشت و هر کدام برای خود یا یکی از پسرانشان یکی از دختران حرم را خواستگاری می‌کردند تا به‌وسیله این پیوند از حمایت و پشتیبانی او بهره‌مند شوند. (شاردن، ۱۳۷۲، ج ۴، ص ۱۳۱۶)

مشاغل مامایی (قابلگی) و دایگی در حرم‌سرا مختص زنان بود. مادران مسن در طبقات متوسط و پایین جامعه به‌واسطه تجربه‌ای که در پرستاری از زنان زائو خانواده و خویشاوندان نزدیک به عمل می‌آوردند، در امر مامایی و قابلگی مهارت فراوانی داشتند. چنانکه از موارد منحصربه‌فرد این امر را می‌توان زایمان همسر شاه اسماعیل اول در خانه رئیس یوسف، کلانتر روستای رن در حوالی اصفهان ذکر کرد. به‌طوری‌که مادر رئیس که: در مامایی بسیار حاذق بود، علامت وضع حمل در صورت ملکه مادر (نواب بیگم) پیش‌بینی کرد که به دنبال آن شاهزاده طهماسب میرزا متولد شد. ملکه مادر در نامه‌ای به شاه اسماعیل اول درباره خدمات رئیس یوسف و وضع حمل خود نوشت و دست شاهزاده طهماسب میرزا را زعفران مالید و به پارچه سفیدی زد. (عالم‌آرای شاه اسماعیل، ۱۳۸۴، ص ۸۳-۸۴)

برخلاف زنان زائو طبقات معمولی که زنان مسن‌تر خانواده از آنان پرستاری می‌کردند، عده کثیری از زنان تحت عنوان ماما (قابله) و دایه از زنان زائو دربار و فرزندان آنان تحت نظارت پزشکان دربار مراقب می‌کردند. شاردن درباره خصوصیات دایگان که به‌جای مادر، فرزندان نوزاد شاه را شیر می‌دهند می‌نویسد از جمله: وظایف پزشکان دربار این است که برای شیر دادن نوزادان حرم‌سرا دایگان جوان بلندبالا، ظریف اندام، باریک میان و سپیدرو و به سخن دیگر تمام خلقت بیابند، دایگانی که هرگز به بیماری‌های سخت و درازمدت گرفتار نشده باشند. (شاردن، ۱۳۷۲، ج ۴، ص ۱۳۱۸)

افزون بر مشاغل مامایی و دایگی، به‌واسطه حرمت حضور پزشک مرد برای بیماران مونث، زنان به امر پزشکی نیز اشتغال داشتند. این امر به‌ویژه درباره حضور پزشکان زن در حرم‌سرای سلطنتی ضرورت پیدا می‌کرد. در این راستا: پدر و مادر میرزا ابراهیم که پزشک دربار شاه صفی بود هر دو پزشک دربار شاه‌عباس اول محسوب می‌شدند. در این رابطه، تنها هنگامی که سال‌های عمر پدر میرزا ابراهیم از هفتادسال بیشتر شد به وی اجازه دادند برای درمان چند تن از زنان حرم‌سرا که به بیماری‌های سخت گرفتار بودند، در حرم‌سرا حضور یابد. (شاردن، ۱۳۷۲، ج ۴، ص ۱۵۲۴-۱۵۲۳)

نتیجه‌گیری

منابع تاریخی دوره صفویه، به تبعیت از آداب‌ورسوم زمانه در بسیاری از موارد به‌جای ذکر نام مادران طبقه حاکم، از آنان به‌عنوان مادر یا خواهر اشخاص نام برده‌اند و حتی اصطلاح سلطان را که لقبی مردانه است را برای آنان استعمال کرده‌اند. باین‌وجود مادران طبقه حاکم در صورت جلب‌توجه و عنایت شاه می‌توانستند عنوان ننگی یا مادری یابند. لقبی که معمولاً به دایگان شاه که تربیت وی را در دوره خردسالی بر عهده داشتند، اختصاص می‌یافت. باین‌همه، مهم‌ترین عنوان اشرافی مادران، بیگم یا ملکه مادر بود که در دوره‌های زمانی مختلف بر اساس نفوذ و میزان عنایت فرمانروا، به مادر شاه، همسر شاه و حتی عمه‌های شاه اختصاص می‌یافت. ملکه مادر دارای قدرت و ثروت فراوان بود به‌طوری‌که منطقه جلفای اصفهان تیول وی محسوب می‌شد و به همین جهت می‌توانست اقدامات عمرانی فراوانی از قبیل ساخت کاروانسرا، پل و جاده را متقبل شود. ملکه مادر بر حرم‌سرا نیز سلطه مطلقه داشت و همسران شاه که نفوذ و قدرت چندانی نداشتند ناگزیر



دومین همایش ملی جایگاه و نقش مادر

2nd National Conference on the Status and the Role of Mother

به متابعت از وی برای جلب حمایتش بودند. افزون بر عناوین مذکور، در حرمسرا عده‌ای از زنان تحت عنوان ماما (قابله)، دایه و پزشک نیز وجود داشتند که به ترتیب به امور زایمان همسران شاه، شیر دادن به نوزادان و امور درمانی مربوط به حرمسرا نقش داشتند. باین‌همه، همسران شاه نقش تربیتی خود را بیشتر در دوره کودکی و نوجوانی فرزندانشان ایفا می‌کردند.



منابع

- امینی، حانیه. ۱۳۹۴. نقش سیاسی خاتونان در عهد ترکمانان. تاریخ‌نامه خوارزمی. س ۲. (۷۹-۵۱).
- ترکمان، اسکندر بیگ. ۱۳۸۲. تاریخ عالم‌آرای عباسی. چاپ سوم. تهران: امیرکبیر.
- سیستانی، ملک شاه حسین. ۱۳۸۳. احیاء الملوک. چاپ دوم. تهران: انتشارات علمی و فرهنگی.
- شاردن، ژان. ۱۳۷۲. سفرنامه. چاپ اول. تهران: توس.
- فیگوروا، دن گارسیا دسیلوا. ۱۳۶۳. سفرنامه. چاپ اول. تهران: نشر نو.
- قمی، احمد بن شرف‌الدین. ۱۳۸۳. خلاصه التواریخ. چاپ دوم. تهران: موسسه انتشارات و چاپ دانشگاه تهران.
- کارری، جملی. ۱۳۴۸. سفرنامه چاپ اول. تبریز: اداره کل فرهنگ و هنر آذربایجان شرقی.
- کروسینسکی، یوداش تادوش. ۱۳۶۳. سفرنامه. چاپ اول. تهران: توس.
- گودرزی فرد، شهروز. ۱۳۸۴. تجلی مادر سالاری در شاهنامه. حافظ، ش ۲۲. (۶۶-۶۳).
- مستوفی بافقی، محمد مفید. ۱۳۸۵. جامع مفیدی. چاپ اول. تهران: اساطیر.
- مشهدی علی پور، مریم. ۱۳۹۰. بررسی تطبیقی جایگاه مادر در فرهنگ جاهلی و اسلامی. تاریخ در آینه پژوهش. س ۹. ش ۲. (۱۱۸-۹۹).
- مؤلف ناشناخته. ۱۳۸۴. عالم‌آرای شاه اسماعیل. چاپ دوم. تهران: انتشارات علمی و فرهنگی.
- واله اصفهانی، محمد یوسف. ۱۳۷۲. خلد برین. چاپ دوم. تهران: بنیاد موقوفات دکتر محمود افشار.



تبیین چرایی (ضرورت، اهداف) اشتغال مادران با توجه به آموزه های تربیتی اسلام

الهام گودرزی؛ دانشجوی کارشناسی ارشد تاریخ و فلسفه آموزش و پرورش دانشگاه تربیت مدرس

Elhamgvr@gmail.com

علیرضا صادق زاده قمصری؛ دکترای فلسفه تعلیم و تربیت، استادیار

Alireza_sadeqzadeh@yahoo.com

چکیده

در جامعه ی ایران مادر بودن نقشی بسیار بااهمیت و بی بدیل برای یک زن است . همچنین دین اسلام که کامل ترین دین می باشد نیز جایگاه ویژه ای برای مادر قایل شده اما از طرفی مادر به عنوان یک انسان و یک موجود اجتماعی نیازمند است که نقشهای دیگری همچون تحصیل علم و اشتغال و ... را بپذیرد و متقابلا هم یک جامعه نمی تواند از مشارکت نیمی از استعداد های خویش در رشد و پیشرفت جامعه بی نیاز باشد. پاسخ به چرایی و انگیزه مادران برای داشتن شغل تا حد زیادی روابط و تناقضات میان نقش مادری و اشتغال را حل می کند. امروزه مادران با انگیزه های متفاوتی به اشتغال روی می آورند. در این میان اهداف مادران از اشتغال، تا حدی نوع و چگونگی انجام آن را رقم خواهد زد. داشتن شغل برای رفع نیاز اجتماع در عرصه های پزشکی، آموزش و، برای شکوفا سازی استعدادها، برای رقابت میان زنان و کسب جایگاه اجتماعی، برای فرار از مسئولیت های مادری و خانه داری، شغل برای کسب درآمد به عنوان سرپرست خانواده و... این پژوهش به روش توصیفی تحلیلی انجام شده است. نتایجی که از بررسی نظرات اندیشمندان مسلمان به دست آمد حاکی از آن است که مادرانی که انگیزه و هدف مسوولانه ای برای اشتغال دارند و در شغل های متناسب با شان خود فعالیت می کنند بهتر می توانند میان نقش مادری و اشتغال، تعادل و انعطاف برقرار کنند و از موفقیت و کیفیت زندگی بالایی برخوردارند.

واژه های کلیدی: مادری، اشتغال، هماهنگی، ضرورت

مقدمه

اشتغال از جمله مفاهیم بنیادین و کلیدی است که در هر فرهنگی معنای متفاوت پیدا می کنند امروزه در جامعه ما نیز اشتغال اغلب به معنای رایج در غرب کار می رود یعنی کاردرآمدزا. در این فرهنگ شاغل به کسی میگویند که در ازای کار دستمزد دریافت می کند اما شغل در فرهنگ اسلامی بر مفهوم کار تاکید دارد. اشتغال مادران، نقش پراهمیت و بی بدیل آنان برای فرزندان سکه دو رویی است که اظهار نظر راجع به مثبت یا منفی بودن آن قطعی و مسلم نیست. به عبارتی دیگر یک امر نسبی است و با توجه به شرایط بانوان متفاوت است. در جایی الزامی و در جای دیگر آسیب زا است. ممکن است شغلی برای فردی وسیله رشد و کمال باشد ولی همان شغل برای فردی دیگر وسیله متزلزل شدن خانواده باشد. به همین دلیل اسلام در مورد وجوب یا حرمت اصل اشتغال بانوان حرفی به میان نیاورده لکن یک سری شاخص ها و معیارها به دست داده تا بانوان با در نظر گرفتن آن معیارها و مطابق با علاقه و استعداد و شرایط خود، شغل مناسب را برگزینند. اگرچه در میان مردان هدف اشتغال اغلب برآوردن نیازهای مادی خود و خانواده فرد است. اما هدف اشتغال در میان زنان از تنوع بالایی برخوردار است که به آن پرداخته می شود.



ضرورت اشتغال در میان مادران

به طور کلی می توان گفت ضرورت حضور بانوان در اجتماع به دو دلیل احساس می شود:

۱. نیاز جامعه به مادران

۲. نیاز مادران به شکوفاسازی استعدادها در عرصه ی اجتماع

اسلام با کارکردن زن موافق است. نه فقط موافق است بلکه کار را تا آنجا که مزاحم با شغل اساسی و مهمترین شغل او یعنی تربیت فرزند و حفظ خانواده نباشد، شاید لازم هم میدانند (خامنه ای، ۱۳۷۵)

ابن سینا در کتاب ((تدابیرالمنازل)) به مساله اشتغال پرداخته و گفته است: زن اگر بیکار با شد، از نظر اخلاقی به بیراهه کشیده می شود، احساس پوچی و بیهودگی میکند و خود را با کارهای لغو بیهوده مشغول می سازد.

اهداف اشتغال مادران و بانوان

ساروخانی (۱۳۶۷، ۱۷۸) در پژوهشی با عنوان "اشتغال زن و خانواده در ایران" انگیزه ها و عامل های موثر بر اشتغال زنان را بررسی کرد و ضمن دستیابی به این نتیجه که پراکندگی و تنوع بسیاری در نظرها و انگیزه های زنان در زمینه ی اشتغال وجود دارد، این تنوع در باورها را با تنوع ساخت های اجتماعی تبیین نمود. (صداقتی فرد، ۱۳۸۹)

در مطالعه موردی که ترکمن (۱۳۹۵) انجام داد، در یک جمع بندی اعلام کرد: اشتغال زنان تأثیر منفی بر کیفیت زندگی آنها نداشته است، زیرا اشتغال باعث خود شکوفایی، توانمند سازی، افزایش اعتماد بنفس و افزایش ارتباطات می شود، در مواردی که این کیفیت زندگی پایین بوده است، می توان گفت که به احتمال زیاد، به دلیل تعدد و فشار نقش و تضاد نقش ناشی از آن بوده که در صورتی که ساعات کاری زنان تعدیل یابد و مشارکت همسران در خانه افزایش یابد، می توان از اثرهای سوء تعدد نقش جلوگیری کرد.

امروزه اهداف و انگیزه های متنوعی برای به عهده گرفتن مشاغل توسط مادران به وجود آمده است که در زیر به برخی از آنها اشاره می شود، البته برخی اهداف با هم همپوشانی دارند یعنی ممکن است مادری هم اوقات فراغتش زیاد باشد هم نیاز مالی داشته باشد، یا فردی در عین تخصص و خبرگی از مسئولیت مادری و خانه داری بخواهد فرار کند، همچنین آسیب ها و راهکارها و پیشنهاد هایی که برای هر مورد بیان می شود، می تواند برای موارد دیگر کاربرد داشته باشد:

۱. داشتن تخصص و کمک به پیشرفت جامعه: زن مسلمان مثل مرد مسلمان حق دارد آن چه را که اقتضای زمان است، آن خلایق را که احساس می کند، آن وظیفه ای را که بر دوش خود حس می کند، انجام دهد. چنانچه دختری مثلا مایل است پزشک شود، یا فعالیت اقتصادی کند، یا در رشته های علمی کار کند، یا در دانشگاه تدریس کند، یا در کارهای سیاسی وارد شود، یا روزنامه نگار شود، برای او میدان ها باز است. البته رهبر انقلاب یک الویت بندی دارند که باید مورد توجه بانوان و مادران علاقه مند به کار و خدمت به اجتماع قرار گیرد: الف) خانم ها موظفند که انواع و اقسام رشته های تخصصی پزشکی، مثل قلب و داخلی و اعصاب و... را دنبال کنند. این فریضه است. (خامنه ای، ۱۳۹۰) ب) اگر زن ها با قرآن مانوس بشوند، بسیاری از مشکلات جامعه حل خواهد شد، چون زن آشنای با قرآن و مانوس با قرآن و متفاهم با مفاهیم قرآن، خیلی می تواند در تربیت فرزند تأثیراتی داشته باشد. ج) اگر خانم ها می خواهند وارد فعالیت های اجتماعی و سیاسی شوند، مانعی نیست. البته فعالیت علمی، خیلی خوب است و بر سایر فعالیت ها ترجیح دارد.

۲. نیاز اقتصادی: امروزه با ترویج فرهنگ تجمل و مصرف گرایی نیاز اقتصادی به دو دسته تقسیم می شود:

الف) نیاز واقعی اقتصادی: مادر سرپرست خانوار.. بد سرپرست.. یا از کار افتادگی همسرو ... از مواردی است که متأسفانه مادری علی رغم بی میلی به اشتغال مجبور است برای گذران امور زندگی به شغل های متفاوتی که گاه با کرامت و شأن او منافات دارد بپردازد. این دسته از بانوان تا جایی که حق انتخاب برای انتخاب شغل داشته باشند بهتر است به سمت شغل هایی که با عنوان کار در منزل (هنرهای دستی): بافتن تابلو فرش، خیاطی... شناخته می شوند روی بیاورند تا فرزندان آنها خصوصا اگر کودک هستند از بودن کنار مادر لذت ببرند و مادر هم از خستگی رفت و آمد و دوری از خانواده رها باشد. شغل هایی همچون مربی مهدکودک، دارالقرآن، در مرحله بعد پیشنهاد می شود. باید به این



نکته توجه نمود که شغل‌هایی که از نظر مکانی در اطراف خانه مادر هستند، اگرچه حقوق کمتری داشته باشند در اولویت قرار می‌گیرند چون برای مادر آسایش جسمی و روحی در پی دارد.

ب) نیاز کاذب یا سوء مدیریت: باید توجه داشت امروزه برخی نیازها زاییده ی فرهنگ مصرف گرایی غربی در ایران و بی توجهی به قاعده ی مهم اسلامی قناعت و برکت در زندگی است، گاهی مشکلات مالی ناشی از بی مهارتی در استفاده از درآمد و منابع مالی است. متأسفانه گاهی برخی خانم ها فکر میکنند که مجبورند شغلی داشته باشند تا ارکان خانواده را حفظ کنند، اما با اندکی کاستن از نیازهای غیر ضروری و در نظر گرفتن الگوی اسلامی مصرف می توانند کمک بزرگی به همسر خود کنند.

۳. پرکردن اوقات فراغت: امروزه با مهاجرت از شهرستان ها به کلان شهرها و آپارتمان نشینی برخی از مادران که توانایی بالایی دارند حوصله شان سر میرود و دوست دارند به فعالیتی مشغول باشند، به همین دلیل گاه ندانسته خود را به مشاغلی مشغول می سازند که با هدف آنها سازگاری ندارد. این مادران به خود می آیند و می بینند از صبح تا شب مشغول کار بیرون هستند و شبها با خستگی فراوان در خانه مشغول آشپزی می شوند و دیگر انرژی برای رسیدگی به همسر و فرزندان خود را ندارد. او در درجه ی اول به خودش و جسمش و آرامشش لطمه میزند و در مرحله ی بعد به خانواده ی خود و از طرفی هم تربیت فرزند خود را به مو سه ای دیگر واگذار کرده است. پیشنهاد می شود مادری که احساس فراغت می کند، با کلاسهای ورزشی و هنری و قرآنی و علمی خود را مشغول سازد و اگر می خواهد به کاری مشغول شود به نیمه وقت بودن آن، به مسافت آن، به سن فرزندش و توانمندیهای خودش توجه کند.

۴. کسب منزلت اجتماعی: در پژوهشی که توسط صدافتی فرد (۱۳۸۹) بر ۳۰ نفر در شهر سمنان اجرا شد، یافته ها و نتایج نشان داد که بیشترین انگیزه زنان متمرکز بر عامل های اجتماعی و سپس فرهنگی است، به این معنا که زنان مورد مطالعه بیش از هر انگیزه دیگری در پی مزایای ناشی از این دو عامل در مشارکت و حضور در عرصه های اجتماعی هستند.

البته کار برای کسب منزلت چیز بدی نیست، اما تا آنجا که می توان برای تحقق این هدف بهتر است سراغ شغل‌هایی رفت که ماهیتا انعطاف پذیری بیشتری دارند و استخدام ها و تعهدهای طولانی مدت نداشته باشند، تا فرد آزادانه هروقت که روحیه ی خود و خانواده اش را در معرض آسیب دید بتواند مدتی ساعات کاری خود را کمتر بکند. همچنین شغل‌هایی که در خود سیستم برای مادر بچه دار جایی تعریف کرده اند و او راحت تر و آزادانه تر می تواند فعالیت کند. هر چقدر مادران به شأن خود بیشتر واقف شوند و از پذیرفتن شغل‌هایی با سطوح پایین خودداری کنند، بالطبع جامعه ارزش بیشتری به آنها می دهد و به فکر تغییر در ساختار شغلی برای استفاده از تخصص مادران در پیشرفت جامعه می افتد، زیرا جامعه ناگزیر از حضور مادران در یک سری مشاغل مهمی است که پیشتر از آن سخن گفته شد.

۵. کم ارزش شمردن مادری و خانه داری: یکی از مهم ترین علل گرایش شدید زنان در دهه های اخیر به سوی بازار کار را می توان در نگاه جوامع و انسان های متجدد به کار خانگی دانست. کار خانگی زنان، تقریباً در تمامی جوامع، نادیده گرفته شده است و حتی از لحاظ اجتماعی و اقتصادی بی ارزش تلقی می شود. در این حالت بسیاری از زنان، علی رغم آنکه به رسیدگی و نگهداری از کودکان خویش علاقه مند هستند، حتی به انجام کارهایی با شرایط سخت و دستمزد پایین رضایت می دهند. این حالت را از جهتی می توان در بحث ضرورت اشتغال زنان مطرح کرد؛ زیرا گروه قابل توجهی از زنان غیرشاغل در چنین فضای اجتماعی ای که تمامی امتیازات فردی و اجتماعی به زنان شاغل نسبت داده می شود، دچار نوعی حالات روانی متمایل به افسردگی می شوند و برای رهایی از احساس کمبود، به سوی بازار کار هجوم می آورند. همچنین زنان خانه دار بابت زحماتی که در خانه متحمل می شوند، از دستمزد و نیز ارتقای رتبه و منزلت اجتماعی بهره مند نمی شوند؛ یعنی کار این دسته از زنان عمدتاً دیده نشده است و به تبع آن ارزشیابی نمی شود.

در حالی که براساس محاسبات به عمل آمده، خانه داری و اشتغال زن در داخل منزل بیش از دوبرابر ساعات اشتغال مرد در تأمین مخارج زندگی آنها تأثیر دارد ولی متأسفانه این امر در فرهنگ برنامه ریزی کشور مغفول واقع شده است (محتمی، ۱۳۷۸، ۸۱).



بحث و نتیجه گیری

باید میان شایستگی ها و ضرورت های حضور اجتماعی زنان از یک سو و باورهای غلط و شایعی که بانوان را ضرورتاً به داشتن یک شغل در خارج از منزل ملزم می کند، تفاوت قایل شد و اولویت را در ابراز شایستگی زنان در فعالیت های علمی، فرهنگی، آموزشی و تربیتی قرار داد. این مسأله در تقابل با دیدگاهی است که استفاده از قدرت و نیروی جسمی زنان را به عنوان نیمی از نیروی کار ارزان در خدمت توسعه ی صنعتی و اقتصادی قرار می دهد، امروزه خانواده محل اصلی توسعه نیروی انسانی است (محتشمی، ۱۳۷۸).

باید توجه داشت که در دین اسلام حکمی مطلق در مورد شغل بانوان نیامده، آنجا که اشتغال تمام وقت و سنگین زنان پیامدهایی چون: شیوع طلاق به علت استقلال مالی، پایین آمدن نرخ مولید، بیکاری مردان، شیوع فساد در برخی مکان های اداری و عدم رعایت شرایط اسلامی و بی توجهی به شرط رعایت محرم و نامحرم، بی توجهی به تربیت کودکان و تربیت نسلی آسیب پذیر، فرسودگی و بیماری های زود هنگام مادران در پی دارد، مسلماً اشتغال نه برای خانواده بلکه برای توسعه جامعه هم مضر است زیرا تربیت نسل سالم خودش ملاکی مهم در پیشرفت جامعه است. اما در جایی که اشتغال سبب شود تا مادری استعدادهايش را در عرصه ی اجتماع شکوفا کند، اعتماد بنفسش را تقویت کند، به کسورش خدمت کند، منزلت اجتماعی کسب کند و به درآمد خانواده کمک کند اشتغال وجهه ای دیگر می یابد. بی تردید انگیزه های مادران از اشتغال در این امر مهم است، مادری که تخصصی دارد که احساس مسئولیت در برابر اجتماع میکند، حتماً در مرحله ی اول در برابر خانواده ی خودش که جزئی از اجتماع هستند احساس وظیفه میکند و می کوشد شغلی را برگزیند که حداقل فشار را به خود و خانواده خود وارد کند و تعارضات نقشه هایش را کاهش دهد، چنانچه رهبر انقلاب می فرمایند: در هر میدانی که بانوان مسوولانه وارد شوند، پیشرفت در آن میدان چند برابر خواهد شد (خامنه ای، ۱۳۷۶). در مقابل زنی که به تبعیت از فرهنگ غرب و به علت بی ارزش تلقی کردن خانواده داری به اشتغال روی می آورد، در انتخاب ها و تصمیم گیری هایش نمی تواند همه ی متغیرهای لازم را در نظر بگیرد. باید گفت در ارزش دادن به شغل بیرون از خانه ولو منشی گری و بی ارزش جلوه دادن امر خانه داری (که بهتر است گفته شود خانواده داری) تنها آن مادر مقصر نیست بلکه همه ی افراد جامعه (سیاست گذاران، مجلس، صدا و سیما، نخبگان، نویسندگان، هنرمندان و ...) باید در نظام ارزشی خود تجدید نظر کنند تا نهایتاً نگاه مادر به نقش مادری خود بازبینی شود. به نظر می رسد انتخاب شغل نامناسب و صرف مهم بودن شغل بماهوشغل ابتدا سلامت روح و جسم مادر را به خطر می اندازد و شاید اولین قربانی که از خانواده میگیرد، مادر باشد، چون او می خواهد همه این کاستی ها و خلأها را جبران کند و در این میان ممکن است پز مردگی و خستگی فراوانی در خود احساس کند.

منابع:

ترکمن، سولماز، فتحی، سروش. ۱۳۹۵. تحلیل اثرهای اشتغال زنان بر کیفیت زندگی آنان. فصلنامه علمی-پژوهشی زن و جامعه. سال هفتم، شماره ۴.

صداقتی فرد، مجتبی، ارجمند، الهام. ۱۳۸۹. انگیزه های زنان ایرانی از شرکت در فعالیت های اجتماعی پژوهشی در شناسایی عامل های موثر بر مشارکت زنان. فصلنامه زن و جامعه. سال اول. شماره ی دوم.

کربلایی نظر، محسن. ۱۳۹۰. زن و بازیابی هویت حقیقی (گزیده بیانات آیت الله خامنه ای (مدظله العالی). انتشارات انقلاب اسلامی.

محتشمی، بتول. ۱۳۷۸. اشتغال زنان بایدها و نبایدها جلد ۲. فصلنامه شورای فرهنگی- اجتماعی زنان: مطالعات راهبردی زنان. شماره ۴.



واکاوی نقش مادران شاغل در تربیت فرزندان

مرضیه دهقانی؛ استادیار دانشکده روانشناسی و علوم تربیتی تهران

dehghani_m33@ut.ac.ir

سمیه عباسی ملیح؛ دانشجوی کارشناسی ارشد

fn.bahonar@yahoo.com

چکیده

نقش مادری، فضیلت ملکوتی است ناشی از عالم قدس که در وجود انسان تجلی می‌کند و در آن صداقت، مهر و صفا به عالی‌ترین درجه می‌رسد. در مقاله حاضر سعی شده به نقش مادری زنان شاغل و تاثیر اشتغال آنها در تربیت فرزندانشان پرداخته شود. هدف مقاله پاسخ به این پرسش است که اشتغال زنان چه نقشی در تربیت فرزندان دارد؟ به منظور پاسخگویی به این پرسش از روش توصیفی-تحلیلی استفاده شده و به مباحث مربوط به مادر، نقش تربیتی مادر، اشتغال زنان و اثرات مثبت و منفی اشتغال آنان اشاره شده است. قبول نقش‌های متعدد همسری، مادری و در کنار آن شغلی در زنان شاغل، سبب به وجود آمدن انتظارات گوناگون و تلاش در پاسخگویی به این انتظارات و نیازهای مختلف در خانواده و جامعه شده است. اما با توجه به رسالت نقش مادری و اهمیت آن، به طور قطع این موضوع خواسته یا ناخواسته می‌تواند ایفای سایر نقش‌ها را تحت تاثیر قرار دهد. همان طور که یافته‌های این پژوهش نشان می‌دهد، ایفای این نقش مهم در مادران شاغل با تحمل مشقات و مسائل فراوانی همراه می‌باشد، بنابراین مستلزم توجه بیشتری است. در نتیجه با اینکه اشتغال زنان در جوامع کنونی امری لازم و اجتناب ناپذیر است، اما تبعات مثبت و منفی نیز در تربیت فرزندان دارد که در این مقاله سعی شده به آنها پرداخته شود و در آخر پیشنهاداتی برای مسئولین و خانواده‌ها ارائه شده است. امید است از آنها در جهت کمک به مادران شاغل استفاده شود.

کلید واژگان: نقش تربیتی مادر، اشتغال زنان، اثرات مثبت و منفی اشتغال زنان

مقدمه

خانواده هسته نخستین جامعه و از عوامل اصلی انتقال فرهنگ، اندیشه، اخلاق، سنتها و عواطف از نسلی به نسل دیگر است و با وجود اینکه در روند تکاملی‌اش برخی از کارکردهای خود را از دست داده، اما کارکردهای اساسی آن یعنی تشکیل شخصیت اجتماعی - فرهنگی هنوز باقی است. بر این اساس، خانواده مطلوب، خانواده‌ای است که به بهترین شیوه سلامت و آرامش روانی اعضا را تأمین کند، فرزندان سالم به جامعه تحویل دهد و به کاهش انحرافات اجتماعی کمک کند. یکی از ویژگی‌های خانواده مطلوب، تربیت فرزندان شایسته است (بستان، ۱۳۸۸).

در میان اعضای خانواده بیشترین سهم تاثیرگذاری بر فرزندان از آن مادران است. بارزترین و والاترین نقشی که در کلام الهی قرآن، برای زنان ترسیم و مورد ستایش قرار گرفته شده، نقش مادری و عهده داری تربیت فرزندان از سوی آنان است. مادران به لحاظ عواطف خالصانه خود پناهگاه مطمئنی برای کودکان هستند و کودک هر زمانی که احساس نا امنی می‌کند ابتدا به مادر پناه می‌برد و امنیت مورد نظر خود را در آغوش وی جستجو می‌کند (رضاییان، ۱۳۸۷). در حقیقت مادر سرمشق و الگو فرزند و شکل دهنده روح و شخصیت اوست. تاکید اسلام بر اهمیت بی نظیر نقش مادر در خانواده، به معنای مخالفت با حضور زنان در جامعه نیست بلکه به معنای اولویت دادن به نقش مادری و در مقابل دیگر نقش هاست (برجی نژاد، ۱۳۸۹).

امروزه اشتغال زنان در فعالیت‌های اقتصادی در چند دهه گذشته و بویژه در جامعه شهری بسیاری از کشورها مطرح است. آنچه که مسلم است زنان نیمی از جمعیت دنیا را تشکیل می‌دهند و کاملاً طبیعی است که زنان نیز مانند مردان بخواهند نقش مهم و موثری در جامعه و فعالیتهای اجتماعی ایفا کنند (عطاریان، ۱۳۹۰).



اشتغال مادر موجب اختلال در تکوین شکل گیری دلبستگی کودک نسبت به مادر میشود، چراکه مراقبت کودک از حالت انفرادی به گروهی در می آید و در نتیجه دلبستگی کودک نسبت به مادر از حالت طبیعی خارج می گردد. از آنجا که قداست و استواری خانواده در اسلام با ارزش و مهم می باشد، اشتغال مادران نیز باید در راستای تحقق این اصل قرارگیرد نه اینکه سبب تزلزل آن شود (ساروخانی، ۱۳۸۸).

زنان شاغل باید در پاسخگویی به انتظارات شغلی و اداره امور خانه و خانواده موفق عمل کنند. بنابر این با توجه به نظرات مختلف در خصوص اشتغال زنان، هدف از این مقاله بررسی و واکاوی نقش زنان شاغل در تربیت کودکان می باشد، لذا این نوشتار بدنبال پاسخگویی به این سوال اساسی می باشد که اشتغال زنان در جامعه چه تاثیری را در تربیت فرزندان دارد. برای پاسخگویی به این سوال ابتدا به نقش تربیتی مادر، اشتغال زنان، اثرات مثبت و منفی اشتغال زنان پرداخته شد.

اشتغال زنان

موضوع "اشتغال زنان" یکی از مهمترین موضوعات در حیطه علوم سیاسی، اجتماعی و حقوق به شمار می آید. مشارکت و نقش زنان در توسعه کشور امری است که در چند دهه اخیر به آن توجه بسیار شده است. اشتغال زنان نه تنها در جامعه ما، بلکه در سطح جهان، مسئله مهم و قابل توجهی است. دوره پس از جنگ جهانی دوم را می توان به عنوان نقطه عطفی در تغییر موقعیت زنان، اشتغال آنها و دستیابی آنان به حقوق و دستمزد مستمر یاد کرد. اشتغال زنان در قرن بیستم، به تدریج ساختار خانواده را نیز متحول نمود (افشار، ۱۳۸۷).

در جوامع شهری اشتغال خارج از خانه بانوان در چهار سطح آموزش، خدمات، اقتصاد و صنعت می توان مورد بررسی قرار داد. در سطح آموزشی به عنوان معلم و استاد، در مدارس و دانشگاه ها و موسسات آموزشی. در سطح خدمات اعم از خدمات اداری - دولتی و غیر دولتی، بهداشتی و درمانی، رسانه، در سطح اقتصادی در بازار و بنگاه های اقتصادی و فروشگاه ها و در صنعت در کارخانجات و کارگاه ها و در سطح مهندسی و ... می توان مشاهده نمود (محمدی، ۱۳۸۹).

اثرات و تبعات مثبت اشتغال زنان

با توجه به اینکه هر شغلی در جایگاهی خاص قرار دارد و دارای مزایا و معایبی می باشد، نمی توان اثرات مثبت اشتغال زنان را نادیده گرفت که در این نوشتار فهرست وار به طور اجمالی بیان خواهیم کرد:

از لحاظ اقتصادی: به عقیده بعضی زنان، کسب استقلال مالی که بهبود وضعیت اقتصادی خانواده را در پی دارد، پاسخی است به نیاز روزافزون خانواده و بیشترین انگیزه زنان در این عامل را در بر می گیرد. شاغل بودن زنان علاوه بر اینکه بر درآمد خانواده اثر می گذارد بلکه نسبت مهمی از درآمد ملی را هم تامین می کند. کمک خرج بودن زنان و کمک به تامین معاش خانه باعث می شود زنان با افزایش سرمایه گذاری و کاهش مصرف، فرهنگ صرفه جویی و قناعت را به خوبی بیاموزند.

از بعد شخصیتی و فردی: زنی که بیرون از خانه مشغول فعالیت است، روحیه اعتماد به نفس و پشتکار قوی دارد و واقعیت ها را به عینه می بیند. استعدادهای نهفته اش شکوفا می شود و از قوه به فعل تبدیل می شود، شخصیت اش رشد می یابد، رغبت و علاقه اش پیرامون مسایل جامعه زیاد می شود و ژرف اندیش بار می آید.

از لحاظ تربیتی و خانوادگی: زن شاغل چون مشکلات جامعه اش را می بیند، همسرش را متقابلاً درک می کند و روحیه تعاون و همکاری در این قبیل خانواده ها که زنان شاغل هستند قوت می یابد. تقسیم کار در این خانواده ها زیاد به چشم می خورد. حس مسوولیت پذیری در فرزندان و اعضای خانواده تقویت می شود چون ساعاتی از روز را در بیرون خانه مشغول کار و فعالیت بوده از کمیت وقت هایش به طور کیفی استفاده می کنند. زن شاغل از آزادی عمل فکر و اندیشه برخوردار است و این روحیه را در فرزندانش تقویت می کند.

در سطح جامعه از لحاظ سیاسی: زنان شاغل معمولاً قدرت رهبری و هدایت خوبی در جامعه دارند. در تصمیم گیری های جامعه مشارکت دارند و شعور سیاسی آنها بالا می رود. در تبادل اندیشه ها شرکت دارند. به آینده جامعه حساس هستند. در حقوق خودشان را



بهرتر می شناسند. مقررات و قوانین اجتماعی را به خوبی می آموزند. این زنان، در بسیاری از موارد خود مهربانی پذیرش مسوولیت های سنگین اجتماعی در سطوحی مانند مدیرکل، شهردار، نماینده مجلس، عضو شورای شهر، وزیر و نظایر آن هستند.

از لحاظ فرهنگی و اجتماعی: زنان شاغل معمولاً نسبت به زنان خانه دار قدرت بالایی در تجزیه و تحلیل مسایل اجتماعی دارند. زنان شاغل اعتبار اجتماعی بیشتری نسبت به زنان خانه دار دارند که این اعتبار اجتماعی یک نوع پرستیژ اجتماعی را در آنان ایجاد می کند. کار زن در خارج خانه به تسهیل در امر ازدواج منجر می شود و موقعیت های گزینش همسر را متنوع تر می کند. زنان شاغل بیشتر منطقی هستند و مقررات را به راحتی قبول می نمایند. همچنین حس مفید بودن در آنان قوت می یابد. یکی از مهم ترین مزایای اشتغال بانوان، کنترل باروری است. مادران شاغل با توجه به تقسیم اوقات روزانه بین کار منزل و خارج آن فرصت کمتری نسبت به بانوان خانه دار برای بچه داری پیدا خواهند کرد. تامین آینده فرزندان با فقدان مرد، بالا رفتن قدرت حل مشکلات خانوادگی و اجتماعی، سلامت روانی و امیدواری بیشتر به آینده از دیگر مزایای اشتغال زنان است که البته همه این ها، بستگی تام به شرایط محیطی کار دارد (محمدی، ۱۳۸۹).

اثرات غیرمادی اشتغال زنان ابعاد بسیار مختلفی دارد که از جمله آنها می توان به احساس رضایت افراد از حضور در جوامع مختلف اشاره کرد. به بیان دیگر حضور زنان در اجتماع و به ویژه عرصه های علمی منافع بسیاری دارد که در هر صورت منافع آن به کل جامعه منتقل می شود. به بیان دیگر، خود زنان نیمی از جامعه هستند اما پرورش آن نیمه دیگر جامعه نیز برعهده آنان است. به بیان دیگر اگر ما زنان و مادران آگاهی داشته باشیم، این آگاهی ها به خانواده و فرزندان منتقل می شود و نسل بعدی جامعه نیز انسان های موفقی خواهند بود چراکه زیر نظر مادران آگاه پرورش یافته اند. پس اگر حضور زنان در جامعه اولویت داشته باشد، منافع حاصل از این حضور سریع تر به کل جامعه سرایت می کند. (قدیمی، ۱۳۹۲)

اثرات و تبعات منفی اشتغال زنان

از مهم ترین نقش هایی نهادینه شده زنان تولد فرزندان، تربیت آنها، رسیدگی به امور منزل و همسررداری شان به شمار می آید. نگاه سنتی ایرانیان با توجه به مشغله های اقتصادی، رسیدگی به برخی از وظایف را - نه به طور مطلق - برای مرد کم رنگ می کند. با چنین نگرشی، اشتغال زن در بیرون از خانه و عدم حضور طولانی او کنار همسر و فرزندان؛ خانواده را به حاشیه می کشاند. به طوری که این مسئله، سرمنشا بسیاری از بحث ها، درگیری ها و اختلافات خانوادگی می شود. برای رفع چنین مشکلی باید فرهنگ سازی کرد و برای آموزش های هدفمند از وسایل ارتباط جمعی بهره برد. آن دسته وظایفی که در طول تاریخ مختص زنان تعریف شده کاملاً قراردادی است و امکان تغییر تدریجی آنها و ایجاد قراردادهای جدید وجود دارد.

ساعات بسیار طولانی کار در خارج از منزل برای زنان، مشکلاتی را به وجود می آورد که از مهم ترین آنها می توان به نگهداری از کودکان اشاره کرد، عدم ارتباط عاطفی کافی بین مادر و فرزندان، یکی دیگر از مشکلات مطرح شده برای بانوان شاغل است که با تعابیری مانند اینکه وقت کافی برای فرزندان نشان نمی گذارند؛ مطرح می شود؛ در پاسخ این مسئله هم باید گفت: در واقع کیفیت ارتباط مهم است نه کمیت آن؛ مادران می توانند با برنامه ریزی درست، ساعات عدم حضور خود در کنار فرزندان را با پر رنگ تر کردن لحظات عاطفی برطرف کنند. که اگر اینچنین نشود واکنش فرزندان و همسر در برابر این بی توجهی می تواند سالیان سال مورد بحث قرار بگیرد.

عدم ارتباط بین فامیلی قوی در زندگی زنانی که ساعت های طولانی سرکار هستند یکی از مهم ترین مشکلات زنان شاغل است. راه حل این مورد هم در این نکته مستتر است که مرد خانه باید متوجه باشد خانم شاغل او، عملاً مسوولیت و فشار کاری دو نفر را تحمل می کند و از این لحاظ نسبت به او مسوولیت سنگین تری دارد. تفاوت کاری مرد با زن شاغل در اینجاست که از مردان کسی انتظار انجام امور منزل را ندارد اما یک زن در هر پست مدیریتی و تخصصی که باشد، وظایف منزل بر عهده اوست. لذا زنان شاغل باید با همکاری شوهرانشان به یک برنامه ریزی دقیق دست پیدا کنند.

در بررسی تفاوت های بین یک زن شاغل و یک زن خانه دار هم می توان به راحتی متوجه تفاوت نگرش اجتماعی و اثرگذاری زنان شاغل بر محیط اطراف آنها شد. از طرفی شاید در نگاه برخی از مردان حقوق بالای زن، سمت بالاتر او، همکاری اش با مردان محیط کار، از دیگر دلنگرانی ها باشد. این پیشداوری ذهنی باعث مخالفت همسر با کار زن می شود و اگر با ناراضی زنی در ترک کار، مواجه شود می تواند به



یکی دیگر از دلایل اصلی اختلاف بین همسران تبدیل شود. حال زنان باید در نظر داشته باشند که اگر نتوانند مهارت تطبیق و مدیریت بین کار در منزل و کار بیرون را کسب کنند، در هیچ یک موفق نخواهند شد و با مشکلاتی مانند خطر سلامت روانی، مدیریت زمان، سلامت جسمی، تامین نیازهای عاطفی، تربیت فرزندان و... روبرو می شوند.

متأسفانه در خانواده سنتی، مشارکت مردان در انجام امور منزل بعضاً بسیار کم‌رنگ است و وقتی همیاری نباشد، زن شاغل و متاهل دچار افسردگی و اضطراب شدید خواهد شد. از طرفی این یک واقعیت است که زن شاغل چون ساعات زیادی از انرژی اش را صرف کار بیرون از منزل کرده و از سوی دیگر به محض رسیدن به منزل فرصت استراحت ندارد، همیشه خسته به نظر می رسد و در درازمدت به شدت مستهلک خواهد شد (غلامی توکلی، ۱۳۹۰).

عدم مراقبت صحیح و اصولی از کودک، تحقیر شدن زنان در برخی مشاغل مثل فروشنده‌گی، بازاریابی، منشی گری، امور خدماتی و نظافتی و ... مبتلاد شدن به اضطراب و پریشانی، عصبانیت و پرخاشگری، تضعیف روابط احساسی و عاطفی میان زن و شوهر، بروز شکاف و اختلاف در خانواده و سرانجام طلاق، از دست دادن سلامتی و شادابی، ارزش زدایی از خانه داری، آسیب جدی به کیان خانواده زده است. اکنون معضل فروپاشیدگی خانواده، متفکران غربی را واداشته است به این امر به طور جدی بیندیشند، ولی به گونه ای که هم این واحد کوچک به صفای دیرینه اش برگردد و هم از امتیازات مدرنیته بی بهره نماند (افشار، ۱۳۸۷).

بحث و نتیجه گیری

این مقاله به بررسی اشتغال زنان و اهمیت نقش تربیتی آنان بر فرزندانشان پرداخته است. چنانچه ذکر شد اشتغال مادران یکی از مهم ترین دغدغه های مادران و خانواده می باشد و تاثیر به سزایی روی خصوصیات رفتاری فرزندشان همچون ویژگی های شخصیتی برون گرایی، انعطاف پذیری، با وجدان بودن، اضطراب، استرس و گوشه گیری آنها دارد. بدرستی که نمیتوان هیچ جایگزینی برای گرما، آرامش، نیروبخشی و احساس روانی و عاطفی آغوش مادر پیدا کرد.

با این وجود مسلم است که اشتغال برای زنان یک حق طبیعی و تکوینی و اقتصادی و اجتماعی است و نمی توان به بهانه اثرات منفی اشتغال زنان که در این مقاله نیز به آنها اشاره شد همچون ساعات بسیار طولانی کار زنان، عدم ارتباط عاطفی کافی میان مادر و فرزند، به خطر افتادن سلامت روانی و جسمی زنان شاغل، نگرش و برداشتهای اشتباه مردان نسبت به اشتغال همسرشان که باعث تضعیف روابط احساسی و عاطفی میان زن و شوهر و بروز شکاف و اختلاف در خانواده می شود از آن صرف نظر کرد. همچنان که در این مقاله به بررسی تبعات مثبت اشتغال زنان چون کمک به بهبود وضعیت اقتصادی خانواده، تقویت روحیه اعتماد به نفس، تقویت روحیه تعاون و همکاری در خانواده زنان شاغل، افزایش قدرت رهبری، هدایت و شعور سیاسی زنان شاغل، کنترل باروری، بالا رفتن قدرت حل مشکلات خانوادگی و اجتماعی و ... نیز پرداخته شد.

بنابراین، همچنان که نتایج این مقاله همسو با (افشار، ۱۳۸۷) می باشد، بهترین راهکار آن است که تدابیری اتخاذ شود تا ضمن تعدیل فعالیت و کار برای زنان و حمایت از شغل های مثبت و متناسب با شئونات زنانه و خانگی سعی گردد حتی الامکان پیامدهای منفی اشتغال به حداقل برسد و حتی منتفی گردد. اشتغال زنان باید براساس زمینه های اجتماعی و فرهنگی باشد تا زن هم بتواند در حوزه شغلی خود، به خود شکوفایی برسد و هم در داخل منزل وضعیت به گونه ای باشد که بر تربیت فرزندان، همسرداری و امور منزل خلل و ایراد وارد نشود.

این امر مستلزم راهکارهای گوناگون مانند تغییر نگرش همسران، افزایش سازمان های یاری رسان در امور خانواده مانند مهدکودک و مراکز مراقبت از کودکان، توجهات شغلی ویژه نسبت به زنان و ... است. لذا برای دستیابی به این مهم، پیشنهاد های زیر ارائه می شود:

- ۱- مشارکت بیشتر مردان در انجام امور خانه و فرزند و تغییر در نگرش آنها نسبت به اشتغال زنان.
- ۲- کم کردن ساعات کار زنان و تغییر ساعت کار آنان تا بتوانند با اتمام کار روزانه، بدون اضطراب و استرس از پیامدهای ترک محل کار، به منزل خود بازگردند و به امور خانه بپردازند.



دومین همایش ملی جایگاه و نقش مادر

2nd National Conference on the Status and the Role of Mother

۳-به علت افزایش روز افزون مادران شاغل و برای جلوگیری از تبعات منفی رشد و نمو کودک، افزایش زمان مرخصی زایمان و شیردهی و ایجاد مهدکودک در محیط کار بانوان ضروری به نظر می رسد.



- ۱- افشار، ا. (۱۳۸۷). زن، اجتماع، اشتغال و پیامدهای آن، روزنامه رسالت، شماره ۶۴۷۸، ص ۲۰ (اجتماعی).
- ۲- برجی نژاد، ز. (۱۳۸۹). نقش مادر در تربیت فرزند، فصلنامه طهورا، دوره سوم، شماره ۶.
- ۳- بستان، ح. (۱۳۸۸). زنان و نقش آنها در خانواده، فصلنامه تخصصی طهورا، سال دوم، شماره چهارم، ۲۴-۸۷.
- ۴- غلامی توکلی، م. (۱۳۹۰). زنان شاغل در خانواده، روزنامه رسالت، شماره ۷۴۳۵، ۲۷ آذر، صفحه ۱۹ (فرهنگی).
- ۵- ثابت، ح. (۱۳۷۹). تربیت اسلامی (کتاب چهارم)، مقاله: تربیت جنسی در نهج البلاغه، مرکز مطالعات تربیت اسلامی، قم، ۱۳۷۹، ص ۵۹۵.
- ۶- رضاییان، ز. (۱۳۸۷). مادران شاغل و تربیت فرزندان، روزنامه ایران، شماره ۳۹۹۴، ص ۱۹ (قرآن).
- ۷- ساروخانی ب. گودرزی، ث. (۱۳۸۸). اثرات اشتغال زنان بر خانواده، مجله جامعه شناسی معاصر، زمستان ۱۳۸۸، سال دوم / شماره اول.
- ۸- شعاری نژاد، ع. (۱۳۷۲). روان شناسی رشد، تهران، انتشارات اطلاعات، چاپ دهم، ص ۱۹۳.
- ۹- عطارد، ف. (۱۳۹۰). اشتغال زنان، پیامدها و راهکارها، فصلنامه بانوان شیعه، ص ۱۳۹.
- ۱۰- عطاریان، م. (۱۳۹۰). اثرات مثبت و منفی اشتغال زنان، بخش خانواده ایرانی موسسه فرهنگی تبیان، فروردین.
- ۱۱- قدیمی، ا. (۱۳۹۲). حضور زنان در عرصه های علم و فناوری کمرنگ است، روزنامه شرق، شماره ۱۹۷۶، ص ۸ (زنان).
- ۱۲- محمدی، م. (۱۳۸۹). اثرات مثبت اشتغال زنان، شماره ۱۵۸۲۱۱، اسفند.
- ۱۳- مطهری، م. (۱۳۷۳). تعلیم و تربیت، چاپ هشتم، تهران، انتشارات الزهرا، ص ۴۹.



واکاوی نقش مادران در آموزش به فرزندان: دوران بلوغ، تربیت جنسی و ازدواج

شیوا صالحی؛ دانشجوی کارشناسی ارشد برنامه‌ریزی درسی

shiva.salehi@ut.ac.ir

مرضیه دهقانی؛ استادیار دانشکده روانشناسی و علوم تربیتی تهران

dehghani_mr3@ut.ac.ir

محمد جوادی‌پور؛ دانشیار دانشکده روانشناسی و علوم تربیتی تهران

javadipour@ut.ac.ir

چکیده

دوره نوجوانی دوره حساسی از رشد است و مسائل بلوغ، تربیت جنسی و ازدواج از مهم‌ترین موضوعات این دوران هستند که سازمان بهداشت جهانی بلوغ را دوره‌ای از تکامل انسان می‌داند و مادران در این دوره مهم‌ترین منبع قابل اعتماد جهت ارائه اطلاعات به نوجوانان می‌باشند که عده‌ای از مادران مطرح کردن این مسائل را به فرزندان خود نامناسب می‌دانند و عده‌ای دیگر نیز از دانش لازم در این زمینه برخوردار نیستند و با توجه به اینکه مادران باید از مهارت و نگرش لازم برای آموزش این مسائل برخوردار باشند، هدف از پژوهش حاضر واکاوی نقش مادران در آموزش به فرزندان خود در زمینه بلوغ، تربیت جنسی و ازدواج است که به روش پدیدارشناسی به آن پرداخته شده است. نتایج به دست آمده نشان داد که نوجوانان در این زمینه بیشتر از گروه همسالان اطلاعات می‌گیرند و مادران اغلب ترس دارند با نوجوانان در این زمینه وارد گفتگو شوند.

واژگان کلیدی: مادران، نوجوانان، بلوغ، تربیت جنسی، ازدواج

مقدمه

تربیت زمینه‌ساز برای ظهور و بروز استعدادهای گوناگون می‌باشد و همه ابعاد وجودی انسان باید در جریان تربیت مدنظر قرارگیرد و تربیت ابعاد گوناگونی دارد (محمدخانی، ۱۳۹۵). سازمان بهداشت جهانی (WHO) تربیت جنسی را لازمه سلامت جنسی می‌داند و به گونه‌ای تربیت جنسی و سلامت جنسی را تقریباً به یک معنا به کار می‌برد و براساس تعریف سازمان بهداشت جهانی، بهداشت جنسی عبارت است از هماهنگی میان ذهن، جسم که جنبه‌های اجتماعی و عقلانی انسان را در مسیر ارتقا شخصیت ایجاد ارتباط و عشق قرار می‌دهد و هرگونه اختلال در این مسیر موجب عدم رضایت از رابطه می‌شود.

دوره نوجوانی هم دوره حساس انتقال از کودکی به بزرگسالی است که در این انتقال فرد تغییراتی را تجربه می‌کند و بلوغ عامل دیگری است که نوجوان با آن روبه‌رو می‌شود که بلوغ مرحله‌ی مهمی از رشد است که با تغییرات زیستی مانند رشد قد، وزن و تغییرات روانشناختی و مشخص شدن جایگاه فرد در جامعه همراه است که در این دوران با امور جنسی روبرو می‌شوند بیشتر با اندام‌های بدن و طرز به طوری که تحقیقات مستوفی (۱۳۹۵) و محمدخانی (۱۳۹۵) آن را تایید می‌کند.

بلوغ در لغت به معنی پختگی است. در این زمان یک سری تغییرات فیزیولوژیکی در فرد ایجاد می‌شود که بعضی از نوجوانان با آن سازگاری می‌یابند، بعضی دیگر گیج و آشفته می‌شوند و گروهی دیگر به آن بی‌توجهی می‌کنند. دوران بلوغ زمان اکتساب قدرت باروری است و بسیاری از مشکلات مخاطره‌آمیز و ازدواج‌های ناموفق در این دوران شکل می‌گیرند. فرآیند بلوغ یکی از بحرانی‌ترین دوره‌های زندگی است که فرد به دنبال استقلال و خواسته‌های متضادی است. از آنجاییکه نوجوانان اداره‌کنندگان جامعه هستند توجه به سلامت نوجوانان سرمایه‌گذاری برای آینده است (کوهستانی و دیگران، ۱۳۸۷). والدین برداشت‌های متفاوتی از بلوغ دارند عده‌ای می‌گویند از رفتاری‌های بلوغ مطلع هستند ، عده‌ای دیگر بلوغ را تکامل جنسی می‌دانند که فقط این نیست مسئله مهمتر استقلال نوجوانان است، عده‌ای دیگر نمی‌خواهند باور کنند فرزندشان با ورود به بلوغ از بچگی خارج شده اند که این باعث اختلاف بین والدین و فرزندان می‌شود.



رویداد ازدواج ورود به مرحله‌ی جدیدی از زندگی است که بخش بسیار مهمی از حیات فردی و اجتماعی هر فرد را در برمی‌گیرد و ازدواج موفقیت‌آمیز موجب ارتقای سلامت روانی، جسمی و خانوادگی می‌شود در حالی که زندگی‌های بی‌ثبات هزینه‌های زیادی را تحمیل می‌کنند. طی چند دهه اخیر، همسو با تغییرات جهانی، در کشور ما نیز از یک سو میانگین سن ازدواج و از سوی دیگر، میزان طلاق به شدت افزایش یافته است براساس آمارهای سازمان ثبت احوال کشور و مرکز آمار ایران، میانگین سن ازدواج جوانان در ایران در سال ۱۳۹۲ برای مردان ۲۷/۴ سال و برای زنان ۲۲/۱ سال بوده است که این ارقام در مقایسه با سال ۱۳۶۵ (۲۳/۶ سال برای مردان و ۱۹/۸ برای زنان)، افزایش چشمگیری را نشان می‌دهد. مطالعاتی بر نقش آموزش‌های مستقیم و غیرمستقیم خانوادگی از سوی والدین بر یادگیری چنین مهارت‌هایی، تمرکز کرده‌اند. افزایش آگاهی مادران به دلیل شرکت در کلاس‌های آموزش خانواده توانسته است بر فرآیند راهنمایی تحصیلی، هدایت دینی، اخلاقی و بهداشت روانی فرزندان تاثیرگذار باشد در صورتی که نوجوانان بیشتر اطلاعات را به جای والدین از گروه دوستان می‌گیرند (ریاحی و دیگران، ۱۳۹۲).

نقش والدین در آموزش مسائل جنسی بسیار حائز اهمیت است و تربیت جنسی فرزندان از دغدغه‌های مهم و اصلی والدین در جامعه امروزی است و گاهی اوقات رفتار والدین تاثیرات جبران‌ناپذیری را بر روان نوجوانان گذاشته است و بسیاری از والدین آن را تابو می‌دانند و صحبت کردن در رابطه با این موضوع را با نوجوانان مناسب نمی‌دانند با توجه به این که سن بلوغ کاهش پیدا کرده است و سن ازدواج در حال افزایش است و هم‌چنین عقاید سنتی در حال تغییر هستند به طور کلی ویژگی عصر حاضر ضرورت تربیت جنسی را دو برابر ساخته است زیرا نوجوانان مکرراً در معرض پیام‌های جنسی و فیلم‌ها قرار می‌گیرند و متأسفانه مسئولین و والدین هم نمی‌دانند چه چیزی را باید به آنان بگویند در این راستا پرداختن به آموزش مسائل تربیت جنسی، بلوغ و ازدواج امری ضروری و ملزم است.

روش تحقیق

جامعه آماری این پژوهش شامل مدیران، مشاوران مدارس دخترانه متوسطه دوم مناطق ۱ و ۲ شهرستان سیرجان است. انتخاب نمونه به صورت هدفمند انتخاب شد. که در نفر هفتم به اشباع رسید و یک مصاحبه دیگر نیز انجام شد. اطلاعات به روش مصاحبه نیمه‌ساختارمند جمع‌آوری شده است و سوالات به شرح ذیل است:

۱. نوجوانان اطلاعات خود را در رابطه با تربیت جنسی از کجا بدست می‌آورند؟
۲. دانش‌آموزان اگر سوالی در این زمینه داشته باشند باید به چه افرادی مراجعه کنند؟ عکس العمل والدین در برابر مطرح کردن این مسائل با نوجوانان چیست؟
۳. به نظر شما والدین برای ورود در این زمینه به چه چیز نیاز دارند؟

برای جمع‌آوری داده‌ها از دستگاه ضبط صدا استفاده شد و همچنین به مصاحبه‌شوندگان درباره محفوظ ماندن اطلاعاتشان اطمینان داده شد. پژوهشگران کوشیده‌اند بدون جهت‌دهی به گفتار، به دنیای غیررسمی افراد دست یابند. مصاحبه‌ها کاملاً ثبت شد. پس از آن کدگذاری و تجزیه و تحلیل اطلاعات به روش کلایزی انجام شد. پس از طبقه‌بندی کدها و ادغام کدهای مربوط به هم، مفاهیم فرمول‌بندی شده، و در دسته‌های خاص موضوعی مرتب شدند، سپس در زیرگروه یا زیرمفهوم قرار گرفتند و آن‌ها را طبق هدف طبقه‌بندی کردند. پایایی به روش بازبینی با مصاحبه‌شوندگان انجام شد که آیا عبارات منعکس‌کننده صحبت‌های آن‌ها است یا نه.



یافته‌ها

تربیت جنسی مقوله بسیار مهم تربیتی است اول مادران و سپس معلمان مهم‌ترین منبع برای ارائه اطلاعات به نوجوانان می‌باشند و باید دانش لازم را داشته باشند که آموزش‌های مورد نیاز را به آنان ارائه دهند و عدم آگاهی خانواده و معلمان تبعات جبران‌ناپذیری بر روح کودکان باقی گذاشته است در صورتی که بعضی از خانواده‌ها و هم‌چنین معلمان آن را تابویی می‌دانند این باعث شده تربیت جنسی به عنوان یکی از اساسی‌ترین نوع تربیت برای تکامل شخصیت در برنامه درسی مورد غفلت واقع شود. تربیت جنسی توانمند ساختن فرد با ایجاد زمینه و بستر مناسب جهت هدایت صحیح گزینه جنسی و مدیریت رفتار و عدم ترس از جنس مخالف است و هدف آگاهی بخشیدن در جهت برخورد مناسب با آن است. با توجه به موضوع تحقیق، داده‌های حاصل از مصاحبه با اطلاع‌رسان‌ها نشان داد که نوجوانان اطلاعات خود را در رابطه با تربیت جنسی را از شش گروه بدست می‌آورند که در ۴ مقوله کلی طبقه‌بندی شد:

- ۱- فضای مجازی و اینترنت
- ۲- ماهواره
- ۳- تربیت و فرهنگ خانوادگی
- ۴- گروه همسالان و دوستان.

جدول شماره ۱: مقولات مربوط به دریافت اطلاعات نوجوانان را در رابطه با تربیت جنسی

مقوله‌ها	نمونه اظهارات اطلاع‌رسان‌ها
از طریق کار با اینترنت، با استفاده از گوشی و ماهواره	نوجوانان در این زمینه اطلاعات زیادی دارند و بالاتر می‌آیند اطلاعاتشان بیشتر می‌شود و به راه‌های از طریق کار با اینترنت، گوشی و ماهواره اطلاعات کسب می‌کنند و در اختیار بقیه هم قرار می‌دهند.
فضای مجازی و اینترنت	اطلاعات دارند اما کافی نیست و تمام اطلاعاتی که می‌گیرند منشا قانونی و علمی ندارد و همه‌ی اطلاعاتی که می‌گیرند از فضای مجازی و اینترنت است نه از کتاب درسی.
تربیت و فرهنگ خانواده‌ها	نسبت به قبل اطلاعات و آگاهی بیشتر شده است اما باز بستگی به تربیت و فرهنگ خانواده‌ها دارد بعضی از نوجوانان هستند اینقدر قوی و با اعتماد به نفس تربیت شدند که در هر شرایطی می‌توانند از خود مراقبت کنند و بعضی بچه‌ها هم واقعا در این زمینه مشکل دارند شاید در کلاس به آن‌ها کمک شود اما به شکل تخصصی کمک نمی‌شود.
از گروه همسالان و دوستان	از این نظر در مدرسه آموزشی داده نمی‌شود و اطلاعات را از دوستان به دست می‌آورند اما درباره غربال‌گیری و آموزش قبل از ازدواج اخیرا بهزیستی آموزش‌هایی را می‌دهد و اخیرا کتابی تدوین کردند که چه روابطی قبل از ازدواج داشته باشند.
گروه همسالان	نوجوانان که وارد متوسطه دوم می‌شوند اطلاعات تربیت جنسی خود را متاسفانه خیلی از خانه و مدارس نگرفتند بیشتر از گروه همسالان گرفته‌اند حالا یا به دلیل شرم و یا ناآگاهی بوده است و در خانواده‌ها که بررسی می‌کنیم می‌بینیم که خیلی آگاهی ندارند و متاسفانه با وجود ماهواره‌ها و شرایط ویژه خانه بچه‌ها به صورت پراکنده چیزهایی را یاد می‌گیرند و در مدرسه هم پیرامون این موضوع وقت نگذاشته‌اند عده‌ای گفته‌اند حرمت را نگه داریم یا خیلی متخصص هم وجود نداشته و در دوره ابتدایی هم مشاور نداشته‌اند و در دوره متوسطه اول تازه مشاوران وارد کار می‌شوند ظاهرا خیلی آگاه هستند ولی عمق مساله را که باید بدانند نمی‌دانند یعنی حتی مسائل فرعی را هم نمی‌دانند و بعضی‌ها به حقوق قانونی خودشان هم آگاه نیستند لذا این‌جا کار سخت‌تر می‌شود اما دوره‌ای به عنوان حقوق مرد و زن و حقوق نوجوانان در خانواده داشتیم یا شرط‌هایی ضمن عقد که خانم‌ها امضا می‌کنند که این‌ها را خودم (مدیر) به کلاس رفته توضیح دادم و مشاوران حقوقی و مذهبی در طول سال دعوت کردیم.
از دوستان و اینترنت	اکنون متاسفانه خانواده‌ها در این زمینه خیلی دوستانه با نوجوانان حرف نمی‌زنند و به علت این‌که روشن باز نشود خیلی به صورت مشخص توضیح نمی‌دهند و ما سعی کرده‌ایم دوره‌هایی بگذاریم و مشاور از بیرون دعوت کردیم با نوجوانان صحبت کنند ولی اعتراض می‌کنند چرا در رابطه با این مسائل با ما صحبت می‌کنید یا به بچه‌ها می‌گویید نگویید چشم و گوششان باز می‌شود و همه چی یاد می‌گیرند و ۸۰ و ۹۰ درصد از دوستان خود یاد می‌گیرند و برای بحث ازدواج هم خانواده‌ها توضیح نمی‌دهند اما الان کم‌کم دارند راه می‌افتند و آگاهی پیدا می‌کنند و اکنون می‌گویند برای ازدواج زود مانع ایجاد نکنند و خانواده‌های سطح فرهنگی بالا و تحصیل کرده راه افتادند و اکثر بچه‌ها سوال



	می‌پرسند که دوست پسر این پیشنهاد را داده است چه کار کنم که بیشتر در دوره راهنمایی است و مشخص است که نمی‌دانند و خانواده‌ها توضیح نمی‌دهند اطلاعات شاید ناصحیح باشد اما اطلاعات دارند و بیشتر اطلاعات را از فضای مجازی و دوستان به دست آورده‌اند.
فضای مجازی	اطلاعاتشان بیشتر در حد چیزهایی است که از فضای مجازی یاد گرفته‌اند اما اطلاعات که علمی باشد کمتر است و ما فقط در درس روان‌شناسی صحبت‌هایی کرده‌ایم.

داده‌های حاصل از مصاحبه با اطلاع‌رسان‌ها در زمینه سوال دوم نشان داد که نوجوانان سوالی داشته باشند از شش گروه به دست می‌آورند که در شش مقوله کلی طبقه‌بندی شد:

- ۱- مدیر
- ۲- معلم عربی
- ۳- معلم زیست
- ۴- معلم دینی
- ۵- مشاور
- ۶- سرپرست خوابگاه

نحوه برخورد والدین با مطرح کردن موضوعات بلوغ و تربیت جنسی با نوجوانان را در سه مقوله می‌توان طبقه‌بندی کرد:

- ۱- مخالفند.
- ۲- دارای اطلاعات ناقص.
- ۳- عدم اطلاع.

جدول شماره ۲: مقولات مربوط به منبع دریافت پاسخ سوالات نوجوانان در رابطه با تربیت جنسی و عکس‌العمل والدین با مطرح کردن این مسائل با نوجوانان

مقوله‌ها	نمونه اظهارات اطلاع‌رسان‌ها
مدیر، معلم عربی و زیست، مخالفند.	به مدیر مراجعه می‌کنند و سوال مهمی را ایشان پیش بیاورد سر کلاس عربی و زیست مطرح می‌کنند اما بیشتر به مدیر اعتماد می‌کنند و مشاور مدرسه مرخصی است.
دبیر، مشاور، مخالفند.	نوجوانان معمولاً خودشان می‌دانند وقتی دبیر سر کلاس می‌رود در رابطه با این موضوعات صحبت می‌کند وقتی اطلاعات دبیر را می‌سنجند به او مراجعه می‌کنند اما بیشتر به مشاور مراجعه می‌کنند و خانواده‌ها در این زمینه اطلاعات نمی‌دهند.
مشاور، عدم اطلاع	به مشاور من که اکنون معاون شدم اما به نوجوانان گفتم فقط جای من عوض شده است و می‌توانند به من مراجعه کنند و خانواده‌ها نمی‌دانند چه اطلاعاتی را به نوجوانان بدهند.
مدیر، مشاور، اطلاعات ناقص	اغلب به مشاور می‌گویند اما با مدیر هم صحبت می‌کنند اگر مشکلی ایجاد شود به ما می‌گویند ولی همه چیز را به کادر مدرسه نمی‌گویند اما به مشاور می‌گویند زیرا خانواده‌ها پاسخ سوالات آن‌ها را به طور کامل نمی‌دهند.
مدیر، مشاور، سرپرست و مشاوران مذهبی، مخالفند.	معمولاً مدیر مدرسه را سعی می‌کنند یک حریم نگه دارند و مدیر باید این را جوابگو باشد اما مدرسه ما شبانه‌روزی است اگر سرپرست آگاهی داشته باشیم با سرپرست و مشاور که معمولاً سعی می‌کنیم از مشاوران زبده استفاده کنیم و یک سری مشاوران مذهبی، مشاوران مذهبی خانمی که یک سری نمازهای جماعت هم برگزار می‌کنند در ضمن حلقه‌های تربیتی صالحین بسیج هم در این بی‌تأثیر نیست. خانواده‌ها با صحبت کردن در رابطه با این موضوع مخالفند.
مشاور، مخالفند.	مشاور، موردهایی مثل خودارضایی داشتیم و با اس ام اس در ارتباط بودم و عوارض آن را توضیح دادم و گفتم روی روح و جسم اثر می‌گذارد و خانواده‌ها اعتراض می‌کنند این مسائل را به نوجوانان و این مسائل را به طور غیرمستقیم نمی‌گویند و چند سالی است صندوق خالی است و راحت می‌گویند مثلاً ما دوست پسر داریم می‌خواهیم ازدواج کنیم خانواده‌ها اجازه نمی‌دهند چه کار کنیم؟ خانواده‌ها می‌گویند نوجوانان باید درس بخوانند و در رابطه با این مسائل با آن‌ها صحبت نشود.
مشاوران و معلمان دینی و عربی، مخالفند.	مشاوران و معلمان دینی و عربی. خانواده‌ها با مطرح کردن این مسائل با نوجوانان مخالفند.
مشاور، مخالفند.	مشاور ولی خیلی کم. خانواده‌ها با مطرح کردن این مسائل با نوجوانان مخالفند.



داده‌های حاصل از مصاحبه با اطلاع‌رسان‌ها در زمینه سوال سوم نشان داد که باید دوره‌هایی را برای آموزش به خانواده‌ها گذاشت و سپس برای آموزش به نوجوانان اقدام کرد زیرا بسیاری از والدین با مطرح کردن مسایل بلوغ و تربیت جنسی و مخالفند و به طور کلی در یک مقوله می‌توان طبقه‌بندی کرد:

۱- برنامه‌ریزی دوره‌های آموزشی برای والدین

جدول شماره ۳: مقولات مربوط به نحوه ورود والدین راجع به درک اهمیت مسائل بلوغ و تربیت جنسی

مقوله‌ها	نمونه اظهارات اطلاع‌رسان‌ها
آموزش خانواده‌ها	چون جو این‌گونه شده است و نوجوانان در این زمینه سوال می‌پرسند اگر دوره‌هایی گذاشته شود که بتوان مسائل را برای آن‌ها باز کنیم بهتر است و ما نمی‌توانیم در این زمینه پیشگیری کنیم و این موضوع به دبستان کشیده شده است یکی از بچه‌های همکارم که دوم متوسطه اول است می‌گفتند درباره تربیت و امور جنسی سوال می‌کند. باید ابتدا دوره‌هایی برای والدین گذاشته شود.
آموزش خانواده‌ها	بله زیرا اکنون آنقدر حجم اطلاعات زیاد است و از منابع مختلف به دست بچه‌ها می‌رسد و صحت و سقم آن‌ها مشخص نیست باید یک مرجع قانونی باشد تا اطلاعات صحیح را در اختیار نوجوانان قرار دهد و به فضای مجازی اعتمادی نیست. باید به خانواده‌ها درباره اهمیت آموزش بلوغ و تربیت جنسی به نوجوانان توضیح داد.
آموزش والدین	بله صد در صد متأسفانه بحث به جایی رسید که درد و دل ما باز شد سیستم آموزش خیلی بد شده است نوجوانان را تک‌بعدی آموزش می‌دهند و کتاب‌ها به صورت محفوظات شده است کتاب‌های سال دهم بسیار سخت است و انتخاب رشته نوجوانان به درستی انجام نمی‌شود و خیلی از مسائل خانوادگی که نوجوانان نباید وارد شوند وارد می‌شوند و اگر نوجوانان در مدرسه آموزش ببینند پس کجا آموزش ببینند. باید ابتدا والدین در این زمینه صحبت کنند.
آموزش والدین	کتابی اخیراً وارد شدند و در رابطه با روابط دختر و پسر قبل از ازدواج اس که مشاور باید آن را آموزش دهند اما خانواده‌ها باید با نوجوانان دوست باشند نوجوانان در محیط مدرسه سعی می‌کنند لو ندهند حتی موردی اتفاق افتاده است سعی می‌کنند همه بفهمند اما کادر مدرسه نفهمند و دوستان و خانواده‌ها هم ندانند و دوستان برای ما تعریف می‌کنند. خانواده‌ها باید ابتدا کلیات را توضیح دهند.
آموزش والدین	اگر آموزش و پرورش با حوزه‌های علمیه وارد شود و رای مدارس دخترانه و پسرانه جدا این را داشته باشد هفته‌ای یک روز باشد که با دانش‌آموزان ارتباط برقرار کنند و به نفر سومی به جز معلم و کادر اجرایی نیاز است. ابتدا باید به والدین آموزش داد.
آموزش والدین	قبل از آموزش به دانش‌آموزان باید به خانواده‌ها آموزش دهند و بعد به دانش‌آموزان آموزش دهند چون ساعت بیشتری با خانواده هستند و بد برخورد می‌کنند و آموزش را خراب می‌کنند شبکه‌های مجازی آموزش اشتباه می‌دهند چون با یک دید دیگر وارد رابطه می‌شوند و چون بعد می‌بینند آن‌چه در شبکه‌های مجازی دیده‌اند در زندگی واقعی نیست سمت یک نفر دیگر می‌روند و مشکلات دیگر به وجود می‌آید.
آموزش والدین	آموزش و پرورش باید اطلاعات بدهد اما ضعیف عمل می‌کند و وارد این مسائل نمی‌شوند اما بهتر است وارد شوند. باید ابتدا جلساتی را برای والدین گذاشت که با آموزش دادن بلوغ و تربیت جنسی به نوجوانان آشنا شوند.
آموزش والدین	باید وارد شوند اگر چیز علمی به نوجوانان آموزش داده شود خیلی بهتر است تا این‌که بدون پایه و اساس علمی یاد بگیرند کتاب‌های درسی داشته باشند کارگاه‌های علمی تشکیل دهند. ابتدا والدین در این زمینه آموزش ببینند.

بحث و نتیجه‌گیری

یافته‌های پژوهش نشان داد که نوجوانان اطلاعات در زمینه بلوغ و تربیت جنسی را از طریق شش گروه فضای مجازی، ماهواره، فرهنگ خانوادگی و گروه همسالان به دست می‌آورند و سوالات خود را در مدرسه در این زمینه از مشاور، مدیر، معلم دینی، معلم زیست و معلم عربی می‌پرسند و عکس‌العمل خانواده‌ها در رابطه با این موضوعات این است که اکثراً با مطرح کردن این مسائل با نوجوانان مخالفند و عده‌ای هم اطلاعات ناقص دارند و عده‌ای هم اصلاً اطلاعات در این زمینه ندارند و همچنین این نتیجه گرفته شد که ابتدا باید دوره‌های آموزشی برای خانواده‌ها برنامه‌ریزی کرد که با اهمیت مطرح کردن این مسائل با نوجوانان آشنا شوند و سپس آموزش‌هایی را برای نوجوانان ترتیب داد زیرا در صورت عدم رضایت والدین آموزش به نوجوانان اثر منفی دارد. نوجوان در دوره‌های زندگی می‌کند که می‌توان آن را دوره بی‌سروسامانی روانی نامید زیرا نه کودک است و نه کاملاً بزرگسال شده است. در این دوره نوجوان بین کودکی و بزرگسالی قرار گرفته و زیر فشار و



انتظارات قرار دارد و نمی‌داند باید چه کاری کند و این عدم اطمینان نسبت به نقش خود، موجب مشکلات عدیده‌ای برای نوجوان می‌شود و از سوی دیگر هم با بلوغ و تغییرات فیزیولوژیکی و روانشناختی روبرو می‌شوند و اطلاعات لازم هم در این باره ندارند و اکثر خانواده‌ها هم موضوعات بلوغ، تربیت جنسی را تابو می‌دانند و با نوجوانان مطرح نمی‌کنند این عدم اطلاع سلامت روانی آن‌ها را دچار اختلال می‌کند و تفاوت دیدگاه نوجوانان با والدین مسئله دیگری است که می‌تواند بر سلامت نوجوان تاثیر بگذارد به طوری که در رابطه با ازدواج نگرش متفاوتی دارند و امروزه سن ازدواج هم افزایش یافته است. با توجه به اینکه والدین منبع اصلی انتقال اطلاعات به نوجوانان هستند باید ویژگی‌های دوره نوجوانی را بدانند و آموزش ببینند زیرا بسیاری از آن‌ها اطلاعات خود را متناسب با زمان خود بدون توجه به اختلاف نسل به نوجوانان انتقال می‌دهند و متناسب با آن با نوجوانان برخورد کنند و اما مادران اطلاعات خود را منتقل می‌کنند. با وجود همه تحولات فرهنگی در رابطه با موضوع بلوغ و تربیت جنسی فرهنگ عرفی و خانواده‌ها به صورت خاموش برخورد می‌کنند و نقش آموزش‌های اجتماعی از درباره بلوغ از قبیل برگزاری جشن تکلیف، آموزش بلوغ، طرح نکات آموزشی و بهداشتی و رسانه‌ها دوجندان می‌شود.



منابع

- ۱- محمدجانی، ص؛ یارمحمدیان، م؛ کجیاف، م و قلتاش، ع (۱۳۹۵). الگوی برنامه درسی تربیت جنسی برای دوره نوجوانی براساس مبانی قرآن و روایت‌های معصومین، فصلنامه علمی - پژوهشی رهیافتی نو در مدیریت آموزشی، سال هفتم، شماره ۳.
- ۲- مستوفی، ن؛ گرماردی، غ؛ شمشیری، ا؛ شکیبازاده، ا (۱۳۹۵). "تاثیر آموزش گروهی بر آگاهی، نگرش و عملکرد مادران در تربیت جنسی دختران جوان"، مجله دانشکده بهداشت و انستیتو تحقیقات بهداشتی، دوره ۱۴، شماره سوم.
- ۴- یاری دهنوی، م؛ ابراهیمی شاه‌آبادی، ف (۱۳۹۵). "پدیدارشناسی تربیت جنسی از دیدگاه کارشناسان تربیتی در مدارس متوسطه شهر کرمان"، دو فصلنامه علمی - ترویجی علوم تربیتی از دیدگاه اسلام، سال چهارم، شماره ۷.
- ۵- رباحی، م و علیزاده، ت (۱۳۹۲). شناسایی تاثیرات یادگیری اجتماعی در خانواده بر میزان مهارت‌های پیش از ازدواج، نشریه زن در توسعه و سیاست، دوره ۱۱، شماره ۴.
- ۶- بلندهمتان، ک (۱۳۹۳). "بازنمایی تجربه زیسته والدین از چگونگی آموزش اخلاق جنسی به فرزندان خود"، فصلنامه مشاوره و روان‌درمانی خانواده، سال چهارم، شماره ۴.



رابطه بین طرحواره‌های ناسازگار اولیه و خودکارآمدی والدگری مادران شاغل در شهر یزد

فهیمة دهقانی؛ دکتری روانشناسی، استادیار گروه روانشناسی، دانشگاه یزد

f.dehghani@yazd.ac.ir

ملیحه زارع؛ کارشناسی روانشناسی، دانشگاه یزد

فاطمه مصدق؛ کارشناسی روانشناسی، دانشگاه یزد

چکیده

زمینه مساله: احساس کارآمدی در زمینه والدگری یکی از متغیرهای اثرگذار بر سلامت روان مادران و فرزندان آنها می باشد که عوامل مختلفی در ایجاد آن نقش دارد. هدف: پژوهش حاضر با هدف بررسی رابطه بین طرحواره‌های ناسازگار اولیه و خودکارآمدی والدگری در مادران شاغل می باشد. روش: روش پژوهش حاضر توصیفی و از نوع همبستگی است. جامعه آماری پژوهش شامل مادران شاغل در شهر یزد می باشند که تعداد ۱۰۰ نفر بصورت دردسترس و به عنوان نمونه انتخاب گردیدند و به پرسشنامه‌های طرحواره‌های ناسازگار اولیه یانگ و خودکارآمدی والدگری دوماکا پاسخ دادند. تجزیه و تحلیل داده‌ها با استفاده از آزمون همبستگی پیرسون و تحلیل رگرسیون چندگانه انجام گرفت. یافته‌ها: نتایج آزمون همبستگی نشان داد که بین طرحواره‌های ناسازگار اولیه محرومیت هیجانی، رهاشدگی/بی‌ثباتی، بی‌اعتمادی/بدرفتاری، انزوای اجتماعی/بیگانگی، نقص/شرم، شکست، وابستگی/بیکفایتی، گرفتاری، اطاعت، بازداری هیجانی، معیارهای سرسختانه و خودانضباطی ناکافی و خودکارآمدی والدگری رابطه منفی و معنادار وجود دارد. نتایج تحلیل رگرسیون نشان داد از بین طرحواره‌ها، تنها طرحواره شکست قادر به پیش بینی خودکارآمدی والدگری می باشد. نتیجه‌گیری: براساس یافته پژوهش به نظر می رسد فعال شدن طرحواره شکست منجر به باور فرد به شکست خورده بودن و گریزناپذیر بودن شکست در زمینه والدگری می شود و در نتیجه احساس خودکارآمدی والدگری را در مادران کاهش می دهد.

واژه‌های کلیدی: طرحواره‌های ناسازگار اولیه، خودکارآمدی والدگری، مادران شاغل

مقدمه

خانواده نخستین نهاد اجتماعی است که تأمین کننده نیازهای روانی و جسمانی فرد است. عملکرد خانواده و شیوه تربیت آن‌ها می تواند در رشد بهنجار و نابهنجار فرزندان نقش داشته باشد. شیوه‌هایی که والدین در تربیت فرزندان خود به کار می گیرند، نقش اساسی در تأمین سلامت روانی فرزندان آن‌ها دارد. یکی از تغییرات مهم در زندگی امروزی، افزایش تعداد مادران شاغل در بیرون از منزل است. کار مادر بیرون از خانه عاملی است که بر خانواده، رفتار کودکان و سبک تربیتی فرزندان تأثیر مهمی دارد (حجتی نیا، ۱۳۹۵). سبک‌های والدگری یکی از مؤلفه‌های اساسی در رشد و تربیت فرزندان است و اغلب ارتباط با مهمترین دستاوردهای فرزندان مانند توانایی‌های شناختی و اجتماعی آن‌ها دارد و زمینه‌ساز بسیاری از ابعاد شخصیتی، نگرش‌ها، احساسات و عادات افراد می باشد (دسجردنس^۱ و همکاران، ۲۰۰۸).

خودکارآمدی والدگری، یک ساختار شناختی مهم در ارتباط با عملکرد والدین است و به ارزیابی والدین نسبت به توانایی‌شان در ایفای نقش خود به عنوان مادر یا پدر گفته می شود (کوهن و کارتر^۱، ۲۰۰۶). در واقع خودکارآمدی والدگری به این موضوع اشاره دارد که والدین چقدر نسبت به اداره کردن مشکلات کودکانشان اعتماد به نفس دارند. سطوح پایین خودکارآمدی والدینی اغلب منجر به پافشاری ضعیف، افسردگی و کاهش رضایت در نقش والدگری می شود (جانسون و ماش، ۱۹۸۹ به نقل از اسکندری و همکاران، ۱۳۹۵).

احساس کارآمدی، سازه پیچیده‌ای است که تحت تأثیر عوامل مختلفی قرار می گیرد. یکی از این عوامل فرآیندهای شناختی است که به عنوان بخشی از آسیب‌شناسی روانی می تواند موجب انتظارات و ادراکات نادرستی گردد که فرد از کارآمدی خود دارد (پاجاریز^۱، ۲۰۰۲). مدل



شناختی در تبیین اختلالات روان‌شناختی به اثر طرحواره‌های ناکارآمد اولیه در شکل‌گیری علائم آسیب‌شناسی روانی اشاره دارد. طرحواره‌های ناکارآمد اولیه، الگوهای شناختی و هیجانی خودویرانگری هستند، که از اوایل رشد و تحول فرد آغاز و در طول زندگی فرد تکرار می‌شوند (محمدیگی و همکاران، ۱۳۹۱). این طرحواره‌ها در زندگی فرد به‌عنوان عدسی‌هایی عمل می‌کنند که تفسیر، انتخاب و ارزیابی فرد از تجارب وی را شکل می‌دهند.

یانگ و همکاران طرحواره‌های ناکارآمد اولیه را در ۵ زمینه اصلی مطرح ساختند، اولین حیطة، ۱- قطع ارتباط/ طرد (تفکر و انتظار فرد از امنیت، آسایش، مهرورزی، همدلی و تبادل احساسات در یک حالت قابل پیش‌بینی قرار ندارد) می‌باشد که شامل طرحواره‌های طرد- تهایی (باوری که فرد معتقد است افراد مهم در زندگی او را ترک خواهند کرد)؛ طرحواره مورد سوءاستفاده قرار گرفتن (باوری که فرد معتقد است که دیگران به او دروغ خواهند گفت و از وی سود و منفعت کسب می‌کنند)؛ طرحواره محرومیت هیجانی- بدرفتاری (احساسی که فرد معتقد است از حمایت هیجانی مناسب برخوردار نیست)؛ طرحواره نقص شرم (باور فرد به این که دارای عیب و ایراد بوده یا بی‌ارزش است)؛ طرحواره انزوای اجتماعی- بیگانگی (احساس جدایی از دیگران)؛ ۲- دومین حیطة ناتوانی در استقلال داشتن (باور فرد بر این که دیگران و محیط موانعی را بر رسیدن وی به استقلال و عملکرد موفقیت‌آمیز ایجاد کرده است) می‌باشد که شامل طرحواره‌های وابستگی- بی‌کفایتی (این احساس که فرد قادر به مراقبت از خود نیست)؛ طرحواره آسیب‌پذیری نسبت به گزند یا بیماری (باور به این که فاجعه‌ای قریب‌الوقوع روی خواهد داد)؛ طرحواره گرفتاری- خود تحول نیافته (آمیختگی هویت با فرد مهم در زندگی)؛ طرحواره شکست (باور فرد به این که در مقایسه با دیگران نالایق است)؛ ۳- سومین حیطة، حدهای نامشخص می‌باشد (مسئولیت‌پذیری نسبت به دیگران و اهداف طولانی مدت و کنترل آن‌ها) می‌باشد که شامل طرحواره استحقاق- بزرگ‌منشی (باور فرد به این که در مقایسه با دیگران فوق‌العاده و سزاوارتر است)؛ طرحواره خویشنداری و خود انضباطی ناکافی (باور به این که فرد در مهار هیجانانگیز و تکانه‌ها ناتوان است)؛ ۴- حیطة تمرکز بر خواسته‌های دیگران است (تمرکز بسیار بر خواسته‌ها و احساسات دیگران تا بتواند فرد دوست داشتن و توجه دیران را جلب کند) که شامل طرحواره مطیع سازی/اطلاعت (باور فرد به این که نیازهای خود فرد نسبت به دیگران از اهمیت پایین‌تری برخوردار است)؛ طرحواره ایثار (تمرکز بر رفع نیازهای دیگران و هزینه کردن از طرف خود)؛ می‌باشد و در آخر ۵- حیطة بازداری بسیار و خودآگاهی بالا که شامل طرحواره‌های بازداری هیجانی (ممانعت ابراز هیجان)؛ طرحواره معیارهای سرسختانه- عیب‌جویی افراطی (تمایل کمال‌گرایانه برای موفقیت)، طرحواره خود انتقاد گری (این باور که برای اشتباهات باید حکم به تنبیه داد) می‌باشد (به نقل از دمهری و همکاران، ۱۳۹۴).

طرحواره‌ها موجب سوگیری در تفسیرهای ما از رویدادها می‌شوند و این سوگیری‌ها در آسیب‌شناسی روانی میان فردی به صورت سوءتفاهم‌ها، نگرش‌های تحریف‌شده، گمانه‌های نادرست، هدف و چشم‌داشت‌های غیرواقع بینانه خود را نشان می‌دهند. لذا می‌توان بین طرحواره‌های ناسازگار اولیه به عنوان بخش زیرین و شناخت‌های افراد که اغلب در دوره‌های تحولی رشد شکل گرفته‌اند، با انتظارات افراد از میزان خودکارآمدی رابطه برقرار نمود. بنابراین مادرانی که از طرح واره های ناسازگار اولیه برخوردار باشند، در زمینه تربیت فرزند از خودکارآمدی والدگری نامناسبی نیز برخوردار می‌شوند. بنابراین پژوهش حاضر بر آن است تا به بررسی رابطه بین طرح واره های ناسازگار اولیه و خودکارآمدی والدگری در بین مادران شاغل در شهر یزد بپردازد و تعیین کند که کدامیک از طرحواره‌ها قادر به پیش‌بینی بهتر خودکارآمدی والدگری خواهد بود.

روش

طرح پژوهش حاضر، توصیفی از نوع همبستگی می‌باشد. جامعه آماری این پژوهش کلیه زنان شاغل در شهر یزد می‌باشد. از این بین ۱۰۰ نفر به شیوه در دسترس انتخاب شدند. پس از توضیحات لازم در مورد اهداف پژوهش و در صورت تمایل افراد، پرسشنامه طرحواره یانگ (فرم کوتاه) و پرسشنامه خودکارآمدی والدگری دومکا در مورد آن‌ها اجرا شد.



ابزار پژوهش

پرسشنامه طرحواره‌ها توسط یانگ و براون (۱۹۹۴) برای اندازه‌گیری طرحواره‌های ناسازگار اولیه ساخته شده است. فرم کوتاه پرسشنامه طرح‌واره ی یانگ ۷۵ سؤال دارد که بر روی مقیاس ۶ درجه‌ای (کاملاً درست تا کاملاً غلط) نمره‌گذاری می‌شود و برای ارزیابی ۱۵ طرحواره ناسازگار اولیه ساخته شده است که هر ۵ سؤال یک طرحواره را می‌سنجد. آهی و همکاران (۱۳۸۶) ساختار عاملی و روایی سازه این پرسشنامه را تایید کرده‌اند. همچنین یوسفی (۱۳۸۹) ضریب پایایی پرسشنامه را از طریق آلفای کرونباخ ۰/۸۸ بدست آورد. این ضریب برای حوزه‌های طرحواره در دامنه‌ای بین ۰/۵۵ تا ۰/۸۹ قرار داشت.

پرسشنامه خودکارآمدی والدگری دومکا (PSAM): پرسشنامه خودکارآمدی والدگری توسط دومکا و همکارانش معرفی شده است. این پرسشنامه شامل ۱۰ سوال است و پاسخ به این پرسشنامه طبق طیف لیکرت هفت درجه‌ای از ۱ تا ۷ امتیازبندی می‌شود. پایایی این پرسشنامه با استفاده از ضریب آلفای کرونباخ ۰/۵۴ گزارش شده است (ابارشی و همکاران، ۱۳۸۸).

یافته‌ها

میانگین و انحراف معیار نمرات طرحواره‌های ناسازگار اولیه و خودکارآمدی والدگری در جدول ۱ نشان داده شده است.

جدول ۱: میانگین و انحراف استاندارد متغیرهای پژوهش و همبستگی طرحواره‌های ناسازگار اولیه با خودکارآمدی والدگری

متغیر	میانگین	انحراف استاندارد	همبستگی با خودکارآمدی والدگری
محرومیت هیجانی	۱۱/۶۹	۵/۷۹	-.۰/۲۷ **
رهاشدگی/بی‌ثباتی	۱۳/۳۸	۵/۷۸	-.۰/۲۴ *
بی‌اعتمادی/بدرفتاری	۹/۶۱	۴/۳۳	-.۰/۲۱ *
انزوای اجتماعی/بیگانگی	۸/۲۵	۴/۶۱	-.۰/۲۴ *
نقص/شرم	۷/۵۶	۴/۰۵	-.۰/۳۳ **
شکست	۸/۲۱	۳/۹۹	-.۰/۳۷ **
وابستگی/بی‌کفایتی	۷/۷۸	۴/۱۱	-.۰/۲۶ **
آسیب‌پذیری	۱۰/۱۵	۵/۵۴	-.۰/۱۷
گرفتاری	۹/۱۸	۴/۹۱	-.۰/۲۴ *
اطاعت	۱۰/۶۰	۵/۴۰	-.۰/۲۶ **
ایثارگری	۱۷/۲۸	۵/۷۶	-.۰/۱۶
بازداری هیجانی	۱۰/۷۰	۵/۰۷	-.۰/۳۴ **
معیارهای سرسختانه	۱۶/۲۲	۵/۵۲	-.۰/۲ *
استحقاق	۱۲/۸۷	۴/۸۴	-.۰/۱۱
خودانضباطی ناکافی	۱۱/۵۲	۴/۵۲	-.۰/۲۵ *
خودکارآمدی والدگری	۴۷/۹۳	۸/۹۷	-

$p < .001$ **; $p < .05$ *

همان‌گونه که جدول شماره ۱ نشان می‌دهد از بین طرحواره‌های ناسازگار اولیه طرحواره‌های ایثارگری و معیارهای سرسختانه دارای بالاترین میانگین به ترتیب برابر با ۱۷/۲۸ و ۱۶/۲۲ هستند. میانگین نمرات خودکارآمدی والدگری برابر با ۴۷/۹۳ بود. همچنین نتایج آزمون همبستگی نشان داد که بین خودکارآمدی والدگری و طرحواره‌های ناسازگار اولیه محرومیت هیجانی، رهاشدگی/بی‌ثباتی، بی‌اعتمادی/بدرفتاری، انزوای اجتماعی/بیگانگی، نقص/شرم، شکست، وابستگی/بی‌کفایتی، گرفتاری، اطاعت، بازداری هیجانی، معیارهای سرسختانه و خودانضباطی ناکافی رابطه منفی و معنادار وجود دارد.

جهت بررسی نقش پیش‌بینی کننده طرحواره‌های ناسازگار اولیه از روش تحلیل رگرسیون به صورت همزمان استفاده شد. نتایج تحلیل رگرسیون در جدول ۲ ارائه شده است.

جدول ۲: رگرسیون چند متغیره طرحواره‌های ناسازگار اولیه بر خودکارآمدی والدگری

متغیرهای پیش‌بین	ضریب b	بتا	p-value	R	R ²	F	p-value
محرومیت هیجانی	-۰/۱۸	-۰/۱۱	۰/۳۳	۰/۴۸	۰/۲۳	۲/۱۶	۰/۰۱۲
رهاشدگی/بی‌ثباتی	-۰/۱۳	-۰/۰۸	۰/۵				
بی‌اعتمادی/بدرفتاری	۰/۱	-۰/۰۵	۰/۷۵				
انزوای اجتماعی/بیگانگی	۰/۴۵	۰/۲۳	۰/۲۶				
نقص/شرم	-۰/۶۲	-۰/۲۸	۰/۱۹				
شکست	-۰/۸۱	-۰/۳۶	۰/۰۴				
وابستگی/بی‌کفایتی	۰/۵۱	-۰/۲۳	۰/۱۹				
گرفتاری	-۰/۰۷	-۰/۰۴	۰/۸۱				
اطاعت	۰/۰۸	-۰/۰۵	۰/۷۸				
بازداری هیجانی	-۰/۳۹	-۰/۱۷	۰/۱۸				
معیارهای سرسختانه	-۰/۱۷	-۰/۱	۰/۴				
خودانضباطی ناکافی	-۰/۰۵	-۰/۰۲	۰/۸۵				

مقادیر برآورد شده در جدول ۲ نشان‌دهنده این است که طرحواره‌ها ۲۳ درصد از تغییرات متغیر خودکارآمدی والدگری را پیش‌بینی می‌کنند. همانگونه که نتایج تحلیل رگرسیون نشان داد از بین طرحواره‌ها، تنها طرحواره شکست قادر به پیش‌بینی خودکارآمدی والدگری می‌باشد. با توجه به منفی بودن ضریب بتا، این رابطه به صورت معکوس وجود دارد یعنی با افزایش میانگین طرحواره شکست، نمرات خودکارآمدی والدگری کاهش می‌یابد.

بحث و نتیجه‌گیری

براساس نتایج پژوهش حاضر بین بسیاری از طرحواره‌های ناسازگار اولیه و خودکارآمدی والدگری رابطه وجود دارد و از میان طرحواره‌ها، طرحواره شکست قادر به پیش‌بینی خودکارآمدی والدگری در مادران شاغل می‌باشد. اگرچه پژوهش مستقیمی که بتوان یافته‌های حاضر را با آن مقایسه کرد وجود ندارد ولی نتایج بدست آمده به صورت غیرمستقیم هماهنگ با یافته‌های فارو و بلیست^۱ (۲۰۰۷)، سرخوش و جاویدی (۱۳۹۴) و سعادت و همکاران (۱۳۹۶) است. مطالعه فارو و بلیست (۲۰۰۷) نشان داد که باورهای هسته‌ای ناکارآمد پیش‌بینی کننده عزت‌نفس مادران در زمینه والدگری است.

سرخوش و جاویدی (۱۳۹۴) در مطالعه خود که به پیش‌بینی خودکارآمدی بر اساس طرحواره‌های ناسازگار اولیه در دانشجویان پرداختند نشان دادند، یکی از حوزه‌هایی پیش‌بینی کننده خودکارآمدی حوزه خودگردانی و عملکرد مختل می‌باشد که طرحواره شکست نیز جزء این حوزه قرار دارد. همچنین مطالعه سعادت و همکاران (۱۳۹۶) نشان داد که آموزش والدگری بر پایه پیشگیری از شکل‌گیری طرحواره‌های ناسازگار اولیه باعث افزایش خودکارآمدی مادران می‌شود. اما در پژوهش کورت و لانتوت^۱ (۲۰۱۷) که در زمینه خودکارآمدی والدگری مادران جوان انجام شد نتایج نشان داد از بین طرحواره‌ها تنها طرحواره انزوای اجتماعی/بیگانگی دارای ارتباط معنادار است.

در تبیین نتیجه به دست آمده چنین می‌توان بیان کرد افرادی که دارای طرحواره شکست هستند، دارای این باور هستند که نسبت به اطرافیان خود در حوزه‌های مختلف شکست‌خورده‌اند. آن‌ها احساس می‌کنند در مقایسه با دیگران واقعاً بی‌کفایتند. این افراد برای توانایی‌ها و مهارت‌هایشان ارزش قائل نمی‌شوند و خطاها و نقطه ضعف‌های خودشان را پررنگ جلوه می‌دهند. از این رو بدیهی خواهد بود، فرد دارای چنین باورهایی حتی در حوزه تربیت فرزند نیز احساس ناکارآمدی داشته باشد. از آنجایی که خودکارآمدی والدگری سازه‌ای شناختی است و شامل ارزیابی خود فرد از توانایی‌هایش می‌باشد، فرد دارای طرحواره شکست بر این باور است که مانند سایر حوزه‌ها در زمینه تربیت فرزند



دومین همایش ملی جایگاه و نقش مادر

2nd National Conference on the Status and the Role of Mother

به‌طور غیرقابل اجتنابی شکست خواهد خورد. پژوهش حاضر دارای محدودیت‌هایی بود. از جمله اینکه نمونه حاضر هرچند از تعداد قابل قبولی برخوردار می‌باشد اما نتایج به صورت تفکیک مشاغل مادران بررسی نشد. همچنین نتایج آن قابل تعمیم به جمعیت مادران خانه‌دار نیست. پیشنهاد می‌گردد این مطالعه در سایر شهرها انجام گیرد تا نقش احتمالی فرهنگ نیز بررسی شود. از سوی دیگر با توجه به نقش حساس پدران در تربیت فرزندان و اثرگذاری حمایت آن‌ها بر مادران خصوصاً مادران شاغل پیشنهاد می‌گردد در پژوهش‌های بعدی نقش این متغیر بر میزان احساس خودکارآمدی والدگری نیز بررسی شود.



منابع

ابارشی، زهره. طهماسیان، کارینه. مظاهری، محمد علی. پناغی، لیلی. (۱۳۸۸). تأثیر آموزش برنامه ارتقای رشد روانی- اجتماعی کودک از طریق بهبود تعامل مادر- کودک بر خود اترمندی والدگری و رابطه مادر و کودک زیر سه سال. فصلنامه پژوهش در سلامت روانشناختی. ۳ (۳): ۴۹-۵۸.

اسکندری، بهاره. پوراعتماد، حمیدرضا. حبیبی عسگرآباد، مجتبی. مظاهری تهرانی، محمد علی. (۱۳۹۵). اثربخشی مداخله سبک‌های پردازش حسی بر افزایش خودکارآمدی والدگری و رابطه والد-کودک در کودکان با اختلال طیف اتیسم. تعلیم و تربیت استثنایی. ۱ (۱۳۸): ۱۴-۲۱
حجتی نیا، فاطمه. (۱۳۹۵). مقایسه اضطراب، افسردگی و پیشرفت تحصیلی کودکان ۹-۱۱ سال دارای مادران شاغل و خانه دار. پایان نامه کارشناسی ارشد. دانشگاه آزاد اسلامی واحد شاهرود.

دمهری، فرنگیس. مولی، گیتا. احمدی، وحید. (۱۳۹۴). بررسی همبستگی بین طرحواره ناکارآمد اولیه، خود پنداره و مشکلات رفتاری نوجوانان نابینا و نوجوانان ناشنوا شهر یزد، مجله علمی دانشگاه علوم پزشکی ایلام. ۲۳ (۴): ۲۰۱-۱۹۱.

سرخوش، آنیثا. جاویدی، حجت الله. (۱۳۹۴). پیش بینی خودکارآمدی بر اساس طرحواره‌های ناسازگار اولیه. دومین همایش علمی پژوهشی علوم تربیتی و روانشناسی آسیب های اجتماعی و فرهنگی ایران، قم، مرکز مطالعات و تحقیقات اسلامی سروش حکمت مرتضوی.

محمد بیگی، علی. بختیاری، مریم. محمد خانی، شهرام. صادقی، زهره. (۱۳۹۱). بررسی رابطه‌ی بین طرح واره های ناکار آمد با اهمال کاری و سلامت روان دانشجویان پزشکی و غیر پزشکی دانشگاه علوم پزشکی شهید بهشتی. مجله دانشگاه علوم پزشکی مازندران. ۲۲ (۹۷): ۲۶-۳۴.

Couvrette, A., & Lanctôt, N. (۲۰۱۷). Between parental efficacy and parental distress: how early maladaptive schemas contribute to the motherhood experience of young mothers who have aged out of care. *Adoption & Fostering*. ۴۱(۲): ۱۷۰-۱۸۷.

Desjardins, J., Zelenski, J. M., & Coplan, R. J. (۲۰۰۸). An investigation of maternal personality, parenting styles, and subjective well-being. *Personality and Individual Differences*, ۴۴(۳), ۵۸۷-۵۹۷.

Farrow, C., & Blissett, J. (۲۰۰۷). The development of maternal self esteem. *Infant mental health journal*, ۲۸(۵), ۵۱۷-۵۳۵.

Kuhn, J., & Carter, A. (۲۰۰۶). Maternal self-efficacy and associated parenting cognitions among mothers of children with autism. *American Journal of Orthopsychiatry*, ۷۶(۴), ۵۶۴-۷۵.

Pajares, F. (۲۰۰۲). Gender and perceived self-efficacy in self-regulated learning. *Theory into practice*, ۴۱(۲), ۱۱۶-۱۲۵.



تحلیل محتوای کتاب های درسی دوره ی دبستان کشور جمهوری اسلامی ایران از منظر توجه به منزلت نقش مادر

محدثه شفیعی پور؛ دانشجوی کارشناسی ارشد روانشناسی و آموزش و پرورش کودکان استثنایی دانشگاه تهران

shafipoorm@ut.ac.ir

معظمه سرفرازی؛ دانشجوی کارشناسی ارشد روانشناسی و آموزش و پرورش کودکان استثنایی دانشگاه تهران

moazzamehr@yahoo.com

چکیده

مسأله: بی شک مادر از هر جهت مقام ارجمند و والایی دارد و همگان گرمی داشتن وی را ضروری و ارزش می دانند. این ارزش ابتدا در خانواده شکل می گیرد. پس از خانواده، مدرسه به عنوان رکن اصلی تعلیم و تربیت رسمی، مهم ترین نقش را در تثبیت باورهای افراد بر عهده دارد و باید در ارتباطی سازنده با نهاد خانواده، ارزش هایی نظیر توجه به منزلت مادر را در دانش آموزان نهادینه سازد. بخش اعظمی از این ارزش ها در نظام آموزش و پرورش متمرکز کشور ایران، عمدتاً توسط کتب درسی انتقال می یابند. هدف: هدف از پژوهش حاضر تحلیل محتوای کتاب های درسی دوره ی دبستان بر مبنای مولفه های توجه به منزلت و شأن مادر است. روش پژوهش توصیفی، از نوع تحلیل محتوا و جامعه آماری پژوهش کتاب های درسی دوره دبستان است. مؤلفه های مورد بررسی نقش مادر، ارزش جایگاه مادر، ارج نهادن بر منزلت مادر و تحلیل مضامین می باشد. یافته ها: در کتب درسی دوره دبستان توجه بیشتری به نقش عاطفی مادر و وظایف وی در خانواده معطوف شده است و مسائلی مانند ارزشمندی جایگاه وی و احترام به او تنها در مواردی محدود در برخی پایه ها، به صورت تلویحی در کنار مضامین دیگر عنوان شده است. نتیجه گیری: با توجه به یافته های پژوهش، لزوم بازنمایی تصویر مادر به عنوان جایگاهی ارزشی و طرح مسائلی چون وظایف فرزندان در قبال وی و اهمیت توجه و ارج نهادن به مادر در تمامی کتب درسی دوره ی دبستان احساس می شود.

واژه های کلیدی: جایگاه مادر، نقش مادری، دوره ی دبستان، کتاب های درسی

مقدمه

نقش مادر در مفهوم مادری کردن از چنان اهمیت ب ی نظیری برخوردار است که می توان به عنوان پایه ی اصلی خانواده و جامعه از آن یاد کرد. نظام جمهوری اسلامی ایران برای تحقق هدف های انقلاب اسلامی و تداوم آن ناگزیر است به اهمیت جایگاه مادر و نقش های مادران توجه کند (به پژوه، ۱۳۹۵، ص ۱۲).

هر چند همه ادیان الهی مقام ارزشمندی برای مادر قائلند و به او احترام می گذارند، ولی اسلام بیش از دیگر مکاتب به این مسئله توجه نموده و به مادر عظمت بخشیده است. حقوقی را که اسلام برای مادران مشخص کرده، بسیار فراتر از حقوقی است که برای دیگران حتی پدر قایل شده است؛ چرا که مادر مربی انسان و در حقیقت پرورش دهنده جامعه است و اوست که می تواند فرد و جامعه را به سعادت برساند و یا به شقاوت و بدبختی بکشاند (احسانی، ۱۳۸۵، ص ۳۱).

با توجه به اینکه بخش مهمی از ارزش ها در مدرسه در افراد یک جامعه نهادینه می شوند، توجه به جایگاه مادر و ارزش او از جمله ارزش هایی است که مدرسه در تقویت آن نقش مهمی ایفا می کند. نظام آموزش و پرورش کشور جمهوری اسلامی ایران بر پایه ی سند تحول بنیادین و برنامه ی درسی ملی دروس فعالیت می کند. در سند تحول بنیادین به آموزش وظایف فرزندی از جمله نیکی و احسان به والدین



اشاره شده است، نیکی و احسانی که از الزامات رسیدن به حیات طیبه است که هدف غایی آموزش و پرورش می باشد. به همین علت لازم است تا در کتب درسی که محتوای اصلی آموزشی در نظام آموزشی متمرکز کشور ماست به ارزش و جایگاه مادر توجه ویژه ای شود. به همین علت در این پژوهش با تحلیل کتب درسی سعی شده تا میزان موفقیت کتب درسی در پوشش دادن این موضوع مشخص گردد.

مادر در سند تحول بنیادین و برنامه درسی ملی

نقش مادر و زن به طور عام، مهم ترین رکن زنده کننده روح رأفت و ایثار و برپادارنده استواری و محوریت خانواده است. اگر چه پدرعهده دار کادر اجرایی و اداری جامعه کوچک یعنی خانواده است، لیکن اساس خانواده که بر مهر و وفا و پیوند پی ریزی شده بر عهده مادر است. امام سجاد (ع) در رساله حقوق که لزوم رعایت حقوق ارحام را به مقدار پیوستگی و قرابت نسبت به رحم بیان فرموده است، اولین حق را در نظام خانوادگی به مادر داده، آنگاه از حق پدرسخن به میان آورده است (نجفی و احمدی، ۱۳۹۱).

با توجه به اهمیت نقش مادر در خانواده انتظار می رود در سند تحول بنیادین و برنامه درسی ملی که از اسناد اصلی آموزش و پرورش هستند و تمام ارکان نظام آموزش و پرورش ما مبنی بر آن هاست به این موضوع توجه ویژه شده باشد. متأسفانه با توجه به تحقیقات پیشین می توان نتیجه گرفت که در سند تحول بنیادین و برنامه درسی بیش از جایگاه خانواده و اعضای آن و حقوق آن ها به وظایفشان توجه شده است. پژوهش نجفی و احمدی (۱۳۹۱) نتیجه گیری شده است که آن گونه که شایسته و بایسته است به خانواده به مثابه یک نهاد بنیادین و مرکز تربیت نسل و انتقال ارزش های اخلاقی و تربیتی در بخش های نظری سند و اصل سند تحول بنیادین توجه کافی نشده و راهکارهای اجرایی برای ایفای نقش و مشارکت در امور تحصیلی و تربیتی فرزندان ارائه نشده است. تضعیف این جایگاه و سپردن نقش تربیت به دولت و مدرسه ممکن است زمینه ساز بسیاری از ناهنجاری های جامعه در زمینه اخلاق و رفتارهای اجتماعی باشد. در پژوهش حیدری و همکاران (۱۳۹۵) نیز نتیجه گیری شده که در سند تحول بنیادین خانواده به عنوان مرکز تربیت مورد توجه کافی قرار نگرفته است. لذا جایگاه حساس خانواده نسبت به دیگر نهادها اجتماعی بیشتر باید مدنظر برنامه ریزان و سیاست گذاران آموزشی باشد.

طبق پژوهش مظاهری و همکاران (۱۳۹۶) گزاره ی مربوط به نقش مادر در برنامه درسی ملی، سند تحول بنیادین و مبانی نظری سند تحول بنیادین، تنها یک مورد و در مبانی نظری سند تحول بنیادین است: در تربیت رسمی عمومی، صرف نظر از تاکید بر شایستگی های پایه (عواملی که به تقویت نهاد خانواده می انجامد و از لوازم استحکام خانواده محسوب می شود)، به نقش های جنسیتی مانند نقش پدری و نقش مادری نیز توجه جدی می شود.

در مقابل در نتیجه ی تحقیق مرادی (۱۳۹۱) آمده است که سند برنامه درسی ملی مبتنی بر آموزه های دینی و ارزشی بوده و مطابق نیازها و شرایط روز تدوین شده است. در این سند در تعلیم و تربیت مشارکت خانواده ها و تعامل فعال و اثرگذار منسجم آنها برای دستیابی به عنوان یک اصل مهم تلقی شده است در این خانواده به عنوان رکن رکن اثر گذاری در شخصیت فرزندان و دانش آموزان از ارکان مهم سند تحول بنیادین آموزش و پرورش است. آموزش خانواده تقویت بنیان خانواده و تلاش در جهت افزایش آگاهی و توانایی خانواده همسو با اهداف نظام تعلیم و تربیت رسمی عمومی کشور در سند مذکور تاکید شده است.

تعداد مطالعاتی که به جایگاه و نقش خانواده در اسناد آموزش و پرورش پرداخته اند بسیار محدود است. همچنین لازم به ذکر است تا کنون مطالعه ای در خصوص توجه به نقش مادر در کتب درسی انجام نشده است.

روش

روش پژوهش توصیفی، از نوع تحلیل محتوا و جامعه آماری پژوهش کتاب های درسی دوره دبستان است. مؤلفه های مورد بررسی نقش مادر، ارزش جایگاه مادر، ارج نهادن بر منزلت مادر و تحلیل مضامین می باشد. برای این کار محتوای کتب درسی ۶ پایه ی دبستان به صورت جداگانه مورد بررسی قرار گرفت.



با توجه به بررسی های انجام شده از تحلیل محتوای کتب درسی نتایج زیر به دست آمد:

جدول ۱ - فراوانی مفاهیم مربوط به هر کدام از مولفه ها در کتاب های دبستان

پایه	نقش مادر	ارزش جایگاه مادر	ارج نهادن بر منزلت مادر
اول	۳۰	۶	۱۱
دوم	۱۱	۵	۴
سوم	۲۰	۷	۱۱
چهارم	۳	۲	۲
پنجم	۳	-	۱
ششم	۲	-	۱

در کتب درسی دوره دبستان توجه بیشتری به نقش عاطفی مادر و وظایف وی در خانواده معطوف شده است و مسائلی مانند ارزشمندی جایگاه وی و احترام به او تنها در مواردی محدود در برخی پایه ها، به صورت تلویحی در کنار مضامین دیگر عنوان شده است.

در پایه ی اول به خصوص در کتاب فارسی خوانداری در قالب نگاره ها ، کلید واژه ها و تصاویر و شعرهایی چون مهربان تر از مادر به نقش مادر توجه شده است. همچنین ارج نهادن بر منزلت مادر نیز در کتاب فارسی و قرآن مورد توجه قرار گرفته است . در این میان توجه به ارزش جایگاه مادر کمتر به چشم می خورد و بیشتر در کتاب قرآن دیده می شود.

در کتاب دوم توجه به مادر نسبت به پایه ی اول کمتر شده و بیشتر در کتاب هدیه های آسمان به چشم می خورد . در کتاب های علوم و ریاضی این پایه اشاره ای به نقش ، ارزش و ارج نهادن بر منزلت مادر نشده است. بیشترین موارد نیز مربوط به نقش های مادری در قالب متن های درس هدیه های آسمان و فارسی است.

در پایه سوم ، تعداد موارد مربوط به نقش و جایگاه مادر با توجه به وجود فصل خانواده در کتاب مطالعات اجتماعی نسبت به پایه ی قبل افزایش یافته است. در این پایه نیز بیشتر توجه ها بر نقش های گوناگون مادر می باشد و پس از آن ارج نهادن بر منزلت مادر در جایگاه بعدی قرار دارد. در این پایه در کتاب های فارسی، ریاضی و علوم به اشاره ای به موارد مربوط به نقش ، ارزش و ارجمندی جایگاه مادر نشده است.

در پایه ی چهارم با افتی چشمگیر در دو مورد به مضامین مربوط به مادر اشاره شده است. در کتاب فارسی بخوانیم پایه چهارم ابتدایی در شعر « ستایش خدا» که در آن کودک از مادر درمورد وجود خدا سوال هایی را می پرسد و مادر او را راهنمایی کرده و به سوالات او پاسخ می دهد با توجه به اینکه موضوع اصلی این شعر در مورد خدا است و با راهنمایی مادر کودک به شناخت خدا میرسد تصویر مناسبی برای این شعر در نظر گرفته شده است که تلفیقی از جهان آفرینش با حضور مادر و فرزند است. همچنین در قالب یک پیام قرآنی و شعری کوتاه در کتاب قرآن ، نیکی به پدر و مادر توصیه شده است.

همچنین در کتاب فارسی بخوانیم پایه چهارم ابتدایی صفحه متنی تحت عنوان «فرشته یک کودک» بیان شده است که در آن به ارزش جایگاه مادر اشاره شده است و مقام مادری را هم تراز با فرشته قرار داده است.

در کتاب های سال پنجم متا سفانه اشاره ای به ارزش جایگاه مادر، نشده است و فقط در کتاب قرآن با ذکر حدیث « و بالوالدین احسانا» کودکان را به نیکی کردن به پدر و مادر خود فراخوانده است. این حدیث و تصاویر مربوط به آن در پایه ی اول و سوم نیز وجود دارد.

در کتاب فارسی بخوانیم ششم ابتدایی در صفحه ۱۸ کتاب، شعری با عنوان "ای مادر عزیز" از ابوالقاسم حالت تحت عنوان بخوان و حفظ کن برای دانش آموزان ذکر شده است که بیشتر بر ارج نهادن بر منزلت مادر اشاره دارد . همچنین در کتاب های مطالعات اجتماعی و هدیه های آسمان به نقش مادر در قالب تصاویر و متن دروس اشاره گشته است.

بحث و نتیجه گیری



با توجه به یافته‌های پژوهش، لزوم بازنمایی تصویر مادر به عنوان جایگاهی ارزشی و طرح مسائلی چون وظایف فرزندان در قبال وی و اهمیت توجه و ارج نهادن به مادر در تمامی کتب درسی دوره دبستان احساس می‌شود.

با توجه به اینکه دوره دبستان در شکل‌گیری ارزش‌ها در کودکان نقش بسیار مهمی دارد، لازم است تا تصویر مادر به خصوص در پایه‌های چهارم، پنجم و ششم پررنگ‌تر گردد. همچنین لازم است تا بیشتر بر جایگاه و ارزش مادر و تشکر و قدردانی از وی تأکید شود.

در کتاب‌های دبستان بیشتر نقش مادری پررنگ جلوه داده شده است، و سپس در جایگاه بعد به نیکی و احسان به مادر تکیه شده است. در صورتی که لازم است تا فلسفه‌ی ارزش شمندی جایگاه مادر با توجه به نقش‌هایی که ایفا می‌کند به تدریج برای دانش‌آموزان آشکار گردد تا در نتیجه‌ی آن لزوم ارج نهادن بر منزلت مادر و جایگاه مادری برای ایشان مشخص شود.

علی‌رغم توجه سند تحول بنیادین بر ارزش شمندی نظام خانواده و نقش آن و نقش و ارزش جایگاه مادری، توجه ویژه‌ای به این موضوع در کتاب‌های درسی صورت نگرفته است و این مساله به تدریج در کتب درسی کمرنگ‌تر شده است، در صورتی که بهتر بود در سطح بالاتری برای دانش‌آموزان مطرح گردد تا بهتر نهادینه شود.



منابع

- احسانی، محمد، ۱۳۸۵، جایگاه مادر در اندیشه ی دینی. شمیم یاس ، اسفند ماه (۴۸)، صفحه: (۳۱).
- برجی نژاد ، زینب ، ۱۳۸۹، نقش مادر در تربیت فرزند ، طهورا فصلنامه ای در عرصه مطالعات زنان و خانواده (۶) صفحه: ۲۰۹-۱۸۳.
- به پژوه، ا. (۱۳۹۵). مادر موفق کیست؟، ماهنامه ی آموزشی تربیتی پیوند (۴۴۵).
- صادقی تحصیلی، ط. و زاهدی، ا. (۱۳۹۲). جایگاه مادر در شاهنامه و رامایانا، نشریه ادبیات تطبیقی (۹) ۹۵-۱۱۲.
- هوشیاری، ج. و صفورایی پاریزی ، م. (۱۳۹۳). ویژگی های مادر شایسته از دیدگاه اسلام و روانشناسی . پژوهش نامه اسلامی زنان و خانواده (۳) ۵۷-۸۶.
- مظاهری، ح. و موسی، پور ن. ، ناطقی ف. (۱۳۹۶). نقش خانواده در برنامه درسی شایستگی- محور دوره ابتدایی از منظر اسناد تحول بنیادین آموزش و پرورش . خانواده و پژوهش (۳۴) ۷-۳۲.
- مرادی، ح. (۱۳۹۱). خانواده و جایگاه آن در برنامه درسی ملی. ماهنامه ی آموزشی تربیتی پیوند (۳۹۷)، ۱۶-۱۴.



دانشگاه و تامین سلامت اجتماعی مادران سالمند

(با نگرشی بر سلامت اجتماعی زنان ساکن خانه سالمندان و زنان سالمند عادی)

میکائیل رسولزاده؛ دانشجوی دکتری جامعه شناسی - فرهنگی دانشکده علوم اجتماعی دانشگاه تهران

mrasoul1352@yahoo.com

رقیه شیخ الاسلامی

yagoot@chmail.ir

چکیده

یکی از محورهای ارزیابی سلامتی جوامع مختلف، سلامت اجتماعی آن جامعه است. سلامت اجتماعی نقش مهمی در تضمین پویایی و کارآمدی هر جامعه ایفا می‌کند. اهتمام به این موضوع در بین سالمندان جامعه، به عنوان نمونه این تحقیق در راستای زمینه یابی و ارتقای شاخص‌های زندگی اجتماعی سالم بسیار ضروری است. آستانه مقاومت سالمندان کاهش می‌یابد جبران آن از طریق آموزش مهارت‌های فردی و اجتماعی، و مهمتر از همه اخلاق برآورده می‌گردد بر همین اساس، برنامه‌ریزان تلاش می‌کنند که اخلاق را در کنار سلامت اجتماعی افراد جامعه‌ی خود ارتقاء بخشند در این راستا برای انجام برنامه‌ریزی صحیح و جامع، لازم است پژوهش‌هایی در زمینه شناخت میزان سلامت اجتماعی سالمندان توسط مراکز علمی و دانشگاهی و به خصوص دانشگاه‌های نسل چهارم که در نقش تولید رفاه تعیین شده‌اند و دانشگاه‌ها حرکت خود را به این سمت و سو آغاز کرده‌اند، انجام پذیرد. این تحقیق با هدف مشخص کردن نقش دانشگاه در سلامت اجتماعی سالمندان با نگرشی تطبیقی بر سلامت اجتماعی زنان ساکن خانه سالمندان و زنان سالمند عادی انجام گرفت. این پژوهش از نوع علی-مقایسه‌ای یا پس رویداری می‌باشد از روش اسنادی در بحث تطبیقی پیرامون دوره‌های متفاوت مواجهه با سالمندی از مدیکال (شفابخش، وابسته به پزشکی، نیازمند به معالجه طبی، دارویی) تا سوشال (وابسته به اجتماع و خدمات اجتماعی، مددکارانه) و دوره‌های تحول در دانش سلامت هم استفاده شده است. جامعه آماری این تحقیق شامل تمامی (شهروندان عادی) شهرستان میانه (۶۰ نفر) و سالمندان زن ساکن خانه سالمندان شهر میانه می‌باشد. آزمون فرضیه‌های تحقیق نشان داد بین سالمندان زن عادی با سالمندان زن ساکن خانه سالمندان اختلاف معنی‌داری از نظر انسجام اجتماعی، مشارکت اجتماعی، پذیرش اجتماعی، شکوفایی اجتماعی و انطباق اجتماعی تفاوت معنی‌داری وجود دارد. در این پژوهش ضمن اینکه دوره‌های تحول در رویکردهای حل مسئله سالمندی مطرح می‌شود، تحول در نوع دانشگاهها به سوی دانشگاههای اخلاق مدار و با مسئولیت اجتماعی و رویکردی اجتماعی به سلامت می‌تواند نقش موثری در حل این مسئله داشته باشد.

کلمات کلیدی: دانشگاه، اخلاق، سلامت اجتماعی، سالمندان، خانه سالمندان

۱- مقدمه

مرد جوانی پدر پیرش مریض شد. چون وضع بیماری پیرمرد شدت گرفت او را در گوشه جاده ای رها کرد و از آنجا دور شد. پیرمرد ساعت‌ها کنار جاده افتاده بود و به زحمت نفس‌های آخرش را می‌کشید. رهگذران از ترس واگیر داشتن بیماری و فرار از دردسر روی خود را به سمت دیگری می‌چرخاندند و بی‌اعتنا به پیرمرد نالان راه خود را می‌گرفتند و می‌رفتند. شیوانا از آن جاده عبور می‌کرد. به محض اینکه پیرمرد را دید او را بر دوش گرفت تا به مدرسه ببرد و درمانش کند. یکی از رهگذران به طعنه به شیوانا گفت: "این پیرمرد فقیر است و بیمار و مرگش نیز نزدیک! نه از او سودی به تو می‌رسد و نه کمک تو تغییری در اوضاع این پیرمرد باعث می‌شود. حتی پسرش هم او را در اینجا به حال خود رها کرده و رفته است. تو برای چی به او کمک می‌کنی!؟"

شیوانا به رهگذر گفت:



"من به او کمک نمی‌کنم! من دارم به خودم کمک می‌کنم. اگر من هم مانند پسرش و رهگذران او را به حال خود رها کنم چگونه روی به آسمان برگردانم و از خالق هستی تقاضای هم صحبتی داشته باشم. من دارم به خودم کمک می‌کنم!"

و یا حکایتی دیگر از سرزمین مان که: روزی پسری پدرش را در سبزی گذاشت و سبزه را به پشتش کول کرد و به بالای بلندترین کوه برد تا پدر نتواند برگردد. به بالای کوه که رسید. پدر را گذاشت. و موقع برگشت پدر خندید و پسر پرسید از چه می‌خندی پدر گفت سبزه را با خود ببر! پسر گفت چرا؟! پدر جواب داد. یک روز به کار می‌آید آخر من هم یک روز با پدرم همین کار را کردم و الان هم پسر من با من. از دست روزگار می‌خندم که هیچ کاری را بدون مزد نمی‌گذارد.

و الان هم بلندترین کوه آسایشگاه سالمندان شده است!!

انتقال سالمندان به سرای سالمندان هر چند در اکثر فرهنگ‌های شرقی امری ناپسند بوده ولی در دهه‌های اخیر ماهیت ناپسندی این رفتار تا حد زیادی از بین رفته و گزینش مکان جدید برای سالمندان تحت عنوان خانه سالمندان به فرهنگ غالب در اکثر جوامع تبدیل شده است. جا افتادن این فرهنگ از یک طرف و افزایش میزان طول عمر و افزایش تعداد کهنسالان به تبع آن از طرف دیگر باعث شده که محققین حوزه علوم اجتماعی به دنبال انجام پژوهش‌هایی باشند تا ضمن کاستن از آسیب‌های این دوره از زندگی بشر، بر کیفیت آن بیافزایند. لذا در طی دهه‌های اخیر مطالعات زیادی انجام شده تا وضعیت و کیفیت زندگی افراد را در کنار خانواده و سرای سالمندان مقایسه کرده و تطبیق دهد.

هر چند چنین موضوعی تا حد زیادی متأثر از فرهنگ‌ها و باورها و ارزشهای جوامع بشری بوده ولی در اکثر یافته‌های پژوهشگران، افت کیفیت زندگی سالمندان در خارج از جمع خانواده محرز شده است.

یکی از محورهای ارزیابی سلامتی جوامع مختلف، سلامت اجتماعی آن جامعه است. سلامت اجتماعی نقش مهمی در تضمین پویایی و کارآمدی هر جامعه ایفا می‌کند. از آنجایی که شرط مهم برای رشد و شکوفایی هر جامعه‌ای وجود افراد آگاه، کارآمد و خلاق است لذا پرورش و تقویت انگیزه پیشرفت سبب ایجاد انرژی و جهت‌دهی مناسب رفتار و علایق و نیازهای آن‌ها در راستای اهداف ارزشمند و معین شده می‌باشد و از آنجا که سلامت اجتماعی نقش عمده‌ای در کارکرد در تمام زمینه‌های فردی، خانوادگی و اجتماعی دارد بدیهی است که برنامه‌ریزی صحیح و جامع در تأمین سلامت اجتماعی بخصوص سالمندان کاملاً ضروری به نظر می‌رسد (یارمحمدی و رهایی، ۱۳۸۹).

از طرفی نیز، شرایط و موقعیت‌های مختلف محیطی باعث می‌گردد که آستانه مقاومت سالمندان کاهش یابد که در چنین شرایطی، افزایش قدرت سازگاری، بالاترین ظرفیت‌های مقابله‌ای فردی و اجتماعی از طریق آموزش مهارت‌های فردی و اجتماعی، و مهمتر از همه اخلاق برآورده می‌گردد که شناخت و آگاهی از میزان سلامت سالمندان امکان پیش‌بینی و برنامه‌ریزی جهت کمک به تأمین سلامت اجتماعی آنان را فراهم می‌کند. بر همین اساس، برنامه‌ریزان جوامع توسعه‌یافته تلاش می‌کنند که اخلاق را در کنار سلامت اجتماعی افراد جامعه‌ی خود ارتقاء بخشند و یکی از راه‌ها ارتقاء سلامت اجتماعی، شناخت عواملی است که در افزایش این بعد از سلامتی تأثیرگذا است. بنابراین برای انجام برنامه‌ریزی صحیح و جامع، لازم است پژوهش‌هایی در زمینه شناخت میزان سلامت اجتماعی سالمندان توسط مراکز علمی و دانشگاهی انجام پذیرد.

همچنانکه سالمندی پیشرفت می‌کند، ممکن است دیگر توانایی تصمیم‌گیری خود را به طور کامل از دست بدهند و در واقع قادر به تعامل با همسر و یا مراقب خود نیز نخواهند بود. آنها نیاز به تسهیلات مراقبتی بلندمدت شبانه روزی دارند. مسائل اخلاق گوناگونی نیز در این مرحله وجود دارد وقتی بیماری از حالت شدید به عمیق می‌رسد، مهمترین نکته اخلاقی که بروز می‌کند این است که چه مداخلات درمانی در این مرحله موثرتر و مناسب تر هستند؟ آیا ما باید در صورت نیاز از لوله غذا استفاده کنیم؟ آیا آنتی بیوتیک‌ها فرایند بیماری را در این بیماران تغییر می‌دهند؟ چه اصول اخلاقی‌ای توسط مراقبان در این مرحله باید رعایت شود؟ موضوع دیگری که در این مرحله مطرح است اتانازی یا خودکشی با کمک پزشک است. این موضوع نیز هنوز مورد بررسی و بحث است. هدف مراقبت از بیماران بیشتر افزایش کیفیت زندگی است تا افزایش طول عمر بیمار. جنبه‌های روحانی زندگی در این دوره اهمیت بیشتری می‌یابد. اخلاق زیستی سکولار، در این



جریان نمی تواند مفید باشد. چراکه، مسائل ارزشی، معنوی و مذهبی اهمیت می یابند. مراقبان نیز در این دوران باید در برخورد با سالمند مبتلا به انواع بیماری ها صبر و شکیبایی بیشتری به خرج دهند و رفتاری محبت آمیز با آنها داشته باشند.

در این میان نقش دانشگاه ها و مراکز آموزش عالی در خور توجه است.

محققان تاسیس دانشگاه را به چهار نسل تقسیم می کنند؛ شاخص نسل اول، ارائه مدرک بوده و تعداد فارغ التحصیلان، نشانه فعالیت و رتبه دانشگاه ها محسوب می شده که عمر این دوره پس از جنگ جهانی دوم به پایان رسیده است.

در نسل دوم که تا دهه ۱۹۶۰ ادامه داشت، شاخص فعالیت دانشگاه ها تولید علم از طریق نوشتن مقالات بود.

در دانشگاه های نسل سوم، فناوری مورد توجه قرار گرفت و دانشگاه، نقش خود را در تولید ثروت ایفا کرد و عمر آن تا سال ۲۰۰۰ بود اما در حال حاضر نقش دانشگاه های نسل چهارم، تولید رفاه تعیین شده و دانشگاه ها حرکت خود را به این سمت و سو آغاز کرده اند. جایگاه و نقش دانشگاه ها، تلاش برای ساختن جامعه ای آگاه، ثروتمند و دارای رفاه اجتماعی از طریق تربیت نیروهای ارزشمند، تولید علم و دانش برای توسعه و ارتقای فرهنگ جامعه و افزایش سرمایه اجتماعی است. بر مدیریت ارشد کشور است که ضمن سیاست گذاری و تامین زیرساخت های لازم، حرکت با شتاب و البته با دقت لازم برای رسیدن به دانشگاه های نسل سوم و چهارم را در دستور کار قرار دهد تا در حداقل زمان بتوانیم نسبت به تصحیح مسیر و جبران عقب ماندگی ها اقدام کنیم.

۲- بیان مسئله

دگرذیسی سامانمند نهاد دانشگاه از نسل اول به نسلهای بالاتر، طی فراگردی حلزونی بوده و برخورداری از قابلیت های جدید، علاوه بر اینکه موجب بروز کاستی در تأکید کمی و کیفی در سلسله مراتب آموزش و پژوهش نمی شود، بلکه به منزله یک ضرورت نیز در روندی پویا و هدفمند، ترغیب و تقویت می شود (عنایتی و عالیپور، ۱۳۹۳: ۲۰)

با مطالعه سیر توسعه دانشگاه ها، می توان عناوین "دانشگاه های تعالی گرا" و "دانشگاه های تعالی مدار" را به مثابه اسم های مناسب برای دانشگاه های آینده معرفی نمود. دانشگاه هایی که قرار است بر مدار تعالی مستمر، در خدمت توسعه و پیشرفت و تعالی جوامع خود باشند.

الف) دانشگاه های رقابت گرا: در حال حاضر، شیوه های آموزش در سراسر جهان به طور قابل توجهی در حال تغییر است. به ویژه آموزش عالی، موضوعی است که به طور فزایندهای بر نیروهای بازار تأثیر می گذارد. بر آن است که رقابت، همواره آموزش عالی را به سمت جهانی سازی سوق می دهد. با تشدید رقابت های ملی و بین المللی میان دانشگاه ها، رده بندهای جهانی، نقشی کلیدی بر خط مشی گذاران و دیگر افراد داشته، در مسیر جهانی سازی، امروزه چشم انداز آموزش عالی، با فشارهای رقابتی و رشد بین المللی، توصیف می شود. بدین جهت، بسیاری از دانشگاه های سراسر جهان، در صدد اتخاذ راهبردهای بین المللی شدن، برآمده اند. (فلیپو، ۲۰۱۵: ۱۸۵-۱۹۴)

ب) دانشگاه های مشارکت جو: در مدیریت معاصر، مسئله مشارکت کارکنان در تصمیم گیری ها از دیدگاه رویکردهای گوناگون به رهبری و انگیزش مورد بررسی قرار گرفته است و هرکدام، به گونه ای خاص به این مسئله پرداخته اند. از یک دیدگاه، دانشگاه به مثابه مرکزی برای پاسداری از دانش موجود و محیطی برای اجرای فعالیتهای پژوهشی، به منظور کشف حقایق جدیدی که راهگشای حل مسائل انسانها و جوامع بشری است، تعریف شده اند؛ در این امتداد، تکلیف نحوه استقرار الگوی سازمانی و اداره کردن چنین مؤسسه های روشنی است. این کار مهم، زمانی تحقق می یابد که دانشگاه ها با ایجاد تحولاتی در رویکرد مشارکتی، از آزادی کافی برای اجرای فعالیت های علمی و آموزشی برخوردار باشند و با تکیه بر الگوی نوین تصمیم گیری، زمینه مشارکت برای همگان از جمله اعضای هیئت علمی را فراهم کنند. نتایج پژوهش ها نشان داده است که اعضای هیئت علمی برخوردار از تخصص بالا، عمدتاً برای انجام دادن کارهای مورد علاقه شان برانگیخته می شوند و موفقیت آنها در گرو میزان استقلال و تفویض اختیار در پرتو مشارکت آنهاست. به دلیل اینکه اعضای هیئت علمی از سطح بالای دانش، بلوغ فکری، درک نیازهای اجتماعی، مسئولیت پذیری و خودیابی بهتر در میان قشرهای جامعه برخوردارند، شایسته است



که در تصمیم گیری ها مشارکت کنند؛ ضمن آنکه تأثیر آنها بر نحوه ارائه خدمات عمومی، تربیت نیروی انسانی و متخصص برای تأمین نیازهای جامعه و کشاندن افراد به سوی مقاصد مشترک، از نقش کلیدی و محوری آنها در برنامه های دانشگاهی حکایت دارد. (مهرعلیزاده و همکاران، ۱۳۸۴: ۲-۳)

ج) دانشگاه های اخلاق مدار: با بهبود سطح رفتار اخلاقی و مدیریت اخلاق دار و نهادینه کردن آن در سازمان می توان به جو اخلاقی آرمانی دست یافت. منظور از مدیریت اخلاقی، عبارت است از شناسایی و اولویت بندی ارزشها برای هدایت رفتار در سازمانها. سازمانها با ایجاد برنامه های مدیریت اخلاق، می توانند امور اخلاقی را در محیط کار مدیریت کنند. برنامه های ترویج اخلاق، به سازمان ها کمک می کنند تا بتوانند در شرایط آشفته، عملکرد اخلاقی خود را حفظ کنند. امروزه، برای مدیریت اخلاق از رویکردی برنامه ای و ابزارهایی عملی استفاده می شود. این ابزارها کدهای اخلاقی، کدهای رفتاری، خط مشی ها و رویه ها، قوانین و نرم های سازمانی، روشهای حل معضلات اخلاقی و آموزشی را در بر می گیرند. (خزنی و همکاران، ۱۳۹۲: ۱۰۷) دانشگاه های تعالی گرا، دانشگاه هایی اخلاق دار و ارزش گرا بوده، به توسعه کرامت های انسانی پایبندند.

د) دانشگاه های تحول آفرین: قرن جدید، امواج تازه های از تغییر را با خود به همراه آورده است. محیط پیرامون سازمان ها، پویاتر از قبل شده و این امر باعث گردیده تا سازمان ها در پی یافتن پاسخ هایی مناسب برای مواجهه با این پویایی ها باشند. برای موفقیت و حتی بقا در چنین محیطی، ضروری است سازمان ها به سمت انعطاف پذیری، پویایی و تحول حرکت نموده و از سکون پرهیز کنند. سازمان های امروزی نمی توانند روند و سرعت تغییرات را متوقف سازند، بلکه فقط می توانند تردیدها، نوسانات و بی ثباتی ها را به فرصت هایی برای آموختن، تطابق و همخوانی مطلوب تبدیل کنند. (ضیائی و نرگسیان، ۱۳۸۹: ۱۴) دانشگاه هایی موفق تر خواهند بود که در این زمینه ها پیشرو باشند. سالمندی مفهومی است که در چند دهه اخیر وارد مباحث علوم اجتماعی و سلامت شده است سالمندی به مدد پیشرفت های بشر در عرصه علم پیش آمده است. هر چه به جلو حرکت می کنیم تلاشگران عرصه پزشکی سعی دارند امید به زندگی را بیشتر از این افزایش بدهند. هر چند افزایش تعداد سالمندان یک جامعه موفقیتی بزرگ در عرصه سلامت می باشد ولی اگر الزامات و نیازهای این پدیده تأمین نشود همزمان می تواند باعث بروز ناهنجاری هایی در جامعه شود.

سالخورده گی که برای اکثر افراد جامعه ما از ۶۰ سالگی آغاز می شود، دورانی است که دارای برخی ویژگی های جسمی، اجتماعی و روانی است. (سام آرام، ۱۳۷۲؛ ۱۶۵-۱۵۴)

یکی از این ویژگی ها کاهش نسبی قوای جسمی است، به طوری که از ۶۰ سالگی به بعد، هر چه سن بالاتر می رود، نیروهای جسمی فرد به نسبت رو به کاهش می گذارد.

بازنشستگی و از دست دادن موقعیت های شغلی، دومین ویژگی این دوران است.

کاهش مسئولیت هایی که مرتبط با شغل و ارتباطات اجتماعی فرد بوده است نیز از جمله این ویژگی هاست.

ویژگی دیگری که در این مرحله از زندگی مطرح است، تنهایی یا احساس تنهایی است.

فرد سالخورده هر چند وقت یک بار شاهد مرگ یکی از دوستان یا بستگان یا آشنایان و همسن و سالان و افراد هم دوره خویش است، لذا هر روز بیش از پیش احساس تنهایی بیشتری به او دست می دهد. برخی به مرور از مشارکت در زندگی اجتماعی کناره گیری میکنند و در مقابل، جامعه نیز آنها را به کنار می زند و از میدان به در می کند به طوری که ممکن است دچار نوعی احساسی بیهودگی و افسردگی شوند. برخی با پذیرش نقش های جدیدی که مطابق با وضعیت آنهاست این دوره را به دوره ای نسبتاً فعال و رضایت بخش بدل می کنند. در هر دو حالت علاوه بر خصوصیات فردی سالمند، شرایط اجتماعی و به ویژه شرایط خانوادگی سالمند بسیار مؤثر است. شرایط مناسب خانواده و جامعه می تواند سالمند را به سوی پذیرش نقش های جدیدی سوق دهد و شرایط نامناسب می تواند او را منزوی و تنها کند. به علاوه میزان سلامت جسمی دوران سالمندی در این مرحله از زندگی، عاملی مهم در وضعیت زندگی اجتماعی اوست، چرا که برای هر نوع مشارکت اجتماعی در مورد سالمندان، ابتدا میزان سلامت آنها مطرح می شود. سلامت فرد سالمند و امکانات اجتماعی، از جمله وضع مالی سالمند، به او فرصت می دهد که از دوره سالمندی خود به خوبی بهره گیرد و احساس رضایت کند. به نظر می رسد که این شرایط در کل



جامعه ما، اعم از شهری یا روستایی موجود باشد. البته شرایط غالب در فرهنگ سنتی ما این است که سالمندان در نقش های مهم، به عنوان راهگشا، کدخدا، راهنما، کاردان و مشابه آن مطرح باشند، ولی به نظر میرسد در جامعه سنتی، سالمند تا زمانی احترام داشته که از نظر قوای ذهنی و جسمی قادر به مشارکت در امور فرهنگی، اقتصادی و اجتماعی جامعه بوده است. (سام آرام، ۱۳۷۲: ۱۶۵-۱۵۴)

عمده پژوهش ها در حوزه سلامت سالمندان به این نتیجه رسیده اند که سالمندان در مراکز نگهداری بیشتر از نزد خانواده ها در معرض تهدید واقع هستند. مرادی نژاد و همکارانش، سلامت روانی ۹۰ نفر از افراد سالمند مقیم خانه را با ۴۶ نفر از سالمندان مقیم در خانه سالمندان را در شهر تهران با استفاده از پرسشنامه بررسی وضعیت شناختی و فرم کوتاه بررسی افسردگی مورد بررسی قرار داده و به این نتیجه رسیده اند که اختلالات شناختی و شدت افسردگی در سالمندان مقیم سالمندان به طور معناداری بیشتر است. این در حالی است که با برنامه ریزی مناسب، سالمندان می توانند از دوران سالخوردگی شاد و مولد، لذت برده و به عنوان یک جزء یکپارچه با جامعه تلقی شوند (مرادی نژاد و صحبایی، ۱۳۸۹: ۶۱)

و اما در بعد اخلاق که در اصطلاح به صفات درونی انسان گفته می شود که در او به صورت عادت در آمده است. این واژه، هم خوی های نیکو و پسندیده مانند جوانمردی و دلیری را شامل می شود و هم خوی های زشت و ناپسند همچون فرومایگی و بزدلی را؛ همچنین اخلاق فردی چون صبر و شجاعت و اخلاق اجتماعی مثل تواضع و ایثار را در بر می گیرد در اینجا منظور ما این نیست که اخلاق جنبه اختصاصی برای سالمندی و شرایط خاص آن دارد. اخلاق موضوعی فراگیر است که تمام ابعاد زندگی را در بر می گیرد. اما اعتقاد بر این است که؛ در موارد خاص نقش اخلاق برجسته تر می شود. رعایت اخلاق در هر شرایطی و در هر تعاملی لازم است ولی، در برخی شرایط، عدم رعایت آن، اثرات ناگواری بر جای می گذارد. یکی از این شرایط که رعایت اخلاق در آن بسیار مورد تاکید قرار می گیرد، تعامل با سالمندان مبتلا به انواع بیماری ها است.

فعالیت های بالینی و تحقیقاتی درباره سالمندان و خانواده آنها، با تعداد زیادی از مسائل پیچیده اخلاقی مواجه است برخی از رویکردها بر این باورند که؛ بررسی خوب یا بد بودن یک موضوع، امری وابسته به فرهنگ است، ولی عده های دیگر معتقدند: اخلاق موضوعی جهانی است و باید مبتنی بر استانداردهای خاصی در این رابطه عمل کرد. فعالیتهای بالینی و کارهای پژوهشی در مورد سالمندان به طور کل و مثلا سالمندان بیمار آلزایمری به طور ویژه، به خاطر طبیعت بیماریشان، چالش زا است. یکی از محورهای اصلی اخلاقی بودن فعالیت ها، توجه به خودمختاری منطقی فرد در تعاملات است. ولی زوال عقل و بیماری مانع منطقی بودن و خودمختاری فرد می شود و حتی کیفیت زندگی فرد را نیز با خطر مواجه می کند. (وایت هاوس، پی جی، ۱۹۹۵: ۱۳۱۵-۱۳۱۴)

در این تحقیق سعی می شود دوره های تحول در حل مسئله سالمندی مطرح شود که در نهایت چگونه با نگاه های انسان گرایانه در دانشگاه ها به مسائل اجتماعی نیز انسان گرایانه نگاه می شود و تحول در رویکردها در دوره های مختلف به مسئله سلامت ایجاد می شود تا اینکه سلامت اجتماعی مطرح می شود.

۳- اهداف تحقیق

۳-۱- هدف کلی

مشخص کردن نقش دانشگاه، در تامین سلامت اجتماعی افراد گروه های مطرود با نگرشی تطبیقی بر سلامت اجتماعی زنان ساکن خانه سالمندان و زنان سالمند عادی

۳-۲- اهداف فرعی

۱) تعیین میزان مشارکت اجتماعی سالمندان زن (شهروندان عادی) در مقایسه با سالمندان زن ساکن خانه سالمندان و نقش دانشگاه در برآوردن این شاخص سلامت اجتماعی

۲) شناسایی قدرت پذیرش اجتماعی سالمندان زن (شهروندان عادی) در مقایسه با سالمندان زن ساکن خانه سالمندان و نقش دانشگاه در برآوردن این شاخص سلامت اجتماعی



۳) تعیین میزان انسجام اجتماعی سالمندان زن (شهروندان عادی) در مقایسه با سالمندان زن ساکن خانه سالمندان و نقش دانشگاه در تامین این شاخص سلامت اجتماعی

۴) شناخت انطباق اجتماعی سالمندان زن (شهروندان عادی) و سالمندان زن ساکن خانه سالمندان و نقش دانشگاه در مهیا کردن این شاخص سلامت اجتماعی

۵) یافتن میزان شکوفایی اجتماعی سالمندان زن (شهروندان عادی) و سالمندان زن ساکن خانه سالمندان و نقش دانشگاه در برآوردن این شاخص سلامت اجتماعی

۴- چارچوب نظری

"دانشگاه های تعالی گرا" و "دانشگاه های تعالی مدار" در راستای ارتقای مسئولیت اجتماعی دانشگاه^۱ وظیفه یافتند تا در توسعه اقتصادی و اجتماعی جامعه خود نیز موثر باشند دانشگاه به عنوان یکی از مهم ترین نهادهای یک کشور، علاوه بر وظیفه تعلیم و تربیت دانشجو، در حوزه های قانونی، زیست محیطی، اخلاقی و نوع دوستی نیز مسئولیتی تحت عنوان "مسئولیت اجتماعی دانشگاه به عهده دارد. دانشگاه نمی تواند از مسئولیت اجتماعی خود پرهیز کند زیرا دانشگاه محل تفکر و تامل است و بخشی از کارآمدی دانشگاه زمانی حاصل می شود که در مسیر مسئولیت اجتماعی قرار گیرد و برای اصلاح امور جامعه تلاش کند. در این میان پرداختن به سلامت اجتماعی بسیار مهم است؛ ماکس وبر سلامت اجتماعی را یک امتیاز اجتماعی تعریف می کند که در جامعه برخی از آن بهره مند هستند. بنابراین جامعه در دسته هایی از سطوح و یا گروه هایی از پایگاه ها تشکیل می شود. دیدگاه وبر، سلامت اجتماعی را به صورت چند بعدی در نظر می گیرد.

رز و وو مطرح می کنند که موقعیت یک فرد در سلسله مراتب اجتماعی برای وی شرایط و ویژگی هایی را فراهم می کند که می تواند سلامتی وی را تحت الشعاع خود قرار دهد. شنایدر و همکاران نیز مهارت های ارتباطی را به عنوان وسیله ارتباط میان فرد و محیط تعریف می کنند و به عنوان وسیله شروع و ادامه یک ارتباط سازنده می دانند که در بخش مهمی از سلامت اجتماعی، مورد استفاده واقع می شود (خوشدل، ۱۳۶۲: ۶۱).

همچنین مالزو انسان سالم را انسان خواستار تحقق خود (خود شکوفایی) می داند. شرط نایل شدن به خودشکوفایی از نظر وی تأمین نیازهایی است که به ترتیب از نیازهای جسمانی یا فیزیولوژیک شروع می شود و به نیازهای ایمنی، محبت، احساس تعلق خاطر و در نهایت نیاز به خودشکوفایی می رسد که منجر به سلامت اجتماعی فرد می شود (خوشدل، ۱۳۶۲: ۶۱).

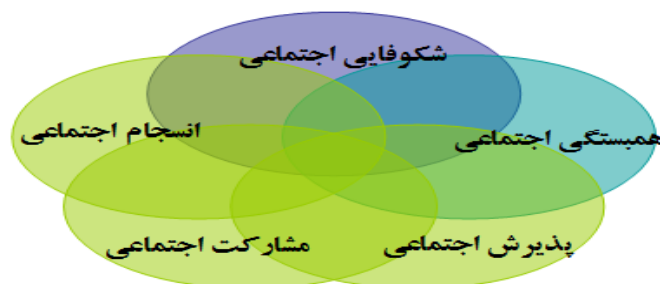
طبق نظریه گوگنموس، کیفیت زندگی در دو بعد جسمی و روانی در نظر گرفته می شود. به نظر کبیز افراد در درون ساختارهای اجتماعی و ارتباطات قرار دارند و کیفیت زندگی و عملکرد خوب در زندگی بیش از سلامت روانی است و چالش های اجتماعی نیز تعیین کننده هستند و معتقد است که افراد، کیفیت زندگی شان را با معیارهای اجتماعی شان ارزشیابی می نمایند و سلامت اجتماعی دارای ابعادی است که نشان می دهد فرد به چه میزان از کیفیت زندگی مناسبی برخوردار هست (چاوشیان، ۱۳۸۶).

نظریه ساختاری بر دو محور عمده قدرت و بررسی راهبردهای مقاومت و نحوه بازتولید ساختار از سوی بازیگران اجتماعی بنا نهاده شده است. لذا با توجه به دو سویه بودن مناسبات در این نظریه، حتی گروه های زیردست نیز که در رابطه های اجتماعی نابرابر قرار دارند می توانند جریان توزیع منابع و شکل گیری قواعد را با کنش خود متأثر سازند. که البته این امر منوط به این است که افراد در روابط اجتماعی مشارکت داشته باشند. بنابراین عدم مشارکت افراد و گروه های اجتماعی در چنین فرآیندی منجر به محدودیت عامل فردی و اجتماعی می شود که در نهایت سلامت اجتماعی افراد و جامعه را به خطر می اندازد (چاوشیان، ۱۳۸۶).

شنایدر و همکاران نیز مهارت های ارتباطی را به عنوان ارتباط میان فرد و اجتماع تعریف می کنند و به عنوان وسیله شروع و ادامه یک ارتباط سازنده می دانند که بخش مهمی از سلامت اجتماعی را در بر می گیرد (چاوشیان، ۱۳۸۶).

کبیز معتقد است کیفیت زندگی و عملکرد شخصی فرد را نمی توان بدون توجه به معیارهای اجتماعی ارزیابی کرد و عملکرد خوب در زندگی چیزی بیش از سلامت جسمی، عاطفی و روانی است و تکالیف و چالش های اجتماعی را نیز در بر می گیرد. کبیز مفهوم سلامت اجتماعی را به معنی ارزیابی فرد از عملکردش در برابر اجتماع بیان می کند (خوشدل، ۱۳۶۲: ۶۱).

کینیر معتقد است که مدل سلامت اجتماعی شامل یکپارچگی اجتماعی، ایفای نقش اجتماعی، انسجام اجتماعی، پذیرش اجتماعی و خود شکوفایی اجتماعی به شرح نمودار ذیل می شود:



نمودار شماره ۱: ابعاد سلامت اجتماعی از نظر کینز

سلامت اجتماعی به معنای ارزیابی و شناخت فرد از چگونگی عملکردش در اجتماع و کیفیت روابط اش با افراد دیگر، نزدیکان و گروههای اجتماعی که وی عضوی از آنهاست، می باشد.

سلامت اجتماعی دارای پنج بعد انسجام اجتماعی^۱، پذیرش اجتماعی^۲، مشارکت اجتماعی^۳، انطباق اجتماعی^۴، شکوفایی اجتماعی^۵ می باشد.

انسجام اجتماعی یعنی ارزیابی فرد از کیفیت روابط خود در گروههای اجتماعی. پذیرش اجتماعی به این معنی است که فرد اجتماع را به صورت یک مجموعه کلی و عمومی که از افراد مختلف تشکیل شده است، درک کند و به دیگر افراد جامعه اطمینان داشته باشد.

مشارکت اجتماعی باوری است که طبق آن فرد خود را عضو حیاتی اجتماع می داند، در حالیکه انطباق اجتماعی به معنای درک کیفیت، سازماندهی و عملکرد دنیای اجتماعی است، شکوفایی اجتماعی اعتقاد داشتن بر این واقعیت است که اجتماع در یک تکامل تدریجی است و توانمندی های بالقوه ای برای تحول مثبت وجود دارد که از طریق نهادهای اجتماعی و شهروندان شناسایی می شود (کیس و شاپیرو، ۲۰۰۴: ۳۰۶)

۵- فرضیه های تحقیق

- ۱- بین سالمندان زن عادی با سالمندان زن ساکن خانه سالمندان اختلاف معنی داری از نظر انسجام اجتماعی وجود دارد.
- ۲- سالمندان زن عادی در مقایسه با سالمندان زن ساکن خانه سالمندان دارای مشارکت اجتماعی بالاتری هستند.
- ۳- بین سالمندان زن عادی در مقایسه با سالمندان زن ساکن خانه سالمندان از نظر پذیرش اجتماعی تفاوت وجود دارد.
- ۴- بین سالمندان زن عادی و سالمندان زن ساکن خانه سالمندان اختلاف معنی داری از نظر شکوفایی اجتماعی وجود دارد.
- ۵- بین سالمندان زن عادی در مقایسه با سالمندان زن ساکن خانه سالمندان از نظر انطباق اجتماعی تفاوت وجود دارد.

۶- روش شناسی تحقیق

قالب و ساختار این پژوهش از نوع علی-مقایسه ای یا پس رویداری می باشد که در آن دو گروه سالمند (سالمندان معمولی شهرستان میانه و سالمندان زن ساکن خانه سالمندان) از نظر سلامت اجتماعی مورد مقایسه قرار گرفتند. از روش اسنادی در بحث تطبیقی پیرامون



دوره های متفاوت مواجه با سالمندی از مدیکال (شفابخش، وابسته به پزشکی، نیازمند به معالجه طبی، دارویی) تا سوشال (وابسته به اجتماع و خدمات اجتماعی، مددکارانه) و دوره های تحول در دانش سلامت هم استفاده شده است.

جامعه آماری این پژوهش ۵۰ نفر از افراد سالمند زن (شهروندان عادی) شهر میانه و ۵۰ نفر از سالمندان زن ساکن خانه سالمندان شهر میانه بودند که به صورت تصادفی گزینش شده و مورد پژوهش قرار گرفتند. نمونه آماری با استفاده از روش نمونه‌گیری در دسترس انتخاب شد. ملاک گزینش افراد پژوهش، توانمندی دریافت منظور محقق و ارائه پاسخ مورد انتظار بود لذا در طی گزینش افراد، سعی شده افراد خیلی پیر که توان درک سوالات و پاسخ به آن‌ها را نداشته، کنار گذاشته شوند و همچنین جامعه آماری پژوهش فاقد افرادی است که اجبار در جلب آن‌ها به مشارکت در پاسخ به سئوالات تحقیق شده‌اند. در نهایت باید گفت که سن ۶۰ سال را مرز گسل بین مردمان سالمند و جوان در نظر گرفته شد. به منظور جمع‌آوری داده‌های مربوط به متغیرهای تحقیق، پرسش‌نامه‌ای تهیه شد که شامل پرسش‌هایی در زمینه سلامت اجتماعی سالمندان اعم از شکوفایی اجتماعی، همبستگی اجتماعی، انسجام اجتماعی، پذیرش اجتماعی و در نهایت مشارکت اجتماعی افراد سالمند بود. ساختن پرسشنامه دارای چهار وجه است که شامل، انتخاب قلمروها و مواردی که درباره آن‌ها پرسش می‌کنیم، ساختن پرسش‌های واقعی، ارزیابی پرسش‌ها و طرح ریزی پرسشنامه مناسب می‌باشد (نایی، ۱۳۸۳). در تحقیق پیش رو نیز، همه این موارد در تدوین پرسشنامه در نظر گرفته شده است. گفتنی است که در این تحقیق برای بخش نظری از روش اسنادی و در بخش سنجش و تحلیل از روش پیمایشی استفاده شده است.

جامعه آماری این تحقیق شامل تمامی (شهروندان عادی) شهرستان میانه (۶۰ نفر) و سالمندان زن ساکن خانه سالمندان شهر میانه بود که براساس آخرین سرشماری صورت گرفته، تعداد ۷۵۷۵ نفر می‌باشد. با توجه به این که ملاک گزینش افراد در این پژوهش، توانمندی دریافت منظور محقق و ارائه پاسخ مورد انتظار بود لذا تعداد ۱۰ نفر از سالمندان (شهروندان عادی) که قادر به ادراک محیط پیرامون خود نبودند از جامعه آماری کنار گذاشته شدند. حجم نمونه آماری تعداد ۵۰ نفر از سالمندان (شهروندان عادی) شهرستان میانه و ۵۰ نفر زن ساکن خانه سالمندان بود.

برای این که احتمال انتخاب شدن برای همه اعضای جامعه یکسان باشد و هیچ عاملی جز شانس و تصادف در انتخاب شدن افراد نمونه از جامعه دخیل نباشد، در این تحقیق جهت انتخاب افراد نمونه آماری از روش تصادفی ساده استفاده گردید. بدین صورت که ابتدا به شناسایی سالمندان زن قدام شد و برای این که هر یک از سالمندان شانس یکسان برای انتخاب شدن داشته باشند به صورت تصادفی اقدام به جمع‌آوری اطلاعات از سطح شهر گردید.

در این مطالعه گردآوری اطلاعات و داده‌ها به دو روش ذیل انجام گرفت. ابتدا مطالعات انجام شده از طریق مطالعات کتابخانه‌ای مورد بررسی قرار گرفت. سپس از طریق پیمایشی و با استفاده از مشاهده، مصاحبه و پرسشنامه اطلاعات گردآوری شد. جمع‌آوری داده‌های مربوط به متغیرهای تحقیق با استفاده از مشاهده، مصاحبه و پرسشنامه اطلاعات گردآوری خواهد شد. برای این منظور، پرسش‌نامه‌ای تهیه شد که شامل پرسش‌هایی در زمینه سلامت اجتماعی سالمندان اعم از شکوفایی اجتماعی، همبستگی اجتماعی، انسجام اجتماعی، پذیرش اجتماعی و در نهایت مشارکت اجتماعی افراد سالمند بود.

تجزیه و تحلیل داده‌ها داده‌های جمع‌آوری شده از طریق پرسشنامه‌ها، توسط نرم افزار (SPSS (version ۱۷) مورد تجزیه و تحلیل قرار گرفت. با توجه به بررسی مقدماتی که جهت تعیین روایی و پایایی پرسشنامه روی ۱۵ نفر از سالمندان شهر میانه انجام شد که ضریب آلفای کرونباخ برای پرسشنامه ۰/۸۳ محاسبه گردید. از آمار توصیفی برای توصیف شاخص‌های آماری داده‌ها و جهت آزمون فرضیه‌های تحقیق نیز از روش‌های آمار استنباطی از جمله آزمون t استفاده شد.

۷- یافته های تحقیق

۷-۱- نتایج توصیفی

در این بخش شاخص‌های مرکزی و پراکندگی متغیرهای مورد مطالعه ارائه شده است.



یافته‌های تحقیق حاکی از آن است که، ۴۰ درصد زنان سالمند زن ساکن خانه سالمندان مجرد هستند و دارای همسر نمی‌باشند. وضعیت تأهل در زنان سالمند (شهروندان عادی) متفاوت می‌باشد. به طوری که تنها ۲۰ درصد آنان مجرد و هشتاد درصد بقیه متأهل می‌باشند. ۷۸ درصد از (شهروندان عادی) بین ۶۰ تا ۷۰ سال و ۲۲ درصد بالای ۷۰ سال سن دارند (جدول ۷-۲). همچنین ۶۴ درصد سالمندان زن دارای سن ۶۰ تا ۷۰ سال و ۲۶ درصد بقیه نیز دارای سنی بیش از ۷۰ سال بودند.

بررسی توزیع فراوانی تحصیلات سالمندان مورد مطالعه نشان داد که بیشترین فراوانی تحصیلات در بین (شهروندان عادی) را افراد با سطح سواد ابتدایی (۷۲ درصد) تشکیل می‌دهند و کمترین فراوانی تحصیلات هم مربوط به تحصیلات مقطع فوق دیپلم می‌باشد. در زنان سالمند ساکن خانه سالمندان نیز بیشترین فراوانی را افراد بی‌سواد تشکیل داده‌اند و کمترین فراوانی نیز مربوط به افرادی با سطح تحصیلات دیپلم بود.

با توجه به مطالب فوق مشاهده می‌شود که در بین سالمندان عادی افرادی با سطح تحصیلات لیسانس و بالاتر نیز مشاهده می‌شود که در بین سالمندان زن ساکن خانه سالمندان فردی با چنین تحصیلاتی مشاهده نمی‌شود.

تعداد فرزندان سالمندان مورد مطالعه در شهرستان میانه تمامی زن ساکن خانه سالمندان دارای یک فرزند می‌باشند در حالی که زنان سالمند (شهروندان عادی) تنها در ۲۴ درصد دارای یک فرزند حمایت کننده می‌باشند. ۵۶ درصد دارای دو تا چهار فرزند و ۲۰ درصد هم بیش از چهار فرزند دارند.

بررسی توزیع فراوانی سالمندان مورد مطالعه بر حسب نوع شغل آن‌ها نشان داد که ۱۰۰ درصد از سالمندان ساکن خانه سالمندان مورد مطالعه در شهرستان میانه در گذشته به کار خانه‌داری مشغول بوده‌اند در صورتی که ۷۰ درصد سالمندان زن عادی خانه‌دار هستند و ۳۰ درصد بقیه بازنشسته و حقوق بگیر می‌باشند.

بررسی شرکت در مراسمات توسط سالمندان زن مورد مطالعه نشان داد که سالمندان (شهروندان عادی) تمایل بیشتری را نسبت ساکن خانه سالمندان به برای شرکت در مراسمات مختلف از خود نشان می‌دهند. همچنین سالمندان عادی نقش بیشتری را نسبت به سالمندان ساکن خانه سالمندان در مورد تصمیم‌های خانواده ایفا می‌کنند. به عبارت دیگر سالمندان ساکن خانه سالمندان کمتر از سوی خانواده خود در تصمیم‌گیری‌ها شرکت داده می‌شوند.

نتایج حمایت مالی صورت گرفته توسط گروه‌های مختلف از سالمندان مورد مطالعه در شهرستان میانه یافته‌های آن حاکی از آن است تنها پنج نفر از سالمندان سالمندان ساکن خانه سالمندان از طرف خانواده به صورت خیلی زیاد حمایت مالی می‌شوند ولی عادی ها ، حمایت مالی بیشتری را از خانواده دریافت می‌کنند. همچنین سالمندان (شهروندان عادی) حمایت مالی از طرف دوستان را بیشتر از سایر موارد اعلام نموده‌اند هر چند که سالمندان سالمندان ساکن خانه سالمندان علاوه بر حمایت مالی خانواده از حمایت نسبی سایر گروه‌های ذکر شده برخوردار هستند.

با توجه به اینکه معیار سنجش از سالمندان بر اساس لیکرت پنج سطحی بوده است بنابراین اطلاعات دریافتی از سالمندان مورد مطالعه نشان داد که سالمندان سالمندان ساکن خانه سالمندان به میزان ۳/۷۷ از حداکثر پنج، از محیط زندگی خود راضی هستند. میزان رضایت از محیط زندگی کمتر از زنان سالمند عادی بود که مقدار رضایت آنان از محیط زندگی خود ۳/۸۶ از حداکثر پنج بود همچنین ۶۸ درصد از ساکنان خانه سالمندان میزان رضایت از محیط زندگی خود را در حد پایین، ۲۰ درصد در حد متوسط و ۶ درصد در حد بالا دانسته‌اند. در مورد سالمندان عادی نیز مشخص شد که ۴ درصد در حد پایین، ۷۰ درصد در حد متوسط و ۲۶ درصد در حد بالا می‌باشند.



۳-۷- فرضیه‌های تحقیق

۳-۷-۱- فرضیه اول: بین سالمندان زن عادی با سالمندان زن ساکن خانه سالمندان اختلاف معنی‌داری از نظر انسجام اجتماعی وجود دارد. در این پژوهش، به منظور پی بردن به احتمال وجود تفاوت معنی‌دار در هر یک از متغیرهای مورد مطالعه در بین سالمندان (ساکن خانه سالمندان) و زنان سالمند عادی به انجام آزمون χ^2 اقدام گردید. با توجه به مندرجات جدول ۷-۱۳، بین سالمندان زن (ساکن خانه سالمندان) و زنان سالمند عادی از لحاظ انسجام اجتماعی تفاوت معنی‌داری وجود دارد. بنابراین فرضیه اول تأیید می‌گردد. به عبارت دیگر، با توجه به میانگین نمرات سالمندان زن (ساکن خانه سالمندان) (۳/۳۰۰)، نسبت به میانگین زنان سالمند عادی (۳/۳۰۶)، سالمندان زن (ساکن خانه سالمندان) از انسجام اجتماعی کمتری نسبت به سالمندان زن عادی برخوردارند.

جدول ۷-۱۳- اختلاف بین سالمندان (ساکن خانه سالمندان) و زنان سالمند عادی از نظر انسجام اجتماعی

متغیرها	متغیر وابسته	مجموع مجذورات	درجه آزادی	میانگین مجذورات	شاخص χ^2	سطح معنی‌داری
سالمندان	انسجام اجتماعی	۲۳۶۱/۹۶	۱	۲۳۶۱/۹۶	۲۲۳/۵۸۲	۰/۰۰۰
خطا	-	۱۰۳۴/۰۴	۹۸	۱۰/۵۵۱		
کل	-	۴۹/۲۳	۹۹			

۳-۷-۲- فرضیه دوم: سالمندان زن عادی در مقایسه با سالمندان زن ساکن خانه سالمندان دارای مشارکت اجتماعی بالاتری هستند. همان طور که در جدول ۷-۱۴ نشان داده شده است، χ^2 میزان سالمند عادی ه شده از نظر مشارکت اجتماعی بین سالمندان (ساکن خانه سالمندان) و زنان سالمند عادی برابر با ۱۰/۸۹۳ است که در سطح احتمال $P=۰/۰۰۱$ معنی‌دار می‌باشد. این یافته حاکی از آن است که بین دو گروه مورد مطالعه از لحاظ مشارکت اجتماعی تفاوت معنی‌دار وجود دارد. به عبارت دیگر، با توجه به میانگین نمرات مشارکت اجتماعی سالمندان زن (ساکن خانه سالمندان) (۳/۳۵۱)، نسبت به میانگین زنان سالمند عادی (۳/۵۷۱)، سالمندان زن عادی در مقایسه با سالمندان زن (ساکن خانه سالمندان) از مشارکت اجتماعی بالاتری برخوردارند. لذا فرضیه دوم نیز تأیید می‌گردد.

جدول ۷-۱۴- اختلاف بین سالمندان (ساکن خانه سالمندان) و زنان سالمند عادی از نظر مشارکت اجتماعی

متغیرها	متغیر وابسته	مجموع مجذورات	درجه آزادی	میانگین مجذورات	شاخص χ^2	سطح معنی‌داری
سالمندان	مشارکت اجتماعی	۲۳۷/۱۶	۱	۲۳۷/۱۶	۱۰/۸۹۳	۰/۰۰۱
خطا	-	۲۱۳۳/۶۸	۹۸	۲۱/۷۷۲		
کل	-	۲۳۷۰/۸۴	۹۹			

۳-۷-۳- فرضیه سوم: بین سالمندان زن عادی در مقایسه با سالمندان زن ساکن خانه سالمندان از نظر پذیرش اجتماعی تفاوت وجود دارد. همان طور که در جدول ۷-۱۵ نشان داده شده است، χ^2 میزان سالمند عادی ه شده از نظر پذیرش اجتماعی بین سالمندان (ساکن خانه سالمندان) و زنان سالمند عادی برابر با ۱۱/۹۲۱ است که در سطح احتمال $P=۰/۰۰۱$ معنی‌دار می‌باشد. این یافته حاکی از آن است که بین دو گروه مورد مطالعه سالمندان زن (ساکن خانه سالمندان) و زنان سالمند (ساکن خانه سالمند عادی) از لحاظ پذیرش اجتماعی تفاوت معنی‌دار وجود دارد، لذا فرضیه سوم نیز تأیید می‌گردد.



جدول ۷-۱۵- اختلاف بین سالمندان (ساکن خانه سالمندان) و زنان سالمند عادی از نظر پذیرش اجتماعی

متغیرها	متغیر وابسته	مجموع مجذورات	درجه آزادی	میانگین مجذورات	شاخص t	سطح معنی داری
سالمندان	پذیرش اجتماعی	۴۶/۲۴	۱	۴۶/۲۴	۱۱/۹۲۱	۰/۰۰۱
خطا	-	۳۸۰/۱۲	۹۸	۳/۸۷۹		
کل	-	۴۲۶/۳۶	۹۹			

۷-۳-۴- فرضیه چهارم: بین سالمندان زن عادی و سالمندان زن ساکن خانه سالمندان اختلاف معنی داری از نظر شکوفایی اجتماعی وجود دارد.

با توجه به مندرجات جدول ۷-۱۶، بین سالمندان زن (ساکن خانه سالمندان) و زنان سالمند عادی از لحاظ شکوفایی اجتماعی تفاوت معنی داری وجود دارد. بنابراین فرضیه چهارم تأیید می‌گردد. به عبارت دیگر، با توجه به میانگین نمرات شکوفایی اجتماعی سالمندان زن (ساکن خانه سالمندان) (۳/۵۵۰)، نسبت به میانگین زنان سالمند عادی (۳/۸۹۰)، سالمندان زن (ساکن خانه سالمندان) از شکوفایی اجتماعی کمتری نسبت به سالمندان زن عادی برخوردارند.

جدول ۷-۱۶- اختلاف بین سالمندان (ساکن خانه سالمندان) و زنان سالمند عادی از نظر شکوفایی اجتماعی

متغیرها	متغیر وابسته	مجموع مجذورات	درجه آزادی	میانگین مجذورات	شاخص t	سطح معنی داری
سالمندان	شکوفایی اجتماعی	۴۶/۲۴۰	۱	۴۶/۲۴۰	۱۲/۱۰۶	۰/۰۰۱
خطا	-	۳۷۴/۳۲	۹۸	۳/۸۲۰		
کل	-	۴۲۰/۵۶	۹۹			

۷-۳-۵- فرضیه پنجم: بین سالمندان زن عادی در مقایسه با سالمندان زن ساکن خانه سالمندان از نظر انطباق اجتماعی تفاوت وجود دارد.

همان طور که در جدول ۷-۱۷ نشان داده شده است، t مزنان سالمند عادی ه شده از نظر همبستگی اجتماعی بین سالمندان (ساکن خانه سالمندان) و زنان سالمند عادی برابر با ۶/۵۱۳ است که در سطح احتمال $P=۰/۰۱۲$ معنی دار می‌باشد. این یافته حاکی از آن است که بین دو گروه مورد مطالعه سالمندان زن (ساکن خانه سالمندان) و زنان سالمند (زنان سالمند عادی) از لحاظ همبستگی اجتماعی تفاوت معنی دار وجود دارد، لذا فرضیه پنجم نیز تأیید می‌گردد.

جدول ۷-۱۷- اختلاف بین سالمندان (ساکن خانه سالمندان) و زنان سالمند عادی از نظر همبستگی اجتماعی

متغیرها	متغیر وابسته	مجموع مجذورات	درجه آزادی	میانگین مجذورات	شاخص t	سطح معنی داری
سالمندان	همبستگی اجتماعی	۲۱/۱۶	۱	۲۱/۱۶	۶/۵۱۳	۰/۰۱۲
خطا	-	۳۱۸/۴۰	۹۸	۳/۲۴۹		
کل	-	۳۳۹/۵۶	۹۹			



۸- نتیجه‌گیری و پیشنهادها

مسأله اصلی این تحقیق، مشخص کردن نقش دانشگاه اخلاق مدار در سلامت اجتماعی افراد گروه های مطرود با نگرشی تطبیقی بر سلامت اجتماعی زنان ساکن خانه سالمندان و زنان سالمند عادی بود. لذا سلامت اجتماعی افراد مورد نظر، با توجه به زیر شاخه‌های پنج‌گانه سلامت اجتماعی که شامل انسجام اجتماعی، مشارکت اجتماعی، پذیرش اجتماعی، شکوفایی اجتماعی و همبستگی اجتماعی می‌باشد، مورد بررسی قرار گرفت.

نتایج بررسی نشان داد که ۳۰ سالمندان (ساکن خانه سالمندان) مجرد بود و شوهر خویش را از دست داده‌اند ولی در سالمندان ساکن با خانواده زنان سالمند عادی تنها ۲۰ درصد از آنان مجرد بوده و بقیه دارای همسر می‌باشند.

وضعیت تحصیلی سالمندان مورد مطالعه نیز نشان داد که هیچ یک از (ساکن خانه سالمندان) بی‌سواد نبوده و حداقل دارای سطح تحصیلات ابتدایی هستند. در زنان سالمند زنان سالمند عادی، افراد بی‌سواد تا افرادی با سطح تحصیلات لیسانس و بالاتر نیز یافت شدند. در این پژوهش سعی بر آن شد که سالمندان مورد مطالعه از نظر زیرشاخه‌های پنج‌گانه سلامت اجتماعی نیز مورد مقایسه قرار بگیرند که نتایج آن در زیر ارائه گردیده است.

فرضیه اول: بین سالمندان زن عادی با سالمندان زن ساکن خانه سالمندان اختلاف معنی‌داری از نظر انسجام اجتماعی وجود دارد. نتایج آزمون t ، نشان داد که بین سالمندان زن (ساکن خانه سالمندان) و زنان سالمند عادی از لحاظ انسجام اجتماعی تفاوت معنی‌داری وجود دارد. بنابراین فرضیه اول تأیید می‌گردد. به عبارت دیگر، با توجه به میانگین نمرات سالمندان زن (ساکن خانه سالمندان) نسبت به میانگین زنان سالمند عادی، سالمندان زن (ساکن خانه سالمندان) از انسجام اجتماعی کمتری نسبت به سالمندان زن عادی برخوردارند. انسجام اجتماعی را به صورت ارزیابی فرد از کیفیت روابط خود در گروه‌های اجتماعی ذکر کرده‌اند. با توجه به این که سالمندان زنان سالمند عادی دارای سطح تحصیلات بالاتر بودند، لذا این افراد ممکن است ارتباطات بین فردی و گروهی بیشتری داشته باشند و امکان حضور این افراد در مجامع و تشکل‌های گوناگون بیشتر و در نتیجه فرصت بیشتری برای ارتقای انسجام اجتماعی خود خواهند داشت. مطالعه هارلی و اسکنازی (۲۰۰۶) این موضوع را تأیید کرده است.

فرضیه دوم: سالمندان زن عادی در مقایسه با سالمندان زن ساکن خانه سالمندان دارای مشارکت اجتماعی بالاتری هستند. نتایج به دست آمده، حاکی از آن است که بین دو گروه مورد مطالعه از لحاظ مشارکت اجتماعی تفاوت معنی‌دار وجود دارد. به عبارت دیگر، با توجه به میانگین نمرات مشارکت اجتماعی سالمندان زن (ساکن خانه سالمندان) (۳/۳۵۱)، نسبت به میانگین زنان سالمند عادی (۳/۵۷۱)، سالمندان زن عادی در مقایسه با سالمندان زن (ساکن خانه سالمندان) از مشارکت اجتماعی بالاتری برخوردارند. باید توجه داشت که مشارکت اجتماعی زمانی بهبود می‌یابد که یک فرد بتواند با جامعه اطرافش همراهی کند لذا می‌توان عنوان نمود که زنان سالمند عادی در ارتباط با اعضای خانواده و همچنین محیط اجتماعی خود، توانایی بیشتری در همراهی افراد دارند که این نتایج با نتایج کینیر (۱۹۹۸) همخوانی دارد.

فرضیه سوم: بین سالمندان زن عادی در مقایسه با سالمندان زن ساکن خانه سالمندان از نظر پذیرش اجتماعی تفاوت وجود دارد. یافته‌های تحقیق حاکی از آن بود که بین دو گروه مورد مطالعه سالمندان زن (ساکن خانه سالمندان) و زنان سالمند عادی از لحاظ پذیرش اجتماعی تفاوت معنی‌دار وجود دارد. از آن جایی که پذیرش اجتماعی به قبول اجتماع و افراد موجود در آن اجتماع برمی‌گردد، می‌توان این طور استنباط کرد که سالمندان متأهل که همسر خود را در کنارشان دارد احساس می‌کنند در روابط بین فردی خود در اجتماع، مشکل کمتر دارند و افراد، محیط اجتماعی اطراف خود را بهتر می‌پذیرند. وحدانی‌نیا و همکاران چنین نتایجی را نیز گزارش نموده‌اند.

فرضیه چهارم: بین سالمندان زن عادی و سالمندان زن ساکن خانه سالمندان اختلاف معنی‌داری از نظر شکوفایی اجتماعی وجود دارد. نتایج نشان داد که بین سالمندان زن (ساکن خانه سالمندان) و زنان سالمند عادی از لحاظ شکوفایی اجتماعی تفاوت معنی‌داری وجود دارد. به عبارت دیگر، سالمندان زن (ساکن خانه سالمندان) از شکوفایی اجتماعی کمتری نسبت به سالمندان زن عادی برخوردارند. دانستن و اعتقاد داشتن به این که جامعه به شکل مثبتی در حال رشد است و همچنین جامعه پتانسیل رشد به شکل مثبت را دارد. به عبارت دیگر،



شکوفایی اجتماعی معادل مفهوم خود تعیین گری و رشد شخصی در سلامت روانی است. خود تعیین گری به این معناست که فردی که از رشد شخصی برخوردار است باور دارد که خود سازنده سرنوشت خویش است خود را در حال تحول مستمر و دارای نیروهای بالقوه می داند که تلاش می کند تا این نیروها را شکوفا کند. بنابراین سالمندان زنان سالمند عادی دارای توان و باور بیشتری از جهت رشد شخصی برخوردار است و این اعتقاد را دارند که خود سازنده سرنوشت خویش می باشند که با نتایج شاپیرو و کیسی (۲۰۰۴) نیز همخوانی دارد.

فرضیه پنجم: بین سالمندان زن عادی در مقایسه با سالمندان زن ساکن خانه سالمندان از نظر انطباق اجتماعی تفاوت وجود دارد. با توجه به نتایج به دست آمده، بین دو گروه مورد مطالعه سالمندان زن (ساکن خانه سالمندان) و زنان سالمند زنان سالمند عادی از لحاظ همبستگی اجتماعی تفاوت معنی دار وجود دارد. همبستگی اجتماعی که در آن فرد خود را عضوی از اجتماع پیرامون خود دانسته و دارای انطباق می بیند، طبیعی است که این حس در افراد (ساکن خانه سالمندان) نسبت به زنان سالمند عادی کمتر وجود دارد. این نتیجه با نتایج شاپیرو و کیسی (۲۰۰۴) همخوانی دارد.

یافته های پژوهش نشان داد که سالمندان (ساکن خانه سالمندان) از نظر سلامت اجتماعی نسبت به سالمندان زن عادی دارای تفاوت معنی داری هستند به طوری که سالمندان زن (ساکن خانه سالمندان) از سلامت اجتماعی به مراتب پایین تری نسبت به سالمندان زن عادی برخوردار هستند که نتایج بری و همکاران (۲۰۰۶) نیز این موضوع را تأیید می کند.

پیشنهاد ها

- در شرایط فعلی، کشور نیازمند دانش آموختگانی خلاق و نوآور است که با بهره گیری از دانش خود بتوانند به تولید علم، خلق ثروت و رفاه اجتماعی بپردازند. آینده نگری و رسیدن به مرجعیت علمی در آموزش سلامت اجتماعی، حرکت به سوی دانشگاه های نسل سوم و چهارم، آموزش پاسخگو و عدالت محور، آمایش سرزمینی، اعتلای اخلاق حرفه ای، بین المللی سازی آموزش علوم و توسعه آموزش مجازی از مهمترین محورهای آن است. اساتید و دانشجویان در کنار علم آموزی، به انتقال مفاهیم ناب اخلاقی نیز توجهی جدی داشته باشند چرا که جمهوری اسلامی ایران، سرمایه و نعمتی عظیم از نیروهای زبده، خبره و جوانانی مستعد را در اختیار دارد؛ این ثروت ارزشمند در حوزه سلامت اجتماعی بسیار پررنگ است.

- امروزه افزایش امید به زندگی و کاهش باروری کلی، موجب افزایش درصد سالمندان در کل جمعیت شده است لذا بر همین اساس جمعیت جهان به سرعت در حال پیر شدن می باشد. در ایران نیز افزایش امید به زندگی در پنج دهه اخیر سبب افزایش مداوم نسبت سالمندان شده است، در سرشماری عمومی نفوس و مسکن در سال ۱۳۹۰ درصد سالمندان بالاتر از ۶۰ سال به حدود ۸,۲۶ درصد در کل جمعیت کشور رسید و تخمین زده شده است این میزان تا سال ۲۰۵۰ میلادی به حدود ۲۶ درصد کل جمعیت کشور افزایش می یابد. با افزایش تعداد سالمندان مساله بهداشت، سلامت و تامین آسایش و رفاه آنان در جامعه هر روز ابعاد تازه و گسترده ای پیدا می کند. بنابراین لازم است همه افراد به نحوی زندگی کنند که در آینده سالمندان سالمی باشند و بتوانند در زمینه های اجتماعی و اقتصادی فعال باشند. برای نیل به این اهداف مسئولین و سازمان های مرتبط با سالمندان می بایست بیش از گذشته در راه برنامه ریزی برای سالمندان و تأمین نیازهای آنان جدیت به خرج داده واز حالا به فکر مقابله با بحران سالمندی سال های آینده باشند. به منظور تأمین مولفه های سالمندی موفق و سالم، برخی کشورها مانند فرانسه، انگلیس، استرالیا، چین، هندوستان و ... اقدام به تأسیس دانشگاهی تحت عنوان دانشگاه نسل سوم (U3A)، به عنوان مجموعه آموزشی جهت سالمندان نمودند. هدف از تأسیس این دانشگاه این بود که سالمندان تشویق شوند تا در زمان بازنشستگی فعال و کارا باقی بمانند و یادگیری را در زندگی ادامه دهند. با توجه به تجربه موفق برخی کشورها بایستی دانشگاه ها در این زمینه و با توجه به کم رنگ بودن نقش سالمندان در فعالیتهای اجتماعی، با کمک گروه های سلامت خانواده، با همکاری مرکز تحقیقات سالمندی و دانشکده های پرستاری و مامائی و بهداشت و همچنین همت اعضای هیئت علمی دانشگاه ویژه نسل سوم (سالمندان) را طراحی و اجرا نماید. تا از این طریق می توان به این سرمایه های پنهان که در گذشته موجب تحول و پویایی در کشور بوده اند، ضمن برگرداندن عزت و احترام از دست رفته آنان، شرایط باز گشت به متن جامعه نیز فراهم و در جهت ارتقای آگاهی این عزیزان و به روز شدن آنان گام برداشته شود.



- ناآگاهی پرستاران و پزشکان از مسائل حقوقی و اخلاقی مراقبت از سالمندان، باعث آسیب جسمی و روحی سالمندان می‌شود. مطالعه ای که با هدف بررسی میزان آگاهی پرستاران از مسائل اخلاقی و حقوقی مراقبت از سالمندان شهر کاشان در سال ۱۳۹۲ انجام شد. نشان می‌دهد در مجموع دانش پرستاران از مسائل اخلاقی و حقوقی مراقبت از سالمندان کم‌تر از حد مطلوب بود. تفاوت معناداری بین دانش پرستاران در زمینه مسائل اخلاقی و حقوقی مراقبت از سالمندان با تحصیلات کارشناسی و کارشناسی ارشد و داشتن یا نداشتن سابقه آموزش در حیطه مراقبت از سالمندان دیده شد.

با توجه به این‌که مراقبت استاندارد در سایه آگاهی مناسب پرستار صورت می‌گیرد، پیشنهاد می‌شود که آموزش‌های لازم، به صورت برگزاری کلاس، کارگاه و برنامه‌های بازآموزی توسط دانشگاه‌های علوم پزشکی و توانبخشی انجام گیرد.

- ارتباط با سالمندان شرایطی را می‌طلبد که مراقبت‌کنندگان تیم بهداشتی بایستی از آن مطلع باشند و یکی از مهم‌ترین این نیازها توجه به مفهوم منزلت سالمندان است. از این رو پژوهشگران دانشگاهی بایستی، مطالعات مروری با هدف تعیین مفهوم منزلت سالمندان را انجام دهند یافته‌های چند مطالعه نشان می‌دهد مفهوم منزلت سالمند یک تجربه ذهنی و اخلاقی است که سالمند در حلقه نخست به واسطه انسان بودن آن را دارا می‌باشد و روابط با دیگران می‌تواند آن را تهدید کرده یا ارتقا بخشد. مفهوم منزلت سالمندان به واسطه عواملی چون مراقبت فردگرایی و اختصاصی، بازگرداندن خودکنترلی و اختیار، استقلال، احترام، گوش دادن توأم با حساسیت و حمایت از سالمند شکل می‌گیرد. واضح و شفاف سازی مفهوم منزلت در مراقبت از یک سو سبب آشنایی و درک هرچه بهتر مراقبت‌دهندگان از مفهوم مورد نظر در مورد سالمندان شده و از طرف دیگر سبب دامنه اخلاقی مراقبت را مورد توجه قرار داده و سبب ارتقای کیفیت مراقبت می‌گردد، به طوری که مراقبت‌دهندگان به شکل فردی و منحصر به فرد سالمندان را مورد حمایت خود قرار داده و این مساله از ایجاد رفتارهای یکسان و روتین در سالمندان پیشگیری می‌نماید.

- سالمندان به موازات پیر شدن، باتوجه به تغییرات روانی و جسمی که نتیجه افزایش سن می‌باشد، خلیات خاصی پیدا می‌کنند که متفاوت از دیگر دوره‌های زندگی می‌باشد. درک این تفاوت و برخورد متناسب مبتنی بر شرایط و موقعیت از اهمیت والایی برخوردار است. بستر سازی در حوزه ارتقاء اعتماد پایدار در میان نسل جوان و نوجوان نسبت به زندگی اجتماعی، و جامعه. که نیاز به برنامه ریزی حوزه آموزش عالی و آموزش و پرورش در راستای تقویت اعتماد اجتماعی مستمر و پایدار در بین نسل جوان و نوجوان و تدوین سیاست‌های اجتماعی و فرهنگی در حوزه تقویت عرصه‌های مختلف مشارکت پایدار خانواده از سوی دستگاه‌های دولتی و غیر دولتی، بدون ترس و وا همه از پالش‌های سیاسی در جامعه. که منجر به اتخاذ تدابیر اجتماعی، اقتصادی، سیاسی در حوزه تقویت رضایت از زندگی و ارتقاء کیفیت زندگی تمام اقشار جامعه به خصوص بر روی اعضای خانواده خواهد شد.

- بستر سازی پایدار فرهنگی توسط دانشگاه‌ها و مراکز آموزشی اخلاق مدار در حوزه تقویت باورهای معنوی جهت نظارت بر رفتارها اجتماعی و پیشگیری از رفتارهای آسیب‌زا در خانواده و برنامه ریزی پایدار جهت برقراری عدالت آموزشی برای تمام سطوح طبقاتی خانواده ایرانی در هر نقطه از جامعه.

- تدوین راهکارهای آموزشی، فرهنگی و اجتماعی برای تقویت تعاملات اجتماعی مطلوب در میان اعضای خانواده و برنامه ریزی‌های پایدار در تمام عرصه‌های مختلف جامعه برای پرورش، بکارگیری و بهره‌مندی از استعدادها، خلاقیت‌ها، توانمندی‌های نسل جوان و نوجوان با همراهی اعضای سالمند خانواده.

- اتخاذ تدابیر فرهنگی و آموزشی در حوزه خانواده‌ها جهت حمایت‌های اجتماعی پایدار از نسل جوان و نوجوان با تدوین برنامه ریزی‌های آموزشی، فرهنگی، معنوی و روانی در حوزه یادگیری مستقیم و غیر مستقیم در میان نسل جوان از سوی نهادهای آموزشی، دولتی، حکومتی و مردم نهاد.

- برنامه ریزی فرهنگی، آموزشی، و... به صورت مستقیم و غیر مستقیم از سوی مراکز آموزشی اخلاق مدار جهت نهادینه سازی و جامعه پذیری روح جمعی و تقویت همبستگی اجتماعی اعضای خانواده و تدوین راهبردها، و راهکارهای اجتماعی، روانشناختی برای خانواده جهت بهره‌مندی از آسایش روانی و رفاه اجتماعی.



منابع

- اصلانی، ش.، برون، ل.، بیلی تونه، ن. و همتیان چهلرده چریکی، س. ۱۳۸۲. بررسی و مقایسه سلامت روان زنان و مردان سالمند ساکن شهرستان اهواز. پایاننامه کارشناسی، دانشگاه آزاد اسلامی، اهواز.
- اوربا، چ. آ. ۱۳۸۷. مشاور با سالمندان، ترجمه خدابخشی کولانی، آ. چاپ اول، تهران، انتشارات جنگل. ۲۰۰ صفحه.
- بختیاری، س.، قادری کیا، م.، یوسفی، ق. و کرد زنگنه، آ. ۱۳۸۳. مقایسه افسردگی در سالمندان مرد و زن ساکن سرای سالمندان شهر اهواز. پایان نامه کارشناسی دانشگاه آزاد اسلامی، اهواز.
- پاشا، غ.، صفرزاده، س. و مشاک، ر. ۱۳۸۶. مقایسه سلامت عمومی و حمایت اجتماعی بین سالمندان سالن خانه سالمندان و سالمندان شاهد. فصلنامه خانواده پژوهی. ۳(۹): ۵۱۷-۵۰۳.
- تاجور، م. ۱۳۸۲. بهداشت سالمندان و مروری بر جنبه‌های مختلف زندگی آنان. انتشارات نسل فردا. ۱۳۷ صفحه.
- حاتمی، پ. ۱۳۸۹. بررسی عوامل موثر بر سلامت اجتماعی دانشجویان با تاکید بر شبکه‌های اجتماعی. پایان نامه کارشناسی ارشد مددکاری اجتماعی. دانشکده علوم اجتماعی. دانشگاه علامه طباطبائی.
- حسینی، س. م.، رضایی، ا. و کیخسروی بیگزاده، ز. ۱۳۹۰. مقایسه‌ی حمایت اجتماعی و رضایت از زندگی و افسردگی و شادکامی در سالمندان زن و مرد. فصلنامه جامعه‌شناسی زنان. ۲(۴): ۱۴۳-۱۶۲.
- چاوشیان، ح. ۱۳۸۶. جامعه‌شناسی. انتشارات نشر نی. ۴۲۴ صفحه.
- حسینی، ص.، خوش کنش، ا. و تقی پور، پ. ۱۳۹۱. بررسی تاثیر واقعیت درمانی گروهی بر سلامت روانی سالمندان مقیم آسایشگاه شهید هاشمی نژاد کهریزک. مجله سالمندی ایران. ۷(۲۴): ۲۴-۱۶.
- حسینی، م.، داخته‌هارونی، م.، یغمایی، ف. و علوی مجد، ح. ۱۳۹۰. بررسی میزان همبستگی حمایت اجتماعی و سلامت سالمندان در مناطق منتخب شهر تهران. فصلنامه پرستاری و مامایی. ۲۱(۷۳): ۲۵-۳۰.
- خلیلی، ف.، سام، ش.، شریفی‌راد، غ.، کاظمی، ا. و حسن‌زاده، م. ۱۳۹۰. بررسی ارتباط حمایت اجتماعی درک شده با سلامت اجتماعی سالمندان شهر اصفهان. مجله تحقیقات نظام سلامت. ۷(۶): ۱۲۲۵-۱۲۱۶.
- خزنی، صبریه، مرضیه شایسته فرد، منصوره سعیدالذاکرین و بهمن چراغیان (۱۳۹۲) جو اخلاق سازمانی واقعی و ایده‌آل از دید پرستاران بیمارستانهای آموزشی دانشگاه علوم پزشکی اهواز، مجله ایرانی اخلاق و تاریخ پزشکی، ۲۶(۲): ۹۹-۱۱۰.
- رضایی، س. و منوچهری، م. ۱۳۸۷. بررسی و مقایسه اختلالات روانی سالمندان ساکن در خانه و سالمندان ساکن در سرای سالمندان در شهر تهران، مجله سالمندی ایران. ۳(۷): ۲۵-۱۶.
- سام آرام، عزت الله، از غرب خانه عشایری تا سرای سالمندان خصوصی تهران فصل نامه علوم اجتماعی مقاله ۷، دوره ۲، شماره ۳، ۴، بهار ۱۳۷۲، صفحه ۱۶۵-۱۵۴
- سجادی، ح. و صدرالسادات، س. ۱۳۸۳. شاخص‌های سلامت اجتماعی؛ مجله سیاسی اقتصادی. ۱۹(۳۰۴): ۲۴۴-۲۵۳.
- سرابی، م.، ذوالفقاری، پ.، مهدی‌زاده، ف.، قاسمیان‌آق، س.، مشهدی، م.، شریعتی، ز. و خسروی، ا. ۱۳۸۷. بررسی مقایسه ای وضعیت شناختی و افسردگی سالمندان مقیم سرای سالمندان و ساکن منازل شخصی، مجله دانش و تندرستی. ۳(۲): ۳۱-۲۷.
- ضیائی، محمدصادق و جواد نرگسیان (۱۳۸۹) بررسی رابطه بین سبک رهبری تحول آفرین و کاهش تحلیل رفتگی کارکنان کتابخانه های دانشگاه شهید بهشتی تهران، نشریه تحقیقات کتابداری و اطلاع رسانی دانشگاهی، ۴۴(۲): ۱۳-۳۳.
- سیف‌زاده، ع. ۱۳۸۷. مشخصه‌های اقتصادی، اجتماعی، جمعیتی و سلامت روانی در کهنسالی. فصلنامه جمعیت. ۶۳و۶۴: ۱۲۷-۱۶۲.
- عنایتی، ترانه و علیرضا عالیپور (۱۳۹۳) پیشنهاد مدل مراکز رشد زایشی علوم انسانی دانشگاهی حرکت به سمت دانشگاه‌های نسل چهارم، نشریه رشد فناوری، تابستان، ۱۳۹۰؛ ۲۰-۲۸
- قنبری‌هاشم‌آبادی، ب.، مجرد کاهانی، ا. و قنبری هاشم‌آبادی، م. ۱۳۹۱. رابطه بین حمایت روانی- اجتماعی فرزندان با سلامت روان سالمندان. پژوهش در علوم توانبخشی. ۸(۶): ۱۱۲۳-۱۱۳۱.
- کریمی، م.، اسماعیلی، م. و آربین، س. ۱۳۸۹. اثر بخشی درمان مرور زندگی بر کاهش شدت افسردگی زنان سالمند. مجله سالمند. ۵(۱۶): ۴۵-۴۱.



کنگرو، م. ۱۳۸۷. بررسی میزان سلامت اجتماعی دانشجویان شاهد و غیر شاهد. پایان نامه کارشناسی ارشد مددکاری اجتماعی. دانشگاه علامه طباطبایی.

مهرعلیزاده، یداله، حسین سپاسی و فرانک امیدیان (۱۳۸۴) بررسی رابطه بین جو سازمانی دانشگاه و مشارکت اعضای هیئت علمی در تصمیم گیری های دانشگاهی، نشریه پژوهش و برنامه ریزی در آموزش عالی، بهار و تابستان، ۱(۱)۱۱: ۳۶-.

مرادی نژاد، سپیده و همکاران (۱۳۸۹)، تاثیر خاطره گویی بر سلامت روانی سالمندان، مجله سالمند. ۵(۱۷): ۶۶-۶۰.

مرکز آمار ایران. ۱۳۹۰. نتایج سرشماری عمومی نفوس مسکن. بازیابی شده از سایت <http://www.amar.org.ir/>

مقصودنیا، ش. و اکبرپور، ش. ۱۳۸۵. مراقبت‌های بهداشتی اولیه در سالمندان ایران. انتشارات دانشگاه علوم بهزیستی و توانبخشی. ۲۰۶ صفحه.

ملکوتی، س.، فتح الهی، پ.، میرابزاده، آ.، صلواتی، م. و کهانی، ش. ۱۳۸۵. هنجارهای مقیاس افسردگی سالمندان (GDS)؛ فرم ۱۵ سوالی در ایران. پژوهش در پزشکی. ۳۰(۴): ۳۶۹-۳۶۱.

منتظری، ع. ۱۳۸۷. مؤلفه‌های اجتماعی سلامت. انتشارات جهاد دانشگاهی. ۱۸۹ صفحه.

مومنی، خ. و کریمی، ج. ۱۳۸۹. مقایسه سلامت روانی سالمندان مقیم و غیر مقیم سرای سالمندان شهر کرمانشاه. نشریه بهبود. ۴(۱۴): ۳۳۵-۳۲۸.

میشارا، ب. و روبرت، ج. ۱۳۶۷. روان شناسی پیری. ترجمه ی گنجی، ح.، داویدیان، ا. و حبیبی، ف. انتشارات اطلاعات. ۳۱۱ صفحه.

نایی، ه. ۱۳۸۳. پیمایش در تحقیقات اجتماعی. ترجمه. نشر نی. ۳۶۸ صفحه.

یارمحمدی، پ. و رهایی، ز. ۱۳۸۹. بررسی وضعیت سلامت عمومی دانش آموزان دوره متوسطه شهر شهرکرد در سال ۸۸. مجله دانش و تندرستی.

۵: ۱۹۴-۱۹۵.

Ali Pour, A. ۲۰۰۶. The relationship of social support with immune parameters in healthy individuals: Assessment of the main effect model . Iraninan Psychiatry and Clinical Psychology. ۱۲(۲): ۱۳۴-۹.

Bakhshani, N. M., Birashk, B., Atef Vahid, M. K. and Bolhari, J. ۲۰۰۴. Correlation of social support and negative life events with depression. Iraninan Psychiatry and Clinical Psychology. ۹(۲): ۴۹-۵۵.

Bovier, P. A., Chamot, E., Perneger, T. V. ۲۰۰۴. Perceived stress, internal resources, and social support as determinants of mental health among young adults. Qual Life Res. ۱۳(۱): ۱۶۱-۷۰.

Cohen, M. A., Fredrickson, B. L., Brown, S. L. and Mikels, J. A. ۲۰۰۹. Positive emotions increase life satisfaction by building resilience. American Psychological Association. ۳: ۳۶۱-۳۶۸.

Ganster, D. C. and Victor, B. ۱۹۸۸. The impact of social support on mental and physical health. British Journal of Medical psychology. ۶۱: ۱۷-۳۶.

Kaplan, H. I. and Sadock, B. J., Concro, R. and Grebb, J. A. ۱۹۹۸. synopsis of psychiatry: behavioral sciences, clinical psychiatry. ۸th ed. Philadelphia, PA: Williams & Wilkins. ۷۲۵ pp.

Kettl, P. ۱۹۹۸. Alaska native suicide: lessons for elder suicide. International Psychogeriatrics. ۱۰: ۲۰۵-۲۱۱.

Kirkwood, T. B. L. ۱۹۹۶. Mechanisms of ageing. in Ebrahim, S. and kalache, A. editors. Epidemiology in Old Age. BMJ publishing Group. pp: ۳-۱۱.

Kubzansky, L. D., Berkman, L. F. and Seeman, T. E. ۲۰۰۰.

Christian O. Incomplete remission in depression: role of psychiatric and somatic co-morbidity. Dialogues Clin Neurosci, ۲۰۰۸; ۱۰: ۴۵۳-۴۶۰.

Cohen, M. A., Fredrickson, B. L., Brown, S. L. and Mikels, J. A. ۲۰۰۹. Positive emotions increase life satisfaction by building resilience. American Psychological Association. ۳: ۳۶۱-۳۶۸.



Filippo, D De, Casani, F, Sanz-Casado, E, (۲۰۱۵), University excellence initiatives in Spain, a possible strategy for optimising resources and improving local performance, Technological Forecasting & Social Change, Vol. ۱۱۳, Pp. ۱۸۵-۱۹۴.

Fuentes k, Cox JB. prevalence of anxiety disorders in elderly adults: A critical analysis. Journal of behavior therapy and experimental psychiatry ۱۹۹۷; ۲۸: ۲۶۹-۲۷۹.

Iranian Frail Elderly: Qualitative study. Iran Journal of Nursing ۲۰۰۸; ۲۱(۵۵): ۵۵-۶۵. [In Persian].

Lepore SJ, Evans GW, Schneider ML. Dynamic role of social support in the link between chronic stress and psychological distress. J Pers Soc Psychol ۱۹۹۱; ۶۱(۶): ۸۹۹-۹۰۹.

Maltaby, J., Day, L., Mccutcheon, L. E., Gillett, R., Houran, J. and Ashe, D. D. ۲۰۰۴. personality and coping: A context for examining celebrity worship and mental health. British Journal of psychology. ۹۵: ۴۱۱- ۴۲۸.

Meyer, A. R. F., Brunholm, B. and Meyer, K. S. F. ۱۹۹۱. Happiness and domain-specific life satisfaction in adult northern Swedes. Clin Rehabil February ۵(۱): ۲۵-۳۳.

Roukoei. L, Kimiagar. M, Ghafarpour. M. (۲۰۰۶). Old age nutrition in Tehran on ۱۹۹۷. Tehran: Ashena Press: ۲۵۵ p.

Salarvand SH, Abedi H. The Elders' Experiences of Social Support in Nursing Home: A Qualitative Study. Iran Journal of Nursing ۲۰۰۸; ۲۰(۵۲): ۳۹-۵۱. [In Persian].

Seeman, T. E. and Adler, N. ۱۹۹۸. Older Americans: Who will they be? National Forum. ۷۸(۲). ۱۲۲-۱۴۴.

Whitehouse PJ, Deal WE. (۱۹۹۵). Situated beyond modernity: lessons for Alzheimer's disease research. Journal of American Geriatric Society; ۴۳(۱۱): ۱۳۱۴-۱۳۱۵.



واکاوی نقش مادر در بهره مندی بهینه فرزندان از فضای مجازی با توجه به تعالیم اسلامی

زهرا مصدقی؛ دانشجوی کارشناسی ارشد فلسفه تعلیم و تربیت، دانشجو

Mosaddeghi.zahra@gmail.com

علیرضا صادق زاده قمصری؛ دکترای فلسفه تعلیم و تربیت، استادیار

Alireza_sadeqzadeh@gmail.com

چکیده

از جمله دستاوردهای قرن ۲۱ برای بشر، از بین رفتن مرزهای جغرافیایی در استفاده از اطلاعات می‌باشد. با همه گیر شدن فضای مجازی لزوم یادگیری فرهنگ استفاده از آن و همچنین نظارت بیشتر والدین بیش از پیش احساس میشود چرا که آمارها نشان میدهد اکثریت قریب به اتفاق افراد در این فضا حضور دارند به عنوان مثال در سال ۹۴ ضرب نفوذ اینترنت در ایران، به ۸۲٪ رسیده است. و یا در انگلیس ۹۹٪ از کودکان سنین ۱۲-۱۵ سال و ۹۳٪ از کودکان ۸-۱۱ سال و همچنین ۷۵٪ از کودکان ۵-۷ سال از اینترنت استفاده میکنند. بدیهی است حضور در این فضا از یک جنبه مثبت و از دیگر جنبه آسیب زاست؛ چرا که از یک طرف باعث به روز شدن اطلاعات افراد با کمترین هزینه می‌مکن میشود ولی متأسفانه از طرف دیگر باعث خلط اطلاعات صحیح و ناصحیح و افزایش شبهات افراد مخصوصاً در سنین بلوغ و نوجوانی میگردد. در این بین نقش مادر به عنوان فردی که میتواند بیشترین نقش تربیتی را نسبت به فرزند داشته باشد بسیار پررنگ است. پیشفرض نویسنده این مقاله این است که مادر با توانایی‌های ک خداوند درون وی به ودیعه نهاده است میتواند با نظارت موثر، محبت، آگاهی بخشی به فرزندان و... به فرزند خود کمک کرده تا فرصت‌ها و چالش‌های فضای مجازی را بهتر بشناسد و حضور موثری در این فضا داشته باشد، حتی میتواند از ظرفیت‌های این فضا برای تربیت هرچه بهتر فرزندان خود بهره بگیرد. در این پژوهش ابتدا فرصت‌ها و چالش‌های فضای مجازی بیان میگردد، سپس به نقشی که یک مادر میتواند در ارتباط با این فضا و در راستای تربیت هرچه بهتر فرزندان ایفا کند بر اساس تعالیم اسلامی پرداخته میشود. لازم به ذکر است روش استفاده شده در این مقاله روش تحلیلی توصیفی می‌باشد.

واژه‌های کلیدی: فضای مجازی، چالش‌ها، فرصت‌ها، نقش مادری

مقدمه

با ورود به قرن ۲۱ ویژگی‌های جدیدی نسبت به گذشته در حال به وجود آمدن است. ویژگی‌هایی که از آن به عنوان انقلاب ارتباطات یاد می‌شود. در این عصر ابزارهای جدید و نوینی ظهور پیدا کرده اند که در دهه‌های اخیر با شتاب زیادی مورد استفاده ی جوامع قرار گرفته است. هرچند استفاده از این ابزارها اجتناب ناپذیر است و مورد پذیرش جامعه ی بشری نیز قرار گرفته اند(الوندی، سلیمانی، ۱۳۹۵) لکن استفاده بی حد و مرز و بدون کسب آگاهی می‌تواند موجب آسیب‌هایی جدی شود. به همین خاطر در برخی جوامع فیلترهایی برای دسترسی به اطلاعات در نظر گرفته شده که راه حل پایداری نمیتواند باشد چرا که امکان استفاده از فیلتر شکن و هزاران راه در رو برای مخاطبین وجود دارد. لکن با استفاده از راهکارهایی همچون افزایش آگاهی افراد، نظارت مستمر والدین، آموزش تقوای حضور و.. می‌توان به بهره مندی بهتر از این فضا کمک کرد. در این بین یک مادر به عنوان موثرترین عامل در تربیت فرزندان نقش به سزایی دارد. در این پژوهش ابتدا به تعریف فضای مجازی و فرصت‌ها و چالش‌های موجود در این فضا پرداخته؛ سپس به اهمیت نقش مادر در کلام اندیشمندان اسلامی پرداخته می‌شود و در نهایت نقشی که یک مادر می‌تواند در راستای تربیت هرچه بهتر فرزندان در بهره مندی از این فضا ایفا کند؛ مورد بررسی قرار گرفته و راهکارهایی در این خصوص به مادران ارائه می‌گردد.



تعریف فضای مجازی

فضای مجازی به مجموعه ای از ارتباطات انسانها از طریق رایانه و وسایل مخابراتی بدون در نظر گرفتن جغرافیای فیزیکی گفته می شود. cyber پی شوندی است برای توصیف شخص، شیء، معنی، یا فضایی مربوط به دنیای رایانه و اطلاعات. در طی توسعه شبکه اینترنت، واژه های بسیاری با این پیشوند ساخته شده اند از جمله cyberspace (فضای مجازی)، cyber channel (کانال مجازی) و... فضای مجازی در واقع فضایی انباشته از اطلاعات، سرگرمیها، شاخصها، مقیاسها، کنش ها و از همه مهمتر مجموعه ای از عوامل انسانی دگرگون شده و شکل نو یافته. (حاجی ملامیرزایی، حاجی ملامیرزایی، ۱۳۸۸، ص ۸)

ویژگی های فضای مجازی

از جمله ویژگی های فضای مجازی موارد زیر می باشد:

- بی حد و حصر بودن به لحاظ مکانی

امروزه فضای مجازی تمامی مرزهای جغرافیایی را در نوردیده و جزو آسان ترین و سریع ترین طرق دستیابی به اطلاعات محسوب میگردد. فضای مجازی افراد را محدود به مکان خاصی نمی کند و حتی افراد در دورترین نقاط به این فضا دسترسی دارند.

- گمنامی هویت: برعکس فضای حقیقی که هر فرد هویت مشخصی دارد در این فضا فرد سن، جنس و طبقه اجتماعی و فرهنگی اش را آنگونه که دوست دارد معرفی می کند نه آنگونه که در واقعیت بیرونی هست و حتی پس از مدتی میتواند مشخصات قبلی خود را نیز تغییر دهد. در نتیجه در این فضا هویت قابل اعتنایی از افراد ممکن است وجود نداشته باشد. (برگرفته از سایت راسخون)

- آزادی اطلاعات و ارتباطات

آزادی اطلاعات در فضای مجازی بیه معنای حقیقی آن برقرار است. در این فضا، به هر نوع اطلاعات، اعم از فرهنگی و سیاسی و اقتصادی، فارغ از محدودیتهای حاکم بر دیگر رسانه ها، دسترسی هست. آزادی ارتباط نیز در فضای مجازی به مراتب بیشتر از آن است که در دیگر وسایل ارتباطی وجود دارد. (حاجی ملامیرزایی، ۱۳۸۸، صص ۹ و ۱۰)

چالش ها، آسیب ها و مخاطرات فضای مجازی و همچنین فرصت های موجود در این فضا

با توجه به گسترش زیر ساخت های اینترنتی و همچنین گسترش استفاده از موبایل های هوشمند و اینترنت همراه، ضریب نفوذ اینترنت در میان افراد و مخصوصا کودکان روز به روز افزایش یافته. به نحوی که بر مبنای آمارهای سامانه ی مدیریت ضریب نفوذ اینترنت، در ایران، در سال ۹۴، ضریب نفوذ اینترنت به ۸۲،۱۲ درصد رسیده است. در انگلیس نیز نود و نه درصد از کودکان سنین ۱۲-۱۵ سال و نود و سه درصد از کودکان ۸-۱۱ سال و همچنین ۷۵ درصد از کودکان ۵-۷ سال از اینترنت استفاده میکنند. به دلیل استفاده گسترده کودکان، مرکز تحقیقات سلامت کودکان توسط وزارت آموزش و پرورش با همکاری شورای بریتانیا راه اندازی شد که در آن امنیت اینترنت برای کودکان را رقم می زند. (Emily R. Munro, ۲۰۱۱). در عین حال والدین کودکان نیز نسبت به حضور کودکان در فضای مجازی نگرانند و به دنبال یافتن اطلاعاتی درباره ی فعالیت های آنلاین فرزندانشان در اینترنت هستند. در یک مطالعه ۷۷ درصد از والدین دانش آموزان راهنمایی گزارش داده اند که با چک کردن قسمت HISTORY کامپیوتر فرزندانشان بر آنها نظارت کرده اند (DOWDELL, ۲۰۱۳). به نقل از (Doty, CONNELL, WORKIN), چرا که با شایع شدن تکنولوژی های در دسترسی مثل تلفن های همراه با پیام های متنی و اینترنت و استفاده گسترده از شبکه های اجتماعی فرصت مزاحمت برای بچه ها را فراهم آورده. (i& Lenhart, Madden, Macgill, ۲۰۰۷). به نقل از (myers, Borgia), در کشور ما نیز یکی از مولفه های فضای مجازی مدیریت و سیاست گذاری است که نبود آن همواره آسیبهای گوناگون اجتماعی و سیاسی و فرهنگی در پی خواهد داشت و باعث اختلال نظم و انتظام جامعه و احیاناً فروپاشی آن میگردد و فرهنگ ملی و روابط اجتماعی به ویژه انسجام خانواده را متزلزل می سازد و اقتدار دولت را به خطر می اندازد. لذا بررسی این



آسیبها راه را برای تبیین هرچه روشن تر جایگاه فضای مجازی هموار می سازد. (حاجی ملامیرزایی، حاجی ملامیرزایی، ۱۳۸۸، ص ۱۰) اهم این چالش ها و آسیب ها عبارتند از:

- پرخاشگری و خشونت: پرخاشگری و خشونت از جمله آسیب های اجتماعی است که نظریات مختلفی پیرامون آن ارائه شده است. در این حوزه بیشتر به صورت خاص بر خشونت ها و پرخاشگری زنان و کودکان تمرکز می شود. خشونت علیه کودکان و زنان را می توان به آسیب هایی که به موجب انتشار نوشته ها و تصاویر مستهجن و به تعبیری عام هرزه نگاری و شهوت گرایی در فضای مجازی رخ می دهد، اشاره کرد. (عاملی و حسنی، ۱۳۹۱)
- تبدیل آسیب های محلی به آسیب های جهانی: آسیب های فضای مجازی برخلاف فضای فیزیکی، آسیب های جهانی است؛ زیرا فضای مجازی، فضایی جهانی و بی مرز است. آسیب هایی که در این فضا یا از طریق آن به وجود می آیند، نیز آسیب هایی جهانی است. جهانی بودن آسیب مجازی، نه تنها گسترش سریع آن را موجب می شود و برای فرد در محل اثرات شدیدتری دارد، بلکه برای فرهنگ و اجتماع آن فرد نیز اثرات منفی به همراه دارد. (شاه محمدی، اکباتانی، ۱۳۹۴، ص ۳۶)
- گسترش ارتباطات نا متعارف میان جوانان: تسهیل در روابط دوستانه و عاشقانه موجب تسهیل در خیانت زناشویی و ایجاد روابط نامشروع شده است. (سمیعانی، حاجی محمد جواد خشکه، ۱۳۹۴)

مهمترین فرصت های موجود در این فضا

۱. می توان به فراهم شدن ظرفیت مناسب برای الگو سازی و ترویج فرهنگ متعالی دینی و بیداری اسلامی در گستره ی جهانی با بسیج نیروهای مردمی و امکان انتقال سریع و وسیع فرهنگ و اندیشه ی ناب اسلامی به طرق بسیار متنوع به جهان در جهت اتحاد شبکه ای نخبگان متعهد و ولایی و جذب مسلمانان دنیا در برابر نظام استکبار جهانی و همچنین امکان مقابله کم هزینه و موثر با نظام استکبار جهانی و دفاع از جمهوری اسلامی با اتحاد شبکه ای طرفداران انقلاب اسلامی (تاثیر گذاری حرکت های مشابه وال استریت) اشاره کرد. (شهریاری، ۱۳۹۱، ص ۵۵)
 ۲. تسهیل در خرید و فروش، کمک به فعالیت کسب و کارهای نوپا
 ۳. کمک به ایجاد دولت الکترونیک
 ۴. امکان تقویت و نمایش اقتدار ملی با تسلط بر فناوری های راهبردی اطلاعات و ارتباطات و مدیریت اثر بخش (شهریاری، ۱۳۹۱، ص ۵۶)
 ۵. دست یابی به آرامشی نسبی به دنبال امکان گمنام بودن و گمنام ماندن، در نتیجه کم رنگ شدن نقش نابرابری های موجود در جهان واقعی مانند نابرابری های جنسیتی، طبقاتی و .. (ذکایی و خطیبی، ۱۳۸۵، صص ۱۱۴ و ۱۱۵)
- با اندکی تامل در چالش ها و فرصت های مطرح شده در این فضای گسترده و فراگیر، نقش تربیتی والدین و مخصوصا مادر بیش از پیش خود را نشان می دهد. چرا که مادر دلسوزترین فرد در درون نظام خانواده می باشد و نقش تربیتی بی بدیلی میتواند ایفا کند. از این رو لازم است در ابتدا به اهمیت نقش مادر پرداخته شود و سپس به راهکارهایی که یک مادر می تواند در پیش گیرد اشاره گردد.

اهمیت نقش مادر از دیدگاه اندیشمندان اسلامی:

در این نکته که مادر تاثیر گذارترین فرد در خانواده مخصوصا بر روی فرزندان می باشد شکی نیست.

از منظر امام خمینی (ره) زن از چنان جایگاه رفیعی برخوردار است که سرنوشت جامعه، ارتباط مستقیم ب نقش زن دارد. «عنایتی که اسلام به زنان دارد بیشتر از عنایتی است که به مردان دارد. زنان مردان شجاع را در دامان خود بزرگ میکنند و قرآن کریم انسان ساز ست و زنان نیز انسان سازند. اگر زنان شجاع و انسان ساز از ملت ها گرفته شوند ملت ها به شکست و انحطاط کشیده می شوند». (حمصیان اتفق، احمد رضا، ص ۵۵۳)



امام علی (ع) در نامه ۳۱ نهج البلاغه قلب کودک را زمین کاشته نشده ای توصیف میکنند که آماده پذیرش هر بذری است: «ما القی فیها من شی قبلته» آماده پذیرش هر بذری است که در آن پاشیده می شود.

آن حضرت ضمن بیان ویژگی های این دوران، درباره ویژگی تربیت در این دوران می فرمایند: «العلم فی الصغر، کالنقش فی الحجر» علم آموزی در کودکی همانند نقش بر روی سنگ (پایدار) می باشد. امام خمینی نیز با الهام از همین مکتب فرموده اند: اطفال را معلومات یا اخلاقی که در اول صباوت حاصل شده تا آخر کهولت باقی و برقرار است. سعیدی، فاطمه، ص ۶۳

امام خمینی در جای دیگر می فرمایند: «دامن مادر بزرگترین مدرسه ایست که بچه در آنجا تربیت می شود. آنچه بچه از مادر می شنود غیر از آن چیزی است که از معلم می شنود. بچه از مادر بهتر می شنود تا از معلم. در دامن مادر بهتر تربیت می شود تا در جوار پدر، تا در جوار معلم، یک وظیفه ی انسانی است، یک وظیفه ی الهی است. یک امر شریف است، انسان درست کردن است.» (حمصیان اتفاق، احمد رضا، ص ۵۵۴)

رهبر انقلاب نیز در بیاناتی می فرمایند: از همه کارهای زن مهمتر، تربیت فرزندان و تقویت روحی شوهران برای ورود در میدانهای بزرگ است. و خدا را شکر میکنیم که زن ایرانی و مسلمان، در این میدان هم بیشترین هنر را نشان داده است. (۷۵/۱۲/۲۰) بیانات رهبر انقلاب در اجتماع زنان خوزستان.

و یا در جایی دیگر عنوان می کنند: نقش مادر از دوران حمل و بارداری شروع می شود و تا آخر زندگی انسان ادامه دارد. اگر زنان ما از لحاظ رتبه ی معرفتی و بینش و معلومات، سطح خود را ارتقا دهند، این نقش با هیچ نقش دیگری، با هیچ موثر دیگری از موثرات فرهنگی و اخلاقی تا آخر قابل مقایسه نیست. (بیانات رهبر انقلاب در دیدار جمعی از مداحان ۸۴/۵/۵)

جمع بندی و راهکارهای پیشنهادی

بر اساس تاکیدات اندیشمندان مسلمان، یک مادر میتواند با استفاده از راهکارهای آموزنده از دین اسلام سعی در تربیت هرچه بهتر فرزند خود داشته باشد. چرا که دین اسلام دینی پویا است و میتوان متناسب با نیازهای بشری از دستورات و توصیه های دینی استفاده نمود. راهکارهایی که در این پژوهش پیشنهاد شده است به این شرح می باشد:

۱- بنا نهادن دوره ی تربیتی بر اساس دوره ی تربیتی مورد تاکید اسلام: اینکه در هفت سال اول کودک را آقا بداند و به وی امر و نهی بسیار نکند و بیشتر با استفاده از شیوه بازی با وی رفتار نماید و در هفت سال دوم همچون برده برخورد نماید و او را امر و نهی نماید و هفت سال سوم از وی مشورت گیرد؛ پس از ۲۱ سالگی فرزند را رها کند چرا که همانگونه که در موارد آتی آمده فرزند تربیت شده در این سن به تقوای حضور خواهد رسید.

۲- در اختیار قرار دادن امکانات استفاده از فضای مجازی متناسب با سن کودک: به این معنی که والدین و مخصوصاً مادران از در اختیار قرار دادن بی حد و مرز امکانات برای ورود به فضای مجازی در هر سنی و به هر طریقی خودداری نمایند بلکه به صورت کنترل شده و همراه با دادن آگاهی قبلی با ورود کودکان به فضای مجازی موافقت نمایند

۳- آموزش تقوای حضور به جای تقوای پرهیز: به این معنی که فرد در عین حضور در مکان، خود را در مرتبت و مکانتی فراتر می بیند و به این طریق، از آلودگی شرایط مصنوعی می ماند. (باقری، ۱۳۹۰، ص ۷۷) البته این آموزش می بایست هم پیش از آشنایی فرزندان با فضای مجازی و هم در حین مواجهه به فرزندان ارائه شود.

۴- استفاده از فرصت های فضای مجازی برای تربیت بهتر فرزندان: به عنوان مثال استفاده از برنامه های آگاهی و هشدار دهنده و تجربیات مفید سایر کشورها در خصوص حدود و صغور استفاده از فضای مجازی متناسب با فرهنگی ملی و مذهبی کشور خودمان.

با عمل به موارد طرح شده در بالا این امید می رود که یک مادر بتواند نقش تربیتی خود را به خوبی ایفا نماید و حافظ خانواده و مخصوصاً فرزندان در مقابل آسیب های فضای مجازی باشد.



منابع

- الوندی، محمد. سلیمانی، ندا. ۱۳۹۵. تحلیل ارزشیابی بیانات رهبر معظم انقلاب در مورد فضای مجازی پس از تشکیل شورای عالی فضای مجازی. مطالعات رسانه ای. (شماره ۳۲ و ۳۳): صص ۴۱-۵۷
- باقری، خسرو. ۱۳۹۰. نگاهی دوباره به تعلیم و تربیت اسلامی. جلد دوم. تهران: انتشارات مدرسه.
- حاجی ملا میرزایی، حمید. حاجی ملا میرزایی، حامد. ۱۳۸۸. جایگاه فضای مجازی در فرهنگ و تمدن اسلامی- ایرانی. نشر دانش. شماره ۱۱۷: صص ۸-۱۳.
- حمصیان اتفاق، احمد رضا. ۱۳۸۱. امام خمینی(ره) و نقش مادر در تربیت. پیوند. شماره ۲۷۲: صص ۵۴۹-۵۵۸.
- ذکایی، محمد سعید. خطیبی، فاطمه. ۱۳۸۵. رابطه حضور در فضای مجازی و هویت مدرن پژوهشی در بین کاربران اینترنتی جوان ایرانی. فصلنامه علوم اجتماعی دانشگاه علامه. شماره ۳۳: صص ۱۱۱-۱۵۳.
- سعیدی، فاطمه. ۱۳۸۸. نقش مادران در سعادت جامعه از دیدگاه امام خمینی قدس سره. پیوند. شماره ۵۷: صص ۶۲-۶۶.
- سمیعانی، محمد. حاجی محمد جواد خشکه، حمید رضا. ۱۳۹۴. تبیین فرصت ها، چالش ها و کارکردهای فضای مجازی در ساحت تربیت سیاسی و اجتماعی. بصیرت و تربیت اسلامی: صص ۱۲۲-۱۴۵.
- شاه محمدی، غلامرضا. اکباتانی، سمیه. ۱۳۹۴. پیشگیری مبتنی بر فناوری اطلاعات از آسیب های فضای مجازی. پژوهش نامه نظم و امنیت/انتظامی. شماره ۲۹: صص ۲۷-۶۴.
- شهریاری، حمید. ۱۳۹۱. بهره گیری حد اکثری از فرصت ها و صیانت از آسیب های فضای مجازی. نشر ره آورد نور. شماره ۳۸: صص ۵۴-۵۷.
- عاملی، سعید رضا. حسینی، حسین. ۱۳۹۱. دوفضایی شدن آسیب ها و ناهنجاری های فضای مجازی: مطالعه تطبیقی سیاست گذاری های بین المللی. فصلنامه تحقیقات فرهنگی. شماره ۱، صص ۱-۳۰.

Emily R. Munro. (۲۰۱۱). The protection of children online: a brief scoping review to

identify vulnerable groups. Child hood well being research center

Dworkin Jodi. Connell Jessica. Doty Jennifer. (۲۰۱۳). A literature review of parents' online behavior. Cyber psychology: Journal of Psychosocial Research on Cyberspace

Laurel G. Borgia. Jill Joline Myers. cyber safety and Children's Literature: A Good Match for Creating Classroom Communities. Western illinois university.



تأثیر اشتغال مادران بر تربیت فرزندان از دیدگاه مزلو

شهره متقیان؛ دانشجوی کارشناسی ارشد روانشناسی تربیتی، دانشگاه سیستان و بلوچستان

افسانه مرزیه؛ استادیار دانشگاه سیستان و بلوچستان

چکیده

اشتغال به معنای حضور در ساختار اجتماعی آن هم به دلیل بهره‌وری اقتصادی. به تعریفی دیگر اشتغال به معنای دارا بودن سهم تأثیر در تکامل جامعه. هدف این تحقیق بررسی تأثیر اشتغال مادران در تربیت فرزندان از دیدگاه مزلو به روش مروری متون و مقالات مربوط به اشتغال زنان با ابعاد مختلف آموزش مهارت‌ها به فرزندان می‌باشد. در ابتدا به تعریف کلی در رابطه با اشتغال و دادن راهکارهایی با تکیه به نظریه مزلو پرداختیم و در ارتباط با اشتغال زنان به عنوان یک خصیصه ثابت بحث کردیم. نهایتاً آنچه را که براساس ابزارهای تحقیق بدست آوردیم، این است که بین اشتغال زنان و تربیت فرزندان رابطه معنی‌دار و معکوسی وجود دارد.

یافته‌های پژوهش بیان‌گر این است که اشتغال زنان در ایجاد عزت نفس زنان نقش اساسی داشته اما وی به عنوان فردی که نیمی از وقت خود را خارج از منزل صرف کار می‌کند، ساعاتی را به جبران نبودش در خانه سپری می‌نماید بنابراین آنچه در پایان روز باقی می‌ماند، یک جسم و روان خسته و آسیب دیده و یک روحیه کم انرژی و افسرده است که نمی‌تواند به وظایف مادریش عمل کند.

کلید واژه‌ها

اشتغال زنان، خانواده، تربیت، والدین، فرزندان، جامعه

مقدمه

خانواده نخستین پایگاه تربیتی کودک است و زن و شوهر با ازدواج، این نهاد مهم تربیتی را تشکیل می‌دهند. شرایط جدید زندگی در جهان امروز، تغییراتی در خانواده ایجاد کرده است، یکی از اساسی‌ترین تحولات خانواده در عصر حاضر به جدا شدن زن از خانه و حضور در محل‌های کار بر می‌گردد. زنان نیز مانند مردان، صاحب تخصص شده و در فعالیت‌های خارج از خانه وارد شدن که خود نتایجی در بر دارد که حائز اهمیت است از جمله پیامدهای اشتغال زنان، افقی شدن هرم قدرت و تصمیم‌گیری در واحد خانواده است.

اغلب نیازهای آدمی از شرایط آفرینش و هستی و طبیعت انسان سرچشمه می‌گیرند. به گونه‌ای آفریده شده‌اند که سراسر وجودشان حکایت از احتیاج دارد. بین احتیاج و رفتاری که از خود بروز می‌دهند رابطه‌ای وجود دارد.

پاره‌ای از روانشناسان تربیتی معتقدند، که رابطه تنگاتنگی بین نیازها و اهداف تربیتی وجود دارد. هیچ هدفی بدون توجه به نیازهای فردی، اجتماعی، مادی و معنوی، جسمانی و روانی انسان‌ها قابل تحقق و اجرا نیست. والدین و مربیان در رفع ارضای نیازهای کودکان باید راه و روشی اندیشیده و حساب شده در پیش گیرند و تدابیری را در این رابطه بکار گیرند. هدف این تحقیق و پژوهش بررسی تأثیر اشتغال مادران در تربیت فرزندان از دیدگاه مزلو می‌باشد. روش تحقیق به صورت مروری بوده و از منابع کتابخانه‌ای و مقالات استفاده شده است.

بدون تردید خانواده بهترین مأمّن و شایسته‌ترین کانون برای تربیت فرزندان است و والدین اولین مربیان این مدرسه بزرگ تربیتی‌اند. زوجین در سایه همدلی و ایمان می‌توانند بستر مناسبی برای رشد و شکوفایی فرزندان خود فراهم کنند.

خانواده اولین پایه‌گذار شخصیت، ارزشها، معیارهای فکری و همچنین یکی از مهم‌ترین نهادهای اجتماعی و حفظ عواطف انسانی است. در سالهای اخیر از یک سو با توجه به وضعیت اقتصادی، فرهنگی و اجتماعی، تبلیغاتی که در زمینه کاهش فرزند صورت گرفته و از سوی دیگر با توجه به نتایج برخی از پژوهش‌ها (سردارپور و دیگران، ۱۳۸۲؛ بیاتی، ۱۳۸۲) که بیانگر ویژگی‌های مثبت تک‌فرزندی در برخی زمینه‌های شغلی و تحصیلی، اعتماد به نفس و خشنودی از زندگی را باعث شده‌اند. بنابراین از خانه و خانواده است که می‌توان پیرامون



محور روانی فرزندان نخستین الگوی شخصیتی را ترسیم کرد، چرا که ساختن انسان در دوران کودکی بسیار آسان تر از زمان بزرگسالی است. والدین به عنوان الگوهای اصلی زندگی فرزند این قدرت را دارند که احساسات، ویژگی‌های اخلاقی و شخصیتی و حتی منطق قضاوتی خود را به فرزندانشان منتقل کنند. مادر الگوی بسیار مهمی برای فرزندان هستند و سلامت روانی و اجتماعی و فردی فرزند خود را تأمین می‌کند و آنان را در مسیر موفقیت می‌اندازد و راهنمای آنان در کارها هستند.

مادران شغلی دارند به نام خانه داری و مسئولیتی دارند نسبت به رشد و تکامل فرزندان در خانواده، البته کار مادران ساده و آسان نیست و حتی قابل مقایسه با هیچ شغل و پستی نمی‌باشد. خانه داری، مجموعه‌ای از مشاغل مختلف می‌باشد. زن خانه دار در عین حال، معلم، حاسب‌دار، پرستار، آشپز، خیاط، مدیر و... می‌باشد. اما امروزه در ساخت جدید خانواده، کار زن محدود به کار خانه نمی‌شود، بلکه زنان نیز هم‌دوش شوهرانشان در کارهای خارج از خانه شرکت نموده و منبع درآمد دیگری برای خانواده به حساب می‌آیند این کارکرد جدید یعنی جدا شدنشان از خانه و حضورشان در محل‌های کار برای ساعات طولانی نتایج و مسائل تازه‌ای به وجود آورده است که چه در سطح کلان (جامعه) و چه در سطح خرد (خانواده) قابلیت تحقیق دارد.

یکی از مهمترین تغییرات اساسی در ساختار و نحوه عملکرد خانواده ایجاد می‌شود، حضور گسترده زنان در عرصه‌های اقتصادی است. یعنی اشتغال زنان در خارج از محیط خانه، آن هم در ساعاتی معین و انعطاف ناپذیر. البته حضور زنان فقط در حوزه‌های اقتصادی خلاصه نمی‌شود بلکه در عرصه‌های هنری، فرهنگی، اجتماعی و سیاسی نیز مشاهده می‌شود.

دگرگونی در ساخت اقتصاد جامعه، موجب شد که فرصتهای شغلی جدید و متعددی در جامعه ایجاد و دامنه فعالیت‌های افراد را تغییر دهد. در جامعه ما تقسیم کار براساس جنس صورت می‌گیرد. زن در خانواده دو نقش اساسی ایفا می‌کند یکی همسر بودن و دیگری مادر بودن. رسیدگی به فرزند و ایجاد محیط عاطفی برای رشد کودک و و همچنین محیطی آرامش بخش برای شوهر وظیفه دوم زن است. اما با پیوستن به نظام شغلی جامعه، تغییراتی در نقش‌های سنتی زن ایجاد شده است. یعنی علاوه بر وظیفه اصلی (خانه داری و بچه داری) وظیفه کار کردن در خارج از خانه را نیز پیدا کرده است.

امروزه اشتغال را معمولاً به همان معنایی که در غرب رایج است بکار می‌برند؛ یعنی کار درآمدزا. به عبارت دیگر، شاغل به کسی گفته می‌شود که در ازای کار، دستمزدی دریافت نماید. گرچه اشتغال زنان در فعالیت‌های اقتصادی و سایر عرصه‌ها قدمتی دیرینه دارد و شاید قدمتی به اندازه عمر بشر. زنان در گذشته در ساعاتی انعطاف پذیر در مزارع، دامداری و یا انجام کارهای دستی (بافتندگی - ریسندگی و خیاطی) کار کردند. اما در دنیای معاصر اشتغال زنان مفهوم جدیدی پیدا کرده و شامل فعالیت‌های اقتصادی در ساعات معین، آن هم خارج از محیط خانه، یعنی کارکردن در کارخانه‌ها و ادارات و کارخانجات می‌باشد.

اشتغال در فرهنگ فارسی هم کاربرد دارد، اما بر تأکید و اصرار بر مفهوم «کار».

کار دست کم بر دو معنا (باقری، ۱۳۸۲؛ ص ۷/توسلی، ۱۳۷۵؛ ص ۱۱-۱۰) استعمال می‌شود:

الف) به معنای شغل و حرفه دستمزدی (ترجمه work) که به فعالیت بدنی یا فکری منجر به تولید کالا یا ایجاد خدمت، اطلاق می‌شود. به تعبیر دیگر، حرفه با کسبی که شخص بدان اشتغال دارد، کار است.

ب) به معنای اعم، هر آن چیزی است که انرژی برایش صرف شود؛ چه رسمی باشد چه غیر رسمی، مزدبگیر باشد یا فی سبیل الله. این معنا از کار، کار خانگی، خانه داری، پرورش فرزند، فعالیت‌های زنانه روستایی در بخش کشاورزی و موارد نظیر آن را شامل می‌شود. در متون دینی نیز بر این معنا از کار تأکید شده و همه مکلف به آن هستند. استاد مطهری در این باره می‌فرماید: «همه ملزمند کار کنند و محصول کارشان الزاماً به اجتماع تعلق دارد.» (مطهری، بی تا، ج ۲؛ ص ۱۰۵)

اشتغال زنان در سه سطح خرد، کلان و توسعه تعریف می‌شود:

۱- اشتغال برای تأمین زندگی خصوصی (زندگی خانوادگی)

۲- سهیم بودن در ایجاد عدالت اجتماعی - سیاسی - فرهنگی - اقتصادی یا نظام موازنه (زندگی اجتماعی)

۳- اشتغال به معنای سهیم بودن در تکامل (زندگی تاریخی)



هدف تربیت عبارتست از پدید آوردن انسان هایی آزاد، دور و بر کناراز هر گونه قید بندگی دیگران و اسارت گناه و مستقل از همه انحرافات و لغزش ها.

ما در سایه تربیت می خواهیم فردی را پرورانیم که ابعاد شخصیت او شکفته و کامل باشد، به حیات خود و حقوق جامعه احترام بگذارد، آزادی های اساسی را پذیرا باشد و بالاخره در هدف تربیت اندیشه اصلی این است که انسان را مظهری از ارزش ها و مدل فرهنگ و مکتبی بسازیم که بدان پای بندیم.

تشکیل خانواده موجب پدید آمدن حقوق و وظایفی است. در ایفای وظیفه ای که مربوط به پرورش نسل است باید بگوئیم نقش مادر مهم تر از پدر است، به دو دلیل: ۱- نقش وراثتی ۲- نقش محیطی.

نظر اندیشمندان به اشتغال زنان به سه دیدگاه سنتی، روشنفکران، رادیکال و دیدگاه میانه تقسیم می شود.

توجه به اصول حاکم بر شخصیت زن، خاستگاه و منشأ تمایز بین اشتغال زن و مرد نیز تفاوت های زیستی، رفتاری، اقتصادی و همچنین تفاوت های تشریحی سبب می شود که در اندیشه دینی با وجود این که اشتغال به عنوان یک حق برای زن محسوب می گردد، ولی هرگز به عنوان یک تکلیف اقتصادی بر ایشان تحمیل نمی شود.

امروزه شاغل بودن زنان، یکی از مسائلی است که در اجتماع مطرح است و زنان به علل گوناگون به کار روی می آورند و حتی مجبور گشته اند علاوه بر مسئولیت های خود در خانه و تربیت فرزندان، مسئولیت اجتماعی را نیز پذیرا گردند. سوالی که مطرح است کار زنان خانه و خارج از خانه چه تأثیری بر روابط اعضای خانواده، اعتماد به نفس زنان و ساخت قدرت در خانواده خواهد داشت؟ آنچه که مسلم است زنان نیمی از جمعیت دنیا را تشکیل می دهند و کاملاً طبیعی است که زنان نیز مانند مردان بخواهند نقش مهم و مؤثری در جامعه و فعالیت های اجتماعی ایفاء کنند. البته در مورد اشتغال زنان، و تأثیر آن بر خانه و خانواده و تربیت فرزندان، نظرات مختلف و حتی متناقضی وجود دارد.

اشتغال زنان باعث می شود که تقسیم کار در خانه به صورت مشارکتی انجام شود. مادر وسیعترین دنیای روانی و اجتماعی کودک است و از نظر کودک مادر همچون کسی است که از تمام نقاط این جهان اطلاع دارد. اشتغال مادر موجب اختلال در تکوین شکل گیری دلبستگی کودک نسبت به مادر می شود زیرا مراقبت از کودک از حالت انفرادی به حالت گروهی در می آید.

چیزی که مسلم است مادران شاغل نمی توانند مانند مادران غیرشاغل به طور تمام و کمال به کودکان خود رسیدگی کنند چون مادر شاغل ساعاتی از روز را خواهی نخواهی دور از فرزندان خود هستند و وقتی که بعد از سپری شدن این ساعات و رسیدن به فرزند، خستگی ناشی از این دنیای ماشینی امروز و خستگی فکری و ذهنی همچنین مسئولیت خانه و خانه داری به مادر اجازه نمی دهد، در آن ساعات باقی مانده به کودک رسیدگی کافی و لازم را بنماید.

مطابق با نظریه مزلو تا زمانی که نیازهای اساسی برای فعالیت های بدن به حد کافی ارضا نشدن (خوراک، پوشاک، غریزه جنسی، مسکن و...) بقیه نیازها به مقدار کمی ایجاد می شوند. عمده شاخص های فرد در همین سطح نیازهای فیزیولوژیکی هستند.

مزلو معتقد است آنگاه که انسان به نیازهای همچون امنیت، تعلق پذیری، محبت (دوست داشتن و دوست داشته شدن)، احترام دست یابد، سپس به خودشکوفایی می رسد. مزلو همچنین به رفتارهایی اشاره می کند که می تواند در رسیدن افراد به خودشکوفایی، آنها را کمک کند، از نظر او پس از بر آورده شدن نیازهای سطح پائین قدم گذاشتن در جاده طلایی خودشکوفایی با منفعل بودن و لم دادن بدست نمی آید، بلکه آن مستلزم نظم، سخت کوشی و جسارت است.

رفتارهایی که منجر به خودشکوفایی می شوند: تجربه کردن زندگی به شیوه کودکانه، آزمودن شیوه های جدید در عوض چسبیدن به راهنمایی راحت و امن، در ارزیابی تجربه های بیشتر، به ندای احساس پاسخ دادن، آمادگی برای تحمل بی اعتنایی دیگران در شرایطی که عقاید شخص با عقاید اکثریت هماهنگ نیست، مسئولیت پذیری، سخت کوشی... در گذشته نیازهای کودکان به صورت سلسله مراتبی ظاهر می شود؛ یعنی اول نیاز به آب و غذا، سپس نیاز به محبت و رابطه محبت آمیز و بعد از آن سایر نیازها. اما امروزه چنین تلقی می شود که نیازهای انسان به صورت بسیار ظریف در هم تنیده شده و به هم مربوطند. برای مثال حالات روحی و عاطفی کودک در جذب و هضم غذا و حتی در رغبت وی به غذا نقش دارد. همراه با نیاز فیزیولوژیکی چند نیاز اساسی وجود دارد که از بدو تولد ظاهر می شوند و باید همزمان با تغذیه کودک ارضا شوند این نیازها عبارتند از:

نیاز به عشق و امنیت، یکی از مهم ترین نیاز های کودکان که روابط او را با دیگران تعیین میکند. نیاز به محبت و امنیت، نیازی است که رشد سالم شخصیت کودک به آن وابسته است و موجب می شود که کودک در آینده بتواند نقش پدر یا مادری دلسوز را ایفاء کند. مادر نخستین کسی است که در تأمین این نیاز به کودک کمک می کند.



پایه و اساس این نیازها آن است که طفل ضعیف به دنیا می آید عمده این نیازها را ما در سال اول می بینیم، و از آن پس که طفل کمی بزرگ تر می شود بتدریج دست خود را از دامن والدین و مربیان کوتاه می کند. دنیای ما برای کودک از برخی جنبه ها و ابعادش وحشت انگیز و توأم با ترس است. او برای مواجهه با مسائل نیاز به احساس امنیت دارد. والدین برای او به عنوان لنگرگاه امنی هستند و در صورتی که نیکواز عهده وظیفه برآیند او می توانند با اتکای به آن پیش رود.

نیاز به کسب تجارب جدید، این نیاز به رشد ذهنی کودک کمک می کند. دو عامل مهم در تأمین این نیاز نقش اساسی دارد: یکی بازی و دیگری زبان. کودک از طریق این دو عامل، دنیای پیرامون خود را کشف می کند و راه مقابله با مشکلات را نیز می آموزد. کسب موفقیت در انجام امری سبب می شود که طفل تدریجاً درباره خود عقایدی مثبت پیدا کند و به لیاقت خود امیدوار شود همچنین میزان موفقیت او در رشد شخصیت و افکار و احساساتش نقشی اساسی دارد.

نیاز به تحسین و قدردانی، مؤثرترین عامل در بروز، اینکه کودک بتواند ناتوانی و ضعف خود را جبران کند و به بزرگسالی قدرتمند تبدیل شود، تحسین و قدردانی است. به عبارت دیگر، برای اینکه کودک به رشد و بالندگی برسد، نیاز به تقویت و پاداش دارد. پدران و مادران باید خودنمایی کودک را تا حدودی که معقول به نظر می رسد، بپذیرند و اجازه دهند خود را با تمام ابعاد وجودی به آنان عرضه و ارائه دهند تا هم موجبات اصلاح او در لغزش فراهم آید و هم بتواند خود را سبک و تخلیه کند.

عدم عزت نفس زمینه را برای ناامنی ها، احساس حقارت ها فراهم می سازد حتی سبب می شود تا امراض عصبی بر او هجوم آورد. کودکانی که واجد عزت نفس اند نشانه های بسیاری دارند از آن جمله: احساس شادابی و نشاط در زندگی، احساس سرافرازی از وابستگی و تعلق به خانواده و والدین خود، عدم عجز و لایه در عین درماندگی و

نیاز تعلق در کودکان فوق العاده شدید است. او دوست دارد به افرادی در مرحله اول پدر و مادر او هستند وابسته باشد و آنها او را فردی مورد اعتماد و شایسته بدانند. نیاز به تعلق کودک را و امی دارد به سوی مادر و والدین خود روی آورد و طبعاً از آنها الگو بگیرد. براین اساس است که طرز تربیت و شخصیت کودک شکل گرفته و اخلاق و عادات خوب یا بد او تکوین می یابد. بنابراین طبق نظریه مزلو اگر این نیازها به نحو احسن برآورده شوند شخص به خود شکوفایی می رسد.

در بین نهادهای مختلف جامعه، کانون مقدس خانواده بهترین مکان برای تربیت جسم و روان است. کودکان با پرورش یافتن در خانه ای که رنگ و بوی محبت دارد از رشد مطلوب برخوردار و نهایتاً عضوی سالم از جامعه خواهد بود. فعالیت زنان خارج از چهارچوب خانواده در طی چند دهه گذشته به ویژه در جوامع بشری تدریجاً اهمیت یافته و مسائلی را در زمینه تأثیر اشتغال زنان در تربیت فرزندان ایجاد کرده است. با آن که آمار زنان شاغل در کشور ما ۱۵ درصد است ولی با محاسبه خیل عظیم زنان در فعالیت های اقتصادی، در زمینه های کشاورزی و صنعتی و نیز حرفه های گوناگون در اقصی نقاط کشور، تعداد فراوانی زنان شاغل به مراتب بیش از این آمار گزارش شده است. مادامی که زنان نیمی از وقت خود را در خارج از منزل و دور از فرزندان می گذارند انتظار تربیت صحیح بچه ها از وی معقول نمی نماید. زیرا وی می باید علاوه بر اوقاتی که صرف کار در خارج از منزل می کند، ساعاتی را نیز به جبران مافات زمان نبودنش در خانه سپری نماید و رضایت شوهر و فرزندان را جلب نماید، بنابراین آنچه در پایان روز از وی باقی می ماند، یک جسم و روان خسته و آسیب دیده و یک روحیه کم انرژی و افسرده است که نمی تواند به وظایف مادریش عمل کند.

بنابراین ضروری می نماید که جایگاه و منزلت فرزندانمان را بشناسیم تا نسبت به وظایف خود، درباره آنان بی اعتنا نباشیم، بلکه گوهرشناس باشیم و به فرزندان، این گوهرهای نفیس زندگی، عشق بورزیم.

از پیامبر(ص) نقل می کنند: «من سقی ولده شریباً ما فی صخره سفاه الله سبعین شریباً من ماء الكوثر يوم القيامة» هرکس به فرزند خردسال خود جرعه ای آب بنوشاند، خداوند در روز قیامت هفتاد جرعه از آب کوثر به او می نوشاند. در جایی دیگر می فرمایند «نظر الوالد الیولده حبا له عبادة» نگاه پدر و مادر به فرزند از روی مهر و محبت، عبادت است.

پیشینه

تحقیقات زیادی در زمینه اشتغال زنان صورت گرفته است که یافته های با ارزشی را به جامعه بشری ارزانی داشته است. مطالعه ای که بر یک نمونه ۱۲۱۲ نفری زنان در فیلادلفیا آمریکا انجام شده است، نشان می دهد که مردانی که متمایل به مشارکت در امور خانه داری هستند معمولاً همسرانشان به طور تمام وقت در خارج از خانه مشغول به کاری باشند. در پژوهشی که توسط فرنگیس سعیدیان (۱۳۸۶) تحت عنوان «اشتغال زنان و تغییر وضعیت زن در خانواده» انجام داد نشان داد که: شکل سنتی ساختار خانواده دچار تحول شده و اقتداری که مردان در خانواده های گسترده ده های گذشته داشتند تا حدی از بین رفته است و قدرت تصمیم گیری در واحد خانواده بیشتر شکل افقی پیدا کرده است. در نتیجه مردان به تنهایی تصمیم گیرنده نیستند و زنان نیز در تصمیم گیری های مهم خانواده دخالت آشکار دارند. و همچنین



پژوهشی توسط یوسف خیری (۱۳۹۶) تحت عنوان «اشتغال زنان و پیامدهای آن» انجام داد، نشان داد که: در یک دیدگاه معتدل باید به همه اصول همسو و همسان نگریست و به اولویت ها و شاخص های جمع بین شئونات زنانه و وظایف مادری و همسری و اشتغال درآمدزا و مشارکت و حضور اقتصادی زنان دست یافت. همچنین پژوهشی که عذرا جاراللهی (۱۳۹۶) تحت عنوان «اثر اشتغال زنان کارگر بر تعداد فرزندان» انجام داد نشان داد که: بین وضعیت اشتغال زنان و تعداد فرزندان واقعی آنها رابطه معنی داری مشاهده می گردد. در تحقیقی که کرم حبیب پورگنابی، سحر طالبی، محمد آهنگران (۱۳۹۶) «تحت عنوان بازنمایی اشتغال زنان در ساختار خانواده [مطالعه موردی: سریال های دلنوازان و همسایه ها]» بعمل آوردند، نشان دادند که: در هر دو سریال در نمای متوسط رو به پائین بازنمایی شده اند و و مهمترین وظیفه زن را نقش های خانوادگی می دانستند.

نتیجه گیری

از جمع بندی مطالب می توان نتیجه گرفت، که اشتغال زوجین گرچه فوایدی مانند بهبود وضعیت اقتصادی و تأمین نیازهای مادی خانواده، عزتمندی اجتماعی، اثبات قابلیت های زنان در عرصه های اجتماعی و استقلال مالی و بدست آوردن پشتوانه ای برای ایام پیری زنان و رفاه و تأمین نیازهای مادی بیشتر، خود نظم دهی و رشد و سازگاری اجتماعی سریع تری برای فرزندان به دنبال دارد، اما در مجموع می توان گفت: تأثیرات نامطلوبی در فرایند رشد فرزند، به ویژه رشد عاطفی آنها، بر جا می گذارد و میزان آسیب پذیری کودکان را در سال های اولیه کودکی افزایش میدهد. دیگر معایب مراقبت از فرزندان در ساعاتی که مادر در محل کار عرضه می شود. دیگری نوبت دوم کار است که زن پس از بازگشت از محل کار به خانه، باید به انجام آن بپردازد. یکی دیگر از معایب اشتغال زنان، «تحقیر زنان در برخی از مشاغل است.» همچنین اشتغال مادران در تعداد فرزندان نقش مؤثری دارد، در نتیجه طبق تحقیقاتی که انجام شده، زنان شاغل متأهل که بدون فرزندان می باشد، ساعات کار در منزل ۴۵/۵ درصد و ساعات کار ۳۹/۱ درصد و مجموع ساعات کار در هفته ۸۴/۶ درصد است. زنان شاغل متأهل که تعداد فرزندانشان یکی می باشد، ساعات کار در منزل ۴۴/۱ درصد و ساعات کار ۳۸/۰ درصد و مجموع ساعات کار در هفته ۸۳/۱ درصد است. زنان شاغل دو فرزندی ساعات کار در منزل ۴۶/۳ درصد و ساعات کار ۳۵/۲ درصد و مجموع ساعات کار در هفته ۸۱/۴ درصد است. زنان شاغل متأهل که تعداد فرزندانشان ۳ و بیشتر می باشد، ساعات کار در منزل ۴۷/۳ درصد و ساعات کار ۳۵/۲ درصد و مجموع ساعات کار در هفته ۸۳/۵ درصد است. همچنین طبق تحقیقات انجام شده بین اشتغال مادران و تربیت فرزندان رابطه معنادار و معکوسی وجود دارد. در ضمن با اشتغال زنان در جهان امروز اساسی ترین تحول در عصر حاضر به جدا شدن زن از خانه و حضور در محل های کار برمی گردد. در نتیجه پیامدهای اشتغال زنان، افقی شدن هرم قدرت و تصمیم گیری در واحد خانواده است. درست است که زنان شاغل نیمی از وقت روزانه خود را در خارج از خانه سپری می کنند اما باید در امر رسیدگی به تربیت فرزندان مدیریت زمان داشته و علاوه بر برآوردن نیازهای فیزیولوژیکی کودکان خود به سایر نیازهای فرزندان توجه داشته تا کودکانی سالم تربیت کنند که به سوی رشد و خودشکوفایی پیش روند. دست یابی کودک به استقلال، هم نیاز به مراقبت و هم به بازخورد والدین دارد م عدم حضور والدین در کنار کودک می تواند این مرحله از رشد را با مشکل مواجه کند و کودک نتواند به استقلال عمل دست یابد.

گرچه برنامه ریزی برای اشتغال زوجین نیاز به یک عزم ملی و برنامه ریزی دقیق و حساب شده ای از طرف دولتمردان دارد، اما خود والدین نیز می توانند برای کاهش تأثیرات نامطلوب اشتغال تمهیداتی را در نظر بگیرند. در اینجا به برخی از این راهکارها اشاره می کنیم:

زنان حدالامکان از اشتغال تمام وقت خودداری و به اشتغال نیمه وقت قناعت کنند.

زنان از پذیرش کار در شیفت شب خودداری نمایند.

شغل هایی را برگزینند که با ویژگی های جسمی - روانی آنان سازگار باشد.

از تجمل گرایی دوری کنند تا زوجین مجبور به کار بیشتر در خارج از منزل نباشند.

از مرخصی های قانونی و همچنین مرخصی های ویژه دوران بارداری به خوبی استفاده نمایند.

برای برآوردن نیازها و ایجاد شکوفایی در فرزندان زمان فراغت را به نحوی شایسته با فرزندان خود سپری کنند تا این حس امنیت و مهم بودن در کودکان ایجاد شود.

بهتر است زنان به مشاغل خانگی بپردازند. اگر شاخصه های اشتغال زنان براساس متون دینی طراحی گردد و آسیب ها و آفت های اشتغال زنان شناسایی شود پیامدهای منفی اشتغال زنان تقلیل خواهد یافت. شاغل به دلیل این که ساعات کاری آنها (در خانه و محل کار) از مردان بیشتر است، سعی کنند به تغذیه مناسب، ورزش و بهداشت را به خوبی مراعات کنند. ساختن مهد کودک در کنار کارگاه ها و ادارات مربوط



دومین همایش ملی جایگاه و نقش مادر

2nd National Conference on the Status and the Role of Mother

به زنان تأمین حداقل معیشت برای افراد سرپرست خانواده به منظور عدم حضور همسران به شرکت در فعالیت های اجباری درآمدزا.



منابع

- بشیری، ابوالقاسم، (۱۳۹۶): اشتغال زوجین و آثار و پیامدهای آن بر فرزندان، ۱۰۳؛ ۷۸-۶۸.
- جاراللهی، عذرا، (۱۳۹۶): اثر اشتغال زنان کارگر بر تعداد فرزندان، ۷؛ ۳۰۵-۲۸۵.
- جی. کارتلج. جی. اف. میلین، (۱۳۷۵): آموزش مهارت های اجتماعی به کودکان، ترجمه نظری نژاد، محمدحسین، مشهد: انتشارات آستان قدس رضوی.
- خیری، یوسف، (۱۳۹۶): اشتغال زنان و پیامدهای آن، ۹؛ ۱۶۴.
- سادات، محمدعلی، (۱۳۷۴): راهنمای پدران و مادران، تهران: دفتر نشر فرهنگ اسلامی.
- سعیدیان، فرنگیس، (۱۳۹۶): اشتغال زنان و تغییر وضعیت زن در خانواده، ۳؛ ۱۳۹-۱۳۸.
- عطارد، فاطمه، (۱۳۹۶): اشتغال زنان؛ پیامدها و راهکارها، ۸؛ ۱۴۸.
- قائمی، علی، (۱۳۷۰): خانواده و نیازمندیهای کودکان، تهران: امیری.
- قائمی، علی، (۱۳۷۸): خانواده و دشواری های رفتاری کودکان، تهران: انتشارات سازمان انجمن اولیا و مربیان.
- قائمی، علی، (۱۳۸۳): اسلام و تربیت دختران، تهران: انتشارات امیری.



بررسی تحولی تصویر مادر در کودکان ۸ تا ۱۲ ساله: با نگاهی بر تفاوت های جنسیتی

نگار شیشه بر؛ کارشناس روان شناسی عمومی

Nshisheborv3@gmail.com

سمانه اسعدی؛ استادیار رشته روان شناسی

s.asadi@yazd.ac.ir

چکیده

این پژوهش با هدف بررسی تحولی تصویر مادر با توجه به تفاوت های جنسیتی در کودکان ۸ تا ۱۲ ساله شهر یزد صورت گرفت. بدین منظور در قالب طرحی علی-مقایسه ای، ۱۹۴ نفر دانش آموز (۹۸ دختر، ۹۵ پسر) به روش نمونه گیری چند مرحله ای انتخاب شدند. دانش آموزان سیاهه سنجش تصویر پدران و مادران والدین (تامایو و پاسکالی، ۱۹۶۹) را تکمیل کردند. تحلیل داده ها نشان داد؛ گروه نمونه به طور کلی از بین ویژگی های مادرانه مادر، بیشترین موافقت را با ویژگی های مراقبت، احساس نزدیک بودن، پناهی گرم و مهربان، مهربان و عاطفی، دوست داشتن و فداکاری داشتند. از بین ویژگی های پدرانانه مادر، بیشترین میانگین ها به هدایت و راهنمایی، محافظت در برابر خطر، برقراری نظم و ترتیب در خانه، اساس خانواده، تسلط به امور زندگی مربوط بود. بین دختران و پسران از لحاظ موافقت با ویژگی های مادرانه مراقبت، مهربان و عاطفی، آسایش و راحتی و... تفاوت معنادار مشاهده شد؛ به طوری که دختران موافقت بیشتری داشتند. ویژگی های مادرانه پناهی گرم و مهربان، همدردی با غم ها، صمیمیت، ظرافت و لطافت و هم چنین ویژگی های پدرانانه ذهن منظم، خلاقیت، دانش، نظم و ترتیب در بین سنین ۸ تا ۱۲ سال به صورت معناداری متفاوت بود؛ به طوری که با افزایش سن، کودکان با ویژگی های مادرانه مادر و ویژگی پدرانانه ی برقراری نظم و ترتیب بیشتر موافق بودند. و همچنین با افزایش سن با ویژگی های خلاقیت، دانایی، ذهن منظم، موافقت کمتری داشتند. یافته ها با جزئیات بیشتر و بر پایه پژوهش های تجربی پیشین مورد بررسی و بحث قرار گرفته است.

کلیدواژه ها: تحول، تصویر مادر، کودکان

مقدمه

مهم ترین و مؤثرترین دوران زندگی فرد، دوران نوزادی و کودکی است که خانواده و به طور ویژه کیفیت ارتباط مادر با کودک در این دوره نقشی تعیین کننده در شکل گیری شخصیت دارد (ناظمیان و شمس، ۱۳۹۵). نوزاد زندگی را در حالی آغاز می کند که خود و جهان بیرون را همچون توده ای نامتمایز ادراک می کند. در این مرحله که با فقدان موضوع یا عدم تمایز مشخص است، مادر و کودک یک جمعیت دوتایی را شکل می دهند و به تدریج بر اثر گسترش مبادلات نوزاد با جهان خارج، قادر به افتراق بین خود و دیگری می شود (فروید، ۱۹۲۷). به نقل از نصیرزاده و زال پور، (۱۳۹۰). تقریباً عمده ی نظریه های تحولی کودک، محور اصلی تحول را ارتباط مادر- کودک می دانند. در این میان اهمیتی که نظریه پردازان روابط موضوعی برای نقش مادر در تحول کودک قایلند تا حدی است که برخی از آنها نظیر وینیکات (۱۹۷۰) معتقدند که در آغاز نوزاد بدون مادر وجود ندارد. نظریه های روابط موضوعی قویاً معتقد اند ارتباط کنونی افراد با دیگران تا حد زیادی بر اساس تصویری است که در اثر تجارب اولیه با مادر (جانشین مادرانه) شکل گرفته است (دادستان، ۱۳۸۳؛ به نقل از بابایی، گلستانی و یعقوبی، ۱۳۸۷). به اعتقاد فروید در طول دوره نوزادی، به تدریج مادر به عنوان شخصی کامل تبدیل به شیء لیبیدویی ارضاء کننده نیازهای غریزی کودک به ویژه تغذیه می شود (شولتز و شولتز، ۱۳۹۱، ۱۲۰۰). اریکسون^۱ معتقد است در مرحله دهانی کودک برای زنده ماندن، امنیت و محبت کاملاً به مادر خود وابسته است و اگر مادر به نیازهای جسمانی کودک به طور مناسبی پاسخ دهد، و محبت، عشق و امنیت کافی تأمین کند، در این صورت کودک احساس اعتماد را پرورش خواهد داد (شولتز و شولتز، ۱۳۹۱، ۲۵۴). بر طبق نظریه آدلر^۱ رفتار مادر می تواند



پرورش دهنده یا مانعی برای رشد علاقه اجتماعی در کودک باشد. مادر باید همکاری، مصاحبت و جرئت را به کودک بیاموزد؛ تا کودک بتواند در تلاش برای کنار آمدن با درخواست های زندگی شجاعانه عمل کند. بر اساس نظریه دلبستگی بالبی نیز اولین تکیه گاه کودک معمولاً مادر است (ماسن و همکاران؛ ۱۳۸۰، ۱۸۶) و در ایجاد یا تعیین کیفیت دلبستگی سه مفهوم قابل دسترس بودن، پاسخ دهنده بودن و تصویر مدارانه نقش یگانه و منحصر به فردی ایفا می کند (مظاهری ۱۳۸۰؛ به نقل از فیض آبادی و خسروی، ۱۳۸۸). بالبی بر اهمیت ارتباط گرم و صمیمی و پایدار تأکید می کند و آن را برای رشد کودک ضروری می داند (بالبی؛ ۱۹۶۹ به نقل از بلسکی و همکاران، ۲۰۰۷). بنابراین کیفیت تعامل مادر و کودک در تعیین سازگاری عاطفی اجتماعی و رشد شناختی کودک نقش اساسی دارد (دی فالکو و همکاران، ۲۰۰۴).

با توجه به پژوهش های انجام شده، رفتار مدارانه با ویژگی هایی چون پاسخگویی، در دسترس بودن، حساس بودن، مشارکت و حمایت، گرمی، مسئولیت پذیری، تحسین و تشویق، ارتباط مداوم، صمیمیت، نزدیکی، آگاهی از کودک، ملایمت، توجه به پیشرفت (کیم و ماهونی، ۲۰۰۴؛ به نقل از تبعه امامی و همکاران، ۱۳۹۰) مشخص شده است. ماهونی و پاول^۱ (۱۹۸۶) مسئولیت پذیری، آسایش و راحتی، تأثیر گذاری و صبر را بیشتر در مداران مشاهده کردند. در این راستا لیتون^۱ (۲۰۰۴) در پژوهشی درباره تصویر فرهنگی از مادر خوب و پدر خوب نشان داد، علاقه (دوست داشتن، مراقبت کردن، قابل اعتماد بودن، کمک کردن، گرمی)، از جمله ویژگی هایی است که به طور گسترده گزارش می شود. کنترل (توانایی کنترل و نظم بخشیدن به کودکان)، گوش دادن (گوش دادن و صحبت کردن با آن ها، ایجاد رابطه باز، احترام گذاشتن به فرزندان)، نصیحت کردن (آموزش دادن، راهنمایی کردن، و نصیحت کردن)، صبور بودن (به آسانی ناراحت نشدن، صبور بودن)، از دیگر ویژگی های گزارش شده هستند. در جهت بررسی رفتار مدارانه با توجه به تفاوت های جنسیتی، نتایج پژوهش آرنار و تانن باوم^۱ (۲۰۱۵) به روی پدران و مداران کودکان ۴ تا ۶ ساله نشان داد مداران از کلمات و محتوای احساسی بیشتری در صحبت با دختران نسبت به پسران استفاده می کنند، به علت اینکه فکر می کنند دختران بیشتر پذیرای احساسات هستند. از آن جایی که مداران تمایل بیشتری برای به کار بردن زبان احساسی دارند نا آگاهانه کلیشه های جنسیتی را در فرزندان خود حفظ می کنند. یا در پژوهشی نسبتاً مرتبط در زمینه مشاهده ی الگوی تعامل مداران ایرانی در موقعیت بازی، زارع و همکاران (۱۳۹۴) در بین مؤلفه های رفتار کلامی، رفتار های تسهیل گرانه نظیر توافق و اطاعت، کمک و همراهی، رهنمود و راهنمایی را بیشتر مشاهده کردند. علاوه بر این در برخی پژوهش ها باورهای بنیادین فراگیر در مداران ایرانی شناسایی شدند که می توان به باورهای مانند اهمیت دیگری و جمع گرایی، فردیت طلبی و آزادی خواهی، احساس مسئولیت مدارانه و عذاب وجدان، برتری جویی، انحصار طلبی و ترس از دست دادن پدر به عنوان اسطوره ی قدرتمند اشاره کرد؛ که باور عمقی احساس مسئولیت مدارانه و عذاب وجدان در قبال آن از سایر باورها فراگیرتر بود (زارع، ۱۳۹۲). به طور کلی یافته های پژوهش ها در زمینه تعامل مادر و کودک نشان می دهد که ارتباط مؤثر با پاسخ گویی بالا و رهبری و کنترل متوسط مشخص می شود (ماهونی و همکاران، ۱۹۹۸).

بنابراین باتوجه به تأثیر فراگیر مادر بر تمام جنبه های زندگی کودک پژوهش در زمینه صفات رفتاری و شخصیتی او ضرورت دارد. هدف این پژوهش بررسی تصویر و رفتار های مدارانه و تعیین ویژگی های پراهمیت مادر از دیدگاه کودکان ۸ تا ۱۲ ساله بود و توجه به این نکته که آیا این تصویر با توجه به تفاوت های سنی و جنسیتی متفاوت است؟

روش پژوهش

این پژوهش توصیفی و از نوع علی-مقایسه ای بود و در چارچوب یک پژوهش تحولی مقطعی انجام شد. جامعه پژوهش تمامی کودکان ۸ تا ۱۲ ساله بودند؛ که در سال (۱۳۹۶) در شهر یزد ساکن بودند که از میان آن ها ۱۹۴ نفر (۹۸ دختر، ۹۵ پسر) به عنوان گروه نمونه به روش نمونه گیری چند مرحله ای انتخاب شدند.

فرایند نمونه گیری به این ترتیب بود که از بین دو ناحیه آموزش و پرورش شهر یزد، یک ناحیه به تصادف انتخاب و در ادامه از مدارس ابتدایی دخترانه و پسرانه ی این ناحیه سه مدرسه ی دخترانه و سه مدرسه ی پسرانه به صورت تصادفی انتخاب شدند. از هر کدام پایه های دوم تا ششم ابتدایی یک کلاس و در نهایت تعدادی از دانش آموزان هر کلاس به طور تصادفی به عنوان گروه نمونه انتخاب شدند. افراد شرکت کننده^۱ SDPS، مقیاس سنجش تصویر پدران و مدارانه والدین (تامایو و پاسکالی، ۱۹۶۹) را با هدایت مصاحبه گر تکمیل نمودند.



این مقیاس برای ارزیابی تصویر پدرا نه و مادرانه ی والدین طراحی شده است ؛ و شامل ۳۶ گویه می باشد، نیمی از گویه شامل ویژگی های مادرانه و نیمی شامل ویژگی های پدرا نه است. موارد به طور تصادفی در پرسشنامه توزیع شده، نمره گذاری مقیاس به روش لیکرت است و نمرات در دامنه ۴ = خیلی زیاد، ۳ = زیاد، ۲ = کم، ۱ = خیلی کم، ۰ = اصلا قرار دارند. پایایی این سیاهه در پژوهش ورگوت و تامایو (۱۹۸۱) ۰/۶۶ و در این پژوهش ۰/۹۱ به دست آمد. جهت تجزیه و تحلیل داده ها از شاخص میانگین، آزمون تحلیل واریانس، و آزمون T مستقل بهره گرفته شد.

یافته ها پژوهش

به منظور تحقق هدف پژوهش مبنی بر بررسی تصویر مادرانه و تعیین پر اهمیت ترین ویژگی ها در جدول ۱ میانگین و انحراف استاندارد تمام گویه های مربوط به تصویر مادرانه ی مادرانه ارائه شده است. بر اساس اطلاعات ارائه شده بالاترین میانگین مربوط به ویژگی های مراقبت با میانگین ۴/۷۵، احساس نزدیکی ۴/۷۲، پناهی گرم ومهربان با میانگین ۴/۷۱ بود.

SD	M	ویژگی های مادرانه
۰/۵۷	۴/۷۵	کسی که مراقب من است
۰/۶۰	۴/۷۲	کسی که به او احساس نزدیکی می کنم
۰/۶۹	۴/۷۱	پناهی گرم و مهربان
۰/۵۵	۴/۷۰	مهربان و عاطفی
۰/۵۹	۴/۷۰	کسی که مرا دوست دارد و برایم فداکاری می کند
۰/۶۰	۴/۶۸	صمیمی و خودمانی
۰/۵۷	۴/۶۵	گرم و ملایم بودن
۰/۷۲	۴/۶۵	کسی که همیشه مرا می پذیرد
۰/۶۳	۴/۶۳	ظریف و لطیف
۰/۶۴	۴/۶۲	کسی که همیشه منتظر من است
۰/۸۰	۴/۶۰	صبور بودن
۰/۷۶	۴/۵۵	همدردی با غمها
۰/۷۷	۴/۵۵	کسی که آسایش و راحتی فراهم میکند
۰/۸۰	۴/۵۳	کسی که با آغوش باز از من استقبال می کند
۰/۸۹	۴/۵۳	جذاب بودن
۰/۹۰	۴/۴۸	باهوش و زیرک
۰/۹۵	۴/۲۳	حساس بودن

جدول ۱: میانگین و انحراف استاندارد تصویر مادرانه مادر

SD	M	ویژگی های پدرا نه
۰/۳۴	۴/۸۱	هدایت و راهنمایی
۰/۳۷	۴/۶۸	حفاظت در برابر خطر
۰/۴۷	۴/۶۷	نظم و ترتیب برقرار کردن
۰/۵۴	۴/۶۲	اصل و اساس خانواده
۰/۵۴	۴/۵۹	تسلط به امور زندگی
۰/۵۶	۴/۵۷	پویایی و فعالیت
۰/۶۰	۴/۵۳	ذهن منظم
۰/۶۵	۴/۵۱	ثبات و استواری
۰/۶۷	۴/۴۷	تصمیم گیری
۰/۸۱	۴/۴۳	سخت و محکم



کار و فعالیت	۴/۴۳	۰/۹۰
بررسی	۴/۴۰	۰/۸۳
دانش	۴/۲۴	۰/۸۳
تعیین قانون و مقررات	۴/۲۱	۰/۹۹
توانا و قدرت مند بودن	۴/۱۵	۰/۹۰
قضاوت	۴/۰۲	۱/۲
خلاقیت	۳/۸۵	۰/۹۷
قوی و پرزور بودن	۳/۶۸	۱/۶

جدول ۲ میانگین و انحراف استاندارد تمام گویه های مربوط به تصویر پدرا نه ی مادر ارائه شده است. بر اساس داده ها در بین ویژگی های پدرا نه ی مادر بالاترین میزان موافقت مربوط به هدایت و راهنمایی با میانگین ۴/۸۱، حفاظت در برابر خطر ۴/۶۸، نظم و ترتیب با میانگین ۴/۶۷ بود.

جدول ۲ میانگین و انحراف استاندارد تصویر پدرا نه ی مادر

جهت بررسی تحول تصویر مادر با توجه به تفاوت های سنی از آزمون تحلیل واریانس استفاده شد. بر اساس اطلاعات جدول ۳ از بین مؤلفه های تصویر مادرا نه ی مادر، ویژگی های پناهی گرم و مهربان ($p = 0.18$)، همدردی با غم ها ($p = 0.25$)، صمیمیت و خودمانی ($p = 0.06$)، ظرافت و لطافت ($p = 0.36$)، منتظر بودن ($p = 0.3$)، در سنین ۸ تا ۱۲ سال تفاوت معنا دار داشتند. با بررسی میانگین ها مشخص شد با افزایش سن کودکان موافقت بیشتری با این ویژگی ها داشتند.

توان آماری	واریانس مشترک	*سطح معنا داری	ضریب F	درجه آزادی	تصویر مادرا نه ی مادر
۰/۸۰	۰/۰۶۳	۰/۰۱۸	۳/۰۷	۴	پناهی گرم و مهربان
۰/۷۶	۰/۰۵۹	۰/۰۲۵	۲/۸۶	۴	همدردی با غم ها
۰/۸۸	۰/۰۷۶	۰/۰۰۶	۳/۷۷	۴	صمیمیت
۰/۷۲	۰/۰۵۴	۰/۰۳۶	۲/۶۳	۴	ظرافت و لطافت
۰/۷۴	۰/۰۵۶	۰/۰۰۳	۲/۷۳	۴	منتظر بودن

جدول ۳ نتایج تحلیل واریانس تصویر مادرا نه ی مادر در کودکان ۸ تا ۱۲ ساله

* $P < 0.05$

بر اساس جدول ۴ از بین مؤلفه های تصویر پدرا نه ی مادر، ذهن منظم ($p = 0.23$)، خلاقیت، ($p = 0.01$) دانش ($p = 0.07$) و نظم و ترتیب ($p = 0.2$) در بین سنین ۸ تا ۱۲ ساله تفاوت معنا دار داشت. به طور کلی و با توجه به میانگین ها، دو ویژگی هدایت و راهنمایی و برقراری نظم و ترتیب بالاترین میانگین ها را در تمام گروه های سنی داشتند. کودکان با بالا رفتن سن با ویژگی های ذهن منظم، خلاقیت، و دانایی موافقت کمتری داشتند.



جدول ۴ نتایج تحلیل واریانس تصویر پدرا نه مادر در کودکان ۸ تا ۱۲ ساله

توان آماری	واریانس مشترک	*سطح معناداری	ضریب F	درجه آزادی	تصویر پدرا نه مادر
۰/۷۷	۰/۰۵۹	۰/۰۲۳	۰/۰۲	۴	ذهن منظم
۰/۹۵	۰/۰۹۶	۰/۰۰۱	۰/۰۰۱	۴	خلق کردن
۰/۸۷	۰/۰۷۳	۰/۰۰۷	۰/۰۰۷	۴	دانش
۰/۷۸	۰/۰۶۱	۰/۰۲	۰/۰۲	۴	نظم و ترتیب

* $P < 0.05$

جهت تحقق هدف دیگر پژوهش مبنی بر بررسی تصویر مادر با توجه به تفاوت های جنسیتی از آزمون تی مستقل بهره گرفته شد. بر اساس داده های ارائه شده در جدول ۵ ویژگی های مراقبت ($p=0.043$)، مهربان و عاطفی ($p=0.012$)، آسایش و راحتی ($p=0.031$)، منتظر بودن ($p=0.006$)، پذیرا بودن ($p=0.041$) بین دختران و پسران تفاوت معنادار داشت. دختران موافقت بیشتری با ویژگی های ذکر شده داشتند.

تفاوت میانگین	سطح معناداری	df	T	تصویر مادرانه مادر
۰/۱۶۵	۰/۰۴۳	۱۹۲	۲/۰۳	مراقبت
۰/۱۹۸	۰/۰۱۲	۱۹۲	۲/۵۳	مهربان و عاطفی
۰/۲۳۵	۰/۰۳۱	۱۹۲	۲/۱۶	آسایش و راحتی
۰/۲۵۳	۰/۰۰۶	۱۹۲	۲/۷۸	منتظر بودن
۰/۱۶۹	۰/۰۴۱	۱۹۲	۲/۰۶	پذیرا بودن

جدول ۵ نتایج آزمون T برای مؤلفه های تصویر مادرانه مادر بر حسب جنسیت

* $P < 0.05$

بر اساس اطلاعات جدول ۶ از بین ویژگی های پدرا نه مادر، مؤلفه های هدایت و راهنمایی ($p=0.049$)، دانش ($p=0.022$)، بررسی کردن ($p=0.016$)، حفاظت در برابر خطر ($p=0.006$)، نظم و ترتیب ($p=0.01$)، در بین دختران و پسران به گونه ی معنادار متفاوت بودند. به طور کلی دختران موافقت بیشتری با ویژگی های فوق داشتند.

جدول ۶ نتایج آزمون T برای مؤلفه های تصویر پدرا نه مادر بر حسب جنسیت

تفاوت میانگین	سطح معناداری	df	T	تصویر پدرا نه مادر
۰/۱۶۳	۰/۰۴۹	۱۹۲	۱/۹۸	هدایت و راهنمایی
۰/۳۴۱	۰/۰۲۲	۱۹۲	۲/۳۱	دانش
۰/۳۱۳	۰/۰۱۶	۱۹۲	۲/۴۲	بررسی کردن
۰/۲۴۰	۰/۰۰۶	۱۹۲	۲/۷۸	حفاظت از خطر
۰/۳۴۴	۰/۰۱	۱۹۲	۳/۹۸	نظم و ترتیب

* $P < 0.05$

بحث و نتیجه گیری

یافته های پژوهش حاکی از این بود که ویژگی های مادرانه مراقبت، احساس نزدیکی، دوست داشتن و گرمی و مهربانی، هم به طور کلی و هم با در نظر گرفتن گروه های سنی و جنسیتی بالاترین میانگین موافقت را داشتند. این یافته ها با نتایج پژوهش لیتونن (۲۰۰۴) مبنی بر اینکه شرکت کنندگان بیشترین موافقت را با خرده مقیاس علاقه شامل (دوست داشتن، مراقبت، گرمی و...) داشتند مطابقت دارد.



بر اساس نظریه بالبی (۱۹۶۹) صفات مادرانه مانند گرمی، در دسترس بودن و... در کیفیت دل بستگی به مادر به عنوان تکیه گاه دل بستگی بسیار مهم است.

در گروه های سنی مختلف ویژگی های ذهن منظم، خلاقیت، و دانایی در سنین مختلف تفاوت معنادار داشتند. به این صورت که با بالا رفتن سن کودکان موافقت کمتری با این ویژگی ها نشان دادند. این یافته با توجه به مراحل تحول شناختی پیاژه قابل توجیه است. کودکانی که در مرحله ی ساخته پنداری قرار دارند ویژگی های قدرت و دانایی را به والدین نسبت می دهند، و آن ها را قدرت مطلق می انگارند، بعدها با رشد تفکر عملیاتی دلایل ساخته پنداری را ترک می کنند (پیاژه ۱۹۳۰، به نقل از گلدمن ۱۹۶۴). ویژگی های مادرانه ی پناهی گرم و مهربان، همدردی با غم ها، صمیمیت و خودمانی، ظرافت و لطافت، منتظر بودن که در کودکان ۸ تا ۱۲ ساله تفاوت معنادار داشتند، با بالا رفتن سن میانگین موافقت با آن ها افزایش پیدا کرد. این یافته را می توان با توجه به اینکه کودکان رابطه متقابلی با مادر خود ایجاد کرده اند و رابطه صمیمانه آن ها با مادر افزایش پیدا کرده توجیه کرد.

ویژگی های مراقبت، مهربان و عاطفی، فراهم کردن آسایش و راحتی، منتظر بودن و پذیرا بودن در بین دو جنس تفاوت معنادار داشت. به طور کلی دختران در تمام ویژگی ها میانگین موافقت بسیار بالاتری را کسب کردند؛ که نشان دهنده ی تصویر مادرانه ی مثبت تر در آن ها بود. مؤلفه های هدایت و راهنمایی، دانش، بررسی کردن، حفاظت در برابر خطر، نظم و ترتیب هم در دختران نسبت به پسران میانگین بالاتری داشتند. به طور کلی دختران هم در تصویر پدران و هم تصویر مادرانه ی مادر میانگین های بالاتری کسب کردند. این یافته با نتایج پژوهش آرنار و تانن باوم (۲۰۱۴) مبنی بر اینکه دختران هوش هیجانی بالاتری دارند و همچنین رابطه ی مادران با آن ها نسبت به پسران احساسی تر است بنابراین تصویر مثبت تری از مادر خود دارند، همخوانی دارد. هم چنین این یافته به علت ارزنده سازی والد همجنس و این مسئله که کودکان در دوران نهنفتگی با والد همجنس خود همانندسازی کرده و ارتباط نزدیکتری برقرار می کنند و هم چنین با توجه به اینکه ابژه اصلی عشق دختر مادر است (شنارگلان و والتر، ۲۰۱۵) قابل توجیه است. نتایج این پژوهش نشان داد در میان ویژگی های پدرانۀ مادر کودکان با ویژگی هدایت و راهنمایی و محافظت در برابر خطر و نظم و ترتیب هم به طور کلی و هم با در نظر گرفتن گروه های سنی و جنسیتی بالاترین موافقت را داشتند. این یافته با نتایج پژوهش (زارع و همکاران ۱۳۹۴ و لیتون ۲۰۰۴) مبنی بر اهمیت ویژگی های هدایت و راهنمایی، کنترل و نظم بخشیدن و کمک و همراهی و پژوهش ماهونی و پاول (۱۹۸۶) مبنی بر اهمیت مسئولیت پذیری و اثر بخشی همخوان بود. علاوه بر این می توان این یافته را با توجه به اینکه باور فراگیر مادران ایرانی احساس مسئولیت مادرانه می باشد توجیه کرد (زارع، ۱۳۹۰).

به طور کلی پژوهش های متعدد نشان می دهد شیء اصلی کودک مادر است. رابطه ی مثبت با مادر منجر به تشکیل خود پنداره ی مثبت و تصویر مثبت از خود در زمینه های گوناگون می شود. دل بستگی به مادر بر شکل گیری سایر پیوندهای عاطفی در طول عمر تأثیر می گذارد (شنار گلان و والتر، ۲۰۱۵). رفتارها و احساسات مادر در روابط متقابل مثبت با کودک و تعامل رضایت بخش با او در کشف دنیای پیرامون و رشد اولیه مناسب بسیار مؤثر است (تامپسون، ۲۰۰۸). در نهایت مادر یا جانشین مادرانه به عنوان نخستین فراهم آورنده ی مراقبتی امن و نزدیک، پایه گذار ادراک کودک از دنیای اطراف و مبنای رشد سالم اوست. پیشنهاد می شود در پژوهش های آینده جهت بررسی تصویر مادرانه گروه نمونه سنین بالاتر را هم شامل شود؛ و هم چنین علاوه بر تصویر مثبت از مادر تصویر منفی نیز مورد بررسی قرار گیرد.



- بابایی، ا.، گلستانی بخت، ط.، و یعقوبی، ق. (۱۳۸۷) بررسی رابطه ابعاد شخصیتی مادر با اضطراب. *مجله مطالعات روان شناسی تربیتی*. ۵ (۱). (۱۴-۱)
- تبعه امامی، ش.، نوری، ا.، ملک پور، م.، و عابدی، ا. (۱۳۹۰)، رابطه بین دلبستگی کودک و عوامل رفتار مادرانه. *فصلنامه خانواده پژوهی*، ۷ (۳)، (۳۱۰-۲۹۳).
- زارع، ح.، طهماسیان، ک.، پاکدامن، ش.، و داوری، ن. (۱۳۹۲). باورهای والدگری و الگوی تعامل مادر کودک در مادران ایرانی. پایان نامه کارشناسی ارشد، پژوهشکده خانواده، دانشگاه شهید بهشتی.
- زارع، ح.، طهماسیان، ک.، پاکدامن، ش.، داوری اردکانی، ن.، و رحیمی، ط. (۱۳۹۵)، مشاهده‌ی الگوی تعامل مادران ایرانی در یک موقعیت بازی. *فصلنامه خانواده پژوهی*، ۱۲ (۱). (۲۵-۷).
- شولتز، د.، و شولتز، س. ا. (۱۳۹۱)، نظریه های شخصیت. ترجمه یحیی سید محمدی، تهران: نشر ویرایش.
- فیض آبادی، س.، و خسروی، ز. (۱۳۸۸)، سبک دلبستگی و تصور از خدا در میان زنان خواهان طلاق و غیرخواهان طلاق شهرستان کاشان. *اندیشه های نوین تربیتی*. ۵ (۳). (۵۴-۳۷).
- ماسن، پ.، کیگان، ج.، هوستون، آ.، و کانجر، ج. (۱۳۸۰)، رشد و شخصیت کودک. ترجمه شهید پاشایی، تهران: نشر مرکز.
- نصیر زاده، ر.، و زال پور، خ. (۱۳۹۰)، تأثیر تجربه فقدان بر ادراک کودکان در مورد والدین و خداوند. *فصلنامه خانواده پژوهی*، ۷ (۲). (۱۶۱-۱۷۳).
- ناظمیان، ع.، و شمس، ز. (۱۳۹۵)، بررسی اثر بخشی آموزش گروهی والدین مبتنی بر فرزند پروری مثبت با توجه فرهنگ ایرانی بر پیشرفت تحصیلی و ارتباط مادر کودک. *مجله دانشکده پزشکی دانشگاه علوم*. ۵۹ (۲). (۱۳۱-۱۲۴).
- Aznar, A. , and tenenbaum, H. , (۲۰۱۵) . Gender and ege difference in pareny child emotion talk . *British journal of developmental psychology*. ۳۳(۱) , (۱۴۸-۱۵۵).
- Belsky, J., Vandell, D., Burchinal, M., Clarke-Stewart, K. A., and Mc Cartney, K. (۲۰۰۷). Owen MT and the NICHD early child care research network: Are there long- term effects of early child care? *Child Development*, ۷۸(۲), (۶۸۱-۷۰۱).
- Goldman, Ronald., (۱۹۶۴) *Religious thinking from Chilhood to adolescence; London: Routledge and Kegan poul.*,
- Emer, A., Martini, P. , Pruner, S. , and Venuti, P. (۲۰۱۴). Predictors of mother-child interaction ,De falco, S. (۱۱۰-۱۲۲). , *psychology jornal*. ۵,(۸) quality and child attachment security in at-risk families. *Front Litunnen, S. p. (۲۰۰۴). Cultural image of good mother and a good father in three generation. Finland: Jyvaslyka studiese in education psychology and social research.*
- Mahoney, G. , Powell, A. , and Finger, I. (۱۹۸۶). The maternal behavior rating scale. *Topics in Early Childhood Special Education*, ۶, (۴۴-۵۶).
- Mahoney, G., Boyce, G., Fewell, R., Spiker, D., and Wheeden, C. A. (۱۹۹۸). The relationship of parent-child interaction to the effectiveness of early intervention services for at risk



children and children with disabilities. *Topics in Early Childhood Special Education*, ۱۸(۱), (۵-۱۷).

Shenaar-Golan, V., and Walter, O. (۲۰۱۵). Mother-daughter relationship and daughter's body image. *Health*, ۷, (۵۴۷-۵۵۹).

Thompson, R. A. (۲۰۰۸). Measure twice, cut once: Attachment theory and NICHD study of early child care and youth development. *Attachment & Human Development*, ۱۰(۳), (۲۸۷-۲۹۷).

Vergote, A., and Tamay, O. A. (۱۹۸۱). *The parental figures and the representation of God: A psychological and cross-cultural study*. Mouton: The Hague.

Vergote, A., Tamayo, A., Pasquali. L., Bonami, M., Pattyn, M, R., and Custers, A., (۱۹۶۹). Concept of God and Parental Image. *Journal for Scientific Study of Religion*, ۸(۱), (۷۹-۸۷).



تصویر مادر در ضرب المثل‌های فارسی: یک پژوهش کیفی

مونا چراغی؛ دکتری روانشناسی بالینی و استادیار دانشگاه شهید بهشتی

Mona.cheraghi@yahoo.com

چکیده

خصوصیات فرهنگی در هر جامعه تعیین‌کننده ارزشها و انتظارات افراد از روابط خانوادگی و کیفیت روابط مذکور است. با توجه به این که ضرب‌المثل‌ها در هر جامعه نمایانگر عقاید و آداب و رسوم و هنجارهای رایج می‌باشند، بررسی دقیق آنها می‌تواند درک بهتری از کیفیت روابط خانوادگی ایجاد نماید. هدف این پژوهش تحلیل کیفی ضرب‌المثل‌های فارسی مرتبط با نقش مادری است. در پژوهش حاضر از روش کیفی استفاده شده است. ابتدا با مراجعه به کتب و فرهنگنامه‌های معتبر زبان فارسی ضرب‌المثل‌های حاوی کلمه مادر و مترادف‌های آن مشخص شدند. درگام بعدی با حذف موارد نامربوط، تنها ۳۵۵ ضرب‌المثل مورد تحلیل قرار گرفتند که دقیقاً با رابطه مادر-فرزندی مرتبط بودند. پنج مقوله اصلی بر اساس تحلیل‌ها استخراج گردید که عبارتند از: جایگاه ویژه و منحصر به فرد مادر برای فرزند، همجوشی مادر-فرزند، رقابت‌کننده‌های رابطه مادر-فرزند، امتیازات نقش مادری و هزینه‌های مادری کردن. هریک از مقوله‌های مذکور شامل مقوله‌های فرعی می‌باشند. بر اساس نتایج، زنان در جامعه ایران به واسطه مادر شدن از نظر اجتماعی و حتی معنوی ارتقاء می‌یابند. با این وجود مادری کردن دشواری‌های زیادی را نیز شامل می‌گردد که باعث می‌شود فرزندان همیشه نسبت به مادران احساس دین و حتی گناه داشته باشند. در ضرب‌المثل‌ها رابطه مادر-فرزندی چنان درهم‌تنیده و نزدیک به تصویر کشیده شده است که تصور وجود مفاهیمی چون مرز و تمایز یافتگی در این رابطه را دشوار می‌سازد. همچنین جایگاه مادر برای فرزند برتر از جایگاه پدر توصیف شده است. بر اساس نتایج میل جنسی، منافع مالی و تهدید جانی مهمترین عوامل تهدید کننده رابطه مادر-فرزندی هستند.

واژه‌های کلیدی: خانواده ایرانی، مادر، فرزندپروری

مقدمه

مادر اولین، مهمترین و موثرترین فرد در زندگی هر انسان است. به گونه‌ای که عمده نظریه‌پردازان رشدی در این باور مشترکند که کیفیت رابطه تجربه شده بین هر فرد با مادرش تاثیر قابل توجهی بر شکل‌گیری شخصیت و سلامت روان او در آینده دارد (کلر و چاسیوتیس، ۲۰۰۸). نزد ایرانیان که خانواده را بسیار مهم می‌انگارند و از منظر آنان خانواده هر شخص معرف ویژگی‌های فردی او تلقی می‌شده است (شعبانی، ۱۳۷۴) نیز مادر جایگاهی بسیار ویژه و بی‌رقیب دار بوده است و آموزه‌های فرهنگی و ادبی و مذهبی بر اهمیت جایگاه مادر تاکید دارند (پیکان پور، ۱۳۸۸). پژوهش‌های انجام شده در ایران حاکی از تاثیرات مهم مطلوب و نامطلوب مادران بر جنبه‌های مختلف زندگی فرزندان‌شان از شکل‌گیری شخصیت (ناظر، مختاری، صیادی و مشایخی، ۱۳۹۵) و وضعیت سلامت روان (دوستی و هدایتی، ۱۳۹۵) فرزندان گرفته تا مهارت‌های ارتباطی (طاهری و همکاران، ۱۳۹۱)، سبک‌های دلبستگی و خودپنداره آنها (صفایی، بیگدلی و طالع‌پسند، ۱۳۹۰) می‌باشند. همچنین برخی مطالعات ایرانی نشان می‌دهند که دامنه تاثیر مادران تنها محدود به دوره کودکی و نوجوانی نمی‌باشد.

آنها نقش مهمی در زندگی زناشویی فرزندان خود و حتی روابط با همسران فرزندان‌شان نیز دارا می‌باشند (چراغی، ۱۳۹۳؛ چراغی و همکاران، ۱۳۹۴). نقش مهم و غیرقابل انکار مادران از کودکی تا بزرگسالی در زندگی فرزندان‌شان ضرورت مطالعه دقیق و عمیق رابطه مادر-فرزندی و عوامل موثر بر کیفیت آن را خاطر نشان می‌سازد.



با وجود آن که روابط خانوادگی یک موضوعی مشترک در همه جوامع است اما مفهوم خانواده در ذهن افراد، رسوم حاکم بر آن، مراحل تحول آن و انتظارات افراد از روابط خانوادگی تحت تاثیر فرهنگ می‌تواند متفاوت باشد. رویکرد چندفرهنگی در دنیای امروز همگان را به بذل توجه و احترام بیشتر نسبت به ارزشها و مفاهیم گوناگون نسبت به زندگی خانوادگی در جهان فرا می‌خواند. این واقعیت درباره نقش مادر و کیفیت مادری کردن نیز صادق است. به عنوان مثال موضوعاتی چون طول دوران وابستگی متقابل بین مادر-فرزند و نگرش نسبت به خوداتکایی فرزندان، وجود یا عدم وجود شرایط زندگی جدا از والدین برای فرزندان پیش از ازدواج، حضور پررنگ و مفید والدین توسط فرزندان در دوران کهنسالی و وجود یا عدم وجود سندرم آشیانه خالی والدین از مواردی هستند که می‌توانند تحت تاثیر فرهنگ حالات متفاوتی دارا باشند (فالیکو، ۲۰۱۶). بالطبع مطالعه رابطه مادر-فرزندی در بافت فرهنگی جامعه به درک بهتر کیفیت این رابطه، شناخت دقیقتر آسیب‌های آن، و به تبع آن طراحی مداخلات موثرتر معطوف به خانواده در ایران کمک خواهد کرد. در غیر این صورت راهکارها و روشهای به دست آمده از جوامع دیگر مورد استفاده قرار خواهد گرفت که با توجه به عدم حساسیت فرهنگی نسبت به جمعیت بومی، فاقد اثربخشی لازم و حتی ایجاد مشکلات جانبی برای مخاطبان خواهد بود.

ضرب‌المثل‌ها با توجه به آن که منعکس کننده آرا و شیوه نگرش (پرتوی‌آملی، ۱۳۸۵)، حکمت‌های تجربی مردم، هنجارها، سبک زندگی، مناسبات، منش، خلق و خو و دیگر مولفه‌های مردمان آن سرزمین می‌باشند (ذوالفقاری، ۱۳۸۶) از اهمیت ویژه‌ای برخوردارند. بنابراین می‌توان نتیجه گرفت که با بررسی ضرب‌المثل‌های فارسی درباره مادر، اطلاعات مهمی پیرامون نگرش دیرینه فارسی‌زبانان نسبت به رابطه مادر-فرزندی به دست آورد.

بررسی پژوهش‌های پیشین نشان می‌دهد که تا کنون پژوهش خاصی در زمینه ضرب‌المثل‌های فارسی مرتبط با مادر صورت نگرفته است. اگرچه پژوهش‌های متعددی به بررسی ضرب‌المثل‌های مرتبط با خویشاوندان مختلف و یا زنان پرداخته‌اند (مانند: زندی و عباسی، ۱۳۹۵؛ امین‌الرعایا، شریفی و الیاسی، ۱۳۹۳؛ باقری و باقری، ۱۳۹۱؛ موحد، عسکری و یادعلی، ۱۳۹۱؛ خزلی و سلیمی، ۱۳۹۵؛ محمدپور، کریمی، معروف‌پور، ۱۳۹۱؛ شعبانی و صراحی، ۱۳۹۵؛ رضایی و ظاهری، ۱۳۹۴). اما نکته قابل توجه این است که پژوهش‌های مذکور عمدتاً از منظر زبان‌شناختی، انجام شده‌اند یا به بررسی کمی ضرب‌المثل‌های موجود درباره نسبت‌های خویشاوندی مختلف من جمله مادر پرداخته‌اند. جستجوی مولف در بانک‌های اطلاعاتی داخلی برای یافتن پژوهشی که به تحلیل کیفی ضرب‌المثل‌های فارسی مرتبط با نقش مادر و از منظر روانشناختی پرداخته باشد ناکام ماند.

با توجه به اهمیت نقش مادر در خانواده ایرانی و تاثیرات عمیق و بلند مدت آن در زندگی فرزندان و با توجه به اهمیت زیاد تاثیرپذیری ارزشهای فرهنگی بر رابطه مادر-فرزندی و با توجه به این نکته که ضرب‌المثل‌ها مخزنی غنی از ویژگی‌های فرهنگی جامعه می‌باشد، هدف از پژوهش حاضر تحلیل کیفی ضرب‌المثل‌های فارسی درباره مادر است.

روش

از بین منابع متعدد موجود درباره ضرب‌المثل‌ها کتاب "فرهنگ بزرگ ضرب‌المثل‌های فارسی" (ذوالفقاری، ۱۳۸۸) به عنوان یک منبع جامع انتخاب گردید. در گام بعدی کلیه ضرب‌المثل‌های حاوی کلمه مادر، ننه و بی‌بی استخراج گردید. سپس تنها مواردی که به شکل مستقیم یا غیرمستقیم به رابطه مادر-فرزندی یا نقش مادری مرتبط بودند مشخص شدند و مورد تحلیل قرار گرفتند. در مرحله بعد محقق هر یک از ضرب‌المثل‌ها را مطالعه کرده و شروع به کدگذاری یکایک آنها نمود. همچنین کدهای مشابه دارای مفاهیم مشترک در زیر مقولات مختلف طبقه‌بندی شدند. سپس محقق سعی کرد که مقولات به دست آمده را ساماندهی کرده و ارتباطات بین آنها را مشخص کند.



پس از تحلیل ضرب‌المثل‌ها تعداد پنج مقوله اصلی استخراج گردید. هر یک از این پنج مقوله شامل زیر مقولاتی نیز بودند که عبارتند از: الف) جایگاه ویژه و منحصر به فرد مادر برای فرزند (۱). پیامدهای منفی بی‌مادری، ۲. عدم توانایی هیچکس یا هیچ‌چیز در رقابت با مادر یا مهر او، ۳. تمایل بیشتر فرزند نسبت به مادر تا پدر، ۴. نکوهش رقابت‌گری با مادر/ بی‌نتیجه بودن رقابت با مادر، ۵. بیونددهنده عاطفی سایر اعضای خانواده، ۶. آسیب‌زایی احتمال دو مادری، ۷. حمایت همیشگی و سوگیرانه مادر از فرزند، ۸. امنیت‌بخشی مادر به فرزند، ۹. عشق منحصر به فرد مادری).

ب) همجوشی مادر-فرزند (۱). همراهی همیشگی مادر و فرزند، ۲. یکسانی هویت (مادر-دختر)، ۳. مادر الگو و مسئول رفتارهای فرزند، ۴. فرزندان تحت تاثیر والدین، ۵. والدین تحت تاثیر رفتارهای فرزند، ۶. لزوم پیروی فرزند از مادر، ۷. شناخت دقیق مادر از احوالات فرزند، ۸. تملک فرزند بر دارایی مادر).

ج) رقابت‌کننده‌های رابطه مادر-فرزند، همسانی سرنوشت مادر و فرزند (۱. میل جنسی/ ازدواج، ۲. مال، ۳. آسایش/ تهدید جانی).

د) امتیازات نقش مادری (۱). تقدس مادر، ۲. ارضای نیازهای مادر به واسطه فرزند، ۳. تغییر جایگاه زن به واسطه مادری).

ه) هزینه‌های مادری کردن (۱). مشقت زیاد، ۲. قدرشناسی فرزند/ محبت یک‌طرفه والدین، ۳. عدم برابری محبت مادر و فرزند/ همیشه بدهکار بودن فرزند).

بحث

بر اساس ضرب‌المثل‌های موجود به نظر می‌رسد کیفیت عشق و حمایت‌های ارایه شده از سوی مادر آنقدر منحصر به فرد، شدید، نامشروط و حتی گاه غیرواقع‌بینانه است که جایگاه او را ویژه و غیرقابل رقابت می‌سازد. ویژگی‌های خاص مادر و محبت‌های متمایز او چنان جایگاه والا و مصونیتی به او می‌بخشد که بر اساس ضرب‌المثل‌ها، نحوه رفتار هر کس با مادرش را می‌توان نمایانگر شخصیت وی دانست (تو که با مادر خودت وفا نمی‌کنی با بیگانه چطور وفا کنی؟). این جایگاه به حدی متمایز است که سایر افراد حتی پدر را یارای رقابت و برابری با چنین جایگاهی نمی‌باشد. اگر کسی هم سودای رقابت با مادر را در سر بپروراند مورد سرزنش و گاه تنبیه قرار می‌گیرد (دایه که از مادر دلسوزتر شد باید پستانش را داغ کرد). جایگاه منحصر به فرد مادر آنقدر مهم به نظر می‌رسد که در شرایط دور از ذهن وجود دو مادر برای یک فرزند، صدمات جدی در انتظار فرزند خواهد بود (بزغاله دو مادری مرد از لاغری). همچنین فقدان مادر لطمات جدی به فرزندان تحمیل می‌کند که قابل جبران نیست. این نکته که مادر حتی با پدر نیز جایگاه یکسانی ندارد و در ضرب‌المثل‌ها به شکل بارزی بر پدر ترجیح داده می‌شود همسو با نتایج ارایه شده توسط اعزازی (۱۳۷۶)، پیرمادی (۱۳۸۳) و جلالی (۲۰۰۵) می‌باشد. این امر را می‌توان به ساختار خانواده ایرانی و مناسبات حاکم بر آن مرتبط دانست که در آن قلمرو زن و شوهر کاملاً جداست. بدین ترتیب قلمرو پدر که نان‌آور خانواده است در خارج از خانه و قلمرو مادر در داخل خانه است. بنابراین انتظار می‌رود که پدران ارتباطات عاطفی چندانی با فرزندان و همسر برقرار نکنند. این امر باعث می‌شود که مادران مرکز ثقل شبکه ارتباطات عاطفی محسوب شوند و پدران از نظر عاطفی بیشتر در حاشیه قرار گیرند. نقش مسلط زنان در در ارتباطات عاطفی نزدیک با فرزندان زمینه‌ساز ایجاد اتصالات ظریف با فرزندان می‌گردد که این امر نیز به نوبه خود نفوذ آنها را در خانواده افزایش داده و جایگاه ضعیف‌تر آنها را در هرم خانواده تعدیل می‌کند. بنابراین تا حدی بین جایگاه قدرت دو جنس در خانواده تعادل ایجاد می‌شود (فالیکو، ۲۰۰۳). این امر در ضرب‌المثل‌های مرتبط با مفهوم مثلث‌سازی نمایان است (مادرم با پدرم می‌سازد، پدرم جفتک می‌اندازد؛ پدرم فقط جلوی مادرم شیر است؛ هرکس مادرم را دید زن پدرم نشد). نکته مهم دیگر در اینجا این است که در خانواده‌های سنتی، مرکزیت بیشتر با رابطه والد-فرزند است نه زن و شوهری. به نظر می‌رسد یکی از اهداف مهم ازدواج و تشکیل خانواده در این بافت‌های فرهنگی زایش و فرزندآوری است، نه ایجاد پیوند عمیق عاطفی با همسر. چنین حالتی می‌تواند زمینه‌ساز ایجاد سرمایه‌گذاری بیشتر بر رابطه بین‌نسلی و مثلث‌سازی بین پدر، مادر و فرزند شود (فالیکو، ۲۰۰۳).

دومین مقوله به دست آمده از تحلیل ضرب‌المثل‌ها همجوشی بین مادر و فرزند است. زیرمقولات مربوطه از همراهی همیشگی فیزیکی مادر و فرزند تا همسانی هویت مادر و فرزند و سرنوشت مشترک آنها متغیر است. نگاهی اجمالی به ضرب‌المثل‌های مربوط به این مقوله حاکی از



آن است که گویا بین مادر و فرزند اتصالی ازلی و ابدی برقرار است که گسستگی نیست. به نظر می‌رسد که در فرهنگ ایرانی فرزندان قادر نیستند فراتر از هویت و سرنوشت والدین خود بروند (تو که نه پدرت نعلبند بوده نه مادرت، چه کارت به نعلبندی؟). چون تحت تاثیر طالع همسان (هر چه بر پدر گذشته باشد بر پسر هم می‌گذرد هرچه بر مادر گذشته باشد بر دختر هم می‌گذرد) با آنها هستند و یا حتی شاید به تعبیری دیگر، فرزندان تکه‌ای از وجود والدین یا نسخه مشابهی از آنها، ادامه آنها (به حاشیه نگاه کن و کرباسش را بخر، به مادر نگاه کن و دختر را بگیر)، و در برخی موارد مایملک آنها (سرزمین بی‌پادشاه مانند فرزند بی‌مادر است) معرفی می‌شوند. این مقوله تصویری که از خانواده ایرانی ارایه می‌دهد متشکل از مجموعه افراد همجوش بدون تاکید بر فردیت، بدون مرز واضح و مشخصی بین آنهاست. البته تعداد محدودی از ضرب‌المثل‌های متضاد با این تصویر نیز وجود دارند که بیشتر با لحن اعتراض به ویژگی‌های منفی والدین (پدرم آشغال ننهام زباله. به من چه؟ خودم مثل گل لاله) و ناهمانند سازی فرزند با والدین یا پوشش دادن نقاط ضعف آنها (مادر که تنبل شد دختر زرنگ می‌شود) مطرح شده‌اند. البته این موضوع با به رسمیت شناختن مرزهای واضح بین والدین و فرزندان و تمایزیافتگی اعضای خانواده که در نظریات کلاسیک خانواده‌درمانی مانند نظریات مینوچین و بوئن مطرح می‌شوند متفاوت است. باید به این نکته توجه داشت که توده همجوش مذکور در درون خود دارای سطوح مراتب متفاوت است. به این معنی که ظاهراً مادر مسلط بر فرزندان و آگاه بر احوالات درونی (عادت بچه را مادر می‌داند، عادت همسایه را همسایه می‌داند؛ دختر که ک... می‌شود اول مادرش می‌فهمد) آنهاست. از سوی دیگر در آموزه‌های فرهنگی و مذهبی حاکم بر جامعه ایران نیز بر لزوم اطاعت فرزندان از والدین بالاخص مادر و جلب رضایت آنها تاکید می‌گردد. بنابراین شاید بهتر است که به جای تجسم یک گروه متصل بهم و همسطح، رابطه غیرهمسطحی را بین مادر و فرزندان تجسم کرد که در آن مادر از جایگاه بالاتر قدرت برخوردار است که بر فرزندان احاطه دارد و فرزندان از او تبعیت می‌کنند. طبعاً مادر این جایگاه را مدیون روابط عاطفی قوی با فرزندان و آموزه‌های فرهنگی و مذهبی است که به او جایگاه مقدسی اعطا می‌کنند. این امر می‌تواند تداعی‌کننده حالت تملک مادر بر فرزندان و قدرت کنترل او بر آنها باشد. این نتیجه‌گیری را می‌توان همسو با گزارشات حلی‌ساز و همکاران (۱۳۹۴) دانست. به این ترتیب که ظاهراً مادران فرزندان‌شان را بخشی از خود یا ادامه خود و به بیان دیگر حتی کارنامه خود می‌پندارند از آنها انتظار اطاعت و پیروی و شباهت به خود دارند تا کارنامه قابل قبولی از خود به دیگران ارایه کنند.

با وجود آن که در ضرب‌المثل‌های ایرانی بر عشق همیشگی، نامشروط و شدید مادر-فرزندی تاکید فراوانی می‌شود اما برخی موارد هستند که می‌توانند بر رابطه مادر-فرزند سایه بیندازند یا آن را تحت‌الشعاع قرار دهند، که عبارتند از میل جنسی/ازدواج، مسائل مالی و آسایش/تهدید جانی. به عنوان مثال ازدواج فرزند یا ازدواج مجدد مادر هر دو می‌تواند تمرکز آنها را از رابطه مادر-فرزندی بردارد و به رابطه با شخص سوم معطوف نماید (مردان را از مادر شوی کرده عار است؛ خودم می‌خورم و زخم، گور پدر و ننهام). این امر به گونه‌ای در پژوهش چراغی (۱۳۹۳) نیز گزارش شده است. به این صورت که گاه ازدواج فرزند در والدین احساسات ناخوشایندی چون طرد شدن و کنار گذاشته شدن را ایجاد می‌کند که منجر به ایجاد تعارضات بین آنها و همسر فرزندشان می‌گردد. به بیان دیگر در خانواده ایرانی پیوند عاطفی شدیدی بین مادر و فرزند شکل می‌گیرد که معمولاً پس از ازدواج فرزند، منجر به ایجاد مشکلاتی در رابطه بین همسر فرزند با مادر می‌گردد. بدین ترتیب ایجاد تعارضات بین زوج جوان با خانواده همسر یک منبع استرس معمول در خانواده ایرانی به شمار می‌رود (پیرمرادی، ۱۳۸۳؛ جلالی، ۲۰۰۵، قندهاری، ۱۳۸۲). یکی از زیرمقولات مربوط به همجوشی مادر-فرزند مربوط به مالکیت فرزند نسبت به اموال مادر است. البته باید به این نکته توجه کرد که معمولاً این موارد مربوط به ارثیه یا مهریه مادر است (انگار پشت قباله مادرش انداخته‌اند) که معمولاً پس از فوت مادر جزو اموال فرزندان محسوب می‌گردد. اما ظاهراً در زمان حیات مادر مسایل مالی می‌توانند از موضوعات اختلاف برانگیز مهمی در رابطه مادر-فرزند باشند (پول صدا کرد، دختر را از مادرش جدا کرد) در سوی دیگر تهدید جانی به عنوان یک عامل آسیب‌زا در رابطه مادر-فرزندی مطرح می‌شود.

به این معنی که مادر وظیفه خطیر مراقبت از فرزند را تا جایی ادامه می‌دهد که جان خودش به خطر نیفتد (چو از لب بگذرد سیل خطرمند، نهد مادر به زیرپای فرزند). طبق ضرب‌المثل‌ها فرزندان هر عامل مرتبط با رفاه شخصی را بر والدین ارجح می‌دانند، از همسایه خوب و آسایش تا شکم روان و جان (هر که آمد به کارت بهتر است از پدر و مادر).



ظاهراً مادر شدن ترکیبی از پیامدهای مثبت و منفی را به همراه می‌آورد. به نظر می‌رسد که زنان به واسطه مادر شدن تغییراتی در موقعیت اجتماعی و خانوادگی پیدا می‌کنند که آنها را از جایگاه بیگانه یا دلبر برای همسر به جایگاه مادر فرزندان ارتقاء می‌بخشد (تا نژاد دلبر است چون بزاید مادر است) همچنین از طریق سرمایه‌گذاری روانی زیاد بر رابطه با فرزند و مثلث‌سازی با فرزندان، جایگاه ضعیفتر زنان نسبت به شوهران پس از تولد فرزند (بالاخص پسر) در هرم قدرت خانواده بهبود پیدا می‌کرده است (پیرمرادی، ۱۳۸۳). از سوی دیگر جایگاه مقدسی در فرهنگ ایرانی برای مادران در نظر گرفته می‌شود که ورود فرزند به بهشت را در گرو جلب رضایت مادر می‌داند، قدرت نفوذ مادر بر فرزندان را بیشتر می‌ساخته است. اما رسیدن به این شرایط اصلاً راحت نبوده است. به گونه‌ای که در ضرب‌المثل‌ها می‌بینیم دشواری‌های زیاد مادری و قدرشناسی‌های فرزند باعث می‌شود که مادر بودن امری طاقت‌فرسا باشد (سگ شو مادر نشو). اما به نظر می‌رسد که در جامعه سنتی ایران زنان را گریزی از این مسیر دشوار و پرتلاطم نبوده است. زنان به دلیل شرایط حاکم بر جامعه، گریزی از ازدواج و به تبع آن مادر شدن نداشته‌اند (اعزاز، ۱۳۷۶؛ پیرمرادی، ۱۳۸۳). مادر به عنوان شخصیتی بخشنده که هر آنچه دارد می‌بخشد و فرزند هم موظف به جبران محبت مادر و قدرشناسی نسبت به اوست. اما ظاهراً ماهیت این رابطه به گونه‌ای است که فرزندان غالباً به میزانی که مادران در رابطه از خودگذشتگی و محبت نشان می‌دهند از خود قدرشناسی و محبت نشان نمی‌دهند (تا یتیم نشوی قدر پدر مادر ندانی). به بیانی دیگر که فرزند هیچگاه قادر به جبران زحمات مادر نخواهد بود و معمولاً این امر نوعی احساس دین و بدهکاری را برای فرزندان به همراه خواهد داشت که به عنوان یک عامل بازدارنده آنها را از زیاده‌روی و سرکشی نسبت به مادر و بدرفتاری با او باز می‌دارد. این امر خصوصاً برای مادر که از جایگاه قدرت ضعیفی در خانواده برخوردار است بسیار حیاتی است. بنابراین شاید در ظاهر مادر به واسطه مادری کردن دچار خسران‌های زیادی می‌شود اما در اصل هرچه مادر طلب وصول نشده بیشتری از فرزند داشته باشد فرزند بدهکارتر و دارای احساس دین بیشتری است که او را مجاب می‌کند رضایت مادر را به گونه‌ای جلب نماید. شاید بتوان نتیجه گرفت که یکی از دلایل تفاوت کیفی رابطه بین فرزند با مادر و پدر در همین موضوع ریشه داشته باش به این ترتیب که پدران به دلیل برخورداری از جایگاه بالاتر قدرت و در دست داشتن منابع مالی خانواده متفاوت‌تر از مادران با فرزند رفتار می‌کرده‌اند که به جز محبت و پشتوانه معنوی و مذهبی منبع قدرت دیگری در اختیار نداشته‌اند.



منابع

۱. اعزازی، شهلا (۱۳۷۶). جامعه‌شناسی خانواده با تاکید بر نقش، ساختار و کارکرد خانواده در جامعه معاصر. تهران: انتشارات روشنگران و مطالعات زنان.
۲. امین‌الرعایا، پروین، شریفی، شهلا و الیاسی، محمود (۱۳۹۳). بررسی ویژگی‌های منتسب به زنان در ضرب‌المثل‌های فارسی. پژوهش زبان و ادبیات فارسی، شماره ۳۴، ۱۲۰-۸۹.
۳. باقری، بهادر و باقری، فاطمه (۱۳۹۱). زن در آیین ضرب‌المثل‌های ایرانی. مجله انسان‌شناسی، سال دهم، شماره ۱۶، ۵۲-۲۹.
۴. پرتوی‌آملی، مهدی (۱۳۸۵). ریشه‌های تاریخی امثال و حکم. تهران: انتشارات سنایی.
۵. پیرمرادی، سعید (۱۳۸۳). روانشناسی فرهنگی و روانشناسی خانواده ایرانی. اصفهان: همام.
۶. پیکانپور، مریم (۱۳۸۸). مادر از دیدگاه دو ادیب معاصر: پروین اعتصامی و انیسه عبود. مطالعات ادبیات تحقیقی، ۳(۹)، ۴۵-۲۷.
۷. چراغی، مونا (۱۳۹۳). سبک‌های ارتباط با خانواده همسر در زوجین ایرانی و طراحی و بررسی اثربخشی بسته مداخله‌ای مبتنی بر فرهنگ بر سازگاری زناشویی و کیفیت ارتباط با خانواده همسر. پایان‌نامه جهت اخذ دکتری. دانشگاه شهیدبهشتی.
۸. چراغی، مونا؛ مظاهری، محمدعلی؛ موتابی، فرشته؛ پناغی، لیلی و صادقی، منصوره‌السادات (۱۳۹۴). مقایسه ارتباط با خانواده همسر در زنان و مردان متأهل ایرانی. خانواده‌پژوهی. دوره یازدهم، شماره ۴۱، ۳۲-۷.
۹. حلی‌ساز، مریم، مظاهری، محمدعلی، پناغی، لیلی، حسنی، فریبا (۱۳۹۴). ارزش‌های فرزندپروری مادران کودکان ۳ تا ۵ ساله: مطالعه‌ای پدیدارشناسانه. فصلنامه راهبرد فرهنگ، شماره ۲۹، ۱۲۱-۱۴۸.
۱۰. خزلی، مسلم و سلیمی، علی (۱۳۹۵). زن در آیین ضرب‌المثل‌های کردی و عربی. نشریه ادبیات تطبیقی، سال ۸، شماره ۱۵، ۱۱۳-۱۳۵.
۱۱. دوستی، پیمان و هدایتی همدانی، سیده سپیده (۱۳۹۵). ارتباط بین عملکرد خانواده و اضطراب دانش‌آموزان کلاس اول دبستان. سلامت و مراقبت، دوره ۱۸، شماره ۱، ۱۶-۷.
۱۲. ذوالفقاری، حسن (۱۳۸۶). هویت ایرانی و دینی در ضرب‌المثل‌های فارسی. فصلنامه مطالعات ملی، سال هشتم، شماره ۳۰، ۵۳-۲۷.
۱۳. ذوالفقاری، حسن (۱۳۸۸). فرهنگ بزرگ ضرب‌المثل‌های فارسی اقوام ایرانی و کشورهای فارسی‌زبان. تهران: معین.
۱۴. رضایی، حمید و ظاهری عبده‌وند، ابراهیم (۱۳۹۴). جایگاه زن و خانواده در ضرب‌المثل‌های بختیاری. دو فصلنامه فرهنگ و ادبیات عامه، سال سوم، شماره ۶، ۴۲-۲۱.
۱۵. زندی، بهمن و عباسی، بیستون (۱۳۹۵). بازتاب روابط خویشاوندی در ضرب‌المثل‌های فارسی. فصلنامه فرهنگ و ادبیات عامه، سال ۴، شماره ۶، ۶۰-۲۳.
۱۶. شعبانی، رضا (۱۳۷۴). مبانی تاریخ اجتماعی ایران. تهران: نشر قومس.
۱۷. شعبانی، منصور و صراحی، محمد امین (۱۳۹۵). بازنمایی زنان در ضرب‌المثل‌های گیلکی (گونه اشکورات). فصلنامه فرهنگ و ادبیات عامه، سال ۴، شماره ۱۱، ۷۸-۵۷.
۱۸. صفایی، صدیقه، بیگدلی، ایمان اله، طالع‌پسند، سیاوش (۱۳۹۰). رابطه خودپنداره مادر با سبک دل‌بستگی و خودپنداره فرزند. پژوهش‌های روانشناسی بالینی و مشاوره، دوره اول، شماره ۲، ۵۲-۳۹.



۱۹. طاهری، محمد؛ قاسمی، خلیل؛ پاسدارجهانی، سمیه؛ پورمحمدرضایی، منصوره؛ اکبر بیاتبانی، عبدالرضا. و عرشی، بهار. (۱۳۹۱). ارتباط سبک دلبستگی مادر با مهارت‌های ارتباطی فرزندان پسر عقب‌مانده ذهنی آموزش‌پذیرمجله علوم پزشکی کرمانشاه، سال ۱۶، شماره ۲، ۱۷۳-۱۶۵.
۲۰. قندهاری، پردیس (۱۳۸۲). زن و قدرت: بررسی مردم‌شناختی عرصه‌ها و مصادیق قدرت در چند خانواده تهرانی. تهران: سازمان میراث فرهنگی کشور.
۲۱. محمدپور، احمد، کریمی، جلیل و معروف‌پور، نشمیل (۱۳۹۱). مطالعه تفسیری بازنمایی زن در ضرب‌المثل‌های کردی (مورد مطالعه: گویش سورانی-مکریانی). زن در فرهنگ و هنر، دوره ۴، شماره ۳، ۸۳-۶۵.
۲۲. موحد، مجید، عسکری چاوردی، محمدجواد و یادعلی، زهرا (۱۳۹۱). تحلیلی جامعه‌شناختی از ضرب‌المثل‌های زنانه در شهرستان لامرد استان فارس، زن در فرهنگ و هنر، دوره چهارم، شماره دو، ۱۲۰-۱۰۱.
۲۳. Falicov, C. J. (۲۰۰۳). Culture in Family Therapy: New Variations on a Fundamental Theme. In Sexton, T. L., Weeks, G. R, Robbins, M. S. (Eds). *Handbook of Family Therapy: The Science and Practice of Working with Family and Couples*. (۳۷-۵۳).
۲۴. Falicov, C. J. (۲۰۱۶). The Multiculturalism and Diversity of Families. In Sexton, T. L. & Lebow J. (Eds). *Handbook of Family Therapy*. New York: Taylor & Francis
۲۵. Jalali, B. (۲۰۰۵). Iranian Families. In McGoldrick, M., Giordano, J., Garcia-Preto, N. (Eds.). *Ethnicity & Family Therapy* (۴۵۱-۴۶۸). New York: Guilford Publication.
- Keller, H., Chasiotis, A. (۲۰۰۸). Maternal Investment. In Salmon, C. A. & Shackelford, T. K. (Eds). *Family Relationships: an Evolutionary Perspective*. (۹۱-۱۱۴). New York: Oxford University Press.



نقش مادر در اندیشه‌ورزی کودک در جامعه ایران

افضل السادات حسینی؛ دانشیار دانشکده روانشناسی و علوم تربیتی دانشگاه تهران

afhoseini@ut.ac.ir

فاطمه جهانگیری؛ کارشناس ارشد دانشکده روانشناسی و علوم تربیتی دانشگاه تهران

jahangirifatemeh@yahoo.com

آزاده رباط جزی؛ دانشجوی کارشناسی ارشد دانشکده روانشناسی و علوم تربیتی دانشگاه تهران

hadis313@gmail.com

چکیده

نقش تفکر در رشد و تعالی جامعه بسیار حائز اهمیت است. چه بسا می‌توان گفت که جامعه، تنها با سواد، انباشت اطلاعات و یا حتی IQ بالای افراد، پیشرفت نمی‌کند، بلکه نیازمند افراد متفکر و صاحب‌اندیشه‌ای است که بتوانند در هر موقعیتی، با کمک قوه‌ی تعقل و تفکر، بهترین انتخاب را داشته و مناسب‌ترین رفتار را از خود نشان دهند. تفکر مهارتی است که علی‌رغم توانمندی‌هایی چون IQ قابل پرورش و ارتقاء است. بهترین دوران یادگیری طبق نظریات مختلف، دوران کودکی و ابتدای نوجوانی است. بخش قابل توجهی از دوران کودکی افراد، در خانواده سپری می‌شود و بدیهی است که ارتباط کودک با مادر بسیار مهم و پررنگ است. علی‌الخصوص در کشور ایران که فرهنگ ایرانی-اسلامی حاکم است، به دلیل اهمیت جایگاه مادر این موضوع بیشتر دیده می‌شود. تحقیق حاضر با روش تحلیلی-اسنادی و باهدف بررسی نقش مادر در اندیشه‌ورزی کودک در ایران انجام گرفته است. لذا پس از بررسی نقش مادر در اندیشه‌ورزی کودک اشاره‌ای به اهمیت دوران کودکی و نحوه شکل‌گیری و رشد تفکر در این دوران شده و جایگاه اندیشه‌ورزی تبیین گشته است. یافته‌ها نشان می‌دهد که نقش مادر در ایجاد اندیشه‌ورزی، قدرت تصمیم‌گیری و رفتار مناسب با موقعیت، در کودک به‌خصوص در همان سال‌های ابتدایی زندگی بسیار پررنگ و حائز اهمیت است؛ بنابراین پیشنهاد می‌شود تدابیر آموزشی-تربیتی منسجمی برای مادران اندیشیده شود که می‌تواند در قالب‌های متنوع (تئوری-عملی) و در دوره‌های مختلف زمانی، توسط سازمان‌هایی چون آموزش و پرورش و البته ارگانی مستقل و ویژه برای امور مادران باشد. واژه‌های کلیدی: کودک، اندیشه‌ورزی، تفکر، مادر

مقدمه

کودکان و رشد و آموزش آن‌ها نقش مهمی را در سرنوشت هر نسل ایفا می‌کند و جامعه، آینده خود را با نوع تربیت کودکان و نحوه آموزش آن‌ها می‌سازد. ازجمله ویژگی‌های مهم و توانمندی‌هایی که باید در دوران کودکی به آن توجه شود اندیشه‌ورزی و پرورش تفکر در کودکان است.

از آنجایی که اندیشه‌ورزی یک فاکتور ارثی و ژنتیکی به حساب نمی‌آید و یک توانمندی اکتسابی و قابل تغییر است، می‌توان به پرورش آن امیدوار بوده و برای رشد آن تلاش کرد. در محیط‌های آموزشی مثل مدرسه، دست‌اندرکاران آموزشی ازجمله معلم، مسئول هدایت و پرورش این توانمندی هستند. در سنین پایین‌تر و در محیط خانه این وظیفه به عهده مادر است، چراکه بیشتر تعاملات کودک در این دوران با مادر می‌باشد و اوست که بنیان‌های این مسیر مهم را در کودک بنا می‌نهد. بنابراین وی باید با اصول پرورش اندیشه‌ورزی در کودک آشنا باشد (E).Pourtaghi. V, Hosseini. A, Hejaz

در ایران مادران برای پرورش تفکر و اندیشه‌ورز کردن کودکان آموزش خاصی دریافت نمی‌کنند، با توجه به اینکه نقش مادر در خانواده در ایران پررنگ بوده و تأثیر وی در تربیت کودکان غیرقابل انکار است، از طرفی اندیشه‌ورزی نیز بنیان شکوفایی سایر توانمندی‌ها در کودکان می‌باشد. بنابراین مادران باید اصولی را که برای تربیت کودکان متفکر و اندیشه‌ورز لازم است، دارا باشند.

لذا هدف تحقیق حاضر این است که بعد از اشاره به نقش مادر در اندیشه‌ورزی کودک، به بررسی دوران کودکی، نحوه شکل‌گیری و رشد تفکر در دوران کودکی پرداخته سپس جایگاه اندیشه‌ورزی را تبیین نماید.

بررسی نقش مادر در اندیشه‌ورزی کودک



جامعه سالم از خانواده سالم و خانواده سالم از افراد سالم تشکیل یافته است. کانتز^۱ معتقد است تأثیر والدین بر روی نگرش‌ها و حتی رفتارهای فرزندان بسیار چشمگیر است. در محیط خانواده خواه ناخواه فرزندان از والدین خود حرف‌ها و رفتارهایی را فرامی‌گیرند و آن‌ها را تکرار می‌کنند که والدین به‌صورت مستقیم و غیرمستقیم این نگرش‌ها و رفتارها را به فرزندان خود منتقل می‌کنند این آموخته‌ها بر ادامه زندگی آن‌ها تأثیر می‌گذارد و کودکان این تأثیر را از روی مشاهده رفتار و اعمال والدین می‌پذیرند.

با توجه به این تأثیر چشمگیر که آن‌ها در رفتار و نگرش‌های فرزندان خود دارند باید منبع تغذیه این نگرش‌ها و رفتارها در والدین منشأ و منبع صحیحی داشته باشد تا بتوانند به رشد شخصیت فردی کودک خود کمک کنند.

در خانواده نقش مادر در تربیت فرزند پررنگ است، بنابراین یکی از نکاتی که باعث می‌شود نگرش والدین علی‌الخصوص مادران نسبت به تربیت فرزندان تغییر پیدا کند آموزش شیوه‌های تربیتی به آن‌هاست. این کار از میزان مسائل و مشکلاتی که فرزندان و خانواده‌ها با آن روبه‌رو هستند کاسته و از پدید آمدن مسائل جدید جلوگیری می‌کند. چیزی که در این آموزش‌ها مادران باید فرابگیرند، این است که برای به کمال رساندن یک انسان باید به مراحل رشد، تفاوت‌های فردی و هدفمند بودن توجه داشت. همچنین باید بر اساس روش‌های تربیتی، نقش الگو، همسالان و هم‌نشینان کودک، تکرار و تذکر، بازی، جایگاه تشویق و تنبیه، خوب شناخته شود که در این صورت، آنان محیط مناسب‌تری را برای رشد و شکوفایی استعدادهای بالقوه فرزندان خود فراهم می‌کنند که پیشرفت افراد خانواده و جامعه را به دنبال خواهد داشت (احمدی و همکاران، ۱۳۸۶).

تفکر در کودکان، یکی از توانمندی‌های ذاتی آن‌هاست که باید از همان ابتدا مورد توجه ویژه‌ی مسئولین تربیتی کودک قرار گیرد. اولین مربی تربیتی کودک که نقش مهمی در سرنوشت آینده وی بازی می‌کند، مادر می‌باشد. همان‌طور که اشاره شد این اهمیت با توجه به حساسیت دورانی که کودک در آن با مادر در تعامل است دوچندان می‌شود. مادرانی در تربیت فرزندان خود موفق خواهند بود که همان‌طور که اشاره شد دارای منبع آموزشی و تربیتی درستی بوده تا بتوانند تأثیرات موثر و خوبی روی فرزندان خود داشته باشند. توجه به اندیشه‌ورز کردن کودکان نیز از این امر مستثنی نیست. مادران باید بدانند که در وهله اول چگونه تفکرات کودکان را سرکوب نکرده و در گام بعدی آن‌ها را فعال و شکوفا نمایند.

بر اساس نظر لیپمن (Lipman) تفکر خوب، تفکری است که پر از تخیل و تصویرسازی باشد، همان‌گونه که در داستان‌ها و مثال‌ها نقل می‌کنیم، کودکی که به‌راحتی تجربیاتش را بیان می‌کند و درباره آن به‌دقت توضیح می‌دهد، و با دید منطقی آن را بررسی می‌کند، تخیل و انگیزه او تقویت می‌شود، و قادر می‌شود هر موضوعی را از جنبه‌های مختلفی بررسی کند.

با توجه به این اصل، درمی‌یابیم که داستان و تمثیل، یکی از راه‌های بسیار مهم در پرورش اندیشه‌ورزی و تفکر کودک است، بدیهی است از دیرباز، بیشترین، تأثیرگذارترین و ماندگارترین داستان‌ها از زبان مادران شنیده شده، پس یکی از راه‌های مهم برای مادران در تقویت اندیشه‌ورزی کودکان قصه‌گویی برای کودک و همچنین مطالبه از کودک برای تعریف تجربیات و اتفاقات روزمره‌اش می‌باشد (Pourtaghi, V, Hosseini, A, Hejazi, E). ۲۰۱۴).

علاوه بر قصه‌گویی، کارهایی که در متدهایی چون "فلسفه برای کودکان" برای پرورش تفکر انجام می‌شود، بازی خلاق، عروسک بازی، شرکت در فعالیت‌های هنری است.

با آموزش این برنامه‌ها که غالباً توسط مربی اجرا می‌شود، به مادران، می‌توانیم به همان میزان، یا حتی به مقدار بیشتری بهره‌وری از این برنامه‌ها را داشته باشیم، به این دلیل که بیشترین و بهترین رابطه‌ای که کودک با مادر خود، نسبت به معلم برقرار می‌کند، بستر بسیار مناسبی برای پرورش اندیشه‌ورزی کودک است (Hosseini, Afzal sadat, Musavi, Fatemeh sadat). ۲۰۱۵).

دوران کودکی و نحوه شکل‌گیری و رشد تفکر در این دوران

الف) مراحل رشد ذهنی پیاژه

پیاژه رشد ذهنی را به چهار مرحله تقسیم می‌کند:

حسی-حرکتی (از تولد تا ۲ سالگی)



پیش عملیاتی (۲ تا ۷ سال)

عملیات عینی (۷ تا ۱۱ سال)

عملیات صوری (۱۱ تا ۱۵ سال)

پیازمه معتقد است هیچ‌گونه تفکر منطقی در دوره پیش عملیاتی کودک شکل نمی‌گیرد، و تفکرات کودکان در این مرحله، سرشار از اشتباه است. چون هنوز به مفهوم طبقات کلی دست نیافته‌اند. از جمله ویژگی‌هایی که پیازمه برای این دوران برمی‌شمارد عبارت‌اند از: خودمحور بودن کودک، تفکر بر مبنای ظواهر و داشتن استدلال برگشت‌ناپذیر (کودک نمی‌داند هر عمل منطقی قابل بازگشت است).

اما کودک بعد از سن هفت‌سالگی وارد مرحله عملیات عینی می‌شود، در این مرحله هرچند کودک توانایی تفکر را به دست آورده اما قادر است تنها بر مبنای ظواهر و امور محسوس این تفکر را انجام دهد نه بر مبنای امور فرضی و پدیده‌های انتزاعی. از جمله ویژگی‌هایی که پیازمه برای این دوران برمی‌شمارد عبارت‌اند از: اندیشیدن درباره نتایج اعمال مختلف، عدم نیاز به آزمایش و خطا، پیش‌بینی امور و حدس نتیجه کارها، دستیابی به مفهوم بقای ماده و طبقه‌بندی.

(ب) ویژگی‌های تفکر در دوران کودکی از دیدگاه ویگوتسکی^۱

ویگوتسکی بیشتر بر تعامل بین فرد و زمینه اجتماعی او تأکید می‌کند. از نظر وی کودک با کمک این تعامل، روابط اجتماعی را به صورت کارکردهای شناختی درمی‌آورد. یکی از مفاهیم عمده‌ای که تبدیل روابط اجتماعی به کارکردهای ذهنی را نشان می‌دهد مفهوم درونی سازی است. گفتار اجتماعی، گفتار خصوصی، و گفتار درونی سه مرحله تحول زبانی از نگاه ویگوتسکی می‌باشند. در گفتار اجتماعی، کودک در بستری اجتماعی با دیگران گفتگو می‌کند. در گفتار خصوصی، کودک همان گفتگو را با خود انجام می‌دهد. ویگوتسکی برخلاف پیازمه گفتار کودک با خود را مبنای خودمحوری و غیر مفید ارزیابی نمی‌کند بلکه وی معتقد است این گفتار به کودک کمک می‌کند تا امور خود را نظم دهد. گفتار درونی، سخن گفتن با خود به طور بی‌صدا است که به اندیشه و رفتار انسان جهت می‌دهد.

پیازمه معتقد بود که دانش به شکل تحمیلی به کودک ارائه نمی‌شود بلکه کودک با کاوش در محیط خود دانش را می‌سازد و همین کار منجر به رشد شناختی وی می‌شود لیکن نیز معتقد است که ما باید از همین میل شدید کودکان به کاوشگری برای یادگیری‌شان بهره بگیریم. دیدگاه رشد شناختی پیازمه که بیان می‌دارد کودکان آموزنده‌های فعالی هستند به تحول فلسفه و رویکردهای آموزش کمک فراوانی کرده است، اما در سال‌های اخیر این نظریه به چالش کشیده شده و پژوهش‌ها نشان دادند وی مهارت‌های نوباوگان و کودکان پیش‌دستانی را دست‌کم گرفته است. زمانی که به کودکان کوچک تکلیف‌هایی داده می‌شود که از لحاظ دشواری رتبه‌بندی شده است به نظر می‌رسد درک آن‌ها بسیار بیشتر از آنچه پیازمه باور داشت به بزرگسالان نزدیک می‌شود (هدایتی، ۱۳۹۰).

با توجه به مطالب ذکر شده دوران کودکی حتی بسیار حساس‌تر از آن چیزی است که پیازمه به آن رسیده بود.

تصورات و تجربیات کودکان از زمان کودکی، عمیق‌ترین و طولانی‌ترین تصورات آن‌هاست. کودکان به محیطی که به آن‌ها اجازه می‌دهد مسائل درونی خود را حل کنند، به معنای وجودی خود پی ببرند و به خودتنظیمی و اعتمادبه‌نفس برسند، علاقه‌مند می‌شوند. در سنین اولیه این محیط بیشتر خانه است که کودک بیشتر زمان را در آن سپری کرده و به‌نوعی به آن دل‌بستگی پیدا می‌کند. کودکان زمانی که در خانه هستند، احساس امنیت می‌کنند، آن‌ها به خانه خود معنا می‌بخشند و خانه، بخشی از فرهنگ آن‌ها می‌شود. بسیاری از توانمندی‌ها از جمله تفکر و خلاقیت که در کودکان وجود دارد در دورانی شکل گرفته که آن‌ها در محیط خانه هستند. این توانمندی‌ها تحت تأثیر عواملی هستند از جمله عوامل شناختی که روانشناسان معتقدند، می‌توانند بر خلاقیت و تفکر، از جمله تفکر واگرا تأثیر بگذارند.

امروزه بسیاری از متفکران، تأثیر بالقوه محیط را بر تفکر خلاق مهم می‌دانند. استفاده از جذابیت‌های دیداری در محیط خانه می‌تواند باعث پرورش قدرت تفکر و تخیل کودک شود مطالعات بسیاری، تأثیر عوامل محیطی طبیعی و مصنوعی را بر روی انسان‌ها نشان داده است. شواهد بسیاری وجود دارد مبنی بر اینکه حضور در محیط طبیعی یا فقط نگاه کردن به طبیعت، استرس را کاهش می‌دهد. همچنین دیدن طبیعت از پنجره نیز می‌تواند حس خوبی را در ساکنان خانه به وجود بیاورد از این گفته برمی‌آید که محیطی به نام خانه که کودک در آن بزرگ شده و به دلیل حضور ممتد در آن دل‌بستگی زیادی به آن پیدا می‌کند و از طرفی دورانی که کودک در این محیط سپری می‌کند، بسیار



حساس می‌باشد. بنابراین محیط خانه بهتر است از چنین شرایطی برخوردار باشد (Karimi Azeri, Amir reza, Hisseini, Seyyed Bagher, Saleh Sedghpour, Bahram, Hisseini, Afzal sadat, ۲۰۱۶).

از نظر آدکینزا^۱ کودک نخستین تجارب حمایت اجتماعی خود را در کانون خانواده کسب می‌کند. نحوه‌ی برخورد، پذیرش، دوست داشتن و رفتار مساعد با کودکان او را برای احیای نقش‌های اجتماعی و برطرف ساختن نیازهایش یاری می‌دهد (احمدی و همکاران، ۱۳۸۶). آنچه مهم است این می‌باشد که اگر بتوانیم با برنامه‌ریزی و سرمایه‌گذاری مناسب کودک را در سال‌های اولیه رشد یعنی دوران ابتدایی از جهات مختلف پرورش دهیم حتماً در آینده جامعه‌ای ایدئال خواهیم داشت. ما باید در دوران کودکی، علاوه بر آموزش، طوری کودکان را پرورش دهیم که در برخورد با مسائل و مشکلات مختلف زندگی توانایی رویارویی و حتی حل کردن آن‌ها را داشته باشند. دوران ابتدایی، مرحله مهمی در زندگی انسان است که می‌توان آن را مانند چیدن دیواری در زندگی در نظر گرفت که اگر در ابتدای کار اصولی و با دقت چیده نشود در مراحل آخر نتیجه خوبی نخواهیم داشت.

خشت اول چون نهد معمار کج تا ثریا می‌رود دیوار کج (عبدالحمیدی و همکاران، ۱۳۹۴).
جایگاه اندیشه‌ورزی

انواع تفکر از دیدگاه صاحب‌نظران مختلف، متفاوت است. از جمله‌ی طبقه‌بندی‌ها می‌توان به موارد زیر اشاره کرد: تفکر انتقادی، تفکر خلاق، تفکر منطقی، تفکر جانبی و تفکر عمودی که هر کدام تعاریف خاص خود را داشته و ویژگی‌هایی برای هر کدام نام‌برده‌اند. اگر بخواهیم انواع تفکر را در دو دسته بر اساس ویژگی‌های مشترکشان قرار دهیم، می‌توان به تقسیم‌بندی زیر اشاره کرد:

انواع تفکر

دسته اول	دسته دوم
تفکر جانبی	تفکر عمودی
تفکر خلاق	تفکر منطقی
تفکر واگرا	تفکر همگرا

اگر بخواهیم به ویژگی‌های کلی هر کدام از این دسته‌بندی‌ها اشاره کنیم می‌توان گفت، دسته اول بیشتر تفکر باز هستند، که حس کنجکاوی را در انسان برمی‌انگیزند و جواب سؤالات نشات گرفته از این نوع تفکرات، قالبی نیست؛ اما در توصیف دسته دوم می‌توان گفت جواب‌های برخاسته از این تفکرات چهارچوب مشخصی دارند و عدول از چارچوب‌ها جایز نیست (حسینی، ۱۳۹۴).

از زمان سقراط خردجویی مساوی بوده با تبادل افکار و نظرات. لیپمن نیز با پیروی از ویگوتسکی که معتقد است زبان ابزار لازم را برای تفکر فراهم می‌کند معتقد است که وقتی کودکان در کلاس درس بتوانند افکار خود را به زبان بیاورند و درباره آن به بحث و گفتگو بپردازند از این طریق می‌توانند به سطوح بالاتری از تفکر دست پیدا کنند. (سلیمانی ابهری، ۱۳۸۷).

کودکان به دلیل فاصله اندکشان از فطرت خود به راحتی و باظرافت بیشتری مسائل را تجزیه و تحلیل می‌کنند بنابراین برای ارتقای کیفیت زندگی آن‌ها می‌توان از تفکر و قدرت خردورزی آن‌ها استفاده کرد. اجرای روش‌هایی چون فلسفیدن در افزایش فراشناخت، راهکارهای فراشناخت، خودتنظیمی و بهبود آزادی در بیان افکار تأثیر مثبتی دارد (خرم روئی و همکاران، ۱۳۹۲).

الکساندر^۱ ادعا می‌کند که گفتگو از کمیاب‌ترین و اساسی‌ترین عناصر شناختی می‌باشد. از کاربردهای این توانمندی، استفاده آن در بحث‌های گروهی همسالان، به اشتراک‌گذاری دیدگاه‌ها، مذاکره و حل و فصل اختلافات می‌باشد (نیومن^۱، ۲۰۱۷).

در دوران کودکی انسان با صراحت به مطرح کردن پرسش‌های خود می‌پردازد؛ اما با بزرگ‌تر شدن کودک با رفتارهای نامناسب اطرافیان این روحیه‌ی پرسش‌گری را کم‌کم از دست می‌دهد. کودک به جایگاهی می‌رسد که دیگر برای رسیدن به پاسخ پرسش‌های خود تلاشی نمی‌کند بلکه می‌داند که جواب سؤالات خود را می‌تواند از دیگران بی‌رسد و به ذهن دیگران بیشتر از ذهن خود اعتماد می‌کند و همیشه منتظر توضیح دیگران می‌ماند به جای اینکه خود فکر کند (جهانگیری، ۱۳۹۶).



کانت^۱ به این مسئله معتقد بود که کودکان را باید برای آینده تربیت کرد که اهمیت این گفتار اکنون به دلیل مسئله‌ی انفجار اطلاعات بیشتر حس می‌شود (منطقی، ۱۳۹۱).

بنابراین در جامعه‌ی اطلاعاتی امروز، سواد برتر است که همراه با تفکر انتقادی باشد؛ یعنی کودکی که تفکر انتقادی دارد در مطلبی که برای او تعریف می‌شود یک موضوع را بی‌دلیل رد یا قبول نمی‌کند بلکه در ذهن خود آن مطلب را تجزیه و تحلیل و حتی تفسیر می‌کند و به نتیجه می‌رسد. این نوع تفکر در کودکان یک‌دفعه به وجود نمی‌آید و نیاز به آموزش دارد (مکتبی فرد، ۱۳۸۹).

کودکان در زندگی روزانه‌ی خود با استرس‌های فراوانی روبرو هستند که این استرس‌ها در حد طبیعی بسیار خوب است و کودک یاد می‌گیرد که به آن تسلط یابد اما بعضی از عوامل همچون خشونت در مدرسه، تحقیر کردن همکلاسی، ناتوانی در دوست‌یابی، رقابت ناسالم و ... می‌تواند. این اضطراب را شدت داده و باعث به وجود آمدن اختلالات جسمانی شود. به طوری که این عوامل می‌تواند بعضی از علائم جسمانی را شدت بخشد که به این بیماری اصطلاحاً «اختلالات روان‌تنی» می‌گویند. بعضی وقت‌ها این بیماری کوتاه‌مدت و گاه به صورت دوره‌ای تکرار می‌شود همچون خستگی، پلک زدن، دل‌شوره و بی‌اشتهایی و ... اختلالات روان‌تنی از نوع اضطراب می‌باشد که در دوران مدرسه عملکرد دانش‌آموزان را با مشکل مواجه می‌کند. یکی از راه‌های درمان اختلالات روان‌تنی، رویکرد رفتاری _ شناختی است که در این روش سعی می‌شود نگرش و تفکر افراد اصلاح شود. یکی از اساسی‌ترین روش‌های درمان این اختلالات استفاده از راهبردهایی که طراحی شده‌اند و تفکر و نگرش افرادی که مشکل دارند را تغییر می‌دهد. در روان‌شناسی از رفتاردرمانی برای درمان این چنین افرادی استفاده می‌شود؛ که از این جمله‌ی این درمان، روان‌پویشی نام دارد. در این روش کودک، احساسات و افکار خود را بیان می‌کند؛ و این بیان، می‌تواند با گوش دادن کودک به داستان و یا گوش دادن به داستان کودک اتفاق بیافتد. اگر بتوان فضایی تأملی و متفکرانه ایجاد کرد که در آن گفت‌وگو شود محترمانه صورت پذیرد و نظر دانش‌آموزان به صورت منطقی باشد، می‌تواند حتی به فراشناختی هم تبدیل شود. باید از همان دوران کودکی مشکلات را تشخیص داده و از بروز مشکلات تحصیلی و اجتماعی آنان در آینده جلوگیری کرد. مطمئن‌ترین راه برای حل این مشکل، شرکت دادن کودکان در گفت‌وگوهایی که بر اساس داستان‌های تفکر برانگیز منطبق با تجربیات زندگی واقعی می‌باشد.

باید فضایی مشارکتی و بدون ترس و قضاوت شخصی ایجاد کرد تا کودک را به سمت استقلال فکری و باانگیزه‌ی درونی و استدلال منطقی کشاند (جهانگیری، ۱۳۹۶).

سبک‌های آموزش در دوران کودکی به گونه‌ای است که کودکان را واجد تفکر خلاق و نقادی نمی‌کند و به همین دلیل آنان در دوره جوانی از مهارت‌های زندگی که بر اساس قدرت تمییز شکل می‌گیرند، برخوردار نیستند.

تأملات اولیه لیپمن، ضرورت آموزش تفکر انتقادی را در سنین ۱۱ یا ۱۲ سالگی، به وضوح نشان داد؛ اما اینکه چگونه می‌توان به چنین هدفی دست یافت، مسئله‌ای است محتاج مطالعه نظام‌مند. مطالعه تجربی و مستمر وی و نیز آزمون‌وخطاهای ده‌ساله به لیپمن نشان داد که آموزش از طریق متون داستانی (رمان، قصه کوتاه و ...) و نیز استفاده از نقاشی، عکس، شعر، فیلم و حتی موسیقی، روش کارایی برای این هدف است. بدین ترتیب، وی به نگارش داستان‌های فلسفی روی می‌آورد. اولین کتاب وی هری / استوتلمیرزا^۱ است. وی همچنین با یاری آن مارگارت شارپ^۱ کتاب راهنمایی را که شامل صدها تمرین فلسفی می‌باشد را برای مریبان این رشته می‌نویسد. سپس کتابی را با عنوان *لیزا*^۱ در حوزه اخلاق همراه با کتاب راهنمای معلم می‌نگارد.

لیپمن برای رسیدن به اهداف آموزشی خود این ویژگی‌ها را در داستان دنبال می‌کند:

- در کاوشگری و پرسشگری مصر و مصمم بودن
- آمادگی تداوم مقایسه، مقابله، تحلیل و ارائه فرضیه
- تجربه، مشاهده، سنجش و آزمایش

کاوش و جستجو بخش مهم روش لیپمن است که با تفکر برای خود و با تعلیم مهارت تفکر جمعی آغاز و هدایت می‌شود (لیپمن، ۱۹۹۳).

بحث و نتیجه‌گیری



همان‌طور که گفته شد دوران کودکی از دوره‌های بسیار مهم و حساس زندگی هر فردی به حساب می‌آید، چون استعدادها و توانمندی‌های بالقوه فرد در این دوران یا مورد توجه واقع شده و پرورش می‌یابند یا سرکوب شده و برای همیشه محکوم به خاموشی خواهند شد. از جمله‌ی استعدادهای مهم و بنیادین توجه به تفکر کودک و اندیشه‌ورز کردن وی می‌باشد. این توانمندی از این حیث بنیادین و مهم تلقی می‌شود که زمینه ساز رشد و پرورش سایر توانمندی‌ها در کودک می‌باشد. تأثیر محیطی که کودک در آن رشد می‌کند بر روی شخصیت و شکوفایی یا عدم شکوفایی استعدادهای بالقوه وی بسیار حائز اهمیت است. بخش مهمی از دوران کودکی در محیط خانه سپری شده و بیشترین تعاملات کودک با مادر خود می‌باشد لذا تأثیری که محیط خانه و مادر بر روی کودک دارد انکار ناپذیر است. در ایران نقش مادر در خانواده بسیار پررنگ بوده و به جرات می‌توان گفت این میزان از تأثیر فقط مختص مادر بوده و پدر به عنوان یکی از والدین این تأثیر را بر روی کودک ندارد. آموزش نحوه تربیت و شیوه‌های اندیشه‌ورز کردن به مادران می‌تواند منبع درستی برای نگرش‌ها و رفتارهای وی باشد که این نگرش‌ها و رفتارها خود الگوی رفتاری و دیدگاهی کودک محسوب می‌شود که در صورت صحیح بودنشان کودک به راحتی می‌تواند با زمینه‌ای قوی در تفکر و اندیشه‌ورزی وارد محیط‌های آموزشی مثل مدرسه شود که آموزش معلمان برای ادامه درست این مسیر خود مبحثی جدا برای بررسی می‌باشد. لذا در ایران جای خالی ارگانی برای آموزش مادران برای پرورش صحیح کودکان از نظر ابعاد مختلف شخصیتی به خصوص اندیشه‌ورزی و متفکر کردنشان به وضوح حس می‌شود. پیشنهاد این تحقیق برای پژوهش‌های بعدی برای بررسی این موضوع می‌باشد که به بررسی نحوه بنا نهادن این ارگان و تشویق مادران برای شرکت در این آموزش‌ها قبل از فرزند آوری و حین تربیت فرزند بپردازند.



- [۱] احمدی، احمد؛ نیک نژادی، فرزانه؛ گلستانی، هاشم (۱۳۸۶). تأثیر آموزش روش‌های تربیتی بر اساس دیدگاه خواجه‌نصیرالدین طوسی بر تغییر نگرش مادران در تربیت فرزندان. پژوهش در برنامه‌ریزی درسی. شماره ۱۴، ص ۴۲-۲۳
- [۲] جهانگیری، فاطمه. تأثیر اجرای برنامه فلسفه برای کودکان بر خلاقیت دانش آموزان پایه دوم و سوم ابتدایی. پایان‌نامه کارشناسی ارشد، دانشکده روانشناسی و علوم تربیتی، دانشگاه تهران
- [۳] حسینی، افضل السادات (۱۳۹۴). ماهیت خلاقیت و شیوه‌های پرورش آن. مشهد: انتشارات به نشر. چاپ هفتم.
- [۴] عبدالمحمدی، امیر؛ اکبر نژاد، اردشیر؛ محمدی، حسین (۱۳۹۴). اهمیت آموزش ابتدایی. اولین کنفرانس بین‌المللی مدیریت، اقتصاد، حسابداری و علوم تربیتی.
- [۵] مکتبی فرد، لیلا (۱۳۸۹). سیر تحول و شکل‌گیری مهارت‌های تفکر انتقادی در داستان‌های تألیفی ایرانی برای کودکان و نوجوانان. تفکر و کودک، پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی. سال ۱، شماره ۱، ص ۱۲۴-۱۰۳.
- [۶] منطقی، مرتضی (۱۳۹۱). بررسی تأثیر آموزش خلاقیت بر دانش‌آموزان پیش‌دبستانی و دبستانی. پژوهش‌های برنامه‌درسی. دوره ۲، شماره ۱، ص ۲۸-۱.
- [۷] هدایتی، مهرنوش (۱۳۹۰). روانشناسی رشد شناختی و فلسفه ورزی در کودکان. اطلاعات حکمت و معرفت، شماره ۸، ص ۲۹-۲۴
- [۸] Hosseini, Afzal sadat; Musavi, Fatemeh sadat (۲۰۱۵). A study of executive activities of different countries along the performance of philosophy teaching programs to children and providing a model for education in Iran. IJETMAS, Vol. ۳, ۲۳۴۹-۴۴۷۶
- [۹] Karimi Azeri; Hisseini, Amir reza; Seyyed, Bagher; Sedghpour, Saleh; Hisseini, Bahram; Afzal sadat (۲۰۱۶). Design principles of residential space to enhance children's (۳-۷ years old) creativity in Iran. Bagh-e nazar, no. ۴۱, vol. ۱۳, ۲۳-۳۸
- [۱۰] Lipman, M (۱۹۹۳). Philosophy for Children and Critical Thinking. Thinking Children and Education, USA: Kendall/ Hunt Publishing Company.
- [۱۱] Pourtaghi, V; Hosseini, A; Hejazi, E (۲۰۱۴). effectiveness of implementing philosophy for children program on students' creativity. scientific journals, Vol. ۳, ۳۷۵-۳۸۰



بررسی جایگاه و نقش مادر در دین صابئین مندائی

عزیز سواری؛ دانشجوی دکترای فلسفه تعلیم و تربیت، دانشگاه شهید چمران اهواز

azizsawari@gmail.com

دعاء شکر عباس النجار؛ دانشجوی دکترای علوم قرآن و حدیث، دانشگاه کوفه، عراق

doaay201545@yahoo.com

چکیده

هدف پژوهش حاضر بررسی جایگاه و نقش مادر در تعلیم مقدس دین صابئین مندائی است که با مراجعه مستقیم به کتب مقدس و منابع دست اول آنان همچون گنزا ربا (مقدس‌ترین کتاب صابئین مندائی) و تعلیم حضرت یحیی (در اشا اد یهیی) و با بهره‌گیری از روش توصیفی-تحلیلی انجام گرفته است. صابئین مندائی، یکی از قدیمی‌ترین ادیان توحیدی جهان و پیروان حضرت یحیی بن زکریا (ع) هستند که هم اکنون در خوزستان و جنوب عراق در کناره‌های رودخانه‌های کارون، دجله و فرات زندگی می‌کنند. یافته‌های این پژوهش نشان می‌دهند که تعلیم مقدس مندائی جایگاه ویژه و منحصر بفردی را برای مادر معین نموده و تکریم و احترام به او را یک وظیفه دینی قلمداد کرده‌اند. برخی از جلوه‌های مهم درباره جایگاه مادران در این دین عبارتند از: نام دینی فرد مندائی (یا ملوا شه) بر اساس نام مادری او است، تقدم دعا برای مادر در مناسک دینی، وجود نداشتن طلاق در این دین، برابری حقوق زن و مرد در میراث، تمثیل مادران با نمادهایی همچون چشمه‌ی آب (اینا)، زمین و فرشتگان جهان نور، ذکر اسوه‌هایی از مادران در کتب مقدس. اگر چه در دین مندائی زنان می‌توانند به درجات بالای دینی نائل شوند، اما نقش مادران بیشتر در خانواده نمود پیدا می‌کند و آن همکاری با پدر در تربیت نسلی صالح و کار در خانه است.

کلمات کلیدی: صابئین مندائی، مادر، گنزا ربا، ملواشه

مقدمه

مادران در طول تاریخ همواره مقامی بلند و درخور شأنی داشته‌اند. آثار دینی و ادبی ملت‌های گوناگون، عنایت ویژه‌ای به والدین، خصوصاً «مادر» داشته‌اند. شکی نیست که مادر از هر جهت مقام ارجمند و والایی در همه ادیان داشته و دارد و همگان با دید احترام به او می‌نگرند و به عظمت و بزرگی از وی یاد می‌کنند. هر دین و آیینی که در طول تاریخ آمده به این مسئله توجه کرده و مردم را به خدمت به مادر فراخوانده است. همان گونه که دین نسبت به سایر پدیده‌های عالم اظهار نظر می‌کند، درباره مادر و مقام و جایگاه او نیز ساکت نبوده، بلکه عنوان مادری را جایگاه بس والا و ارزشمند دانسته است. ادیان مختلف با همه اختلافاتی که دارند در این زمینه اتفاق نظر داشته و همه با دید احترام به مادر می‌نگرند و مقام مادر را از مقام هر کس دیگر برتر و بالاتر می‌دانند. بر این اساس پژوهش حاضر در صدد است جایگاه و نقش مادر را در آموزه‌های مقدس و دست اول یکی از قدیمی‌ترین ادیان توحیدی، یعنی دین صابئین مندائی بکاود.

روش تحقیق

روش تحقیق این پژوهش، سندی-تحلیلی است و منابع عمده آن، کتب مقدس و دست اول مندائی می‌باشد.

مختصری درباره تاریخ و عقاید دینی صابئین مندائی

صابئین مندائی قومی آرامی^۱ و از نژاد سامی می‌باشند (برنجی، ۱۳۶۷: ص ۹) بر اساس روایات مکتوب آنان بیش از دو هزار سال پیش از فلسطین و به ویژه کناره‌های رود اردن بسوی شمال سوریه و بین‌النهرین و سپس تعدادی به خوزستان مهاجرت کرده‌اند (سواری، ۱۳۹۲: ۱۷). در مطالعات دین‌پژوهان غربی و مستشرقان، از این آیین، به عنوان تنها سنت زنده و خالص گنوستیکی (عرفانی) جهان از دوران گذشته باستان یاد شده که توانسته تا به امروز کتب مقدس، مناسک و زبان دینی خود یعنی «زبان مندائی» را در دو شکل گفتاری و نوشتاری به



طور کامل نگه دارد (هاپرل، ۲۰۱۳: ۵۸۶). امروزه صابئین در خوزستان و همچنین در جنوب عراق به صورت یک اقلیت دینی - قومی به حیات خود ادامه می‌دهند.

مقدس‌ترین کتاب مقدس صابئین مندائی گنزا/ ربا به معنی گنج بزرگ نام دارد. کتاب مهم دیگر آنان «دراشا اد بهیا» یا تعالیم حضرت یحیی (ع) می‌باشد که در آن تعالیم و پندهای اخلاقی و تربیتی آن حضرت و دیگر پیامبران مندائی بیان شده است. (المدنی، ۲۰۰۹: ۳۹۲). قرآن مجید با هم ردیف قراردادن صابئین با اهل ایمان (مسلمانان) و سایر ادیان بزرگ آسمانی همچون یهود، مسیحیت و زرتشت، آنان را دارای هویت دینی مستقل و جداگانه‌ای دانسته و به صراحت صابئین را اهل کتاب معرفی کرده است (حسینی خامنه‌ای، ۱۳۸۸: ۶۵). نام «صابئ» به صورت صیغه جمع در سه آیه از قرآن تکرار شده است.^۱ برخی از مهم‌ترین عقاید دینی مندائیان عبارتند از:

- ۱) ایمان به وجود آفریدگار بزرگی به نام «هیی ربی قدمایی» در ورای همه هستی‌ها و ایمان به یکتایی و عدم شرک به او
- ۲) اعتقاد به وجود ملائکه با کارکردهای بسیار متنوع که کارگزار خداوند در عالم هستی هستند
- ۳) اعتقاد به وجود جهان‌های مختلف و گسترده؛ همچون عالم انوار (آلما دنهورا) که جهان برتر، مطلق و کامل است، امشونی کسپا (جهان حقیقت)، اشختنا (جایگاه عالی نور)، مطرائی (جهان برزخ)، تبیل (زمین مادی) و آلما دهشوخوا یا جهان تاریکی و پست (جهنم).
- ۴) اعتقاد به نبوت پیامبرانی همچون حضرت آدم (ع)، شیث بن آدم، حضرت نوح، سام بن نوح و حضرت یحیی (ع)
- ۵) اعتقاد به جاودانگی و نامیرا بودن نفس آدمی (نشمتا) که در نهایت پس از مرگ به موطن اصلی خود در عالم نور باز می‌گردد.
- ۶) تاکید بر انجام اعمال صالح، داشتن اخلاق حسنه و نهی از انجام دادن رذائل.
- ۷) تاکید بر انجام و حضور مستمر در مناسک دینی
- ۸) نداشتن تبلیغ دینی جهت جذب افرادی از دیگر ادیان. به عبارتی دین صابئین مندائی یک دین بسته و غیر تبشیری است. حتی ازدواج با یک فرد غیر مندائی، برای مندائیان جایز نیست (مغشغش السعدی، ۲۰۱۵: صص ۲۰-۱۴).

ب. جایگاه مادر در جهان‌بینی مندائی

مادر در تعالیم مقدس دین صابئین مندائی جایگاه ارزشمند و والایی دارد. در جهان‌بینی دین صابئین مندائی، شالوده و بنیان آفرینش نخستین، بر اساس دو عنصر پدری (مردانگی) و مادری (زنانگی) بنا شده و با آمیزش و آمیختگی این دو جوهر است که مخلوقات جهان پدید آمده و متکثر شده‌اند. تعالیم مندائی از همان خلقت نخستین، به تقارن بین دو مرد و زن اذعان نموده است. اولین مقارنت در عالم نور (جهان علوی) بین دو فرشته بزرگ به نام‌های «سیمات هیی» و فرشته دیگر یعنی «مارا اد ربوئا» در عالم نور رخ داد. «سیمات هیی» فرشته‌ای مقرب خداوند (هیی ربی) و نماد «مادر حیات» یا «مادر زندگی» است.

پس «مادری» به عنوان جوهر مکمل پدری در هستی‌شناسی مندائی مورد تاکید قرار گرفته است (مغشغش السعدی، ۲۰۱۵: ۱۲۹).

ج. مادر و نسب خانوادگی فرد مندائی (ملواشه)

وجود نام مادر، در نام دینی یک فرد مندائی، جلوه بارز دیگری است به اهتمام و جایگاه والای مقام او در این دین. هر فرد مندائی، علاوه بر نام شناسنامه‌ای و رسمی، دارای یک نام دینی خاص است که در زبان دینی مندائی به آن «ملواشه» گفته می‌شود. ملواشه، اسم دینی‌ای است که بر اساس ساعت ولادت و ماهی که در آن فرد متولد شده و بخش اول نام مادرش معین می‌شود. ساعت ولادت به دلیل اهمیت رخداد، و ماه تولد به دلیل اهمیتی که برج‌ها و تاثیراتشان دارند، مورد تاکید است (مغشغش السعدی، ۲۰۱۵: ۳۲).

ملواشه همان نامی است که هنگام اجرای تمام مناسک دینی، به عنوان نام شخص مندائی خوانده می‌شود. مناسک دین جز با نام ملواشه صورت نمی‌پذیرد. محاسبه ملواشا به وسیله روحانیون یا افراد متخصص در این امر صورت پذیرد اسم مولود اگر پسر باشد با کلمه (بر) به معنی پسر و اگر دختر باشد با کلمه (بث) به معنای دختر، از نام مادرش جدا می‌شود (نام پسر + پر + نام مادر، نام دختر + بث + نام مادر)



مثلاً «سام بر هوا» برای پسر (سام نام پدر و هوا نام مادر او است) و نادیا بث دیانا برای دختر (که نادیا نام دختر و دیانا نام مادر او است) (عربستانی، ۱۳۸۳: ۲۸۶).

نکته قابل توجه در تعیین ملواشه این است که نام مولود با نام مادر خویش گره می‌خورد و نه پدر. زیرا بر اساس جهان بینی صابئین مندائی، مادر است که حامل سرزاینده‌گی است و بدین وسیله این امر اعترافی است به فضل کسی که نه ماه فرزند را حمل کرده و به او غذا داده و در آینده از آن مراقبت خواهد کرد.

د. احترام و تکریم مادر در آموزه‌های مقدس مندائی

آموزه‌های مقدس صابئین مندائی جایگاه ویژه و منحصر بفردی را برای والدین، خصوصاً مادر (إما) معین کرده و تکریم و احترام به آنها را یک وظیفه شرعی قلمداد کرده است. در گنزا ربای مقدس آمده است: «لوقرا ابا و إما و اها قشیش (گنزا ربا: ۱۵): «به پدر و مادر و برادران بزرگتر از خود احترام بگذارید.

و در جای دیگر آمده است: هر کس به والدین خود بی‌احترامی نماید، در قیامت محکوم خواهد شد» (همان).

در پایان همه مناسک دینی مندائی دعاهایی وجود دارد. که به زبان مندائی خوانده می‌شود. تقدم دعا برای والدین، در همه مناسک دینی نوعی قدردانی و تشکر از آنان است: «پروردگارا، گناهانم و گناهان پدر و مادرم، مربی‌ام، همسرم، فرزندانم، شاگردانم و همه کسانی که برای خداوند قیام کردند را بیامرز (انیانی، ۴۲۳).

همچنین در آیین ورود فرد به سلک روحانیت که کاری بسیار طاقت فرسا و پیچیده‌ای است این منسک با تبرک شستن پاهای داوطلب، توسط مادر وی آغاز می‌شود.

هـ نقش مادر در تربیت کودک مندائی

از وظایف مهم مادر در دین صابئین مندائی تربیت فرزندان می‌باشد که به عنوان یک وظیفه شرعی و دینی قلمداد بر عهده والدین گذاشته شده است. در کتاب مقدس گنزا ربا آمده است: «فرزندان خود را تربیت کنید و پس از تهذیب، حکمت را به آنان بیاموزید و ایمان را در نفس آنان بکارید، آنان را دعوت کنید تا راه حق را ببینند، کسی که فرزندان خود را تربیت نکند، مورد بازخواست قرار خواهد گرفت» (گنزا ربا: ۱۴).

والدین از روز اول تولد با تعمید نوزاد در روز سی‌ام ولادت و انتخاب ملواشه (اسم دینی) برای وی، مسئولیت اساسی تعلیم و تربیت فرزندان خود را بر عهده می‌گیرند. همچنین والدینی که فرزندان خود را تربیت نکنند گناهکار خواهند بود و در جهان آخرت مورد مؤاخذه قرار خواهند گرفت.

این موضوع در کتاب الف و تریسار شیبلا (هزار و دوازده سوال) و نیز در دیوان اباطر به صراحت اعلام شده است: «والدینی که فرزندان خود را جهت تعلیم و تربیت به معلمانی نفرستند، گناهکار خواهند بود و در روز حساب مورد مؤاخذه قرار خواهد گرفت و هر دانش‌آموزی توانایی یادگیری و تعلیم داشته باشد اما به دنبال علم نرود، مورد محاسبه و لعن قرار خواهد گرفت» (دیوان اباطر، به نقل از دراوهر، ۱۹۳۷).

تربیت در دین مندائی فرآیندی است که از قبل از تولد شروع و تا دوران پیری ادامه پیدا می‌کند. اگر زمینه سالم تربیتی ایجاد گردد کودک سالم متولد می‌شود. دین مندائی برای ایجاد زمینه سالم تربیتی نقش مادر را بسیار پررنگ معرفی می‌کند و به انتخاب و گزینش همسر اهمیت می‌دهد: «زن ناپاک، فرزندان مرده‌ای به دنیا خواهد آورد» (دراشا اد یهیی: ۷۵).

از وظایف مهم مادران که تعلیم مقدس مندائی به آن توصیه کرده‌اند تغذیه کودک با شیر است مادرانی که در این وظیفه کوتاهی کنند، مرتکب گناهی بزرگ می‌شوند و در روز حساب مورد بازخواست قرار خواهند گرفت. در گنزا ربا، در قسمت عروج نفس به سوی عالم نور و گذشت از مطهرات هفت گانه (مطرائی) آمده است: «آنگاه زمانی دیدم که در درون آتش آنان را از سینه آویزان کرده‌اند، در مورد گناه آنان پرسیدم؛ گفتند این‌ها مادرانی هستند که نوزادان خویش را شیر ندادند و آن‌ها را ترک کرده تا جان دادند» (گنزا ربا: ۱۳۳).

ز. وجود نداشتن طلاق در دین صابئین مندائی



یکی دیگر از جلوه‌های احترام زنان به ویژه مادران در دین مندائی نبود طلاق در این دین است. در شرایط عادی در دین مندائی طلاق وجود ندارد. زیرا که در عقیده مندائی، ازدواج یگانگی و اتحاد دو نفس است (مغشغش السعدی، ۲۰۱۵: ۱۸۶). ادعیه منسک ازدواج مندائی حاکی از نوعی ارتباط عمیق و حقیقی بین زن و مرد هستند. در عهد یا قسم ازدواج که لازم است زوج در روز عقد در کنار روحانیون بر زبان بیاورد، آمده است: «با شهادت فرشتگان و روحانیون، عهدم را هیچ وقت نقض نخواهم کرد و در حق همسرم خیانت و بی‌وفایی نخواهم کرد و با او با مکر و فریب با او رفتار نخواهم کرد، بلکه با او وفادار و صمیمی خواهم بود و همانگونه که پروردگارم به من دستور داده به او توجه خواهم کرد» (الرومی، ۲۰۰۷: ۹۶).

ح. برابری حقوق زن و مرد:

زن و مرد در دین صابئین مندائی حقوقی برابر دارند و هیچ‌کدام بر دیگری برتری ندارد، در حقیقت مکمل هم هستند. این برابری در ارث نیز وجود دارد. در دین مندائی خلقت مرد و زن به امر و اراده الهی، همراه هم و همزمان صورت گرفته است. در کتاب مقدس گنزا آمده است: «ای هیبل زیوا (فرشته وحی) هبوط کن و یک مرد و یک زن در آنجا خلق کن و دو نام برای آنان برگزین، «آدم» برای مرد و «حوا» برای زن». (گنزا ربا: ص ۱۱). همانگونه که داستان خلقت آدم (ع) در گنزا ربا روایت می‌کند: «آدم و حوا خلق آفریده شدند و سرشت هر دو با فطرت هبی ربی (خداوند بزرگ) مفسور گشت و با فرمان پادشاه نور، روان (نشمتا) وارد جسد آنان گشت (گنزا ربا: ۱۳). همچنین بیان می‌دارد «در آن هنگام که آدمی آفریده شد، حوا را نیز از همان گل آدم آفریده شد، و معرفت الهی بر هر دو تجلی یافت و از طریق آنان به نسل شان منتقل گشت. این تعالیم حاکی از برابری و تکامل زن و مرد در آموزه‌های مندائی دارد.

ر. تمثیل و نمادهای مادر در دین صابئین مندائی

مادران در دین صابئین مندائی با نمادهایی همچون چشمه آب جاری (اینا)، زمین، و گاهی به برخی از فرشتگان جهان نور تشبیه شده‌اند. همچنین در مراسم ازدواج، دو قطعه از طلا و نقره بر روی بازوی چپ و راست زوج گذاشته می‌شود که نماد پدر و مادر هستند. همچنین در تعالیم دینی مندائی، نخل (سندریکا) نماد پدری و «چشمه آب» (اینا) نماد مادری معرفی شده است.

ی. اسوه‌هایی از مادران در دین صابئین مندائی

تعالیم مقدس مندائی برخی از مادران را همچون «حوا» همسر آدم (ع)، «نهوریثا» همسر سام بن نوح و اُنهر همسر یحیی بن زکریا (ع) را به عنوان اسوه و الگو معرفی کرده‌اند. اولین مادر بشریت در این جهان این جهان حوا (هوا) همسر حضرت آدم می‌باشد که مادر بشریت است و سه فرزند به نام‌های هیبل، شیتل و اُنوش دارد. اعتقاد مندائیان این است که فرشته وحی (هیبل زیوا) بعد از مرگ آدم و فرزندش شیتل، به مادرشان حوا نازل شده است. اسوه دیگر مادران مندائی، «نهوریثا» همسر حضرت سام بن نوح است که فرشته وحی درباره او می‌فرماید: «اگر همسر (زن) در این جهان نبود، آسمان و زمین آفریده نمی‌شدند، اگر همسر (زن) در این جهان نبود، نه خورشید طلوع می‌کرد و نه ماه در آسمان می‌درخشید، اگر در این جهان زن نبود، آب جاری (بردنا) خلق نمی‌شد و دانه‌ها جوانه نمی‌زدند، به راستی که زن همانند آب و آسمان و زمین و آتش است (دراشا اد یهیی: ص ۴۸)

نتیجه‌گیری

تمامی مکاتب و ادیان، نظر خاصی به مادر و احترام به مقام او دارند و به این امر تأکید داشته‌اند که بایستی حرمت مادر را پاس داشت. در این میان آموزه‌های مقدس دین صابئین مندائی، به عنوان یکی از کهن‌ترین ادیان توحیدی، همسو با تعالیم مقدس دیگر ادیان الهی، به مقام و جایگاه مادر عنایت ویژه‌ای نموده است: «احترام به مادر و تقدّم دعا برای او در مناسک دینی مندائی، وجود نداشتن طلاق، تساوی حقوق زن و مرد، تمثیل مادران با نمادهایی همچون چشمه آب و فرشتگان جهان نور» نمونه‌هایی از ارج نهادن آموزه‌های مقدس این دین



دومین همایش ملی جایگاه و نقش مادر

2nd National Conference on the Status and the Role of Mother

به مقام مادری است. اما شاید جالبترین جلوه از پادشاهت مادر در این آیین که هنوز مورد استفاده قرار می‌گیرد، «تعیین نَسب یک فرد مندائی (ملواشه) بر اساس نام مادر خویش» است. مطالعه مقام مادری در دین صابئین مندائی با توجه به پیشینه بسیار قدیمی آنان در این منطقه، می‌تواند ما را در فهم اخلاق جوامع گذشته خصوصاً ایران و بین‌النهرین یاری نماید و مهر تاییدی باشد بر اینکه «مادر» همیشه مورد احترام، ستایش و تقدیس واقع شده و خواهد ماند.



- ۱- برنجی، سلیم، ۱۳۶۷. قوم از یاد رفته؛ کاوشی درباره صابئین مندائی. تهران: دنیای کتاب
- ۲- حسینی خامنه‌ای، سید علی، ۱۳۸۸. تحقیق فی حکم الصابئه، فتوای حضرت آیت‌الله خامنه‌ای مبنی بر موحد بودن صابئین مندائی. ترجمه سلیم جیزان، اهواز: تراوا
- ۳- دراشاد یهیا؛ مواظ و تعالیم یحیی بن زکریا علیه السلام، ۲۰۰۱. ترجمه امین فعیل خطاب، بغداد: مرکز البحوث و الدراسات المندائیه (M.R.S.C)
- ۴- الزهیری، ع صام خلف غ ضبان، ۲۰۰۷. الدین الأول، مدخل الی الدین المندائی) الجزء الأول الطفل، المراه، التعمید و الزواج. هلند: موسوعه العیون المعرفیه
- ۵- سواری، عزیز، ۱۳۹۲. بررسی مبانی فلسفی دین صابئین مندائی و استخراج آموزه‌های تربیتی از آنها. پایان‌نامه کارشناسی ارشد، دانشگاه شهید چمران اهواز، چاپ نشده
- ۶- عربستانی، مهرداد، ۱۳۸۳. تعمیدیان غریب. تهران: افکار
- ۷- فروزنده، مسعود، ۱۳۷۷. تحقیقی در دین صابئین مندائی با تکیه بر متون مندائی. تهران: سماط
- ۸- گنزا ربا، ۲۰۰۱. کتاب مقدس صابئین مندائی، ترجمه جمعی از روحانیون و دانشمندان صابئین مندائی، بغداد: مرکز البحوث و الدراسات المندائیه (M.R.S.C)
- ۹- المرانی، ناجیه، ۱۹۸۱. مفاهیم صابئیه مندائیه؛ تاریخ، دین، لغه. بغداد: شرکه التایمس للطبع و النشر المساهمه
- ۱۰- مغشش السعدی، قیس، ۲۰۱۵. طقوس الصابئه المندائین رموز و معانی، آلمان: دریشا
- ۱۱- Drower, E. S. (۱۹۳۷). *The Mandaean of Iraq and Iran: Their cults, customs, magic, legends, and folklore*. London: Oxford University Press.
- ۱۲- Haberl, Charles G, ۲۰۱۳, «Dissimulation or Assimilation? The Case of the Mandaean». Brill Publishers, numen (۶۰), ۵۸۶-۶۱۵.



خصایص ساختاری مادری سنتی و جدید: مبانی نظری و مولفه های تجربی

امیر رستگار خالد

amir_rastegarkhaled@yahoo.com

در بحث از سنخ شناسی مادری و با توجه به هدف مقاله حاضر که ارائه تبیینی مفهومی مبتنی بر رویکردهای نظری و بررسیهای تجربی در این باره است یادآوری دو نکته اصلی مقدماتاً ضرورت دارد:

یکم) همانگونه که باری و تبیل خاطر نشان کرده اند نگرش نسبت به مادری می تواند در امتداد یک پیوستار اعم از سنتی تا برابری طلب مشاهده شود. نگرش سنتی نسبت به زن و مادری در درجه اول با قوانین تاریخی و آیین هایی که از نسل های گذشته به دست می آید تعریف می شود افراد دارای نگرش های سنتی احتمالاً در نظر می گیرند که زنان و مردان نقش های متمایز و منحصر به فرد در داخل و خارج از عرصه خصوصی دارند. در این نگرش، مادری و مسئولیت های مراقبت از خانواده به عنوان مرکزی برای زندگی زن و هویت در نظر گرفته شده و مقدم بر آرزوهای شغلی و حرفه ای بالقوه زن است. در انتهای زنجیره، زنان و مردان با نگرش برابری طلبانه نسبت به دو جنس که بر ارزش استقلال فردی و دستاوردهای زنان تاکید دارند قرار می گیرند. از نظر آنها مادری نه تمام هویت زنان بلکه بخشی از آن است (باری و تبیل، ۲۰۰۶: ۵۱۲) تقابل این دو نوع نگرش را جز با نسبی که مادر بودن به عنوان یک مقام اجتماعی با سایر نقش های خانوادگی به موجب یک ساخت نهادی خاص برقرار می کند نمی توان توضیح داد ساخت نهادی یا انتظارات الگومند فرهنگی و هنجاری حاکم بر جامعه، مادر بودن را در پیوند با فرزند بودن یا زن بودن یا خانواده تعریف می کند اما در عین حال معنای هر یک از این پایگاهها نیز به نوبه خود وابسته به معنای مادر بودن اند (لوپزوا اسکات: ۱۳۸۵: ۵۶-۵۳) بنابراین با تغییر الگوهای مراقبت و اجتماعی کردن، انتظارات رفتاری متناسب با مقام مادری، ایمنی، وظایف عاطفی و مراقبتی پیوسته به این نقش باز تعریف می شوند و در این میان تفاوت گذاریهای جنسیتی و هنجارهای مرسوم در باب مردانگی و زنانگی نیز دچار تحول می شوند. (لوپزوا اسکات: ۱۳۸۵، ۷۰-۶۹) بنابراین با تغییر ساخت نهادی خانواده از گسترده به هسته ای و سپس خانواده ای با دو نان آور، و با استناد به نظام ارزشی و هنجاری ناظر بر هر یک می توان، الگویی از تمایزات اصلی دو نوع مادری سنتی و مدرن، ترسیم ساخت که شاخص روابط ساختی و کار و ویژه های متفاوت هر یک و به معنی تحولی باشد که در رد یا قبول هر نوع از کنشگر سر می زند.

دوم) در تحقیق حاضر با استناد به نظریه عمومی کنش، مادری بمثابة یک نظام کنش صورت بندی شده است، مطابق با دیدگاه پارسونز، کنش انسانی قابلیت تحلیل سیستمی دارد چرا که از مجموعه ای از واحد های کنشی ساخته میشود و در هر سطحی از واقعیت که باشد جسم مرکب و ساخت مند است که از مولفه های نسبتاً پایدار تشکیل شده، و فرایندی است متضمن تغییرات منظم، از این رو هر نظام کنش دارای چهار کارکرد یا بعد، بمنظور تضمین بقا خود است (روشه، ۷۸-۵۹) بدین اعتبار می توان برای مادری چهار بعد یا مولفه کلی در نظر گرفت، این نگرش گذشته از اینکه از تقلیل مادری به یکی از ابعاد آن (مثلاً باروری) ممانعت می کند. با تعاریفی که از مادری در ادبیات مربوط ارائه شده است نیز منطبق است، برناردز معتقد است که مادری صرفاً مبتنی بر جنبه های زیست شناختی نیست بلکه مجموعه چشمگیری از کارهای بدنی سخت تا کارهای عاطفی و تنظیم روابط با فرزندان و همسر را در بر می گیرد (برناردز: ۱۳۸۴: ۲۸۹) فریدمن نیز مطرح می کند که مادری کردن فقط به تولید مثل زیست شناختی محدود نیست بلکه به مجموعه نگرش ها، مهارتها و ارزش های ملازم با تولید مثل مربوط می شود (فریدمن، ۱۳۸۱: ۳۶) هام نیز مادری را در مفهوم مراقبت از کودکان، مستلزم برقراری مناسباتی می داند که ارضا نیاز های مادی، عاطفی، روانی و احساس مسئولیت در قبال کودکان را در بر می گیرد (هام، ۱۳۸۱: ۱۳۳)



نخستین وجه مادری، زیستی است که متناظر با کار کرد سازگاری^۱ است که روابط میان نظام کنش و محیط بیرونی اش را از طریق تغییر شکل جهان خارجی تامین می کند (ریترز ۱۳۷۴:۱۳۱) وجه دوم مادری، بعد شخصیتی آن است، پارسونز شخصیت را، رابط میان ارگانسیم و اشیا خارجی محیط بویژه اشیا اجتماعی و فرهنگی تعریف می کند، به طور عینی این نظام روابط به صورت رفتار ناشی از انگیزه ها، نگرش ها و ادراک ظاهر می شود، سومین وجه اصلی مادری، بعد اجتماعی آن است، پارسونز نظام اجتماعی را با کارکرد یگانگی متناظر می داند (روشه ۱۳۷۶: ۸۲) بدین اعتبار بعد اجتماعی مادری از یکسو دلالت برهنجارها، تکالیف و تعهداتی دارد که ناظر به ایفای این نقش است و از سوی دیگر بر منابع، امکانات، حقوق، امتیازات و مشروعیتی متکی است که سایر خرده نظام ها می بایست آنرا فراهم سازند. آخرین وجه مادری بعد فرهنگی آنست، یعنی نگاه فرهنگی جامعه به مادری و اینکه تا چه حد این نگرش توسط کنشگران درونی شده است، پیش کشیده می شود. منظور از نگاه فرهنگی تلقی فرهنگی و فرجام شناسی فرهنگ از بالاترین منظر به ماهیت کنش به عنوان یک مقوله تجریدی در جامعه است

مبانی نظری

حال وبر پایه آنچه گفته شد نخست ذیلا مبانی نظری و تجربی دوسنخ اصلی مادری کردن زنان را بر اساس دوگانه سنتی _ مدرن ارائه و سپس برپایه ان مولفه ها و شاخص های اصلی شناسایی و سنجش هریک به تفصیل ذکر می شود

مادری سنتی

مبانی مفهومی این سنخ را ایدئولوژی خانوادگی، منزلت مادری، هویت زنانگی و ابتنای ان بر دین تشکیل می دهد.

ایدئولوژی خانوادگی

این سنخ بر پایه ایدئولوژی مادری و یا به تعبیر وسیعتر ایدئولوژی خانوادگی بمنزله نیرویی قویی در شکل دهی به زندگی زنان قرار دارد. و تمرکز اصلی بر روی مادران به عنوان وسیله ای سودمند و ابزاری قابل استفاده در جهت پیشرفت و ترقی فرزندان بوده است که (کوردی، مارتین^۱، ۲۰۰۵: ۳۴۰).

این ایدئولوژی طی تقویت مناسبات درون خانواده به اصل سازماندهی مهمی تبدیل می شود که به موازات سن و جنسیت ابعاد وسیعتری از زندگی اجتماعی چون قدرت، اقتدار، حرمت و احترام به روابط انسانی را ساخت می دهد، مروج این ایدئولوژی نظریه های مدرنیستی خانواده، مبتنی بر پوزیتیویسم اند که با عینی و عقلانی تلقی کردن جهان خارج، خانواده را امری بدیهی می پندارند که بر اساس عقاید مربوط به احکام زیستی از قبیل تولید مثل وغریزه مادری مبتنی است (برناردز ۱۳۸۴: ۷۴-۶۹) بر همین اساس، تعریف و شیوه های مادری، طبیعی، جهانی و تغییر ناپذیر و محصول تولید بیولوژیکی دیده می شود و آنچه برای کشف زن بعنوان زن، حیاتی است داشتن ظرفیت و تصور باروری و زایمان است، در ایدئولوژی خانوادگی، مادر شدن منحصر بفرد است و بر کانون محوریت فرزند شکل می گیرد و به لحاظ عاطفی درگیرانه و وقت گیر است و مادر نه با موضوعیت نیازها و منافع خود بلکه با عنوان مراقب دیگران به ویژه فردیت ماهیت دوران کودکی و کودکانشان به تصویر کشیده می شود (ترر^۱، ۱۹۹۳، ۱۱۹۴) و اعمال مادری اساسا بر درک کودکی و استدلال هایی در مورد اینکه نیازهای کودکان چه چیزهایی هستند استوار است، بنابراین زنان در عمل مادری، درگیر پرورش، مراقبت و آموزش فرزندانیشان هستند و فعالیت های روزانه مادران بر هسته مشترکی از نیازهای اصلی فرزندان متمرکز است و شامل روابط صمیمی، محبت عمیق و تعامل پویا با آنهاست (رادیگ^۱، ۱۹۸۰: ۳۴۵). دباوجودیکه ساختار خانواده گسترده درجوامع سنتی و کشاورزی، افزایش میزان زادو ولد راتشویق می کند و آنرا موجب افزایش امکانات اقتصادی و قدرت خانواده می داند (باتومور ۱۳۷۰: ۲۰۴-۲۰۳) و فرهنگهای سنتی نیز هرگونه رفتاری که آن را مورد تهدید قرار دهد به شدت محکوم می کنند. و در نتیجه خانواده واحد اساسی تولید مثل محسوب می شود (اینگلهارت ۱۳۸۹: ۳۶-۲۹)

منزلت مادری

لذا یکی از مهم ترین نقش های خانوادگی زنان، مادری است که با ضرورت وجود خانواده که کار کرد اجتماعی کردن و ساخت شخصیت اجتماعی - فرهنگی کودکان است پیوند ناگسستنی دارد (اعزازی: ۱۳۷۶-۶۹) و فقدان او می تواند امنیت و موجودیت خانواده را به خطر انداخته و نابسامانی هایی در روابط اجتماعی درون خانواده ایجاد کند (روزن باوم، ۱۳۶۳: ۳۳) در صورتی خانواده گسترش کامل می پذیرد که



زنان در مقام مادر، حاضر باشند، مسئولیت رسیدگی به مسائل جسمانی، بهداشتی، تحصیلی، سرگرمی و نظارت بر روند رشد اجتماعی فرزندان را بپذیرند، به بیان دیگر مادری اصطلاحاً به مادری فعال بدل شود (اعزازی ۱۳۷۶: ۱۷-۱۱۰) از این روست که می‌توان اقتدار را در داخل خانه از آن مادر دانست زیرا مادر است که در خانه به سر می‌برد و مظهر دلسوزی و محبت است، حال آنکه پدر که نان آور است از خارج می‌آید و مظهر فعالیت در نظر گرفته می‌شود (مندراس، ۲۴۴، ۲۴۵) تحقیقات جدید تر نشان می‌دهد که در عصر کنونی نفوذ پدران بر روی فرزندان کاهش یافته و جوانان، مادران خود را عزیز داشته و اسرار محرمانه خود را بیشتر با آنها در میان می‌گذارند. بدین ترتیب مادران کنترل بیشتری بر فرزندان داشته و نقش حیاتی در انسجام خانواده بازی می‌کنند (لیم و سون^۱ ۲۰۱۰: ۲۱۶-۲۰۵) تثبیت نقش مادری زنان تا حد زیادی موکول به استمرار ساخت و کارکرد خانواده هسته‌ای و ارزشهای مرتبط با آن است که بر پایه اصل توزیع جنسیتی نقش قرار دارد نقش مادری و تخصیص آن به زنان بر ایند همین سازوکار است که طی آن زنان با ایفای نقش بیانگر در خانواده به روابط درونی آن شکل داده و مسئول ابراز محبت، حمایت عاطفی، مراقبت جسمانی اعضا شناخته میشوند (رابرتسون، ۲۸۱) در جوامع سنتی، تقسیم کار در خانواده و بین زنان و مردان بر پایه سنت و جنسیت صورت می‌گرفت؛ از این رو از مردان انتظار می‌رفت با اشتغال به کار در خارج از خانه اسباب معاش خانواده خود را فراهم آورند و در عوض، زنان نیز وظیفه داشتند با ماندن در خانه به مراقبت از کودکان و اداره امور منزل، پخت و پز غذا و تمهید شرایطی امن و راحت برای شوهر و سایر اعضای خانواده بپردازند این ساختار خانواده مورد تأیید بسیاری از صاحب نظران است. به طوری که شلسکی، با تأکید بر سلطه طبیعی مرد بر سایر اعضای خانواده و خانه داری زن معتقد است: تنها در این حالت کارایی منحصر به فرد خانواده که سبب تربیت فرزندان در محیطی سرشار از اعتماد و مراقبت می‌شود، تأمین می‌گردد. از دید وی، این مجموعه یعنی پدر نان آور و قدرتمند و مادر مسئول فرزندان برای حفظ ثبات اجتماعی لازم است (رستگار خالد ۱۳۸۳) همچنین از دیدگاه پارسونز، تفکیک جنسیتی نقش‌ها، نقش مؤثری در سلامت خانواده و شکل گرفتن شخصیت کودک دارد. وی معتقد است اشتغال زنان علاوه بر آنکه موقعیت عاطفی زن را در خانواده متزلزل می‌سازد، به سبب رقابت شغلی زن با شوهر به ناهماهنگی و ناسامانی خانواده نیز می‌انجامد. چنین طرز تفکری سالها در جوامع مختلف و میان متفکرین جامعه شناسی خانواده حاکم بود با این حال، خانواده‌ی غالب در قرون گذشته یعنی پس از انقلاب صنعتی و دیگر دگرگونی‌های موازی با آن، خانواده‌ای هسته‌ای بوده است. بر این اساس، منظور از ارزش‌های خانواده و تغییرات خانوادگی، ارزش‌های خانواده‌ی هسته‌ای و تغییر در ارزش‌های آن است. از نظر پارسونز تأکید این نوع خانواده بر داشتن فرزند و جامعه‌پذیری اوست و افراد از طریق خانواده مورد تأیید اجتماعی قرار می‌گیرند. پارسونز اعطای هویت اجتماعی به فرزندان را از دیگر کارکردهای خانواده می‌داند همچنین از نظر پارسونز، خانواده شخصیت فرد را برای زندگی در آینده پرورش داده و موجب تعدیل فرد از نظر عاطفی می‌گردد (میشل، ۱۳۵۴: ۶۹). در خانواده‌ی هسته‌ای به طور معمول، تصمیمات اساسی مربوطه، از طریق گفتگو و تبادل نظر اتخاذ می‌گردد. برخی همچون "پارسونز" معتقدند: چنین خانواده‌ای بسیار عقلانی است؛ زیرا همواره عقل و منطق بر آن حاکم است تک‌همسری از دیگر ویژگی‌های این نوع خانواده است. (ساروخانی، ۱۳۷۰: ۱۴۲).

از این لحاظ دخالت زنان در فعالیت‌های شغلی باعث ایجاد وضعیت رقابتی در خانواده و اغتشاش نقش‌ها و مانع از کارایی حداکثری خانواده گردیده و همبستگی آن را به خطر می‌اندازد (اعزازی، ۷۱) با این وصف مشخص می‌گردد، علیرغم نابرابری ناشی از تفکیک جنسی نقش‌ها، کل جامعه با تبعیت از این الگو از این تمایزات بهره‌مند می‌شود (رابرتسون، ۲۸۱).

اینگلهارت نیز معتقد است راهبرد سنتی بقاء، علاوه بر سرمایه گذاری اندک برای هر فرد، فرصت‌های زنان برای آموزش و پرورش و کار مزدی را به شدت محدود کرده است و به جز مادری و خانواده فرصت‌های کمی در اختیار آنها می‌گذارد. در این راهبرد، زنان با استعداد از تحصیلات برخوردار نیستند و اجازه ندارند خارج از خانه کار کنند، یعنی کمک بالقوه شان به جامعه افزون بر خانه هدر می‌رود. این راهبرد هزینه‌ی غیر مستقیمی هم دارد. منظور این است که کودکان را مادران بی‌سواد بزرگ می‌کنند، پس هم دختران و هم پسران با انگیزش فکری کمتری در سال‌های حیاتی اولیه زندگی شان مواجه می‌شوند، از سوی دیگر این راهبرد موجب به دنیا آمدن کودکان بسیار بیشتری می‌شود. (اینگلهارت ۱۳۸۹: ۳۶-۲۹)



ایدئولوژی دینی نیز بر محوریت ارزش ها و سبک زندگی خانواده محور هسته ای و مخالف با هرآنچه که آن را به مخاطره اندازد مبتنی است، برای مثال کلیسا و روحانیون پروتستان محافظه کار به پیروان خود تعالیم و برنامه های خانوادگی ای را ارائه می دهند که در مدل خانواده هسته ای ریشه دارد. این آموزه ها مخالف روابط جنسی پیش از ازدواج، همباشی بدون ازدواج، سقط جنین، طلاق سازمان تساوی گرا و جنبش های فمینیستی است و در عوض ضمن همنوایی با ارزش ها و نگرش های سنتی، از مدل خانواده متکفل نان آور - خانه دار حمایت می کند (پیرس و ثورتون ۲۹-۱۲۲۸، ۲۰۰۷) از این رو باید گفت که پروتستانسیسم محافظه کار به زندگی خانوادگی توجه معنوی زیادی را اختصاص می دهد. و کشیشها و روحانیون وابسته به آن بر روی ارزش هایی مانند نگرش های جنسیتی سنتی، نظم و انضباط دقیق، فرزند پروری تأثیر گذار و مشارکت والدینی، نقش سنتی مردان به عنوان نان آور اصلی و سر پرست خانواده تأکید می ورزند، (ویلکاکس ۲۰۰۲: ۷۸۱) آنچه که در پی تحقیقات فراوان اثبات شده این است که باورهای ایدئولوژیک زنان پیرامون اثرات اشتغال مادر و نیز عدم توانایی در مراقبت از فرزندان نه تنها بر کودک، بلکه بر خانواده نیز اثر می گذارد. اگرچه تأثیرات اجتماعی بر ایدئولوژی جنسیتی افراد ممکن است تحت تأثیر منابع مختلف باشد، نهاد های مذهبی به عنوان فرستنده های مهم از اطلاعات مربوط به چگونگی سازماندهی و اداره زندگی خانواده و کودک خدمت می کنند مذاهب سنتی به طور خاص، ساختار خانواده سنتی را ترویج می کنند که شامل یک زن متاهل است که اگر خصوصاً فرزندان کوچک داشته باشد به جای دست یابی به شغل به کارهای خانه مشغول است (شرکت^۱، ۲۰۰۰: ۳۴۴) برای این اساس، جونز و مک ناوارا (۱۹۹۱) مطرح می کنند که زنانی که خود را با سبک زندگی مذهبی انطباق می دهند به خانواده اهمیت بیشتری از اشتغال می دهند و باور دارند که زنان نباید وقت زیادی را در کار صرف کنند، دریافته های مشابهی که توسط کوزگان و سوین^۱ (۲۰۰۴) بدست آمد مشخص شد همبستگی منفی و معنی داری بین تمایل مذهبی و نگرش سنت به نقش های کاری زنان وجود دارد (سوین^۱، ۲۰۰۶، ۷۸) رهبران مذهبی در این عقاید سنتی اغلب متعصبانه از تقسیم سنتی کار دفاع می کنند و آن را مطابق با دستور انجیل بهترین عمل برای داشتن خانواده ای شاد و مستحکم برای مسیحیان می دانند، آنها این ایده که زن و مرد دارای طبیعت و احساسات مختلف ذاتی اند که منجر به نقش جداگانه اما مکمل یکدیگر در زندگی خانوادگی می شود از آیات کتاب مقدس^۱ که اعتقاد دارند عاری از خطاست برگرفته اند این آیات زنان را تشویق می کنند به این که با احتیاط باشند، خود را در خانه پاکدامن نگه دارند و مطیع شوهران خود باشند، قدرت بچه زایی خود را ذخیره کنند و به پرورش فرزندان مومن و نیکوکار پردازند. باید توجه داشت، این تفسیر دینی از تفاوت های جنسیتی تنها به مسیحیان محافظه کار محدود نمی شود و عناصر مهم این اعتقاد الهی در شاخه های اصلی دیگر مذاهب توحیدی از جمله ارتدوکس، یهودیت و اسلام یافت می شود، تمامی این ادیان بر این باور مشترکند که زنان باید توجه خود را بر ایجاد خانه ای پاک و تربیت فرزندان تمرکز کنند، این اعتقاد، مشخصه محافظه کاری مذهبی و ریشه مهم تفاوت آنها با فرهنگ سکولار مدرن است. (گلاس و نات^۱ ۲۰۰۶: ۶۱۲) همچنین از دیدگاه اسلام، مسئولیت مهم زن، تربیت نسل انسانی (فرزندان)، گرم نگهداشتن محیط خانه و فراهم سازی رشد و شکوفایی فضایل اخلاقی در خانواده است. ساختار جسمی و روحی زن با این مسئولیت مهم و ظرفیت تناسب دارد. درگیری و خشونت، ورود به چالش های اجتماعی و حضور در نبردهای سیاسی با آنچه که خداوند در سرنوشت و طبیعت او قرار داده است همخوانی کمتری دارد (آیت الهی، ۱۳۸۱)

هویت زنانگی

مادران در این سنخ نه بوسیله آنچه که احساس می کنند بلکه بوسیله آنچه که تلاش می کنند انجام دهند هویت می یابند (تر^۱، ۱۹۹۴، ۱۱۹۴) از لحاظ فردی نیز بارداری و مادر شدن برای زنها از نظر جسمی، احساسی و شناختی از جمله اتفاقات اساسی زندگی محسوب شده و به عنوان نوعی مراسم گذار از منابع عمده معنا در زندگی در نظر گرفته می شود (کاکس و پندل^۱، ۲۰۰۷: ۸۸۹) هر زن با تجربه ی بارداری و مادر شدن حس منحصر بفردی را درون خود تجربه می کند و به اعتقاد آدرین ریچ عظیم ترین آفرینندگی زنان در تجربه مادری است که تجربه ای خوشایند برای آنها محسوب می شود (هام: ۱۳۸۲: ۲۹۲) هویت پیوند خورده ی زنان با بدنشان زمانی کامل می شود که به کارکرد زایش خود ایمان آورند و در پیوند بیولوژیکال، باروری خود را معنا کنند و به این حس دست یابند که با مادر شدن به کمال دست یافته اند (میرزا نژاد: ۱۱۵: ۱۳۸۸). احساس و تمایل به کامل شدن و معنا یافتن زنانگی یکی از انگیزه های درونی مادری است برای بسیاری



از زنان جوان ، مادر شدن مثبت است و آن را یک نقطه عطف در زندگی خود می دانند لذا انگیزه بالایی برای مادری دارند (گرونین^۱ ۲۰۰۳: ۲۶۸)

بر اساس بنیاد گرایی مسیحی در امریکا ، زنان با انجام وظایف طبیعی مادری هویت زنانه خود را آشکار و مرد را تکمیل میکنند ، کودکان را به نحو مقتدرانه و مذهبی تربیت و در نهایت پیوند میان فرد و جامعه را ممکن می سازند (گل محمدی ۱۳۸۳: ۱۸۱-۱۸۰) یکی از روش هایی که هنجارهای مذهبی مادری را ترویج می کنند ارسال پیام های اجتماعی ، فرهنگی گسترده ای است که از خانواده ها و والدین حمایت می کند مثل تمجید و تحسین خانواده های بزرگ ، تأکید بر اهمیت خانواده ، وظیفه اجتماعی و جایگاه والدین و فشار نقش جنسیتی که از مادر بودن حمایت می کند و بدین ترتیب منبعی از تعیین هویت را برای زنان به وجود می آورد (نیومن، ۲۰۰۶: ۴۴) مطالعات اخیر در مورد پروتستان های محافظه کار بر این نکته تمرکز داشته اند که چگونه این گروهها یک هویت فرهنگی برای اعضا خود پایه گذاری کرده اند که در تقابل با ارزشهای جهان سکولار بر احترام به خانواده هسته ای سنتی تأکید دارد، تأکید مجدد بر ازدواج تک همسری مادام العمر اعتقاد به تفاوت های جنسیتی در نقش های خانوادگی و تقدس زندگی انسانی در حالی که مخالف مادی گرایی و فرد گرایی فرهنگ مدرن است، روش های مهمی است که این خرده فرهنگ در مخالفت با گروههای سکولار و دیگر گروههای مذهبی بیان کرده است (بروکس^۱ ۲۰۰۲: ۱۹۳) هلن دوریج مادری را مهمترین ویژگی رشد و تحول روانشناختی زنان می داند (هاید ۱۳۸۴: ۱۶) تحقیقات متعدد نشان داده که توانایی زنان برای بارداری و مادر شدن به عنوان هسته اصلی هویت آنها تلقی می شود که در صورت ناباروری ، زنان دچار نقص و بی لیاقتی و احساس داغ و ننگ اجتماعی می شوند (دادفر ، ۱۳۸۰: ۱۸) به همین دلیل مهمترین انگیزه مادری را نیاز کودک به مادر تشکیل می دهد، مطابق با نظر بولبی^۱ ، محرومیت از مادر در سالهای نخستین حیات کودک منجر به ناتوانی کودک در تفکر انتزاعی ، ابتکار ، قضاوت ارزشی و تصمیم گیری می شود (موریش : ۱۷۸-۱۷۶) از این رو از دیدگاه بولبی ایفای نقش حمایتی و مراقبتی مادر از کودک مستلزم وجود انگیزه کافی برای این کار در اوست (گیدنز، ۱۳۸۶: ۱۶۶).

ابتنای بر دین

ادیان الهی که همواره نقش قاطعی در برساختن ساختارهای خانواده داشته اند (زاگرن، ۱۳۸۴ ، ۱۷۵) و در جامعه جدید نیز کماکان منبع مهمی در مشروعیت بخشیدن به خانواده هسته ای به حساب می آیند (برناردز ، ۱۳۸۴: ۲۱) بر ارزشهایی تأکید می کنند که در بردارنده آموزه هایی درباره باروری ، نقش های منفک شده زنان و مردان و همنوایی با ایده آل زنان به عنوان یک مادر ، اهمیت خانواده بزرگ و بچه زایی است (مک کوییلان به نقل از حسینی ۱۱۶-۱۱۴) تحقیقات دیگر نیز نشان می دهند که مذهب ارتباطی قوی با خانواده و مشروعیت بخشیدن به آن دارد (هاوسکنت^۱ و پانکرست^۱، ۲۰۰۰). به طوری که بسیاری از مذاهب، گرایش به تأکید بر ارزش های خانواده دارند (گلدشاید^۱، ۲۰۰۶: ۴۱).

به همین ترتیب پروتستانهای محافظه کار در امریکا همچنان از قوانین سختگیرانه ای مرتبط با جنسیت و زندگی خانوادگی تبعیت می کنند و در تقابل با عقاید جهان سکولار همچنان به تشویق خانواده هسته ای سنتی تأکید می کنند و از ارزشهای آن نظیر تک همسری ، اعتقاد به تفاوت جنسی در نقش های خانوادگی که آنرا امری الهی می دانند و از تقدس زندگی خانوادگی در مقابله با ماده گرایی و فرد گرایی فرهنگ مدرن دفاع می کنند . رهبران مذهبی در این سنت دینی اغلب بصورت متعصبانه از تقسیم کار سنتی دفاع می کنند و آن را بنا به دستور انجیل ، بهترین عمل برای داشتن خانواده ای شاد و مستحکم برای مسیحیان می دانند ، آنها این ایده را که مردان و زنان دارای طبیعت و احساسات مختلف ذاتی اند که منجر به نقش جداگانه آنها اما مکمل یکدیگر در زندگی خانوادگی می شود مطابق با کتاب مقدس می دانند که زنان می خواهند خود را در خانه پاکدامن نگه دارند و مطیع شوهران خود باشند و به پرورش فرزندان بپردازند ، چنین تفسیری از دستورات الهی در مورد تمایزات جنسیتی تنها به مسیحیان محافظه کار محدود نمی شود ، عناصر مهم این اعتقاد الهی در شاخه های اصلی دیگر مذاهب توحیدی از جمله ارتدوکس ، یهودیت و اسلام ، این باور مشترک است که زنان باید توجه خود را بر ایجاد خانه ای پاک معطوف کنند و به پرورش و تربیت و آموزش فرزندان خود متمرکز شوند ، مشخصه محافظه کاری مذهبی و منبعی مهم از تمایز از فرهنگ سکولار



مدرن است (گلاس و نات هول^۱: ۲۰۰۶: ۶۱۳-۶۱۱) ایدئولوژی اسلامی نیز مهمترین نقش زن را فرزندآوری و مادری می داند آیات و روایات زیادی را می توان یافت که عواطف مادری را عطیه ی الهی که به هر زن صاحب فرزندی داده می شود می داند و حاملگی و مادرشدن را ارج می نهد و اجر بسیاری برای آن قائل است (آیت الهی، ۱۳۸۱: ۱۷) از دید اسلام، مادر با تربیت کودک و القانات خود در افکار و تمایلات و اهداف وی زمینه را برای اصلاح یا فساد جامعه فراهم می سازد (مصباح، ۱۳۸۰: ۸۵۹) بنابراین مادری نقش زنانه صرف نیست بلکه نقشی انسانی در زندگی زن است که در درجه ی اول وظایف و مقامات زن قرار دارد (شهید مطهری، ۱۳۸۲: ۲۳)

تصویب این هویت فرهنگی فردی مستلزم پذیرش اعمال جنسیتی خاص در بین زوج هاست از جمله انتصاب مسئولیت های اولیه در مورد کارهای خانه و مراقبت از فرزندان به زن و تحصیل در خانه و یا فرستادن کودکان به مدارس مذهبی و واگذاری نهایی قدرت تصمیم گیری به شوهر و شاید اجتناب از اشکال خاصی از کنترل موالید، همچنین نظرات و تحقیقاتی وجود دارند که مذهب می تواند درگیری والدینی را افزایش داده و کیفیت آن را ارتقا بخشد، ویلکاکس در این زمینه شواهدی را برای تاثیر مذهب در درگیری والدینی می یابد، بر پایه این شواهد چندین دلیل باید تصور شود که والدین مذهبی ممکن است با فرزندان خود درگیری بیشتری داشته باشند، آموزش و تاکید ارزشهای مذهبی بر مرکزیت زندگی خانوادگی، اهمیت روابط مثبت خانوادگی و تمرکز بر روابط و نیازهای سایرین که به خوبی می توان آنها را که در پیامهای خانوادگی نهادهای مذهبی و موعظه و تعالیم کلیسا، داستانهای کتاب مقدس و دروس نشریات کلیسا منعکس است بار شناخت، سبب می شود که والدین مذهبی که درگیر کلیسا هستند ارزشها و رفتارهای خود را با تاکید بر روابط خانوادگی و تعهد به دیگران شکل دهند و ترغیب شوند تا فعالانه در زندگی فرزندان خود دخالت کنند. (گلاس و نات^۱: ۲۰۰۶: ۶۱۲)

مادری مدرن

در مقابل سنخ سنتی، سنخ مدرن مادری قرارداد مبانی مفهومی این سبک از مادری را تجربه زیسته، هزینه مادری، جهت گیری سکولاریستی و ابتنای آن بر فردگرایی تعریف می کند

تجربه زیسته

مطالعات اخیر بر روی تجربه های مادری تمرکز کرده اند و مادری را به عنوان حاصل کنش های متقابلی که در مجموعه جنسیتی از روابط و نهادهای اجتماعی در زمان و مکان خاص شکل گرفته است بررسی کرده اند (کودری، مارتین^۱: ۲۰۰۵: ۳۴۰) این بررسیها بر پایه رویکرد تفسیر گرا از مادری قرار دارد که می توان آن را بعنوان تفسیری انتقادی، هرمنوتیکی، کیفی و فمینیستی بر روی مادر شدن زنان تلقی کرد این دیدگاهها با وجود تفاوت، بر ساختار شکنی از ایدئولوژی مسلط خانوادگی و بر ساختن معانی مشترک با تاکید بر زمینه های تاریخی، فرهنگی، و موقعیتی که مردم در آن عمل می کنند شریکند؛

بنابراین این رویکرد مدل واحدی از مادر شدن را به زیر سوال می برد و اصرار دارد که نقطه نظرهای مختلف زنان، درک و تجارب مادری کردن آنها باید در نظر گرفته شود، پژوهشگران در این حوزه استدلال می کنند که مادر شدن را نه به عنوان یک رابطه کلی بلکه بمثابه یک رابطه ی خصوصی بین مادر و فرزندش و فعالیتی که باید جدا از تامین اقتصادی تفسیر شود در نظر گرفت (گلن^۱: ۱۹۹۲) در عین حال باید زمینه های فرهنگی و اقتصادی متنوع که درک و فعالیت های مادران را شکل داده است و مادر شدن را به زمینه های تاریخی منبعث از ساختارهای بهم پیوسته، نژاد، طبقه و جنسیت مربوط ساخته است، به حساب آورد (بکازین^۱: ۱۹۹۴: ۶۹) از این رو در این رویکرد توضیح گوناگونی تجربه های مادری با ملاحظه اینکه چگونه مادری در ارتباطات متنوع و زمینه ی خانوادگی نمود پیدا می کند از اهمیت اساسی برخوردار است، بنابراین تلاش می شود که مادری به عنوان یک روند ارتباط درونی فهم شود (کودری، مارتین، ۲۰۰۵: ۳۴۵) در نتیجه توجه بر مسائلی چون کثرت، بی نظمی و تفرق است که سبب می شود زندگی خانوادگی را بمثابه جایگاه تجارب زنان دید و توجه را به فعالیت های روزمره مادران و فرزندانشان جلب کرد و بجای تاکید بر مراحل ثابت در مسیر زندگی خانوادگی، پیوند تغییر در خانواده را با تغییرات فردی نشان داد و اینکه چگونه افراد این مراحل را بعنوان نوعی آیین گذر تجربه می کنند و چگونه از این ساخت می گذرند و یا با سایر اعضا درباره آن مذاکره می کنند، ربینز در موضوع مادری می نویسد تجربه روزمره بزرگ کردن فرزندان در خانواده مستلزم مذاکراتی



ظریف و پیوسته برای ایجاد نوعی توازن در اموری است که مسئولیت آن بر دوش مادر است، بنابراین این رویکرد با تأکید بر الگوی مسیر خانوادگی و توجه به چگونگی سیر زندگی فردی بر اساس کثیری از زمانها و فضاها بر تفسیرهای منحصر بفرد و تجارب و واکنش های متفاوت از پدر و مادر شدن تأکید دارد (برناردز ۹۴-۹۰) با این وصف نقش مهم پدیدار شناسی مادری شامل تجربیات و ادراکات مادر شدن بر تجارب واقعی زنان از مادری که می تواند مملو از تنش دیالکتیکی باشد تأکید دارد از این منظر، مادری می تواند قدرت مادری و بار مسئولیت عظیم به زنان اعطا کند و سرچشمه تحقق شخصی، رشد و شادی از یکسو باشد و از سوی دیگر ناراحتی، اضطراب و افسردگی پدید آورد، پرورش کودک ممکن است رشد شخصی و معانی بیشتری برای زندگی زنان به همراه بیاورد اما همچنین ممکن است در پی آن، فشارهای اقتصادی و کار افزایش یابد، پرورش کودک، احساس آزادی و تحول و یا در مقابل ظلم و فرمانبرداری به همراه آورد بنابراین مادری نه تجربه ای واحد برای تمامی زنان بلکه تجربه ای فردی، متعدد و اغلب متغیر است (آرنلد ۱۹۹۵، ۲۰۰۱).

هزینه مادری

اینگلهارت معتقد است که دو راهبرد اساساً متفاوت برای بقا در جوامع سنتی و مدرن وجود دارد. راهبرد مدرن بر سرمایه گذاری زیاد برای تعداد نسبتاً کمتر افراد و سرمایه گذاری برای دختران و پسران و نیز بر سرمایه گذاری سنگین سرمایه انسانی بانبری کمتر اما بسیار ماهرتر که در آن از نیروی کار زنان مانند مردان به طور کامل استفاده می شود تأکید می کند اما با وجود این دو راهبرد امروزه تحول فرهنگ از تأکید بر نقش سنتی زنان که در آن زندگی شان تا حدود زیادی به تولید مثل و پرورش فرزندان زیاد محدود می شود، ابتدا تحت نفوذ پدرانشان و سپس شوهرانشان، با استقلال اندک و گزینه های اندک در خارج از خانه، جهانی را که در آن زنان به طور فزاینده طیف گسترده ای از گزینه های زندگی را دارند و اغلب زنان مشاغل و علایق خارج از خانه دارند پدید می آورد. این تحول فرهنگی با کاهش نرخ باروری همراه است. بنابراین تحول در نگرش های مربوط به باروری نیز ایجاد می شود (اینگلهارت ۱۳۸۷: ۴۷). اینگلهارت مطرح می کند که با وجود نهادهای رفاهی پیشرفته و بعهد گرفته مسئولیت های مراقبتی، سلامتی و نظام های بازنشستگی توسط دولت رفاه، ارزشهای خانوادگی و هنجارهای جنسیتی در جوامع صنعتی کارکردشان را از دست می دهند و در نتیجه زنان از وابستگی و مسئولیت های سنتی خانوادگی آسوده و به چرخه های زندگی اقتصادی وارد می شوند (اینگلهارت ۱۳۸۹: ۳۷۳-۳۵۹) فمینیست ها، نیز مادری را نوعی خدمت عاطفی به مردان، اسطوره ای برای کنترل و سرکوب زنان توسط نظام مرد سالار (ریچ واکلی)، منشا احساس سرخوردگی و بحران هویت (فریدان) و بیگانگی (دوبوار) و وابستگی (فایرستون) زنان می شناسند. که زنان را وادار به انجام کاری دشوار، یکنواخت و ملال آور در تنهایی و انزوا می کند (رابوتام به نقل ازورسلی ۵۶-۴۹) و نتیجه ای بجز باز داشتن زنان از رشد بسیاری از توانایی ها و ابراز جنبه های مختلف شخصیت شان (گرت ۱۳۸۵: ۷۰) در نتیجه دورنگاه داشتن آنها از مشارکت در جامعه بزرگتر، کار، فرهنگ، سیاست و دیگر عرصه های عمومی و کسب برابری با مردان (ابوت و والاس: ۱۱۵-۱۱۴) ندارد.

مهمترین دگرگونی در قرن نوزدهم و اوایل قرن بیستم، جدایی میان محل کار و زندگی بود. در اثر این جدایی مکانی، زنان نقش جدیدی به عنوان نقش زن متأهل - شاعل پیدا کردند. تغییر موقعیت زن ها در خانواده با این نقش جدید وابسته است. دگرگونی نقش های سنتی زنان و ورود به بازار کار، پرچالش ترین گفتمان ها را در حوزه ی خانواده پدید آورده است؛ چرا که بر پایه ی این دگرگونی ها، کلیشه های مرد نان آور و زن خانه دار به گونه ای جدی مورد سؤال و تردید قرار گرفته است. و زنان علاوه بر نقش مادری، ایفاگر نقش جدید شغلی شده و به عرصه های اجتماعی روی آوردند. در این شرایط، زنان به طور همزمان باید به خواسته های محیط کار و خانواده پاسخگو باشند. زنان کار کردن بیرون از خانه را به عنوان نقش دوم می بینند و در این راستا خانه داری و رسیدگی به امور منزل را جزء نقش های اولیه و الزامی درک کرده اند. بدین ترتیب قبول نقش های چندگانه برای زنان ممکن است همراه با اضطراب و عصبانیت و عدم آرامش باشدگاتک و همکاران در چارچوب دیدگاه جنسیتی نقش معتقدند، مردان شغل را عمده ترین وظیفه خود برای خانواده شان می دانند و با وجود آن که ممکن است زمان زیادی را در کار صرف کنند این زمان را تحمیلی به خود نمی دانند، چون کار و اشتغال را برای خود شیوه ای برای مشارکت در خانواده می دانند. از سوی دیگر، چون به طور سنتی از زنان انتظار می رود که موقعیت باثباتی در خانه فراهم کنند و نه تأمین مالی و این موقعیت باثبات غالباً دربرگیرنده مراقبت از همسر، فرزندان و رسیدگی به کارهای خانه می شود، اشتغال زنان در خارج از خانه صرفاً کمک مالی به



خانواده تلقی می شود و نمی تواند جانشین وظیفه اصلی او در خانه شود (رستگار خالد ۱۳۸۳) در نتیجه باید گفت نقش های شغلی و خانوادگی مردان مکمل یکدیگرند در حالی که برای زنان مسئولیت ها، کار و خانواده، نقش هایی موازی هستند که این ویژگی احتمال تعارض کار - خانواده را برای زنان شاغل بالا می برد و زمینه بروز مشکلات خانوادگی و شغلی را در آنان افزایش می دهد که مهمترین آن مربوط به درگیر شدن با تعارضی است که بین نقش های شغلی و خانوادگی برای زنان شاغل به وجود می آید. زنانی که از سطوح بالاتری از آموزش برخوردار می شوند، دارای نگرش مساوات طلبانه تری می شوند. و کمتر نیز از طرف اجتماع برای بچه دار شدن تحت فشار قرار می گیرند، در نتیجه بیشتر احتمال دارد که از نظر این گروه از زنان، کودکان کمتر با ارزش تلقی شوند (تاوارس: ۲۰۱۰) با این همه علت اصلی را باید هزینه هایی دید که بچه دار شدن برای زنان تحصیل کرده در پی دارد، با افزایش سطوح تحصیلی زنان، فرصت های اشتغال آنها نیز بیشتر خواهد شد و در این صورت ارزش زمان آنها نیز بالا خواهد رفت و در حالیکه کودکان برای مراقبت و تربیت نیازمند سرمایه گذاری زمان اساسی هستند. (گارسیا: ۱۳۳، ۲۰۱۰، ۱۱۳-۲۰۱۰) تحول مادر شدن دو هزینه مهم در پی دارد: هزینه های جاری یعنی صرف نظر کردن از دستمزد کاری است که از انجام آن در بیرون می توانست بدست آید. و دوم هزینه هایی که در آینده به علت وقفه شغلی بوجود می آید یعنی سراسیمگی از درآمد در طول زندگی که پس از وقفه کاری اتفاق می افتد (تاوارس: ۲۰۱۰)، و عمدتاً از زیان های دستمزد حاصل از گسست در پیشرفت شغلی ناشی می شود (گارسیا: ۲۰۱۰، ۱۳۳-۱۱۱۳). در جوامع سنتی فرزند را به عنوان یک حامی و پشتیبان در دوره ی کهنسالی قلمداد می شد. در صورتی که در جوامع مدرن فرزند به عنوان موجودی تلقی می شود که نیاز به تربیت، آموزش، امکانات رفاهی و ... دارد که خانواده به تنهایی نمی تواند از پس تمامی این نیازها بر بیاید. در نتیجه سایر نهادها عهده دار انجام این وظایف می شوند. در واقع همان طور که هافمن می گوید اکنون خانواده ها ارزش های مثبت و منفی فرزند را در یک کفه ترازو قرار می دهند و بر اساس یک انتخاب عقلانی تصمیم به بچه دار شدن یا نشدن می گیرند. در این صورت تنها زمانی تصمیم به بچه دار شدن می گیرند که کفه ارزش های مثبت بر ارزش های منفی چیرگی پیدا کند و نگرش آنها به فرزندآوری مثبت باشد. در واقع می توان گفت که در جامعه کنونی عقلانیت و فردگرایی بر تمامی تصمیمات افراد احاطه دارد. (ناک ۱، ۲۰۰۰: ۵)

جهت گیری سکولاریستی

از نظر گلدشایدر کاهش اهمیت مذهب در طول زمان که اغلب به عنوان سکولار شدن از آن یاد می شود با کاهش در اندازه خانواده به هم مرتبط شده اند و فرایندهای گسترده توسعه اقتصادی، افزایش تحصیلات، غربی شدن زندگی شهری، ارزش های فرهنگ دینی را به عنوان نماد گذشته و میراث جامعه سنتی (در مورد مذاهب غربی مسیحی و یهودی بیشتر و برای مذاهب غیر غربی و اسلام کمتر) تا جهت گیری های سکولاری که بر محوریت افراد در روند تصمیم گیری ها و انتخاب آگاهانه آنها درباره ی تعداد فرزندان که برای شرایط اقتصادی در حال ظهورشان مناسب است تأکید دارد جایگزین می سازد (گلدشایدر، ۲۰۰۶، ۴۳-۴۲)

باکراچ (۲۰۰۱) تأکید می کند کاهش باروری در صورتی رخ می دهد که نهاد هایی مثل نهاد دین که فرزند آوری را ترویج می کنند در جامعه مورد طرد واقع شوند. در چنین جامعه ای تصور غالب افراد این است که فرزندان آزادی فردی را کاهش می دهند و والدین از دست یابی به خود شکوفایی که از طریق کار کردن و فراغت در هزینه ها ایجاد می شود باز می مانند، لهر (۲۰۰۴) بیان می کند که تعصب مذهبی یا فقدان آن نیز می تواند رفتار باروری را با متأثر کردن درک هزینه ها و منافع فرزندان تحت تأثیر قرار دهد (فرجکا و وستف ۲۰۰۶: ۱۱) تحقیقاتی که به دنبال فهم تأثیرات مذهب بر باروری بوده اند نشان می دهند که سیستم های اجتماعی مذاهب نیز منبع اولیه ای از روابط اجتماعی غیر رسمی را ایجاد می کنند که اولویت های اندازه خانواده را تحت تأثیر قرار می دهد چنین روابطی بین باروری و نگرش به خانواده در نظریه ترجیح^۱ نیز بیان شده است براساس این نظریه زنان در گروه های انعطاف پذیر کار محور و خانواده محور و یا انطباقی بسته به اینکه کار خانوادگی بدون حقوق یا کار در مراکز عمومی با حقوق یا ترکیبی از این دو را ترجیح می دهند و بر روی آن تمرکز می کنند قرار می گیرند. یافته های حاصل از مطالعات در این زمینه نشان می دهد که زنان خانواده محور، باروری بالاتری نسبت به بقیه دارند (حکیم^۱، ۲۰۰۳: ۱) می توان استدلال کرد که مذهب به عنوان نیروی ضد پذیرش ارزش های ماتریالیستی و نیرویی که ممکن است زنان را برای ارجح دانستن مادری و فرزند آوری به جای یا در کنار تحصیلات و شغل تشویق کند عمل می کند. یک توجیه دیگر برای باروری پایین این است که باروری پایین



زمانی حاصل می شود که زنان الگوهای سنتی را با در پی گرفتن تحصیلات و یا کار در خارج از خانه نقص می کنند (نیومن^۱، ۲۰۰۶: ۴۳-۴۲).

تحقیقات دیگر نشان داده اند که سطوح بالاتر تعصب مذهبی در دوران کودکی با روابط جنسی کمتر قبل از ازدواج، ازدواج زودتر و داشتن عقاید منفی بیشتر درباره ی خانواده های غیرسنتی همراه است (اگبین^۱ و دیو، ۲۰۰۹):. نتایج تحقیق وایلدمن و پرشسکی نشان می دهد که زنانی که در عبادات مذهبی هفتگی حضور یافته اند، ۴۱ درصد شانس کمتری برای فرزند اول خارج از زناشویی داشتند (وایلدمن و پرشسکی، ۲۰۰۹: ۲۰۲). دیگران نشان داده اند که دینداری در دوران کودکی با شانس بیشتر ازدواج و عدم باروری خارج از ازدواج همراه است (پارنل^۱، اسویگود^۱ و استیونز^۱، ۱۹۹۴). تحقیقات قبلی نیز نشان می دهند که تجربه ی دوران کودکی و درگیری مذهبی با تشکیل خانواده مرتبط است (اگبین و دیو، ۲۰۰۹) و گروه هایی که افزایش زیادی در تولدهای خارج از زناشویی داشته اند، کاهش بزرگی را نیز در افرادی که در خانواده های دو-والدینی و دارای عبادات هفتگی مذهبی رشد می کنند، تجربه کرده اند (وایلدمن و پرشسکی، ۲۰۰۹: ۲۰۹). نظریه ی کلاسیک انتقال جمعیتی استدلال می کند که کاهش در میزان دینداری (سکولاریزاسیون) با کاهش در اندازه ی خانواده همراه است (گلدشایدر، ۲۰۰۶: ۴۲):. براساس نتایج PPAS در ۲۰۰۳، گروه های بی فرزند در آلمان شامل "غیرفعالان در مذهب"، "زندگی در شهرهای بزرگ" و "گروه های کار" بوده است (دوربیتز، ۲۰۰۵: ۳۸۸). شواهدی از ایالات متحده ی امریکا و اروپا نشان می دهند که جوانان، غیرمذهبیون، افراد کمتر سنتی، و افرادی که اخلاق مدنی و جنسی سستی ضعیف تری دارند، احتمال بیشتری می رود که با جنس مخالف خود همخوابگی داشته باشند (مکری^۱، ۱۹۹۷). این افراد هم چنین احتمال بیشتری می رود که پیوندهای ضعیف تری با والدین شان داشته باشند (نوک^۱، ۱۹۹۵). وستون^۱ و پارکر^۱ (۲۰۰۲) معتقدند که افراد جوان درباره ی دستیابی به رهایی از نیروهای سنتی، از جمله مذهب، و این که این ارزش ها با والدین بودن، ناسازگارند، نگران اند (میشل^۱ و گری^۱، ۲۰۰۴: ۷).

ابتنای بر فردگرایی

ظهور فردگرایی را می توان به عنوان یکی از مهم ترین خصایص جامعه ی مدرن به شمار آورد (الیک^۱ و ریلو^۱، ۲۰۰۴). هارا نیز مهم ترین ارزش تغییر یافته در دوران مدرن را گسترش آزادی فردی و نیل به استعداد های فردی می داند (هارا، ۲۰۰۸: ۵۶). به اعتقاد تریان دیس فردگرایی بر استقلال فردی، خودشکوفایی و احترام به حریم خصوصی ارجح می نهد (تریان دیس و همکاران، ۱۹۸۸). خودشکوفایی^۱ می خواهد که هر فرد خود، ارزش های خودش را تنظیم کند (هارا، ۲۰۰۸: ۵۸). یکی از محورهای اصلی نظرات گیبینز و بوریرم بحث از روشهای بیانگر باور در مورد بیان خود و همچنین در مورد سبک های زندگی در زمان حاضراست. گیبینز و بوریرم بیان می کنند که منظور آنها از بیانگر باوری میل و ظرفیت برای به فعلیت رساندن هویت های شخصی است (گیبینز و بوریرم، ۱۳۸۱: ۸۴-۸۳).. از نظر آنها ارزش ها به ندرت در انزوا شکل می گیرند. آنها بیان می کنند که جهت گیری های ارزشی پست مدرن ترجیحات ارزشی خاصی ندارند. در واقع پست مدرنیسم کمتر جهت گیری است و بیشتر نظام الگو گذاری^۱ یا سامان بخش نامنسجمی^۱ است که تنها قواعد اساسی و عمده اش اینها هستند که هر کسی باید "خود" به ارزشها، ترجیحات ارزشی و رویکردهایش نظم دهد (همان، ۱۳۱). در پست مدرن شما می توانید ان ارزشهایی را بپذیرید که احساس می کنید "خود" و گروه شما را بهتر منعکس و بیان می کند. پس جهت گیری ارزشی پست مدرن با هدف انعکاس مفهوم خود به وجود آمد. این ارزش ها برای به وجود آوردن سبک زندگی با ترجیحات و رویکردهای دیگر پیوند می خورند (همان، ۱۳۵). "خودهای" پست مدرن ارزشهایی را می پذیرند که با این فرآیند فردی و شخصی شدن^۱ است (همان، ۱۳۷) استدلال می شود که رفتارهای جدید ناشی از تغییر نهاد خانواده، نتیجه ی نظام های ارزشی جدید ظاهر شده در میان جوانان از جمله فردیت و تمایل به خودشکوفایی است (اتوه، ۲۰۰۸: ۱۸). نظریه ها فرایند فردگرایی را به عنوان بانفوذترین نیرو در تغییر نگرش های مربوط به زناشویی و دیگر پیوندهای جنسی شناسایی می کنند (رینولد و مانسفلد، ۱۹۹۹: ۷). رشد فردگرایی یکی از تحولات در حوزه ی خانواده، است که ساختار خانواده را در جوامع جدید شدیداً تحت تاثیر قرار داده است (معیدفر و خسروشاهی، ۱۳۸۹: ۹۴). فردگرایی، تغییراتی نیز در طبیعت ازدواج به ارمان آورده است. این موضوع به عقایدی برای تنها زیستن، هم خوابگی، طلاق، ازدواج مجدد و کاهش تاثیر هنجارهای اجتماعی بر رفتار باروری منجر شده است (رینولد و مانسفلد، ۱۹۹۹: ۴۴). توماس و زنانیکی نیز با مطالعه ی بی سازمانی خانوادگی، نگرش های فردگرایانه را علت این بی سازمانی معرفی کرده اند (کوزر و روزنبرگ، ۱۳۷۸: ۴۸۳).



براساس نظر تورنتون ۱ (۱۹۹۸) تأکید روی فردگرایی، آزادی، استقلال و پیگیری شادی شخصی منجر به افزایش طلاق شده است (ممانی ۱ و ماتینی ۱، ۲۰۰۳: ۲).

در تبیین های ایده ای و نگرشی، عمدتاً بر نقش تغییرات فرهنگی و ارزشی جوامع، در تغییر رفتارها و ایده آل های مرتبط با خانواده تأکید می شود. تئوری های فرهنگی که تأثیر دگرگونی های ارزشی را بر باروری مطالعه می کنند، در اواخر قرن بیستم و پس از روشن شدن ناکارآمد بودن سایر نظریات ارائه شده در این زمینه مطرح شدند. نسخه جدیدی از تبیین های ایده ای و ارزش خانواده، اخیراً تحت عنوان تئوری ایده آلیسم توسعه^۱ مطرح شده است. در این تئوری بر اشاعه و گسترش، ایده های مرتبط با توسعه، پیشرفت و مدرنیته در سطح جهان، به عنوان نیروی مهم و تأثیر گذار در تغییرات ارزشی و رفتاری خانواده تأکید شده است. بر طبق این تئوری هرکجا که عناصری از ایده آل های اساساً غربی توسعه و اشکال خانواده مرتبط با آن، گسترش و مقبولیت یافته اند، به تسریع تغییر در بسیاری از رفتارهای جمعیتی و خانوادگی، نظیر افزایش استفاده از روش های پیشگیری از باروری و گسترش خانواده های کوچکتر، افزایش سن ازدواج، برابری جنسیتی و فرزند آوری خارج از محدوده خانواده و ... کمک کرده اند یا اینهمه یکی از مهمترین نظریات فرهنگی در این زمینه. تئوری گذار دوم جمعیتی^۱، است که عمدتاً بر تبیین روند تحولات خانواده، در کشورهای پیشرفته صنعتی، پس از جنگ جهانی دوم (نظیر، افزایش طلاق، افزایش سن ازدواج، کاهش باروری و ... (مطرح گردید، نظریه گذار دوم جمعیتی، تغییرات بنیادین ارزشی و گسترش ایده های پست ماتریالیستی، یعنی تأکید بر استقلال فردی و خود تحقق بخشی را عامل تغییرات نوین خانواده، تلقی می کند.

پرداختن به عوامل ارزشی و به ویژه نقش فردگرایی - جمع گرایی در تبیین نرخ باروری، بیشتر با کار وندکا و لستق^۱ تحت "نظریه ای گذار دوم جمعیتی" آغاز گردید. انتقال دوم جمعیتی، قضیه اصلی تغییرات فرهنگی و ارزشی است. در این رویکرد اهمیت دیدگاه های مردم درباره زندگی، فلسفه اجتماعی شان و جهت گیری ایدئولوژیکی شان درباره فعالیت هایی که انجام می دهند، برجسته می شود (لستق و وندکا، ۱۹۸۳: ۴۱۹). برپایه نظریه لستاق و وندکا می توان گفت دلایل تغییر در شاخص های جمعیتی نتیجه ی تغییر ارزشها است. تغییرات ارزشی و نگرشی عوامل مهم تغییر در نگرش به فرزندآوری هستند و در جوامع جدید نیرو های موثر در کاهش باروری، تغییر جهت اساسی به سمت فرد گرایی، سکولاریسم، پست ماتریالیسم داشته اند. (وندکا، ۱۹۹۸: ۲-۴). از دیدگاه لستق و وندکا از حدود نیمه ی دهه ی ۱۹۶۰ به بعد تغییراتی در روابط جنسی، ازدواج و خانواده در این کشورها رخ نمود. کاهش میزان ازدواج، افزایش میزان طلاق، افزایش میانگین سن در اولین ازدواج، رواج هم خوابگی و افزایش موالید نامشروع از نشانه های تغییر در الگوهای باروری است. لستق و وندکا این تغییرات را به تغییرات ارزشی نسبت می دهند (هارا، ۲۰۰۸: ۵۶)؛ یعنی تغییر از ارزش های جامعه محور - ارزش های مادّی - به ارزش های فرد محور - پسمادّی - (سرایی ۱۳۸۷: ۱۲۰)، که باعث تغییر در میزان ارزش فرزند نزد انسان ها شده است. وندکا (۱۹۹۸) در مطالعه ای پیرامون ارجحیت های باروری پست مدرن، به بررسی تغییرات ارزشی و ظهور رفتارهای جدید مرتبط با آن می پردازد.

پست مدرنیسم یکی از مفاهیم و دیدگاه های عمده و تأثیر گذار قرن بیستم است که با رویکردی متفاوت از دیدگاه های مدرن، به پدیده های زندگی اجتماعی انسان ها می پردازد. وندکا در مطالعات خود در صدد بود که ارتباط این دیدگاه را با پدیده های جمعیت شناختی امروزی بررسی کند تا شاید بتواند پدیده های جمعیت شناختی و از جمله دیدگاه انتقال دوم را مورد کنکاش قرار دهد. وی بیش از آن که پست مدرنیته را به عنوان یک دوره زمانی در نظر بگیرد سعی دارد از آن به عنوان نوعی رویکرد و جهت گیری ارزشی نام ببرد و به همین دلیل بر اساس داده های بین المللی به ویژه پیمایش ارزش های جهانی اینگلهارت^۱ دیدگاه های مدرن، ماتریالیستی و پست ماتریالیستی و پست مدرن را از هم تفکیک می کند و جایگاه هر یک از این جهت گیری های ارزشی را در ارتباط با پدیده فرزندآوری در کشورهای مختلف مورد بررسی قرار می دهد. از نظر وی انتقال از جهت گیری ماتریالیستی به پست ماتریالیستی یکی از عناصر اصلی اساسی پست مدرن بودن است. وندکا معتقد است که بین تغییر در جهت گیری ارزشی و تغییر در روندهای دموگرافیک ارتباط قوی وجود دارد. برای نمونه او نشان داده است که هرچه نمره ارزش های پست ماتریالیستی بیشتر باشد به همان اندازه سهم بیشتری از باروری در سنین بالای ۳۰ سال خواهد بود.



از نظر وندکا ظهور ارزش‌های پست‌مدرنیستی می‌تواند با بروز رفتارهای منطبق با آنچه انتقال دوم جمعیت‌شناختی (از جمله باروری پائین و یا به تاخیر اندازی فرزند آوری و...) نامیده شده‌اند، همراه باشد بر پایه این رویکرد فرض بر این است که رشد فردگرایی و میل به خود شکوفایی، به عنوان ویژگی گذار دوم، معمولاً رابطه نسبتاً مستقیمی بر اهداف باروری مردم و میانگین اندازه خانواده داشته است (وندکا، ۱۹۹۸: ۲-۴).

میشل و گری (۲۰۰۷) کاهش باروری: مقاصد، گرایش‌ها و نگرش‌ها و آمال را در مقاله خود مورد مطالعه قرار می‌دهند و تصریح می‌کنند که در ابتدا علت این کاهش را با علل ساختاری مثل اصلاح کنترل باروری، جهانی شدن اقتصادی، تغییرات در بازار کار، تغییر نقش مرد و زن و کاهش حمایت دولت از خانواده‌ها و فرزندان توضیح می‌دادند. اما اخیراً، محققان و تحلیل‌گران اجتماعی، اظهار داشتند که اولویت‌های فردی می‌تواند با گروه‌های سنی جوان‌تر تغییر کند که این امر، پیشرفت شغلی و استاندارد‌های بالاتری را پیش روی تشکیل خانواده می‌گذراند. این دو محقق، با استفاده‌های از داده‌های طرح تبادل نظر دوره‌های زندگی (NLC) ۱ نشان می‌دهند که استدلال‌های گسترش یافته درباره نسل‌های جوان‌تر با این مضمون که جوانان دائماً خودخواه‌تر می‌شوند و اولویت‌های بالاتر را در پیشرفت شخصی و مادی نسبت به سرمایه‌گذاری کردن در یک خانواده قرار می‌دهند، در اکثر کسانی که می‌گویند فرزند نمی‌خواهیم، معمول نیست. تجزیه تحلیل این دو هم‌چنین، اشاره دارد بر این که شکاف معنی‌داری بین مقاصد باروری مشاهده شده در سطح مقطعی و پیامد‌های واقعی مشاهده شده به صورت طولی وجود دارد. (میشل و گری، ۲۰۰۷، ۱) نتایج گزارش شده از این مطالعه نشان می‌دهد کسانی که فرزند نمی‌خواهند کمتر به این دید مادر بودن مهم‌تر از زن بودن است و فرزندان عنصر ضروری پر کردن زندگی هستند، تمایل دارند. آن‌هایی که می‌خواهند فرزند داشته باشند، تاکید بیش‌تری بر پیشرفت شغلی و امنیت شغلی و داشتن خانه دارند. (میشل و گری، ۲۰۰۷، ۱۰)

با این وجود، تغییرات گسترده ارزش‌های خانوادگی خانواده‌ها، در حال دگرگونی اند لذا تغییرات خانوادگی یکی از علت‌های مستقیم کاهش باروری هستند به اعتقاد اتوه، تغییری مهم در خانواده، یعنی افزایش ازدواج‌های مبتنی بر عشق در سال‌های پس از جنگ جهانی دوم، تغییراتی را در میزان باروری به وجود آورد: به گونه‌ای که می‌توان گفت امروزه هدف و طبیعت ازدواج تغییر کرده است (اتوه، ۲۰۰۸: ۲۳): به عنوان نمونه در ۱۹۹۵، زوج‌های بریتانیایی، تحقق کارآمد نقش‌های نان‌آور و خانه‌دار را به عنوان مهم‌ترین نیاز ازدواج موفق تأیید می‌کردند. اما تا ۱۹۷۰، این تمرکز تغییر یافت. در ۱۹۷۰، در پاسخ به همین سوال در نظرسنجی یک مجله، مردان و زنان احساس می‌کردند که مهم‌ترین نیاز، عشق ورزیدن شوهران و همسران نسبت به هم‌دیگر است (گورر، ۱۹۷۱). اکثر مطالعات اخیر نیز این تغییر را تأیید می‌کنند (رینولد و مانسفلد، ۱۹۹۹: ۲۹). مطالعه در ۳۴ کشور در سراسر جهان نشان داد که جذبه‌ی دوطرفه و عشق، در ۳۴ فرهنگ از ۳۷ فرهنگ مطالعه شده، در میان سه عامل اول انتخاب همسر قرار دارد (بوس و دیگران، ۱۹۹۹). این ساختارها و تغییرات فرهنگی ایجاد شده، با کاهش میزان ازدواج، کاهش باروری را در پی دارند؛ به عبارت دیگر، چنین تغییراتی، با پدیده‌ی باروری در تضاد است.

الریش بک (۱۹۸۶) به این واقعیت اشاره می‌کند که نهادهای مدرن در حال جهانی شدن هستند، در حالی که زندگی هرروزه‌ی ما از بند رسم و سنت آزاد می‌شود. جامعه‌ی صنعتی قدیمی در حال ناپدید شدن است و جای خود را به "جامعه‌ی مخاطره آمیز" می‌دهد. چیزی که به دیده‌ی پست‌مدرنیست‌ها آشوب یا فقدان الگو است، از نظر بک مخاطره یا عدم قطعیت است. مدیریت مخاطره خصوصیت اساسی نظم جهانی است (گیدنز، ۱۳۸۶: ۹۷۸).

بسیاری از تصمیم‌گیری‌های زندگی روزمره نیز لبریز از مخاطره است. مخاطره و مناسبات جنسیتی، رابطه‌ی واقعا نزدیکی با یکدیگر دارند. عدم قطعیت‌های نوین پرشماری وارد روابط میان دو جنس شده‌اند. بر طبق این نظریه می‌توان گفت که امروزه زنان و دختران نیز درصدد این هستند که خود را از قید سنت و آداب و رسوم، رها سازند و بسیاری از تصمیمات زندگی خود را با توجه با نظرات خود، انجام دهند نه براساس آداب و رسوم و سنت‌های باقی مانده از گذشته که از طریق مادران آنها منتقل می‌شود

از نظر گیدنز: در جوامعی که به رسم و سنت بستگی بیشتری داشتند، مردم می‌توانستند از روش‌های مرسوم و ثابتی پیروی کنند و کارها را به شیوه‌ی غیر تأملی به انجام می‌رساندند. بسیاری از جنبه‌های زندگی که برای نسل‌های پیش به سادگی جزء بدیهیات به شمار می‌رفتند. برای ما موضوعاتی برای تصمیم‌گیری‌های آزادانه شده‌اند. برای مثال، به مدت چندین قرن مردم هیچ راه مؤثری برای محدود ساختن ابعاد خانواده



شان نداشتند. با روش‌های مدرن پیشگیری از بارداری و سایر فن‌آوری‌های مربوط به تولید مثل والدین نه تنها می‌توانند به دلخواه تعیین کنند که چند فرزند می‌خواهند داشته باشند، بلکه می‌توانند جنس فرزندشان را نیز انتخاب کنند. مسلماً این امکانات جدید آکنده از از بارداری و سایر فن‌آوری‌های مربوط به تولید مثل والدین نه تنها می‌توانند به دلخواه تعیین کنند که چند فرزند می‌خواهند داشته باشند، بلکه می‌توانند جنس فرزندشان را نیز انتخاب کنند. مسلماً این امکانات جدید آکنده از مسائل اخلاقی تازه‌ای هم هستند (گیدنز، ۱۳۸۶: ۹۸۲).

اینگلهارت مطرح می‌کند همزمان با افزایش گرایش زنان به ارزش‌های فرامادی و ابراز وجود و تاکید بیشتر آنها برای تحقق خود از طریق کار تا از طریق مراقبت از بقای هم‌نوع و اهمیت دادن به زندگی شخصی، زنان به داشتن بچه، کمتر بمنزله یک منبع ارضا کننده نگاه کرده و داشتن بچه را به تعویق انداخته و یا از بچه دار شدن بمنظور اختصاص وقت خود به کارهای خارج از خانه صرف‌نظر می‌کنند (اینگلهارت ۱۳۷۳: ۲۴۰-۲۲۴). در این جاست که می‌توان همانند اینگلهارت از دو طیف ارزش‌های سنتی و ارزش‌های سکولار/عقلایی نام برد. ارزش‌های سنتی. جوامع سنتی بر اهمیت روابط اولیا- فرزند و ارزش‌های خانوادگی تاکید می‌ورزند؛ آن‌ها به شدت طلاق، سقط جنین و روسپی‌گری و هم‌جنس‌خواهی را رد می‌کنند. جوامعی که ارزش‌های سکولار- عقلانی دارند خواسته‌هایشان در همه موضوعات مغایر خواسته‌های جوامع سنتی است.

ارزش‌های سنتی تا حد زیادی معطوف به حفظ خانواده، تشویق تولید مثل با ازدواج و طرد هر نوع رفتار جنسی دیگر است. حرکت از ارزش‌های سنتی به ارزش‌های سکولار- عقلانی، به تحول فرهنگی از تاکید بر نقش زنان به منزله‌ی کسانی که زندگی‌شان تا حد زیادی محدود به زایش و پرورش کودکان هر چه بیشتر است، به جهانی است که در آن زنان به طیف گسترده‌ی فزاینده‌ای از گزینه‌های زندگی دسترسی دارند و اکثریت آن‌ها شاغل هستند و سرگرمی‌های خارج از خانه دارند. این تحولات با افت چشمگیر نرخ‌های باروری همراه است. بنابراین شاخص چند مقوله‌ای ارزش‌های سنتی/ سکولار- عقلانی به خوبی نرخ‌های باروری را پیش‌بینی می‌کند. (اینگلهارت، ۱۳۸۷: ۳۳۷-۳۴۱).

نتیجه‌گیری

با استناد به مبانی نظری و تجربی پیش‌گفته برحسب هریک از چهار بعد اصلی مادری به تفکیک دوسنخ اصلی مادری سنتی و جدید مولفه‌ها، مصادیق و گزاره‌هایی برای سنجش تجربی آن پیشنهاد می‌شود:

مولفه‌های نگرش سنتی به مادری (مادری سنتی) و نگرش مدرن به مادری (مادری مدرن)

بعد زیستی

بعد اصلی مادری	ابعاد فرعی مادری	مصادیق نگرش سنتی	مصادیق نگرش مدرن	گزاره‌ها
بعد زیستی	بارداری	تعداد فرزندان زیاد. نفی استفاده از تکنولوژی جدید برای جلوگیری از بارداری (مصباح: ۱۳۸۰).	تعداد فرزندان کم، لزوم استفاده از تکنولوژی‌های جدید برای جلوگیری از بارداری. (هام: ۱۳۸۲)	سنتی- داشتن فرزند زیاد باعث می‌شود که زن‌ها موقعیت مستحکم‌تری در خانواده داشته باشند زیادگی و کمی بچه دست‌خداست و ما نباید دخالت کنیم
		تغذیه و مراقبت	زنان مسئول اصلی پرورش و مراقبت از فرزندان (آبوت و والاس: ۱۳۸۳)	مدرن- باردار شدن یعنی از دست دادن فرصت‌ها، تحصیلات و شغل. تکنولوژی‌های جدید که فشار تولید مثل روی زنان را کاهش می‌دهند کلید آزادی زنان است
	جامعه‌پذیری	مهمترین وظیفه مادر اجتماعی کردن فرزندان (رابرتسون: ۱۳۷۲)	مشارکت مردان در رسیدگی به فرزندان و همکاری با مادران در این امر (آبوت و والاس: ۱۳۸۳).	سنتی- در صورت شاغل بودن پدر و مادر اگر بچه‌ها بیمار شوند این وظیفه مادر است که از آنها مراقبت کند مدرن- مراقبت از فرزندان باید توسط مادر و پدر و باهم انجام شود
			واگذاری مسئولیت اجتماعی شدن به سایر نهادها (گیدنز: ۱۳۸۶)	سنتی- مسئولیت اصلی تربیت فرزندان بر عهده‌ی مادر است مدرن- زنان باید خود را از قید تربیت فرزند برهانند و آن را به نهادهای دیگر بسپارند



	سنتی-مردان نباید در کارهای خانه شرکت کنند چون کار خانه فقط برعهدهی زنان است - مدرن-خانه داری کاری کم بها و قدرشناخته. رایگان است	عدم ارزشمندی کار خانگی(محقق ساخته).	مادر مسئول کارهای ضروری خانه و فرزندان(آبوت ۱۳۸۳)	کارخانگی	

بعد شخصیتمادری

گزاره ها	مصادیق نگرش مدرن	مصادیق نگرش سنتی	ابعاد فرعی مادری	بعد اصلی مادری
سنتی-مهارت در انجام نقش مادری از اهمیت بالایی برخوردار است.دختران بهتر است از تجربه مادران خود در دوره بارداری استفاده کنند تا اینکه به متخصص مراجعه کنند مدرن- برای دختران جوان بهتر است که فرصت و وقت خود را صرف امور مهمتری از مادری کنند.	کاهش اهمیت مهارت در ایفای نقش مادری.کسب مهارت در نقش مادری با استناد به معیارها وا ستاندارهایی ارائه شده از سوی متخصصان (بستان:۱۳۸۴)	اهمیت مهارت در انجام مادری.کسب این مهارت از تجربه مادران دیگر دراقوام (بستان:۱۳۸۴)	مهارت	بعدشخصیتی
سنتی-وجود فرزند باعث می شود وابستگی بین زن و شوهر بیشتر شود مدرن-انگیزه دختران برای مادر شدن تنها باید عشق و علاقه به بچه باشد نه اجبار	مادرشدن به اختیار و به دلیل عشق و علاقه و ارزشمندی فرزند(گیدنز:۱۳۸۶)	مادر شدن سبب تحکیم موقعیت در خانواده (هرسی:۱۳۶۹)	انگیزه	
سنتی-مادر واقعی کسی است که به خاطر فرزندش از همه چیز خود بگذرد. مدرن- مسئولیت مادری نه تنها لذت بخش نیست بلکه بر دوش زنان سنگینی می کند	انجام مسئولیت مادری در کنار کارهای دیگر نه دراولویت کارهای مادر(نافلر:۱۳۷۴)	احساس مسئولیت مادر سنگ بنای شخصیت اخلاقی مادر(آبوت و والاس:۱۳۸۵).	احساس مسئولیت	
سنتی-هویت زنان تنها زمانی کامل و واقعی است که مادر شوند مدرن-اگرچه نقش مادری در ساختن هویت زنان مهم است اما تحصیل و اشتغال هم اهمیت دارد	تجلی هویت زنان در تحصیل،اشتغال و سایر نقش های اجتماعی(گیدنز:۱۳۷۸).	تجلی هویت زنان تنها در نقش مادری(آبوت و والاس:۱۳۸۵).	هویت	

بعداجتماعی مادری

گزاره ها	مصادیق نگرش مدرن	مصادیق نگرش سنتی	ابعاد فرعی مادری	بعد اصلی مادری
سنتی- مادری کردن نیازی به استفاده از امکانات و تسهیلات خاصی ندارد. مدرن- وقتی از زنان انتظار می رود که مادر شوند باید تمام تسهیلات چه در خانه و چه در جامعه فراهم شود.	لزوم به کارگیری تسهیلات و امکانات موجود در رابطه با ایفای نقش مادری (گیدنز:۱۳۷۸).	عدم نیاز به امکانات و تسهیلات در رابطه با ایفای نقش مادری و تکیه بر توانایی خود مادر (شیخی:۱۳۸۰)	شرایط	بعد اجتماعی
سنتی--نقش مادری منزلت اجتماعی بالایی به زنان می بخشد. مدرن-قانون باید حمایت گسترده تری از مادران در جامعه داشته باشد	لزوم حمایت قانون و جامعه از مادران(معین الاسلام: ۸۲)	مادرشدن یعنی بهرمندی از منزلت اجتماعی.عدم نیاز به حمایت قانون و جامعه از مادران(معین الاسلام: ۸۲)	ضمانت اجرایی	
سنتی-مادری نه فقط از روی وظیفه بلکه باید از روی احساس و عاطفه و تعهد انجام شود.	عدم اهمیت تعهد در نقش مادری(محقق ساخته)	تعهد قوی مادران به نقش مادری(اعزازی:۱۳۷۶)	تعهد	



مدرن- تعهد در کار و تحصیل برای زنان مهمتر از تعهد در نقش مادری است				
سنتی- مادری نوعی تکلیف اجتماعی است که زنان در هر صورت باید آن را برعهده بگیرند حتی اگر به آن علاقه‌ای نداشته باشند	رفتار مادران براساس هنجارهای مدرن و براساس سبک و انتخاب شخصی (مشیرزاده: ۱۳۸۵).	رفتار مادران براساس هنجارهای سنتی (مشیرزاده: ۱۳۸۵).	هنجار	
مدرن- زن مجبور نیست که همواره در کنار همسر و فرزندان باشد مگر زمانی که احساس نیاز داشته باشد				

بعد فرهنگی مادری

گزاره ها	مصادیق نگرش مدرن	مصادیق نگرش سنتی	ابعاد فرعی مادری	بعد اصلی مادری
سنتی- ارزشمندترین کار و فعالیت برای زنان مادری کردن است.	فعالیت مادری در کنار فعالیتهای دیگر نه در صدر	ارزشمندی و فضیلت فعالیتهای مادری (قائمی: ۱۳۶۱).	فعالیت	بعد فرهنگی
مدرن- فعالیت اجتماعی زنان به اندازه‌ی رسالت مادری مهم است	فعالیت‌های زنان (هام: ۱۳۸۲)			
سنتی- مادران باید حداکثر توان خود را اول به فرزندان خود اختصاص دهند	اولویت تخصیص انرژی به رشد استعدادها (مشیرزاده: ۱۳۸۵).	تخصیص تمام انرژی مادران در امر مادری (برناردز: ۱۳۸۴)	تخصیص	
مدرن- زنان باید انرژی خود را ابتدا صرف رشد استعدادهای خود کنند و در نهایت به مادری کردن بپردازند.				
سنتی- تجربه ی مادری تجربه ای خوشایند برای زنان محسوب می شود.	مادر شدن یعنی فرودستی و اسارت زنان (فریدمن: ۱۳۸۳).	مادر شدن یعنی اثبات قدرت، توانایی و برتری زنان (هام: ۱۳۸۲).	ادعا	
مدرن- عاقبت مادری یعنی پیری و از کار افتادگی بدون امنیت مالی				
سنتی- مهمترین هدف ازدواج باروری و تولد فرزند است	مادر شدن در کنار اهداف دیگر زندگی زنان، نه هدف	تولید مثل و پرورش فرزند هدف غایی زندگی زنان (میرزائزاد: ۱۳۸۸).	هدف غایی	
مدرن- حتی اگر زن نازا باشد مرد حق ندارد زن دوم بگیرد	غایی زندگی (میرزائزاد: ۱۳۸۸)			



منابع

- روشه، گی، (۱۳۷۶)، جامعه‌شناسی تالکوت پارسونز، ترجمه‌ی عبدالحسین نیک‌گهر، انتشارات تبیان، تهران.
- برناردز، جان (۱۳۸۴) درآمدی بر مطالعات خانواده، ترجمه حسین قاضیان تهران، نشر نی.
- هام، مگی (۱۳۸۲)، فرهنگ نظریه‌های فمینیستی ترجمه فیروزه مهاجر، تهران نشر توسعه
- فریدمن، جین (۱۳۸۱) فمینیسم، ترجمه فیروزه مهاجر، تهران، آشیان
- ریترز، جورج (۱۳۷۴) نظریه جامعه‌شناسی در دوران معاصر ترجمه محسن ثلاثی تهران انتشارات علمی.
- اعزاز، شهلا (۱۳۷۶)، جامعه‌شناسی خانواده، تهران، انتشارات روشنگران
- رابرتسون، یان (۱۳۷۲) درآمدی بر جامعه حسین بهروان. تهران: آستان قدس. چاپ اول.
- روزن بارم، هایدی (۱۳۶۳)، خانواده، به منزله ساختاری در مقابل جامعه ترجمه محمد صادق مهدوی، تهران، مرکز نشر دانشگاهی.
- لوپز، خوزه. اسکات، جان (۱۳۸۵). ساخت اجتماعی. ترجمه حسین قاضیان. تهران: نشر نی.
- میرزا نژاد، مریم (۱۳۸۸)، بررسی تجربه مادری در میان زنان جوان، پایان نامه کارشناسی ارشد مطالعات زنان، دانشگاه علامه طباطبایی.
- گل محمدی، احمد (۱۳۸۱)، جهانی شدن، فرهنگ و هویت، تهران، نشر نی
- هاید، ژانت (۱۳۸۴)، روانشناسی زنان ترجمه اکرم خمسه تهران
- دادفر، محبوبه (۱۳۸۰)، ابعاد روانشناختی نا باروری، مجموعه مقالات ششمین سمپوزیوم تخصصی باروری و ناباروری: ۳۵-۱۵.
- موریش، ایور (۱۳۷۳) درآمدی به جامعه‌شناسی تعلیم و تربیت، ترجمه: غلامعلی سرمد تهران، مرکز نشر دانشگاهی.
- گیدنز، آنتونی (۱۳۸۶) جامعه‌شناسی، ترجمه حسن چاوشیان، تهران، نشر نی.
- زاگرن، فیل (۱۳۸۴)، درآمدی بر جامعه‌شناسی دین، ترجمه خشایار دیهیمی، تهران، نشر لوح.
- حسینی، حاتم (۱۳۸۳) درآمدی بر جمعیت‌شناسی اقتصادی و تنظیم خانواده، همدان، انتشارات دانشگاه بوعلی سینا.
- آیت‌اللهی، زهرا (۱۳۸۱) زن و خانواده، تهران، روابط عمومی شورای فرهنگی اجتماعی زنان
- مصباح، علی (۱۳۸۰) روانشناسی رشد با نگرش به منابع اسلامی، تهران، انتشارات سمت.
- مطهری، مرتضی (۱۳۸۲) یادداشت‌های استاد، تهران، صدرا.
- اینگلهارت، رونالد و پیپانوریس (۱۳۸۷) مقدس و عرفی، دین و سیاست در جهان ترجمه مریم وتر، تهران نشر کویر
- رابوتام، شیللا (۱۳۷۳) کار زن تمامی ندارد در جامعه‌شناسی مدرن، ورسلی پیتر ترجمه حسن پویان، تهران چاپخش.
- ابوت، پاملا، والاس کلر (۱۳۸۵) جامعه‌شناسی زنان، ترجمه منیژه نجم عراقی، تهران، نشر نی
- گرت، استفانی (۱۳۸۲) جامعه‌شناسی جنسیت، ترجمه کتابیون بقا، تهران، دیگر
- اینگلهارت، رونالد (۱۳۷۳) تحول فرهنگی در جوامع پیشرفته صنعتی ترجمه مریم وتر تهران، انتشارات کویر.
- معیدفر، سعید و صبوری خسروشاهی، حبیب، ۱۳۸۹، بررسی میزان فردگرایی فرزندان در خانواده، پژوهش‌نامه‌ی علوم اجتماعی، سال چهارم، شماره‌ی چهارم.
- سرای، حسن (۱۳۸۷). تداوم و تغییر خانواده در جریان گذار جمعیتی ایران. علوم اجتماعی، نامه انجمن جمعیت‌شناسی ایران، شماره ۲، ص ۳۷-۶۰.
- ساروخانی، باقر، (۱۳۷۰)، مقدمه‌ای بر جامعه‌شناسی خانواده، تهران، سروش
- میشل، آندره، جامعه‌شناسی خانواده و ازدواج، ۱۳۵۴، ترجمه‌ی جمشید بهنام، تهران، دانشکده‌ی علوم اجتماعی و تعاون.
- باتومور، تی بی (۱۳۷۰)، جامعه‌شناسی ترجمه سید حسن منصور و سید حسن حسینی، تهران: امیرکبیر



Barry, D. Beitel, M. (۲۰۰۶) gender –role orientations in older child – free and expectant couples. Sex Roles ۱۴,۵۰۱-۵۱۲.

Cowdery, R. S. & C.K. Martin (۲۰۰۵) The Construction of Motherhood: Tasks , relational Connection and Gender equality: family relations. ۵۴:۳۳۵-۳۴۵.

Thurer. (۱۹۹۳) changing conceptions of the good mother in psychoanalysis . Psychoanalytic Review. ۸۰: ۵۱۹.

Ruddick. S (۱۹۸۰) Maternal thinking: Feminist Studies. ۶: ۳۴۳-۳۶۷

Lim. S. S, soon.C. (۲۰۱۰) the influence of social and cultural factors on mothers domestication of household ICTs. Experiences of Chinese and Korean Woman: Tele matics and infermatics. ۲۷:۲۰۵-۲۱۶.

Pearce, L, D, Thornton, A. (۲۰۰۷), Religious Identity and Family Ideologies in the Transition to Adulthood. Journal of Marriage and Family ۶۹: ۱۲۲۷ – ۱۲۴۳.

Wilcox, B, W. (۲۰۰۲), The Religion, Convention and Paternal Involvement. Journal marriage and Family ۶۴: ۷۸۰ – ۷۹۲.

Sherkat .d.e.(۲۰۰۰)that they be keepers of the home :the effect of conservative religion on early and late transition into housewifery : review of religious research ۴۱ , ۳۴۴-۳۵۸.

Glass, Jenifer. , Glass, N. (۲۰۰۵) , Religious Conversation and woman’s market behavior following marriage and childbirth . : Journal of marriage and family, ۶۸,: ۶۱۱-۶۲۹

Gronin, C. (۲۰۰۳) first time mothers identifying their needs perceptions and experiences: Journal of clinical nursing vol۱۲,issu۲. ۲۰۰-۲۷۶.

Newman l.a.hugo.g.j.(۲۰۰۶)women's fertility ,religion and education in a low-fertility population: evidence from south Australia . journal of population research. Vol ۲۳,no ۱ ۴۴-۶۶.

Brooks .s. c.(۲۰۰۲) religious influence and the politics of family decline: trends , and u.s political behavior. America sociological review. ۶۷: ۱۹۱-۲۱۱.

Houseknecht, S. and Pankhurst, P. (۲۰۰۰). Introduction: the religion-family linkage and social change – a neglected area of study. In Houseknecht, S. and Pankhurst, P (Eds), Family, Religion and Social Change in Diverse Societies. Oxford: Oxford University Press, pp. ۱-۴۲.

Glen.E.N.(۱۹۹۴) social constructions of mothering :a thematic over view.in e.n.gelell.g.chang (eds) mothering ideology .experience and agency (۱-۲۹)newyork: routledge

Arendell, T (۲۰۰۰) Conceiving and investigating: the decades scholarship: Journal of marriage and family: ۶۲, ۴ : proquest religion :۱۱۹۲-۱۲۰۷.

Bacazinn, M. (۱۹۹۰) family, feminism, and race. Gender and society . ۴:۶۸-۸۲.

Garcia . T. M. (۲۰۱۰). The impact of occupational Sex. Composition on women fertility in Spain: European Societies, ۱۲ : ۱, ۱۱۳-۱۳۳.



Goldscheider, Calvin, (۲۰۰۶), religion, family, and fertility: what do we know historically and comparatively? Renzo Derosas and Frans van People (eds.), Religion and the Decline of Fertility in the Western World, ۴۱-۵۷. ۲۰۰۶.

Frejka.t. westoff.c.f.(۲۰۰۶). Religion, religiousness and fertility in the u.s.and in europe mpidr working paper wp ۲۰۰۶ ,max planck institute for demographic research.

Newman l.a.hugo.g.j.(۲۰۰۶)women's fertility ,religion and education in a low-fertility population: evidence from south Australia . journal of population research. Vol ۲۳,no ۱ ۴۴-۶۶.

Atoh, Makoto , (۲۰۰۸) family changes in the context of lowest – low fertility : the case of Japan , international : Journal of Japanese sociology No ۱۷ : ۱۷-۲۶ ۲۰۰۸

Reynolds, Jenny & Mansfield, Penny, THE EFFECT OF CHANGING ATTITUDES.

Hakim . C , (۲۰۰۳) A New approach to explaining fertility patterns: preference theory: population and development Review ۲۹ (۳): ۳۴۹-۳۷۴.

Lim. S. S, soon.C. (۲۰۱۰) the influence of social and cultural factors on mothers domestication of household ICTs. Experiences of Chinese and Korean Woman: Tele matics and infermatics. ۲۷:۲۰۵-۲۱۶.

Gorer, G. (۱۹۷۱). Sex and marriage in England today.London: Cox and Wyman Ltd.

Mitchell, Deborah & Gray, Gray, ۲۰۰۴, Declining Fertility: Intentions, Attitudes and Aspirations

HARA, TOSHIHIKO, Increasing Childlessness in Germany and Japan: Toward a Childless Society, International Journal of Japanese Sociology ۲۰۰۸, Number ۱۷.

Lesthaeghe, R & Meekers, D. (۱۹۸۶) Value changes and the dimensions of familism in the European Community, European Journal of Population, ۲, ۲۲۵-۲۶۸.

Lesthaeghe, Ron. ۱۹۸۳. A Century of Demographic and Cultural Change in Western Europe. Popu-lation and Development Review۹: ۴۱۱– ۴۳۶.

Memani, Patience& Mathiti, Vuyisile, ۲۰۰۳, a comparative study of the marital attitudes of students from divorced, intact and single-parent families

Nock, S. L. (۱۹۹۵) A Comparison of Marriages and Cohabiting Relationships, Journal of Family Issues, ۱۶, ۵۳-۷۶.

McRae, S. (۱۹۹۷) Cohabitation: A trial run for marriage? Sexual and Marital Therapy, ۱۲, (۳).

Allik Juri amd Anu Realo, ۲۰۰۴, Individualism-Collectivism and Social Capital Journal of Cross-Cultural Psychology, No ۳۵: ۲۹-۴۹.

EGGEBEEN, D., & DEW, J. (۲۰۰۹). The role of religion in adolescence for family formation in adulthood. Journal of Marriage and Family, ۷۱, ۱۰۸– ۱ Allik Juri amd Anu Realo, ۲۰۰۴, Individualism-Collectivism and Social Capital Journal of Cross-Cultural Psychology, No ۳۵: ۲۹-۴۹.

DORBRITZ, JURGEN. ۲۰۰۵. Kinderlosigkeit in Deutsch-land und Europa-Daten, Trends und Einstellun-gen. Zeitschrift für Bevölkerungswissenschaft. ۳۰: ۳۵۹ – ۴۰۸. (In German.)

Wildeman, Christopher & Percheski, Christine, Associations of Childhood Religious Attendance, Family Structure, and Nonmarital Fertility across Cohorts, Journal of Marriage and Family ۷۱, ۲۰۰۹.

PARNELL, A. M., SWICEGOOD, G., & STEVENS, G. (۱۹۹۴). Nonmarital pregnancies and marriage in the United States.Social Forces, ۷۳, ۲۶۳ – ۲۸۷.



Tavareles , L. P., (۲۰۱۰) , who delays childbearing: the relationships between fertility . Education and personality traits, www.iser.essex.ac.uk: ۱-۲۱

Van de ca (۱۹۹۸). Postmodern fertility preference: from changing value orientation to new behavior. Canberra. ۵۱p.

Cox, T.K. Pendell. G. , (۲۰۰۷). The gender gap in attitudes about childless in the united states: Journal of marriage , ۶۹: ۸۹۹-۹۱۵

Triandis, H. C. (۱۹۹۸). Individualism and collectivism (Theoretical and Methodological Approach), Sage publication.

Parsons, Talcott. ۱۹۶۶. Societies: Evolutionary and Comparative Perspectives. Englewood Cliffs: Prentice Hall.



تبیین نقش مادر در احساس امنیت و تعلق کودک با نگاه ویژه به دیدگاه آبراهام مزلو

سیده اسیه اسلامی؛ دانشجوی کارشناسی ارشد

eslami1983,62@gmail.com

افسانه مرزیه؛ استادیار دانشکده علوم تربیتی دانشگاه سیستان و بلوچستان

marziyeh@ped.usb.ac.ir

چکیده

در تحقیقات زیادی بر نقش مادر در شکل گیری شخصیت و هویت کودک اشاره شده است. قریب به اتفاق روانشناسان معتقدند که عدم توجه به نیازهای کودکی و عدم ارضای آن ها منشاء آسیب های روانی و اجتماعی در بزرگسالی است. یکی از روانشناسان که به اهمیت ارضای نیازهای اساسی در انسان اشاره دارد مزلو است، این مقاله بر مبنای دیدگاه مزلو دو بعد از نقش های مادر؛ احساس امنیت و احساس تعلق در کودک را در پارادایم مروری با رویکرد توصیفی مورد بررسی قرار داده است. یافته های این بررسی نشان می دهد نیاز های انسان در دو دسته مهم طبقه بندی می شوند؛ یکی نیازهای رده پایین یا کمبود و دیگری نیازهای رده بالا یا پیشرفت، نیازهای رده بالا بخصوص نیاز خود شکوفایی زمانی پدید می آیند که نیازهای رده پایین ارضا شده باشند. یکی از افراد مهم که در ارضای نیازهای به ویژه در کودکی نقش مهمی را ایفا می کند مادر است، وظیفه و کار مادر دست کم از نخستین لحظه بارداری، شروع و تا پایان دوره اساسی تربیت ادامه دارد، مادر در این مدت مسئول پرورش جسمی، عقلی، عاطفی و اخلاقی فرزند است، اوست که مسئولیت پرورشی ویژه ای به عهده دارد که دیگران از آن محرومند و هیچ کس نمی تواند جایگزین نقش او باشد.

کلید واژه

احساس امنیت، احساس تعلق، نیازهای رده پایین، نیازهای رده بالا، مادر

مقدمه

دوران کودکی یکی از مهم ترین ادوار زندگی هر فرد است، زیرا پایه بسیاری از عوامل پیشرفت و مسایل و مشکلات در آن طرح ریزی می شود. خانواده مهمترین پایگاه هر فرد است و مهمترین نقش در تربیت و نقش پذیری کودک در خانواده به عهده مادر می باشد؛ مثلاً امنیت روانی کودک مرهون پذیرندگی، پاسخگو بودن و در دسترس بودن مادر و ثبات در این رفتارهاست که جهان را برای او به محیط امن و با ثبات تبدیل می کند. کودک با اعتماد به به مادر یاد می گیرد به جهان اعتماد و نیازهایش را برآورده کند. کودک بیشترین زمان خود را از بدو تشکیل در رحم مادر و بدو تولد با مادر خویش سپری می کند درست است که نمی شود نقش بقیه افراد خانواده و دوستان و همسایگان و اجتماع را نادیده گرفت اما محقق در این تحقیق نقش مهمی را برای اثرگذاری مادر در زندگی کودک بخصوص در ارضای نیازهای اساسی او؛ سلامت روانی و احساس تعلق کودک در نظر گرفته است.

مزلو نیازهای افراد را به دو دسته مهم ۱۰ نیازهای کمبود ۲۰ نیازهای رشد تقسیم میکند. نیازهای رده بالا هنگامی پدید می آیند که نیازهای رده پایین ارضا شده باشند، هرگاه نیازهای رده پایین با نیازهای بالا برخورد کنند، در شرایط برابر نیازهای رده پایین چیره می شوند (حسن زاده، مهدی نژاد گرچی، ۱۱۳۱، ص ۱۱۱)

بعد از نیازهای فیزیولوژیکی نیاز ایمنی و نیاز عشق و وابستگی یا تعلق جز مهمترین نیازهای رده پایین هستند. از نظر وی نیاز ایمنی به مواردی مانند امنیت بدنی، جانی، مالی، تحصیلی، شغلی، عاطفی، آزادی و بیان نظر و اندیشه اطلاق می شود. هر نوع تهدیدی برای ارضای این دسته از نیازها موجب اضطراب و پریشان حالی می شود. درباره نیازهای عشق و وابستگی نیز شواهد کافی ثابت می کنند که محرومیت



کودک از عشق و محبت صدمه شدیدی به رشد شخصیت و رشد اجتماعی او وارد می‌سازد. آنتونوسکی از بررسی‌های خود درباره روابط مادر و کودک چنین نتیجه گرفت؛ کودکانی که از محبت مادر به حد کافی برخوردار بودند در مقایسه با آنهایی که از این نعمت محروم بودند پرخاشگری و وابستگی کمتر و کنجکاوی و ابتکار بیشتری از خود نشان می‌دادند و به بزرگسالانی که نسبت به آنها ابراز علاقه می‌کردند، ارج و احترام خاصی می‌گذاشتند (همان، ص ۱۳۱-۱۱۳).

بالبی یکی از روانشناسانی است احساس امنیت و تعلق کودک و مادر را در باب نظریه دلبستگی این گونه بیان می‌کند؛ به طور کلی دلبستگی را میتوان جو هیجانی حاکم بر روابط کودک با مراقبش تعریف کرد. این که کودک مراقب خود را که معمولاً مادر اوست، میجوید و به او میچسبد، مؤید وجود دلبستگی میان آنها است. نوزادان معمولاً تا پایان ماه اول عمر خود شروع به نشان دادن چنین رفتاری میکنند و این رفتار برای تسریع نزدیکی به فرد مطلوب طراحی شده است پیوند را گاه مترادف با دلبستگی بکار میبرند درحالی که این دو پدیده متفاوت هستند. پیوند به احساس مادر درباره نوزادش مربوط است و با دلبستگی فرق دارد. مادر به طور طبیعی نوزاد را منبع احساس امنیت تلقی نمیکند و به او تکیه نمیکنند در حالی که در دلبستگی چنین است پژوهشها نشان دادهاند که پیوند مادر با نوزاد زمانی شکل میگیرد که تماس پوستی با سایر انواع تماس نظیر صوتی یا چشمی برقرار میشود. برخی محققان به این نتیجه رسیدهاند که اگر مادر بلافاصله پس از تولد نوزادش تماس پوستی و بدنی با او داشته باشد، پیوند قویتری برقرار میکند و ممکن است مراقبتهایش را با توجه بیشتری انجام دهد.

نظریه دلبستگی بر این باور است که دلبستگی، پیوندی جهان شمول است و در تمام انسانها وجود دارد. بدین معنی که انسانها تحت تاثیر پیوندهای دلبستگی هستند. بالبی معتقد است که یک شخص برای رشد سالم نیاز به پیوند عاطفی دارد. والدین حساس و احساس امنیت، در کودک، پایه‌های برای سلامت روانی وی میباشند.

به نظر بالبی رابطه نایمن موجب بیاعتمادی، مشکل در هماهنگی و حساس بودن و نارضایتی هیجانی در روابط عاشقانه میشود. روابط دلبستگی نقش بسیار مهمی در احساس امنیت ما دارند برای کودکان این رابطه ابتدا با والدین برقرار میشود و در بزرگسالان با یک زوج برقرار میشود.

روانشناسان در بیشتر سالهای قرن حاضر بر روابط کودکان با کسانی که مراقبت از آنان را برعهده دارند تاکید کردهاند و این کنشهای متقابل را اساس عمده رشد عاطفی و شناختی قلمداد نمودهاند.

علایم دلبستگی کودک به پرستارش در سه پدیده معتبر مشهود است: اول این که یک تکیه‌گاه، بهتر از هر شخص دیگری میتواند کودک را آرام کند. دوم این که برای بازی یا حرف زدن، بیش از هر شخص دیگری به سراغ تکیه گاهشان میروند و بالاخره کودکان در حضور تکیه‌گاه، کمتر احساس ترس میکنند تا در غیاب او (ماسن و همکاران، ترجمه پاسایی، ۱۱۱۱).

بالبی معتقد است که رفتار وابستگی منشأ زیستی دارد و اساس پیوندهای عاطفی درازمدت را تشکیل میدهد؛ زیرا بر اثر دلبستگی و رابطه نزدیک کودک و مادر، شانس بقای کودک افزایش مییابد.

نظریه بالبی بر روی سه اصل پایه‌ریزی شده است، نخست این که نوزاد انسان با خزانهای از رفتارها که به مجاور شدن به منظور جستجو کردن محیط فراهم « پایگاه امن » با دیگر افراد جهتدهی میشود، متولد میشوند تا برای آنها یک نماید. دوم مجاور بودن به دیگران آنها را دسترس پذیر میکند تا نیازهای دلبستگی نوزادان را برآورده کنند. سوم این که تجارب با افراد مهم جهت تعمیم به روابط جدید درونی سازی میشود (میکولینسر و فلورین، ۱۳۳۱).

در واقع قصد اصلی و اولیه نظریه پردازان دلبستگی این بود که علت ایجاد نزدیکی و رابطه نوزاد با مادر، نه به دلیل نیاز به غذا و تامین سلامت جسمی نوزاد است؛ بلکه ایجاد نوعی رابطه امن و کسب امنیت روانی نوزاد است که بین مادر و فرزند چنین رابطه گرم و سرشار از صمیمیت ایجاد میشود.



به تعبیر روانکاوانه، پستان مادر، نخستین موضوع میل جنسی کودک است. عمل مکیدن شیر نه فقط احتیاج به غذای کودک را مرتفع میکند، بلکه خود عمل مکیدن به کودک لذت میدهد. کودک هنگام شیر مکیدن متوجه میشود که تحریک دهان و لبها به او لذت میدهند، بدون اینکه تحریک همراه با به دست آوردن غذا باشد. یک نمونه این احساس این است که کودک شست خودش را میمکد. عمل مکیدن شست نشان میدهد که لذتی که کودک از پستان مادر یا پستانک میبرد فقط لذت بر طرف کردن در احتیاج گرسنگیاش نیست بلکه تحریک خود مخاط دهان برای کودک لذتبخش است؛ و گرنه همین که کودک مشاهده میکرد که مکیدن شست، آمدن شیر را به همراه ندارد این عمل را متوقف میساخت (بلوم؛ ترجمه حق نویس، ۱۱، ۳، ۱).

بالبی ۱۳ (۹) ۱ میگوید عشق مادری در دوره نوزادی و کودکی برای سلامت روانی همانند ویتامینها و پروتئینها برای سلامت جسمانی ضروری است او ادعا کرد که داشتن رابطهای گرم، صمیمی و مداوم بین مادر و کودک (و یا جانشین دائمی مادر) امری حیاتی است. بالبی براساس قرائت دوره نقشپذیری در حیوانات و ترس از غریبهها و افراد ناآشنا در پایان این دوره، خاطر نشان کرده است. نوزادان انسان حدود ۳ ماهگی شروع به دلبستگی میکنند و پس از آن ترس از غریبهها را نشان میدهند. بالبی معتقد بود اگر دلبستگی در ۲ تا ۱ سال اول زندگی رخ ندهد، بعد از آن احتمالاً خیلی دیر و با دشواری شکل میگیرد. جدایی از مادر در زمان شکلگیری دلبستگی موجب پیامدهایی چون اعتراض ناامیدی و گسستگی بلافاصله پس از جدایی خواهد شد. شکست در دلبستگی نوزادان ممکن است موجب مشکلاتی در برقراری ارتباط در زندگی بزرگسالی گردد. چنین افرادی بخصوص اگر در رابطه عاطفی که برقرار کردهاند شکست بخورند آسیبپذیری زیادی

خواهند داشت. مطالعات کودکانی که در دهههای ۱۳۱۱ و ۹۱۳ در مراکز مراقبت شبانهروزی زندگی کرده بودند نشان دهنده وجود مشکلات بلندمدت در رشد زبانی، اجتماعی و شناختی آنها میباشد.

بالبی در مدت کار با نوجوانان بزهکار دریافت که ۱۱ نفر از آنان در ششماه اول زندگی از مادرانشان جدا شده بودند. او این نتیجه را با ۹۹ نوجوانی که مشکلات هیجانی داشتند اما بزهکاری نداشتند مقایسه کرد و دریافت که فقط دو نفر از آنها جدایی از مادر را تجربه کرده بودند. او همچنین استنتاج کرد که تقریباً همه کودکان بزهکار در این مرکز در رابطه با والدین خود مشکلاتی داشتند از جمله خشونت و سوءاستفاده هیجانی توسط والدین. در چندین مورد هم کودک به دلیل مرگ خواهر یا برادر خود مورد سرزنش قرار گرفته بود. وی اشاره نمود که یک عامل متمایز کننده کودکان بزهکار از کودکان دچار مشکلات هیجانی این بود که کودکان بزهکار اغلب جداییهای بلندمدت ناشی از بیماری یا مرگ والدین، فروپاشی خانواده و غیره... تجربه کرده بودند، اما کودکان با مشکلات هیجانی چنین تجربه هایی را نداشتند بالبی با مطالعات متعدد از کشورهای مختلف به الگویی مشابه دست یافت. محرومیت جدی از مراقبت مادر، نوجوانی بیعاطفه، روابط سطحی و خصومت کودک نسبت به دیگران همراه با تمایلات ضد اجتماعی را موجب میشود. به نظر بالبی پیوند والد - کودک بافت غیرقابل جایگزینی برای رشد هیجانی است و اکثر مشکلات دوران کودکی و بزرگسالی منتج از تجربیات واقعی دوران کودکی است (

www.ravanpedia.com .)

همچنین بالبی در نظریه دلبستگی خود به فرضیه فروید اشاره می کند که رابطه نوزاد - والد نمونه ای نخستین برای روابط عاشقانه بعدی در بزرگسالی است. وی معتقد است دلبستگی در رابطه والد و کودک به رابطه عاشقانه بزرگسالی فرد انتقال می یابد و می تواند بر رفتار، شناخت و هیجانات، در هر زمانی از زندگی، از نوزادی تا بزرگسالی تاثیر بگذارد. دلبستگی در روابط به طور ارادی و داوطلبانه و یا به طور کامل قطع نمی شود و هر گونه خللی در یک رابطه دلبستگی دردناک است و موجب سوگواری در فرد می گردد. براساس این فرضیات، امنیت را می توان به عنوان هسته نظام دلبستگی در روابط دلبستگی بزرگسالی توصیف نمود، که عبارت است از یک رابطه امن با فردی که به او احساس دلبستگی م یکنیم و به ما پاسخ می دهد و موجب اعتماد به نفس در ما می شود. بالبی و اینسورت معتقدند که کیفیت و الگوی دلبستگی در روابط عاشقانه بزرگسالی ممکن است شبیه الگوی دلبستگی فرد در رابطه با والدش باشد. از این روی دلبستگی های دوران کودکی شخص بر روابط عاشقانه بزرگسالی اش تاثیر می گذارد. بنابراین تداوم الگوهای اولیه در دور ههای بعدی به دو روش تبیین



گردد؛ اول اینکه انتظار می‌رود یک رابطه با ثبات بین کودک و مراقب بوجود بیاید که تا بزرگسالی ثابت باقی می‌ماند. دوم اینکه رشد مدل‌های ذهنی یا ابزار دلبستگی که خارج از آگاهی فرد اتفاق می‌افتد می‌تواند رفتارها، افکار و احساسات او را در موقعیت‌های عاشقانه بعدی راهنمایی و هدایت نماید. (www.migna.ir)

هورنای گرچه در کل در خصوص اهمیت سالهای اولیه کودکی در شکل‌گیری شخصیت بزرگسال با فریود موافق بود اما عقیده داشت که نیروهای اجتماعی در کودکی، بر رشد شخصیت تاثیر دارند و مهمترین رابطه اجتماعی، ارتباط بین والدین و کودک است. وی عقیده داشت نیاز ایمنی بر کودک حاکم است. منظور وی از این نیاز، نیاز به امنیت و رهایی از ترس بود. مادامی که کودکان احساس کنند مورد عشق و علاقه هستند، می‌توانند به راحتی آنچه را که آسیب‌زا تصور می‌شود (از شیر گرفتن ناگهانی) ... را به خوبی تحمل کنند. اما زمانی که والدین از تبعیض بین فرزندان، بدقولی، تحقیر، تمسخر، منزوی کردن کودک از همسالان و تنبیه غیر منصفانه بهره می‌برند، کودکان خصومت ناشی از این رفتار والدین را سرکوب می‌نمایند. هورنای تاکید می‌کند که احساس درماندگی در کودکان به رفتار والدین بستگی دارد. به عنوان مثال حمایت بیش از اندازه از کودک، منجر به درماندگی کودک می‌شود. خصومت سرکوب شده که ناشی از رفتارهای والدین است، نیاز کودک به ایمنی را تحلیل می‌برد و با اضطراب بنیادی آشکار می‌شود (شولتز و شولتز ۱۱۳).

دکتر "گیتا موللی" استاد دانشگاه علوم بهزیستی و توانبخشی در گفتگو با خبرنگار بهداشت و درمان باشگاه خبرنگاران، رابطه عاطفی مادر و کودک، در روند درمان اختلالات تکاملی کودک تاثیرگذار است و این عاطفه عمیق بین نوزاد و مراقب اولیه یا مادر ضامن او در آینده است.

وی با اشاره به اینکه طی سالهای اخیر، بیشتر روی این نظریه تاکید شده است، گفت: رفع مشکلات کودک دارای اختلالات تکاملی مانند کودکان ناشنوا، مرتبط با رابطه کودک با مادر یا مراقب اولیه است و این دلبستگی، می‌تواند نوزاد را زنده نگه داشته و روی کنترل هیجانی او موثر باشد.

کودک همه خواسته‌هایش را از مادر توقع دارد و اگر مادر خوب عمل کرده و رابطه عاطفی لازم را ایجاد کند، به کودک این احساس را منتقل می‌کند که در دنیایی امن، بدون تهاجم و بدور از ناملایمات قرار دارد و این احساس، به کودک آرامش می‌دهد. او تاکید کرد که در این رابطه دلبستگی، سه گوشه (محیط، مادر و نوزاد) وجود دارد. محیطی که کودک در آن زندگی می‌کند، محیطی که با تنش، جنگ و تجاوزه، یا دارای مشکلات اقتصادی و یا اختلافات والدین باشد، محیط نامن برای کودک بوده و تاثیرات منفی بر روح و روان و سلامت جسمی او خواهد داشت. گوشه دوم، مادر کودک است که باید خودش احساس امنیت داشته باشد تا بتواند به کودک، این احساس را القاء کند و گوشه سوم، نوزاد است که متاثر از عوامل گوناگون می‌باشد. وی اظهار داشت: دلبستگی ایمن باعث می‌شود، رشد مغز کودک بخوبی انجام بگیرد و روابط اجتماعی او خوب باشد و استرس‌ها را تحت کنترل قرار بدهد. به گفته دکتر موللی، دلبستگی و عاطفه بین مادر و کودک، مربوط به نیم کره راست مغز است و این رابطه عاطفی باعث ترشح هورمونهای مناسبی برای کودک و مادر می‌شود که در سلامتی هر دو موثر است. (www.yjc.ir)

نتیجه‌گیری

محقق از جمع‌بندی نظریه‌های بررسی شده در تحقیق با رویکرد ویژه به نظریه مازلو به این نتیجه رسیده است که: در هرم سلسله مراتبی مازلو پس از ارضای نیازهای فیزیولوژیک نیاز ایمنی و تعلق از مهم‌ترین نیازهای شخص بیان شده است. از نظر مازلو ایمنی ارضای نیازهای بالاتری را فراهم می‌سازد و شخص را به ظاهر شدن و فراگیری مهارتها برمی‌انگیزد. وقتی ایمنی ادمی در معرض خطر واقع گردد، شخص به ارکان اساسی تر بازگشت می‌نماید و این بدان معنا است که در انتخاب ایمنی و رشد ایمنی قالب است و نیاز به رشد بر نیاز به ایمنی غلبه می‌کند. احساس امنیت برای سالم بودن جسمی و روانی انسان لازم و ضروری است. فردی که نیاز ایمنی او ارضا شده باشد همواره احساس دوستی و عشق، تعلق، پذیرش خود و دیگران و عزت نفس، علاقه اجتماعی و ... را دارد. یک شخص برای رشد سالم نیاز به پیوند عاطفی دارد. والدین حساس و احساس امنیت، در کودک، پایهای برای سلامت روانی وی می‌باشند. روانشناسان در بیشتر سالهای



قرن حاضر بر روابط کودکان با کسانی که مراقبت از آنان را برعهده دارند تاکید کرده اند و این کنشهای متقابل را اساس عمده رشد عاطفی و شناختی قلمداد نمودهاند در واقع قصد اصلی و اولیه بسیاری از نظریه پردازان که علت ایجاد نزدیکی و رابطه نوزاد با مادر، نه به دلیل نیاز به غذا و تامین سلامت جسمی نوزاد است؛ بلکه ایجاد نوعی رابطه امن و کسب امنیت روانی نوزاد است که بین مادر و فرزند چنین رابطه گرم و سرشار از صمیمیت ایجاد میشود. شکست در دلبستگی نوزادان ممکن است موجب مشکلاتی در برقراری ارتباط در زندگی بزرگسالی گردد. دلبستگی های دوران کودکی شخص بر روابط عاشقانه بزرگسالی اش تاثیر می گذارد. نیروهای اجتماعی در کودکی نیز بر رشد شخصیت تاثیر دارند و مهمترین رابطه اجتماعی، ارتباط بین والدین و کودک است. مادامی که کودکان احساس کنند مورد عشق و علاقه هستند، می توانند به راحتی آنچه را که آسیب زا تصور می شود (از شیر گرفتن ناگهانی) ... را به خوبی تحمل کنند. کودک همه خواسته هایش را از مادر توقع دارد و اگر مادر خوب عمل کرده و رابطه عاطفی لازم را ایجاد کند، به کودک این احساس را منتقل می کند که در دنیایی امن، بدون تهاجم و بدور از ناملایمات قرار دارد و این احساس، به کودک آرامش می دهد. دلبستگی ایمن کودک و مادر باعث می شود، رشد مغز کودک بخوبی انجام بگیرد و روابط اجتماعی او خوب باشد و استرس ها را تحت کنترل قرار بدهد. نیاز ایمنی یک احساس ذهنی به دنبال دارد که به موجب آن انسان می پندارد خویشتنش با آرامش توأم شده و احساس جسارت و شجاعت بیشتری می کند. پس مادر به عنوان مهمترین فرد که کودک بیشترین زمان خود را با او می گذراند موثرترین فرد در ایجاد و ارضای نیاز امنیت و احساس تعلق در کودک است.



منابع

بلوم، جرالدا اس، ۱۱ (۳) روانکاوی شخصیت. ترجمه هوشنگ حق نویس. تهران: انتشارات امیر کبیر.
شولتز، آلن و شولتز، سیدنی آلن، ۱۱۳ (۳). نظریه های شخصیت. ترجمه یحیی سید محمدی. تهران: نشر ویرایش.
حسن زاده، رمضان، مهدی نژاد گرجی، گلین. (۱۱۳۱). نظریه های انگیزش در آموزش و پرورش. چاپ دوم.
تهران: انتشارات روان.
ماسن، پاول هنری و همکاران. رشد و شخصیت کودک. (۱۱۱۱) رشد و شخصیت کودک. ترجمه مهشید پاسایی،
چاپ هفدهم. تهران: نشر مرکز

- Mikulincer, M., & Florian, V. (۱۳۳۱). The relationship between adult attachment styles and emotional and cognitive reactions to stressful events. In Jeffry A. Simpson & Steven, Rholes (Eds) . Toward the end Attachment theory and close relationship. Newyork: The Guilford press.

و- کودک-درمان-کنید (http://www.yjc.ir/fa/news/۱۱۳۱) ۱۲۹۱۱۳۹۰ /اختلالات-تکاملی-کودک-را-با-رابطه-عاطفی-مادر-

و- کودک-درمان-کنید

مریم خسرویانی /۲۱۱۲/ (http://ravanpedia.com/۲۱۱۲) تبیین دل‌بستگی نظریه بالبی --



تجربه زیسته مادران تک فرزند

مهرانگیز شعاع کاظمی، دانشیار و عضو هیات علمی دانشگاه الزهرا(س)

m_shkazemi@yahoo.com

پگاه جوادی، کارشناس ارشد مطالعات زنان، دانشگاه الزهرا(س)

معصومه فتحعلی زاده، کارشناس ارشد مطالعات زنان، دانشگاه الزهرا(س)

Fathalizadeh120m@gmail.com

چکیده

هدف از پژوهش حاضر بررسی تجربه ی زیسته ی مادران تک فرزند بود. بدین منظور با استفاده از روش کیفی و با استفاده از نمونه گیری نظری ۲۵ مادر مراجعه کننده به یکی از پایگاه های سلامت شهر کرج در سال ۹۵ انتخاب و به صورت انفرادی مورد مصاحبه نیمه ساختار یافته قرار گرفتند. تجزیه و تحلیل داده ها به کمک روش پدیدار شناختی و کدگذاری متون حاصل از مصاحبه ها انجام شد. نتایج حاصل از تجزیه و تحلیل داده ها در ۸ بخش: افزایش هزینه های فرزند آوری - هم راستا بودن فرزند آوری با مسئولیت های سنگین - مدیریت زمان - چالش های اقتصادی خانواده - فضای اجتماعی مخاطره آمیز - عدم حمایت های کافی - چالش های پزشکی - ویژگی های روانشناختی مادر - دسته بندی شده است. یافته های پژوهش حاکی از این است که یکی از عوامل مهم تمایل مادران به داشتن تنها یک فرزند مسائل و مشکلات اقتصادی است، در خانواده های مرفه تر تاثیر کمبود وقت، رفاه و مسائل روانشناختی چشم گیرتر بود. به نظر می رسد بالا رفتن سن ازدواج و به تعویق انداختن بارداری اول و همچنین فاصله گذاری زیاد از فرزند اول در مادران شاغل از دیگر عوامل تاثیر گذار است. یکی دیگر از نتایج پژوهش این بود که با تبلیغات نمی توان اثر شعار های پیشین مانند ((دو فرزند کافی است)) را کم کرد اما حمایت اقتصادی و روانی و برداشتن موانع تحصیلی و شغلی مادران می توان تمایل آن ها به داشتن فرزند دیگر را افزایش داد و در این زمینه نباید از نقش پدران و اقتصاد خانواده نیز در داشتن فرزند بیشتر غافل بود.

کلید واژه: مادری، فرزندآوری، پدیده تک فرزندی.

مقدمه

خانواده یکی از بنیادی ترین نهادهای اجتماعی است که تغییرات ارزشی در آن بر جامعه نیز تاثیر گذار است. در واقع بین خانواده بعنوان اصلی ترین هسته ی اجتماع و جامعه تعاملی دو سویه برقرار می باشد. همانطور که هر تغییر اجتماعی، فرهنگی، اقتصادی می تواند خانواده را درگیر تغییرات و مشکلاتی کند، تغییر در کارکردهای خانواده نیز می تواند جامعه را دستخوش تحولاتی بنماید. خانواده با ازدواج زن و مرد شکل می گیرد و با تولد فرزند کامل میشود. بر همگان واضح است که یکی از مهم ترین اهداف تشکیل خانواده، داشتن فرزند و ادامه ی نسل است. از زمان های دور بعد از ازدواج زن و مرد همه انتظار تولد فرزندان را داشتند و اگر این اتفاق نمی افتاد امری غیر عادی تلقی می شد و یکی از مهم ترین توانایی های زن بدنیا آوردن فرزند بود (موسوی قافله باشی، ۱۳۹۲). انگلس اولین کارکرد خانواده را تولیدمثل می داند، به گونه ای که تولیدمثل و فرزندآوری به عنوان رکن اساسی واحد خانواده به مثابه یک واحد تولید اقتصادی محسوب می شود. نگاهی به تاریخ ایران باستان و ایران پس از ورود اسلام، حاکی از اهمیت بارز قابلیت فرزندآوری زنان است، بنابراین عموماً عقیده داشتند هر زنی که ازدواج می کند، طبیعتاً بچه دار خواهد شد، به همین دلیل زنانی که شیوه ای جز این را برمی گزیدند، عجیب و غیرطبیعی تلقی می شدند. امام صادق (ع) از قول رسول خدا (ص) فرموده اند: «فرزندان خود را زیاد کنید، تا فردا به واسطه (کثرت) شما بر دیگر امت، افتخار نمایم». این کارکرد مهم که از آن به «جایگزینی» یاد می شود، همواره بقای جوامع و به طور کلی بقای نسل بشر را تضمین کرده است.

با این حال، مشاهده می شود که طی دهه های اخیر، خانواده شاهد تغییرات عرضی (از فرهنگی به فرهنگ دیگر) و طولی (تغییرات و تحولات جامعه طی اعصار) در کارکردهای خود بوده است (موسوی ۱۳۹۲). با کاهش نرخ رشد و پیرشدن جمعیت کشورها، جمعیت جوامع به یکی از



موضوعات چالش برانگیز تبدیل شده است. فهم چگونگی کاهش باروری مستلزم درک تغییرات خانواده و جایگاه زنان بر اثر تغییرات جهانی است زیرا زنان به عنوان یکی از ارکان مهم خانواده و باروری تغییرات بسیاری را در موقعیت خود تجربه کرده اند. (رستگار خالد و مقدمی ۱۳۹۵). با افزایش سن ازدواج در زنان به علل متعددی از جمله تمایل به تحصیلات بالاتر و بالارفتن سطح انتظارات از زندگی و همچنین اشتغال و فعالیت اقتصادی، شانس باروری کاهش می یابد و هر چقدر بارداری در سنین بالاتر صورت گیرد مخاطرات بیشتری نیز به همراه خواهد داشت. کیفیت باروری ایجاب می کند که زنان با دقت در این مهم شانس داشتن یک بارداری ایمن و فرزندان سالم را از خود نگیرند. تغییر فرهنگ و سبک زندگی زنان جامعه امروز ما، آنان را هر چه بیشتر به سمت تمایل به تک فرزندی می برد. مسئله این است که اگر زنان نقش مفید خود در فرزند آوری را ایفا نکنند، جمعیت جوان که از نظر اقتصادی جمعیت مولد خوانده می شود کاهش یافته و از طرف دیگر با کنترل بیماریها و درمان به موقع و افزایش سطح بهداشت عمومی طول عمر افزایش یافته، جمعیت سالخورده افزایش می یابد که از نظر اقتصادی برای کشور هزینه بالایی دارند و در تولید و اقتصاد هم نقش مفیدی نخواهند داشت. در حال حاضر، هرم سنی جمعیت ایران در حال انتقال از جوانی به سالخوردگی است. بدین ترتیب، اگر نقطه‌ی شروع کاهش اساسی و مستمر باروری در ایران را سال ۱۳۶۵ در نظر بگیریم، تا سال ۱۴۲۵ ساختار جمعیت ایران کاملاً سالخورده خواهد بود. منظور از نرخ باروری کل، تعیین تعداد فرزندان است که جانشین والدین می‌شوند. طبق آمار سازمان ملل، نرخ باروری در ایران برای سال ۲۰۱۰ کمتر از ۱/۸ گزارش شده است. این در حالی است که حداقل نرخ جانشینی برای منفی نشدن نرخ رشد جمعیت در یک جامعه، ۲/۱ برآورد شده است. همچنین بر اساس اعلام بانک جهانی، نرخ رشد جمعیت ایران از سال ۲۰۲۵ به زیر یک درصد خواهد رسید و جمعیت ایران در آن سال به ۰/۹۹ درصد کاهش خواهد یافت. نتایج سرشماری سال ۹۵، با ۸ پیام کلیدی در دو حوزه «جمعیت» و «بازار مسکن» از سالمندتر شدن جمعیت ایران - کاهش جمعیت جوان - حکایت دارد. یافته‌های سرشماری نشان می‌دهد رشد ۲۱ درصدی و ۱۲ درصدی جمعیت «میان‌سال» و «سالخورده» نسبت به سال ۹۰ باعث شده هم‌اکنون ۵۲ درصد کل جمعیت کشور را افراد بالای ۳۰ سال تشکیل دهند. حجازی و اکبری (۱۳۹۴) به بررسی نقش معیارها و سبک زندگی بر کاهش باروری زنان شهر اصفهان در سال ۱۳۹۴ پرداختند. جامعه آماری، کلیه زنان دوره ی باروری در شهر اصفهان (۱۵ تا ۴۹سال) بوده اند. نتایج بدست آمده از این بررسی، رابطه ی بین افزایش میزان شهرنشینی، مادی گرایی و کم رنگ شدن معنویت، تغییر سرگرمی ها و اوقات فراغت، مصرف گرایی، موفقیت های مالی، با کاهش باروری با اطمینان بالای ۳درصد معنی دار است. همچنین، بین فن آوری های نوین ارتباطات و اطلاعات، فردگرایی و کاهش باروری رابطه ی معنی داری وجود نداشت.

روش: روش پژوهش کیفی بود و جامعه آماری این پژوهش شامل کلیه زنان در سن باروری (۱۵ - ۴۹ ساله) دارای یک فرزند ۶ سال به بالا ی مراجعه کننده به مرکز سلامت باغستان کرج در سال ۱۳۹۵ می باشد که از این میان تعداد ۲۵ زن بطور هدفمند تحت مصاحبه قرار گرفتند. محققان در این پژوهش برای انتخاب افراد نمونه در پایگاه سلامت مستقر بودند و از مراجعینی که برای دریافت خدمات رایگان طرح تحول سلامت مراجعه می کردند مصاحبه کردند. در زمان خدمت رسانی امکان مصاحبه بعلا از دحام و رفت و آمد مراجعین وجود نداشت بنابراین سعی می شد فرصتی را در بعد از ظهر هماهنگ کنیم تا جمعیت نمونه در ساعات خارج از ساعت اداری مورد مصاحبه قرار بگیرند. به علت بافت منطقه جز ۷ نفر بقیه اجازه ی ضبط مکالمات را ندادند و مصاحبه همان لحظه یادداشت می شد. سعی شد تا حد امکان در موارد مصاحبه تنوع وجود داشته باشد البته تشابه بارز همان داشتن یک فرزند و عدم تمایل (حداقل تا زمان مصاحبه) به فرزند آوری بود. تنوع در سن و تحصیلات نسبتاً خوب بود. تعداد زنان شاغل ۱۱ نفر و زنان خانه دار ۱۴ بود.

جدول مشخصات تحصیلی پاسخگویان

فوق لیسانس	لیسانس	فوق دیپلم	دیپلم	زیر دیپلم	تحصیلات
۴	۶	۵	۸	۲	تعداد



یافته ها

طی کدگذاری باز مفاهیم اصلی پاسخ ها استخراج گردید و سپس بر اساس شباهت ها مقولات محوری به دست آمد. بنابراین آنچه به عنوان سرتیتر هر مبحث مطرح می گردد، آخرین گزاره ای است که از دل مفاهیم استخراج شده است. این ۴ گزاره به ترتیب عبارتند از:

۱- چالش های اقتصادی خانواده - (افزایش هزینه های اقتصادی فرزندآوری)

امروزه با تاکید بر تست های غربالگری در دوران بارداری برای دو بار و سونوگرافی و آزمایشات مکرر هزینه ی حین بارداری بسیار زیاد شده است به این هزینه باید ویزیت های سنگین متخصصان را نیز اضافه کرد و این در حالی ست که همه چیز به صورت طبیعی پیش برود در غیر این صورت هزینه ها بسیار بیشتر می شود. در این مورد یکی از مراجعان اینگونه عنوان نمودند: "طبق توصیه ی پزشک من غربالگری اول را انجام دادم متاسفانه برای سندروم داون مثبت شد که به دستور مشاور ژنتیک باید آمیوسنتز می شدم که حدود یک و نیم میلیون هزینه داشت و واقعا برای ما خیلی زیاد بود در ابتدا شوهرم می گفت من این بچه را نمی خوام اما با صحبت هایی که پزشکان با او کردند راضی شد آزمایش ارزان تری را بدهیم".

بعد از تولد فرزند، بدون شک والدین باید نیازهای اولیه کودک از شیرخشک گرفته تا پوشک و ... را تامین کنند، خرید این وسایل هزینه ای را بر خانواده تحمیل می کند، علاوه بر این کودک باید به طور منظم توسط متخصص کودکان ویزیت و معاینه شود حتی در حالت سلامت کامل. "چون شوهرم مشکل داشت، مجبور بودم مشغول به کار بشوم تا هزینه های هنگفت کودک را بپردازم نمونه ی آن لباس و پوشک و شیر خشک، خدای نکرده در صورت بیماری کلی هزینه ی پزشک و دارو هم اضافه می شد ..."

"از نظر من درآمد کافی یکی از مهم ترین مسائلی ست که آدم بتونه به فرزند دیگری فکر کنه ما که همیشه گرفتار مسائل و مشکلات مالی و اقتصادی هستیم نمی تونیم هزینه ی دو فرزند رو تامین کنیم بعد به هر دوی آنها ظلم می شود الان اگه ما هم قانع باشیم بچه ها یاد نگرفتند قناعت کنند..."

۲- مدیریت زمان (کمبود وقت و تداخل ها و هم راستا بودن فرزندآوری با مسئولیت های سنگین)

"بچه بزرگ کردن خیلی کار سخت و وقت گیری است روزهایی که بچه ام کوچک بود یادم می آید چند روز می گذشت که وقت نمی کردم خودم رو تو آینه نگاه کنم باید تمام وقت در اختیار بچه باشی تا خوب شیر بخوره خوب رشد کنه و اگر بچه به وزن ایده آل نمی رسید احساس گناه می کردم اما در ضمن عاشق کارم هم هستم تازه دوست داشتم درس رو هم ادامه بدم که واقعا نشد، به نظر من خانم های خانه دار می توانند به فرزند بیشتری فکر کنند ... داشتن زمان و وقت کافی هم برای تربیت و تحصیل فرزند و هم برای استراحت و رسیدگی به خود مهم است مادران شاغلی که تمایل به داشتن فرزند بیشتر ندارند.

۳- فضای اجتماعی مخاطره آمیز (عدم حمایت های کافی)

اینکه خانم های شاغل از امنیت شغلی لازم و حقوق و مرخصی کافی برخوردار باشند و حمایت کافی بشوند در تمایل آنان به داشتن فرزند بیشتر تاثیر دارد. "برای من که واقعا کارم رو دوست دارم و احساس نیاز به حضور در جامعه دارم، سال اول بدنیا اومدن بچه ام خیلی سخت بود چون قراردادی بودم و مرخصی مصوب شامل حال من نمی شد و همیشه کارم مورد تهدید بود و مسئول هر وقت می خواست ما باید حضور می داشتیم و هر وقت اعتراض می کردم و مرخصی بیشتری می خواستم می گفت اگر برایت سخت است چرا کار می کنی و برایشان اصلا مهم نبود که یک زن پس از مادر شدن هم دوست دارد کار کند".

جامعه ما در حال گذار است و شرایط حاکم بر خانواده ها ترکیبی از مدرنیته و سنت می باشد. شرایط حاکم بر زندگی شهری بین زوجین و خانواده شان فاصله می اندازد و زوجین جوان با تلاش و کوشش بیشتر به دنبال استقلال طلبی هستند. در چنین شرایطی فرزندآوری را با مشکل تنها بودن و نداشتن حامی مواجه می کند و در این جاست که نقش سایر نهادها ی حمایت کننده خانواده و دولت اهمیت پیدا می کند. "۱۴ ساله ازدواج کردم با معرفی یکی از دوستان اما هنوز به سقف از خودم بالای سرم نیست با شوهر بیکار و بی خونه همین یک بچه از سرم هم زیاده. تو این اوضاع وقتی می خوای جابجا بشی اولین سوالی که می پرسند چند تا بچه داری ... می خوای بچه دار بشی یا نه؟..."



۴- چالشهای پزشکی (عوامل تهدید کننده سلامتی مادر و ویژگیهای روانشناختی مادران).

بیماری های ژنتیک - مادرزادی و یا ناهنجاری ها در فرزند اول باعث می شود تمایل زن و مرد برای یک ریسک دیگر از بین برود. " وقتی متوجه بیماری اوتیسم در فرزندم شدم با مشورت همسرم تصمیم گرفتم که دیگر فرزندی نیآوریم چون ممکن است در فرزند بعدی هم اتفاق بیفتد و اگر تمام وقت را برای همین بچه بزاریم مفید تر است."

در بعضی موارد بیماریهایی در حین بارداری اتفاق می افتد که جان مادر را تهدید می کند مثل مسمومیت بارداری (پره اکلامپسی) و بیماری های قلبی شناخته شده در بارداری و دیابت بارداری بطور مثال یکی از مراجین که به علت بیماری مسمومیت بارداری و بستری در بیمارستان و حاملگی بعدی برایشان بسیار خطرناک بوده است و مجبور به سزارین شده اند . "من در خانواده پرجمعیتی بزرگ شدم ما ۵ خواهر و برادر بودیم و همیشه در داشتن و یا گرفتن امکانات دچار مشکل بودیم و از همان وقت دنبال یک زندگی آرام و کم جمعیت بودم .در بعضی موارد به مسئله رفاه طلبی والدین و مخصوصا مادر برخوردیم که می تواند ریشه در حالات روحی و شخصیت مادر داشته باشد."

بحث و نتیجه گیری: با توجه به نتایج بدست آمده مشاهده شد که جایگاه فرزند آوری بعنوان یکی از کارکردهای اولیه ازدواج تحت الشعاع بسیاری از مسائل قرار گرفته است که از جمله مهم ترین آنها می توان به اقتصاد ، فرهنگ و اجتماع (نهادهای حمایتی) ، سیاست (تاثیر سیاست های جمعیتی سال های گذشته) ، اشتغال و تحصیل زنان و تمایل مادران به رفاه اشاره کرد ، که می تواند پیامدهای منفی در سطح کلان جامعه مانند کاهش جمعیت جوان، نشاط و شادی و کاهش نیروی کار هم در سطح خانواده و محدود شدن بعد خانواده ، پیامد تک فرزندی و مصرف گرایی و رفاه طلبی بیشتر داشته باشد . خاکستری شدن جمعیت یا همان پیر شدن جامعه یعنی کاهش باروری و نرخ جانمایی و افزایش میانسالان و سالمندان در جامعه ... که پیامد ادامه این روند می باشد . یک مورد مهم دیگری که در روند این تحقیق به چشم می خورد افزایش سن ازدواج در زنان و مردان و در ادامه دیر بچه دار شدن و تمایل به داشتن فقط یک فرزند بود. یکی از مهم ترین آنها مسائل اقتصادی در تمام جهات به نظر می آمد از جنبه های خرد گرفته مثلا در موردی مادری اظهار داشت که تا خانه دار نشوم یعنی منزل شخصی تهیه نکنم بچه ی دیگری نمی اورم چون در هنگام اجاره منزل تعداد فرزند بسیار مهم است. و همینطور هزینه های دوران بارداری و پس از آن و هزینه های فرزند پروری و غیره. از موانع مهم دیگر تمایل و اشتیاق زنان به حضور اجتماعی چه در زمینه ی شغلی و چه تحصیلی که مطمئنا وجود فرزندان می تواند دست و پای مادر را برای این حضور ببندد. مادران زیادی طی مصاحبه ها دانشجو و یا شاغل بودند و به نظر می آمد اشتیاق آنها برای اخذ مدارج بالاتر دانشگاهی و یا ارتقا در شغلشان بسیار بیشتر از یک بارداری دیگر و داشتن یک فرزند دیگر است . در گفتگو یکی از مادران اظهار داشت من آنقدر علاقه به ادامه ی تحصیل داشتم که همین یکی را به زور برای خلاصی از حرف اطرافیانم آوردم.

از مسائل مربوط به زوجین می توان به مشکلات تامین مخارج اولیه ی خود ، بیکاری یا نداشتن شغل ثابت ، نداشتن مسکن ، اشتغال به کار زنان ، ادامه تحصیل زنان اشاره کرد، و از چالش های مربوط به فرزند می توان عدم حمایت کافی ، مشکلات نگهداری فرزند ، زمان بر بودن فرزند پروری ، هزینه های فرزندآوری و تربیت فرزند و شرایط اجتماعی که باعث کاهش احساس امنیت در جامعه می شود را نام برد .

گرایش زنان به تحصیلات دانشگاهی در دو دهه ی اخیر بر کسی پوشیده نیست ، به طوری که از سال ۱۳۷۷ به بعد درصد ورودی خانم ها به دانشگاه نسبت به آقایان بیشتر شده و در دهه ۸۰ این رقم به اوج خود رسید (ثناپی ، ۱۳۸۷). به طور طبیعی صرف زمان جهت تحصیلات و همچنین کسب موقعیت شغلی مناسب باعث شده تا طول سالهایی که زنان به طور بالقوه توانایی فرزندآوری دارند را از دست بدهند و یا این دوره کوتاه تر گردد. ساعات طولانی کاری بعضی از مشاغل و همچنین مرخصی های کوتاه مدت زایمان و در بیشتر موارد عدم تضمین بازگشت به کار زنان پس از مرخصی زایمان مخصوصا در مشاغل قراردادی و ترس از بیکار شدن و از طرف دیگر شاغل بودن همسر و نوع شغل بسیاری از مردان که دور از محل زندگی و یا با ماموریت های طولانی مدت همراه است ، زنان را از داشتن بهترین حامی یعنی همسر محروم می کند. از این نکته هم نباید غافل شد که با تحولاتی که در نقش های جنسیتی در شهرهای بزرگ هستیم ولی عده ای از مردها هنوز همانند گذشته معتقدند که تمام کارهای درون منزل به عهده ی زن می باشد و هیچ گونه کمکی به همسران خود در امور منزل و نگهداری از فرزند انجام نمی دهند، بنابراین در این موارد هم زنان در نگهداری فرزند تنها می مانند ، پس باید به نظام های سنتی و کمک



دومین همایش ملی جایگاه و نقش مادر

2nd National Conference on the Status and the Role of Mother

گرفتن از خانواده و اطرافیان روی بیاورند ، اما از آنجایی که اکثر زوجین بعد از ازدواج از خانواده های خود دور می شوند ، حمایت خانواده را نیز از دست می دهند . نتایج تحقیق در این بخش تایید نتایج تحقیق سالیوان (۲۰۰۷) می باشد . نتایج تحقیق در این محورها ، مشابه تحقیقات کبودی و همکاران (۱۳۹۲) و امیر عرفانی (۱۳۹۱) می باشد . در نتیجه زنان سعی می کنند از راهبردها و استراتژی هایی مثل تاخیر در فرزندآوری ، عدم تمایل به فرزندآوری مجدد ، که در نهایت منجر به داشتن یک فرزند می شود ، با این چالش ها مقابله کنند . هر چند پیامد این رفتارها می تواند کاهش بعد خانواده و به هم خوردن ساختار سنی جمعیت شود ، ولی این فرآیندی است که از چند دهه های قبل شروع شده و در نهایت امروز ما شاهد گسترش آن در جامعه می باشیم .



منابع

- ثنايي، باقر. (۱۳۸۷). مقیاس سنجش خانواده و ازدواج، تهران: موسسه ی انتشارات بعثت. چاپ دوم .
- حجازی، ناصر. اکبری، عصمت. (۱۳۹۴). بررسی نقش معیارها و سبک زندگی بر کاهش باروری زنان. دومین کنفرانس بین المللی روانشناسی، علوم تربیتی و سبک زندگی.
- رستگار خالد، امیر؛ مقدمی، ساجده. (۱۳۹۵). بررسی تفاوت های جنسیتی در نگرش به فرزند. زن در فرهنگ و هنر. ۱، ۸.
- سالنامه آماری کشور، تهران، مرکز آمار ایران، ۱۳۸۹.
- عرفانی، امیر. (۱۳۹۱). گزارش تفصیلی پیمایش نیت باروری تهران، ۱۳۹۱. مرکز مطالعات و پژوهشهای جمعیتی آسیا و اقیانوسیه، وزارت علوم، تحقیقات و فن آوری: تهران، ایران.
- کیبودی مرضیه، رمضانخانی علی، منوچهری هومان، حاجی زاده ابراهیم، حقی مرجان. (۱۳۹۲). الگوی تصمیم گیری فرزندآوری: یک مطالعه کیفی. نشریه پایش. ۱۲، ۵.
- موسوی، فاطمه. (۱۳۹۲). بررسی جایگاه و نگرش به فرزندآوری در خانواده های جوان شهر قزوین. دو فصلنامه مطالعات زنان و خانواده. ۱، ۲۰.
- Sullivan ,C ,(۲۰۰۷). Parenting and internalizing problems : Testing models of bidirectional socialization in early childhood . Ph. D. , Concordia university (Canada)



نقش شیر دهی در سلامت روان مادر

نازنین بالش زر؛ کارشناسی، دانشجوی دکترای معماری

N.baleshzar@gmail.com

نسترن بالش زر

N.baleshzar@gmail.com

چکیده

اگرچه تاکنون تاثیر مفید و سودمند تغذیه از شیر مادر بر سلامت و رشد کودک اثبات شده است، اما نتایج تحقیقات جدید نشان داده است که شیردهی در عین حال برای سلامت جسم و روان مادر نیز حائز اهمیت است و نقش مهمی دارد. مادران شیرده کمتر سرطان سینه می گیرند، احتمال ابتلا به حمله قلبی در آنان کم تر است، کمتر از دیگر مادران در معرض ابتلا به دیابت هستند و دیگر این که تغذیه با شیر مادر آزردهی ناشی از زایمان را برطرف می کند و احساسات مثبت مادرانه را جلوه گر می سازد. هرچه مادر مدت بیشتری به نوزاد خود شیر بدهد برای سلامت هر دوی آن ها مفیدتر است. در واقع هر چه طول مدت شیردهی به نوزاد بیشتر باشد خطر ابتلا به حمله قلبی، سکته مغزی و بیماری های قلبی عروقی در مادر کاهش پیدا می کند. نتایج پژوهش ها حاکی از آن است زنانی که حداقل یک ماه در طول عمر خود به کودک خود شیر داده اند پس از یائسگی کمتر با خطر ابتلا به دیابت، فشار خون بالا و افزایش کلسترول مواجه می شوند. این فاکتورهای خطرزا همگی عوامل بروز بیماری های قلبی هستند. اهمیت این موضوع بسیار بوده که در این مقاله به هدف رسیدن به راهکارهای مناسب برای این موضوع پرداخته که روش تحقیق در این مقاله به صورت اسنادی - کتابخانه ای می باشد.

واژگان کلیدی: خانواده، جامعه، بهداشت روان، شیر مادر

مقدمه

یکی از مشکلات فکری خانمها به خصوص آنهایی که برای نخستین بار مادر می شوند، روش مادری کردن و چگونگی تربیت فرزند است. تغذیه با شیر مادر، طبیعی ترین و مؤثرترین راه پی بردن به نیاز طفل و اطمینان از برآورده شدن آن و مهم ترین قدم برای یاد گرفتن روش مادری است. مادری کردن خسته کننده است ولی تغذیه با شیرمادر برقرارکننده تعادل بین مراقبت کردن و مراقبت گرفتن است. در حقیقت شیر دادن پلی بین مادر و کودک محسوب می شود. تغذیه با شیرمادر به ویژه شبها برای مادران مناسب تر از تغذیه کودک با شیر مصنوعی است زیرا نیاز به آماده کردن شیر نیست. مسافرت و رفت و آمد مادر با این روش تغذیه راحت تر است و در اورژانس ها و معطلی در ترافیک، مادر نگرانی ندارد زیرا شیر او همیشه و در همه جا در دسترس است. چون مادران هنگام شیر دادن می نشینند یا دراز می کشند در حقیقت به استراحت اجباری دعوت می شوند که این استراحت برای حفظ سلامت آنها لازم است. تغذیه با شیر مادر، آزردهی ناشی از زایمان را برطرف می کند و احساسات مثبت مادرانه را جلوه گر می سازد. شیرمادر نه تنها در تامین سلامت جسمی و روانی شیرخوار ارزش و اهمیت فوق العاده ای دارد بلکه برای سلامت جسمی و روانی مادری که شیر می دهد نیز مهم است. رابطه مادر و فرزند ناشی از شیردهی فرصتی با ارزش و استثنایی است زیرا مادرانی که شیر می دهند علاوه بر اینکه کمتر به سرطان پستان، استئوپوروز، آرتروز، روماتوئید و کم خونی بعد از زایمان، مبتلا می شوند، استرس، افسردگی، خستگی و واپس گرایی نیز در آنها کمتر است.



شیردادن علاوه بر انجام یک کار عبادی، تلاشی است در جهت ارتقاء درجات معنوی مادر که مزایای فراوانی نیز برای او دارد. یکی از مشکلات فکری خانم‌ها به خصوص آنان که برای اولین بار مادر می‌شوند روش مادری کردن و چگونگی تربیت فرزند است. تغذیه با شیرمادر طبیعی ترین و موثرترین راه پی بردن به نیاز طفل و اطمینان از برآورده شدن آن و مهم ترین قدم برای یادگرفتن روش مادری است. مادری کردن خسته کننده است ولی تغذیه با شیرمادر برقرار کننده تعادل بین مراقبت کردن و مراقبت گرفتن است در حقیقت شیر دادن پلی بین مادر و کودک به حساب می‌آید. تغذیه با شیرمادر به ویژه شب‌ها برای مردان مناسب تر از تغذیه کودک با شیر مصنوعی است. زیرا نیاز به آماده کردن شیر نیست. مسافرت و رفت و آمد مادر در این روش تغذیه راحت بوده و در اورژانس‌ها و معطلی در ترافیک، مادر نگرانی ندارد. زیرا شیر او همیشه و در همه جا در دسترس است. چون مادران در هنگام شیردادن می‌نشینند یا دراز می‌کشند در حقیقت به استراحت اجباری دعوت می‌شوند که این استراحت برای حفظ سلامت آنان لازم است.

تغذیه با شیرمادر آزرده‌گی ناشی از زایمان را بر طرف می‌کند و احساسات مثبت مادرانه را جلوه گر می‌سازد.

تغذیه با شیر مادر تماس بدنی صمیمی و مطلوبی ایجاد می‌کند. مادر و کودک از لحاظ روانی احساس یکی بودن می‌کنند و علاوه بر رفع نیاز شیرخوار، نیازهای روانی مادر نیز برآورده می‌شود. مادرانی که خود به فرزندانشان شیر می‌دهند او را بهتر درک می‌کنند و بران آنان محدودیت کمتری قائل می‌شوند. درجه حساس بودن این مادران به نیاز فرزندانشان بالا است. این حساسیت به مادر کمک می‌کند که نیازهای شیرخوار را سریع تر برآورده کرده، رفتار درست را به موقع از خود نشان دهد. نزدیکی و صمیمیت زیاد ناشی از شیردادن، حس تشخیص و نیروی دریافت سریع تر و مطمئن تر احساسات و احتیاجات کودک و چگونگی تأمین آن را نشان می‌دهد. شیردهی کمک می‌کند تا مادر بودن، آموخته شود و مادر یاد بگیرد که با نرمی و انعطاف پاسخگوی نیازهایی از قبیل محبت و مراقبت باشد و توقعات شخصی را موقتاً کنار بگذارد.

اگر مادری شیر نداده باشد، نمی‌تواند رابطه مادر و فرزند ناشی از شیردهی را که فرصتی با ارزش و استثنایی است درک کند. مادران اظهار می‌دارند که لذت بخش ترین لحظات زندگی آنان زمان شیردادن به کودکان است و زمانی که شیرخوار توقف می‌کند و با لبخند تشکرآمیز قدردانی خود را اعلام و دوباره شروع به شیر خوردن می‌کند، آرزو می‌کنند زمان از حرکت باز ایستد و آنان این لحظات شیرین را بیشتر حس کنند. ضمن این که شیردهی تضمین کننده مادر خوب بودن نیست ولی هر مادری باید مهم ترین چیز یعنی محبت و عشق را به فرزند خود هدیه کند.

مادر بعد از چند هفته از برقراری پیوند عاطفی، قادر است دریابد که گریه شیرخوار به دلیل درخواست بغل کردن است یا شیر خواستن و یا برای تعویض کهنه، گریه می‌کند.

تغذیه با شیرمادر عامل ایجاد رفتارهای بهداشتی تر مادر (مثلاً نکشیدن سیگار)، افزایش حس تندرستی و مراقبت و ایجاد کننده محیط پر نشاط است.

مادران شیرده نسبت به زندگی خانوادگی هوشیارتر هستند و تفکر آزادمنشانه بیشتری دارند. نحوه برخورد و انتظارات آنان از فرزندشان نیز متفاوت است. این مادران درک بهتری از کودک خود داشته و زندگی زناشویی شان با مشکلات کمتری همراه است.

مادرانی که شیر نمی‌دهند بیشتر دچار اضطراب، استرس، افسردگی، واپس گرایی، خستگی و احساس تقصیر می‌شوند. مادر شیرده آرامش داشته و تمایل بیشتری به ایجاد ارتباط متقابل با کودک خود و تطابق با وظیفه مادری دارد.

برای خانمی که اولین بار مادر می‌شود کسب اعتماد به نفس سریع تر و توان مراقبت بیشتر است.

مادر در زمان شیردادن می‌تواند استراحت کند تا انرژی از دست رفته را به دست آورد و یا می‌تواند ضمن آن که شیر می‌دهد با شیرخوار صحبت و او را نوازش می‌کند تلویزیون هم تماشا کند یا به رادیو گوش دهد و یا مطالعه نماید و به این ترتیب در حین شیردادن، احساس جالبی از مواظبت، مشاهده، شنیدن، نوازش، لمس کردن و لذت بردن از شیردهی داشته باشد.



خانم هایی که خود به فرزندشان شیر می دهند در زمان سالمندی کمتر به استئوپروز و پوکی استخوان مبتلا می شوند زیرا ساختمان استخوان مرتب در حال تجدید است. از دست رفتن مواد معدنی استخوان در حاملگی و شیردهی موقتی بوده و مقدار کلسیم و فسفر سرم مادران شیرده بیشتر است.

مادران شیرده بعد از زایمان سریع تر به حالت سلامتی کامل بر می گردند. تغذیه با شیرمادر مرگ مادران به علت خونریزی بعد از زایمان را کاهش می دهد. چاقی نیز در این مادران کمتر اتفاق می افتد.

سرطان پستان در زنانی که دیر فرزند به دنیا آورده یا کمتر حامله شده و یا شیر نداده اند بیشتر است. هرچه طول مدت شیر دادن بیشتر باشد سرطان پستان کمتر می شود.

مادرانی که شیر می دهند اگر خودشان هم در طفولیت شیرمادر خورده باشند، کمتر به سرطان پستان مبتلا می شوند.

مادران مبتلا به آرتریت روماتوئید که شیر می دهند به درمان بهتر پاسخ داده و مرگ و میر آنان نیز کمتر است. مادران مبتلا به فشارخون، در زمان شیردهی به علت ترشح پرولاکتین، از آرامش بیشتری برخوردارند و آمار ابتلا به عفونت مثانه نیز در این مادران بسیار کمتر است. به علت شیردادن، عادت ماهیانه به تأخیر می افتد که این امر به ذخیره سازی آهن کمک می کند، اگر هم عادت ماهیانه شروع شود خونریزی کمتر خواهد بود. در ۶ ماه اول که تغذیه شیرخوار فقط با شیرمادر و دفعات شیرخوردن ۱۲-۱۰ بار در شب و روز است اگر عادت ماهیانه مادر هنوز برقرار نشده باشد، احتمال حاملگی مادر در چنین شرایطی کمتر از ۲-۱ درصد است. پس از شروع عادت ماهیانه با هر ماه ادامه شیردهی احتمال حاملگی ۷/۴٪ کاهش می یابد. شیردهی کمک می کند که بدن مادر و رحم او سریع تر به حالت اول و طبیعی خود برگردد. زمانی که خونریزی مادر به دلیل نرمی رحم باشد، شیردهی قادر به کنترل این خونریزی است. شکی نیست که طبیعت به نفع مادری که شیر می دهد کار می کند.

شیرمادر همیشه آماده و در دسترس است و بلافاصله نیاز شیرخوار را برطرف می کند. آماده کردن این شیر، نیازی به بلند شدن از خواب و تهیه آب جوش، مخلوط کردن، گرم کردن و ... ندارد. شیر مادر سالم است و هیچ جای نگرانی در مورد اشتباه درست کردن، ایجاد بیماری و عدم سازش با کودک وجود ندارد. کودکی که شیر مصنوعی می خورد ممکن است در شرایط اضطراری مثل خاموشی برق و قطع آب و غیره از دسترسی به شیر تازه و سالم محروم بماند ولی مادری که شیر می دهد نگران این مسائل نیست.

روابط اجتماعی آثار مهمی بر سلامت دارد به طوری که افراد مجرد و دور از اجتماع بیشتر دچار بیماریهای عفونی، حوادث و اختلالات روانی می شوند. ارتباط اجتماعی سبب بهبود کیفیت زندگی و سلامتی می شود و در تغذیه با شیر مادر است که رابطه اجتماعی خود برقرار می گردد. چون خشنودی و رضایت مادران شیرده از زندگی بیشتر است نشاط و اعتماد به نفس بیشتری احساس می کنند.

در این نوع تغذیه وقت مادر کمتر گرفته می شود و او می تواند به سایر کودکان هم رسیدگی کند. به دیگران نیز عشق بورزد و با آنان ارتباط خوب برقرار نماید و احساس کند که وجودش لازم است و کسی نمی تواند جای او را بگیرد. شیر دادن قوی ترین پیوند عاطفی را بین مادر و فرزند ایجاد می کند و مادر را توانمند می سازد تا از عهده مادری بر آید.

شیردهی و سلامت جسمی و روانی مادر و کودک

قسمت اعظم رشد جسمی و تکامل روانی کودک در دو سال اول عمر صورت می گیرد و سریع ترین قسمت این رشد و تکامل در سال اول و به خصوص شش ماهه اول زندگی است. کودکان در ۲ سال اول زندگی بیشترین حساسیت را به عفونت های باکتریال دارند که این امر در مواردی موجب مرگ و میر و بروز ناتوانی های جسمی غیرقابل برگشت در آنان می شود.

شیر مادر دارای فواید زیادی است؛ از جمله فواید آن علاوه بر نقش مهم آن در تغذیه کودک، کاهش میزان ابتلای کودک به بیماری های مختلف از جمله بیماری های گوارشی و تنفسی و بیماری های اسهالی و عفونت های حاد تنفسی است. ایمن سازی کودک نیز بدون تغذیه او با شیر مادر ناقص است. چراکه شیر مادر، یک مایع بیولوژیک پیچیده و یک غذای بسیار مطلوب و ایده آل برای نوزاد



است و می‌تواند حداکثر تعادل تغذیه‌ای را از نظر کیفیت و کمیت برای نوزاد فراهم کند. لذا تغذیه انحصاری با شیر مادر برای ۶ ماه اول زندگی و تداوم آن همراه با تغذیه تکمیلی تا ۲ سال مورد تأکید قرار گرفته است. (کریمی و همکاران، ۱۳۹۳ و رودباری و همکاران، ۱۳۸۳)

علاوه بر بیماری‌ها و مشکلات نوزادی استفاده از شیر مادر تا ۲ سالگی بر روی بیماری‌های بزرگسالی نیز تأثیرگذار است. شیر مادر از شیوع دیابت در نوجوانان جلوگیری می‌کند و همچنین خطر عفونت‌های ادراری را کاهش و رشد عصبی کودک را افزایش می‌دهد. تحقیقات نشان می‌دهد که شیر دادن مادر ممکن است مادر را نیز در مقابل ابتلا به سرطان سینه و برخی سرطان‌های تخمدان محافظت کند. همچنین اثبات شده است که کودکانی که با شیر مادر تغذیه کرده‌اند، در نوجوانی کمتر دچار چاقی می‌شوند. (مرادکر و همکاران، ۱۳۹۰ و رودباری و همکاران، ۱۳۸۳)

توجه داشته باشید اگر چه تغذیه با شیر مادر ضروری است ولی باید از ۶ ماهگی به بعد همراه با ادامه شیردهی از غذاهای تکمیلی مناسب استفاده کرد. پس از ۶ ماهگی به دلیل رشد و تکامل سریع، تغییراتی در نیازهای تغذیه‌ای کودک روی می‌دهد که فقط شیر مادر پاسخگوی این نیازها نخواهد بود و به همین دلیل در سال دوم، استفاده از شیر مادر پس از دریافت غذای تکمیلی کافی توصیه می‌شود.

جدای از مسائل جسمی، شیر مادر باعث ارتباط عاطفی نوزاد با مادر شده و این ارتباط می‌تواند در سال‌های بعدی زندگی روی ثبات شخصیتی کودک تأثیرگذار باشد. (الهی‌دوست و همکاران، ۱۳۹۰) کودک تا ۷ ماهگی ماهیت خود را جدای از مادر نمی‌داند و به شدت به او وابسته است و شیردهی می‌تواند بر دلبستگی سالم کودک به مادر تأثیرگذار باشد و توصیه شده است که حتی اگر مادران شیر خود را به کودک نمی‌دهند با تماس بدنی مناسب و نوازش و توجه شیر شیشه را به کودک بدهند.

با وجود تأکید زیاد متخصصان بر لزوم شیردهی مادران، امروزه کاهش میزان‌های شیردهی، یکی از اساسی‌ترین مشکلات بهداشت عمومی است که دلایل آن را اشتغال مادران، نداشتن شیر کافی، نگرفتن سینه مادر توسط نوزاد و سیر نشدن نوزاد دانسته‌اند.

یکی از مهم‌ترین عوامل موفقیت مادران در شیردهی ارتباط مؤثر و سالم مادر و کودک بلافاصله پس از تولد است. بنابراین خط مشی‌های بیمارستانی و مراقبت‌ها و مداخلات مامایی در هنگام زایمان اهمیت زیادی دارند. مثلاً جداسازی مادر و نوزاد بلافاصله پس از تولد، یکی از مسائلی است که بر روند شیردهی تأثیرگذار است. جداسازی مادر و نوزاد پس از تولد، حتی به صورت کوتاه‌مدت می‌تواند منجر به کاهش موفقیت نوزاد برای شروع رفتارهای غریزی تغذیه‌ای و کاهش اعتماد به نفس مادر در ارتباط با شیردهی شود. هر نوع تجربه شیردهی موفق، توانایی مادر را برای شیردهی بالاتر می‌برد. بنابراین به نظر می‌رسد که اقدامات حمایتی در زمان تولد مانند به حداقل رساندن مداخلات و عدم جداسازی مادر و نوزاد می‌تواند بر موفقیت شیردهی مؤثر باشد. مراقبت مادرانه آغو شی، نوعی مراقبت از نوزادان است که در آن نوزاد در تماس پوستی با مادر حمل می‌شود. نوزادان هنگامی که در تماس پوستی با مادرشان قرار می‌گیرند، رفتارهای فطری را از خود بروز می‌دهند. بروز این رفتارها منجر به افزایش پاسخ به تحریکات بدن مادر و بروز و پیشرفت رفتارهای تغذیه‌ای در نوزاد می‌شود که در نتیجه آن، نوزاد پستان مادر را می‌گیرد و توانایی مکیدن را به دست می‌آورد و شروع به تغذیه می‌کند اما جداسازی نوزاد از مادر در این مرحله برای انجام اقدامات مرسوم بیمارستان با بروز این‌گونه رفتارها تداخل داشته و منجر به ایجاد اختلال در شروع شیردهی می‌شود. لذا جداسازی نوزاد از مادر بلافاصله پس از زایمان منجر به کاهش موفقیت در تغذیه با شیر مادر می‌شود (کریمی و همکاران، ۱۳۹۳)

موفقیت در شیردهی بر عوامل روانی مادر شامل آرامش و استرس، اعتمادبه‌نفس، افسردگی و سرحالی، پشتکار مادر، احساسات مادرانه و ایجاد محبت و وجدان مادری مؤثر است (الهی‌دوست و همکاران، ۱۳۹۲)

شیر مادر مهم‌ترین ماده غذایی است که کودک نیاز به تغذیه با آن دارد. علاوه بر تأثیر شیر مادر بر رشد جسمی کودک و حتی جلوگیری از بیماری‌های بزرگسالی، نحوه شیردهی و ارتباط و لمس درست کودک هنگام شیردهی بر اعتماد به نفس و آرامش مادر و نیز بر رشد عاطفی کودک و دلبستگی سالم مادر و کودک تأثیرگذار است.



شیردهی برای جسم و روان مادر نیز مفید است

مادران شیرده کمتر سرطان سینه می گیرند، احتمال ابتلا به حمله قلبی در آنان کم تر است، کمتر از دیگر مادران در معرض ابتلا به دیابت هستند و دیگر این که تغذیه با شیر مادر آزردهگی ناشی از زایمان را برطرف می کند و احساسات مثبت مادرانه را جلوه گر می سازد. اگرچه تاکنون تاثیر مفید و سودمند تغذیه از شیر مادر بر سلامت و رشد کودک اثبات شده است، اما نتایج تحقیقات جدید نشان داده است که شیردهی در عین حال برای سلامت جسم و روان مادر نیز حائز اهمیت است و نقش مهمی دارد. در ادامه برخی از آن ها آورده شده است....

مادران شیرده کمتر سرطان سینه می گیرند

تغذیه با شیر مادر علاوه بر نوزاد برای خود مادر نیز فواید زیادی را به همراه دارد. به این ترتیب احتمال ابتلا به سرطان پستان، احتمال شکستگی های استخوانی در سال های پیری، احتمال بروز چاقی و همچنین ابتلا به سرطان تخمدان در مادران شیرده نسبت به دیگر مادران کمتر است .

شیردهی احتمال ابتلا به حمله قلبی را در مادران کاهش می دهد

دکتر الانور بيملا شوارتز که سرپرستی تحقیق در این زمینه را در دانشگاه پیتزبورگ آمریکا بر عهده داشته در این باره خاطر نشان ساخت: هرچه مادر مدت بیشتری به نوزاد خود شیر بدهد برای سلامت هر دوی آن ها مفیدتر است. در واقع هر چه طول مدت شیردهی به نوزاد بیشتر باشد خطر ابتلا به حمله قلبی، سکتة مغزی و بیماری های قلبی عروقی در مادر کاهش پیدا می کند . نتایج این پژوهش که در مجله مامایی و طب زنان منتشر شده است حاکی از آن است زنانی که حداقل یک ماه در طول عمر خود به کودک خود شیر داده اند پس از یازدهگی کمتر با خطر ابتلا به دیابت، فشار خون بالا و افزایش کلاسترول مواجه می شوند. این فاکتورهای خطرزا همگی عوامل بروز بیماری های قلبی هستند.گفتنی است در این پژوهش ۱۳۹ هزار و ۶۸۱ زن یازدهسه مورد مطالعه قرار گرفته اند و نتایج بررسی آن ها برای متخصصان قابل توجه بوده است.

شیردهی، احتمال ابتلا به دیابت را در مادر کاهش می دهد!

بررسی های دانشگاه پیتزبورگ آمریکا بر روی بیش از ۲۰۰۰ زن نشان داد مادرانی که نوزادشان را با شیر خود تغذیه نمی کنند، دو برابر بیشتر از مادرانی که نوزاد را با شیر خود تغذیه می کنند و یا آن هایی که هرگز بچه دار نشده اند، به دیابت نوع دوم مبتلا می شوند . پژوهشگران در این بررسی بیش از ۲۰۰۰ زن ۴۰ تا ۷۸ ساله را آزمایش کردند. از این تعداد ۵۶ درصد مادران دست کم یک ماه نوزادشان را با شیر خود تغذیه کرده بودند.

دانشمندان دریافته اند ۲۷ درصد مادرانی که نوزاد خود را شیر نداده بودند، به دیابت نوع دو مبتلا شدند. میزان ابتلا تقریباً دو برابر زنانی بود که فرزندشان را با شیر خود تغذیه کرده بودند و یا هیچ زایمانی نداشته اند .

از سوی دیگر مادرانی که تمامی فرزندانشان را با شیر خود تغذیه کرده بودند بیشتر از زنانی که هرگز بچه دار نشده بودند، در معرض خطر ابتلا به دیابت نبودند. این تفاوت ها حتی پس از در نظر گرفتن سن، نژاد، فعالیت بدنی و مصرف دخانیات و الکل به قوت خود باقی بود.

نقش شیردهی در سلامت روان مادر

یکی از مشکلات فکری خانم ها به خصوص آن ها که برای اولین بار مادر می شوند، روش مادری کردن و چگونگی تربیت فرزند است. تغذیه با شیر مادر، طبیعی ترین و موثرترین راه پی بردن به نیاز طفل و اطمینان از برآورده شدن آن و مهم ترین قدم برای یاد گرفتن روش مادری است. مادری کردن خسته کننده است ولی تغذیه با شیرمادر برقرارکننده تعادل بین مراقبت کردن و مراقبت گرفتن است .

در حقیقت شیر دادن پلی بین مادر و کودک محسوب می شود. تغذیه با شیرمادر به ویژه شبها برای مادران مناسب تر از تغذیه کودک با شیر مصنوعی است زیرا نیاز به آماده کردن شیر نیست. مسافرت و رفت و آمد مادر در این روش تغذیه راحت تر است و در اورژانس ها و معطلی در ترافیک، مادر نگرانی ندارد زیرا شیر او همیشه و در همه جا در دسترس است. چون مادران هنگام شیر دادن می نشینند یا دراز



می کشند در حقیقت به استراحت اجباری دعوت می شوند که این استراحت برای حفظ سلامت آن ها لازم است. تغذیه با شیر مادر آزردهگی ناشی از زایمان را برطرف می کند و احساسات مثبت مادرانه را جلوه گر می سازد.

شیرمادر نه تنها در تامین سلامت جسمی و روانی شیرخوار ارزش و اهمیت فوق العاده ای دارد، بلکه برای سلامت جسمی و روانی مادری که شیر می دهد نیز مهم است.

شیر دادن، آزردهگی ناشی از زایمان را برطرف و احساسات مثبت مادرانه را جلوه گر می کند. رابطه مادر و فرزندی ناشی از شیردهی فرصتی با ارزش و استثنایی است زیرا مادرانی که خود شیر می دهند علاوه بر این که کمتر به سرطان پستان، استئوپوروز، آرتریت روماتوئید و کم خونی بعد از زایمان، مبتلا می شوند، استرس، افسردگی، خستگی و واپس گرایی نیز در آن ها کمتر است.

تغذیه با شیرمادر تماس بدنی صمیمی و مطلوبی ایجاد می کند. مادر و کودک از لحاظ روانی احساس یکی بودن می کنند و علاوه بر رفع نیاز شیرخوار، نیازهای روانی مادر نیز برآورده می شود.

شیر دادن منجر به رفتارهای بهداشتی تر مادر می شود. به عنوان نمونه او را وادار به ترک سیگار و با افزایش حس تندرستی، مراقبت وهمچنین وادار به ایجاد محیطی پر نشاط می کند که می تواند با آرامش بیشتر، درک بهتری از کودک خود داشته باشد و نیازهای او را برآورده کند.

شیر دادن کمک می کند تا مادر، مادر بودن را بیاموزد و با نرمی و انعطاف، پاسخگوی نیازهای کودک از قبیل نیازهای او به تغذیه، مراقبت و محبت باشد. تغذیه با شیرمادر تماس بدنی صمیمی و مطلوبی ایجاد می کند. مادر و کودک از لحاظ روانی احساس یکی بودن می کنند و علاوه بر رفع نیاز شیرخوار، نیازهای روانی مادر نیز برآورده می شود. مادرانی که خود به فرزندان شان شیر می دهند او را بهتر درک می کنند و برای آن ها محدودیت کمتری قائل می شوند. درجه حساس بودن این مادران به نیاز فرزندان شان بالا است. این حساسیت به مادر کمک می کند که نیازهای شیرخوار را سریع تر برآورده کند و رفتار درست را به موقع از خود نشان دهد.

نزدیکی و صمیمیت زیاد ناشی از شیر دادن، حس تشخیص و نیروی دریافت سریع تر و مطمئن تر احساسات و احتیاجات کودک و چگونگی تامین آن را نشان می دهد.

نتیجه گیری

به هر نوع تغییری که روی سیستم های دفاعی روان شناختی فرد اثر می گذارد، استرس می گویند. استرس که می تواند مثبت، منفی یا خنثی باشد، باعث تغییراتی در بدن می شود و تاثیرات روانی (ترس، اضطراب، سردرد)، جسمی (تپش قلب، گرگرفتگی، تعریق) و شناختی (تغییر دید فرد نسبت به محیط اطراف) دارد که تمام این مسائل می تواند بر سیستم ایمنی و هورمونی بدن اثرگذار باشد.

اختلال در ترشح بعضی از هورمون ها به صورت غیرمستقیم بر تمام بدن از جمله سیستم شیردهی اثر منفی می گذارد و می تواند موجب کاهش ترشح شیر و حتی تغییر مزه آن شود که این مطلب روی رشد نوزاد اثر نامطلوبی داشته باشد. به جز تاثیری که حالات روانی مادر بر شیر می گذارد، رفتار مادر افسرده، مضطرب و غمگین با نوزادش مناسب نیست و توجه کافی ندارد و حتی حالت های خود را به نوزاد منتقل می کند.

این رفتارها در ذهن کودک حک می شود و او را تحت تاثیر قرار می دهد. شیر مادر به غیر از منبع تغذیه برای کودک، منبع عاطفه و سیرکردن احساسات و نیازهای روانی کودک نیز می باشد. مادران به خصوص در دوران شیردهی باید شاد و بانشاط باشند؛ اما اگر در اثر شنیدن خبر ناگهانی ناگوار غمگین شدند و یا شرایطی پیش آمد که دچار حالت های عصبی یا افسردگی شدند، بهتر است به طور موقت یعنی حداکثر بین یک تا سه روز شیردهی را قطع و از شیر جایگزین یا غذای کمکی استفاده کنند و از خانواده و اطرافیان برای نگهداری از فرزند کمک بخواهند تا حالت روانی شان بهبود یابد. مادر پس از این مدت می تواند شیردهی را آغاز کند.



منابع

- الهی دوست، سعیده، ربانی، علی و شمس، بهزاد. (۱۳۹۲). زنان، مادری و شیردهی، پژوهشنامه زنان، پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی، ۴(۱)۳۸-۱.
- رودباری، مسعود، موسوی، ابوالفضل، اسدی، بهروز. (۱۳۸۴). بررسی طولی مدت شیردهی و عوامل مرتبط با آن در مادران با کودک کمتر از ۳ سال مراجعه کننده به مراکز بهداشتی درمانی زاهدان در سال ۱۳۸۳، مجله علمی دانشگاه علوم پزشکی سمنان، ۷(۲ و ۱)۱۶-۱۲.
- کریمی، فاطمه زهرا، باقری، سپیده، تارا، فاطمه، خدیوزاده، طلعت و موسوی بزاز، سیدمجتبی. (۱۳۹۳). بررسی تأثیر مراقبت مادرانه آغوشی بر خودکارآمدی شیردهی مادران، مجله زنان، مامایی و نازایی ایران، ۱۷(۱۲۰)۸-۱.
- مرادکر، ابراهیم، کلانتری، بهروز، کبیر، محمدجواد و ابدی، علیرضا. (۱۳۹۰). رابطه نوع تغذیه تا ۶ ماهگی و طول دوران شیردهی با چاقی کودکان ۲۴-۵۹ ماهه، مجله علمی دانشگاه علوم پزشکی گرگان، ۱۲(۲)۱۱۱-۱۰۷.



نقش مادر در رشد اجتماعی فرزند در سینمای دهه‌ی ۹۰ ایران با تکیه بر دو فیلم «دهلیز» و «ناهید»

محمد رضا رسولی؛ دانشجوی کارشناسی ارشد سینما، دانشگاه تهران

rasouliv@ut.ac.ir

پریسا کیومرثی؛ کارشناسی ارشد ادبیات نمایشی، دانشگاه تهران

pkiomarsi@yahoo.com

چکیده

مادر نقشی اساسی در تکوین مهارت‌های فردی و اجتماعی فرزند دارد. فرزند خردسال به دلیل ارتباط نزدیک با مادر نسبت به پدر، رفتارهای مادر را آموزش می‌بیند. نقش انسان در خانواده، متأثر از محیط بیرون و اجتماع است، به گونه‌ای که خانواده و اجتماع تأثیر متقابلی را روی یکدیگر می‌گذارند. انسان از کودکی با همراهی خانواده، سعی دارد که از لحاظ اجتماعی رشد کند و در این راه، مادر نقشی بنیادین را ایفا می‌کند. سینما به عنوان یکی از رسانه‌های تأثیرگذار در نقش‌آفرینی افراد در خانواده و اجتماع عمل می‌کند. در دهه‌های مختلف، بازنمایی شخصیت مادر در سینما دچار تغییر و تحولات مختلفی می‌گردد. مادران سینمای ایران نیز متأثر از زمانه و تحولات سیاسی، اجتماعی و فرهنگی دچار تحول بنیادین شده‌اند. رهیافت نظری این پژوهش بررسی نقش مادر در سینمای دهه‌ی ۹۰ ایران است. در این پژوهش ابتدا تأثیرات مادر در رشد اجتماعی فرزند نشان داده خواهد شد و پس از آن به این تأثیرگذاری در سینما پرداخته می‌شود. رویکرد این پژوهش در تبیین این اثرگذاری، به سینمای دهه ۹۰ ایران، خاصه دو فیلم «دهلیز» (۱۳۹۱) به کارگردانی بهروز شعبی و «ناهید» (۱۳۹۳) به کارگردانی آیدا پناهنده خواهد بود.

واژگان کلیدی: مادر، رشد اجتماعی فرزند، فیلم «ناهید»، فیلم «دهلیز».

مقدمه

رشد اجتماعی فرزند، بسته به جوامع مختلف و شرایط فرهنگی مختلف به صورت‌های متفاوتی اتفاق می‌افتد. برای این که مورد بحث این پژوهش بیش‌تر مفهوم گردد به دو فیلم از سینمای دهه‌ی ۹۰ ایران پرداخته می‌شود که در آن، مادران در غیاب پدر در خانواده دو نقش را ایفا می‌کنند. همچنین از انواع مختلف نظریه‌های رشد اجتماعی فرزند به نظریه‌ی فرزندپروری^۱ و نوع نگرش مادر از نگاه دایانا بامریند^۲ استفاده می‌شود. "بسیاری از کودکان به دلایل مختلف موفق به کسب مهارت‌های اجتماعی نمی‌شوند و اغلب رفتارهای رشد نیافته و ضد اجتماعی و نامناسب از خود بروز می‌دهند که باز هم می‌توان به نقش مؤثر خانواده در بروز این وضعیت رفتاری اشاره کرد." (نایلیتنگ^۳، ۲۰۱۰). بزهکاری پدر یکی از این مواقع است که فرزند نمی‌تواند رشد مناسب اجتماعی داشته باشد و نیاز است مادر بیش‌تر به وضعیت فرزند رسیدگی کند.

در این پژوهش، ابتدا رشد اجتماعی فرزند تبیین می‌شود و پیرامون آن، تعریف دایانا بامریند در این حیطه گفته خواهد شد. سپس با بررسی موردی فیلم‌های «دهلیز» و «ناهید» از سینمای دهه‌ی ۹۰ ایران به این موضوع پرداخته خواهد شد که فیلمساز ایرانی برای نشان دادن نقش مادر در این فیلم‌ها از کدام نوع نگرش مادر و فرزندپروری بهره برده است.

ضرورت پژوهش: این پژوهش به دلیل کنونی بودن این فیلم‌ها که مربوط به سال‌های اخیر دهه‌ی جاری هستند، ضروری به نظر می‌رسد، زیرا بایستی دید که زن امروزی در نقش مادر در سینما چگونه بازنمایی شده است؟ و در این بازنمایی جایگاه مادر در رشد اجتماعی فرزند چیست؟



سؤالات اساسی پژوهش

سؤالات مورد بحث از این قرارند: ۱. رشد اجتماعی فرزند چیست؟ ۲. نقش مادر در رشد اجتماعی فرزند چگونه است؟ ۳. کدام فیلم‌های ایرانی در دهه‌ی ۹۰ به نقش مادر پرداخته‌اند؟ ۴. فیلم‌های «دهلیز» بهروز شعبی و «ناهید» آیدا پناهنده چه نوع نگرشی به فرزندپروری و جایگاه مادر دارند؟

فرضیات پژوهش

فرضیات پژوهش از این قرارند: ۱. مادر در رشد اجتماعی فرزند تأثیرگذار است. ۲. سینمای ایران به نقش مادر در سال‌های اخیر بیش‌تر توجه کرده است. ۳. نظریات مختلفی از نقش مادر در رشد اجتماعی فرزند موجود است.

روش پژوهش

تحلیلی انتقادی است. این روش مبتنی بر رویکرد نقد تربیتی است.

رشد اجتماعی فرزند در مباحث روان‌شناختی جزء عناوینی است که نظریه‌پردازان مختلفی درباره‌ی آن به بحث پرداخته‌اند. مسئولیت‌پذیر کردن فرزند یکی از مهارت‌های والدین در این مسیر است. میرنا شرا^۱ هم‌نظر با این مورد می‌افزاید: آموختن مسئولیت‌پذیری یک مهارت مهم در زندگی است که باید در سنین کودکی آن را فراگرفت. کودکانی که این مهارت را می‌آموزند در بزرگسالی احساس غرور و افتخار خواهند کرد. (شر، ۱۳۹۳، ص ۲۱۶). برای بروز این مسئولیت‌پذیری نیاز به توجه والدین به فرزند است. در مواقع مختلفی والدین رفتارهای گوناگونی در قبال فرزند انجام می‌دهند. نظریه‌پردازان این رفتارها را در دسته‌های متفاوتی قرار داده‌اند. یکی از این نظریه‌پردازان دایانا بامریند است. نظر بامریند درباره‌ی فرزندپروری والدین است که در این مقوله به‌طور خاص نظریه‌ی وی درباره‌ی مادر لحاظ خواهد شد. همچنین نگاه این پژوهش دو سویه است، یعنی هم نقش مادر در فرزندپروری تبیین می‌گردد و هم انواع فرزندپروری در رشد اجتماعی بیان می‌شود.

نقش والدین (در این‌جا منظور مادر است) مراد ملک ملکان عنوان می‌کند که از منظر روان‌شناسان نقش والدین در فرزندپروری به سه دسته تقسیم می‌گردد:

"الف) نگرش سلطه‌گری: در این نگرش، والدین به فرزندان، محدودیت اعمال می‌کنند. به این صورت که برای دستورها و فرامینی که به فرزند می‌دهند، نیازی نمی‌بینند دلیل بیاورند. در این موارد، خواسته‌های فرزند محدود می‌شود و در برخی اوقات این خواسته‌ها سرکوب می‌گردند.

ب) نگرش تملکی: در این نوع نگرش، هرچقدر هم که فرزند مراحل تکامل را طی کند، والدین دوست دارند او در مرحله‌ی طفولیت بماند. بدین معنی که والدین با افراط در حمایت‌های گوناگون سعی دارند که فرزند را در تملک خود قرار دهند، به‌طوری که فرزند از هر نظر وابسته به والدین خود باشد. پدر و مادر هر چه دارند وقف فرزند می‌کنند، در عوض می‌خواهند که فرزند مستقل نشود و همیشه وابسته به آن‌ها باقی بماند. این والدین علاقه‌مندند که قطع وابستگی عاطفی فرزند، به تأخیر بیفتد.

ج) نگرش بی‌اعتنایی: در این نگرش، والدین عملاً در مراحل رشد اجتماعی کودک دخالت ندارند و خنثی هستند. نه برای فرزندشان تنبیهی در نظر می‌گیرند و نه تشویقی. به نوعی فرزند را به حال خود رها می‌کنند.

نه تنها مهر و محبتی به آن‌ها عرضه نمی‌دارند بلکه سرمشقی به عنوان الگو نیز در اختیار فرزند قرار نمی‌دهند. بنابراین انتظار عاقلانه فکر کردن از آن‌ها را ندارند و اساساً کنترلی نیز بر موقعیت‌ها و رفتار فرزند خود ندارند." (ملک ملکان، ۱۳۷۸). بنابراین رشد اجتماعی فرزند منوط به این سه دسته است. یعنی یا مادر، فرزند را محدود می‌کند یا وی را وابسته‌ی خود می‌داند و یا توجهی به رشد اجتماعی و تربیت فرزند خود ندارد.

از سوی دیگر بامریند، فرزندپروری را در چهار دسته تقسیم‌بندی می‌کند: ۱. مستبدانه^۱. ۲. مقتدرانه^۲. ۳. آسان‌گیرانه^۳. ۴. مسامحه‌کارانه^۴.

"فرزندپروری مستبدانه: محبت کم‌تر نسبت به فرزند و کنترل بیش‌تر نسبت به او از طرف والدین.

فرزندپروری مقتدرانه: هم محبت و هم کنترل والدین نسبت به فرزند، فراوان است.

فرزندپروری آسان‌گیرانه: کنترل کم‌تر نسبت به فرزند و محبت بیش‌تر نسبت به او، از طرف والدین.



فرزندپروری مسامحه‌گرانه: هم محبت و هم کنترل والدین نسبت به فرزند در درجه‌ی کمی قرار دارد." (بامریند، ۱۹۹۱).

با توجه به نظریه‌ی بامریند، بایستی فیلم‌های «دهلیز» و «ناهید» را بررسی کرد تا دید که از کدام نوع از فرزندپروری قرار دارند.

نقش مادر در سینمای دهه‌ی ۹۰ ایران:

نقش زن در سینمای ایران، دست‌خوش تغییراتی در طی دو دهه اخیر شده است. در سینمای قبل از نیمه‌ی دهه‌ی ۷۰ مخاطب شاهد بازنمایی چهره‌ی زنی سنتی به عنوان مادر را بود که در خانه می‌نشست، عموماً بی‌سواد بود، نقش اصلی کمتر ایفا می‌کرد و از این دست ویژگی‌ها را همراه خود داشت. از نیمه‌ی دهه‌ی ۷۰، کم‌کم زن به‌مثابه‌ی انسانی اجتماعی و کنشگر در سینما ایفای نقش کرد. رفته رفته، نقش زن پررنگ و پررنگ‌تر می‌شد. اعظم راودراد و مسعود زندی راجع به همین تفاوت‌ها می‌نویسند: "در سینمای قبل از سال ۷۶، وضعیت زنان درحالی‌که نقش اصلی آنان، خانه‌داری و کارکردهای مهمشان همسری و مادری و مهم‌ترین دغدغه‌هایشان دغدغه‌های خانوادگی و خویشاوندی است به عنوان وضعیت سنتی و تحت عنوان بازنمایی زن سنتی در فیلم‌ها نامگذاری شد و برعکس وضعیت زنان درحالی‌که نقش بیش‌تری در فعالیت‌های اجتماعی، شغلی و تحصیلی داشته و کارکردهای شغلی و مشارکت اجتماعی داشته باشند و دغدغه‌هایی فراتر از مسائل صرفاً خانوادگی و خویشاوندی داشته باشند و به مسائل اجتماعی کلان توجه داشته باشند به عنوان وضعیت مدرن و تحت عنوان بازنمایی زن مدرن نامگذاری شد." (راودراد، زندی، ۱۳۸۵، ص ۲۳ و ۲۴). رفته رفته این زن مدرن جایگاه خود را در جامعه تثبیت کرد و در سینمای دهه‌ی ۹۰، تصویر زنی نمایان می‌شود که علاوه بر دغدغه‌های اجتماعی نقش مادری خود را نیز بایستی ایفا کند و دوگانگی نشان دادن جایگاه مادری و نقش اجتماعی مادر باعث به وجود آمدن تصویری جدید از مادر در سینمای ایران شد. نگارنده با جستجوهای مکرر در فیلم‌های دهه‌ی ۹۰ به برخی از این آثار اشاره می‌کند: «قصه‌ها» (۱۳۹۰) رخشان بنی‌اعتماد، «من مادر هستم» (۱۳۹۰) فریدون جیرانی، «من همسرش هستم» (۱۳۹۰) مصطفی شایسته، «حوض نقاشی» (۱۳۹۱) مازیار میری، «دهلیز» (۱۳۹۱) بهروز شعبانی، «آذر، شه‌دخت، پرویز و دیگران» (۱۳۹۲) بهروز افخمی، «برف» (۱۳۹۲) مهدی رحمانی، «کوچه‌ی بی‌نام» (۱۳۹۳) هاتف علیمردانی، «ناهید» (۱۳۹۳) آیدا پناهنده، «ابد و یک روز» (۱۳۹۴) سعید روستایی، «بادیگارد» (۱۳۹۴) ابراهیم حاتمی‌کیا، «برادرم خسرو» (۱۳۹۴) احسان بیگلری، «خانه‌ای در خیابان چهل و یکم» (۱۳۹۴) حمیدرضا قربانی، «بیست و یک روز بعد» (۱۳۹۵) محمدرضا خردمندان، «زیر سقف دودی» (۱۳۹۵) پوران درخشنده، «تابستان داغ» (۱۳۹۵) و غیره. دلیل انتخاب دو فیلم «دهلیز» و «ناهید» این بود که در هر دو فیلم پدر بزهکار است و به دلیل این بزه، نقش تربیت و رشد اجتماعی فرزند به دوش مادر می‌افتد.

بحث:

«دهلیز»:

«دهلیز» اولین تجربه‌ی کارگردانی بهروز شعبانی است که وی در سال ۱۳۹۱ این فیلم را ساخت. داستان «دهلیز»، حول محور خانواده‌ای است که پدر به دلیل درگیری و قتل غیرعمد پنج سالی است در زندان به سر می‌برد و کودک ۷ ساله از وجود پدرش مطلع نیست. در این پنج سال، مادرش برای وی هم مادر بوده و هم پدر. در نهایت پسر متوجه می‌شود که پدری در دنیا دارد که به خاطر اشتباهی در گذشته اکنون تاوان می‌دهد. پسر به ملاقات خانواده‌ی مقتول می‌رود و شخصاً از اولیای دم تقاضای رضایت می‌کند.

تحلیل فیلم «دهلیز»:

مشخصات مادر: نگرش سلطه‌گری.

نوع فرزندپروری: آسان‌گیرانه.

ویژگی‌های فیلم: مادر، زنده بودن پدر را از پسر مخفی کرده است (به دلیل این که مبادا پدر قصاص شود و پسر آن را بداند). پسر، نسبت به سایر همکلاسی‌هایش کنترل کم‌تری می‌شود و در عوض، محبت بیش‌تری از مادرش می‌گیرد. در سکانس‌هایی که پسر، هم‌کلاسی‌هایش را اذیت می‌کند این مورد مشخص است. پسر، بند کفش هم‌کلاسی‌اش را می‌بند و او به زمین می‌خورد یا یا می‌میک صورت برای پسر همسایه ادا درمی‌آورد و یا روی روزنامه دیواری کلاس، شکلک می‌کشد. این‌ها همه نشان از این دارند که فرزند در غیاب پدر، کم‌تر کنترل شده است. راس دی پارک^۱ درباره‌ی این‌گونه خانواده‌ها که پدر به هر دلیلی غیبت دارد، می‌نویسد: "یک توضیح برای سطح نازل‌تر توانایی شناختی



فرزندان خانواده‌های تک‌والدی ممکن است این باشد که این کودکان کمتر مورد توجه بزرگسالان قرار می‌گیرند و به نسبت فرزندان خانواده‌های دو‌والدی با بزرگسالان تعامل کمتری دارند. احتمال کمتری وجود دارد که مادران مطلقه در وقت خواب برای کودکان خود کتاب بخوانند، امور روزمره‌ی مربوط به مراقبت از کودک را به شیوه‌هایی سرگرم‌کننده دنبال کنند یا حتی با فرزندانشان غذا بخورند." (پارک، ۱۳۸۱، ص ۱۶۱). در مورد «دهلیز» مادر دقیقاً همین ویژگی‌ها را دارد، برای پس خود کتاب نمی‌خواند، به دلیل این که می‌خواهد نقش پدری را هم ایفا کند از باقی مسائل تربیتی فرزند باز می‌ماند و این آزادی عملی به فرزند برای اعمال ناهنجار می‌دهد. یکی از مثال‌های اعمال ناهنجار این است که در سکانسی، پسر در غیاب مادر برای تراشیدن مداد خود از دستگاه تراش محل کار مادر استفاده می‌کند که به یکباره مادر از راه می‌رسد و جلوی فاجعه‌ای را می‌گیرد. بنابراین از دو جنبه می‌توان مادر درون این فیلم را تحلیل کرد: یک این که نگرشی سلطه‌گرانه دارد، به نوعی که مادر برای محافظت از فرزند دلایل کارهای خود را نمی‌آورد. مثال: مدرسه‌ی پسر را تغییر می‌دهد بدون این که دلیل قانع‌کننده‌ای به وی بدهد. دوم این که فرزندپروری درون این فیلم، از نوع آسان‌گیرانه است که مادر هم محبت مادرانه‌ی بیش‌تری نسبت به فرزند دارد و هم این که به دلیل پر کردن نقش پدر در خانواده، کنترل کمتری روی فرزند خود دارد.

«ناهدید»:

فیلم «ناهدید» اولین فیلم آیدا پناهنده در مقام کارگردان است که وی در سال ۱۳۹۳ آن را ساخت. داستان «ناهدید» حول محور خانواده‌ای می‌گذرد که مادر به دلیل اعتیاد پدر از وی جدا شده است. پسر که علاقه‌ای نسبت به پدرش دارد از ازدواج مجدد مادر جلوگیری می‌کند و در همین حین پدر معتاد از راه می‌رسد و به دلیل جریان ازدواج مجدد مادر، پسر را از مادر جدا می‌کند. برای اینکه فرزند همراه مادر زندگی کند، مادر بایستی قید ازدواج مجدد را بزند. اما در نهایت مادر به مردی که شوهر دوم وی محسوب می‌شود، می‌پیوندد.

تحلیل فیلم «ناهدید»:

مشخصات مادر: نگرش تملکی.

نوع فرزندپروری: آسان‌گیرانه.

ویژگی‌های فیلم: مادر برای تأمین مخارج زندگی، در کافی‌نتی مشغول به کار است. پسر، نسبت به محبت‌های مادر، به تنگ آمده است و دنبال کارهای خلاف است. در این مورد، پسر از پدرش الگوبرداری می‌کند. پدرش که اکنون از مادر طلاق گرفته است - حضانت پسر به عهده‌ی مادرش است - برای به دست آوردن پول با اسنان‌های ناباب آشنا می‌شود. پسر با دیدن این اتفاقات بیش‌تر برای الگوبرداری از پدر گام برمی‌دارد. از طرفی دیگر، شرط حضانت فرزند برای مادر این بوده که مادر ازدواج مجدد نکند.

حال که مادر با فردی ویلادار آشنا شده است، این اوضاع به هم می‌خورد. مادر برای نگه داشتن پسر نزد خود، حتی در فیلم از عشقش نیز می‌گذرد ولی در نهایت باز هم این شوهر دوم زن است که زن را نجات می‌دهد و زن در انتهای فیلم رابطه‌اش با شوهر دوم را از سر می‌گیرد. در این فیلم، پسری دیده می‌شود که فرزند طلاق است. فرانک فارستنبرگ^۱ و اندرو چرلین^۱ در مورد نقش پدر در پس از طلاق می‌نویسند: "هنگامی که این مردان به زندگی با همسران و فرزندانشان خاتمه می‌دهند، دیگر خود را پدران واقعی نمی‌بینند (یا همسران پیشینشان به آنان این گونه نمی‌نگرند). گویی وقتی ازدواجشان فسخ می‌گردد، دیگر جواز پدریشان نیز باطل می‌شود." (فارستنبرگ، چرلین، ۱۹۹۱). در این فیلم نیز این نگاه دوسویه است؛ بدین منظور که هم مادر، نقش پدر را دیگر قبول ندارد و هم این که خود پدر درست است که در ظاهر محبت پدرانه دارد ولی پسر را به جاهای ناباب و خلاف می‌کشاند. بنابراین در یک نگاه کلی از این فیلم این گونه استنتاج می‌شود که مادر در این فیلم، نگرشی تملکی دارد، یعنی اصلاً دوست ندارد پسر بزرگ شود و می‌خواهد در همه صورت پسر به وی وابستگی حفظ شود. به همین علت محبت بیش از حد در قبال پسرش دارد. از طرف دیگر نوع نگاه به فرزندپروری در این فیلم، فرزندپروری آسان‌گیرانه است. یعنی محبت فراوان از جانب مادر و کنترل کم‌تر از جانب وی. کنترل کم‌تر مادر حتی باعث شده است که وی در مدرسه کارهای نامناسب انجام دهد و نبود عنصری به نام پدر، باعث افت تحصیلی پسر شده است.

در جدول زیر به تفاوت‌ها و شباهت‌های استنتاجی دو فیلم مورد مطالعه پرداخته می‌شود:



جدول ۱. بررسی نقش مادر و فرزندپروری در فیلم‌های «دهلیز» و «ناهید»:

فیلم	نوع نگرش مادر	نوع فرزندپروری
«دهلیز»	سلطه‌گری	آسان‌گیرانه
«ناهید»	تملکی	آسان‌گیرانه

با توجه به این بررسی می‌توان دریافت در این دو فیلم در جایی که در خانواده بار زندگی بر دوش مادر است و پدر به دلیل بزه از خانواده جداست، مادران محبت بیش‌تری نسبت به حالت عادی به فرزندان دارند. همچنین به دلیل این‌که مادران در این مواقع، می‌خواهند نقش پدر را نیز در خانواده ایفا کنند، کنترل کم‌تری نسبت به فرزندان دارند. از این جهت، فرزندپروری در این دو فیلم از نوع آسان‌گیرانه است ولی رفتار مادر نسبت به فرزند، در این دو فیلم بسته به نوع شرایط اقلیمی، فرهنگی و اجتماعی موجود در آن‌ها متفاوت است. نتیجه‌گیری:

مادر، در خانواده نقشی مهم را ایفا می‌کند. نزدیکی فرزند به مادر نسبت به پدر باعث می‌شود که فرزند جایگاه مهم‌تری را به مادر خود بدهد. در این شرایط است که مادر اثرگذاری بیش‌تر در رشد اجتماعی فرزند دارد. یکی از راه‌های نشان دادن بروز این اثرگذاری در جامع، سینما است. در این مقاله، ابتدا نوع نگرش مادر به فرزند و انواع فرزندپروری بررسی شد. از سوی دیگر، پژوهش، نگاهی اجمالی به فیلم‌های دهه‌ی ۹۰ سینمای ایران و نقش مادر در آن‌ها داشت. سپس انواع فرزندپروری و نوع نگرش مادر در فیلم «دهلیز» و «ناهید» بررسی شد. در نهایت نتیجه از این قرار شد که در این دو فیلم وقتی که پدر حضور ندارد و مادر دو نقش ایفا می‌کند، امکان رشد اجتماعی فرزند در جهت منفی و معکوس بالاتر می‌گردد که متأثری از نوع فرزندپروری آسان‌گیرانه است. همچنین بسته به نوع شرایط اقلیمی، فرهنگی و اجتماعی نشان داده شده در این دو فیلم نوع نگرش مادر به فرزند در این دو خانواده متغیر است. بدین صورت که در فیلم «دهلیز» مادر نگاهی سلطه‌گرانه دارد و دلیلی برای توضیح کارهایش به فرزند ندارد، در حالی که در فیلم «ناهید» نگاه مادر، نگاهی تملکی است و نمی‌خواهد که فرزند مستقل گردد. برای عدم مستقل شدن فرزند، حاضر به هر محبتی در حق فرزندش می‌شود.



پارک، راس دی. (۱۳۸۱). *پدربری: نقش پدر در خانواده*، ترجمه‌ی سعید فضائلی هاشمی. مشهد: شرکت به‌نشر. راولدراد، اعظم و مسعود زندگی. (۱۳۸۵). "تغییرات نقش زن در سینمای ایران". *مجله جهانی رسانه* ۲: ۲۷-۱. شر، میرنا. (۱۳۹۳). *والد متفکر، کودک متفکر: آموزش تفکر به کودکان*، برای حل مشکلات رفتاری (تنبلی، پرخاشگری، بی‌نظمی و غیره)، ترجمه‌ی زهرا حبیبی (چاپ دوم). تهران: کتاب ارجمند.

ملک ملکان، مراد. (۱۳۷۸). "بررسی رابطه‌ی نگرش مادر نسبت به شیوه‌های فرزندپروری با یادگیری خودتنظیمی و پیشرفت تحصیلی دانش‌آموزان راهنمایی آباءه. پایان‌نامه‌ی کارشناسی ارشد"، دانشگاه تربیت معلم.

Baumrind, D. (۱۹۹۱). "Effective parenting during the early adolescent transition In

P.A.Cowan & E.M. Hetherington (Eds)". *Family Transitions* Vol.۲ pp ۱۱۱-۱۶۳.

Furstenberg, F & A. Cherlin. (۱۹۹۱). *Divided Families: What Happens to Children When Parents Part (The Family and Public Policy)*. Cambridge: Harvard University Press.

Nailing, X. (۲۰۱۰). *Family factors and Student outcomes*. Santa Monica: Rand Corporation.

فیلم‌ها:

پناهنده، آیدا. (۱۳۹۳). «ناهید».

شعبی، بهروز. (۱۳۹۱). «دهلیز».



جایگاه مادر در شعر معاصر عربی

دکتر علی افزالی؛ استادیار گروه زبان و ادبیات عربی، دانشگاه تهران

ali.afzali@ut.ac.ir

فرحان حرمشاهی؛ کارشناسی ارشد زبان و ادبیات عربی، دانشگاه آزاد اسلامی واحد دزفول

چکیده

جایگاه مادر در تربیت نسل‌های جامعه از جمله کارکردهای مثبت و غیر قابل انکاری است که باید در سطح والای جامعه مطرح گردد. از آنجایی که ادبیات و به ویژه شعر، قابلیت نفوذ و تأثیر شگرفی بر جان و روان بشر دارد و مخاطبان بسیاری به خود جلب می‌نماید، عرصه‌ی بسیار ارزشمندی برای بازتاب نقش مادر به شمار می‌رود. ادبیات معاصر عربی به واسطه‌ی ظرفیت‌های زبانی و عاطفی خود، تجلی‌گاه احساسات ناب ادیبان در موضوع شریف مادر بوده است. در این پژوهش با روش تحلیلی-توصیفی، ابتدا ضمن بیان معانی واژه مادر در متون دینی و ادبی، بازتاب جایگاه مادر در شعر عربی معاصر و درونمایه‌های آن مورد بررسی قرار می‌گیرد. مادر در شعر معاصر عربی، گاه مظهر عشق و دلدادگی است و عاشق؛ گاه معشوق است و همسر؛ دیگرگاه مادری دلسوز است و فداکار؛ گاه مظهر پارسایی و توکل و زمانی مظهر زهد و پرهیزگاری؛ گاه مظهر خردمندی و سیاستمداری و میهن پرستی است و در همه این احوال، معلم نیک اخلاق.

کلید واژگان: شعر معاصر عربی، مادر، جایگاه مادر در شعر.

مقدمه

نظام خانواده، کانون گرم و نخستین تربیت‌گاه انسان است. پدر و مادر دو رکن این نظام هستند و مادر، اساس، محور و ستون نظام خانواده است. مادر علاوه بر تحمل مشقات و سختی‌های دوران بارداری و زایمان و تحمل دوران شیردهی، نخستین مدرسه و اولین پایگاه تربیتی کودک است. کودک در این مدرسه، راه رفتن، غذا خوردن، سخن گفتن، عشق و محبت و علم و اخلاق را می‌آموزد. هویت زن، هویت جامعه است و در واقع ارزش گذاشتن به زن و کمالات و خدمات بی پایان او، ارزش گذاشتن به تمام اقشار جامعه است. مادری و مادر بودن، مفهوم بلندی است که زن را به درجه والای اشراق و تابش نور بر جان‌ها و اندیشه‌ها می‌برد و همین معنا و مفهوم بلند در ادبیات شرق و غرب، در گذشته و حال روزگاران، به مادر اختصاص داده شده و باعث گردیده، مادر در میراث فرهنگی عربی و اسلامی، جایگاهی ارزشمند و بی‌همتایی بیابد.

با توجه به مسئولیت بسیار سنگین مادر در نظام خانواده و بلکه در نظام خلقت، خداوند متعال بعد از اطاعت و بندگی خود، اطاعت و احترام به والدین خاصه مادر را فرمان داده است:

«وَقَضَىٰ رَبُّكَ أَلَّا تَعْبُدُوا إِلَّا إِيَّاهُ وَبِالْوَالِدَيْنِ إِحْسَانًا إِمَّا يَبْلُغَنَّ عِنْدَكَ الْكِبَرَ أَحَدُهُمَا أَوْ كِلَاهُمَا فَلَا تَقُلْ لَهُمَا أَفٌ وَلَا تَنْهَرَهُمَا وَقُلْ لَهُمَا قَوْلًا كَرِيمًا وَأَخْفِضْ لَهُمَا جَنَاحَ الذَّلْمِ مِنَ الرَّحْمَةِ وَقُلْ رَبِّ ارْحَمْهُمَا كَمَا رَبَّيَانِي صَغِيرًا» (اسراء/ ۲۳ و ۲۴)

خداوند متعال رنج‌ها و سختی‌هایی که مادر تحمل می‌کند را چنین بیان فرموده است:

وَوَصَّيْنَا الْإِنْسَانَ بِوَالِدَيْهِ إِحْسَانًا حَمَلَتْهُ أُمُّهُ كُرْهًا وَوَضَعَتْهُ كُرْهًا وَفِصَالُهُ ثَلَاثُونَ شَهْرًا. (احقاف/ ۱۵)

پیامبر اکرم (ص) و ائمه اطهار (ع) نیز در سخنان گهربار خویش این مقام و منزلت را بیان فرموده‌اند.

«در روایت آمده است که روزی فردی از پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم پرسید. ما حق الوالده؟ پیامبر (ص) جواب دادند:



هیئات هیئات لو آنه عدد رمل عاج و قطر المطر أيام الدنيا قام بين يديها ما عدل ذلك يوم حملته في بطنها. (یعنی هرگز نخواهی توانست! هرگز نخواهی توانست! اگر فرزند به تعداد ریگهای بیابان و قطرات باران در جهان، در ادای حق مادر بکوشد معادل روزی که مادر فرزند را در شکمش حمل می کرد هم نمی شود.) (قیانچی، ۱۳۷۴، ج ۱/ص ۵۴۸)

اندیشمندان و ادیبان در طول تاریخ و در تمامی سرزمینها و کشورها، با زبانهای گوناگون و با کمال ادب و احترام و با کلمات و عبارتهای دلنشین، سعی کرده اند که عشق و محبت خود را به مادر بیان کنند. امروزه گزین گویه های بی نظیر آنها در تاریخ جاودانه مانده است. جبران خلیل جبران عزت و آبرومندی مادر را عزت و آبرومندی یک ملت می داند؛ شکسبیر آغوش مادر را نرم ترین جای دنیا توصیف می کند؛ مارتین لوتر شیرین ترین چیز دنیا را قلب مادر می داند؛ ویکتور هوگو می گوید. اگر جهان کوچک گردد، مادر هم چنان بزرگ می ماند و ابراهام لینکلن تمام کمالات و پیشرفتهایی که به آن رسیده و یا در آینده به آن خواهد رسید مرهون و مدیون مادر خود می داند.

بحث و بررسی

۱-۲- فداکاری و دلسوزی مادر

ابوالقاسم الشابی (۱۹۳۴-۱۹۰۹م)، ایثار و از خود گذشتگی مادر را با این ابیات بیان می دارد.

الْأُمُّ تَلْتُمُ طِفْلَهَا وَتَضُمُّهُ حَرَمٌ سَمَاوِي الْجَمَالِ مُقَدَّسٌ
تَتَأَلَّهُ الْأَفْكَارُ وَهِيَ جِوَارُهُ وَتَعُودُ طَاهِرَةً هُنَاكَ الْأَنْفُسُ
حَرَمُ الْحَيَاةِ بِطَهْرٍهَا وَحَنَانٍ هَلْ فَوْقَهُ حَرَمٌ أَجَلٌ وَأَقْدَسُ
بُورَكَتْ يَا حَرَمَ الْأُمُومَةِ وَالصَّبَا كَمْ فَيْكَ تَكْتَمِلُ الْحَيَاةُ وَتَقْدَسُ (الشابی، ۱۹۸۸، ص ۱۷۸)

مادر کودک خردسالش را می بوسد و او را در آغوش می گیرد، آغوشی مقدس و با زیبایی آسمانی. دلواپس و شفیفته اوست، در حالی که همواره در کنار اوست و همواره نفس های پاک و مهر خود را نثار او می کند. پاک و مهربانی او حریم زندگی است. آیا حریمی بزرگتر و مقدس تر از حریم مادر وجود دارد؟ آفرین بر تو و خدایت خیر دهد ای آغوش عشق و مادری، چقدر زندگی با تو کامل شده و مقدس می گردد. شاعر در این ابیات، آغوش مادر را بهترین مکان برای کودک می داند که کودک در آن مکان آرام می گیرد و عشق و محبت مادری را در آن حس می کند. از دیگاه ابو القاسم الشابی آغوش مادر، مکانی مقدس و حرمی امن برای کودک است. کودک از این مکان است که تکاملش را آغاز می کند.

۲-۲- مادر: مدرسه ای اخلاق و خردمندی

حافظ ابراهیم (۱۹۳۲-۱۸۷۱م)، علت عقب ماندگی ملل مشرق زمین را، عدم توجه به تربیت زنان می داند. ابیات او، فریادی بر وجدان مردان شرق برای آماده کردن زنان، جهت ایفای نقش در تربیت نسلها است.

الْأُمُّ مَدْرَسَةٌ إِذَا أَعَدَّتْهَا أَعَدَّتْ شَعْبًا طَيِّبَ الْأَعْرَاقِ
الْأُمُّ رَوْضٌ إِنْ تَعَهَّدَ الْحَيَاةَ بِالسَّرَى أَوْ رُقَى أَيْ مَا إِبْرَاقِ
الْأُمُّ أَسْتَاذُ الْأَسَاتِذَةِ الْإِلَاحِيَّةِ شَغَلَتْ مَآثِرَهُمْ مَدَى الْأَفَاقِ (ابراهیم، ۱۹۹۸، ص ۶۹)

مادر مدرسه ای است که اگر خوب آن را تربیت کنی، ملتی با اصل و نسب را آماده کرده ای؛ مادر چونان باغچه ای است که گر باران به او رسد، بهترین میوه و سبزیها را می دهد؛ مادر استاد اساتید است؛ استادی که خوبی هایش تمام دنیا را فرا گرفته است. شاعر معتقد است که اگر زن خوب تربیت شود، قادر است به عنوان یک مادر نقش ایفا کند. لذا اگر مادران، فرزندان خود را خوب تربیت کنند آن جامعه در تمام زمینه ها پیشرفت می کند. معروف الرصافی (۱۹۴۵-۱۸۷۵م) مادر را آغازین مدرسه و مکتب تربیتی می داند.



بتربیة البنین أو البنات

فحضن الأمّ مدرسه تسامت

بأخلاق النساءِ الوالداتِ

واخلاق الوليدِ تقاس حسناً (الرصافی، ۲۰۰۰، ص ۱۶)

آغوش مادر با تربیت دختران و پسران، عنوان مدرسه به خود گرفت.

اخلاق مادران و فرزندان، معیار نیکی است.

معروف رصافی معتقد است که تربیت صحیح فرزندان در دامن مادری صورت می‌گیرد که خوب پرورش یافته باشند و لیاقت و شایستگی تربیت فرزندان را دارند.

۲-۳- احترام به مادر

معروف رصافی وجوب احترام به مادر را با اقتباس از آیه معروف قرآن کریم که در مقدمه بدان اشارت رفت، چنین بیان می‌کند:

أوجب الواجبات إكرامُ أمي إن أمي أحقُّ بالإكرامِ

حَمَلْتَنِي ثِقَالاً وَمِنْ بَعْدِ حَمَلِي أَرْضَعْتَنِي إِلَى أَوَانِ فِطَامِي

إِنَّ أُمَّي هِيَ الَّتِي خَلَقْتَنِي بَعْدَ رَبِّي فَصِرْتُ بَعْضَ الْأَنَامِ

فَلَهَا الْحَمْدُ بَعْدَ حَمْدِي إِلَهِي وَلَهَا الشُّكْرُ فِي مَدَى الْأَيَّامِ (الرصافی، ۲۰۰۰، ص ۲۸۰)

واجب‌ترین واجبهایی که به مادرم است. همان مادری که شایسته اکرام و نیکی است.

با سنگینی مرا حمل کرد و بعد از ولادتم تا دو سالگی مرا شیر داد.

همانا مادرم بعد از خداوند مرا خلق کرد، و جزئی از مردم شدم.

پس بعد از حمد و ستایش خداوند، حمد و ستایش از آن اوست، و شکر و سپاس در طول روزگار و ایام از آن اوست.

نزار قبانی (۱۹۹۵-۱۹۲۳م)، در قصیده‌ای بسیار دلنشین (۱۹۹۸، ص ۳۴۱)، مادر را مورد خطاب قرار می‌دهد.

أمی یا أعذب كلمة خرجت من فمی

مادرم. . . ای زیباترین کلمه ای که از دهنم خارج شد.

أمی یا أجمل كلمة سطرها قلمی

مادرم. . . ای زیباترین کلمه ای که قلم من آن را نوشته است.

أمی یا أغلى شيء في الوجود

مادرم. . . ای با ارزش‌ترین چیز در وجود

أمی یا أنشودة الطفل البريئة

مادرم. . . ای سرود کودک پاک.

أمی یا ملجأ الصبا وملاذ الفتوة

مادرم. . . ای پناگاه نو جوانی و پشتمانه جوانی

أمی إني أكبر وتكبرين في عيني ومهما كبرت فلن أستغني عنك

مادرم. . . من بزرگ می شوم و تو در چشمم نیز بزرگ می شوی، و هر چند که بزرگ شوم از تو بی نیاز نیستم.

أمی أنا بدونك لا أساوي شيئاً

مادرم . . . من بدون تو چیزی نمی‌ارزم.

أمی أنا بدونك كنبته بلا هواء وبلا ماء وبلا شمس

مادرم. . . من بدون تو گیاهی بدون آب و خورشیدم.

أمی یا رمز الحنان ویا بسمه الجنان

مادرم. . . ای نماد مهربانی وای لبخند بهشت.

أمی یا عنوان المحبة والعطف والألفة

مادرم. . . ای نشانه محبت و عطف و الفت.

أمی یا کل حرف له معنى

مادرم. . . ای هر حرفی که دارای معناست.

أحبك ملء حبات المطر

تو را به اندازه قطرات باران دوست دارم.

منبع الدفء أمی

منبع آسایش و گرمی مادرم

یا قلبی النابض

ای قلب تپنده من، مادر

أمی یا أروع إنسانه رأيتها في الدنيا

مادرم. . . ای جالب‌ترین انسانی که در دنیا دیده‌ام

نزار قبانی در این ابیات، لفظ مادر را شیرین‌ترین و تازه‌ترین لفظ می‌داند که تاکنون از دهان او بیرون آمده است.



نزار قبانی لفظ مادر را زیبا ترین کلمه ای می داند که قلمش تا کنون نوشته است. او مادر را با ارزشترین وجود می داند.

علی محمد هاشم در قصیده "إلی أُمی" چنین سروده است:

أنا ان ركعت ، لاجل عینک، اركع من غیر امی، تستحق، فاضع

أتریننی انی حنانک، حینما کانت عیونک، قبل عینی، تدمع

لولا الأمومه، فی الحیاه و طهرها هل کان بدر، قرب شمس یقع

انت الحیاء ، وفیک سرّ جمالها منک ابتدت وعلی شفاهک تلمع (هاشم ، ۱۹۹۸ م، ص ۳۶)

من اگر به رکوع می روم، به خاطر چشمان توست. چه کسی ای مادر مستحق احترام و خشوع است؟

آیا می پنداری که مهربانی ها و محبت های تو را فراموش کنم درحالی که چشمانت همیشه قبل از چشم من می گریست.

اگر مادر و پاکی او در زندگی نبود، آیا ماه هیچ وقت نزدیک خورشید می شد؟

تو تمام زندگی هستی و راز زیبایی های آن همه در وجود توست. زندگی از تو شروع می شود و با لب های تو می درخشد.

شاعر در این ابیات زیبا و پرمعنای خود مادر را شایسته احترام و خشوع و خضوع می داند و چه خوب به یاد می آورد آن زمانی که مادر برای او

اشک می ریخت قبل از اینکه او بگرید. از منظر شاعر، مادر منبع و سرچشمه همه خوبیها و برکات است. مادر مصداق و عینیت عشق و مهر

و محبت است.

۲-۴- مادر: سنگ صبور

بشاره الخوری (۱۸۸۵-۱۹۶۸م)، مادر را نماد صبر و تحمل معرفی می کند که در همه حال، پناه فرزندان است:

فها أنا أشکو الیک الجمیع فبالله یا أم ماذا ترین؟

فقلت، وقد ضحکت، أمها وماست من العجب فی بردتین

عرفتهم واحدا واحدا وذقت الذی ذقته مرتین (الخوری، ۱۹۶۱، ص ۲۳۴)

هان ای مادر اکنون از همه اینها نزد تو شکایت می برم ای مادر عزیزم به خدا قسم قسمت می دهم فقط بگو چه می بینی؟

پس مادرش در حالی که لبخند می زد و از شدت تعجب در میان دو ردا خرامیده بود:

گفت. تک تک آن ها را شناختم و تجربه کردم و چیزی که آن را چشیده بودم بار دیگر چشیدم.

شاعر در این قصیده، داستان دخترکی را روایت می کند که شکایت ها و ناراحتی هایش را برای مادر بازگو می کند و درد و دل هایش را با در میان

می گذارد تا شاید راحت تر بتواند آنها را تحمل کند. مادر که آن مشکلات را تجربه کرده لبخند می زند تا سختی را برای دخترش آسان کند و

به او می آموزد که باید به سختی ها لبخند زد. مادر با شنیدن آنها، گویی بار دیگر آن مصائب را تجربه می کند.

جورج شکور (- ۱۹۳۵)، همدردی مادر با فرزند را به تحمل مجدد دردها تشبیه می کند.

فتن بجنات الحیاه فدیتهنّ الامهات

أطیافهن تلفت النعمی وکره ذکریات (شکور، ۱۹۹۲م، ص ۲۶۱)

در زندگی افسونگری ها و دلربایی هایی هست که من آنها را فدای مادران می کنم.

روای مادران آسودگی فرزندان و تکرار خاطره هایی است که با فرزندان خود داشته اند.

شاعر همه زیبایی ها را فدای مادر خود می کند و هرگز خود را اسیر زیبایی ها نمی سازد که مبادا از یاد مادر غافل شود. چون خود مادر جلوه

زیبایی واقعی است.

۲-۵- مادر: سرچشمه ی مهربانی

رشید سلیم الخوری (۱۹۸۴-۱۸۸۴م)، مهر و محبت مادر را در این ابیات بیان کرده است:

أم رأیت رأسک فوق صد ر حنون خافی بمحبه الأم

فدعنی من نعیم الخلد انی نعیمی بین ذاک الصدر والقم (شراره عبد اللطیف، ۱۹۶۶م، ص ۲)



مگر ندیدی (چگونه) سر بر سینه مهربانی نهادی که با مهر مادری در تپش است؟

نعمت‌های بهشتی را به من نده، زیرا که بهشت من در میان این آغوش است.

شاعر در این دو بیت آغوش پر از مهر و محبت مادر را به بهشت تشبیه نموده است. از دیدگاه این شاعر آغوش مادر بالاتر از نعمت‌های بهشتی می‌باشد. در حقیقت بهشت واقعی یک فرزند، آغوش پر از مهر و محبت مادر است.

الیاس طعمه (۱۹۴۱-۱۸۸۹م)، مهربانی مادر را چنین نشان داده است:

یا قلبِ اُمی اُنْتَ ریحانُ قَلْبی اِلَی رِیْاهُ حَنَّانُ

ای قلب مادرم، تو بهار دل من هستی که به آن مهربانی نوشانده است.

یا قلبِ اُمی العَطْفُ فیکَ ثوی

ای قلب مادرم، مهربانی و عطوفت در درون تو قرار گرفته است.

۲-۶- رثای مادر

دکتر فوزی عطوی، در سروده ای با نام "وداع امی" به رثای مادرش پرداخته است:

مالی اودع اروم لقاء لما رحلت الرحله الزهراء

رویتنا الخلق النصیر، وشمنا فی الأُمَّة الاعلام والعلماء،

أماه، من لی با لشکاه ابثها فتلممین شکاتی استحیاء

أنا من اساغ علی یدیک کرامه واستاف منک الهمه السماء،

أماه یا حلم الحیاه ببسمه اسلتها، عبر الظلام، ضیاء

وفی کل خاطره اراک توهجا وبکل همس اجتلیک بهاء (عطوی، ۲۰۰۰م، ص ۴۹۰)

مرا چه شده است که از آن زمان که آن کاروان فروزان مادر بار سفر خود را بست و رفت امید به هیچ دیدار ی ندارم.

تو مارا از اخلاق نیک و نواب خود، سیراب کردی و در امت، مشهوران و بزرگان رابه ما نشان دادی.

ای مادرم شکایت‌های خود را پیش چه کسی ببرم و با چه کسی در میان بگذارم، حال اینکه تو قبلا درد و دل‌های مرا جمع می‌کردی و برای من ناراحت می‌شدی و دل می‌سوزاندی.

منم که کرامت و بزرگی را در میان دستان مهربان تو آموختم و همت‌های بزرگ را فرا گرفتم.

ای مادرم با آن لبخندهای روشن و فروزانت که آن را در میان ظلمت‌ها و تاریکی‌ها شب برای ما روانه ساختی، رویاهای شیرین زندگی‌ام شدی.

در هر خاطره‌ای تو را درخشنده و تابناک می‌بینم و در هر زمزمه‌ای، زیبایی تو را آشکار می‌کنم. در همه شرایط مهربانی‌های تو را به یاد می‌آورم.

شاعر لبخند مادر در شب تاریک و ترسناک را چراغ روشنی می‌داند که تاریکی را به روشنی تبدیل می‌کند و به کودک آرامش می‌دهد و برای کودک این لبخندها جزء خاطرات شیرین او می‌مانند و در هر زمزمه‌ای، زیبایی مادر برای او آشکارتر می‌شود و در همه شرایط مهربانی‌های مادر را به یاد می‌آورد.

نتیجه‌گیری

مادر، واژه‌ی محبوب همه‌ی زمان‌ها و مکان‌هاست. انسانی صبور، سلیم و فداکار که بی‌طمع به هیچ پاداشی، همه‌ی مصائب را پذیرا می‌گردد و بسا که به خاطر سلامت و سعادت فرزند خویش، حتی از حیات خود نیز دست می‌شوید. مادر، اساس هر خانواده است که نزد عرب نیز از جایگاهی والا برخوردار است.



دومین همایش ملی جایگاه و نقش مادر

2nd National Conference on the Status and the Role of Mother

تاریخ غنی ادبیات عرب و به ویژه شعر، ساحت کلانی برای تجلی احساسات صادقانه‌ی شاعران نسبت به مادر است. تبیین جایگاه خدادادی مادر، عرض ادب و احترام به ساحت مقدس او، برشمردن ویژگی‌های متعدد مادر از مهربانی و دلسوزی گرفته تا به اخلاق آموزش، از شب بیداری‌های مادر در دوران نوزادی کودک تا سنگ صبوریش در دوران بزرگسالی فرزندش، همه و همه موضوعاتی است که در شعر معاصر عربی نمود پیدا کرده است.

بی شک جایگاه مادر در شعر عربی، متأثر از فداکاری‌ها و ایثار زنانی است که خویشان را عاشقانه و ققنوس‌وار، فدای خانواده و کاشانه خود می‌کنند و از تن و جان شعله ورشان، نسل‌های آینده را برای دنیای پر فراز و نشیب، آماده می‌سازند.



منابع

قرآن کریم

ابراهیم، حافظ (۱۹۹۸م). دیوان، شرح یحیی شامی، بیروت: دارالفکر العربی.

الخوری، بشاره (۱۹۶۱م). دیوان شعر الاخطل الصغیر، بیروت: دارالثقافة.

الرصافی، معروف (۲۰۰۰م). دیوان، بیروت: دار العوده.

الشابی، ابوالقاسم (۱۹۸۸م). دیوان، تفدیم ودراسه عز الدین اسماعیل، بیروت: دار العوده.

شکور، جورج (۱۹۹۲م). زهرة الجمالیا، دمشق: دار الاخطل الصغیر.

عبدالطیف، شراره (۱۹۶۶م). الشاعر القروی، بیروت: دارصادر.

عطوی، فوزی (۲۰۰۰م). دیوان، بیروت: وزارة الثقافة والتعليم العالی.

قبانی، نزار (۱۹۹۸م). المجموعه الشعریه الكامله، بیروت: دار قبانی للنشر.

محمدهاشم، علی (۱۹۹۸م). دیوان عتاق، بیروت: الشركه العالمیه للكتاب.

نعمه، الیاس (۱۹۳۴م). دیوان، بیروت: دار الثقافة.



بررسی مفهوم زمین-مادر در اساطیر ایرانی با بررسی موردی ایزدبانوی کیریریشه

پریسا کیومرثی؛ کارشناسی ارشد ادبیات نمایشی، دانشگاه تهران

pkiomarsi@yahoo.com

چکیده

یکی از مفاهیم مشترک اساطیری در روایات مختلف در حوزه‌ی اسطوره‌شناسی مفهوم زمین-مادر یا مادر بودن زمین است. بررسی باورها و آیین‌های باستانی نشان می‌دهد که زمین مادر موجودات است و همه‌ی موجودات از زمین آفریده شده‌اند. از آن جهت که باروری، زایش و زندگی بخشیدن به هر چیز بی‌جان منسوب به زمین است و این همان وجه اشتراک میان زمین و مادر است می‌توان در تمام اسطوره‌ها آن را مشاهده کرد. این مفهوم در میان اساطیر ملل مختلف از جمله اساطیریونان، روم، هند و غیره وجود دارد. هدف پژوهش حاضر مطالعه و واکاوی این مفهوم در میان اسطوره‌های ایران است. در این پژوهش ابتدا مفهوم زمین-مادر تعریف خواهد شد و سپس همین مفهوم در اساطیر ملل دیگر معرفی می‌شود. پس از آن مفهوم زمین-مادر در اسطوره‌های تقسیم‌بندی شده‌ی ایران جستجو خواهند شد. در میان اسطوره‌های ایران در این پژوهش به بررسی موردی ایزدبانوی کیریریشه پرداخته خواهد شد.

واژگان کلیدی: اساطیر، ایران، زمین-مادر، کیریریشه.

مقدمه

مضمون‌های اساطیری با خاستگاه‌های مشترک در طول زمان به شکل دیگری بازتاب می‌یابند. این تغییرات در بازتاب‌های اساطیر فقط مربوط به آیین‌های مشترک نیست بلکه آیین‌های اقوام و ملل گوناگون در طول زمان و تاریخ جلوه‌گاه همین باورهای مشترک است. یکی از همین مضامین مشترک در اساطیر اقوام و ملل جهان نقش مادری زمین یا زمین-مادر^۱ است. این باور و آیین‌های آن در جهان گسترده‌ی قابل ملاحظه‌ای دارد و نمونه‌های آن در تمدن‌های آفریقا، اقیانوسیه، آمریکای شمالی و جنوبی، چین، ژاپن، یونان، بین‌النهرین، هند و مصر و غیره دیده می‌شود. این پژوهش به صورت موردی به شهریاری ایزدبانوی کیریریشه^۱ مادرخدای بزرگ در ایلام می‌پردازد.

روش پژوهش

بنا بر محور سوم همایش که مفهوم مادر در تاریخ، ادبیات، فرهنگ، فلسفه و دین است این مقاله به بررسی مفهوم مادر در سایر تمدن‌ها و ایران باستان می‌پردازد و سپس به طور موردی به بیان مفهوم مادر در تمدن ایلام می‌پردازد. ریشه و بنیان اسطوره‌ی زمین-مادر را باید از اساطیر کهن ملل مختلف جستجو کرد زیرا اسطوره‌ی آسمان-پدر و زمین-مادر در روایات گوناگون یافت می‌شود. چنان که در روایت پهلوی نوشته شده "هرمزد، آفریدگان را به صورت مادی آفرید... نخست آسمان را آفرید... سه دیگر زمین همه مادی آفرید." (بهار، ۱۳۷۵، ص ۴۴). میرچا الیاده^۱ در تاریخ ادیان تاکید دارد که "زمین موجودی شبیه خود زایید که قادر به پوشاندن سراسر زمین بود، یعنی آسمان پرستاره که می‌بایست جاودانه پایگاه امن خدایان نیکبخت گردد." (الیاده، ۱۳۷۲، ص ۲۳۸). اگر تاریخ هر آیین و مذهب بررسی شود شاید بتوان با دقت نسبتاً کافی گسترش اعتقادات مربوط به تجلیات زمین و باروری آن را معلوم کرد. مضمون و بن‌مایه‌ی اسطوره‌ی جفت آسمان و زمین مربوط به آفرینش کیهان است و در بیشتر تمدن‌ها یافت می‌شود. "تنها در تمدن مصر است چون تصادفاً واژه‌ی آسمان در دستور زبان آن سرزمین، مونث است، الهه نوت^۱ معرف آسمان و خدای نرینه گب^۱ نمودار زمین است." (الیاده، ۱۳۷۲، ص ۲۳۹). در تعریف زمین-مادر و بیان ویژگی‌های آن در اساطیر مختلف می‌توان به این نتیجه رسید که به راحتی می‌شود تمام نمونه‌های موجود در تمدن‌ها را به شمار آورد اما



ممکن است ضرورتی نداشته باشد زیرا این فهرست فقط جفت‌های کیهانی را مشخص می‌کند و به این ترتیب ارزش و معنای مذهبی خدایان و اساطیر نامعلوم باقی می‌ماند. در اسطوره‌ی آفرینش کیهانی، زمین نقش انفعالی دارد، حتی اگر نقش اولی و مقدم داشته باشد.

زمین- مادر

انبوه بسیاری از کتب درباره‌ی اسطوره‌ها و ادیان به اسطوره‌ی آسمان پدر و زمین مادر اشاره می‌کنند و در بیشتر آیین‌ها زمین به دلیل خاصیت باروری و زایش جنسیتی زنانه و مادروش دارد. "شمار کثیری از آیین‌ها مربوط به زمین و خدایان به‌ویژه مهین‌مادر است. زمین که به یک معنا، پایه و اساس کیهان محسوب می‌شود، دارای گرایش‌های عدیده‌ی مذهبی است. ریشه‌شناسی واژه، ظاهراً وجود عنصر ارضی^۱ را به نحوی بی‌واسطه و مستقیم، در آن معلوم می‌دارد." (الیاده، ۱۳۷۲، ص ۲۳۷-۸).

"براساس اساطیر، زمین موجودی هم‌تا با خویش یعنی آسمان آفرید. قبل از پیدایش رابطه‌ی دوجانبه‌ی زمین- مادر، زمین نیرویی آفریننده بود. دارای اعضای تناسلی دوگانه. هومر^۱ در یکی از سروده‌هایش می‌گوید: او زمین است که می‌سرایم / مادر هستی / ای زمین که می‌توانی به مردگان زندگی ببخشی / و آنان را در بر بگیری." (صدقه، ۱۳۷۷، ص ۷۲).

بررسی اعتقادات، باورهای کهن و آیین‌های باستانی نشان می‌دهد که زمین، مادر موجودات است و آن‌ها از زمین آفریده می‌شوند و هر آنچه از آن پدید آید، جان دارد و هر آنچه به زمین بازمی‌گردد، دوباره جان می‌یابد و معنای خاکی و از خاک بودن انسان تعبیر دیگری از زاده شدن او از زمین است. از آن جهت که "سرنوشت زمین بار گرفتن و زاییدن مستمر و شکل و زندگی بخشیدن به هر چیز بی‌جان و سترونی است که به خاک بازمی‌گردد." (الیاده، ۱۳۷۲، ص ۲۴۹).

ویژگی‌های زمین- مادر

ویژگی‌هایی هم‌چون جفت آغازین آسمان بودن، ساختار قدسی داشتن، باروری، زایش و تجدد حیات، همه متعلق به اسطوره‌ی زمین- مادر است. "همان چیزی است که در مورد زن هم صدق می‌کند. چرا که زن نیز به دنیا آورنده و تغذیه کننده است، و از نظر قدرت با الهه‌ی زمین هم‌ذات است." (کمبل^۱، ۱۳۷۷، ص ۱۳۳).

"پرستش زمین یا گایا^۱ در یونان گسترش قابل توجهی داشته است. بابلیان در مورد تیامت به عنوان الهه‌مادر و مادرزمین داشتند و آن را پرورش دهنده و بارور کننده زندگی می‌دانستند." (علامی، ۱۳۸۷-۱۳۸۶، ص ۱۲۶).

جنسیت زنانه‌ی زمین

"جنسیت زنانه یعنی باروری، زایندگی و قدرت پرورش آن، در اساطیر ایران و جهان نمودها و نمونه‌های روشنی دارد و طبق مندرجات بندهشن زمین جنسیتی زنانه دارد." (علامی، ۱۳۸۷-۱۳۸۶، ص ۱۲۶).

باروری زمین و زن

یکی از نخستین تجلیات زمین، توانایی پایان‌ناپذیر او در باروری و زایش است و از جهت تجدید حیات بسیار شبیه به زن (مادر) است. "در یک متن ودایی، زمین به زهدان زن تشبیه شده است و مرد به کشاورز. در یک ترانه‌ی عاشقانه‌ی مصری قدیمی، عروس به دلدادگی خویش می‌گوید: «من زمینم»." (صدقه، ۱۳۷۷، ص ۷۴).

این هم‌سانی باروری زمین با باروری زن، شاید بیشتر در جوامع کشاورزی مطرح بوده است، مثلاً یونانیان و رومیان در زمان‌های طولانی زمین مزروع و زهدان زن و عمل بارور کردن او را با کشت و برزگری همانند می‌دانستند و این هم‌سانی و مشابهت در بسیاری از تمدن‌ها، آداب و رسومی را به وجود آورده است.

جوزف کمبل نیز زمین را همچون مادری دانسته است که انسان را به دنیا آورده، از جسم خود او تغذیه کرده و او را پرورش داده است، یعنی نقش مادینگی و مادرانه را برای زمین قائل شده است. "زن بچه را به دنیا می‌آورد، درست همان طوری که زمین گیاه را متولد می‌کند و به بچه غذا می‌دهد، یعنی همان کاری که گیاه می‌کند، آن‌ها با هم پیوند دارند، تجسم نیرویی که صورت‌ها را متولد و آن‌ها را تغذیه به درستی مونث است." (کمبل، ۱۳۷۷، ص ۲۳۵).

زمین- مادر در اساطیر ایران



براساس روایات پهلوی آفرینش انسان از زمین و خاک شروع شده است و اسطوره‌ی زمین-مادر در اساطیر ایران وجود داشته است. "طبق روایت زادسپرم^۱، زمین مادر زایشمندان تلقی شده است. بامداد روز اورمزد، مینوی زمین، که خود سپندارمذ درست اندیش، مادر همه زایشمندان روی زمین است- که سرشت مادری او را از آغاز که دروغ (=اهریمن) به آفرینش تاخت تا واپسین روزهاست- به نیک مهری همه آفرینندگان را- چه همه فرزند اویند." (علامی، ۱۳۸۷-۱۳۸۶، ص ۱۲۷).

این نکته منطبق است با روایت پهلوی که آفرینش انسان را از خاک (گل) دانسته است. "چون [کیومرث] درگذشت، از صلب وی نطفه‌ای بیرون آمد و در زمین فرو رفت و چهل سال در رحم زمین ماند، از این نطفه دو گیاه شبیه ریواس رویید، سپس از جنس گیاه به جنس انسان تحول یافت، یکی نر و دیگری ماده، در قامت و صورت یکسان و نام ایشان مشی و مشیانه بود." (کریستن سن^۱، ۱۳۸۳، ص ۹۳).
"در اساطیر ایرانی نیز زمین مثل آسمان مقدس است و از یاران هرمزد در نبرد با اهریمن به شمار می‌آید و با سه عنصر دیگر، آب، آتش و باد عناصر اربعه را تشکیل می‌دهند، در ارتباط با تقدیس زمین که مهد آسایش است، کشاورزی در نزد زرتشتیان عملی اهورایی معرفی شده است." (علامی، ۱۳۸۷-۱۳۸۶، ص ۱۳۴).

باور اساطیری ازدواج آسمان و زمین در میان ایرانیان باستان وجود داشته است. «ایرانیان پیش از زرتشت، ایزد "آسمان" را در بالا و ایزدبانوی "زمین" را در پایین مقدس می‌دانستند و به آن احترام می‌گذاشتند، پیداست که مضمون پیوند بین آسمان پدر و زمین مادر از روزگاران بسیار کهن مانده است». "در یک اندیشه‌ی اساطیری باستانی که در دینکرد آمده به ازدواج میان نزدیکان اشاره شده است و به عنوان نخستین نمونه چنین ازدواجی از پیوند مقدس آسمان و زمین سخن به میان آمده است. در واقع بر پایه‌ی آن چه در دینکرد و سایر منابع اساطیری آمده است پیدایش سایر موجودات از این ازدواج مقدس بوده است." (علامی، ۱۳۸۷-۱۳۸۶، ص ۱۳۶).

بحث

فرهنگ ایلام- ایزدبانوی ایلام

از جمله کیفیات و خصوصیات با اهمیت دین و فرهنگ ایلامی که تحت تأثیر بین‌النهرین بود و بر ایرانیان بی‌تأثیر نبود احترام به زن و باور به مادر ازلی بود که موجب بقا و تداوم قوم می‌شود. هینتس^۱ در کتاب *شهریاری ایلام* می‌گوید "از جمله خصوصیات دین ایلام تقدم و احترام فوق‌العاده کهن و مستمری فرهنگ ایلام برای زن و زنانگی قائل است و تقدیس مار که ریشه در جادو دارد." (هینتس، ۱۳۸۶، ص ۵۱).
"وجود ساختارهای مادرسالاری در آسیای غربی، از نجد ایران گرفته تا دریای مدیترانه، متعلق به عصری بسیار کهن است و به احتمال قوی، علت اصلی آن باور به مادری ازلی است که سبب بقای قوم است، و این خود در پی روی آوردن جوامع میان‌سنگی و نوسنگی این منطقه به کشاورزی است که زنان در کشت و برداشت آن نقشی اصلی داشته‌اند. نماد آن در این تمدن وجود پیکرک‌های زن پوشیده یا معمولاً برهنه‌ای است با سینه و ران‌های درشت که از اکثر حفاریات متعلق به عصر پیش از تاریخ و گاه تاریخی این منطقه به دست آمده است." (بهار، ۱۳۸۴، ص ۱۳۹).

اولین و ابتدایی‌ترین سند موجود در ایلام پیمان‌نامه‌ای درباره‌ی اهمیت زن و مادرسالاری است. هینتس در این باره می‌گوید: "در نخستین سند موجود ایلامی، پیمان‌نامه‌ای از حدود ۲۲۶۰ پیش از میلاد (لوح ۲۱)، تقریباً نام تمام خدایانی که حتی به هنگام سقوط شهریاری ایلام (حدود سال ۶۴۰ پیش از میلاد) ایزدکده‌ی ایلامی را می‌ساختند، دیده می‌شود. حتی در این اولین حضور آن‌ها در روشنائی تاریخ، این ایزدان در چنان نظمی ظاهر می‌شوند که نشان می‌دهد دنیای خدایان ایلامی در همان سده‌ی ۲۳ پیش از میلاد نیز بسیار کهن بوده است." (هینتس، ۱۳۸۶، ص ۵۲).

ایزدبانو پیننکیر^۱

نشانه‌ی دیگری که باز هم می‌تواند مادرسالاری و اهمیت زن را در ایلام مشخص کند وجود یک مادرخدا یا ایزدبانو در رأس سایر ایزدان است. هینتس به این مورد نیز اشاره کرده است. "در رأس این ایزدان، یک ایزدبانو قرار دارد، و این مشخصه‌ی دین ایلامی است، زیرا پیمان‌نامه‌ی مذکور با این خطاب آغاز می‌شود: "گوش بسپارید ایزدبانو پیننکیر و شما ای خدایان نیک آسمان!" حتی در روزگاران بعدی هم پیننکیر برای ایلامی‌ها خدایی است "حاکم آسمان" و قادر بر نازل کردن بلا. بین‌النهرینی‌ها در پیننکیر نوعی ایشتار^۱ (در کتاب مقدس:



عشتارت^۱ می‌دیدند. ظاهراً او "مادر خدای بزرگ" ایلامی‌ها بوده است. این که در انجمن ایزدان ایلام کهن، ایزدبانویی بسیار بالاتر از بقیه بر دیگر ایزدان ریاست می‌کند نشان دهنده‌ی مادر سالاری در میان پیروان این دین است. " (هینتس، ۱۳۸۶، ص ۵۲).

مادرخدایان

وجود ایزدبانویی بالاتر از سایر ایزدان نشان دهنده‌ی تقدس زن و مادر در ایلام کهن بود. علاوه بر ایزدبانو پیننکیر که متعلق به شوش بود، مادرخدای دیگری هم وجود داشت. "مادرخدای دیگری در منتهی‌الیه جنوب شرقی ایلام، در کرانه‌ی خلیج فارس، نیز وجود داشت. نام او کیریریشه و مقرش در لیان (بوشهر) بود. البته کیریریشه در اصل نام خاص نیست، بلکه لقبی است به معنای "ایزدبانوی بزرگ". کیریریشه به مرور از لیان به شمال غربی رخنه کرد. این از آن‌جا معلوم می‌شود که شاهان و شاهزادگان عصر ایلامی میانه و نو در نقاط مختلف خوزستان معابدی برای او ساخته‌اند. در خود پایتخت، یعنی شوش، کیریریشه عنوان باشکوه "مادر خدایان" و "بانوی معبد بالا" را داشت. با این همه کیریریشه به هیچ وجه با پیننکیر که از روزگاران کهن ایزدبانوی شوش بود نیامیخت. " (هینتس، ۱۳۸۶، ص ۳-۵۲).

"در سال ۷۱۰ پیش از میلاد شاهزاده‌ای هنه^۱ نام در آبیپر^۱ (ایذه) در کنار نام کیریریشه به نام ایزدبانویی پارتی متوسل می‌شود و او را با اسم "مادرنیک خدایان" ستایش می‌کند. این ابهام گیج‌کننده درباره‌ی "مادرخدا"، یعنی قائل شدن به دو یا سه مادرخدا، با توجه به توسعه‌ی تاریخی ایلام قابل توجیه است و در عین حال منعکس‌کننده‌ی تقسیم‌بندی ایالتی سرزمین است. ظاهراً در تمام دوره‌ی ایلام مادرخدای خاص خود را داشته: در خوزستان پیننکیر که احتمالاً خاستگاهش کوه‌های شمالی بوده، در بخش جنوبی ایلام در سرزمین دریایی، یعنی بر کرانه‌ی خلیج فارس، کیریریشه و در سرزمین کوهستانی انزان در ایلام شرقی پارتی. شگفت‌انگیز است که اعتقاد به حداقل دو یا سه مادرخدا سبب تشویش خاطر ایلامی‌ها نمی‌شده است. به احتمال زیاد کیریریشه در هزاره‌ی دوم پیش از میلاد در سراسر ایلام بر دیگران غلبه یافته است. اما مادرخدایان کهن محلی نیز هم‌چنان در کنار او وجود داشتند. از سر احتیاط برای هر دو ایزدبانو، یعنی ایزدبانوی محلی و ایزدبانوی مهاجر، معابد جداگانه می‌ساختند و به هر یک نذورات جداگانه تقدیم می‌کردند. ظاهراً در یک محل واحد بیش از دو مادرخدا را نمی‌پرستیدند. ظاهراً شوش استثنا بوده است. در آن‌جا، در اواخر عمر شهریاری، احتمالاً در کنار پیننکیر و کیریریشه شواهدی از پارتی هم در اختیار است. حتی در هزاره‌ی سوم پیش از میلاد نیز این "مادرخدایان بزرگ" بدون رقیب در رأس ایزدکده‌ی ایلام قرار داشتند. اما در طول هزاره‌ی دوم تغییری پدیدار شد. همین که نزد ایلامیان مادرسالاری کهن اندک‌اندک در برابر حق بیش‌تری که مرد می‌یافت جا خالی کرد. مادرخدا، که در این زمان پیننکیر یا کیریریشه بود، با اکراه بالاترین مقام خدایی را به یک خدای مذکر واگذاشت. این مادرخدا هیچ‌گاه از گروه اصلی خدایان ایزدکده‌ی ایلامی کنار نرفت و در هر حال مقام برتر خود را همیشه در دل مردم‌عامی نگاه داشت. " (هینتس، ۱۳۸۶، ص ۵۳ و ۵۴).

در کلیت‌های آیینی و اساطیری که در سیر پژوهش مرور شد، زمین در ابتدا به این دلیل با اهمیت است که توانایی‌اش در باروری و باردهی، نامحدود است. زمین به مرور به مادر بذر و دانه تبدیل شده است. اما تجلی‌های الهی هرگز از چهره‌ی ایزدبانوان زمین زوده نمی‌شود و صفات و متعلقات زمین در چهره‌ی آن‌ها قابل تشخیص است. در تمام تمدن‌های ملل مختلف اسطوره‌ی زمین-مادر و ویژگی‌های آن قابل اثبات است. باور اساطیری زمین-مادر در میان ایرانیان باستان وجود داشته است. ایرانیان باستان ایزدبانوی "زمین" را مقدس می‌دانستند و به آن احترام می‌گذاشتند، مضمون پیوند بین آسمان پدر و زمین مادر از روزگاران کهن در ایران باقی مانده است. در اندیشه‌ی اساطیری که در دینکرد آمده به ازدواج میان نزدیکان اشاره شده است. بر پایه‌ی آن‌چه در دینکرد و منابع اساطیری دیگر آمده است پیدایش سایر موجودات از ازدواج مقدس آسمان و زمین بوده است. فرهنگ و دین ایلامی بر ایرانیان بی‌تأثیر نبوده است. تأثیرپذیری و تأثیرگذاری دین از تحول مادرسالاری به پدرسالاری در تمدن ایلامی بوده است. وجود مفهوم زن‌سالاری و مادرسالاری در آسیای غربی، از فلات ایران گرفته تا کرانه‌های دریای مدیترانه و سایر مناطق دیگر، همه متعلق به عصری بسیار کهن است. علت اصلی این باور کهن به مادری ازلی یا مادرخدا یا مادرخدایان است که سبب تداوم نسل و بقای یک قوم و قبیله می‌شود. در پی آوردن جوامع میان‌سنگی و نوسنگی به سوی کشاورزی و باروری زمین که زنان در کشت و برداشت آن رکن اصلی بودند این مفهوم محکم‌تر می‌شود.

نتیجه‌گیری



بر پایه‌ی باورهای اساطیری بسیاری از تمدن‌ها، موجودات عالم حاصل و نتیجه‌ی ازدواج آسمان و زمینند و ارزش‌های نمادین بسیاری دارند. آفرینش انسان از خاک و بازگشت او به خاک و زایش دوباره‌ی او از خاک است که بازتاب آن در اساطیر، قابل اثبات است. زمین به عنوان مادر موجودات مقدس شمرده می‌شود. در اساطیر کهن ایران، بر اساس آنچه در دینکرد و بندهشن به زنانگی و باروری زمین اشاره شده است و پیدایش سایر موجودات از ازدواج مقدس آسمان و زمین بوده است. دین ایلامی و فرهنگ و آیین آن بر ایرانیان بی‌تأثیر نبوده است. تأثیرپذیری دین از تحول مادرسالاری به پدرسالاری در تمدن ایلامی بوده است. تقدس زن و مادرسالاری در ایلام بیش از سایر تمدن‌ها مشهود است. علت اصلی این باور کهن گرایش به مادرخدا یا مادرخدایان است. اعتقاد ایلام به مادر ازلی سبب تداوم نسل و بقای یک قوم و قبیله می‌شد. در پی آوردن جوامع میان‌سنگی و نوسنگی به سمت و سوی زراعت، کشاورزی و باروری زمین که زنان در کشت و برداشت آن جزو ارکان اصلی بودند این مفهوم را محکم‌تر می‌کرد.



منابع

- الیاده، میرچا. (۱۳۷۲). رساله در تاریخ ادیان، ترجمه‌ی جلال ستاری. تهران: سروش.
- بهار، مهرداد. (۱۳۸۴). از اسطوره تا تاریخ (چاپ چهارم). تهران: نشر چشمه.
- بهار، مهرداد. (۱۳۷۵). پژوهشی در اساطیر ایران (پاره‌ی نخست و پاره‌ی دوم). تهران: آگه.
- صدقه، جان. (۱۳۷۷). "زمین در اساطیر کهن"، ترجمه‌ی محمدرضا ترکی. شعر ۲۲: ۷۵-۷۲.
- علامی، ذوالفقار. (۱۳۸۶-۱۳۸۷). "آسمان پدر و زمین مادر در اساطیر ایرانی و شعر فارسی"، فصل‌نامه‌ی علمی پژوهشی علوم انسانی دانشگاه الزهراء (س) ۶۸ و ۶۹: ۱۴۳-۱۱۹.
- کریستن‌سن، آرتور. (۱۳۸۳). نمونه‌های نخستین انسان و نخستین شه‌ریار در تاریخ افسانه‌ای ایران، ترجمه‌ی ژاله آموزگار و احمد تفضلی (چاپ دوم). تهران: نشر چشمه.
- کمبل، جوزف. (۱۳۷۷). قدرت اسطوره: گفتگو با بیل مویرز، ترجمه‌ی عباس مخبر. تهران: نشر مرکز.
- هینتس، والتر. (۱۳۸۶). شه‌ریاری ایلام، ترجمه‌ی پرویز رجبی. تهران: نشر ماهی.



نقش و جایگاه مادر در تربیت فرزندان

محمدقدرتی؛ دانشجوی کارشناسی ارشد فقه و حقوق اسلامی

mohamad.ghodrati۱۳۷۳@gmail.com

چکیده

خانه و خانواده نخستین محیطی است که انسان را تحت تأثیر فضا و روابط و مناسبات خود قرار می دهد. همه چیز این محیط و بخصوص عوامل انسانی آن بسیار تأثیرگذار است خانواده بنیادی ترین نهاد در جامعه ی انسانی است که وظیفه ی تربیت و سازندگی افراد و انسان هارابرعهده دارد و اگر افراد نتوانند خانواده هارا تحکیم بخشند و افرادی با ایمان در آن پرورش دهند نمی توانند جامعه ای ایده آل برای نسل آینده بسازند بنابراین در جستار حاضر نویسنده بر آنست یاروش تحلیلی اسنادی و استفاده از روش کتابخانه ای به تبیین ویژگی های مادر در تربیت فرزندان با اخلاق و تربیت اسلامی بپردازد. نتایج بیانگر آن است که دامن مادر بزرگترین مدرسه ای است که بچه در آنجا تربیت می شود. آنچه که بچه از مادر می شنود غیر از آن چیزی است که از معلم می شنود والدین در انتقال ارزشها نقش الگو را بر عهده دارند. کودک با رفتار کردن شبیه والدینش، مهر و محبت آنها را حفظ و از تنبیه و سرزنش آنها پرهیز میکند. اگر پدر و مادر خود دروغ بگویند نمی توانند کودک را بدعت زبانی به راست گفتن پرورش دهند و هر یک از پدر و مادر برای کودک الگویی هستند که از رفتارشان پیروی می کنند و مهم ترین مشکل کودکان و نوجوانان امروزی در خانواده ها کمبود عشق و عاطفه و محبت است همان طوری که انسان نیاز به آب و غذا دارد نیاز به محبت هم دارد بلکه نیازهای عاطفی و معنوی او به مراتب بیشتر از نیازهای جسمانی اوست. محیط خانوادگی آکنده از محبت، سبب تلطیف عواطف و رشد فضایل در افراد می شود؛ و کسانی که در محیطی با محبت پرورش می یابند، به ارجمندی می رسند و می آموزند دیگران را دوست بدارند و در اجتماع رفتاری انسانی داشته باشند فرزندان که از عقده حقارت و فقر عاطفی رنج می برند و برای خود هیچ گونه ارزشی قائل نیستند، نمی توانند افرادی مورد اعتماد باشند و مسئولیتی را در جامعه عهده دار شوند. سایر افراد جامعه نیز از شر این افراد در امان نخواهند بود

کلیدواژگان: مادر، تربیت، خانواده، اسلام، محبت، نقش

مقدمه

خانه و خانواده نخستین محیطی است که انسان را تحت تأثیر فضا و روابط و مناسبات خود قرار می دهد. همه چیز این محیط و بخصوص عوامل انسانی آن بسیار تأثیرگذار است و تأثیرپذیری کودک و روابط عاطفی درون خانواده بر آن می افزاید سالهای نخست تربیت بسیار اهمیت دارد زیرا در این سالهاست که ساختار جسمانی، عاطفی، اخلاقی و عقلانی شکل می گیرد کودک در خانواده چشم به جهان می گشاید و عادات و اخلاق خود را از خانواده فرامی گیرد، و روابط انسانی و عاطفی را در آنجا می آموزد. پدر و مادر به کفالت کودک قیام می کنند و به تربیت او اهتمام می ورزند و کودک به سبب میل به تقلیدش، از پدر و مادر تقلید می کند و بشدت تحت تأثیر اموری قرار می گیرد که او را احاطه کرده است رشد جسمانی کودک تحت تأثیر محیط خانوادگی و مسائل مختلف زندگی خانوادگی است. فقر و غنا، فراوانی امکانات مناسب یا فقدان آنها، از جمله هوای آزاد آفتاب، روشنائی و نور کافی، پاکیزگی و نظافت، استراحت کافی، غذای سالم و بهداشتی، امکانات مقاومت در برابر بیماریها و وسایل پیشگیری، و درمان بیماریها همگی در رشد جسمانی کودک مؤثر است. کودک از تمام گرایشها و محرکهای درون خانواده تأثیر می پذیرد و رفتار او به تبع رفتار خانواده شکل می گیرد (دلشادتهرانی، ۱۳۸۲، ۴۸)

اسلام به عنوان یک مکتب انسان ساز، بیشترین عنایت را به تکریم، تنزیه و تعالی خانواده دارد و این نهاد مقدس را کانون تربیت و مهد مودت و رحمت می شمارد و سعادت و شقاوت جامعه انسانی را منوط به صلاح و فساد این بنامی داند و هدف از تشکیل خانواده را تأمین نیازهای مادی



عاطفی ومعنوی انسان از جمله دستیابی به سکون و آرامش برمی شمرد. خانواده بنیادی ترین نهاد در جامعه ی انسانی است که وظیفه ی تربیت و سازندگی افراد و انسان هارابرعهده دارد و اگر افراد نتوانند خانواده هارا تحکیم بخشند و افرادی با ایمان در آن پرورش دهند نمی توانند جامعه ای ایده آل برای نسل آینده بسازند و از فرهنگ ایمانی خود به جامانده و به اهداف متعالی خود نمی رسند (حسن زاده، ۱۳۹۳) بنابراین در جستار حاضر نویسنده بر آنست یاروش تحلیلی اسنادی و استفاده از روش کتابخانه ای به تبیین ویژگی های مادر در تربیت فرزندان با اخلاق و تربیت اسلامی بپردازد.

تربیت در خانواده

امر تربیت فرزندان وجود دارد که والدین برتر به آن ها توجه کرده و در تربیت فرزندان وجود دارد که سرنوشت ساز را مدنظر قرار می دهند. توجه به این نکته از اساسی ترین حقوق فرزند بر عهده پدر و مادر می باشد. انتخاب پدر یا مادر صالح، غذایی که طفل خورنده می شود، شرائط و رفتار مادر در دوران بارداری، نامگذاری کودک، چگونگی تأمین نیازهای جسمی و روحی، توجه به شخصیت فرزند، عقیقه، صدقه، دعا و نفرین والدین، نحوه گزینش دوستان، شیوه تشویق و تنبیه و ده ها عامل دیگر از جمله مسائلی هستند که در حالات، ویژگی های شخصیتی، خلق و خوی و خصلت های آینده کودک تأثیر دارد و انتخاب های وی را در مسیر زندگی رقم می زند. به همین جهت در سیره اهل بیت علیهم السلام به این حقوق فرزندان اهمیت بیشتری داده شده است (پاک نیا، ۱۳۸۲، ۲۵) امام خمینی (ره) می فرمایند: مربی انسان زن است و سعادت و شقاوت کشورها وابسته به وجود زن است زن با تربیت مهم خود انسان درست می کند و با تربیت صحیح، کشور را آباد می کند و زن مبدأ همه سعادت ها باید باشد (عمادزاده، ۱۳۸۲)

یکی از روشهای دستیابی به اهداف تربیتی، روشهای تربیتی به کار رفته توسط والدین (تربیت غیر رسمی) است و پدر و مادر میتوانند در بهکارگیری این روشها خلاقیت داشته باشند (عظمتمدار فرد و بدخشان، ۱۳۹۰، ۴۳) از نظر صاحب نظران، خانواده اولین و مهمترین محیطی است که فرد در آن از کیفیت روابط انسانی آگاهی پیدا میکند. بر اساس تحقیقات روانشناسان و جامعهشناسان، تجارب سالهای اوان کودکی که معمولاً در خانواده حاصل میشود، سازنده شخصیت و زیربنای رفتارهای بعدی فرد است (احدی و بنی جمال، ۱۳۷۶) خانواده اولین محیطی است که در آن آموزش و تربیت و رشد فضایل اخلاقی کودک است و سنگ بنای اخلاق در آنجانهاده می شود که در آن نقش مادر از دیگران پررنگ تر است و نقش بیشتری در بهداشت و سلامت روان و رشد و تربیت کودک دارد چرا که نخستین رابطه مستقیم کودک با مادر است بنابراین وظیفه مادر در برابر کودک بیشتر و سنگین تر است (قاسمی، ۱۳۸۲)

امام خمینی (ره) در برابر نقش مادر در تربیت فرزند فرمودند: دامن مادر بزرگترین مدرسه ای است که بچه در آنجا تربیت می شود. آنچه که بچه از مادر می شنود غیر از آن چیزی است که از معلم می شنود. بچه از مادر بهتر می شنود تا از معلم. در دامن مادر بهتر تربیت می شود تا در جوار پدر؛ تا در جوار معلم، این یک وظیفه انسانی است، یک وظیفه الهی است، یک امر شریف است؛ انسان درست کردن است!

شرایط تربیتی خانواده به عنوان اولین عامل تربیت، زمانی قادر به ایفای نقش خود خواهد بود که حداقل برخی از ویژگیهای زیر در آن مشاهده شود. ۱- باور اعتقاد قلبی والدین به این امر که فرزند امانتی الهی است و آنان امانتدار پروردگار متعال هستند ۲- باور و اعتقاد قلبی والدین بر مؤثر بودن نقش آنها در تربیت فرزند و اینکه آنان، اولین مربیان فرزند هستند ۳- والدین از نظر شناختی به نیازها و مقتضیات سنی فرزندان آگاه باشند و در شیوه های ارتباطی خود این ویژگیها را مد نظر قرار دهند ۴- والدین از نظر وحدت نظر و عمل به نقطه مشترکی دست یابند و علی رغم اختلاف رویکردها و کارکردها، تلاش خود را برای همفکری و هماهنگی با یکدیگر به کار گیرند ۵- والدین از نظر ارزشهای اخلاقی، پایبند به موازین عالی باشند، و نیز توانایی انتقال آنها را به فرزندان داشته باشند ۶- والدین از نظر ارتباطی، رابطه ای صحیح و قابل قبولی که متکی بر اعتماد متقابل است، با فرزندان برقرار کنند ۷- خانه به خوابگاه تبدیل نشود، بلکه محلی برای برقراری توسعه و تعمیق ارتباط های درون خانواده باشد ۸- والدین از شیوه های تربیت، به گونه ای علمی شناخت حاصل کنند و بدین وسیله بر اعتماد به نفس خویش بیفزایند (شرفی، ۱۳۷۹، ۳۱)

پیامبر اکرم (ص) می فرمایند: السَّعِيدُ مَنْ سَعِدَ فِي بَطْنِ امِّهِ وَالشَّقِيُّ مَنْ شَقِيَ فِي بَطْنِ امِّهِ (نهج الفصاحه، ۵۳۰) که طبق سخن ایشان دل مادر زمینه ساز سعادت یا شقاوت کودک است همانگونه که خداوند فرموده است (قُلْ إِنَّ الْخَاسِرِينَ الَّذِينَ خَسِرُوا أَنفُسَهُمْ وَأَهْلِيَهُمْ يَوْمَ الْقِيَامَةِ أَلَا ذَلِكَ هُوَ الْخُسْرَانُ الْمُبِينُ) 'در آیه عتحریم نیز می فرماید (يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا قُوا أَنفُسَكُمْ وَأَهْلِيكُمْ نَارًا وَقُودُهَا النَّاسُ وَالْحِجَارَةُ عَلَيْهَا مَلَائِكَةٌ غِلَظُ



شِدَادٌ لَا يَعْصُونَ اللَّهَ مَا أَمَرَهُمْ وَيَفْعَلُونَ مَا يُؤْمَرُونَ) که دستوری دهم مواظب خود و فرزندان خویش باشند. پیامبر (ص) می فرماید: کودکان را دوست بدارید و آنها را مورد لطف و رحمت قرار دهید (کلینی، ۱۱/۴۴۹)

یگانگی گفتار و عمل مادر

والدین در انتقال ارزشها نقش الگو را بر عهده دارند. کودک با رفتار کردن شبیه والدینش، مهر و محبت آنها را حفظ و از تنبیه و سرزنش آنها پرهیز میکند. والدین آنگاه در تربیت دینی توفیق مییابند که خود به آنچه میگویند عامل باشند (شاکری نیا، ۱۳۸۳، ۱۶۳). خانواده اساس صحت اخلاقی فرد را بنیانگذاری میکند و ارزشهای اخلاقی را در او نهادینه میسازد (حجتی، ۱۳۸۵، ۳۸). به نظر روان شناسان سال های اولیه کودکی در رشد و شخصیت و آینده او نقش بسزایی دارد. بیشتر شناخت های کودک از خود و اطرافیان و محیط نیز در این دوران شکل می گیرد میزان سلامت جسمانی و روانی کودک بستهبه ارتباطی است که خانواده بوی دارد. اینکه تا چه حد تلاش می کند نیازهای او را برآورده سازند. کودکانی که در این سال ها از نظر عاطفی و امنیتی در خانواده تامین نمیشوند به انواع سختی ها دچار می گردند. مشکل این کودکان بیشتر ناشی از بی توجهی، دروغ گویی ها و حرف نشنیدن های ساده آغاز می شود. با توجه به وضع نابسامان خانواده به بزهکاری ها و جنایت های دوران بزرگسالی می انجامد (شعاری نژاد، ۱۳۸۲)

چشمان ظریف کودک، همانند یک دوربین حساس فیلمبرداری از همه حرکات و رفتار والدین فیلمبرداری می کند و از رفتار خوب یا بد آنان تقلیدی نماید. کودک همه چیز را در خانه و از پدر و مادر یاد میگیرد. از لبخندها و مزمزها و نوازش های مادر، درس خوشبینی و اعتماد و اظهار محبت می آموزد. والدین در صورتی می توانند فرزندان خویش را با تربیت های اسلامی و مقید به ضوابط شرعی پرورش دهند که خودشان نیز در محیط خانواده و در حضور فرزندان به انجام وظایف دینی و رعایت اخلاق نیک اسلامی ملتزم بوده و از ارتکاب گناه خودداری کنند (امینی، ۱۳۸۷، ۳۹۶)

امام خمینی (ره) فرمودند: انبیا آمده اند که انسان درست کنند، انبیا مأمورند که افراد را - افرادی که بشر هستند و از همین با حیوانات فرق ندارند - آمده اند که اینها را انسان کنند؛ تزکیه کنند، مزکی کنند؛ پاکیزه کنند. شغل انبیا همین است و باید شغل مادرها همین باشد نسبت به بچه هایی که در دامنشان هست. بچه ها را از آن اول که در دامنشان هست تزکیه کنند. آنها با اخلاق خوب، با اعمال خوب در آنجا بچه ها بهتر تربیت می شوند. در دامن مادر، بچه ها بهتر تربیت می شوند تا در پیش استاد. آن علاقه ای که بچه به مادر دارد به هیچ کس ندارد. و آن چیزی که در بچگی از مادر می شنود یا می بیند، آن نقش می بندد در قلبش؛ و تا آخر همراهش هست. مادرها باید توجه به این معنا بکنند که این بچه ها را خوب تربیت کنند، مزکی تربیت کنند؛ یک مدرسه علمی - ایمانی باشد دامنهایشان، و این یک مطلب بسیار بزرگی است که از مادرها می آید. و از کس دیگر نمی آید. آنقدری که بچه از مادر چیز می شنود از پدر نمی شنود. آنقدری که اخلاق مادر تأثیر دارد در بچه کوجولوی نوری و به او منتقل می شود از دیگران نمی شود، مادرها مبدأ خیراتند و اگر خدای نخواسته مادری باشد که بچه را بد تربیت کند، مبدأ شرورند!

اگر پدر و مادر خود دروغ بگویند نمی توانند کودک را با دعوت زبانی به راست گفتن پرورش دهند. هر یک از پدر و مادر برای کودک الگویی هستند که از رفتارشان پیروی می کنند. چنانچه همه آنان در رفتار و گفتار هماهنگ باشند کودک بدون تردید و حیرت از آنان پیروی می کند. اما اگر در بین رفتار الگوها تعارض وجود داشته باشد کودک مردد و نگران میشود چون نمی داند از کدام یک از آنها پیروی کند (امینی، ۱۳۸۷، ۴۰۰)

مهر و محبت مادر

خانواده دارای سه رکن فیزیکی، عاطفی و معنوی است. رکن فیزیکی خانواده را وجود همسران و رکن عاطفی آن را محبت و گذشت تشکیل می دهد. ارکان فیزیکی، بدنه و اسکلت خانواده را تشکیل میدهند و ارکان عاطفی، روح و جان خانواده اند. اگر خانواده های از دو نعمت محبت و گذشت محروم شود، همانند کالبد بدون روح خواهد بود که هیچ خوشبختی و موفقیتی در این خانواده وجود نخواهد داشت؛ زیرا سعادت و خوشبختی در زندگی خانوادگی سالم و موفق یافت میشود؛ جایی که محبت و عاطفه، انسان را از محبت های بی پایه و سطحی بی نیاز میکند و با تلاش دو انسان امیدوار و بانشاط، محیطی سرشار از دوستی و احساس مسئولیت فراهم میشود. امروزه روشن شده است که عمده ترین فقر بشریت در جامعه ماشینی و صنعتی در جهان معاصر، فقر فرهنگی و عاطفی است و مهم ترین مشکل کودکان و نوجوانان امروزی در خانواده ها کمبود عشق و عاطفه و محبت است همان طوری که انسان نیاز به آب و



غذا دارد نیاز به محبت هم دارد بلکه نیازهای عاطفی و معنوی او به مراتب بیشتر از نیازهای جسمانی اوست. عمده ترین دلیل ناسازگاری فرزندان در خانواده ها، عامل بسیاری از ناهنجاری ها مانند فرار از خانه و امثال آن، ریشه در کمبود عاطفه و محبت دارد. فقر عاطفی موجب می شود شخصیت انسان در نزد خود حقیر و پست باشد و کرامت و عزت خود را از دست بدهد و چنین انسانی آبرو و عزت خود را بر باد رفته پنداشته و به هر کاری دست می زند. (پاک نیا، ۱۳۸۲، ۴۰) از مهمترین ناهنجاری های خانوادگی در آخرالزمان ایجادگسست شدید عاطفی بین اعضای خانواده و ازهم گسیختگی خانواده هاست امام صادق (ع) فرمودند: در آخرالزمان خواهی دید که پدران و مادران از فرزندان خود بدشدت ناراضی اند و عاق والدین شدن رواج یافته است (کلینی، ۴۱/۸)

کودک در محیط گرم محبت، اظهار محبت را از پدر و مادر یاد می گیرد، خوش قلب، خیرخواه و انسان دوست بار می آید چون طعم شیرین محبت را چشیده در فردای زندگی حاضر است این عمل رانسیب به دیگران انجام دهد چنین انسانی وقتی بزرگ شده همین اظهار محبت رانسیب به همسر، فرزندان و دوستان و معاشرین خود انجام می دهد (امینی، ۱۳۸۷، ۴۹۲) فرزندان که از عقده حقارت و فقر عاطفی رنج می برند و برای خود هیچ گونه ارزشی قائل نیستند، نمی توانند افرادی مورد اعتماد باشند و مسئولیتی را در جامعه عهده دار شوند. سایر افراد جامعه نیز از شر این افراد در امان نخواهند بود. اما اگر والدین بتوانند با محبت، احترام، ارتباط صمیمانه، کرامت نفس را در نوجوانان تقویت کنند، آنان در آینده انسان هایی سالم و دوست داشتنی خواهند بود و وجود خود را با گناه و معصیت آلوده نخواهند کرد (پاک نیا، ۱۳۸۲، ۴۱) اظهار محبت کودک را از ابتدا به عقده ی نفسانی و احساس کمبود حقارت مصون میدارد برعکس کودکی که از محبت های گرم پدر و مادر محروم بوده و در نفس خویش احساس محرومیت می کند (امینی، ۱۳۸۷، ۴۹۲)

در دنیای امروزی که با پیشرفتهای تکنولوژی و انفجار اطاعات از طریق توسعه وسایل ارتباطی از جمله ماهواره، اینترنت، شبکه های اجتماعی مجازی و غیره که در موارد بسیاری برای نشانه گرفتن هویت و اعتقادات جوانان و نوجوانان راه اندازی شده اند؛ و نیز با کم رنگ شدن روابط صمیمی والدین و فرزندان، قرار گرفتن بنیان خانواده در مسیر تهاجم فرهنگی، دور شدن والدین و بعضا توجه نداشتن والدین به تربیت فرزندان بر طبق سیره تربیتی امامان، همراه است (کیان، ۱۳۹۴، ۹) عدم توجه والدین به سالم سازی محیط روانی و عاطفی کودکان و نوجوانان و فقدان روابط مناسب، در بیشتر موارد آنان را با کمبودهای عاطفی، انگیزشی و مشکلات روانی روبرو می سازد (شاملو، ۱۳۸۶، ۹۴) ارزش خانواده بیش از هر چیز بر پایه مودت و دوستی بین اعضای آن دو استوار است اعضای که انجام حقوق مقابل، آنان را در کنار یکدیگر نگاه داشته است و اگر این جریان بر اساس دوستی و تفاهم و برکنار از منیت ها ادامه یابد به کمال انسانی مورد نظر خواهد انجامید (بهشتی، ۱۳۸۵، ۱۵)

در صورتی که کودک در سال های نخست والدینش را از دست بدهد به عدم رشد اجتماعی دچار می شود و تحقیقات نشان می دهد نوجوانانی که دارای روابط خانوادگی گرم می باشند در مقابل تنیدگی زود چار مشکل کمتری نسبت به نوجوانانی که فاقد این حمایت هستند می شوند (چاووشی فر، ۱۳۷۹) کودک، نخستین درس محبت و دوستی، و بغض و دشمنی را در خانه فرامی گیرد. محیطی سالم و پر از آرامش و عاطفه و دوستی بهترین بستر برای رشد عواطف و کمالات انسانی کودک است، در چنین محیطی، کودک احساس آرامش و امنیت می کند و خصلتهای انسانی در او شکوفا می شود. خدای سبحان خانواده را کانون آرامش و دوستی معرفی می کند، چنانکه می فرماید: محبت عاملی مهم در سلامت روحی و اعتدال روانی انسان است. استواری شخصیت و سلامت رفتار آدمی تا اندازه ای زیاد به محبت بستگی دارد که در زندگی می بیند. محیط خانوادگی آکنده از محبت، سبب تلطیف عواطف و رشد فضایل در افراد می شود؛ و کسانی که در محیطی با محبت پرورش می یابند، به ارجمندی می رسند و می آموزند دیگران را دوست بدارند و در اجتماع رفتاری انسانی داشته باشند. با گرمای محبت است که زندگی معنایی یابد و استعداد های انسان شعله می کشد و انگیزه تلاش و خلاقیت فراهم می شود. از محبت جذبه ها گردد بلند ارج می گیرد از نا ارجمند بی محبت زندگی ماتم همه کار و بارش زشت و نامحکم همه عشق صیقل می زند فرهنگ را جوهر آینه بخشد سنگ را اهل دل را سینه سینا دهد با هنرمندان ید بیضا دهدا همیت روش محبت در تربیت از این روست که محبت اطاعت آور است و سبب همسانی و همراهی می شود میان محبت و اطاعت رابطه معیت وجود دارد؛ با ظهور محبت، اطاعت و هم رنگی پیدا می شود و محب به محبوب تاءسی می کند (دلشاد تهرانی، ۱۳۸۲، ۹۸)



امام خمینی (ره) می‌فرماید: یک مادر ممکن است که بچه را تربیت کند و خوب تربیت کند، و آن یک بچه یک امت را نجات بدهد و ممکن است که بد تربیت کند و موجب هلاکت یک امت بشود. مع‌الأسف در این طول سلطنت، اینها کوشش کردند که مادرها را از بچه‌ها جدا کنند. به مادرها تزریق کردند که بچه‌داری چیزی نیست، شما توی ادارات بروید. جدا کردند این بچه‌های معصوم را که باید تربیت بشوند از دامنهای مادر و بردند در پرورشگاه‌ها و جاهای دیگر و اشخاص اجنبی، اشخاص غیر رحیم، آنها را تربیت می‌کردند، تربیت فاسد. بچه‌ای که از مادرش جدا شد پیش هر که باشد عقده پیدا می‌کند، عقده که پیدا کرد، مبدأ بسیاری از مفاسد می‌شود. بسیاری از این قتل‌هایی که واقع می‌شود روی عقده‌هایی است که پیدا می‌شود^۱ لازمه توفیق در تربیت عاطفی، پرورش قلب و دلی مهربان است، زیرا قلب خاستگاه کلام و رفتار آدمی است. به این منظور باید قلبی را تربیت کرد که محبت عالم هستی را در خود جای دهد، نه فقط محبت خانواده اش را. آنچه در قلب و درون آدمی می‌گذرد، همیشه برای دیگران قابل درک و دریافت نیست، برای حصول اطمینان از این جهت، ضروری است آدمی محبت خویش را به دیگران به ویژه همسر و فرزندانش، ابراز و اظهار کند. برقراری مناسبات عاطفی با دیگران به دو شیوه مستقیم و غیر مستقیم انجام می‌گیرد. در شیوه مستقیم، از عبارات و واژه‌های مطلوب بهره گرفته می‌شود، در شیوه غیر مستقیم با عواملی همچون احساس مسؤ‌ولیت، حس تعاون (مشارکت) مصلحت‌اندیشی، شخصیت دادن و نظایر آنها مواجهیم. در تربیت عاطفی، تلاش اصلی باید بر این موضوع متمرکز شود که با طرف مقابل (شاگرد، فرزند) فصل مشترک‌هایی پیدا کرد و از آن‌ها برای اثبات عواطف و صمیمیت بهره جست فصل مشترک‌های عاطفی، زمینه‌ای برای نفوذ در اعماق شخصیت طرف مقابل است تا از این طریق بتوان دست به کار تحولات روحی و ذهنی مناسب شد و او را از مرز انسان موجود به انسان مطلوب، تعالی بخشید (شرفی، ۱۳۷۹، ۵۷)

نتیجه گیری

انسان زمانی از لحاظ روحی و عاطفی، صحیح و سالم و کامل بار خواهد آمد که در خانواده بار بیاید و در خانواده تربیت شود. اگر محیط زندگی آرام و مناسبی در خانواده حکم‌فرما باشد، می‌توان خاطر جمع شد که فرزندان از لحاظ ساختار عاطفی و روانی سالم هستند اگر نسلها بخواهند فرآورده‌های ذهنی و فکری خود را به نسلهای بعدی منتقل کنند و جامعه از گذشته خودش بخواهد سود ببرد، این فقط با خانواده ممکن است. در محیط خانواده است که اول بار همه‌ی هویت و شخصیت یک انسان بر اساس فرهنگ آن جامعه شکل می‌گیرد و این پدر و مادرند که به طور غیرمستقیم و بدون اینکه خود آنها تصنعی به کار ببرند، به طور طبیعی محتوای ذهن و فکر و عمل و معلومات و اعتقادات و مقدسات و اینها را به نسل بعدی منتقل می‌کنند. در سنت‌تحول بنیادین به ارتقای نقش خانواده به عنوان الگوی تربیت اشاره شده است و تأکید بر روی پیوند خانواده و مدرسه دارد.

در یکی از گزاره‌های ارزشی سنت‌تحول بنیادین به ارتقای جایگاه و نقش تربیتی خانواده و مشارکت اثربخش آن بانظام تعلیم و تربیت رسمی عمومی اشاره شده است و از هدف‌های کلان در این سند به ارتقای نقش نظام تعلیم و تربیت رسمی عمومی و خانواده در رشد و تعالی کشور و همچنین افزایش مشارکت و اثربخشی همگانی بویژه خانواده در تعالی نظام تعلیم و تربیت رسمی و عمومی مورد تأکید قرار گرفته است. اگر مادر بامهر و محبت با فرزندان رفتار کنند فرزندان دچار عقده‌های روحی و روانی نمی‌شوند و در آینده خود نیز فردی متعادل و بارو حیات و خلقیات مناسب وارد جامعه می‌شوند ولی اگر بابتی مهری پدر و مادر خود را در بر و شونده تربیت آنها خدشه وارد می‌شود و بسیاری از عقده‌ها و آسیب‌های اجتماعی نتیجه بی‌توجهی والدین نسبت به فرزندان است و مادری در امر تربیت فرزند موفق است که هر آنچه رامی گوید خود عمل کند اگر به دخترش دستور به پوشش دهد خود آن را انجام دهد تا اعتماد فرزندانش را بدست آورد اگر به فرزندش دستور به رعایت اخلاق می‌کند خود آنرا انجام دهد تا ملکه‌ی ذهن فرزندش شود.



- ۱) القرآن الکریم
- ۲) امین، سید مهدی (۱۳۸۹)، اخلاق اسلامی از دیدگاه قرآن و حدیث، قم: نشر بیان جوان
- ۳) بهشتی، ا. (۱۳۸۵) خانواده در قرآن، قم: موسسه بوستان کتاب
- ۴) پاک نیا، عبدالکریم (۱۳۸۲) حقوق متقابل والدین و فرزندان، قم: کمال الملک
- ۵) چاووشی فر. جلال (۱۳۷۹) بررسی مقایسه ای عوامل تنیدگی زاورفتارهایی مقابله ای در نوجوانان بی سرپرست مراکز شبانه روزی بهزیستی و نوجوانان دارای والدین شهر تهران، پایان نامه ارشد دانشگاه تربیت مدرس
- ۶) حسن زاده، صالح (۱۳۹۳) عوامل تحکیم خانواده در فرهنگ اسلامی، طرح پژوهشی دانشگاه علامه طباطبایی
- ۷) دلشاد تهرانی مصطفی (۱۳۸۲) سیری در تربیت اسلامی مولف تهران: دریا
- ۸) شاکری نیا، ایرج. (۱۳۸۳) تربیت دینی با تأکید بر نقش مهم خانواده. مصباح، ۵۰.
- ۹) شاملو، سعید (۱۳۸۶) بهداشت روانی، انتشارات رشد، چ ۱۹
- ۱۰) شرفی، محمدرضا ۱۳۷۹، تربیت اسلامی با تاکید بر دیدگاه امام خمینی (ره)، تهران: نشر پینجره،
- ۱۱) شعاری نژاد، علی اکبر (۱۳۸۲) روان شناسی رشد نوجوانی و جوانی، تهران: پیام نور
- ۱۲) عمادزاده، مصطفی (۱۳۸۲) زن در توسعه و سیاست، پژوهش های زنان ش ۷
- ۱۳) قاسمی، سلیمان (۱۳۸۲) آموزه های بهداشت و سلامت روان با توجه به سیره علمی و عملی پیامبر (ص) و امام علی (ع)، قم: موسسه آموزشی پژوهشی امام خمینی



تبلور رهیافت‌های پیشگیرانه از رهگذر نقش مادر در جرم‌شناسی بالینی

سید پوریا موسوی؛ دانش‌آموخته کارشناسی ارشد دانشکده حقوق دانشگاه مفید

mousavi991@outlook.com

چکیده

جرم‌شناسی بالینی با الگوگیری از مدل پزشکی از یک سو، در صدد اصلاح و درمان بزهکاران و از سوی دیگر، به دنبال پیشگیری از تکرار جرم از سوی آنان است. در این میان، مادر به عنوان جلوه‌ای از خلقت مهربانی خداوند، نقش مهمی در این هدف، به ویژه، پیشگیری از تکرار بزهکاری اطفال و نوجوانان ایفاء می‌کند. حضور مادر در خانواده و ایفاء الگوی آموزش‌دهی او به فرزندان و به خصوص فرزندان در آستانه بلوغ، بدون تردید اولین و مهمترین گام برای پیشگیری از ناسازگاری، انحراف و سرانجام بزهکاری آنان است. لکن، لازمه این هدف در بادی امر، آموزش مادر از رهگذر مبادی و رویکردهای صحیح حقوقی که با استلزامات روانشناختی و جامعه‌شناختی همراه باشد، امکان‌پذیر می‌شود. بهره‌مندی از ظرفیت نهادهای جامعه‌ای و امکانات دولتی مانند اورژانس‌های اجتماعی و استمداد از قابلیت‌های سازمان‌های مردم‌نهاد مانند انجمن حمایت از سلامت و روان و سرانجام گسترش دامنه فعالیت و گستره اقدامات علمی — جغرافیایی کلینیک‌های حقوق شهروندی، علاوه بر ارتقاء دانش و اطلاعات مادران در زمینه‌های حقوقی، این امکان را فراهم می‌سازد تا آنان در پرتو این اقدامات مفید، از وضعیت روانی و اجتماعی مناسب‌تری در جامعه برخوردار شده که ثمره آن در رشد اعتلاء و شخصیت خانواده، هویت بخشی اجتماعی و ایجاد کارکرد از سجام‌بخشی و برقراری یکپارچگی در نشاط و شادابی خانواده نمایان می‌شود. در این راستا، تداوم و استمرار حضور مادر بر بالین فرزند خود که علایم بزهکاری را رخ می‌نمایاند، نقش بی‌بدیلی در پیشگیری از بزهکاری او در آینده دارد. کلید واژه‌ها: مادر، اطفال و نوجوانان، اصلاح و درمان، پیشگیری از تکرار جرم.

مقدمه

همواره دسته‌ای از شهروندان برای رسیدن به اهداف خود، مبادرت به رفتارهایی می‌ورزند که جامعه آنها را به رسمیت نمی‌شناسد. این رفتارها گاه در قالب الگوهای رفتاری خلاف — معایر با هنجارهای اجتماعی متجلی می‌گردند. از این رو، به جهت نادیده انگاشتن این قواعد، ناقضان هنجارهای اجتماعی و ارزش‌های پذیرفته شده جامعه، بدون تردید با پاسخ‌های جامعه‌ای و غیرقهرآمیز از سوی جامعه روبه‌رو خواهند شد و گاه، این قبیل رفتارها به صورت ضد‌هنجار درآمده و حاکمیت به جهت صیانت از حقوق شهروندان چاره‌ای جز جرم‌انگاری آنها و کیفرگذاری یعنی اعمال ضمانت اجرای کیفری ندارد.

در این گستره، مرتکبان رفتارهای مجرمانه از طیف‌های متعدّد سنی هستند که به دلایل مختلفی به ارتکاب جرم مبادرت می‌ورزند. فارغ از بحث علت‌شناسی ارتکاب جرایم، چرایی بزهکار شدن اشخاص و دلایل بزه‌دیدگی شهروندان که باید در دانش جرم‌شناسی (پیکا، ۱۳۹۵) بدان پرداخته شود، دسته‌ای از شهروندان همواره از یک سو، در معرض بزه‌دیدگی \square بالا و از سوی دیگر، در خطر رویارویی با گروه‌های مجرمانه و در نهایت، بزهکار شدن به صورت مزمن، هستند. این دسته از شهروندان که مشخصاً ناظر به ادوار سنی پیش از دوران رشد، می‌باشد برحسب میزان رده سن کودک (طفل) یا نوجوان خواهند بود.

قانون مجازات اسلامی مصوب سال ۱۳۹۲ که از ماده ۸۸ لغایت ۹۵ به دسته‌بندی اطفال و نوجوانان بزهکار بر مبنای مسئولیت کیفری تدریجی آنان پرداخته است، بر حسب نوع رفتار مجرمانه ارتکابی پاسخ مناسب با ویژگی‌های ذهنی و روانشناختی، از یک سو و تدابیر اجتماع‌محور، از سوی دیگر در نظر گرفته است. بدیهی است که، خانواده و در رأس آن مادر، نقش تردیدناپذیری در رشد و بالیدگی فرزندان و به طریق اولی، عبور دادن طفل و نوجوان خود از مسیری که به نام فرآیند جامعه‌پذیری بازشناخته می‌شود، ایفاء خواهند کرد.



لکن، برغم تمامی تدابیر اتخاذی تربیتی — جامعه‌شناختی — روانشناختی از سوی خانواده و گام نهادن فرزند در مسیر خلاف هنجارهای تعریف شده از سوی خانواده برای او، امکان گرایش فرزند به بزهکاری دور از ذهن نخواهد بود. بدین سان، اکنون این سؤال مطرح می‌شود که، پس از گرایش فرزند در معرض رشد (حسب مورد طفل یا نوجوان) به بزهکاری، آیا خانواده و به ویژه مادر می‌توانند برای عدم ارتکاب جرم از سوی او و بازاجتماعی سازی وی و به تعبیر استادان جرم‌شناسی (نجفی ابرندآبادی، ۱۳۹۵، ص ۱۷) پیشگیری از تکرار جرم، نقش آفرین باشند؟ چه سازوکارهای مؤثری می‌توان بر مبنای الگوی جرم‌شناسی بالینی برای این دسته از شهروندان که همواره در معرض آلودگی به بزهکاری هستند، اتخاذ نمایند؟ بدون تردید پاسخ مثبت است؛ زیرا، خانواده به عنوان اولین نهادی که بسترهای شکل‌گیری شخصیت طفل را فراهم می‌سازد، تأثیر قابل توجهی در گرایش او به بزهکاری یا تقویت بنیان‌های اخلاقی خواهند گذاشت. در این میان، هرگاه طفل یا نوجوان به هر دلیل از راهبرد تعریف شده خانواده برای او در مسیر توسعه و تعالی خارج شود، خانواده و به خصوص مادر به عنوان شاخصه استحکام بنیان خانواده، همواره می‌تواند این طفل یا نوجوان بزهکار یا ناسازگار را بر مبنای الگوها و شاخص‌های بالینی جرم‌شناسی که از رهیافت‌های روانشناسی بالینی ایده می‌گیرد، به سوی تعالی و هنجارمندگرایی اجتماعی رهنمون سازد. بر این اساس، در بادی امر، نقش مادر در فرآیند رشد و تربیت فرزندان (الف) و سپس تأثیرگذاری‌های او در پیشگیری از تکرار جرم (ب) مورد تحلیل و ارزیابی قرار می‌گیرد.

الف: نقش مادر در فرآیند رشد و تربیت فرزندان

۱. شکل‌گیری شخصیت فرزندان یک فرآیند است که از ابتدای دوران کودکی آغاز شده و در دوران بلوغ به اوج می‌رسد. در فرآیند رشد و بالیدگی اطفال و نوجوانان، افراد مختلفی که برخی به صورت مستقیم و برخی به صورت غیرمستقیم حضور دارند، مداخله می‌کنند. مادر، فردی است که علاوه بر مداخله مستقیم نقش بنیادین در شکل‌گیری تربیت فرزندان خود دارد. به ویژه آنکه، او از لحظه‌های آغازین زیست طفل با او همراه بوده و حتی می‌توان بیان داشت که، بنیان شکل‌گیری شخصیت فرزند توسط مادر صورت می‌پذیرد.

الگوی بردای فرزندان به خصوص فرزندان دختر، از مادر، محدود به دوره سنی خاصی نبوده و نیست و حتی بر اساس رویکردهای عوام‌گرایانه این مؤلفه، در دوران زیست مشترک فرزندان دختر با هم سران خود، نمود بیشتی دارد. به هر ترتیب، الگوی صحیح تربیت در فرآیند رشد فرزندان، در واقع، نمود انتقال یافته تربیت دوران طفولیت خود مادر است که نسل به نسل منتقل می‌شود. اما در این میان، برخی مؤلفه‌ها مانند برخورداری مانند از تحصیلات عالی، معاشرت با محافل علمی، تعالی فرهنگ، مدنیت از گذر مطالعه و گفتگو با از سان‌های متمدّن و دیگر سازوکارها همواره موجب خواهد شد تا مادر، با بهره‌گیری از این جهت‌گیری‌های سودمند، همواره در مسیر تربیت صحیح فرزندان گام بردارد.

۲. بدین سان، عامل تعیین‌گر در جهت تربیت فرزندان مؤلفه‌ای به نام "محیط" است که در واقع، همان، فضای پیرامونی طفل و والدین برای ادامه زیست بشریت است. محیط خانواده که از منظر جامعه‌شناسی جنایی محیطی فیرقابل اجتناب بوده (نجفی ابرندآبادی، ۱۳۹۵، ص ۹۴۲) و فرد تولد یافته در آن هیچگونه انتخابی در برگزیدن آن نداشته است، شاخصه اصلی تربیت و بالیدگی را از یک سو، بر بنیان نهادن تعامل با درون خانواده (تعامل درونی) و از سوی دیگر، شکل‌گیری نحوه ارتباط فرد با دنیای خارج از خانواده (تعامل بیرونی)، بنا می‌نهد. از این رهگذر، گرایش تعامل درونی به هر سو سوق پیدا کند، غالباً طفل یا نوجوان نیز در محیط بیرون از خانواده به سوی هنجار پذیرفته شده‌ای که در خانواده به او القاء شده است، گرایش خواهد شد.

میزان تعامل والدین با فرزندان در فرآیند تصمیم‌گیری‌هایی که امکان مشارکت دادن فرزندان در درون آن وجود دارد، موجب هویت‌بخشی به او شده و در نهایت او، به فردی که قابلیت انطباق خود و سازگاری با جامعه را دارد، بدیل خواهد شد؛ اما در مقابل، هرگاه خانواده نسبت به طفل بیگانه بوده و به اصطلاح، او به حاشیه رانده شود، این هویت‌بخشی در بیرون از خانواده و در میان گروه‌هایی که او را مورد اقبال قرار دهند، صورت خواهد گرفت.

از این رو، هرگاه گروه‌های معیار، گروه‌های مجرمانه و یا ناسازگار با هنجارهای پذیرفته شده جامعه باشند، موجب بروز اولین رویدادهای خطرناکی (رضوانی، ۱۳۹۶) در طفل یا نوجوان خواهد شد.



ناگفته پیدا است، گرایش‌های روانی مادر نیز به طور کاملاً مستقیم بر فرزندان تأثیرگذار است. توضیح آن که، هرگاه در درون خانواده خشونت - از هر نوع - جریان داشته باشد و مادر خود، از یک سو، از گذر رویکردهای مختلف مانند نوع ادبیات و گفتار حاکم بر منزل و یا نحوه رفتار فیزیکی با فرزندان، مروج خشونت باشد و یا از سوی دیگر، به عنوان بزه‌دیده خشونت و با روانی متألم در خانواده به تربیت فرزندان مبادرت ورزد، قطعاً به طور مستقیم بر روان او و به طریق اولی بر لحظه زندگی فعلی او و به طور غیرمستقیم بر آینده او و نسل‌های دیگر تأثیرهای نامطلوب و سوء خواهد گذاشت.

ب: تأثیرگذاری‌های مادر در پیشگیری از تکرار جرم

۱. توجه به سلامت کودک از تمامی جوانب بیش از هر امری و پیش از هر اقدامی توسط مادر بنیان نهاده می‌شود. شکل‌گیری فرآیند شخصیت طفل که - همان‌گونه که اشاره شد - در بادی امر توسط مادر پایه‌ریزی می‌شود، همواره مورد توجه قانونگذاران کشورهای دیگر نیز، واقع شده است. به گونه‌ای که در قوانین مختلف، جهت‌گیری‌های گوناگونی نسبت حقوق کیفری اطفال شکل گرفته است (سیمامونتی، ۱۳۸۶، ص ۱۳۷ و بعد). تأمین امنیت فرزندان از هر حیث، اعم از امنیت حقوقی - قضایی و امنیت جانی - مالی (نجفی ابرندآبادی، ۱۳۹۱، ص ۱۰ و بعد) در گرو تأمین امنیت مادر از یک سو، و تضمین آن از سوی حاکمیت - دولت از سوی دیگر، است.

۲. مادر زمانی می‌تواند فرزند خود را که نشانه‌ها و علائم ناسازگاری در ورطه بزهکاری قرار گرفتن را از خود بروز می‌دهد، از گام نهادن در مسیر بزهکاری باز دارد که حق بر تأمین برای او، تضمین شده باشد و هرگاه این حق یا تضمین نشده و یا به طور نامتکامل فراهم شده باشد، امکان خواهد داشت که، در تربیت فرزندان خلل ایجاد شده و به سوی بزهکاری گام بردارند. در این وهله است که نقش مادر، در پیشگیری از تکرار جرم فرزندان غیرقابل انکار است.

۳. پیشگیری از تکرار جرم (ابراهیمی، ۱۳۹۴) که در میان شاخه‌های علوم جنایی (نجفی ابرندآبادی، ۱۳۹۶، ص ۳۹؛ نجفی ابرندآبادی، ۱۳۹۵، ص ۸ و بعد) با جرم‌شناسی بالینی^۱ قرابت معنایی - مفهومی دارد، در پهنه حقوق ملی و بین‌المللی (نیازپور، ۱۳۸۵، ص ۱۴۵ و بعد) از جایگاه هنجارمند - تقنینی برخوردار بوده و در نظام عدالت کیفری ایران نیز، از سال ۱۳۹۲ به این سو موضوعیت قانونی یافته است (نیازپور، ۱۳۹۵). جرم‌شناسی بالینی در حقیقت، با بهره‌گیری از دانش پزشکی به ویژه یکی از شاخه‌های تخصصی آن یعنی، روان‌شناسی بالینی، درصدد پیشگیری از تکرار جرم بزهکاران از رهگذر حضور بر بالین بزهکار و اتخاذ - اعمال تدابیر درمانی - روانشناختی است. در پرتو این مؤلفه، جرم‌شناس بالینی با استفاده از تمامی ظرفیت‌های موجود، تلاش خواهد کرد که ارتکاب جرم از سوی مرتکب را حثی کرده و از تبدیل شدن او به یک بزهکار به عادت (نیازپور، ۱۳۸۷) پیشگیری به عمل آورد.

بدون تردید رویکرد بالینی در جرم‌شناسی در خصوص تمامی بزهکاران با هر رده سنی، اگر به صورت صحیح، به موقع اجرا گذاشته شود، قطعاً مؤثر واقع خواهد شد و هدف غایی جرم‌شناسی بالینی که پیشگیری از تکرار جرم باشد را به منصفه ظهور خواهد رساند. سن مرتکب در گستره علوم جنایی (نجفی ابرندآبادی، ۱۳۹۱، ص ۱۳ و بعد) و ادوار مختلف آن موجب خواهد شد تا پاسخ‌های متعددی در فرآیند بزهکاری، به آنان داده شود. از این جهت است که در پهنه نظام عدالت کیفری اطفال و نوجوانان برای پاسخ‌دهی به بزهکاری کودکان و نوجوانان (نیازپور، ۱۳۹۶) حقوقی متفاوت از حقوق دیگر متهمان مورد توجه قرار می‌گیرد (نجفی ابرندآبادی، ۱۳۹۰، ص ۱۵ و بعد) و بدین سان، بر مبنای معیار بزهکار، سیاست جنایی افتراقی (نجفی ابرندآبادی، ۱۳۹۶) در قبال پدیده بزهکاری اطفال و نوجوانان بنا نهاده می‌شود.

۳. مادر، به عنوان شاخصه تعیین‌گر تربیتی اطفال و نوجوانان یکی از - و شاید اصلی‌ترین - مؤلفه‌هایی است که می‌تواند جرم‌شناس بالینی را برای اتخاذ تدابیر پیشگیرانه به جهت عدم بازگشت اطفال و نوجوانان در ورطه بزهکاری یاری‌گر باشد؛

زیرا، در صورت شکست سیاست‌های اصلاحی - درمانی جرم‌شناس بالینی برای پیشگیری از تکرار جرم این دسته از شهروندان، بدون تردید، از مزمن شدن آنان سخن به میان می‌آید. از این جهت، جرم‌شناس بالینی با بهره‌گیری از دانش‌ها، اندیشه‌ورزی‌ها و تجارب روانشناسان رشد به همراه مادر طفل یا نوجوان بزهکار، می‌تواند سنتز و تلفیقی از رویکردهای مختلف را پدیدار ساخته و سرانجام به آنچه که در جرم‌شناسی بدان، پیشگیری رشدمدار (کاری‌یو، ۱۳۸۱، ص ۲۴۷ و بعد) گفته می‌شود، دست یابد.



۱. بسترها و به تعبیر فنی در گستره جامعه شناسی جنایی، محیط‌های گوناگونی برای جامعه‌پذیرسازی و شکل‌گیری شخصیت شهروندان وجود دارد که در این راستا، خانواده به عنوان نخستین و اجتناب‌ناپذیرترین این محیط‌ها پایه‌های شخصیت‌سازی افراد را بنا می‌گذارد. اما، در این گستره، مادر که از منظر عرف و اجتماع، به عنوان عاملی برای پیوند دهنده سایر اعضای خانواده، نقش انکارناپذیری در بنیان‌های ابتدایی شخصیت فرزندان ایفاء خواهد کرد.

۲. درهم تنیدگی روحیات و تعاملات مادر با سایر محیط‌ها نیز خود، عاملی تأثیرگذار در تربیت فرزندان است که به صورت مستقیم بر خصایص شخصیتی مادر و به گونه غیرمستقیم بر خصلت‌های انگیزشی — تربیتی فرزندان تأثیرگذار خواهد بود. چه آنکه، خصیصه تربیتی مادر در خانواده‌ای که خود در آن رشد و نمو یافته، تربیت شده و شخصیت او شکل گرفته است، بدون تردید موجب انتقال به طریقه تربیتی فرزندان او خواهد شد و بدین سان، می‌توان به موازات انتقال نسل‌ها، از انتقال تربیت‌ها نیز سخن به میان آورد. براین اساس، اگر مادر در خانواده‌ای پرورش یافته باشد که نظام تربیتی مبتنی بر نظام خشونت‌محور بوده و تعبیر فنی، خشونت خانگی در جریان تربیتی فرزند دیروز و مادر امروز وجود داشته باشد، این مدل تربیتی نیز همواره مورد آموزش قرار خواهد گرفت اما در مقابل، هرگاه نظام مبتنی بر خانواده از الگوی مشارکت و مداخله فرزندان در تصمیم‌گیری‌ها و امور جمعی پیروی کند، موجب هویت بخشی اجتماعی به او فرزند شده و در نتیجه، میزان تعامل او با جامعه و احساس مشارکت در فرآیندهای گروهی و اجتماعی را افزایش خواهد داد.

۳. اما برغم گونه‌های متعدد نظام تربیتی خانواده‌ها به خصوص مادران، همواره فرزندان مشاهده می‌شوند که از هنجارهای تعریف شده از سوی خانواده برای او، فاصله گرفته و به سوی بیراهه رهنمون می‌شوند. این گمراهی که در اثر عوامل متعددی از جمله انتخاب گروه‌های هم‌سال ناهنجار و معاشرت با افراد نامتعارف صورت می‌پذیرد، با به انحراف کشاندن فرزندان، به آرامی موجبات گام نهادن آنان در مسیر بزهکاری را فراهم می‌کند. لکن، علیرغم تمامی اقدامات و تدابیر به کار گرفته شده از سوی خانواده‌ها و به خصوص مادران، فرزندان که به ارتکاب جرم مبادرت می‌ورزند، اگر به موجب قانون مجازات اسلامی واجد مسئولیت کیفری باشند، بزهکار محسوب شده و در نتیجه حسب مورد به مجازات یا اقدامات تأمینی و تربیتی محکوم خواهند شد.

۴. اگر از منظر مباحث غیرحقوقی مانند جامعه شناسی و روانشناسی به نظام حاکم بر کیفرها نگریسته شود، می‌توان مجازات (کیفر) یا اقدامات تأمینی و تربیتی را خواه برای بزهکاران بزرگسال و خواه برای اطفال و نوجوانان نوعی نظام تربیتی قهرآمیز که در خانواده به خوبی به فرد، آموزش داده‌نشده است، نام نهاد. بدین توضیح که در واقع، مجازات برای افراد بالای هجده سال تمام شمسی و اقدامات تأمینی و تربیتی برای شهروندان زیر هجده سال تمام شمسی که به سوی بزهکاری رهنمون شده‌اند و این اقدام در نتیجه شکست نظام صحیح تربیتی خانواده بوده است، اعمال و اجرا می‌شود هدف آن است که با اعمال مجازات بر ناقض هنجارها و یا ترساندن او به اعمال مجازات بر وی، از مسیر بزهکاری خارج شده و در پرتو یک سیاست کیفری قهرآمیز، بازاجتماعی شده و در نهایت با هنجارهای جامعه بازسازگار گردد.

۵. از این رهگذر، سایه افکندن نظام صحیح آموزشی - تربیتی بر خانواده به ویژه بر مادر، که وظیفه اصلی تربیت فرزندان به دلیل تعامل بیشتر او با آنان را برعهده دارد، امری اجتناب‌ناپذیر است که این خصیصه برای مادرانی که فرزندان بزهکار دارند، بدون تردید باعث خواهد شد که اتخاذ راهبردهای پیشگیرانه برای پیشگیری از ارتکاب مجدد جرم از سوی فرزندان آنان، مفید به فایده باشد. بدین سان، آموزش‌دهی به مادر از یک سو و انتقال صحیح آموزش‌های او به فرزندان از سوی دیگر، مقوله‌ای است که این فرآیند را با سهولت هموار می‌سازد.

از این‌رو، ایجاد بسترها - محیط‌ها و فضاهای اجتماعی در پهنه انتظام اجتماعی مانند فعال‌سازی هر چه بیشتر فرهنگسراها و کانون‌های پرورشی و فکری، بهره‌گیری از ظرفیت‌های اورژانس‌های اجتماعی و همکاری‌های سازمان‌های مردم‌نهاد در عرصه حمایت از اطفال و نوجوانان و به ویژه سمن‌هایی که از منظر روان‌شناسی و رفتاری بازخوردهای تردیدناپذیری بر نظام صحیح رفتاری مادران ایجاد می‌کنند، حضور مادران را در جامعه گسترش داده و آنان را برای تربیت فرزندان صحیح که راهبردی پیشگیرانه از منظر جرم‌شناسی پی‌شگیری محسوب می‌شود، یاری نمایند.



- ابراهیمی، ش «مترجم»، (۱۳۹۴)، پیشگیری از تکرار جرم در پرتو بازبیدارسازی اجتماعی بزهکاران، (چاپ اول)، تهران: نشر میزان.
- پیکا، ژ، (۱۳۹۵)، جرم‌شناسی، (چاپ چهارم)، تهران: نشر میزان.
- رضوانی، س، (۱۳۹۶)، مفهوم خطرناکی در گستره علوم جنایی، (چاپ اول)، تهران: نشر میزان.
- سیماموتی، س، (۱۳۸۶)، جهت‌گیری‌های اخیر حقوق کیفری صغار فرانسه (درباره قانون ۵ مارس ۲۰۰۷ راجع به پیشگیری از بزهکاری)، ترجمه علی حسین نجفی ابرندآبادی، فصلنامه مطالعات پیشگیری از جرم، سال دوم، شماره چهارم، پاییز ۱۳۸۶.
- کاری‌یو، ر، (۱۳۸۱)، مداخله روانشناختی — اجتماعی زودرس در پیشگیری از رفتارهای مجرمانه، ترجمه علی حسین نجفی ابرندآبادی، مجله تحقیقات حقوقی دانشکده حقوق دانشگاه شهید بهشتی، شماره ۳۵ و ۳۶، بهار تا زمستان ۱۳۸۱.
- نجفی ابرندآبادی، ع ح، (۱۳۹۰)، از حقوق کودکان تا حق‌های کودکان، دیپاچه در: مدنی، سعید و زینالی، امیرحمزه، آسیب‌شناسی حقوق کودکان در ایران (با تأکید بر کودک آزادی)، (چاپ اول)، تهران: نشر میزان.
- نجفی ابرندآبادی، ع ح، (۱۳۹۱)، درباره امنیت‌شناسی (از حق بر تأمین تا حق بر امنیت)، دیپاچه در: رضوانی، سودابه، مدیریت انسان‌مدار ریسک جرم، (چاپ اول)، تهران: نشر میزان.
- نجفی ابرندآبادی، ع ح، (۱۳۹۱)، درباره سن و علوم جنایی، دیپاچه در: رحبی پور، محمود، مبانی پیشگیری اجتماعی رشد‌مدار از بزهکاری اطفال و نوجوانان، (چاپ اول)، تهران: نشر میزان.
- نجفی ابرندآبادی، ع ح، (۱۳۹۵)، از علوم جنایی — تا حقوق جنایی، دیپاچه در: علوم جنایی — مجموعه مقالات در تجلیل از استاد دکتر محمد آشوری، (چاپ ششم)، تهران: انتشارات سمت.
- نجفی ابرندآبادی، ع ح، (۱۳۹۵)، جرم‌شناسی حقوقی (درآمدی بر جرم‌شناسی حقوق کیفری عمومی)، در: نجفی ابرندآبادی، علی حسین «زیرنظر»، دایره المعارف علوم جنایی — مجموعه مقاله‌ها، (چاپ دوم)، تهران: نشر میزان.
- نجفی ابرندآبادی، ع ح، (۱۳۹۵)، جرم‌شناسی در آغاز هزاره سوم، دیپاچه در: نجفی ابرندآبادی، علی حسین و هاشم بیکی، حمید، دانشنامه جرم‌شناسی، (چاپ چهارم)، تهران: انتشارات گنج دانش.
- نجفی ابرندآبادی، ع ح، (۱۳۹۶)، درباره اصطلاح سیاست جنایی، دیپاچه در: لازرژ، کریستین، درآمدی بر سیاست جنایی، ترجمه علی حسین نجفی ابرندآبادی، (چاپ ششم)، تهران: نشر میزان.
- نجفی ابرندآبادی، ع ح، (۱۳۹۶)، درباره سیاست جنایی اقتراقی، دیپاچه در: لازرژ، کریستین، درآمدی بر سیاست جنایی، ترجمه علی حسین نجفی ابرندآبادی، (چاپ ششم)، تهران: نشر میزان.
- نیازپور، ا ح، (۱۳۸۵)، بازپروسی بزهکاران در حقوق ایران، مجله حقوق اسلامی، شماره ۱۱، زمستان ۱۳۸۵.
- نیازپور، ا ح، (۱۳۸۷)، بزهکاری به عادت: از علت‌شناسی تا پیشگیری، (چاپ اول)، تهران: انتشارات فکرسازان.
- نیازپور، ا ح، (۱۳۹۵)، هنجارمند شدن آموزه‌های جرم‌شناسانه در قانون آیین دادرسی کیفری ۱۳۹۲، در: آیین دادرسی کیفری: بنیان‌ها، چالش‌ها و راهکارها — مجموعه مقالات، (چاپ اول)، تهران: انتشارات معاونت اجتماعی، فرهنگی و دانشجویی دانشگاه شهید بهشتی.
- نیازپور، ا ح، (۱۳۹۶)، حقوق کیفری اطفال و نوجوانان؛ فرآیند پاسخ‌دهی به بزهکاری اطفال و نوجوانان، (چاپ دوم)، تهران: نشر میزان.



جستاری نقادانه از رویکرد برنامه ششم توسعه به امنیت قانونی مادران در برابر خشونت

محمد مهدی حسینمردی؛ عضو هیات علمی دانشگاه پیام نور، دانشجوی دکتری حقوق بین الملل

phd_mardi@yahoo.com

زینب عصمتی؛ استادیار دانشکده حقوق و علوم سیاسی دانشگاه آزاد اسلامی واحد کرج

esmati_tehranbar@yahoo.com

چکیده

برنامه های توسعه کشور از آنجاکه محورسیاست های کلان هر بخش از سه قوه را تعیین و به تبیین الزامات قانونی دستگاههای اجرایی میپردازد کنشگری زنان درحوزه های سازمانی و برنامه ریزی یک اولویت انکارناپذیر محسوب و مشارکت آنها در عرصه های گوناگون اقتصادی، سیاسی و فرهنگی ازپیش شرطهای مهم توسعه انسانی پایدار می باشدیدی التفاتی درموردحقوق زنان ونقش مادری آنها به عنوان نیمی ازجمعیت انسانی موثر اما آسیب پذیرجامعه، فرآیند حق برتوسعه را نه تنها درقلمرو حقوق داخلی بلکه در نظام حقوق بین الملل نیز با چالشهایی جدی مواجه مینماید. توجه به امنیت قانونی وتأثیر آن برسلامت جسمی وروانی زنان موضوعی است که پژوهش حاضر در چارچوب مباحث منع خشونت علیه مادران ونیاز به مقررات پیشگیرانه، در برنامه ششم توسعه را مورد مذاقه قرار میدهد. این مجموعه تحقیقی ضمن بیان کلیاتی در مورد مفهوم خشونت و انواع خشونت علیه مادران به ارائه تحلیلی از جایگاه امنیت قانونی مادران در برنامه ششم بعنوان هدف اصلی پژوهش ومتکی بر منابع موضوعی پرداخته است. نتیجه آنکه تجربه پنج دوره از اجرای برنامه های توسعه نشان میدهد یا اهتمام کافی به مشکلات و نیازهای مادران نشده یا سهم اندکی بدان اختصاص داده شده است مطلبی که می تواند ناشی از عدم همبستگی موضوعی نسبت به اولویتهای حقوق هنجاری برمبنای واقعیت های اجتماعی ونرمهای بین المللی درمیان برنامه ریزان بوده یا متاثر از باورهای فرهنگی و رابطه معنادار با حوزه سیاستگذاری عمومی باشد لذا بایسته است نقطه درنگ وحساسیت جدی رابرای برنامه ریزان در باب عدالت جنسیتی فراهم آورده تامساعی بیشتری رابرای تنقیح قوانین و تنسیق سازوکارهای اجرایی ونظارتی مصروف نمایند. واژگان کلیدی: امنیت قانونی، منع خشونت، برنامه های ششم توسعه، سیاستگذاری عمومی، عدالت جنسیتی، قشر آسیب پذیر

مقدمه

بیشتر صاحب نظران و کارشناسان معتقدند منابع انسانی نقش تعیین کننده ای را در توسعه یافتگی جوامع ایفا می کنند. زنان در این میان به عنوان سرمایه های انسانی حائز اهمیت و با قابلیت ها و ظرفیتهای بسیار، از گزاره های ایجابی در فرصلهای سیاستگذاری اجتماعی بشمار میروند. کسانی که نقش غیر قابل انکاری در مدیریت پرورش و بالندگی نسل آتی ایفا نموده و به محرک تاریخی رشد و توسعه همه جانبه کشور مبدل خواهند شد مادران بعنوان کنشگران اخلاقی جامعه که در بازتولید منطق پیشرفت سهم درخوری داشته اند، روند توانمند سازی آنها در چرخه سیاستگذاریهای کلان میتواند تداعی کننده رفع نیازها و مشکلات و نیز اعتبار بخشی به مطالبات حقوق حمایتی واجتماعی اقشار آسیب پذیر برای بهبودبخشی به وضعیت موجود باشد. بندالف ماده ۲ کنوانسیون سیدا دولتهای عضو را متعهد ساخته تا ضمن نفی هر گونه تبعیض اصل برابری زن و مرد را در قانون اساسی یا سایر قوانین بگنجانند و با قانون گذاری و راههای مقتضی دیگر، تحقق عملی این اصل را تضمین کنند از آنجا که پیوستار تعالی و ترقی یک جامعه مستلزم حضور و مشارکت فعال و برابر زنان با مردان در تمامی عرصه های جامعه است، لذا فراهم سازی چنین شرایطی یکی از مهم ترین دغدغه های کشورها از جمله ایران است. مادران جامعه ایران علیرغم نقش آفرینی جاویدان در مراحل حساس سرنوشت ساز تاریخ معاصر نظیر رویداد انقلاب اسلامی لکن هنوز برای کسب جایگاه حقیقی و شرایط مطلوب مسیری طولانی و پرسنگلاخ را فراروی خویش دارند. مقدمه قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران مستند به چنین حافظه تاریخی ارزشمندی با اشاره جانفشانی های آنها در عرصه مبارزات ملی یادآور میشود که: ((زنان بدلیل ستم بیشتری که تاکنون در نظام طاغوتی متحمل شده اند اسیتفای حقوق آنها بیشتر خواهد بود)). خشونت علیه زنان در اشکال مختلف جسمی و روانی واقعیتی تلخ و انکارناپذیر و دارای



عمری به قدمت تاریخ بشری که زندگی و کرامت انسانی را خدشه دار و صدمات غیر قابل جبرانی به آن وارد می نماید. از مطالبات مهم زنان، امنیت، سلامت و منع خشونت علیه آنان که همواره در عصر جهانی شدن حقوق بشرمورد توجه بوده است در گذشته زنان به دلیل جنسیت و توان فیزیولوژی به صورت و اهداف گوناگون بنا بر مقتضیات زمان و مکان و عقلانیت تمدنی مورد آزار قرار گرفته، و تا سر حد مرگ تحقیرهای غیرانسانی را تجربه کرده اند در حالی که صاحب نظران نسبت به زنان از مناظر گوناگون نگریده اند و ریشه های تاریخی، اقتصادی، سیاسی و روانی برای آن بر می شمردند. لیکن هیچ دلیل عقلانی برای انجام این عمل شرم آور و ناقض حقوق بشر وجود ندارد جهان امروز نیز با وجود پیشرفتهای و دستاوردهای تکنولوژیکی شاهد خشونت بارترین اعمال مجرمانه و ددمنشانه علیه زنان است. گذشته از خشونت های اجتماعی، خشونت خانگی از جمله مسائلی است که حق بر حیات و مشارکت اجتماعی آنها را با اعوجاج مواجه می نماید که بررسی آن در این مقاله نمی گنجد و مستلزم پژوهشی مستقل است. خشونت علیه زنان، تهدید جدی برای سلامتی و حقوق انسانی آنها به شمار می رود. همانطور که ذکر شد سلامت و امنیت زنان نقش مهمی در توسعه کشورها بالاخص در جمهوری اسلامی ایران دارد. با توجه به این امر این پژوهش در پی پاسخ به این سوال اساسی می باشد که میزان توجه به امنیت زنان و منع خشونت علیه آنان در برنامه توسعه بالاخص برنامه توسعه ششم به چه میزان است؟ آیا در برنامه های توسعه ششم سهم ویژه و جداگانه ای برای امنیت و منع خشونت علیه زنان در نظر گرفته شده است یا خیر؛ و در نهایت نوع نگاه مسئولان به خشونت علیه زنان در برنامه ششم توسعه چگونه است؟

روش تحقیق و یافته های پژوهشی:

نوشتار حاضر با استعانت از روش تحلیلی و منابع موضوع تلاش کرده تا از داده های تاریخی و علوم اجتماعی در حد بضاعت استفاده نماید ضمن اینکه با استناد به نصوص قوانین داخلی ایران اعم از قانون اساسی، قوانین عادی و برنامه های توسعه آنها را در یک محور تطبیقی با منابع حقوق بین الملل بشر همانند: کنوانسیونها و میثاقهای حقوق بشری در چارچوب مطالبات حقوقی زنان مورد بحث و گفتگو قرار دهد. مجموعه پژوهشی در پیش رو با تتبع در مفروضه های موضوع یعنی امنیت قانونی زنان از خشونت مترصد ارائه راهبرد چابک سازی برنامه های توسعه بعنوان گزاره ای توجیهی برای فروکاستگی آسیب های اجتماعی بوده تا به اعتبار سنجی از متغیرهای بحث و درک تجربی از برنامه های توسعه آنها ناشی از خلاءهای قانونی و نقص ساختار اجرایی قلمداد نماید بدین سان ارائه الگوپردازی مطلوب حقوقی برای همسان سازی امنیت قانونی با آسیبهای ناشی از اشکال خشونتهایی که متوجه بانوان است وجه ایجابی پیدا میکند و رهیافت آینده پژوهی را باتاکید بر پشتوانه داده های تجربی و باین توجه که برنامه ششم توسعه هنوز در مرحله تنسیق قرار گرفته از آن استفاده نموده است.

جدول ۱: کلیات و مفاهیم بحث

منبع	تعاریف
آمارتیا سن، ۱۳۷۹	تعریف توسعه: آمارتیا سن ^{۱۱} با تاکید بر عامل انسانی و سرمایه گذاری در منابع انسانی تفسیر ویژه ای از توسعه را مطرح می کند. از نظراو توسعه عبارت است از افزایش توانمندی ها و بهبود استحقاق ها. اقداماتی که توانمندی های انسان را در ابعاد مختلف عمق و گسترش دهد، عوامل پیش برنده توسعه و اقداماتی که منجر به کاهش توانمندی های انسان شود، عوامل بازدارنده توسعه محسوب می گردند.
بخشی و محتشمی، ۱۳۸۹ ص ۴۸	برنامه توسعه پنجساله: برنامه هایی که خطوط اساسی و سیاستهای کلان هر بخش را مشخص مینماید و امور اجرایی نیز در همان چارچوب برنامه ریزی کلان پیش میرود
صیدالی بختیاری، ۱۳۹۱: ۸۹	اصطلاح زنان: زنان نه تنها به عنوان جنسیت بلکه با جایگاه ها و موقعیت های متنوع و متفاوت برخاسته از توانمندی ها و مهارت های علمی تخصصی و نیز با فرصت هایی که جامعه و نظام سیاسی در اختیار آنها قرار می دهد، در عرصه توسعه نقش آفرینی می کنند
The General Assembly resolution ۴۸/۱۰۴ of ۲۰ December ۱۹۹۳	مفهوم خشونت: بر حسب تعریف مجمع عمومی ملل متحد هر نوع عمل خشونت آمیزی که بر اختلاف جنسیتی مبتنی باشد و به آسیب بدنی، جنسی و روانی زنان بینجامد.



cf.Buvinic, Youssef&L
m, ۱۹۷۸

مادران سرپرست خانوار: مادرانی هستند که بدون حضور منظم یا حمایت یک فرد بزرگسال، سرپرستی خانواده را به عهده دارند.

مبانی نظری توسعه و زنان

گفتمان توسعه برحسب ضرورت هاوتحت تاثیر گزاره های برون ذاتی درحوزه مطالبات حقوق اجتماعی زنان می بایست به آن پاسخگویی مطلوب داشته وحدافللهای تضمینی را مشخص نمایند. نخستین چهارچوبی که برای گنجانیدن زنان در امر توسعه اقتصادی و اجتماعی به کار بسته شد " زن در توسعه " نام گرفت. توجه اصلی این دیدگاه به نقش تولیدی زنان بود و برای دستیابی به فرصت های برابر آموزشی و بهداشتی از راه ایجاد اصلاحات حقوقی و اداری برای زنان تلاش می کرد. چهارچوب دیگری که در نیمه دهه ۷۰ قرن ۲۰ متداول شد " زن و توسعه " نامیده می شد. براساس این دیدگاه زنان عملا در حوزه اقتصادی، حضور تعیین کننده ای دارند و در نتیجه در فرایند توسعه نیز دارای نقش اساسی هستند در این دیدگاه تاثیر ساختارهای مردم سالارانه موجود بر سرکوب زنان نادیده انگاشته می شد. در واقع دیدگاه زن و توسعه به نقش ها و مناسبات موجود میان دو جنسیت توجهی نداشت. به مرور و بیشتر از دهه ۸۰ میلادی به این سو، چهارچوب دیگری در انتقاد به چارچوب قبلی شکل گرفت که بیشتر تحت نفوذ و تاثیر اندیشه و آرای فمینیسم سوسیالیستی بود و به " جنسیت و توسعه " مشهور است. ویژگی این دیدگاه آن است که برای بهبود وضعیت زنان تنها آنها را مورد خطاب قرار نمی دهد و به حساس سازی مردان در خصوص علت های فرودستی زنان نیز توجه دارد. زنان در این رویکرد همچون کارگزاران فعال در نظر گرفته می شود، نه فقط دریافت کننده های منفعل توسعه. همچنین نقش دولت نه فقط به عنوان کارفرمای مهم و اصلی، بلکه به عنوان فراهم آورنده سلامت، آموزش و خدمات آموزشی برای ارتقای آزادی زنان، از مباحث و گفتمان های بسیار مهم در این چهارچوب است. (آقابخشی و محتشمی، ۱۳۸۹: ۵۱-۵۲) شاخص توسعه انسانی در سال ۱۹۹۰ به عنوان مقیاس جدیدی از توسعه توسط برنامه توسعه سازمان ملل معرفی شد. این شاخص مذکور مبتنی بر این ایده است که لازمه دست یابی به زندگی بهتر علاوه بر داشتن درآمد بالاتر، توجه به پرورش و بسط استعدادها و ظرفیت های انسانی است.

به طور خلاصه اجزای شاخص توسعه انسانی شامل: امید به زندگی، آموزش و درآمد سرانه می باشد. ایران در سال ۲۰۰۵ از نظر رتبه بندی شاخص توسعه انسانی بین کشورهای آسیای جنوب غربی در رتبه ۱۲ و در سطح جهان در رتبه ۹۴ قرار داشته است (گزارش توسعه انسانی، ۲۰۰۷: ۳۹) توسعه پایدار برحسب استانداردهای مطرح در سندهزاره معیارها و اصول ایستاری حقوق بشروحدت ملاک قرارداده که درغایات نهایی آن آزادی، برابری جنسی واحترام به کرامت انسانی وعدالت اجتماعی که در سیاستگزاری های اجتماعی بعنوان افق های بلند مدت لازم می آیدتا مورد پیش بینی واقع شود برداشتی که از برابری در این گفتمان استنباط میگردد. دبیرکل سازمان ملل متحد براساس گزارش شماره (A/۶۹/۱۵۶) سال ۲۰۱۴ که در خصوص نقش زنان در فرایند توسعه باعنوان برابری جنسیتی و توسعه پایدار ارائه داده در آنجا یاد آور شده است که اولویتی که در طراحی سیاستهای ملی دولتها مترصدتمرکز برآن باشند مبحث برقراری وتقویت برابری زنان ومردان است.

بنابراین در طراحی سیاستهای اجتماعی این موضوع بایسته است که برقراری مساوات میان زن ومرددر تدوین برنامه ریزی برد دوسویه داشته باشد یعنی هم برابری بشکل بالفعل که جنبه رویه ای و آیین نامه ای دارد وهم متناظر بر وضعیت هنجاری وارزشی در مطالبات حقوق اجتماعی باشدتاجایی که برآیند آن در برنامه های توسعه ملی هر کشوری با روندتطور توانمندی زنان و ارتقاقدردت تاثیرگذاری قابل ملاحظه آنها بر محیط پیرامونی نمودیبرونی پیدا کند و فقط به نوع فورمالیستی وصور ی آن بسنده نشودبلکه با رسمیت بخشی به حقوق بنیادین آنها ونفی تبعیضها، ساختارهای تصمیم گیری را بسوی مشارکتی شدن برمبنای عدالت جنسیتی به پیش ببرند. اما در ایران رویکردهای موجود در مورد نقش زنان در توسعه را می توان به سه گروه کلی تقسیم بندی کرد. اولین دیدگاه رویکرد مذهبی یا توسعه انسانی نام دارد زنان در این رویکرد حتی اگر در نظام تولیدی، صنعتی شرکت نداشته باشند باز هم در روند توسعه نقش اساسی ایفا می کنند. دومین رویکرد در مورد نقش زنان در توسعه، رویکرد فمینیستی است. به نظر آنان همه زنان باید در فعالیت های اجتماعی و روند توسعه شرکت داشته باشند و جامعه باید زمینه اشتغال زنان را فراهم کند. سومین و آخرین رویکرد عدالت جنسیتی است. طرفداران این رویکرد معتقدند زنان امروز به اندازه مردان توانایی دارند و استفاده نکردن از نیروی کار آماده باعث به وجود آمدن ناهنجاری در جامعه می شود. (آقابخشی و محتشمی، ۱۳۸۹: ۵۳) این



رویکرد در پی ایجاد فرصت های مساوی برای زنان و مردان در کلیه بخش های اجتماعی، فرهنگی، اقتصادی و سیاسی است تا زمینه عدالت اجتماعی مهیا گردد.

جدول (۲) مکان های وقوع خشونت و انواع خشونت ها علیه زنان.

ردیف	اماکن یا انواع خشونت	توضیحات
۱	خانه و خانواده	خشونت علیه زنان در خانواده از چالش برانگیزترین و دشوارترین مقوله باشد. علاوه بر این تعهدات و وظایف دولت و حکومت نیز برای تضمین و حصول اطمینان از تحقق این حقوق در داخل خانه و خانواده نیز به قوت خویش باقی است.
۲	خشونت در مراکز تامینی و امنیتی	تعدادی از زن ها، قسمت قابل توجهی از عمر خود را در مراکزی مانند خانه های مراقبت، بازداشتگاه های پلیس، زندان ها، می گذرانند. این زنان در معرض اعمال خشونت از سوی کارکنان و مقاماتی که مسئول سلامت آنان هستند قرار دارند.
۳	خشونت در محیط کار	در بیشتر موارد خشونت از سوی «کارفرما» بر زنان اعمال می گردد و سایر عاملان خشونت علیه زنان شامل همکاران، مشتریان، سرکارگران و افراد ناظر بر کار، پلیس و گروه های بزه کار می شود.
۴	خشونت در جامعه	برای زنان جامعه یکی از منابع حمایت و اتحاد است ولی می تواند محلی برای اتفاق افتادن انواع خشونت از جمله خشونت باندها، خشونت پلیس، خشونت جسمی و جنسی، ربوده شدن و قاچاق زنان باشد. همچنین خشونت ممکن است در ارتباط با رسانه های گروهی و همچنین فن آوری های جدید اطلاعات و مخابراتی باشد.
۵	خشونت بدنی، جسمی (فیزیکی)	خشونت جسمانی علیه زنان ممکن است به شیوه های گوناگون صورت گیرد. کتک زدن، شکنجه، قتل، این نوع خشونت به هر نوع رفتار غیر اجتماعی که جسم زن را مورد آزاد قرار می دهد، اطلاق می گردد
۶	خشونت های عاطفی (روانی)	رفتار خشونت آمیزی است که شرافت، آبر و اعتماد به نفس زنان را خدشه می کند. این رفتار به صورت انتقاد ناروا، تحقیر، بددهانی، تمسخر، توهین، فحاشی، تهدیدهای مداوم به طلاق دادن یا ازدواج کردن اعمال می شود
۷	خشونت اجتماعی	نوعی از خشونت است که در آن زنان از فعالیت و تعامل اجتماعی با دیگران در سطح جامعه محروم می شوند. در این نوع خشونت زن تحت کنترل شدید مرد قرار دارد و زن را در انزوای اجتماعی قرار می دهد.

عوامل مولد خشونت علیه زنان ایرانی در ابعاد قانونی، اقتصادی و نظارتی

زنان از لحاظ قانونی در شرایط نابرابر با مردان قرار دارند. یک زن از لحاظ قانونی برای طلاق باید شرایط بسیار دشواری را طی کند. هر چند شروط ضمن عقد تا حدودی برخی حقوق را به زن می دهد اما در هر صورت در زمانی که زن متقاضی طلاق است باید مورد عسر و حرج را ثابت کند. (عبادی، ۱۴۱: ۱۳۸۱) در خانواده ریاست آن با مردان است، مجازاتی برای خشونت خانگی (در حد قتل) در نظر گرفته نمی شود. در خصوص مردانی که مجازات ها ملایم هستند و باعث ادامه بالاجبار زندگی با مردانی می شود که همسران خود را کتک می زنند. (عبادی، ۱۳۷۱: ۱۹۱) قوانین ایران نه فقط در حوزه خانواده بلکه در حوزه عمومی نیز بر اقتدار مردان و بی اقتداری زنان تاکید دارد قوانین به شکلی تنظیم شده اند که هر چند در برخی از محدود های عمومی امکان فعالیت و مشارکت زنان وجود دارد، اما این رفتارها منوط به اجازه شوهر است. اجازه پدر و شوهر بر تمام زندگی سایه افکننده است و این امر حتی برای مردان و زنانی که معتقد به حق تصمیم گیری آزاد برای هر کس هستند، صدق می کند. هر چند که از لحاظ قانونی مواد منع برای کار وجود ندارد اما در مورد کار آنان در سطوح مختلف دو مسئله وجود دارد: اولین مورد درصد ناچیز زنان شاغل و درصد بسیار بالای زنان در جستجوی کار است که به معضلات کاری این جنس اشاره دارد این امر نشان گر مقاومت جامعه در برابر استخدام زنان است. نبود مشاغل میانی برای زنان معضل دیگری است که به دوری زنان از محیط کار می انجامد در عین حال ناسالم بودن محیط کار در بسیاری از مشاغل خصوصی و احتمال وجود آزارهای جنسی، زنان را در انتخاب مشاغل محدود می سازد. بخش اقتصاد به هر دلیل زنان را از خود رانده و یا حضور آنان را محدود کرده است. هم چنین با توجه به درآمدهای ناچیزی که آنان را وابسته به درآمدهای مردان می سازد، زنان را به ازدواج و وابستگی به یک مرد سوق می دهد. حتی زنان شاغل نیز امکان



زندگی جدای از مردان را با درآمدهای خود ندارند؛ به خصوص اگر بر داشتن و سرپرستی فرزندان تاکید داشته باشند امکان ارائه زندگی در سطح زندگی خانوادگی را نخواهند داشت. (اعزازی، ۱۳۸۳: ۷۲-۷۳) در ایران سازمان های نظارتی اعم از رسمی و غیر رسمی، هم چنین سازمانی و فردی، جملگی در نظارت بر زنان با استفاده از اعمال قدرت و به کارگیری خشونت در سطوح مختلف اهتمام می ورزند. خشونت مردان را در ایران از یک طرف می توان به صورت سازمان یافته در نهادهای نظارتی نیز مشاهده کرد.

جدول ۳) جایگاه زنان در فرآیند توسعه

ردیف	زنان و توسعه	توضیحات
۱	زنان به عنوان سرمایه انسانی	عمده تفاوت بین کشورهای توسعه یافته، در میزان و کیفیت سرمایه های انسانی است. از آنجا که نیمی از نیروهای انسانی جامعه به زنان اختصاص دارد
۲	تاثیر مستقیم زنان بر شاخص های توسعه انسانی	زنان در شاخص های مربوط به امید به زندگی، آموزش و ... نقش کلیدی ایفا می کنند. به طور اصولی دستیابی به اهداف این شاخص ها بدون اهمیت و اولویت دادن به زنان و ارائه راهکارهای امنیت، عدم خشونت و جنسیتی غیر ممکن است
۳	تاثیر غیر مستقیم زنان بر شاخص های توسعه	شاخص توسعه انسانی مرتبط با جنسیت، شاخص تواناسازی جنسیتی، شاخص فقر انسانی و شاخص تواناسازی جنسیتی، تعداد زنان ناشر، مولف، مترجم، سهم زنان در مطبوعات

خشونت و امنیت زنان در قانون برنامه ششم توسعه

نگرش قانون اساسی به جایگاه و منزلت والای زن و نقش آفرینی گسترده او در حیات فرهنگی جامعه حائز اهمیت است، چرا که خانواده به مثابه سلول های سازنده جامعه محسوب می گردند و تزلزل و تقویت آن به تزلزل و تقویت جامعه منجر می گردد. از نگاه جمهوری اسلامی ایران زن دارای اصالت و استقلال می باشد. برخی شبهه ای را به این صورت مطرح می کنند که نگرش اسلام به زن، نگاه ابزاری است و زن به عنوان موجودی وابسته تلقی می شود. (زن از دیدگاه مقام معظم رهبری، ۱۳۷۸: ۲۴)

بر اساس تعریف، منابع توسعه به سه دسته سرمایه های اجتماعی، طبیعی و انسانی تقسیم می شوند. سرمایه های انسانی به طور مستقیم و غیر مستقیم در بهبود سرمایه های اجتماعی و دارایی طبیعی دخیل است. از این رو نیروی انسانی مهمترین منبع توسعه به شمار می رود و تنها در صورت به کارگیری و بازدهی مناسب، تاثیر اثربخش بر توسعه دارند. از طرف دیگر امروز کاملاً آشکار است که برنامه ریزان برای دست یابی بیشتر به امکانات توسعه لازم است امکانات را به گونه ای مهیا سازد که این نیروی ۵۰ درصدی فعال به سرمایه های انسانی جامعه افزوده شود و تنها در این صورت است که منافع همه جانبه جامعه تامین می شود. (صالحی امیری و رحیمی، ۱۳۸۸: ۶۲-۶۳) در قانون برنامه ششم توسعه بخش های مختلفی به موضوع زنان توجه شده است که عبارتند از: ۱- اشتغال، نظام عادلانه پرداخت، رفع تبعیض، توانمند سازی محرومان و فقرا با اولویت زنان سرپرست خانوار ۲- پوشش بیمه سلامت برای تمامی جمعیت کشور - از جمله زنان اجباری است. ۳- در ماده ۷۴ قانون، در استقرار سامانه پرونده الکترونیکی سلامت ایرانیان، رعایت جهات شرعی از جمله محرم و نامحرم ضروری دانسته شده است. ۴- در ماده ۷۴ قانون، تهیه و اجرای کامل طرح جامع توانمند سازی سرپرست خانوار طبق قوانین و مصوبات شورای اجتماعی. ۵- تقویت نهاد خانواده و جایگاه زن در آن و استیفای حقوق شرعی و قانونی زنان در همه عرصه ها و توجه ویژه به نقش سازنده آنان. ۶- اعمال رویکرد عدالت جنسیتی بر مبنای اصول اسلامی در سیاست ها و ارزیابی بر اساس شاخص های ابلاغی «ستاد ملی زن و خانواده» شورای انقلاب فرهنگی. ۷- وزارت تعاون مکلف است برای تحکیم خانواده، طرح ایجاد بیمه اجتماعی زنان خانه دار حداقل سه فرزند را فراهم کند. با توجه نقشی که زنان در برنامه های اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی دارند امنیت و سلامت آنها از اهمیت دو چندان برخوردار می باشد. لازم است قبل از ورود به قانون برنامه ششم و بررسی امنیت زنان، به نقش زنان در برنامه های اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی اشاره شود. به طور کلی اندیشمندان و صاحب نظران تاثیر زنان بر توسعه را از سه طریق امکان پذیر می دانند (رضاپور و مختاریان، ۱۳۸۶: ۲۲) جوامع و کشورهایی که توسعه را با ملاحظات جنسیتی و با توجه به نیازهای خاص زنان و مشارکت موثر آنها در روند توسعه طی کرده اند، نتایج



حاصله برایشان بسیار کارآمد و مفید بوده است. عرف و برداشت های نادرست از قوانین زنان، همواره منشا اعمال تبعیض و ایجاد نابرابری در ارتباط با زنان بوده و همین مساله موجب شده است که آنان به لحاظ حقوق انسانی خود در حاشیه قرار گیرند. اگر چه حقوق زنان و در سیاستگذاری و برنامه ریزی های اجتماعی تا حدی مورد توجه بوده، اما عدالت اجتماعی درباره زنان محقق نشده است. از این رو در سال های اخیر به ویژه در برنامه های توسعه تلاش شده است که زنان نیز، جامعه هدف در برنامه ریزی ها قرار گیرند. تاکید بر عدالت جنسیتی در برنامه ششم توسعه گامی مهم در همین راستا است. نگاهی به برنامه ششم نشان می دهد که این برنامه به لحاظ جامع نگری، مساله محوری، توازن در اولویت بندی و ... با برنامه های گذشته متفاوت است. از جمله ویژگی های مهم آن توجه به نقش زنان و تاکید بر عدالت جنسیتی در ماده ۱۰۱ این قانون است. بر مبنای این قانون کلیه دستگاههای اجرایی کشور موظف شده اند ضمن توجه به اهداف مندرج در اصول، دهم، بیستم، بیست و یکم قانون اساسی، اهداف سند چشم انداز و سیاست های کلی برنامه ششم و خانواده، در راستای بهره مندی جامعه از سرمایه انسانی زنان در فرایند توسعه پایدار و متوازن و ... نسبت به اعمال رویکرد عدالت جنسیتی بر مبنای اصول اسلامی در سیاست ها، برنامه ها و طرح های خود و ارزیابی آثار و تصمیمات بر اساس شاخص های ابلاغی ستاد ملی زن و خانواده شورای عالی انقلاب فرهنگی اقدام نماید. از آنجا که زنان بیش از مردان در معرض انواع نابرابری، اجحاف و بی عدالتی قرار دارند، به همین دلیل عدالت جنسیتی در باره زنان مصداق بیشتری دارد تا مردان. نگاهی به پنج برنامه پیشین نشان می دهد که زنان در این برنامه نقش اندکی داشتند. در واقع در تدوین برنامه های توسعه علاوه بر بی توجهی به ضرورت توازن و تعادل در سیاست گذاری، از تامین امنیت و عدم خشونت علیه زنان غفلت شد. در برنامه اول و دوم توسعه سهم زنان به طور عمده در خانواده و موضوعاتی همچون سیاست های تنظیم خانواده و کنترل مولید مستتر بود. در برنامه دوم توسعه، ورزش و مشارکت در امور اجتماعی، فرهنگی و اقتصادی به سهم زنان افزوده شد. در برنامه سوم تا اندازه ای به ارتقای نقش مناسب زنان در توسعه کشور توجه شد. در این برنامه ضمن تاکید بر فرصت های اشتغال، تسهیل امور حقوقی و قضایی زنان، حمایت از زنان سرپرست خانوار بر مشارکت آنان در امور فرهنگی - اجتماع نیز مورد توجه قرار گرفت. برنامه چهارم اندکی با برنامه قبلی در باره زنان متفاوت بود به این معنا که علاوه بر موضوعات مورد تاکید در برنامه ای قبل، برای نخستین بار پای مبحث جنسیت در برنامه های توسعه به میان آمد در برنامه پنجم نیز سهم زنان بیشتر در قالب مباحث کلی و غیر قابل اندازه گیری پیش بینی شده بود. به طور کلی از محتوای برنامه های پیشین توسعه استنباط می شود که در همه این برنامه ها زنان در کنار دیگر گروههای اجتماعی به عنوان جامعه هدف در برنامه ریزی مطرح بودند اما سهم آنان در این برنامه اندک بود. اما همین سهم ناچیز هم به فراموشی سپرده شد. این مساله باعث شد که زنان به رغم برخورداری از ظرفیت ها و توانمندی های خاص، نتواند به جایگاه مطلوب در جامعه دست یابند. در همین راستا در برنامه ششم توسعه تلاش شد، تدابیر ویژه ای برای ارتقای موقعیت و جایگاه زنان در جامعه فراهم شود



ردیف	راهکارها	توضیحات
۱	تقویت تعهدات و اقدامات در سطوح ملی و محلی	راهبردها و سیاست ها و یا برنامه عملیاتی مندرج در برنامه ششم توسعه در زمینه خشونت علیه زنان و امنیت و رفع تبعیض علیه آنها با اهداف واقع نگرا نه و بامحدودیت زمانی تدوین شود
۲	ممنوعیت کلیه انواع خشونت علیه زنان	جمهوری اسلامی ایران باید کلیه انواع خشونت از جمله خشونت جنسی و شکنجه و هر گونه رفتار ، برخورد و تنبیه بی رحمانه ، غیر انسانی و تحقیر آمیز را ممنوع اعلام کند
۳	اولویت به پیشگیری	دولت ها باید منابع کافی به امر پرداختن به عوامل خطرزا اختصاص دهند و از بروز خشونت قبل از وقوع آن پیشگیری کنند
۴	خشونت زدایی از فرهنگ عمومی	اطلاع رسانی عمومی به منظور افزایش سطح حساسیت افکار عمومی نسبت به تاثیرات مضر خشونت بر روی زنان
۵	تدوین گزارشهای رسمی	مکانیسم های امن، شناخته شده، محرمانه و در دسترس برای ثبت موارد خشونت علیه زنان ایجاد نمایند.
۶	روز رسانی اطلاعات و داده ها	سیستم های گردآوری داده ها و اطلاعات را به منظور شناسایی گروه های زیر مجموعه ی آسیب پذیر

نتیجه گیری

جمهوری اسلامی ایران هم به عنوان کشوری در حال توسعه و هم به عنوان جامعه ای که در سه دهه گذشته، انقلابی سیاسی - اجتماعی را پشت سر گذاشته است. بر اساس نظریات نوسازی سیاسی، ناگزیر به استفاده از قوای انسانی و فکری همه اعضای جامعه خود محورهای مهمی که در قانون برنامه ششم توسعه به چشم می خورد و در امنیت روانی و جسمی زنان نقش خیلی مهمی دارد. یکی قراردادن زنان در گروه های آسیب پذیر که رویکرد آن فقر زدایی و توانمندسازی است و رویکرد دیگر که زنان را وسیله ای برای رسیدن به اهداف جامعه مطرح می کند ؛ اینکه زنان می توانند در رسیدن جامعه به اهداف اجتماعی، اقتصادی و سیاسی نقش آفرینی کنند. محور دیگر استراتژی نهادگرا است که با تاکید بر رویکرد عدالت جنسیتی ، زنان یک عامل توسعه دیدیه می شوند که با حفظ حقوق طبیعی شان می توانند در کنار مردان در راستای تحقق آرمان های جامعه و کمک در پیشبرد اهداف برنامه توسعه کشور تاثیر گذار باشند. امید است با بررسی وضعیت موجود و نسبت فاصله آن با وضعیت مطلوب ، گزاره های نادرست در حوزه زنان اصلاح شود که برنامه ریزان و تصمیم گیران حوزه کلان بتوانند بر اساس گزاره های نزدیک به واقعیات اجتماعی تصمیم گیری نمایند.



- ۱- اعزازی، شهلا، ساختار جامعه و خشونت علیه زنان ، فصلنامه علمی پژوهشی رفاه اجتماعی، سال چهارم، شماره ۱۴، ۱۳۸۳.
- ۲- آقابخش، حبیب الله، محتشمی، مهرنوش، بررسی جایگاه زنان در محتوای برنامه های توسعه بعد از انقلاب، فصلنامه پژوهش اجتماعی، سال سوم، شماره هفتم، تابستان، ۱۳۸۹.
- ۳- سن.آ.ک. (۱۳۷۹)، آزادی و برابری، ترجمه حسن فشارکی، نشر شیرازه، چاپ اول.
- ۴- کار، مهرانگیز، (۱۳۸۱) پژوهشی درباره خشونت علیه زنان در ایران، تهران، روشنگران و مطالعات زنان.
- ۵- سازمان جهانی بهداشت، ۱۳۸۰، خشونت علیه زنان ، ترجمه شهرام شهرام رفیعی فر و سعید پارسا نیا، تهران ، تندیس.
- ۶- صیدالی بختیاری، محسن، جایگاه مشارکت زنان در توسعه پایدار زاگرس مرکزی، سویس خبری زنان اینانیز، دوشنبه ۲۵ اردیبهشت ۱۳۹۱
<http://ibnanews.com/vdce.pafbjhλzo9bij.htmI>
- ۷- صالحی امیری، سید رضا و رحیمی، عبدالرحیم، نقش زنان در برنامه های فرهنگی، اجتماعی و اقتصادی، چالش ها و راهبردها، مجله مدیریت فرهنگی، سال سوم، شماره چهارم، تابستان ۱۳۸۸.
- ۸- عبادی، شیرین، حقوق زن در قوانین جمهوری اسلامی ایران، تهران: گنج دانش، ۱۳۸۱.
- ۹- عبادی، شیرین، حقوق کودک، تهران، روشنگران، ۱۳۷۱.
- ۱۰- عمید، حسن، فرهنگ فارسی عمید، چاپ اول، راه رشد، ۱۳۸۹.
- ۱۲- مرکز امور مشارکت زنان (ریاست جمهوری)، مجموعه مقالات همایش و چالش ها و چشم اندازهای توسعه ایران، دفر دوم ، گزارش هم اندیشی زنان و توسعه، موسسه عالی آموزش و پژوهش مدیریت و برنامه ریزی، تهیه کننده: موسسه عالی پژوهش تامین اجتماعی ، تهران ، ۱۳۸۱.
- ۱۳- مختاریان، حسین، رضاپور، فرحناز، جایگاه زنان در روند توسعه کشور، معاونت برنامه ریزی و نظارت راهبردی رئیس جمهور، هفته نامه برنامه ، شماره ۲۳۳، ۱۳۸۶.
- ۱۴- (۱۳۷۸) ، زن از دیدگاه مقام معظم رهبری، شورای هماهنگی تبلیغات اسلامی، نشر نوادر.
- ۱۵- (۲۰۰۷) گزارش توسعه انسانی ، برنامه سازمان ملل.
- ۱۶- The General Assembly resolution : Declaration on the Elimination of Violence against Women, ۴۸/۱۰۴ of ۲۰ December ۱۹۹۳.
- ۱۶- Under The Secretary-General and Executive Director ,WORLD SURVEY ON THE ROLE OF WOMEN IN DEVELOPMENT, UN Women(A/۶۹/۱۵۶)۲۰۱۴.
- ۱۶- Safari, mozaffar(۱۹۹۲), planning theory and development, discussion paper no, ۳۲, Vancouver, UBC school of regional planning world commission.



اخذ امکان نفقه آینده فرزند توسط مادر

بنت الهدی جعفری؛ کارشناسی ارشد، دانشگاه یزد

علی تولاتی؛ دانشیار، دانشگاه یزد

چکیده

در بسیاری از مواردی که زن طلاق گرفته نفقه فرزند، به عهده او قرار می‌گیرد؛ در این موارد گاه، زوج، به دلیل عدم احساس مسؤولیت از پرداخت نفقه مناسب فرزند خود خودداری کند. حال این سؤال مطرح می‌گردد که آیا زن قبل از جدایی یا پس از آن می‌تواند با مراجعه به دادگاه، نفقه آینده‌ی فرزند خود را مطالبه کند؟ اگر در توافق مربوط به طلاق، زوج متعهد شود که نفقه فرزند را پرداخت کند، اما از پرداخت آن عاجز شود، آیا مسؤولیت پرداخت بر عهده زوج قرار خواهد گرفت؟

مقاله پیش رو به شیوه تحلیلی، ابتدا مبانی فقهی لزوم پرداخت نفقه فرزند از سوی زوج در موارد طلاق مورد بحث قرار گرفته، سپس راه کارهای عملی تضمین استیفای این حق از سوی زن بررسی می‌شود. به عنوان نتیجه حاصل از این تحقیق باید گفت: نفقه فرزندی که به سن قانونی نرسیده و کسب و کار برای افراد هم سن و سال او متعارف نیست، بر والدین واجب است. در نفقه قاعده الاقرب فالاقرب رعایت می‌شود؛ بنابراین نفقه فرزند، ابتدا بر پدر مالدار واجب است و در صورت امتناع، حاکم شرع او را مجبور به پرداخت می‌کند. در صورت عجز، خویشاوندان موجود در طبقات ارث در صورت مالدار بودن باید نفقه را پرداخت کنند، وگرنه از محل بیت المال تأمین می‌شود. همچنین باید گفت نفقه فرزند، دین طبیعی بوده و مادامی که زوج یا سایر خویشاوندان موجود در طبقات ارث، مالدار باشند، زوج می‌تواند با معرفی آنها به دادگاه، پرداخت نفقه آینده را مطالبه کند.

واژگان کلیدی: نفقه آینده، زن سرپرست خانوار، زوج، اقارب، استیفا

۱. مبانی فقهی لزوم پرداخت نفقه فرزند

نفقه اولاد بر عهده پدر است، نه مادر. خداوند در آیه «...فَإِنْ أَرْضَعْنَ لَكُمْ...» (طلاق/۶) می‌فرماید رضاع بر عهده پدر است، بنابراین به طریق اولی سایر نفقات بر عهده او است، چراکه مادر حق دارد از رضاع امتناع کند یا در قبال رضاع اجرت بگیرد که اگر نفقه بر او واجب باشد، مادر حق ندارد در قبال رضاع فرزند خود اجرت بگیرد و اصل، برائت ذمه مادر از نفقه است. بعلاوه عموم حدیث هند زوجة ابی سفیان، اجماع و ظاهر نصوص همگی ناظر به مشغول بودن ذمه پدر به نفقه فرزند خویش است. (طاهری، ۱۴۱۸ ق، ج ۳، ص ۳۶۱؛ نجفی، ۱۴۰۴ ق، ج ۳۱، ص ۳۸۳؛ فاضل لنکرانی، ۱۴۲۱ ق، ص ۶۰۳؛ فاضل هندی، ۱۴۱۶ ق، ج ۷، ص ۶۰۱؛ طباطبایی حائری، ۱۴۱۸ ق، ج ۱۲، ص ۱۸۶-۱۸۰)

از مجموعه احادیث به وجوب نفقه اولاد، می‌توان به احادیث ذیل اشاره کرد:

مُحَمَّدُ بْنُ أَحْمَدَ بْنِ يَحْيَى عَنْ مُوسَى بْنِ عُمَرَ عَنْ عَبْدِ اللَّهِ بْنِ الْمُغْبِرَةِ عَنْ حَرِيزٍ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ ع قَالَ: قُلْتُ مَنْ الَّذِي أُجْبَرُ عَلَى نَفَقَتِهِ وَ تَلَزَمُنِي نَفَقَتُهُ قَالَ الْوَالِدَانُ وَالْوَالِدَةُ وَالزَّوْجَةُ. (طوسی، ۱۳۹۰ ق، ج ۳، ص ۴۳؛ حر عاملی، ۱۴۰۹ ق، ج ۲۱، ص ۵۲۵؛ مجلسی، ۱۴۱۰ ق، ج ۱۰۱، ص ۷۱)

محمد بن احمد بن یحیی از حریز از امام صادق پرسید، بر مرد، لازم است، نفقه چه کسانی را بپردازد؟ امام فرمودند: والدین، فرزند و زوجه اش.

همین حدیث از حلبی از امام صادق نیز نقل شده است. (ابن بابویه، ۱۴۱۳ ق، ج ۳، ص ۱۰۵؛ مجلسی، ۱۴۰۶ ق، ج ۱۰، ص ۱۹۱)

محمد بن یعقوب از ابن دراج نقل کرده امام فرمودند بر مرد نفقه ابوبین و فرزندش واجب است. (کلینی، ۱۴۰۷ ق، ج ۱۱، ص ۱۷۶؛ طوسی، ۱۴۰۷ ق، ج ۶، ص ۲۹۳؛ فیض کاشانی، ۱۴۰۶ ق، ج ۱۰، ص ۴۴۵)



طبق متون روایی دلیلی بر وجوب نفقه در مرتبه اول بر مادر وجود ندارد، لذا در صورت عدم قدرت پدر، نفقه فرزند به عهده اجداد پدری با رعایت قاعده الأقرب فالأقرب است، آیه اولی الارحام، (انفال، ۷۵) اخبار و فتاوی موجود در این زمینه موید حکم مزبور است.

مقصود از اینکه اجداد موظف به پرداخت نفقه‌اند، این نیست که همه به نحو مساوی مکلف به این امر هستند، بلکه طبق قاعده الأقرب فالأقرب، تواتر احادیث، نص قرآن کریم و اجماع، هر کدام که نزدیکتر به فرزند است، بر او لازم است که نفقه را بپردازد. (نجفی، ۱۴۰۴ق، ج ۳۱، ص ۳۸۳؛ امام خمینی، بی تا، ج ۲، ص ۳۲۳-۳۲۲؛ فیض کاشانی، بی تا، ج ۲، ص ۳۸۰؛ علامه حلی، ۱۴۱۳ق، ج ۳، ص ۱۱۵)

در صورت نبودن پدر یا اجداد پدری و یا عدم قدرت آنها، نفقه بر عهده مادر است، هرگاه مادر هم زنده و یا قادر به انفاق نباشد، با رعایت الأقرب فالأقرب، به عهده اجداد و جدات مادری و جدات پدری واجب النفقه است. و اگر چند نفر از اجداد و جدات از حیث درجه اقریب مساوی باشند، نفقه به طور مساوی میان آن ها تقسیم می شود. بنابراین اقارب در خط صعودی و نزولی ملزم به انفاق هستند (ماده ۱۱۹۹ ق. م؛ سبزواری، ۱۴۲۳ق، ج ۲، ص ۳۰۸؛ ترحینی، ۱۴۲۷ق، ج ۶، ص ۶۳۶؛ وجدانی فخر، ۱۴۲۶ق، ج ۱۲، ص ۳۲۷؛ ابن ادریس حلی، ۱۴۱۰ق، ج ۲، ص ۶۵۶؛ امام خمینی، بی تا، ج ۲، ص ۳۲۲).

بنابر قول مشهور کسانی که در حاشیه نسب قرار می گیرند، مانند برادران و خواهران، دایی ها و خاله ها، عموها و عمه ها هرچند ارث می برند اما ملزم به پرداخت نفقه نیستند، هرچند مستحب است و مورد تاکید قرار گرفته است. (عاملی، ۱۴۱۱ق، ج ۱، ص ۴۸۵؛ شهید اول، ۱۴۱۴ق، ج ۵۳، ص ۲۱۱؛ بحرانی، ۱۴۰۵ق، ج ۲، ص ۱۳۳؛)

یک نظر مخالف از جانب شیخ طوسی مطرح شده است که نفقه بر وارث نیز واجب است. خداوند در آیه ۲۳۳ بقره می فرماید بر وارث مولود له یعنی پدر فرزند، همانطور که نفقه اجرت رضاع بر وی واجب است، سایر نفقات نیز واجب است. علت وجوب نفقه، ارث است و مقتضی وجوب نفقه وارث بر مورث است، چراکه آیه عام است و شامل همه روابط بین وارث و مورث می شود. از طرفی وجود روایات در این زمینه برخی از فقها مانند شیخ طوسی قائل به وجوب شدند. (ر. ک حر عاملی، ۱۴۰۹ق، ج ۹، ص ۴۱۲؛ فیض کاشانی، ۱۴۰۶ق، ج ۱۰، ص ۴۰۵) هرچند سایر فقها، نصوص را حمل بر استحباب کردند. (شهید ثانی، ۱۴۱۰ق، ج ۵، ص ۴۷۴-۴۷۳) بعضی از فقها از باب احتیاط، نفقه را واجب می دانند. (حکیم، ۱۴۱۰ق، ج ۲، ص ۳۰۵؛)

۲. استیفای حق نفقه فرزند توسط مادر

مسئله انفاق یک مسئله اخلاقی نیست که هیچ پشتوانه قانونی نداشته باشد، بلکه از قوانین آمره و الزامی است، به طوری که اگر پدر (منفق) در پرداخت نفقه کوتاهی نماید، مادر، حق مراجعه به محکمه را داشته و حاکم، منفق (پدر) را الزام به انفاق خواهد کرد. در صورت امتناع حاکم بر اساس ولایتی که بر ممتنع دارد؛ می تواند نفقه را از طریق فروش اموال وی تامین می کند. (درساتنا من الفقه الجعفری، ج ۴، ص ۳۹۹؛ بحرانی، ۱۴۰۵ق، ج ۲۵، ص ۱۳۸؛ ماده ۱۲۰۵ق. م؛ طاهری، ۱۴۱۸ق، ج ۳، ص ۳۶۴؛ نجفی، ۱۴۰۴ق، ج ۳۱، ص ۳۸۸) بنابراین اگر پدر در پرداخت نفقه فرزند کوتاهی نماید، مادر می تواند با مراجعه به دادگاه، نفقه ی فرزند خویش را مطالبه نماید.

حال این سوال مطرح می گردد که مادر می تواند نفقه گذشته فرزند خود را از دادگاه مطالبه کند، در نتیجه پدر مکلف به پرداخت نفقه گذشته باشد؟ باید گفت «نفقه زوجه بر عهده زوج دین است نه نفقه اقارب». بنابراین هرگاه زوج مدتی نفقه زوجه را نپردازد، زوجه می تواند به دادگاه مراجعه کرده، هم نفقه گذشته را طلب کند و هم الزام زوج را نسبت به ادای نفقه آینده بخواهد؛ یعنی زوجه مالک نفقه خود می باشد و در صورت نپرداختن زوج، در ذمه او دین خواهد بود، چراکه نفقه حق مالی زوجه در مقابل معاوضه است، بنابراین بر ذمه زوج مستقر می شود. (م ۱۲۰۶ق. م؛ شهید ثانی، ۱۴۱۰ق، ج ۵، ص ۴۷۶؛ سبزواری، ۱۴۱۳ق، ج ۳۵، ص ۳۳۲؛ آبی، ۱۴۱۷ق، ج ۲، ص ۲۰۳؛ طاهری، ۱۴۱۸ق، ج ۳، ص ۳۶۴)

این حکم ظاهر کلام اصحاب است که اقارب در این مسأله مثل زوجه نیستند، لذا اگر پدری مدتی نفقه فرزندش را تامین نکند؛ مادر نمی تواند در محکمه مطالبه نفقات گذشته را بنماید، بلکه می تواند الزام پدر را به انفاق در زمان آینده از حاکم و مراجع قضایی مطالبه نماید. زیرا نفقه اقارب بر وجه مساوات و کمک به قریب است نه از باب تملیک. لذا در ذمه مستقر نمی شود. همچنین با فوت زمان تکلیف، نفس تکلیف نیز



از بین می رود. (م. ۱۲۰۴ق.م؛ شهید ثانی، ۱۴۱۰ق، ج ۵، ص ۴۷۶؛ شهید ثانی، ۱۴۱۳ق، ج ۸، ص ۴۹۰؛ ابن فهد حلی، ۱۴۰۷ق، ج ۳، ص ۴۳۵؛ م. ۱۲۰۶ق.م)

باید گفت اگر حاکم، اندازه نفقه را مشخص کند و حاکم زوج را امر به قرض گرفتن کند؛ انفاق مانند سائر دیون در ذمه فرد مستقر می شود و نفقه گذشته فرزند قابل اخذ خواهد بود. (فاضل مقداد، ۱۴۰۴ق، ج ۳، ص ۲۸۲؛ سبزواری، ۱۴۲۳ق، ج ۲، ص ۳۰۷؛ فاضل هندی، ۱۴۱۶ق، ج ۷، ص ۵۹۹)

۳. شرایط لزوم انفاق

لزوم انفاق به خویشان شرایطی دارد که به ترتیب ذیل است:

۱،۳ نیاز و فقر منفق علیه.

در صورتی فرزند مستحق نفقه خواهد بود که اولاً «ندار باشد». و مقصود از ندار بودن آن است که شخص آنچه را که برای زندگانی فعلی خود به آن محتاج است؛ نداشته باشد.

۲،۳ عدم توانایی اشتغال

دومین شرط برخورداری از نفقه خویشان، این است که: «تواند به وسیله اشتغال به کار، معاش خود را تأمین نماید». بنابراین، اگر شخصی فعلاً واجد نفقه خود نباشد، اما بتواند با اشتغال به کار معاش خود را تأمین نماید، او مستحق انفاق نخواهد بود؛ زیرا نفقه و لزوم انفاق بر شخص منفق برای جلوگیری از گرسنگی و حفظ حیات است، و کسی که قادر بر اشتغال است محتاج نخواهد بود. (ابن فهد حلی، ۱۴۰۷ق، ج ۳، ص ۴۳۵؛ ماده ۱۱۹۷ ق.م)

همچنین اگر کاری متناسب با شأن و وضعیت اجتماعی او پیدا نشود و او نیز از لحاظ قدرت جسمی، قادر بر انجام آن کار هست ولی از لحاظ شأنی، در شأن او نیست. در چنین صورتی نیز، مستحق انفاق خواهد بود. (طباطبایی حائری، ۱۴۱۸ق، ج ۱۲، ص ۱۸۲؛ بحرانی، ۱۴۰۵ق، ج ۲۵، ص ۱۳۶)

یک قول ضعیف وجود دارد که ولی می تواند صغیر در صورت بلوغ به کار کردن بفرستد. (طباطبایی حائری، ۱۴۱۸ق، ج ۱۲، ص ۱۸۲؛ موسوعه احکام اطفال، ج ۱، ص ۴۱۷) باید گفت، ولایت به معنی رعایت مصالح و منافع است نه خیانت و کار کردن فرزند خیانت است و از طرفی تزییع طفل حرام است.

۱،۲،۳ عدم لزوم ازدواج دختر برای تامین نفقه

اگر فرزند، دختر باشد و او متمکن از تزویج باشد؛ یعنی بتواند شوهر کند که شوهر نفقه او را تأمین نماید، آیا چنین دختری در صورت عدم تزویج، ندار به حساب می آید که باید پدر و یا فرزند خرجش را بپردازد و یا تزویج مثل اشتغال به کار است، وقتی که می تواند ازدواج کند، در واقع مثل کسی است که می تواند شغل انتخاب نماید لذا داراست و انفاق نسبت به او لازم نیست؟

فقها می فرمایند: تزویج مثل اشتغال به کار نیست، تا زمانی که شوهر انتخاب نکرده نفقه او بر منفق لازم است. همچنین بر پدر لازم نیست، خرج ازدواج فرزند اعم از دختر و پسر را تأمین کند و به طریق ازدواج او را عقیف قرار دهد. (امام خمینی، بی تا، ج ۲، ص ۳۲۱؛ فاضل لنکرانی، ۱۴۲۱ق، ص ۶۱۳)

۳،۳ تمکن منفق

اگر کسی بتواند مخارج لازمه اقارب خود را بپردازد و از این حیث در مضیقه قرار نگیرد، بر او لازم است که نفقه اقارب خود را بپردازد، اما اگر وضعیت او طوری است که با پرداخت نفقه اقارب، در مضیقه قرار می گیرد؛ مثل اینکه مدیون است و باید دینش را بپردازد و یا وضعیت اجتماعی او طوری است که نمی تواند خرج دیگران را بپردازد؛ مثل اینکه در محیطی زندگی می کند که خود دارای مخارج بسیاری است در این صورت پرداخت نفقه اقارب بر او لازم نیست؛ به عنوان مثال یک انسانی که در شهر زندگی می کند مخارجی را متحمل می شود که در قراء و قصبات دور، آن مخارج اصلاً وجود ندارد؛ مثلاً زندگی شهری نیاز به برق و لوازم برقی و تلفن و گاز و احیاناً ماشین و ... دارد که این شخص باید این نیازمندیهای خود را تأمین نماید، و اگر در این محیط زندگی نمی کرد، قهراً این نوع مخارج برای او نبود و می توانست مخارج



اقارب خود را نیز بپردازد. برای تشخیص تمکن، باید کلیه تعهدات و وضع زندگانی شخصی او در جامعه در نظر گرفته شود. (ماده ۱۱۹۸ ق. م، طاهری، ۱۴۱۸ ق ج ۳، ص: ۳۶۷؛ فاضل لنکرانی، ۱۴۲۱ ق، ص ۶۰۹)

لازم به ذکر است، برخی از فقها به وجوب کسب برای نفقه قریب و فرزند قائل شده اند؛ لذا بر پدر لازم است برای کسب نفقه فرزند خویش اقدام کند. (شهید اول، ۱۴۱۴ ق، ج ۳، ص ۲۱۱؛ ترحینی، ۱۴۲۷ ق، ج ۶، ص ۶۳۲)

حق زوج نسبت به انفاق صرف حق مطالبه نیست بلکه حق وی نسبت به نفقه از جنس مالکیت است و زوجه مالک نفقه می گردد که نسبت به این امر نه تنها ادعای اجماع بلکه ادعای عدم خلاف نیز شده است.

نفقه اقارب ماهیتاً یک تکلیف قانونی است و حتی به نظر برخی از محققان فاقد هر گونه اثر وضعی همچون اشتغال ذمه است. (خویی، ۱۴۱۸ ق، ص ۱۴۱)

۴. اسقاط نفقه فرزند

با توجه به تفاوت ماهوی نفقه زوجه نسبت به نفقه اقارب و وضعی بودن حکم آن در مقابل تکلیفی بودن حکم نفقه اقارب، نفقه اقارب غیر قابل اسقاط است و نفقه زوجه قابل اسقاط است. الزام به انفاق از قواعد مربوط به نظم عمومی است و هیچ قرارداد و صلحی نمی تواند آن را از بین ببرد. نفقه همانند ولایت بر اطفال تکلیف شرعی است نه حق قابل اسقاط یا قابل انتقال. (حکیم، ۱۴۱۰ ق، ج ۲، ص ۳۰۹) بنابراین نفقه فرزند قابل اسقاط نیست.

اما در مورد نفقه آینده چون مصداق مالم یجب است، اختلاف نظر وجود دارد زیرا نفقه زن با دو شرط بر مرد واجب است: ۱. دائم بودن عقد ۲. تمکین کامل زوجه و چون در آینده معلوم نیست زوجه به هر دو شرط وفا کند اسقاط آن نادرست است. (نجفی، ۱۴۰۴ ق، ج ۳۰، ص ۳۰۴)

البته برخی از فقها ابراء نفقه آینده را صحیح می دانند و اینگونه استدلال می کنند که عقد نکاح سبب نفقه است و وجود سبب دین برای ابراء کافی است و به مقتضای عمومات « اوفوا بالعقود » « والمؤمنون عند شروطهم » اسقاط نفقه بلا اشکال است. (محقق داماد، بی تا، ج ۲، ص ۲۶۰)

در ماده ۱۱۱ ق. م نیز نفقه گذشته زن اشاره شده که قابل مطالبه است و در مقابل نفقه آینده سکوت کرده است.

۵. نتیجه:

نفقه فرزندی که به سن قانونی نرسیده و توان انجام کار و کسب درآمد را ندارد یا انجام کار و کسب درآمد برای افراد هم سن و سال او متعارف نیست، بر اساس نص صریح قرآن و متون روایی بر عهده پدر است. در نفقه قاعده الاقرب فالاقرب رعایت می شود؛ بنابراین نفقه فرزند، ابتدا بر پدر مالدار واجب است و در صورت امتناع، حاکم شرع او را مجبور به پرداخت می کند. در صورت عجز پدر و از پرداخت نفقه، نفقه بر اجداد پدری واجب است. اگر اجداد پدری در قید حیات نباشند یا قدرت پرداخت نفقه را نداشته باشند، نفقه بر عهده مادر است. و در صورت عجز مادر در پرداخت نفقه فرزند، خویشاوندان موجود در طبقات ارث در صورت مالدار بودن باید نفقه را پرداخت کنند، وگرنه از محل بیت المال تأمین می شود.

همچنین باید گفت اگر چه در مورد اخذ نفقه آینده زوجه اختلاف نظر است، اما نفقه فرزند، دین طبیعی بوده، لذا قابل اسقاط نیست چراکه از قوانین مربوط به نظم عمومی است و هیچ قرارداد و صلحی نمی تواند آن را از بین ببرد. در نتیجه، مادامی که زوج یا سایر خویشاوندان موجود در طبقات ارث، مالدار باشند، زوجه می تواند با معرفی آنها به دادگاه، پرداخت نفقه آینده را مطالبه کند. دادگاه نیز از طریق اخذ تضمین مناسب و متناسب برای جلوگیری از تضییع فرزند، اقدام می کند.



منابع

- قرآن کریم.
- آبی، حسن. (۱۴۱۷ق). کشف الرموز فی شرح مختصر النافع، چاپ سوم، قم: دفتر انتشارات اسلامی.
- ابن ادريس حلی، محمد بن منصور. (۱۴۱۳ق). السرائر الحاوی لتحریر الفتاوی، چاپ دوم، قم: دفتر انتشارات اسلامی.
- ابن بابویه، محمد. (بی-تا). من لا یحضره الفقیه، چاپ دوم، قم: دفتر انتشارات اسلامی وابسته به جامعه مدرسین حوزه علمیه قم.
- ابن فهد حلی، احمد. (۱۴۰۷ق). المهدب البارع فی شرح المختصر النافع، قم: دفتر انتشارات اسلامی.
- امام خمینی، روح الله. (بی-تا). تحریر الوسیله، قم: مؤسسه مطبوعات دار العلم.
- بحرانی، یوسف بن احمد. (۱۴۰۵ق). الحدائق الناضرة فی أحكام العترة الطاهرة، قم: دفتر انتشارات اسلامی وابسته به جامعه مدرسین حوزه علمیه قم.
- ترجینی، سید محمدحسین. (۱۴۲۷ق). الزبدة الفقهیة فی شرح الروضة البهیة، چاپ چهارم، قم: دار الفقه للطباعة و النشر.
- حر عاملی، محمد بن حسن. (۱۴۰۹ق). وسائل الشیعة، قم: مؤسسه آل البيت علیهم السلام.
- حکیم، سیدمحسن. (۱۴۱۰ق). منهاج-الصالحین (المحشی)، بیروت: دارالتعارف للمطبوعات.
- خویی، سید ابو القاسم. (۱۴۱۸ق). موسوعة الإمام الخوئی، قم: مؤسسه إحياء آثار الإمام الخوئی ره.
- سبزواری، سید عبد الاعلی. (۱۴۱۳ق). مهذب الأحكام فی بیان الحلال و الحرام، چاپ چهارم، قم: مؤسسه المنار- دفتر حضرت آیه الله.
- سبزواری، محمد. (۱۴۲۳ق). کفایة الأحكام، قم: دفتر انتشارات اسلامی وابسته به جامعه مدرسین حوزه علمیه .
- شهید اول، محمد بن مکی. (۱۴۱۴ق). غایة المراد فی شرح نکت الإیثار، قم: انتشارات دفتر تبلیغات اسلامی.
- شهید ثانی، زین الدین. (۱۴۱۰ق). الروضة البهیة فی شرح اللمعة الدمشقیة، قم: کتابفروشی داوری.
- _____ . (۱۴۱۳ق). مسالك الأفهام إلى تنقیح شرائع الإسلام، قم: مؤسسه المعارف الإسلامیة.
- طاهری، حبیب الله. (۱۴۱۸ق). حقوق مدنی، چاپ دوم، قم: دفتر انتشارات اسلامی وابسته به جامعه مدرسین حوزه علمیه قم.
- طباطبایی حائری، سید علی. (۱۴۱۸ق). ریاض المسائل فی تحقیق الأحكام بالدلائل (ط- الحدیث)، قم: مؤسسه آل البيت علیهم السلام.
- طوسی، محمد بن حسن. (۱۳۹۰ق). الاستبصار فیما اختلف من الأخبار، تهران: دار الکتب الإسلامیة.
- _____ . (۱۴۰۷ق). تهذیب الأحكام، چاپ چهارم، تهران: دار الکتب الإسلامیة.
- عاملی، محمد بن علی. (۱۴۱۱ق). نهاية المرام فی شرح مختصر شرائع الإسلام، قم: دفتر انتشارات اسلامی.
- علامه حلی، حسن بن یوسف. (۱۴۱۳ق). قواعد الأحكام فی معرفة الحلال و الحرام، قم: دفتر انتشارات اسلامی.
- فاضل لنکرانی، محمد. (۱۴۲۱ق). تفصیل الشریعة فی شرح تحریر الوسیله، قم: مرکز فقهی ائمه اطهار علیهم السلام
- فاضل مقداد، مقداد بن عبد الله. (۱۴۰۴ق). التنقیح الرائع لمختصر الشرائع، قم: انتشارات کتابخانه آیه الله مرعشی نجفی- ره.
- فاضل هندی، محمد بن حسن. (۱۴۱۶ق). كشف اللثام و الإبهام عن قواعد الأحكام، قم: دفتر انتشارات اسلامی وابسته به جامعه مدرسین حوزه علمیه قم.
- فیض کاشانی، محمد محسن. (بی-تا). مفاتیح الشرائع، قم: انتشارات کتابخانه آیه الله مرعشی نجفی- ره.
- _____ . (۱۴۰۶ق). الوافی، اصفهان: کتابخانه امام امیر المؤمنین علی علیه السلام.



دومین همایش ملی جایگاه و نقش مادر

2nd National Conference on the Status and the Role of Mother

- کلینی، محمد بن یعقوب. (۱۴۰۷ق). الکافی (ط-الإسلامیة)، چاپ چهارم، تهران: دار الکتب الإسلامیة، تهران.
- مجلسی، محمد باقر. (۱۴۱۰ق). بحار الأنوار الجامعة لدرر أخبار الأئمة الأطهار علیهم السلام، بیروت: مؤسسة الطبع و النشر.
- _____ (۱۴۰۶ق). ملاذ الأخبار فی فهم تهذیب الأخبار، قم: انتشارات کتابخانه آیة الله مرعشی نجفی.
- محقق داماد، سید مصطفی. (۱۴۰۶ق). قواعد فقه، چاپ دوازدهم، تهران: مرکز نشر علوم اسلامی.
- نجفی، محمد حسن. (۱۴۰۴ق). جواهر الکلام فی شرح شرائع الإسلام، چاپ هفتم، بیروت: دار إحياء التراث العربی.
- وجدانی فخر، قدرت الله. (۱۴۲۶ق). الجواهر الفخریة فی شرح الروضة البهیة، چاپ دوم، قم: انتشارات سماء قلم.



نقش تربیتی مادر در مراحل مختلف رشد از منظر اسلام و روان‌شناسی رشد

زهرا فروزنده؛ دکتری دانشگاه تربیت مدرس

sfrozandeh@yahoo.com

عزت سادات میرخانی؛ استادیار دانشگاه تربیت مدرس

emirkhani@modares.ac.ir

محسن ایمانی؛ دانشیار دانشگاه تربیت مدرس

eimanim@modares.ac.ir

چکیده

هدف از تحقیق حاضر، بررسی نقش تربیتی مادر از منظر اسلام و و مکتب روان‌شناسی رشد، طی مراحل مختلف رشد است. این تحقیق، در زمره پژوهش‌های بنیادی و کیفی، از نوع تحلیل توصیفی - تبیینی، می‌باشد. روش تحقیق؛ تحلیل محتوای متعارف، یا قراردادی یا مرسوم^۱ می‌باشد که بر اساس مطالعه اسنادی- کتابخانه‌ای، و با بهره‌گیری از منابع علمی معتبر (کتاب، نشریات علمی و نتایج تحقیقات) صورت گرفته است. یافته‌های تحقیق، حاصل از پردازش اطلاعات، و بررسی تفاوت دو دیدگاه، بیانگر اهمیت نقش تربیتی مادر و تدابیر تربیتی خاص اسلام، در خصوص ایفای شایسته نقش مادری در مراحل مختلف رشد به ویژه، پیش از شکل‌گیری جنین می‌باشد. ضرورت همسرگزینی اخلاق مدار و دین‌محور- به دلیل تأثیر نقش تربیتی مادر- و تأکید بر آراستگی مادر به زیور ارزشهایی چون معرفت و عقلانیت و عفت و صداقت است و نیز ضرورت رعایت آداب مباشرت از اهم این تدابیر است.

کلید واژگان: اسلام، نقش مادر، مراحل رشد تربیتی، روان‌شناسی رشد. تطبیق دومکتب

مقدمه

جامعه ایران در مرحله گذار تاریخی اجتماعی خود قرار دارد و جامعه‌ای در این مرحله، استعداد بیشتری برای شکاف بین نسلی دارد. "بررسی‌های دقیق نشان می‌دهد که یکی از معضلات کلیدی و مهمی که جامعه ایران با آن روبروست عدم برقراری رابطه و تعامل منطقی میان نسل‌های مختلف است که می‌تواند زمینه ساز بروز مشکلات و بحران‌ها گردد به گونه‌ای که امنیت عمومی و نظم اجتماعی^۱ را با مشکل مواجه کند، در واقع شکاف بین نسل‌ها و عدم تعادل منطقی بین آن‌ها، چیزی است که همیشه وجود داشته اما در حال حاضر شاهد رشد بیش از پیش این شکاف و عدم توجه کافی به هنجارها و ارزش‌های اجتماعی^۱ و عدم تعامل مناسب بین فرزندان (نسل جدید) و والدین (نسل گذشته) هستیم. در چنین شرایطی است که زمینه شکاف نسل‌ها فراهم می‌شود و بحران هویت^۱ یا بی‌هویتی در جامعه بوجود می‌آید که خود می‌تواند زمینه آسفتگی اجتماعی^۱ و در صورت حاد آن زمینه بحران اجتماعی^۱ را در جامعه فراهم کند" (موسوی چلک ۱۳۸۸، ص ۹۸). از سویی ضرورت بهره‌گیری از دانش روز برای توجیه نسل آینده در جهت پذیرش دستورات تربیتی مبتنی بر دین، نیاز به روز آوری دستورات تربیتی برخاسته از دین دارد.

"در جوامع مدرن امروزی، نسل جدید می‌خواهد تمام پدیده‌های اجتماعی (دین، زندگی و واقعیت‌های اجتماعی) را بر اساس عقل تحلیل نماید. یعنی نسل امروزی به مانند نسل قبل همه چیز را بی‌چون و چرا قبول ندارد. نسل امروزی می‌خواهد از همه پدیده‌های اجتماعی، وهم‌زدایی کند تا با شناخت پوسته اصلی آن، راه و مسیر خود را مشخص کند. چنین آگاهی و شعور در نسل جدید، بر پایه تغییر و تحولات در نظام معرفتی و شناختی و حاکمیت علم و عقل بر رفتارهای بشریت می‌باشد" (کوزر، ۱۳۸۷، ص ۲۶۳). به نظر اریکسون (۱۹۹۴) فرد در خلال شکل‌گیری هویت، احتمال دارد شدیدتر از هر زمان دیگری چه در گذشته و چه در حال از نوعی سردرگمی و آسفتگی نقش‌ها یا همان چیزی که خودش آسفتگی هویت^۱ می‌نامد، رنج ببرد. این حالت سبب می‌شود وی احساس کند منزوی، تهی، مضطرب و مردد شده است،



یا احساس کند باید تصمیم های مهمی بگیرد، لیکن قادر به انجام دادن این کار نیست، احساس می کند که جامعه به او فشار وارد می کند تا تصمیم های مهمی را اتخاذ کند، اما او مقاومت می کند (شرفی، ۱۳۸۰، ص ۱۸).

از سویی دیگر، فردی که قادر به یافتن ارزش های مثبت و پایدار در فرهنگ، مذهب یا ایدئولوژی خود نباشد، ایده آل هایش به هم می ریزد. چنین فردی که از درهم ریختگی هویت رنج می برد، نه می تواند ارزش های گذشته خود را ارزیابی کند و نه صاحب ارزش هایی می شود که به کمک آن بتواند آزادانه برای آینده برنامه ریزی کند (یوسفی، ۱۳۸۳، ص ۸۲). هر قدر فرزندان بیشتر دچار بحران هویت باشند احتمال این که ارزش های والدین فاصله بگیرند، بیشتر است (همان)، چرا که اولین برخوردها، جملات و آشنایی ها هرگاه استمرار پیدا کند و با نیروی روانی و اثرگذاری در دل آدمی نفوذ پیدا کند، تأثیر به سزایی بر وی می گذارد. کودک، پس از تولد با نخستین فردی که تماس و ارتباط برقرار می کند یا به عبارتی ارتباط قبلی خود را ادامه و گسترش می دهد، مادر است، اگرچه این ارتباط به ظاهر، ارتباطی زیستی می باشد، اما سبب پیدایش و تقویت رابطه روانی و عاطفی، به عنوان نخستین عامل رشد و تکامل کودک می شود.

کودک، به وسیله مادر با دیگران آشنا شده و ارتباط برقرار می کند و مادر تکیه گاه قابل اعتماد و منبع کسب اطلاعات و آگاهی های لازم و جدید برای وی محسوب می شود؛ چنان چه در این زمینه گفته شده: کودک در آغوش مادر وابسته تر از هر موجود دیگری روی زمین است؛ ولی در همان جا نخستین تأثیرات اخلاقی، محبت و خدانشناسی را احساس می کند. رعایت اصول اخلاقی در انسان، نتیجه توسعه نخستین تأثیرات محبت و خدانشناسی است که نوزاد احساس کرده است (شاتو، ۱۳۸۸، ص ۲۳۱). در همین راستا، پژوهش حاضر در پی بررسی اهمیت نقش تربیتی مادر از منظر روان شناسان رشد و دیدگاه اسلام، است تا ضمن بررسی و تحلیل آن به نقاط مشترک و یا تفاوت ها، دست یافته و امکان هم افزایی و بومی سازی تحقیقات و نظریات علوم روان شناسی با دیدگاه های علم مدار اسلام، حاصل شود.

طرح مسئله

انسان از ماده انس مهمترین نیازش به موانست است. اهمیت توجه به این نیاز ذاتی بویژه در دوران کودکی مورد اهتمام همه اندیشمندان علوم انسانی است. این دوران مهم ترین سال های تکوین شخصیت کودک، در محیط انس و الفت با مادر می گذرد و فرصت تکرار ناپذیر کسب عادات، صفات و ویژگی های رفتاری، از مادر است. روح فرزند نیز در کنف حمایت عاطفی مادر، بالندگی می یابد و جسم او در تغذیه از عصاره وجود او، شکل می گیرد و نمو می یابد. نحوه تعامل و تربیت والدین، از مهم ترین و بادوام ترین علل اثرگذار، بر جنبه های مختلف زندگی هر فرد است. این امر از نظر روان شناسان رشد، مغفول نمانده و مورد تحقیق و آزمون های فراوان علمی قرار گرفته است. نتایج این تحقیقات در قالب نظریات مختلف ارائه گردیده که بیانگر اهمیت نقش مادر، در تربیت فرزند می باشد. اهمیت نقش تربیتی مادر، در تحول مهارت های شناختی (داونز، ۲۰۰۸)، شکل گیری وضعیت هویت فرزند (مک براید و رین، ۱۹۹۷) و حتی هویت جنسی و کیفیت روابط جنسی در بزرگسالی (لوش هاسل بارت، ۱۹۸۷) از این جمله است.

بررسی و شناخت نقش تربیتی مادر از دیدگاه اسلام در مقایسه با آرای روان شناسی رشد و دست یابی به اشتراکات و نیز وجوه تمایزات دیدگاه ها امری در خور توجه است. بدیهی است، شناسایی و دستیابی به این اطلاعات، زمینه ساز حصول به نقاط مشترک به منظور بهره گیری از نتایج تحقیقات نوین علوم روان شناسی و نیز بر هم افزایی علوم اسلامی و دیگر علوم در راستای بومی سازی و کاربردی کردن دستاوردهای حاصل از این تحقیقات در جامعه اسلامی است.

از سویی دیگر شکل گیری شاکله شخصیتی کودک در منظر اسلام، منبعث از ویژگی های شخصیتی مادر عنوان گردیده است. با توجه به اهمیت تربیت و جایگاه آن در دین مبین اسلام و اسلامی بودن نظام حاکم بر سیستم آموزش و پرورش و ضرورت به کارگیری علم روز و تحقیقات نوین روان شناسی و اجتماعی در خصوص این مهم است.

تربیت از دیدگاه اسلام:

در بیان اهمیت و ضرورت تربیت و تعلیم از نظر اسلام، همین بس که در قرآن کریم، بیش از هزار بار خدای خالق با عنوان "رب" و صدها مرتبه با وصف "عالم" و "علیم" ذکر شده است. قرآن کریم، نه تنها بهترین وسیله تکامل انسان را پیمودن مسیر تفکر، تعقل، تدبیر و علم می داند، بلکه فلسفه وجودی ادیان آسمانی و رسالت انبیا را تعلیم و تربیت بر می شمرد و حضرت آدم (ع) را از پرتو تعلیم و تربیت تعلیم اسماء



به او، مسجود ملک می‌داند^۱ (کاردان، ۱۳۹۲، ص ۲۴). تربیت در مکتب اسلام، جایگاهی والا دارد، تا بدان جا که اصول اصلی دین مبین اسلام، در بر دارندهٔ آرا و اندیشه‌های تربیتی گسترده، شفاف و ژرف است. "در سایهٔ همین اهتمام نظری و عملی عمیق بود که تعلیم و تربیت اسلامی، تحولی عظیم در تاریخ بشر پدید آورد و در میان عقب مانده‌ترین اقوام از نظر علم و اخلاق، برترین انسان‌ها را پرورش داد و دیری نپایید که فرزاندانی در علوم مختلف و اخلاق، به جهان دانش، عرضه کرد... (حکیمی، ۱۳۶۴؛ نقل از کاردان، ۱۳۹۲، ص ۲۵).

رشد از دیدگاه اسلام: اسلام برای رشد انسان که کارگردان الهی در زمین است و به تعبیر اندیشوران دینی «حی متاله» است دین تکامل و رشد است مسیر این رشد که به عنوان «منهاج» و «شریعت» معرفی و انبیا مریبان این راه و دست آوردها و سفارش‌های آن نیز، راه و رسم زندگی رابه انسان می‌آموزد، تا او را به هدفی که برای آن آفریده شده (قرب الهی) برساند. انسان در این هدف، ارزش‌هایی عالی را بدست می‌آورد و مظهر اسماء و صفات حق می‌شود و تمام استعدادهای متعالی وی جلوه‌گر می‌گردد و به کمال حقیقی خویش می‌رسد. در این میان، علوم انسانی که موضوع آن‌ها انسان است، می‌تواند در لا به لای دستورهای تربیتی اسلام، ره توشه‌های بسیاری برای خود برگزیند. زیرا "هدف مکتب اسلام، رشد و به کمال رسانیدن انسان است، با این تفاوت که رشد، در دیدگاه اسلام، از معنای بسیار عمیق و گسترده‌ای برخوردار است و زندگی انسان از دیدگاه اسلام به این دنیا محدود نمی‌شود و این جهان پایان کار او محسوب نمی‌شود. از نظر اسلام، مادر، اساس شکل‌گیری هویت خانواده است و شخصیت همسر و فرزندان و سعادت و شقاوت خانواده منسوب به اوست. از این رو در روایات، نهایت سعادت‌مندی مرد را برخوردار از همسر شایسته و با صلاحیت می‌دانند" (میرخانی، ۱۳۷۹، ص ۱۱۸-۱۱۷).

- مفاهیم "رشد": در قرآن کریم

-- قدرت تشخیص و تمییز: "یتیمان را آزمایش کنید تا هنگامی که بالغ شده و تمایل به نکاح پیدا کنند، آن‌گاه اگر آن‌ها را واجد رشد، (دانا به درک مصالح زندگی خود) یافتید، اموالشان را به آن‌ها باز پس دهید." (علامه طباطبایی، المیزان، ج ۴)^۱

-- راه یافتن به سوی هدف‌های زندگی: "چون بندگانم از تو دربارهٔ من بپرسند، پس من به آن‌ها نزدیکم و خواندن هر دعوت کننده‌ای را اجابت می‌کنم، هرگاه مرا بخوانند، پس ایشان نیز باید مرا اجابت کنند و باید به من ایمان آورده باشند، که ایشان به حق برسند و از رشد یافتگان (راه یافتگان به حق) باشند." (همان، ج ۲)^۲ به نظر می‌رسد که ایمان آوردن به خدا و استجاب دعوت پروردگار موجب "رشد" می‌شود، که لازمهٔ ایمان آوردن و پاسخ به دعوت خدا این است که آگاهی کامل به نوع دعوتی داشته باشیم، که خداوند از ما نموده است و یا در آیاتی دیگر (همان، ج ۲۰)^۳ قرآن را کتابی معرفی می‌کند که: "مردم را به راه خیر و صلاح (رشد) هدایت می‌کند، بدین سبب انسان‌ها به آن ایمان آورده و دیگر هرگز به خدای خود مشرک نخواهد شد" از این رو در یک معنای کلی "رشد"، به معنای هدایت، نجات، صلاح، کمال و راه درست در پیش گرفتن آمده است و خلاف آن غی "غی" است علی(ع) در فرازهایی از نهج البلاغه می‌فرماید: "تو را از عقل همان بس که برایت راه‌های گمراهی و ضلالت را از راه‌های رشد (هدایت) جدا می‌سازد" (دشتی، ۱۳۷۹، حکمت ۴۱)^۴.

-- رشد با عنوان "بلوغ اشد"^۱ که به معنای آن است که انسان آن قدر زنده بماند تا نیروهای بدنیش به حد قوت و شدت برسد و این مرحله پختگی است. که می‌فرماید: «فَلَمَّا بَلَغَ أَشُدَّهُ وَ بَلَغَ أَرْبَعِينَ سَنَةً...» (احقاف ۱۵) در جای دیگر می‌فرماید: «وَلَمَّا بَلَغَ أَشُدَّهُ آتَيْنَاهُ حُكْمًا وَعِلْمًا وَكَذَلِكَ نَجْزِي الْمُحْسِنِينَ» (یوسف ۲۲) و چون یوسف به سن کمال و رشد رسید، او را مسند حکم فرمایی و مقام دانش عطا کردیم و هم چنین ما نیکوکاران عالم را پاداش می‌بخشیم.

رشد مرحله‌ای از دیدگاه اسلام ۱- رشد قبل از تولد: قرآن در باب رشد جسمانی می‌فرماید: "اوست خدایی که شما را از خاک (ناچیز) بیافرید و سپس قطره‌ای آب (نطفه) و آن‌گاه از خون بسته (علقه)؛ سپس شما را از رحم مادر بیرون آورد، تا آن‌که به سن رشد و کمال برسید و باز پیر و سال خورده شوید و برخی از شما قبل از سن پیری وفات کنید، و همه به اجل معین خود؛ (این چنین کردیم تا) مگر قدرت خدا را تعقل کنید." (علامه، المیزان، ج ۱۷)^۱ در این آیه شریفه، به طور روشن دو دورهٔ قبل و بعد از تولد بیان شده و این نکته نیز ذکر شده است که قبل و بعد از تولد هم مراحل مشخص و معینی دارد. مراحل رشد قبل از تولد در آیات الهی به شش مرحله: (گل)، نطفه، علقه، مضغه، استخوان - گوشت و روح تقسیم می‌شود... غیر از آیهٔ مذکور، در آیات دیگری نیز، مراحل رشد قبل از تولد بیان شده است. " (همان، ج ۱۵)^۲ مرحلهٔ نطفه: از آغاز لقاح تا زمانی که تخم در جدار رحم مستقر می‌شود.



ا. مرحله علقه: در لغت، به معنای تعلق و وابستگی است. جنین در این مرحله، نوعی وابستگی و تعلق به دیواره رحم دارد و مانند زالو از خون مادر تغذیه می کند.

ب. مرحله مضغه: جنین به صورت پاره گوشتی در می آید و هنوز نظام معینی به خود نگرفته است.

ج. مرحله شکل گیری استخوان و گوشت: به تعبیر قرآن، جنین از حالت یک پاره گوشت خارج می شود؛ پیدایش بافت استخوانی و سپس رویش گوشت در این مرحله است.

د. مرحله دمیده شدن روح: قرآن از آن به آفرینشی دیگر تعبیر می کند و روح، در بدن پدیدار می آید. این مرحله که از مقوله حیات مادی نیست بلکه مرحله خیزش انسان به سوی «نفخت فیهِ من روحی» است و آغاز سیر تکامل معنوی است و صفت «احسن الخالقین» به اعتبار «احسن تقویم» و خلقت این مرتبه رشد در انسان است.

۲ - رشد بعد از تولد

قرآن، دوران زندگی انسان را بعد از تولد، به سه دوره مشخص؛ کودکی (صبی ممیز و غیر ممیز) بلوغ و مرحله چهل سالگی (پختگی) و پیری تقسیم کرده است.^۱ ولی چون دوران مهم رشد و تربیت انسان، در سال های کودکی و جوانی است، احادیث فراوانی، دوران رشد را بعد از تولد تا ۲۱ سالگی تقسیم بندی کرده و ویژگی هایی برای رشد و تربیت یادآور شده اند. (قرائتی، ۱۳۸۳، ج ۷، ص ۲۱۷) و نیز روایت است از شیخ طبرسی در مکارم الاخلاق از قول پیامبر اکرم (ص) که می فرماید: "کودک در هفت سال اول، سید و آفاست، در هفت سال دوم روحیه اطاعت و فرمان برداری دارد و در هفت سال سوم وزیر و مشاور است و..." (حرعاملی، ج ۱۵، ص ۱۹۳، باب ۸۲، ج ۱ و کلینی، ۱۳۷۵، ج ۶، ص ۴۶)^۱

از سوی دیگر قانونگذار اسلامی دارای یک شیوه تربیتی خاص در باره رشد در دوران قبل از بلوغ است، که مرحله به مرحله زمینه مسئولیت پذیری را در او قوام می بخشد در عین آنکه مستقیم تکلیف برعهده ندارد، این امر در چندین جای آیات الاحکام و نیز در روایات تربیتی دیده می شود از آن جمله اینکه قبل از واگذاری اموال صغیر و یتیم تاکید بر آموذدن عملی در واگذاری مسئولیت مادی به او دارد. و می فرماید: «وَابْتَلُوا الْيَتَامَى حَتَّىٰ إِذَا بَلَغُوا النِّكَاحَ فَإِنْ آنَسْتُمْ مِنْهُمْ رُشْدًا فَادْفَعُوا إِلَيْهِمْ أَمْوَالَهُمْ» (نساء ۵) در این آیه صراحتاً قانونگذار اسلامی مریبان و والدین را مکلف به واگذاری مسئولیت قبل از بلوغ جنسی می نماید و امر رشد اقتصادی آنان را منوط به مبتلا سازی تدریجی می کند. این شیوه در آیات استیذان و رعایت حریم عفت در خانواده نیز به چشم می خورد، در آیات پوشش و حجاب نیز صبی ممیز را در شمار کسانی قرار می دهد که انسان مامور به گرفتن حریم نسبت به آنهاست. این موارد خود گویای اهمیت رشد مرحله ای در نظام قانونگذاری اسلامی است.

تدابیر تربیتی از دیدگاه اسلام

"از دیدگاه اسلام، هدف از زندگی، رسیدن به قرب الهی و تحقق رسالت انسان در زمین است و یگانه راه نیل به قرب الهی، از طریق به کمال رساندن استعدادهای بالقوه انسان و خدمتگذاری در راستای تکامل در نظام هستی است. لازمه حصول به چنین هدفی والا، بستر سازی مناسب تربیتی، از بدو و حتی قبل از تولد می باشد. لذا اسلام، علاوه بر اهمیت و تاکید بر مراحل پس از تولد، (حرعاملی، ۱۴۱۴، ج ۱۵، ص ۱۲۴؛ و نیز ابواب احکام الاولاد، باب ۸۳، ص ۱۹۴)^۱ مرحله قبل و حین تشکیل جنین را (مرحله قبل از تولد) به عنوان یکی از مهم ترین مراحل رشد بشر عنوان نموده و در آیات قرآن و روایات^۱ به اهمیت تربیت در این مرحله، پرداخته شده است. مع الوصف، زمینه های تربیت و شرایط پیش از تولد و حتی پیش از انعقاد نطفه نیز، مورد توجه است. از دیدگاه اسلام؛ رشد، معنای ارزشی و اخلاقی عمیق و گسترده ای دارد. این کلمه در متون اسلامی، معنای هدایت، نجات، صلاح و کمال یافتن و سپس در راه کمال و رشد و احیای دیگری گام گذاشتن است. بنا براین، از دیدگاه اسلام انسان در مسیر تعالی و کمال خویش پیوسته بایستی در تلاش باشد. البته هر کس آسان به این جایگاه و مقام بلند نمی رسد. امام صادق (ع) می فرماید: "هنگامی که خداوند خیر کسی را می خواهد، او را در دین، فقیه و آگاه می سازد" (کلینی، ۱۳۶۹، ج ۱، ص ۳۲، ج ۲). بنابراین می توان گفت که رشد و تربیت از دیدگاه اسلام، رشد و تربیت هویت انسانی _ اخلاقی است که مقدمه ای در همگامی با رشد دیگران و تحول در نظام هستی است. در این تفکر یک ارتباط مستقیم میان خدانشناسی و انسان شناسی و هستی شناسی است. بر این اساس سه مبحث عمده مطرح می شود:



۱- تدابیر تربیتی پیش از انعقاد نطفه:

-اسلام، با اشاره به نکات کلیدی خاصی، به اهمیت تربیت قبل از ایجاد نطفه، پرداخته است. از مصادیق آن، می توان به همسرگزینی مناسب، تغذیه سالم (به لحاظ مادی و معنوی)، حسن مباشرت و رعایت تدابیر (اوامر و نواهی مربوط به آن) اشاره نمود. در بحث تغذیه، علاوه بر تأکید بر تغذیه مناسب (به لحاظ تأثیر بر رشد جسمانی کودک)، حلیت و حرمت "لقمه" را، در رشد معنوی و روحی کودک مؤثر می داند؛ از این رو اسلام به این موضوع عنایتی خاص داشته و بطن مادر را به عنوان مبدأ و شروع سعادت و یا شقاوت انسان معرفی می کند (کلینی، ۱۳۷۵، ج ۶، ص ۱۶، ج ۶: مجلسی، ۱۴۰۳، ج ۶، ص ۳۴۶).^۱ از دیگر تدابیر تربیتی اسلام، همسرگزینی شایسته است که ملاک هایی را نظیر؛ ولود بودن، سلامت عقل، سلامت جسم، سلامت روان و عدم ازدواج با اقارب، عنوان می نماید که در جایگاه خود مورد بررسی قرار خواهد گرفت. بنابراین، مرحله انتخاب همسر از نظر اسلام بسیار مهم است و تربیت نسل آینده از این مرحله شروع می شود؛ در صورتی که علم امروز این مرحله را نادیده گرفته و شروع تربیت کودک را از مرحله «قبل از تولد» می داند.

-تأکید اسلام برانتخاب همسری شایسته: اسلام توصیه های فراوانی به دقت در انتخاب همسر و مادر آینده فرزندان دارد و ملاک هایی چون ایمان، عقل، ادب، عفت، کرامت، اصل و نسب، زایا بودن، برآورده کننده خواسته های شوهر و زیبارویی را ارائه می دهد (ایزدی، ۱۳۸۹). احادیث و روایات فراوانی در زمینه انتخاب همسر وجود دارد که بسیاری از آنها حاکی از اهمیت قانون وراثت و تأثیر عامل محیط می باشد و پیامبر اسلام (ص) برای تولید نسل بهتر، دقیق ترین نکات را در امر انتخاب همسر گوشزد فرموده است. پیامبر اکرم (ص) می فرماید: "به هم شأن خود زن بدهید و از هم شأن خود زن بگیریید و برای نطفه های خود (جایگاه مناسب) انتخاب کنید" (حرعاملی، ۱۳۶۷، ج ۱۴، ص ۲۹).^۱ و نیز می فرماید: "برای نطفه های خود (جایگاه مناسبی) انتخاب کنید که ویژگی های دایی در [شکل گیری] شخصیت فرزند اثر گذار است" (طبرسی، ج ۱۴، ص ۷۴۱، ج ۱۶۴۲۲).^۱ لذا انتخابی نیکو را منوط به رعایت برخی ملاک ها و شاخص ها در همسرگزینی، عنوان نموده است. از آن جمله: پیامبر اکرم (ص) در این باره می فرماید: "با زن نباید صرفاً به خاطر زیبایی او ازدواج کرد، ممکن است همین زیبایی او را به ابتذال سوق دهد و نه صرفاً برای مال و ثروتش؛

زیرا ممکن است مال، او را طاعی و سرکش سازد. با زن، صرفاً به خاطر دین او ازدواج کن."^۱ و نیز روایتی از قول پیامبر اکرم (ص) که سعادت مرد را در گروهی داشتن همسری صالح، بیان می فرماید (کلینی، ۱۳۹۰، ج ۵، ص ۲۳۷، ج ۴؛ حر عاملی، ۱۴۱۳، ج ۲۰، ص ۴۱، ج ۲۴۹۸۱).^۱

حُسن خلق؛ مبدأ اساسی پرورش نسل سالم، داشتن اخلاق نیکوست که اثرات مستقیم و غیر مستقیمی در مراحل مختلف تربیت کودک دارد؛ چنان که در روایتی از حسین بن بشّار، نقل شده که گفت: "نامه ای به موسی بن جعفر (ع) نوشتم و عرض کردم: یکی از اقوام من از (دختر یا خواهرم) خواستگاری کرده، در حالی که دارای حُسن خلق نیست و بد اخلاق است. حضرت فرمود: اگر خوش اخلاق نیست، از ازدواج منصرف شو" (مجلسی، ۱۴۰۳ ج ۱۰۰، ص ۲۳۴).^۱

حُسن سیرت؛ امام صادق (ع) فرمودند:^۱ "در سه چیز برای مؤمن راحتی است: خانه وسیع... و همسر نیکوکاری که در امور دنیا و آخرت یاریش کند..." روایتی دیگر، از قول امام صادق (ع) است که می فرماید: "زن ناپاک را مادر فرزندت قرار مده" (عندلیب، ۱۴۲۲، ج ۱، ص ۲۲۹، ج ۵۶۷).^۱

حسن صورت؛ حسن صورت به حفظ دین کمک نموده و ضامن جلوگیری مرد از انحراف و خلاف عفت است؛ حضرت رسول اکرم (ص) فرمود: "بهترین زنان شما زنی است که وقتی همسرش او را می نگرد، شاد و مسرورش گرداند" (فیض کاشانی، بی تا، ج ۳، ص ۹۰).^۱

اصالت خانوادگی: همسر انسان باید از خانواده اصیل و تربیت شده و نجیب باشد؛ زیرا او بهتر می تواند کودکان را تربیت کند. اگر زن، خود فاقد تربیت باشد، نمی تواند فرزند خوب پرورش نماید. رسول اکرم (ص) می فرماید: "از سبزه ها [زن های زیبا] که در میان کثافات و پلیدی ها می رویند، بپرهیزید. پرسیدند: سبزه های مذکور چیست؟ رسول خدا (ص) فرمود: زن زیبایی است که در محیط پست و آلوده پرورش یافته باشد" (کلینی، ۱۳۹۰، ج ۵، ص ۳۲۲).^۱



شأنیت (هم کفو بودن)؛ حضرت رسول (ص) در این باره می‌فرمایند: "زنان و مردان متناسب و هم شأن (کفو) را به نکاح درآوردید و با آن‌ها وصلت کنید و برای نطفه‌های خودتان جایگاه مناسب انتخاب نمایید" (حرعاملی، بی تا، ج ۱۴، ص ۲۹).^۱ و نیز در روایتی دیگر از قول امام صادق (ع) بر تناسب دیدگاه زوجین تأکید شده است (عندلیب، ۱۴۲۲، ج ۱، ص ۲۳۳، ح ۵۸۱).

داشتن حق انتخاب؛ ابن‌ابی‌عفور می‌گوید از امام صادق (ع) سوال شد: من می‌خواهم با زنی ازدواج کنم، ولی پدر و مادرم مایلند با دیگری ازدواج کنم. حضرت فرمودند: با زنی که خودت مایل هستی ازدواج کن و زنی را که پدر و مادرت [بدون رضایت تو] انتخاب کرده‌اند، رها کن (شیخ طوسی، ۱۴۰۷، ج ۷، ص ۳۹۲).

- آداب مباشرت: از دیگر روش‌های زمینه‌ساز پیش از تولد، در سیره پیامبر (ص) و اهل بیت (ع)، مباشرت و روابط صحیح و سالم پدر و مادر است. اهمیت حالات روحی و معنوی انسان و حتی نوع غذا، به حدی در تربیت فرزند مؤثر است، که پیامبر اکرم (ص) قبل از انعقاد نطفه حضرت زهرا (س)، به امر الهی، چهل روز خلوت گزید و به روزه و عبادت پرداخت و در پایان چهل روز هم از غذاهای بهشتی که جبرئیل برای ایشان آورده بود، تناول فرمود (قمی، ۱۳۶۹، ج ۱، ص ۲۴۷) و نتیجه آن فرزندش شد که یازده امام معصوم (ع) از نسل ایشان، به بشریت روشنایی بخشید. در خصوص تأثیرات آداب آمیزش، در تربیت فرزند نیز در سیره معصومان (ع)، روایات متواتری ذکر شده است که بیانگر انعکاس این قبیل ملاحظات در صحت روح و جسم کودک می‌باشد.

- آرامش زوجین در مباشرت و صحت و سلامت جسمی. (حتی چهره فرزند): امام حسن مجتبی (ع) در این باره می‌فرماید: "اگر مرد با آرامش قلب و اعصاب راحت و غیر مضطرب، با همسر خود آمیزش کند، نطفه در رحم، بدون اضطراب ساکن می‌شود و فرزند شبیه پدر و مادر خود خواهد بود. اما اگر مرد با اضطراب و اعصاب ناراحت با همسر خود بیامیزد، نطفه با اضطراب در رحم مادر قرار می‌گیرد و فرزند شبیه عمه، عمو، خاله، دایی و سایر اقوام خواهد بود" (مجلسی، ۱۴۰۳، ج ۶۰، ص ۳۵۹).

- تأثیر معنوی (تأثیر در روح و روان فرزند): رعایت آدابی از قبیل: ذکر نام و یاد خدا، با وضو و طهارت بودن، دعا کردن پیش از آمیزش و ... موجب جلوگیری از دخالت شیطان می‌شود. با توجه به تأثیراتی که شرایط زمانی، مکانی، روحی و روانی هنگام تشکیل نطفه بر فرزند می‌گذارد؛ معصومین (ع) آداب خاصی را برای آمیزش با همسر رعایت کرده و به دیگران نیز سفارش نموده‌اند.

- ۲. تدابیر تربیتی زمینه‌ساز، از زمان شکل‌گیری نطفه تا تولد (دوران بارداری)

تغذیه حلال و سالم در دوران بارداری: اسلام، سلامت کودک را از زمان انعقاد نطفه در دوران بارداری مورد توجه قرار داده و از جمله حقوق فرزندان بر والدین در این زمان را، داشتن تغذیه مناسب می‌داند و دستورالعمل‌های متعددی در این باره صادر کرده است. "غذای جنین از چیزی است که مادر می‌خورد و می‌آشامد. از آن چه مادر می‌آشامد، آهسته آهسته غذا را از مادر می‌گیرد" (مجلسی، ۱۴۰۳، ج ۲، ص ۳۴۲).^۱ به همین جهت در ایام بارداری به خوردن بعضی از غذاها و میوه‌ها توصیه شده. رسول خدا (ص) فرمود: "به زنان آبستن کُندر بخورانید؛ زیرا بچه، هنگامی که در شکم مادرش به وسیله کُندر تغذیه شود، تیزهوش می‌شود" خوردن میوه‌های آبدار و شیرین توصیه گردیده (حرعاملی، ۱۴۱۶، ج ۱۵، ص ۱۳۶). علاوه بر تغذیه مناسب، حلال و حرام بودن غذاها هم در رشد معنوی و روحی کودک اثر دارد؛ از این رو شکم مادر را به عنوان مبدأ و شروع سعادت و یا شقاوت انسان معرفی می‌کند. حضرت رسول اکرم (ص) فرمود: "سعادت‌مند کسی است که سعادت او در شکم مادرش پایه‌گذاری شده" و در ادامه می‌فرمایند: "بدبخت کسی است که شقاوتش در شکم مادرش پایه‌گذاری شده است" (شیخ صدوق، ۱۳۸۶، ج ۳، ص ۳۵۶).^۱ بنابراین، محیط رشد کودک بسیار اهمیت دارد. اصطلاح محیط، در روان‌شناسی به همه عوامل مؤثر در رشد و تکامل انسان اطلاق می‌شود و اعم است از محیط رحم مادر و محیط‌های خارج از آن نظیر خانواده، مدرسه و سایر موارد.

نام گذاری قبل از تولد: یکی دیگر از دستورات اسلام، نام گذاری کودک قبل از تولد است که اسلام آن را مد نظر قرار داده است؛ چنان که حضرت علی (ع) فرمودند: "فرزندان خود را پیش از تولد نام گذاری کنید و اگر نمی‌دانید که طفل پسر است یا دختر، نامی برایش انتخاب کنید که هم برای پسر و هم برای دختر مناسب باشد؛ زیرا بچه‌ای که سقط شود، در روز رستاخیز به پدر خود می‌گوید: چرا مرا نام گذاری نکردی، حال آن که پیامبر خدا (ص) فرزند فاطمه را پیش از تولد، «محسن» نام گذاری کرده بود" (صدوق، ۱۳۸۰، ج ۲، ص ۴۸۷). بنابراین، اسلام توجه خاصی به انعقاد نطفه و مرحله قبل از تولد دارد. البته علم امروز نیز به این مسئله واقف است که برای تربیت کودک باید قبل از تولد او زمینه را آماده



کرد. ^۱ از توجه معصومین (ع) در مورد نام نیک برای فرزندان، معلوم می شود که نام؛ در شکل گیری شخصیت انسان مؤثر است و "انسان به تناسب نام خود رشد می کند، اگر نام انسان حکایت از فضایل انسانی داشته باشد، انسان به سوی کمال و فضیلت سوق داده می شود" (صانعی، ۱۳۸۰، ص ۲۳۹).

۳. تدابیر تربیتی زمینه ساز، پس از تولد شارع مقدس و نیز روایات متواتر، مراحل رشد پس از تولد را در سه دوره هفت سال، عنوان نموده است. لذا ذکر تدابیر تربیتی اسلام متناسب با هر یک از این دوره ها بر اساس مراحل یاد شده عبارت است: ۱،۳. هفت سال اول؛ دوره سیادت و سروری است؛ باید مطیع کودک بود. بازی کردن، از ویژگی های این دوره است که در رشد و تربیت نیز از اهمیت بسیاری برخوردار است. خانواده، مهم ترین و مؤثرترین عامل تربیت (قبل از ورود به دوره آموزش رسمی) است؛ زیرا خانواده هم نقش وراثتی دارد و هم نقش محیطی. قرآن کریم و احادیث معصومین (ع) مکرر، نقش تربیتی خانواده را در مورد فرزندان بیان نموده است به گونه ای که مؤمنان را مکلف به حفظ آن دانسته است "لذا می فرماید: "ای کسانی که ایمان آورده اید، خود و خانواده خویش را از آتش حفظ کنید." ^۱ در جایی دیگر می فرماید: "خانواده خود را به نماز فرمان ده و بر انجام آن شکیبا باش." ^۲ روایات متواتری نیز در تأیید این مهم آمده است. امیرالمومنین (ع) مسأله تربیت فرزندان را به عنوان یکی از اساسی ترین حقوق، بر پدر و مادر بر شمرده است،

۲،۳. هفت سال دوم؛ دوره اطاعت و فرمان برداری، یادگیری و آداب تربیت صحیح است. باید آموزش مهارت ها را به کودکان آموخت. کودک در این دوره، نه حالت بازی گویی دوره اول را دارد و نه مشکلات دوره سوم را که دوره بلوغ و نوجوانی است. بنا براین، در این دوره، از دیدگاه اسلام، پدر و مادر، محور تعلیم و تربیت هستند و کودک با خصوصیات روانی و تربیتی که داراست، آمادگی کافی را برای تربیت پذیری مستقیم دارد.

کودک در این دوره، مطیع پدر و مادر می شود و خود را بیشتر در اختیار آنان قرار می دهد، در حالی که دوره قبل را، به بازی سپری می کرد و محور خانه به شمار می رفت. او در این دوره، با توجه به رشدی که پیدا می کند، مطیع و فرمان بردار می شود و روحیه اطاعت پیدا می کند. به همین دلیل در این دوره، بهترین فرصت هم برای تعلیم (آموزش) و هم برای تأدیب (آموزش مستقیم ارزش ها و پرهیز از ضد ارزش ها) فراهم می آید.

۳،۳. هفت سال سوم؛ مرحله وزیری (هم رأیی) و مشورت است؛ و باید در هر امری نظر آنان را جویا شد: وزیر بودن، هم رأیی و هم راهی پدر و مادر، از ویژگی های تربیت در این دوره ذکر شده است. آگاهی یافتن به حلال و حرام از دیگر موارد تربیتی است؛ زیرا از این دوره به بعد، هر فرد بنا به سنت الهی، در برابر اعمال خویش مسئول بوده و از ثواب و عقاب آن بهره مند است. خصوصیت دیگر این دوره آن است که جوان با پدر و مادر خود، (بنا به نوع برخورد والدین با فرزند) از در دوستی یا دشمنی در می آید. اگر پدر و مادر، خصوصیت فرزند خود را در این دوره بشناسند و مسئولیت و حق مشاورت و تصمیم گیری به او بدهند، او هم با پدر و مادر خود کاملاً دوست و رفیق خواهد بود.

جدول شماره (۲-۵) تدابیر تربیتی در مراحل رشد از دیدگاه اسلام

مراحل رشد	دوره های مراحل رشد	تدابیر تربیتی	دستورات خاص
۱. قبل از ایجاد نفقه	-	انتخاب همسری شایسته	✓ ایمان ✓ حسن خلق ✓ حسن صورت ✓ حسن سیرت ✓ اصالت خانوادگی و کفویت
		رعایت آداب مباشرت	✓ تأثیر بر صحت جسم ✓ تأثیر بر صحت روان



<p>✓ توصیه به رعایت کیفیت غذا به لحاظ تأثیر جسمانی (مصرف میوه ها، مواد غذایی غنی و مناسب رشد)</p> <p>✓ توجه به طهارت، پاکی معنوی، حلیت، حرمت غذا</p> <p>✓ انتخاب نام نیک سبب سوق انسان به کمال و کسب فضیلت</p>	<p>۱. توجه به تغذیه به لحاظ اهمیت رشد جسم</p> <p>۲. توجه به تغذیه به لحاظ ایجاد حالات معنوی و دفع رذایل اخلاقی</p> <p>۳. نام گذاری قبل از تولد</p>	<p>۱. نطفه</p> <p>۲. علقه</p> <p>۳. مضغه</p> <p>۴. استخوان و گوشت</p> <p>۵. دمیدن روح</p>	<p>۲- دوران بارداری</p>
<p>✓ اطاعت از کودک</p> <p>✓ توجه به بازی و هم بازی بودن با کودک</p> <p>✓ اهمیت آموزش در دوران کودکی</p>	<p>۱. دوره سیادت و سروری</p>	<p>-</p> <p>- هفت سال اول</p>	<p>۱- پس از تولد</p>
<p>✓ یادگیری آداب تربیت صحیح</p> <p>✓ آموزش مهارت ها</p> <p>✓ توجه به آمادگی کافی و تربیت پذیری کودک</p>	<p>۲. دوره اطاعت و فرمان برداری</p>	<p>-</p> <p>- هفت سال دوم</p>	<p>۲- پس از تولد</p>
<p>✓ مشورت با فرزند</p> <p>✓ یادگیری و آموزش حلال و حرام</p> <p>✓ زمینه دوستی و حب یا کینه و عناد با والدین</p> <p>✓ پذیرش مسئولیت اعمال با رسیدن به سن بلوغ</p>	<p>۳. دوره وزیری (مشاوره و هم رأی)</p>	<p>-</p> <p>- هفت سال سوم</p>	<p>۳- پس از تولد</p>

نقش مادر (از منظر روانشناسی رشد)

- تأثیر در سلامت جسمی و روانی کودک (قبل از تولد):

- برخی از این عوامل عبارتند از سن مادر، تأثیر داروهای شیمیایی، تأثیر دخانیات و مواد، تأثیر تشعشعات رادیواکتیو، بیماری های مادر در دوران بارداری، عامل RH و حالات هیجانی و عاطفی مادر مانند خشم، ترس و اضطراب، سلسله اعصاب او را تخریب نموده و سبب آزاد شدن برخی از مواد شیمیایی، مانند آدرنالین در بدن مادر می شوند. تحت شرایط هیجانی، غدد داخلی هورمونهای مختلفی نیز ترشح کرده و در نتیجه مواد شیمیایی جدید از جفت گذشته وارد بدن جنین شده، سبب تغییراتی در دستگاه گردش خون او خواهد شد. نوزادان مادران غمگین و ناشاد، احتمال دارد بیش از موعد به دنیا آیند و یا کم وزن، بیش از حد فعال، تحریک پذیر، و نا آرام باشند.

نقش مادر به عنوان شخصیت ساز کودک:

- خود تعیین گری، فردیت، مرز بین من و دیگران؛ از همان اوان کودکی، از طرق مختلف، مثلاً رعایت حیطة خصوصی و امتناع از وابستگی عاطفی، از هنجارهای مهم اجتماعی جامعه غرب هستند. (کلر، ۲۰۱۱) آغاز سازندگی و پی ریزی شخصیت کودک از همان روزهای اول تولد و شاید هم کمی بیشتر از عامل رحم شروع شود. همان گونه که نوع غذا مادر در دوران حمل و طرز فکر و اندیشه ها و هیجانات و اضطراب او و نیز بیماریهای مزمن او در کودک اثر می گذارد. « یکی از مسائل ظریف در تربیت کودکان ایجاد عادت های خوب و ریشه کن نمودن عادات بد است.» که این وظیفه هم از عهده مادر بر می آید.

نقش حضور مادر و تأثیرات جدایی مادر در تربیت کودک:

- کودکانی که از محبت و مواظبت مادر محرومند یا در پرورشگاه ها رشد می یابند که به این جنبه عاطفی آنان توجه نمی شود، به دشواری های رونی دچار می شوند. مادر از خلال بازخورد هیجانی، عواطف خویش متدرجاً بروز و تحول هوشیاری را در کودک شیر خوار فراهم می سازد. وی نقش مهمی در فراگیری یادگیری کودک بر عهده دارد. تجارب کودک با مادر، جان می گیرند و با مادر است که عواطف وی، بر می آیند و جهت می گیرند. در این سن، مادر معرف محیط است (منصور دادستان، ۱۳۷۱) محرومیت، هنگامی رخ می دهد که پیوند میان مادر و کودک به دلیلی شکسته شده است، "به تجربه ثابت شده است که کمبود مهر و محبت مادری بیشتر به کودک لطمه میزند تا کمبود محبت پدری و به عبارت دیگر می توان بیان کرد که مادران، ایجاد کننده هوای اخلاقی خانواده می باشند.



فرزند اگر از پدر محبت نبیند، این کمبود را می تواند به وسیلهٔ مادر جبران کند. " تحقیقات روان شناسی نشان داده است که پس از پایان سال اول زندگی کودک، حضور کسی که همدم او باشد و در بازی هایش شرکت فعال داشته باشد، به رشد روانی او کمک می کند. وقتی کودک در اغلب اوقات تنها و دور از تماس اجتماعی و برخورد محبت آمیز باشد، چنان که در برخی از شیر خوارگاه ها دیده می شود، نا هنجاری های روانی برای او پدید می آید؛ امری که در تحقیقات شیبیتز "آثار شوم پرستار به جای مادر" نامیده شده است. جدا کردن نابه هنگام طفل از مادر و نتیجهٔ آن، یعنی احساس کمبود محبت، یا تحول رفتار را مختل می سازد. "

۴-۱. نقش رفتارهای افراطی مادر در تربیت کودک: "همهٔ مادران رفتار یکسانی با کودک خود ندارند، برخی از آن ها کودک خود را رها می کند و بعضی از آن ها حالت افراط و بعضی از آن ها حالت تفریط رفتار می کنند. برای جلوگیری از این مسائل باید رابطهٔ صحیحی بین مادر و فرزند برقرار شود که برای برقرار شدن رابطه صحیح، نه فقط مهارت آشنا بودن مادر به وظایف مادر مهم است بلکه آشنایی مادر با خصوصیات روانی و رفتاری کودکی که در حال رشد است نیز اهمیت دارد.

نقش مادر در یادگیری و آموزش:

تأثیر بسیاری دارد چنان که تحقیقات بیانگر تأثیر رابطهٔ مادر بر کودک در فراگیری مهارت ها و یادگیری های کلامی دارد و سبب گسترش دامنهٔ واژه ها، مخزن لغات و یادگیری های کودک دارد. "اطفال، با گوش دادن به گفته های بزرگ سالان نیز چیزهایی می آموزند. میان فراوانی واژه های مختلف در گفتار مادر و ترتیب یادگیری آن ها توسط کودک، و نیز میان میزان حرف زدن مادر و وسعت خزانه لغات کودک، رابطه وجود دارد.

-نقش نوع ارتباط مادر با کودک در تربیت کودک:

- گرمی رابطه و پذیرش کودک از سوی مادر، از عوامل بسیار تأثیر گذار در شکل گیری شخصیت کودک و تقویت توانمندی های او دارد. تحقیقات، بیانگر آن است که رفتار توأم با عواطف و گرم، سبب آرامش روانی، سلامت جسم، تقویت توانمندی ها و تقویت عواطف و احساسات کودک در زمان خردسالی و انعکاس این رفتار ها در سال های آتی زندگی او دارد. تحقیقات بیان می دارد که: "کیفیت مراقبت صورت گرفته از کودک، در رشد شناختی و روانی - اجتماعی او نقش دارد." رابطه بین مادر و کودک، آغازی بر انجام رابطه با تمام مردم دنیاست و در این چارچوب ابتدا باید به دو نکته توجه کرد: اول: کسانی که با دیگران خوب رابطه برقرار کرده ، آنان دارای مادران خوبی هستند . دوم: افرادی که منزوی بوده و قادر به برقراری رابطه با دیگران نیستند این افراد دارای مادرانی هستند که نقش خود را خوب ایفا نکرده اند. (روشن و همکاران، ۱۳۷۶) گرولانیک و همکاران (۱۹۹۷) اظهار داشتند که گرمی و دیگر شاخص های کیفیت ارتباط مثبت، معیاری برای درونی سازی اعتقادات و رفتارها توسط کودک محسوب می شوند. افزایش گرمی رابطهٔ مادر- کودک ممکن است باعث شود کودکان از طریق فرآیند شناسایی و الگو گیری، اعتقادات و رفتارهای مطلوب را درونی کنند. نتایج پژوهشها در حوزه های مختلف نشان می دهد اولاً مادر به عنوان تسهیل گر مؤثر در تمام حوزه های رشد کودک به شمار می رود (البته با تأکید بر توانایی ادراکی، احساسی و شناختی کودک) و ثانیاً خصوصیات مادر و کودک متقابلاً بر یکدیگر تأثیر می گذارند و روابط همزمان و هماهنگ بین مادر و کودک می تواند در رشد اجتماعی کودک مؤثر باشد. (زامبرلن، ۲۰۰۲، به نقل از شیخ سامانی، ۱۳۸۶: ۴)

-نقش تربیتی مادر از منظر روان شناسان رشد

-جان لاک (۱۷۰۴-۱۶۳۲)"تعلیم و تربیت را دارای دو بعد جسمانی و روانی می داند. به طور کلی می توان گفت تعلیم و تربیت از دیدگاه این فیلسوف عبارت است از: فراهم ساختن زمینهٔ ضمیر و روانی سالم در تنی سالم که سعادت فردی و به تبع آن سعادت اجتماعی را به دنبال خواهد داشت." تربیت ذهنی (روانی) طفل، اساسی ترین بخش تعلیم و تربیت او را شکل می دهد. هدف از تربیت ذهنی آن است که کودک از لحاظ روانی چنان بار آید " که در همه مواقع این گرایش را داشته باشد که به هیچ چیز جز آنچه شایسته منزلت و فضیلت موجودی عاقل است، رضا ندهد. " لاک کودک را به صورت لوح سفید، در نظر داشت. طبق این دیدگاه، کودکان در ابتدا چیزی نیستند؛ تجربه، شخصیت آن ها را شکل می دهد. با در نظر گرفتن عقاید لاک، می توان گفت که او رشد را به صورت پیوسته در نظر



داشت. رفتارهای بزرگسالانه به تدریج از طریق آموزه های صمیمانه و با ثبات والدین، شکل می گیرند. " نظر او درباره کودک به صورت لوح سفید، نشان می دهد که او طرفدار تربیت بود و این که در فلسفه لاک کودکان در شکل دادن سرنوشت خود، که دیگران آن را روی لوح سفید حک می کنند، نقش کمی دارند. این دیدگاه کودک منفعل، در نظریات امروزی کنار گذاشته شده و افراد در حال رشد را، به صورت موجودات فعال و هدف مند در نظر می گیرند که در رشد خود مشارکت قابل توجهی دارد. " از دیدگاه روسو (۱۷۱۲-۱۷۷۸) هدف تربیت "بازسازی انسانی است که بتواند در جامعه بازسازی شده زندگی کند. " هدف از تعلیم و تربیت از دیدگاه روسو، حفظ طبیعت فطرتاً نیک و آزاد کودک، در برابر فساد محیط اجتماعی است. به نظر او تربیت درست، تربیت منفی است، یعنی برای این که طبیعت بتواند آزادانه رشد کند، باید کودک را از جامعه دور نگه داشت تا به سن عقل برسد. در بیان اهمیت نقش مادر، روسو معتقد است: " اگر میل دارید هر کس وظایف خود را خوب انجام دهد، از مادران شروع کنید. آن وقت از تغییراتی که حاصل می شود، تعجب خواهید کرد. " روسو در بیان اهمیت تغذیه با شیر مادر می گوید: "خود من عقیده دارم که اگر خون مادر فاسد باشد، صلاح در این است که کودک از شیر دایه تغذیه نماید.

لیکن آیا باید موضوع را فقط از نقطه نظر جسمانی مورد مطالعه قرار داد؟ آیا طفل به همان اندازه که به پستان مادر احتیاج دارد، به مراقبت های او نیازمند نیست؟ ممکن است زن های دیگر، در صورت لزوم، حیوانات نیز شیری را که مادر از کودک خود دریغ می کند، به وی بدهند، لیکن هیچ چیز جای دلسوزی مادر را نمی گیرد. " و در ادامه می گوید: "البته اگر مادر بچه را شیر دهد، بهتر است، اما در صورت عدم امکان، باید زنی را انتخاب کنید که نیرومند بوده و جسماً و روحاً سالم باشد. " او معتقد است رشد فکری و روحی بچه باید توأم با رشد بدنی او صورت پذیرد. "باز هم تکرار می کنم، پرورش کودک از همان روز تولد شروع می شود. قبل از این که حرف بزند. قبل از این که چیزی بفهمد، چیز می آموزد."

- فروید (۱۸۵۶-۱۹۳۹) عامل جنسی "لیبیدو" را مهم ترین عامل تشکیل دهنده شخصیت، یا به عبارت دیگر، مهم ترین انگیزه رفتار انسان ها می داند. به عقیده فروید روابطی که بین نهاد، خود و فراخود در سال های پیش دبستانی برقرار می شود، سازنده شخصیت کودک است. " وی معتقد بود که اختلال های روان رنجوری که بیمارانش از خود نشان می دادند، از تجارب دوره کودکی آن ها سرچشمه گرفته است. [تجربیات کودکی را به قدری مهم می دانست که گفت، شخصیت فرد بزرگسال در پنج سالگی به طور محکم شکل می گیرد و متبلور می شود. آن چه وی را متقاعد ساخت که این سال های نخستین با اهمیت هستند، خاطرات کودکی خود او و خاطراتی که توسط بیماران بزرگسال او فاش می شدند، بود. " گزل (۱۸۸۰-۱۹۶۱) تأثیر فرهنگ و محیط را به عنوان عوامل ثانوی مؤثر در رشد می داند و اعتقاد دارد فرهنگ و محیط، شکل رشد را تغییر می دهند ولی نمی توانند آن را به وجود آورند و یا نابود نمایند. او معتقد به آزادی کودک بود و هرگونه محدودیت برای او را، ناقض رشد و پرورش طبیعی و سالم می داند و این محدودیت را زمینه ساز منفی گرای و باز دارنده سازندگی و خلاقیت او می داند. " گزل در بیان نقش تربیتی مادر، در مراحل مختلف رشد کودک معتقد است: "کودک در سال اول زندگی وابسته و محتاج دیگران می باشد و مادر، نزدیک ترین فرد به کودک بوده و در رشد اجتماعی او نقش تعیین کننده ای را بازی می نماید. گزل معتقد است " کودک در پنج سالگی نسخه کوچک جوانی در آینده است و بر همین اساس است که کودک در دوران کودکی و مراحل رشد آن دقیقاً مورد بررسی و کاوش قرار می گیرد. " نظریه ژان پیاژه (۱۸۹۶-۱۹۸۰) منحصرأ در زمینه رشد شناختی می باشد. تر عمده پیاژه این می باشد که انسان در تمام دوره زندگی؛ فعال، کنجکاو و نوآور می باشد و در جستجوی تماس و کنش متقابل با محیط بوده و پدیده ها را تعبیر و تفسیر می کنند. " به عقیده وی رشد هوش از بدو تولد آغاز می شود و تأکید می کند که کودکان مراحل رشد را با " تسلسل و توالی ثابت " پشت سر می گذارند. وی بر اهمیت این موضوع پافشاری می کند که تعلیم و تربیت، باید متناسب با سطح ویژه کودک باشد. او معتقد است "آموزگار باید دامنه علائق کودک و و تفاوت روش های یادگیری او را در زمان های مختلف درک کند. " بسیاری از روان شناسان بر این باورند که دیدگاه های اخلاقی، فرآورده اجتماعی شدن هستند. با این دید، والدین و دیگر عوامل اجتماعی کننده، به وسیله درک یا نمونه، دیدگاه های اخلاقی خود را به کودکان خویش به طور تدریجی



انتقال می دهند. " اریک اریکسون (۱۹۹۴-۱۹۰۲) شکل گیری هویت را در چارچوب تجربیات بین شخصی و بیشتر در زمینه خانوادگی می داند.

پژوهش های زیادی، دیدگاه اریکسون در زمینه تأثیر خانواده و والدین در شکل گیری هویت نوجوانان را تأیید می کند. اریکسون برای توصیف رشد در تمام دوران، یک سلسله مراحل هشتگانه را پیشنهاد کرده است که از شیر خوارگی آغاز و تا دوران پیری ادامه دارد، وی معتقد است که در هر مرحله، انسان با بحران و کشاکشی خاص، روبه رو می گردد که رفع یا عدم رفع آن، بر روی شکل گیری شخصیت فرد اثر مثبت یا منفی داشته و در سراسر زندگی آینده وی خود نمایی می کند. [اریکسون در بیان عمومی ترین مرحله؛ اعتماد اساسی در مقابل عدم اعتماد را مطرح می کند.] وی می گوید: "نخستین نشانه اعتماد به مادر هنگامی پدیدار می شود که کودک بدون اضطراب یا خشم نا به جا، اجازه می دهد که مادر از جلوی دیدگان او دور شود." بنا بر این، اعتماد عبارت است از این حس که دیگران قابل اتکاء و قابل پیش بینی هستند. او می گوید که: "کودکان سه تا شش ساله بیش از هر زمان دیگری آماده برای آموختن سریع و حریصانه و مشتاق به یافتن طرق هدایت جاه طلبی خود به فعالیت های مفید از نظر اجتماعی هستند. والدین می توانند این فرآیند را به وسیله تخفیف دادن در اقتدار خود و اجازه به کودکان برای مشارکت با آنان در طرح های جالب به صورت افراد برابر، تسهیل کنند."

جان بالبی (۱۹۹۰-۱۸۸۰)، با الهام گرفتن از مشاهدات نقش پذیری، نظریه کردار شناسی را در مورد آگاهی از رابطه والد-فرزند به کار برد. او معتقد بود که لبخند و حرکات کودک، مادر را ترغیب می کنند به فرزند خود نزدیک شود، از او مراقبت کند و با وی تعامل نماید. این رفتارها با نزدیک نگه داشتن مادر، تضمین می کنند که کودک تغذیه خواهد شد، از خطر مصون خواهد بود، و تحریک و محبت لازم برای رشد سالم تأمین خواهد شد. رشد دلبستگی، در انسان ها فرایندی طولانی است که باعث می شود کودک رابطه عاطفی عمیقی با مادر خود برقرار کند. "وی رابطه مبتنی بر دلبستگی کودک با مادر را سنگ بنای شخصیت کودک دانسته، در صورت کمبود آن، کودک ناتوان از برقراری رابطه ی معنادار با دیگران خواهد بود. او تأکید دارد که: "کودک همان قدر که به غذا نیاز دارد، به حضور مادر نیز نیازمند است و غیبت مادر به طور ناخودآگاه، حس نیرومندی از خسران و خشم را در او ایجاد می کند." اضطراب در نظام تربیتی بالبی "یک واکنش نخستین" و غیر قابل تقلیل به چیز دیگری است و از جدایی و قطع رابطه دلبستگی بین مادر و کودک ناشی می شود.

-موریس دبس معتقد است، رشد کودکان از روزی که به دنیا می آیند تا موقعی که به درجه کمال می رسند، از مراحل متوالی و به هم پیوسته ای می گذرد که می توان آن ها را فصول مشخص تاریخ واحدی دانست. این رشد، گرچه ظاهراً ترقی دائم و یکنواختی است، در واقع کند و تند می شود و ادواری گاه پرجوش و خروش و گاه آرام تری دارد. لازم است تربیت بر طبق مراحل روانی رشد صورت گیرد تا همه قوا را به ظهور برساند. "مرحله نخستین تربیت یا دوره شیرخوارگی، دوره پرستاری از کودک است. کودک در این دوره دارای یک سلسله نیازهای ویژه ای است و باید با تمام وجود، امنیت عاطفی و حمایت را از جانب مادر احساس کند، ضرورت بهداشت مادر شیرده، دنباله بهداشت مادر آبستن است. وقتی بند ناف بریده شد، رابطه میان بدن مادر و کودک نوزاد قطع نمی شود. از بارداری تا لااقل دوره باز گرفتن کودک از شیر، مادر برای کودک محیط واقعی رشد، به شمار می رود که دبس آن را "محیط مادرانه" می نامد. این دوره، تربیت، همان پرورش تن کودک است. در ادامه روند رشد، بالبی به جدا شدن کودک شیر خوار از مادر (فطام) پرداخته و ضرورت ادامه وابستگی به مادر را، به لحاظ اجتماعی مطرح می کند.

-مارگارت ماehler (۱۸۹۷ - ۱۹۸۵)، با استفاده از روشی دقیق و پیچیده به بررسی تعامل کودک و مادر در سه سال اول زندگی پرداخته است و به تدوین نظریه ای در نظریه تحول عاطفی دست زده که به نتایج قابل ملاحظه ای در سطح تشخیص و درمان منتهی گردیده است. ماehler در خلال سه سال اول زندگی کودک، سه مرحله متوالی را متمایز می کند: مرحله در خود ماندگی به هنجار [اتیسم به هنجار]، مرحله مبتنی بر همزیستی به هنجار، و مرحله جدایی-تفرد و تابع «دو خط تحول» است که مبنای آن ها در گرایش های فطری نوزاد به رشد یافتگی است. دونالد وینیکات (۱۹۷۱-۱۸۹۶) نظریه ای منظم درباره روابط شیء، ارائه داد. وی مانند ماehler مشاهدات



زیادی در خصوص رابطه مادر و کودک انجام داده است. مفاهیم وی مثل مادر متعادل، شیء انتقالی، و خود حقیقی و خود کاذب به درمانگران کمک کرده است نقش مهم دلبستگی به مادر در دوران کودکی و تأثیرش بر سایر مقاطع زندگی را بفهمد. اهمیتی که وینی کات در مورد مراقبت مادرانه قائل است، افراطی نیست. مادر، محیط تسهیل گری است که کودک به آن وابسته می شود. مادر در دوران بارداری و خصوصاً در نخستین ماه های زندگی طفل، به تدریج خود را وقف نیازهای طفل می کند.

- هاینز کوهاث (۱۹۸۱-۱۹۱۳)، به مجذوب خود شدن (یا خود بزرگ منش) و توجه به والد قدرتمند (خودشیء آرمانی) قبل از چهارسالگی می پردازد. [وی نیز معتقد است] بروز اشکال در مراحل رشد اولیه، روی طرز ارتباط اشخاص با دیگران و نظرشان در مورد خودشان تأثیر می گذارد. وقتی کودکان در مرحله ای گیر می کنند یا خود بزرگمنش یا خود شیء آرمانی آن ها رشد به هنجاری ندارد، بعداً در زندگی با مشکلاتی مواجه می شوند. برای مثال کودکی که مادر پاسخده (آینه ای) ندارد، بعداً افسرده می شود یا پیوسته دنبال عشق و محبتی می گردد که در سنین اولیه خویش از آن محروم بوده است. عده ای نیز که با والدین خود (خودشیء آرمانی) رابطه کافی نداشته اند، دنبال همسر یا دوست ایده آل یا کامل می گردند. ولی همیشه شکست می خورند چون کسی نمی تواند مطابق معیارهای آن ها باشد. (سنت کلیبر، ۱۹۸۶) دیدگاه آلفرد آدلر (۱۸۷۰) در مورد شخصیت، دیدگاهی باز و گسترده بود. وی نه تنها فرد را یک ارگانسیم کلی و واحد در نظر می گرفت بلکه برای تعامل وی با جامعه نیز اهمیت قائل بود. رنه اشپیترز، بر مبنای رابطه موضوعی (رابطه مادر - کودک) به بیان سه مرحله ی رشد و تحول پرداخته است.

- عبور از هر مرحله در چارچوب رابطه مادر و کودک ردیابی می شود و مستلزم وجود رفتارهای خاصی در کودک است که هر کدام از این رفتارهای خاص نشانگر نام دارد و اشپیترز این نشانگر ها را بر مبنای پاسخ با لبخند، ردیابی می کند. اشپیترز بر رابطه دوتایی مادر - کودک بسیار تأکید می ورزد و معتقد است اعمال هشیارانه و یا بازخوردهای ناهشیارانه ای که مادر به فعالیت های کودک نشان می دهد، در حکم تقویت نخستین برای کودک است. در حقیقت مادر برای کودک، معرف محیط است. در این مرحله کودک قادر می شود تا اصل لذت را به نفع اصل واقعیت به تعویق بیندازد، یعنی جدایی من و بن حاصل گردیده است.

یافته های تحقیق:

بررسی مقایسه ای اصول حاکم بر رشد از دیدگاه روان شناسی رشد و اسلام

جدول شماره (۱-۳) بررسی مقایسه ای اصول حاکم بر رشد	
اصول حاکم بر رشد (از منظر روان شناسی رشد)	اصول حاکم بر رشد (از منظر اسلام)
رشد جریانی مداوم و پیوسته	اصل مداومت و استمرار
رشد دارای الگویی معین	اصل تمکن
اختصاصی شدن عکس العمل ها (پس از دوره ای خاص)	اصل تفاوت های فردی
تغییر سرعت رشد در دوره های مختلف	اصل تدرج
تدریجی بودن فرآیند رشد	اصل تدرج و تمکن
رشد در زمینه های مختلف (جسمانی، عقلانی، عاطفی و اخلاقی)	اصل شمول تربیت در همه ابعاد زندگی فردی و اجتماعی
توجه به استعدادها و توانمندی های افراد در روند تربیت پذیری	اصل سهولت
عزت نفس و خود باوری	اصل عزت
تربیت متوازن و همگام با مراحل رشد و پرهیز از افراط و تفریط	اصل اعتدال
---	اصل کرامت (خدا باوری و حق محوری)



ا. هر دو دیدگاه، بر تداوم، پیوستگی و استمرار رشد و ضرورت تربیت متناسب با هر یک از مراحل رشد تأکید دارند. توجه به فرصت های مناسب در هر دوره از رشد و تأکید بر مراقبت از موقعیت های مناسب تربیتی، به دلیل بستر مناسب پذیرش کودک، به هنگام دریافت آموزه و توجه به فرصت های مناسب آموزشی، از اصول مورد نظر است. تأکید اسلام بر اهمیت نقش تربیتی مادر، به لحاظ فرایند رشد کودک و نزدیکی بی واسطه مادر- فرزند (دوران بارداری، شیردهی و رشد نخستین) و توجه به اثرپذیری تربیتی بالای کودک در این دوران از اهم موارد است.

ب. اصل توجه به الگوی معین در فرآیند رشد و ضرورت حفظ این الگو در مراحل رشد، مورد نظر دیدگاه روان شناسی رشد بوده و اسلام نیز با حفظ این اصل و اعتقاد به آن، ضرورت تناسب تربیت با فطرت (طبیعت) را مورد تأکید قرار می دهد. گرچه انسان ها تفاوت های گوناگونی دارند، طرح عمومی مراحل رشد آنان یک سان است و از الگو و طرحی پیروی می کنند که از پیش تعیین و پیش بینی پذیر است. این طرح هم پیش از تولد و هم پس از تولد را شامل می شود. خداوند نیز در قرآن به این نکته بارها اشاره کرده است؛ چنان که در سوره حج پس از آن که سیر مراحل رشد پیش از تولد را بیان می کند، می فرماید: "و جنین هایی را که بخواهیم، تا مدت معینی در رحم [مادران] قرار می دهیم." این اصل در همه ابعاد رشد، از جمله رشد حرکتی، عقلی و عاطفی - هیجانی جریان دارد.

در رشد عاطفی - هیجانی، کودک در برابر اشیای غیر معمول و عجیب، ترس مبهمی نشان می دهد، ولی به تدریج این ترس اختصاصی شده، با رفتارهای گوناگون همچون گریه کردن، گریختن و مخفی کردن متمایز می شود. در رشد عقلی نیز، کودک نخست مفهوم کل را درک می کند و سپس مفهوم اجزا را در می یابد. همچنین در رشد حرکتی، کودک برای گرفتن اشیاء، نخست همه دست خود را به کار می گیرد، ولی با گذشت زمان و پیشرفت رشد، می تواند از انگشتان و سپس بند انگشتانش استفاده کند. (علی مصباح و دیگران، بی تا، ج ۱، ص ۱۱۸) این اصل از بعد جسمی پیرو دو قانون است: قانون سری - پایی، (آدمی نخست از ناحیه سر، سپس تنه و سرانجام از ناحیه پا، رشد می کند). و قانون مرکزی - پیرامونی، (مسیر رشد جسمی از نزدیک به دور است. به عبارتی، رشد از محور مرکزی بدن آغاز و به سوی اطراف و انتهای بدن پیش می رود). (شعاری نژاد، ۱۳۷۳، ص ۱۱۲-۱۱۱). پیروی از الگوی معین تنها به بعد جسمی منحصر نمی شود، بلکه همه ابعاد وجودی انسان از قبیل روانی، عاطفی، اجتماعی، هیجانی و معنوی را در بر می گیرد (علی مصباح و دیگران، بی تا، ج ۱، ص ۱۰۸).

ج. اسلام با طرح اصل تفاوت های فردی، به اصل دیگری به موازات آن اشاره دارد و آن "تدرج و تمکن" است. انسان با صیوررتی تدریجی استکمال می یابد و در این سیر، تفاوت مراتب وجود دارد و ملاحظه تفاوت های فردی و اختلاف استعدادها و گونه گونی انسان ها، از مسائل اساسی در تربیت است که بدون توجه به آن، تربیت درست، معنا نمی یابد. دیدگاه روان شناسی رشد نیز با بیان اصل "اختصاصی شدن عکس العمل ها (پس از دوره ای خاص)"، ضمن تأکید بر پذیرش تفاوت های فردی و ضرورت توجه به آن در سیر رشد، بر تفاوت واکنش های متفاوت انسان در دوره های خاص تأکید دارد. بنابراین، هر حرکت تربیتی باید با توجه به این اختلاف استعدادها و نیازها به صورت تدریجی و مرحله به مرحله بر اساس توانایی ها صورت پذیرد. حضرت امیر (ع) در عهدنامه مالک اشتر چنین متذکر شده اند: "بپرهیز از شتابزدگی در کارهایی که وقت انجام دانشان نرسیده است و از اهمالگری در کارهایی که وقت انجام دانشان فرا رسیده است و از لجاجت کردن در اموری که مبهم است و از سستی نمودن در کارها، آن هنگام که راه عمل روشن شده است، پس هر دو چیز رادر جای آن بدار و هر کاری را به هنگام آن بگذار" (نهج البلاغه، نامه ۵۳).

د. روان شناسان رشد، توجه به استعدادها و توانمندی های متفاوت افراد را در مورد تربیت پذیری مورد توجه و تأکید قرار داده اند، دیدگاه اسلام نیز، اصل سهولت (عدم سخت گیری و رعایت بضاعت روحی و جسمی در نهادن تکلیف) را مورد توجه قرار داده و تأکید بر این نکته، که تربیت، مبتنی بر تکالیف شاق نباشد و راه هایی در تربیت گشوده شود که متری با میل و رغبت در آن راه ها گام زند؛ به تواتر بیان گردیده است. رعایت ملایمت و مدارا، که نام تربیت بر خود دارد، اصلی حاکم در همه امور است. روان شناسی رشد، با اعتقاد به اصل عزت نفس (حرمت نفس)، این اصل را، احساس ارزشمندی درونی و احترام گذاشتن به خویش، ارتباط صادقانه با خود



و حقیقت گویی و توانایی در دوست داشتن و عشق ورزیدن به همه و بالاخره داشتن تصویر ذهنی خوب، از خود و سازگاری با جهان هستی تعبیر کرده است.

۵- در برداشت کلی از دیدگاه‌های روان شناسی، امنیت معنوی و تفاهم با آن چه که هستیم، یعنی داشتن عزت نفس. قضاوت ها و ارزیابی هایی که کودک در طی فرآیند رشد از خود به عمل می آورد و در تعامل با محیط و اطرافیان تثبیت می گردد، در نهایت منجر به پدیداری عزت نفس در او می شود. در افراد فاقد عزت نفس، هراس و ترس از واقعیت در فرد وجود دارد. دیدگاه اسلام نیز، با اعتقاد و تأکید بر اصل عزت؛ کمال تربیت آدمی را در کسب و حفظ عزت نفس دانسته و رسالت عمده تربیتی پیام آوران الهی را، در کنار زدن عزت های مجازی و دروغین و رساندن مردمان را به عزت حقیقی بر می شمرد. اصل اعتدال (تربیتی است مبتنی بر حفظ اعتدال در همه امور و پرهیز از افراط در همه شئون. اقتضای خرد ورزی، اعتدال است و اقتضای نادانی، افراط و تفریط) نیز از اصول مورد پذیرش و هم گرای هر دو دیدگاه می باشد. دین مبین اسلام با در نظر داشتن این اصول ظریف، و در عین حال محکم و متقن؛ تربیت را امری سهل و ممتنع و در عین حال قابل اجرا و پذیرش (طبق فطرت بشری) قرار داده است.

وجوه افتراق دو دیدگاه

- اصل خدا باوری در جعل قوانین، مهم ترین اصل از اصول مورد تأکید اسلام در خصوص تربیت است. بدین معنا که، همو که خالق و مربی طبیعت است، قانون گذار و مربی انسان است و انسان، خلیفه او در روی زمین، و این نکته ای است که در مجموعه دیدگاه های روان شناسان رشد، دیده نمی شود. اصل کرامت (کرامت، امری ذاتی است که خدای متعال، انسان را بدان مفتخر کرده و به عنوان "نوع کریم"، معرفی می نماید. حفظ کرامت انسان، از آن جهت دارای اهمیت است که چون حریم کرامت بشکند و انسان موجودی خفیف شود، این آمادگی را پیدا می کند که به هر پلیدی تن دهد، و انسان حقیر، از اعتلای روحی باز می ماند و به پستی ها روی می نماید)، از دیگر موارد مؤکد در دیدگاه اسلام است که در منظر روان شناسی رشد، بدین مفهوم مطرح نشده است.

بررسی مقایسه ای عوامل مؤثر بر رشد از دیدگاه روان شناسی رشد و اسلام

با بررسی نتایج برگرفته از دیدگاه های دو حوزه (روان شناسی رشد و اسلام) می توان در خصوص اشتراک نظر و تفاوت دیدگاه ها چنین گفت:

وجوه اشتراک دو دیدگاه:

- در هر دو دیدگاه، توجه به وراثت از امور مهم و مؤکد می باشد. اسلام با تأکید بر نقش وراثتی مادر و انتقال صفات از طریق مادر، موضوع انتخاب همسر را مورد دقت و توجه خاص قرار داده و اصول فراوانی را بر آن مترتب نموده است. سلامت عقل، سلامت روان، سلامت معنوی، ظاهر نیکو، سیرت پاک و مانند این ها، از دلائل تأکید اسلام بر نقش وراثتی - تربیتی مادر در تربیت فرزند می باشد. اهمیت عامل خانواده از دیگر اشتراکات دو دیدگاه است. توجه به تفاوت های فردی در موضوع رشد، تأکید بیشتر بر تشویق به جای تنبیه نیز از دیگر موارد وفاق دو دیدگاه می باشد.

وجوه افتراق دو دیدگاه

- اسلام با تأکید بر عامل فطرت، توجه به فطرت بشری و ضرورت همگامی فطرت با تربیت را در رشد و تکامل استعدادها و توانمندی های کودک مورد لحاظ و توجه قرار داده است. اهمیت برنامه ریزی تربیتی از دیگر مصادیق مؤکد اسلام در خصوص عوامل مؤثر بر رشد و تربیت می باشد.



جدول شماره (۲-۳) بررسی مقایسه ای عوامل مؤثر بر رشد	
عوامل مؤثر بر رشد (از منظر اسلام)	عوامل مؤثر بر رشد (از منظر روان‌شناسی رشد)
<p>۱. توجه به ویژگی های وراثتی والدین (تأکید بر نقش وراثتی مادر و ضرورت داشتن صحت روانی، جسمی، عقلی و معنوی)</p> <p>۲. توجه به عامل فطرت</p> <p>۳. توجه به عامل خانواده</p> <p>۴. عامل تفاوتها فردی</p> <p>۵. -توجه بیشتر به تشویق و پرهیز از تنبیه</p> <p>۶. - اهمیت عامل شیوه تربیتی و برنامه ریزی</p> <p>۷. توجه به تأثیرات ابعاد معنوی در زندگی مادی</p>	<p>-عوامل داخلی:</p> <p>۱. وراثت</p> <p>۲. غدد (هیپوفیز، تیروئید، کلیوی، ایپی فیروتیموس، پاراتیروئید، گنادها)</p> <p>۳. محیط داخلی</p>

آنچه در وجوه افتراق نقش مادری اینجا مورد توجه است، تأکید و اهمیت شاکله صفات و شخصیت و صلابت مادر است همچنانکه در قرآن کریم بر صداقت مریم و عفت او در نقش مادری عیسی (ع) تصریح و برطهارت و عصمت فاطمه (س) در آیه تطهیر و بر عقل و تدبیر مادر و حفاظت از ارزشها و مراقبت در بندگی اهتمام می ورزد «فالصالحات قانتات حافظات للغیب» (نساء: ۳۴) -بحث و نتیجه گیری:

۱- اهمیت سال های مختلف رشد، در شکل گیری شخصیت کودک مورد توجه مکتب روان شناسی بوده است. به دوره جنینی و تأثیر حالات مادر بر جنین توجه داشته اند، اما مطالعه دیدگاه ها، بیانگر آن است که مرحله پیش از شکل گیری جنین، از مراحل مطرح شده در نظریات رشد، کمتر مورد توجه قرار گرفته است، حال آن که اسلام مراحل رشد را به دو دوره قبل و بعد از تولد تقسیم نموده است. حتی در خصوص همسر گزینی و تأثیر بسیار حساس آن، در شکل گیری شخصیت فرزند و تأثیر تربیتی بلافصل مادر بر کودک، در منابع روایی از قول پیشوایان معصوم (ع) توصیه های فراوانی شده است.

۲- نقاط مشترکی نیز بین نظریات روان شناسی رشد و اسلام وجود دارد که شناسایی و بر هم افزایی این اشتراکات، امکان استدلال توصیه های تربیتی اسلام را، به نحوی علمی - کاربردی و متکی بر تحقیقات تجربی، میسر می سازد. از جمله این مشترکات، می توان به موضوع تربیت تکوینی (تدریج در تربیت) اشاره داشت، که از نظر اسلام و روان شناسان رشد (موریس دبس، ۱۹۶۳) مورد توجه قرار گرفته است. بر اساس تحقیقات صورت گرفته در حوزه روان شناسی رشد، در خصوص مؤلفه های مختلف اثر گذار بر تربیت کودک، موارد متعددی شناسایی و مورد تأیید قرار گرفته است از جمله: نقش تربیتی مادر، در ایجاد تغییرات مداوم در تربیت کودک، ناشی از تأثیر گفتار های کلامی مادر در تقویت زبان و بیان کودک (دیوید کریستال، ۱۹۸۹)، تأثیر مادر بر رشد جسمانی، ادراکی، حافظه و رشد اجتماعی کودک (گنجی، ۱۳۶۹)، تأثیر نقش مادر در ایجاد ارتباطات قوی اجتماعی (روشن و همکاران، ۱۳۷۶)، تأثیر کیفیت ارتباطات اولیه مادر- کودک با سازگاری، تنظیم هیجانی و ارتباطات بعدی کودک (هانگ، ۲۰۰۷)، تأثیر ارتباط گرم و صمیمی مادر با کودک در ایجاد تجربه مثبت، و زبان رابطه منفی و تعارض آمیز مادر بر شخصیت و حتی اعتقادات کودک (ساندرا، ۲۰۰۶)، تأثیرات ارتباط مثبت مادر با کودک در درونی سازی اعتقادات و رفتارهای کودک (گرولانینگ و همکاران، ۱۹۹۷)، تأثیر گرمی رابطه مادر و کودک، در الگوگیری و درونی سازی اعتقادات و رفتارهای مطلوب کودک (گورین، ۱۳۸۴)؛ از مهم ترین عوامل مؤثر بر رشد شخصیتی، جسمی، عاطفی، اجتماعی و الگو گیری های ارزشی و اعتقادی کودک شناخته شده است.

۳- اسلام، بیان اهمیت نقش تربیتی مادر و ابعاد اثر گذار این نقش و نیز تدابیر تربیتی مترتب بر آن را از زمان قبل از شکل گیری ابعاد جسمانی کودک، آغاز نموده و تا زمان ایجاد نطفه، دوران شیر و پس از آن تا مرحله جوانی، ادامه می دهد. تا جایی که معصومین (ع)،



دومین همایش ملی جایگاه و نقش مادر

2nd National Conference on the Status and the Role of Mother

پاکدامنی صالحین را به مادران پاک آنان منتسب می دانند و با توجه به فطرت الهی بشر، فرآیند تربیت را (با تأکید بر نقش مادر)، در تعیین سرنوشت و ماهیت زندگی فرد، مورد توجه و عنایت خاص قرار می دهند .

۴-مختصاتی را که در فرهنگ اسلامی از جهت مختصات مادری چون صداقت، عفت، عقلانیت، ایمان و معرفت، شجاعت لحاظ گردیده است و برای آن آثاری را در سلامت نسل و هویت ارزشی فرزندان موثر می داند، ای مسئله فقط از آن نظام قانون گذاری اسلامی است.



- نهج البلاغه، ۱۳۷۹، ترجمه محمد دشتی [قم]: امیرالمؤمنین
 آمدی، عبدالواحد بن محمد؛ [بی تا] غررالحکم و درر الکلم؛ [مصحح رجایی، مهدی]، قم: دارالکتب الاسلامی.
 حر عاملی، محمد بن الحسن؛ ۱۳۸۸ه.ق، وسائل الشیعه، ج ۴ و ۵، تهران: مکتب الاسلامیه
 -----؛ ۱۳۶۷، وسائل الشیعه، چاپ ششم، ج ۱۴، تهران: نشر اسلامی.
 -----؛ ۱۴۱۶ه.ق، وسائل الشیعه، چاپ اول، ج ۱۵، قم: مؤسسه آل البیت (ع) لاجیاء التراث.
 دبس، موریس؛ ۱۳۸۸، مراحل تربیت، چاپ دوازدهم، ترجمه دکتر محمد علی کاردان [تهران]: نشر دانشگاه تهران.
 روشن، رسول و همکاران؛ ۱۳۷۶، روان شناسی مادر با تأکید بر بهداشت روانی، تهران: نشر میثاق.
شعاری نژاد، علی اکبر؛ ۱۳۷۳، روان شناسی رشد، تهران: انتشارات اطلاعات.
 شاتو، ژان؛ ۱۳۸۸، مریمان بزرگ، تهران: مؤسسه چاپ و نشر دانشگاه تهران.
 شرفی، محمدرضا. ۱۳۸۰، مؤلفه ها و عوامل گسست نسلی؛ نگاهی به پدیده گسست نسلی. به اهتمام علی اکبرعلیخانی. تهران: پژوهشکده علوم انسانی و مطالعات اجتماعی جهاد دانشگاهی.
 صانعی، مهدی؛ ۱۳۸۰، پژوهش در تعلیم و تربیت اسلامی، چاپ سوم، مشهد: انتشارات سناباد.
 صدوق، ابوجعفر محمد بن علی بن حسین بن موسی؛ [بی تا]، امالی، ترجمه محمد بن علی کمره ای [تهران]: ناشر کتابچی
 عندلیب، حمزه؛ ۱۴۲۲ق، نحن و الولاد فی مآثر اهل البیت النبوه صلوات الله علیهم، ج اول، قم: نشر دلیل ما.
 طباطبایی، سید محمد حسین؛ ۱۳۷۸ه.ق، المیزان فی تفسیر القرآن فارسی، ترجمه محمد باقر موسوی [قم]: نشر حوزه علمیه قم انتشارات اسلامی.
 طبرسی، فضل بن حسن؛ ۱۳۳۴، مجمع البیان فی تفسیر القرآن، ج ۱۴، تهران: چاپ علمی.
 -----؛ ۱۴۱۵ه.ق، مجمع البیان فی تفسیر القرآن، ج ۹، چاپ اول، بیروت: انتشارات مؤسسه علمی للمطبوعات.
 قرائتی، محسن؛ ۱۳۸۳، تفسیر نمونه، چاپ یازدهم، ج ۷، تهران: مرکز فرهنگی درسهایی از قرآن.
 قمی، شیخ عباس؛ ۱۳۶۹، منتهی الآمال، ج ۱، قم: نشر هجرت.
 قمی، ناصرالدین ایضاری؛ ۱۳۷۳، موسوعه کلمات امام حسین (ع)، گروه حدیث پژوهشکده باقرالعلوم (ع). قم: دارالمعروف.
 کاردان، علی محمد و دیگران؛ ۱۳۹۲، درآمدی بر تعلیم و تربیت اسلامی، "فلسفه تعلیم و تربیت"، جلد اول، چاپ دوازدهم، فلسفه تعلیم و تربیت، تهران: پژوهشگاه حوزه و دانشگاه.
 کلینی، محمد بن یعقوب؛ ۱۳۹۰، اصول کافی، ج ۵، ترجمه حسین استاد ولی [قم]: نشر دارالتقلین.
 -----؛ ۱۳۷۵، اصول کافی، ج ۶، ترجمه و شارح، محمد باقر کمره ای [قم]: اسوه
 -----؛ ۱۳۶۹، اصول کافی، ج ۱، ترجمه جواد مصطفوی [تهران]: ناشر کتابفروشی علمیه اسلامی.
 -----؛ ۱۳۸۹ه.ق، کافی، ج ۸، نشر دارالکتب الاسلامیه (آخوندی).
 کوزر، لوئیس؛ ۱۳۸۷، زندگی و اندیشه بزرگان جامعه شناسی، ترجمه محسن ثلاثی، تهران: انتشارات علمی و فرهنگی.
 گورین، سوزان؛ ایلیس، هنسی؛ ۲۰۰۵، «پر خاشگری یا زورگویی در کودکان و نوجوانان»، ترجمه نسرین کمال پور، [مشهد]: انتشارات مرندید.
 گنجی، حمزه؛ ۱۳۶۹، تفاوت های فردی، تهران: انتشارات بعثت.
 متقی هندی، علی بن حسام الدین؛ ۱۴۰۱ق، کنز العمال فی سنن الأوقال و الأفعال، [محقق، بکری حیاتی، صفوة السقا]، چاپ پنجم، مقدمه مؤلف، ج ۱، بیروت: مؤسسه الرساله.
 مجلسی، محمد باقر؛ ۱۴۰۳ه.ق، بحار الانوار، ج ۶، بیروت: دارالاحیاء التراث العربی.
 -----؛ ۱۳۷۹، رویکرد نوین در روابط خانواده، تهران: نشر سفیر
 ایزدی، اقدس؛ ۱۳۸۸، «اخلاق مادری در اسلام و فمینیسم»، نشریه پژوهشهای فلسفی - کلامی، دوره ۱۰، ش ۳۹، ص ۱۵۱ تا ۱۸۳.
 موسوی چلک، سید حسن؛ ۱۳۸۸، آسیب های اجتماعی، نظم و امنیت عمومی؛ کندوکاو در مسائل جوانان و مناسبات نسلی. به اهتمام گروه پژوهشی مطالعات جوانان و مناسبات نسلی. تهران: پژوهشکده علوم انسانی و مطالعات اجتماعی جهاد دانشگاهی.
 ۱. Huang, K.Y, (۲۰۰۷), "Mother - child conflict interaction in the toddler years", behavior patterns and correlates. ۱۶,۲۱۹-۲۴۱
 ۲. Losh- Hasselbart, S.(۱۹۸۷), "the development of gender roles in M.B. Sussman and S. steinmentz(Eds.)", hand book of marriage and family (pp.۵۳۵-۵۶۳) New York: plenum
 ۳. Downs, M.F.(۲۰۰۸), " good parenting ups kids mental skills "web MD(on- lion) .
 ۴. Crystal. David, (۱۹۸۹) "The encyclopedia of language " Cambridge university press.
 ۵. sandra, D(۲۰۰۶)." mother -child relationships a moderator of the relation between family educational involvement and child achievement" , sience and practice . ۶,۱,۴۹-۵۷.



اشتغال زنان و چالش‌های پیش رو

فهیمة ملک زاده ؛ عضو هیئت علمی دانشگاه آزاد واحد تهران شمال

Malek900@gmail.com

انسیه جلالوند؛ کارشناس ارشد مطالعات زنان، دانشگاه الزهرا "س"

Jalalvandensie@gmail.com

چکیده

یکی از مهم‌ترین معیارها برای سنجش درجه توسعه یافتگی یک کشور، میزان اهمیت و اعتباری است که زنان در آن کشور دارا هستند. اکنون نگاه جهان، بیشتر به سوی زنان معطوف شده است، زیرا امروزه اگر برای تحقق توسعه اجتماعی، تسریع فرآیند توسعه اقتصادی و محقق شدن عدالت اجتماعی به زن به‌عنوان نیروی فعال و سازنده نگریسته شود، مسیر توسعه هموارتر خواهد شد.

در این مقاله برآنیم تا وضعیت اشتغال زنان و مشکلاتی را که زنان شاغل با آن‌ها مواجه هستند مورد بررسی قرار دهیم. مسلم است که گفتنی‌ها در خصوص حقوق انسانی زنان در زمینه اشتغال و حقوق اقتصادی آنان بسیار است اما هدف اصلی نگارنده پاسخ به این پرسش اساسی است که آیا به موازات این روند و تغییرات پیش آمده در نقش‌های زنان در جامعه، تغییری نیز در نقش‌های سنتی و مسئولیت‌های خانوادگی آنان صورت پذیرفته؟ یا آنکه زنان در این راستا کماکان با مشکلاتی مواجه هستند. این بررسی با روش کتابخانه‌ای و در چارچوب روش‌های تحلیلی-توصیفی انجام گرفته است.

واژه‌های کلیدی: اشتغال، تبعیض، حقوق زنان، توسعه، جنسیت

مقدمه

به رغم پذیرش وسیع اشتغال زنان از جانب طبقات متفاوت اجتماعی، هنوز آن تغییرات فرهنگی که لازمه هماهنگی میان اشتغال زن و تقسیم وظایف و مسئولیت‌ها در خانواده است به طور کامل روی نداده است، بررسی روابط و مناسبات درون خانواده چنین نشان می‌دهد که با زیر سؤال رفتن پاره‌ای از ارزش‌ها و هنجارهای سنتی، نقش زن با تغییراتی روبه‌رو شده است و حاصل این تغییرات بسط و توسعه زمینه فعالیت‌های اجتماعی اوست. رو آوردن زنان به اشتغال در خارج از کانون خانوادگی تأثیری بسزا در ابعاد هویت اجتماعی آنان داشته و این امر، به نوبه خود، موجب افزایش اعتماد به‌نفس جامعه زنان شده است. احراز موقعیت اجتماعی بهتر با تأثیری که از نظر شخصیتی به جا می‌گذارد تا حدودی، معضلات ناشی از اشتغال دوگانه را هموار ساخته است. البته نه تنها راه این تحول همیشه هموار نیست، احتمال هم دارد که در اثر تضاد ارزشی، در ایفای نقش‌ها تعارضاتی پدید آید. خطر بروز چنین حالتی بیشتر در مواقعی است که فعالیت شغلی زن با الگوی سنتی همخوانی نداشته باشد. به ویژه آنکه، در زندگی سنتی، با تقسیم کار بر اساس جنسیت، تحت هر شرایطی، اداره امور خانگی به عهده زن پنداشته می‌شود و بر اساس همین ارزش‌های سنتی، فعالیت وی در خارج از خانه به معنی تضعیف انسجام خانواده تلقی می‌گردد. تفکیک مشاغل بر حسب جنسیت و پذیرفتن تفاوت در توانایی‌های زن و مرد طرز تفکری است که در بیشتر مواقع بر ذهنیت خود زنان نیز اثر می‌گذارد و موجب دامن زدن بر تعارضات موجود می‌شود.

میزان فعالیت زنان در امور اقتصادی از یک طرف به سن، وضعیت تأهل، درجه تحصیلات و از طرف دیگر به امکانات اشتغال کشور بستگی دارد وقتی مسئله اشتغال جمعیت کشور را بر حسب جنسیت مورد مطالعه قرار می‌دهیم. متأسفانه مشاهده می‌کنیم تمام اشتغال ایران در دهه اخیر عمدتاً متعلق به مردان است.



لازم به یادآوری است مسئله زنان و حل مشکل عقب ماندگی تاریخی و بازگرداندن حقوق اجتماعی آنان همان قدر که مهم، جدی و تعیین کننده است امری بس ظریف و دقیق بوده و کمترین بی توجهی، ساده انگاری و یا شعار زدگی سیاسی ممکن است به شکلی بحران زا، انحرافی و ویران کننده مبدل می شود از این دیدگاه در تحقیق حاضر تا ش می شود تا عوامل اقتصادی، اجتماعی، فرهنگی که مانع از اشتغال زنان تحصیل کرده می شود مورد بررسی قرار گیرند.

در چارچوب مدل های نظری تحلیل نقش دو رویکرد عمده - یکی با دید مثبت و دیگری با دیدگاه منفی - به مسئله اشتغال زنان پرداخته است که در اینجا به اختصار به فرضیه های عمده هریک از دو دیدگاه اشاره می شود.

در چارچوب رویکرد منفی، گذشته از نظریه پارسونز در مورد تفکیک کارکردی نقش زنان و مردان و تأکید وی بر لزوم عدم اشتغال زنان خانه دار، می توان از فرضیه های تکثیر نقش، تضاد نقش، فشار بار اضافی نقش، فرضیه تقارب، فرضیه کمیابی و فرضیه فشار نقش نام برد. هر یک از این فرضیه ها به نوعی حکایت از این دارند زنانی که به کار در ازای دست مزد می پردازند، بیش تر احتمال دارد به دلایلی چون حجم بیش تر کار، افزایش انتظارات و مسئولیت های بیش تر و استرس ناشی از ایفای چند نقش توأمان، از نظر سلامت در وضعیت نامطلوب تری نسبت به زنانی که صرفاً به نقش های سنتی همسری و مادری می پردازند، قرار می گیرند.

در مقابل، در چارچوب مدل های رویکرد مثبت، به فرضیه های اعتدالی نقش-نظریه ی بسط نقش و فرضیه ی تجمع نقش می توان استناد نمود که طی آن نقش اشتغال که به عنوان نقش جدیدی به نقش های سنتی زنان اضافه شده، به عنوان یک امر مثبت و پر فایده در نظر گرفته می شود که می بایست با کمک به رفع چالش های موجود در رابطه با اشتغال آنان راه را برای آنها هموار کرد.

در اینجا مکانیسم تأثیرگذاری مثبت نقش اشتغال از طریق عزت نفس افزایش یافته، درآمد بیش تر به کسب حمایت اجتماعی گسترده تر- که با اشتغال در ازای درآمد همیشه است - در جهت ارتقای سلامت و رضایت بخشی زنان مورد تأکید قرار می گیرد.

به نظر می رسد برای شناخت چالش های پیش روی اشتغال زنان می بایستی گروه هایی از عوامل درگیر که در چارچوب دسته بندی کلی تری گروه بندی و تشخیص داده می شود، طی مدل نظری راهنمای تحقیق مورد توجه و تجزیه قرار گیرد.

مفهوم اشتغال زنان

اشتغال زنان در خارج از خانه، از پدیده های اجتماعی مورد توجه در جامعه شناسی خانواده است که گرچه ممکن است نوعی پیشرفت برای زنان محسوب گردد، اما از آنجا که با کارکردهای حمایتی و مراقبتی مادران در خانواده سر و کار دارد، بایستی مورد توجه واقع شود.

شرکت معتابه زن در بازار کار پدیده ای است که از اوایل قرن بیستم در جهان پدید آمده است. در آغاز قرن بیستم مسائل متعددی که از قرون وسطی بسط یافته بودند، در ذهن فمینیست غربی جای گرفته بود. یکی از این مسائل تفاوت بین زنان و مردان بود که به نظر آنان نتیجه آموزش متفاوت دو جنس بود. آنها معتقد بودند که آموزش دختران باید به آنان این امکان را بدهد که بتوانند تمامی نقش هایی را که ایفای آن از سوی آنان منع شده است بر عهده بگیرند. (میشل، ۱۳۷۳، ص ۹۹)؛ اما اشتغال زنان و تغییر موقعیت آنان در سه دوره قابل بررسی است:

۱. دوره قبل از صنعتی شدن؛ در این دوره کارها و امور خانگی قابل تمیز از کارهای تولیدی نبود و به همین دلیل مشارکت اقتصادی زنان در کنار مردان وجود داشت. در دوره قبل از صنعتی شدن تقسیم کار کمتری صورت گرفته و شرایط اقتصادی-اجتماعی ساده ای وجود داشت. کلیه اعضای خانواده باهم همکاری داشتند. (شیخی، ۱۳۸۰، ص ۱۱۵) زنان در نتیجه نقش مهمی که در فرایندهای اقتصادی داشتند اغلب دارای نفوذ قابل ملاحظه ای در درون خانواده بودند. کار حسابرسی و اداره کسب و کار به عهده زنان بود. (گیدنز، ۱۳۷۳، ص ۱۸۸)
۲. اوایل عصر صنعت؛ در اثر توسعه صنایع، جدایی کارگاه از خانه صورت پذیرفت و تولید به کارخانه های ماشینی انتقال یافت. کارفرمایان قراردادهای فردی می بستند، نه خانوادگی و به مرور زمان زن و خانواده از تولید بیرون شده و در ارتباط با ارزش های خانگی قرار گرفتند. (همان)

۳. اواخر دوره صنعتی (پس از جنگ جهانی دوم)؛ پس از جنگ جهانی دوم نقطه عطفی در وضعیت زنان و خانواده پدید آمد و اشتغال و حقوق آنان تغییر یافت. در جامعه شناسی از این قبیل تغییرات به ازدواج مشارکتی، ازدواج مبتنی بر همیاری و گاه به ازدواج مبتنی بر روابط متعادل



تعبیر می‌شود. این حرکت در فعالیتهای خانواده نوعی سازمان‌دهی مشترک پدید آورد و اشتراک مساعی در امور خانه را به همراه داشت. به عبارت دیگر تجزیه و جدایی زنان و مردان در قرن نوزدهم جای خود را به روابط متعادل و هماهنگ داد. در این وضعیت گرچه نقش‌های زناشویی یکسان نبودند، اما سهم زوجین نسبت به زندگی خانوادگی و وظایفشان مشابه بود (شیخی، همان).

متغیرهای اشتغال زنان

در مورد اشتغال زنان تفاوت عمده‌ای بین کشورهای در حال توسعه و کشورهای پیشرفته وجود دارد. به عنوان نمونه در ایران نزدیک به نیمی از جمعیت (۴۸/۹ درصد) را زنان تشکیل می‌دهند، اما نقش زنان در فعالیتهای اقتصادی مزدبگیر گسترش نیافته است. متغیرهای اشتغال زنان عبارت‌اند از:

۱. عوامل فردی؛ میزان فعالیت زنان در امور اقتصادی از یک‌سو به سن، وضع تأهل، درجه تحصیلات و از سوی دیگر به امکانات اشتغال بستگی دارد. به همین دلیل در کشورهای در حال توسعه فعالیت زنان با محدودیت روبروست (توسلی، ۱۳۷۵، ص ۲۱۵-۲۱۴).
۲. عوامل خانوادگی؛ ورود زن به بازار کار با تواتری محسوس مواجه است که خروج و جذب مجدد به بازار کار از صفات آن است. آنجا که از نیروی زن استفاده می‌شود توجه به شرایط خاص این نیروی کار ضروری است. در واقع آنچه بر نوسان توزیع ارقام اشتغال زن برحسب سن اثر می‌نهد، خانواده و تعداد فرزندان است (ساروخانی، ۱۳۵۵، ص ۱۶۸).

وضعیت اشتغال زنان در جهان کنونی

در سال‌های قرن بیستم و به دنبال حضور روزافزون زنان در محیط‌های کاری، ترکیب جنسیتی نیروهای شاغل در سازمان‌ها و ادارات و کارخانه‌های اکثر کشورهای دنیا دستخوش تغییرات زیادی شد؛ اما همچنان چالش‌هایی نظیر حقوق کمتر زنان، ایجاد مانع در سر راه ترفیعات شغلی، تبعیض‌های جنسیتی و در نهایت سوءاستفاده‌ها و آزارگری‌های جنسی، زنان شاغل را رنج می‌دهد. نویسنده این مقاله با اشاره به ویژگی‌های خاص زنان و استراتژی‌های صنعتی مبتنی بر سودآوری بیشتر، معتقد است که چنین چالش‌هایی به کاهش بهره‌وری نهایی زنان می‌انجامد.

شرایط حاکم بر زندگانی زنان شاغل در اکثر نقاط دنیا حاکی از آن است که نه تنها از مسئولیتهای دیگر زنان کاسته نشده است بلکه اشتغال آنان بار مضاعفی را بر دوششان افزوده است. شاید در نگاه اول بتوان بخشی از مشکلات مربوط به اشتغال زنان را به نقش مهم زنان در تولید و باروری و زاد و ولد ربط داد که مبنای تقسیم جنسیتی کار به نقش‌های تولیدی و زادآوری شده است و مشارکت کامل زنان را در زندگی جمعی محدود ساخته است. به نظر می‌رسد که نباید مشکل را به این خصیصه‌ی «تغییرناپذیر زیست شناختی» نسبت داد و باید آن را در جای دیگری جست و جو کرد.

واقعیت آن است که تغییرات نقش‌های زنان بیش‌تر و بسیار پرشتاب‌تر از تغییرات نقش‌های مردان بوده است و این که دنیای قدیم بر گسست میان دو عرصه خصوصی و عمومی و در نتیجه دو نقش متفاوت بوده که یکی را بر عهده‌ی زن و دیگری را بر عهده‌ی مرد می‌گذاشت ولی با ورود مدرنیته، این نظم سابق به هم خورد و موجب اختلال در وظیفه زنان شد اما وظیفه مرد همان جوری که بود دست نخورده باقی مانده است. به هر حال آیا زنان می‌توانند دو نقش را با هم به سامان برسانند؟

اصولاً مسئولیتهای خانوادگی زنان شاغل بر میزان غیبت از کار، نوع مشاغلی که زن‌ها برای آن مناسب شناخته می‌شوند و هم چنین توانایی آن‌ها برای پذیرش اشتغال در بخش جدید تأثیر می‌گذارد. به علاوه در تعیین نوع و میزان آموزشی که به دختران داده می‌شود، غالباً نقش مورد انتظار آینده‌ی آن‌ها به عنوان مادر و خانه‌دار بیش‌تر مورد توجه قرار می‌گیرد. برای مادران شاغل دو مشکل اساسی را می‌توان برشمرد. اول - مراقبت از فرزند در ساعاتی که مادر در محل کار حاضر می‌شود و دیگری - «نوبت دوم کار» است که زن‌ها پس از بازگشت از محل کار به خانه باید به آن بپردازند. در پاسخ به اینکه آیا شوهر کمکی می‌کند؟ اطلاعات موجود دلگرم‌کننده نیست. در جهان سوم مردان به ندرت در خانه مسئولیتی را می‌پذیرند. آن‌ها به عکس برای زن خود در خانه کارهای بیش‌تری هم تولید می‌کنند. در واقع مردهایی هم که در خانه کاری انجام می‌دهند. غالباً افراد مجردند. (کار، ۱۳۷۹، ص ۶۹).



با مراجعه به اسناد بین‌المللی مربوط به زنان چنین برمی آید که موضوع اشتغال زنان مورد غفلت واقع نشده است و در این اسناد به نوعی به ارائه توصیه‌ها و راهکارهای مورد نظر پرداخته شده است.

در اعلامیه پکن (مصوب چهارمین کنفرانس جهانی زن، ۱۹۹۵)، حقوق، فرصت‌ها و دسترسی برابر به منابع، تسهیم برابر مسئولیت‌های خانواده میان مردان و زنان و مشارکت هماهنگ آنان در تحقق بهزیستی خود و خانواده‌هایشان و نیز در تحکیم دموکراسی، امری خطیر قلمداد شده‌اند.

در کار پایه عمل پکن (مصوب همان کنفرانس) نیز در بحث از حوزه بحرانی و نگران‌کننده «زنان و اقتصاد». ضمن توضیح این مطلب که «مراقبت از کودکان، بیماران و سالمندان، مسئولیت‌هایی است که به دلیل فقدان برابری و تقسیم نامتوازن کار با مزد و بی‌مزد میان زن و مرد به گونه‌ای نامتناسب بر عهده‌ی زنان قرار دارد» دولت‌ها را موظف به مواردی کرده است از جمله:

- تضمین وجود فرصت‌هایی برای زنان و مردان از طریق قوانین، انگیزه‌ها و یا ترغیب آن‌ها در این راستا که با محفوظ بودن مشاغل خود از مرخصی ویژه والدین استفاده نمایند و مزایای ویژه والدین را دریافت کنند. ارتقای تسهیم برابر مسئولیت‌های خانواده میان زنان و مردان از طریق قوانین، انگیزه‌ها و یا ترغیب مقتضی و نیز تسهیل بیش‌تر شیردهی برای مادران کارگر

- در فصل دوم سند پکن + ۵ (مصوب اجلاس ویژه مجمع عمومی. سال ۲۰۰۰)، به «آگاهی فزاینده‌ای که نسبت به لزوم آشتی دادن اشتغال و مسئولیت‌های خانوادگی در آثار مثبت اقداماتی نظیر دادن مرخصی زایمان به مادران و پدران (مرخصی والدینی) و نیز ارائه خدمات و مزایای مراقبت از فرزند و خانواده پدید آمده است»، به عنوان یک دستاورد در زمینه تعهدات مربوط به اجرای مصوبات قبلی کنفرانس‌های جهانی زن اشاره شده است و در بحث از موانع مربوط به حوزه‌ی بحرانی «زنان و اقتصاد» آمده است که «تا زمانی که مردان مشارکت کافی در انجام وظایف و مسئولیت‌ها نداشته باشند، اختلاط کار بی‌مزد و مسئولیت مراقبت از کودکان در خانواده و جوامع هم‌چنان باعث ایجاد فشار نامتناسب کار بر زنان می‌شود». همچنین اشتغال زنان یکی از اهرم‌های مؤثر در توسعه و مشارکت اجتماعی آن‌ها به شمار می‌رود. یکی از مشکلات اساسی فراروی زنان علیرغم افزایش سطح سواد و تحصیلات، ارتقاء سطح مهارت‌ها و تخصص هاست. علاوه بر روحیه عدم باور برخی زنان نسبت به توانمندی‌ها و شایستگی‌های خود در کنار نابرابری فرصت‌های شغلی موجب عدم دسترسی آنان به پست‌های مدیریتی به ویژه در سطح کلان می‌شود. به طوری که در سرشماری سال ۱۳۷۵ تعداد شاغلان مرد بیش از ۷ برابر شاغلان زن بوده است. با آنکه نیمی از جمعیت کشور را زنان تشکیل می‌دهند، لیکن سهم زنان در کل اشتغال کشور در سال اخیر کمتر از ۱۰٪ بوده است (خداداد حسینی و بهاری فر؛ ۱۳۸۵)

محدودیت‌ها و موانع مشارکت زنان در فعالیت‌ها

برخی از مسائل و مشکلات اشتغال زنان، موانع توسعه‌ای است که به ساختار کشورها مربوط می‌شود و بخشی از آن موانع غیر توسعه‌ای و غیر ساختاری است. از موانع توسعه‌ای؛ موانع اجتماعی، فرهنگی و اقتصادی را می‌توان نام برد و موانع غیر توسعه‌ای نیز به ویژگی‌های شخصیتی و فیزیولوژی زنان باز می‌گردد.

الف- موانع فرهنگی

با وجود اینکه عامل اقتصادی در اشتغال زنان، دارای بیشترین اهمیت می‌باشد ولی مطالعات و بررسی‌های صورت گرفته نشان داده است که ارزش‌ها و باورهای فرهنگی رایج در یک جامعه، تأثیر مستقیمی بر میزان اشتغال زنان داشته است. در مورد ایران، فرهنگ پذیرفته شده در جامعه این باور را به وجود آورده است که در صورت عدم موفقیت شوهر با کار زن حتی در صورت تمایل او به ادامه کار، زن باید از کار خود چشم‌پوشی نماید.

از مهم‌ترین موانع فرهنگی بر سر راه اشتغال زنان در ایران می‌توان به موارد زیر اشاره نمود:

۱. باورهای غلط اجتماعی مبنی بر عدم مشارکت زنان در فعالیت‌ها

۲. عدم آگاهی زنان ایرانی نسبت به حقوق شهروندی خود

۳. عدم آگاهی زنان از زمینه‌های مختلف اجتماعی و اقتصادی موجود برای فعالیت



۴. بالاتر بودن نرخ بی‌سوادی زنان نسبت به مردان

۵. پایین بودن درصد متخصصین و دارندگان مدارج علمی در بانوان نسبت به مردان

ب- موانع اجتماعی

در بررسی موانع مشارکت زنان، جنبه‌های فرهنگی و اجتماعی و اقتصادی آنان را نمی‌توان کاملاً از هم تفکیک کرد و موانع اجتماعی اشتغال زنان از موانع فرهنگی و اقتصادی آنان جدا نیست ولی با این حال مهم‌ترین راه دستیابی به توسعه فرهنگی را آموزش و پرورش زنان می‌دانند که در این زمینه دو نهاد مدرسه و خانواده را مهم‌ترین عامل در آموزش، تربیت و جامعه‌پذیری زنان ارزیابی می‌کنند.

ناکافی بودن آموزش در مورد زنان نسبت به مردان، فرصت رشد و ارتقاء شخصیت وجودی زنان را دچار مشکل می‌نماید و شرایط سختی برای اشتغال آنان ایجاد می‌نماید که باعث می‌شود زنان در زمینه‌های شغلی، یا شرایط مساوی با مردان را نداشته و اگر هم در شرایط مساوی با آنان باشند، کارفرمایان و مدیران با ابهاماتی که برای آنان نسبت به زنان وجود دارد و تصورات و پیش‌داوری‌های منفی نسبت به کار زنان، مردان را بر آنان ترجیح خواهند داد.

ج- موانع اقتصادی

در خصوص موانع اقتصادی مشارکت زنان به چهار عامل مهم آن اشاره می‌کنیم:

۱. کار خانهداری بدون دستمزد: خانهداری که عمده‌ترین کار زنان در جامعه ما است، فعالیت‌های اقتصادی گوناگونی را در برمی‌گیرد، نظیر امرار معاش از طریق کشاورزی در روستاها و تولید کالا و خدمات که این کارها بدون پرداخت دستمزد می‌باشد و هیچ ارزیابی اقتصادی از این فعالیت زنان به عنوان مادر و همسر در کاهش هزینه‌های خانواده و مؤثر بودن آن در اقتصاد غیر پولی انجام نمی‌شود.

در زمینه عدم دریافت مزد در قبال کار خانه از سوی زنان خانهدار، می‌بایست اضافه کرد که کار خانهداری تولید درآمد می‌کند، ولی این درآمد پنهان است و پولی نیست که مستقیم به دست او بدهند، پولی است که به علت زحمات او در جیب خانواده می‌ماند تا برای رفاه همه خرج شود، زیرا اگر زن خانه به هر دلیلی کار خانهداری را انجام ندهد، آن خانواده ناگزیر می‌شود با پرداخت مبلغی از درآمد خانواده، فردی را برای انجام امور به استخدام درآورد و کار یک زن خانهدار از لحاظ مادی همین دستمزدی است که پرداخت نمی‌شود.

لذا کوشش‌های بیشتری لازم است تا کار خانهداری زنان به عنوان عاملی که نقش مستقیم در اقتصاد پولی کشور و درآمد خانوار دارد شناخته شود و اگر هم قابل محاسبه در نظام محاسبات مالی، به جهت کارکرد خاص آن نیست، در یک نظام محاسباتی به موازات نظام محاسبات مالی، می‌تواند اندازه‌گیری و تخمین زده شود. این امر با توجه به اینکه حدود سه چهارم زنان جامعه را خانهداران تشکیل می‌دهند، از جهت زودن باورهای غلط فرهنگی نسبت به کارهای خانگی و منزلت زنان، هم‌چنین از لحاظ ایجاد رشد و امنیت روانی و حقوقی و اقتصادی زنان خانهدار، به خصوص از نقطه نظر تربیت فرزندان، قابل توجه و حائز اهمیت است. (موسوی خامنه، ۱۳۷۱، ص ۱۰۱)

اشتغال زنان و چالش‌های پیش روی

در عصر ما که سازمان ملل برنامه‌های خود را بر اساس دانایی محور تنظیم می‌کند و برنامه چهارم توسعه دولت نیز بر دانایی‌محوری تنظیم شده است، هم‌چنین تأکید یونسکو بر ضرورت فراگیری رایانه و اینترنت و اعلام اینکه در سال ۲۰۰۵ هر کس دانش فناوری ارتباطات و اطلاعات بخصوص رایانه را نداشته باشد، بی‌سواد است باید آموزش و رشد علمی زنان و دختران بیش از پیش مورد تأکید قرار گیرد.

مهم‌ترین چالش انسان‌ها، به‌ویژه زنان عدم شناخت کامل حقوق و مسئولیت‌هایشان است. این موضوع به قدری عمیق و مهم است که علت مشاهده مواردی مثل تزلزل در تصمیم‌گیری و انفعال از سوی خانم‌ها این است که آن‌ها به صورت باور و اعتقاد در خصوص حقوق و تکالیفشان به نتیجه نهایی نرسیده‌اند. سعادت نوع بشر بستگی به نوع جهان‌بینی‌اش دارد نه جهان بینی و تفکر اسلامی هم که تعریف از انسان دارد، نگاهش به انسان بر اساس اراده و مسئولیت است. در مورد زنان هم این اصل صادق است. زنان ما در هجمه یک نوع فرهنگ غربی، دچار آثار و تبعات همان هجوم شده‌اند در نتیجه در مورد تکالیف و مسئولیت‌ها و حقوق خودشان دچار تردید و تزلزل می‌شوند. به بیان



کلی، این مسئله مهم‌ترین چالش در خصوص زنان است. اگر بخواهیم همین را واکاوی کنیم تبیین تکالیف واقعی و اصلی زن که مسیر سعادت او در راه سپاری به هدف خلقت هم مشخص می‌کند، مهم‌ترین چالش برای زنان ماست.

در این راستا آموزش حقوق زنان، برای رسیدن به این تعادل کارساز است و قطعاً کمک می‌کند؛ اما باید در نظر بگیریم که خود همان حقوق هم با این چالش روبرو است. چون آن حقوق ترکیبی است از سنت، اسلام و احتمالاً متأثر از حقوق جوامع پیشرفته صنعتی. نکته مهم این است که چگونه باید به چنین حقوقی رسید که در واقع مورد پذیرش اکثریت جامعه باشد و در عین حال با اسلام هم سنخیت داشته باشد و در جامعه رو به صنعتی شدن کارآمد باشد؛ بنابراین چالش مذکور با همه ابعادش از جمله همین بحث حقوق که رسیدن به یک سیستم حقوقی که این سه بعد را داشته باشد، چالش مهمی است که باید افراد متخصص در حوزه حقوق به این چالش پاسخ بدهند و در نهایت رویکردی که باید نسبت به زنان وجود داشته باشد باید رویکردی اسلامی و سازگار با وضعیت جامعه صنعتی باشد، به این معنی که این رویکرد باید آرمان‌های اسلامی را در برداشته باشد با آن تفسیر که بتواند با نیازهای یک جامعه در حال توسعه سازگار باشد.

نقش اقتصادی زنان در جوامع کنونی قابل انکار نیست در این زمینه نقش زنان در تصمیم‌گیری‌های اقتصادی، در توسعه اقتصادی، در مدیریت و غیره مطرح می‌گردد. بر اساس پیش‌بینی‌های به عمل آمده توسط دفاتر مختلف سازمان ملل حدود ۴۵۰ سال باید بگذرد تا قدرت اقتصادی زنان با مردان برابر گردد. با تمام تلاش‌هایی که تاکنون به عمل آمده است، هنوز هم در بسیاری از جوامع تفاوت‌های زیادی بین زنان و مردان هست. تأکید می‌شود که چنین تفاوت‌هایی در جوامع صنعتی تا حد زیادی کاهش یافته است، ولی در جوامع رو به توسعه به علل مختلف فرهنگی، اجتماعی، جمعیتی، هنوز هم تفاوت‌های قابل توجهی بین زنان و مردان به لحاظ موقعیت اقتصادی آن‌ها وجود دارد. آیا زنان می‌بایست چنین مدتی را انتظار بکشند تا به برابری اقتصادی با مردان دستیابی پیدا کنند و آیا در واقع پس از گذشت این مدت آن‌ها به برابری در تصمیم‌گیری‌های اقتصادی با مردان خواهند رسید؟ مسائلی از این قبیل در برابری حقوقی و اقتصادی زنان و مردان مطرح است. این موضوع در کنفرانس بین‌المللی زنان در سپتامبر ۱۹۹۵ در پکن مطرح بوده است. پاسخ به سؤال فوق عموماً منفی است، یعنی با فرضیات در نظر گرفته شده، آن‌ها نمی‌توانند چنان مدت طولانی را انتظار بکشند تا به برابری اقتصادی دست یابند.

از این رو، به دنبال برنامه‌ریزی‌های اقتصادی، تجدید نظر در برنامه دولت‌ها، زمان فوق را می‌توان به حداقل خود رسانید. به دنبال تجربیات به عمل آمده توسط جوامع مختلف نظیر مالزی، کره جنوبی، اندونزی و... این قبیل کشورها به دنبال پایین آوردن میزان رشد جمعیت خود و نیاز به نیروی انسانی بیشتر تا حد زیادی پیش‌بینی کرده‌اند که در مدت کوتاهی می‌توانند به برابری اقتصادی (بین زن و مرد) دسترسی پیدا کنند. در این قبیل جوامع تا حد زیادی زنان مشارکت‌های اقتصادی خود را به اثبات رسانیده‌اند. آن‌ها در سازمان‌های مختلف، در فعالیت‌های تولیدی و حتی در تصمیم‌گیری‌های اقتصادی نقش مهمی پیدا کرده‌اند.

رفع موانع و محدودیت‌های اشتغال زنان نقش بسیار مؤثری در بهبود اوضاع اقتصادی کشور و افزایش توان اقتصادی آن خواهد داشت. بررسی شاخص‌های توسعه‌ی جنسیتی در ایران نشان می‌دهد که زنان در حوزه‌های زیر با چالش‌های زیادی روبه‌رو هستند که نیازمند برنامه‌ریزی برای رفع آن‌ها و ارتقای جایگاه ایران در گزارش‌های توسعه‌ی انسانی است:

-تعداد زنان در میان بی‌کاران کشور دو برابر سهم آنان در کل اشتغال است.

-زنان فعال در بخش کشاورزی شمارش نمی‌شوند.

-زنان مهارت‌های لازم را برای ورود به بخش صنعت ندارند.

-ارزش افزوده‌ی کار زنان در بخش صنایع دستی به درستی برآورد نمی‌شود.

-زنان در بخش خدمات تنوع شغلی ندارند.

البته عوامل دیگری نیز وجود دارد که باعث می‌شود زنان نتوانند در محیط کاری حضوری چشم‌گیر داشته باشند. بررسی‌های انجام شده نشان می‌دهد که زنان شاغل در محیط کاری چنین مشکلاتی دارند:

-تفاوت در پرداخت دستمزد میان زنان و مردان در شرایط مساوی



- تبعیض کارفرمایان در مورد زنان و مردان در شرایط مساوی کاری.
- نبود خط مشی جدی در مورد احقاق حقوق زنان.
- جبهه‌گیری مردان در برابر زنان موفق و کارشکنی آنان.
- نبود تنوع شغلی برای زنان و محدودیت فرهنگی برای اشتغال زنان.
- گذاشته شدن خلاقیت و نوآوری‌های زنان به حساب کارفرمایان یا رؤسای آنان.
- وجود قوانین ناسازگار یا روحیه‌ی زنان.
- ایجاد موانعی برای ارتقای شغلی زنان.
- پرهیز زنان از زد و بند برای دسترسی به منابع قدرت و منابع مالی.
- کم‌تر بودن سهم زنان از مردان در فعالیت‌های اقتصادی.
- مشارکت محدود و ناچیز زنان در تصمیم‌گیری‌های سیاسی و کلان کشور.
- پیشرفت اندک زنان در پست‌های مدیریتی در چند دهه‌ی گذشته.

با توجه به جایگاه زنان و لزوم برنامه‌ریزی برای توانمندسازی مدیریتی آن‌ها، دولت در برنامه‌ی چهارم توسعه به این مقوله توجه نموده است. بر اساس ماده‌ی ۱۸۰ این برنامه، دولت موظف است با هدف تقویت نقش زنان در جامعه و توسعه‌ی فرصت‌ها و گسترش سطح مشارکت آن‌ها در کشور اقدام‌های را معمول دارد که شرح آن‌ها خود تحقیقی دیگر نیاز دارد. بحث و نتیجه‌گیری

در جوامع کنونی که ضرورت افزایش اشتغال زنان، غیرقابل‌انکار است، دولت با اعمال سیاست‌هایی می‌تواند موجب تشویق کارفرمایان در استخدام نیروی کار زن شود. در این ارتباط سیاست‌گذاری‌ها و برنامه‌ها باید به گونه‌ای تدوین و اجرا شوند که چالش‌های موجود از میان برداشته و اعتبارات قابل توجهی را برای ایجاد فرصت‌های شغلی تازه تخصیص دهند، همچنین این اعتبارات زمانی سودمند خواهند بود که موانع ساختاری ناشی از قوانین و مقررات و هزینه‌های اجرائی آن‌ها به کمترین میزان ممکن کاهش یابد. نتایج نشان می‌دهد که زنان شاغل درحالی‌که نقش‌های متعددی را ایفا می‌کنند در زمینه انجام وظیفه و مسئولیت‌های ناشی از نقش‌های خانگی و شغلی خود تا حد متوسط دچار تعارض هستند و عقیده دارند که مهم‌ترین وظیفه یک زن پیش از اشتغال به کار در خارج از خانه، پرداختن به وظایف خانه‌داری است. تا حد متوسط خواهان تعدیل نقش‌های سنتی خانگی خود هستند بدین معنا معتقدند اولاً وظایف خانه‌داری مسئولیت مشترک و برابر زنان و همسران آن‌هاست ثانیاً همسران زنان شاغل نباید انتظار داشته باشند آنان در امور خانه داری مانند زنان خانه‌دار موفق باشند.

این‌گونه از زنان اعتقاد دارند تقسیم وظایف در امور خانه‌داری بین آنان و همسرانشان منصفانه صورت نمی‌گیرد و خواهان تعدیل نقش و انجام مشترک وظایف خانگی به اتفاق همسرانشان در این زمینه هستند. آن دسته از زنان شاغل با تحصیلات پایین که دارای همسر کم‌سواد یا بی‌سواد نیز هستند و یا سابقه کمی در شغل خود دارند شدیدتر و بغرنج‌تر است.

با توجه به قانون کار و همچنین با دقت در قانون اساسی کشور ایران می‌توان به جرأت گفت که اگر فقط مواردی را که در خود قانون آمده است به نحو احسن پیاده کنیم دیگر تبعیض و چالش چشمگیری نخواهیم داشت مخصوصاً بند ۴ از اصل چهارم و سوم. یکی از راهکارهای فرضی و عملی که در این طرح به آن پرداخته خواهد شد تبیین همین اصول است: اصل بیست و یکم قانون اساسی وظایف دولت را در ارتباط با تأمین اجتماعی زنان و جایگاه آن در سیاست‌های حمایتی به روشنی تعیین کرده است:

دولت موظف است حقوق زنان را در تمام جهات با رعایت و موازین قانونی تضمین نماید و امور زیر را انجام دهد:

- ۱ - ایجاد زمینه‌های مساعد برای رشد شخصیت زن و احیای حقوق مادی و معنوی او.



- ۲- حمایت از مادران بالخصوص در دوران بارداری و حضانت فرزند و حمایت از کودکان بی سرپرست.
- ۳- ایجاد دادگاه صالح برای حفظ کیان و بقای خانواده و حمایت از زنان شاغل.
- ۴- برداشتن هر گونه تبعیض در شرایط کاری مساوی و پذیرفتن اینکه زنان نیز مانند مردان با فرصت کافی جهت رشد داشته باشند.
- ۵- تأمین شرایط و امکانات کار برای همه به منظور رسیدن به اشتغال کامل و قرار دادن وسایل کار در اختیار همه کسانی که قادر به کارند ولی وسایل کار ندارند، در شکل تعاونی و...
- ۶- تنظیم برنامه اقتصادی کشور به صورتی که شکل و محتوا و ساعات کار چنان باشد که هر فرد علاوه بر تلاش شغلی، فرصت و توان کافی برای خودسازی معنوی، سیاسی و اجتماعی و شرکت فعال در رهبری کشور و افزایش مهارت و ابتکار داشته باشد.
- ۶- عملیاتی کردن قوانین حمایتی زنان که غالب آنان اصلاً به مرحله اجرا نمی‌رسد.



منابع

- ۱- توسلی، غلامعباس (۱۳۷۵). جامعه‌شناسی کار و شغل. تهران: انتشارات سمت
- ۲- حق‌شناس، علی‌محمد و دیگران (۱۳۷۹). فرهنگ معاصر هزاره انگلیسی به فارسی. تهران: فرهنگ معاصر
- ۳- خداداد حسینی، سید حمید؛ بهاری فر، علی (۱۳۸۴). نقش آموزش عالی در کارآفرینی و اشتغال زنان. تهران: سازمان انتشارات جهاد دانشگاهی تربیت مدرس.
- ۴- ساروخانی، باقر (۱۳۵۵). اشتغال زن و خانواده. تهران: انتشارات دانشگاه تهران
- ۵- سفیری، خدیجه (۱۳۸۰). موانع و مشکلات اشتغال زنان و تأثیر و پیامدهای آن. مجله کار و جامعه، شماره ۳۹
- ۶- شیخی، محمدتقی (۱۳۸۰). جامعه‌شناسی زنان و خانواده. تهران: شرکت سهامی انتشار
- ۷- طباطبایی، محمدحسین (بی‌تا). تفسیر المیزان. ترجمه محمد باقر موسوی. قم: انتشارات جامعه مدرسین حوزه علمیه قم، دفتر انتشارات اسلامی
- ۸- فصلنامه ریحانه (مرکز امور مشارکت زنان) (۱۳۸۱). سال اول، دوره اول، شماره ۱، ص ۱۵۲
- ۹- گیدنز، آنتونی (۱۳۷۳). جامعه‌شناسی. ترجمه منوچهر صبوری. تهران: نشر نی
- ۱۰- مهرانگیز کار (۱۳۷۹). زنان در بازار کار ایران. تهران: انتشارات روشنگران و مطالعات زنان
- ۱۱- موسوی خامنه، مرضیه (۱۳۷۱). زنان در فرایند توسعه. پایان‌نامه کارشناسی ارشد، دانشگاه تربیت مدرس
- ۱۲- موسوی خمینی، روح‌الله (۱۳۶۱). صحیفه نور. تهران: انتشارات وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی
- ۱۳- میشل، آندره (۱۳۷۳). جنبش اجتماعی زنان. ترجمه هما زنجانی زاده، مشهد: انتشارات گوتنبرگ



خود تجربه گرایی مبنایی برای پرورش خلاقیت در خانواده

افضل السادات حسینی؛ دانشیار و عضو هیئت علمی دانشگاه تهران

afhoseini@ut.ac.ir

چکیده

تحقیقات متعدد نشان داده است که خانواده یکی از عوامل ظهور و رشد خلاقیت در فرزندان است و نقش مادر به واسطه ارتباط و تأثیرگذاری عمیق تر و بیشتر او بر کودکان بسیار کلیدی است.

به این ترتیب سؤال اول مقاله مورد نظر این است که با توجه به اهمیت خلاقیت در هزاره سوم، چگونه والدین می‌توانند فرزندان خلاق پرورش دهند؟ آیا می‌توان به مبنایی برای این موضوع دست یافت؟

از نظر محقق، خود تجربه‌گرایی به عنوان یک رویکرد تربیتی می‌تواند محور قرار گرفته و از آن در توانمندی‌های کودکان بهره‌برداری کرد. اگر مادران در فرایند تربیتی خویش بتوانند رویکرد خود تجربه‌گرایی را مورد توجه قرار دهند، فرصت رشد خلاقیت فرزندان خود را فراهم می‌کنند. فرصت رشد خلاقیت فرزندان خود را فراهم می‌کنند.

سؤال دوم این مقاله این است که چه نسبتی بین خود تجربه‌گرایی و خلاقیت برقرار است؛ زیرا خود تجربه‌گرایی با خلاقیت ارتباط مستقیمی دارد.

در خود تجربه‌گرایی، فرد به استقبال تجارب تازه رفته و از قدرت ریسک‌پذیری و استقلال فکری و عملی برخوردار است. در این رویکرد فرد از خطا و اشتباه نه‌راسیده و به استقبال چالش‌های زندگی می‌رود و همه این‌ها زمینه‌ساز رشد خلاقیت در اوست. مؤلفه‌های اصلی خلاقیت با این رویکرد کاملاً همسو است، بنابراین اگر والدین بتوانند خود تجربه‌گرایی را در کودکان و نوجوانان خود مورد تقویت قرار دهند و از رویکرد مقابل آن یعنی محافظه‌گرایی که مبتنی بر روش‌های مطمئن آزمون شده است، اجتناب کنند عامل پرورش فرزندان خلاق و پر توان خواهند بود.

واژه‌های کلیدی: خود تجربه‌گرایی. خلاقیت. فرزندان. مادر

مقدمه

جهان امروز به سرعت در حال تغییرات است و این سرعت آن‌چنان گسترده و پر شتاب است که شاید پیش‌بینی مسائل آینده به راحتی میسر نباشد. آیا کودکان امروز با چه چالش‌ها و مسائلی در آینده روبرو خواهند بود، چگونه باید با این مسائل روبرو شده و آن را مدیریت کنند آیا می‌توانند همانگونه که ما عمل کرده‌ام آنها با مسائل مواجه شوند. مطمئناً راه حل‌های امروز نمی‌تواند پاسخگوی مسائل غیر منتظره فردا باشد. پس چگونه می‌توانیم فرزندانمان را یاری کنیم تا قادر به مواجهه مناسب با چالش‌های مختلف زندگی باشند. چه چیزی می‌تواند توانمندی‌های آنها را توسعه داده و مهارت‌های مواجهه و مدیریت تغییرات را گسترش دهد.

فیشر (۱۳۸۵) معتقد است آن چه برای بقای آینده مورد نیاز جوامع است یادگیری خلاق نوآوران است تا کودکان بتوانند از طریق پیش‌بینی مسائل تغییر است لازم را دیده و بتواند خود را با آن سازگار کند بدین ترتیب آنها تنها خود را با آینده تطبیق نمی‌دهند بلکه خود آینده را می‌سازند. بنابراین اگر یکی از چالش‌های مهم تعلیم تربیت آماده کردن کودکان برای دنیایی با تغییرات پر شتاب است بنابراین تفکر خلاق و آموزش آن به آن‌ها کاملاً ضروری و مهم است.

توانایی تفکر به ویژه تفکر خلاق مهمترین امکان را برای افراد فراهم می‌آورد تا بتوانند با تغییرات مواجه شده و کنار بیایند، مفاهیم تازه را آموخت و امکان اصلاح و هدایت جهان خود را داشته باشند.

اگر برای لحظه‌ای پیرامون خویش بنگریم در می‌یابیم هر آنچه از مصنوعات یا تکنولوژی که از آن بهره می‌گیریم حاصل خلاقیت بشر بوده است. پس اگر تا کنون خلاقیت به عنوان نیاز همه جوامع مطرح بوده امروز ضروری و نیازی حیاتی است. خوشبختانه خلاقیت موهبتی



الهی در همه انسانها است اما ظهور و رشد آن مستلزم رشد و پرورش خلاقیت خانواده می باشد. نحوه رفتار و نگرش والدین کمیت و کیفیت علایق آنها، نحوه تعامل آنها با فرزندانشان تاثیر زیادی در رشد توانایی فرزندان دارد.

اغلب افراد خلاق و سر آمد از تلاش های والدینشان به عنوان عامل مهم پرورش استعداد خویش یاد کرده اند. تاثیر خانواده بر خلاقیت فرزندان

در تحقیقات متعددی ثابت شده است ظهور خلاقیت با موقعیت خانوادگی ارتباط نزدیکی دارد. اغلب متخصصین معتقدند میزان خلاقیت را می توان با ایجاد محیط مناسب افزایش داد و با توجه به اینکه دوران کودکی حساس ترین مرحله در رشد خلاقیت است خانواده به عنوان بنیادی ترین عنصر در شکل گیری خلاقیت می باشد. نقش مادر در این زمینه بسیار کلیدی و حساس است زیرا ارتباط او و تاثیر گذاری او بر کودک بیشتر و عمیقتر است البته مادران باید وقت کنند در عین حال که با کودک رابطه مثبت عمیق و صمیمانه ای دارند این رابطه نباید منجر به وابستگی زیاد بین آنها شود. رعایت این نکات باعث می شود کودک در آینده فرد خلاق گردد.

۱-احترام زیاد

۲-آزادی عمل برای کشف جهان اطراف

۳-آزادی برای تصمیم گیری

۴-استقلال عمل

۵-عدم نگرانی والدین به خاطر کودک

۶-عدم انضباط شدید

کارل راجرز اظهار می کند برای اینکه انسان خلاقانه عمل کند دو ویژگی امنیت روانی و آزادی روانی بسیار مهم است کودکان وقتی احساس امنیت روانی می کند که:

۱-کودک به عنوان فردی با ارزش غیر مشروط پذیرفته شود و به او اعتماد شود

۲-خود سنجی به جای ارزیابی بیونی جایگزینی شود

۳-با کودک همدلی شده و دنیا را از دیدگاه او ببینیم (فیشر ۱۳۸۵)

روشهای سلطه جویی در والدین منجر به دنباله روی و هماهنگی در کودک می شود که مانع بروز هر گونه ابتکار و خلاقیتی است. کودکان خلاق در خانواده از آزادی بیشتری در رفتار و تصمیم گیری برخوردارند در حالیکه کودکان کمتر خلاق دارای خانواده بسیار منظم، سنتی و بیش از حد تمیز با مراقبت زیاد والدین هستند. مراقبت بیش از حد مادران از فرزندان باعث می شود که کودک فرصت تجربه کردن و آموختن نداشته باشد، در حالیکه خلاقیت و ریسک کردن در ارتباطند و کسی که همواره محتاطانه راه روشن و مشخص را انتخاب می کند نمی تواند به راه و کار تازه های دست یابد.

با توجه به آنچه گفت شد عملکرد خانواده را می توان مبتنی بر دو رویکرد تعریف کرد رویکرد اول: خود تجربه گرایی و رویکرد دوم خود محافظه کاری که در مقابل با رویکرد اول است.

خود تجربه گرایی و نسبت آن با خلاقیت چیست منظور از رویکرد خود تجربه گرایی فرایندی است که فرد به استقبال تجارت جدید می رود و از ریسک کردن و خطر هراسی ندارد. در این رویکرد تلاش می شود راه های تازه و الگوهای جدیدی کشف شود و برای رسیدن به آن از قوای تخیلی و ادراک شهودی بهره برداری جدید شود. طبیعی است که فرد در این فرایند از اشتباه کردن و نتیجه خطا نمی هراسد، چون می داند لازمه پویایی، حرکت و تجارب جدید مواجه شدن با چالش های مختلف و شکست خوردن اما از سر گرفتن دو باره است لذا شکست و اشتباه برای خود تجربه گرایی به منزله یک حوضه یاد گیری و تجربه تازه است. خود تجربه گرا دارای استقلال فکری و عملی است بنابراین حرکت اومبتنی بر تایید یا عدم تایید دیگران نیست پس از شکست هراسی ندارد و می تواند حتی براساس حدس و گمانه ز خود عمل کند. در مقابل این رویکرد ما با رویکرد محافظه کارانه روبرو هستیم که فرد تنها در مسیر مطمئن قدم برمیدارد، تلاش می کند از اشتباه بپرهیزد



و اگر دچار خطا و اشتباهی شد خود را سرزنش می کند. از دیگران تبعیت کرده و مطابق با قوانین مقررات و سنتها و عرف عمل می کند رفتار فرد مبتنی بر تایید طلبی و پذیرش دیگران است.

با نگاهی دقیق می توان دریافت با رویکرد محافظه کارانه نمی توان به ایده تازه دست یافت اما رویکرد تجربه گرایی با مولفه های اصلی خلاقیت در ارتباط و هماهنگ است. مهمترین مولفه های شناختی عاطفی خلاقیت عبارت از: سیالیت^۱ انعطاف پذیری، ابتکار، بسط، کنجکاوی تخیل ریسک پذیری و تحمل ابهام

سیالیت: توان بالای دادن ایده است یعنی ذهن سیال قدرت پردازش اطلاعات بالایی دارد و می تواند پاسخ های متعددی به سوال یا مسئله بدهد. به طور مثال کاربردهای دیگر شی مانند کاغذ باطله هر چه تعداد بیشتر سیالیت بالاتر است یا تعداد جملاتی که می توان با چند حرف مشخص ساخت.

انعطاف پذیری^۱: فکر وقتی بتواند تغییر مسیر داده و به راه حل های متفاوتی برای یک مسئله بیندیشد دارای انعطاف پذیری است به طور مثال آزمون معرف نه نقطه که اگر ذهن انعطاف پذیری نداشته باشد و خطوط را از نقطه های عبور ندهد هر گز با ۴ خط بهم مرتبط نمی شود.

ابتکار^۱: پاسخ غیرمعمول که دیگران به آن نمی اندیشند مبین ابتکار است. عنوان یابی برای داستانها نمونه ای است از پاسخ ابتکاری به یک موضوع. بسط^۱: توجه به جزئیات و گسترش اندیشه از طریق افزودن مواردی ساده به موضوع تا آن را گسترده تر و پیچیده تر کند.

به طور مثال طراحی یک نقاشی با یک خط شکسته مانند این:

خلاقیت همچنین با تخیل کنجکاوی ارتباط نزدیکی دارد تخیل مبنای کنجکاوی و کنجکاوی در باره پیرامون زمینه باز سازی از طریق تخیل است علاوه بر آن بازسازی و تولید نیازمند شهادت روبرو شدن با پیچیدگی و ابهامات برای ایجاد تغییر و دگرگونی است که همه اینها لازمه شکل گیری خلاقیت است؛ و این زمانی محقق می شود که خود تجربه گرایی را مبنای تربیتی قرار گیرد.

راههای پرورش خود تجربه گرایی در خانواده

۱- شناسایی و کاستی از موانع

اولین قدم در این زمینه شناخت موانع و رفع آن تا آنجاییکه مقدور است می باشد. موانع درونی و بیرونی.

موانع درونی مانند عادت، عدم انعتاف پذیری، تفکر منفی اتکا بر مفروضات، عدم اعتماد به نفس، رویگردانی از ابهامات (حسینی ۱۳۹۶) و موانع بیرونی مانند مطابقت با عرف و سنت ها فیشر (۲۰۰۴) معتقد است موانع خلاقیت به شکل عادت ها، احساسات، تجربه ها و بازدارنده ها می باشد که مربوط به یک شخصیت محافظه کار است به صورت درونی نمود می یابد یا به وسیله والدین همسالان، تعیین می شود. گاهی والدین به ویژه مادران به دلیل وابستگی عاطفی زیاد خود به فرزند به واسطه نگرانی های مادرانه مانع شکل گیری خود تجربه گرایی فرزندان می شوند.

۲- جو عاطفی خانواده

جو عاطفی خانواده مبنای رشد خلاقیت

امنیت عاطفی و روانی در خانه که ناشی از روابط مودت امیز افراد خانواده است زمینه ساز رشد اعتماد به نفس در کودکان و در نتیجه امکان ابداع و ابتکار می گردد.

کودکان در یک محیط امن براهتی قدرتریسک داشته می توانند راه های جدید را برای انجام کارها آزمون کرده و کشف کنند.

پژوهش ها نشان می داده است اغلب افراد خلاق و هنرمند و مبتکر از خانواده ای حمایت کننده بر خوردار بودند.



در خانواده حمایت کننده وقتی کودکان کاری را انجام داده و ایده ای را مطرح می کنند مورد توجه و استقبال قرار می گیرد. در چنین خانواده ای کودکان می دانند از عشق غیر مشروط والدین برخوردارند و مهر آنها در هر شرایطی از آنها سلب نمی شود. بنابراین حتی اگر مرتکب اشتباهی هم شوند می توانند بدون نگرانی از سرزنش آن را جبران نمایند. آزادی وجود آزادی عمل برای جستجو و کشف جهان اطراف همچنین آزادی برای تصمیم گیری و عمل از ملزومات برای شکل گیری خود تجربه گرایی است. والدین با دادن استقلال به کودکان و آزادی فکر و عمل آنها موجب کم شدن اتکای آنها به دیگران می گردند و در نتیجه می توانند با فکر و تجربه و عمل خویش قوه ابتکار خود را به کار گیرند. انسان گرایانی مانند راجرز و مزلو معتقدند استقلال درونی عدم وابستگی، مقاومت در برابر کنترل اجتماعی افراطی، برای فعالیت خلاق ضروری است (حسینی ۹۳ ص ۶۹) بنابراین با فراهم آوردن فرصت برای آزادی و استقلال فکر و عمل در کودکان و نوجوانان امکان خود تجربه گرایی را برای او میسر می سازیم. چرا که با آزادی اندیشه می توان فکر را برای خلق و آفرینش ورای شرایط و وضعیت موجود جولان داد و آزادی عمل امکان تحقق نو آفرینی و اجرای ایده ها را به صورت واقعی شکل داد.

۳- تخیل و کنجکاوی

با کمک قدرت تخیل می توان طرحی برای ساختن دنبال بهتر و متفاوت ریخت. با تخیل می توان هم ساخت و هم بازسازی کرد؛ زیرا با تخیل می توان دنیایی را تصور کرد که در جهان بیرونی فعلا موجود نیست اما روزی می تواند واقعیت بییوندد؛ مانند بسیاری از مواردی که امروز از آن بهره برداری می شود و زمانی تنها تصور و تجسم ذهنی فردی مبتکر و خلاق بوده است.

خلاقیت و تخیل دو مفهوم در همه گره خوردن هستند خلاقیت با تخیل شکل می گیرد و حتی فرد بتواند با قدرت تخیل فرد روابط تازه ای در پیرامون خویش کشف کند و آن ادراک را درونی ساخته و به آن معنای تازه ای به غیر از آنچه تا کنون بوده است ببخشد و بتواند آنچه نیست ولی می تواند باشد را تصور کند خلاقیت امکان آفرینش و خلق فراهم شده است.

بنابراین خلاقیت و تخیل در عین حال که یکی نیستند ولی کاملا به هم ارتباط دارند مانند چسب لباس و کفش که کار دکمه را می کند و رات تر است نتیجه مشاهدات و تخیل مبدع آن بود. او هنگامی که مزرعه ای می گذشت خار و خشک به لباسش چسبید و او با استفاده از تخیلش چسب های لباس و کفش را ابداع کرد سالیان طولانی افراد زیادی کاربرد خار و خشک را می دانستند اما او با تخیل و خلاقیتش کار برد گسترده تر و ارتباطش با پوشاک را دید (دافی ۸۱ ص ۴۱) افراد خود تجربه گرا با تقویت قدرت تخیل خویش فرصت جدی برای توسعه خلاقیت خویش فراهم می آورند. لذا والدین با بازی و فعالیت هایی که با خلاقیت و تخیل توام است این توان با ارزش فرزندان را تقویت کنند.

کنجکاوی در کنار تخیل تبدیل به یک سرمایه خلاق در خانواده می شود. به طور طبیعی ذهن کودکان پس از سوال است و نوع مواجه والدین با سوالات دارای اهمیت زیادی در تقویت کنجکاوی است. والدین می توانند محرکاتی ایجاد کنند که برای فرزندان سوال بر انگیز باشد. همچنین گاهی می توانند سوال را با سوال پاسخ گویند تا فرصت بیشتری برای جستجو و تجربه فراهم آورند خود تجربه گرایی نیازمند فرصت برای مشاهده، جستجوی محیط و اشیاء دستکاری آنها و توجه به کنجکاوی و تخیل است.

برای برانگیختن قدرت تخیل می توان از روش های خلاقیت برانگیز مختلفی مانند تکنیک چالا تصور کن "اگر" و یا تهیه طرح های تازه استفاده کرد.

حالا تصور کن: قصه را شروع می کنیم اما طرح قصه چگونه است که کودکان خود را کاملا در آن فضا حس می کنند و سپس از آنها می خواهیم ادامه ماجرا را خود بگویند؛ مثلا بچه ها را به یک باغ پر از گل و شکوفه یا با سفینه به فضا برد.

"اگر": با استفاده از سوال اگر می توان از غیر ممکن های زیادی پرسید مانند اگر گیاهان راه می رفتند؟ اگر به جای پا با دست راه می رفتیم؟ اگر..."

طرح های تازه: از کودکان متوان خواست برای موضوعات مختلف طرح بدهند و یا با وسایل دور ریختنی وسایل مختلف بسازند و اینگونه قدرت ابداع و ابتکار خود را به کار اندازند. (حسینی ۱۳۹۲ ص ۱۰۷-۱۱۵)



افلاطون از نخستین کسانی بود که به نقش بازی با عنوان یک وسیله موثر و مهم آموزشی پرداخت و پس از او اندیشمندان بسیاری به این موضوع پرداختند بازی به سبب خود جوشی می تواند جنبه خلاقیت آمیز داشته و قدرت تخیل کودکان را پرورش دهد زیرا آنها می توانند با بده بستن محیط زندگی خود جهانی تخیلی و پر از ماجرا بیافرینند؛ بنابراین می توان گفت بازی با رشد و پیشرفت بشر در ارتباط است (فیشر ۲۰۰۰ ص ۳۵) با بازی کودکان امکان خود تجربه گرایی و فرضیه سازی در باره جهان پیرامون خویش را تجربه می کنند و با بازی مسائل و پدیده ها تجربه را خویش گسترده تر و عمیق تر می نمایند. تخیل و خلاقیت در بازی عمیقاً ریشه دارد و روحیه بازی کردن همواره در زندگی به عنوان بخش خلاق وجود ما پایدار است. با بازی می توان در انتعاف پذیری ابداعو حل مسئله را توسعه داد. بسیاری از افراد خلاق از جمله هنرمندان برای کشف ترکیبات تازه با مواد و ابزار بازی می کنند. (دافی ۱۳۸۰)

بخش مهمی از بازی های کودکان بازی های تخیلی است و آنها در بازی های تخیلی خود مرتب در حال تجسم سازی بسیاری از چیزهایی که وجود ندارد هستند و برای خود نقش هایی را در نظر می گیرند، آنها پس از مشاهده اشیا، افراد، رفتارها، آنها را بازی های خود باز نمایی و واکاوی و بررسی اشیا پیرامون خود می پردازند همه حواس خود دریابند. لذا بازی فرصت بسیار موثری در راستای خود تجربه گرایی برای کودکان فراهم می آورد که می تواند اشیا، وقایع، مفاهیم را کاوش کرده و دامنه تجارت خویش را گسترش دهد.

بازی ابزار مهم رشد خلاقیت در خانه

یکی از بهترین راه های که والدین می توانند از آن در رشد توانمندی کودکانشان از جمله پرورش خلاقیت از آن بهره بگیرند بازی است. بازی می تواند فرصت بسیار موثر برای ارتباط عاطفی والدین و فرزندانشان باشد، همچنین رشد اخلاقی، اجتماعی، شناختی کودکان را توسعه دهد. لزومی به بازی خاصی نیست، بازی های سنتی مانند خاله بازی که معمولاً کودک نقش مادر یا پدر را برای عروسک ایفا می کند می تواند فرصتی بی نظیر برای ایفای نقش باشد. همچنین بازی های سنتی مانند معلم بازی، دکتر بازی و... همه اثرگذاری بسیاری در آینده این کودکان به جا بگذارد. حضور والدین در بازی ها می تواند بازی را موثر تر و منسجم تر نماید. بازی به عنوان فعالیتی خود جوش می تواند منجر به پرورش تخیل و اعتماد به نفس و به دنبال آنها خلاقیت در کودکان گردد.

بازی های کودکان در خانواده بهترین بستر برای آموزش از طریق تجربه های زندگی در محیطی آشنا و امن است. هر چند بازی برای کودکان هدف است اما در کنار لذت و شادی که بازی به آنها می دهد زمینه ساز چالش با اشیا و افکار فراهم می آید که می تواند منجر به پرورش خلاقیت در آنها بشود؛ زیرا در بازی انعطاف پذیری، مهارت حل مسئله و ابتکار تقویت می شود و کودکان دست به آفرینش و باز آفرینی می زنند.

برخی از بازی های خلاقانه که می توان توسط والدین برای تقویت خود تجربه گرایی کودکان طراحی شود عبارتند از:

۴/۱- آزمایشگاه اسباب بازی

این یک روش بسیار خلاق و موثر برای جلب توجه کودک به پیرامون خود و بهره گیری از توان تخیل اوست به طور مثال می توان گفت: اطراف ما پر از اسباب بازی است. به اطراف خود دقت کن و بازی ها و اسباب بازی ها پنهان شده را پیدا کن قوطی کبریت، چوب بستنی، دکمه، طناب، در بطری، جعبه دستمال کاغذی و... چه طور می شود با آنها بازی کرد؟

بازی اخراعت چیست؟ (حسینی ۱۳۹۰ ص ۲۱)

۴/۲- جشن با جعبه بزرگ

یک جعبه مقوایی بزرگ که مربوط به خرید وسایل خانه است را دور ریختنی نیست می تواند یک سفینه فضایی باشد یا یک خانه یا یک سن نمایش خیمه شب بازی. انواع بازی ها را می توان با یک جعبه طراحی کرد و قدرت تخیل کودکان را توسعه داد.

۴/۳- شهر خیالی

با استفاده از مجسمه های کوچک، ماکت ساختمان و وسایل دیگر که می تواند کودک خود آنها را ساخته باشد یک شهر خیالی ساخت و ماجراهای زیادی را رقم زد



۴/۴- بازی ترکیبی

پیشنهاد بازی جدید با ترکیب اسباب بازی ها به صورت غیر متداول به طور مثال در بازی های که معمولاً تز توپ یا طناب استفاده نمی شود آنها را به کار بگیریم

۵- هنر

هنرهای نمایشی، تجسمی و سایر رشته های هنری بهترین فرصت را برای کودکان و نوجوانان فراهم می آورد که خود تجربه گرایی را تجربه کنند. یونانیان اعتقاد داشتند تنها عاملی که می توانست سبب سازش درونی و اجتماعی انسان شود هنر است. فیثاغورت از موسیقی از موسیقی به عنوان بهترین ابزار آموزشی و کامل ترین هنر نام برده است. هماهنگی و هارمونی موجد در موسیقی سبب پالایش روحی انسان می شود. افلاطون حساسیت هنری را زیر بنای تعدل روانی می داند (مندکا ۱۹۹۶)

کودکان و نوجوانان از طریق آشنایی با هنر تجارت خود را وسعت داده و با بهره گیری از خود تجربه گرایی به حل خلاق مسئله می پردازد به طور مثال کودکان می توانند از طریق نقاشی در رنگ و نور و با موسیقی در صدا به کاوش بپردازند. برخی از فعالیتهای هنری که می تواند برای تقویت خود تجربه گرایی و خلاقیت از آن استفاده نمود عبارتند از:

لکه ها می تواند لکه جوهر یا هر لکه ای باشد

۵/۲- نقاشی آرزوها و فکر ها و خواب ها

۵/۳- تلفیق موسیقی و نقاشی

کودکان پس از شنیدن قطعه ای موسیقی و حس کردن آن به نقاشی آن بپردازند.

۵/۴- یک جور دیگر دیدن و عمل کردن

طراحی وسایل به شیوه متفاوت و کاردستی از دورریختن ها

۵/۵- نمایش خلاق

با استفاده از ماسک، عروسک ها و سایر وسایل نمایش خلاق بیافرینند.

نتیجه گیری

با توجه به آنچه گفته شد دیدیم خود تجربه گرایی با خلاقیت کاملاً مرتبط است لذا اگر خانواده بخواهد کودک برای زندگی پر چالش پیش رو آماده کند راهی جز خلاقیت وجود ندارد و خود تجربه گرایی از محورهای اصلی رشد خلاقیت در کودکان و نوجوانان می باشد زیرا فرد خود تجربه گرا می تواند:

- مفاهیم تازه را بیاموزد.

- از اطلاعات به شیوه جدید استفاده کند.

- با تغییرات خود را تطبیق دهد.

- انعطاف پذیری و قدرت ابتکار داشته باشد.

- از قدرت تخیل خویش به خوبی بهره برداری کند.

- با مسائل پیش بینی نشده به خوبی مواجه شود.

- ابداع و خلق نماید.

و کودکان به طور ذاتی مایل به خود تجربه گرایی و کشف پیرامون خود هستند، لذا اگر والدین مانعی برای این امکان بی نظیر ایجاد نکنند آنها می توانند این توان را به خوبی به کار گیرند و با کنجکاوی جهان را کشف و راه هایی را برای حل مسائل آن ابداع کنند. خانواده می تواند با بهره گیری از راه های موثر و لذتبخش این توان را توسعه بخشد.



منابع

۱. دافی، برنادت (۱۳۸۰). تشویق خلاقیت و تخیل در کودکان، ترجمه مهشید یاسایی، تهران: ققنوس.
۲. حسینی، افضل السادات (۱۳۹۲). ماهیت خلاقیت و یادگیری. تهران: مدرسه.
۳. حسینی، افضل السادات (۱۳۹۶). یادگیری خلاق، کلاس خلاق. چاپ هشتم، تهران: مدرسه.
۴. فیشر، رابرت (۱۳۸۵). آموزش و تفکر، ترجمه فروغ کیانزاده، اهواز: رسش.
۵. Mendecka, G (۱۱۹۶). Development of creativity through performing arts. High ability students, Vol ۲, No ۲.
۶. Fisher, R. (۲۰۰۴). What is creativity? In R. Fisher and M. Williams (Eds). Unlocking Creativity: Teaching across the Curriculum. London: David Fulton.



اثربخشی برنامه والدگری ذهن آگاهانه بر استرس والدگری و خودکارآمدی والدینی در مادران نوجوانان با تعارض بالا

مریم محمدی، کارشناس ارشد دانشگاه شهید بهشتی

marryam_mohammady@yahoo.com

کارینه طهماسیان، دکتری دانشگاه علوم بهزیستی و توانبخشی

ktahmassian@yahoo.com

سعید قنبری، استادیار دانشگاه شهید بهشتی

ghanbari_sbu@yahoo.com

جلیل فتح آبادی، دانشیار دانشگاه شهید بهشتی

j_fathabadi@sbu.ac.ir

چکیده

این پژوهش با هدف بررسی اثربخشی والدگری ذهن آگاهانه بر کاهش استرس والدگری و افزایش خودکارآمدی والدینی در مادران نوجوانان پرتعارض انجام شد. با استفاده از پرسشنامه‌ی تعارض رفتار-فرم نوجوان (رابین و فاستر، ۱۹۸۹)، ۴۸۳ دانش‌آموز از سه مدرسه‌ی داوطلب مورد سنجش قرار گرفتند و ۱۵۷ نوجوان که نمره‌ی تعارض آنها در رابطه با مادر یک انحراف معیار بالای میانگین (۵۰ به بالا) بود، مشخص شدند. پس از اعمال معیارهای ورود و خروج، ۳۲ مادر به عنوان نمونه‌ی پژوهش انتخاب و به شیوه‌ی تصادفی در دو گروه ۱۶ نفره جایگزین شدند. در گروه آزمایش ۱۶ مادر مداخله‌ی والدگری ذهن آگاهانه را بر اساس بسته‌ی بوگلس و رستیفو (۲۰۱۴) دریافت کردند. در گروه کنترل ۱۶ مادر حضور داشتند که مداخله‌ای دریافت نکردند. آزمودنی‌ها در سه مرحله توسط پرسشنامه‌ی استرس والدگری (آبیدین، ۱۹۹۵) و خودکارآمدی والدینی (دومکا، ۱۹۹۶) ارزیابی شدند. بررسی داده‌ها با روش تحلیل واریانس با اندازه‌گیری مکرر نشان داد که در گروه آزمایش، استرس والدگری به شکل معناداری کاهش و خودکارآمدی والدینی افزایش یافته است. نتایج پژوهش حاکی از این است که رویکرد والدگری ذهن آگاهانه بر متغیرهای مرتبط با فرزندپروری مادران تاثیرگذار است. یافته‌های این پژوهش برای متخصصان بالینی و خانواده‌درمانگران به جهت رسیدگی به مشکلات خانواده در دوران نوجوانی موثر خواهد بود.

واژگان کلیدی: استرس والدگری، تعارض، خودکارآمدی والدینی، نوجوان، والدگری ذهن آگاهانه.

مقدمه

نوجوانی با سیلی از رویدادهای زیستی یعنی تغییرات جسمانی و هورمونی آغاز می‌گردد و با دگرگونی‌های عمده‌ای در ساختار و عملکرد مغز همراه است (تان و مارتین، ۲۰۱۵؛ برادریک و جنینگز، ۲۰۱۲) که تحولات عقلی و پیشرفتهای شناختی، تغییرات روانی-هیجانی و دگرگونی‌های اخلاقی-اجتماعی را در پی دارد (منصور، ۱۳۹۵؛ اسعدی، امیری و مولوی، ۱۳۹۵). بررسی خانواده در چرخه‌های زندگی خانوادگی نشان می‌دهد که با رسیدن فرزندان به نوجوانی و بلوغ، نظام خانواده و خرده‌نظام‌های آن با چالش‌ها و مسائل جدیدی روبه‌رو می‌شوند و فرزندپروری دشوارتر و چالش‌برانگیزتر از دوره‌های تحولی قبلی می‌شود (نولر و کالان، ۲۰۱۵). تغییر و تحولات نوجوانی، والدین، فرزندان و سیستم فرزندپروری را با دگرگونی‌های عمده‌ای مواجه می‌سازد. از جمله می‌توان به افزایش پرخاشگری و تعارضات بین‌فردی در خانواده اشاره کرد (وزیری و لطفی عظیمی، ۱۳۹۰). در واقع مجموعه‌ی تغییرات شناختی-هیجانی-رفتاری نوجوانی، الگوهای تعاملی ناسازگارانه را میان والدین و نوجوانان ترویج می‌دهند. این امر به‌خصوص زمانی که طرفین تعامل با آسیب‌شناسی روانی یا مشکلات خاص از جمله کمبود بازداری‌های رفتاری، بدتنظیمی‌های هیجانی، تحریف‌های شناختی و استرس‌ورهای زندگی شخصی روبه‌رو باشند، شدت می‌گیرد (شکتر، ۲۰۱۳؛ وولرایچ، ویلزن، برون، اوانز، گوئلیب، تایت و ویلنز، ۲۰۰۵).

سطوح بالا و شدید تعارضات والد-نوجوان و گرایشات نوظهور فرزندان - میل به خطرپذیری، افکار همه‌توانی، نارزنده‌سازی والدین- بر سلامت و بهزیستی روانی و تحولی نوجوان و وضعیت روانشناختی والدین تاثیرگذار است (سورخابی، ۲۰۱۰؛ مختارنیا، زاده‌محمدی و حبیبی، ۱۳۹۵). از جمله می‌توان به افزایش میزان کلی استرس والدگری و کاهش خودکارآمدی والدینی در این دوره اشاره کرد (شکتر، ۲۰۱۳؛ فتح‌آبادی، ۱۳۹۰).



استرس والدگری مشخص کننده‌ی ادراک تنیدگی در نظام والد-فرزند است که تحت تاثیر عملکرد و کنش‌وری والد، فرزند و کارکرد تعاملی آنها قرار دارد (لیونتی، پاستور و بارون، ۲۰۱۵؛ ایستین، ۲۰۱۰؛ آبیدين، ۱۹۹۵). در واقع زمانی که والدین در بستر فرزندپروری با تقاضاها و درخواستهایی روبه‌رو شوند که فراتر از منابع و توانمندیهای جسمانی، روانشناختی و هیجانی آنها برای پاسخگویی به نیازهای خود و فرزندانشان باشد، استرس والدگری تجربه می‌شود (استبرگ، هجکول و هاگلین، ۲۰۰۷، دیاتر- دکارد، ۲۰۰۴). آبیدين استرس والدگری را حاصل اثر تعاملی خصوصیات والدین (سلامت روانشناختی، احساس خودکارآمدی، ویژگی‌های شخصیتی، آسیب‌شناسی روانی) و ویژگی‌های فرزندان (قدرت انطباق‌پذیری، خلق و خو، تقاضامندی) می‌داند و معتقد است که مشکلات رفتاری فرزندان و تعاملات ناکارآمد والد-فرزند از منابع گسترده‌ی ایجاد استرس در والدین و مختل کننده‌ی کارکرد خانواده هستند (بیانديک، ۲۰۱۱؛ آبیدين، ۱۹۹۵؛ ۱۹۹۰). استرس والدگری بر واکنش‌های فیزیولوژیکی والدین، تجارب هیجانی و الگوهای رفتاری آشکار آنها تاثیرگذار است (رایس، ۱۹۹۹). سطوح بالا و آسیب‌زننده‌ی استرس انطباق و سازگاری والدین را به هم می‌زند، به بدعملکردی آنان در حیطه‌های گوناگون فردی و بین‌فردی می‌انجامد و خودکارآمدی آنها را در امور مرتبط با فرزندپروری کاهش می‌دهد (طهرانچی، ۱۳۹۴). بنابراین استرس می‌تواند به فرزندپروری ناکارآمد و فروپاشی مهارتهای والدگری آموخته‌شده منجر شود و تبیینی برای رفتارهای نامناسب والدین در تعارض با فرزندانشان باشد (آبیدين، ۱۹۸۳).

همچنین مدیریت رفتاری نوجوان و ماهیت فرزندپروری در این دوره متفاوت با دوران تحولی قبلی فرزندان است. در صورتی که والدین تحت تاثیر تعارضات گسترده و استرس والدگری قرار داشته باشند و مهارتهای جدید فرزندپروری را فراموش کرده باشند، توانایی آنها برای مدیریت رفتاری و هیجانی فرزندان کاهش می‌یابد. بنابراین از دیگر پیامدهای این چرخه‌ی معیوب کاهش میزان خودکارآمدی والدینی است که به احساس و باور والد از توانایی خود در پاسخ‌گویی به نیازهای فرزندان، مدیریت مسائل و چالش‌های فرزندپروری و انجام نقش‌های روزمره‌ی والدینی اشاره دارد (یونگ، گالوان و ریدی، پسکاسولیدو، کیم، سیمور و دیکستین، ۲۰۱۳؛ ماتینگنی و لاکاریت، ۲۰۰۵). خودکارآمدی والدینی بر نحوه‌ی تعامل والد با فرزند، شیوه‌ی انضباطی والد و میزان حساسیت و پاسخ‌گویی او در مقابل فرزند تاثیرگذار است (کوترونزو، ۲۰۰۶). خودکارآمدی پایین به اختلال در کنش‌وری و عملکرد مناسب والدین، افزایش کناره‌گیری از تعاملات اجتماعی سازنده با نوجوان، اجتناب از تلاش برای حل مشکلات ارتباطی و حل مسئله‌ی ناکارآمدی می‌انجامد. در نتیجه کاهش مهارتهای مثبت فرزندپروری و کیفیت رابطه والد-نوجوان را در پی دارد (گوپتا و کوار، ۲۰۱۰؛ انجمن روانشناسی آمریکا، ۲۰۰۸؛ کرنیک، گیز و هافمن، ۲۰۰۵).

در نهایت می‌توان چنین نتیجه گرفت که تعارض والد-نوجوان، استرس والدگری و خودکارآمدی والدینی ارتباطی متقابل^۱ و چندگانه دارند (ایستین، ۲۰۱۰؛ ماساریک و کانگر، ۲۰۱۷؛ لکوالیر، لیان و ویلتز، ۲۰۰۶؛ اندرسون، ۲۰۰۸) بنابراین سطوح بالای تضادورزی و تعارض در نوجوانان، میزان استرس والدین را در بستر فرزندپروری افزایش می‌دهد (بیبر، وارد و موآر، ۲۰۱۳) و از آنجایی که سطوح بالای ادراک استرس در والدین منابع و توانمندی آنها را برای پاسخگویی سازنده به نیازهای نوظهور نوجوانی محدود می‌کند، خودکارآمدی والدینی کاهش می‌یابد (ون‌دراوورد، بوگلس و پیچنبرگ، ۲۰۱۲؛ دیاتر-دکارد، اسمیت، الوی و پتریل، ۲۰۰۵؛ کوترونزو، ۲۰۰۶). با توجه به اهمیت تامین سلامت روان والدین و نوجوانان و حفظ کارکرد بهینه‌ی نظام خانواده، رسیدگی به متغیرهای مهم و تاثیرگذار در فرزندپروری والدین در این دوره‌ی حساس تحولی ضروری به نظر می‌رسد. به‌همین دلیل تاکنون برنامه‌های آموزشی و مداخلات درمانی متعددی به هدف آموزش والدین و توانمندسازی آنها در دوره‌ی نوجوانی فرزندانشان طراحی و اجرا شده‌اند (پلهام و فابینو، ۲۰۰۸). بررسی پیشینه‌ی پژوهش، نشان می‌دهد که بیشتر مطالعات انجام‌شده در این زمینه مبتنی بر رویکردهای رفتاری، شناختی-رفتاری و آموزش مهارتها بوده‌اند (ایبرگ، نلسون و بوگز، ۲۰۰۸). پژوهش‌های بارکلی، آناستوپولوس، گاورمونت و فلتچر (۱۹۹۲) و بارکلی، ادواردز، لانری، فلتچر و متویا (۲۰۰۱) نشان می‌دهند که مداخلات درمانی و آموزشی مبتنی بر رویکردهای فوق‌الذکر سودمند واقع می‌شوند، ولی در بلندمدت اثربخشی خود را حفظ نمی‌کنند. زیرا یا افراد تکنیک‌های فراگرفته شده را به درستی به کار نمی‌برند و یا در موقعیتهای تعاملی دشوار و هیجانی شدید به الگوهای رفتاری معیوب و ناکارآمد خود باز می‌گردند.

همچنین در این مداخلات بیشتر به آموزش تکنیک‌های صحیح رفتاری تکیه شده و وضعیت آسیب‌شناسی روانی افراد و تاثیرات سایر استرسورهای زندگی مورد غفلت قرار می‌گیرد (لیو، ۲۰۱۲). بررسی‌های ون‌دراوورد و همکاران (۲۰۱۲) نیز نشان داد که اثربخشی برنامه‌های



شناختی-رفتاری در رسیدگی به مشکلات شخصی و ارتباطی والدین با نوجوانان کوتاه‌مدت است. بنابراین ضرورت به کارگیری مداخلات جدید برای پر کردن خلاء مداخلات رایج پیشین در رسیدگی به مسائل و مشکلات والدین و نوجوانان مطرح است. از طرفی مطالعات اندکی اثربخشی مداخلات جدیدی همچون رویکردهای مبتنی بر پذیرش^۱ و ذهن‌آگاهی^۱ را در این زمینه گزارش کرده‌اند؛ لذا جهت تأیید اثربخشی رویکردهای نوین موج سوم در حیطه‌ی فرزندپروری به پژوهش‌های بالینی بیشتری در این خصوص نیازمندیم (شکتر، ۲۰۱۳؛ بورک، ۲۰۱۰). در رویکرد ذهن‌آگاهی به‌جای تلاش برای تغییر دادن یا کنترل کردن محتوای افکار، هیجانات و حواس بدنی، برای شناختن و برقراری ارتباط مجدد با این سازه‌ها تلاش می‌شود (سگال، تیزدل و ویلیامز، ۲۰۰۴). ذهن‌آگاهی به معنای "هشیاری و آگاهی همراه با توجه هدفمند^۱ به هر آنچه در لحظه در حال وقوع است، بودن در اینجا و اکنون^۱، اتخاذ دیدگاهی پذیرا، کنجکاوانه، بدون قضاوت^۱ و عدم واکنش‌گری به تجارب درونی و بیرونی است" (کابات‌زین، ۲۰۰۳؛ ۲۰۰۵). تأیید اثربخشی مداخلات ذهن‌آگاهی در حیطه‌های فردی، محققان را به بررسی تأثیرات مداخلات ذهن‌آگاهی در روابط بین‌فردی علاقه‌مند کرد (پرنت، مک‌کی، آنتون، گونزالز، جونز و فورهند، ۲۰۱۶). این مسئله به پیدایش رویکردهای جدید مبتنی بر ذهن‌آگاهی که بر سازه‌های بین‌فردی و ارتباطی متمرکز هستند، انجامید. ازین جمله می‌توان به رویکرد "والدگری ذهن‌آگاهانه"^۱ اشاره کرد. "وجود آگاهی هشیارانه به تعاملات والد-فرزندی، کسب دیدگاهی باز و غیرقضاوتی همراه با توجه کامل به لحظه‌ی کنونی تعامل، تلاش برای کسب پذیرش، شفقت و مهربانی نسبت به افکار، هیجانات و رفتارهای خود به عنوان والد، همراه با بازشناسی افکار، هیجانات و نیازهای فرزندان" تعریف جامع کوتسوورث، دونکان، گرینبرگ و نیکس (۲۰۱۰) از مفهوم والدگری ذهن‌آگاهانه است. والدگری ذهن‌آگاهانه تلاش می‌کند تا از طریق تقویت توجه والدین، افزایش آگاهی و هشیاری آنها از استرس‌های مربوط به فرزندپروری، کاهش واکنش‌گری والدین در موقعیتهای تعاملی و کاهش انتقال بین‌نسلی الگوهای فرزندپروری ناکارآمد^۱ به بهزیستی روانشناختی و ارتقای رابطه‌ی والد-فرزندی کمک کند (بوگلس، هوگستاد، ون‌دان، دی‌اسچوتر و رستیفو، ۲۰۰۸؛ بوگلس، لهتونن و رستیفو، ۲۰۱۰). چارچوب و هدف اصلی والدگری ذهن‌آگاهانه این است که والدین با دیدگاهی مبتنی بر شفقت، مهربانی، پذیرش و درک همدلانه به تعامل با خود و فرزندان‌شان بپردازند و به پویایی‌ها و نحوه‌ی عملکرد خود و طرف مقابل در تعاملات روزانه آگاه و هشیار باشند (بوگلس و رستیفو، ۲۰۱۴؛ کابات‌زین، ۲۰۰۳). تمرینات این رویکرد تلاشی برای ایجاد یک توازن و تعادل میان توجه به خود^۱ و توجه به فرزند در بستر والدگری است (بوگلس، هلمنز، ون‌درسن، رومر و ون‌درملن، ۲۰۱۴) پژوهش‌ها نیز نشان می‌دهند که با افزایش ذهن‌آگاهی در والدین، استرس والدگری و واکنش‌پذیری هیجانی در آنان کاهش می‌یابد (فردیموتر، ۲۰۱۵)؛ کیفیت زندگی والدین، سلامت روانی آنها و سازگاری و بهزیستی روانشناختی و رفتاری فرزندان افزایش می‌یابد (دی‌بروین، زیجلسترا و بوگلس، ۲۰۱۲؛ کوهن و سمپل، ۲۰۱۰؛ تاک، ون‌زوندرت، کلینجان و اینگلز، ۲۰۱۵).

بیشتر پژوهش‌های انجام شده‌ی اخیر در زمینه‌ی ذهن‌آگاهی، برای نوجوانان و والدین دارای علائم تشخیصی بالینی درونی‌سازی و برونی‌سازی چون افسردگی، بیش‌فعالی-نقص‌توجه، اختلال سلوک و ... بوده‌اند (تان، ۲۰۱۶؛ هایدیکی، شکتر، وینر و دوچارم، ۲۰۱۵؛ سینق، سینق، لانکونی، سینق، وینتون و آدکینز، ۲۰۱۰). بنابراین در بررسی پیشینه‌ی پژوهشی همواره با کمبود مداخلات تأییدشده‌ی علمی برای جمعیت‌های عادی و غیربالینی روبه‌رو هستیم (بورک، ۲۰۱۰)؛ این در حالی است که در سالهای اخیر متخصصان کودک و نوجوان بر اقدامات پیشگیرانه و مداخلات توانمندسازی والدین متمرکز بوده‌اند (مش و بارکلی، ۲۰۰۶) به‌همین دلیل اعضای نمونه پژوهش حاضر از میان نوجوانان و مادران بدون تشخیص بالینی ولی در تعارضات بین‌فردی بالا انتخاب شده‌اند. همچنین خلا بررسی اثربخشی این دست از مداخلات در والدین ایرانی و اهمیت همسویی مداخلات بالینی با خصوصیات فرهنگی و پویایی‌های خانواده‌ی ایرانی از دیگر دلایل انتخاب رویکرد ذهن‌آگاهی بود.

بنابراین پژوهش حاضر به صدد آن بود که اثربخشی مداخله‌ی والدگری ذهن‌آگاهانه را بر استرس والدگری و خودکارآمدی والدینی مادران دارای نوجوانان پرتعارض بررسی کند. همچنین باتوجه به‌اینکه در دوره‌ی اول نوجوانی استرس والدگری شدیدتر و خودکارآمدی والدینی پایین‌تر است (اسمال، ایستمن و کورنلیوس، ۱۹۹۸؛ فتح‌آبادی، ۱۳۹۰)، برای انجام این پژوهش مادرانی که دختران نوجوان ۱۱ تا ۱۳ سال داشتند، انتخاب شدند.



این مطالعه از نوع پژوهش‌های کاربردی است. طرح پژوهش، نیمه‌آزمایشی با پیش‌آزمون، پس‌آزمون و پیگیری همراه با یک گروه آزمایش و یک گروه کنترل است. مادران هر دو گروه در سه مرحله، قبل از اجرای مداخله، بعد از اجرای مداخله و سپس در مرحله‌ی پیگیری -۸۰ روز بعد از اتمام مداخله - با استفاده از پرسشنامه‌های مشخص شده و متناسب با اهداف پژوهش مورد سنجش قرار گرفتند. جامعه‌ی هدف در این پژوهش مادران کلیه‌ی دانش‌آموزان دختر ۱۱ تا ۱۳ سال بودند، که در سال تحصیلی ۹۵-۱۳۹۴ در دوره‌ی اول متوسطه - پایه‌های تحصیلی هفتم و هشتم - در مدارس غیردولتی شهر یزد (نواحی یک و دو) مشغول به تحصیل بودند. روش نمونه‌گیری در این پژوهش با در نظر گرفتن ملاک‌های تحقیق، هدفمند و از نوع در دسترس بود. نمونه‌گیری در این پژوهش در دو مرحله انجام شد. در سطح اول نمونه‌گیری، بعد از دریافت معرفی‌نامه و کسب مجوزهای لازم از آموزش و پرورش سه مدرسه‌ی غیردولتی که حاضر به همکاری با پژوهشگر بودند، انتخاب شدند. دانش‌آموزان پایه‌های هفتم، هشتم و نهم این سه مدرسه پرسشنامه‌ی تعارض رفتار - فرم نوجوان (رابین و فاستر، ۱۹۸۹) و پرسشنامه‌ی اطلاعات دموگرافیک را پر کردند. در این پرسشنامه نمره‌ی ۵۰ به بالا به‌عنوان نمره‌ی تعارضات بالا در نظر گرفته شد (اسدی-یونسی، مظاهری، طهماسیان و فیاض‌بخش، ۱۳۹۰). از میان ۴۸۳ پرسشنامه‌ی تکمیل شده، ۱۵۷ نفر از دانش‌آموزان به‌عنوان نوجوانانی که روابط پرتعارض با مادرانشان داشتند، انتخاب شدند. در سطح دوم نمونه‌گیری با مادران دانش‌آموزان انتخاب شده در مرحله‌ی قبلی تماس گرفته شد و در نهایت ۳۲ مادر - که با توجه به اطلاعات پرسشنامه‌ی دموگرافیک ملاک‌های ورود به پژوهش را دارا بودند - انتخاب شدند و به‌شکل تصادفی به دو گروه آزمایش و کنترل اختصاص یافتند. به این صورت که ۱۶ مادر در گروه آزمایش قرار گرفتند. برنامه‌ی والدگری ذهن‌آگاهانه برای آنها اجرا شد و ۱۶ مادر در گروه کنترل قرار داشتند که هیچ مداخله‌ای دریافت نکردند. در پایان پژوهش با احتساب افت آزمودنی‌ها، ۱۲ مادر متعلق به گروه آزمایشی و ۱۴ مادر متعلق به گروه کنترل تا انتهای پژوهش به همکاری خود ادامه دادند و داده‌های آنها وارد تحلیل آماری شدند. برنامه‌ی والدگری ذهن‌آگاهانه متغیر مستقل و استرس والدگری و خودکارآمدی والدینی متغیرهای وابسته‌ی پژوهش بودند. ملاک‌های ورود جهت انتخاب مادران عبارت بودند از: (۱) وجود روابط پرتعارض با فرزند نوجوان خود (این ملاک از طریق کسب نمره‌ی تعارض ۵۰ به بالا در پرسشنامه‌ی تعارض رفتار - فرم نوجوان مشخص شد)، (۲) داشتن دختر نوجوان در دامنه‌ی سنی ۱۱ تا ۱۳ سال، (۳) تحصیلات دیپلم به بالا، (۴) امضای رضایت‌نامه‌ی کتبی توسط مادر برای همکاری در پژوهش. ملاک‌های خروج مادران از پژوهش عبارت بودند از: (۱) غیبت بیش از سه جلسه از گروه، (۲) دریافت تشخیص روانپزشکی در طی یک سال گذشته، (۳) استفاده یا بهره‌گیری از خدمات روانشناختی همزمان، (۴) تک‌والد بودن (طلاق، فوت همسر و یا هر دلیل دیگری).

دامنه‌ی سنی مادران شرکت‌کننده در پژوهش ۳۲ تا ۵۶ سال با میانگین سنی ۳۹/۴۸۸ و انحراف معیار ۶/۳۳۷ بود. ۱۱ مادر خانه‌دار و ۱۶ مادر شاغل بودند. ۲ مادر دیپلم، ۴ مادر فوق‌دیپلم، ۱۲ مادر لیسانس و ۸ مادر فوق لیسانس بودند. ابتدا اثربخشی مداخله بر کاهش استرس والدگری و سپس بر افزایش خودکارآمدی والدینی بررسی شده است.

ابزارهای مورد استفاده در پژوهش:

پرسشنامه‌ی اطلاعات دموگرافیک: به منظور جمع‌آوری اطلاعات لازم درباره‌ی ویژگی‌های جمعیت‌شناختی شرکت‌کنندگان، پرسشنامه‌ی دموگرافیک محقق ساخته‌ای تهیه شد که در بردارنده‌ی اطلاعات مربوط به سن، پایه‌ی تحصیلی، تعداد فرزندان خانواده، ترتیب تولد فرزندان، سن والدین، وضعیت تحصیلی والدین، وضعیت تاهل والدین و سوالات لازم برای بررسی معیارهای ورود و خروج پژوهش بود.

پرسشنامه‌ی تعارض رفتار: این پرسشنامه یک مقیاس درجه‌بندی صحیح/غلط برای اندازه‌گیری ارتباط و تعارض در تعاملات والد-نوجوان است که توسط رابین و فاستر (۱۹۸۹) تهیه شده است. دارای دو فرم موازی برای والد و نوجوان است که هر کدام حاوی ۲۰ سوال می‌باشند. سوال‌ها ادراک پاسخ‌دهندگان را از رفتار و برداشت طرف دیگر در تعاملات زوجی ارزیابی می‌کند. نمرات آزمودنی‌ها در این مقیاس بین ۲۰ (حداقل تعارض) تا ۸۰ (حداکثر تعارض) در تغییر می‌باشد. این پرسشنامه، مقیاسی با روایی و اعتبار مناسب است (لانگ، آدامز و راگیرو، ۲۰۰۰؛ به نقل از اسدی‌یونسی، ۱۳۹۰). همچنین حساسیت و دقت کافی نسبت به اثرات درمان^۱ دارد (فاستر، پرینز و آلیری، ۱۹۸۳؛ رابین و ویس، ۱۹۸۰). این پرسشنامه در ایران توسط اسدی‌یونسی (۱۳۸۹؛ ۱۳۹۰) هنجاریابی شده است. میزان دقت و همسانی درونی پرسشنامه در



طی مطالعه‌ی اسدی‌یونسی (۱۳۸۹)، با استفاده از ضریب آلفای کرونیخ در تعارض با مادر برابر با $0/88$ و در ارتباط با پدر برابر با $0/91$ بوده است و نشان‌دهنده‌ی قابلیت اعتماد و همسانی درونی بالای این پرسشنامه است. همچنین در پژوهش اسدی یونسی (۱۳۹۰) مجدداً همسانی درونی این پرسشنامه، با استفاده از ضریب آلفای کرونیخ $0/93$ و $0/88$ به ترتیب برای فرم والد و فرم نوجوان به‌دست آمده‌است.

شاخص استرس والدگری^۱: این شاخص نسخه‌ی کوتاهی از شاخص اصلی استرس والدگری^۱ است که توسط ریچارد آیدین (۱۹۹۵) تهیه شده‌است. این شاخص سه منبع اصلی تنیدگی و استرس را در والدین مورد سنجش قرار می‌دهد که شامل زیرمقیاس آسفتگی والدین (PD)، ویژگی‌های فرزند مشکل‌آفرین (DC) و تعاملات ناکارآمد والد-فرزند (P-CDI) است. هر زیر مقیاس دارای ۱۲ سوال و پرسشنامه در مجموع ۳۶ سوال دارد. این پرسشنامه دارای مقیاس پنج درجه‌ای لیکرت از کاملاً موافقم تا کاملاً مخالفم است. نمرات بالاتر سطوح بالاتری از استرس والدگری را نشان می‌دهند. نمرات خام را می‌توان به نمرات درصدی تبدیل کرد و نمرات دارای رتبه‌ی درصدی ۸۵ یا بالاتر از لحاظ بالینی معنادار در نظر گرفته می‌شوند. ثبات درونی (آلفا) برای استرس کلی، زیرمقیاس آسفتگی والدینی، تعاملات ناکارآمد والد-فرزند و فرزند مشکل‌آفرین به ترتیب $0/91$ ، $0/87$ ، $0/80$ ، $0/85$ به‌دست آمده‌است. اعتبار بازآزمایی در طی یک دوره زمانی بازآزمایی شش ماهه ($n = 270$) به ترتیب $0/84$ ، $0/85$ ، $0/68$ ، $0/78$ بودند (آیدین، ۱۹۹۵). فدایی، دهقانی، طهماسبیان و فرهادی (۱۳۸۹) به بررسی ساختار عاملی، تعیین اعتبار و روایی فرم کوتاه شاخص استرس والدگری بر روی مادران کودکان عادی ۷-۱۲ سال شهر تهران پرداختند. نتایج آلفای کرونیخ حاکی از آن بود که میزان اعتبار نمره‌ی کل استرس والدین و هر یک از زیرمقیاس‌های آسفتگی والدین، تعاملات ناکارآمد والد-فرزند و ویژگی‌های فرزند مشکل‌آفرین برای کل گروه هنجاری به ترتیب $0/90$ ، $0/80$ ، $0/84$ و $0/80$ ، برای مادران کودکان پسر به ترتیب $0/89$ ، $0/80$ ، $0/83$ و $0/78$ و برای مادران کودکان دختر به ترتیب $0/91$ ، $0/80$ ، $0/84$ و $0/80$ به‌دست آمده است. ضریب اعتبار بازآزمایی در طول ۱۸ روز بعد از اجرای اول، برابر با $0/75$ برای کل استرس والدین، $0/82$ برای زیر مقیاس آسفتگی والدین، $0/73$ برای زیر مقیاس تعاملات ناکارآمد والد-فرزند و $0/71$ برای زیرمقیاس ویژگی‌های فرزند مشکل‌آفرین بود که بیانگر ثبات نمرات این شاخص در طول زمان است.

مقیاس خودکارآمدی والدینی^۱: این مقیاس در سال ۱۹۹۶ توسط دومکا، استورزینگر، جکسون و روسا برای ارزیابی میزان خودکارآمدی والدین در امور مرتبط با فرزندپروری تهیه شده است و کارایی و ناامیدی والدین را در مواجهه با موقعیت‌های تعاملی با فرزند، توانایی آنها در حل تعارضات والد-فرزند و مقاومتشان را در امور مرتبط با فرزندپروری ارزیابی می‌کند. این آزمون دارای ۱۰ گویه است و نمره‌گذاری آن بر اساس مقیاس لیکرت از ۱ «به‌ندرت» تا ۷ «همیشه» است. نمره‌ی بالا در این آزمون خودکارآمدی والدینی بالا و نمره‌ی پایین خودکارآمدی والدینی پایین را نشان می‌دهد. دومکا و همکاران (۱۹۹۶) همخوانی درونی این مقیاس را در مادران انگلیسی زبان که سطح اقتصادی متوسطی داشتند با ضریب آلفای کرونیخ $0/70$ گزارش کرده‌اند. همچنین در یک بررسی دیگر با 94 مادر انگلیسی زبان با سطح اقتصادی پایین آلفای کرونیخ را $0/68$ گزارش کرده‌اند (مینایی، ۱۳۸۴). کولمن و کاراکر (۲۰۰۰) نیز در مطالعه‌ی خود به آلفای کرونیخ $0/81$ دست یافتند. در ایران نیز اعتبار سازه این پرسشنامه با استفاده از تحلیل عاملی اکتشافی بررسی شد و نتایج نشان داد که تمامی گویه‌های این مقیاس بر روی یک عامل بارگذاری می‌شوند و پایایی این مقیاس با استفاده از ضریب آلفای کرونیخ $0/76$ و با استفاده از روش دو نیمه کردن برابر با $0/73$ بود (طهرانچی، ۱۳۹۴). ابارشی، طهماسبیان، مظاهری و پناغی (۱۳۸۸) پایایی این پرسشنامه را با استفاده از ضریب آلفای کرونیخ $0/79$ و فتح‌آبادی (۱۳۹۰) $0/71$ گزارش کرده‌اند.

برای تجزیه و تحلیل داده‌ها از نرم‌افزار SPSS نسخه‌ی ۲۲ و روش‌های متداول در آمار توصیفی (شاخص‌های مرکزی و شاخص‌های پراکنندگی) و روش تحلیل واریانس با اندازه‌گیری مکرر استفاده شد.

بسته‌ی والدگری ذهن‌آگاهانه: مداخله‌ی این پژوهش بر اساس برنامه‌ی "والدگری ذهن‌آگاهانه: راهنمای متخصصان سلامت روان"^۱ بود. این مداخله مبتنی بر اصول اساسی دو رویکرد کاهش استرس بر اساس ذهن‌آگاهی و شناخت‌درمانی مبتنی بر ذهن‌آگاهی است که در سال ۲۰۱۴ توسط بوگلس و رستیفو منتشر شد و در قالب ۸ جلسه‌ی ۲/۵ ساعته به شکل گروهی و هفتگی در یک مرکز خدمات روانشناختی در شهر یزد به اجرا درآمد. این برنامه علاوه بر تمرینات مراقبه‌ای ذهن‌آگاهی، تمرینات خاص فرزندپروری را نیز دربردارد. دیدن فرزندان با



ذهن‌آغازگر^۱، آگاهی از رفتارها و الگوهای واکنشی خودکار در تعاملات روزمره، تمایز حالت‌های بودن و انجام دادن^۲، مقابله با استرس، وارد کردن پیشینه‌ی کودکی خود و سابقه‌ی تعاملات با فرزندان در ارتباط‌های کنونی، شفقت و پذیرش محدودیت‌ها از مفاهیم اصلی و پایه در این مداخله هستند. خلاصه‌ی محتوای این بسته در جدول زیر ارائه شده است.

جدول ۱. محتوای جلسات بسته‌ی والدگری ذهن‌آگاهانه

عنوان جلسه	محتوای جلسه	تمرینات رسمی در جلسه	تمرینات والدگری ذهن‌آگاهانه
۱. والدگری اتوماتیک‌وار	- توضیح اصول (والدگری تکانشی) - تمثیل خلبان خودکار - حالت انجام دادن در مقابل حالت بودن	- معاینه‌ی هشیارانه‌ی بدن - تمرین کشمش	- تمرین استرس صبحگاهی
۲. والدگری با ذهن‌آغازگر	- دیدن فرزندان با ذهن‌آغازگر - نگرش مهربانی - موانع تمرین ذهن‌آگاهی - انتظارات و تفاسیر	- معاینه‌ی هشیاران‌ی بدن - نشست هشیارانه: تنفس - مراقبه‌ی دیدن ذهن‌آگاهانه	- تمرین استرس صبحگاهی - تمرین قدردانی
۳. ارتباط مجدد با بدن در موقعیت‌های فرزندپروری	- حواس بدنی - هشیاری به تجارب خوشایند - مشاهده‌ی بدن در شرایط استرس والدگری - بازشناسی محدودیت‌ها - شفقت خود در شرایط استرس	- یوگای مراقبه‌ای - نشست هشیارانه: تنفس و بدن - سه دقیقه فضای تنفس	- شناسایی واکنش‌های بدن در شرایط استرس‌زا - تمرین تجسمی استرس والدگری: شفقت خود
۴. جایگزینی پاسخ آگاهانه به جای واکنش غیرآگاهانه به استرس والدگری	- آگاهی و پذیرش استرس والدگری - گرفتن و رها کردن استرس - تاثیر افکار در تشدید استرس - پاسخ‌دهی به جای واکنش‌دهی به استرس	- نشست هشیارانه: تنفس، بدن، صداها و افکار - یوگای مراقبه‌ای ایستاده - سه دقیقه فضای تنفس	- تمرین تجسمی: جنگ/گریز/درجا زدن/رقصیدن - سه دقیقه فضای تنفس - تمرین تجسمی: درها
۵. طرحواره‌ها و الگوهای والدگری	- بازشناسی الگوهای دوران کودکی والد - تحمل کردن و بودن با هیجانات شدید - هشیاری به طرحواره‌های کودک آسیب‌پذیر/عصبانی و والد تنبیه‌گر/پرتوقع	- نشست هشیارانه: تنفس، بدن، صداها، افکار و هیجانات - راه رفتن هشیارانه در فضای بسته	- تمرین بازشناسی الگوهای طرحواره‌ای والدگری - تمرین در آغوش گرفتن هیجانات شدید همراه با مهربانی
۶. تعارضات والد-فرزندی	- دیدگاه‌گیری، توجه اشتراکی - گسسته شدن و ترمیم کردن رابطه - توجه به هیجانات درونی فرزندان	- نشست هشیارانه: هشیاری بدون انتخاب - راه رفتن هشیارانه در فضای بیرون	- تمرین تجسمی: تعارض والد-فرزند+ دیدگاه طرفین - مراقبه‌ی گسست و ترمیم
۷. عشق‌ورزی و پذیرش محدودیت‌ها	- شفقت و عشق‌ورزی-مهربانی - دوستی با خود و فرزند - هشیاری به محدودیت‌ها - تنظیم ذهن‌آگاهانه‌ی محدودیت‌ها	- تمرین عشق‌ورزی-مهربانی - تمرین شفقت خود	- تمرین تجسمی: محدودیت‌ها - بازی نقش: محدودیت‌ها - کشف نیازهای شخصی
۸. آغاز سفری ذهن‌آگاهانه در فرزندپروری	- مرور دستاوردهای شخصی اعضا - تعیین چشم‌اندازی برای آینده - هدف‌گزینی برای تمرین - نحوه‌ی مراقبت از خود و فرزند	- معاینه‌ی هشیارانه‌ی بدن - مراقبه‌ی عشق‌ورزی-مهربانی	- به اشتراک گذاشتن نمادین تجارب درمانی خود با دیگران - تمرین مراقبه‌ای قدردانی



یافته‌ها

برای بررسی فرضیه‌های پژوهش از روش آزمون تحلیل واریانس با اندازه‌گیری مکرر استفاده شد. نخست شاخص‌های توصیفی (میانگین و انحراف استاندارد) متغیرهای وابسته به تفکیک هر گروه محاسبه و سپس پیش‌شرط انجام آزمون مورد نظر بررسی شد. در این تحلیل، نوع مداخله با دو سطح (مداخله‌ی والدگری ذهن‌آگاهانه و عدم مداخله) به عنوان عامل بین‌گروهی و زمان اندازه‌گیری با سه سطح (پیش‌آزمون، پس‌آزمون و پیگیری) به‌عنوان عامل درون‌گروهی در نظر گرفته شده‌است.

در جدول زیر میانگین و انحراف معیار نمرات استرس والدگری در هر سه مرحله‌ی سنجش مادران به تفکیک هر دو گروه ارائه شده است.

جدول ۲. میانگین و انحراف معیار نمرات استرس والدگری در دو گروه آزمایش و کنترل در سه مرحله‌ی سنجش

متغیر	مراحل	گروه آزمایش-MP (n=۱۲)		گروه کنترل (n=۱۴)	
		SD	M	SD	M
استرس والدگری	پیش‌آزمون	۲۱/۸۲۶	۱۱۵/۷۵۰	۱۸/۶۶۴	۱۱۱/۷۸۶
	پس‌آزمون	۱۹/۵۰۰	۸۹/۹۱۷	۲۰/۹۵۴	۱۱۱/۱۴۳
	پیگیری	۱۲/۵۹۵	۸۷/۰۸۳	۱۹/۵۷۷	۱۱۱/۲۱۴

داده‌های جدول فوق نشان‌دهنده‌ی کاهش میانگین استرس والدگری مادران در مرحله‌ی پس‌آزمون و سپس در مرحله‌ی پیگیری در گروه آزمایش است، درحالی‌که میانگین گروه کنترل در هر سه مرحله‌ی سنجش تقریباً ثابت مانده است. مقایسه‌ی میانگین نمرات پیش‌آزمون در دو گروه با استفاده از آزمون t مستقل نشان داد که گروهها قبل از مداخله در میزان استرس والدگری دارای تفاوت آماری معناداری نیستند. ابتدا برابری ماتریس کواریانس‌ها به‌عنوان پیش‌شرط انجام آزمون مورد بررسی قرار گرفت. برای بررسی ماتریس کواریانس‌ها از آزمون کرویت موجلی استفاده شد. با توجه به معنادار نبودن آزمون کرویت موجلی در ارتباط با نمرات مادران ($W=۰/۸۹۵$; $Sig=۰/۲۷۹$)، شرط برابری ماتریس کواریانس‌ها برقرار است. بنابراین شاخص اصلاحی کرویت مفروض مورد استفاده قرار گرفت. نتایج تحلیل یافته‌ها در زیر آورده شده است.

جدول ۳. نتایج آزمون تحلیل واریانس با اندازه‌گیری مکرر برای اثرهای اصلی و تعاملی مربوط به استرس والدگری

منبع	مجموع مجذورات	درجه‌ی آزادی	میانگین مجذورات	F	اندازه‌ی اثر	Sig
زمان	۳۳۶۷/۵۰۲	۲	۱۶۸۳/۷۵۱	۲۵/۶۶۹	۰/۵۱۷	۰/۰۰۰۱
گروه	۳۶۹۰/۳۳۲	۱	۳۶۹۰/۳۳۲	۳/۸۱۱	۰/۱۳۷	۰/۰۶۳
زمان*گروه	۳۰۸۵/۰۴۰	۲	۱۵۴۲/۵۲۰	۲۳/۵۱۶	۰/۴۹۵	۰/۰۰۰۱

$P < ۰,۰۵$

نتایج جدول فوق نشان می‌دهد که تحلیل واریانس با اندازه‌گیری مکرر برای عامل درون‌گروهی (زمان) و اثرات تعاملی زمان و گروه معنادار بود. این درحالی است که بررسی اثر گروه به تنهایی معنادار نیست. آنچه مهمتر به نظر می‌رسد این است که اثرات تعاملی گروه و زمان معنادار است که به معنی وجود تفاوت معنادار بین دو گروه در میزان استرس والدگری با در نظر گرفتن زمان‌بندی‌ها (پیش‌آزمون، پس‌آزمون و پیگیری) است. نتایج جدول نشان‌دهنده‌ی اثربخشی مداخله والدگری ذهن‌آگاهانه بر کاهش استرس والدگری است.

در جدول زیر میانگین و انحراف معیار نمرات خودکارآمدی والدینی در هر سه مرحله‌ی سنجش مادران به تفکیک هر دو گروه ارائه شده است.



جدول ۴. میانگین و انحراف معیار نمرات خودکارآمدی والدینی در دو گروه آزمایش و کنترل در سه مرحله سنجش

متغیر	مراحل	گروه آزمایش- MP (n=۱۲)		گروه کنترل (n=۱۴)	
		SD	M	SD	M
خودکارآمدی والدینی	پیش آزمون	۸/۳۱۰	۴۱/۸۳۳	۱۰/۲۳۹	۴۷/۰۷۱
	پس آزمون	۶/۰۷۳	۴۹/۱۶۷	۹/۱۳۹	۵۰/۸۵۷
پیگیری		۶/۲۶۰	۵۲/۵۰۰	۹/۹۲۱	۴۶/۵۰۰

داده‌های جدول فوق نشان‌دهنده‌ی افزایش میانگین خودکارآمدی والدینی مادران در مرحله‌ی پس‌آزمون در هر دو گروه آزمایش و کنترل است، با این حال میانگین گروه آزمایش در این مرحله افزایش بیشتری نسبت به گروه کنترل داشته است. در مرحله‌ی پیگیری میانگین گروه آزمایش در مقایسه با پس‌آزمون روند رو به افزایش خود را حفظ کرده، درحالی‌که میانگین گروه کنترل در این مرحله کاهش یافته است. همانند فرضیه قبلی، ابتدا برابری ماتریس کواریانس‌ها به‌عنوان پیش‌شرط انجام آزمون توسط آزمون کرویت موچلی مورد بررسی قرار گرفت. با توجه به معنادار بودن آزمون کرویت موچلی ($W=0/767$; $Sig=0/047$)، شرط برابری ماتریس کواریانس‌ها برقرار نیست. از این رو به تصحیح یافته‌ها به وسیله‌ی نقاط افسیلون نیاز است تا توزیع به شکل نرمال درآید بنابراین برای گزارش نتایج باید آزمونهای مرتبط با تصحیح درجه آزادی را به کاربرد که در اینجا شاخص اصلاحی گرین‌هوس-گیسر مورد استفاده قرار گرفت. نتایج تحلیل یافته‌ها در زیر آورده شده است.

جدول ۵. نتایج آزمون تحلیل واریانس با اندازه‌گیری مکرر برای اثرهای اصلی و تعاملی مربوط به خودکارآمدی والدینی

منبع	مجموع مجزورات	درجه‌ی آزادی	میانگین مجزورات	F	اندازه‌ی اثر	Sig
زمان	۴۸۸/۰۵۱	۱/۶۲۲	۳۰۰/۹۵۵	۱۱/۷۸۸	۰/۳۳۹	۰/۰۰۰۱
گروه	۱/۸۵۷	۱	۱/۸۵۷	۰/۰۱۰	۰/۰۰۰۱	۰/۹۲۰
زمان*گروه	۴۲۶/۵۱۳	۱/۶۲۲	۲۶۳/۰۰۸	۱۰/۳۰۲	۰/۳۰۰	۰/۰۰۱

$P < 0,05$

نتایج جدول فوق نشان می‌دهد که تحلیل واریانس با اندازه‌گیری مکرر برای عامل درون‌گروهی (زمان) و اثرات تعاملی زمان و گروه معنادار بود. این درحالی است که بررسی اثر گروه به تنهایی معنادار نیست. آنچه مهمتر به نظر می‌رسد این است که اثرات تعاملی گروه و زمان معنادار است که به معنی وجود تفاوت معنادار در میزان خودکارآمدی والدینی با در نظر گرفتن زمان‌بندی‌ها است. نتایج جدول نشان‌دهنده‌ی اثربخشی مداخله والدگری ذهن‌آگاهانه بر افزایش خودکارآمدی والدینی مادران گروه آزمایش است.

بحث

هدف پژوهش حاضر بررسی اثربخشی والدگری ذهن‌آگاهانه بر کاهش استرس والدگری و افزایش خودکارآمدی والدینی مادران با نوجوانان پرتعارض بود. نتیجه تحلیل یافته‌ها نشان داد که بین گروه آزمایش و گروه کنترل در متغیرهای پژوهش بعد از اجرای مداخله تفاوت آماری معناداری ایجاد شده است و مداخله استرس والدگری مادران را به‌طور معناداری کاهش و خودکارآمدی والدینی آنها را افزایش داده است.

تاکنون کارایی مداخلات ذهن‌آگاهی در درمان انواع اختلالات اضطرابی و مشکلات مرتبط با استرس تایید شده است (بائر، ۲۰۰۳). نتایج پژوهش‌های گوناگون نشان می‌دهند که والدین بعد از گذراندن دوره‌های ذهن‌آگاهی، نسبت به الگوهای ناسازگارانه‌ی هیجانی و چرخه‌های نشخوار فکری خود در رویارویی با محرکهای استرس‌زای زندگی هشیاری بیشتری کسب نموده، مقاومت آنها در برابر تظاهرات هیجانی این مشکلات افزایش یافته و خودکنترلی بالاتری را گزارش می‌دهند (سانگ و لیندکوئیست، ۲۰۱۵؛ هافمن، سایر، ویت و او، ۲۰۱۰). تاکنون مطالعات چندی اثربخشی رویکرد والدگری ذهن‌آگاهانه را بر استرس والدگری مورد بررسی قرار داده‌اند. نتایج پژوهش‌های سینق و همکاران (۲۰۱۰)، ون‌دراوورد و همکاران (۲۰۱۲)، بوگلس و همکاران (۲۰۱۴)، مپلینگ و همکاران (۲۰۱۶) و بوگلس و رستیفو (۲۰۱۴) نشان داده‌است که رویکرد والدگری ذهن‌آگاهانه در کاهش میزان استرس والدگری مادرانی که فرزندان آنها تشخیص‌های گوناگونی



(ADHD/ODD/CD/ASD) دریافت کرده‌اند، موثر واقع شده‌است. از سوی دیگر مداخلات ذهن آگاهی در بهبود روابط بین فردی والدین و نوجوانان (هایدیکو و همکاران، ۲۰۱۵)، افزایش رضایت از رابطه با نوجوانان در والدین (سینق و همکاران، ۲۰۱۰) تاثیرگذار بوده‌اند و این نتایج تا حدی همسو با نتایج پژوهش حاضر است. در تبیین یافته‌های پژوهش حاضر مکانیزم‌های متعددی دخیل هستند که در این قسمت مورد بحث و بررسی قرار می‌گیرند.

نخست اینکه در مداخله‌ی والدگری ذهن آگاهانه، با استفاده از "تمثیل خلبان خودکار"^۱، مفهوم والدگری خودکار برای والدین توضیح داده شد. در خلال این مداخله، الگوهای پاسخ‌دهی "جنگ-گریز-درجا زدن"^۱ که مکانیزم‌های خودکار والدین برای مقابله با استرس والدگری و تعاملات دشوار و هیجانی هستند، با استفاده از مثال‌های شخصی به آنها آموزش داده شد. بدین ترتیب والد قادر می‌شود تا الگوی پاسخ‌دهی رایج خود به چالش‌های فرزندپروری را شناسایی کند و شناختن این الگو نخستین گام برای آموزش تکنیک زیربنایی مداخلات ذهن آگاهی در شرایط استرس‌زا و تعارض برانگیز، یعنی "ایجاد وقفه قبل از بروز واکنش"^۱ است. با فراگیری این مهارت در قالب تمرین‌های مراقبه‌ای مشخص، والدین نسبت به الگوهای رفتاری و واکنشی خودکار خود، بینش کسب کرده و فرصت پاسخ‌های آگاهانه و هشیارانه‌تری را کسب می‌کنند. از سوی دیگر در این مداخله با استفاده از تمثیل "خوردن ذهن آگاهانه‌ی کشمش"^۱، مفهوم مشاهده و واری هشیارانه به والدین آموزش داده شد. در نتیجه والد به این بینش دست می‌یابد و این قدرت را کسب می‌کند که بتواند خود را در شرایط تحت تنش و استرس مشاهده کند و الگوهای رفتاری، هیجانی، شناختی و فیزیولوژیکی خود را شناسایی نماید. در این مداخله والدین کشفیات خود از خصوصیات مثبت فرزندشان، وجوه مثبت تعاملی با او و آنچه را که در طی سالیان متمادی به دلیل تمرکز بر دشواریهای ارتباطی نادیده گرفته‌اند، مرور می‌کنند. از قضاوتها، پیش‌پنداره‌ها^۱ و برجسب‌هایشان در ارتباط با خود و فرزندانشان آگاهی می‌یابند و نقش این قضاوتها و برجسب‌ها را در ایجاد سازه‌های ذهنی ثابت از خود و فرزندانشان، تشدید هیجانات منفی نسبت به خود و تعاملاتشان و تضعیف توانایی‌شان در کنترل چالش‌های فرزندپروری بررسی می‌کنند. همچنین در والدگری ذهن آگاهانه، والدین با مفهوم "مهربانی و شفقت"^۱ - به عنوان یکی از سازه‌های زیربنایی ذهن آگاهی - و نحوه‌ی عملکرد آن در موقعیت‌های دشوار و استرس‌زای فرزندپروری آشنا می‌شوند (نف، ۲۰۰۳). در این رویکرد سعی بر این است تا در والدین احساس همدلی بیشتری نسبت به خود و فرزندانشان به جهت رویارویی با دشواریها و سختیهای نوجوانی و متقابلاً سختی‌های فرزندپروری در دوره‌ی نوجوانی ایجاد شود. تمرین‌های شفقت و مهرورزی، میزان تجربه‌ی روزانه‌ی هیجانات مثبت چون عشق، شادی، رضامندی را در والدین افزایش می‌دهند (فردریکسون، کوهن، کوفی، پک و فینکل، ۲۰۰۸)، به والدین کمک می‌کنند تا وجوه مثبت سبک فرزندپروری خود را شناسایی کنند و از قضاوت سرسختانه خود در شکستهای تربیتی و ارتباطی با نوجوانان پرهیز نمایند. بنابراین زمانی که والد بتواند با لنز شفقت و مهربانی به خود نگاه کند، در هر شرایطی به سرزنش‌گری خود یا نوجوانش نمی‌پردازد و این تغییر دیدگاه، گامی مهم در افزایش احساس والد از توانمندی و خودکارآمدی خود در امور مرتبط با فرزندپروری و ایجاد توجه خودمراقبتی^۱ در موقعیت‌های استرس‌زای فرزندپروری محسوب می‌شود که به والد در بازشناسایی نقش افکار و احساساتش در تشدید الگوی تکرار شونده‌ی تعارض و استرس کمک می‌کند.

از طرفی تمرینات مراقبه‌ای ذهن آگاهی، والدین را به ارتباط مجدد با بدنشان در موقعیت‌های دشوار فرزندپروری^۱ دعوت می‌کنند تا از حواس بدنی و پیام‌های جسمانی^۱ خود در موقعیت‌های چالش برانگیز یا استرس‌زای والدگری آگاهی کسب کنند. بدین طریق والدین درمی‌یابند که چگونه در طی سالیان متمادی، علامت‌های بدنی، محدودیتها و مرزهای جسمانی^۱ خود را نادیده گرفته‌اند. در واقع می‌توان گفت، بازگشت به بدن و تلاش مستمر برای بودن با آن (از طریق تمرین‌های جسمانی ذهن آگاهی چون معاینه‌ی هشیارانه‌ی بدن، راه رفتن ذهن آگاهانه) و همچنین مراقبت از جسم و توجه به آن، دو مهارت زیربنایی است که در این بسته به هدف ایجاد توانایی مدیریت استرس، به والدین آموزش داده می‌شود.

همچنین بر اساس مفهوم‌پردازی بوگلس و همکاران (۲۰۱۰)، شش فرایند در مداخله‌ی والدگری ذهن آگاهانه به عنوان مکانیزم‌های تغییر زیربنایی شناسایی شده‌اند که افزایش بهزیستی روانشناختی والدین، ارتقای فرزندپروری و کیفیت زندگی آنها را در پی دارند و در تبیین یافته‌های این پژوهش دخیل هستند. اولین مکانیزم تغییر در این مداخلات، کاهش استرس والدگری و تکانشگری^۱ است. فرض کلی بر این



است که مهارت‌ها و اصول مدیریتی والدین در موقعیتهای استرس‌زا و تهدیدآمیز، در دسترس و قابل استفاده نخواهد بود، بنابراین والدین در این شرایط به پاسخ‌های معمول جنگ/گریز/درجا زدن^۱ و رفتارهای تکانشی روی می‌آورند (سیجل و هارتزل، ۲۰۱۳). ذهن‌آگاهی با کمک به والدین در شناسایی منابع استرس‌زا، نحوه‌ی تاثیرگذاری استرس بر الگوهای شناختی-هیجانی-رفتاری خود و ایجاد فضای تنفس^۱ منجر به کاهش میزان کلی استرس والدین می‌شود و از این طریق تکانش‌گری آنها را در تعاملات هیجانی شدید کاهش می‌دهد. با کاهش تکانشگری، والدین فرصت بیشتری برای بروز رفتار صحیح و اقدامات سازنده در مقابل فرزندانشان خواهند داشت و در نتیجه موفقیت آنها در مدیریت فرزندان افزایش می‌یابد. دومین مکانیزم تغییر از طریق کاهش اشتغالات ذهنی والدین^۱ است. در این مداخلات، والدین از سوگیری‌های منفی^۱ و اشتغالات ذهنی خود که مرتبط با مشکلات و مسائل شخصی و ارتباطی خود یا فرزندانشان است، آگاه می‌شوند (رستیفو و بوگلس، ۲۰۰۹). با توجه به اینکه مشکلات رفتاری و تعاملی فرزندان در تجربه‌ی استرس تاثیرگذار است (آییدین، ۱۹۹۵)، با کاهش میزان اشتغالات ذهنی والدین، قدرت مدیریت هیجانی آنها تقویت می‌شود. سومین مکانیزم تغییر، ارتقای عملکردهای اجرایی والدین^۱ است که به کاهش رفتارهای تکانه‌ای والدین کمک می‌کند. ارتقای توجه و تمرکز و کاهش تکانشگری از طریق تمرینات مراقبه‌ای ذهن‌آگاهی منجر به کاهش بدنظمی هیجانی، افزایش قدرت مدیریتی و بهبود واکنش‌های رفتاری والدین می‌شود و ادراک آنها را از اثرمندی و کارآمدی‌شان در امور مرتبط با فرزندپروری افزایش می‌دهد. چهارمین مکانیزم تغییر شکستن انتقال بین‌نسلی الگوها و طرحواره‌های ناسازگارانه و ناکارآمد فرزندپروری^۱ است. در ذهن‌آگاهی والدین درمی‌یابند که چگونه طرحواره‌ها و تجارب دوران کودکی‌شان در موقعیتهای استرس‌زا و هیجانی شدید فعال می‌شود و به شکل خودکار عمل می‌کند. شناسایی این الگوها و نحوه عمل آنها در موقعیتهای هیجانی شدید مانع از پیاده‌سازی و تاثیر سبک‌های ناکارآمد بین‌نسلی والدین در تعاملات کنونی با فرزندانشان می‌شود؛ در نتیجه موفقیت والد در تعاملات بین‌فردی افزایش یافته و ادراک او از خودکارآمدی‌اش در فرزندپروری ارتقا می‌یابد. پنجمین مکانیزم تغییر تقویت توجه خودمراقبتی^۱ والدین است. لازمه‌ی فرزندپروری صرف وقت، توجه و مراقبت بسیار از فرزندان است که منجر به کاهش انرژی و منابع والدین می‌شود. همچنین هر چه مشکلات رفتاری و روانشناختی والدین یا فرزندان بیشتر باشد و یا الگوهای تعاملی بین‌فردی ناسازگارانه‌تر باشند، میزان انرژی و زمانی که والدین به فرزندپروری اختصاص می‌دهند، افزایش و میزان موفقیت و احساس آنها از خوداثرمندی‌شان کاهش می‌یابد. با توجه به اینکه مراقبت از خود، پیش‌نیاز مراقبت و تربیت فرزندان است، در ذهن‌آگاهی والدین می‌آموزند که چگونه به نیازهای خود توجه کنند و همواره در مسیر فرزندپروری، خودمراقبتی را مدنظر داشته باشند. توجه خودمراقبتی والدین را به یک سیستم مقابله‌ای و مهارتی برای کاهش استرس و مقابله‌ی کارآمد مجهز می‌کند. از پیامدهای مهم ذهن‌آگاهی و ششمین مکانیزم تغییر این مداخلات، بهبود کیفیت عملکرد زناشویی و افزایش همکاری والدینی^۱ است. در واقع مهارت‌های مهمی که در جریان مداخله به والدین آموزش داده می‌شود، نه تنها در رابطه با فرزندانشان، بلکه در ارتباط با همسر و شریک زندگی نیز به کار گرفته می‌شود.

یکی از منابع گسترده‌ی استرس و ناکنشوری در والد، مشکلات ارتباطی با شریک زندگی و تعارضات زناشویی است. بنابراین زمانی که ادراک مادر و پدر از حمایت یکدیگر افزایش یابد و فرزندپروری را یک مسئولیت مشترک بین خود در نظر بگیرند، نه تنها مهارت‌های فرزندپروری آنها ارتقا می‌یابد (پرنت و همکاران، ۲۰۱۶) و به بهبود رابطه‌ی آنها با فرزندانشان کمک می‌کند، بلکه همکاری و مساعدت طرف مقابل و شریک شدن او در چالش‌های فرزندپروری از میزان استرس والدگری می‌کاهد و بر خودکارآمدی والدینی می‌افزاید (بوگلس و همکاران، ۲۰۱۰). این پژوهش با سه محدودیت عمده روبه‌رو بود. نخست اینکه به دلیل موافقت تعداد محدودی از مدارس برای همکاری با پژوهش نمونه‌گیری تصادفی ناممکن بود؛ بنابراین تعمیم یافته‌ها با محدودیت همراه است. دوم اینکه برای مادران گروه کنترل که برای تکمیل پرسشنامه‌ها همکاری کرده بودند، تمهیداتی به جهت اجرای مداخله بعد از اتمام پژوهش در نظر گرفته نشد. همچنین به منظور انتخاب اعضای نمونه از جمعیت غیربالیینی به گزارش شخصی افراد در پرسشنامه‌ی اطلاعات دموگرافیک اکتفا شد و امکان استفاده از پرسشنامه‌های سنجش علائم درونی‌سازی و برونی‌سازی وجود نداشت. پیشنهاد می‌شود که پژوهش‌های بعدی در قالب طرح‌های مداخلاتی گوناگون نوجوانان را نیز تحت آموزش مداخلات ذهن‌آگاهی قرار دهند تا نقش آموزش به والد و یا آموزش به والد و نوجوان به‌طور همزمان مشخص شود. همچنین مقایسه‌ی اثربخشی والدگری ذهن‌آگاهانه با دیگر رویکردهای والدگری به بالینی‌گران و متخصصان به جهت انتخاب مداخلات اثربخش‌تر یاری می‌رساند.



- ابارشی، ز، طهماسیان، ک، مظاهری، م. ع. و پناغی، ل. (۱۳۸۸). اثربخشی آموزش برنامه ارتقای رشد روانی-اجتماعی کودک از طریق بهبود تعامل مادر-کودک بر خوداثرمندی والدگری و رابطه مادر و کودک زیر سه سال. *فصلنامه پژوهش در سلامت روانشناختی*، ۳(۳)، ۴۹-۵۷.
- اسدی یونسی، م. (۱۳۸۹). رابطه تعارض با والدین و نگرش نسبت به سیگار کشیدن با مصرف سیگار در میان دانشجویان پسر دانشگاه بیرجند، ارائه شده در همایش استانی پیشگیری اولیه از اعتیاد-بیرجند.
- اسدی یونسی، م. (۱۳۹۰). مقایسه‌ی تاثیر آموزش بازسازی شناختی با آموزش ارتباط مبتنی بر حل مسئله به والدین و نوجوانان در کاهش تعارض والد-نوجوان. رساله‌ی دکتری، دانشکده‌ی روانشناسی و علوم تربیتی. دانشگاه شهید بهشتی تهران.
- اسدی یونسی، م. ر.، مظاهری، م. ع.، طهماسیان، ک. و فیاض بخش، م. ع. (۱۳۹۰). تدوین و اعتباریابی پرسشنامه‌ی سنجش تعارض والد-نوجوان: فرم نوجوان. *فصلنامه‌ی خانواده و پژوهش*، ۸(۲۰۱)، ۴۳-۷۰.
- اسعدی، س.، امیری، ش. و مولوی، ح. (۱۳۹۲). تحول تفکر فرانتزاعی از دوره نوجوانی تا بزرگسالی. *روانشناسی تحولی: روانشناسان ایرانی*، ۱۰(۳۸)، ۱۷۴-۱۳۱.
- طالعی، ع. (۱۳۸۸). بررسی اثربخشی برنامه‌ی فرزندپروری مثبت بر مشکلات رفتاری دختران و خوداثرمندی والدینی مادران. پایان‌نامه کارشناسی ارشد روانشناسی مشاوره مدرسه، دانشگاه شهید بهشتی تهران.
- طهرانچی، ف. (۱۳۹۴). تاثیر برنامه‌ی "آموزش والدین موثر" بر خودکارآمدی مادر و تعارض مادر-نوجوان در خانواده‌های مادر سرپرست. پایان‌نامه‌ی کارشناسی ارشد روانشناسی خانواده‌درمانی، پژوهشکده خانواده، دانشگاه شهیدبهشتی تهران.
- فتح‌آبادی، م. (۱۳۹۰). اثربخشی آموزش برنامه‌ی "نوجوان نافرمان شما" بر خوداثرمندی والدینی مادران و نشانه‌های تضادورزی دختران نوجوان. پایان‌نامه‌ی کارشناسی ارشد روانشناسی خانواده‌درمانی، پژوهشکده خانواده، دانشگاه شهیدبهشتی تهران.
- فدایی، ز.، دهقانی، م.، طهماسیان، ک. و فرهادی، ف. (۱۳۸۹). بررسی ساختار عاملی، اعتبار و روایی فرم کوتاه- شاخص استرس فرزندپروری (PSI-SF) مادران کودکان عادی ۷-۱۲ سال، *مجله تحقیقات علوم رفتاری*، ۸(۲)، ۸۱-۹۱.
- مختارنیا، ا.، زاده‌محمدی، ع. و حبیبی، م. (۱۳۹۵). ساختار عاملی تاییدی و اعتباریابی پرسشنامه تعارض والد-نوجوان (فرم نوجوان). *روانشناسی تحولی: روانشناسان ایرانی*، ۱۲(۴۸)، ۳۹۷-۴۱۱.
- منصور، م. (۱۳۹۵). *روانشناسی ژنتیک (جلد اول)*. تهران: انتشارات سمت.
- مینایی، ا. (۱۳۸۴). کتابچه‌ی راهمای فرمهای مدرسه نظام سنجش مبتنی بر تجربه آشناباخ. تهران: پژوهشکده کودکان استثنایی.
- وزیر، ش. و لطفی‌عظیمی، ا. (۱۳۹۰). تأثیر آموزش همدلی در کاهش پرخاشگری نوجوانان. *روانشناسی تحولی: روانشناسان ایرانی*، ۳(۸)، ۱۷۵-۱۶۷.

- Abidin, R. (۱۹۹۵). *Manual for the parenting stress index*: Odessa, FL: Psychological Assessment Resources.
- Abidin, R. R. (۱۹۸۳). *Parenting stress index: Manual*: Pediatric Psychology Press.
- Abidin, R. R., & Abidin, R. R. (۱۹۹۰). *Parenting Stress Index (PSI)*: Pediatric Psychology Press Charlottesville, VA.
- American Psychological Association (۲۰۰۸). *Stress: The different kinds of stress*. Retrieved from <http://www.apahelpcenter.org/articles/article.php?id=۲۱>
- Anderson, O. A. (۲۰۰۸). Linking work stress, parental self-efficacy, ineffective parenting, and youth problem behavior. *Journal of Family Studies*, ۳۷(۲), ۲۵۶-۲۶۳.
- Baer, R. A. (۲۰۰۳). Mindfulness training as a clinical intervention: A conceptual and empirical review. *Clinical psychology: Science and practice*, ۱۰(۲), ۱۲۵-۱۴۳.
- Barkley, R. A., Anastopoulos, A. D., Guevremont, D. C., & Fletcher, K. E. (۱۹۹۲). Adolescents with attention deficit hyperactivity disorder: Mother-adolescent interactions, family beliefs and conflicts, and maternal psychopathology. *Journal of abnormal child psychology*, ۲۰(۳), ۲۶۳-۲۸۸.
- Barkley, R. A., Edwards, G., Laneri, M., Fletcher, K., & Metevia, L. (۲۰۰۱). The efficacy of problem-solving communication training alone, behavior management training alone, and their combination for parent-adolescent conflict in teenagers with ADHD and ODD. *Journal of consulting and clinical psychology*, ۶۹(۶), ۹۲۶.



- Beer, M., Ward, L., & Moar, K. (۲۰۱۳). The relationship between mindful parenting and distress in parents of children with an autism spectrum disorder. *Mindfulness*, ۴(۲), ۱۰۲-۱۱۳.
- Biondic, D. (۲۰۱۱). Parenting Stress of Parents of Adolescents with Attention-Deficit/Hyperactivity Disorder. University of Toronto.
- Bögels, S. M., Hellemans, J., van Deursen, S., Römer, M., & van der Meulen, R. (۲۰۱۴). Mindful parenting in mental health care: effects on parental and child psychopathology, parental stress, parenting, coparenting, and marital functioning. *Mindfulness*, ۵(۵), ۵۳۶-۵۵۱.
- Bögels, S. M., Lehtonen, A., & Restifo, K. (۲۰۱۰). Mindful parenting in mental health care. *Mindfulness*, ۱(۲), ۱۰۷-۱۲۰.
- Bögels, S., & Restifo, K. (۲۰۱۴). Mindful parenting. A guide for mental health practitioners.
- Bögels, S., Hoogstad, B., van Dun, L., de Schutter, S., & Restifo, K. (۲۰۰۸). Mindfulness training for adolescents with externalizing disorders and their parents. *Behavioural and cognitive psychotherapy*, ۳۶(۰۲), ۱۹۳-۲۰۹.
- Broderick, P. C., & Jennings, P. A. (۲۰۱۲). Mindfulness for adolescents: a promising approach to supporting emotion regulation and preventing risky behavior. *New Directions for Student Leadership*, ۲۰۱۲(۱۳۶), ۱۱۱-۱۲۶.
- Burke, C. A. (۲۰۱۰). Mindfulness-based approaches with children and adolescents: A preliminary review of current research in an emergent field. *Journal of Child and Family Studies*, ۱۹(۲), ۱۳۳-۱۴۴.
- Coatsworth, J. D., Duncan, L. G., Greenberg, M. T., & Nix, R. L. (۲۰۱۰). Changing parent's mindfulness, child management skills and relationship quality with their youth: Results from a randomized pilot intervention trial. *Journal of child and family studies*, ۱۹(۲), ۲۰۳-۲۱۷.
- Coatsworth, J. D., Duncan, L. G., Greenberg, M. T., & Nix, R. L. (۲۰۱۰). Changing parent's mindfulness, child management skills and relationship quality with their youth: Results from a randomized pilot intervention trial. *Journal of child and family studies*, ۱۹(۲), ۲۰۳-۲۱۷.
- Coleman, P. K., & Karraker, K. H. (۲۰۰۰). Parenting self-efficacy among mothers of school-age children: Conceptualization, measurement, and correlates. *Family Relations*, ۴۹(۱), ۱۳-۲۴.
- Cotrunzo, A. (۲۰۰۶). Engagement, parenting skills and parent-child relations as mediators of the relationship between parental self-efficacy and treatment outcomes for children with conduct problems. Ph.D Thesis, University of Pittsburgh.
- Crnic, K. A., Gaze, C., & Hoffman, C. (۲۰۰۵). Cumulative parenting stress across the preschool period: Relations to maternal parenting and child behaviour at age ۵. *Infant and Child Development*, ۱۴(۲), ۱۱۷-۱۳۳.
- Deater-Deckard, K. (۲۰۰۴). Parenting stress and child adjustment: Some old hypotheses and new questions. *Clinical psychology: Science and practice*, ۵(۳), ۳۱۴-۳۳۳.
- Deater-Deckard, K., Smith, J., Ivy, L., & Petril, S. A. (۲۰۰۵). Differential perceptions of and feelings about sibling children: Implications for research on parenting stress. *Infant and Child Development*, ۱۴(۲), ۲۱۱-۲۲۵.
- Dumka, L. E., Stoerzinger, H. D., Jackson, K. M., & Roosa, M. W. (۱۹۹۶). Examination of the cross-cultural and cross-language equivalence of the parenting self-agency measure. *Family Relations*, ۲۱۶-۲۲۲.
- Epstein, B. J. (۲۰۱۰). Effects of a mindfulness based stress reduction program on fathers of children with developmental disability: Hofstra University.
- Eyberg, S. M., Nelson, M. M., & Boggs, S. R. (۲۰۰۸). Evidence-based psychosocial treatments for children and adolescents with disruptive behavior. *Journal of Clinical Child & Adolescent Psychology*, ۳۷(۱), ۲۱۵-۲۳۷.
- Foster, S. L., Prinz, R. J., & O'Leary, K. D. (۱۹۸۳). Impact of problem-solving communication training and generalization procedures on family conflict. *Child & Family Behavior Therapy*, ۵(۱), ۱-۲۳.



- Fredrickson, B. L., Cohn, M. A., Coffey, K. A., Pek, J., & Finkel, S. M. (۲۰۰۸). Open hearts build lives: positive emotions, induced through loving-kindness meditation, build consequential personal resources. *Journal of personality and social psychology*, ۹۵(۵), ۱۰۴۵.
- Friedmutter, R. (۲۰۱۵). The effectiveness of mindful parenting interventions: A meta-analysis: St. John's University (New York).
- Gupta, R. K., & Kaur, H. (۲۰۱۰). Stress among parents of children with intellectual disability. *Asia Pacific Disability Rehabilitation Journal*, ۲۱(۲), ۱۱۸-۱۲۶.
- Haydicky, J., Shecter, C., Wiener, J., & Ducharme, J. M. (۲۰۱۵). Evaluation of MBCT for adolescents with ADHD and their parents: Impact on individual and family functioning. *Journal of Child and Family Studies*, ۲۴(۱), ۷۶-۹۴.
- Hofmann, S. G., Sawyer, A. T., Witt, A. A., & Oh, D. (۲۰۱۰). The effect of mindfulness-based therapy on anxiety and depression: A meta-analytic review. *Journal of consulting and clinical psychology*, ۷۸(۲), ۱۶۹.
- Kabat-Zinn, J. (۲۰۰۳). Mindfulness-based interventions in context: past, present, and future. *Clinical psychology: Science and practice*, ۱۰(۲), ۱۴۴-۱۵۶.
- Kabat-Zinn, J. (۲۰۰۵). *Coming to our senses: Healing ourselves and the world through mindfulness*: Hachette UK.
- Lecavalier, L., Leone, S., & Wiltz, J. (۲۰۰۶). The impact of behaviour problems on caregiver stress in young people with autism spectrum disorders. *Journal of Intellectual Disability Research*, ۵۰(۳), ۱۷۲-۱۸۳.
- Lionetti, F., Pastore, M., & Barone, L. (۲۰۱۵). Parenting stress: the roles of attachment states of mind and parenting alliance in the context of adoption. *Parenting*, ۱۵(۲), ۷۵-۹۱.
- Liu, S. (۲۰۱۲). Adding emotion-regulation techniques into the Barkley's behavioral parent training program for parents of school-aged children with ADHD. *Neuropsychiatrie de l'enfance et de l'adolescence*, ۶۰(۵), S۱۹۶.
- Masarik, A. S., & Conger, R. D. (۲۰۱۷). Stress and child development: a review of the Family Stress Model. *Current Opinion in Psychology*, ۱۳, ۸۵-۹۰.
- Mash, E. J., & Barkley, R. A. (۲۰۰۶). *Treatment of childhood disorders*: Guilford press.
- Meppelink, R., de Bruin, E. I., Wanders-Mulder, F. H., Vennik, C. J., & Bögels, S. M. (۲۰۱۶). Mindful parenting training in child psychiatric settings: heightened parental mindfulness reduces parents' and children's psychopathology. *Mindfulness*, ۷(۳), ۶۸۰-۶۸۹.
- Montigny, F., & Lacharité, C. (۲۰۰۵). Perceived parental efficacy: Concept analysis. *Journal of advanced nursing*, ۴۹(۴), ۳۸۷-۳۹۶.
- Neff, K. D. (۲۰۰۳). The development and validation of a scale to measure self-compassion. *Self and identity*, ۲(۳), ۲۲۳-۲۵۰.
- Noller, P., & Callan, V. (۲۰۱۵). *The adolescent in the family*: Routledge.
- Östberg, M., Hagekull, B., & Hagelin, E. (۲۰۰۷). Stability and prediction of parenting stress. *Infant and Child Development*, ۱۶(۲), ۲۰۷-۲۲۳.
- Parent, J., McKee, L. G., Anton, M., Gonzalez, M., Jones, D. J., & Forehand, R. (۲۰۱۶). Mindfulness in parenting and coparenting. *Mindfulness*, ۷(۲), ۵۰۴-۵۱۳.
- Parent, J., McKee, L. G., Anton, M., Gonzalez, M., Jones, D. J., & Forehand, R. (۲۰۱۶). Mindfulness in parenting and coparenting. *Mindfulness*, ۷(۲), ۵۰۴-۵۱۳.
- Pelham Jr, W. E., & Fabiano, G. A. (۲۰۰۸). Evidence-based psychosocial treatments for attention-deficit/hyperactivity disorder. *Journal of Clinical Child & Adolescent Psychology*, ۳۷(۱), ۱۸۴-۲۱۴.
- Restifo, K., & Bögels, S. (۲۰۰۹). Family processes in the development of youth depression: Translating the evidence to treatment. *Clinical psychology review*, ۲۹(۴), ۲۹۴-۳۱۶.



- Rice, P. L. (۱۹۹۹). *Stress and health*: Brooks/Cole Publishing Pacific Grove, CA.
- Robin, A. L., & Weiss, J. G. (۱۹۸۰). Criterion-Related Validity of Behavioral and Self-Report Measures of Problem-Solving Communication-Skills in Distressed and Non-Distressed Parent-Adolescent Dyads. *Behavioral Assessment*, ۲(۴), ۳۳۹-۳۵۲.
- Robin, A., & Foster, S. (۱۹۸۹). *Negotiating parent-adolescent conflict: A behavioral family systems approach* Guilford. New York.
- Segal, Z. V., Teasdale, J. D., & Williams, J. M. G. (۲۰۰۴). *Mindfulness-Based Cognitive Therapy: Theoretical Rationale and Empirical Status*.
- Shecter, C. (۲۰۱۳). *Mindfulness training for adolescents with ADHD and their families: A time-series evaluation*. University of Toronto.
- Siegel, D. J., & Hartzell, M. (۲۰۱۳). *Parenting from the inside out: How a deeper self-understanding can help you raise children who thrive*: TarcherPerigee.
- Singh, N. N., Singh, A. N., Lancioni, G. E., Singh, J., Winton, A. S., & Adkins, A. D. (۲۰۱۰). Mindfulness training for parents and their children with ADHD increases the children's compliance. *Journal of Child and Family Studies*, ۱۹(۲), ۱۵۷-۱۶۶.
- Small, S. A., Eastman, G., & Cornelius, S. (۱۹۸۸). Adolescent autonomy and parental stress. *Journal of youth and adolescence*, ۱۷(۵), ۳۷۷-۳۹۱.
- Song, Y., & Lindquist, R. (۲۰۱۵). Effects of mindfulness-based stress reduction on depression, anxiety, stress and mindfulness in Korean nursing students. *Nurse Education Today*, ۳۵(۱), ۸۶-۹۰.
- Sorkhabi, N. (۲۰۱۰). Sources of parent-adolescent conflict: Content and form of parenting. *Social Behavior and Personality: an international journal*, ۳۸(۶), ۷۶۱-۷۸۲.
- Tan, L. B. (۲۰۱۶). A critical review of adolescent mindfulness-based programmes. *Clinical child psychology and psychiatry*, ۲۱(۲), ۱۹۳-۲۰۷.
- Tan, L., & Martin, G. (۲۰۱۵). Taming the adolescent mind: A randomised controlled trial examining clinical efficacy of an adolescent mindfulness-based group programme. *Child and Adolescent Mental Health*, ۲۰(۱), ۴۹-۵۵.
- Van der Oord, S., Bögels, S. M., & Peijnenburg, D. (۲۰۱۲). The effectiveness of mindfulness training for children with ADHD and mindful parenting for their parents. *Journal of Child and Family Studies*, ۲۱(۱), ۱۳۹-۱۴۷.
- Wolraich, M. L., Wibbelsman, C. J., Brown, T. E., Evans, S. W., Gotlieb, E. M., Knight, J. R., . . . Wilens, T. (۲۰۰۵). Attention-deficit/hyperactivity disorder among adolescents: a review of the diagnosis, treatment, and clinical implications. *Pediatrics*, ۱۱۵(۶), ۱۷۳۴-۱۷۴۶.
- Young, M. E., Galvan, T., Reidy, B. L., Pescosolido, M. F., Kim, K. L., Seymour, K., & Dickstein, D. P. (۲۰۱۳). Family functioning deficits in bipolar disorder and ADHD in youth. *Journal of affective disorders*, ۱۵۰(۳), ۱۰۹۶-۱۱۰۲.



زنان و زنان سرپرست خانوار و کاهش بیکاری

استفاده از رگرسیون احتمالی لاجیت و پروبیت

علاءالدین ازوجی؛ دانشجوی دوره دکتری اقتصاد دانشگاه تربیت مدرس

alaezo@gmail.com

چکیده:

در هر اقتصاد، زنان بخشی از نیروی کار در فعالیت های اقتصادی را تشکیل می دهند. در کنار این رویکرد، نقش مادر بودن و یا سرپرست بودن زنان در خانواده نقش کلیدی و تعیین کننده در بازار کار و اشتغال دارد. با توجه به ساختار فرهنگی، اقتصادی و اجتماعی کشورها، تمایل به بازار کار و انجام فعالیت های اقتصادی متفاوت است. لذا بررسی زوایای بازار کار زنان و زنان سرپرست خانوار در ایران مهم است. در این مطالعه موضوع بیکاری زنان و زنان سرپرست خانوار مدل سازی شد و با استفاده از ریزداده های خام نتایج طرح نیروی کار (سال ۱۳۹۴)، الگوی مورد نظر تخمین زده شده است. در این میان، شاخص وضع زناشویی و یا تاهل به عنوان نماینده "شاخص سلامت اجتماعی" و تاثیر آن بر بیکاری زنان و زنان سرپرست خانوار با استفاده از مدل خطی و غیر خطی، مدل های پروبیت و لاجیت مورد آزمون قرار گرفته است. نتایج نشان می دهد که کلیه متغیرهای توضیحی مطابق انتظار ظاهر شده و اثرات مثبت بر وضعیت بیکار شدن زنان و زنان سرپرست خانوار در ایران دارد. ضمن این که در نتایج تخمین بیکاری زنان سرپرست خانوار (به دلیل وضعیت اجتماعی و اقتصادی و فرهنگی آنان) واکنش بیکاری زنان سرپرست خانوار و احتمال بیکار شدن آنها بیش از بیکاری کل زنان است.

کلمات کلیدی: بیکاری - زنان - زنان سرپرست خانوار - مدل های احتمالی

۱. مقدمه

خانواده مهمترین رکن جامعه می باشد که شامل زن، مرد و فرزندان می باشد. این خانواده را عوامل مهمی زیربنای آن قرار می گیرد که یکی از این مبنای اقتصاد خانواده می باشد. اقتصاد خانواده در جوامع مختلف تفاوت دارد. در این میان دو محور اصلی در اقتصاد خانواده مهم است. یکی ساختار خانواده و دیگری؛ فعالیت های اقتصادی و اجتماعی هر خانواده می تواند در استمرار و پایداری خانواده نقش کلیدی داشته باشند و این دو با هم ارتباط تنگاتنگی دارند. بدیهی است که خانواده برای تامین معیشت اعضاء نیازمند کار و فعالیت اقتصادی است. مساله این است که اگر ساختار خانواده از بعد تاهل و تحکم تقویت شود آیا می توان انتظار داشت که وضع فعالیت اقتصادی خانواده به خصوص بیکاری و اشتغال اعضای خانواده، بهتر خواهد بود یا خیر؟

بیکاری یکی از پدیده های نامطلوب در اقتصاد است که پیامدهای منفی اقتصادی-اجتماعی فراوانی را به دنبال دارد. این پدیده در دهه های اخیر کشورهای توسعه یافته و در حال توسعه را به خود مشغول داشته است. تغییرات وسیع تکنولوژیک و ارتقاء تحصیلات زنان، همزمان با برخی دگرگونی های نقش در خانوار، بستر افزایش ساعات کار زوجین (زن و شوهر) را بطور همزمان در بازار کار فراهم آورده است. مبتنی بر نظر رالف اسمیت (۱۹۷۹)، افزایش در مشارکت زنان متاهل را می توان یک انقلاب ظریف^۱ نامید که از دهه ۱۹۶۰ اوج گرفت. در راستای افزایش حضور زنان متاهل در بازار کار دامنه تحقیقات در حوزه هایی نظیر: توازن کار- زندگی^۱ (مدالیا و جاکوب، ۲۰۰۸)، آثار سیاست های رفاهی و مالیاتی بر عرضه نیروی کار زنان متاهل (ایمرال و دیگران، ۲۰۰۹)، کالاسکوا^۱ (۲۰۱۵)، تغییرات رفتار عرضه نیروی کار زنان متاهل (بلاو و کان، ۲۰۰۶) و جونز^۱ (۲۰۱۵)، مقایسه ی بین کشوری در خصوص سیستم مالیات بر درآمد زنان متاهل در خانوار (اسمیت و دیگران (۲۰۰۳) و البرگ و دیگران (۲۰۱۳))، گسترش یافته است.



در بررسی تغییر و تحولات بازار کار ایران تمایل بیشتر برای بررسی عرضه و تقاضای کار است و کمتر به بررسی ساختار بیکاری و ویژگی های بیکاران پرداخته شده است. ضمن آن که زنان از جمله زنان سرپرست خانوار نقش کلیدی می توانند داشته باشند. بررسی این موضوع می تواند ویژگی های بیکاران به ویژه زنان را تا حدودی تبیین نماید. هر چند بیکاری از عدم تعادل عرضه و تقاضای نیروی کار بدست می آید ولی تبیین این ساختار می تواند بخشی از زوایای بازار کار را برای سیاست گذاری روشن سازد.

در این مطالعه به بررسی نقش مادری (و تاهل بودن زنان شاغل) و زنان سرپرست خانوار در کاهش بیکاری ایران خواهیم پرداخت. بر اساس آمار مرکز آمار ایران، نرخ بیکاری در سال ۱۳۹۵ حدود ۱۲٫۴ درصد بوده است که بیش از ۳۱ درصد بیکاران کشور را زنان تشکیل داده اند. به رغم پایین بودن سطح نرخ مشارکت اقتصادی زنان در بازار کار ایران، ولی نرخ بیکاری آنها در این سال در حدود ۲۰٫۷ درصد است. ضمن این که نرخ بیکاری جوانان گروه سنی ۱۵ تا ۲۹ ساله بیش از ۲۵ درصد بوده است. با توجه به بالا بودن سهم بیکاران زن جوان (۱۵-۲۹ ساله) از کل بیکاران زنان (بیش از ۷۰ درصد)، می توان گفت که با ملاحظات جنسیتی، بیکاری زنان جوان نقش تعیین کننده ای نسبت به بیکاری مردان جوان در کل نرخ بیکاری نیروی کار داشته و دارد. زیرا که توزیع و پراکندگی بیکاری مردان در سنین مختلف نسبت به زنان بطور نسبی بیشتر بوده و هر یک از گروه های سنی به تناسب سهمی در نرخ بیکاری دارند در حالی که برای زنان این تمرکز در گروه سنی جوانان بیش از سایر گروه ها است. این موضوع در برنامه ریزی ها و سیاست گذاری ها حائز اهمیت است.

در عین حال این مطالعه به بررسی ارتباط میان وضعیت زنان از بعد تاهل و سرپرست بودن آنها (یعنی زنان سرپرست خانوار با توجه به بافت اجتماعی، اقتصادی و فرهنگی این نوع خانوارها) با بیکاری از منظر خرد (مبتنی بر ریزداده ها) مورد بررسی قرار گیرد. در این راستا در مقاله حاضر بعد از ارائه چارچوب نظری، بر اساس شواهد آماری برخی از ساختارها و روند بازار کار زنان و زنان سرپرست خانوار در ایران مورد بررسی قرار می گیرد. در ادامه، بر اساس چارچوب نظری و تجربی سعی شده است الگوی رفتاری زنان و زنان سرپرست خانوار در کاهش بیکاری تعیین شود و متناسب با آن الگوی مورد نظر در قالب مدل های اقتصادسنجی برآورد و مورد تجزیه و تحلیل قرار گیرد. در نهایت، جمع بندی مقاله بحث پایانی مقاله را تشکیل می دهد.

۲. چارچوب نظری

در اکثر ادبیات نظری اقتصاد خرد نئوکلاسیک رفتار تصمیم گیری زوجین در بازار کار، خانوار به عنوان یک واحد، بدنبال حداکثر سازی «تابع رفاه جمعی»^۱ (جمع توابع مطلوبیت اعضا) با قید محدودیت بودجه کل است. ساموئلسون^۱ (۱۹۵۶) برای نخستین بار نشان داد که فرض «اجماع خانواده» و یا یک توافق دوجانبه در طول تصمیم گیری برای مصرف پول و زمان در خانوار دور از ذهن نیست. وی فرض کرد در یک خانوار هر عضو مصرف خود از کالاها و خدمات و همچنین منحنی بی تفاوتی مربوط به سفارش آن کالاها و خدمات را دارا است. علاوه بر این، اگرچه ترجیحات در میان کالاها مصرفی فرد به رفتار دیگر اعضا بستگی ندارد، اما ترجیحات همه ی اعضا با «تابع رفاه جمعی» که ارزش اخلاقی مصرف هر عضو را به حساب می آورد، در ارتباط بوده و خانواده اقدام به حداکثر نمودن این تابع رفاه مشترک می نماید. نتیجه رویکرد ساموئلسون نشان می دهد تقاضای کل قابل مشاهده، فقط به قیمت ها و درآمد کل بستگی داشته و علاوه بر این، تقاضای کل، ترجیحات آشکار شده یا خواص «اسلاتسکی-هیکیسی»^۱ مربوط به هر تقاضای واحد را خواهد داشت.

بعد از انتقاد های صورت گرفته در خصوص نظریه ساموئلسون نسبت به وجود یک تابع ترجیحات واحد برای خانوار و چگونگی توجیه وجودی آن، بکر^۱ (۱۹۷۳) موارد مختلفی را در تکمیل رویکرد نئوکلاسیک رفتار مصرف و عرضه کار خانوار ارائه نمود^۱. وی در توجیه وجود یک تابع رفاه جمعی و مشترک برای خانوار، طرح می کند که ترجیحات تمامی اعضا در خانوار با ترجیح یکی از اعضا منطبق می شود، عضوی که سرپرست و یا راس خانوار نامیده می شود. بکر معتقد است اگر یکی از اعضا خانوار - سرپرست یا راس خانوار - برای همه اعضا خیرخواه^۱ باشد، بگونه ای که منابع را به آنها انتقال دهد، این خانوار حتی اگر ترجیحات سایر اعضا کاملاً متفاوت باشد، بگونه ای عمل می کند که گویا ترجیحات راس یا سرپرست را حداکثر می کند.^۱ در تایید این رویکرد آلدومن و همکارانش^۱ (۱۹۹۵) بیان می کنند که خانواده (یا به عبارت دیگر تمام اعضای خانواده) به عنوان یک فرد عمل می کند و به دنبال حداکثر سازی ترجیحات مشترک می باشد و در ادبیات عرضه نیروی کار، کاربرد دو عبارت «مطلوبیت خانوار- قیدبودجه خانوار» بوضوح قابل مشاهده است.



در الگوی نئوکلاسیک عرضه کار زوجین در خانوار طرح شده توسط فورتن و لاکریکس^۱ (۱۹۹۷)، فرض می شود که رفتار خانوار در جهت حداکثرسازی تابع مطلوبیت اجتماعی با توجه به محدودیت بودجه تبیین می گردد. زوجین در خانوار بگونه ای در نظر گرفته می شوند که فرد $\{0, 1\}$ $i \in$ کالای ترکیبی خصوصی C^i را در قیمت واحد مصرف می کند و دارای h^i ساعت عرضه نیروی کار در بازار کار است. اگر W_1 و Y_1 به ترتیب معرف درآمد غیر کاری و نرخ دستمزد وی باشد، خانوار درصدد حل مسئله زیر خواهد بود:

$$Max U = \tilde{U}(c^1, c^2, h^1, h^2) \quad (1)$$

با توجه به قید:

$$w_1 h^1 + w_2 h^2 + y_1 + y_2 \geq c^1 + c^2$$

جایی که $\tilde{U}(\cdot)$ نسبت به C^1 و C^2 افزایشی و نسبت به h^1 و h^2 کاهش، شبه مقعر و نسبت به مؤلفه‌های خود تا دو بار قابلیت مشتق‌پذیری را در قیمت واحد دارا است.

از آنجا که در اکثر مجموعه‌های اطلاعاتی C^1 و C^2 قابل مشاهده نیست و صرفاً مجموع مصارف $C = C^1 + C^2$ قابل مشاهده است، لذا با استفاده از قضیه‌ی کالای مرکب هیکس^۱ (و از آنجا که قیمت به واحد در نظر گرفته شده است، می‌توان تابع مطلوبیت را در شکل کاهش‌یافته $U = U(c, h_1, h_2)$ خلاصه و با توجه به قید بودجه خانوار حداکثر نمود:

$$Max U = u(c, h_1, h_2) \quad (2)$$

با توجه به قید:

$$w_1 h^1 + w_2 h^2 + y_1 + y_2 \geq c$$

حال اگر دو تابع ذیل:

$$h^1(w_1, w_2, y_1, y_2)$$

و

$$h^2(w_1, w_2, y_1, y_2)$$

به عنوان توابع عرضه ساعات کار فاقد محدودیت در نظر گرفته شود، برای هر یک از زوجین (زن و شوهر) توابع عرضه ساعات کار به شکل ذیل ارائه می گردد:

$$H^1(w_1, w_2) = h^1(w_1, w_2, y_1, y_2) \quad (3)$$

$$H^2(w_1, w_2, y_1 + y_2) = h^2(w_1, w_2, y_1, y_2)$$

در بسیاری از تحقیقات از مدل نئوکلاسیک ایستا^۱ در انتخاب کار- فراغت، به عنوان چارچوب تحلیل استفاده شده است. با فرض اینکه اوقات فراغت کالایی نرمال است، تجزیه تحلیل استاندارد انتخاب کار- فراغت به معنای یک اثر جانشینی^۱ مثبت و یک اثر درآمدی^۱ منفی در واکنش ساعات کار عرضه شده نسبت به تغییرات نرخ دستمزد است. به عبارتی دیگر افزایش در نرخ دستمزد واقعی باعث گران‌تر شدن اوقات فراغت و تمایل به افزایش ساعات کار شده - اثر جانشینی - و این در حالی است که افزایش در نرخ دستمزد به منزله‌ی یک افزایش در درآمد منجر به خرید کالاهای مختلف از جمله فراغت - اثر درآمدی - نیز می‌گردد. در بسیاری از مطالعات انجام شده برآیند مجموع این دو اثر قابل پیش‌بینی نبوده و این امر بستگی به غلبه اثر جانشینی و یا اثر درآمدی بر دیگری دارد. بحث نظری وجود خمیدگی رو به عقب^۱ منحنی عرضه ساعات کار مفهوم تجربی وجود اثر درآمدی قوی‌تر از اثر جانشینی را ارائه می‌کند. در طول سی سال گذشته پیشرفت‌های قابل توجهی در توسعه و ارزیابی الگوهای عرضه نیروی کار خانوار حاصل شده که بطور کلی جهت پاسخ به سوالات کلیدی سیاست‌گذاری رفاه خانوار مورد توجه قرار می‌گیرد و در این بین الگوی سنتی از جهات مختلف روش‌شناسی، کاربرد تجربی و آزمون قیود و در نهایت سیاست‌های اقتصاد رفاه مورد نقد و بررسی قرار گرفته است (ورمئولن^۱ - ۲۰۰۶).



واقعیت رو به فزونی تک والدی در جامعه مدرن، که در شکل زنان سرپرست خانوار رخ می‌نماید، موضوع مهم دیگری است که اهمیت کار دستمزدی زنان را نشان می‌دهد. این حقیقت که بطور متوسط زنان دستمزد کمتری نسبت به مردان دریافت می‌کنند به طور نامتوازی بر میزان فقر در خانواده‌های زن سرپرست می‌افزاید. مسئله مهمی که زنانه شدن فقر را با خود به دنبال دارد. (دان^۱ و والر^۱، ۱۹۹۶)

تاکید جامعه‌شناسی بر مطالعه وضعیت اشتغال زنان بخاطر پیامدهای اجتماعی گسترده‌ای است که فراتر از نتایج اقتصادی هستند. خانواده بسیار از واقعیت تاثیر می‌پذیرد، در حالیکه، بطور سنتی زنان مسئول کار خانگی بودند، با عهده‌داری کار دستمزدی توانایی آنان جهت انجام کار خانگی و در حقیقت، کیفیت زندگی اعضای خانواده آنان تحت تاثیر قرار می‌گیرد.

خانواده‌ها باید با تغییر نقش شغلی زنان در تدارک دیگری برای انجام کار خانگی باشند (چافتز^۱، ۱۹۹۷). حال آنکه مطالعات نشان می‌دهد سرعت انطباق خانواده‌ها با این امر کند است و زنان بسیاری امروزه در شیفت مضاعفی همچنان عهده‌دار انجام کار خانگی در کنار کار دستمزدی هستند (برک^۱، ۱۹۸۵، فره^۱، ۱۹۹۱، هوچایلد^۱، ۱۹۸۹، اسچور^۱، ۱۹۹۱، استل^۱، ۱۹۹۵). سازمان ملل (۱۹۹۵) تخمین می‌زند که دو سوم کار خانگی را زنان انجام می‌دهند. این نابرابری توجه جامعه‌شناسان را به آنچه کشمکش کار/خانواده نامیده می‌شود جلب کرده است (ابوت^۱، ۱۹۹۳).

علیرغم افزایش مشارکت زنان در نیروی کار در طی نیمه‌ی دوم قرن بیستم، الگوی کار بسیاری از زنان همچنان تفاوت اساسی با مردان داشت. افزایش مشارکت زنان در بازار کار با نقش مادری ترکیب شد که اغلب به‌عنوان «نقش‌های دوگانه» از آن یاد می‌شود. در نتیجه‌ی حضور بیشتر زنان و ترکیب نقش‌های اشتغال و مادری، تصویر ابر زن^۱ ظهور یافت (گیلسپای^۱، ۲۰۰۱: ۱۴۴).

زنان به دلایل مختلف ناچار به سرپرستی خانوار می‌شوند، بر همین اساس خانوارهای زن سرپرست به ۳ گروه تقسیم می‌شوند: گروه اول؛ خانوارهایی هستند که در آنها مرد به طور دائمی حضور ندارند و زنان به دلیل فوت همسر یا طلاق سرپرستی خانواده را بر عهده دارند یا دخترانی که ازدواج نکردند و تنها زندگی می‌کنند.

گروه دوم؛ خانوارهایی را شامل می‌شود که مرد به طور موقت و به دلیل مهاجرت، مفقودالاثربودن، متواری یا زندانی، سرباز بودن و ... غایب است و زنان مجبور هستند به تهیه معاش خود و احیانا فرزندانشان بپردازند.

گروه سوم؛ خانوارهایی هستند که مرد در آنها حضور دارد، اما به دلیل بیکاری، از کارافتادگی، اعتیاد و... نقشی در امرار معاش ندارد و زنان در واقع مسئولیت زندگی خود و احیانا فرزندانشان را عهده‌ار می‌شوند (نازکتبار، حسین و رضا ویسی، ۱۳۸۲).

در خصوص دلایل زن سرپرستی خانواده، دلایل منطقه‌ای هم موثرند. از آن جمله، در آسیا بیوه شدن هنوز دلیل اصلی است. در جنوب و شمال آفریقا و خاورمیانه مهاجرت بین المللی دلیل رایج و اصلی به شمار می‌رود. کشورهای دارای مازاد نیروی کار، بخشی از مازاد نیروی کار مرد را به خارج می‌فرستند و خانواده‌های آنها توسط زنان اداره می‌شوند. در غرب و مرکز آفریقا مردان به شهرها مهاجرت و زنان مناطق روستایی تنها زندگی می‌کنند. در کشورهای اروپای غربی (۲۵-۱۸) درصد از خانواده‌های فقیر، زن سرپرست هستند. این درصد برای ایرلند ۴۰ درصد، برای کانادا ۵۰ و برای امریکا ۶۳ درصد است.

۳. شواهد آماری زنان در بازار کار

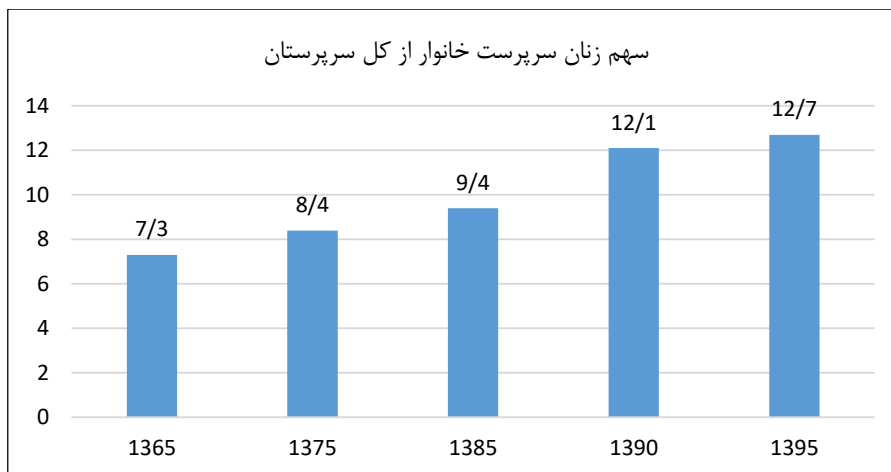
بر اساس نتایج طرح نیروی کار مرکز آمار ایران، در سال ۱۳۹۵ در حدود ۴۸۹۳ هزار نفر زن به عنوان جمعیت فعال (و تمایل به کار) وجود داشته است که حدود ۱۹ درصد از کل جمعیت فعال اقتصادی ایران را به خود اختصاص داده‌اند. البته نرخ بیکاری زنان نه تنها بیشتر از مردان می‌باشد بلکه در سطوح عالی این وضعیت بالاتر است. در مجموع، عمده‌ترین گروه آسیب‌پذیر در نیروی کار ایران، زنان با تحصیلات بالاتر هستند. از یکسو با کسب سرمایه‌ی انسانی برای حضور در فعالیت‌های اقتصادی آماده می‌شوند اما از سوی دیگر بازار کار، برای جذب زنان تحصیل کرده، توان لازم را ندارد (قدرتی، ۹۴: ۴۸).

همچنین بر اساس نتایج سرشماری عمومی نفوس و مسکن مرکز آمار ایران، در سال ۱۳۹۵ تعداد زنان سرپرست خانوار نیز ۳۰۶۱ هزار نفر گزارش شده است که ۷۵ درصد آنها در مناطق شهری و مابقی در مناطق روستایی ساکن هستند. نکته قابل توجه این که در ایران داده‌های آماری از روند رو به رشد تعداد زنان سرپرست خانوار در دهه اخیر خبر می‌دهد. به طوری که مطابق نمودار (۱) در سال‌های ۱۳۶۵،



۱۳۷۵، ۱۳۸۵، ۱۳۹۰ و ۱۳۹۵ به ترتیب ۷،۳ درصد، ۸،۴ درصد، ۹،۴ درصد، ۱۲،۱ درصد و ۱۲،۷ درصد از کل خانوارهای ایرانی را تشکیل داده اند.

نمودار(۱): سهم زنان سرپرست خانوار از کل سرپرستان در اقتصاد ایران - درصد



ماخذ: مرکز آمار ایران، نتایج سرشماری عمومی نفوس و مسکن، سال های مربوطه

ترکیب خانوارهای شهری و روستایی که دارای زنان سرپرست خانوار می باشند نشان می دهد که به طور متوسط ۶۲ درصد آنها خانه دار، ۱۵،۶ درصد نیز دارای درآمد بدون کار، ۱۴،۶ درصد شاغل و مابقی یا بیکار و یا محصل و ... می باشند. بنابراین تمرکز اصلی این ترکیب بیشتر بر خانه داری زنان سرپرست خانوار است. در این صورت در صورت عدم درآمد کافی، خانواده دچار آسیب خواهند شد. جدول(۱) و نمودار(۲) مشاهده شود.

جدول(۱): تعداد و ترکیب خانوارهای معمولی دارای سرپرست زن بر حسب وضع فعالیت - ۱۳۹۵

روستایی	شهری	کل	کل زن سرپرست خانوار	ب: حسب وضع فعالیت (درصد)
۷۵۶	۲۳۰۳	۳۰۶۱		
۱۴،۵	۱۴،۷	۱۴،۶	شاغل	
۰،۷	۱،۴	۱،۳	بیکار	
۰،۶	۱،۵	۱،۳	محصل	
۶۸،۳	۵۹،۷	۶۱،۸	خانه دار	
۷،۹	۱۸،۲	۱۵،۶	دارای درآمد بدون کار	
۷،۷	۴،۵	۵،۳	سایر	
۰،۲	۰،۱	۰،۱	اظهار نشده	

ماخذ: مرکز آمار ایران - سرشماری عمومی نفوس و مسکن سال ۱۳۹۵



بر اساس نتایج سرشماری عمومی نفوس و مسکن مرکز آمار ایران، در سال ۱۳۹۵ نشان می دهد که هم در خانورهای شهری و هم روستایی در اقتصاد ایران، با افزایش سن، سهم زنان به عنوان سرپرست خانوار افزایش می یابد. به عبارت دیگر، افزایش سن و یا کهولت سن موجب خواهد شد که نقش زنان در پذیرش مسئولیت های اقتصادی و اجتماعی نیز افزایش یابد. دلایل مختلفی را برای آن می توان تصور کرد. به عنوان مثال بر اساس اطلاعات ثبتی سازمان بهزیستی کشور در این سال عوامل مختلفی در تعیین پذیرش سرپرستی زنان در خانواده نقش دارند. این آمارها نشان می دهد که این آمارها نشان می دهد که حدود ۴۰ درصد از این خانوارها بابت موضوع طلاق بوده است. از کارافتادگی همسر در حدود ۲۵,۳ درصد و فوت همسر به میزان ۲۰,۵ درصد در جایگاه بعدی قرار دارند.

۴. تصریح مدل و توصیف داده ها

روش این مطالعه با توجه به ماهیت تحقیق، به صورت "اسنادی و تحلیلی" است. به طوری که اطلاعات و ویژگی های بازار کار (جمعیت شاغل، بیکار و فعال) کل کشور و سایر متغیرهای مرتبط با اشتغال و بیکاری از نتایج طرح نیروی کار استخراج شده است. در این مطالعه، با توجه به اطلاعات موجود در این طرح، عوامل تعیین کننده و تغییر دهنده بیکاری زنان و زنان سرپرست خانوار شامل جنسیت، وضع تحصیلی، مدرک تحصیلی، وضعیت زناشویی و بعد خانوار مورد بررسی قرار گرفته است. با در نظر گرفتن مدل مورد استفاده و مطالعات تجربی انجام شده، الگوی نهایی را می توان به صورت زیر ارائه کرد:

$$Y_i = \alpha_0 + \alpha_i \sum_1^n X_i + \varepsilon_i$$

در آن Y_i وضع بیکاری نیروی کار زن، X_i متغیرهای اثرگذار اشاره شده در پاراگراف قبلی است. α_0 و α_i به ترتیب پارامتر ثابت و ضریب متغیرهای اثرگذار نیروی کار بیکار می باشند. ε_i نیز جمله اخلاص مدل می باشد. لازم به ذکر است که در این الگو، شاخص تاهل به عنوان نماینده "شاخص سلامت اجتماعی" و تاثیر آن بر بیکاری زنان و زنان سرپرست خانوار مورد آزمون قرار گرفته است. بر این اساس مدل تجربی که تخمین زده شده است به صورت زیر آمده است:

$$bikar_{03i} = \alpha_0 + \alpha_1 d_{15i} + \alpha_2 d_{17i} + \alpha_3 d_{19i} + \alpha_4 afrad_i + \alpha_5 d_{17i}^2 + \alpha_6 d_{04i} + \varepsilon_i$$

به طوری که:

$bikar_i$ = وضع بیکاری نیروی کار زن (بیکار یا شاغل بودن)

d_{15i} = وضع تحصیل فرد بیکار (در حال تحصیل بودن یا نبودن)

d_{17i} = مدرک تحصیلی فرد بیکار (از مقطع ابتدایی تا مقطع دکتری)

d_{19i} = وضع زناشویی و یا تاهل (دارای همسر، بی همسر، بی همسر بر اثر طلاق و هرگز ازدواج نکرده)

$afrad_i$ = بعد خانوار

d_{17i}^2 = مدرک تحصیلی فرد بیکار به توان دو (مقطع ابتدایی تا مقطع دکتری)

d_{04i} = جنسیت (مرد یا زن)

α_i = ضریب متغیر مستقل (و ثابت)

ε_i = جمله اخلاص مدل می باشد.

آمار و اطلاعات مورد نیاز این مطالعه از داده های خام نتایج طرح نیروی کار مرکز آمار ایران استفاده شده است. لذا جامعه آماری این مطالعه، کشور ایران بوده و داده های آن مقطعی و برای سال ۱۳۹۴ می باشد. کل تعداد مشاهدات نمونه ای این مطالعه بیش از ۶۵ هزار نمونه می باشد و با توجه به محدود شدن به نیروی کار زن و پالایش آمارها، مرحله بعدی داده ها به کمتر از ۲۰ هزار نمونه کاهش می یابد. جدول (۲) خلاصه ای از شاخص های مرکزی و پراگندگی از جمله میانگین و انحراف معیار مربوط به هر یک از متغیرهای یاد شده را از نتایج طرح نیروی کار محاسبه و ارائه نموده است.



جدول (۲): خلاصه ای شاخص های مرکزی و پراکندگی متغیرهای مورد استفاده در مدل ها

Variable	Obs	Mean	Std. Dev.	Min	Max
bikar	65535	.1765164	.5050189	0	6
bikarfim	22433	-.2592085	.0621187	-.3259053	-.1730564
bikerguar	23820	.9321579	2.360339	0	24
d04	65535	1.501534	.5000015	1	2
d15	59849	1.735083	.4412925	1	2
d17	47840	26.35443	16.75949	11	71
d19	55649	2.185646	1.430631	1	4
d172	47840	975.4308	1157.227	121	5041
afrad	65535	4.585138	1.856047	1	21

۵. نتایج و تحلیل ها

برای این که بتوان به صورت تجربی بیکاری زنان از نگاه خانوار(خرد) بررسی نمود در این مطالعه، چهار نوع مدل اقتصاد سنجی شامل مدل خطی معمولی، مدل های غیر خطی، مدل پروبیت و مدل لاجیت استفاده شده است. همچنین برای این که اثرگذاری هر یک از ضرایب به عنوان متغیر مستقل روشن گردد، بعد از تخمین مدل ها، اثرات نهایی (marginal effect) هر یک از ضرایب نیز محاسبه و آورده شده است.

جدول (۳) نتایج برآورد بیکاری نیروی کار زن در مدل های خطی، غیرخطی و احتمالی را نشان می دهد. همان طور که ملاحظه می شود کلیه متغیرهای توضیحی مطابق انتظار ظاهر شده و اثرات مثبت بر وضعیت بیکار شدن زنان در ایران دارد. بطوری که هر چه نیروی کار زن(جمعیت فعال) در وضعیت تحصیل نباشند و یا فارغ التحصیل باشند و یا این که مدرک تحصیلی نیروی کار زن بالاتر باشد احتمال بیکار شدن آنها بالاتر خواهد شد. همچنین از لحاظ وضعیت زناشویی چنانچه نیروی کار زن بی همسر و یا متعلقه باشند و یا این که هرگز ازدواج نکرده باشند احتمال بیکار شدن آنها افزایش می یابد. بعد خانوار نیز می تواند در بیکار شدن تاثیر داشته باشد به طوری که نیروی کار زن در یک خانواده پرجمعیت تر زندگی کند این احتمال نیز افزایش خواهد یافت.

نکته بعدی این که در مقایسه نتایج ضرایب بدست آمده از مدل های خطی و غیر خطی نسبت به مدل های احتمالی نشان می دهد که همواره ضرایب بدست آمده در مدل های احتمالی بیشتر می باشد. با توجه به ساختار مدل و داده های خام و وجود داده های صفر و یک در متغیر وابسته محدود، مدل های احتمالی لاجیت و پروبیت از دقت بیشتری برخوردار بوده و خطای آن کمتر از مدل های معمولی است. شایان ذکر است نتایج تفصیلی تخمین مدل ها در انتهای گزارش آورده شده است.

جدول (۳): نتایج برآورد عوامل موثر بر بیکاری زنان در مدل های خطی، غیر خطی و احتمالی

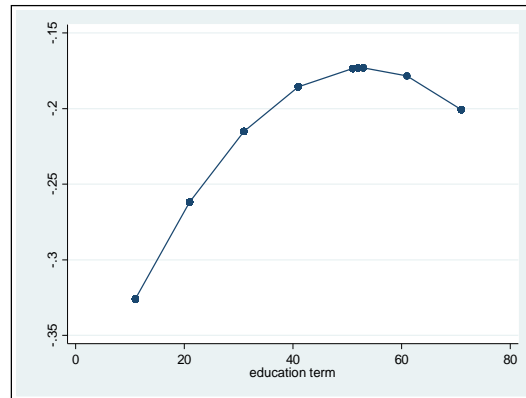
(متغیر وابسته: $bikar_i$ = وضع بیکاری نیروی کار زن)

متغیر توضیحی	روش OLS	مدل غیرخطی (NLS)	مدل لاجیت	مدل پروبیت
d_{15i} = وضع تحصیل فرد بیکار(در حال تحصیل بودن یا نبودن)	۰,۱۳۵۳ (۱۳,۵۷)	۰,۱۴۶۲ (۱۴,۵۳)	۰,۶۴۴۳ (۱۱,۷۷)	۰,۳۵۷۸ (۱۱,۹۰)
d_{17i} = مدرک تحصیلی فرد بیکار(مقطع ابتدایی تا مقطع دکتری)	۰,۰۰۳۱ (۱۵,۳۵)	۰,۰۰۹۲ (۱۰,۷۴)	۰,۰۱۶۷ (۱۵,۴۳)	۰,۰۰۹۲ (۱۵,۲۸)
d_{19i} = وضع زناشویی(دارای همسر، بی همسر، بی همسر بر اثر طلاق و هرگز ازدواج نکرده)	۰,۰۲۴۸ (۷,۹۵)	۰,۰۲۲۲ (۷,۱۰)	۰,۱۳۰۱ (۷,۸۸)	۰,۰۶۷۹ (۷,۴۳)
$afrad_i$ = بعد خانوار	۰,۰۶۴۶ (۳۰,۵۸)	۰,۰۶۵۸ (۳۱,۱۰)	۰,۲۳۲۷ (۲۱,۲۳)	۰,۱۳۳۵ (۲۱,۷۱)
d_{17i}^2 = مدرک تحصیلی فرد بیکار به توان دو(مقطع ابتدایی تا مقطع دکتری)	---	-۰,۰۰۰۸ (-۷,۳۳)	---	---
α_i = ضریب ثابت	-۰,۴۹۰۲ (-۱۹,۷۷)	-۰,۵۸۴۷ (-۲۰,۹۴)	-۰,۵۸۳۶ (-۲۵,۱۳)	-۰,۷۵۹ (-۳۶,۶۲)

اعداد داخل پرانتز مقدار آماره t می باشد.



نکته دیگر این که برای تبیین مدل های غیر خطی، در این مطالعه نیز مدرک تحصیلی نیروی کار زنان را با توان دو در نظر گرفتیم تا با وضعیت بیکاری زنان مقایسه نمائیم. ابتدا رابطه بین وضعیت بیکاری زنان و مدرک تحصیلی شان را در قالب نمودار ترسیم نمودیم.



حداکثر منحنی بیکاری زنان - تحصیلات وقتی اتفاق می افتد که مشتق ضرایب متغیر تحصیلات به تحصیلات به توان ۲ برابر با صفر باشد یا وقتی که:

```
. nlcom (md172: _b[d17]/(2*_b[d172]))
md172: _b[d17]/(2*_b[d172])
```

bikar	Coef.	Std. Err.	t	P> t	[95% Conf. Interval]
md172	-53.0962	2.700188	-19.66	0.000	-58.38878 -47.80362

که این عبارت چون یک نسبت است، یک تابع غیر خطی از نظر پارامترها می باشد. در جدول (۴) اثر نهایی متغیر مدرک تحصیلی بر بیکاری زنان در مدل غیر خطی محاسبه شده است.

جدول (۴): محاسبه اثر نهایی متغیر مدرک تحصیلی بر بیکاری زنان در مدل غیر خطی

```
. summarize d17, detail
```

education term					
Percentiles		Smallest			
1%	11	11			
5%	11	11			
10%	11	11	Obs	47840	
25%	11	11	Sum of Wgt.	47840	
50%	21		Mean	26.35443	
		Largest	Std. Dev.	16.75949	
75%	41	71	Variance	280.8806	
90%	52	71	Skewness	.853937	
95%	52	71	Kurtosis	2.712043	
99%	71	71			

```
. lincom d17+2*d172*21
( 1) d17 + 42*d172 = 0
```

bikar	Coef.	Std. Err.	t	P> t	[95% Conf. Interval]
(1)	.0055368	.0003904	14.18	0.000	.0047716 .0063021

در ادامه کار، سعی کردیم با توجه به وضعیت نیروی کار زنان سرپرست خانوار را در قالب مدل نشان دهیم و بررسی کنیم که با توجه به ساختار مدل و متغیرهای توضیحی آن دو (بیکاری زنان و بیکاری زنان سرپرست خانوار) روابط میان متغیرهای توضیحی و وابسته چگونه بوده و چه تفاوتی میان آن دو مشاهده می شود. چرا که وضعیت اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی این دو گروه خاص در بازار کار متفاوت می باشد (هرچند که در کل بازار کار زنان، داده های زنان سرپرست خانوار نیز در مقوله نیروی کار زنان قرار می گیرد ولی سهم آنها ناچیز است). جدول (۵) نتایج برآورد عوامل موثر بر بیکاری زنان سرپرست خانوار در مدل های خطی و احتمالی را نشان می دهد.

همان طور که ملاحظه می شود بر اساس مدل های احتمالی لاجیت و پروبیت، کلیه متغیرهای توضیحی مطابق انتظار ظاهر شده و اثرات مثبت بر وضعیت بیکار شدن زنان سرپرست خانوار در ایران دارند. بطوری که هر چه نیروی کار زن سرپرست خانوار در وضعیت تحصیل نباشند و یا فارغ التحصیل باشند و یا این که مدرک تحصیلی نیروی کار زن بالاتر باشد احتمال بیکار شدن آنها بالاتر خواهد شد. مقایسه بین جداول (۴) و (۵) نشان می دهد که از لحاظ معنی داری چندان تفاوتی میان آن دو وجود ندارد ولی ضرایب بدست آمده در جدول (۵) همواره بیش از جدول (۴) است. یعنی این که واکنش بیکاری زنان سرپرست خانوار نسبت به وضعیت اجتماعی و اقتصادی و احتمال بیکار شدن آنها بیش از بیکاری کل زنان است.

جدول (۵): نتایج برآورد عوامل موثر بر بیکاری زنان سرپرست خانوار در مدل های خطی و احتمالی

(متغیر وابسته: $bikar_i$ = وضع بیکاری نیروی کار زن سرپرست خانوار)

مدل پروبیت	مدل لاجیت	روش OLS	متغیر توضیحی
۰,۵۴۰۹ (۲۵,۴۲)	۰,۹۵۳۱ (۲۵,۰۴)	۰,۸۳۷۶ (۲۵,۴۵)	d_{15i} = وضع تحصیل فرد بیکار (در حال تحصیل بودن یا نبودن)
۰,۰۱۶۰۵ (۲۳,۴۵)	۰,۰۲۸۲۳ (۲۳,۳۷)	۰,۰۲۳۸۱ (۲۲,۰۵)	d_{17i} = مدرک تحصیلی فرد بیکار (مقطع ابتدایی تا مقطع دکتری)
۰,۱۲۰۶ (۳,۴۴)	۰,۲۴۳۸ (۳,۷۴)	۰,۲۸۷۲ (۵,۷۰)	d_{19i} = وضع زناشویی (دارای همسر، بی همسر، بی همسر بر اثر طلاق و هرگز ازدواج نکرده)
۰,۱۱۱۴ (۱۹,۹۵)	۰,۱۹۰۹۶ (۱۹,۶۵)	۰,۲۶۶۷ (۲۹,۶۷)	$afraq_i$ = بعد خانوار
-۰,۱۵۴۲ (-۷,۲۴)	-۰,۲۷۵۷ (-۷,۲۹)	---	d_{04i} = جنسیت (مرد یا زن)
-۳,۰۲۵ (-۱۹,۵۷)	-۵,۳۴۷ (-۱۸,۶۸)	-۳,۳۹۱ (-۱۶,۰۰)	α_i = ضریب ثابت

اعداد داخل پرانتز مقدار آماره t می باشد.

ماخذ: برآورد تحقیق

۶ جمع بندی

در هر اقتصاد، زنان در کنار سهم تقریباً ۵۰ درصدی جمعیت جامعه، این قشر از جامعه بخشی از نیروی کار در فعالیت های اقتصادی را تشکیل می دهند. بدیهی است که با توجه به ساختار فرهنگی، اقتصادی و اجتماعی کشورها، تمایل به بازار کار و انجام فعالیت های اقتصادی متفاوت است. در کنار این رویکرد، نقش مادر بودن و یا سرپرست بودن زنان در خانواده نقش کلیدی و تعیین کننده در بازار کار و توسعه منابع انسانی دارد. در این راستا، در این مقاله سعی شده بود برخی از زوایای بازار کار زنان و زنان سرپرست خانوار در ایران پرداخته شود.

بر اساس آمار مرکز آمار ایران، نرخ بیکاری زنان در سال ۱۳۹۵ در حدود ۲۰,۷ درصد است که بیش از نرخ بیکاری متوسط کل کشور است. با توجه به این که همواره بیش از ۳۱ درصد از بیکاران را زنان تشکیل می دهند. با توجه به بالا بودن سهم بیکاران زن جوان از کل بیکاران زنان (بیش از ۷۰ درصد)، می توان گفت که با ملاحظات جنسیتی، بیکاری زنان جوان نقش تعیین کننده تری نسبت به بیکاری مردان جوان در کل نرخ بیکاری نیروی کار داشته اند. در این مطالعه برای مدل سازی موضوع بیکاری زنان و زنان سرپرست خانوار از ریزداده های خام نتایج طرح نیروی کار سال ۱۳۹۴ مرکز آمار ایران استفاده شده است. در این میان، شاخص تاهل به عنوان نماینده "شاخص سلامت اجتماعی" یعنی وضع زناشویی و یا تاهل (دارای همسر، بی همسر، بی همسر بر اثر طلاق و هرگز ازدواج نکرده) و تاثیر آن بر بیکاری زنان و زنان سرپرست خانوار مورد آزمون قرار گرفته است. در این مطالعه، چهار نوع مدل شامل مدل خطی معمولی، مدل های غیر



خطی، مدل پروبیت و مدل لاجیت استفاده شده است. نتایج نشان می دهد که کلیه متغیرهای توضیحی مطابق انتظار ظاهر شده و اثرات مثبت بر وضعیت بیکار شدن زنان و زنان سرپرست خانوار در ایران دارد. با توجه به ساختار مدل و وجود داده های صفر و یک در متغیر وابسته محدود، مدل های احتمالی لاجیت و پروبیت از دقت بیشتری برخوردار بوده و خطای آن کمتر از مدل های معمولی است.

ضمن این که در نتایج تخمین بیکاری زنان سرپرست خانوار(به دلیل وضعیت اجتماعی و اقتصادی و فرهنگی آنان) واکنش بیکاری زنان سرپرست خانوار و احتمال بیکار شدن آنها بیش از بیکاری کل زنان است. بدین ترتیب، بازار کار زنان و زنان سرپرست خانوار که جنبه اقتصادی آن بیش از جنبه نهادی و اجتماعی و فرهنگی(مادر بودن در خانواده) در اقتصاد آسیب پذیرتر می تواند باشد و این موضوع برای زنان سرپرست خانوار بیش تر مشاهده می شود. لذا توجه به سلامت اجتماعی بازار کار زنان و زنان سرپرست خانوار در تنظیمات و زمانبندی شغل ها (پاره وقت، نیمه وقت و مشارکتی) برای بهبود بازار کار اهمیت اساسی دارد.



منابع

۱. تاج مزینانی و یاسری، ۱۳۹۲، بررسی سیاست گذاری اشتغال زنان در جمهوری اسلامی ایران، تهران، مطالعات راهبردی زنان، سال پانزدهم، شماره ۵۹.
۲. جعفر نژاد، احمد، اسفیدانی، محمدرحیم (۱۳۸۴) «وضعیت زنان در اشتغال و مدیریت»، فصلنامه مطالعات زنان، سال ۳، شماره ۷، صص ۱۰۳-۷۷.
۳. سازمان بهزیستی کشور- سال ۱۳۹۵
۴. محمودیان، حسین، ۱۳۸۱، مشارکت زنان در نیروی کار، مجموعه مقالات نخستین همایش انجمن جمعیت‌شناسی ایران، تهران، دانشگاه تهران.
۵. مرکز آمار ایران - سرشماری عمومی نفوس و مسکن سال سال های مربوطه.
۶. مرکز آمار ایران آمار داده های خام نتایج طرح نیروی کار سال ۱۳۹۴.
۷. نازکتبار، حسین و رضا ویسی (۱۳۸۲)، وضعیت اجتماعی، فرهنگی و اقتصادی زنان سرپرست خانوار استان مازندران، فصلنامه رفاه اجتماعی، سال هفتم، شماره ۲۷.
۸. Alderman H., Chiappori P-A., Haddad L., Hoddinott J. and KanburR, (۱۹۹۵), "Unitary versus collective models of the household: is it time to shift the burden of proof?", World Bank Research Observer, ۱۰, pp: ۱-۱۹.
۹. Becker Gary S., (۱۹۷۳), "A Theory of Marriage: Part I", Journal of Political Economy ۸۱, pp: ۸۱۳-۸۴۶.
۱۰. Jones, Larry E. (۲۰۱۵), "Why Are Married Women Working So Much?", Journal of Demographic Economics (Vol. ۸۱, No. ۱), pp: ۷۵-۱۱۴.
۱۱. Medalia, Carla and Jerry A. Jacobs, (۲۰۰۸), "Working Time for Married Couples in ۲۸ Countries", UK: Emerald Group Pub, PP: ۱۳۷-۱۵۷.
۱۲. Smith, N.; Dex, S.; Vlasblom, J.D.; Callan, T, (۲۰۰۳), "The effects of taxation on married women's labour supply across four countries", in Oxford Economic Papers, Vol. ۵۵, No. ۳,



راهکارهای توانمندسازی زنان در نقش دوگانه‌ی مادری و اشتغال

انسبه جلالوند؛ کارشناس ارشد مطالعات زنان، دانشگاه الزهرا "س"

Jalalvandensie@gmail.com

فهیمه ملک زاده؛ عضو هیئت علمی دانشگاه آزاد واحد تهران شمال

Malek900@gmail.com

چکیده

جامعه انسانی برای پیشرفت و دستیابی به اهداف مختلف اجتماعی، اقتصادی، فرهنگی و سیاسی خود نیازمند مشارکت همه جانبه تمامی نیروهای انسانی خویش است؛ به عبارت دیگر مشارکتی مفهومی فرا جنسیتی است. دستیابی به اهداف توسعه پایدار نیز نیازمند حضور و مشارکت فعال اعضای جامعه با توانمندی‌ها، تخصص و مهارت‌های فردی و اجتماعی متفاوت است و جامعه به تخصص و مهارت افراد برای پیشبرد برنامه‌های خود نیاز جدید دارد. در هر جامعه‌ای بنا به مناسبات اجتماعی و فرهنگی، زنان و مردان عهده‌دار نقش‌ها و مسئولیت‌های متفاوتی هستند که نهادهای اجتماعی از آن‌ها انتظار دارند. به تبع این وضعیت زنان در جامعه ما دارای نقش دوگانه‌ای هستند. زنان به عنوان مادر که نقش کلیدی در نهاد خانواده دارد و زن در جایگاه اشتغال که موظف است مسئولیت‌های حوزه عمومی که به وی سپرده شده است را ایفا نماید. از آنجا که اعم امور خانواده از قبیل مراقبت و تربیت فرزندان، تیمارداری، انجام امور منزل به عهده زنان است، در موارد متعددی چالش‌های مختلفی گریبان گیر مادران شاغل است.

دوگانه بودن نقش زنان ضرورت توانمندسازی زنان در انجام نقش دوگانه مادری و اشتغال را بیش از پیش آشکار می‌نماید. در این مقاله با استفاده از روش تحقیق تحلیلی کیفی، با استخراج چالش‌های نقش دوگانه‌ی مادری-اشتغال زنان در پژوهش‌های انجام شده در ایران استخراج راهکارهای توانمندسازی هر چه بیشتر در زنان در ایفا نمودن هر چه پویاتر نقش‌های مادری و اشتغال مورد اشاره قرار گرفته است.

واژه‌های کلیدی: زنان، مادری، اشتغال، توانمندسازی، مشارکت، نقش دوگانه

مقدمه

گرینه‌هاوس و باتل ۱ (۱۹۸۵) دوگانه نقشی را به این معنا تعبیر می‌کنند زمانی که تنش در یک نقش، روحیه را در نقش دیگری یا ادراکات در مورد نقش دیگری تضعیف می‌کند و زمان صرف شده در نقش با نقش دیگری درگیری دارد (به نقل از کواج، ۱، ۲۰۱۷). علاوه بر این، درگیری خانوادگی به کار از طریق تعاملات منفی با نقش می‌تواند رخ دهد. شرکا، به ویژه با همسر یا فرزند بزرگسال. تعاملات منفی با مشکلات کودکان بالغ ممکن است رضایت خانوادگی والدین یا انسجام درک خانواده را کاهش دهد.

فریدمن و گرینه‌هاوس (۲۰۰۰) معتقدند که تعارض نقش عموماً برای زنان بیشتر از مردان رخ می‌دهد چرا که خواسته‌ها و وظایف روتین از زنان در خانواده بیشتر از مردان است.

گرینه‌هاوس و باتل معتقدند که وجود فشارهای هم زمان از سوی خانواده و نیز محل کار، وقوع تعارض را تشدید می‌کند و چون بروز تعارض کار- خانواده نتیجه‌ی حضور دو نقش متضاد از سوی قلمروهای کاری و خانوادگی است؛ لذا می‌بایست اثرات فشارهای کاری و خانوادگی بر تعارض کار- خانواده به‌طور مشترک بررسی شود. آن‌ها مدلی ارائه می‌دهند که در این مدل به اهمیت نقش تأکید شده است. این مدل بیان می‌کند که اگر برای فردی نقشی با اهمیت باشد، فرد برای آن وقت بیشتری گذاشته و تعهد بیشتری نسبت به آن دارد که به تداخل در



نقش‌های دیگر منجر می‌شود (گرینهاوس و بیوتل، ۷۳: ۱۹۸۵). مدل دیگری که موضوع تعارض نقشی را مورد تحلیل قرار می‌دهد، مدل وایدانوف، خصایص نقش کاری تقاضاهای ساختاری خانواده و تعارض کار - خانواده است.

به عقیده‌ی وایدانوف عوامل مذکور از دو طریق موجب تداخل کار - خانواده می‌شوند: ۱- عوامل مرتبط با زمان؛ از آن جا که بیشترین وظایف کاری و خانوادگی در مکان‌های جداگانه انجام می‌شود، افراد عموماً در زمان یکسان به نقش‌های کاری و خانوادگی دسترسی ندارند؛ بنابراین، به‌طور هم زمان به ایفای نقش دیگر قادر نیستند (وایدانوف، ۸۲۵: ۲۰۰۵). ۲- سرایت روانی از نقش‌های کاری یا خانوادگی: این عامل می‌تواند بر فراهم بودن شرایط روانی و میزان انرژی در دسترس برای ایفای نقش دیگر تأثیر گذارد. این سرایت می‌تواند هم مثبت و هم منفی باشد. شرایط تنش آمیز در یک نقش و انتقال آن به نقش دیگر از انرژی لازم برای ایفای نقش دیگر می‌کاهد در حالی که رضایت از نقش می‌تواند به نقش دیگر منقل شود (آیکان، ۳۳: ۲۰۰۵ به نقل از حسابی و همکاران، ۲۷: ۱۳۹۴).

همچنین میزان زمان صرف شده در فعالیت‌های خانوادگی به ویژه اوقاتی که با فعالیت‌های مربوط به مراقبت از فرزندان مرتبط است، ساعات کار همسر و تعداد و سن فرزندان، احتمال دخالت با ساعات کار را افزایش می‌دهد و به اضافه بار نقش و تهی سازی انرژی فرد کمک می‌کند. از سوی دیگر زنانی که شوهران آن‌ها تا ساعات طولانی کار می‌کنند، سهم بیشتری از فعالیت‌های خانه‌داری و مراقبت از کودک را بر عهده می‌گیرند و در نتیجه در هماهنگی برنامه زمانی کار و وظایف خانوادگی دچار مشکل می‌شوند. افزایش تعداد فرزندان و کم بودن سن آن‌ها، مسئولیت مراقبت از کودکان را سنگین‌تر می‌کند و احتمال عدم دسترسی فیزیکی به کار را افزایش داده موجب افزایش اشتغال ذهنی آن‌ها نسبت به وظایف خانوادگی می‌شود.

چالش‌های نقش دوگانه‌ی مادری - اشتغال زنان

رستگار خالد (۱۳۸۲) در پژوهش خود به این نتیجه رسید که زنان شاغل در انجام وظایف هم‌زمان نقش‌های دوگانه شغلی و خانوادگی به خصوص در زمینه امور مربوط به بچه‌داری تا حد زیادی احساس تعارض می‌کنند.

رستگار خالد (۱۳۸۳) در پژوهشی دیگری به بررسی تعارض‌های شغلی خانوادگی و عوامل اجتماعی مؤثر بر آن پرداخته است. در این تحقیق مدلی سه قسمتی که عبارت‌اند از دوسویه بودن ماهیت تعارض، تأثیر عوامل کاری بر تعارض کار با خانواده و عوامل خانوادگی بر تعارض تجربه شده برای تبیین تعارض ارائه کند. رستگار خالد (۱۳۸۳) همچنین در تحقیق دیگری نشان داد که دلایل بروز تعارض کار خانواده و انتخاب راه‌های مقابله با آن، متأثر از الگوی سنتی تقسیم کار جنسیتی است (خداکرم پور و سرحدی، ۴۰: ۱۳۹۲).

رسولی و همکاران (۱۳۸۶) به بررسی تأثیر آموزش مدیریت زمان بر تعارض کار - زندگی در پرستاران اقدام نمودند. یافته‌های پژوهش نشان می‌دهد که با گذشت زمان پرستاران با به کارگیری مهارت‌های آموخته شده مدیریت زمان، تعارض کار - زندگی را کنترل کرده و باعث کاهش تعارض کار - زندگی در هر دو حوزه کار و زندگی شده‌اند و آموزش مدیریت زمان بر کنترل و تعارض کار و زندگی پرستاران مؤثر بوده است.

فاتحی زاده و همکاران (۱۳۸۶) در پژوهش خود نشان دادند که تعارض کار - خانواده با حمایت اجتماعی رابطه منفی و معنی دار دارد. همچنین تعارض کار خانواده با تمایل همسر و تمایل خود زن شاغل به کار بیرون از منزل و با میزان ساعات کاری همسر ارتباط دارد. ملکی‌ها و همکاران (۱۳۸۸) در تحقیق خود نشان دادند که تعارض نقش‌ها از یک‌سو فرد را دچار حالت بی‌سازمانی می‌کند و از سوی دیگر، او را در ایفای هم زمان نقش‌های بی‌شمار خود ناتوان می‌سازد.

بیگی و همکاران (۱۳۸۹) در تحقیقی به بررسی عوامل تأثیرگذار بر تضاد کار و خانواده پرداختند. نتایج پژوهش نشان می‌دهد که عامل تضاد نقش با تداخل کار با خانواده در ارتباط مستقیم دارد.

گروسی و آدینه زاد (۱۳۸۹) در پژوهشی خود به بررسی شناخت تعارض کار خانواده و رابطه آن با برخی عوامل موجود در محیط کار و خانواده بین زنان شاغل متأهل پرداختند، نتایج نشان داد که ۷۷ درصد از زنان مورد بررسی با تجربه تعارض کار خانواده مواجه بوده‌اند. همچنین نتایج نشان داد که متغیر نحوه تقسیم کار در خانه با تعارض کار خانواده رابطه نسبتاً قوی و مستقیم دارد. سبک رو و همکاران



(۱۳۹۰) در تحقیق نشان دادند که تعارض کار خانواده ممکن است به علت فقدان حمایت همکاران و مدیران، استقلال شغلی محدود شده، فشار شغلی و افزایش تعداد ساعات کاری ایجاد شود.

توانگر و همکاران (۱۳۹۱) در تحقیق خود به این نتیجه رسیدند که عواملی همچون فقدان محیط کاری و خانوادگی حمایت کننده، فشارهای کاری و توقعات بیش از حد کاری و خانوادگی باعث شدت یافتن تعارض کار خانواده می‌شود.

نبوی و شهریاری (۱۳۹۱) در تحقیق خود نشان دادند که هر چه زنان مسئولیت‌های بیشتری را برعهده گرفته باشند احتمال تداخل وظایف خانوادگی‌شان با کار افزوده شده و این باعث تعارض می‌شود.

بر اساس یافته‌های پژوهشی سفیری و زارع (۱۳۸۵) همبستگی معناداری بین سطح تحصیلات زن و مرد و ناهمسویی با ناسازگاری نقش به دست آمد؛ یعنی با افزایش سطح تحصیلات، احساس ناسازگاری زنان در انجام وظایف شغلی و خانوادگی کاهش می‌یابد. فاتحی زاده، نقوی و سلطانی (۱۳۸۶) به این نتیجه رسیدند که هر دو نوع تعارض شغلی - خانواده با حمایت اجتماعی ارتباط منفی و معنادار دارد. همچنین تعارض شغلی / خانواده با تمایل همسر و تمایل خود فرد به کار بیرون از منزل و نیز با میزان ساعات کاری همسر ارتباط دارد.

همچنین نتایج بررسی گروسی و آدینه زاد (۱۳۸۹) نشان داد متغیرهای تحصیلات زن، شیوه تقسیم کار سنتی در خانواده و انتظارات نقش خانوادگی با میزان تعارضی تجربه شده در خانواده رابطه مستقیم و معنی‌دار دارد. در پژوهشی دیگر نبوی و شهریاری (۱۳۹۱) نشان دادند که متغیر تعلق خانوادگی علاوه بر تأثیر مستقیم با واسطه احساس از گرانباری نقش خانوادگی، بر تعارض خانواده با شغل تأثیر داشته است و احساس گرانباری نقش خانوادگی و ابهام نقش خانوادگی به طور مستقیم بر تعارضی خانواده با کار مؤثر است. در پژوهش‌های خارجی نیز رابطه متغیرهای خانوادگی و تعارض شغلی - خانوادگی سنجیده شده است.

پژوهش‌ها نشان می‌دهند که مسئولیت‌های خانوادگی زنان می‌تواند باعث گرانباری کار در آنان شود. این پیامد به نوبه خود، بر تجربیات کاری زنان و کاهش توان پیشرفت در کار آنان اثر بگذارد. در عین حال، مشکلات مربوط به برعهده گرفتن هم‌زمان مسئولیت‌های خانواده و کار می‌تواند موجب شود تا مدیران زن، مجرد و بدون فرزند باقی بمانند، زیرا در غیر این صورت، تعداد نقش‌های اجتماعی و میزان تعارض‌های مرتبط با نقش‌ها محدود می‌شود (به نقل از گنجی و همکاران، ۱۳۹۲:۳۸).

زنان دارای نقش‌های سنتی نسبت به زنانی که نقش‌های برابری خواه اتخاذ می‌کنند، در خودشان احساس گناه بیشتری را نسبت به بروز تعارضات خانوادگی و شغلی تجربه می‌کنند، زیرا آن‌ها مدیریت مسئولیت‌های خانوادگی و فشارهای ناشی از شغل مانند انعطاف ناپذیری برنامه‌های شغلی را متوجه خود می‌دانند.

بدین ترتیب بر اساس پژوهش‌های انجام شده، می‌توان چالش‌های زنان را در نقش دوگانه‌ی مادری-اشتغال را به شرح جدول زیر دسته‌بندی نمود؛

جدول شماره ۱: چالش‌های زنان در نقش دوگانه‌ی اشتغال و مادری

محورها	اجتماعی	فردی-خانوادگی	اقتصادی
چالش‌ها	عدم برخورداری از حمایت اجتماعی بی‌سازمانی اجتماعی مواجهه با الگوی سنتی تقسیم کار جنسیتی	تعارض زن با خود تعارض زن با خانواده تعارض زن با همسر تعارض کار زن با خانواده تداخل کار با خانواده افزایش میزان ساعات کاری افزایش وظایف خانگی تداخل وظایف خانگی و اداری بروز احساس گناه برای زن	فشار شغلی استقلال شغلی محدود انعطاف ناپذیری برنامه‌های شغلی



عوامل تعدیل کننده تعارض

آزادی عمل و حمایت اجتماعی در کار از ویژگی‌های مهم هستند که به عنوان منابع تعدیل کننده تعارض کار-خانواده را کاهش می‌دهد. تحقیقات نشان می‌دهد که حمایت اجتماعی در محیط کاری ارتباط معکوس با تعارض کار-خانواده دارد. حمایت اجتماعی ارتباط نسبتاً قوی با هر دو نفوذ مثبت و منفی کار با خانواده داشت. کارمندی که سطح بالای حمایت اجتماعی را از همکاران و سوپروایزر دریافت می‌کنند سطح پایینی از تعارض کار-خانواده را تجربه خواهند کرد و برعکس (صلاحیان و همکاران، ۲۰۱۳: ۱۳۸۹). بنابراین می‌توان عوامل زیر را به عنوان راهکاری جهت تعدیل تعارض نقشی به کار بست:

۱- تقسیم کار خانگی برای کاهش فشار کاری

۲- وظایف مراقبت و نگهداری کودک

۳- ایجاد تعادل در روابط خانوادگی برای افزایش رضایت از زندگی

۴- ارتقا برنامه‌های سلامت روحی و جسمی برای کلیه اعضای خانواده برای افزایش امنیت روانی و فیزیکی

راهکارهایی جهت توانمندسازی هر چه بیشتر در زنان

باتیلوالا (۲۰۱۵) توانمندسازی را فرآیندی تعریف می‌کند که فرد ناتوان کنترل بیشتری را برای شرایط زندگی‌اش به دست می‌آورد. در نهایت، توانمندسازی شامل توانایی ذاتی در حال رشد، اعتماد به نفس بیشتر و تحول درونی آگاهی فرد است که او را قادر می‌سازد بر موانع خارجی غلبه کند (سرینواسا و سیدگودا، ۲۰۱۵، ص ۱۰۰).

توانمندسازی را می‌توان در چند محور اصلی دسته بندی کرد که عبارت‌اند از:

۱- توانمندسازی اجتماعی

۱-۱- آموزش

۱-۲- سلامت و بهداشت

۲- توانمندسازی سیاسی

۳- توانمندسازی اقتصادی

۴- توانمندسازی قانونی (حقوقی)

۵- توانمندسازی جنسیتی

بررسی‌های چیت‌بارنت ۱ نشان داده است که نقش‌های دوگانه می‌تواند تاب‌آوری زنان را در مواجهه با مشکلات ارتباطی در خانواده و محل کار افزایش دهد؛ به عبارت دیگر داشتن نقش‌های چندگانه سبدهای بیشتری را به زنان می‌دهد که می‌توانند تخم‌مرغ‌های خود را داخل آن‌ها بگذارند (چیت‌برنت، ۲۰۰۴، ص ۱۶۱).

بدین ترتیب می‌توان بر اساس چالش‌های شغلی دوگانه زنان در نقش مادی-اشتغال، راهکارهای زیر را برای توانمند ساختن زنان در بهبود عملکرد زنان و تقویت آنان در ارائه هرچه بهتر نقش‌های شغلی و خانوادگی به کار بست:

۱- ایجاد اعتدال در انتظارات نقشی

تقسیم نقش‌های خانگی با نگاه به مقتضیات عصر حاضر و تقسیم انتظارات نقش‌های خانگی از زنان و مردان در کنار یکدیگر.

۲- ایجاد اعتدال در شرایط کاری: درجات حقوق و مزایا (مراتب)، مدل‌های انجام کار و مسئولیت‌های محول

۳- دسترسی به خدمات سلامت برای زنان و مردان

۴- بهبود دسترسی به حمایت‌های اجتماعی برای زنان

۵- تغییرات در الگوهای کار زنان

۶- تغییرات در دسترسی زنان به منابع و کنترل آن‌ها



۷- تشویق زنان برای توسعه پتانسیل‌های شخصی و حرفه‌ای خود.

اگر وضعیت اقتصادی و اجتماعی زنان بهبود یابد، توانمندسازی زنان تا درجه زیادی تحقق یافته است. تنها می‌تواند به دست آید. این امر تنها با اتخاذ سیاست‌های اجتماعی و اقتصادی مشخص با توجه به توسعه وضعیت کل زنان امکان‌پذیر است که توانایی آن‌ها را درک کرده و باور داشته باشد که آن‌ها از توانایی انسانی قوی برخوردارند. زنان باید مجاز به کار باشند و باید به اندازه کافی ایمنی و پشتیبانی برای کار فراهم شوند. آن‌ها باید با دستمزد مناسب و با مردان کار کنند تا موقعیت آن‌ها در جامعه افزایش یابد. زنان نیمی از جمعیت جهان را تشکیل می‌دهند و نابرابری جنسیتی در هر ملت بر روی این سیاره وجود دارد. تا زمانی که زنان به همان فرصت‌هایی که مردان داده می‌شود، داده شود، زنان قادر خواهند شد که پتانسیل واقعی خود را بروز دهند. بزرگ‌ترین نیاز در این راه، تغییر نگرش اجتماعی نسبت به زنان است. به عبارت دیگر زمانی که زنان حرکت کنند، خانواده حرکت می‌کند، روستا حرکت می‌کند و کشور حرکت می‌کند. اندیشه ارزش‌گذاری برای توانمندسازی زنان به توسعه یک خانواده خوب، جامعه خوب و در نهایت یک ملت خوب منتهی می‌شود. شاید بهترین راه توانمندسازی، از طریق ایجاد و توسعه آن در میان زنان و در جریان اصلی توسعه است. توانمندسازی زنان تنها زمانی و زمانی مؤثر است که زنان بتوانند روی پای خود بایستند و هویت خود را در جامعه ایجاد کنند (راجشواری، ۲۰۱۵، ص ۱۹).

زنان می‌بایست اقدامات جمعی و فردی اعمال نمایند تا بتوانند موانع پیش روی خود را به شکلی از میان بردارند. آن‌ها از طریق به کارگیری قدرت اقتصادی خود به عنوان کارکنان بخش‌های عمومی و خصوصی، به عنوان مدیران، مسئولین اجرایی، کارفرمایان، به عنوان افراد صاحب رأی، مصرف‌کنندگان اقتصادی و ... می‌توانند منافع اقتصادی (پوشش اقتصادی) خود را هرچه بهتر سازمان‌دهی کنند. آن‌ها از طریق استفاده از حق رأی خود می‌توانند زنان بیشتری را وارد جامعه و زندگی عمومی نمایند و با ایجاد گروه‌های فشار، می‌توانند در برنامه‌ریزی‌های رسمی نقش و نفوذ خود را به اثبات برسانند؛ یعنی می‌توانند در سطوح محلی، منطقه‌ای و ملی چنین تغییراتی به وجود آورند.



- ۱- بیگی، مینا (۱۳۸۹). بررسی عوامل اثرگذار بر تضاد بین کار و خانواده، فصلنامه علوم مدیریت ایران، سال ۵، شماره ۲۰.
- ۲- توانگر، حسین؛ الحانی، فاطمه .ونکی، زهره (۱۳۹۱). نقصان خود کارآمدی :پیامد تعارض کار خانواده پرستاران، مجله تحقیقات کیفی، دوره ۱۱، شماره ۳.
- ۳- حسابی، معصومه و همکاران (۱۳۹۴). تعارض کار -خانواده در پرستاران شاغل در مراکز آموزشی درمانی شهر رشت. فصلنامه مطالعات اجتماعی روان‌شناختی زنان، سال ۱۳، شماره ۴، صص ۱۵۲-۱۲۳.
- ۴- خداکرم پور، زهرا؛ سرحدی، فاطمه (۱۳۹۲). بررسی رابطه اشتغال با تعارض کار خانواده (مطالعه موردی زنان شاغل در سازمان‌های دولتی)، ماهنامه اجتماعی، اقتصادی، علمی و فرهنگی کار و جامعه، شماره ۱۶۱، صص ۳۹-۴۵
- ۵- رستگار خالد، امیر (۱۳۸۳). بررسی تعارض نقش‌های شغلی -خانوادگی و عوامل مؤثر بر آن .مجله دانش و رفتار، دوره ۱۱، شماره ۴، صص ۴۸-۴۵
- ۶- رستگار خالد، امیر (۱۳۸۳). خانواده، کار، جنسیت، تهران، انتشارات روابط عمومی شورای فرهنگی اجتماعی زنان
- ۷- سبک رو، مهدی و همکاران (۱۳۹۰). تعارض کار و خانواده: نقش ادراک حمایت‌های سازمانی در قصد ترک خدمت (مورد کاوی پرستاران بیمارستان‌های شهر تهران)، مجله مدیریت دولتی، دوره ۳، شماره ۶، صص ۱۲۶-۱۱۱.
- ۸- سفیری، خدیجه؛ زارع، زهرا (۱۳۸۵). احساس ناسازگاری میان نقش‌های اجتماعی خانوادگی در زنان، مجله مطالعات زنان، دوره ۴، شماره ۲، صص ۴۴-۳۰
- ۹- فاتحی زاده، مریم؛ نقوی، اعظم (۱۳۸۵). بررسی رابطه حمایت اجتماعی و تعارض کار- خانواده در زنان شاغل، فصلنامه مشاوره شغلی و سازمانی، سال اول، شماره ۱، صص ۱۰۸-۱۰۲.
- ۱۰- گروسی، سعیده (۱۳۸۹). بررسی رابطه عوامل اجتماعی با تعارض نقش‌های شغلی و خانوادگی در بین زنان شاغل شهر کرمان، مجله علوم اجتماعی دانشکده ادبیات و علوم انسانی دانشگاه فردوسی مشهد، سال ۷، صص ۱۳۹-۱۲۱
- ۱۱- گنجی، حمزه و همکاران (۱۳۹۲). ارتباط نیاز پیشرفت و عوامل اجتماعی با درگیری شغلی معلمان زن. فصلنامه روانشناسی صنعتی/سازمانی، سال ۳، شماره ۱۵، صص ۴۷-۳۳.
- ۱۲- نبوی، سید عبدالحسین؛ شهریار، مرضیه (۱۳۹۱) بررسی تأثیر محرک‌های تنش‌زا و حمایت اجتماعی در خانواده بر تعارض خانواده با کار، مجله جامعه‌شناسی ایران، شماره ۱ و ۲
- ۱۳- نبوی، ع؛ شهریار، م. (۱۳۹۱). «بررسی تأثیر محرک‌های تنش‌زا و حمایت اجتماعی در خانواده بر تعارض خانواده با کار (مورد مطالعه: زنان شاغل ادارات دولتی شهر اهواز) ، انجمن جامعه‌شناسی ایران، سال سیزدهم، شماره ۱ و ۲: ۵۷-۳۱.

۱۴-D. Srinivasa, Y S Siddegowda (۲۰۱۵). *Recent trends in women empowerment: an analysis*. International Education & Research Journal. Vol ۱, No ۵, Pp.۱۰۰-۱۰۳.

۱۵-Quach, Emma D. *Multiple Roles in Later Life: Role Enhancement and Conflict and Their Effects on Psychological Well-Being* (۲۰۱۷). Graduate Doctoral Dissertations. ۳۳۹. http://scholarworks.umb.edu/doctoral_dissertations/۳۳۹.

۱۶-Rajeshwari M. Shettar(۲۰۱۵). *A Study on Issues and Challenges of Women Empowerment in India*. Journal of Business and Management. Volume ۱۷, Issue ۴. Ver,Pp ۱۳-۱۹.

۱۷-Rosalind Chait Barnett (۲۰۰۴). *Harvard Review Psychiatry*, Vol ۱۲, No ۳Pp.۱۵۸-۱۶۴ *women and multiple roles: myths and reality*.



سیاست حمایت مالی از زن باردار در فقه و حقوق ایران

زهرا سادات میرهاشمی؛ استادیار گروه فقه و مبانی حقوق دانشگاه الزهرا(س)

z.mirhashemi@alzahra.ac.ir

فاطمه علیزاده؛ دانشجوی کارشناسی ارشد فقه و مبانی حقوق دانشگاه الزهرا(س)

چکیده

مادر باردار با توجه به شرایط ویژه‌اش نیازمند حمایت‌های متعدد مادی و معنوی است و یکی از محدودیت‌هایی که با آن مواجه است و بر اساس آن نیازمند حمایت می‌باشد، فعالیت برای کسب و کار و درآمدزایی است. با توجه به این که در فقه اسلامی و حقوق ایران زوجه با تحقق دو شرط وجود رابطه زوجیت از نوع نکاح دائم و تمکین مستحق نفقه می‌شود، وضعیت تامین مخارج و مایحتاج زندگی زن بارداری که شرایط تعلق نفقه را نداشته باشد، مساله مهمی است. سوال این است که آیا قانونگذار سیاست حمایتی در این زمینه اتخاذ نموده است؟ مقاله حاضر به روش تحلیلی- توصیفی و با استفاده از روش مطالعه کتابخانه‌ای به بررسی هر کدام از فروض عدم وجود شرایط عمومی تعلق نفقه به مادر باردار پرداخته است. در نهایت سیاست حمایتی مالی قانونگذار اسلام و ایران در الزام به تامین هزینه‌های مالی زن باردار در هر شرایطی با توجه به آیه ۶ سوره طلاق و روایاتی در خصوص هر یک از فروض اثبات شده و خلاء موجود در اجرا و توسعه این حمایت‌ها دانسته شده است که باید در مورد آن‌ها اقدام شایسته صورت گیرد.

کلیدواژه: حمایت مالی، نفقه، مادر باردار، قانونگذاری.

مقدمه

بر اساس قانون طبیعت، مسئولیت و رنج و زحمات طاقت فرسای تولید نسل به عهده‌ی زن گذاشته شده است و اوست که باید سنگینی دوره بارداری و بیماری مخصوص این دوره را برعهده گیرد، سختی زایمان و عوارض آن را تحمل کند و به کودک شیر دهد و پرستاری کند. این‌ها همه نه تنها از نیروی بدنی، عضلانی و جسمی زن می‌کاهد بلکه توانایی او را در کار و کسب نیز کاهش می‌دهد. براین اساس اگر بنا شود قانون، زن و مرد را از لحاظ تامین بودجه زندگی در وضعیت مشابهی قرار دهد و یا به حمایت از مادر باردار یا شیرده اقدامی انجام ندهد، زن با مشکلات فراوانی مواجه خواهد شد.

حال با توجه به این که در حقوق اسلام و قانون ایران، زوج مکلف به پرداخت نفقه زوجه شده است و به طور مختصر، نفقه عبارت است از چیزهایی که شخص برای ادامه زندگی به آن محتاج است از قبیل خوراک، پوشاک، مسکن، البسه و اساس منزل و هر آنچه که یک شخص به طور متعارف در زندگی به آن نیازمند است؛ (طاهری، ۱۴۱۸، ج ۳، ص ۳۵۸) و با توجه به این مطلب که زوجه با تحقق دو شرط مستحق نفقه می‌شود، ۱- وجود رابطه زوجیت از نوع نکاح دائم و ۲- تمکین (محقق حلی، ۱۴۰۸، ج ۲، ص ۲۹۱؛ مجلسی، ۱۴۰۰، ص ۱۵۲؛ علامه حلی، بی تا، ج ۲، ص ۴۵)؛ در نتیجه سوال این است که وضعیت تامین مخارج و مایحتاج زندگی زن بارداری که زوجیت او به دلایلی مانند فسخ نکاح، طلاق بائن یا فوت همسر منتفی شده و یا رابطه زوجیت او از نوع نکاح منقطع بوده و یا بارداری او از رابطه شبهه بوده و زوجیتی وجود نداشته و یا از نظر قانون ناشزه محسوب می‌شود، چگونه خواهد بود؟ آیا با توجه به شرایط خاص حاکم بر چنین مادر بارداری، قانونگذار سیاست حمایتی در این زمینه اتخاذ نموده است؟

برای بررسی این مطلب و پاسخ به این سوالات، مقاله حاضر به روش تحلیلی- توصیفی و با استفاده از روش مطالعه کتابخانه‌ای به بررسی هر کدام از فروض مطرح شده در سوال در فقه اسلامی و قانون ایران خواهد پرداخت. به این منظور ابتدا به بررسی مساله و نفقه زن باردار در شرایط طلاق بائن و فسخ نکاح که در فقه و حقوق ایران تقریباً شرایط مشابهی در این زمینه دارند، خواهد پرداخت، سپس به ترتیب مساله



نفقه زن باردار ناشزه، زن باردار از وطی به شبهه، زن باردار در نکاح منقطع و در نهایت زن بارداری که همسرش فوت نموده را مورد مذاقه قرار خواهد داد. لازم به ذکر است که در طی مباحث به چند مساله فرعی مهم فقهی و حقوقی در این خصوص نیز پرداخته خواهد شد.

۱- نفقه زن باردار در طلاق بائن و فسخ نکاح

بر خلاف طلاق رجعی که در طول مدت عده مرد مکلف به پرداخت نفقه زن شده است (زیرا قانونگذار زن را در طول مدت عده طلاق رجعی در حکم زوجه دانسته و برای مرد در این مدت حق رجوع به زن وجود دارد)، در خصوص زن مطلقه‌ای که در عده طلاق بائن به سر می برد و هم چنین در خصوص زنی که نکاح او به دلیل وجود عیبی در مرد یا زن فسخ شده است، شوهر از نظر حقوقی تکلیفی به پرداخت نفقه ندارد.

با این حال حقوق اسلام و قانون مدنی ایران برای حمایت از زنی که باردار است و با در نظر گرفتن شرایط ویژه‌ی چنین زنی که در حین بارداری در عده طلاق بائن و یا عده فسخ نکاح است، مساله لزوم پرداخت نفقه از طرف زوج را مطرح نموده است.

مادر باردار، بر اساس آیه‌ی ۶ سوره طلاق که می‌فرماید «...ان کن اولات حمل فانفقوا علیهن حتی یضعهن حملهن؛ پس از طلاق زنان ... چنانچه حامله باشند تا زمان وضع حمل نفقه‌ی آن‌ها را بپردازید» و به اجماع فقهای امامیه، تا زمان وضع حمل حق نفقه خواهد داشت و مرد مکلف به تامین مخارج و هزینه‌های او خواهد بود. (بحرانی، ۱۴۰۵، ج ۲۵، ص ۱۱۰-۱۱۱؛ علامه حلی، ۱۴۲۰، ج ۴، ص ۱۷۸؛ طباطبایی یزدی، ۱۴۱۴، ج ۱، ص ۱۱۵؛ صمیری، ۱۴۲۰، ج ۳، ص ۱۸۳)

اما ذکر یک سوال و یک نکته در این مساله مهم است؛ سوال این است که وجوب پرداخت نفقه زن باردار در زمان عده طلاق بائن و فسخ نکاح، از باب حمل است یا حامل و به کدامیک از جنین یا مادر تعلق گرفته است؟ و نکته‌ای که باید بررسی شود مساله ادعای چنین زنی بر بارداری است. در ذیل به تفصیل این دو مورد را بررسی می‌نماییم.

۱-۱- اختلاف نظر در باب تعلق نفقه به حامله یا حمل در عده بائن

در این که پرداخت نفقه به مطلقه بائن و زنی که نکاح او فسخ شده برای خود زن باردار است یا جنین او، میان فقهای امامیه اختلاف نظر وجود دارد؛ با بررسی در این زمینه با دو قول مواجهیم:

قول اول، قول مشهور؛ مشهور فقها معتقدند نفقه برای مادر است نه حمل. (نجفی، جلد ۳۱، ص ۳۶۲) ایشان برای اثبات نظر خودشان به دلایلی استناد کرده اند از جمله:

الف) کتاب: از قرآن به آیه ۶ سوره‌ی طلاق تمسک نموده‌اند: «اسکونهن من حیث سکتتم من وجدکم و لاتضارهن لتضیقوا علیهن و ان کن اولات حمل فانفقوا علیهن حتی یضعهن حملهن؛ پس از طلاق زنان را در منزلی که مقدر شماست سکنی دهید و به آنان ضرر نرسانید تا آن‌ها را به تنگ آورید و چنانچه حامله باشند تا زمان وضع حمل نفقه‌ی آن‌ها را بپردازید».

این آیه تصریح دارد بر وجوب نفقه برای مطلقه‌ای که در طلاق رجعی به سر می برد و به همسر امر می کند که در مدت عده ، نفقه و سکونت زن را تامین کند. هم چنین مطلقه حامله ، چه طلاق بائن و چه رجعی را مستحق نفقه می داند تا وضع حمل نماید.

ب) سنت: روایات زیر بیانگر آنست که زن تا پایان عده نفقه دارد و این عده از فقهاء بر اساس آن، نفقه را متعلق به زن حامله و باردار دانسته‌اند. شرح استدلال بدین گونه است که چون در این روایات ضمیر نفقه به حبلی یعنی زن باردار تعلق گرفته است پس نفقه متعلق به اوست.

روایت اول- محمد بن یعقوب عن ابی عبدالله (ع): فی الرجل یطلق امراته و هی حبلی قال اجلها ان تضع حملها و علیه نفقتها حتی تضع حملها؛ محمد بن یعقوب از ابی عبدالله (ع) روایت کرده است که زنی که طلاق داده شده است، تا زمانی که وضع حمل کند نفقه او با شوهرش است.

روایت دوم- روینا عن ابی عبدالله عن... عن امیرالمومنین (ع) انه قال : الحلی اجلها ان تضع حملها و علیه نفقتها بالمعروف حتی تضع حملها؛ از امام علی (ع) روایت شده است که نفقه زن باردار تا زمان وضع حملش با شوهرش است. (حر عاملی، ۱۴۰۹، ج ۲۱، ص ۵۱۸؛ محدث نوری،

۱۴۱۹، ج ۱۵، ص ۲۲۰؛ فیض کاشانی، ۱۴۲۰، ج ۲۳، ص ۲۳۱)



ج- عدم وجوب نفقه بر جد پدری در صورت فقدان پدر: استدلال دیگر این است که اگر نفقه برای حمل بود در صورت فقدان پدر بر جد پدری واجب می‌شد، چرا که نفقه حمل جزء نفقه اقارب است، حال آنکه نفقه در اینجا به اجماع همه فقهاء بر جد واجب نیست.

د- عدم سقوط نفقه در صورت تمکن مالی حمل: استدلال دیگری که مطرح شده این است که اگر نفقه برای حمل بود، در صورتی که حمل توانایی مالی داشته باشد، از گردن پدر ساقط می‌گردید، حال آنکه نفقه در اینجا با یسار ولد و حمل ساقط نمی‌شود.

ه- نفقه در اینجا مقدر به حال زوج است در حالیکه نفقه اقربا و خویشان غیر مقدر است.

قول دوم، قول شیخ طوسی و عده ای از فقها: شیخ طوسی و عده ای از فقها معتقدند نفقه برای حمل است (مجلسی دوم، ۱۴۰۴، ج ۲۱ ص ۱۷۴؛ بحرانی، ۱۴۰۵، ج ۵، ص ۲۷۷-۲۸۱) و دلایل این گروه عبارت است از:

الف- دائر مدار حمل بودن نفقه: بدلیل دوران امر بین وجوب و عدم، یعنی زمانی که نفقه با وجود حمل ثابت و با عدمش ساقط می‌شود، معلوم می‌شود که نفقه برای حمل است مثل زوجیت که علت انفاق است یعنی تا مادامی که زوجه متصف به صفت زوجیت است، نفقه او واجب است و با زایل شدن صفت زوجیت، حق برخورداری از نفقه هم از بین می‌رود.

ب- همان طور که در صورت انفصال حمل نفقه برای اوست، در صورت اتصال (و حمل بودن) هم نفقه برای اوست.

ج- روایاتی که از صحابه نقل شده که بر زن باردار از مال حمل انفاق می‌شود، بر وجود نفقه برای حمل دلالت دارند نه حامل (بحرانی، ۱۴۰۵، ج ۲۵، ص ۱۱-۱۱۲)

برخی از آثار این دو نظر:

در صورتی که ما هر یک از این نظرات را قبول کنیم، بر هریک از آنها ثمرات و آثار مترتب است از جمله این که:

الف- اگر نفقه برای مادر باشد به اعتبار زوجیت سابق است که طبق نظر برخی از فقها و حقوقدانان در صورت فوت شوهر ساقط می‌شود؛ اما اگر نفقه برای حمل باشد از موارد انفاق به سبب خویشاوندی است و شوهر به اعتبار این که پدر حمل است باید نفقه مطلقه حامل را پرداخت کند.

ب- در صورتی که نفقه برای مادر باشد میزان آن باید متناسب با وضعیت زن باشد. اما اگر نفقه برای حمل باشد میزان آن متناسب با وضعیت پدر است و به قدر نیاز منفق علیه باید نفقه او را پرداخت کند و اگر حمل از خود دارایی داشته باشد از دارایی او باید پرداخت شود و اگر دارایی ندارد پدر مکلف است مخارج حمل را به مادر بپردازد.

ج- نفقه گذشته اقارب قابل مطالبه نیست و در صورتی که پرداخت نفقه برای حمل باشد و شوهر آن را ندهد، زن مطلقه باردار نمی‌تواند نسبت به گذشته آن را مطالبه نماید. اما اگر نفقه برای مادر باشد، چنانچه مرد آن را پرداخت نکند، زن مطلقه باردار بعدا می‌تواند آن را مطالبه نماید، زیرا عدم پرداخت نفقه اقارب در صورت استطاعت منفق و نیاز منفق علیه، فقط موجب ارتکاب معصیت است ولی عدم پرداخت نفقه زوجه موجب استقرار دین بر ذمه ی زوج است و باید آن را قضا نماید.

د- همان طور که گفته شد ضمان نفقه گذشته زن باردار در صورتی صحیح است که نفقه برای مادر باشد، چرا که حمل مستحق نفقه ی آینده است. هم چنین ابراء ذمه از نفقه گذشته تنها در صورتی که نفقه برای حامل باشد صحیح است. (سبزواری، ۱۴۱۳، ج ۲۵، ص ۲۹۶)

ه- اگر زوج در ایام عده ای که زن حامله است معسر و تنگ دست شود در صورتی مدیون زوجه است که نفقه برای حامل باشد به خاطر اینکه تمکن و عدم تمکن زوج هیچ تاثیری در حق زن ندارد. اما اگر نفقه برای حمل باشد، اعسار زوج سبب سقوط تکلیف او در پرداخت نفقه می‌شود، زیرا تمکن و ثروتمند بودن منفق شرط پرداخت نفقه اقربا است. (ارشدی، ۱۳۷۹، ص ۱۰۷-۱۱۰)

۱-۲- ادعای حمل زن باردار مطلقه بائنه و تعلق نفقه به او

فقها معتقدند در صورتی که زن مطلقه بائنه مدعی شود که باردار است، قول او بدون مطالبه دلیل مسموع است و باید به او نفقه داده شود و اگر معلوم شود که حامله نبوده است، برخی از فقها گفته اند در چنین صورتی مرد آنچه را که به عنوان نفقه بعد از وقوع طلاق در مطلقه بائنه پرداخت کرده است، پس می‌گیرد. (نجفی، ۱۴۰۴، ج ۳۱، ص ۳۵۸؛ طباطبایی یزدی، ج ۱، ص ۳۱۵؛ جمعی از پژوهشگران زیر نظر شاهرودی و



سید محمود هاشمی، ۱۴۱۷، ج ۶، ص ۱۰۵؛ حقوقدانان نیز با استناد به مواد ۳۰۱ و ۳۰۲ و ۳۰۸ قانون مدنی قائل به استرداد نفقه در صورتی که ادعای باردار بودن از طرف مطلقه بائنه مطرح شده و کذب آن مشخص شود، هستند. (جعفری لنگرودی، ۱۳۷۶، ص ۱۷۵)

۲- نفقه زن باردار ناشزه

نشوز اصطلاحی در فقه و حقوق اسلامی به معنی تمکین نکردن، نافرمانی و عدم ایفاء وظایف زناشویی از سوی یکی از زوجین است. اگرچه معمولاً نشوز فقط به نافرمانی زن از طریق عدم تمکین به شوهر اشاره دارد نافرمانی شوهر نیز در نوشته های فقهی نشوز نامیده می شود هر چند اصطلاح تمکین در مورد شوهر استفاده نمی شود. (شهید اول، ۱۴۱۰، ص ۱۸۷؛ فخر المحققین حلی، ۱۳۸۷، ج ۳، ص ۲۷۴)

همان طور که گفته شد زوجه با تحقق دو شرط مستحق نفقه می شود. ۱- نکاح دائم ۲- تمکین.

سوالی در اینجا مطرح است و آن اینست که آیا با انعقاد عقد نکاح، شوهر خود به خود مکلف به دادن نفقه است و چنانچه زن تمکین نکرده و نشوز از وی ظاهر شد نفقه ساقط می گردد یا اینکه بالعکس، به صرف نکاح، نفقه بر مرد واجب نمی گردد و وجوب نفقه وقتی بر عهده مرد ثابت می شود که زن تمکین نماید. به عبارت دیگر آیا اصل، دادن نفقه است و تحقق هیچ شرطی برای وجوب آن لازم نیست یا اینکه وجوب نفقه مشروط به تحقق تمکین از ناحیه زوجه است؟ در پاسخ به این سؤال سه نظر ارائه شده است که پاسخ به این سوال ما را در یافتن پاسخ سوال بعد که آیا به زن ناشزه باردار نفقه تعلق می گیرد یا خیر یاری خواهد کرد.

نظر اول: تمکین شرط استحقاق زن جهت دریافت نفقه نمی باشد بلکه نشوز، مانع آن است؛ بنابراین به محض اینکه عقد نکاح به صحت واقع شد، زن مستحق دریافت نفقه و زوج مکلف به پرداخت آن است. (خوئی، ۱۴۱۰، ج ۲، ص ۲۸۷)

نظر دوم (مشهور فقها): محقق در شرائع، پس از تردید در مساله فوق شرط تمکین بودن را ترجیح می دهد و این قول را اظهر میدانند. (محقق حلی، ج ۲، ص ۳۴۷؛ شهید ثانی، ج ۲، ص ۴۶۵) میرزای قمی می نویسد: «مشهور میان علماء این است که تمکین شرط وجوب نفقه است». (میرزای قمی، بی تا، ص ۴۱۲)

نظر سوم (نظر صاحب جواهر): اطاعت از زوج (تمکین به معنای عام) زن را مستحق نفقه می گرداند. صاحب جواهر پس از بیان نظر مشهور و تشریح نظر فقها در این باره قول وسط را پذیرفته است که زن به محض اطاعت از زوج مستحق نفقه می گردد و بنابراین نه نشوز را مانع دانسته و نه تمکین را واجب. (نجفی، ۱۴۱۴، ج ۱۱، ص ۲۱۶ و ۱۹۵)

آثار عملی پاسخ به این سؤال در موارد ذیل به چشم می خورد.

- هرگاه زوجین در حدوث تمکین اختلاف داشته باشند اگر نفقه را به موازات عقد بر زوج واجب گردانیم این وظیفه زوج است که نشوز زوجه را اثبات نماید؛ زیرا نفقه با عقد ثابت شده است و نشوز را که مانع آن است باید ثابت گردانیم. اما هرگاه تمکین را شرط وجوب نفقه بدانیم، این وظیفه زوجه است که تحقق تمکین را از ناحیه خود ثابت نماید.

- از آنجا که تمکین، صفتی وجودی است و بالعکس نشوز صفتی عدمی است، اثبات عدم در صورت درخواست بر انجام آن است؛ بنابراین این تمکین را می توان اثبات کرد و زوجه می تواند بر تمکین خود دلیل بیاورد. اما تحقق نشوز، منوط به درخواست زوج و ممانعت زوجه است.

- مطابق نظر مشهور فقها تمکین شرط وجوب نفقه است و هرگاه پس از عقد، زوج از زوجه مطالبه تمکین ننماید و زوجه نیز اظهار آمادگی نکند مطابق نظریه مشهور، زوجه مستحق نفقه نخواهد بود بر خلاف نظریه دیگر که با توجه به عدم وقوع نشوز، زن مستحق نفقه است.

اما اگر نظر صاحب جواهر را بپذیریم: زن اعم از حامله و غیر حامله که تمکین خاص با شوهرش ندارد به او نفقه تعلق می گیرد چون ناشزه بودن او مانع وجوب نفقه نیست. بر خلاف نظر مشهور که به دلیل عدم تمکین ناشزه است و به او نفقه تعلق نمی گیرد.

حال همان طور که پیش از این مطرح کرده بودیم؛ این جا نیز به این سوال می رسیم که در نفقه مطلقه غیر رجعیه حامل (و نیز مطلقه رجعیه حامل) که به عهده زوج است متعهدله کیست؟ حامل است یا حمل؟ در حقیقت پاسخ این سوال در مورد زن باردار ناشزه و نفقه او نیز تاثیر مستقیم خواهد داشت.

در رابطه با زن باردار ناشزه دو نظر وجود دارد:



عده ای معتقدند چنانچه زن باردار در حال نشوز طلاق داده شود یا پس از طلاق ناشزه گردد، اگر نفقه برای زن باشد پرداخت آن واجب نیست، اما در صورتی که نفقه برای حمل باشد، پرداخت آن واجب است. همین حکم در مورد زن باردار در ایام زوجیت نیز جاری است. (علامه حلی، بی تا، ج ۳، ص ۱۰۹) ثمره حقوقی این بحث بسیار است مثلاً طبق نظر شیخ طوسی و پیروانش که متعهد له نفقه حمل است باید نفقه مطلقه رجعیه ناشزه در زمان حمل داده شود و نشوز رجعیه در عده، نمی تواند حق حمل را ساقط کند. (طاهری، ۱۴۱۸ق، ج ۳، ص ۲۰۸) لذا هر گاه حمل در بین نباشد به زن ناشزه نفقه‌ای تعلق نمی گیرد. اما اگر حمل باشد دو نظر مشهور وجود دارد:

الف: متعهد له نفقه، زن است.

ب: متعهد له، حمل است نهایت آنکه مادرش این نفقه را می گیرد و مصرف می کند. و سرانجام حمل هم از این راه تغذیه می کند. (طبق نظر شیخ طوسی و پیروانش) بنا بر این نظر وقتی که پدر فوت می کند تعهدش بدان نفقه حمل ساقط می گردد و باید از مال خود طفل، صرف نفقه خودش شود نه از ترکه پدرش، و در واقع پس از فوت پدرش از کیسه خودش می خورد. بر اساس این نظر نکات ذیل را باید مورد توجه قرار داد:

الف: مطلقه رجعیه ناشزه باردار حق نفقه برای حمل بر عهده زوج دارد. اگر زوج در ایام عده بمیرد از مال طفل به او باید نفقه بدهند و نفقه شامل سکنی هم هست و ورثه در تقسیم ترکه نمی توانند مسکن را از او باز ستانند.

ب: مطلقه رجعیه باردار اگر در حال طلاق دادن، ناشزه نباشد لکن بعداً (در ایام عده طلاق رجعی) ناشزه گردد نفقه حمل، ساقط نمی شود. ج: مطلقه رجعیه باردار اگر ناشزه نباشد متعهد له نفقه، خود او است زیرا در حکم زوجه است و زوجه حق گرفتن نفقه را دارد. اما اگر در ایام عده ناشزه گردد حق او از زوج (بعنوان حق زوجه) ساقط می گردد و در اینصورت متعهد له نفقه حمل است و پدر (تا زنده است) باید در ایام حمل، نفقه حمل را بدهد که مادر به مصرف برساند و اگر پدر قبل از وضع حمل، بمیرد از مال خود طفل بعنوان نفقه حمل به مادر می دهند. فرق قضیه این است که در مورد نفقه زوجه نفقه روز بروز داده می شود اما در مورد نفقه حمل، زوج تعهد ندارد که بامداد هر روز نفقه آن روز را بدهد و رعایت این ضابطه ضرورت ندارد.

آخرین نکته ای که مناسب است در این جا تذکر داده شود این است که اگر زوجه در حال نشوز، به طلاق بائن، مطلقه گردد و باردار باشد نشوز مانع استحقاق نفقه حمل (در ماده ۱۱۰۹) نمی شود. به نظر می رسد خلاف این نظر بی دلیل است.

۳- نفقه زن باردار از رابطه شبهه

آمیزش مرد با زنی که به گمان حلال بودن صورت می گیرد، موطوئه به شبهه نامیده شده و احکام آمیزش حلال را دارد. (جمعی از نویسندگان، ۱۴۲۶، ج ۱، ص ۱۵۰-۱۵۱) به عبارت دیگر، وطی به شبهه عبارت از آمیزشی است بین زن و مرد، که به تصور وجود رابطه زوجیت به عمل می آید و حال آنکه رابطه زوجیت موجود نمی باشد، خواه جهل آنان نسبت به موضوع باشد مانند آن که کسی با زنی ازدواج کند و نزدیکی نماید و سپس معلوم گردد که خواهر رضاعی زن اوست و یا آن که جهل آنان نسبت به حکم باشد مانند آنکه کسی بدون دانستن حکم قانونی به بطلان نکاح، با زنی که قبلاً در زمان شوهر داریش با او نزدیکی نموده باشد، پس از انحلال نکاح مزبور با او ازدواج و نزدیکی نماید. شبهه ممکن است از ناحیه طرفین و یا از طرف زن یا مرد باشد.

اگر سبب عده، وطی به شبهه باشد زوجه در ایام عده حق نفقه ندارد. این امر مورد اتفاق فقهاء امامیه است، زیرا، عده شبهه هم در حکم عده بائن است. اما در ثبوت نفقه زن بر مرد صورت بارداری وی با آمیزش به شبهه، اختلاف است. (نجفی، ۱۴۰۴، ج ۳، ص ۳۴۰)

نظر اول- دکتر لنگرودی معتقدند موطوئه به شبهه اگر حامله باشد نفقه ندارد زیرا زوجه نیست. (جعفری لنگرودی، ۱۳۷۶) نظر او بر مبنای نظر گروهی از فقهاست که معتقدند نفقه متعلق به حامل است لذا موطوئه به شبهه حامل نفقه ندارد.

نظر دوم- اما عده ای از فقها معتقدند موطوئه به شبهه اگر حامله باشد تا زمان وضع حمل نفقه دارد. (علامه حلی، ۱۴۲۰، ج ۴، ص ۱۷۸) دلیل این گروه این است که موطوئه به شبهه که باردار باشد نفقه اش را برای حمل می دانند لذا باید واطی نفقه او را بدهد و چنانچه فوت کرده باشد از مال طفل باید نفقه موطوئه را بدهند. (علامه حلی، قواعد، بی تا، ج ۳، ص ۱۱۰)



ر) نفقه‌ی زن باردار در نکاح متعه

نکاح متعه نکاحی است که در آن شرط مدت شود و چون ازدواج دائم و همیشگی نیست احکامش با نکاح دائم فرق دارد مثلاً در نکاح دائم نفقه زن بر عهده مرد است اما به نظر اکثر فقها و قانون مدنی ایران، در نکاح موقت نفقه زن بر عهده خودش است حال مساله اینست اگر زن در زمان عقد موقت حامله شود در مدت نکاح منقطع و بعد از اتمام مدت متعه، حق نفقه دارد یا خیر؟

زنی که با عقد انقطاعی شوهر کرده اگر حامله باشد، تنها در صورتی که نفقه را متعلق به حمل بدانیم به منقطع‌ه‌ی معتده‌ی حامل نفقه تعلق می‌گیرد و نفقه بر عهده‌ی پدر است و اگر پدر فوت کند نفقه باید از مال طفل پرداخت شود و اگر طفل مالی نداشته باشد بر عهده‌ی جد پدری است؛ ولی اگر نفقه را برای حامل بدانیم (طبق نظر مشهور فقها) از آن جایی که زن در عقد منقطع حق دریافت هیچ گونه نفقه‌ای را ندارد (موسوی خمینی، ۱۳۷۸، ج ۲، ص ۳۱۴) (مگر در ضمن عقد شرط پرداخت نفقه را درج کرده باشند) پس زوجه حق دریافت هیچ گونه نفقه‌ای را ندارد.

۴- نفقه زن باردار در عده وفات

زن بیوه بعد از مرگ شوهرش به نص قرآن کریم مدت چهار ماه و ده روز را عده نگه می‌دارد و حق ازدواج مجدد ندارد. در فقه از آن به (عده وفات) یاد می‌شود ولی عده وفات زن باردار به نظر فقهای شیعه ممکن است بیش از این زمان باشد زیرا اگر دوران بارداری بیش از این مدت باشد زن می‌بایست تا هنگام وضع حمل عده نگه دارد. حال نفقه و مخارج زن باردار در طول این مدت، بر عهده‌ی کیست؟

در این مساله چند فرض قابل طرح است،

فرض اول این که استحقاق نفقه از اصل ترکه و میراث زوج باشد؛

فرض دوم استحقاق نفقه از سهم الارث جنین است؛

فرض سوم انکار نفقه به هر شکل می‌باشد.

در فرض اول می‌توان گفت که نفی نفقه زن باردار از اصل میراث زوج در شیعه مورد اجماع است و برخی فقهاء نیز بر این اتفاق نظر تصریح کرده‌اند. (مجلسی دوم، ۱۴۰۴، ج ۱۳، ص ۲۹۳)

برای اثبات یکی از دو فرض دیگر باید توجه کنیم که در منابع روایی و فقهی شیعه روایاتی یافت می‌شود که مورد استناد فقها برای اثبات نظر خویش در موضوع نفقه زن در عده وفات قرار گرفته است. این روایات به طور کلی به دو دسته تقسیم می‌شود.

دسته اول: روایات حاکی بر عدم استحقاق زوجه بر نفقه در ایام عده وفات

این دسته روایاتی هستند که از ادله نفی حق نفقه شمرده می‌شوند.

از جمله این روایات، روایتی از ابی الصباح کنانی از امام صادق (ع) که در مورد زن بارداری که شوهرش فوت شده سوال شد که آیا نفقه به او تعلق می‌گیرد؟ حضرت فرمود خیر. (کلینی، ۱۳۷۵، ج ۶، ص ۱۱۵، شیخ؛ طوسی، ۱۳۶۵، ج ۸، ص ۱۵۰؛ حر عاملی، ۱۳۷۴، ج ۲۱، ص ۵۲۲)

یا روایتی از حلبی از امام صادق (ع) که حضرت فرمودند: زن بارداری که شوهر او فوت شده، نفقه‌ای برای او نیست این روایت معتبر است. (الکافی، ۱۳۷۵، ج ۶، ص ۳۱۴؛ شیخ طوسی، ۱۳۶۵، ج ۵، ص ۱۵۱؛ حر عاملی، ۱۳۷۴، ج ۲۱، ص ۵۲۲)

این روایات و روایات دیگری که مضمون واحدی دارند بیانگر این هستند که زن حامله‌ای که در عده‌ی وفات به سر می‌برد مستحق نفقه از شوهرش نیست زیرا متوفی تکلیفی ندارد. لذا برخی از فقها بر اساس این روایات به عدم وجوب نفقه بر زن باردار در عده وفات حکم داده‌اند، که این حکم شهرت روایی و عملی نیز دارد. (علامه حلبی، ۱۴۲۱، ص ۲۰۷؛ فخرالمحققین حلبی، ۱۳۸۷، ج ۳، ص ۳۶۸ و ۳۶۹) این فقیهان روایات مذکور را دال بر عدم ثبوت نفقه به طور مطلق اعم از مال شوهر و مال حمل می‌دانند.

روایات دسته دوم: روایات حاکی بر استحقاق زوجه بر نفقه در ایام عده وفات



این دسته روایاتی هستند که مورد استدلال برای اثبات حق نفقه می باشد که این روایات هم به دو گروه تقسیم می شود. یک گروه صراحت در این دارند که نفقه زن باردار از سهم الارث جنین وی می باشد و گروه دیگر نفقه وی را از تمامی اموال قرار داده اند .
روایت اول: مستند اصلی نظریه ی مشهور متقدمان مبنی بر انفاق از مال فرزند روایت ابی صباح کنانی است. امام صادق(ع) فرمود: زن بارداری که شوهرش فوت شده نفقه او از مال فرزندش که در شکمش است پرداخت می شود. (طباطبایی حائری، بی تا، ج ۱، ص ۵۳۹)
طبق این روایت زن بارداری که در عده وفات است مستحق نفقه است. اما این نفقه از سهم الارث فرزندش پرداخت می شود نه از مال شوهر.

روایت فوق در میان روایات مطرح در موضوع نفقه در عده وفات تنها خبری است که در تمامی کتب اربعه ذکر شده است.
روایت دوم: امام صادق (ع) از پدرش و او از علی(ع) نقل می کند که فرمود: نفقه زن باردار شوهر دار از دست داده، تا زمانی که وضع حمل کند، از تمامی مال است.

هر چند به نظر می رسد این روایت با روایت قبل تعارض دارد اما این تعارض ظاهری بوده، چرا که در واقع نصیب و سهم الارث حمل، در کل مال مخلوط است و وضعیت حمل مشخص نیست که دختر است یا پسر، یکی است یا بیشتر، به همین خاطر پس از وضع حمل، هنگامی که سهم الارث واقعی او مشخص شد آنچه به عنوان نفقه پرداخت شده است از نصیب فرزند متولد شده کم می شود. به همین خاطر برخی فقها روایت اخیر را حمل بر نصیب فرزند کرده اند، زیرا برای او از کل مال نصیبی است. البته این احتمال داده شده که این روایت حمل بر استحباب می شود، یعنی در صورتی که ورثه به این امر رضایت دهند از جمیع مال پرداخت می شود.

در واقع زن بارداری که در عده وفات است به دلیل حملی که در شکم دارد مستحق نفقه است و حمل نسبت به سایر ورثه در دادن نفقه به مادر اولویت دارد(نجفی، ۱۴۰۴، ج ۳۱، ص ۲۳۷، علامه حلی، ۱۴۲۰، ج ۴، ص ۱۸۳؛ حرعاملی، ۱۳۷۴، جلد ۲، ص ۵۲۲) و چنانچه زنده متولد شود، نفقه ای که به مادر از ارث پرداخت شده در نهایت از سهم الارث فرزند متولد شده کسر می شود.

نکته قابل توجه در این جا این است که اگر حمل زنده متولد نشود در چنین صورتی چه باید کرد؟

برای پاسخ به این سوال بهتر است به صورت تفصیلی حالت های مختلف زن باردار در عده وفات را بررسی کنیم:

حالت اول: متولد شدن جنین بعد از چهار ماه: جنین بعد از چهار ماه و ده روز به دنیا بیاید، در این صورت نفقه از مال جنین با تولد او قطع می شود و عده وفات نیز پایان می یابد .

حالت دوم: متولد شدن قبل چهارماه: در این هنگام با تولد کودک نفقه مادر قطع می شود، ولی عده وفات تا پایان چهارماه و ده روز ادامه می یابد. حکم قطع نفقه با تولد جنین، با ادله سازگاری دارد، زیرا اگر نفقه را حق جنین بدانیم تنها در صورتی مادر از این نفقه بهره مند می گردد که استفاده او از نفقه تنها راه وصول نفقه او به جنین باشد و این تنها در دوران بارداری است. (نجفی، ۱۴۰۴، ج ۸، ص ۴۵۵)

البته در صورت زنده متولد شدن نوزاد، اگر مادر نیازمند باشد و مالی غیر از اموال نوزادش نباشد که بتواند زندگانی خود را از آن طریق تامین کند، در این صورت بعد از وضع حمل، می تواند هزینه ی زندگی خود را از همان سهم الارث نوزادش به عنوان نفقه اقارب تامین کند.

سقط شدن جنین: اگر جنین قبل از چهارماه و ده روز یا بعد از آن، زنده به دنیا نیاید و سقط شود نفقه قطع خواهد شد و باقی مانده مالی که از ارث برای جنین کنار نهاده شده بود به سایر ورثه می رسد، زیرا در این صورت ملکیت جنین بر مال کنار نهاده شده، مستقر نگردیده است، بر خلاف هنگامی که جنین بعد از زنده متولد شدن فوت کند که در این صورت، ملکیت او مستقر می شود و مال او به ورثه خودش انتقال می یابد. اما مقدار مالی که در طول مدت بارداری از سهم الارث جنین صرف مادر شده است محل گفت و گوی فقهاست. معدودی از ایشان می گویند: این مقدار از مال بر ذمه مادر است و به دیگر ورثه بدهکار است و می بایست به آنان بازگرداند و این منافاتی با رخصت شرعی در مصرف این مال ندارد.(اراکلی، ص ۲۷۸)

اما بعضی دیگر از فقها که فرض سقط جنین را مطرح کرده اند، می گویند: نفقه ای که در طول زمان بارداری صرف مادر شده است، از مال ورثه کم می شود و مادر نیز به آنان بدهکار نیست. (نجفی، ۱۴۰۴، ج ۳۲، ص ۳۶۳)



اگر این مینا را بپذیریم که نفقه حق جنین است، قول دوم صائب خواهد بود، زیرا در این صورت آن مقدار مالی را که مادر در طول مدت بارداری مصرف کرده است، برای خودش نبوده است؛ بلکه در واقع صرف جنین شده است که راه ارتزاق او مادرش بوده است. پس دلیلی وجود ندارد که بعد از سقط جنین، آن مقدار مال از مادر طلب شود، یعنی اگرچه ملکیتی برای جنین حاصل نشده است، ولی مورد مصرف این مال نیز مادر نبوده است تا او بدهکار باشد، بلکه به اذن شارع این مقدار مال که در واقع ملک ورثه بوده است، صرف جنین شده است.

نتیجه گیری

۱- با توجه به این مطلب که در فقه اسلامی و حقوق ایران زوجه با تحقق وجود رابطه زوجیت از نوع نکاح دائم و تمکین مستحق نفقه می شود، وضعیت تامین مخارج و مایحتاج زندگی زن بارداری که شرایط تعلق نفقه را نداشته باشد مورد توجه قرار می گیرد.

۲- از آنجا که مادر باردار با توجه به شرایط ویژه اش نیاز مند حمایت های متعدد مادی و معنوی است و در این دوران یکی از محدودیت های که با آن مواجه می شود، فعالیت برای کسب و کار و درآمدزایی است، مساله حمایت مالی از او در چنین شرایطی و اتخاذ سیاست حمایتی حقوقی در این زمینه و اختصاص حقی همچون نفقه ایام زوجیت برای او بسیار مهم است.

۳- در بررسی صورت های مختلف عدم وجود شرایط عمومی پرداخت نفقه در زن باردار، مانند انحلال نکاح دائم به واسطه طلاق یا فسخ، صورت نشوز، صورت بارداری از رابطه شبهه، صورت بارداری از نکاح متعه و در صورت فوت زوج، مشاهده می کنیم که قانونگذار اسلام و قانونگذار ایران، مادر باردار را به طور استثناء مستحق دریافت نفقه محسوب کرده اند، زیرا خداوند در قرآن کریم بارداری را نشانه ای از لطف و رحمت و قدرت خداوند دانسته است و احکام و حقوقی اختصاصی را برای حمایت از زنان باردار در نظر گرفته است.

۴- در تعلق نفقه به مطلقه بائنه باردار و تکلیف مرد به پرداخت آن با توجه به آیه ۶ سوره طلاق شکی نیست، هرچند دانشمندان فقه و حقوق در تعلق نفقه به حمل یا حامل اختلاف نظر دارند. همین نظر در موطوئه به شبهه و زنی که در نکاح متعه است و زن ناشزه نمودار می گردد.

اما در خصوص استحقاق یا عدم استحقاق نفقه زن بارداری که در عده وفات است دو دسته روایات وجود دارد و از این رو بین علما اختلاف نظر به وجود آمده است. با این حال در صورت نیاز مادر، در پرداخت نفقه او از سهم الارث کنار گذاشته شده ی طفلش از باب پرداخت نفقه اقارب یا تامین نیاز خود جنین که از طریق مادر ارتزاق می کند، شکی نیست.

۵- از آنجا که با بررسی بسیاری از موارد، سیاست حمایتی اسلام از مادر باردار به طور اختصاصی مشهود می باشد، لازم است این مساله سرلوحه سیاستگذاری ها و برنامه ریزی های کنونی نیز قرار گرفته شود. به خصوص این که گاهی ضعف ما در اجرای این سیاست های حمایتی بسیار بیشتر از ضعف و خلاء قانونگذاری است و نیازمند ضمانت اجرایی ساده تر، قوی تر و عملی تر برای اجرای این قوانین هستیم تا درپرتو و سایه آن، هدف متعالی تامین آرامش ذهنی و فکری و سلامت مادر باردار تامین شود.



منابع

قرآن کریم.

- اراکی، محمد علی، رسالتان فی الارث و نفقه الزوجه، ص ۲۷۸
- ارشدی، علی یار، نفقه زوجه در حقوق ایران، انگلیس و هند، چاپ اول، بوستان توحید تهران، ۱۳۷۹ ش.
- بحرانی، یوسف بن احمد، الحدائق الناضره فی احکام العتره الطاهره، چاپ اول، قم، دفتر انتشارات اسلامی جامعه مدرسین وابسته به حوزه علمیه قم، ۱۴۰۵ ق، ۲۵ جلدی.
- جعفری لنگرودی، محمد جعفر، حقوق خانواده، چاپ دوم، تهران، کتابخانه گنج دانش، چاپ دوم، ۱۳۷۶.
- جعفری لنگرودی، حقوق خانواده، محمد جعفر، حقوق خانواده، چاپ دوم، تهران، کتابخانه گنج دانش، ۱۳۷۶.
- جمعی از پژوهشگران زیر نظر شاهرودی و سید محمود هاشمی، معجم فقه الجواهر، چاپ اول، بیروت، الغدیر للطباعه و النشر و التوزیع، ۱۴۱۷ ق، ۶ جلدی.
- جمعی از نویسندگان زیر نظر سید محمود هاشمی شاهرودی، فرهنگ فقه مطابق مذهب اهل بیت علیهم السلام، قم، دائره المعارف فقه اسلامی بر مذهب اهل بیت، ۱۴۲۶، چاپ اول.
- حر عاملی، محمد بن حسن، تفصیل وسائل الشیعه الی تحصیل مسائل الشریعه، چاپ اول، قم، موسسه آل البيت (ع) ۱۴۰۹ ق، ۳۰ جلدی.
- حرانی، یوسف بن احمد، الحدائق الناضره فی احکام العتره الطاهره، چاپ اول، قم، دفتر انتشارات اسلامی جامعه مدرسین وابسته به حوزه علمیه قم، ۱۴۰۵ ق، ۲۵ جلدی.
- حر عاملی، محمد بن حسن، وسائل الشیعه، مؤسسه آل البيت علیهم السلام لاحیاء التراث، قم، ۱۳۷۴ ش.
- خوئی، سید ابوالقاسم موسوی، منهاج الصالحین، چاپ ۲۸، قم، نشر مدینه العلم، ۱۴۱۰ ق، ۲ جلدی.
- سبزواری، سید عبدالاعلی، مهذب الاحکام، چاپ چهارم، قم، موسسه المنار- دفتر حضرت آیه الله، ۱۴۱۳ ق، ۳۰ جلدی.
- شهید اول، محدب مکى العالمی، اللعه دمشقیه فی فقه الامامیه، چاپ اول، محمدتقی مروارید و علی اصغر مروارید، بیروت، دار التراث- دارالاسلامیه، ۱۴۱۰ ق، ۱ جلدی.
- صمیری، مفلح بن حسن، غایه المرام فی شرح شرائع الاسلام، چاپ اول، جعفر کوثرانی عاملی، بیروت، دارالهادی، ۱۴۲۰ ق، ۴ جلدی.
- طاهری، حبیب الله، حقوق مدنی، چاپ دوم، قم، دفتر انتشارات اسلامی جامعه مدرسین وابسته به حوزه علمیه قم، ۱۴۱۸ ق، ۵ جلدی.
- طاهری، حبیب الله، حقوق مدنی، چاپ دوم، قم، دفتر انتشارات اسلامی جامعه مدرسین وابسته به حوزه علمیه قم، ۱۴۱۸ ق، ۳ جلدی.
- طباطبائی حائری، سیدعلی بن محمد، ریاض المسائل فی تحقیق الاحکام بالدلائل، موسسه آل البيت علیهم السلام، بی تا.
- طباطبائی یزدی، سید محمد کاظم، تکمله العروه الوثقی، چاپ اول، سید محمد حسین طباطبائی، قم، کتابفروشی داوری، ۱۴۱۴ ق، ۲ جلدی.
- طوسی، محمد بن حسن، تهذیب الاحکام، جلد ۷، دارالکتب الاسلامیه، تهران، ۱۳۶۵ ش، چاپ چهارم.
- علامه حلی، حسن بن یوسف بن مطهر اسدی، تحریر الاحکام الشرعیه علی مذهب الامامیه، چاپ اول، مشهد، موسسه آل البيت (ع)، بی تا، ۲ جلدی، جلد ۲، ص ۴۵.
- علامه حلی، حسن بن یوسف، تحریر الاحکام شرعیه علی مذهب الامامیه، چاپ اول، قم، موسسه امام صادق (ع)، ۱۴۲۰، ۶ جلدی.
- علامه حلی، حسن بن یوسف، قواعد الاحکام فی معرفه الحلال والحرام، چاپ اول، قم، دفتر انتشارات اسلامی جامعه مدرسین وابسته به حوزه علمیه قم، بی تا، ۳ جلدی.
- علامه حلی، حسن، تلخیص المرام فی معرفه الاحکام، چاپ اول، انتشارات دفتر تبلیغات اسلامی حوزه علمیه قم، قم، ۱۴۲۱ ق.
- فخرالمحققین حلی، حسن بن یوسف، ایضاح الفوائد فی شرح مشکلات القواعد، چاپ اول، سید حسین موسوی کرمانی و علی پناه اشتهاردی و عبدالرحیم بروجرودی، قم، موسسه اسماعیلیان، ۱۳۸۷ ق، ۴ جلدی.



حمایت از مادران زندانی و فرزندان آن‌ها در پرتو عملکرد نهادهای معاهداتی حقوق بشری نظام ملل متحد

مهوش منفرد؛ دانشجوی دکتری حقوق بین‌الملل عمومی دانشگاه تهران

monfared.mahvash@gmail.com

موسی کرمی؛ کارشناس زبان و ادبیات انگلیسی و کارشناس ارشد حقوق بین‌الملل

mousakarami136767@yahoo.com

چکیده

بی‌گمان، نیازمندی‌های خاص زنان زندانی که بیشتر آن‌ها مادر هستند، اغلب توسط نهادهای کیفری، سیاست‌گزاران دولتی و جامعه‌ی بین‌المللی نادیده انگاشته می‌شود. حبس زنی که مادر است می‌تواند نه تنها حقوق خود او بلکه حق‌های فرزندان را نیز نقض نماید. از این رو، در راستای تضمین حقوق به رسمیت شناخته شده‌ی مادران به موجب حقوق بین‌الملل، بایسته است تا همه‌ی ابعاد نظام‌های مرتبط با حبس این افراد مطمح نظر قرار گیرند. در این زمینه، عملکرد نهادهای معاهداتی حقوق بشری ملل متحد از اهمیت شایانی برخوردار است. این ارکان، با شناسایی تعهدات متقن و ایجابی برای دولت‌ها در حمایت از مادران زندانی و فرزندان آن‌ها، رویکردی حمایتی را در این عرصه اتخاذ نموده‌اند که می‌تواند موجبات رعایت و ارتقای حقوق این افراد و در نتیجه تحکیم بنیان‌های خانواده و تقویت امنیت اجتماعی را فراهم آورد. نوشتار فرارو بر آن است تا به روشی توصیفی-تحلیلی و با گردآوری منابع به صورت کتابخانه‌ای، به حمایت‌های صورت گرفته از مادران زندانی و فرزندان آن‌ها در پرتو عملکرد نهادهای معاهداتی حقوق بشری نظام ملل متحد و به ویژه کمیته‌ی حقوق کودک مبادرت نماید.

واژگان کلیدی: مادران زندانی، نهادهای معاهداتی، حقوق بشر، کمیته‌ی حقوق کودک، حقوق بین‌الملل

مقدمه

دست هنرمندی که در کارگاه آفرینش گل وجود آدمی را سرشت، از آنجا که در پی ترسیم بهترین تصویر بود (قرآن کریم، غافر: ۶۴) تغابن: ۳) از همان آغاز، اساس کار را بر خلقتی دوگانه گذاشت و بشر را به صورت زن و مرد آفرید (قرآن کریم، روم: ۲۱) و در پایان به این ساخته خویش آفرین گفت (قرآن کریم، مؤمنون: ۱۴). از این رو، تاریخ زن، در واقع بخشی از تاریخ انسانی است (رحمتی، ۱۳۸۶، ص ۷۲) و دفاع از او، دفاع از انسانیت. حقوق زنان، به واسطه ماهیت مفهومی خود یک پدیدار فرامرزی و جهان‌شمول است. اگر چه حقوق زنان ابتدا در محدوده‌ی تعهدات دولت‌ها در قلمرو سرزمینی خود معنا می‌یابد، ولی به علت جهانی بودن هویت انسانی انسان و جهان‌گسری حقوق بشر (گنج‌بخش و دیگران، بهار و تابستان ۱۳۹۵، ص ۱۲۶)، بررسی مسائل مربوط به زنان محدود و محصور در مرزهای ملی نیست و دغدغه‌های مربوط به این حوزه، در سطوح منطقه‌ای و بین‌المللی نیز خودنمایی می‌کنند.

بارزترین و والاترین نقشی که برای زنان ترسیم شده و مورد ستایش قرار گرفته، نقش مادری و عهده‌داری تربیت فرزندان است (دبیرخانه علمی همایش مادر، ۱۳۹۵، ص ۸). نقش مادر در مفهوم مادری کردن از چنان اهمیت بی‌مانندی برخوردار است که می‌توان از آن به عنوان پایه‌ی اصلی خانواده و جامعه یاد کرد (همان، ص ۷). لازمه‌ی شأن، کرامت و هویت انسانی هر فرد، بهره‌مندی از حقوق بشر است (فضائلی و کرمی، بهار و تابستان ۱۳۹۶، ص ۲۹۱). بی‌گمان، حمایت از جایگاه مادر در هر سطح و حوزه‌ای، افزون بر ارزش ذاتی آن، از نظر حمایت از کودکان و تحکیم بنیان‌های خانواده و تقویت امنیت اجتماعی جوامع، دارای ارزش ابزاری نیز می‌باشد.

از زمان تصویب منشور ملل متحد در سال ۱۹۴۵ و پس از آن، اعلامیه‌ی جهانی حقوق بشر در سال ۱۹۴۸، ملل متحد به طور مؤثر به تدوین مجموعه‌ای از اسناد حقوق بشری بین‌المللی پرداخته است. از آنجا که نسبت به قبول جهانی نسبت به این موازین تردیدی وجود ندارد و علی‌رغم اینکه مهم‌ترین روش اجرایی این اسناد «حمایت ملی» از آن‌ها می‌باشد، در سراسر جهان به گونه‌ای فزاینده بر لزوم تقویت سازگار ملل متحد برای حمایت کارآمد از این موازین تأکید شده است (منفرد، بهار و تابستان ۱۳۹۶، ص ۵۴). یکی از کارآمدترین سازگارهای حمایت از حقوق بشر در سطح ملل متحد را می‌توان نظارت توسط ارکان مبتنی بر معاهدات حقوق بشری دانست که از چشم‌انداز پایش اجرای این معاهدات از اهمیتی شایان برخوردار است (مصفا، زمستان ۱۳۸۲، ص ۱۶۰). از این رو، نگارندگان در نوشته‌ی فرارو در نظر دارند که به روشی توصیفی-تحلیلی و با گردآوری کتابخانه‌ای منابع، به حمایت‌های صورت گرفته از مادران زندانی و کودکان آن‌ها در پرتو عملکرد ۳ نهاد معاهداتی حقوق بشری دست یازند که در ادامه خواهد آمد.



رویکرد نهادهای معاهداتی حقوق بشری نظام ملل متحد در قبال مادران زندانی و فرزندان آنها

بی‌گمان یکی از مهم‌ترین منابع حقوق بین‌المللی بشر، اسناد بین‌المللی منعقد در این زمینه هستند که در راستای به رسمیت شناختن حقوق و آزادی‌های اساسی تدوین و به تصویب رسیده‌اند (منفرد، پیشین، ص ۵۴). در این اسناد سازگاری برای نظارت بر حسن اجرای مفاد آنها از سوی دولت‌های عضو پیش‌بینی شده‌اند. هم‌اکنون در نظام ملل متحد ۹ رکن معاهداتی وجود دارند که در قالب کارگروه‌هایی متشکل از کارشناسان مستقل در زمینه‌های مرتبط با اسناد ذیربط، بر کیفیت اجرای معاهدات زاینده‌ی خود نظارت می‌نمایند (میکلم، ۲۰۰۹، ص ۱). در این نوشته‌ی کوتاه، عملکرد کمیته‌ی امحاء تبعیض نژادی، کمیته‌ی حقوق بشر و کمیته‌ی حقوق کودک در زمینه‌ی حمایت از مادران زندانی و فرزندان آنها را به اختصار بررسی می‌نماییم. یادآور می‌گردد که در این مسیر، عملکرد کمیته‌ی حقوق کودک برجسته‌تر خواهد شد و بیشتر حجم مقاله به آن اختصاص خواهد یافت.

کمیته‌ی امحاء تبعیض نژادی و کمیته‌ی حقوق بشر

کمیته‌ی امحاء تبعیض نژادی، نهاد ناظر بر اجرای کنوانسیون امحاء کلیه‌ی اشکال تبعیض نژادی است. کنوانسیون مربوطه در ۲۱ دسامبر ۱۹۶۵ طی قطعنامه‌ی شماره A (XX) ۲۱۰۶ به تصویب در آمد (مهرپور، ۱۳۹۰، ص ۸۳). این کمیته در ۱۷ اوت ۲۰۰۵ توصیه‌نامه‌ی عام شماره ۳۱ خود در خصوص پیشگیری از تبعیض نژادی در اداره و کارکرد نظام عدالت کیفری را صادر نمود. این تفسیر، مسائلی که اشخاص متعلق به گروه‌های نژادی یا قومی و به طور خاص اتباع بیگانه‌ی متعلق به گروه‌های آسیب‌پذیر، مردمان بومی، افراد تحت تبعیض و سایر گروه‌های ضعیف جامعه که در محرومیت و حاشیه به سر می‌برند را مطرح نظر قرار می‌دهد. کمیته با برجسته نمودن تبعیض‌های چندگانه‌ای که زنان متعلق به گروه‌های فوق متحمل می‌شوند، با برشماری وظایف و تعهدات دولت‌های عضو کنوانسیون در قبال همه‌ی بازداشت‌شدگان از هر قوم و نژاد و ملیتی، بر آسیب‌پذیری زنان و صغار در برابر نظام عدالت کیفری به واسطه‌ی عضویت در گروه‌های یاد شده در بالا تأکید می‌ورزد و خواستار توجه ویژه‌ی دولت‌ها به این دو گروه می‌گردد (کمیته‌ی امحاء تبعیض نژادی، ۱۷ اوت ۲۰۰۵، بند ۲۳). اتخاذ چنین رویکردی از سوی کمیته‌ی یاد شده، از شناسایی و درک میزان تبعیضی که زنان در نظام عدالت کیفری با آن روبرو هستند حکایت دارد. همچنین کمیته در این توصیه‌نامه، بر اهمیت بررسی علل رشد سریع جمعیت زنان در زندان و شرایط آنها بر حبس اصرار دارد.

کمیته‌ی حقوق بشر نهاد ناظر بر میثاق بین‌المللی حقوق مدنی و سیاسی که در مورخ ۱۶ دسامبر ۱۹۶۶ به تصویب مجمع عمومی ملل متحد رسید، محسوب می‌شود. کمیته در ملاحظات پایانی خویش در رابطه با گزارش‌های کشورهای عضو، نگرانی‌هایی را در مورد وضعیت زنان زندانی به طور خاص و بکارگیری کارکنان مرد به طور خاص ابراز داشته است (کمیته‌ی حقوق بشر، ۲ نوامبر ۲۰۰۵، بند ۱۸). کمیته‌ی منع شکنجه به عنوان رکن ناظر اجرای کنوانسیون منع شکنجه و سایر رفتارها یا مجازات‌های ظالمانه، غیر انسانی یا ترحیمی نیز جدایی جنسیتی زندانیان را مطرح نظر قرار می‌دهد (کمیته‌ی منع شکنجه، ۷ نوامبر ۲۰۰۵، بند ۱۴). تردیدی وجود ندارد که در صورت ادغام زندانیان مؤنث و مذکر، علاوه بر نقض کامل برابری میان زندانی‌های زن و مرد، میزان ارتکاب جرائم جنسی را نیز به میزان بسیار زیادی بالا می‌برد. این رویکرد کمیته‌ی حقوق بشر، بر قاعده‌ی شماره‌ی (۳) ۵۳ از حداقل قواعد استاندارد برای رفتار با زندانیان ملل متحد مبنی بر لزوم سرپرستی و مدیریت انحصاری زندانیان زن توسط بانوان تصریح می‌نماید. بی‌تردید حضور کارکنان و نگهبانان مرد در میان زندانیان زن، افزون بر تشدید رابطه‌ی نابرابر قدرت، بستر سوء استفاده‌ها و سوء رفتارهای جنسی از زنان زندانی را فراهم می‌آورد و کرامت و حرمت آنها را خدشه‌دار می‌سازد.

کمیته‌ی حقوق کودک

به نظر می‌رسد که قربانی اصلی زندانی شدن مادران، بیش و پیش از هر کس دیگر فرزندان بی‌گناه و معصوم آنها هستند. از این رو، نگارندگان بیشتر حجم مقاله را به عملکرد کمیته‌ی حقوق کودک اختصاص می‌دهند. کمیته‌ی حقوق کودک، به عنوان نهاد پیشگرم اجرای کنوانسیون حقوق کودک می‌باشد که طی قطعنامه‌ی ۴۴/۲۵ مجمع عمومی ملل متحد و در ۲۰ نوامبر ۱۹۸۹ به تصویب رسید و در ۲ سپتامبر ۱۹۹۰، با تحقق شرط ماده‌ی ۴۹ آن مبنی بر گذشت ۳۰ روز از بیستمین سند الحاق یا تصویب، لازم‌الاجرا گردید (<http://www.ohchr.org/EN/ProfessionalInterest/Pages/CRC.aspx>). این کنوانسیون هم‌اکنون با عضویت ۱۹۱ کشور جهان در آن، یکی از جهان‌گسترترین اسناد حقوقی بین‌المللی به شمار می‌آید و همین امر از اهمیت موضوع حقوق کودکان و حمایت از حقوق آنها حکایت دارد.



کمیته‌ی حقوق کودک متشکل از ۱۸ کارشناس مستقل است که بر اجرای کنوانسیون یاد شده توسط دولت‌های عضو نظارت می‌کند. این کمیته پایش اجرای پروتکل‌های الحاقی کنوانسیون در خصوص درگیری کودکان در مخاصمات مسلحانه و خرید و فروش کودکان، فاحشگی و هرزه‌نگاری کودکان را نیز عهده‌دار است. شایان یادکرد است که مجمع عمومی ملل متحد در ۱۹ دسامبر ۲۰۱۱، پروتکل سوم کنوانسیون در مورد رویه‌ی طرح دعوا که به کودکان اجازه‌ی تسلیم شکایت در خصوص نقض حقوق خود به موجب کنوانسیون و دو پروتکل نخست آن را می‌دهد را پذیرفت که در ماه آوریل سال ۲۰۱۴ به اجراء درآمد. کمیته با توجه به تأثیرات منفی حبس مادران بر تحقق و ایفای حقوق کودکان، به حمایت از کودکانی که با مادران خویش در زندان به سر می‌برند یا آن‌هایی که به واسطه‌ی زندانی شدن مادرانشان از ایشان جدا افتاده‌اند، پرداخته است. در واقع کمیته‌ی حقوق کودک، با اتخاذ رویکردی ابزاری در حمایت از نقش مادر، بر حمایت از حقوق کودکان تأکید ورزیده است. بر این اساس، در ادامه به اهم تمهیدات کمیته در این خصوص خواهیم پرداخت.

لحاظ منافع حداکثری کودک در تعیین مجازات و سایر تصمیمات مرتبط با مادر

ماده‌ی (۱) ۳ کنوانسیون ۱۹۸۹ حقوق کودک، در این رابطه اشعار می‌دارد که در تمامی اقدامات مرتبط با کودکان که از سوی نهادهای رفاهی عمومی و خصوصی، محاکم حقوقی، مقامات اداری یا مراجع قانونی صورت می‌پذیرند، منافع حداکثری کودکان باید در درجه‌ی نخست از اهمیت قرار گیرد. کمیته‌ی حقوق کودک نیز در شماری از ملاحظات پایانی خود در خصوص گزارش کشورها، بر ملحوظ داشتن منافع حداکثری کودکان در تعیین مجازات و سایر تصمیمات مرتبط با سرپرست اولیه یا انحصاری تأکید داشته است. کمیته در این خصوص در ملاحظات پایانی راجع به کشورهای تایلند و فیلیپین چنین ابراز می‌دارد:

«زمانی که مشتکی‌عنه دارای مسئولیت‌هایی در خصوص مراقبت از کودکان است، کمیته توصیه می‌نماید که اصل منافع حداکثری کودک (ماده‌ی ۳)، با دقت و مستقلاً توسط مقامات و متخصصین صالح لحاظ شود و در تمامی وجوه مربوط به حبس از جمله بازداشت موقت و تعیین مجازات و تصمیمات مرتبط با اسکان کودک مطرح نظر قرار گیرد» (کمیته‌ی حقوق کودک، ۱۷ مارس ۲۰۰۶، بند ۴۸؛ کمیته‌ی حقوق کودک، ۲۱ سپتامبر ۲۰۰۵، بندهای ۵۴—۵۳).

بر این اساس، محاکم و مقامات مجری قانون کشورهای عضو کنوانسیون موظفند که در تمامی مراحل اعلام اتهام تا اصدار رأی و در طول اجرای آن مصلحت و منفعت کودک مادر متهم یا زندانی را مد نظر داشته باشند و بر این پایه دست به اقدامات مقتضی بنمایند. بذل توجه ویژه به کودکانی که در زندان با مادران خود زندگی می‌کنند

یکی دیگر از پیامدهای منفی زندانی شدن مادران، مشکلات و تبعاتی می‌باشد که زندگی کودکانی که در زندان با آن‌ها به سر می‌برند را تحت تأثیر خود قرار می‌دهد. کمیته‌ی حقوق کودک در این زمینه نیز ورود نموده و رهنمودهایی را ابراز و تمهیداتی را برای دولت‌ها شناسایی کرده است. کمیته در ملاحظات پایانی خود به دولت‌های عضو کنوانسیون توصیه می‌نماید که روند و وضعیت جاری کودکانی که با والدین خود در زندان زندگی می‌کنند را مورد بازبینی قرار بدهند و در این راستا مصادیق اسکان کودکان در زندان را به مواردی که به مصلحت ایشان است محدود سازند و تضمین نمایند که شرایط زندگی کودکان برای تحقق نیازمندی‌ها و رشد هماهنگ شخصیت آن‌ها مساعد می‌باشد (کمیته‌ی حقوق کودک، ۲۱ سپتامبر ۲۰۰۵، بند ۵۲). افزون بر این، کمیته در مورد این دست کودکان ابراز می‌دارد که دولت‌ها باید تضمین کنند که شرایط زندگی در زندان برای رشد اولیه‌ی کودک وفق ماده‌ی ۲۷ کنوانسیون کفایت نماید (کمیته‌ی حقوق کودک، ۱۷ مارس ۲۰۰۶، بند ۴۸؛ کمیته‌ی حقوق کودک، ۲۱ سپتامبر ۲۰۰۵، بندهای ۵۴—۵۳). شایسته‌ی یادکرد است که ماده‌ی ۲۷ کنوانسیون حقوق کودک بر حق هر کودکی در بهره‌مندی از استاندارد معیشتی متناسب و مکفی برای رشد جسمانی، ذهنی، معنوی، اخلاقی و اجتماعی تصریح می‌نماید و بر وظایف والدین و دولت در تحقق این حق تأکید می‌ورزد (کنوانسیون حقوق کودک، ۲۰ نوامبر ۱۹۸۹، بندهای ۱ و ۲ ماده‌ی ۲۷).

توجه به وضعیت کودکانی که به واسطه‌ی حبس مادران خویش از آن‌ها جدا افتاده‌اند یکی دیگر از وضعیت‌هایی که زندگی کودکان را از خود به شدت متأثر می‌سازد، جدا افتادن آن‌ها از والدین و به ویژه مادران به واسطه‌ی حبس آن‌ها می‌باشد؛ به گونه‌ای که می‌توان ادعا کرد جدایی در چنین وضعیتی نسبت به جدایی به طرق دیگر، آثار مخرب بیشتری بر رفتار و آینده‌ی کودکان باقی می‌گذارد. نظر به اهمیت این پدیده، کمیته‌ی حقوق کودک به مقوله‌ی تأثیر جدایی ناشی از حبس والدین بر تحقق حقوق کودک پرداخته است. کمیته به دولت‌های عضو کنوانسیون توصیه می‌نماید که جایگزین‌هایی برای مراقبت از کودکان در نظر گرفته و تحقق مطلوب نیازهای جسمانی و روانی کودک تضمین شوند. به علاوه، کمیته اظهار می‌دارد که این جایگزین‌ها امکان حفظ پیوندهای شخصی و تماس مستقیم با مادرانی که در زندان به سر می‌برند را فراهم آورند (کمیته‌ی حقوق کودک، ۱۷ مارس ۲۰۰۶، بند ۴۸؛ کمیته‌ی حقوق کودک، ۲۱ سپتامبر ۲۰۰۵، بندهای ۵۴—۵۳). همانگونه که در بالا آمد، نهادهای ناظر حقوق بشری در تفاسیر و توصیه‌نامه‌های عام خود، با اتخاذ رویکردی مثبت، به حمایت از مادران



زندانی و کودکان آنها مبادرت جسته‌اند. چنین تفاسیری از ارزش حقوقی والایی برخوردارند و کمیته‌ی مربوطه را نهاد نظارتی و مشورتی میثاق معرفی می‌کنند؛ هر چند نظرات تفسیری کمیته را نمی‌توان با تفاسیر یک دادگاه بین‌المللی هم‌سنگ دانست. برخی تفاسیر عام از تفسیر صرف فراتر می‌روند و ماهیتی شبه‌تقنینی به خود می‌گیرند. به هر روی، اتخاذ چنین رهیافتی از سوی این ارکان، می‌تواند موجب تضمین هر چه بیشتر حقوق مادران زندانی و در نتیجه کودکان آنها از سوی دولت‌ها گردد و امکان رشد متوازن کودکان در ابعاد مختلف را فراهم آورد. بی‌گمان، حضور مادر به عنوان یکی از دو ستون اصلی خیمه‌ی خانه، نقش بی‌مانندی در تحکیم بنیان‌های خانواده دارد. حبس زنی که مادر است می‌تواند نه تنها حقوق خود او بلکه حق‌های فرزندان را نیز نقض نماید و به تضعیف مبانی خانواده و در نتیجه تهدید مصالح جامعه در کل و به خطر افتادن امنیت اجتماعی گردد. از این رو، در راستای تضمین حقوق به رسمیت شناخته شده‌ی مادران به موجب حقوق بین‌الملل، بایسته است تا همه‌ی ابعاد نظام‌های مرتبط با حبس این افراد مطمح نظر قرار گیرند. در این زمینه، عملکرد نهادهای معاهداتی حقوق بشری ملل متحد به عنوان پیشگران عملکرد دولت‌ها در مسائل مرتبط با حق‌های بشری، از اهمیت شایانی برخوردار است. این ارکان، با شناسایی تعهدات متقن و ایجابی برای دولت‌ها در حمایت از مادران زندانی و فرزندان آنها، رویکردی حمایتی را در این عرصه اتخاذ نموده‌اند که می‌تواند موجبات رعایت و ارتقای حقوق این افراد و در نتیجه تحکیم بنیان‌های خانواده و تقویت امنیت اجتماعی را فراهم آورد. در این راستا، به نظر می‌رسد که عندالاقضاء، جایگزینی مجازات حبس با دیگر مجازات‌هایی که کم‌تر زندگی کودکان را تحت تأثیر قرار دهد و به نقش مادری بانوان خدشه‌ی کم‌تری وارد نماید را بهترین گزینه در این زمینه به شمار آورد.



منابع و مأخذ

* قرآن کریم

- دبیرخانه علمی همایش مادر (۱۳۹۵)، چکیده مقالات همایش ملی جایگاه و نقش مادر (زیر نظر حبیب هادیان فرد، ربابه رستمی و مرضیه صادق زاده)، شیراز: انتشارات بین المللی نوید شیراز.
- رحمتی، ح. (۱۳۸۶)، «کرامت زن در اسلام و غرب: موردپژوهی تطبیقی امام خمینی و فمینیسم»، پژوهشنامه متین، شماره ۳۶: ۹۵-۷۱.
- گنج بخش، م.، موسی زاده، ر.، آل کجباغ، ح. (بهار و تابستان ۱۳۹۵). «حمایت از زنان قربانی ترور در حقوق بین الملل: در پرتو مفهوم نظم اجتماعی و بین المللی»، مطالعات زن و خانواده، دوره ۴، شماره ۱: ۱۳۸-۱۱۳.
- فضائی، م.، کرمی، م. (بهار و تابستان ۱۳۹۶): «سلب تابعیت از منظر حقوق اسلام و نظام بین المللی حقوق بشر»، مطالعات حقوق تطبیقی، دوره ۸، ش ۱: ۲۹۵-۲۷۷.
- مصفا، ن. (زمستان ۱۳۸۲). «ارزیابی سازکارهای ملل متحد در حمایت از حقوق بشر: ارکان مبتنی بر منشور و معاهدات»، مدرس علوم انسانی، دوره ۷، شماره ۴: ۱۷۷-۱۵۹.
- منفرد، م. (بهار و تابستان ۱۳۹۶). «بررسی سازکار نهادهای معاهداتی حقوق بشری»، دوفصلنامه مطالعات حقوق بشر اسلامی، سال ششم، شماره ۷: ۷۷-۵۳.
- مهرپور، ح. (۱۳۹۰). نظام بین المللی حقوق بشر. تهران: اطلاعات.

- CAT (۷ November ۲۰۰۵). *Conclusions and Recommendations of the Committee against Torture, Bosnia and Herzegovina*. CAT/C/BIH/CO/۱/CRP.۱.
- CRC (۲۱ September ۲۰۰۵). *Concluding Observations: Nepal*. CRC/C/۱۵/Add.۲۶۱.
- CRC (۲۱ September ۲۰۰۵). *Concluding Observations: Philippines*. CRC/C/۱۵/Add.۲۵۹.
- CRC (۱۷ March ۲۰۰۶). *Concluding Observation: Thailand*. CRC/C/THA/CO/۲.
- CERD (۱۷ August ۲۰۰۵). *General Recommendation XXXI on the Prevention of Racial Discrimination in the Administration and Functioning of the Criminal Justice System*. From A/۶۰/۱۸.
- HRC (۲ November ۲۰۰۵). *Concluding Observations: Canada*. CCPR/C/CAN/CO/۵.
- Mechlem, K. (۲۰۰۹). "Treaty Bodies and the Interpretation of Human Rights", *Vanderbit Journal of Transnational Law*, vol. ۴۲: ۹۰۵-۹۴۷.
- UN First Congress on the Prevention of Crime and the Treatment of Offenders (۱۹۵۵). *Standard Minimum Rules for the Treatment of Prisoners*.

Available

at:

<http://www.ohchr.org/EN/ProfessionalInterest/Pages/TreatmentOfPrisoners.aspx>

- <http://www.ohchr.org/EN/HRBodies/CRC/Pages/CRCIndex.aspx>

- <http://www.ohchr.org/EN/ProfessionalInterest/Pages/CRC.aspx>



شاخص ترین نقش مادران در نظام خانواده از چشم انداز اسلامی

علی احمد پناهی؛ استادیار و هیئت علمی پژوهشگاه حوزه و دانشگاه

apanahi@rihu.ac.ir

چکیده: در چشم انداز اسلامی برای زنان و مادران به عنوان یکی از ارکان اصلی شکل گیری خانواده نقش هایی ملاحظه شده و انتظار است. هدف پژوهش حاضر انتزاع و استخراج و تبیین نقش های مورد انتظار از زنان در نظام خانواده و از چشم انداز اسلامی است. سوال اساسی این است که شاخص ترین نقش های مورد انتظار از زنان و مادران در نظام خانواده چیست؟ پژوهش حاضر از تحقیقات کیفی است و با روش تو صیفی-تحلیلی و استنباطی به معرفی مهمترین نقش های مادران و زنان در نظام خانواده می پردازد. از تتبع و ژرف اندیشی در گزاره های اسلامی می توان ادعا کرد که نقش های مورد انتظار از زنان از منظر گزاره های اسلامی عبارتند از نقش مادری، هم سرداری، نقش عاطفی و نقش خانه داری و تربیتی. این نقش ها، سنخیت و هم ترازوی زیادی با ویژگی های زیستی و روان شناختی زنان دارند و به عنوان اولویت نخست از آنان انتظار می رود. کلید واژه ها: جنسیت، اولویت، نقش مادری، نقش عاطفی، منزلت، نقش همسرداری، هم ترازوی.

مقدمه

دو مقوله جنسیت و نقش های جنسیتی، قشر بندی های جنسیتی در جامعه ایجاد می کند و افراد را به دو گروه زنان و مردان تقسیم کرده و برای هر گروه نقش های هم ترازوی را ترسیم می کند. هر جامعه ای با اغراق آمیز نمودن جنبه های واقعی و خیالی تفاوت های زیستی و روان شناختی زن و مرد، نگرش ها، کُنش ها و نقش های دو سویه ایی را در رابطه با دو مجموعه زنانه و مردانه طبقه بندی و ترسیم می کند. شاخص ترین و فراگیرترین نهادی که در میان همه ملل و فرهنگ ها وجود دارد و تفکیک نقش های جنسیتی در آنها تبلور رو شن و سازنده ای دارد، نهاد خانواده است. در این نهاد پُرگ ستره م ضافا بر اینکه از پدر و مادر انتظار می رود به نقش های هم تراز با ظرفیت های زیستی و روان شناختی بپردازند، هم نوایی مادران و پدران را با نقش های مورد انتظار تشویق کرده و ناهم نوایی آنان با نقش های مورد انتظار را تنبیه و سرزنش می کند. کارآمدی و پویایی هر جامعه و خانواده ای صرف نظر از ملیت، مذهب و فرهنگ، به شایسته سالاری، هم افزایی، توافق و همگرایی در آحاد انسانی و هم ترازوی میان استعداد افراد و نقش های واگذار شده متکی است. در خانواده های بهنجار و سالم، نقش ها رو شن است و به شیوه ای مناسب تخصیص داده شده اند. اعضا روی آنها توافق متقابل دارند و ضمن داشتن انسجام و یکپارچگی با یکدیگر، عملاً در حال اجرای آن هستند. کارشناسان خانواده وجود سلسله مراتب روشن و صریح درون خانوادگی را از مسائل ضروری در کارایی خانواده در نظر می گیرند. معیار سلامتی و بهنجاری خانواده این است که هر کسی در جایگاه و نقش متناسب و همسنخ خود قرار داشته و به ایفای صحیح نقش های مورد انتظار بپردازد. اگر چنانچه نقش و مسئولیت و جایگاه اعضای خانواده، مبهم و یا متزلزل باشد و التزام عملی به ایفای نقش های بهنجاری وجود نداشته باشد، آن خانواده نمی تواند به اهداف و کارکردهای مورد انتظار دست یابد. امروزه به دلیل تحولات اساسی در بنیان های اجتماعی و خانوادگی، نیازمند شیوه و سبکی از مدیریت و کُنش های طرفینی (از ناحیه زن و مرد) در خانواده هستیم که از سویی مبتنی بر گزاره های وحیانی باشد و از سوی دیگر بتواند در مصاف با چالش های پیش رو، م صونیت بخشی خانواده را در مقیاس دیگر الگوها و شیوه های مدیریت، به نحو مطلوب تر و با ضریب اطمینان بیشتری، ضمانت نماید. در مدل مبتنی بر گزاره های اسلامی در رابطه با نقش های جنسیتی زن و مرد و به ویژه نقش های زن و مرد در نظام خانواده، به مولفه های مختلف توجه شده و انتظارات همگون و هم تراز با ظرفیت های زیستی و روان شناختی آنان و همگون با شکل گیری نظام احسن اجتماعی و خانوادگی ترسیم شده است.



گرچه براساس آموزه‌های اسلامی و تعالیم قرآنی، زن و مرد به لحاظ ارزشی تفاوتی ندارند و گرچه معیار کمال در انسان (زن باشد یا مرد) معرفت و تقواست (جوادی آملی، ۱۳۸۸، ج ۱۸، ص ۵۴۵ و ۵۴۶) اما به منظور تحقق اهداف خلقت و شکل گیری نظام احسن اجتماعی و خانوادگی و متناسب با ظرفیت های روان شناختی، زیستی و اجتماعی زن و مرد، از هر یک انتظارات ویژه ای وجود دارد. در گزاره های اسلام مضافا بر اینکه زن را همانند مردان دارای استعدادها و ظرفیت های بالقوه و بالفعل مختلفی می داند به گونه های مختلف (الزامی، ترجیحی و تشویقی) از آنان ایفای نقش های ویژه ای را در قدم نخست و اولویت اول، انتظار دارد. گرچه ممکن است در برخی شرایط و ضرورت های اجتماعی و خانوادگی و به عنوان ثانویه، وظایف و نقش های متفاوت و فراتر با نقش های اولیه، برای زنان تجویز شود. با تتبع و ژرف اندیشی در گزاره های دینی می توان ادعا نمود که برخی از نقش ها در اولویت نخست و از نقش های اساسی برای زنان است؛ به گونه ای که ایفای این نقش از ناحیه آنان مضاعف بر دریافت پاداش معنوی و مضافا بر اینکه مورد رضایت خالق متعال و شرع مقدس است، در پایداری، کارآمدی و رشد خانواده و اعضای آن نقش سازنده تری دارد.

شاخص ترین نقش مادران در نظام خانواده

از چشم انداز اسلامی شاخص ترین نقش های زنان و مادران در نظام خانواده عبارتند از:

اول) نقش همسراری

یکی از کارهای مهم و مورد انتظار از زنان در نظام خانواده همسراری است. این انتظار به طور جدی از زنان انتظار می رود. در قرآن کریم به برخی رفتارهای شایسته و مورد انتظار از زنان در جایگاه همسری توجه گردیده است (نساء، ۳۴). خداوند سبحان در این آیه بعد از واگذاری مدیریت خانه به مردان که یک نقش اجرایی است و دال بر فضیلت نیست، به بیان فضیلت زنان پرداخته و صفات ممتاز همسر صالح را بیان نموده است. حق گزایی، مداومت بر اطاعت پروردگار، تعهد به پیمان همسری، فرمانبری از شوهر (در چارچوب شرع) راز داری، حفظ آبرو و اسرار دیگران و شوهر، حفظ اموال و عرض و اسرار خانه، از نمودهای برجسته ای است که در این آیه در قالب نقش همسراری بیان شده است (جوادی آملی، ۱۳۸۸، ج ۱۸، ص ۵۴۶ و ۵۴۷). واژه قانتان که در این آیه به کار رفته از جهت ماده به معنای دوام اطاعت و از جهت هیئت نیز صفت مشابهه و بیانگر دوام و استقرار و صف است و لذا کلمه قانت، به لحاظ ماده و صورت، بیانگر مفهوم دوام پیروی است (جوادی آملی، ۱۳۸۸، ج ۱۸، ص ۵۵۶).

در آموزه های روایی به طور گسترده و جامع به بحث شوهرداری پرداخته شده و پاداش معنوی زیادی نیز بر ایفای این نقش ملاحظه شده است (کلینی، ۱۴۰۷، ج ۵، ص ۹). معادل نمودن پاداش شوهرداری به پاداش جهاد مردان (حرعاملی، ۱۴۰۹، ج ۱۵، ص ۲۳)، هم سطح دانستن اطاعت از شوهر به جهاد در راه خدا (سیوطی، ۱۴۱۴، ج ۲، ص ۵۱۶ و ۵۱۸)، تناسب لقب بهترین زنان به کسانی که شوهر داری نیکو دارند (سیوطی، ۱۴۱۴، ج ۲، ص ۵۱۴) و بسترساز بودن شوهرداری برای وارد شدن بر بهشت (کلینی، ۱۴۰۷، ج ۵، ص ۵۵۵)، نمونه هایی از این روایات است. همترازی همسراری با مجاهدین در راه خدا، دال بر اهمیت و منزلت والای همسراری از چشم انداز اسلامی است.

مصادیق و نمودهای اساسی نقش همسراری

مصادیق و نمودهای نقش همسری و شوهرداری، بسیار گسترده است، برخی از آنها ایجابی بوده و برخی نیز ترجیحی است. نمونه هایی از نمودهای ایجابی و ترجیحی شوهر داری عبارتند از:

الف) تمکین از شوهر

تمکین از شوهر یکی از مصایق کامل نقش همسری است که ضرورتی اجتناب ناپذیر است و قوام زندگی زناشویی فی الجمله به آن گره خورده است. تمکین، برخلاف مسئله نفقه که مرد موظف بود تمام امکانات ضروری زن را فراهم سازد، زن موظف است در اموری همچون مسایل جنسی، نظافت و آراستگی برای شوهر، قبول سکونت و زندگی در خانه ای که شوهر انتخاب و تهیه کرده، کسب رضایت شوهر برای خروج از منزل، حسن معاشرت، رعایت عفت و... از شوهر اطاعت کرده و ملتزم باشد. در ماده ۱۱۰۸ قانون مدنی به این وظیفه (تمکین) اشاره شده و چنین آمده: هرگاه زن بدون مانع شرعی از ادای وظایف زوجیت امتناع کند، مستحق نفقه نیست. در منابع روایی به طور واضح و صریح بر اطاعت جنسی از شوهر (حرعاملی، ۱۴۰۹، ج ۲۰، ص ۱۵۸، ص ۱۶۵، ص ۱۷۶) و لزوم احراز رضایت شوهر برای خروج از منزل (به استثناء موارد خاص مثل حج واجب و یادگیری مسایل شرعی واجب) (حرعاملی، ۱۴۰۹، ج ۲۰، ص ۱۵۸، ج ۲۱، ص ۱۱۶) تاکید شده است.

ب) محافظت از عرض و دارایی شوهر

عدم تصرف در اموال شوهر مگر با اجازه او (حتی برای صدقه) و لزوم احراز رضایت شوهر برای روزه مستحبی (حرعاملی، ۱۴۰۹، ج ۲۰، ص ۱۵۹ و ۱۵۸)، از دیگر مصادیق تمکین است که خانم ها وظیفه دارند به آن ملتزم باشند. صیانت از آبروی همسر، تأمین خشنودی و رضایت شوهر و همراهی با شوهر در اداره خانواده، از دیگر نمودهای شوهرداری است که در آموزه های دینی مورد تاکید قرار گرفته و از عوامل تحکیم روابط همسری معرفی شده است. امام رضا علیه السلام می فرماید: هیچ سودی بهتر از این نیست که انسان دارای همسری



خوب و شایسته و بایمان باشد که هرگاه او را می بیند، خشنودش سازد و هر وقت از او جدا می شود، حافظ و نگهدارنده اموال و ناموس شوهر باشد (مجلسی، ۱۴۰۳، ج ۱۰۰، ص ۲۱۷). در این حدیث رضوی از زن انتظار می رود که علاوه بر ایجاد نشاط و سرور در روابط همسری، محافظ اموال و عرض شوهر نیز باشد و در این عرصه تلاش کند. قرآن کریم نیز به طور تلویحی زن را حافظ آبرو و اسرار (نساء، ۳۴) مرد معرفی نموده است.

ج) پشتیبانی مادی و روان شناختی شوهر

همراهی با شوهر در اداره خانواده از مسایل ضروری در شوهرداری است. هر کدام از همسران باید در نقش و موقعیتی که برانداخته است، ایفای نقش کنند و هرگز نباید فشار زندگی بر دوش مرد باشد. هرگز این تصور نباید برای زن پیش آید که خانه داری، بچه داری و شوهرداری، بی ارزش است. فعالیت در منزل علاوه بر اجر معنوی که به آن مترتب است و شایسته یک زن مسلمان و باعفت است، به مثابه یگان های تدارکاتی و پشتیبانی در واحدهای نظامی است. زن با فراهم آوردن بستر آسایش و راحتی شوهر، تربیت فرزندان، گرمابخشی به خانه و همچنین همکاری در رتق و فتق امور زندگی، نقش ارزنده ای در موفقیت شوهر و فرزندان دارد؛ معمولاً در کنار هر مرد موفق، یک زن فداکار و همراه وجود داشته که همسر خویش را در فراز و نشیب ای زندگی یاری و حمایت نموده است. زن می تواند زندگی را بهشت روی زمین گرداند. زن با اخلاق، اهل مدارا، کدبانو، همدل و خوش زبان می تواند زندگی را صفا بخشیده و کمبودهای مادی و مشکلات خانوادگی را با رفتار شایسته خویش، مدیریت کند. در گزاره های اسلامی به برخی نمودهای حمایت و پشتیبانی از شوهر به گونه های مختلف اشاره شده است. همکاری با شوهر (نوری، ۱۴۰۸، ج ۱۴، ص ۲۴۳)، محبت و عشق به شوهر (مجلسی، ۱۴۰۳، ج ۱۰۰، ص ۲۳۴)، دوری از لجاجت (مجلسی، ۱۴۰۳، ج ۱۰۰، ص ۱۶۲)، تلاش در جلب رضایت شوهر و پرهیز از بی مهری (مجلسی، ۱۴۰۳، ج ۱۰۰، ص ۱۶۲) و التزام به وفاداری به همسر، از آن جمله است. رعایت حدود الهی و پاکدامنی در تعاملات اجتماعی و روابط فردی (مجلسی، ۱۴۰۳، ج ۱۰۰، ص ۱۶۲)، سپاسگذاری از خدمات شوهر (ابن بابویه، ۱۴۱۳، ج ۳؛ ص ۴۴۰) و تأمین امنیت روانی و جسمانی شوهر (نوری، ۱۴۰۸، ج ۱۴، ص ۲۵۴) از دیگر مواردی است که زن می تواند برای شوهر انجام دهد. التزام به خوش لباسی و زینت، قدردانی از شوهر و یاری شوهر در امور مختلف (کلینی، ۱۴۰۷، ج ۵، ص ۵۰۸ و ۳۲۵؛ ابن بابویه، ۱۳۶۲، ج ۲، ص ۵۸۷ و حر عاملی، ۱۴۰۹، ج ۲۰، ص ۱۷۲) دلآرامی، راحت بخشی و انیس بودن برای شوهر (مجلسی، ۱۴۰۳، ج ۷۱، ص ۱۴) نیز از نکاتی است که در آموزه های دینی از زنان انتظار می رود.

دوم) نقش خانه داری

خانه داری به معنای مجموعه ای از کارهای مربوط به امور یک خانه و خانواده، همانند آشپزی، نظافت منزل، شست و شوی ظروف و پوشاک، مهمانداری و مراقبت از فرزندان از نقش هایی است که در جامعه دینی از زنان توقع و انتظار است. گرچه خانه داری و رسیدگی به امور منزل و انجام کارهایی از قبیل آشپزی، نظافت منزل، رسیدگی به شوهر و آماده نگاه داشتن منزل بر زن واجب نیست اما در آموزه های دینی به طور تلویحی و تشویقی و ترجیحی به این نقش زنان اشاره شده و به گونه ای لطیف از زنان این انتظار و توقع ایجاد شده است. در آموزه های دینی به طور مستقیم از نقش خانه داری زنان تمجید شده و برای آن پاداش معنوی بسیار سترگی وعده داده شده است و زنان را به طور غیر مستقیم به این نقش حیاتی و ارزشمند تشویق نموده است (حر عاملی، ۱۴۰، ج ۲۰، ص ۱۷۲ و همان، ج ۲۱، ص ۴۵۱). توصیه صریح به خانه داری و التزام به خانواده (نوری، ۱۴۰۸، ج ۱۴، ص ۲۴۴) و همچنین توصیه و تشویق به هنرمندی در آشپزی و مدیریت داخلی منزل (مجلسی، ۱۴۰۳، ج ۱۰۰، ص ۲۳۹؛ طبرسی، ۱۴۱۲، ص ۲۰۱) که از مصادیق مهم خانه داری است، نشان از اهمیت خانه داری زنان در آموزه های دینی دارد.

خانه داری در سیره معصومین (علیهم السلام)

در سیره و زندگی اولیای خدا به ویژه زهرای مرضیه به این مسئله و ایفای نقش خانه داری، برخورد می کنیم. سیره عملی معصومین علیهم السلام بهترین دلیل و حجت بر تقسیم کار جنسیتی و به خصوص اختصاص خانه داری به زنان است. امام باقر علیه السلام می فرماید: علی و فاطمه علیهم السلام برای دآوری درباره تقسیم کارهای خود، نزد پیامبر خدا (ص) رفتند، پیامبر این گونه قضاوت فرمود که کارهای داخل خانه را فاطمه انجام دهد و کارهای بیرون از خانه را علی. حضرت فاطمه در این باره فرمود: از این که پیامبر خدا مرا از برعهده گرفتن مسئولیت های مردان معاف ساخت، بسیار خوشحال شدم (حر عاملی، ۱۴۰۹، ج ۲۰، ص ۱۹۱). همچنین در روایت دیگری می خوانیم که فاطمه (س) کار خانه، پخت و پز و نان و جارو کردن اتاق را برای علی (ع) تضمین کرد و علی (ع) کارهای بیرون از خانه، مانند حمل هیزم و آوردن مواد خوراکی را برای فاطمه برعهده گرفت (جزایری، ۱۴۰۴، ص ۴۰۲). البته واضح است که مصادیق و نمودهای خانه داری با زمان و عصر حضرت زهرا (س) فرق دارد و مهم این است که خانه داری با روحیات و شرایط روان شناختی زن و همینطور با شرایط اجتماعی و



اخلاقی زن (عدم خروج از منزل) تناسب دارد. خانه داری باعث حفظ کرامت و منزلت زنان است و آنان را محبوب شوهر می گرداند. شریعت اسلام به هیچ وجه کار خانه را بر زن واجب نمی داند، بلکه آن را یک فضیلت و فرصت ارتقا برای رسیدن به پاداش مجاهد می شمارد. بخشی از وظیفه خوب همسر داری، ایجاد فضای آرامش برای اوست و بخشی از ایجاد این فضا، رسیدگی به کارهای خانگی است. در واقع نگاه شریعت به انجام کارهای خانگی از سوی زن، حداقلی است و به طور قطع با انجام کارهای فراتر از آن، چه در داخل و چه خارج از منزل و از همه مهم تر عبادت و بندگی قابل جمع است. نباید تمرکز زن بر کار آن قدر باشد که از خانواده و مهم تر از همه خودش، فرصت عباداتش، رشد و کمال یابی، تحصیل علم و گاهی کار بیرون از خانه که لازم است آن را انجام دهد، فاصله بگیرد. حال اگر در این میان زنی مجبور است کار بیشتر و سنگین در خانه انجام دهد مثلاً کشاورزی یا دامداری، به طور قطع چنین فردی نزد خداوند ماجور است. در سیستم پاداش همه چیز محفوظ است و به ویژه اموری که با فداکاری زن، گذشتن از حق و تقدم دیگران نسبت به خودش همراه است، اجر بیشتری دارد. از این رو فرصت مادری، یک ظرفیت بی بدیل و تمام ناشدنی است که از طرق دیگر نصیب زن نمی شود. به لحاظ روان شناختی مردان با ورود به محیط تمیز خانه و استشمام بوی خوب غذا به شدت آرامش خاطر پیدا می کنند. روان شناسان معتقدند این گونه مردان خیلی بیشتر به تلاش اقتصادی متمایل می شوند و علاقه آنان به خانواده و همسر افزایش می یابد (پناهی و جان بزرگی، ۱۳۹۶). البته مردان بایستی قدر دان این تلاش انسانی و اخلاقی و فداکارانه زنان باشند و آنان را تشویق و تقدیر نمایند. مردان بایستی زنان را به خانه و خانواده تشویق کنند و به واسطه قدر دانی عاطفی و مادی از زنان، احساس منزلت و ارزشمندی برای زنان ایجاد کنند و او را در مدیریت منزل حمایت و تمجید کنند.

سوم) نقش مادری و مراقبتی

جایگاه و منزلت نقش مادری به لحاظ ارزشی از مرتبه ای ممتاز برخوردار است. منزلت مادر در گستره تاریخ و حتی در میان اعراب جاهلی که به زنان بهای ناچیزی قابل بودند، ممتاز و برجسته است (اندلسی، بی تا، ج ۲، ص ۲۶۴). اگرچه مسئله زایش و به دنیا آوردن فرزند از مصادیق مهم نقش مادری است اما منظور از نقش مادری در اینجا فراتر از مسئله زایش و به دنیا آوردن کودک است. در چشم انداز گزاره های اسلامی نقش مادری گستره ای وسیع را شمول دارد و قبل از تولد تا بزرگسالی را شامل می شود. منظور از نقش مادری، ارتباط خاص با فرزندان از زمان انعقاد نطفه تا تولد و از آن زمان تا بزرگسالی است. نقش مادری به تمام ابعاد نیازهای فرزندان (عناصر عاطفی، بهداشتی، تغذیه ای و مراقبتی و...) شمول دارد.

امام سجاد علیه السلام در رساله الحقوق ضمن توجه به فرایند و مراحل مراقبت های مادر از فرزند و ایفای نقش مادری، با تعبیری زیبا و روشن به تحلیل این نقش پرداخته است. حضرت در این روایت جامع می فرماید: حق مادرت این است که بدانی او تو را چنان در برداشته (در جایی نگه داشته) که کسی دیگری را بدان گونه برنگیرد و از میوه دل خود تو را چنان خورانده که هیچ کس دیگری را بدان سان نخوراند و به راستی تو را به گوش و چشم و دست و پای و پوست و تمام اندامهایش (به تمام وجود خود) نگهداری کرده و نگهداری او به خوشرویی و دلشادی و پیوسته بوده. هر ناگواری و درد و گرانی و نگرانی (دوران بارداری را) تحمل کرده چنان که دست تا طول (آفات) را از تو دور ساخته و تو را بر زمین نهاده و خرسند بوده است که تو سیر باشی و او خود گرسنه ماند و تو جامه پوشی و او برهنه باشد و تو را سیراب کند و خود تشنه ماند و تو را در سایه دارد و خود زیر آفتاب باشد و با بیچارگی خود تو را نعمت بخشد و با بیخوابی خود تو را لذت خواب چشاند و شکمش ظرف هستی تو بوده و دامنش پرور شگاهت و پستانش چشمه نوشت و جانش نگهدارت، سرد و گرم دنیا را برای تو و به خاطر تو چشیده است پس به قدرش ناسی از این همه او را سپاس گزار، و این قدر دانی را نتوانی جز به یاری و توفیق خداوند (مجلسی، ۱۴۰۳، ج ۷۱، ص ۱۵ و احمدی میانجی، ۱۴۲۶، ج ۳؛ ص ۲۰۳). در این روایت شریف، امام سجاد به صورت ضمنی به بسیاری از تلاش های مادر از قبیل مراقبت های جسمانی، تغذیه ای، ایمنی و... اشاره فرموده است. در عبارات امام آن چنان دقت و بلاغتی وجود دارد که همه آلام و مشقت های مادر را از آغاز حمل و بارداری تا بلوغ و رشد فرزند را در بر می گیرد.

حضرت امام سجاد، مادر را چنان تحسین و تمجید و ستایش می کند که فرزندان را در مقابل این موجود قابل تقدیس و تکریم خاضع نموده و وادار به احساس مسئولیت می نماید. امام سجاد علیه السلام با تعبیر «احداً احداً» که چندین بار تکرار شده، روشن می کند که بجز مادر هیچ کس در حق دیگری این چنین فداکاری نمی کند و این نشانه جایگاه ممتاز و برتر مادر در نظام خانواده و در رابطه با فرزندان است. از تتبع و ژرف اندیشی در گزاره های اسلامی می توان به نتایج زیر نایل آمد: زنان به لحاظ زیستی و روان شناختی تفاوت آشکاری با مردان دارند؛ مهمترین نقش هایی مورد انتظار از زنان که اولویت نخست است عبارتند از: نقش همسری، خانه داری، آرامشگری، تربیتی و نقش مادری؛ نقش های مورد انتظار از زنان در خانواده با ویژگی های زیستی و روان شناختی آنان سنخیت و هم ترازی دارد. التزام زنان به نقش



دومین همایش ملی جایگاه و نقش مادر

2nd National Conference on the Status and the Role of Mother

های مورد انتظار از عوامل کارآمدی، بالندگی و پایداری خانواده است؛. التزام زنان به نقش های مورد انتظار پیامدهای معنوی، تربیتی و روان شناختی فراوانی در پی دارد؛. التزام زنان به نقش های مورد انتظار، زمینه آسیب پذیری اخلاقی، اجتماعی و فرهنگی در زنان را کاهش می دهد؛. ایفای نقش های مورد انتظار از زنان مضافاً بر اینکه باعث تحکیم خانواده می شود، باعث تامین نیازهای زیستی و روان شناختی فرزندان به نحو شایسته می گردد؛



قرآن کریم، ترجمه مکارم شیرازی.

ابن بابویه، محمد بن علی (۱۳۶۲)، الخصال، قم، جامعه مدرسین.

ابن بابویه، محمد بن علی (۱۴۱۳)، من لا یحضره الفقیه، قم، انتشارات اسلامی.

احمدی میانجی، علی، (۱۴۱۹) مکاتیب الرسول صلی الله علیه و آله و سلم، قم، دار الحدیث.

اندلسی، احمد بن محمد بن عبد ربه (بی تا)، العقد الفرید، بیروت، دارالکتب العربی.

پناهی، علی احمد و جان بزرگی، مسعود، (۱۳۹۶) روان شناسی زن و مرد، قم، پژوهشگاه حوزه و دانشگاه.

جزائری، نعمت الله بن عبد الله، (۱۴۰۴) النور المبین فی قصص الأنبیاء و المرسلین (للجزائری) قم،، مکتبه آیة الله المرعشی النجفی.

جوادی آملی، عبدالله (۱۳۸۸)، تفسیر تسنیم، ج ۱۸، قم، اسراء.

حر عاملی، محمد بن حسن (۱۴۰۹)، وسائل الشیعة، قم، مؤسسه آل البيت.

سیوطی، جلال الدین عبدالرحمن، (۱۴۱۴) الدر المنثور فی تفسیر المائور، بیروت، دارالفکر.

کلینی، محمد بن یعقوب بن اسحاق، الکافی، (۱۴۰۷)، تهران، دار الکتب الإسلامیة.

مجلسی، محمد باقر (۱۴۰۳)، بحار الأنوار، بیروت، دار إحياء التراث العربی.

نوری، میرزا حسین (۱۴۰۸)، مستدرک الوسائل، بیروت، مؤسسه آل البيت لاحیاء التراث.



منزلت مادر در نظام حقوقی اسلام

حمید رضا خسروی؛ دبیر حقوقی اندیشکده روابط بین الملل و مدرس دانشگاه آزاد شهریار

hamidreza.khosravi.ir@gmail.com

چکیده

بی تردید مادر یکی از نعمتهای گرانبها و بزرگ الهی است، که به انسانها ارزانی شده است. در این میان اسلام به عنوان یکی از مهمترین نظامهای حقوقی شناخته شده در جامعه بین المللی به نقش و منزلت بی بدیل مادری توجه ویژه ای نموده است. این نوشته به دنبال بررسی مقام و منزلت نقش مادری در نظام حقوقی اسلام با روش توصیفی- تحلیلی در منابع اصلی متون حقوق اسلامی (کتاب و سنت) برای روشنگری و تبیین این موضوع، با این سوال؛ منزلت و جایگاه مادر در نظام حقوقی اسلامی در کجا قرار گرفته است؟ می پردازد. استدلال ما این خواهد بود که در نظام حقوقی اسلام، مادر منزلت ویژه و نقش کلیدی را در بنیان خانواده و اجتماع ایفا می نماید که جدای از حقوق والدین برای این نقش (مادری) در این نظام منزلت و جایگاه ویژه ای را قائل شده است چرا که مادر مربی انسان و در حقیقت پرورش دهنده جامعه است و اوست که می تواند فرد و جامعه را به سر منزل سعادت برساند و یا به وادی شقاوت و بدبختی رهنمون سازد. همچنین در نظام حقوقی اسلام با نگرشی خاص به نقش مادری، احترام، تعظیم و تکریم وی توجه شده و این امور را واجب می دانند. ما در صدد تبیین این موضوع در این نوشته سعی خواهیم نمود.

واژگان کلیدی: قرآن کریم، سنت، اسلام و مادر، حقوق مادر، منزلت مادر.

مقدمه

مادر مظهر عشق و فداکاری و ایثار است. او زیباترین کلمه در عالم خلقت است که تمام سختی ها و مشقت ها را بدون چشم داشتی تحمل می کند. مادر بودن لطفی است که خداوند به جنس زن نموده و در پرتو این لطف مادر بار سنگینی از مسئولیت را بر دوش می کشد. احترام به مقام و جایگاه مادری در تمامی نظامهای حقوقی جهان نشان از نقش کلیدی و والای این مهم دارد. نظام حقوقی اسلام به عنوان یکی از نظامهای پذیرفته شده در جامعه بین المللی به این نقش توجهی ویژه ای داشته و خدمت به مادر را ارزش، و نهادینه نموده است. مهم ترین منابع اصلی نظام حقوقی اسلام که شامل کتاب (قرآن) و سنت معصومین می باشد نگرشی خاصی به نقش مادری داشته و احترام، تعظیم و تکریم این موهبت الهی، و این فرشته زمینی را واجب می دانند.

از منظر نظام حقوقی اسلام، همچنانکه فرزندان بر والدین حقوقی دارند، پدر و مادر نیز حقوقی بر گردن فرزندان دارند. در این میان حقوقی را که اسلام برای مادران مشخص کرده، بسیار فراتر و والاتر از حقوقی است که برای دیگران حتی پدر قایل شده است؛ چرا که مادر به عنوان معمار تربیت در محیط خانه و اجتماع، مربی انسان و در حقیقت پرورش دهنده جامعه است و اوست که با شکل دهی ساختار شخصیتی از دوران طفولیت، می تواند فرد و جامعه را به سعادت برساند و یا به شقاوت و بدبختی بکشاند. مادر نخستین کسی است که طفل چشم بدو می گشاید و نخستین کلمه را از او فرا می گیرد. طفل از مادر به دنیا می آید در حالی که صفحه خاطرش خالی از هرگونه نقش مربوط به فرهنگ این جهان است و از طریق تماس با مادر و کسان و نزدیکان و افراد جامعه خویش راه و رسم زندگی را فرا می گیرد.

بسیاری از رفتارهای نامناسب مادر که حتی ناآگاهانه صورت می گیرد، می تواند موجب بدآموزی کودک گردد و برای مدت طولانی در ذهن کودک باقی بماند. کسی که نقش رهبری اخلاقی و انضباطی کودک را بر عهده دارد، خود باید الگوی صحیح انضباطی باشد.

بر اساس تعالیم دینی، گرامیداشتن مقام مادران مایه ورود به بهشت است. تا کنون چندین مقاله در ارتباط با احترام نسبت به والدین در همایشها و مجلات به چاپ رسیده است ولی به طور اخص در ارتباط با مادر و جایگاه آن در نظام حقوقی کار بسیار کمی شده و یا بصورت ترکیبی بوده است. در این نوشتار ما در پی آنیم تا با پاسخ به این سوال که منزلت مادر در نظام حقوقی اسلام تا چه اندازه بیان شده؟ در این متن مختصراً به این موضوع می پردازیم تا شاید بتوانیم ذره ای از این اقیانوس بی پایان را نشان دهیم.

در این موقعیت لازم است تا منزلت مادر را به طور خلاصه از منظر؛ الف. قرآن کریم و ب. سنت که خود به دو دسته؛ سنت رسول الله(ص) و امامان معصوم (ع) تقسیم می شود به عنوان مهمترین منابع حقوق اسلامی مورد کنکاش و بررسی قرار دهیم:

الف: مادر در قرآن کریم



کلمه مادر به اشکال مختلف، به صورت مفرد و جمع مانند: «أم»، «والدتی»، «والدات» و «امهات» و امثال آن، فراوان در قرآن آمده است. هم چنین مادر و پدر به هیئت تشبیه (عمید، ۱۳۷۱، ص ۷۵) مانند «والدین»، و «ابوی» مکرر در این کتاب آسمانی به کار رفته است. دقت در این موارد نشان از آن است که خداوند در هر یک از آن آیات، با عظمت و بزرگی از مادر یاد کرده و به نوعی از مقام او تعریف و تمجید نموده است. بیان زحمات و رنج های مادر در قرآن کریم و همچنین دستور حق تعالی به احسان و نیکی نسبت به پدر و مادر، همه گواه بر متعالی بودن جایگاه مادر است (قرآنی، تفسیر نور، ص ۳۴۹)

خداوند متعال در قرآن کریم پس از توصیه به احسان والدین، تحمل رنج و زحمت های مادر را بیان می کند و می فرماید: «حملته امه کرها و وضعته کرها و فصاله ثلاثون شهرا حتی اذا بلغ أشده و بلغ اربعین سنه»؛ «مادرش او (فرزند) را با ناراحتی حمل می کند و با ناراحتی بر زمین می گذارد و دوران حمل و از شیر باز گرفتنش سی ماه است تا زمانی که به کمال و رشد برسد و به چهل سالگی بالغ گردد.» بیان رنج و تلاش مادر با این که پدر نیز در اغلب سختی های تربیت فرزند شریک است، خود دلیل بر اهمیت و ارزش کار مادر است. روشن است، کسی نزد حق تعالی مقام بالاتر دارد که کار ارزشمندتری انجام دهد. اگر نبود صبر و پایداری مادر، در برابر سختی های دوران بارداری و پذیرش ناگواری های طاقت فرسای دوره شیر دهی و تربیت فرزند، شاید به این قطع و حتم به احسان والدین به صورت مطلق حکم نمی شد. تا آن جا که مسئله نیکی به پدر و مادر در قرآن کریم هم طراز با عبادت خدای متعال به حساب آمده است.

نکته قابل ذکر در آیات مربوط به احسان پدر و مادر این است که خداوند ابتدا به نیکی کردن نسبت به پدر و مادر هر دو دستور می دهد، سپس بدون ذکر زحمات پدر، مشکلات و ناراحتی های مادر را بیان می کند. گویی، مادر عامل اصلی در لزوم نیکی به والدین بوده و کار او آن قدر ارزشمند است که احسان به پدر را نیز بر فرزند واجب می سازد.

آیات قرآن که در مورد حق شناسی از والدین آمده است بر دو قسم است: یک قسم حق شناسی مشترک پدر و مادر را بیان می کند و قسم دیگر، آیاتی است که مخصوص حق شناسی مادر است، قرآن کریم اگر درباره پدر حکم خاصی بیان می کند فقط برای بیان وظیفه است، مانند « وعلی المولود له رزقهن و کسوتهن بالمعروف» خوراک و پوشاک مادران به طور شایسته به عهده پدر فرزند است. لیکن هنگامی که سخن از تجلیل و بیان زحمات است، اسم مادر را بالخصوص ذکر می کند.

اگر از داستان نوح علیه السلام بگذریم که برخی از قرآن پژوهان شقاوت فرزند نوح را برآیند زاده شدن و تربیت یافتن در دامان مادر ناشایست قلمداد کرده اند؛ زیرا که از خانواده نوح این هر دو مادر و فرزند بودند که به نوح ایمان نیاوردند و با کافران غرق طوفان شدند. موردی را نمی توان یافت که زن در نقش مادری نکوهش شده باشد.

به ویژه این که قرآن، بدفرجامی و اعراض فرزند نوح علیه السلام از ایمان به شریعت و آیین پدر را، حتی با اشاره و تلویح به مادر او نسبت نداده است. بدین ترتیب جایی را نمی شود سراغ گرفت که قرآن کریم به صورت روشن و صریح، زنان را در جایگاه و نقش مادری نکوهش و توبیخ کرده باشد.

آنان که با ملاک های ارزش گذاری اسلام آشنایی دارند، می دانند که اسلام و فرهنگ قرآنی به تمامی کسانی را که دارای نقش و کارکرد تربیتی هستند، ارج و منزلت بیش از سایرین بخشیده است، ربوبیت از صفات کمالیه الهی و خداوند «رب» تربیت کننده و پرورش دهنده مطلق جهانیان است: «الحمد لله رب العالمین».

ب. سنت

ب.۱. مادر در سنت رسول الله (صلی الله علیه و آله)

سنت در لغت به معنای راه و روش پسندیده است (قریشی؛ ۱۳۷۱، ص ۳۴۲). منظور از سنت پیامبر (صلی الله علیه و آله) گفتار و سیره آن حضرت می باشد که در قالب کلام و رفتار از ایشان به یادگار مانده است. شخصیت، مقام و رعایت حقوق مادر در احادیث نبوی و سیره نبی اکرم (صلی الله علیه و آله) به خوبی بیان شده است. از آن جا که از منظر مکتب تشیع به لحاظ حجیت و سندیت هیچ تفاوتی میان سنت رسول الله (صلی الله علیه و آله) و قول و سیره امامان معصوم (علیهم السلام) وجود ندارد، از این رو برای تبیین بهتر موضوع، افزون بر کلام و سیره رسول خدا (صلی الله علیه و آله) از بیان و رفتار ائمه اطهار (علیهم السلام) نیز بهره خواهیم برد. به طور کلی سنت در بین اهل تسنن به مفهوم آثار پیامبر (ص)، صحابه و تابعین بود که به آنان اصحاب اثر می گفتند و از زمان شافعی تا کنون سنت به قول و فعل و تقریر پیامبر اطلاق می شود. اما در بین شیعه به قول و فعل و تقریر معصومین (ع) اطلاق می شود (مظفر؛ ۱۴۱۵، ص ۶۵). روایات بسیاری در منابع شیعه و سنی درباره مادر و جایگاه ارزنده اش بازگو شده است در متن ذیل به نمونه هایی از سنت پیامبر اکرم (ص) و ائمه معصومین (ع) می پردازیم:



پیامبر اکرم (صلی الله علیه و آله) در تبیین مقام مادر می فرماید: *الْحَنَّةُ تَحْتَ أَقْدَامِ الْأُمَّهَاتِ*؛ بهشت زیر پاهای مادران است (متقی هندی، ص ۴۶۱). این حدیث حاکی از این است که بدون رضایت مادر نمی توان به بهشت و نعمت های بهشتی دست یافت. اگر کسی بخواهد به درجات عالیّه جنت و رضوان نایل گردد، باید به مادر احترام بگذارد و به او خدمت کنداینکه گفته شده "بهشت زیر پای مادر است" و نگفته "بهشت در دست مادر است" شادی می خواهد بگوید آن قدر باید در برابر مادرت متواضع باشی که حتی کف پای او را به صورت بمالی یا بیوسی و این قدر به او احترام بگذاری. حضرت رسول الله صلی الله علیه و آله در این حدیث شریف، در صدد بیان جایگاه و مقام والای «مادر بودن» هستند. مقام مادران، آن قدر والاست که گویا آن ها، مسلط بر بهشت هستند. خود ما نیز در فارسی گاهی از این قبیل عبارتها، استفاده می کنیم که مثلاً: فلان باغ و فلان ماشین، زیر پای ما بود یعنی تحت تصرف و اشراف ما بود و بر آن مسلط بودیم.

این همه ارج نهادن به مقام مادر شاید به خاطر زحماتی است که مادر متحمل می شود. تحمل رنج و زحمت دوره بارداری و کودکی و تأمین نیازهای جسمی و روحی فرزند از مشکلات طاقت فرسایی است که مادر می تواند بپذیرد. طبیعی است که خداوند در قبال صبر و بردباری مادر، اجر و مزد بی پایان به او عنایت می کند. قرآن کریم به رنج و زحمت مادر اشاره کرده می فرماید: «حملته امه کرها و وضعته کرها و حمله و فصاله ثلاثون شهرا»؛ «مادرش او را با ناراحتی حمل می کند و با ناراحتی بر زمین می گذارد و مدت حمل و از شیر باز گرفتنش سی روز است.» به قول معروف هر که بامش بیش، برفش بیش تر. مادر نسبت به تربیت فرزند مشکلات زیادی را متحمل می شود و طبعاً پاداش زیادتری را نیز مستحق می گردد.

امام صادق (علیه السلام) می فرماید: جوانی خدمت پیامبر اکرم (صلی الله علیه و آله) آمد، عرض کرد: یا رسول الله! به چه کسی نیکی کنم؟ فرمود: به مادرت. دوباره سوال کرد، فرمود: به مادرت. مرتبه سوم پرسید. فرمود: به مادرت. مرتبه چهارم سوال نمود پس از آن به کی نیکی کنم؟ فرمود: به پدرت (محمدی ری شهری، ۱۴۲۲ق، ص ۵۵۲).

جایگاه مادر و ارزش نقش مادری از این گفتار پیامبر اسلام (صلی الله علیه و آله) به روشنی قابل درک و فهم است و این که حضرت سه بار به نیکی کردن نسبت به مادر دستور می دهد و نوبت چهارم به احسان پدر سفارش می کند؛ بهترین دلیل بر عظمت شأن مادر می باشد. از این بیان حضرت استفاده می شود که فعالیت های مادر، از آغاز انعقاد نطفه فرزند تا پایان دوره تربیت او چند برابر کار پدر ارزشمند است و از این رو حق مادر بر فرزند نیز بیش تر از حق پدر می باشد.

در حدیثی از امام صادق (علیه السلام) می خوانیم که مردی نزد پیامبر (صلی الله علیه و آله و سلم) آمد و عرض کرد من جوان بانشاط و ورزیده ای هستم و جهاد را دوست دارم ولی مادری دارم که از این موضوع ناراحت می شود، پیامبر (صلی الله علیه و آله و سلم) فرمود: ارجع فکن مع والدتك فوالدی بعثنی بالحق لانسها بک لیلئ خیر من جهاد فی سبیل الله سنة؛ برگرد و با مادر خویش باش، قسم به آن خدائی که مرا به حق مبعوث ساخته است یک شب مادر با تو مانوس گردد از یک سال جهاد در راه خدا بهتر

است. (عاملی، وسایل الشیعه؛ ص ۱۵۷).

سیره و رفتار رسول اکرم (صلی الله علیه و آله) نسبت به مادر و دایه های شان که به نوعی حق مادری به عهده آن حضرت داشتند، نیز نشان دهنده احترام ویژه ایشان از مقام مادر است. به نوشته تاریخ نویسان، پیامبر بیش از سه روز از شیر مادر ننوشید و پس از آن طبق سنت عرب به دایه سپرده شد و در دامن دایه هایی چون ثویبه (کنیز ابوجهل) و حلیمه سعدیه پرورش یافت. حضرت در طول زندگی همیشه به یاد مادران رضاعی خود بود و از هر جهت به آنان کمک می کرد. پس از بعثت پیامبر کسی را فرستاد تا ثویبه را از ابوجهل بخرد، ولی او حاضر به فروش وی نشد. اما او تا آخر عمر از کمک های حضرت بهره مند بود. زمانی که پیامبر خبر مرگ ثویبه را شنید، آثار تألم و اندوه در چهره مبارکش نمایان شد.

سیره پیامبر در احترام نسبت به مادرش آمنه و احترام فوق العاده نسبت به وی، بهترین دلیل بر عظمت مقام مادر است. به نوشته تاریخ نگاران، پیامبر همراه مادر جهت زیارت تربت پدرش عبدالله به سفر یثرب رفتند. هنگامی که در سرزمین ابواء - نزدیک مدینه - رسیدند، آمنه بیمار شد و به تدریج وضعش رو به وخامت نهاد و کم کم آثار مرگ در وی پدیدار گشت. پیامبر در آخرین لحظات زندگی مادر، صورت خود را به صورت او گذاشت و با حالت غم و اندوه به چهره مادر نگاه می کرد و می گریست. همراهان هر بار او را از جسد مادر جدا می کردند، دوباره خود را روی جنازه مادر می انداخت و ناله می کرد.

رسول خدا (صلی الله علیه و آله) پس از وفات مادر همواره به یاد او بود و به زیارت مزارش می آمد. روزی بر سر مزار مادر آمد، دو رکعت نماز خواند، سپس ندا داد مادر! قبر شکافته شد، آمنه در میان قبر نشست و می گفت: «شهد أن لا اله الا الله و انک رسول الله». حضرت از



مادر سؤال کرد: امامت کیست؟ گفت: فرزندانم! امام تو کیست؟ پیامبر فرمود: اینک امام تو علی بن ابی طالب (علیه السلام) است. آمنه به ولایت علی (علیه السلام) شهادت داد و به جایگاهش برگشت.

این رفتار پیامبر اکرم (صلی الله علیه و آله) در حال حیات و پس از وفات آمنه، نشان دهنده عظمت، منزلت و مقام عالی مادر است؛ چرا که افضل موجودات عالم، یعنی وجود مقدس رسول اکرم (صلی الله علیه و آله) همانند یک انسان خاضع، در برابر مادر زانوی ادب بر زمین می زند و با دید احترام به او نگریده، از او تعظیم به عمل می آورد. سرانجام می خواهد مادرش با ایمان هر چه کامل تر در قیامت محشور گردد، شهادت به ولایت علی (علیه السلام) را به او تلقین می کند. این سیره پیامبر خدا (صلی الله علیه و آله) برای همه مسلمانان دنیا درس بزرگ است و در رفتار با مادر، باید به آن حضرت تأسی کرد و از سیره او درس آموخت.

زمانی که از رسول گرامی اسلام صلی الله علیه و آله در مورد قدردانی از مادر سؤال شد، آن حضرت فرمود: «هیئات! هیئات! که بتوانی حق مادر را ادا کنی. هر آینه اگر به اندازه ریگهای بیابان عالچ [صحرائی در عربستان] و دانه های باران به مادر خدمت کنی و از وی قدردانی کرده و بنده وار در پیش او بایستی، این همه خدمات تو به اندازه زحمات وی در هنگامی که در رحم او بودی و سنگینی تو را تحمل می کرد نخواهد بود (محدث نوری، ۱۳۱۰ق، ص ۲۰۳)

ب. ۲. سیره و گفتار امامان معصوم (علیهم السلام):

سخنان ائمه اطهار (علیهم السلام) و نیز سیره آن بزرگواران در تبیین جایگاه و منزلت مادر، خیلی فراوان است که توانه بررسی همه آن ها در این نوشتار ممکن نیست ولی به عنوان نمونه به برخی از گفتار و رفتار ائمه اطهار (ع) در این زمینه اشاره می کنیم:

امام علی بن الحسین (علیه السلام) در باب حق مادر و عظمت و منزلت او می فرماید: «و اما حق أمک أن تعلم أنها حملتک حیث لا یتحمل احدٌ احدًا، و أعطتک من ثمره قلبها ما لا یعطى احدٌ احدًا و وقتک بجمیع جوارحها و لم تبال أن تجوع و تطعمک و تعطش و تسقیک و تعری و تکسوک و تضحی و تهجرک النوم لاجلک و وقتک الحرّ و البرد لتکون لهما فإنک لا تطیق شکرها الا بعون الله و توفیقہ؛ «حق مادر بر تو این است که بدانی او تو را حمل نمود، آن گونه که هیچ کس، دیگری را حمل نمی کند؛ و از میوه قلبش به تو داد که احدی به دیگری نمی دهد؛ تو را با جمیع اعضاء و جوارحش در آغوش گرفت و باکی نداشت از این که گرسنه باشد در حالی که تو را می پوشاند و در آفتاب باشد تا تو را در سایه نماید و خواب را به خاطر تو ترک نمود و تو را از سرما و گرما محافظت نمود و تو در برابر این همه خدمت، کجا می توانی شکر گزار او باشی، مگر به کمک و یاری و توفیق پروردگار.»

این کلام امام سجاد (علیه السلام) که به زبان تبیین حقوق ارائه شده، نشان دهنده عظمت و بزرگی مقام مادر است. چرا که حضرت با بیان این نکته که فرزند بدون استعانت و کمک از خدای متعال قادر به ادای حقوق مادر نخواهد بود، در حقیقت خواسته به نوعی رفعت مقام مادر را برای فرزندان تبیین کند و آنان را در خدمت کردن به مادر ترغیب نماید.

این مسئله به لحاظ تربیتی نیز دارای اهمیت است که انسان همیشه و در هر کار، به ویژه در خدمت رسانی به مادر و جلب رضایت وی از خدا کمک بجوید و با اتکاء به امدادهای او انجام وظیفه کند و بر مشکلات زندگی فایق آید. برداشت تربیتی ای که از این گفتار امام (علیه السلام)، می توان به دست آورد این است که فرزند باید همواره شکر گزار رنج و زحمت های مادر باشد و تمام توان و قدرت و رشادت خویش را از او دانسته، خود را دایم مدیون مادر بداند.

این کلام امام (علیه السلام) عین واقعیت است که مادر، فرزند را به مراتب بیش از جانش دوست می دارد و تمام مشکلات را به جان می خرد تا او در آسایش باشد. طبیعی است که این همه عشق و علاقه به فرزند و تحمل سختی های فراوان برای تربیت فرزند، حق بزرگی به عهده فرزند می گذارد که می بایست در جهت ادای آن تلاش کرد. از این جاست که خداوند می فرماید: «فلا تقل لهما أف»؛ «در برابر آنها (پدر و مادر) اف مگو.» مبادا! قلب مادر را بشکنی و خود را عاق وی نموده، مورد خشم خدا قرار گیری که خشم مادر قهر خدای تعالی را به همراه دارد.

سیره معصومان (علیهم السلام) و برخورد آن بزرگواران با مادرانشان و تعظیم در برابر نام مادر بیانگر علو مقام و منزلت مادر است. یکی از اصحاب امام صادق (علیه السلام) با چهره گرفته و حالت غم و اندوه بر حضرت وارد شد. امام فرمود: علت حزن و اندوه چیست؟ عرض کرد همسرم دختر آورده است، از این جهت ناراحتم. فرمود: نامی برایش انتخاب کرده ای؟ گفت: فاطمه نام کردم. امام با شنیدن نام فاطمه، دست خود را به احترام بالای پیشانی نهاد و آه عمیقی از دل کشید، سه بار آن را تکرار نمود و سپس به وی فرمود: حال که چنین نامی بر دخترت نهاده ای مواظب باش، هرگز او را دشنام ندهی! نام او نام عزیز و محترم است، همواره احترام نامش را داشته باش (طبرسی، ۱۳۸۵ق، ص ۴۰۶)



نتیجه گیری

مقام و منزلت مادر از منظر نظام حقوقی اسلام، دارای جایگاهی رفیع و هم ردیف با عبادت و اطاعت از خداوند متعال ذکر شده است. بر این اساس احترام به والدین خصوصاً مادر در بسیاری از متون اسلامی مورد تأکید قرار گرفته است و خدمت به این موهبت الهی را موجب رسیدن به سعادت دنیوی و اخروی برشمرده است. اسلام تأکید به احترام نسبت به والدین مخصوصاً مادر و نیکی به آنها را در چندین قسمت از قرآن و سنت متذکر شده و تا آنجا پیش رفته که حتی کمترین کلمه ای که نشانه بی احترامی باشد (اف) به آنان نگوییم. مقام و منزلت ویژه مادر در نظام حقوقی اسلام نشان از راهبردی بودن این نقش دارد. فعالیت های مادر، از آغاز انعقاد نطفه فرزند تا پایان دوره تربیت او چند برابر از کار پدر ارزشمند است و از این رو حق مادر بر فرزند نیز بیش تر از حق پدر می باشد. فرزند باید همواره شکر گزار رنج و زحمت های مادر باشد و تمام توان و قدرت و رشادت خویش را از او دانسته، خود را دائماً مدیون مادر بداند. احترام به والدین نیز که در چندین موقعیت در کتاب خدا و سیره معصومین ذکر شده است نشان از آن دارد که مادر عامل اصلی در لزوم نیکی به والدین بوده و کار او آن قدر ارزشمند است که احترام به این مقام را برابر با عبادت حق تعالی عنوان نموده اند. موردی را نمی توان در قرآن یافت که به نکوهش نقش مادری پرداخته باشد. به ویژه این که قرآن، بدفرجامی و اعراض فرزند نوح علیه السلام از ایمان به شریعت و آیین پدر را، حتی با اشاره و تلویح به مادر او نسبت نداده است. بدین ترتیب جایی را نمی شود سراغ گرفت که قرآن کریم به صورت روشن و صریح، زنان را در جایگاه و نقش مادری نکوهش و توبیخ کرده باشد. همچنین سیره معصومان (علیهم السلام) و نوع برخورد آن بزرگواران با مادرانشان و تعظیم در برابر نام مادر نیز بیانگر علو مقام و منزلت مادر است. وظیفه مادری، فضیلتی ملکوتی است ناشی از عالم قدس که در وجود انسان تجلی می کند و در آن صداقت، مهر و صفا به عالیترین درجه خود می رسد. در تبیین این جملات همین بس که رسول خدا (ص) فرمودند: «الجنة تحت اقدام الامهات» (بهشت زیر پای مادران است). «إذا كانت في الصالة التطوع فإن دعاك والدك فلا تقطعها و إن دعتك والدتك فاقطعها؛ هنگام نماز مستحبی، اگر پدرت تو را خواند، نماز را قطع نکن و اگر مادرت تو را خواند، نماز را قطع نما.» (نوری؛ همان، ص ۱۸۰).



۱. میر عظیمی، جعفر (۱۳۹۶)؛ حقوق والدین، قم، انتشارات کتابخانه حضرت ابوالفضل «ع».
۲. محمدی ری شهری، محمد (۱۴۲۲ق)؛ منتخب میزان الحکمه، قم، انتشارات دارالحدیث.
۳. عمید، حسن (۱۳۷۱)، فرهنگ عمید، تهران، انتشارات امیرکبیر، جلد اول، چاپ هشتم.
۴. قریشی، سید علی اکبر (۱۳۷۱)؛ قاموس قرآن، تهران، انتشارات دارالکتب الاسلامیه، ج ۳.
۵. مظفر، محمد رضا (۱۴۱۵ه.ق)؛ اصول الفقه، قم، بوستان کتاب، ج ۲.
۶. متقی هندی، علاء الدین، کنز العمال، انتشارات مؤسسه الرساله ج ۱۶، حکمت ۴۵۴۳۹.
۷. عاملی، شیخ حر، وسایل الشیعه، انتشارات آل البيت، جلد ۵.
۸. طبرسی، علی بن حسن بن فضل (۱۳۸۵ق)؛ مشکاة الانوار فی غرر الاخبار، قم، انتشارات کتابخانه حیدریه.
۹. قرائتی، محسن (۱۳۷۹)؛ تفسیر نور، ج ۹، قم، انتشارات مرکز فرهنگی درسهای از قرآن.
۱۰. نوری، محدث (۱۳۱۰ق)؛ مُسْتَدْرَكُ الْوَسَائِلِ وَ مُسْتَنْبَطُ الْمَسَائِلِ ، انتشارات آل البيت، ج ۱۵.



اسطوره مادری و پیامدهای اجتماعی و حقوقی آن در ایران

داود پرچی؛ استادیار جامعه‌شناسی دانشگاه شهید بهشتی

Dp206pd@yahoo.com

فاطمه درخشان؛ دانشجوی دکتری دانشکده علوم اجتماعی، دانشگاه علامه طباطبائی

Fderakhshanv@yahoo.com

چکیده

نقش مادری، نقشی پرزحمت اما لذت بخش است که گذشته از واقعیت بیولوژیکی در طول زمان و در جوامع مختلف، از لحاظ اجتماعی معنا و مفهومی متفاوت یافته است، این بعد از مادری که تحت تاثیر فرهنگ و نگرش‌های اجتماعی قرار دارد، در تمام جوامع و در تمام دوران‌ها یکسان نبوده است. لذا در این مقاله با روش توصیفی-تحلیلی و نظری به بررسی مفهوم اسطوره مادری و نظریات آن، بررسی آن در ایران و پیامدهای اجتماعی و حقوقی آن هستیم. مشاهده‌ی وضعیت کنونی زنان، ما را با این واقعیت درگیر می‌کند که مادری صرفنظر از اثرات مثبتی که در بقا و تداوم نهاد خانواده و جامعه ایفا می‌کند اثراتی چشمگیر و قابل توجه بر زنان دارد که از چشم‌ها دور مانده است و به نظر می‌رسد که عدم توجه به این اثرات ناشی از عدم توجه به وجود مستقل فردی به نام زن می‌باشد که از او توقع می‌رود تنها نقش مادری خود را به خوبی ایفا کند. عدم حضور یا ضعف مشارکت زنان در عرصه عمومی و سیاستگذاری و قانون‌گذاری‌هایی که با این امر مرتبط است با اولویت قائل شدن یا اهمیت و قداست دادن به نقش مادری با عنوان «اسطوره مادری» توجیه می‌شود و زندگی فردی و اجتماعی زنان را تحت تاثیر قرار می‌دهد.

واژه‌های کلیدی: اسطوره مادری، زنان، مادری، حقوق مادر

مقدمه

با وجود آنکه مادری یکی از اساسی‌ترین جنبه‌های زندگی بیشتر زنان در سراسر جهان است، اما نشانه‌هایی دال بر در حال تغییر بودن رابطه آن با زنانگی وجود دارد؛ چنان‌که تحولات جمعیت‌شناختی اخیر نشان می‌دهند که مادری، به تنهایی الگوی زندگی زنان را دیکته نکرده و حتی نسبت به گذشته، چندان برای آنها، گزینه مطلوب و خواستنی‌ای به حساب نمی‌آید. در شرایط شهرت و محبوبیت عمومی مادری به عنوان یک نهاد اجتماعی، برای زنانی که فریفته اسطوره‌های مربوط به این نقش شده‌اند، شکست در دستیابی به آن موقعیت تصور شده غالباً به صورت یک شوک در می‌آید و زنانی که فرزندی ندارند، گرفتار محدودیت‌ها و تناقضاتی شده و به عنوان زنان شکست خورده یا زنانی عاری از زنانگی تلقی می‌شوند. بنابراین با اینکه ازدواج و مادری به صورت بالقوه به عنوان فراهم‌کننده بیشترین رضایت از زندگی برای زنان تلقی می‌شوند، ولی تا حدودی در بردارنده نارضایتی و سرخوردگی نیز هستند. چنان‌که زنان قبل از اینکه مادر شوند، تصویر رمانتیکی از مادری در سر می‌پروراندند و حتی مایلند تعداد فرزندان بیشتری داشته باشند؛ اما پس از اولین تجربه این مساله تغییر می‌کند. (اوکلی، ۱۹۸۱)

در جوامعی که دیدگاه مردسالارانه غلبه دارد، عدم حضور یا ضعف مشارکت زنان در عرصه عمومی، با اولویت قائل شدن یا اهمیت و قداست دادن به نقش مادری ایشان توجیه می‌شود. در نتیجه مسیر پیش روی زنان در جریان هویت‌یابی و جامعه‌پذیری آنها در جهت تصویر ایده‌آل همسری و نهایتاً مادری هدف‌گذاری می‌شود. طبیعتاً در هر جامعه‌ای می‌توان نوع نگرش به هر پدیده، جریان یا نقشی را در نوع قانون‌گذاری و مباحث حقوقی آن جامعه مشاهده نمود. این جریان‌ها در جوامع بوسیله نظام حقوقی و تعیین جایگاه زن بعنوان یک مادر تقویت و یا تضعیف گردد. از اینرو به نظر میرسد با وجود جایگاه والا، مقدس و اسطوره‌ای مادری در جامعه ایران اما در نظام حقوقی، حقوق مادر چندان چشمگیر و قابل اهمیت نبوده و دچار ضعف‌های جدی می‌باشد. بر این اساس در این مقاله در پی بررسی اسطوره مادری در ایران و پیامدهای اجتماعی و حقوقی آن هستیم.



مفهوم مادری

مفهوم مادری دارای دو وجه بیولوژیک و اجتماعی است. فریدمن معتقد است، مادری کردن به تولید مثل زیست شناختی محدود نیست، بلکه به مجموعه ای از نگرش ها، مهارت ها و ارزش های ملازم با تولید مثل مربوط می شود و همین نگرش ها، مهارت ها و ارزش ها باعث تمایز زنانگی می شوند و باید در همه جوامع جایگاه مهم تری را به آن ها اختصاص داد. (فریدمن، ۱۳۸۳: ۳۷-۳۶) آن اوکلی از عنوان اسطوره مادری برای این مفهوم استفاده نمود که از نظر وی شامل سه فرض است: نیاز مادران به کودکان، نیاز کودکان به مادران و مادری به عنوان بزرگ ترین دستاورد زندگی زن. از نظر وی مادری به عنوان یک اسطوره در نظر گرفته می شود، مادر تا حد تقدس مورد ستایش قرار می گیرد، مادری مقامی به زن در گفتار می بخشد که با واقعیات همخوانی ندارد زیرا در این رابطه کودک در نظر گرفته می شود اما اثراتی مانند وابستگی اقتصادی زن به دیگری، تاثیر مادری بر شغل، کاهش درآمدهای شغلی، رابطه با همسر، زندگی خانوادگی، هویت فردی و اجتماعی و سلامت زن نادیده گرفته میشود. (اوکلی، ۱۳۸۴، ص ۲۷-۲۹)

بنابراین تعاریف مادری معمولاً یک مفهوم کلیدی در بردارد، یک عمل اجتماعی که وظیفه مراقبت و پرورش کودکان را به عهده می گیرد. کسانی چون گلین، برون و فرسی مادری را به عنوان یک ساخت اجتماعی که فعالیت ها و روابطی را که شامل مراقبت و پرورش است در برمیگیرد، تعریف می کنند. (آرنل، ۱۹۹۹)

اسطوره مادری

بر اساس اسطوره مادری، همه زنان دارای غریزه باروری و فرزندآوری، غریزه نگهداری از فرزند و مهارت لازم برای مادری هستند. اما بر طبق واقعیت، تحقیق «بتی فریدان» (۱۹۶۳) مشخص کرد که نقش مادری چیزی نیست که دختران گمان میکردند می خواهند به آن برسند و بر طبق تحقیق «آن اوکلی» هر چند زنان می خواهند مادر شوند اما واقعیت مادری آنان را مأیوس می کند، هر مرحله از زندگی زنان که بی صبرانه در انتظار آن بودند پس از رسیدن به آن، با آن چه که زنان در نظر داشتند متفاوت است و باعث سرخوردگی آنان می شود. (اعزازی، ۱۳۷۶، ص ۲۸)

نقش های مثبت و منفی زنان اساطیری، از تغییر نگرش انسان اساطیری به جایگاه زن در جامعه، ناشی شده است. (لیک، ۱۳۸۵، ص ۱۵۹) نگاهی گذرا به اساطیر ملت های مختلف و مجموعه باور های قومی نشان می دهد که در گذشته های دور عنصر زمین، زاینده گی و به دنبال این دو، مادر به عنوان نماد این زاینده گی تا چه پایه ارزشمند و پرستیدنی بوده است. می توان گفت نیروی باروری و زایش منشأ پایگاه اجتماعی و اعتقادی زنان بوده است و حتی همین ویژگی، زن را تا مقام پرستش بالا برده است اما در اساطیر متأخر دیگر از منزلت نخستین زنان که زمانی خدایان روزگار خویش بوده اند و به قول فریزر در جامعه هم، ستون اصلی خانه محسوب می شده اند، خبری نیست. از این پس زنان بیشتر به عنوان مادر، همسر و یا معشوقه قهرمانان مذکر اساطیری، ایفای نقش می کنند. (فریزر، ۱۳۸۷، ص ۲۰۶) پایان عصر کشاورزی اولیه و ایجاد تردید در قداست و قدرت زن به عنوان تنها موجود زایا و مولد در اقتصاد، در این تغییر نگرش مؤثر بوده است. (لیک، ۱۳۸۵، ص ۱۵۹) با این همه در اساطیر دوران مردسالاری، اهمیت نیروی زایایی، همچنان مورد توجه قرار گرفته است. در اساطیر این دوره، زنان نقش ایزدبانوانی را بر عهده می گیرند که بر ازدواج و زایش نظارت دارند. (ژیزان و همکاران، ۱۳۸۶، ص ۵۹) مقام زن در اساطیر متأخر از خدایان و زاینده جهان، به ایزدبانو و زاینده انسان تنزل می یابد. در این مرحله زنان اساطیری تنها قادرند با دخالت خدایان، قهرمان مذکری را به دنیا بیاورند و به تربیت و پرورش او بپردازند. (سجادی و جلیلیان، ۱۳۸۵، ص ۱۷۱) این تغییر تا آنجا پیش می رود که نقش زن به مادری تقلیل داده می شود. اما این تقلیل، تقلیلی مقدس می شود. چنانچه در بیشتر ادیان آسمانی نیز نگاه ویژه ای به جایگاه مادر داشته و نقش مادری را در مقایسه با زن بودن برجسته می کنند. برای مثال در اسلام جایگاه ویژه ای برای مادری در نظر گرفته می شود، چرا که مادر، مربی و پرورش دهنده انسان و جامعه است و اوست که می تواند فرد و جامعه را به سعادت رسانده، یا به شقاوت و بد بختی بکشد. تا جایی که در حدیث



نبوی آمده است که «بهشت زیر پای مادران است» (ری شهری، ۱۳۹۳، ص ۵۵۲) بنابراین در دین اسلام در بیشتر منابع شامل آیات قرآن (سوره مریم (۳۲)، اعراف (۱۵۰)، نسا (۲۳)، بقره (۸۳) و ... و سنت حقوق مادر بیشتر محدود به تکریم و احترام به وی می باشد.

نظریات مربوط به نقش مادری

در جامعه‌شناسی پارسونز زن موجودی صاحب‌گریزه پرورش‌دهندگی تلقی می‌شود که با ایفای نقش پر احساس مادری در خانه، نیازهای جسمی و روحی تمام اعضای خانواده به ویژه فرزندان را برطرف می‌سازد و همین امر ایجاب می‌کند که او در محیط خانه مانده و به این وظایف بپردازد. (روشه، ۱۳۷۹، ص ۱۹۸) پارسونز معتقد است که تنها با وجود تقسیم نقش بر اساس جنس و همچنین تقسیم نقش بر اساس نقش‌هایی که جنبه ابزاری (مردانه) و نقش‌هایی که جنبه بیانگر (زنانه) دارند امکان همبستگی خانواده به وجود می‌آید. در این تقسیم نقش، حدود وظایف هر یک از والدین مشخص شده تا از اغتشاش نقش‌ها و ایجاد یک وضعیت در خانواده جلوگیری نماید. (پارسونز، ۱۹۵۶)

غالباً در تبیین‌های جامعه‌شناختی کلاسیک که با یک تصور قالبی از جنسیت و در یک پیوند زیست‌شناختی به جایگاه زن در نهاد خانواده می‌پردازد، مورد انتقادهای بسیاری از جانب جامعه‌شناسان و روان‌شناسان فمینیست قرار گرفت. از جمله مفاهیم مهم در این نظریات، مفهوم جنسیت است که اولین بار در اثر معروف آن اوکلی با عنوان «جنسیت و جامعه» (۱۹۷۲) اوکلی بیشتر توجه خود را به موضوع اسطوره مادری و شکافی که بین تصور از مادری و واقعیت آن وجود دارد کرد. وی استدلال می‌کند که این عقیده که همه زنان از غریزه مادری برخوردارند و سلامت روانی مادران زمانی که بچه‌ای به دنیا می‌آورند و پرورش او را به دیگری واگذار کنند آسیب‌جدی می‌بینند، ناشی از فرض مادری به عنوان نقشی مطلوب برای زنان است. (ابوت و والاس، ۱۳۸۵، ص ۱۳۳) وی معتقد است که میل به مادر شدن منشا فرهنگی دارد و قابلیت مادری کردن امری فراگرفتنی است. او با به کارگیری مفهوم اسطوره مادری فرض وجود پیوند بیولوژیکی میان بارداری، تولد بچه و شیردهی با مراقبت از بچه‌ها را زیر سوال برده و به چالش کشیده چرا که این فرضیه تأکید بر این نکته دارد که بیولوژی سرنوشت زنان است و زنان برای اینکه طبیعی و بهنجار باشند باید مادر باشند و برای مادر بودن هم باید کاملاً زنانه باشند. این باورها مبنای جامعه‌پذیری در عمده‌ترین سطوح هویت جنسی هستند و به طور مداوم در زندگی فرد تقویت می‌شوند. که باعث این انتظار جامعه از زنان است که در خانه بمانند و مادری کنند. اوکلی معتقد است ترویج این تصور در قالب اسطوره‌سازی از مادری صورت می‌گیرد که توسط رفتارشناسان، جامعه‌شناسان و روان‌شناسان کودک مورد تأیید قرار می‌گیرد. این گروه با طبیعی فرض کردن و جهان‌شمول خواندن امر مادری آن را برای جامعه دارای کارکرد حیاتی معرفی می‌کنند. (بستان، ۱۳۸۵، ص ۵۲) اوکلی بر آن است که در واقع نه پدر و نه مادر و نه کودک در جامعه‌ای که از مادر انتظار دارند در خانه از کودک به تنهایی مراقبت کند؛ از این وضع سود نمی‌برند مادر در چنین جامعه‌ای آسیب می‌بیند. زیرا از رشد بسیاری از توانایی‌ها و ابراز جنبه‌های مختلف شخصیت خود ناتوان است. به رغم تصویر پرجاذبه مادری، تجربه خانه‌نشینی با کودک برای بسیاری از زنان تجربه تنهایی، یکنواختی و ملامت است و اگر هر روزه باشد، چیزی است یکسره بری از لذت و خوشنودی خواهد بود. (گرت، ۱۳۸۵، ص ۷۰)

بررسی‌های بتی فریدان در میان هزاران زن نشان داد که احساس دوگانگی و نارضایتی حاصل از آن در بسیاری از زنان خانه‌دار وجود دارد. وی سرچشمه ستمدیدگی زنان را سنت‌ها و ارزش‌های فرهنگی‌ای می‌داند که نقش زنان در خانه را مورد ستایش و تقویت قرار می‌دهند و این اعتقاد که زنان تنها در نقش‌های سنتی مانند همسری و مادری می‌توانند به رضایت خاطر برسند باعث احساس سرخوردگی آنها شده است که او آنرا «مشکل بدون نام» می‌نامد. (تانگ، ۱۹۹۷، ص ۲۴) از نظر فریدان زنان فقط در اثر کار هویت می‌یابند، کاری که دارای ارزش واقعی برای جامعه است و به طور معمول برای آن دستمزد پرداخت می‌شود. زنان در برنامه‌ریزی برای زندگی جدید باید خانه‌داری، ازدواج و فرزندآوری را به همان صورتی که در واقعیت است یعنی قسمتی از زندگی و نه تمام زندگی ببینند. (فریدان، ۱۹۹۰، ص ۲۰-۱۵)

نانسی چودورو در کتاب بازتولید مادری با پیوند بین نظریه روان‌کاوی، نظریه جامعه‌شناختی و فمینیسم، نظریه جدید «ربوط ابژه‌ای» را طرح می‌کند. در دیدگاه او به اختصار مطرح می‌شود مراقبت از کودک، که توسط زنان به عمل می‌آید، تجارب کاملاً متفاوتی را برای دختران در مقایسه با پسران، ایجاد می‌کند. مراقبت از کودک که توسط مادر صورت می‌گیرد، دخترانی را تربیت می‌کند که می‌خواهند مادر شوند و



بنابراین مادری خود را بازتولید می کنند. مادری زنان همچنین پسرانی را به ثمر می رساند که بر زنان تسلط دارند و آنها را بی ارزش می شمارند. (چودرو، ۱۹۹۷، ص ۷۸) او این تصور را که مادری کردن یک گزینه ذاتی و طبیعی است منتفی می داند و همچنین این تصور را که مادری کردن صرفاً حاصل شرطی کردن اجتماعی است. (چودرو، ۱۹۹۷، ص ۹۹)

اسطوره مادری در ایران

تا سال ۱۳۰۴ تنها ۳ درصد از زنان ایرانی باسواد بودند. در آن زمان در باور عمومی سوادآموزی زنان خطری برای جامعه قلمداد می شد. فشارهای اجتماعی به حدی بود که هیچ تغییری را در وضعیت آنان تحمل نمی کرد. زنان در فرهنگ مردسالار پایگاه فرودست خود را در همه عرصه های زندگی پذیرفته و وادار به تحمل بودند. (ساناساریان، ۱۳۸۴، ص ۲۹-۳۰) با وقوع انقلاب مشروطه در ایران زنان با پشتیبانی روحانیون اولین بار در یک حرکت اجتماعی و سیاسی مشارکت کردند و توانستند در یکی از مهمترین وقایع تاریخ ایران سهمی باشند. پس از انقلاب با تصویب قانون اساسی و نادیده گرفتن حقوق آنان اجتماعات زیادی در میان زنان در جهت کسب حقوق مدنیشان شکل گرفت. مبارزه برای دستیابی به حقوق اجتماعی، سیاسی و فرهنگی، تاسیس مدارس دخترانه از جمله اقداماتی است که در آن زمان صورت گرفت. (خسروپناه، ۱۳۸۱، ص ۹) زنان در ایران با انتشار مقالات متعدد در نشریات تلاش می کردند تا اصلاح طلبان را با خود همراه کنند. همچنین سوادآموزی را با نقش شان در تربیت فرزندان آگاه در جهت پیشرفت کشور گره می زدند تا اهمیت آگاه سازی زنان را گوشزد کنند. (خسروپناه، ۱۳۸۱، ص ۳۱) نسل اول جنیش زنان ایران انتقاد اساسی به تقسیم نقش های جنسیتی نداشتند، بلکه هدف آنان دستیابی به آموزش، تحصیلات و بهداشت در جهت حفظ خانواده و نقش های سنتی زنان است. (صادقی، ۱۳۸۴، ص ۱۱۸)

پس از انقلاب اسلامی برای نخستین بار شریعت صبغه ای ایدئولوژیک یافت، یعنی سنت در جامعه ایرانی واجد ویژگی ایدئولوژیک گردید. موازین شرع به خدمت مشروعیت قواعد و هنجارها و ارزش های حاکم بر آن درآمد. پس از انقلاب برای نخستین بار میان دو بخش معنوی و دنیوی یا قدسی و عرفی از میان رفت و میان این دو پیوندی متافیزیکی برقرار شد. (عبادی و ضمیران، ۱۳۷۵، ص ۴۴) در این دوران شاهد دگرگونی اساسی در زندگی و وضعیت زنان هستیم. رهبران مذهبی انقلاب با محکوم کردن فعالیت های قبل از انقلاب جایگاه زنان را در خانواده تعریف کرده و مهمترین وظیفه زنان را مادری معرفی کردند.

در همین دوران دامنه گسترده ای از نویسندگان به چاپ کتاب هایی مبادرت کردند که به وجه تبلیغات دولت و تصدیق این دیدگاه کمک می کرد. همه وظیفه مقدس زن را اجاق و خانه مطرح می کردند. برای مثال محمدی می نویسد: تنها زمانی زنان اجازه دارند بیرون از خانه کار کنند که آنها محیط امنی را در خانه مهیا کنند و از هر جهت نیازها و راحتی همسر و کودکان خود را فراهم کرده باشند. (افشار، ۱۹۸۸، ۱۵۵) استاد مطهری نیز از جمله کسانی بود که در کتاب نظام حقوق زن در اسلام به مسئله زن توجه داشت. او با رد تشابه حقوق زن و مرد، با دیدگاهی کاملاً ذات نگر به دفاع از نقش طبیعی زن و مرد در خانواده می پردازد و معتقد است زندگی خانوادگی بشر صد در صد طبیعی است، انسان طبیعتاً «منزلی» آفریده شده است. (مطهری، ۱۳۸۲، ص ۱۵۰) این دیدگاه بیش از همه به تقسیم طبیعی نقش بین زنان و مردان تاکید دارد. در این ایدئولوژی قلمروهای مجزا و مکمل که خدا و طبیعت مقرر کرده اند، مستلزم آن بود که زنان، خود را به قلمروهای مربوط به خانه، بارداری و پرورش بچه محدود کنند، چنان که تاکید بر تقسیم طبیعی بین زن و مرد زیربنای فکری حاکم بر اوضاع شده بود. بر مبنای این طرز فکر نه تنها تبلیغات بر علیه اشتغال زنان شکل می گرفت، بلکه آگهی های استخدامی و بخشنامه های صادره در مراکز و سازمان های دولتی و خصوصی بر محور تقسیم کار طبیعی بین زن و مرد می چرخید. به این ترتیب زنان به سرعت به سمت کارهای خانگی رانده شدند. به طوری که سال های ۵۵ تا ۶۵ تعداد زنان شاغل از ۱/۲ میلیون نفر به ۹۷۵ هزار نفر کاهش یافت و به این ترتیب نسبت اشتغال زنان از ۱۳/۸ درصد کل کشور به ۱۳/۸ درصد کل کشور به ۸/۹ درصد رسید. در صورتیکه بر اساس آمار موجود تعداد زنان شاغل در ایران از سال ۱۳۳۵ تا ۱۳۵۵ به طور مداوم افزایش یافته بوده است. در سال ۱۳۵۵ حدود ۱۲ درصد از جمعیت شاغل را زنان تشکیل می دادند. از سال ۱۳۶۵ تا ۱۳۷۰ نیز تعداد زنان شاغل به میزان ۱ درصد افزایش می یابد. در سال ۱۳۸۵ سهم زنان در اشتغال به ۱۲ درصد میرسد و سهم زنان شاغل از کل جمعیت در سال ۱۳۹۰ به ۱۳،۱ درصد و در سال ۱۳۹۵ به ۱۴ درصد رسیده است. (مرکز آمار ایران) با توجه به این



آمار مشاهده می گردد که با وجود افزایش امکانات و شرایط تحصیل زنان و به ظاهر فراهم شدن شرایط شغلی به لحاظ اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی باز هم چندان سهم زنان در اشتغال چشمگیر نمی باشد. نتیجه تأکید بر نقش خانگی زنان همراه شد با قطع برنامه تنظیم خانواده و بستن مهدکودک های دولتی و خصوصی. (لاهیجی و کار، ۱۳۸۴، ص ۱۴۲) در مرکز این گفتمان زانی مورد سرزنش قرار می گرفتند که کودکان خود را به مهدکودک ها می سپردند به طوری که حتی منشأ بسیاری از مشکلات در جامعه معرفی می شد. بر این اساس جامعه نه تنها از موقعیت مادر- شاغل حمایت نمی کرد، بلکه از طریق عدم همراهی با مادران شاغل (حذف مهدکودک های دولتی و کوتاهی دوران مرخصی زایمان) و بخصوص از طریق تبلیغ نقش مادری به عنوان تنها نقش قابل قبول برای یک زن، عکس این نگرش را تقویت می کرد. (اعزازی، ۱۳۷۶، ص ۱۱۶)

در این دوره این تصویر ایده آلیزه شده از مادری به خصوص در رسانه ها نمایش داده می شود و صدا و سیما به عنوان رسانه ملی ایدئولوژی فوق را بازنمایی می کند. حضور پررنگ گفتمان مسلط اسلامی در رسانه ملی به خصوص در شبکه یک، مجدداً به دنبال ساخت خانواده و سوژه های خود در درون این نهاد است. بررسی گفتمان تولید در برنامه های سیما نشان می دهد که چگونه تولید برنامه های برخی شبکه ها (بویژه شبکه یک) به عنوان یکی از شبکه های اصلی تولید کننده برنامه هایی است که بسیار صریح درصدد بازتولید تقسیم جنسیتی کار، جدایی عرصه عمومی از خصوصی و بازتعریف نقش زن در خانه است. چنان که در سیاست ها و ضوابط اجرایی تأمین برنامه در شبکه های سیما تأکید شده است: - از هر امری که منجر به تضعیف نهاد خانواده در ذهنیت یا عینیت جامعه شود باید پرهیز شود؛ - تحقیر امر خانه داری، شوهرداری و تضعیف مقام مادری ممنوع است؛ - ترویج فمینیسم، مردستیزی و زن سالاری ممنوع است؛ - برتری دادن استقلال اقتصادی یا هر نوع فعالیت و شغل نسبت به مسئولیت مقدس مادری ممنوع است؛ - هر امری که منجر به تشویق زنان به سمت نقش های مردان و برعکس شود ممنوع است؛ - انجام مسئولیت های خانه داری و تربیت فرزندان نباید در مقابل کار خارج از خانه و فعالیت های اجتماعی آنها کم اهمیت تصویر شود. (معاونت طرح و برنامه، ۱۳۸۴، ص ۱۸)

بر اساس نتایج تحقیقاتی که در دهه ۸۰ در این خصوص انجام گرفته است (اعزازی: ۱۳۸۵ و ۱۳۸۸، فرضی: ۱۳۸۳، یکتا طلب: ۱۳۸۲، تقوی: ۱۳۸۱، بکایی: ۱۳۸۵) می توان چنین نتیجه گرفت که با تقسیم وظایف زن به سه دسته وظایف مربوط به حوزه خصوصی و وظایف مربوط به حوزه عمومی (شغل و تحصیل) و وظایف شخصی و بررسی رابطه آن با مادری، مادران به وظایف خانگی در مقابل سایر نقش ها اولویت می دهند که باعث به حاشیه راندن وظایف اجتماعی و شخصی آنان می شود. علاوه بر این موضوع مادری با مجموعه ای از تقابل های دوگانه شکل گرفته است. به طوری که در فرهنگ، ضرب المثل ها و اذهان بسیار لطیف و دلپذیر و در واقعیت بسیار سخت و طاقت فرسا است. همچنین امری صرفاً بیولوژیکی و طبیعی فرض می شود در حالی که نقشی کاملاً آموختنی است. این توصیفات اجتماعی قالبی می سازند که زنانی در آن می گنجند و زنانی در آن نمی گنجند.

بر اساس نتایج تحقیقات دیگری که در دهه ۹۰ درباره تجربه مادری انجام گرفته است، با وجود رخ دادن تغییرات متعددی در زندگی زنان در این دهه، یعنی امکان تحصیل زنان، فرصت های شغلی بیشتر برای آنان نسبت به دهه های قبل، اما همچنان از نظر آنان خانواده بدون فرزند خانواده ای ناقص تعریف می شود. نقش زایش به دلیل فیزیولوژی خاص زنان بر عهده آنان است و به همین دلیل زیست شناختی بیشترین مسئولیت مراقبت و نگهداری بر دوش آنان نهاده شده است. با وجود تغییرات ظاهراً اجتماعی و فرهنگی اما باز همچنان زنی که قابلیت زایش نداشته باشد، زنی که به خاطر فرزند از خودگذشتگی نکند، زنی که فرزند نخواهد، زنی که فرزندش را رها کند، مطرود محسوب می شود. بنابراین میزان تمایل به طلاق پس از تولد فرزند کمتر صورت می گیرد، چرا که به لحاظ فرهنگی آنها تنها کسانی هستند که در جامعه برای مراقبت از فرزند خود تربیت می شوند و فکر می کنند که هیچ کس غیر از آنها توان مراقبت از فرزندشان را ندارد. مادران بسیاری عنوان کرده اند که از نظر آنها تأکید بر قداست مادری در حالی که مادران در چنین شرایطی، بچه داری را تجربه می کنند فقط شعاری است که سر داده می شود، بی آنکه در عمل نمود یابد. (میرزائاد: ۱۳۹۰؛ صدرزاده: ۱۳۹۲؛ خورشیدیان: ۱۳۹۰)



پارادوکسی که در این میان وجود دارد این است که با وجود آنکه گفتمان موجود، مادری را به عنوان وظیفه مقدس زنان تعریف می کند و آنان را بطور غریزی و طبیعی آماده برای این نقش می داند اما از لحاظ حقوقی، حق چندانی برای زنان قائل نیست. قوانین مربوط به خانواده در یک فضای پارادوکسیکال سخن دیگری می گویند و آنچه نادیده گرفته می شود تجربه زن یک مرد بودن و مادر فرزند بودن است.

مادری و جایگاه آن در نظام حقوقی ایران

با وجود جایگاه والا، مقدس و اسطوره‌ای مادری در جامعه ایران اما در نظام حقوقی، حقوق مادر چندان چشمگیر و قابل اهمیت نبوده و دچار ضعف‌های جدی می‌باشد و نگرش حقوقی متفاوت به خانواده را مطرح است و به نظر می رسد محیط عمومی حقوق مربوط به خانواده در ایران مناسب با حقوق کامجویانه جلوه گر می شود. برای مثال نظر به زن در ماده ۱۰۹۰ قانون مدنی، همچون کلاست، برای تعیین مهرالمثل باید حال زن از حیث شرافت خانوادگی و سایر صفات و وضعیت او نسبت به امثال - اقران و اقارب و همچنین معمول محل و غیره در نظر گرفته شود. حقوق کامجویانه تکلیف زن را یکسره در تمکین برای استمتاع خلاصه می کند. مهر المثل، عوضی نزدیکی با زن است و در جایی که مهر، مجهول یا بی ارزش است، اگر زن پیش از نزدیکی فوت کند کابینی به دارایی زن نمی افزاید. همچنین گوئی «نشور» نافرمانی زن است در تمکین به مفهوم مشهور اماره ماده ۱۱۰۸ ق.م. (جعفری تبار، ۱۳۷۸، ص ۱۱۸) برخلاف حقوق عاشقانه، قوانین کامجویانه مرد را در برابر خانواده، سلطه جویانه و قهارانه می خواهد. به موجب ماده ۱۱۸۰ ق.م. ولایت قهری بر صغیر و همچنین غیررشید با پدر و جد پدری است. (کاتوزیان، ۱۳۶۷، ص ۱۰۹) وجود این قانون نشان دهنده امتداد رابطه ای است که قانونگذار در خانواده می پذیرد. این قانون به روشنی حق تصمیم گیری ها را در امور کودک به عهده پدر و جد پدری می گذارد. به گونه ای که تنها پدر و جد پدری هستند که قانونا حق دارند در مورد ازدواج و اموال غیره کودک تصمیم گیرنده باشند. البته قانون حضانت، کودک را به عهده هر دو هم پدر و هم مادر می گذارد. اما حضانت تنها به مسئولیت پرورش و تربیت کودک تعریف می شود. در حالی که ولایت، که حق تصمیم گیری در امور کودک است به پدر و جد پدری منحصر می شود.

حقوق مادر در قوانین را می توان در سه بخش مشاهده نمود:

۱. تحقق حقوقی مادری یعنی نسبی، رضاعی و خوانده‌گی بودن مادری، موضوع همانندسازی و اجاره‌ای بودن،
۲. روابط شخصی مادر که شامل بارداری، حضانت فرزند و صلاحیت قانونی که خود شامل قیمومیت، ولایت، اداره اموال فرزند و تابعیت فرزند میشود؛
۳. روابط مالی مادر با اعضای خانواده که شامل کارخانه، کار بیرون از خانه و پیامدهای اشتغال.

ضعف حقوق مادری در دو بخش دوم که شامل حضانت، ولایت و بحث روابط مالی و کار بیرون از خانه است پررنگ‌تر می‌باشد. به عنوان مثال در بحث تابعیت مطابق ماده ۹۷۶ قانون مدنی تابعیت از طریق نسب پدری منتقل می‌شود. حضانت و چالش های آن نیز که بیشتر در بعد مسئولیت است، در صورتی که والدین با یکدیگر بسر برند، مشترکا بر عهده پدر و مادر است اما طبق ماده ۱۱۶۹ قانون مدنی در صورت جدائی والدین مادر تا دو سال از تاریخ ولادت طفل برای نگاهداری او اولویت خواهد داشت. و یا طبق ماده ۱۱۷۰ قانون مدنی «اگر مادر در مدتی که حضانت طفل با اوست مبتلا به جنون شود یا به دیگری شوهر کند حق حضانت با پدر خواهد بود.» به این ترتیب مشاهده می‌شود که از دید قانونگذار ازدواج قانونی مادر در این مورد در ردیف ابتلا به جنون شمرده می‌شود و موجب زوال حق حضانت وی خواهد شد.

تصمیم گیری برای زندگی فرزند و در حقیقت ولایت فرزند نیز به عهده پدر است. ولایت در مورد اداره امور کودک فقط مخصوص پدر و جد پدری است و مادر از این حیث هیچ سمت و اختیاری ندارد. نکته قابل توجه آن است که نه تنها پدر و جد پدری بر مادر مقدم است بلکه بر طبق ماده ۱۱۸ قانون مدنی هر فرد غریبه دیگری بوسیله «وصیت» می‌تواند بر مادر مقدم باشد.

موضوع دیگر در روابط حقوقی در روابط حقوقی مادر و فرزند، میزان تأثیر اراده مادر است، هنگامی که جرمی علیه کودک اتفاق می‌افتد. اگر جرمی علیه کودکی اتفاق افتد، پدر و جد پدری نقش تعیین کننده و نهائی در سرنوشت قضائی پرونده دارند یعنی می‌توانند مجرم



را عفو کنند، یا دیه بگیرند یا تقاضای قصاص دهند. مادر هیچ نقشی در این خصوص ندارند. البته اگر کودکی فاقد ولی قهری باشد و مادرش به عنوان قیم تعیین شده باشد در آن صورت، مادر می‌تواند با کسب موافقت دادستان از قصاص صرف نظر کند و به گرفتن دیه رضایت دهد. (عبادی، ۱۳۷۶)

در بحث ارث نیز دو سوم پدر ارث می‌برد و تنها مادر یک سوم از اموال فرزند را به ارث می‌برد. در بحث قصاص نیز پدر و جد پدری قصاص نمی‌شوند و مادر قصاص می‌شود، در حوزه کار و شغل زنان نیز جایگاه مادری چندان در قوانین لحاظ نشده است، به عنوان مثال فقدان مهدکودک در ادارات و الزام به احداث مهدکودک باعث شده زنان بسیاری مجبور شوند، بین کار و مادری انتخاب کنند. بررسی اجمالی قوانین مربوط به نقش و حقوق مادری نشان می‌دهد که اسطوره سازی مادری و تقدس آن تنها در محدود تکریم و احترام بوده و در واقع نقش مادری و مادر بودن دارای ضعف حقوقی در قوانین می‌باشد.

نتیجه گیری

مادری با مجموعه ای از تقابل های دوگانه شکل گرفته است، در فرهنگ، ضرب المثل ها و اذهان بسیار لطیف و دلپذیر و در واقعیت بسیار سخت و طاقت فرسا، امری صرفا بیولوژیکی و طبیعی یا نقشی کاملا اجتماعی و آموخته شده، اسطوره یا واقعیت و ... حتی وقتی دوگانه نیست توصیف آن موجب ایجاد دوگانگی ها می‌گردد، قالبی می‌سازد که زنانی در آن می‌گنجند و زنانی نمی‌گنجند: مادر- نامادر، زایا- عقیم، زن کامل- زن ناقص. مادری با زنی شکل می‌گیرد که دارای قدرت باروری است، زاینده‌گی دارد، تولید می‌کند، شیر می‌دهد، مراقبت می‌کند، ایثار می‌کند، از خود در میگذرد تا محصولش بزرگ شود اما خود نامرئی است.

بر اساس نتایج مطالعاتی که در این مقاله به بررسی آنها پرداخته شد، مادری در فرهنگ جامعه نقشی بسیار ارزشمند تلقی می‌شود که در جامعه بر ارزشمندی آن از طرق مختلف تأکید می‌شود. دختران در جریان جامعه پذیری می‌آموزند که این قابلیت و توانایی ارزشمند می‌تواند آنها را به اوج زنانگی و کامل بودن برساند و لذت داشتن فرزند را در آنها ارضا کند. این جریان آنقدر قوی است که این نقش را در زمره اهداف اصلی دختران قرار می‌دهد. در این مسیر دختران با مزایا و جنبه های مثبت مادری آشنا می‌شوند اما از واقعیت سخت و طاقت فرسای این نقش آگاهی نمی‌یابند تنها پس از مادر شدن است که رویه‌ی دیگر این نقش، خود را باز می‌نماید و دوگانگی میان اسطوره و واقعیت چهره خود را عیان می‌سازد. زنان درمی‌یابند موحودیت، هویت، موفقیت ها، فرصت ها و دسترسی یا عدم دسترسی آنها به بسیاری اهداف و خواسته ها در گرو این نقش است. این دوگانگی منجر به سرخوردگی زنان می‌گردد. سعی می‌کنند که خود را در این قالب از پیش تعیین شده بگنجانند و چون به علت نبود بسیاری از ظرفیت ها و امکانات محیطی و فردی قادر نباشند که به این قالب درآیند دیگران و حتی خود آنها را در زمره‌ی مادران خوب قرار نمی‌دهند. سرزنش اطرافیان، تقاضا از آنها برای گذشتن از اهداف خود به خاطر صلاح خانواده و جامعه و ... فشارهایی است که مادران به طور روزمره با آن دست به گریبانند و این ها ثمره تفکری است که اوکلی آن را اسطوره مادری نامید و به قول فریدان آرمانی کردن این نقش است. اما در جوامعی مانند جامعه ما که الگوهای سنتی نقش ها در خانواده همچنان در حال مقاومت هستند مادر شدن و مادری کردن هم مانند بسیاری از نقش ها تجربه ای در حال پرسش و در عین حال با همان قواعد و نگاه سنتی است. به طوری که شرکت زنان در کارهای درآمدزا و کمک به درآمد خانواده و نیز افزایش سطح تحصیلات آنان، آنها را از آگاهی و اقتدار بیشتری در خانواده برخوردار می‌سازد و منابع فرهنگی و مادی زنان را برای شکوفایی استعدادهایشان افزایش می‌دهد و در عین حال تحت شرایط الگوی سنتی خانواده کار روزانه زنان شاغل به یک کار چهار نوبتی (کار برای دریافت مزد، خانه داری، پرورش کودک، وظایف زناشویی و شوهرداری) مبدل می‌شود. به طوری که میان ارزش ها و آرمان های جدید و واقعیت های زندگی روزمره زنان تضاد به وجود می‌آورد.

با همه تأکیدی که در جریان گفتمان اجتماعی پس از انقلاب اسلامی بر نقش های سنتی زنان وجود داشته و دارد با گرایش زنان به ارزش های نوگرایی و گسترش فردگرایی، زنان به تدریج در کنار و یا با فاصله از قش های سنتی خود وارد عرصه های عمومی می‌شوند و خود را در نقش های جدید اجتماعی تعریف می‌کنند. زنان با تحصیل، فرصت دستیابی به شغل را برای خود فراهم می‌کنند و با استقلال مالی که به دست می‌آورند این امکان را برای خود به وجود می‌آورند تا انتخاب های بیشتری داشته باشند. با این همه می‌توان گفت همچنان همه



زن های متأهل مادری را دیر یا زود تجربه می کنند و با همه تحولاتی که رخ داده به درخواست جامعه برای مادر شدن پاسخ می دهند. مادری مسئولیت تمام وقتی است که اوقات فراغت، کار و تحصیل زنان را تحت الشعاع خود قرار می دهد. پروسه و تجربه طولانی مدت که هرگز به آن گوش فرا داده نشده است. و در نهایت می تواند موجب تضاد میان نقش های مختلف یک زن گردد. از طرفی زنان نیز معتقدند که از طرف جامعه هیچ گونه حمایتی را در جهت حل این مشکل دریافت نمی کنند. یکی از مشکلات اصلی، مشکلات قانونی و حقوقی درباره مادری است. بررسی اجمالی قوانین مربوط به نقش و حقوق مادری نشان می دهد که اسطوره سازی مادری و تقدس آن تنها در محدود تکریم و احترام بوده و در واقع نقش مادری و مادر بودن دارای ضعف حقوقی در قوانین می باشد. بر این اساس بازنگری در قوانین و لزوم توجه به نیازهای مادران در این شرایط بسیار ضروری به نظر می رسد و می توان گفت که این چالش ها می تواند به تناقض میان اسطوره مادری و آنچه در واقعیت وجود دارد و پیشرفت فردی دامن زده و زنان را مجبور به انتخاب کند، انتخابی که در نهایت موجب بروز انواع تشویش ها و نارضایتی ها و مسائلی می شود که در سطور بالا به آنها اشاره شد.



- ابوت، پاملا و کلروالاس. (۱۳۸۵). جامعه شناسی زنان. ترجمه: منیژه نجم عراقی. تهران: نی
- اعزازی، شهلا. (۱۳۸۵). بررسی تاثیر مادری بر هویت جنسی زنان (مطالعه موردی شهر تهران). دانشکده علوم اجتماعی علامه طباطبائی
- اعزازی، شهلا. (۱۳۷۶). جامعه شناسی خانواده. تهران: روشنگران و مطالعات زنان
- اوکلی، آن. (۱۳۸۴). مصاحبه با زنان: یک تناقض گویی. ترجمه: آویده نهاوندی. تهران: روشنگران و مطالعات زنان
- بستان، حسین. (۱۳۸۵). اسلام و جامعه شناسی خانواده. قم: پژوهشگاه حوزه و دانشگاه
- بکایی، آزاده. (۱۳۸۵). نگرش زنان شهر شیراز نسبت به سقط جنین. مطالعات زنان. دانشکده علوم اجتماعی علامه طباطبائی
- تقوی، حسن. (۱۳۸۱). تاثیر اشتغال بر مادران در سازگاری اجتماعی و پیشرفت تحصیلی دانش آموزان ابتدایی. دانشکده روانشناسی و علوم تربیتی دانشگاه تهران
- جعفری تبار، حسن. (۱۳۸۷). حقوق عاشقانه علیه حقوق کامجویانه، گفتاری در فلسفه حقوق خانواده. مجله حقوق تهران. دوره ۳۸. شماره ۱
- خسروپناه، محمدحسین. (۱۳۸۱). هدفها و مبارزه زن ایرانی. تهران: پیام امروز
- خورشیدیان، جهان. (۱۳۹۰). مقایسه تأثیر انواع مادری بر اجتماعی شدن فرزندان در شهر تهران، دانشکده علوم اجتماعی علامه طباطبائی
- روشه، گی. (۱۳۷۹). جامعه شناسی تالکوت پارسونز. مترجم: عبدالحسین نیک گوهر. تهران: تبیان
- ساناساریان، الیز. (۱۳۸۴). جنبش حقوق زنان در ایران. ترجمه: نوشین احمدی خراسانی. تهران: اختران
- صادقی، فاطمه. (۱۳۸۴). جنسیت، ناسیونالیسم و تجدد در ایران. تهران: قصیده سرا
- صدرزاده، آرزو. (۱۳۹۲). رابطه منزلت مادری نزد مادران و موفقیت تحصیلی فرزندان. دانشکده علوم اجتماعی علامه طباطبائی
- عبادی، شیرین و محمد ضمیران. (۱۳۷۵). سنت و تجدد در حقوق ایران. تهران: گنج دانش
- فرضی، مرجان. (۱۳۸۲). مقایسه شیوه فرزندپروری مادران. تهران: نخستین کنگره آسیب شناسی خانواده در ایران. دانشگاه شهید بهشتی
- فریدمن، جین. (۱۳۸۳). فمینیسم. ترجمه: فیروزه مهاجر. تهران: آشیان
- فریزر، جیمز. (۱۳۸۷). شاخه زرین. ترجمه کاظم فیروزمند. تهران: آگاه
- گرت، استفانی. (۱۳۸۵). جامعه شناسی جنسیت. ترجمه: کتابون بقایی. تهران: دیگر
- لاهیجی، شهلا و مهرانگیز کار. (۱۳۸۴). شناخت هویت زن ایرانی در گسترده ی پیش از تاریخ و تاریخ. تهران: مطالعات زنان و روشنگران
- لیک، گوندلین. (۱۳۸۵). فرهنگ اساطیری شرق باستان. ترجمه رقیه بهزادی. تهران: طهوری
- محمدی ری شهری، محمد. (۱۳۹۳). میزان الحکمه. ترجمه: حمیدرضا شیخی. تهران: سازمان چاپ و نشر دار الحدیث
- مطهری، مرتضی. (۱۳۸۲). نظام حقوق زن در اسلام. تهران: صدرا
- معاونت تحقیقات و برنامه ریزی. (۱۳۸۴). اهداف، محورها و اولویت های تأمین، تولید و پخش برنامه ها. تهران: معاونت سیما
- مک آفی، نوتل. (۱۳۸۵). ژولیت کریستوا. ترجمه: مهرداد پارسا. تهران: مرکز
- یکتاقلب، شهرزاد. (۱۳۸۲). بررسی و تاثیر درمان بر گروه افسردگی و اضطراب زنان نازا. تهران: نخستین کنگره آسیب شناسی خانواده در ایران. دانشگاه شهید بهشتی
- سالنامه آماری مرکز آمار ایران: <https://www.amar.org.ir>



- Afshar, Hale (۱۹۹۸). Islam and Feminism: an Iranian case study, New York: st. martin peress
- Arendell, Teresa (۱۹۹۹). Mothering and Motherhood: A Decade Review, University of California, Berkeley
- Chodorow, Nancy J (۱۹۹۷). The Reproduction of Mothering: Psychoanalysis and the Sociology of Gender, University of California Press
- Friedan, Betty (۱۹۶۳). "The Problem That Has No Name". The Feminine Mystique. W.W. Norton & Company
- Oakley, Ann (۱۹۸۱). From here to maternity: becoming a mother. Harmondsworth: Penguin.
- Parsons, Talcott et al (۱۹۵۶). Family, Socialization and Interaction Process. London: Routledge & Kegan Paul
- Tong, Rozmaris (۱۹۹۷). Feminism Theory and the politics of difference, Belak



گونه شناسی اشتغال براساس جنسیت

زهرا کرمی صادق آبادی؛ کارشناسی ارشد، رشته مطالعات زنان دانشگاه اصفهان

baharlooi1394@chmail.ir

رویا منتظرهدش؛ کارشناسی ارشد، رشته مطالعات زنان و خانواده دانشگاه اصفهان

r.montazer68@yahoo.com

چکیده

نیمی از جمعیت کشور را زنان تشکیل می دهند. زنان به علت داشتن نقش اصلی و محوری در خانه و تفاوت‌های روانی و فیزیولوژیکی با مردان باید مشاغل آنان متناسب با طبیعت زیستی و روانی آنها سازمان دهی شود. روش پژوهش در این مقاله کتابخانه ای، با رویکرد نظام فکری قرآنی است که از یک سو برای زنان وظیفه اقتصادی مقرر نکرده و از سوی دیگر حضور سیاسی، اجتماعی، ارتقاء سطح آگاهی و فکری آنان را لازم دانسته است. اما با تغییرات ایجاد شده در عصر حاضر و عدم تناسب بین ویژگی های زنانه با مشاغل آنان، موجب به خطر افتادن سلامت روحی و جسمانی زنان و ایجاد آسیب های جدی در نهاد خانواده شده است. لذا توجه به تقسیم بندی مشاغل متناسب با جنسیت، جهت حفظ سلامت زنان، مادران و کیان خانواده ضروری است. این مقاله درصدد پاسخگویی به این مسائل است:

- با توجه به آیات قرآن، مشاغل متناسب با نیازها و طبیعت روانی، زیستی و اجتماعی زنان کدامند؟

- پیامدهای بی توجهی به تفاوت‌های جنیستی در اشتغال، بر زنان و خانواده چیست؟

- اهمیت و ارزش فرهنگی حفظ استحکام خانواده به عنوان شغل اصلی زن و مادر چیست؟

کلید واژه ها: زن، اشتغال، مادر، خانواده

مقدمه

در عصر حاضر با گسترش علم، دانش و توسعه ارتباطات، ساختارهای فرهنگی، اقتصادی و اجتماعی در جهان متحول شده است که این یکی از عوامل تغییر در وضعیت زنان در جهان می باشد. به تبع این تحولات در ایران هم وضعیت زنان دگرگون شده به طوری که شاهد ورود بی رویه و نامتناسب زنان در بازار کار بوده ایم به این علت که این قشر نیروی کار ارزان تری بودند و با سیاست های کارخانه داران به کار دعوت شدند. بررسی این تحولات باعث شناخت بیشتر، نسبت به نیمی از جمعیت کنونی ایران و مسائلشان شده است. «اشتغال زنان مسئله ای است که نیمی از نیروی کار را در کشور شامل می شود (سفیری، ۱۳۷۷، ۷)». اشتغال در مفهوم جدید، فعالیت اقتصادی زن در خارج از خانه است، که محصول صنعتی شدن جوامع می باشد.

«بررسی آمار کلی و وضعیت اشتغال زنان در کشور طی سال ۸۸ نشان می دهد که از کل ۲۱ میلیون شاغل کشور در این سال بیش از ۳ میلیون و ۶۰۰ هزار نفر آن زن بودند. آمار اشتغال مردان در این بخش رقمی بیشتر از ۱۷،۳ میلیون نفر بود. در حالی که مردان در سال ۸۷ درصد کل اشتغال کشور را در اختیار داشته اند، زنان توانسته اند ۱۳ درصد کل فرصت های شغلی را در کشور به خود اختصاص دهند که خود این موضوع نشان دهنده توزیع نامتوازن فرصت های اشتغالی بین مردان و زنان است. قابل تأمل ترین آمار از سهم بالای اشتغال زنان در بخش های خدماتی و کارمندی خبر می دهد به طوری که سهم زنان در اشتغال به عنوان نیروی کارمند با رشد ۱۴ درصدی از ۱۵/۵ درصد در سال ۱۳۵۵ به ۲۹/۹ درصد در سال ۸۴ رسیده است. همچنین سهم زنان در زمینه خدمات با رشدی ۱۵ درصدی در حال حاضر چیزی حدود ۴۵٪ را به خود اختصاص داده است (جهان نیوز، ۱۳۸۹، کد ۱۵۴۵۱۹)». «نرخ اشتغال زنان که از ۱۳/۸٪ در سال ۱۳۵۵ به ۱۸/۹٪ رسیده بود. پس از پایان جنگ روندی رو به رشد یافت. درصد کارکنان زن در بخش دولتی نیز به ۳۴ درصد افزایش یافته است. از سال ۷۶ تا ۸۲ حضور زنان در عرصه های مدیریتی ۶۳٪ افزایش یافته است. گسترش سازمان های غیر دولتی زنان که از سال ۱۳۷۶ تا سال ۱۳۸۲ از رشدی هشت برابری برخوردار بود، از نمودهای دیگر فعالیت اجتماعی زنان است (مرکز مدیریت حوزه علمیه، ۱۳۸۳: روی خط اینترنت)». با ورود زنان در عرصه های مختلف از جمله مشاغل گوناگون، زنان دچار تعارض نقش های خانگی و بیرونی شده اند که این موجب پیامدها و آسیب های بیشماری نسبت به زن و به تبع آن خانواده که زن نقش محوری و اصلی را در حفظ آن ایفا می کند، شده است. همانگونه که پارسونز



امی گوید «اشتغال زنان هم شرایط عاطفی زن در خانواده را تضعیف می کند و هم به سبب رقابت شغلی با شوهران، باعث نا به سامانی وضعیت خانواده می شود (یوسفی، ۱۳۸۹، ۶۵)».

اشتغال زنان مورد تأیید اسلام بوده است و بسیاری از آیات قرآنی که از ارزش کار سخن گفته، کار را مختص به مردان ندانسته است. همانگونه که خداوند می فرماید: *أَمَّا السَّفِينَةُ فَكَانَتْ لِمَسَاكِينَ يَعْمَلُونَ فِي الْبَحْرِ (كهف/ ۷۹)* اما آن کشتی مال گروهی از مستمندان بود که با آن در دریا کار می کردند. لذا اشتغال زنان اگر با سیاست های متناسب با بافت روحی و جسمی آنان نباشد آسیب های غیر قابل انکاری به جامعه و خانواده وارد خواهد کرد. بنابراین شناخت ویژگی ها و شرایط مشاغل متناسب با زنان ضرورتی تام می یابد و در این میان با توجه به آیات، مشاغلی که متناسب با ویژگی های روحی و جسمی زنان است باید در نظر گرفته شود بنابراین هدف این پژوهش پاسخگویی به این سوالات است:

- مشاغل متناسب با نیازها و طبیعت روانی، زیستی و اجتماعی زنان با توجه آیات قرآن چیست؟
- بی توجهی به تفاوت های جنیستی در اشتغال موجب چه آسیب هایی بر زنان و خانواده شده است؟
- اهمیت و ارزش فرهنگی حفظ استحکام خانواده به عنوان شغل اصلی زن چیست؟
- چنانکه نگه داری و حفظ سلامتی، مهم ترین وظیفه و شغل هر انسانی است لذا توجه به تقسیم بندی مشاغل متناسب با جنسیت، جهت حفظ این نعمت الهی لازم می باشد.

چارچوب نظری

ویلهلم هنریش ریل: بنیانگذار جامعه شناسی خانواده است "زیر بنای جامعه خانواده است که برای حفظ جامعه نیاز به حفظ خانواده است که برای بقای خانواده، تقسیم کار و تفکیک نقش ها ضرورتی بی دلیل دارد و تقسیم نقش ها نظام سلسله مراتبی را می آفریند. از نگاه وی، باید اعضای خانواده نظام سلسله مراتبی را بپذیرد و پیروی از رهبری در خانواده را باید حمایت کرد نظریه وی اصالت حق طبیعی شهرت یافته و نظام سلسله مراتبی با طبیعت زنانه و مردانه هماهنگ است طبیعت مرد به مدیریت و طبیعت زن به مدیریت پذیری متمایل است (هایدی روزنه باوم، ۱۳۶۷، ۳۶).

نظریه های فمینیستی درباره کار استدلال می کنند که روابط اجتماعی کار حوزه های شناختی و عاطفی آن و تقسیمات جنسی اش حول جنسیت شکل گرفته اند. نظریه فمینیستی به یک معرفت شناسی ماتریالیسم فمینیستی حیات بخشیده که برای سیاست معاصر کامل ترین شرحی است که تا این زمان درباره کار ارائه شده است.

مورخان فمینیست کار زنان را پلی میان جامعه و صنعت می دانند. برای نمونه فمینیست هایی که کار زنان در انگلیس و فرانسه را در سال های بین ۱۵۰۰-۱۷۰۰ تحلیل می کنند با این دیدگاه سنتی که صنعتی شدن موجب جدایی خانواده از کار شد در ستیزند و نشان می دهند که خانواده در تولید نقش دارد. جولیت میچل در جایگاه طبقاتی زن (۱۹۷۱) تغییرات تاریخی در کار زنان را تحلیل و استدلال کرد که این تغییرات باید همراه با تاریخ باز تولید مورد بررسی قرار گیرد.

بنابر استدلال نظریه فمینیستی کار زنان را باید در بافت اقتصاد خانواده بررسی کرد. کریستین دلفی در دشمن اصلی مطرح می کند که شیوه تولید خانگی به نفع مردان است و به آنان امکان نظارت بر کار زنان را می دهد.

به نظر شیلد روباتام مردسالاری سرمایه دارانه هم به تولید خانگی در خانواده وابسته است و هم به تولید کالا.

آدرین ریچ بر این نظر است که کار خانگی زنان معمولاً به عنوان کار شناخته نمی شود.

فمینیسم معاصر تیلی آلسندر خاموشی ها اینچنین بیان می دارد که مفاهیم رایج درباره کار، کارهای خانه را غیر قابل روئیت میکند.

به نظر فمینیست های رادیکال فشارها و محدودیت های کاری فقط با انقلابی اساسی در ساختار اقتصاد و جامعه پایان خواهد یافت. برای نمونه آن فرگوسن و نانسی فولبر بر این نظرند که مشارکت و استثمار زنان در کار به دلیل مشقات کار خانگی افزایش یافته است. آنان این بحث را مطرح می کنند که مناسبات اجتماعی کار تغذیه و مراقبت که زنان به عهده دارند باعث فرودستی آنها است ولی چه بسا در گونه ای فرهنگ نوین انقلابی نقطه قوت آنان شود بنابر استدلال نظریه پردازان فمینیست تقسیم جنسی کار باعث می شود که به زنان کار متفاوتی در مقایسه با مردان محول شود. درتی اسمیت چنین بحث می کند که کار زنان قبل از هر چیز در آنچه که او وجه جسمانی می نامد بروز یابد. زیرا جهان عینی و بی واسطه را دگرگون می کند برعکس کار مردان در آنچه اسمیت وجه ذهنی انتزاعی شده می نامد تجسم می یابد که وجه غالب جامعه است. کار زنان عملاً به سلطه مردان در این وجه ذهنی کمک می کند. نانسی هارتسکمدی است که بدن زنان به هنگام بارداری پیامدهای معرفت شناختی دارد زیرا سرشت حس بارداری زنان به طور مستقیم آنان را به سوی وحدت عمیق تر بین کار دستی و ذهنی سوق می دهد. درک این مسئله که کار زنان کار مراقبت و رسیدگی است فمینیسم را قادر می سازد کار "مراقبت و رسیدگی" را دانش



دگرگون ساز جامعه توصیف کند (هام، گمبل ۱۳۸۲، ۴۸۰-۴۸۲) پلاچکمعتقد است زنان خود، آگاهانه مشاغلی را انتخاب می کنند که مسئولیت های خانه داری آن ها را خیلی خدشه دار نکند و در واقع کارهایی را انتخاب می کنند که ترک آن هنگامی که فرزندان شان کوچک هستند آسان و بدون ضرر مالی هنگفت باشد. از دید وی شغل های زنانه، شغل هایی هستند که ارتباط کار و نقش مادری را تسهیل می کنند. این شغل ها دارای منافع غیر نقدی مثلا انعطاف پذیری ساعت کار هستند. (خسروی و همکاران، ۱۳۸۲، ۲۵۰) این سینا در «تدابیر المنازل» به مسأله اشتغال زن نیز پرداخته و گفته است: زن اگر بیکار باشد، از نظر اخلاقی به بیراهه کشیده می شود، احساس پوچی و بیهودگی می کند و خود را با کارهای لغو و بیهوده مشغول می سازد؛ از این رو، مرد باید همسرش را به امور مهمه مشغول سازد (قدیری، ۱۳۹۱، ۵). با ظهور اسلام و گسترش تعلیم آن، بینشی جدید در مقابل دیدگان آنان گشوده شد. مکتب متعالی اسلام با حضور فعالانه زنان در اجتماع، به دور از برخورد ها و روابط مذموم با پذیرش مشاغلی که با روحیات و شأن آنها همگونی دارد، موافق است و از نظر اقتصادی، مالکیتش را تأیید و او را صاحب دست مزد و حقوق خویش می داند. چنانکه در قرآن مجید آمده است: «لِّلرِّجَالِ نَصِيبٌ مِّمَّا اكْتَسَبُوا وَلِلنِّسَاءِ نَصِيبٌ مِّمَّا اكْتَسَبْنَ (نسا/۳۲)». هریک از زنان و مردان از آنچه اکتساب کنند بهره مند می شوند. آری مالکیت زن، چون مرد محترم است و نظر به اینکه یکی از راه های کسب مال، داشتن شغل است، به حمایت اسلام از زنان در انتخاب شغل پی می بریم.

تفاوت های زنان و مردان (تفاوت های جنسیتی از دیدگاه روانشناسی):

یکی از شگفتی های آفرینش تفاوت بین زنان و مردان است همانطور که یافته های روانشناسی ثابت کرده اند زنان و مردان از نظر فیزیولوژیک و روانی تفاوت هایی دارند که بر فعالیت های آنها تأثیرگذار می باشد. بخشی از تفاوت های مردان و زنان را به صورت زیر می توان عنوان نمود: «استخوانهای زنان کم حجم تر و انتهای آن ضعیف تر و قسمتهای آن جهت تولید مثل متفاوت ترین قسمت ها را تشکیل می دهد. کفل زن بزرگتر و برجستگی انحنای کمر در زن بیشتر است و وجود پستانها آنها را با مردان متفاوت تر ساخته است و همچنین اعضای بدن زن معمولاً کوتاهتر از اعضای بدن مرد است (پیره، ۱۳۶۱، ۱۲)». این تفاوت نشان دهنده این است که سیستم بدن زن بیشتر برای نقش مادری (بارداری و شیردهی) توسط خدای متعال تعبیه شده است و دیگر نقش های زنان باید با توجه به این نقش مهم برنامه ریزی شود. قدرت عضلانی از عوامل مهم اختلاف بین دو جنس است که در زنان کمتر از مردان است و از همان ابتدا فعالیت های پسران پرتحرک تر و فعالتر و طولانی تر و با آهنگی سریعتر از بازی دختران است (پیره، ۱۳۶۱، ۱۴)». این امر آمادگی مردان را برای ایفای مشاغل و امور سنگین تر و سخت تر فراهم می کند و مشاغلی که نیازمند کار طولانیست و با سیستم خشک اداری، برای زنان مناسب نیست و برای آنان مشاغل منعطف و دارای تنوع، مناسب تر است. «بعد از اتمام دوران بلوغ زنان از نردان کوتاه قدرتمند می شوند، نسبت به مردان چاق ترند، ضربان قلبشان کمتر و حجم شش هایشان کوچک تر از مردان است، کمتر عضلانی اند، سلول های قرمز خونشان کمتر از مردان است و بدین علت ظرفیت اکسیژن گیریشان کمتر از مردان است (براون ۱۹۹۸ به نقل از خسروی و همکاران، ۱۳۸۲، ۱۳۹)». «زنان در برابر تحریکات رنگ سریعتر از مردان پاسخ می دهند و از لحاظ کلامی قوی ترند و حساسیت سمعی آنان کمی بیشتر است و بهتر می توانند شکل اشیاء را به وسیله لمس کردن تشخیص بدهند (پیره، ۱۳۶۱، ۴۲)». «دختران در آزمون های پیشرفت روحانی و نگارش نمرات بالاتری میگیرند و درصد کمتری را تشکیل می دهند که برای آموزش روحوانی اصلاحی ارجاع داده می شوند. دخترها در نوجوانی نیز در آزمون های توانایی کلامی نمرات اندک بالاتری کسب می کنند و پسرها در نگارش خیلی ضعیف عمل می کنند. در مهارتهای ریاضی دخترها برای حل کردن مسئله های ریاضی بیشتر به دستکاری های عینی وابسته هستند در حالی که پسرها غالباً اعداد را به صورت ذهنی بازنمایی می کنند و پاسخ ها را به سرعت از حافظه بازیابی می کنند. (برک، ۱۳۸۸، ۴۷-۴۸)». «دختران گرایش به قبول نوعی رفتار که از جنبه تحلیلی کمتری برخوردار باشد و به طور کلی در امور زیبایی شناسی (اشکال، رنگ ها و تصاویر) مناسب ترند (پیره، ۱۳۶۱، ۴۵-۴۶)». «در طی سه قرن که شخصیت های ممتاز زنان مورد کاوش قرار گرفته اند تنها ۲۸٪ زنان نامدار، نویسنده بودند و بقیه زنان ملکه، رهبر، سیاست مدار و معشوقه رجال نامدار بودند و ۸۰٪ زنان به مشاغلی چون مددکاری اجتماعی، تکنسین بهداشتی، اپراتور تلفن و منشی اشتغال داشتند (هاید به نقل از رسکین، ۱۳۷۷، ۱۶۴)». «زنان تمایل کمتری به اشتغال در علوم ریاضی و مشاغل فنی و مهندسی دارند. مثلاً در کالج شهر مونترال کانادا زنان شاغل در علوم بهداشتی بیشتر از ۲/۳ مردانند ولی تنها ۱/۳ دانشجویان در علوم محض را دختران تشکیل می دهند (هاید به نقل از رسکین، ۱۴۳)».

تفاوت روحی زنان و مردان

چنان که یک سری تفاوت های فیزیولوژیکی میان زن و مرد وجود دارد، یک سلسله تفاوت های مهم روانی نیز دارند:



چنان که آیات کریمه زیر بدین نکته اشاره دارد: «و اللیل إذا یغشی. والنهار إذا تجلی. و ما خلق الذکر و الأنثی. إن سعیکم لثنی (اللیل ۴-۱)». قسم به شب تار هنگامی که جهان را در پرده سیاه ببوشاند. و قسم به روز هنگامی که عالم را به ظهور خود روشن سازد. و قسم به مخلوقات عالم که خدا همه را جفت نر و ماده بیافرید. و قسم به مخلوقات عالم که خدا همه را جفت نر و ماده بیافرید و قسم به آیات الهی که سعی و کوشش شما مردم بسیار مختلف است. با این حال تا آنجا که به روایات و ویژگیهای شخصیتی مربوط می شود تفاوت آنها همچون تفاوت فیزیولوژیک نیست و ارتباط به بعد زنانگی و مردانگی افراد ندارد. «رفتار کمک کردن جزیی از نقش زنانه و مردانه را تشکیل می دهد که در مردان رفتار کمک کردن قهرمانانه و جوانمردانه است و در چارچوب نقش مردانه قرار می گیرد درحالی که مهرورزی و مراقبت کردن در چارچوب نقش زنانه قرار می گیرد (شیبلی هاید، ۱۳۸۹، ۱۳۶)». «مردان پرخاشگر تر از زنان هستند که این علت را در تفاوت در سطح هورمون های جنسی توستسترون و به جثه بزرگتر و عضلانی تر نسبت می دهند (شیبلی هاید، ۱۲۷-۱۲۶)». مک لایبو جک لینز نشان دادند که زنان و مردان دارای قابلیت های حافظه ای مشابهی هستند اما زنان در یادآوری ابعاد کلامی و اجتماعی محتوای مطالب در مقایسه با مردان عملکرد بهتری دارند (خسروی و همکاران، ۱۳۸۲، ۵۰)». زن و مرد از لحاظ روانی نیز خصوصیات متفاوتی دارند، مثلاً زن سریع تر از مرد تحت تأثیر احساسات خویش قرار می گیرد. همانگونه که خانم کلیو دالسونمی گوید: «خانمها تابع احساسات و آقایان تابع عقل هستند. بسیار دیده شده که خانمها از لحاظ هوش نه فقط با مردان برابری می کنند، بلکه گاهی در این زمینه از آنها برتر هستند. نقطه ضعف خانمها فقط احساسات شدید آنهاست. مردان همیشه عملی تر فکر می کنند، بهتر قضاوت می کنند، سازمان دهنده بهتری هستند، بهتر هدایت می کنند، پس برتری روحی مردان بر زنان چیزی است که طراح آن طبیعت می باشد. (حسینی، ۱۳۸۸، روی خط اینترنت)». شهید مرتضی مطهری می گویند «احساسات زن از مرد جوشانتر و سریع الهیجان تر است، احساسات زن بی ثبات تر از مرد است زن از مرد محتاط تر، مذهبی تر، پر حرف تر و ترسو تر و تشریفاتی تر است. احساسات زن مادرانه، غلاقه زن به خانواده و توجه ناآگاهانه او به اهمیت کانون خانوادگی بیش از مرد است (مطهری، ۱۳۸۹، ۱۶۴)». این تفاوت آشکار در زنان و مردان به صورت عواطف و احساسات شدیدتر زن و تسلط بر عقل و نه اینکه نقصان عقل می باشد بلکه این ویژگی و احساسات متناسب با نقش هایی است که در نظام آفرینش برای آنها تعیین شده است. زن به خاطر نقش مادری و همسری نیازمند احساسات است که با این احساسات به مراقبت افراد می پردازد در حالی که مردان با احساسات کمتر و تسلط عقل بر احساساتشان نقش حمایت و دفاع از خانواده را برعهده می گیرند. در اصل آفرینش تفاوتی بین زن و مرد نیست بلکه از نظر جسمی و روحی تفاوت هایی است که لازمه تقسیم نقش ها و مسئولیت ها می باشد. «از دیدگاه اسلام، تفاوت های زن و مرد «تناسب» است، نه «نقص» و «کمال». قانون خلقت خواسته است با این تفاوت ها تناسب بیشتری میان زن و مرد که قطعاً برای زندگی مشترک ساخته شده اند و مجرد زیستن، انحراف از قانون خلقت است، به وجود آورد (اکبرنیا، ۱۳۹۱، روی خط اینترنت)».

مشاغل متناسب با زنان طبق آموزه های قرآن

تمامی مستندات نشان از تفاوت های جسمانی و روانی زنان و مردان دارد که آنان را برای مشاغل متفاوت آماده می کند. چنانچه خداوند می فرماید: «ولیس الذکر کالانثی (آل عمران ۳۶/آل عمران) پسران مانند دختران نیستند صریحاً اعلام می دارد که زن و مرد با هم متفاوتند و براساس آیه: «لَا یُکَلِّفُ اللَّهُ نَفْسًا إِلَّا وُسْعَهَا (بقره ۲۸۶/بقره) هر کس را به اندازه توانایی ها و ظرفیت هایش تکلیف می دهیم».

در آیه ۳۶ سوره آل عمران چنین برداشت می شود که زنان و مردان با هم متفاوتند و براساس آیه ۲۸۶ سوره بقره خداوند متعال هر کس را براساس توانایی هایش تکلیف می دهد و براساس یافته های روانشناسی که تفاوت های زنان و مردان را اثبات کرده به این نتیجه می رسیم که مشاغل زنان و مردان باید متناسب با تفاوت های روحی، جسمی آنها باشد. « اگر بین زن و مرد تفاوتی وجود داشته باشد از نظر عقل ابزاری وجود دارد، یعنی عقلی که بتوان با آن علوم دانشگاهی و حوزوی را فراهم کند و با آن چرخ دنیا را بچرخاند (جوادی آملی، ۱۳۷۷، ۲۵۵)». طبق آموزه های قرآن همیشه باید اشتغال زنان متناسب با صفات زنانگی آنان و با در نظر گرفتن جایگاه آنان در خانواده صورت گیرد. اشتغال زنان از نگاه اسلام مورد تأیید است چنانچه در آیه ۲۳ سوره مبارکه قصص از اشتغال دختران شعیب (ع) با حفظ حیا و عفاف یاد می کند اما اسلام زنان را به اشتغال تشویق نکرده است بلکه برحسب اولویتها و الزامات گاهی شغل بیرون زنان مستحب و گاهی کراهت و یا حتی بعضی مواقع که به نقش اصلی زن آسیب برساند و مفسد در پی داشته باشد گناه محسوب می شود. ضمناً قرآن طبق آیه ۳۴ سوره مبارکه نساء وظیفه کار اقتصادی را از دوش زنان برداشته و آن را بر عهده مردان سپرده و در قبال آن کار شوهرداری و حفظ خانواده را برعهده او گذاشته است در واقع نوعی تقسیم جنسیتی کار را بیان کرده است و نوع شغل متناسب با دو جنس را تعیین کرده است مثلاً «مردان کار تولیدی و زنان کار خدماتی و فرهنگی را به عهده دارند. قرآن کریم بیان خداوند متعال است و خداوند حکیم حرف بیهوده نمی زند و تقسیم جنسیتی نقش ها ناشی از یک علتی خواهد بود که اکنون زیست شناسان و روانشناسان به آن رسیده اند، علاوه بر این، نوع ارزش وایدوتولوژی که آموزه های قرآنی به ما می دهد اولویت را به اجتماع می دهد در مقابل که ایدوتولوژی اومانستی اولویت را به فرد می دهد.



خانواده اولین و اصلی ترین هسته اجتماع می باشد به طوری که اعضاء در اجتماعی کوچکتر زندگی می کنند و از خود گذشتگی در اجتماع بزرگتر را فرا می گیرند و تقسیم جنسیتی مشاغل اگر می خواهد بر اساس نگاه قرآن باشد باید به اصل مهم توجه نماید و در همه تصمیم گیری در مورد آموزش و مشاغل زنان به آن توجه نمود.

شرایط مشاغل متناسب با زنان (مقررات اسلامی)

از دیدگاه اسلام مشاغل زنان باید با توجه به نقش محوری و اصلی زن که همان نقش همسری و مادری وی است تعریف گردد. در اسلام نوع شغل ارزش محسوب نمی شود بلکه اصل کار ارزش محسوب می شود و همچنین شغل هدف نیست بلکه خود ابزاری جهت رسیدن به هدف غایی می باشد در قرآن زنان از ورود به مشاغل ممنوع نشده اند. بلکه ورود زنان به مشاغل، قانونمند شده است. به طوری که شرط ورود زنان برای حضور در اجتماع به قرار ذیل می باشد:

۱- مشاغل زنان کمتر زمینه ساز اختلاط زنان و مردان شود مطابق با آیه (و وَجَدَ مِنْ دُونِهِمْ امْرَأَتَيْنِ تَذُودَانِ قَالَ مَا خَطْبُكُمَا قَالَتَا لَا نَسْقِي حَتَّى يُصَدِرَ الرِّعَاءُ) (قصص/۲۳) که خداوند می فرماید: دختران شعیب هنگام اشتغال به کار چوپانی از همکاران مرد فاصله می گرفتند و حیا و عفت را هنگام کار رعایت می کردند.

۲- مشاغل زنان نباید موجب آسیب رسانی به شغل اصلی زن در خانواده، همسری و مادری گردد.

۳- مشاغل زنان در راستای رعایت حقوق شوهران و وظایف زناشویی آنان باشد. مطابق با آیه (فَالصَّالِحَاتُ قَانِتَاتٌ حَافِظَاتٌ لِّلْغَيْبِ بِمَا حَفِظَ اللَّهُ) (نساء/۳۴) که خداوند می فرماید: پس زنان شایسته و درست کار با رعایت قوانین حق، فرمانبردار و مطیع شوهرانند و در برابر حقوقی که خداوند به نفع آنان بر عهده شوهران قرار داده است. در غیاب شوهر (حقوق و اموال و اسرار او را) حفظ می کنند.

۴- مشاغل زنان در شان و منزلت آنان باشد و کرامت آنان را خدشه دار نسازد. مطابق با آیه (إِنَّ الَّذِينَ جَاءُوا بِالْإِفْكِ عُصْبَةٌ مِنْكُمْ لَا تَحْسَبُوهُ شَرًّا لَكُمْ بَلْ هُوَ خَيْرٌ لَكُمْ لِكُلِّ امْرِئٍ مِنْهُمْ مَا اكْتَسَبَ مِنَ الْإِثْمِ وَالَّذِي تَوَلَّى كِبْرَهُ مِنْهُمْ لَهُ عَذَابٌ عَظِيمٌ) (نور/۱۱) خداوند متعال در این آیه افرادی را که به یک زن پاکدامن تهمت زده بودند به عذابی بزرگ انذار می دهد در اینجا این برداشت را می کنیم که مقام و کرامت زن در پیشگاه خداوند بسیار بالاست که کسی حق ندارد آن را خدشه دار سازد.

۵- مشاغل زنان متناسب با روحیات و توانایی های جسمانی وی باشد. مطابق با آیه «لِلرِّجَالِ عَلَيْهِنَّ دَرَجَةٌ» و «الرِّجَالُ قَوَّامُونَ عَلَى النِّسَاءِ» (نساء/۳۴) چنین برداشت می شود که شغل زنان با مردان متفاوت می باشد که در اینجا به نقش اقتصادی مرد توجه شده و نقش اصلی زن در خانواده (فرهنگی) اشاره شده است.

۶- مشاغل زنان بیشتر در جهت رفع نیازهای ضروری خانواده باشد

۷- کار زنان از انعطاف برخوردار باشد به طوری که امکان هماهنگ کردن آن با دیگر نقش های زن در خانه وجود داشته باشد.

۸- در ساختار مدیریتی و تفکیک جنسیتی تعیین شده برای خانواده، اختلال ایجاد نکند.



آثار اشتغال زن

بحث اشتغال زنان از اهمیت ویژه ای برخوردار است. زنان شاغل با قبول دو مسئولیت خانه داری و اشتغال بیرون از منزل می کوشند با استفاده از توانایی و امکانات موجود، وظیفه خود را به خوبی انجام دهند ولی این پدیده بر فرد، جامعه، خانواده و فرزندان اثرات متفاوتی دارد توجه به این پیامدها برای برنامه ریزی بهتر و ارائه راهکار برای کاستن پیامدهای منفی ضروری است. که به شرح آن می پردازیم:

آثار مثبت:

کمک به اقتصاد خانواده، کمک به اقتصاد ملی، استقلال مالی زن، افزایش سطح عزت نفس زنان، افزایش بینش اجتماعی و روحیه اعتماد به نفس و استقلال فکری و روحی زنان، ارتقای پایگاه حقوقی و حفظ منزلت زن و توسعه ی نیروی انسانی و... (پور اصغر، ۲۰۲۰: ۱۳۹۰). «تسهیل در امر ازدواج، تحصیل پشتوانه مالی برای ایام پیری، ارتقای سطح فرهنگی خانواده و بهبود وضع فرزندان، خارج شدن از رکود و یکنواختی در زندگی و رهایی از احساس تنهایی

آثار منفی:

«حضور کمتر زن در خانه و دگرگون شدن روابط خانواده، حضور کمتر مادر در خانه و عدم تامین شرایط عاطفی و آرامش فرزند، غفلت از سرنوشت و زندگی خود (ساروخانی، ۱۳۷۵، ۱۷۰-۱۷۲)»، «کم شدن میل به فرزند داشتن، تغییر در ویژگی های زنانه، تغییر در شیوه مدیریت (پور اصغر، ۲۰۲۰: ۱۳۹۰)»

اهمیت و ارزش فرهنگی حفظ استحکام خانواده بعنوان شغل اصلی زن:

استحکام خانواده موجب استحکام جوامع می گردد به این طریق که زنان با حفظ و ایجاد پیوند بین اعضای خانواده بعنوان اجتماع کوچک باعث شکل گیری وحدت رویه ها و باورها و ارزشهای مشترک در خانواده می شوند که این ارزش سازی می تواند آحاد جامعه را با خود همسو سازد. ایجاد دلبستگی و وابستگی بین اعضای جامعه باعث از بین رفتن روح خود محوری و اومانیستی می گردد و افراد خانواده را برای زندگی در اجتماع بزرگتری آماده می سازد. زنان می توانند با ابزار عاطفه خود با حفظ کانون خانواده از طریق انجام آگاهانه مسئولیتها و وظایف خود و جلوگیری از هر امری که موجب تزلزل آن می شود شخصیت دیگران را با ارزشها و باورهای خود شکل بدهند. زنان فهمیده قبل از کمرنگ نمودن حضور خود در موارد ضروری، از قبل، شروع به بستر سازی مناسب جهت مستحکم ماندن خانواده می کنند به این طریق که اعضای خانواده در غیاب زن خانواده همچنان با باورهای وجودی او عمل می کنند. برای پیشبرد اهداف جوامع انسانی و برطرف نمودن تمام نیازهای آن باید بین آحاد جامعه، روح تعاون و دوستی وجود داشته باشد و این میسر نمی شود مگر اینکه افراد جامعه در یک اجتماع کوچکتری بنام خانواده این نوع دوستی و رشد عاطفی را ایجاد و تمرین کنند. «مهمترین تجلی روح عاطفی بین اعضای خانواده که بر مهر و وفا و پیوند پی ریزی شده به عهده زن است زیرا همان زن است که مبدأ پیدایش نسل بشر است که هر کدام به دیگری وابسته اند (جوادی آملی، ۱۳۷۷: ۳۹)». زن صله رحم را که بسیار مقدس است و در نزد خداوند حرمت بسیار دارد را بوجود می آورد که کسی حق قطع آنرا ندارد این همان صله رحم است که موجب استحکام خانواده می شود و همچنین لزوم حفظ آن و حساسیت آن از سوی زن است که آموزش داده می شود. خداوند در آیه ۲۷ سوره مبارکه بقره می فرماید: (الذین ینقضون عهد الله من بعد میثاقه و یقطعون ما أمر الله به ان یوصل و یفسدون فی الأرض أولئک هم الخسرون) کسانی که عهد خدا را پس از محکم بستن می شکنند و رشته ای که امر به پیوند آن کرده می گسلند و در زمین و میان اهل آن فساد ایجاد می کنند، به حقیقت آنان زیانکارند. «قانون صله رحم اصل مهمی است که جامعه کوچک را درست تربیت کرده و زمینه شکوفا سازی جوامع بزرگتر را فراهم می نمایند، در حقیقت مقام والای زن است که پایه گذار قانون ارحام و صله رحم و محرمیت و... است در نتیجه مهره اصلی خانواده و رحامت، زن است (جوادی آملی، ۱۳۷۷، ۴۰)». زن با رأفت و رحامت مرد اجنبی را رحم می کند و موجب پیوند خانواده ها به هم می شود و همچنین از طریق رضاع افراد بیگانه را رحم می کند پس زن با رحم و اصل رأفت و محبت موجب استحکام خانواده می شود که این موجب همبستگی و پیوند و وحدت بین آحاد جامعه می شود. همچنین «با بررسی مجموعه توصیه های دینی مربوط به این موضوع نتیجه می گیریم که از نظر تأمین آرامش زناشویی بین زن و مرد تفاوت در درجه وجود دارد یعنی گرچه زن و مرد متقابلاً مایه آرامش و سکون یکدیگرند، ولی زن بطور طبیعی از نقش مؤثرتری در این زمینه برخوردار است (بستان، ۱۳۹۰، ۳۵)». بطوری که زن با استفاده از ابزارهای خدادادی که در اختیار دارد مثل (خوشرویی، عاطفه، ظرافت و...) می تواند نیازهای روحی اعضای خانواده بخصوص شوهران را تأمین کند و آنان را مقید و پای بند خانواده سازد و آرامش روحی آنان را تأمین کند که با این کار آنان احساس ارزشمندی و عزت نفس بیشتری خواهند کرد که این امر تضمین کننده سلامت روانی و جسمانی آنان که این موجب کارآمدی اقشار مختلف جامعه خواهد بود.

نتیجه گیری:



با بررسی اجمالی این پژوهش که با رویکرد قرآنی صورت گرفت به یافته های زیر دست یافتیم :

۱- زنان و مردان با توجه به آیات قران و یافته های روانشناسی از نظر جسمی و روان تفاوت هایی دارند که این موجب تمایز در کارکردها و نقش های آنان می شود که مردان جسم و روانی سخت تر و زنان جسم و روانی لطیف تر دارند که این موجب لزوم برنامه ریزی برای فراهم سازی مشاغل متناسب با روحیات زنانه برای این قشر حساس می باشد.

۲- مشاغل زنان باید دارای ویژگی های زیر باشد:

۱- مشاغل زنان کمتر زمینه ساز اختلاط زنان و مردان شود .

۲- مشاغل زنان نباید موجب آسیب رسانی به شغل اصلی زن در خانواده، همسری و مادری گردد.

۳- مشاغل زنان در راستای رعایت حقوق شوهران و وظایف زناشویی آنان باشد .

۴- مشاغل زنان در شأن و منزلت آنان باشد و کرامت آنان را خدشه دار نسازد .

۵- مشاغل زنان متناسب با روحیات و توانایی های جسمانی وی باشد.

۶- مشاغل زنان بیشتر در جهت رفع نیازهای ضروری خانواده باشد

۷- کار زنان از انعطاف برخوردار باشد به طوری که امکان هماهنگ کردن آن با دیگر نقش های زن در خانه وجود داشته باشد .

۸- ساختار مدیریتی و تفکیک جنسیتی در منزل را به نریزد.

۳- اگر اشتغال زنان متناسب با ویژگی های روانی و جسمانی آنان نباشد آسیب هایی بر زن وارد می شود که مهمترین آن بر خانواده است که این آسیب ها شامل موارد زیر می باشد. حضور کمتر زن در خانه و دگرگون شدن روابط خانواده، حضور کمتر مادر در خانه و عدم تامین خلاء عاطفی و آرامش فرزند، غفلت از سرنوشت و زندگی خود، کم شدن میل به فرزند داشتن، تغییر در ویژگی های زنانه، تغییر در شیوه مدیریت

در آخر ما به این نتیجه دست یافتیم که مشاغل زنان که با روحیات آنان سازگار نیست موجب آسیب هایی به فرد می شود که برای رفع این آسیب ها باید مشاغل متناسب با تفاوت های روانی و جسمانی آنان برنامه ریزی کرد تا زنان به نحو احسن از عهده نقش اصلی خود که همان حفظ و استحکام خانواده است ، برآیند.



۲- آذربایجانی، مسعود (۱۳۸۸). عدالت جنسیتی و اشتغال زنان. مطالعات راهبردی زنان (کتاب زنان). سال دوازدهم، شماره ۴۶

۳- برک، لورا (۱۳۸۸). روان شناسی رشد از نوجوانی تا پایان زندگی. جلد دوم، ترجمه یحیی سید محمدی (چاپ سیزدهم) تهران: انتشارات ارسباران

۴- بستان، حسین (۱۳۸۸). آسیب شناسی خانواده مجموعه مقالات. تهران: دفتر مطالعات و تحقیقات زنان

۵- پور اصغر، مرضیه (۱۳۹۰). زنان، اشتغال و ارزش های اخلاقی. کتاب اندیشه های راهبردی، زن و خانواده، جلد اول

۶- پیروز، دوژ (۱۳۶۱). روانشناسی اختلافی زن و مرد. ترجمه دکتر محمد حسین سروری، تهران: نشر همگام.

۷- جوادی آملی، عبدل. (۱۳۷۷). زن در آئینه جلال و جمال. قم: انتشارات اسراء.

۸- حسینی، ابراهیم (۱۳۸۸). منزلت زن در اندیشه اسلامی و فمینیسم با تحلیل اسناد بین المللی. به نقل از

<http://prof.iki.ac.ir/ebrahimhoseini/>

۹- خسروی، همکاران، زهره (۱۳۸۲). مبانی روانشناختی جنسیت. (چاپ اول) تهران: وزارت علوم، تحقیقات و فناوری، دفتر برنامه ریزی اجتماعی و مطالعات فرهنگی.

۱۰- دفتر مطالعات و تحقیقات زنان، بازنگری هویت زنانه، مرکز مدیریت حوزه علمیه خواران، قم: کد شناسه: ۱۵۱۶۷ به نقل از

<http://whc.ir/articles/Articles/view/>

سایت

۱۱- زیبایی نژاد، محمد رضا (۱۳۸۸). اشتغال زنان (مجموعه مقالات و گفتگو ها). تهران: دفتر مطالعات و تحقیقات زنان.

۱۲- ساروخانی، باقر (۱۳۷۵). مقدمه ای بر جامعه شناسی خانواده. (چاپ دوم). تهران: انتشارات سروش.

۱۳- سفیری، خدیجه (۱۳۷۷). جامعه شناسی اشتغال زنان. تهران: انتشارات تبیان.

۱۴- علی محمدی، کاظم (۱۳۹۰). آسیب شناسی اشتغال زنان. به نقل از کتاب مجموعه مقالات همایش خانواده و جنسیت: قم: موسسه امام خمینی

<http://www.tahzib-howzeh.com>

۱۵- عمید، حسن (۱۳۷۲). فرهنگ فارسی عمید. جلد اول، تهران: انتشارات امیر کبیر.

۱۶- قدیر، محسن (۱۳۸۵). اشتغال زنان از منظر اسلام و غرب. مجموعه مقالات هم اندیشی بررسی مسائل و مشکلات زنان، اولویت ها و رویکردها، به نقل از سایت

zanan-ag.ir/LinkClick.aspx?fileticket...tabid...

۱۷- قدیری، مرتضی (۱۳۹۱). خانواده و ارکان آن از دیدگاه شیخ الرئیس ابن سینا. روزنامه اعتدال، شماره ۲۱۶۰، ص ۵.

۱۸- کوئن، بروس (۱۳۸۷). مبانی جامعه شناسی. ترجمه غلامعباس توسلی، رضا فاضل (چاپ بیستم). تهران: سازمان مطالعه و تدوین کتب علوم انسانی دانشگاه ها (سمت)، مرکز

تحقیق و توسعه علوم انسانی

۱۹- گیدنز، آنتونی (۱۳۸۴). جامعه شناسی. ترجمه منوچهر صبوری (چاپ پانزدهم). تهران: نشرنی

۲۰- مطهری، مرتضی (۱۳۸۹). نظام حقوق زن در اسلام. (چاپ پنجاه و سوم). تهران: انتشارات صدرا

۲۱- مهر (۱۳۸۹). آماری از زنان شاغل در شهرهای مختلف ایران. روزنامه جهان نیوز، به نقل از سایت

<http://www.jahannews.com/vdccc>

۲۲- نساجی، زهرا (۱۳۸۸). زنان، اشتغال، خانواده. فصلنامه درس هایی از مکتب اسلام، شماره ۶، به نقل از سایت

<http://www.hawzah.net/fa/article/articleview/>

۲۳- هام، گمبل (۱۳۸۲). فرهنگ نظریه های فمینیستی. ترجمه فیروزه مهاجر و همکاران، تهران: نشر توسعه

۲۴- هاید، ژانت (۱۳۷۷). روانشناسی زنان. ترجمه بهزاد رحمتی، تهران: نشر لادن.

۲۵- هاید، شیبلی (۱۳۸۹). روانشناسی زنان. ترجمه اکرم خمسه (چاپ سوم). تهران: انتشارات ارجمند.



مهارت‌های ارتباط صمیمانه راهبرد موثر بر اضطراب بارداری مادران

منصوره حاج حسینی؛ استادیار گروه روان‌شناسی تربیتی و مشاوره دانشگاه تهران

hajhosseini@ut.ac.ir

سعیده ثانی نژاد؛ کارشناس ارشد مشاوره خانواده

چکیده

زمینه و هدف: دوران بارداری به لحاظ انواع گوناگون چالش‌های مربوط به سلامت مادر و جنین، زمینه ساز نگرانی‌ها و دلواپسی‌هایی است که می‌تواند به اضطراب در زنان باردار منجر شود درحالی‌که تجارب پژوهشی مربوط به این دوران اغلب مبتنی بر برنامه‌های مراقبتی و درمانی بوده، و از نقش آموزش و مشاوره روانشناختی خانواده در این دوران غفلت گردیده است. لذا پژوهش حاضر با هدف ارائه برنامه آموزشی مراقبتی همراه با مداخله فعال مشاوران خانواده به شناسایی اثر برنامه مراقبتی مبتنی بر مهارت‌های ارتباط صمیمانه بر اضطراب مادران هنگام بارداری، پرداخته است. روش پژوهش: این پژوهش به روش آزمایشی و بر پایه طرح نیمه آزمایشی پیش‌آزمون - پس‌آزمون با گروه گواه انجام پذیرفت. جامعه آماری این پژوهش را تمامی مادران باردار شهر تهران تشکیل می‌دادند که از میان آنها با استفاده از روش نمونه‌گیری در دسترس و هدفمند ۳۰ نفر از مراجعان داوطلب دارای ملاکهای ورود که در تابستان سال ۱۳۹۴ به درمانگاه دکتر میری مراجعه کرده بودند، انتخاب شده و در دو گروه آزمایشی و گواه بصورت تصادفی جایگزین شدند. ابزار گردآوری اطلاعات پرسشنامه اضطراب حالت-صفت اسپیلبرگر بود. به منظور اجرای پژوهش مطابق با طرح پژوهش ابتدا هر دو گروه (آزمایشی و گواه) در پیش‌آزمون اضطراب و رضایت زناشویی سنجیده شدند، سپس گروه آزمایشی طی ۸ جلسه تحت آموزش برنامه مراقبتی مبتنی بر مهارت‌های ارتباط صمیمانه قرار گرفتند و گروه گواه هیچگونه مداخله‌ای دریافت نکردند. بلافاصله بعد از اتمام مداخله آزمایشی برای گروه آزمایش، پس‌آزمون اضطراب و رضایت زناشویی برای هر دو گروه اجرا شد. تحلیل داده‌ها در دو سطح توصیفی و استنباطی و طریق تحلیل واریانس چند متغیره صورت گرفت. یافته‌ها کاهش معنادار اضطراب زنان گروه آزمایش نسبت به گروه گواه را نشان داده و نتایج حاکی از اثربخشی برنامه مراقبتی مبتنی بر آموزش مهارت‌های ارتباط صمیمانه در کاهش اضطراب دوران بارداری در مادران بود.

کلیدواژگان: مهارت‌های ارتباط صمیمانه، اضطراب بارداری، مادران

مقدمه

دوران بارداری دوره‌ای مهم و در عین حال لذت بخش در زندگی هر مادر است. این دوره با وجود تجارب خاص و تکالیف پیچیده منجر به شرایط متفاوتی در زندگی خانوادگی گردیده و از این روی چه به لحاظ فردی، برای شخص مادر و چه به لحاظ ارتباطی برای زوجین، دوره مهمی به شمار می‌رود [۲۱]. این دوران همچنین می‌تواند به یک وضعیت بحرانی تبدیل گردد. چرا که بارداری علاوه بر تغییرات فیزیولوژیکی با مسائل روان‌شناختی نیز همراه بوده و وضعیت بهداشت روانی و فیزیکی مادر می‌تواند بر بهزیستی روانی مادر و خانواده او موثر باشد [۲۵].

زمانی که زنی باردار است، علاوه بر انواع گوناگون چالش‌های مربوط به سلامت خود و جنین، با پرسش‌های متفاوتی درباره توانایی و قابلیت خود برای مقابله با آنها مواجه می‌گردد و این زمینه ساز نگرانی‌ها و دلواپسی‌هایی است که می‌تواند به اضطراب منجر شده و روابط خانوادگی را نیز متأثر از خود سازد، آنطور که یافته‌های پژوهشی نیز نشان دهنده افزایش میزان اضطراب و نگرانی در دوره بارداری است. در سه ماهه اول و سوم بارداری، میزان اضطراب و نگرانی افزایش می‌یابد [۲۲]. در تحقیقات میزان شیوع نقطه‌ای اختلالات روانی زنان باردار سوئد را ۱۴ درصد گزارش کرده‌اند که از این میزان ۶/۶ درصد مربوط به اختلال اضطرابی بوده است [۲۷] و این میزان را درباره زنان باردار ایرانی ۱۵ درصد گزارش نموده‌اند [۱۵]. این درحالی است که وجود اضطراب در دوران بارداری می‌تواند پیامدهای ناخوشایندی داشته باشد. اضطراب طولانی مدت، با تحریک سیستم عصبی خودمختار، عضلات صاف شریان‌ها را منقبض نموده، جریان خون رحمی-جفتی و اکسیژن‌رسانی به رحم را کاهش داده و منجر به ضربان قلب غیرطبیعی در جنین می‌گردد و احتمال زایمان زودرس را افزایش می‌دهد [۴]. هورمون‌هایی که در پاسخ به اضطراب ترشح می‌شوند، می‌توانند باعث اختلال در پیشرفت میزان اتساع دهانه رحم گردیده و همچنین بر عضلات صاف رحم



اثر کرده و باعث کاهش قدرت انقباضی رحم و کارایی آن در روند زایمان شوند، به طوری که در نهایت، باعث طولانی شدن زایمان، افزایش درد و ایجاد اضطراب بیشتر می‌گردند [۱۲]. رویدادهای اضطراب‌زا در دوران بارداری نه تنها سلامت روانی کودکان را در دوره کودکی‌شان تحت تأثیر قرار می‌دهد، بلکه با مشکلات سلامت روان در بزرگسالی همراه است [۲۹]. بر این اساس اضطراب بارداری از جمله مسائل مهمی است که راهبردهای درمانی، مراقبتی و آموزشی را به خود جلب نموده است. آرک [۲] در مقایسه اولویت و اعتبار درمان شناختی رفتاری و دارو درمانی بر اضطراب زنان باردار و غیرباردار، در حالیکه روان درمانی را ترجیح زنان غیر باردار ذکر کرده و معتقد است زنان باردار بیشتر تمایل دارند با یادگیری راهبردهای شناختی رفتاری اضطراب خود را کنترل کنند. دل آرام و سلطانپور [۵] اثربخشی مشاوره روانشناختی را در کاهش میزان اضطراب زنان باردار در سه ماهه سوم بارداری نشان داده و بر تأثیر آن برای آمادگی روانی بیشتر برای زایمان تأکید دارند. مطالعه حسینی‌نسب، تقوی و احمدیان [۱۴] نیز نشان از تأثیر آموزش‌های مراقبتی دوران بارداری بر کاهش میزان اضطراب، درد و مدت دردهای زایمانی دارند.

با این حال دوران بارداری علی‌رغم تجارب پژوهشی گوناگون مبتنی بر برنامه‌های مراقبتی بهداشتی و درمانی به لحاظ مسائل خانوادگی کمتر مورد توجه واقع شده و تجارب پژوهشی روان شناختی در این حوزه نیز بر راهبردهای روان درمانی جهت کاهش اختلالات روان شناختی مادر تمرکز دارند، و اغلب از نقش آموزش و مشاوره خانواده در بهبود عواطف مادران در این دوران غفلت گردیده است. یکی از این برنامه‌های قابل توجه در بهبود صمیمیت و رضایت زوجین و همچنین بهبود الگوهای ارتباطی خانواده، برنامه کاربردی عملی مهارت‌های ارتباط صمیمانه است، این برنامه که توسط لوری گوردون ساخته شده است، برنامه‌ای آموزشی مبتنی بر رویکردهای شناختی، هیجانی و رفتاری است و به اصلاح برداشت‌های ذهنی، باورها، تفکرات، انتظارات و اعتقادات فرد که در رابطه میان زوجین ایجاد چالش می‌نمایند، می‌پردازد. در این برنامه افراد می‌آموزند به جای تکیه بر باور غلط خود به سوی ساخت انتظارات واقع‌بینانه و منصفانه هدایت شده و از مسئله‌سازی بیهوده در روابط میان خود و همسرشان جلوگیری می‌کنند [۱]. افزون بر آن در این برنامه به آموزش مهارت‌های ارتباطی مطلوب، مانند مهارت گوش کردن و مهارت همدلی، پرداخته شده و شیوه‌های رفتاری کارآمد را ارائه می‌کند و به تبع آن افراد آموزش دیده قادر خواهند بود با کاربرد مهارت‌های گوش دادن فعال، گوش دادن همدلانه، و مهارت‌های ارتباطی مطلوب در بیان انتظارات و نقدهای خود، از ایجاد چالش فی‌مابین جلوگیری کرده و به شیوه مثبت همدلی و همیاری به ارتباط موثر در خانواده اقدام کنند [۱۳]. پژوهش‌ها در زمینه اثربخشی برنامه ارتباط صمیمانه (PAIRS) اثر آن را بر متغیرهای متفاوتی گزارش کرده‌اند. ابراهیمی [۶] اثر این برنامه را بر رضایت‌مندی زناشویی و تعدیل ابعاد دلبستگی زوجین نشان دادند. اسماعیل‌نیا [۷] گزارش می‌کند که این برنامه موجب تعدیل و اصلاح سبک‌های دلبستگی و بهبود هوش هیجانی زوجین می‌گردد. بلن‌برگ و گوردون [۳] اثر PAIRS را در پیوستگی روابط، رضایت، خوشنودی و سازگاری زناشویی تأیید کردند و فالسیگلیا [۸] نیز اثربخشی این برنامه را بر سازگاری زناشویی زوجین نشان دادند. با این حال آنچنانکه ذکر گردید، در تحقیقات گذشته وضعی زنان باردار و آموزش‌های این دوران اغلب بر اساس تغییرات فیزیولوژیکی در طی بارداری، حین زایمان و پس از تولد نوزاد از منظر مراقبتی صورت گرفته است و به ویژه موضوع بهبود مناسبات ارتباطی میان زوجین در دوران بارداری کمتر مورد توجه واقع شده است. از این رو، پژوهش حاضر با بررسی اثر برنامه مراقبتی بارداری مبتنی بر مهارت‌های ارتباط صمیمانه بر اضطراب مادران باردار، به دنبال شناسایی برنامه آموزشی مراقبتی است که با مداخله فعال مشاوران خانواده دوران مهم بارداری را لذت بخش تر و ایمن تر ساخته و به رضایت بیشتر از این دوران و آمادگی مادران منجر گردد.

روش پژوهش

این پژوهش به روش آزمایشی و بر پایه طرح نیمه آزمایشی پیش‌آزمون - پس‌آزمون با گروه کنترل انجام پذیرفت. جامعه آماری این پژوهش را تمامی زنان باردار شهر تهران تشکیل می‌دادند. ملاک‌های ورود به پژوهش شامل (۱) میانگین سنی؛ ۳۰ سال (۲) سطح تحصیل؛ دیپلم تا لیسانس (۳) تجربه بارداری اول بود و با استفاده از روش نمونه‌گیری در دسترس و هدفمند ۳۰ نفر از مراجعان داوطلب دارای ملاک که در سه ماهه دوم سال ۱۳۹۴ به درمانگاه دکتر میری مراجعه کرده بودند، انتخاب شده و در دو گروه آزمایشی و گواه بصورت تصادفی جایگزین شدند. به منظور اجرای پژوهش مطابق با طرح پژوهش ابتدا هر دو گروه (آزمایشی و گواه) در پیش‌آزمون اضطراب و رضایت زناشویی سنجیده شدند، سپس گروه آزمایشی طی ۸ جلسه ۱۲۰ دقیقه‌ای تحت آموزش آمادگی - مراقبت مبتنی بر آموزش مهارت‌های ارتباط صمیمانه قرار گرفتند و گروه گواه، هیچ‌گونه مداخله‌ای دریافت نکردند. بلافاصله بعد از اتمام مداخله آزمایشی برای گروه آزمایش، پس‌آزمون اضطراب و رضایت زناشویی برای هر دو گروه اجرا شد.



ابزار پژوهش

پرسشنامه اضطراب حالت-صفت اسپیلیبرگر (STAI): این پرسشنامه توسط اسپیلیبرگر، گورساج و لوسین [۲۶] تدوین و اعتباریابی شده، شامل ۴۰ ماده بودهو اضطراب رابه دو بعد اضطراب حالت (آشکار) و اضطراب صفت (پنهان) طبقه بندی می‌نماید. رجیستر، ۱۹۹۱، به نقل از گراوند، ۱۳۸۷ ضریب آلفای کرونباخ را برای بعد اضطراب حالت را ۰/۹۲ و برای اضطراب صفت را ۰/۹۰۱ گزارش کرده‌اند. این پرسشنامه در ایران توسط مهرا [۱۷] هنجاریابی شده و همسانی درونی برای دو بعد اضطراب حالت و اضطراب صفت به ترتیب ۰/۹۱ و ۰/۹۰ گزارش گردیده است. یافته‌های پژوهش

- تحلیل داده‌ها در متغیر اضطراب به واسطه آزمون پارامتریک تحلیل واریانس چند متغیره صورت گرفت و نمرات میانگین دو گروه آزمایش و کنترل در ترکیب خطی نمرات میانگین اضطراب(اضطراب حالت و صفت) در مرحله پیش آزمون مقایسه شد .

جدول ۱- تحلیل واریانس برای مقایسه نمرات ترکیب خطی اضطراب در مرحله پیش آزمون (اضطراب حالت و صفت)

اثر	مقدار	F	درجه آزادی فرضیه	درجه آزادی خطا	سطح معنا داری
اثر پیلایی	۰۰۶۵	۰۹۴۳	۲,۰۰۰	۲۷,۰۰۰	۰۰۴۰۲
لامبدای ویلکز	۰۰۹۳۵	۰۹۴۳	۲,۰۰۰	۲۷,۰۰۰	۰۰۴۰۲
اثر هوتلینگ	۰۰۷۰	۰۹۴۳	۲,۰۰۰	۲۷,۰۰۰	۰۰۴۰۲
بزرگترین ریشه روی	۰۰۷۰	۰۹۴۳	۲,۰۰۰	۲۷,۰۰۰	۰۰۴۰۲

با توجه به عدم تفاوت معنی دار ترکیب خطی نمرات اضطراب در مرحله پیش آزمون لزومی به کنترل تفاوت‌های اولیه در مقایسه پس آزمون اضطراب وجود نداشته و از تحلیل واریانس چند متغیره برای مقایسه نمرات ترکیب خطی پس آزمون در ابعاد اضطراب استفاده شد.

جدول ۲- مقایسه نمرات ترکیب خطی اضطراب در مرحله پس آزمون با استفاده از آزمون تحلیل واریانس چند متغیره

اثر	مقدار	F	درجه آزادی فرضیه	درجه آزادی خطا	سطح معنا داری	اندازه اثر
اثر پیلایی	۰۰۴۶۱	۱۱,۵۴۰	۲,۰۰۰	۲۷,۰۰۰	۰۰۰۰	۰۰۴۶۱
لامبدای ویلکز	۰۰۵۴۹	۱۱,۵۴۰	۲,۰۰۰	۲۷,۰۰۰	۰۰۰۰	۰۰۴۶۱
اثر هوتلینگ	۰۰۸۵۵	۱۱,۵۴۰	۲,۰۰۰	۲۷,۰۰۰	۰۰۰۰	۰۰۴۶۱
بزرگترین ریشه روی	۰۰۸۵۵	۱۱,۵۴۰	۲,۰۰۰	۲۷,۰۰۰	۰۰۰۰	۰۰۴۶۱

با توجه به جدول (۲) میان دو گروه کنترل و آزمایش در ترکیب خطی نمرات اضطراب (یعنی اضطراب حالت و صفت) تفاوت معناداری وجود دارد . به عبارتی روشن‌تر، معناداری آزمون $F(۰.۰۱ < p)$ گویای این است که متغیر مستقل بر ترکیب خطی اضطراب تأثیر معناداری داشته و در مرحله پس آزمون برای گروه آزمایش کاهش محسوسی وجود دارد. برای بررسی جزئی‌تر این فرضیه از آزمون های مقایسه ای جدول (۵) استفاده شد.

جدول ۳- آزمون های مقایسه جفتی با تصحیح خطا بن فرنی برای مقایسه دو گروه در ابعاد پس آزمون اضطراب

متغیر وابسته	(I) گروه	(J) گروه	تفاوت میانگین (I-J)	خطای انحراف معیار	سطح معناداری	اندازه اثر
پس آزمون اضطراب حالت	آزمایش	کنترل	-۸,۷۳۳	۲,۰۰۵	۰۰۰۰	۰/۴۰
پس آزمون اضطراب صفت	آزمایش	کنترل	-۷,۱۳۳	۱,۹۴۱	۰۰۰۱	۰/۳۲

مطابق با جدول (۳) میان دو گروه در هر دو بعد اضطراب در مرحله پس آزمون از نظر آماری تفاوت معنادار ($p < ۰.۰۱$) وجود دارد. این نتیجه حاکی از این است که برنامه آمادگی مراقبت مبتنی بر ارتباط صمیمانه بر اضطراب حالت و صفت زنان باردار تأثیر معناداری داشته است و اثر آن در بعد اضطراب حالت بیشتر از دیگری بوده است.

بحث و نتیجه‌گیری



یافته‌های پژوهش در محور اول، نشانگر آن است که مطابق با انتظار پژوهشگر برنامه مراقبتی مبتنی بر ارتباط صمیمانه بر هر دو بعد اضطراب حالت و صفت زنان باردار اثربخش بوده و موجب کاهش آن شده است. هر چند که نمره بعد اضطراب صفت نسبت به اضطراب حالت کمتر تحت تاثیر قرار گرفته است. این نتیجه همسو با یافته‌های پژوهش‌های [۲] و [۱۴] تأییدی است بر ثمربخشی برنامه‌های آموزشی دوران بارداری که با آگاه‌سازی زنان باردار توانسته آمادگی آنها را تقویت نموده و از این طریق منجر به توسعه توانمندی آنها در مهار ترس‌های احتمالی گردیده است. به ویژه آنکه آموزش مهارت‌های ارتباط صمیمانه به دلیل ارائه شیوه‌های مطلوب ارتباطی به زنان باردار در کاربرد شیوه ابراز صحیح هیجانات به آنها کمک نموده و توانسته از طریق یادگیری اجتماعی و الگو برداری رفتارهای مطلوب منجر به تقویت رفتار موثر در مهار اضطراب گردد. آنها در جلسات آموزش گروهی شیوه‌های گفت‌وگوی کلامی و غیرکلامی مؤثر میان زوجین را آموخته و با استفاده از آنها به الگوی ارتباطی کارآمدی دست می‌یابند که منجر به جو عاطفی مثبت‌تری در خانواده گردیده و می‌تواند حمایت و توجه بیشتر همسر را به دنبال داشته باشد. افزون بر آن تجربه آموزشی مهارت‌های ارتباط صمیمانه با آگاه‌سازی مشارکت‌کنندگان نسبت به تفاوت‌های میان زنان و مردان، به آنها در شناسایی تصورات ذهنی غلط خود کمک نموده و با افزایش بینش نسبت به روابط میان زوجین به تشریح اثر تصورات ذهنی غلط و باورهای غیرمنطقی بر شکل‌گیری انتظارات نادرست می‌پردازد و از این طریق با آنها کمک می‌کند تا به ارزیابی انتظارات خود اقدام نموده و برای بازسازی انتظارات درست آماده گردند. دوره آموزشی اخیر همچنین با تأکید بر مهارت‌های ارتباطی چون گوش دادن فعال و موانع آن، شیوه صحیح ابراز هیجانات، آموزش مهارت‌های حل مساله در خانواده می‌تواند به افراد در غلبه بر ضعف خود در روابط بین فردی که خود یکی از منابع مهم اضطراب و استرس قلمداد می‌شود، کمک نماید. لذا می‌توان انتظار داشت افراد پس از این تجربه آموزشی از طریق کاربرد راهبردهای ارتباط صحیح و تمرین و تقویت خود در آنها بر برخی منابع احتمالی اضطراب فائق آیند. به عبارتی دیگر، زنانی که در دوره‌های مهارت‌های ارتباطی شرکت کرده بودند در طول این دوره یاد گرفته‌اند که در برخورد با تنش‌ها و فشارهای مربوط به دوره بارداری واکنش بهتری داشته باشند.



منابع

- ۱) Abbasi M, Madani Y, Lavasi M Gh. (۲۰۱۴). Effectiveness of group training program of “Practical Application of Intimate Relationship Skills” on relationship models of couples to be. *Journal of Family Counseling and Psychotherapy*. ۴ (۲): ۲۳۷- ۲۴۶.
- ۲) Arch JJ. Cognitive behavioral therapy and pharmacotherapy for anxiety: treatment preferences and credibility among pregnant and non-pregnant women. *Behaviour research and therapy*. ۲۰۱۴ Jan ۳۱;۵۲:۵۳-۶۰.
- ۳) Bielenberg, L. T, & Gordon, L. H (۱۹۹۲). *An exploratory study of PAIRS: an integrative group approach to relationship change*. Falls, VA: PAIRS foundation, Inc
- ۴) Condon JT. Altered cognitive functioning in pregnant women: a shift towards primary process thinking. *British Journal of Medical Psychology*. ۱۹۸۷ Dec ۱;۶۰(۴):۳۲۹-۳۴.
- ۵) Delaram M, Soltanpoor F, The effect of counseling in third trimester of pregnancy on women’s anxiety in the first delivery at the beginning of pregnancy. *Zahedan Journal of Research in Medical Science*, (۲۰۱۲); ۱۴ (۲): ۶۱-۶۵.
- ۶) Ebrahimi S. (۲۰۰۸). *The study of effectiveness of Practical Application of Intimate Relationship Skills (PIARS) on the marital satisfaction and balancing the attachment aspects of Shahid daughters*. [MA Thesis]. Ferdousi University.
- ۷) Esmail nia A. (۲۰۱۱). *Effectiveness of marriage enrichment with PAIRS method on attachment styles and emotional intelligence*. [MA Thesis]. Ferdousi University.
- ۸) Falciglia ,A. *Impact of PAIRS Essentials Marriage Education With LowIncome Couples*. *Journal of Marital and Family Therapy*,(۲۰۱۰) . ۲۴, ۱۴۵-۱۵۶
- ۹) Fatimah PR. Improvement on marital satisfaction by using quality approach. *e-BANGI*. ۲۰۱۲ Jan ۱;۷(۱):۱۳۳.
- ۱۰) Fincham FD. Marital conflict correlates, structure, and context. *Current Directions in Psychological Science*. ۲۰۰۳ Feb ۱;۱۲(۱):۲۳-۷.
- ۱۱) Hafezi can cat H, Ghadami SA. (۲۰۱۱). *Comparative study of the effect of group counseling through two approaches of selection and cognitive-behavioral on marital satisfaction of couples in NoorAbad city*. *Counseling Research & Development*. ۳۸ (۱۰): ۵۲-۸۰.
- ۱۲) Hall WA, Hauck YL, Carty EM, Hutton EK, Fenwick J, Stoll K. Childbirth fear, anxiety, fatigue, and sleep deprivation in pregnant women. *Journal of Obstetric, Gynecologic, & Neonatal Nursing*. ۲۰۰۹ Sep ۱;۳۸(۵):۵۶۷-۷۶.
- ۱۳) Hosseinian S, Yazdi SM, Tabatabayi M. The effect of training the relationship skills on marital intimacy of married women. *The Women and Family Cultural-Educational Quarterly*. ۶ (۱۸): ۴۵-۷۰.
- ۱۴) HosseiniNasab SD, Taghavi S, Ahmadian S. The effect of pregnancy training on anxiety, pain and duration of mother’s labor. *Medical Journal of Tabriz University of medical Science*. (۲۰۰۹); ۳۱ (۴): ۲۴-۳۰.
- ۱۵) Janati Y, Khaki N. (۲۰۰۵). *Psychiatric in midwifery*. Tehran :jamenegar pub
- ۱۶) Kohn, J. L., Rholes, W. S., Simpson, J. A., Martin, A. M., Ill, Tran, S., Wilson, C. L., *Changes in marital satisfaction across the transition to parenthood: the role of adult attachment orientations, personality and social psychology bulletin*,(۲۰۱۲). ۳۸(۱۱) ۱۵۰۶-۱۵۲۲.
- ۱۷) Mahram B. (۱۹۹۴). *Normalization of Speilberger test in Mashhad* [MA Thesis]. Alameh Tabatabayi University



- ۱۸) Mangoli M, Ramezani T, Mangoli S. The effect of training the natural pregnancy changes and its compatibility with marital satisfaction of pregnant women. Iranian Journal of Medical Education. (۲۰۰۸); ۸ (۲): ۳۰۵-۳۱۳.
- ۱۹) Matthews A, Haas DM, O'Mathúna DP, Dowswell T, Doyle M. Interventions for nausea and vomiting in early pregnancy. The Cochrane Library. ۲۰۱۴ Jan ۱.
- ۲۰) Mealing, S.F. Marital communication and change during pregnancy: A typological approach; (۱۹۹۱). Rush University.
- ۲۱) Nasreen HE, Kabir ZN, Forsell Y, Edhborg M. Prevalence and associated factors of depressive and anxiety symptoms during pregnancy: a population based study in rural Bangladesh. BMC women's health. ۲۰۱۱ Jun ۲;۱۱(۱):۱.
- ۲۲) Sarbandi M, Mohammad Khani SH, Moradi A. The Effect of childbirth and parenting program training based on mindfulness on pregnant women's anxiety and marital satisfaction. Journal of Behavioral Science, (۲۰۱۴), ۸ (۴): ۱۷-۱۸.
- ۲۳) Shokoohifard, S. Hamid, N. Sodani, M. The Effect of Hardiness Training on Quality of Life of Teachers Training Female Students. Knowledge & Research in Applied Psychology. ۲۰۱۳, ۱۴(۲): ۱۴-۲۵.
- ۲۴) Snowden LR, Schott TL, Awalt SJ, Gillis-Knox J. Marital satisfaction in pregnancy: Stability and change. Journal of Marriage and the Family. ۱۹۸۸ May ۱:۳۲۵-۳۳.
- ۲۵) Soares. R. M, Nunes M.A. Ilica, Schmidt. M, Giacomello .A, Manzolli. P, Camey S, Buss C, Michele D, Melere C, Hoffman J, Ozcariz S, Manenti C.N, Pinheiro A. P, Duncan B.B, Inappropriate Eating Behaviors During Pregnancy: Prevalence and Associated Factors among Pregnant Women Attending Primary Care in Southern Brazil; International Journal of Eating disorders,(۲۰۰۹); ۴۲: ۳۸۷-۳۹۳
- ۲۶) Spielberger CD, Gorsuch RL, Lushene RE. State-trait anxiety inventory. Palo Alto.
- ۲۷) Spong CY. Obstetrical hemorrhage//Cunningham FG, Leveno KJ, Bloom SL, et al. Williams Obstetrics. New York: McGraw--Hill Professional. ۲۰۱۰:۷۵۷-۸۰۳.
- ۲۸) Steffy BD, Ashbaugh D. Dual-career planning, marital satisfaction and job stress among women in dual-career marriages. Journal of Business and Psychology. ۱۹۸۶ Dec ۱;۱(۲):۱۱۴-۲۳.
- ۲۹) Toosi M, Akbarzadeh M, Zare N, Sharif F. Effect of Attachment Training on Anxiety and Attachment Behaviors of first-time mothers. Journal of hayat. ۲۰۱۱ Sep ۱۵;۱۷(۳):۶۹-۷۹.



مادر و تربیت فرزند در اسلام

فاطمه زینلی پور؛ کارشناسی تفسیر قرآن، دانشکده علوم قرآنی زاهدان

shahid۳۲۲۲.f@gamil.com

چکیده

مادر و پدر در مقام مدیرخانه و خانواده نسبت به تربیت فرزندانشان مسوولیت جدی دارند. با تولد هر فرزند عضو جدیدی به کانون خانواده اضافه می‌گردد و در حقیقت دنیای جدیدی، فرا روی خانواده گشوده می‌شود. مرد و زن با فرزند دار شدن، مسوولیت سعادت بخشی یک انسان را پذیرفته اند و ناگفته نماند که عمده این مسوولیت، برعهده مادر است. فرزندان بخصوص در سنین پایین مبانی فکری و شاکله رفتاری را از مادر می‌آموزند. اما در سنین بالاتر به ویژه پسرها در نوع رفتارهای اجتماعی، از پدر الگو می‌پذیرند. فرزندان، بسیاری از آداب تربیتی و رفتارهای اولیه اجتماعی، مثل حسن خلق و رفتار و ... را از مادر می‌آموزند. ناگفته نماند، تربیت دینی روندی روشن و واضح دارد. والدین از آن جا که در تربیت فرزندان مسوولند باید از این روش تربیت دینی و از این مسیر مستقیم تبعیت نمایند. در این صورت هرچه فرزندان در راه الهی گام نهند، والدین هم در اعمال ایشان سهیم خواهند بود. اما اگر زمینه رشد و تعالی دینی را برای فرزندان فراهم کردند و آنها باز هم به سمت گناه و باطل رفتند، والدین مسوول گناه آنها نیستند و به خاطر فرزندان عقاب نخواهند شد، مگر این که پدر و مادر زمینه گناه را برای آنان فراهم کرده باشند که در این صورت هرچه آن فرزند مرتکب گناه شود، والدین نیز بدان عقاب خواهند شد.

کلیدواژه: تربیت- مادر- تبعیت- گناه- والدین

مقدمه

تربیت عبارت است از: «فراهم آوردن زمینه ها و عوامل به فعلیت رساندن یا شکوفا ساختن استعدادهاى شخص در جهت رشد و تکامل اختیاری او به سوی هدف های مطلوب» و دین به «مجموعه عقاید، اخلاق، قوانین و مقرراتی که برای اداره امور جامعه انسانی و پرورش آنها به کار گرفته میشود.» گفته می‌شود. بنابراین می‌توان گفت، تربیت دینی فرایندی است دو سویه، میان مربی و متربی که ضمن آن مربی با بهره گیری از مجموعه عقاید، قوانین و مقررات دینی تلاش میکند تا شرایطی فراهم آورد که متربی آزادانه در جهت رشد و شکوفایی استعدادهاى خود گام برداشته، به سوی هدف های مطلوب رهنمون گردد. هدف از تربیت دینی آن است که مربی چه در مقام معلم و چه در مقام والدین شور و شوق فطری کودک را، نسبت به جلال و جمال الهی پرورش دهد و از رهگذر آن فضایل اخلاقی را به ملکات اخلاقی مبدل سازد. برای تربیت دینی لازم است از زبان دل کمک گرفت و با محبت که زمینه ساز دین است، وارد میدان شد، در دعوت فرزندان به کار خیر، به آنها بفهمانید که من عاشق و دوستدار شما هستم، نمی‌خواهم و نمی‌توانم ضرری رادر مورد شما عزیزانم تصور کنم. در تربیت دینی و اسلامی، پرهیزکاری رأس هر امر، افضل اعمال و مورد محبت خداست. مهم این است که مادر در مسیر تقوای الهی باشد و تربیتش را بر اساس پرهیز از گناه و عبادت خداوند متعال قرار دهد. بنابراین اخلاق و تقوای مادر در تربیت دینی فرزند، بسیار تأثیر گذار می‌باشد. تحقیقات نشان می‌دهد، بسیاری از افرادی که در بزرگسالی نسبت به عبادات و معنویت گرایش کمتری دارند، ذاتاً بی اعتقاد به دین و تکالیف دینی نیستند. بلکه عواملی چون بی توجهی و عدم تقید والدین نسبت به انجام به موقع تکالیف عبادی در فقدان تمایلات معنوی فرزندان، نقش بسزایی دارند. اگر چه پدر و مادر هر کدام به نوبه خود تأثیر خاصی در تربیت صحیح فرزند دارند اما در این میان نقش مادر، پررنگ تر است، چرا که بیش از پدر مرتبط با فرزند می‌باشد. آنچه که باید بیش از پیش مد نظر قرار گیرد، اخلاق و رفتار مادر است، چرا که کودک در رفتار، او را شاهد و نمونه قرار داده و مفاهیم مذهبی و اخلاقی را از او می‌گیرد. در تربیت دینی و اسلامی، پرهیزکاری رأس هر امر، افضل اعمال و مورد محبت خداست. مهم این است که مادر در مسیر تقوای الهی باشد و تربیتش را بر اساس پرهیز از گناه و عبادت خداوند متعال قرار دهد. بنابراین اخلاق و تقوای مادر در تربیت دینی فرزند، بسیار تأثیر گذار می‌باشد. توجه به مسائلی از قبیل دوران بارداری و شیردهی مادر و همچنین تغذیه حلال و مناسب مادر و فرزندش مهم بوده و باید مادران بدانند که آغاز تربیت فرزند، از قبل از به دنیا آمدن بچه، و سپس همان دوران کودکی و طفولیت می‌باشد. بنابراین میزان تأثیر مادر در تربیت صحیح دینی و معنوی فرزند و راهکارهای تربیت معنوی، از قبیل احترام گذاشتن به شخصیت آنان، نحوه آموزش عبادات (نماز، روزه و تلاوت قرآن کریم)، تأکید بر همنشینی با نیکان، حضور کودکان در محافل دینی و مذهبی و نحوه تشویق و تنبیه و پند آنان، مهم می‌باشد.

تعریف



تعریف تعلیم و تربیت: تعلیم، پرورش و استقلال نیروی فکری دادن و زنده کردن قوه ابتکار توسط معلم است و تربیت، پرورش دادن و به فعلیت در آوردن استعداد های درونی که بالقوه در یک شی موجود است. (شهید مطهری، ۱۳۷۸) اگر بتوانیم از مبانی امام رضا علیه السلام در نظام آموزش و پرورش استفاده هر چه کامل تر ببریم طبیعتاً به نتایج بهتری دست پیدا می کنیم زیرا معصومین علیهم السلام سرچشمه علم الهی هستند که برای هدایت بشر آمدند و اگر برخلاف تعالیم آنها عمل شود آسیب هایی را در پی دارد. مراد از روش، طریقه ای است که میان اصل و هدف، امتداد دارد و عملیات تربیتی را منظم می کند و به هدف می رساند. به عبارت دیگر، روش تربیتی نشان می دهد که چگونه می توان از اصول استفاده کرد و به هدف تربیتی رسید. روش، وظایف عملی مربی را مشخص می کند و به مرتبگی کمک می کند تا شیوه کار را فرا گیرد. (شریفی، دوره هفتم شماره اول، ص ۸۷-۱۰۰). در مقام تعریف تعلیم و تربیت اسلامی به منزله رشته ای دانشگاهی می توان چنین گفت: تعلیم و تربیت اسلامی، ناظر به نظامی از اندیشه است که مستقیم یا غیرمستقیم از متون اسلام سرچشمه گرفته و حاوی شناختی نسبت به پدیده ها و روابط موجود در حوزه عملی تعلیم و تربیت، صورت های مطلوب آنها و نحوه ایجاد تغییر در آنهاست. وضوح بخشیدن به این تعریف، مستلزم توضیح برخی مفاهیم اساسی است که در آن به کار رفته است. نخست این که تعلیم و تربیت اسلامی از آن رو «نظامی از اندیشه» در نظر گرفته شده که ناظر به نوعی دانش است؛ دانش نسبت به آنچه در حوزه عملی تعلیم و تربیت می گذرد یا باید بگذرد. دومین و سومین مفهوم، سرچشمه گرفتن «مستقیم و غیرمستقیم» این دانش از «متون دینی اسلام» است. (ابن طاووس، ۱۳۷۴ ش. ص ۱۳۷). مراد از مفهوم اخیر، یعنی متون دینی اسلام، متون رسمی اسلامی است که شامل قرآن و احادیث است. قابل ذکر است که سیره عملی پیشوایان و بزرگان دین نیز به طور عموم در ضمن احادیث و اخبار آمده است. اما مقصود از «مستقیم و غیرمستقیم» چیست؟ این مفهوم به دو معنا قابل تصور است. در معنای نخست، «مستقیم» حاکی از آن است که مطالبی از قرآن و حدیث استخراج یا استنباط گردد و «غیرمستقیم» ناظر به مطالبی است که در فرهنگ اسلامی و در آثار دانشمندان مسلمان موجود است و از این جهت غیر مستقیم نامیده می شود که کم یا بیش ملهم از متون رسمی اسلام بوده است. (طبرسی، ۱۳۷۱ ش. ص ۴۱۵). معنای دوم واژه «مستقیم» بر پیش فرضی دین شناختی استوار است و حاکی از این است که متون دینی اسلام، حاوی پاسخ به همه سؤالات است. این نوع دین شناسی جامع نگر، خود، با درجات مختلفی از قوت بیان می شود. بر این اساس می توان از دو شکل قوی و ضعیف در این نوع دین شناسی سخن گفت. در شکل قوی، دین شناسی جامع نگر حاکی از آن است که پاسخ همه سؤال های کلی و جزئی مربوط به عرصه های مختلف و از جمله تعلیم و تربیت در متون دینی موجود است و اگر برخی جزئیات امور در متون اسلامی ذکر نشده باشد «اصولی» در آنها آمده است که می توان با «تفریح» آنها احکام موارد جزئی مذکور را به دست آورد. (باقری، تربیت اسلامی (مجموعه مقالات)، کتاب اول، ۱۳۷۹). «تفریح» به معنای جزئی کردن اصول یا قواعد کلی است به طوری که موارد جزئی را در برگیرد. به صورت تکس نیز می توان گفت که این کار عبارت است از گنجاندن موارد جزئی تحت پوشش یک یا چند اصل. سرانجام در شکل ضعیف دین شناسی جامع نگر، نظر بر آن است که یک «منطقه فراغ» وجود دارد که در آن فقیه می تواند حکم برخی از امور را معین کند. (رفیعی، بهروز، کتابشناسی توصیفی و موضوعی تعلیم و تربیت در اسلام، تهران: مرکز مطالعات فرهنگی بین المللی، ۱۳۷۸ ص ۶۷). منطقه فراغ مربوط به امور مباح است. به عبارت دیگر رفتارها و مواردی که در این منطقه قرار دارند مورد حکم شرع هستند؛ زیرا مباح دانسته شده اند؛ اما در عین حال، فقیه می تواند با اذن و اجازه ای که از نزد خداوند دارد، با نظر به مصالح جامعه، این امور مباح را در صورت لزوم، واجب یا حرام گرداند. با توجه به این نکته، منطقه فراغ هم مورد حکم شرع است و هم مورد حکم فقیه. واژه «غیرمستقیم» بر پیش فرض دین شناختی متفاوتی استوار است، حاکی از اینکه متون دینی اسلامی عهده دار پاسخ به همه مسائل نیست بلکه به نحوی گزینشی به مسائل مربوط به عرصه های مختلف پرداخته است. (اشرف؛ ۱۳۷۹، ص ۹۸) به عبارت دیگر، در برخی عرصه ها، مسائل کلی و جزئی مورد توجه و پاسخگویی قرار گرفته، اما در برخی عرصه ها تنها به مسائل کلی و بنیادی توجه شده است و در پاره ای از عرصه ها نیز تنها به اشاراتی اکتفا شده و چه بسا عرصه هایی نیز به طور کامل مسکوت گذاشته شده باشد. با نظر به این مبنا، معنای «غیرمستقیم» این خواهد بود که دانش تعلیم و تربیت اسلامی، حاصل بسط و گسترش مباحث کلی یا اجمالی است که در متون دینی آمده است. یکی از انواع این بسط و گسترش می تواند گشودن باب تحقیق های تجربی در عرصه تعلیم و تربیت بر اساس آموزه های کلی و بنیادی اسلام در باب انسان باشد. (جوادی، ۱۳۷۲، ص ۴۵۶) مفهوم چهارم، پدیده ها و روابط موجود در حوزه عملی تعلیم و تربیت است. این مفهوم شامل مجموعه پدیده ها و روابط میان آنها در قلمرو عملی تعلیم و تربیت است. به طور مثال، معلم و شاگرد دو پدیده در این قلمرو هستند و تدریس یکی از روابط میان آنها در این قلمرو است. پیداست که صورت های اختلال یافته این امور نیز به طور ضمنی در این مفهوم مورد توجه قرار گرفته است. مفهوم پنجم، «صورت های مطلوب» پدیده ها و روابط مذکور است. این مفهوم ناظر به اهداف و هنجارهایی است که پدیده ها و روابط مذکور باید به سوی آنها و به صورت آنها در آید. مفهوم آخر «نحوه ایجاد تغییر» در این پدیده ها و روابط و دادن صورت های مطلوب به



آنهاست. این مفهوم در برگزیده اصول و روش‌های تعلیم و تربیت است. به عبارت دیگر، نحوه ایجاد تغییر، مشتمل بر قواعد و دستورکارهای کلی (اصول) و جزئی (روش) برای ایجاد تغییر است. (مظفر: بی تا. ص ۱۲۸).

سه تلقی از تعلیم و تربیت اسلامی

از آنچه گذشت، می‌توان به این نتیجه راه یافت که «تعلیم و تربیت اسلامی» به عنوان نظام فکری ناظر بر قلمرو عملی تعلیم و تربیت، دست کم می‌تواند سه تلقی داشته باشد که لزوماً باهم قابل جمع نیستند و آن به شرح زیر است:

۱- تعلیم و تربیت اسلامی به منزله نظامی توصیفی: در این حالت نظام تعلیم و تربیت اسلامی از طریق بررسی آثار دانشمندان مسلمان به دست می‌آید. از آنجا که این گونه آثار به طور عموم، توسط خود مؤلفان، نظم و نسق یافته و به صورتی سازمان یافته به نگارش درآمده است، کم و بیش با توصیف ساده‌ای از آثار مورد نظر و گاه با تحلیل و طبقه بندی‌های جزئی، می‌توان به مقصود نایل شد. (سیوطی، ۱۴۰۴ ق. ۱ ص. ۳۶۳)

۲- تعلیم و تربیت اسلامی به منزله نظامی استنباطی: در این دیدگاه، نظر بر آن است که می‌توان برای همه مسائل تعلیم و تربیت پاسخی در متون دینی اسلامی یافت. چنانکه گذشت، نوعی دین‌شناسی جامع نگر، پیش فرض این تلقی است. بر این اساس، با در نظر گرفتن مسائل تعلیم و تربیت می‌توان پاسخ آنها را به طور مستقیم از متون اسلامی استنباط کرد. در شکل قوی این تلقی، تصور بر آن است که پاسخ همه مسائل ریز و درشت تربیتی، عیناً در متون اسلامی موجود است و باید آنها را با واری این متون به دست آورد و در صورتی که برخی پاسخها عیناً در متون دینی موجود نباشد می‌توان با مشخص کردن اینکه مسأله یا رفتار مورد نظر، جزء فروع کدامیک از اصول مطرح شده در متون دینی است، حکم آن را معین کرد. در شکل ضعیف این تلقی، نظر بر آن است که برخی موارد که در وهله نخست در دین مباح شمرده شده، ممکن است توسط فقیه و با نظر به مصالح، حکم و جوب یا حرمت بیابد. (علامه حلی، ۱۳۷۹ ش. ص. ۱۹۳).

۳- تعلیم و تربیت اسلامی به منزله نظامی استنباطی - تأسیسی: در این دیدگاه نظر بر آن است که چون برخی از مسائل و مباحث مربوط به تعلیم و تربیت، در متون اسلامی آمده است استخراج و استنباط این مطالب، نشانگر جنبه استنباطی این دیدگاه است اما پاره‌ای از مسایل در متون اسلامی مورد توجه قرار نگرفته و پاسخ آنها را با «تفریع» نیز نمی‌توان به دست آورد، زیرا این مسائل از نوع اکتشافی‌اند. به عبارت دیگر، پرده برداشتن از واقعیتی در خارج مورد نظر است، نه ذکر حکم فقهی یک مورد یا رفتار معین. به طور مثال، می‌توان این مسائل را در نظر گرفت که یادگیری و اختلال‌های یادگیری در آدمی طی چه سازوکاری رخ می‌دهد؟ و پاسخ به این گونه مسائل نیازمند پایه گذاری و تأسیس دانشی درباره پدیده‌های مورد نظر است. در اینجا با علمی تجربی سروکار خواهیم داشت اما پیش فرض‌های این مطالعه تجربی را می‌توان از متون اسلامی گرفت. این پیش فرضها که شامل ویژگی‌های موضوع مورد مطالعه (انسان) و روش مطالعه این موضوع است، از جمله همان امور استنباطی است. اما تکیه بر این پیش فرضها و پیشنهاد کردن فرضیه‌ها و آزمون آنها و به دست آوردن یافته‌های جدید، ناظر به جنبه تأسیسی این تلقی است. (باقری، ۱۳۷۴، سال اول، شماره ۳).

تاریخچه

برای تعلیم و تربیت اسلامی، ادوار و مراحل را ذکر کرده‌اند. از جمله، می‌توان به تقسیم‌بندی زیر اشاره کرد: دوره نخست که دربرگیرنده نیم قرن اول هجری است با پیدایش و توسعه سواد خواندن و نوشتن قرآن همراه بود. دوره دوم که خود شامل دو بخش (از ۵۰ تا ۳۵۰ و از ۳۵۱ تا ۶۰۰ هجری) بود، با آشنایی با علوم و فنون سایر ملل همراه بود. دوره سوم که از قرن هفتم (حمله مغول) تا قرن سیزدهم به طول انجامید، دوره رکود تعلیم و تربیت اسلامی بود. دوره چهارم که شامل قرون سیزدهم و چهاردهم است، متضمن رویارویی تعلیم و تربیت اسلامی با تحولات فزاینده تعلیم و تربیت جدید است. به موازات تلقی‌های مختلفی که از تعلیم و تربیت اسلامی مطرح گردید، می‌توان از روشهای مختلف تحقیق در این حوزه سخن گفت. اگر تلقی نخست، یعنی تعلیم و تربیت اسلامی به منزله نظامی توصیفی، مورد نظر باشد، روش تحقیق متناسب با آن، روش توصیف و تحلیل محتوا خواهد بود. بر این اساس، محقق در پی آن است که با مطالعه آثار مکتوب اندیشمندان مسلمان، توصیفی از دیدگاه آنان درباره مسائل و مباحث تعلیم و تربیت به دست دهد. در صورتی که اینگونه آثار، از تعلیم و نسق مطلوبی برخوردار باشد، کار با توصیف ساده‌ای از این آثار سامان می‌یابد. در غیر این صورت، لازم است با تحلیل محتوای آثار مختلف یک اندیشمند و تنظیم و طبقه بندی آنها برحسب مسائل و مباحث تعلیم و تربیت، توصیفی از دیدگاه وی در این زمینه فراهم آید. (فخر رازی، ۱۳۸۵ ه. ص. ۲۸). با نظر به تلقی دوم، یعنی تعلیم و تربیت اسلامی به منزله نظامی استنباطی، روش تحقیق در این رشته، همان استنباط فقهی و تفسیری خواهد بود که از دیر باز مورد استفاده فقیهان و مفسران بوده است. در این روش، باتوسل به برخی قواعد و معیارها می‌کوشند حکم شرع را از متون دینی به دست آورند و به این ترتیب، تکالیف افراد را در موقعیت‌های مختلف مشخص سازند. به عنوان مثال «حجیت ظهور» قاعده‌ای است بر این مضمون که ظاهر کلامی که در متن دینی آمده، دارای اعتبار است و معنایی که از این ظواهر به دست می‌آید قابل اعتناست (البته همواره



ظهور لغوی مورد نظر نیست بلکه ظهور با قیود خاصی همچون ظهور عرفی مراد است). اینگونه قواعد، امکان استنباط احکام شرعی یا فهم متون دینی را فراهم می‌آورد. (رضوانی: ۱۳۸۶، ص ۳۱۲). به‌کارگیری این شیوه به منزله روش تحقیق در تعلیم و تربیت اسلامی، به این معناست که محقق برای یافتن پاسخ سؤال‌های مربوط به حوزه تعلیم و تربیت، به کمک اصول و قواعد مذکور، در متون دینی کندوکاو کند، البته در شکل‌های دوگانه این تلقی، برخی تفاوتها در روش کار وجود خواهد داشت. در شکل اول عین پاسخ سؤال یا مسأله مورد نظر در متون دینی جستجو می‌گردد و در صورت لزوم، محقق می‌کوشد فروع را به اصول ارجاع دهد و بعد از این کار تطبیقی، حکم را مشخص سازد. در شکل دوم، مصالح و واقعیت‌های اجتماعی وقت را نیز در تعیین حکم دخالت می‌دهد. سرانجام با توجه به تلقی سوم یعنی تعلیم و تربیت اسلامی به منزله نظامی استنباطی - تأسیسی، روش تحقیق، دو بعدی خواهد بود. در بعد نخست، روش تفسیری و استنباطی برای فهم متون دینی و استخراج و تنظیم مطالبی به عنوان پیش فرضهای تحقیق تجربی مورد استفاده قرار می‌گیرد (البته این علاوه بر مطالبی است که از متون دینی در زمینه محتوای نظام تعلیم و تربیت مانند اهداف یا اصول تعلیم و تربیت قابل حصول است). در بعد دوم، در جهت تأسیس و فراهم آوردن دانش‌های نوین در عرصه تعلیم و تربیت براساس پیش فرض‌های برگرفته از متون اسلامی، لازم است از روش‌های تحقیق تجربی استفاده شود. به دست دادن فرضیه‌هایی الهام گرفته از پیش فرض‌های مذکور در مورد پدیده‌های تربیتی، جز از طریق پی‌جویی شواهد بیرونی، قابل بررسی نخواهد بود. روش تجربی در اینجا به معنای عام کلمه بکار رفته است که مراد از آن، واریسی شواهد بیرونی برضد یا به نفع فرضیه مورد نظر است. از این جهت، آنچه به منزله تقابلی میان روش‌های کمی و کیفی مطرح شده است، در اینجا قابل طرح نیست، زیرا هر دو نوع مذکور همچون زیر مجموعه‌های روش تجربی در معنای عام کلمه است. (مصباح، فصلنامه مصباح، شماره ۱۲)

رابطه با سایر رشته‌های علوم تربیتی

نوع رابطه تعلیم و تربیت اسلامی با سایر رشته‌های علوم تربیتی بستگی به آن دارد که کدامیک از سه تلقی مذکور را در مورد تعلیم و تربیت اسلامی در نظر بگیریم. اگر تلقی اول، یعنی تعلیم و تربیت اسلامی به منزله نظامی توصیفی، مورد نظر باشد، جایگاه آن در رشته تاریخ و فلسفه تعلیم و تربیت خواهد بود. به عبارت دیگر، بررسی آثار اندیشمندان مسلمان در باب تعلیم و تربیت، صبغه‌ای تاریخی و فلسفی به رشته تعلیم و تربیت اسلامی می‌دهد و به این ترتیب، باید آن را در کنار سایر دیدگاه‌های تاریخی و فلسفی تعلیم و تربیت قرار داد. اگر تلقی دوم، یعنی تعلیم و تربیت اسلامی به منزله نظامی استنباطی مورد نظر باشد رابطه آن با رشته‌های علوم تربیت، رابطه استغنا و غرابت است. به عبارت دیگر، در این تلقی تصور بر آن است که تعلیم و تربیت اسلامی از علوم تربیتی معاصر بی‌نیاز و با آن بیگانه است، زیرا پاسخ هر مسأله تربیتی را می‌توان در متون دینی جست و به علاوه در درستی این پاسخها تردیدی نیست در حالی که آنچه در علوم تربیتی به دست می‌آید، ممکن است برخلاف باشد. غرابت از همین‌جا نشأت می‌یابد: سخنی که صدق آن قطعی است با سخنی که خطا بودن آن همواره محتمل است بیگانه خواهد بود. (صدر، ۱۴۱۱ق، ص ۵۶۷) این نوع رابطه در مورد شکل نخست این تلقی که پیشتر بدان اشاره شد مطرح است، اما در شکل دوم، یعنی در اعتقاد به منطقه فراغ، رابطه‌ای از نوع مکملیت می‌تواند مورد توجه قرار گیرد. براین اساس، تصور بر این خواهد بود که آنچه در متون دینی در باب تعلیم و تربیت آمده و آنچه علوم تربیتی بدان دست می‌یازند (و در منطقه فراغ قرار دارد) مکمل یکدیگر است. به عبارت دیگر مواردی که در منطقه فراغ قرار دارد و در درجه نخست از حیث شرعی مباح شمرده شده، با اطلاع یافتن فقیه بردستاوردهای علوم تربیتی در باب موارد مذکور و مصالحی که براین اساس مشخص می‌گردد، ممکن است حکم و جوب یا حرمت پیدا کند. از آنجا که دستاوردهای علوم تربیتی فقیه را در تشخیص این مصالح یاری می‌کند، در اینجا از رابطه مکملیت سخن به میان می‌آید. سرانجام، در تلقی سوم، یعنی تعلیم و تربیت به منزله نظامی استنباطی - تأسیسی، رابطه آن با علوم تربیتی از نوع رابطه رقابت الگویی (عزتی، ۱۳۶۶، ص ۴۵) خواهد بود. هنگامی که تعلیم و تربیت اسلامی با تکیه بر پیش فرض‌های به دست آمده از متون اسلامی، به تحقیق تجربی روی آورد، نسبت آن با علوم تربیتی معاصر که با پیش فرض‌های متفاوتی به تحقیق تجربی پرداخته‌اند، نسبت دو نظریه علمی خواهد بود که در دامن دو الگوی علمی متفاوت قرار دارند. چنانکه تامل کوهن نشان داده است میان دو نظریه مربوط به دو الگوی علمی، رقابتی اساسی وجود دارد به نحوی که تجربه‌های انجام شده در حیطه یک الگو با قرار گرفتن در حیطه الگوی دیگر، محتاج تفسیری متفاوت و متناسب با فضای الگوی جدید خواهد بود. بنابراین، تعلیم و تربیت اسلامی در این تلقی، رابطه‌ای از این دست با علوم تربیتی برقرار خواهد ساخت. به عبارت دیگر، یافته‌ها و تجربه‌های انجام شده در سایر رشته‌های علوم تربیتی باید در چارچوب الگوی علمی اسلامی، متناسب با پیش فرضها و نظام مفهومی خاص آن، مورد تفسیر قرار گیرد. این رابطه، رقابتی پویا میان تعلیم و تربیت اسلامی و علوم تربیتی ایجاد خواهد کرد که منجر به رشد و تحول در تعلیم و تربیت اسلامی خواهد گردید. تنها این نکته را باید افزود که همسنجش ناپذیری (کوهن، ۱۳۶۹، ص ۸۷) الگوهای علمی به نحوی که مورد نظر کوهن بود، نیازمند به تجدیدنظر است. این تجدیدنظر از آن رو لازم است که رابطه همسنجش ناپذیری، جایی برای هیچگونه تداخل میان



نظریه‌های علمی باقی نمی‌گذارد. این نوع رابطه، تلاش علمی را در تهدید نوعی نسبت‌گرایی قرار می‌دهد زیرا هر نظریه‌ای تنها و تنها در چهارچوب الگوی خود و برحسب آن، فعالیتی معنادار و معتبر انجام می‌دهد و این گفتگو میان نظریه‌های متعلق به الگوهای علمی مختلف را ممتنع می‌سازد. البته کوهن کارآمدی عملی اینگونه نظریه‌ها را در حل مشکلات به عنوان معیاری برای گزینش یا طرد آنها در نظر گرفته است، اما تا آنجا که چارچوب درونی الگوهای علمی مورد نظر است، وی میان آنها تداخل و ارتباطی را نمی‌پذیرد. تجدیدنظر مورد نیاز در این دیدگاه آن است که امکان تداخل میان نظریه‌های الگوهای مختلف را نفی نکنیم بلکه احتمال آن را در نظر بگیریم که پاره‌ای اشتراکها و تداخل‌ها در حوزه روش‌شناسی با یافته‌ها ممکن است ظهور کند.

۱- دعوت اسلام به تعلیم و تربیت :

«قُلْ هَلْ يَسْتَوِي الَّذِينَ يَعْلَمُونَ وَالَّذِينَ لَا يَعْلَمُونَ إِنَّمَا يَتَذَكَّرُ أُولُو الْأَلْبَابِ» (آیا کسانی که می‌دانند با کسانی که نمی‌دانند برابرند؟ تنها خردمندان پند می‌پذیرند) (زمر: ۹۰) این جمله جزء شعارهای اسلام است که عظمت مقام علم و عالمان را در برابر جاهلان روشن می‌سازد. منظور از علم در آیه، آگاهی خاص است که انسان را به ترس از دادگاه او و امید به رحمت خداوند دعوت می‌کند؛ و علوم رسمی نیز اگر در خدمت چنین معرفتی باشد علم است. (برگزیده تفسیر نمونه، ناصر مکارم شیرازی، ج ۴، ص ۲۱۴) عالمان و جاهلان در پیشگاه خدا یکسان نیستند، نه در دنیا و نه در آخرت، و نه در ظاهر یکسانند و نه در باطن. همچنین در این رابطه امام رضا علیه السلام می‌فرمایند: «رَحِمَ اللَّهُ عَبْدًا أَحِبًّا أَمْرًا قَلْتُ كَيْفَ يُحِبِّي أَمْرُكُمْ قَالَ يَتَعَلَّمُ عُلُومًا وَيُعَلِّمُهَا النَّاسَ فَإِنَّ النَّاسَ لَوْ عَلِمُوا مَحَاسِنَ كَلَامِنَا لَاتَّبَعُونَا» (وسائل الشیعه، حر عاملی، چاپ قم، ۱۴۰۹ ق، ج ۲۷، ص ۹۲) امام رضا علیه السلام می‌فرمایند: خداوند رحمت کند بنده ای را که زنده می‌کند امر ما را؛ پرسیدم چگونه زنده می‌کنند امر شما را؟ حضرت فرمودند: با تعلیم و فراگیری علوم ما به خودش و مردم، و زمانی که مردم به زیبایی کلام ما علم پیدا کنند هر آینه از ما تبعیت می‌کنند.

۲- ویژگی های تربیت اسلامی :

فلسفه تربیتی اسلام با فلسفه تربیتی سایر مکتب‌ها از جهات مختلف تفاوت دارد. که از جمله آن می‌توان به موارد ذیل اشاره نمود:

۱-۲- الهی بودن : سرچشمه تربیت اسلامی، وحی و تعالیم اسلامی است. قرآن کریم تاکید می‌کند که تربیت و تزکیه ی پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلم جنبه ی الهی و منشا وحیانی دارد: «هُوَ الَّذِي بَعَثَ فِي الْأُمِّيِّينَ رَسُولًا مِنْهُمْ يَتْلُوا عَلَيْهِمْ آيَاتِهِ وَيُزَكِّيهِمْ وَيُعَلِّمُهُمُ الْكِتَابَ وَالْحِكْمَةَ وَإِنْ كَانُوا مِنْ قَبْلُ لَفِي ضَلَالٍ مُبِينٍ» اوست که در میان امیین، رسولی از خود آنان برانگیخت که آیاتش را بر آنان تلاوت می‌کند و آنان را تزکیه می‌نماید و کتاب و حکمت می‌آموزد هر چند پیش از آن، در گمراهی آشکار بودند. (جمعه: ۲) قول، فعل و تقریر این مریبان بزرگ الهی در حقیقت به سرچشمه وحی متصل، سازنده و ثمر بخش است. علاوه بر رهنمودها و معارف قرآن کریم که بسیار عمیق و برنامه جامع زندگی است، گفتار، رفتار و تقریرات اهل بیت علیهم السلام که از آن به سنت تعبیر می‌شود و طبق نص قرآن کریم و به خواست الهی معصوم و مصون از هرگونه خطایی هستند منبع بسیار گسترده و غنی تربیت اسلامی است. فردی از امام رضا علیه السلام در رابطه با علت وجوب پیروی و اطاعت از اولی الامر سوال کرد، حضرت در پاسخ فرمودند: اگر خداوند برای مردم، امام، قییم، امین و حافظ معین نمی‌کرد ملت و دین از بین می‌رفت، سنن و احکام تغییر می‌کرد بدعت گذاران دستورات و تعالیم اسلام را زیاد و کم می‌کردند ملحدان در آن تصرف و تغییر به وجود می‌آوردند و در جامعه اسلامی شبهه ایجاد می‌شد؛ زیرا همه مردم از نظر عقل و فکر در یک سطح نیستند و نیاز به مربی دارند و (بدون مربی) در موضوعات با هم اختلاف پیدا می‌کردند و با اختلاف و پراکندگی دیدگاه‌ها جامعه خود را متلاشی می‌ساختند. اگر امام و رهبری نبود، جامعه فاسد می‌شد و شرایع و سنن و احکام و ایمان تغییر پیدا می‌کرد و مردم فاسد می‌شدند. (عیون اخبار الرضا علیه السلام، ج ۲، ص ۱۰۱).

۲-۲- هدایتگری : از ویژگی های بارز تعلیم و تربیت اسلامی، نقش هدایتی آن است، هدایت انسان بسوی تکامل و سعادت دنیوی و اخروی. امام رضا علیه السلام در حدیثی گهربار می‌فرمایند: امام حلال خدا را حلال، و حرام خدا را حرام میکند، و حدود او را جاری می‌نماید و از دین خدا دفاع نموده، با حکمت و موعظه نیکو و دلیل قاطع، مردم را به راه پروردگارش فرا می‌خواند، امام همچون خورشید درخشان جهان است، خورشیدی که دور از دسترس دستها و چشمها در افق قرار دارد، امام، ماه نورانی، چراغ درخشان، نور ساطع و ستاره راهنما در دل تاریکی‌ها و صحراهای خشک و بی آب و علف و موجهای وحشتناک دریاها است. امام همچون آب گوارا بر تشنگان است، راهنمای هدایت و منجی از هلاکت است. (عیون أخبار الرضا علیه السلام، ج ۱، ص: ۴۵۰).

۲-۳- خرد پروری : تفکر، تدبیر، تعقل و خردورزی از اموری هستند که در گفتار امام رضاعلیه السلام درخششی خاص دارد و منجر می‌شود مخاطب به تعقل و تفکر بپردازد؛ چنان که حضرت رضا علیه السلام می‌فرمایند: لیس العبادة كثرة الصلاة والصوم، إِنَّمَا العبادة التفکر فی أمر الله عزّ وجلّ؛ عبادت به فراوانی نماز و روزه نیست، بلکه عبادت تفکر در امر خدای والاست. (مسند امام رضا (علیه السلام) ج ۱، ص ۷)



۲-۴- شمول و جامعیت: برنامه های تربیتی اسلام شامل همه ابعاد وجودی انسان می شود و تمام نیاز های آدمی اعم از جسمی، روحی، معنوی و اخروی در نظر گرفته شده است. به خصوص تعالیم امام رضا علیه السلام، که از جامعیت خاصی برخوردار است و حضرت در دوره امامت خویش به تمام مباحث از قبیل: توحید، تفسیر، نبوت، امام شناسی، معارف دینی (تعریف ایمان) آگاهی با فنون مختلف، طب و . . . پرداخته اند و خدمت بسزایی در جهت ترویج علوم اسلامی کردند تا آنجایی که علما دیگر مذاهب برای حل سوالاتشان خدمت امام می رسیدند تا از علم نامتنهی حضرت بهره مند شوند.

۳- روش های تربیتی امام رضا علیه السلام:

۳-۱- همراهی علم با عمل: (ترویج عملی و نه فقط زبانی) زیبایی و کاربرد علم در عمل به آن است و عالم بدون عمل مانند زنبور بدون عسل است و چه بسا سخنان عالم بی عمل تاثیرگذار نباشد. از این رو، به شیوه رفتار و سیره اخلاقی و معاشرتی حضرت رضا علیه السلام توجه می کنیم تا در آیین اخلاقی تجسم یافته در رفتار حضرتش، سیمای حق و راه رشد را بیابیم. این تعلیم خود آئمه است از کلام امام صادق علیه السلام: «کونوا دعاة الناس باعمالکم و لاتکونوا دعاة الناس بالسنتکم» (قرب الإنسان، حمیری، ص ۷۷) روزی مأمون از امام رضا علیه السلام خواست که نماز عید را اقامه کند، اما امام ابتدا نپذیرفتند تا اینکه مأمون اصرار کرد، حضرت فرمود: «... من آنگونه که رسول خدا صلی الله علیه آله و سلم و امیرالمومنین علیه السلام (برای نماز عید) بیرون می رفتند، بیرون خواهیم رفت.» مأمون پذیرفت، آن حضرت با پای برهنه به راه افتاد و آنگاه سر به سوی آسمان بلند کرد و تکبیر گفت همراهان و موالیان او نیز تکبیر گفتند، گویی آسمان و در و دیوار نیز با او تکبیر می گفتند، مردم که حضرت رضا علیه السلام را با آن حال دیدند، صدای تکبیرش را که شنیدند، چنان صداها را به گریه بلند کردند که شهر مرو به لرزه در آمد. خبر به مأمون رسید، «فضل بن سهل» به مأمون گفت: اگر علی بن موسی الرضا علیه السلام بدین حال به مصلی برود، مردم شیفته او خواهند شد و همه ما بر خون خود بیمناک هستیم. مأمون نیز دستور بازگشت حضرت را داد و امام نیز بازگشت. (عیون اخبارالرضا علیه السلام، ابن بابویه، ج ۲، ص ۱۶۷-۱۷۲)

۳-۲- الگوگیری از سنت رسول الله و اهل بیت علیهم السلام: از جمله شیوه های مهم و کاربردی در سیره امام رضا علیه السلام برای آموزش و تربیت مردم، استفاده و استناد به قرآن کریم و حدیث و سنت پیامبر و امامان معصوم علیهم السلام است. زمانی که حضرت رضا علیه السلام در مشهد بودند خشکسالی به سراغ مردم آمده بود مأمون از امام خواست تا برای بارش باران دعا کند. امام فرمودند: من به روش جدم رسول الله صلی الله علیه و آله و امیرالمومنین علیه السلام عمل می کنم و برای خواندن دعا و نماز باران به صحرا خواهیم رفت؛ مأمون نیز قبول کرد... (عیون اخبارالرضا علیه السلام، ج ۲، ص ۱۶۷)

۳-۳- طرح پرسش های دقیق از شاگردان و پاسخگویی: یکی از روش های امام رضا علیه السلام در حوزه تعلیم و تربیت طرح پرسش های کلیدی و پاسخگویی به سوالات است؛ چنانکه علی بن شعیب خدمت امام رضا علیه السلام رسیدم. به من فرمود: ای علی! چه کسی از نظر زندگی بهتر است؟ گفتم: شما به آن ها داناترید. سرورم فرمود: هر کس که زندگی دیگری در زندگی او نیکو باشد. ای علی! چه کسی از نظر زندگی بدتر است؟ گفتم: شما داناترید. فرمود: کسی که دیگری، در معاش او زندگی نداشته باشد. ای علی! همسایگی نعمت ها را نیکو سازید، زیرا نعمت ها وحشی و گریزپای اند، هرگز از قومی دور نشدند که برگردد. ای علی! بدترین مردم کسی است که بخشش خود را از دیگران منع کند و تنها بخورد و برده خود را تازیانه بزند. (تحف العقول، ابن شعبه حرانی، ص ۴۴۸) حضرت در مناظرات در مقابل سائل با کمال تواضع و خشوع به پاسخگویی سوال او می پرداخت و این در حالی بود که فرقی نداشت سائل فقیر باشد یا ثروتمند، مسلمان باشد یا غیر مسلمان.

۳-۴- تعلیم از طریق ذکر مثال و تاریخ گذشتگان: یکی از روش های جذاب برای تعلیم و تربیت متری تمثیل است که فهم مطلب را سریع و آسان می کند که این روش در سیره امام رضا علیه السلام، بخصوص در مناظرات حضرت مشاهده می شود که در مواردی به تاریخ گذشتگان نیز اشاره میکند؛ که به آن اشاره خواهیم کرد. از ریان بن صلت مروی است که گفت بر علی بن موسی الرضا علیه السلام وارد شدم و به او عرض کردم یا ابن رسول الله مردم می گویند که تو ولیعهدی مأمون را قبول کردی با اینکه اظهار زهد و بی میلی به دنیا می کنی. آن بزرگوار فرمود خدا دانا است به اینکه من این عمل را ناخوش داشتم ولیکن چون که من مخیر شدم میان قبول این عمل و قتل قبول این عمل را برگزیدم بر قتل؛ وای بر مردم آیا نمیدانند که یوسف علیه السلام رسول و پیغمبر بود چون ضرورت او را واداشت به متولی شدن خزینه های عزیز مصر به عزیز گفت: (اجعلنی خزانة الأرض إني حفيظٌ عليم) و مرا ضرورت واداشت به قبول این عمل از روی اکراه و اجبار بعد از آنکه مشرف بر هلاکت شدم علاوه بر اینکه من بر این امر داخل نشدم مگر مثل داخل شدن کسی که خارج باشد یعنی آثار ولیعهدی مأمون و نائب شدن از حاکم جور جاری نمیکم و بسوی خدا شکوه میکنم و او یاری کننده بندگان است. (عیون اخبارالرضا علیه السلام، ج ۲، ص ۱۳۹).



۴- برخی از وظایف معلم :

۴-۱- دریغ نورزیدن از تعلیم و تعلم و کوشش در راه آن: معلم فقط سر کلاس معلم نیست، بلکه در همه حالات باید موثر و تاثیر گذار بر شاگردانش باشد و از هر فرصتی برای تعلیم و تعلم استفاده کامل ببرد. امام رضا علیه السلام با آنکه حکومتی تشکیل ندادند، اما برای ارشاد و هدایت مردم از هیچ کوششی دریغ نورزید و از هر موقعیتی تمام استفاده را می کردند تا وظیفه خود را انجام دهند. حضرت رضا علیه السلام با روشنگری های زیرکانه به جدال های فکری که سبب شبهه در دین می گشت، خاتمه می دادند و با پاسخگویی به آنها شریعت اسلامی و مبانی اعتقادی را برایشان تبیین می نمودند.

۴-۲- ایجاد شوق و انگیزه برای فهمیدن در متعلم : یکی از وظایف معلم این است که با مهارت های گوناگون ایجاد شوق و انگیزه در فراگیر ایجاد کند تا کمکی برای فهم آسان تر و بهتر فراگیران شود. نمونه ای از آن را میتوان در حدیث ذیل مشاهده کرد که رفتار امام رضا علیه السلام با بنزطی باعث شد تا بنزطی جواب تمام سوالاتش را از حضرت بگیرد و کمال استفاده را از محضر امام رضا علیه السلام ببرد و در نهایت شیعه شود: بنزطی: من از واقفیه بودم و در امامت امام رضا علیه السلام شک داشتم. نامه ای به حضورش نوشتم و از مسائلی سؤال کردم و مهمترین سؤال را (درباره امامت خود آن حضرت) فراموش کردم. از سوی حضرت، جواب برای همه سؤال ها آمد و امام اضافه کرده بود: مهمترین چیزی را که نزد تو «مسأله امامت» بود فراموش کرده ای! من با همین جواب، مستبصر شدم (به امامت وی معتقد گشتم). پس از زمانی، به حضرت عرض کردم: یا بن رسول الله! دوست دارم در فرصتی، - که از آمدن ما به حضورتان، از سوی دشمنان برای ما مفسده ای نباشد - مرا به حضور طلبی. یک روز امام، هنگام غروب بود که مرکبی را پیش فرستاد. بیرون شدم و نماز مغرب و عشا را هم در حضور وی خواندم. حضرت نشست و علوم را ابتداءً بر من املاء نمود و من نوشتم. آن گاه، من می پرسیدم و او جوابم را می داد تا آن که پاسی از شب گذشت و دیر وقت شد، به غلامش فرمود: رختخواب مرا که در آن می خوابم بیاور تا (بنزطی) در آن بخوابد.

۴-۳- مساوات نسبت به شاگردان : یکی از وظایف مهم استاد، تساوی و عدالت بین همه فراگیران است و بعضی را بر بعض دیگر مقدم نکند به نحوی که حق آنان ضایع شود. در این منطق، نه سفید را بر سیاه مزیتی است و نه عرب را بر عجم، نه زمامداران بر شهروندان برتری دارند، نه حاکمان بر مردمان، نه شاگردان بر دیگری و نه ثروتمند بر فقیر برتری دارد. مساوات در سیره رضوی، برخاسته از منطق قرآن است که آدمیان را به آزادی و دادگری نوید داده است. حضرت نه تنها به لحاظ فکری و نظری، بلکه به لحاظ عملی و سلوک رفتاری نیز چنین بوده اند. حضرت رضا علیه السلام می فرمایند: «من لقی فقیراً مسلماً فلسماً علیه خلاف سلامه علی الأغنیاء لقی الله عزوجل يوم القيامة و هو علیه غضبان». «هر کس به یک مسلمان فقیر طوری سلام دهد که متفاوت باشد با سلامش بر ثروتمندان، خداوند او را در روز قیامت به گونه ای ملاقات می کند که خدا بر او خشمناک است.» (الأمالی (للمصدق)، ابن بابویه، ص ۴۴۲)

۴-۴- حسن خلق و رعایت حقوق شاگرد: ابراهیم بن عباس در رابطه با رعایت حقوق دیگران سیره تعلیمی و تبلیغی حضرت رضا علیه السلام را چنین وصف می کند: هرگز اتفاق نیفتاد که در سخن گفتن به کسی جفا کند، هر که با او «گفت و گو» می کرد، کلامش را قطع نمی کرد و فرصت می داد تا آخرین سخن خود را بگوید. (عیون اخبار الرضا علیه السلام، ابن بابویه، ج ۱، ص ۱۸۴). یکی از حقوق متربی بر مربی این است که مربی سخن او را کامل بشنود تا بتواند آزادانه نظر خود را ارائه دهد و یا شهادت پرسش کردن را بدست آورد؛ در غیر این صورت علمی را فرا می گیرد که دارای سوالات و کج فهمی است و در نهایت منجر به نخبه کشی می شود.

۴-۵- مقایسه منطقی در پاسخگویی و مباحث علمی: برای اینکه کلام استاد برای فراگیران قابل فهم و دلنشین باشد باید استاد در پاسخگویی و مباحث علمی در صغری و کبری و قیاس ها رابطه منطقی را رعایت کند. حمّد بن زید رازی پرسید: چرا به حکومت این طاغوت داخل شده ای، در حالی که اینان در نظر تو کافرند و تو پسر پیامبری، چه چیز تو را به این کار واداشته است؟ امام رضا علیه السلام فرمود: آیا به نظر تو اینان کافرترند، یا عزیز مصر و اهل کشور او؟ مگر نه این که اینان، خود را موحد می شمارند، ولی حکام مصر، نه یکتاپرست بودند و نه خدانشناس؟ یوسف، پسر یعقوب علیه السلام، پیامبر و پسر پیامبر بود که به عزیز مصر گفت: مرا مسؤول خزاین مملکت قرار بده . . . و با فرعون ها نشست و برخاست می کرد. حال آن که من یکی از اولاد پیامبرم (نه پیامبر) و مأمون هم مرا بر این کار، اجبار و اکراه کرده است. چرا بر من خشم می گیری و این را زشت می شماری؟ آن مرد گفت: بر تو ایرادی نیست. گواهی می دهم که تو فرزند پیامبری و صادق هستی. (یحار الانوار، مجلسی، ج ۴۹، ص ۵۵)

۴-۶- اعتراف به عجز و ناتوانی به مسائلی که احاطه ندارد: قول «لا اعلم» نصف العلم. گفتن «نمی دانم» نصف داناییست، یعنی هر گاه کسی چیزی را نداند و گوید که: نمی دانم، این نصف علم است، زیرا داند این را که نمی داند و فرق میانه معلوم خود و مجهول خود کرده است. (شرح آقا جمال خوانساری بر غرر الحکم و درر الکلم، آقا جمال خوانساری، ج ۴، ص ۵۰۴). زمانی که مربی در مقابل سوال فراگیران از پاسخ



دادن عاجز است و بدان اعتراف می کند، در واقع صداقت خودش را به نمایش گذاشته است، زیرا از این پس سخن او برای فراگیران قابل اعتماد است.

۵- برخی از وظایف فراگیران :

۵-۱- تلاش و کوشش در راه تعلیم و کسب توفیق : امام رضا علیه السلام در این رابطه می فرمایند: کسی که از خدا توفیق بخواهد ولی تلاش نکند خود را مسخره کرده است. آری لازمه رسیدن به موفقیت و درجات رفیع علمی، تلاش و همت فراوان می باشد. (بحار الانوار، مجلسی، ج ۷۵، ص ۳۵۶).

۵-۲- حضور به موقع و قبل از استاد : یکی از راه های کسب موفقیت نظم و انضباط است، فراگیری که بعد از ورود استاد، به کلاس درس وارد می شوند ممکن است از مطالبی مهم در ابتدای کلاس محروم شده باشند، که جبران آن گاهی به دراز مدت و یا به فراموشی سپرده می شود.

۵-۳- ارج نهادن و احترام به استاد : احترام و تجلیل از مقام علم و دانش استاد، و همچنین تواضع در برابر او و از استاد به احترام یاد کردن و رعایت ادب و نزاکت از مواردی است که متریبان در برخورد با استاد محترم خود می بایست رعایت کنند. حضرت علی علیه السلام می فرمایند: از جمله حقوق عالمست که لباسش را نگیری و چون بر او وارد شدی و گروهی نزد او بودند به همه سلام کن و او را نزد آنها بتحیت مخصوص گردان و احترام کامل بگذار، مقابلش بنشین و پشت سرش منشین، چشمک مزن، با دست اشاره مکن (اصول کافی، ج ۱، ص ۳۷)

۵-۴- تواضع : جلوس متواضعانه در برابر استاد و عدم تکبر در پرسش و پاسخ و برخورد با او از آداب تعلیم اسلامی است. (همان)

۵-۵- سوال به موقع و عدم تکرار سوال و نگرفتن فرصت ها : امیرالمؤمنین علیه السلام میفرمایند: از جمله حقوق عالمست که از او زیاد نپرسی (اصول کافی، ج ۱، ص ۳۷) فراگیران باید به این نکته توجه داشته باشند که قبل از اتمام سخن و استدلال استاد سوال نکنند، زیرا چه بسا پاسخ آن سوال در ادامه سخنان استاد باشد و دیگر منجر به گرفتن وقت کلاس نشود همچنانکه سیره حضرت رضا علیه السلام در مناظرات و گفت و گوها با شاگردان و یا مناظرات اینچنین می باشد؛ بطوری که سخنان طرف مقابل گوش فرا میدادند و تا سخن او به اتمام نمی رسید، حضرت سخن او را کوتاه نمیکردند. (عیون اخبار الرضا علیه السلام، ابن بابویه، ج ۱، ص ۱۸۴). اگر آدمی در راه تعلیم و تعلم به معاشرت ها و دوستان ناباب تن دهد، از مسیر کسب علم و تعلم دور و منزوی می شود.

۵-۶- پرهیز از معاشرت های نادرست: پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلم می فرمایند: «المرء علی دین خلیله فلینظر احدکم من یخالل» شخص تابع دین و رفتار دوست خود می باشد پس برای شناخت هر کسی به دوست او نگاه کنید. (الجمعریات (الأشعثیات)، ابن اشعث، ص ۱۴۸)

۶- وظایف مشترک فراگیران و استاد :

۶-۱- خوش خلقی و فروتنی : از ابراهیم بن عباس نقل شده است امام رضاعلیه السلاماز مردم رو بر نمیگرداند و همواره با خلق خوش و نیکو از آنان استقبال می کرد این عمل حضرت، همچون آهن ربایی بر قدرت، مردم را به سوی خویش جذب می نمود. (بحار الانوار، مجلسی، ج ۴۹، ص ۹۱)

۶-۲- تواضع در برابر یکدیگر : امام رضا علیه السلام هرگاه تنها می شد (فارغ از کارهای رسمی و تشریفات) تمام اطرافیان خود را - از کوچک و بزرگ - پیرامون خود، جمع می کرد، با آنان حرف می زد، با آنان انس می گرفت، آنان هم با وی مأنوس می شدند. و هرگاه بر سفره می نشست، هم کوچک و بزرگها را صدا می کرد، حتی کارپرداز (سائس) و حجام را، و همه را بر سفره خویش می نشاند (بحار الانوار، مجلسی، ج ۴۹، ص ۱۶۴) نشست و برخاست با مستضعفین و غلامان، درس برابری به انسان ها دادن است، و این که حضرت رضا علیه السلام با آن علم لدنی خود را از مردم جدا نمی کرد و تافته جدا بافته نمی دانست و زندگی و اخلاق مردمی داشت.

۶-۳- صبر و شکیبایی در همه احوال : امام رضا علیه السلام در این رابطه می فرمایند: مومن را مومن واقعی ندانند تا آنکه در او سه خصلت باشد؛ سنتی از پروردگارش، سنتی از پیامبرش و سنتی از امامش؛ اما سنت خدایش، رازداری است، سنت پیامبرش، رفق و مدارا با مردم و سنت امامش، شکیبایی در سختی و صبر کردن در همه احوال است. (عیون اخبار الرضا علیه السلام، ابن بابویه، ج ۱، ص ۲۵۶). بهترین حالت، حالت تعلیم و تعلم است. پرهیز از خشونت، بردباری از بهترین ویژگی های یک مربی مومن است. معلمی که در تربیت شاگردان خویش از منطق خشونت استفاده کند علاوه بر تخریب توانایی های شاگردان، علاقه مندی آنان به فراگیری علم و ادب اسلامی را نیز نابود می کند.

۶-۴- رعایت نظافت و آراستگی ظاهر : «محمد بن عباد» درباره رفتار زاهدانه آن حضرت می گوید: ابوالحسن علیه السلام در طول تابستان همواره بر روی یک بوریا و در طول زمستان بر روی یک لایه کاه می نشست همیشه لباس زیر به تن می کرد، اما هنگامی که به دیدن مردم می رفت، بهترین لباسش را می پوشید. امام رضا علیه السلام می فرمودند: لباس مظهر خارجی انسان است نمی توان نسبت به آن بی



توجه بود حرمت مومن ایجاب می کند که انسان در ملاقات با او، شئون خود و وی را رعایت کند و مقید باشد که پاکیزه و خوش لباس باشد. (عیون اخبار الرضا علیه السلام، ابن بابویه، ج ۲، ص ۱۷۸).

۵-۶- خودداری از جدل در بحث : فراگیران و اساتید باید توجه داشته باشند که مباحثه بین آنها به جدل کشیده نشود زیرا که جدل کردن خلاف سیره اهل بیت علیهم السلام است همچنانکه امام علی علیه السلام میفرماید: از جمله حقوق عالمست که از او زیاد نپرسی، پرگوئی مکن که فلانی و فلانی بر خلاف نظر او چنین گفته اند (اصول کافی، ج ۱، ص ۳۷).

۶-۶- مداوت و استمرار بر تعلیم و تعلم: فردی که در راه کسب علم قدم بر می دارد شایسته است در همه حال در جستجوی علم باشد و اکتفا به حضور در کلاس نکند و در این راه صبر و شکیبایی فراوان داشته باشد؛ امام علی علیه السلام می فرماید: از زیادی مجالست عالم و استاد دلتنگ مشو زیرا مثل عالم مثل درخت خرماست باید در انتظار باشی تا چیزی از آن بر تو فروریزد (اصول کافی، ج ۱، ص ۳۷).

نتیجه گیری :

ویژگی های تربیت اسلامی شامل: الهی بودن، هدایتگری، خرد پروری و شمول و جامعیت است. روش های تربیتی امام رضا علیه السلام به عنوان الگو و مبنا در جهت رفع چالش های موجود و ایجاد راهکارهای مناسب از قبیل: همراهی علم با عمل، الگوگیری از سنت رسول الله صلی الله علیه و آله، تعلیم از طریق ذکر مثال و تاریخ، و شجاعت در بیان حقایق می توان نام برد. معلم وظیفه اش تنها ارایه علوم نیست بلکه ایجاد شوق و انگیزه در فراگیر، طرح پرسش های دقیق از فراگیران، مقایسه منطقی در پاسخگویی و مباحث علمی، مساوات و دلسوزی نسبت به شاگردان و رعایت حقوق شاگرد از جمله وظایف معلم است. همچنین تلاش و کوشش در راه تعلیم و کسب توفیق، حضور منظم و قبل از استاد، ارج نهادن و احترام به استاد، سوال به موقع و نگرفتن فرصت ها و پرهیز از معاشرت های نادرست از جمله وظایف فراگیران است. البته برخی از وظایف مشترک است بین معلم و فراگیر از قبیل: تواضع و خوش خلقی در برابر یکدیگر، صبر و شکیبایی در همه حال، خودداری از جدل و بحث، مداومت و استمرار بر تعلیم و تعلم و رعایت نظافت و آراستگی ظاهر می باشد. این نوشتار تقدیم شده، نقب کوچکی بود به اقیانوس معرفت و کمال امام مهربانی، حضرت علی بن موسی الرضا علیه السلام علیه افضل التحیه و الثناء، اگر بتوانیم از مبانی امام رضا علیه السلام در نظام آموزش و پرورش استفاده هر چه کامل تر ببریم طبیعتا به نتایج بهتری دست پیدا می کنیم و گامی موثر می باشد برای رفع چالش های موجود، زیرا معصومین علیهم السلام سرچشمه علم الهی هستند که برای هدایت بشر آمدند و چه بسا اگر برخلاف تعلیم آنها عمل شود آسیب هایی را در پی دارد. امید آن که همه از این چشمه عشق الهی ره توشه ای برای سعادت خویش برگیریم و در آن سرا در سایه سار وجود ربشان آرام گیریم.



۱. ابن اشعث، محمد بن محمد، الجعفریات (الأشعثیات)، چاپ: تهران، ناشر: مکتبۃ النبیوی الحدیث، ص ۱۴۸.
۲. ابن بابویه، الأمالی (للصدوق)، ناشر: کتابچی، چاپ: تهران، سال چاپ: ۱۳۷۶ ش.
۳. ابن بابویه، محمد بن علی، معانی الأخبار، محقق غفاری، ناشر: جامعه مدرسین قم، قم، ۱۴۰۳ ق.
۴. ابن بابویه، عیون أخبار الرضا علیه السلام، ج ۲، محقق: لاجوردی، نشر جهان، چاپ: تهران، سال: ۱۳۷۸ ق.
۵. ابن شعبه حرانی، حسن بن علی، تحف العقول، محقق/ مصحح: غفاری، ناشر: جامعه مدرسین؛ دوم: ۱۴۰۴ ق.
۶. ابن طاووس، علی بن موسی. الطرائف / ترجمه داود إلهامی. قم: نوید اسلام. دوم: ۱۳۷۴ ش. ص ۱۳۷.
۷. احمدی سید احمد، اصول و روش های تربیت در اسلام، انتشارات رسالت قلم: سوم، ۱۳۸۵.
۸. اشرف، علی (۱۹۹۱)، تعلیم و تربیت اسلامی، بررسی و ارزیابی کنفرانس های بین المللی تعلیم و تربیت مسلمانان ۱۹۸۹-۱۹۷۷، ترجمه مهدی سجادی، تربیت اسلامی (مجموعه مقالات)، کتاب اول، مرکز مطالعات تربیت اسلامی، معاونت پرورشی وزارت آموزش و پرورش، ۱۳۷۹.
۹. آقا جمال خوانساری، محمد بن حسین، شرح آقا جمال خوانساری بر غرر الحکم و درر الکلم، محقق/ مصحح: حسینی ارموی محدث، جلال الدین، چاپ: چهارم، تهران، ناشر: دانشگاه تهران، سال چاپ: ۱۳۶۶ ش.
۱۰. باقری، خسرو، امکان، معنا و سازواری در اخلاق و تربیت اسلامی، تربیت اسلامی (مجموعه مقالات)، کتاب اول، مرکز مطالعات تربیت اسلامی، معاونت پرورشی وزارت آموزش و پرورش، ۱۳۷۹.
۱۱. باقری، خسرو، هویت علم دینی، فصلنامه حوزه و دانشگاه، ۱۳۷۴، سال اول، شماره ۳.
۱۲. جمالی محمدفاضل، تربیت از دیدگاه قرآن، ترجمه: سعیدی، تهران: انتشارات اسلامی. یازدهم: ۱۳۷۴.
۱۳. جوادی آملی، عبدالله، شریعت در آینه معرفت، تهران: مرکز نشر فرهنگی رجاء، ۱۳۷۲.
۱۴. حمیری، عبد الله بن جعفر، قرب الإسناد ناشر: مؤسسه آل البيت علیهم السلام، قم، سال چاپ: ۱۴۱۳ ق.
۱۵. رضوانی، علی اصغر. امام شناسی و امامت در قرآن. قم: مسجد مقدس جمکران. سوم: ۱۳۸۶.
۱۶. رفیعی، بهروز، کتابشناسی توصیفی و موضوعی تعلیم و تربیت در اسلام، تهران: مرکز مطالعات فرهنگی بین المللی، ۱۳۷۸.
۱۷. سیوطی، جلال الدین. الدرالمثور. قم: کتاب خانه آیه الله مرعشی نجفی. اول: ۱۴۰۴ ق. ج ۱.
۱۸. شریفی، هادی، نخستین مجمع جهانی تربیت اسلامی، نشریه دانشکده علوم تربیتی دانشگاه تهران، ۱۳۵۶، دوره هفتم شماره اول،
۱۹. شیخ حر عاملی، محمد بن حسن، وسائل الشیعة، ناشر: مؤسسه آل البيت علیهم السلام، سال چاپ: ۱۴۰۹ ق.
۲۰. صدر، محمدباقر، اقتصادنا؛ جلد دوم، بیروت: دارالتعارف للمطبوعات، ۱۴۱۱ ق.
۲۱. طبرسی، احمد بن علی. الإحتجاج. ترجمه و شرح غفاری. جلد ۴. تهران: مرتضوی. اول: ۱۳۷۱ ش.
۲۲. عزتی، ابوالفضل، آموزش و پرورش اسلامی، تهران: انتشارات بعثت، ۱۳۶۶.
۲۳. علامه حلی، حسن بن یوسف. نهج الحق و كشف الصدق. ترجمه کهنسال. تهران: تاسوعا. اول: ۱۳۷۹ ش.
۲۴. فخررازی، محمد. تفسیر کبیر. ترجمه: علی اصغر حلبی. ج ۱۲. تهران: انتشارات اساطیر: ۱۳۸۵ ه.
۲۵. قطب محمد، روش تربیتی اسلام، ترجمه: سید محمد مهدی جعفری، ناشر: اسلامیه، تهران، دوم، ۱۳۹۸ ق.
۲۶. قوام میرعظیم، اصول و روش های تربیت از منظر قرآن کریم، تهران، نشر آفاق، ط ۲، ۱۳۵۹ ه. ش.
۲۷. کلینی، محمد بن یعقوب، أصول الکافی. تهران: کتاب فروشی علمیه اسلامیه. اول: ج ۱، ۴، ۳۰۱.
۲۸. کوهن، تامس (۱۹۷۰)، ساختار انقلابیهای علمی، ترجمه احمد آرام، تهران: انتشارات سروش، ۱۳۶۹.
۲۹. مجلسی، محمدباقر بن محمد تقی، بحار الأنوار، ناشر: دار إحياء التراث العربی، بیروت، سال چاپ: ۱۴۰۳ ق.
۳۰. مصباح، محمدتقی، سلسله درسهایی درباره معرفت دینی (۲)، فصلنامه مصباح، شماره ۱۲.
۳۱. مصطفوی حسن، تعلیم و تربیت اسلامی، وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی، چاپ اول، ۱۳۶۸.



مادر: نمونه‌ی یک فرد خردمند از دیدگاه کودکان ۶ تا ۱۲ ساله

رزیتا خورشیدی؛ دانشجوی کارشناسی ارشد دانشگاه تهران

سمانه اسعدی؛ استادیار دانشگاه یزد

s.asadi@yazd.ac.ir

چکیده

خردمندی به عنوان ترکیب دانش و تجربه و توانایی به کارگیری عملی آن، از موضوعات نسبتاً اخیر در روانشناسی است که در گروه‌های بزرگسال بسیار مورد پژوهش قرار گرفته است؛ اما بررسی‌های تحولی در این حیطه از مباحث جدید و حائز اهمیت است. در چارچوب پژوهشی مقطعی، به منظور بررسی تحولی دیدگاه کودکان درباره افراد خردمند، ۴۰۸ دانش‌آموز دختر و پسر ۶ تا ۱۲ ساله در شهر یزد به شیوه نمونه‌گیری خوشه‌ای انتخاب شده و مورد مطالعه قرار گرفتند. در قالب مصاحبه و پرسشنامه بازپاسخ محقق ساخته، از کودکان خواسته شد یک فرد خردمند و عاقل را نام برده و علت انتخاب وی را نیز ذکر کنند. تحلیل یافته‌ها با استفاده از آزمون‌های خی‌دو نشان داد ۳۹٪ کودکان، مادر را به عنوان فرد خردمند معرفی کردند و سپس به ترتیب به پدر، دوستان، معلم، خواهر و برادر اشاره داشتند که این تفاوت‌ها از لحاظ آماری معنادار بود. تفاوت جنسیتی معناداری در انتخاب مادر توسط دختران (۴۸/۵٪) مشاهده شد؛ هم‌چنین انتخاب مادر با افزایش سن به طور معناداری افزایش یافت. در بررسی چرایی انتخاب مادر به عنوان فرد خردمند طبقه‌بندی پاسخ‌ها نشان داد در چهار طبقه بالاتر، ۷۳/۶٪ کودکان اهمیت دادن مادر به اطرافیان، ۴۶/۵٪ ویژگی‌های شناختی مادران، ۳۴/۶٪ مسائل اخلاقی و تبعیت از اصول و قوانین و ۲۲٪ خودکنترلی را علت خردمندی مادر دانستند. یافته‌ها با جزئیات بیشتر و بر پایه پژوهش‌های پیشین مورد بررسی قرار گرفته‌اند.

واژگان کلیدی: مادر، خردمندی، کودکان

مقدمه

خردمندی از آغاز تمدن بشری از موضوعات مطرح دین و فلسفه بوده است (گوگرل و ریفت، ۲۰۱۱) و از مباحث نسبتاً اخیر در روانشناسی است (اسعدی، ۱۳۹۲). فرهنگ لغت وبستر (۱۹۹۷) خردمندی را به عنوان "قدرت قضاوت درست و دنبال کردن یک رشته فعالیت‌هایی بر مبنای دانش، تجربه، و درک" تعریف کرده است. اما در حوزه روانشناسی تا کنون تعریفی که مورد توافق عموم نظریه پردازان باشد ارائه نشده است (آردلت، ۲۰۰۵؛ بالتز و اسمیت، ۲۰۰۸؛ گلوک و بلوک، ۲۰۱۱) و از خردمندی به عنوان مفهومی چندوجهی و مبهم یاد می‌شود (گلوک، ۲۰۱۵). در برخی شناخته شده‌ترین تعاریف خردمندی، از این سازه به عنوان دانش تخصصی در مورد مسائل عملی اساسی زندگی (بالتز و استودینگر، ۲۰۰۰)، مجموعه‌ای از ویژگی‌های شخصیتی شامل مؤلفه‌های شناختی، تأملی و شفقت (آردلت، ۲۰۰۳)، به کارگیری دانش آشکار و دانش ضمنی با هدف رسیدن به خیر همگانی از طریق متعادل سازی حوزه‌های مختلف زندگی (استرنبرگ، ۱۹۹۸) یاد شده است. از جمله رویکردهای پژوهشی مطرح در زمینه‌ی خردمندی رویکرد نظریه‌های ضمنی است. در این رویکرد پژوهشگران به دنبال درکی از استنباط عامیانه‌ی مردم در مورد خردمندی هستند (بلوک و گلوک، ۲۰۰۵) و عموماً از افراد خواسته می‌شود تا خردمندی را از دیدگاه خود توصیف کرده، یا یک چهره‌ی خردمند را نام برده و ویژگی‌های او را به عنوان فرد خردمند ذکر کنند (استرنبرگ و لوپارت، ۲۰۰۱ به نقل از اسعدی، ۱۳۹۲). یافته‌ها در این رویکرد پژوهشی نشان داده است تعریف خردمندی در گروه‌های مختلف سنی و جنسیتی متفاوت است (گلوک، بیشف و زبینهنر، ۲۰۱۲)؛ علاوه بر این تفاوت‌های بین فرهنگی نیز در تعریف و اهمیت خردمندی در فرهنگ‌های غربی و شرقی وجود دارد (تاکاهاشی و بردیا، ۲۰۰۰؛ تاکاهاشی و اورتون، ۲۰۰۵؛ یانگ، ۲۰۰۱؛ استرنبرگ و جردن، ۲۰۰۵).

یکی از مهمترین عواملی که می‌تواند در تبیین چنین تفاوت‌های فرهنگی، جنسیتی و البته سنی نقش داشته باشد توجه به روند‌های تحولی در طول دوره زندگی است. با توجه به نظریه‌های شناختی تحولی، مفاهیم ذهنی افراد و در واقع کودکان در خلال کسب تجربه و



با درونی کردن باورهای بزرگسالان، و ارزش ها و هنجارهای جامعه در ذهنشان شکل می گیرد (پیاژه و اینهلدر، ۱۹۵۲؛ ویگوتسکی، ۱۹۸۶). علاوه بر این بر اساس نخستین مدل شکل گیری مفهوم، مفاهیم ذهنی کودک بیشتر حول شباهت های خانوادگی طبقه بندی می شوند تا حول محور قواعد و ویژگی هایی که برای طبقه بندی آن مفهوم ضروری هستند (روچ، ۱۹۷۵). خانواده در واقع مؤثرترین عامل محیطی است که می تواند کودک را تحت تأثیر قرار دهد (عسکری، ۱۳۷۴؛ به نقل از شاکریان، ۱۳۸۸) چرا که اولین و مهم ترین پایگاهی است که کودک در آن از کیفیت روابط انسانی آگاه می شود (سانوا، ۱۹۸۵؛ به نقل از ویلکینسون، ۱۹۹۸).

یافته های پژوهش های متعدد در این زمینه بر روی بزرگسالان به ویژگی هایی همچون توانایی شناختی، بینش، گرایش های تأملی، اهمیت دادن به دیگران، و مهارت های حل مسأله به عنوان محوری ترین توصیف های خردمندی دست یافته اند (بلوک و گلوک، ۲۰۰۵؛ کونینگ و گلوک، ۲۰۱۲؛ گلوک و بلوک، ۲۰۱۱). پژوهش های بسیار اندکی در این زمینه در دوره ی کودکی انجام شده است (گلوک و دیگران، ۲۰۱۲). الیسون (۲۰۱۳) در پژوهشی دریافت که نوجوانان، خردمندی را مطلوب و قابل دسترس می دانند و خود را واجد برخی ویژگی های مرتبط با خردمندی می دانستند و معتقد بودند که آموزش رسمی مدرسه می تواند به آنها در رشد خردمندیشان کمک کند. در پژوهش گلوک و دیگران (۲۰۱۲) نیز گزارش شده است که آگاهی کودکان از مفهوم خردمندی در طول پایه های اول تا چهارم دبستان افزایش می یابد و هم چنین با بررسی تعاریف ارائه شده توسط کودکان از مفهوم خردمندی نتایج آنها نشان داد تمرکز تعاریف کودکان بیشتر بر جنبه های شناختی و اجتماعی خردمندی بود و کودکان بیش از همه پدر بزرگ یا مادر بزرگ خود را به عنوان فردی خردمند مثال زده بودند.

از آنجا که روابط کودکان با افرادی که مراقبت آنان را به عهده دارند پایه های مهمی برای تحول شناختی و عاطفی آنها محسوب می شود (بالبی، ۱۹۶۹؛ واتسون، ۱۹۲۸) و از طرفی با توجه به تفاوت فهم مفاهیم در گروه های سنی مختلف (ون در ویر، ۱۹۹۴)، در این پژوهش تعریف خردمندی از دیدگاه کودکان در قالب ارائه مثالی از افراد خردمند و ویژگی های آنان کودکان پیگیری شد. پژوهش درصدد بود تا دریابد کودکان سنین ۶ تا ۱۲ ساله چه کسانی را به عنوان افراد خردمند شناخته و انتخاب می کنند؟ و آیا مراقبان اصلی کودک که تکیه گاه عاطفی آنان هستند می توانند به عنوان افراد خردمند توسط آنان انتخاب شوند؟ کودکان ۶ تا ۱۲ ساله فرد مورد نظر خود را با چه ویژگی هایی توصیف می کنند؟ و در نهایت این که آیا در پاسخ به این سوالات تفاوت های سنی و جنسیتی وجود دارد؟

روش

طرح این پژوهش توصیفی از نوع علی-مقایسه ای بود و در در چارچوب پژوهش های تحولی مقطعی انجام شد. جامعه ی آماری این پژوهش شامل تمامی کودکان ۶ تا ۱۲ ساله (دختر و پسر) شهر یزد بود که از میان آنها، ۴۰۶ نفر (۲۰۲ دختر و ۲۰۴ پسر) از دو مدرسه در مرکز شهر یزد با استفاده از روش نمونه گیری خوشه ای به عنوان حجم نمونه انتخاب شدند. دو کلاس از پایه ی پیش دبستانی و چهار کلاس از پایه های دوم، چهارم و ششم این مدارس به صورت تصادفی انتخاب گردید و تمامی دانش آموزان کلاس در پژوهش شرکت کردند (جدول ۱). از ۴۰۸ نفر شرکت کننده در این پژوهش تعداد ۲۵۶ نفر از آنان در خانواده های صاحب دو فرزند زندگی می کردند و اکثر آنها (۲۲۴ نفر) فرزندان ارشد خانواده بودند.

ابزار جمع آوری داده ها پرسشنامه ی بازپاسخ محقق ساخته به همراه مصاحبه در گروه های سنی پایین بود. پرسشنامه ی محقق ساخته ی این مطالعه با اطلاعات جمعیت شناختی کودکان (نام و نام خانوادگی، سن، تعداد خواهر و برادر، ترتیب تولد) شروع می شد و در ادامه شامل سه سؤال باز پاسخ بود: "آیا تو فرد خردمند و عاقلی را می شناسی؟"، "او کیست؟"، "آن فرد خردمند و عاقل به نظر تو چه ویژگی هایی دارد؟" (اسعدی، ۱۳۹۴؛ استرنبرگ، ۱۹۸۵؛ یانگ، ۲۰۰۱؛ گلوک و بلوک، ۲۰۱۱). اجرای پرسشنامه برای پایه های پیش دبستانی و دوم با مصاحبه همراه بود. پژوهشگر پس از برقراری ارتباط مؤثر با کودکان سوالات را پرسیده و ضبط کرده و در مرحله بعد کار پیاده سازی اطلاعات انجام شده است. برای تحلیل داده های پژوهش ابتدا پژوهشگران پاسخ های کودکان را چند مرتبه مطالعه نمودند و سپس فهرستی از صفات، رفتار ها و ویژگی ها تا حد اشباع تهیه شد. در وهله ی بعد همپوشانی این صفات و رفتارها شناسایی شده و سپس بر اساس پر تکرارترین ها طبقات نام گذاری شده و کدهای اولیه شان مشخص شد. در ادامه طبقات با فراوانی کمتر از ۵ نفر حذف شد و در نهایت طبقاتی که معانی



مشترک داشتند شد ادغام گشته و کدهای تعریف شده برای طبقات تأیید شد (اسعدی، ۱۳۹۴؛ گلوک و دیگران، ۲۰۱۲). تحلیل داده ها با استفاده از نرم افزار SPSS صورت گرفت و با توجه به اشاره ی افراد به هر یک از طبقات به صورت ۰ و ۱ به آنها نمره ای داده شد. یافته ها

در پاسخ به سؤالات پژوهش، بررسی فراوانی و درصد فراوانی پاسخ های کودکان نشان داد ۳۹٪ کودکان، مادر خود را به عنوان فرد خردمندی که می شناسند معرفی کردند و پس از آن به ترتیب ۳۱/۶٪ به پدر، ۱۶/۷٪ دوستان، ۱۴/۵٪ معلم، ۱۰/۵٪ خواهر و برادر، ۱۰٪ به عمو یا دایی (یا شوهر عمه، شوهر خاله)، ۸/۱٪ به پدر بزرگ یا مادر بزرگ، ۷/۸٪ به خاله یا عمه (یا زن عمو، زن دایی)، و ۶/۶٪ به فرزندان عمو یا دایی یا خاله و یا عمه اشاره داشتند. تحلیل یافته ها با استفاده از آزمون خی دو نشان داد این تفاوت ها از لحاظ آماری معنادارند و نیز نتایج تحلیل خی دو نشان داد تفاوت جنسیتی معناداری در انتخاب مادر بین دو جنس وجود دارد (دختران (۴۸/۵٪)، $\chi^2 = ۱۵/۰۰۰$ ، $p = ۰/۰۰۱$). علاوه بر این در جدول ۲ و نمودار ۱ تغییرات این انتخاب با توجه به سن ارائه شده است.



نمودار ۱. درصد فراوانی انتخاب مادر به عنوان فرد خردمند در گروه های سنی

در پاسخ به سؤال دیگر پژوهش که بررسی چرایی انتخاب مادر به عنوان فرد خردمند بود، پاسخ های کودکان به دقت مورد بررسی قرار گرفت و پس از طبقه بندی و کدگذاری دقیق پاسخ ها نتایج تحلیل فراوانی و درصد فراوانی ها نشان داد ۷۳/۶٪ کودکان "اهمیت دادن به اطرافیان" را علت خردمندی مادران می دانستند. در وهله ی بعد ۴۶/۵٪ از کودکان "ویژگی های شناختی"، ۳۴/۶٪ "ویژگی های اخلاقی و تبعیت از اصول و قوانین"، ۲۲٪ نیز "خود-کنترلی" را در مادران به عنوان علت خردمندی مادر ذکر کردند. در نهایت ویژگی های تأملی مادران با ۱۶/۴٪، خردمندی عملی با ۷/۵٪ و ویژگی های ظاهری با ۲/۵٪ علل بعدی انتخاب مادر به عنوان فردی خردمند بودند. لازم به ذکر است برخی از کودکان به بیش از یک ویژگی یا صفت در توصیف خردمندی مادر اشاره داشتند؛ در نتیجه پاسخ آن ها به بیش از یک گروه تعلق می گرفت. جزئیات طبقات به همراه نمونه هایی از توصیف کودکان از این ویژگی ها در جدول ۳ آمده است.

جدول ۱. طبقات صفات، رفتارها و ویژگی ها به همراه نمونه ای از توصیف های کودکان

عنوان طبقه	نمونه ای از زیر گروه های طبقه	نمونه ای از صفات یاد شده در زیر گروه ها
اهمیت دادن به اطرافیان	مهربانی، خوش خلقی، یاری گری، گذشت، همدلی و درک متقابل	مهربان است، به من کمک می کند، من را درک می کند، به فکر دیگران نیز هست، با بچه ها بازی می کند
ویژگی های شناختی	هوش بالا، تحلیل گری، علم دوستی، کتاب خوانی	باهوش، اهل مطالعه، همه چیز را می داند، دانا، باسواد
ویژگی های اخلاقی/پابندی به اصول و قوانین	ادب و احترام، ایمان، تبعیت از دستورات دینی، پیروی از قانون و مقررات	مؤدب، به دیگران احترام می گذارد، دروغ نمی گوید، خوب و بد را از هم تشخیص می دهد
کنترل خود	صبر، خونسردی، سکوت، تلاشگری، آرامش	صبور، زود عصبانی نمی شود، ساکت، جدی، باوقار، فروتن،
ویژگی های تأملی	فکور بودن، در نظر گرفتن تمامی جوانب و تأمل پیش از انجام هر کار	با فکر کردن کاری را انجام می دهد، به فضا یا خوب نگاه می کند



خردمندی عملی	استفاده ی درست و به جا از عقلانیت و علم خود و تصمیم گیری صحیح	درست تصمیم می گیرد، از فکر و تجربه اش در کارها استفاده می کند، از علم خود در جای مناسب استفاده می کند
ویژگی های ظاهری	زیبایی، آراستگی	لباس خوب می پوشد، تمیز و مرتب است، زیبا، پاکیزه

در بررسی تحولی، پاسخ های کودکان نشان داد در تمام گروه های سنی ویژگی "اهمیت دادن به دیگران" اولویت اول کودکان در توضیح خردمندی مادر بود و سپس در تمام گروه های سنی به جز پیش دبستانی، پاسخ های رده ی دوم و سوم به ترتیب متمرکز بر "ویژگی های شناختی" و "ویژگی های اخلاقی/پایبندی به اصول و قوانین" بود. پاسخ های گروه پیش دبستانی نیز پس از اهمیت دادن به دیگران بر "ویژگی های اخلاقی/پایبندی به اصول و قوانین" و سپس ویژگی های "ظاهری" و "شناختی" در یک رده متمرکز بود. بررسی های آزمون خی دو نشان داد همراه با افزایش سن اشاره ی کودکان به "ویژگی های تأملی" ($\chi^2 = 8/629$, $p = 0/035$) و "خردمندی عملی" ($\chi^2 = 13/310$, $p = 0/004$)، به طرز معناداری افزایش یافته است. جزئیات یافته های مذکور در جدول ۴ آمده است.

جدول ۲. فراوانی و درصد فراوانی و نتایج آزمون خی دو طبقات صفات، رفتار و ویژگی ها در گروه های سنی

ویژگی های ظاهری	خردمندی عملی		ویژگی های تأملی		کنترل خود		ویژگی های اخلاقی/ پایبندی به اصول و قوانین		ویژگی های شناختی		اهمیت دادن به دیگران			
	درصد فراوانی	فراوانی	درصد فراوانی	فراوانی	درصد فراوانی	فراوانی	درصد فراوانی	فراوانی	درصد فراوانی	فراوانی	درصد فراوانی	فراوانی		
پیش دبستانی	۱۲/۵	۱	۰	۰	۰	۰	۰	۰	۲۵	۲	۱۲/۵	۱	۸۷/۵	۷
دوم	۲/۳	۱	۰	۰	۶/۸	۳	۱۳/۶	۶	۳۱/۸	۱۴	۵۰	۲۲	۶۵/۹	۲۹
چهارم	۲	۱	۴	۲	۱۶	۸	۲۴	۱۲	۳۴	۱۷	۵۲	۲۶	۸۰	۴۰
ششم	۱/۸	۱	۱۷/۵	۱۰	۲۶/۳	۱۵	۲۹/۸	۱۷	۳۸/۶	۲۲	۴۳/۹	۲۵	۷۱/۹	۴۱

بحث و نتیجه گیری

این مطالعه به بررسی دیدگاه کودکان ۶ تا ۱۲ سال از مفهوم خردمندی پرداخت و اکثر کودکان در کل گروه نمونه مادر را به عنوان چهره ی خردمندی که می شناختند، معرفی کردند. تاکنون پژوهش های بسیاری درباره تأثیرات محیط خانه بر تحول شناختی کودکان گزارش شده است (کروسنو، لونت، ویرث، پیرس و پیانتا، ۲۰۱۰؛ نانگ، باگرت، ویمپانی و مک مایکل، ۲۰۰۷) و به طور ویژه بر نقش مادر در تحول کودک به عنوان نخستین آموزگار تأکید داشته اند (سکا و موراتی، ۲۰۱۶). همسو با چنین یافته هایی در نتایج این پژوهش نیز مادر که نخستین شخص مهم زندگی کودک است (بالبی، ۱۹۶۹) به عنوان مصداق عینی یک فرد خردمند معرفی شد.

یافته ی دیگر پژوهش افزایش تعداد کودکانی بود که همراه با افزایش سن، همچنان مادر را به عنوان فرد خردمند معرفی کردند. مطابق نظر بالبی (۱۹۵۳) الگوهای واقعی درونی که زیربنای دلبستگی کودک به مادر است در طول زمان و در یک محیط باثبات، پایدارتر می شوند (سودین و همکاران، ۲۰۰۲) و این موضوع موجب اهمیت بیشتر چهره ی مادر در ذهن کودک خواهد بود. هم چنین در طول سال های ششم تا دوازدهم زندگی، بحث یادگیری اجتماعی و الگوهای زندگی برای کودک پررنگ تر می شود (ثنایی، ۱۳۶۸) و طبق نظر بندورا (۱۹۶۷) داشتن روابط صمیمی با فردی که برای کودک الگوست، اهمیت الگو را در ذهن کودک بیشتر می سازد. به بیانی دیگر در طول سال های کودکی میانه به همراه افزایش روند الگوگیری، اهمیت مراقبت والدین از کودک (به طور ویژه مادر) که نیروی محرکه ی کودک برای الگو قرار دادن افراد است (میلر و دولارد، ۱۹۴۱) نیز اوج می گیرد.



یافته‌ی مهم دیگر این پژوهش، تفاوت‌های جنسیتی در انتخاب بیشتر مادر توسط دختران (۴۸/۵٪) بود که این موضوع می‌تواند بیانگر اهمیت مضاعف ارتباط با والد هم‌جنس را در سنین کودکی میانه نشان دهد. از زمان کارن هورنای (۱۹۶۷) تاکنون بر اهمیت رابطه‌ی مادر و فرزند دختر در زندگی هردو به ویژه در زندگی دختران تأکید و بحث شده است و مطالعات در این زمینه نشان داده‌اند که زنان هویت خود را به طور ویژه در ارتباط با مادران خود توضیح داده و تعریف می‌کنند. این بدان معناست که چهره‌ی مادر برای دختران، منبع و سرچشمه‌ی هویت است و هویت دختران به طور خودآگاه یا ناخودآگاه از مادر اتخاذ می‌شود (اشرف، ۲۰۱۷). در آخر یافته‌ی دیگر پژوهش نشان داد توصیف کودکان از افراد خردمند بیش از همه متکی بر ویژگی‌های اهمیت قائل شدن برای دیگران بود در حالی که مطالعه‌ی مشابه بر روی نمونه‌ی اتریشی ویژگی‌های شناختی را به عنوان مهم‌ترین ویژگی فرد خردمند در ذهن کودکان معرفی کرد (گلوک و دیگران، ۲۰۱۲) که این نتیجه می‌تواند متأثر از فرهنگ ایرانی اسلامی ما باشد و نشان دهنده‌ی تفاوت در مفهوم سازی غربی و شرقی از خردمندی است. مفاهیم غربی، خردمندی را بیشتر شامل دانش و استدلال دانسته و مفاهیم شرقی تمرکزشان بر تجارب زندگی و شفقت و خیر اندیشی است (تاکاهاشی و بوردیا، ۲۰۰۰). بررسی‌های تحولی توصیف‌های کودکان نشان داد که همراه با افزایش سن کودکان تأکید توصیف آن‌ها از مفهوم خردمندی به طرز معناداری بیشتر بر ویژگی‌های تأملی و خردمندی عملی متمرکز است. کودکان همگام با افزایش ظرفیت‌های شناختی خود در طول تحول و نیز افزایش تجربه، از جنبه‌های انتزاعی‌تر مفهوم خردمندی آگاه شده و ویژگی‌هایی همچون ویژگی‌های تأملی و کاربست خردمندی در جریان زندگی را در توصیف این مفهوم مهم‌تر از ویژگی‌های عینی برمی‌شمارند. در مجموع یافته‌ها نشان داد که کودکان در طول سال‌های دبستان به درکی از مفهوم خردمندی دست می‌یابند و نخستین‌الگوی خردمندی برای اکثریت کودکان در بستر خانواده شکل می‌گیرد. درک کودکان از مفهوم خردمندی به طور فزاینده‌ای با افزایش سن پیچیده‌تر و انتزاعی‌تر می‌گردد. در راستای این خط پژوهشی به عنوان نمونه پیشنهاد می‌شود پژوهش‌های آتی به مصاحبه‌های عمیق با افراد خردمند معرفی شده توسط کودکان پرداخته و یافته‌ها را در کنار یافته‌های این پژوهش تبیین و بررسی نماید.



منابع

اسعدی، س. (۱۳۹۴). ویژگی های افراد خردمند بر پایه نظریه های ضمنی: با نگاهی بر تفاوت های گروه های سنی و جنسیتی. پژوهش نامه روانشناسی مثبت، سال اول، شماره اول، ۵۱-۶۶.

اسعدی، س.، امیری، ش.، مولوی، ح.، باقری نوع دوست، خ. (۱۳۹۲). معرفی مفهوم خردمندی در روان شناسی و کاربردهای آموزشی آن. رویکردهای نوین آموزشی، سال هشتم، شماره ۲، شماره پیاپی ۱۸.

ثناپی، ب. (۱۳۶۸). نظریه ی یادگیری اجتماعی. فصلنامه تعلیم و تربیت (آموزش و پرورش)، ۲۰، ۲۱-۱۱.

شاکریان، ع. (۱۳۸۸). مقایسه ترسیم خانواده جهت تحلیل روان شناختی کودکان در خانواده های عادی و تک والدی. مجله اصول بهداشت روانی، ۱۱، ۴، ۳۲۱-۳۱۲.

Ardelt, M. (۲۰۰۳). Empirical assessment of a three-dimensional wisdom scale. *Research on Aging*, ۲۵, ۲۷۵-۳۲۴.

Ardelt, M., (۲۰۰۴). Expert knowledge system: A Critical Review of a Contemporary Operationalization of an Ancient Concept, *Human development*, No. ۴۷, ۲۵۷- ۲۸۵.

Ardelt, M. (۲۰۰۵). "How wise people cope with crises and obstacles in life." Revision, ۲۸, ۱, ۷-۲۰.

Ashraf, R. (۲۰۱۷). Psychodynamics of Mother Daughter Relationship: Degrees of Deprivation, Oppression and Dispossession in Doris Lessing's Fiction. *Khazar Journal of Humanities and Social Science*, ۲۰, ۱. ۷۷-۹۱.

Baltes, P. B., & Smith, J. (۲۰۰۸). The fascination of wisdom: Its nature, ontogeny, and function. *Perspectives on Psychological Science*, ۳, ۵۶-۶۴.

Baltes, P. B. & Staudinger, U. M. (۲۰۰۰). Wisdom A Metaheuristic (Pragmatic) to Orchestrate Mind and Virtue Toward Excellence. *American Psychologist*, ۵۵(۱), ۱۲۲-۱۳۶.

Bandura, A. (۱۹۶۷). "Behavioral psychotherapy." *Scientific American*, ۲۱۶(۳), ۷۸-۸۸.

Bluck, S. & Gluck, J. (۲۰۰۵). From the inside out: People's implicit theories of Wisdom. In R. J. Sternberg & J. Jordan (Eds.), a handbook of wisdom: Psychological perspectives. (pp. ۸۴-۱۰۹). Cambridge, UK: Cambridge University Press.

Bowlby, J. (۱۹۵۳). "Some pathological processes set in train by early mother-child separation." *The British Journal of Psychiatry*, ۹۹(۴۱۵), ۲۶۵-۲۷۲.

Bowlby, J. (۱۹۶۹). Attachment, Vol. ۱ of Attachment and loss, New York: Basic Books.

Ceka, A. & Murati, R. (۲۰۱۶). The role of parents in the education of children. *Journal of education and practice*, ۷, ۵, ۶۱-۶۵.

Crosnoe, R., Leventhal, T., Wirth, R. J., Pierce, K. M., & Pianta, R. (۲۰۱۰). Family socioeconomic status and consistent Environmental stimulation in early childhood. *Child Development*, ۸۱(۳), ۹۷۲-۹۸۷.

Ellison, K. L. (۲۰۱۳). Adolescent Conceptualizations of Wisdom: A Phenomenological Study, Prescott College: Chicago.

Glück, J. (۲۰۱۵). Wisdom, Psychology of. In *International Encyclopedia of the Social & Behavioral Sciences*, pp. ۵۹۰-۵۹۷.



- Glück, J., Bischof, B., & Siebenhüner, L. (۲۰۱۲). "Knows what is good and bad," "Can teach you things," "Does lots of Crosswords:" Children's knowledge about wisdom. *European Journal of Developmental Psychology*, ۹, ۵۸۲-۵۹۸.
- Glück, J. & Bluck, S. (۲۰۱۱). Laypeople's conceptions of wisdom and its development: Cognitive and integrative views. *Journals of Gerontology: Psychological Sciences*, ۶۶B, ۳۲۱-۳۳۴.
- Gugerell, S. H., & Riffert, F. (۲۰۱۱). On Defining "Wisdom": Baltes, Ardelt, Ryan, and Whitehead, *Interchange*, ۴۲, ۳, ۲۲۵-۲۵۹.
- Horney, K. (۱۹۶۷). *Feminine psychology*. New York: Norton.
- König, S. & Gluck, J., (۲۰۱۲). Situations in which I was wise: Autobiographical wisdom memories of children and adolescents. *Journal of research on adolescence*, ۲۲, ۵۱۲-۵۲۵.
- Miller, N. E., & Dollard, J. (۱۹۴۱). *Social Learning and Imitation*. New Haven: Yale University Press.
- Piaget, J., et al. (۱۹۵۲). *The Child's Conception of Number* (trans. C. Gattegno and FM Hodgson), London: Routledge & Paul.
- Rosch, E. (۱۹۷۵). Cognitive representations of semantic categories. *Journal of Experimental Psychology: General*, ۱۰۴, ۱۹۲-۲۳۲.
- Sternberg, R. J. (۱۹۸۵). Implicit theories of intelligence, creativity, and wisdom. *Journal of Personality and Social Psychology*, ۴۹, ۶۰۷-۶۲۷.
- Sternberg, R. J. (۱۹۹۸). A balance theory of wisdom. *Review of General Psychology*, ۲, ۳۴۷-۳۶۵.
- Sternberg, R. J., & Jordan, J. (Eds.). (۲۰۰۵). *a handbook of wisdom: Psychological perspectives*. New York: Cambridge University Press
- Sundin, E., Wiberg, B., Eklöf, H. (۲۰۰۲). Change and stability of attachment from childhood to early adulthood, *Umea Psychology Reports*, ۲, ۱-۹.
- Takahashi, M., & Bordia, P. (۲۰۰۰). Concept of wisdom: A cross-cultural Comparison. *International Journal of Psychology*, ۳۵(۱), ۱-۹.
- Takahashi, M., & Overton, W. F. (۲۰۰۵). Cultural foundations of wisdom: An Integrated developmental approach. In R. J. Sternberg & J. Jordan (Eds.), *A Handbook of wisdom: Psychological perspectives* (pp. ۳۲-۶۰). Cambridge: Cambridge University Press.
- Tong, S., Baghurst, P., Vimpani, G., & McMichael, A. (۲۰۰۷). Socioeconomic position, maternal IQ, home environment, and cognitive development. *The Journal of Pediatrics*, ۱۵۱, ۳, ۲۸۴-۲۸۸.
- Van der veer, R (۱۹۹۴), *The Concept of Development and the Development of Concepts*. Education and Development in Vygotsky's Thinking, *European Journal of Psychology of Education*, Vol. IX, ۴, ۲۹۳-۳۰۰.



نقش مادران در ترویج سبک زندگی ایرانی - اسلامی

محسن کوهساری؛ کارشناس ارشد تاریخ دانشگاه فرهنگیان

mohsen.ko57@gmail.com

سارا امینی؛ کارشناس علوم اجتماعی پژوهشگری

sara.am58@gmail.com

سکینه امینی؛ کارشناس ارشد مشاوره تحصیلی

Aminiamini64@gmail.com

حمید سارونی؛ کارشناس ارشد زبان انگلیسی

hamidsarooni@yahoo.com

چکیده

موضوع مقاله حاضر نقش مادران در ترویج سبک زندگی ایرانی - اسلامی می باشد در این مقاله اعتقاد بر این است که مادران نقش مهمی در ترویج سبک زندگی ایرانی - اسلامی بر عهده دارند این پژوهش با روش توصیفی - تحلیلی با استفاده از منابع مختلف نشان می دهد اگر در جامعه ای بخواهیم سبک زندگی خاصی را ترویج نماییم در ابتدا باید بر روی خانواده ها تمرکز کنیم درست است که در عصر حاضر محیط آموزشی و رسانه ها نیز بر سبک زندگی تأثیر فوق العاده ای دارد اما اگر خوب دقت کنیم درمی یابیم که تأثیرگذاری محیط آموزشی و رسانه ها به قدرت خانواده نیستند و علاوه بر آن تأثیر آنان نیز تا حدی از خواست خانواده ها نشأت می گیرد. افراد مهمترین و اساسی ترین سال های زندگی خود را در کنار مادران می گذرانند لذا مادرانند که نوع سبک زندگی فرد را در آینده مشخص می نمایند. هر انتخابی که در زندگی انسان صورت می گیرد، برگرفته از تفکر اندیشه و سبک زندگی وی است. سبک زندگی می تواند زمینه تمدن سازی و فرهنگ سازی یک جامعه باشد. لذا نوع سبک زندگی غالب در جامعه بسیار مهم است در پایان با تحلیل موضوع راهکاری جهت نقش آفرینی بیشتر مادران در ترویج سبک زندگی ایرانی - اسلامی ارائه گردیده است.

کلیدواژه ها: سبک زندگی، اسلام، مادران، سبک زندگی ایرانی - اسلامی

مقدمه:

اولین و اساسی ترین عنصر هر جامعه ای در طول تاریخ خانواده است. خانواده در شکل گیری شخصیت انسان ها نقشی مهمی را ایفا می کند. بی تردید نقش خانواده پررنگ تر از سایر عوامل مختلف است نقش بی بدیل خانواده به دلایل مختلفی برمی گردد. اولاً خانواده و والدین اولین مربیانی هستند که ارزش ها را برای انسان معرفی می کنند ثانیاً تعلق عاطفی که میان اعضای خانواده وجود دارد موجب می شود که افراد به ویژه در سنین خاصی نظرات اعضای خانواده برایشان حائز اهمیت باشد. اگر در جامعه ای بخواهیم سبک زندگی خاصی را ترویج نماییم در ابتدا باید بر روی خانواده ها تمرکز کنیم. خانواده از دو عضو مهم مادر و پدر تشکیل شده است و چون مادر در ابتدایی ترین سنین در کنار فرزند خود و در تعامل بیشتری با وی می باشد لذا نقش مادران در ترویج سبک زندگی ایرانی - اسلامی مهم تر می باشد اگر مادران نقش خود را در ترویج



سبک زندگی ایرانی-اسلامی به درستی اجرا کنند هیچ نهاد و عاملی نمی‌توانند به گونه‌ای بر هویت و عملکرد فرد تأثیر بگذارند که میان او و فرهنگ اصیل اسلامی - ایرانی فاصله قابل توجهی بیندازد.

یکی از اصلی‌ترین روش‌های تربیتی، روش الگویی است، از آن جایی که تأثیر شخصیت الگو در شکل‌گیری رفتار و منش تربیت فرد بسیار زیاد است. لذا نقش مادران بسیار مهم است. در جوامع بشری برای پیشرفت و تکامل همه جانبه علاوه بر نیاز مبرم به تعلیم، قوانین و برنامه‌های متعدد به وجود الگو نیز احتیاج دارند. باید در مسیر حرکت جوامع انسانی افرادی به عنوان الگوهای زندگی قرار داشته باشند تا افراد جامعه از اعمال و رفتار آنها سرمشق بگیرند و افراد شخصیت خود را مطابق آن الگوها بسازند. مادر به عنوان بالاترین الگو در تربیت، نقش بسیار اساسی و تعیین‌کننده در تربیت، پویایی، استحکام، امنیت و آرامش روانی و رشد ابعاد مختلف شخصیتی فرزندان دارد. چنان که حضرت امام خمینی (ره) جایگاه و نقش مادر در تربیت دینی فرزندان را بسیار مهم قلمداد نموده و مادران را تعیین‌کننده آینده جوامع بشری می‌داند.

بیان مسئله :

خانواده رکن محوری در جوامع بشری به شمار می‌رود که زن و مرد اساسی‌ترین ارکان آن هستند مهم‌ترین کارکردهای خانواده تولید نسل، تربیت و پرورش شخصیت انسانی افراد جامعه و حفظ و انتقال میراث فرهنگی به نسل‌ها است. یکی از بخش‌هایی که می‌تواند به سبک زندگی ایرانی-اسلامی کمک کند، خانواده است؛ زیرا رکن اساسی هر جامعه توسط خانواده‌ها و با فرهنگ‌هایی که در آن جوامع وجود دارد، بروز و ظهور خود را نمایان می‌سازد بدون تردید مادر دارای نقش اساسی در خانواده می‌باشد. مادر عنصر اساسی در تشکیل خانواده، در طول قرن‌ها و در مکتب‌ها، مسلک‌ها و جوامع مختلف است از نظر مقام، موقعیت و معرفی هویت، همواره فراز و نشیب‌هایی را طی کرده است. اما آنچه که همیشه ثابت مانده تأثیر گذاری مادران در جوامع می‌باشد. مادران را در خانواده می‌توان مربی دانست و در اسلام هم این موضوع مورد تأکید قرار گرفته که مادر به عنوان مدیر داخلی خانه با رفتار و کردار خود می‌تواند فرزندان و همسر خود را به سمت سبک زندگی اسلامی گرایش دهد و از آن جایی که خانواده نخستین حلقه از جامعه است اگر خانواده در مسیر سبک زندگی ایرانی-اسلامی حرکت کنند به طبع آنها جامعه هم در مسیر سبک زندگی ایرانی-اسلامی قرار می‌گیرد. زن در نقش مادر محور توسعه اجتماعی و رکن اصلی سبک زندگی است و هیچ فرآیند توسعه‌ای به نتیجه مطلوب نخواهد رسید، مگر آنکه سبک و الگوی نقش مادری متحول گردد و از سوی دیگر زندگی ایرانی-اسلامی مبنای زندگی مادران قرار گیرد. متأسفانه در جامعه ایرانی و اسلامی اگر نگاهی به نوع پوشش‌ها رفتارها و حرکات و... افراد بیندازیم به راحتی متوجه خواهیم شد که در جامعه امروز ما سبک زندگی ایرانی-اسلامی حاکم نمی‌باشد. این موضوعی است که باید از دیدگاه جامعه‌شناسی مورد بررسی قرار گیرد. از آنجایی که مادران قسمت اعظم جامعه و موثرترین افراد می‌باشند در مقاله حاضر به بررسی نقش آنان در ترویج سبک زندگی ایرانی-اسلامی پرداخته شده است.

اهمیت موضوع :

سبک زندگی حقیقت و هویت معنوی جامعه است که ساختار کیفی زندگی آن جامعه را مشخص می‌کند. اگر بخواهیم از ارکان اساسی جوامع بشری سخنی به میان بیاوریم باید به بانوان و مادران جامعه اشاره نماییم که عالی‌ترین نقش سازنده را با عناوین همسر و مادر در دایره زیستی انسانی دارا می‌باشند و بدین خاطر است که اگر بانوان یک افرادی والا و عالم باشند آن جامعه در کمال سلامت و سعادت انسانی خواهد بود. زنان، رهبران اولیه هدایت فکری، اعتقادی و عاطفی جامعه هستند زنان به عنوان نیمی از جامعه می‌توانند با شناختن ابعاد سبک زندگی ایرانی-اسلامی و با پیاده کردن ارزش‌های اعتقادی و معنوی در خانواده موجبات سبک زندگی ایرانی-اسلامی را فراهم کنند، و سبک زندگی خانوارها را از رویکرد مادی و مصرف‌گرایی به سمت تولید فکر، صرفه‌جویی و ارزشمندی سوق دهند مادران نقشی اساسی در ترویج عملی و عینی سبک زندگی ایرانی-اسلامی دارند، در حقیقت، مادر است که فرهنگ، معرفت، تمدن و ویژگی‌های اخلاقی یک قوم و جامعه را با جسم، روح و



اخلاق و رفتار خود، دانسته و ندانسته به فرزند منتقل می‌کند. شکی نیست که خانواده امروز ایرانی با خانواده متعادلی که باید سنگ بنای یک جامعه سالم باشد، فاصله زیادی دارد خانواده به عنوان اولین و مهمترین نهاد در امر تربیت و انتقال ارزشها به نسل بعدی دچار مشکلات متعددی شده است. متأسفانه در حال حاضر وضعیت جامعه و مادران در خصوص تقید به سبک زندگی اسلامی دچار بحران جدی شده است، و بیشتر از آن که فرهنگ اسلامی ایرانی در خانواده های ایرانی حاکم باشد مخلوطی از فرهنگ غربی رسوخ یافته است سبک زندگی غربی به علت نگاه و برداشت‌های سلطه‌گرایانه، تبدیل فرهنگ به صنعتی اقتصادی، سبک زندگی مبتنی بر مصرف‌گرایی را هدف قرار داده اند و انسان محوری افراطی و بی‌قیدی تنها چیزی است که این فرهنگ برای جوانان و خانواده‌های ایرانی به ارمغان می‌آورند. لذا توجه به موضوع سبک زندگی بسیار حائز اهمیت می باشد.

اهداف تحقیق:

هدف کلی: شناخت سبک زندگی ایرانی- اسلامی

هدف جزئی: شناسایی نقش مادران به عنوان عامل تأثیرگذار در ترویج سبک زندگی ایرانی - اسلامی

روش تحقیق:

این پژوهش با روش توصیفی - تحلیلی نشان می‌دهد مادران نقش اساسی در ترویج سبک زندگی ایرانی - اسلامی دارند. در این پژوهش محقق با رجوع به کتابخانه‌ها، مراکز تحقیقاتی و پژوهشی، بخش نشریات و روزنامه‌ها به جمع‌آوری اطلاعات در زمینه فوق پرداخته است.

تعریف مفاهیم:

«خانواده: تعریف خانواده در طول زمان با تغییراتی همراه بوده است. برخی خانواده را گروهی از افراد می‌دانند که از راه خون، زناشویی و یا فرزندپروری با یکدیگر ارتباط می‌یابند و طی یک دوره‌ی زمانی نامشخص، با هم زندگی می‌کنند.» (کوئن، ۱۳۷۸، ۱۲۷)

«آنتونی گیدنز خانواده را گروهی از افراد می‌داند که با ارتباطات خویشاوندی مستقیماً پیوند یافته و اعضای بزرگسال آن مسئولیت مراقبت از کودکان را بر عهده دارند. پیوندهای خویشاوندی ارتباطات میان افراد است که یا از طریق ازدواج برقرار شده، یا از طریق تبار است که خویشاوندان خونی را با یکدیگر مرتبط می‌سازد.» (گیدنز، ۱۳۸۳: ۴۲۴)

سبک زندگی: سبک زندگی الگویی از اندیشه‌ها، احساسات شناختها و کنش‌هاست که در مجموع هویت اجتماعی و شخصی فرد را می‌سازد (سایرا، ۱۹۹۶) و به معنی نحوه ساماندهی زندگی برای تحقق نیازها و خواسته‌ها با به کارگیری مجموعه‌ای از رفتارهاست. به عقیده گیدنز می‌توان از سبک زندگی به عنوان مجموعه‌های کم و بیش جامع از عملکردها تعبیر کرد که فرد آنها را به کار می‌گیرد و روایت خاصی است که وی برای هویت شخصی خود برگزیده است (گیدنز، ۱۳۷۸: ۱۲۰)

«از نظر جامعه‌شناختی، سبک زندگی مجموعه رفتارهایی تعریف شده است که افراد یا گروهها برمی‌گزینند و ممکن است نمایانگر نگرشها و گرایشها و وجه تمایز آنان از سایرین باشد.» (الفت و سالمی، ۱۳۹۱: ۴۵)

تاریخچه و پیشینه موضوع:



پیشینه سبک زیستن به حیات بشر باز می‌گردد و هر فرد و یا گروه انسانی که در هر کجای این کره‌ی خاکی می‌زیسته‌اند به زبان امروزی دارای سبک زندگی مختص به خود بوده‌اند، اما پیشینه‌ی ادبیات و مفهوم سبک زندگی به زمانی باز می‌گردد که افرادی مانند آدلر (۱۹۲۲)، برای نخستین بار این مقوله را شکل‌بندی کرده و به شکل علمی مورد بررسی قرار دادند

« درباره‌ی موضوع سبک زندگی در ایران، رساله‌ها و کارهای تحقیقاتی معدودی وجود دارد که در این میان می‌توان به نگاشته‌ی محمدرضا رسولی اشاره کرد. این تحقیق با نام «بررسی سبک زندگی در تبلیغات تجاری تلویزیون» کتاب «بررسی تأثیر مصرف رسانه‌ها بر سبک زندگی ساکنان تهران» که توسط سید نورالدین رضوی زاده نوشته شده، بر این باور مبتنی است که ارتباطات با پیش‌رو نهادن یا معرفی سبک‌های متعدد و متنوع زندگی، پابندی افراد را به سبک‌های سنتی تست کرده و با اشاعه الگوها، ارزش‌ها و کالاهای مصرفی نوین، به اشاعه‌ی سبک‌های زندگی نوین می‌پردازد. شهابی در سال ۱۳۷۷ به روش کیفی یک تقسیم‌بندی از سبک‌های زندگی جوانان ایرانی ارائه کرد که براساس آن سه نوع سبک زندگی در بین جوانان ایرانی وجود دارد که شامل سبک زندگی هم‌نواپانه یا متعارف، سبک زندگی بسجی و سبک زندگی جهان وطنانه» (شهابی، ۱۳۸۶: ۳۷)

همچنین محققان دیگری مانند قدیری (۱۳۹۱)، تجزید (۱۳۹۳)، گشنیزجانی (۱۳۹۰)، مجمع (۱۳۸۷)، حاجبانی (۱۳۸۶ و ۱۳۹۲) و قزلسفلی (بهار ۱۳۹۳) نسبت دین و سبک زندگی را بررسی کردند. در این میان باید به کوشش‌های نظری بعضی محققان ایرانی به ویژه فناپیان (۱۳۸۸) و ملکیان (۱۳۹۰) اشاره کرد که در پی ارائه برداشتی خاص از سبک زندگی دینی بود که ماهیت اخلاق - محوری یا معنوی گرایانه داشته و از نظر آنان تحقق دینداری را در دوران مدرن ممکن می‌سازد. «حاجبانی و قهرمانی نژاد شایق ۱۳۹۳: ۵۲۰»

دین اسلام و سبک زندگی:

به لطف حاکمیت فرهنگ ائمه معصومین (علیهم السلام) در قلب‌های ایرانیان، بخش عظیمی از تاریخ ما و همچنین فرهنگ جاری ما، متأثر از دین و برآمده از دین است و دین شکل دهنده و پدیدار کننده سنت خاص در جامعه ایران بوده است. سبک زندگی هر فرد و جامعه‌ای متأثر از نوع باورها و ارزش‌های حاکم بر آن فرد و جامعه است. جهان‌بینی مادی و ارزش‌های لذت‌گرایانه و سودمحورانه طبیعتاً سبک زندگی خاصی را پدید می‌آورند. همان طور که جهان‌بینی الهی و ارزش‌های کمال‌گرایانه و سعادت‌محورانه سبک خاصی از زندگی را شکل می‌دهند. بنابراین دین در گام نخست با ارائه‌ی جهان‌بینی و ایدئولوژی ویژه‌ی زیربنای شکل‌دهی به زیست دین‌دارانه را می‌سازد. در مرحله‌ی بعد دین با ارائه‌ی آداب و دستورالعمل‌های خاصی برای همه‌ی ابعاد زندگی انسان در حقیقت به دنبال شکل‌دهی به نوع خاصی از زیست انسانی است. دستورالعمل‌های اخلاقی و حقوقی و فقهی دین، در واقع به منظور ارائه‌ی الگویی از زیست دینی و خداپسندانه است. دستورالعمل‌هایی که در حوزه‌ی پوشش، خوراک، آرایش، رفتار با خانواده، رفتار با همسایگان، رفتار با هم‌کیشان و غیر هم‌کیشان و تعاملات و ارتباطات بین‌الدینی و بین‌مذهبی در دین مطرح شده است همگی برای ساختن سبک زندگی دینی است. (شرفی ۱۳۹۱: ۳۳-۳۲) شیوه و سبک زندگی در فرهنگ اسلامی برگرفته از اندیشه توحیدی یعنی قرآن و نظام عملی اسلام مبتنی بر شریعت، سیره و سنت ائمه اطهار، می‌باشد اما در نگاه غیراسلامی؛ فرهنگ و سبک زندگی برگرفته از نظریه‌های اجتماعی و نظام عملی فرد در جامعه یعنی قانون است. با توجه به الگوهای ارائه شده در دین اسلام هرچه فرد از نظر سبک زندگی به سبک زندگی اسلامی و ائمه اطهار و قرآن نزدیک تر باشد، فرد موفق تری در جامعه محسوب می‌شود و در رعایت تقوی، عدالت، حقوق دیگران، کار و تلاش پیشگام خواهد بود (پورحسن ۱۳۹۱: ۲۵)

خانواده و سبک زندگی اسلامی ایرانی

خانواده یکی از مهمترین نهادهای جامعه و شکل دهنده‌ی شخصیت آدمی است، خانواده، رکن بنیادین اجتماع بشری و محمل فرهنگ‌های گوناگون است. خشت اولیه تربیت هر فردی در خانواده شکل می‌گیرد. نقطه‌ی عطف تربیت یک انسان در دوران کودکی او شکل می‌گیرد.



توانایی سازگاری با تغییر نیز نشان دهنده عملکرد سالم خانواده است. عملکرد خانواده مناسب می تواند به اعضای آن برای کنار آمدن با شرایط نامناسب و زندگی ناگوار و استرس کمک کننده باشد. اختلال در کارکرد خانواده اعضای آن را دچار سردرگمی، نگرانی و مشکلات ارتباطی می سازد و سلامتی اعضای آن را به مخاطره می اندازد. هر جامعه برای شکل گیری و رشد اجتماعی خود، نیازمند بهره مندی از الگوهای مختلف رفتاری در سطوح مختلف است؛ در ایران نیز مدتی است با ادبیات ویژه ای به این موضوع توجه می شود. نقش خانواده در شکل گیری و نشر این مهم بسیار اساسی است و این مسئله باید در جامعه اسلامی به شکلی محکم و ریشه دار مورد توجه و الگو قرار گیرد؛ سبک زندگی ایرانی - اسلامی با تربیت درست در خانواده شکل می گیرد، زیرا تربیت صحیح در خانواده ها باعث رشد فرزندان صالح، نیکوکار، خدمتگزار به جامعه، پاک و با بصیرت و همچنین معتقد و خداجو می شود که این خود بیانگر زندگی اسلامی با تربیت الهی است. خانواده نخستین مکان برای یادگیری آغازین دانش هاست. نخستین دانش ها مانند سنگ نوشته هایی هستند که همواره پایداری دارند. خانواده از نظر بسیاری از پژوهشگران انتقال دهنده ی اصلی دانش، ارزش ها، نگرش ها، نقش ها و عادات یک نسل است (رایس، ۱۳۸۷: ۲۴۰). «طبیعی است به اقتضای اسلامی بودن جامعه، بر سبک زندگی اسلامی - ایرانی تأکید ویژه ای شود و بر این اساس، برای نهادهای اثرگذار فرهنگی، هم چون خانواده و رسانه، توجه به آموزه های اسلامی و الهام گرفتن از الگوهای معرفی شده در این آموزه ها، برای شکل دادن به نوعی از سبک زندگی متناسب با شاخص های فرهنگی خاص جامعه ی ایرانی، مهم خواهد بود» (خواجه پور، ۱۳۶۲).

مادران و سبک زندگی ایرانی - اسلامی

مادر پس از تولد کودک، نخستین فرد نزدیک به اوست؛ بر این اساس امام خمینی (ره) فرمودند: «اولین مدرسه ای که بچه دارد، دامن مادر است. مادر خوب، بچه ی خوب تربیت می کند و خدای نخواستگاری اگر مادر منحرف باشد، بچه از همان دامن مادر منحرف بیرون می آید». زندگی کودک با ارتباط زیستی میان او و مادرش آغاز می شود و این تأثیر به ویژه در دو سال شیرخوارگی به اوج می رسد. بنابراین علاوه بر تأمین سلامت زیستی او، در شکل گیری سلامت روانی و اخلاقی او نیز مؤثر می باشد. از این رو در سیره ی تربیتی معصومین به خصوص امام علی بر نقش و اهمیت شیر مادر و نیز انتخاب دایه ی شایسته بسیار تأکید شده است (سترگ ۱۳۹۳: ۱۱۶۳). سبک زندگی ایرانی - اسلامی با تربیت درست در خانواده شکل می گیرد. مادر اساسی ترین عنصر خانواده محسوب می شود؛ بدون شک تربیت فرزندان در خانواده و حضور زنان انجام می پذیرد مهم ترین نقشی که برعهده زن نهاده شده که زن با ایفای آن می تواند زیربنای ساخت یک جامعه را تضمین کند، نقش تربیتی است. در میان عوامل متعددی که برای ایجاد و تغییر سبک زندگی، مورد توجه خاص قرار دارد، «نقش مادران» به عنوان گروهی با تأثیرات جدی و مهم در عرصه ی فرهنگ سازی یا فرهنگ سوزی کشور است. زنان به دلایل عدیده ای مانند جایگاه مادری و همسری آن ها در خانواده، نقش مؤثرشان در بحث مدیریت اقتصادی و مصرفی خانواده و اهمیت خاص حجاب و عفاف آن ها در عرصه ی اجتماعی به عنوان رکن اصلی فرهنگ کشور مورد توجه قرار دارند، به طوری که در بحث تهاجم فرهنگی نیز زنان از گروه های مورد توجه برای سرمایه گذاری فرهنگی به شمار می آیند.

یافته های پژوهش:

در تعریف سبک زندگی آمده است که سبک زندگی مجموعه ای از طرز تلقی ها و ارزش ها، شیوه های رفتاری و سلیقه هایی است که نشانگر شرایط زندگی انسان می باشد. این مقاله با موضوع نقش مادران در ترویج سبک زندگی ایرانی - اسلامی شروع شد و اهداف خاصی را پس از طرح پیگیری نمود. نتایج پژوهش ها حاکی از آن است که تغییرات ارزشی در حال وقوع در جامعه ایرانی تغییرات عمده ای بر سبک زندگی جامعه ایران داشته که نشانه های آن در جامعه به وفور دیده می شود. خانواده به عنوان اولین نهاد جامعه، مهمترین و سازنده ترین نقش را برعهده دارد. جامعه ای که نهاد خانواده در آن سالم باشد و بتواند کارکردهای خود را در امر تربیت فرزند به خوبی انجام دهد آن جامعه، یک جامعه پویا و پیشرفته است. از آنجایی که مهمترین و اساسی ترین کارکرد خانواده، آموزش و پرورش فرزندان است، مادر رکن اصلی تربیت است، زیرا با تربیت او زمینه پرورش مردان بزرگ تاریخ فراهم می شود. افراد باید از همان دوران کودکی توسط والدین در خانواده ها با اصول و روش های اسلامی



سبک زندگی ایرانی - اسلامی آشنا شوند و سهم بزرگی از این شیوه تربیتی بدون شک بر عهده مادران است. سبک زندگی زمانی می‌تواند معرف مکتب اسلام و فرهنگ ایرانی باشد که اصول و شرایط آن در تمامی ابعاد زندگی فردی و اجتماعی افراد جامعه جاری و ساری شود. واقعیت این است که رفتار مادر در تربیت فرزند تأثیر بسیار زیادی دارد یعنی مادری که معتقد به ارزش هاست، می‌داند چه باید‌ها و نبایدهایی در زندگی اش جاری باشد و چراغ سبزه‌های زندگی اش چه باشند در نتیجه فرزندش نیز صاحب آن ارزش‌ها می‌شود؛ این اتفاق به خصوص در هفت سال اول زندگی کودک مورد تأکید است. اگر مادر رفتار شایسته و به جا داشته باشد و بر اساس موازین انسانی و اسلامی حرکت کند فرزند هم همان الگو را می‌گیرد، همان طور رفتار می‌کند و صاحب همان ارزش‌ها می‌شود. انسان‌ها برای داشتن یک زندگی سالم و راحت، به سبک و الگوی خاصی از زندگی نیاز دارند که به نظر می‌آید در دین اسلام و فرهنگ ایران زمین بیش از هر آیین و فرهنگی به این مسئله توجه شده است، بزرگان دین و ملی در گفتار و رفتار خود همواره بر نقش مادر در تربیت کودک و نسل تأکید می‌کردند. پس اگر می‌خواهیم سبک غالب در جامعه سبک ایرانی - اسلامی باشد در ابتدا باید مادرانی معتقد و پایبند به اصول و ارزش‌های اسلامی و فرهنگ ملی داشته باشیم.

پیشنهادات:

- ۱- آگاه سازی خانواده‌ها از جایگاه و اهمیت سبک زندگی ایرانی - اسلامی
- ۲- توجه به ارزش و اهمیت نقش مادران در ترویج سبک زندگی و تعریفی درست و اصولی از نقش مادران
- ۳- آموزش آداب و مهارت‌های زندگی اسلامی در بین دختران جوان چرا که آنان مادران فردا هستند.
- ۴- ترویج شیوه‌های و فرهنگ اسلامی ایرانی بین مادران و بانوان



منابع

- ۱) الفت، سعیده و سالمی، آزاد (۱۳۹۱)، فصلنامه مطالعات سبک زندگی، «مفهوم سبک زندگی» شماره ۱.
- ۲) *پور حسن، علی، (۱۳۹۱) الگوی سبک زندگی اسلامی و ضرورت‌های جامعه ایرانی، خبرگزاری جمهوری اسلامی.
- ۳) حاجیانی ابراهیم و قهرمانی نژاد شایق بهالدین، (۱۳۹۳) امکان سنجی تحقق سبک زندگی دینی (اسلامی) در جامعه ایران (براساس سه اثر مفاتیح الحیاء، الحیاء و سراج الشیعه) مطالعات و تحقیقات اجتماعی در ایران، شماره ۴.
- ۴) خواجه پور، محمدمهدی (۱۳۹۳)؛ نگاهی به مبانی سبک زندگی در اسلام و غرب، بوشهر: سفیران مبین.
- ۵) رایس، فیلیپ. ف، (۱۳۸۷) رشد انسان: روان شناسی رشد از تولد تا مرگ، ترجمه ی مهشید فروغان، ارجمند، تهران.
- ۶) سترگ، طاهره (۱۳۹۳)؛ نقش زنان تحصیل کرده علوم دینی بر ترویج زندگی اسلامی، بوشهر: سفیران مبین.
- ۷) شریفی، احمدحسین، (۱۳۹۱) اخلاق و سبک زندگی اسلامی، قم، دفتر نشر معارف.
- ۸) شهبابی، محمد، (۱۳۸۶) سبک‌های زندگی جهان و طنانه در میان جوانان ایرانی و دلالت‌های سیاسی آن، کتاب الگوهای سبک زندگی ایرانیان، مجموعه مقالات، تهران: نشر پژوهشکده تحقیقات استراتژیک.
- ۹) کوئن، بروس، مبانی جامعه‌شناسی، (۱۳۷۸) ترجمه ی غلام عباس توسلی و فاضل، تهران: سمت.
- ۱۰) گیدنز، آنتونی (۱۳۷۸)، تجدد و تشخص در جامعه جدید. ترجمه ناصر موفقیان. تهران: نشر نی.
- ۱۱) گیدنز، آنتونی، (۱۳۸۳)، جهان رها شده، ترجمه ی علی اصغر سعیدی، تهران: نشر توسعه.



حمایت از مادران معلول در پرتو کنوانسیون سازمان ملل متحد در رابطه با حقوق افراد دارای معلولیت

مهوش منفرد؛ دانشجوی دکتری حقوق بین‌الملل عمومی دانشگاه تهران
monfared.mahvash@gmail.com

موسی کرمی؛ کارشناس زبان و ادبیات انگلیسی و کارشناس ارشد حقوق بین‌الملل
mousakarami136767@yahoo.com

چکیده

زنان دارای معلولیت، روزانه در معرض نگرش‌های تبعیض‌آمیز یک جامعه قرار دارند. هنگامی که آنها مادر می‌شوند یا در صدد مادر شدن هستند، این نگرش‌ها، اغلب از سوی مقامات دولتی، متخصصان مراقبت‌های بهداشتی و کارکنان حفاظت از کودکان، اعمال می‌گردد. لذا این دسته از مادران، رفع نیازهای خاص خود را به عنوان والدین معلول از سوی جامعه بی‌نتیجه می‌بینند که دارای عواقب منفی برای مادران و فرزندان آنهاست. این نوشتار کوتاه به بررسی مسائل حقوقی مؤثر بر حقوق مادران دارای معلولیت می‌پردازد. در این رابطه به ارزیابی کنوانسیون ملل متحد و بررسی مقررات آدر رابطه با حمایت از حقوق برابر برای مادران معلول می‌پردازیم. در این بررسی، پتانسیل قانون برای کمک به مادران معلول در مبارزه با تبعیض و فرضیه‌های اشتباه در مورد آنها نشان داده می‌شود. سپس توصیه‌هایی را برای چگونگی تقویت و بهبود تضمین احترام بیشتر به شأن، برابری و حقوق مادرانی که دارای معلولیت هستند، ارائه می‌کنیم.

واژگان کلیدی: مادران معلول، ملل متحد، کنوانسیون حقوق افراد دارای معلولیت، حقوق بشر، معلولیت

مفهوم معلولیت

معلولیت، پدیده‌ای است جهانی که در طول تاریخ و در همه جوامع مطرح بوده و می‌باشد؛ به گونه‌ای که طبق برآورد سازمان بهداشت جهانی ۱۰ درصد از جمعیت جهان را معلولین جسمی ذهنی، روانی و اجتماعی تشکیل می‌دهند (ظهیری‌نیا، ۱۳۹۰، ص ۱۶۲). اصطلاح معلول به فردی اطلاق می‌شود که امکان تهیه و حفظ شغل مناسب برای وی در نتیجه علل و نواقص جسمانی و عقلی به میزان قابل توجهی کاهش یافته باشد (ظهیری‌نیا، پیشین، ص ۱۶۳). سازمان بهداشت جهانی در قالب یک تعریف کلی فرد معلول را کسی می‌داند که بر اثر اختلال بدنی یا روانی نتواند به تناسب سن و محیط خود مستقل و بدون استفاده از وسایل و مراقبت‌های خاص، زندگی روزمره فردی، اقتصادی و اجتماعی خویش را ادامه دهد (محسنی، ۱۳۸۰، ص ۵). تدوین‌کنندگان کنوانسیون حقوق افراد دارای معلولیت سازمان ملل متحد نیز در رابطه با حقوق معلولین اصطلاح «معلولیت» را اینگونه تعریف می‌کنند: «معلولیت یک مفهوم تکاملی است و معلولیت ناشی از تعامل بین افراد مبتلا به اختلالات و موانع نگرشی و محیطی است که مانع مشارکت کامل و مؤثر آنها در جامعه بر مبنای یکسان با دیگران است» (کنوانسیون ملل متحد در رابطه با حمایت از حقوق افراد معلول، ۱۳ دسامبر ۲۰۰۶، مقدمه).

بنابراین، منظور از افراد معلول، اشخاصی است که در واقع از نظر اجتماعی و اقتصادی از یک زندگی مستقل برخوردار نیستند و اگر این محدودیت اجتماعی و اقتصادی برطرف گردد، دیگر در شمار افراد معلول به حساب نمی‌آیند (تراک، ۲۰۱۴، ص ۸). تعریف کنوانسیون ملل متحد از معلولیت، اغلب به عنوان «الگوی اجتماعی» یا «الگوی حقوق بشری» معلولیت است که به عنوان «نتیجه تعاملات بین مردم و محیط اطراف ایشان» توصیف می‌شود (مونت، ۲۰۰۷، ص ۶). این «الگوی اجتماعی» حکایت از آن دارد که ناکامی جامعه در برآوردن نیازهای افراد معلول، و نه شرایط ذهنی یا جسمی آنها، دلیل اصلی گرفتن معلولیت است که افراد دارای معلولیت در زندگی روزمره خود با آن مواجه هستند (کرزرنر، ۲۰۱۰).

پیامدهای معلولیت مادران

شرایط حداقلی که معلولان را با دشواری مضاعف مواجه ساخته‌اند، مولد تبعیض‌های بی‌شماری هستند که این قشر از جامعه را از اولیه‌ترین امکانات محروم می‌سازند و از این رو، مشکلات عدیده‌ای را بر سر راه ایشان قرار می‌دهند. در این میان، مادران معلول تبعیض مضاعفی را



تجربه خواهند کرد؛ تبعیض دوجانبه جنسیت و معلولیت در زندگی معلولان زن به گونه‌ای است که تقریباً کلیه جنبه‌های زندگی آن‌ها از جمله تحصیلات، ازدواج و اشتغال این زنان را تحت تأثیر قرار می‌دهد.

در بیشتر مواقع مادران معلول را برای نگهداری و مراقبت از فرزندان خود فاقد صلاحیت می‌دانند. در همین رابطه در آوریل ۲۰۱۲ در کانادا زن و شوهر یک پسر بچه سالم را به دنیا می‌آورند. انجمن کمک به کودکان، تهدید می‌کند که فرزند خود را تحویل مراکز مخصوص دهند مگر اینکه از سوی یک متخصص بهداشتی مجوز نگهداری وی را دریافت کنند. آنان اولین والدینی نبودند که بر اساس پیش‌دآوری‌های تبعیض آمیز در مورد توانایی خود به خاطر معلولیت، مواجه می‌شدند. کارکنان اجتماعی، ارائه دهندگان مراقبت‌های بهداشتی و دیگر افراد درگیر در زندگی این خانواده‌ها، به جای در نظر گرفتن آنچه که والدین معلول برای نگهداری و مراقبت مؤثر از فرزندان خویش نیاز دارند، اغلب تصور می‌کنند که نیاز والدین به حمایت به معنای ناتوانی ایشان است (کرزبر، پیشین).

بر اساس برآورد سازمان بهداشت جهانی بیشتر بیکاری هر منطقه به ویژه در کشورهای در حال توسعه، به افراد معلول اختصاص دارد که این رقم در زنان معلول دو برابر مردان است در حالی که باید به این موضوع توجه داشت که نرخ بیکاری معلولان به خصوص معلولان زن، آنان را از تأمین هزینه‌های درمانی خود ناتوان می‌سازد. زنان معلول در بازار کار شانس بسیار اندکی دارند (لئونور بلزا، ۲۰۰۳، ص ۳۷).

زنان معلول بیشتر از مردان معلول دچار خشونت، آزار و اذیت، سوءاستفاده و تبعیض می‌شوند؛ زنان معلول در جامعه چند برابر مردان معلول محرومیت و انزوا را تجربه می‌کنند. آنان در برابر سوء استفاده‌ها آسیب‌پذیرتر هستند و برخی از زنان و دختران معلول در منزل مورد تنبیه‌های بدنی قرار می‌گیرند. زنان سالم معمولاً از روابط سودجویانه رنج می‌برند، حال آن‌که این شرایط برای زنان دارای معلولیت بیشتر صدق می‌کند؛ چراکه آن‌ها به دلیل محدودیت‌های فیزیکی و اجتماعی خود مجبورند با این روابط سودجویانه کنار بیایند (همان، ص ۳۸).

چارچوب حقوقی بین‌المللی حمایت از مادران معلول

در این قسمت بحث به بررسی چارچوب قانونی حاکم بر حمایت از مادران معلول و به طور خاص به بررسی کنوانسیون ملل متحد در رابطه با حمایت از حقوق افراد معلول می‌پردازیم. آغاز جنبش‌های حمایت از افراد معلول به اواخر سده نوزدهم و اوایل سده بیستم بازمی‌گردد. برخی از اسناد بین‌المللی از جمله منشور ملل متحد، اعلامیه جهانی حقوق بشر، میثاقین بین‌المللی حقوق مدنی و سیاسی و حقوق اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی بدون ذکر عبارت معلولین بر برابری انسان‌ها در کرامت و حقوق و عدم تبعیض صحه گذاشته‌اند. با توجه به اینکه اطلاق این اسناد به تمام اعضای بشریت است، افراد معلول نیز از حقوق شناخته شده در این اسناد به طور برابر برخوردار خواهند بود (توسلی نائینی و کاویار، ۱۳۸۷، ص ۴۲).

کنوانسیون ملل متحد در رابطه با حمایت از حقوق افراد معلول و پروتکل اختیاری آن

در ۱۲ دسامبر ۲۰۰۶ مجمع عمومی سازمان ملل متحد، کنوانسیون حقوق معلولان و یک پروتکل اختیاری مربوط به آن را تصویب کرد. در کنوانسیون‌های پیشین تنها در یک ماده به معلولان اشاره شده بود. در حالی که اینک یک کنوانسیون به تنهایی در این زمینه تدوین شده بود. در سایه اجرای این کنوانسیون امید می‌رود تا با تضمین‌های ملی و بین‌المللی راه برای ایفای نقش مثبت، سازنده و و تحقق شهروندی کامل از سوی معلولان در جامعه فراهم شود و محرومیت‌های این قشر به سرعت کاهش یابد.

بنابراین، به طور کلی، کنوانسیون سازمان ملل متحد در مورد حقوق افراد معلول اولین توافق جامع بین‌المللی می‌باشد که به صورت تخصصی برای حراست از حقوق معلولین جهان طراحی و تدوین شده و هدف آن «ترویج، حفاظت و تضمین برخورداری کامل و برابر از تمامی حقوق بشر و آزادی‌های اساسی توسط همه افراد معلول و ترویج احترام به شأن ذاتی آن‌ها است. این سند حقوقی بین‌المللی الزام آور، تمامی اشکال تبعیض مبتنی بر معلولیت را ممنوع اعلام کرده و دولت‌ها را ملزم می‌دارد که کلیه اقدامات لازم برای اطمینان از پذیرش مناسب آن صورت گیرد. این کنوانسیون از دولت‌های شرکت‌کننده می‌خواهد که قوانین کشور خود را در راستای تطابق با این شرایط تغییر دهند. این کنوانسیون همچنین دارای یک پروتکل اختیاری راجع به سازگار طرح شکایات است. بر اساس این پروتکل اختیاری، گروه‌ها و افراد می‌توانند از کلیه شیوه‌های مقرر، علیه دولت ناقض حقوق افراد معلول اقدام به اقامه دعوی نمایند.

اهم مقررات حمایتی کنوانسیون مربوط به مادران دارای معلولیت

اگر چه پیش تر به طور گذرا در کنوانسیون‌های جهانی حقوق زن و کودک، اشاراتی به تامین حقوق فردی و جمعی زنان و کودکان معلول شده است، اما کنوانسیون حقوق معلولان در چندین ماده به صراحت بر رعایت حقوق فردی و جمعی زنان و کودکان تأکید ورزیده است. در قسمت بعد به نمونه ای از این موارد اشاره می‌نماییم.

احترام به خانه و خانواده



ماده ۲۳ کنوانسیون، در رابطه با احترام به خانه و خانواده، اینچنین اشعار می‌دارد: «۱. دولت‌های عضو، برای رفع تبعیض نسبت به افراد دارای معلولیت در تمامی موارد مرتبط با ازدواج، خانواده، وظایف والدین و روابط مربوطه بر مبنای برابر با سایرین تدابیر موثر و مناسبی اتخاذ می‌نمایند. ۲. دولت‌های عضو اطمینان حاصل می‌نمایند که کودکان دارای معلولیت در ارتباط با زندگی خانوادگی از حقوق برابر برخوردارند. دولت‌های عضو با هدف تحقق حقوق و جلوگیری از اختفاء، ترک، غفلت و تفکیک کودکان دارای معلولیت، تعهد می‌نمایند تا اطلاعات، خدمات و حمایت‌های اولیه و جامع را به کودکان دارای معلولیت و خانواده آن‌ها ارائه نمایند. ۳. دولت‌های عضو اطمینان حاصل می‌نمایند که کودک از والدین خود بر خلاف اراده وی جدا نگردد مگر زمانی که مقامات صالحه منوط به رسیدگی قضایی تصمیم می‌گیرند که بر اساس قوانین و آیین‌های مربوطه چنین جدایی جهت عالی‌ترین منافع کودک ضرورت دارد، به هیچ وجه کودک از والدین خود بر مبنای معلولیت کودک و یا یکی و یا هر دوی والدین جدا نمی‌گردد. ۴. دولت‌های عضو آنجا که والدین بلافضل قادر نمی‌باشند از کودک دارای معلولیت مراقبت نمایند، متعهد می‌گردند هر گونه تلاشی را جهت ارائه مراقبت‌های جایگزین در درون خانواده بزرگ‌تر و در صورت ناکامی، در درون جامعه در شرایط خانوادگی بعمل آورند».

ماده ۲۳ همچنین به حقوق باروری افراد معلول می‌پردازد که شامل دسترسی به فناوری‌های کمک باروری می‌شوند. به طور خاص، ماده ۲۳، از طرف دولت‌های عضو، اطمینان می‌دهد که: «۱. افراد دارای معلولیت، از جمله کودکان، باروری خود را بر مبنای برابر با سایرین حفظ می‌نمایند. ۲. دولت‌های عضو حقوق و مسئولیت‌های افراد دارای معلولیت را با در نظر گرفتن قیومت، سرپرستی، مسئولیت، فرزندخواندگی و یا سایر رسوم مشابه که اینگونه مفاهیم در قوانین ملی وجود دارد؛ در تمامی موارد عالی‌ترین منافع کودک حائز اولویت می‌باشد. دولت‌های عضو کمک‌های مناسبی را جهت افراد دارای معلولیت در اجرای مسئولیت‌های مرتبط با تربیت کودکان آن‌ها ارائه می‌نمایند».

همچنین ماده ۲۵ مقرر می‌دارد که «دولت‌های عضو، برای افراد دارای معلولیت، حق برخورداری از بالاترین معیارهای نائل شدنی از بهداشت را بدون تبعیض بر مبنای معلولیت، به رسمیت می‌شناسند. دولت‌های عضو تمامی تدابیر مناسب را برای اطمینان از دسترسی افراد دارای معلولیت به خدمات بهداشتی که دارای حساسیت‌های جنسیتی می‌باشند، از جمله توانبخشی مرتبط با بهداشت، اتخاذ می‌نمایند».

برابری و عدم تبعیض

کنوانسیون حاوی حمایت‌های دیگری برای والدین معلول و فرزندان آنها است. والدین معلول همچنان در انجام مسئولیت‌های فرزندپروری خویش با موانعی روبرو می‌شوند. ماده ۵ این موضوع را با ملزم داشتن کشورهای عضو در ممنوعیت تبعیض بر اساس معلولیت، تضمین قانونی که برای افرادی که دارای معلولیت هستند و اتخاذ اقدامات لازم برای اطمینان از ارائه خدمات منطقی، مورد تأکید قرار می‌دهد. ماده ۵ در همین رابطه مقرر می‌دارد: «۱. دولت‌های عضو تمامی افراد را در برابر قانون مساوی دانسته و بدون هیچگونه تبعیضی از حمایت برابر و منافع برابر قانونی برخوردار می‌باشند. ۲. دولت‌های عضو تمامی تبعیضات منبعث از معلولیت را ممنوع نموده و جهت افراد دارای معلولیت برابری و حمایت حقوقی موثر نسبت به تبعیض در تمامی زمینه‌ها را تضمین می‌نمایند. ۳. به منظور ارتقاء برابری و رفع تبعیض، دولت‌های عضو، اقدامات مناسبی را جهت تضمین انطباق منطقی اتخاذ می‌نمایند. ۴. تدابیر ویژه ای که برای تسریع یا دستیابی به برابری عملی افراد دارای معلولیت ضروری است، بر اساس کنوانسیون حاضر تبعیض‌آمیز تلقی نمی‌گردند».

این کنوانسیون همچنین این امر که زنان و دختران معلول از اشکال مختلف تبعیض رنج می‌برند را به رسمیت می‌شناسد و در ماده ۶ دولت‌های عضو را به رعایت حقوق بشر ملزم نموده و از همه کشورها می‌خواهد که اقدامات لازم را برای تضمین توسعه، پیشرفت و توانمندسازی آنها به کار گیرند. ماده ۸ نیز تلاش برای مبارزه با ناآگاهی و تصورات غلط از طریق ملزم داشتن کشورهای عضو به اتخاذ اقدامات فوری، مؤثر و مناسب برای افزایش آگاهی در سراسر جامعه در مورد افراد معلول؛ برای مبارزه با تعصب و شیوه‌های مضر مربوط به افراد معلول و ارتقای آگاهی از توانایی‌ها و مشارکت افراد معلول را مقرر می‌دارد.

دسترسی به عدالت

ماده ۱۳ دسترسی به عدالت را از طریق الزام دولت‌های عضو برای اطمینان از دسترسی مؤثر به عدالت برای افراد معلول بر مبنای مساوی با دیگران، از جمله فراهم آوردن شرایط مناسب برای تسهیل نقش مؤثر آنها به عنوان شرکت‌کنندگان مستقیم و غیر مستقیم (به عنوان شاهدان، به عنوان مثال در تمام مراحل قانونی، از جمله در مراحل تحقیق و دیگر مراحل اولیه) مقرر می‌نماید. علاوه بر این، برای کمک به تأمین دسترسی مؤثر به عدالت برای افراد معلول، کشورهای عضو باید آموزش مناسب برای افرادی که در محاکم قضایی فعالیت می‌کنند را فراهم سازند. همانطور که این گزارش نشان می‌دهد، والدین دارای معلولیت در مشارکت معنادار در دادرسی با موانع زیادی روبرو هستند. ماده ۱۳ قصد دارد این حق را در تضمین کند. این ماده مقرر می‌دارد: «۱. دولت‌های عضو دسترسی مؤثر افراد دارای معلولیت به عدالت بر مبنای برابر با سایرین از جمله از طریق انطباق مناسب با سن، بمنظور تسهیل نقش مؤثر آنان بعنوان حضور یابنده مستقیم و غیر مستقیم مانند شهود



در کلیه آیین دادرسی حقوقی شامل بازجویی و مراحل اولیه رسیدگی را تضمین می نمایند. ۲. بمنظور یاری در تضمین دسترسی موثر به عدالت برای افراد دارای معلولیت، دولت‌های عضو، آموزش مناسب برای افرادی که در حوزه اجرای عدالت از جمله پلیس و کارکنان زندانها کار می نمایند را ارتقاء می بخشند».

استاندارد کافی زندگی

والدین دارای معلولیت و فرزندانشان اغلب در فقر زندگی می کنند. ماده ۲۸ این موضوع را با در نظر گرفتن شرایط کشورهای عضو و با به رسمیت شناختن حق افراد دارای معلولیت برای زندگی مناسب برای خود و خانواده هایشان، از جمله غذای مناسب، لباس و مسکن و بهبود مستمر شرایط زندگی آنها، مورد اشاره قرار می دهد. کشورهای عضو باید اقدامات لازم را برای حمایت، ارتقا و ایفای این حق بدون تبعیض بر اساس معلولیت انجام دهند. علاوه بر این، کشورهای عضو باید اطمینان حاصل کنند که افراد دارای معلولیت و خانواده هایشان که در فقر زندگی می کنند، می توانند با کمک های دولت به آموزش مناسب، مشاوره، کمک مالی و مراقب های کوتاه مدت و همچنین برنامه های مسکن عمومی دسترسی یابند.

نتیجه گیری

تاریخ مشخصی برای حضور مادران معلول در جامعه نمی توان ذکر کرد، زیرا به نظر می رسد این گروه، در طول تاریخ حضور داشته اند. اما هرگاه سخنی از آنان به میان آمده با نگرشی همراه با ترحم با عناد و درشتی همراه بوده است. در حالی که تغییر دادن چنین دیدگاههایی زمان زیادی می برد، در این نوشتار ما طیف گسترده ای از گام های مشخص را ارائه دادیم که دولت ها می توانند امروزه برای احترام، حمایت و اجرای حقوق قانونی مادران معلول اتخاذ نمایند. متن کنوانسیون ملل متحد نشان می دهد که تقریباً تمامی جنبه های انسانی و حقوقی مرتبط با افراد دارای معلولیت به خوبی پوشش داده شده است و کشورها می توانند به راحتی با داشتن حق تحفظ نسبت به تصویب و اجرای کنوانسیون در حیطه ی مقررات و قوانین خود اقدام کنند. با توجه به اینکه اطلاق این سند به تمام افراد معلول است لذا مادران دارای معلولیت نیز از حقوق شناخته شده در این اسناد به طور برابر برخوردار خواهند بود.



منابع

- توسلی نائینی، م. و کاویار، م. (پاییز ۱۳۸۷). «تاملی بر حقوق معلولان از منظر کنوانسیون حقوق معلولان و سایر اسناد بین المللی». *اندیشه‌های حقوق خصوصی*، دوره ۵، شماره ۱۳: ۲۹-۵۰.
- ظهیری‌نیا، م. (۱۳۹۰). «بررسی پیامدهای فردی و اجتماعی معلولیت». *پژوهش‌نامه فرهنگی هرمنگان*، شماره پیاپی ۱-۲: ۱۸۰-۱۶۲.
- محسنی، م. (۱۳۸۰). *جامعه‌شناسی پزشکی و بهداشت*. تهران، کتابخانه طهوری.
- Daniel Mont, "Measuring Disability Prevalence," (World Bank, ۲۰۰۷).
- Track, L. (September ۲۰۱۴), *Able Mothers: The Intersection of Parenting, Disability and the Law*, Vancouver, LEAF.
- Kerzner, L. (December ۲۰۱۰) "Providing Legal Services to People with Disabilities", ARCH Disability Law Centre.
- Convention on the Rights of with Disabilities (CRPD) and CRPD Optional Protocol, GA Res. ۶۱/۶۱۱; ۱۵ IHRR ۲۵۵.
- Leonor Beleza, M., (۲۰۰۴), *Discrimination against Women with Disabilities*, Strasburg, Council of Europe Publishing.